اطلاعات

در یک ربع قرن



اطلاعات

در یکربع قرن

حوادث مهم یکربع قرن
در یکجلد کتاب

تقدیم بخوانندگان محترم

بمناسبت جشن بیست و پنجمین سال
روزنامهٔ اطلاعات

قیمت در تهران و تمام کشور = ده = ریال

حق تقدم خرید با مشترکین و خوانندگان اطلاعات است

۱۷ مهرماه ۱۳۲۹

مندرجات این کتاب :

۱ - چگونگی تأسیس اطلاعات

۲ - حوادث مهم شانزده سال حکومت اعلیحضرت فقید

۳ - وقایع مهم بعد از شهریور

٤ - سازمان اطلاعات

۱ - پس ازدوصفحه مقدمه از صفحهٔ ٥ تا صفحهٔ ٢٤ در پیرامون پیدایش اداره اطلاعات و اینکه این مؤسسهٔ فرهنگی چگونه بوجود آمد و چطور یکربع قرن مدارج کمال را پیمود بحث شده است .

۲ - از صفحهٔ ٢٥ تا ۱۹۹ حوادث مهم کشور و بعضی وقایع مهم جهان نقل گردیده و در پارهٔ از این وقایع نظریاتی اضافه بر آنچه آن روز واقع شده اظهار گردیده و درحقیقت وقایع مهم شانزده سال حکومت اعلیحضرت رضاشاه فقید بصورت جامع و کامل منعکس شده بطوری که بتوان آن را مجموعهٔ حوادث مهم شانزده سال سلطنت شاه فقید دانست .

۳ - از صفحهٔ ۲۰۰ بوقایع بعد از شهریور ۱۳۲۰ اختصاص یافته که این قسمت بقلم آقای عباس مسعودی نوشته شده وبسیاری از قسمت‌های جالب توجه وحوادثی که استحضار آن برای عموم مفید است ومسائلی که هیچگاه تاکنون چاپ نشده دراین قسمت بچاپ رسیده است .

٤ - مجموعهٔ حوادث مهم بیست و پنج سال که از ۱٦ سال دوره سلطنت رضا شاه فقید ونه سال دوره سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه تشکیل میگردد تا صفحهٔ ٢٦٨ پایان می پذیرد وپس از آن سازمان اطلاعات در ٤٨ صفحه ضمیمه میباشد. سازمان اطلاعات شامل بخشهای مختلف نویسندگی ، اداری وفنی است که هرقسمت بطورجامع باعکس ومطلب توضیح داده شده است .



آقای عباس مسعودی

بنام خدا

که همواره او را ناظر افکار و اعمال خود دانسته ایم

در کشوری مثل ایران که هنوز توده های عظیمی از نعمت فرهنك بی بهره هستند و عدهٔ بیشماری نیز از تربیت حقیقی محروم مانده اند و مردم تحت تأثیر همین عوامل عقب ماندگی که اهم مصائب امروز ما میباشد کمتر پیرامون کارهای ملی میگردند و فعالیت افراد فهمیده و هنرمند کشور ضایع و باطل میگردد، تاسیس یك مؤسسهٔ فرهنگی که باین پایهٔ وسعت و تکامل برسد کار آسانی نیست. آنها که بامطبوعات سروکار دارند، میتوانند میزان فداکاری و حسن نیت پشتکار و پایداری آقای عباس مسعودی مؤسس تشکیلات کنونی اطلاعات را درك کنند و تشخیص دهند که بیست و پنج سال روزنامه نگاری توأم بامشقات و ناملایمات و مشکلاتی که درحکومت سابق ودوره کنونی برای ایشان و این مؤسسه وجود داشته است، چه ارزش ومقامی دارد.

بیست و پنج سال روزنامه‌نویسی وایستادگی در برابر سختی ها وپیش آمدها واشکالتراشیها کار آسانی نیست. فقط عشق وعلاقهٔ مؤسس این سازمان وصمیمیت وصداقت وکوشش و وفاداری کسانی که حلقه‌وار اطراف مدیر محبوب اطلاعات جمع شدند عامل بزرك بقا و پیشرفت این مؤسسهٔ ملی گردید.

اکنون که جشن بیست و پنج سالهٔ روزنامهٔ اطلاعات منعقد میگردد کارمندان اطلاعات مفتخرند که باین موفقیت بزرك نائل گردیده‌و بموقع میدانند که تشکرات صمیمانهٔ خودرا حضور ذوات معظم و گرامی که در طول‌این مدت از جنبه‌های مختلف مارا کمك و یاری فرموده‌اندتقدیم دارند. شك نیست که ما این موفقیت را پس از فضل خداوندی مدیون ملت نجیب و عزیز ایران هستیم که باحسن استقبال خود مؤسسهٔ مارا مساعدت فرموده و در نتیجه ما توانسته ایم خدمات

خود را توأم با مصلحت جامعه و صلاح کشور ادامه دهیم و در راه تکمیل و توسعه مؤسسهٔ اطلاعات بکوشیم وبمرحلهٔ کنونی نائل کردیم .

خوانندگان عزیز اطلاعات همچنان که در طول یکربع قرن ما خدمتگذاران خود را آزموده اند اطمینان داشته باشند که در آینده نیز ما هرگز از جادهٔ حقیقت و انصاف خارج نشده وهدف و آرزوئی جز راهنمائی وهدایت صادقانهٔ افکار عامه و کمك بروشنائی اذهان هم میهنان گرامی نخواهیم داشت و همچنان راه خود را درخدمتگذاری تعقیب خواهیم کرد واز خداوند متعال توفیق می‌طلبیم واز ملت عزیز ایران پشتیبانی و تقویت میخواهیم که ما را در این مقصود و منظور ملی یاری فرمایند و انتظار داریم مردم توجه و عنایت خود را همچنان از این مؤسسهٔ فرهنگی که متعلق بخود آنها و این کشور است دریغ ومضایقه نفرمایند .

کتابی که بمناسبت جشن بیست و پنج سالهٔ اطلاعات منتشر میشود مشتمل برچند قسمت است که هرقسمت مکمل قسمت دیگر میباشد .

این کتاب بهترین هدیهٔ نفیسی است که ازطرف کارمندان اطلاعات بخوانندگان عزیز تقدیم میگردد . درخلال این کتاب حوادث مهم یکربع قرن در دسترس خوانندگان محترم قرار می‌گیرد بعلاوه دوستان و علاقمندان اطلاعات بچگونگی پیدایش این مؤسسه و سازمان کنونی آن آگاه میشوند .

هیئت مدیرهٔ کارمندان اطلاعات از قدیمی ترین عضو این مؤسسه که از بدو تشکیل روزنامه تا امروز صادقانه خدمت میکند تقاضا نمود ترتیب وتنظیم گزارش یکربع قرن خدمات اطلاعات بضمیمهٔ اقتباس و نقل حوادث مهم بیست و پنج ساله را برعهده گیرد ایشان هم قبول کردند و کتابی که از صفحهٔ مقابل شروع میشود تا شهریور ۱۳۲۰ که رشتهٔ تحریر را خود آقای مسعودی بدست گرفتند اثر زحمات قدیمی ترین کارمند عزیز ما میباشد که با اطلاعات خصوصی ومطمئن خود که درجریان حوادث بوده‌اند تلفیق کرده و بعرض خوانندگان محترم میرسد .

بدون تردید این کتاب بعلت تعداد کثیری که از آن بطبع رسیده و عجله‌ای که درچاپ آن بکار رفته است برای اینکه در موقع انعقاد جشن حاضر باشد خالی از غلط و اشتباهات مطبعه و حروف چینی نیست و رعایت نفاست طبع آنطور که این مؤسسه قادر است و میتواند انجام دهد در آن نشده که از این حیث قبلا معذرت می‌طلبیم و امید عفو و اغماض داریم .

« هیئت مدیرهٔ کارمندان اطلاعات »

اطلاعات در یک ربع قرن

چندروز پیش توانستم موافقت ایشان را جلب کنم اجازه گرفتم آنچه درطی بیست و دو سه سال خدمت خود در اداره اطلاعات میدانم بی‌پروا برشته تحریر در آورم.

او هر گز باین امر راضی نمیشد بخصوص بتفصیلی که من میخواهم بنویسم. او باز هم عقیده همیشگی خود را دائر بسکوت وعدم تظاهر و خودستائی تکرار میکرد. گفتم آقای مسعودی تیرماه همین سال روزنامه عمر بیست و پنج ساله خود را شروع میکند و یکربع قرن است اطلاعات در این کشور با نظم و ترتیب بی‌سابقه ای انتشار یافته و باین مناسبت اقتضا دارد خاطراتی را یاد آور و نکاتی را از خوب و بد کارهای خود متذکر شویم. گفت اطلاعات خوب یا بد آنچه بوده و هست مردم میدانند و دلیلی در دست نیست که خاطرات گذشته را تلخ یا شیرین تکرار نمائیم، بعلاوه هنوز سال بیست و پنجم و یك ربع قرن که میگوئید فرا نرسیده البته با فرا رسیدن آن قصد دارم مجلس جشنی منعقد سازم و از کارمندان عزیز اطلاعات که با کمال صداقت و صمیمیت با من همکاری کرده‌اند قدردانی نمایم.

گفتم اشتباه می کنید خدمت مطبوعاتی شما از یکربع قرن تجاوز میکند زیرا پیش از اینکه روزنامه اطلاعات را منتشر سازید اداره خبرنگاری بنام مرکز اطلاعات داشتید که آن سازمان بمنزله آژانس خبرگزاری بود و اخبار داخله و خارجه را مرتب بروزنامه‌ها و جرایدمیدادید اگر آن مدت را بحساب بیاوریم. خدمات نامه نگاری شما از یك ربع قرن بیشتر است و بنابراین اگر اجازه بدهید تحت عنوان اطلاعات در یك ربع قرن آنچه را می‌دانم بنویسم البته سعی میکنم کوتاه و جالب توجه باشد.

باز هم آقای مسعودی موافقت نکرد و گفت ضرورتی ندارد و از این کار صرفنظر کنید بر آشفتم و مطالبی بین من و ایشان با عصبانیت و تاثر رد و بدل شد که سرانجام موافقت نمودند آنچه بنظرم میرسید و آنچه درطی این مدت از نزدیك شاهد و ناظر آن بوده‌ام بیطرفانه بدون هیچ ملاحظه در دسترس افکار و قضاوت عمومی بگذارم و اکنون برای شما خوانندگان عزیز توضیح می‌دهم چگونه ایشان رضایت دادند.

گفتم متجاوز از هشت سال است ما کارمندان اطلاعات کـه با کمال علاقه دراین اداره کار می کنیم خون دل میخوریم، مورد طعن و لعن، تهمت و افترا قرار می گیریم بما نسبت‌هائی میدهند که ما از آن مبری هستیم، ما باین مملکت و باین مردم خدمت می کنیم چرا خدمات و زحمات خود را نگوئیم اگر با آنچه در اطراف شما سم پاشی می کنند بی‌اعتناء می‌باشید تقصیر و گناه ما چیست که در این اداره کار میکنیم و باید با آتش شما بسوزیم.

هشت سال تبلیغات زهر آلود یك نواخت، وقتی تکرار میشـود و هزار بار یك مطلب گفته می‌شود و بدون جواب می‌ماند در مغزها جای میگیرد و در افکار تاثیری بخشد و کسانی که از نزدیك شما را نمی‌شناسند باور می کنند

گفتند اشتباه می کنید تبلیغ درصورتی تاثیر می‌بخشد و در فکر و قلب مردم جای می گیرد که مقرون بحقیقت و واقع باشد، اگر صد یك آنچه در باره من گفته اند حقیقت داشت موقعیت من بکلی از بین رفته بود و در انظار

عمومی خفیف و سرافکنده بودم ، امابینید که در برابر اینهمه تهمت وافتراء و هتاکی های هشت ساله دوره جدید توأم باهرج ومرج توجه وعنایت عمومی نسبت بمن بیشتر میشود زیرا مردم فهمیده و با اطلاع ، مردی که زندگی سیاسی مرا دریکربع قرن مطالعه کرده‌اند بخوبی درك میکنند که جز يك سلسله حقد و حسد ، بغض و کینه محرکی دراین کار وجود ندارد، من پیوسته ازحق حرف زده‌ام قدمی خلاف مردم دوستی ومیهن پرستی برنداشته‌ام ، هتك احترام و حیثیت از کسی نکرده‌ام، فحاشی هتاکی، وهرزه‌درائی کارمن نیست ،مگرتا کنون در روزنامه اطلاعات جز ادب و متانت چیزی دیده اید که مستحق چنین عکس‌العمل آن باشم پس‌چون غرض درکار است مرا باآن کاری نیست.

گفتم اینهارا من میدانم که سالیان درازاست درجزئیات وکلیات امورروزنامه وارد بوده‌ام، مردم فهمیده وعاقل وبصیرباوضاع هم باخبرند وروش عاقلانه شمارا می‌پسندند ولی قبول بفرمائید مردمانی هم هستند که سکوت شمارادلیل بررضایت میدانند وبرای آنهارفته رفته مسلم شده‌است که آنچه را درظرف هشت سال درباره شما گفته ونوشته‌اند و پیوسته همانهارا تکرار می کنند حقیقت دارد، بشماواضح وصریح بگویم که اینعده ازمردم شمارا آدم بدی میدانند، شریك دزدها و غارتگران میدانند ، شمارابی‌عقیده وبی‌ایمان وبی‌پرنسیب قلمداد کرده‌اند، میگویندروزنامه اطلاعات طرفدارظلم و جوروبیعدالتی است اعمال نفوذدردستگاه‌دولت میکندسوءاستفاده میکند ،همه جا وهمه چیزرا قبضه کرده و خیلی حرفها وخلاصه نسبت‌های زیادی بشما داده اند که این مطالب چون صدها بار تکرار شده وهیچ عکس‌العملی ازطرف روزنامه اطلاعات نشان داده نشده مورد قبول عده‌ای ازمردم واقع گردیده‌است. بایدباین اتهامات پاسخ داده شود .

آقای مسعودی چندثانیه بمن خیره‌خیره نگاه کرد وباتعجب گفت من‌شریك دزدان و غارتگرانم ؟ من طرفداری از ظلم وبی‌عدالتی میکنم؟ من‌اعمال نفوذ وسوءاستفاده از دستگاههای‌دولت مینمایم، آیا چنین‌چیزی سراغ‌دارید ؟ آیاممکن‌است‌مردمی پیداشوند وتحت‌تاثیر این تبلیغات قرار گیرند؟

گفتم‌آری ، این‌حرفها وقتی‌چندسال تکرار شد وجواب داده نشدتاثیر می کند مردم باور می کنند ونسبت بماکار کنان روزنامه وشما که مدیرروزنامه هستید بی‌عقیده و بی‌ایمان میشوند وباما بچشم دوست و آشنا نگاه نمی کنند .

گفتند من ازشما تعجب میکنم که‌این‌حرفها را میزید ، گفتم هیچ‌تعجب نکنید که اگر بازهم معایبی که‌از شما می گیرند بلاجواب بگذاریدبرای‌من‌هم که بیست‌وچند سال‌است باشما کاری کنم وسوسه ایجاد میشودباخود میگویم شاید این مطالب راست‌باشد و کم کم عقیده ام از شماسلب میگردد .

اینرا که گفتم مدیر اطلاعات تسلیم نظرمن شد و گفت حالا که‌اینطور معتقدید آنچه را از زندگی من ومشی‌وروش اطلاعات خوب یابدمیدانید بطور اختصار و عاری از خود ستائی و فقط روی توضیح و تشریح مطالب ،آنهم متکی بدلیل ، محکم ومتین بنویسید و در این قسمت آزادی کامل دارید که هرعیب و نقصی هم سراغ دارید ذکر کنید تا اگرشائبه ای در افواه و افکار پیدا شده است‌مرتفع گردد .

***

از این موافقت مدیر بسیار خرسند شدم و وقتی بشارت آنرا به همکاران دیگر دادم همه غرق مسرت شدند ومثل این بود که از تنگنائی نجات یافته اند وحالا خواهند توانست ازآنچه روی غرض و بی انصافی بآنها نسبت داده شده دفاع کنند وخود راآنچه هستند نشان‌بدهند وخدمات‌یکربع قرن اطلاعات را ظاهرسازند

دراین رشته مقالات که هرروز درهمین ستون چاپ خواهد شد تمام‌مطالبی که درطی هشت سال بروز نامه اطلاعات ومدیرش نسبت داده شده‌از ابتدا بتدریج مورد بحث قرارخواهد گرفت ، تاریکی‌ها و روشنائی‌ها،زشتی هاو زیبائی‌ها نشان‌داده خواهد شد تا افکارعمومی قضاوت حقیقی خودرا بنماید .

دراین مقالات از دوره بیست ساله اعلیحضرت فقید نیز گفتگوبمیان‌خواهد آمد و در حقیقت مطالب ازآن زمان شروع میشود و اطلاعات‌بیست وپنج‌ساله شاید دربیست وپنج شماره ، هرشماره دوستون خلاصه شود که درطی‌آن رازهای نهفته نیز گفته خواهد شد .

کار کنان اطلاعات بسیارخوشوقت‌خواهند شد که اگردرخلال نگارش‌این‌سلسله مقالات‌خوانندگان‌محترم‌نظرياتی داشتندوتوضیحات بیشتری‌خواستندمرقوم فرمایند تا مورد گفتگو وبحث وتجزیه وتحلیل قرار گیرد .

چگونه اطلاعات بوجود آمد؟

بیائید بیست و هفت سال بعقب بر گردیم و زندگی آقای عباس مسعودی و چگونگی پیدایش روزنامهٔ اطلاعات را باهم مطالعه نمائیم.

در آن تاریخ بـاید در یك اطاق عمارت کهنه فوقانی خیابان فردوسی امروز (علاءالدوله سابق) متعلق بآقای حاج مهدی سلامت که امروز بکلی تغییر یافته است جوانی را در پشت میز تق ولقی جستجو کنیم که این جوان ساعات بعد ازظهر در گرمای شدید تابستان در زیر شیروانی آهن عرق میریزد و قلم میزند

در این ساعت که همه مردم پایتخت در زیر زمین های خنك استراحت کرده بودند مسعودی تمام وزارتخانه‌ها و ادارات را پیاده پرسه زده و اخبار روز راجمع آوری کرده ومشغول تنظیم آن بود که در ساعت چهار یا پنج بعد از ظهر بادارات جراید تحویل دهد معهذا زندگی ومعیشت او مختل بود و در اینموقع مجبور بود از کار کردن در مطبعه معیشـت خود را تامین نماید

روزنامه‌های تهران یکی پس از دیـگری طالب خبرهائی می شدند که عباس مسعودی تهیه میکرد وهرچه بر تعداد مشترکین اضافه میشد بر زحمت او میافزود زیرا برای جلب توجه روزنامه هـائی که اخبار اورا می خریدند مجبور بود مضمون خبرهارا تغییردهد وهرموضوعی را بچندشکل درآورد.

چیزی نگذشت تابلوئی در خیابان جلوی این بالاخانه نصب گردید که روی آن نوشته شده بود (مرکز اطلاعات)

چندماه بعد این تابلو درسمت دیگر خیابان علاء الدوله در یـکی از بالاخانه‌های کهنه متعلق بخانواده علاء الدوله که یك خانم پیرفرانسوی نیزمنزل داشت دیده‌شد . این تغییر مکان ازبهبود وضع حکایت میکرد ، اینجا مرکز اطلاعات صورت بهتری داشت زیرا از سه اطـاق بزرك ویك ایوان تشکیل میشد . دراینجا مرکز اطلاعات توسعه پیدا کرده بود ومیرفت صورت یك خبر گزاری را پیدا کند زیرا علاوه براخبار داخله ، خبرهای خارجه را که در آن روز بوسیله آژانس هاواس فرانسوی ، آژانس رویتر ، مسکو، برلن گرفته میشد برای روزنامه ها تهیه وتنظـیم می نمود و خبرهای مجلس نیز ازاین مرکز بجراید داده میشد ، باتمام این تفصیل وزحمت طاقت فرسا که ایشان وچـندتن از دوستان صمیمی متحمل میشدند عایدات حاصله مرکـز اطلاعات آنقدر نبود که تکافوی مخارج جاری مؤسسه را بنماید چه رسد کـه ازاین راه ارتزاق واعاشه نمایند و بهمین جهت بود که رفقـای دیگر ایشان ناچار بقبول کارهائی در خارج که وابستگی بمطبوعات داشت شدند ومضیقه مالی وزحمت همچنان گریبان عباس مسعودی را میفشرد ولی اتکای بنفس و اعتماد این جوان بسعی وعمل بالطف خداوندی توام گردید وروزنه‌های امید هرروز بروی او بازتر میگردید .

آبرومند ترین جای مرکز اطلاعات دو اطاق نوساز ویك زیرزمین دریکی از کوچه‌های لاله زار خانه وثوق نظام بود که روزنامه اطلاعات ازهمین محل شروع بانتشار نمود.

اگرروزنامه‌هائی که در آنروز منتشر میشد، قیمت اشتراك اخباری را که ازمرکز اطلاعات می گرفتند مرتب وبحدکافی می پرداختند روزنامه اطلاعات بوجود نمی آمد، بلکه درعوض یك دائرهٔ مهم خبر گزاری در مملکت تاسیس میشد که بادنیا رابطهٔ مبادله مطبوعاتی پیدامیکرد .

ولی حق الاشتراك اخباری که در این مؤسسه بازحمت بسیار جمع آوری میشد آنقدر کم بود که تکافوی مخارج را نمیکرد وهمین مبلغ کم را هم مدیران جراید آنروز نمی پرداختند وحال آنکه روزی یك صفحه و بلکه دو صفحـه روزنامه‌های منتشرهٔ آن روز مطالبی بود که ازاین مؤسسه بآنها داده میشد و کار آنهارا سهل ومخارج آنهاراازحیث داشتن مخبرین متعدد کاسته بود.

سناتور امروزی ما در آن روز مجبور شد فکری بیاندیشد تا بـراین مشکلات غلبه کند، دایره کار را وسعت دهد وبرآبرومندی مؤسسه بیفزاید، باین فکر افتاد که اخبار جمع آوری شدهٔ درمرکز اطلاعات را همه روزه بهمین نام مؤسسه منتشر سازد تاازاین راه بتواند مرکز اطلاعات را تقویت نماید ونظر اصلی خود را درایجاد یك دائرهٔ خبر گزاری مهم تعقیب کند.

تقاضای او برای گرفتن امتیازی بنام روزنامه اطلاعات دراواخرسال ۱۳۰۴ شمسی در وزارت مرحوم نصیرالدوله بدر که روحش شاد باد ، ادارات مربوطه راطی کرده وبشورای عالی فرهنك رفت و بامساعی آقای وزیر خدمتگذار وصدیق فرهنك صادر وتسلیم آقای عباس مسعودی گردید.

در این سالهای اخیر، یعنی بعداز شهریور ۲۰ که کشور عزیز ما دوچار مصیبت بزرگی شد و خسارات بسیار دید ومؤسسه امروزی اطلاعات مورد حقد و حسادت قرار گرفت از جمله حرفهائی که مکرر در سالهای اول بعداز شهریور ۲۰ زده میشد یکی این بود که روزنامه اطلاعات مولود فکر اعلیحضرت رضاشاه فقید و از تاسیسات آن پادشاه است وچون وضع تغییر نموده وحکومت دموکراسی ظاهر گردیده اطلاعات هم که از آثار دیکتاتوری است بایـد محو و نابود شود.

حالا پس از یکربع قرن مامیخواهیم حقایق را درمعرض افکار وقضاوت عامه بگذاریم و آنچه بوده وهستیم روی مدرك وسند ونوشته های روزنامه دردسترس خوانندگان عزیز خود قراردهیم.

آری، باانیکه انتساب بشخص بزرگی مانند اعلیحضرت رضاشاه که خدماتش امروز آشکار شده افتخار است لکن مؤسسه اطلاعات کوچکترین ارتباطی بادستگاه اعلیحضرت فقید نداشته و کمترین مساعدتی در پیشرفت این روزنامه ازطرف آن شاهنشاه با مانشده وخواهیم رسید بمطالبی کـه خوانندگان تعجب خواهند کرد که برخلاف آنچه دشمنان ما انتشار دادند رفتار آن شاهنشاه بزرك نسبت باین روزنامه پیوسته متضمن خسارات مالی بوده و اداره اطـلاعات از لحاظ پیروی افکار نیك آن مرد توانا تحمل آن زحمات و خسارات را می کرد زیـرا مطمئن بود که نظری جز تعالی و ترقی کشور تعقیب نمی شود. این را هم نباید مخفی داشت کـه وقتی اعلیحضرت فقید باحساسات پاك وصداقت وفداکاری و بخصوص پشتکار وفعالیت مدیر اطلاعات پی برد ودانست که این جوان هم مثل خود او برفکر وبازوی خود تکیه نموده جلو میرود و خدمت بکشور را وجههٔ نظر وهمتش قرارداده او را مورد توجه وعنایت خویش قرارداد و اغلب در مسافرت ها اورا باخود همراه میبرد چنانچه در مسافرت مهمی که شاهنشاه بکشور دوست ما ترکیه نمود باانیکه از مدیر اطلاعات اشخاص برجسته تر وجود داشت که صاحب مقام وموقعیت نمایندگی مجلس هم بودند معهذا فقط مسعودی مدیر اطلاعات را جزو ملتزمین رسمی خود گذاشت.

* * *

این معترضه برای بیان مقصودی بود که خوانندگان هنگام مطالعه چگونگی پیدایش اطلاعات وجریان بعدی آن متوجه باشند که اطلاعات از آغاز بامردم وبرای مردم بوده است ودرتمام زندگی سیاسی همین خط مشی را تعقیب کرده است که بقسمتهای مختلف آن بتدریج خواهیم رسید.

اولین شماره اطلاعات تیرماه ۱۳۰۵ روز افتتاح ششمین دوره مجلس شورایملی دردوصفحه انتشار یافت دومین شماره اش یکماه بعد که مجلس ششم طبق قانون اعتبارنامه هارا رسیدگی نموده وآماده کار میگردد منتشر شد، یعنی روزنامه اطلاعات قدم اول را بامجلس برداشت و باانتشار افکار وعقاید نمایندگان ملت که در آنروز شخصیت هائی مانند مؤتمن الملك ومدرس بر کرسی های نمایندگی آن تکیه زده بودند باتکا وپشتیبانی و توجه عموی وارد عرصه نامه نگاری گردید.

با اجازه خوانندگان عزیز اولین مقاله ای که عباس مسعودی درشماره اول اطلاعات منتشر کرده است بعداز ۲۴ سال تجدید مینمائیم تابکیفیت پیدایش اطلاعات بهتر واقف شوند وبتوانیم درشماره های بعد بیان مقصود نمائیم.

ایضاً هم اضافه می کنیم که قصدنداریم ستونهای روزنامه رابا تکرار مطالب گذشته ومثلا سرمقاله ها پرسازیم ولی نقل این مقاله ازلحـاظ تاریخ تأسیس روزنامه جالب توجه میباشد ودر آینده ا گر نقل مطالبی ضرورت پیدا کرد بخلاصه درچندسطر خواهیم پرداخت.

***

اینست سرمقاله اولین شماره روزنامه اطلاعات بتاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ که مصادف باافتتاح دوره ششم مجلس شورایملی ازطرف اعلیحضـرت فقید می باشد ودر حقیقت شش سال بعداز کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ونه ماه پس ازطلوع سلطنت پهلوی است.

آقای عباس مسعودی اولین مقاله خود را درخصوص هدف نامه نگاری ودابره خبر گذاری اطلاعات ازینقرار برشته تحریر در آورده است:

مرکز اطلاعات ونظریات آن

شاید هنوزعده کثیری ازافراد اهالی طهران وبخصوص نقاطدوردستمملکت یافت شوند که اساسا اسم مرکز اطلاعات رانشنیده یاا گر شنیدهاندرصدد برنیامده باشند که ازکار و طرز جریانوتشکیلات آن مطلعشده ودرنتیجه بدانند کهاین ادارهکارش چهومنظور ومقصدش چهوخاصیت آنچیستوآیاقابل استفاده وتوجه خواهد بود یاخیر .متأسفانه اقدامیهمازطرفخوداداره برایمعرفی کاملبوسیله انتشارات وغیره بعمل نیامدهاست که بتمام معنی هموطنانعزیزمستحضر گردند،ولیرویهمرفته میتوان بکار کنان مر کزاطلاعات حقداد کهاز عدمتوجهوعلاقمندی عامه نسبت بایناداره شا کی باشندوازطرفی هم بابد اذعان نمود گرفتاری وفقرطوری گریبانگیر عموم شدهاست که نه تنها نتوانستهاند اینمؤسسه را اقبال نمایند بلکه تقریبا هرمؤسسه ملیدر مملکت مابهمین منوال پیش رفته است زیراچز فکر تأمین معاش یومیهآنهم با هزار گونه مشقت وخون دل فرصتی برای کسیباقی نیماند که بتوانند اینقبیلمؤسساترا سر کشیومقاصد آنانرا مستحضر گردیده کار کنانآنراتشویق وترغیب ووادار بپیشرفتآمال و مقاصد خیرخودنمایند.

بنابر این لازم است مختصری از جریان کاراداره را باطلاع عمومرسانیدهوشرح جزئیات آنومقاصدوافکار کار کنان ومنافعی را که اینمؤسسهبرایملتحائز خواهدبود بواسطه عدمگنجایش بآتیه محول نمائیم.

ایناداره درماه اسد ۱۳۰۲ که تاکنون ۳سال کامل است تأسیس گردیده ودرقدم اول مبادرتبجمعآوری وتمر کز اخبارنقاط داخلیمملکت واطلاعات خارجی نمود ودراینمدت توانسته است خدمات خودرابعالممطبوعات انجام دهد.

خوشبختانه کسانی کهداخل ایناداره گردیدند فقطسرمایه سعیوعملرانصب العین خود نموده باعشقیمفرط وعلاقه مخصوصی که میتوان گفتباموجود بودن هزارها تومان سرمایه امکان نداشت در پیشرفت اداره و نگاهداری آنمجاهدت نمودند مخصوصاً نمیتوان زحماتیرا که ازبدوتأسیسچندنفر جوانان منورالفکر وعلاقمند در ایناداره باهزار گونه سختیومضیقهزندگانی بسر برده اند اغماض نمود بهرحال این مؤسسه درنتیجه سعی وعمل سه ساله کار کنان خود دراین محیط آلوده بفساد اخلاق کهناشی ازبیکاریوفقر وبیچار گی استودراین محیطی که بجای تشویق هزار گونه مشکلاتوموانعبرای خنثی کردناقداماتاینمؤسسه که جزبرایاصلاح وترقیمملکت نیست تهیه میکنند توانسته است عرض اندام نموده قدمهائی بردارد ولیبایدتصدیق کرد کهاین قدمها فوق العاده بطئی برداشته شدهاست زیرا مىبایستاین اداره تابحال طوری توسعه یافته باشد که بتواند دربرابرآژانس هایخارجی عرض وجود نموده واقلا بادو سه اداره اخبار ممالك غربی رابطه مستقیم داشته باشد ولی متاسفانهبراثرجهات فوق و همان بی علاقگیمعمولی هنوز نتوانسته است بابنمقاصد نائل گردد ولیامیدوار است که باتفضل الهی وتوجهات عموی درآتیه موفقیت هایکاملی حاصل کند .

درمملکت اسلامی همسایه و دوست ما تر کیه بنام (اژانساناطولی)اداره اخباری تاسیس گردیده است در نتیجه علاقمندی وتوجه عمویامروزباتمام دنیا مخابرات دارد خوشبختانههمین اداره اخبار دولت تر کیه ازمر کز اطلاعات ایران استقبال کرده چندی قبل دوسه فقره تلگراف بعنوانایناداره مخابره نمود که درجراید مر کزی اشاعت پیدا کرد ولی متاسفانهاداره موفق بمبادلهآن نگردید که بتواند درآتیه رابطه دائمی خود را برقرار نموده مرتبا اخبار ابران را بدهد دلیلآنهم برواضح است و محتاجبتوضیح نیست .

البته امروز فرق این مؤسسه با اداره اخبار ممالك دیگر بقدریاست که اساساطرف مقایسه نیستولی نمیتوان از ذ کر این نکته همخودداری کرد که ادارات اخبار ممالك خارجه در بدو تاسیس يك مؤسسه ضعیفی مثل این اداره بیش نبوده وفقط براثر ثبات خود و بروز علاقمندیوتوجه دولت وافراد ملت توانسته اند آنرا بقدری توسعه بدهند که امروزتشکیلاتآن ازيك وزارتخانه مهمترو باتمام دنیا مخابرات دارند وملاحظه میکنید چه اهمیت ومنافع بزر گی را برای مملکت دربر دارندهیچ نمیتوانتصور کرد که اداراتاخبارممالك خارجه یکمرتبه دارایاین عرضوطول بودهواز ابتدا توانسته اند باب مخابرات را با عالم مفتوح کنند بلکه ترقیاتآن تدریجی وعلت واقعی بیشرفتآنها را باید تنها توجه وعلاقه عمویدانست. شرحتاریخچه آژانس رویتر در انگلستان و آژانسهاواس در فرانسهو سایرین بخوبی نظریه ما را تایید میکند.

اینها مقدماتی است برای لزوم توجه عامه نسبت باین مؤسسه یعنی مؤسسه ملی و ما آنرا انتظاری را که ادارات اخبار ممالک خارجه از هموطنان خود داشته‌اند و استقبال شده است نداریم زیرا باز باید تصدیق کرد که آنها مراتب دیگری را سیر میکنند و ما مدارج دیگری که قابل مقایسه نیست ولی نباید مأیوس شد و حتی‌الامکان باید سعی کرد خودرا در همان شاهراه انداخت.

کارکنان این اداره در دومین قدم برای پیشرفت و توسعه مؤسسه اطلاعات باتکاء توجه و علاقه عموم هموطنان مبادرت بنشر روزنامه‌ای بنام «اطلاعات» خواهند کرد درحقیقت این نامه وسیله‌ایست برای استقبال و جلب توجه عامه نسبت باین مؤسسه که شاید بتواند قدری سریعتر داخل مراحل ترقی و تکامل گردد.

این روزنامه بطور یومیه و مرتب انتشار خواهد یافت و حاوی اخبار و حوادث کلیه نقاط ایران و تفصیل پاره حوادث مهمه دنیا و اخبار خارجه و بعضی مطالب سودمند می‌باشد محسناتی که این روزنامه خواهد داشت ما فعلا شرح نمیدهیم البته پس از انتشار دائم مورد آزمایش عموم واقع خواهد شد همین‌قدر خاطر محترم هموطنان خود را باین نکته متوجه می‌داریم سعی فرمایند وسیله تشویق کارکنان و پیشرفت و ترقی این موسسه ملی را که هیچ اتکائی جز بافکار عمومی ندارد فراهم نمایند و هرقدر این مؤسسه را اقبال نمایند بهمان اندازه بر توسعه اداره و محسنات روزنامه افزوده خواهد شد و متدرجا میتواند اقداماتی که باعث آبرومندی و ترقی و حفظ منافع مملکتی است عهده‌دار و انجام دهد.»

***

بطوریکه خوانندگان محترم ملاحظه فرمودند دراین مقاله آقای عباس مسعودی سختی و مشکلات خودرا در مدت سه‌سال خدمت مطبوعاتی در معرض افکار عامه قرارداده و هموطنان عزیز خودرا بکمک طلبیده واستمداد کرده است که بافکر او در تاسیس یك اداره خبر گزاری ملی مساعدت نمایند و در پایان گفته است این مؤسسه ملی هیچ اتکائی جز بافکار عمومی ندارد و هرقدر این مؤسسه را اقبال نمایند بهمان اندازه بر توسعه اداره و محسنات روزنامه افزوده خواهدشد.

بعد از بیست و چهار سال آقای مسعودی همین برنامه را که آن روز سرلوحه مرام خود قرار داده تعقیب و پیروی می کند. او معتقد است که روزنامه اطلاعات متعلق بمردم و مملکت می باشد و هرقدر این مؤسسه ازطرف مردم بیشتر اقبال شود بهمان اندازه برتوسعه و تکمیل سلسله انتشاراتش افزوده میشود و همین کار را هم کرده‌است وامروز می بینیم که اطلاعات دوصفحهٔ آن‌روز به پیروی همین مرام و بانیروی پشت کار و زحمت، امروز بصورتی در آمده‌است که باعث آبروی ملت ایران، نزدیکانکان است که وقتی این مؤسسه را خارجی ها بازدید میکنند و تشکیلات وسیع آن را که شباهتی بدنیای متمدن و مترقی پیدا کرده است می‌بینند تحسین می کنند و این مؤسسه را نمونه رشد ملی و توسعه فرهنگ و تمدن یك جامعه میدانند.

گفتیم که آقای عباس مسعودی قصد داشت ادارهٔ خبر گزاری ملی دائر نماید مقدمات آن‌را هم درظرف سه‌سال فراهم آورد اما اوضاع واحوال بافکر او کمك نکرد.

اگر او میخواست بامردم کار نکند و نوکری دولت راقبول نماید بخوبی میتوانست مرکز اطلاعات رادر اختیار دولت بگذارد، مثل اغلب نقاط دنیا که این مؤسسات در ابتدای پیدایش کمك خرج ازدولت می گیرند، دست گدائی بسوی دولت دراز کند و بگوید من قدم اول را در تشکیل یك مؤسسه خبر گزاری برداشته‌ام حالا وظیفه دولت است که بیاید کمك کند و این مؤسسه را تقویت نماید تا مانند همین دولت همسایه خود ترکیه آژانس خبر گزاری داشته باشیم.

اما مناعت طبع، بلندنظری، اعتماد واتکای بنفس مانع از آن بود که دست نیاز بسوی دولت دراز کند و مؤسسه‌ای را که باخون دل بوجود آورده‌است، در اختیار دولت بگذارد. او در تمام مدت عمر دراین فکر نیفتاده‌است که از صندوق دولت استفاده کند، او میتوانست شاغل مقامات دولتی گردد، پست‌های مهم بدست آورد، او بهترین فرصت ها را همه‌وقت وحتی در دوره اعلیحضرت فقید داشت و همین اداره تبلیغات امروزی که سالی متجاوز از یك میلیون تومان در آن خرج میشود، فکری است که پس از مسافرت اعلیحضرت پادشاه فقید بترکیه و مشاهده ترقیات آن دولت، برای آن مرحوم پیدا شد و تصمیم گرفت که اداره خبر گزاری تاسیس نماید، در آن‌روز تکلیف تشکیل این اداره را اعلیحضرت فقید بآقای مسعودی فرمودند و بوسیله آقای کاظمی وزیر خارجه وقت بعنوان اینکه اجازه فرمایند

باتوسعه تشکیلات روزنامه خدمتگذاری نمایم از قبول آن خودداری نمود وخوانندگان عزیز باید بخاطر داشته باشند که چندماه پس از بازگشت شاه فقید از ترکیه اداره خبر گزاری پارس در وزارتخارجه بهمت آقای کاظمی وزیر خارجه وقت که نیزدرمسافرت ترکیه همراه بودند بوجود آمدو همان اداره است که امروز بصورت اداره کل تبلیغات و انتشارات درآمده است .

منظور آقای مسعودی از تأسیس مرکز اطلاعات این بود که مؤسساتی نظیر آسوشیتد پرس، یونایتد پرس و خبر گزاریهای ملی دیگر اروپا و امریکا ایجاد کند و بادنیا رابطه مطبوعاتی دایر نماید ، امااین هدف او با تأسیس روزنامه اطلاعات تغییر یافت وخدمات اوازراه نامه نگاری بملت ایران شروع گردید.

پس مسعودی همه وقت ودرهمان روز گارسختی که درمضیقه مالی بودمی توانست از دولت استمداد کند و از روی حق وانصاف کمک مالی دولت رادرتشکیل دائره خبر گزاری جلب نماید ولی نکرد و هیچوقت نکرده و امروزهم نمی کند وامیدوار است همیشه بامردم وبرای مردم وخدمتگذار مردم باشد.

عباس مسعودی مقامات دولتی را که البته آن مقامات هم برای خدمت بمردم ومملکت است دوست ندارد و هیچوقت دنبال نکرده و نمیکند ،هیچگاه ازخزانه دولت نه خود نه کسانش دیناری استفاده نکرده ونمیکنند، هر چه میگویند پوچ است و حال آنکه کمتر کسی را میتوانید نشان بدهید که باین درد مبتلا نباشد یعنی بیك عنوانی تحمیل بخزانه ملت نشده باشد.

بسیاری از رجال بزرك آزادیخواه این کشور ازجمله مرحوم مؤتمن الملك و مشیرالدوله ومرحوم مدرس علاقهٔ فراوانی بروزنامه اطلاعات و عباس مسعودی داشتند که اکنون آقایان پیرنیا گواه وشاهد این ادعا هستند و میدانند همیشه در هروقت که مرحوم مؤتمن‌الملك مطلبی داشتند که درج آن را برای استحضار مردم لازم می دانستند آقای مسعودی میخواستند وفقط بایشان مطلب خود را میدادند ، مرحوم مدرس شرح حال خود را بقلم خود بضمیمه یك قطعه عکس برای درج در روزنامه اطلاعات فرستاد که اگر خوانندگان محترم اجازه فرمایند این مراسله هم ازجمله مطالب تاریخی کشور است که بدرج آن مبادرت خواهیم نمود .

خلاصه ، مسعودی باروش میهن پرستانه وآزادیخواهانه خود بزودی توانست توجه عمومی و رجال شریف وعزیز کشور را بخود معطوف دارد ،آن مردان بزرك دانستند که این جوان شور خدمتگذاری دارد ، می خواهد از روی ایمان وصداقت بملت و مملکت خدمت کند و امروز هم توجه و عنایت رجال شریف آزادیخواه که اسباب افتخار ایران هستند معطوف ایشان می باشد .

ممکن است گفته شود عباس مسعودی آن وقت آدم خوبی بود و بعدها بد ازآب درآمد و ایراداتی که براوی میگیرند وارد است .

من هیچ ایراد و اعتراضی را بدون جواب نخواهم گذاشت وآنچه را که وارد وصحیح باشد قبول واعتراف خواهم کرد بنابرین باید خوانندگان محترم حوصله بخرج دهند تا بهمهٔ مطالب برسیم واگر نقاط ضعفی پیدا شد مورد بحث قرار دهیم .

روزنامه یومیه عصر بیسابقه بود

شماره دوم اطلاعات عصر چهارشنبه ۱۹ مرداد روز شروع مجلس ششم بکار، انتشار یافت وآقای مسعودی دریك ماه فاصله بوسیله مکاتبه وارسال اوراق آبونمان توانست یکعده مشترك برای روزنامه در تهران وشهرستانها پیدا کند ودر سرمقاله این شماره نوشت که از امروز اطلاعات مرتبا عصرها منتشر میشود ووقایع مهم کشورودنیارا در نزدیکترین فرصت دردسترس خوانندگان عزیز میگذارد و گفت که برای حصول این موفقیت توجه وافکار عمومی لازم است که پشتیبان قوی یك مؤسسه ملی بوده تا بتواند پابدایره رشد بگذارد و در پایان اضافه کرد: هموطنان عزیز، قدم اول رابرداشتیم شماهم سعی کنید وسایل تشویق این موسسه ملی را برای توسعه و پیشرفتی که دامنه ترقیاتش فوق العاده وسیع است فراهم کنید، هرقدرشما بیشتر بطرف این روزنامه قدم بردارید هماقدر دراین روزنامه مزایائی خواهید دید که قابل استفاده خواهد بود.

***

انتشار روزنامه یومیه ومرتب عصر درایران بیسابقه بود. ،هیچکس باور نمیکرد که مسعودی بتواند منظم

روزنامه بدهد، آنهم روزنامه‌ای که هیچ تکیه گاه‌مالی جزعواید تك‌شماره که‌آنروزچهارشاهی بودودوشاهی آن واروزنامه فروش هامیگرفتند نداشت؛تنهاعزم‌واراده وزحمت شبانه‌روزی، ایمان وعقیده‌وتوکل‌بخدای متعال‌بود که مسعودی توانست آنچه را در فکر خودبرای تشکیل یك مؤسسه آبرومند می پروراند بمرحله عمل درآورد و باحسن نیت واخلاص‌کامل آنرا دراختیارملت‌ایران بگذارد، مثل‌این بود که درآنروزباوالهام‌شده‌بود: پیشرو،موفق خواهی شد.

روزنامه فروشهااز۱۹مرداد ۱۳۰۵هرروز عصر دراین شهر فریاد زدند اطلاعات و بعداز بیست و چهار سال باز هم عصر ها همین فریاد رامی زنند.

شماخوانندگان‌عزیزتصورمیکنید درجریان این ۲۴ سال، اطلاعات با مشکلات مواجه نشده‌است، دسیسه‌و تحریکات برعلیه او نبوده، حسود ومغرض دردوره اعلیحضرت فقید وجودنداشته است،اخلال وکارشکنی درکار اطلاعات نمی‌شده است، چرا،همه وقت اطلاعات بااین مشکلات دست بـه گریبان بوده ولی‌چون اساس وشالوده این مؤسسه روی اعتماد و اطمینان جامعه گذاشته شده وهمچنان بامردم پیشرفته است وتوده‌های کثیر مردم این مملکت دانسته‌اند که این روزنامـه راه حقیقت وراستی رامی‌پیماید وازدروغ وتهمت‌وافترا اجتناب میکند بدان علاقمند شده وآن‌را دوست‌میدارند وهمین توجه وتکیه گاه افکارعمومی است که این مؤسسه را پا برجا واستوار نگاهداشته‌است که البته وقتی‌طشت‌رسوائی‌حسودان‌ازبام‌بیفتد وبادلیل ومنطق معلوم‌شود کـه آنچه دربارهٔ ما دراین هشت سال تبلیغ کرده‌اند وزهرپاشیده‌اند روی‌حقدوحسدوغرض‌شخصی بوده، آندسته هم که ممکن‌است‌تحت‌تأثیراین تهمت‌ها وسم‌پاشی‌ها قرار گرفته باشند علاقمندیشان تحکیم خواهد یافت وبازمؤسسه اطلاعات علی رغم بدخواهان که درهمه وقت میخواسته‌اند آنراازبیخ وبـن ریشه کن سازند بخیال اینکه ازاین نمد کلاهی بردارند، همچنان مانند کـوه دربرابردسایس‌آنها ایستادگی خواهد کرد وراه متین ومعقول خود را پیش‌خواهد گرفت.

ماکارکنان اطلاعات خداووجدان‌را دربرابرخودقرارداده وبخدمت ملت‌ومملکت کمرهمت بسته‌ایم ودراین راه ترس‌ووحشت نداریم‌واز هیچگونه فداکاری دریغ نخواهیم داشت واین اشتباه بزرگی‌است که بخواهند ماراازراه حقیقت وانصاف منحرف سازند ویاتزلزلی‌درایمان واعتقاد ماوارد نمایند.

***

حالا بدنبال مطلب میرویم،روزی مدیر اطلاعات با چندتن کارمند قدیمی بیست ساله خودصحبت میکرد و چگونگی تاسیس وادامه اطلاعات راشرح میداد ومیگفت:

« پس از انتشار چند شماره دیگر به ته دیك خورد، حساب کاغذ فروش و طلب چاپخانه بالا رفت. حاج آقا رضا کتابچی کاغذفروش جوانمردانه باین‌روزنامه کمك می کرد واطمینان او بدادن اعتباری در حدود یکهزار وپانصد تومان که آن‌روز فوق العاده‌مهم‌بودموجب سعی وجدیت و ایمان وعقیده‌من بکاربود، او فکر میکرد موفق خواهم شد والادرمقابل این طلب خودجزدومیز تحریر وچندصندلی ویك‌تلفن چیزی نمیدید،چاپخانه بوسفور هم‌همین مساعدت‌رامیکرد،دوستی داشتم که امروزهم اورا خیلی دوست میدارم واو منوچهر بزرگمهری است که‌آن‌موقع کارمند پست وتلگراف بود،شرح‌حال نزداوبردم وازاو قرض خواستم.دوست گرامی من تمام آنچه‌را داشت یعنی سیصدتومان بدون‌نوشته‌وسند دراختیار من گذاشت و این‌پول انتشار منظم اطلاعات را که‌در کشور ما عجیب‌بود محفوظ نگاهداشت،این‌دوست شریف اکنون وکیل پایه یك داد گستری در اهواز است که پس ازچندین سال موفق بدریافت طلب‌خویش گردید و اگراین کمك جوانمردانه نرسیده‌بوداطلاعات‌تعطیل‌میشد.»

***

اطلاعات‌سال اول خودرا بامشکلات بسیار بپایان‌رسانید ودرظرف این‌مدت توانست توجه مـردم‌را بخود معطوف سازد واخبار مجلس و خبر های کشور و دنیا را بی طرفانه در دسترس عامـه بگذارد و میزان انتشار را بالا ببرد.

اولین کابینه ای که در دوره ششم به‌مجلس معرفی گردید ازاین قراراست:

مستوفی نخست‌وزیر، وثوق‌الدوله وزیرعدلیه، حاج محتشم‌السلطنه وزیر مالیه، مشاورالممالك انصاری وزیرخارجه، حاج‌مخبرالسلطنه وزیر فوایدعامه، نصیرالدوله‌وزیرمعارف، ذکاء الملك فروغی وزیرجنگ، مشیر

اعظم اتابکی وزیر پست و تلگراف، احتشام السلطنه وزیر کشور که امروز غیر از دو نفر آقایان وثوق الدوله و حاج مخبرالسلطنه بقیه آنها بدرود زندگی گفته‌اند.

ازجمله وقایع مهم این سال که دردوره اول اطلاعات منعکس میباشد مخالفت آقای دکتر مصدق باآقای وثوق‌الدوله است که نطقهای مهمی ازطرف ایشان ومرحوم مدرس بیان شده است. بهمین مناسبت اطلاعات برای اولین‌بار اوقتا درچهارصفحه منتشر شد.

وباز ازجمله وقایع مهم این‌سال کشمکش‌های زیادی‌است که درمجلس جریان داشت ومرحوم مدرس نقش بزرگی داشت وپیوسته افکار ونظریات ایشان دراطلاعات منعکس‌می‌شد تاتاریخ ۷ آبان۱۳۰۵ که سه نفرترور پشت مسجدسپهسالار بمرحوم مدرس حمله‌بردند وچندین تیر بطرف اوخالی کردند تاقلب اورا هدف قرار دهند. خوشبختانه تیرها خطا رفت وآن مرحوم پس‌ازچندروز خوابیدن درمریضخانه که دست چپ ایشان‌را گچ گرفتند دوباره مبارزه خودرا شروع کرد ودرروز۸ آبان‌ماه مسعودی نوشت:

«خطرتروریزم هرلحظه بما نزدیکتر می‌شود و ماباید بگوئیم هرقطره خون مدرس صدها مدرس تولید وجان خود شان رادر راه‌سعادت و استقلال ایران نثارخواهند کرد ومابايد دربرابر سیاست‌های پرپیچ‌و خم خارجی‌تمام اختلافات داخلی‌وجزئی خودمانرا دور ریخته شاه، مجلس و دولت دست بهم داده ونقشه های خودرا درباب احداث راه آهن و کشف نفت واستخراج معادن وپیشرفت مسائل اقتصادی تعقیب نمایند.»

یك‌جلسه مجلس تمام‌بحث‌دراطراف واقعه تیراندازی‌بود ومرحوم داوردرمجلس گفت‌حادثه تیراندازی‌مرحوم مدرس جلوی‌خانه من«ایز» گم کردن‌است دولت‌باید دنبال کشف حقیقت برود وتاهرجا و هر کس موردسوء ظن شد پیش‌برود مجلس باتفاق مؤید شماست.

آقای‌جوادی رئیس‌اداره کل‌ثبت درآنموقع مستنطق وزارت داد گستری وطرف توجه و اعتماد مرحوم مدرس بودند وجریان تحقیقات رابا جلب نظر مرحوم مدرس ایشان بدست گرفتند وتعقیب وباز داشت اشخاص شروع گردید.

موضوع سرباز گیری، استخدام متخصصین برای‌احداث راه‌آهن واستخراج نفت‌ازقدمهای اولیه‌ای بود که مجلس‌ششم برداشت، مالیاتهای‌صنفی‌را الغاء نمود، موجبات تشویق‌صادرات را باوضع قوانین فراهم ساخت ودر عین حال که اطلاعات بامجلس وافکار خوب‌نمایندگان صالح پیش میرفت هروقت‌سوء جریان وغرض‌ورزی مشاهده می‌نمودبشدت‌انتقاد میکردچنانچه درشماره ۱۹ آذر نسبت بلایحه استخدام مستشار بلژیکی(ژامار) که ماده ششم آنرا مجلس رد میکند سخت انتقاد کرده و میگوید: «نمایندگان‌مجلس نباید نظریات خصوصی خودرا درکارهای مملکت اعمال کنند، مجلس‌نمیتواند منکر اصلاحات وبدیهیات‌شود. ا درمنظورمجلس ازرد ماده۶ لایحه صرفه‌جوئی است چرااین‌صرفه‌جوئی‌رادر گشادبازی‌های دیگر نمیکند.»

از کابینه‌مرحوم مستوفی‌درموارد‌مختلف‌پشتیبانی‌می‌نماید. وروش مثبت و طرفداری ازحکومتهائی‌را که بمصلحت کشور تشخیص‌میداده همیشه تعقیب‌می‌نموده ولی‌بالاخره اکثریت مجلس کابینه اول مستوفی‌رامجبور باستعفانمودو کابینه دوم با شرکت چهار نفر از نمایندگان مجلس یعنی آقایان تدین. داور فاطمی. نصرت‌الدوله تشکیل‌شدومرحوم مؤتمن‌الملك نیز ریاست‌مجلس‌را بااصرار قبول نمود ودرهمین‌اوان بود که مرحوم داورعدلیه را منحل‌ساخت وسازمان جدید داد ودرکابینهٔ بعد ازمستوفی یعنی کابینه‌ای که حاج‌مخبرالسلطنه تشکیل‌داد مرحوم داوربازسمت وزارت عدلیه را داشت.

این‌بود خلاصهٔ حوادثی که دردورهٔ اول اطلاعات منعکس گردیده ومقالات و مطالب روزنامه تمام حکایت ازروح پاك وشفافی‌مینماید که جزقصد خدمتگذاری نظردیگری راتعقیب نمیکند

طبقه جوان کشور توجه فرمایند

کیفیت بوجود آمدن اطلاعات وترقی تدریجی آن تاحال حاضر، همچنین زندگی مدیر اطلاعات که از هیچ شروع کرده وبموقعیت کنونی‌رسیده خود شایان توجه است.

خواندن این شرح حال‌وزندگی، مخصوصا برای‌طبقه جوان کشور، جوانانی که بایدمردان‌فردا باشند وامید آینده ایران هستند، آنها که امروز در دبیرستانها ودانشکده‌ها تحصیل میکنند ومیخواهند فردا درعرصه زندگی قدم گذارند، حتی آنها که‌هنوز سی‌وپنج وچهل‌سال سنین‌عمرخودرا طی‌نکرده‌اند برای آنها هم این خاطرات که از یکربع قرن پیش تذکار داده می شود جالب دقت است.

جوانان مامیتوانند بامطالعه سرگذشت مدیر اطلاعات، سرترقی اورا دریابند وا گراین راهرا پسندیدند پیروی کنند و برخلاف تبلیغات زهرآلود حسودان ومغرضان بدانند راهی که اوپیش گرفته وتاامروز جلو آمده است راه خدا وراه خدمت بخلق ومیهن عزیزبوده وسرموفقیت او درطی کردن همین طریق میباشد که آنرا توام بازحمت وفداکاری واعتماد بنفس وعلاقه بکار تعقیب نموده است.

اگر خوانندگان وبخصوص جوانانی که‌رشتهٔ مقالات تاریخی کسی را که جوانی خودرا دراداره اطلاعات شروع کرده واکنون مراحل‌ناتوانی وفرتوتی رامیگذراند، جوانی مجرد بوده وامروز صاحب خانواده وحتی داماد ونوه شده است باتردید تلقی کنند، من ازآنها خواهش میکنم از پدران وکسان مسن‌خود بپرسند ویا باداره اطلاعات تشریف بیاورند ودر کتابخانه آرشیو و دوره‌های روزنامه رادر اختیار بگیرند وازبدو طلوع اطلاعات آن را مطالعه کنند تاحقایق را بهتر دریابند وازنزدیک نمونهٔ یکربع قرن کوشش وزحمت صادقانه را درراه ترقی و تعالی فرهنگ کشور ملاحظه کنند.

اداره اطلاعات باطیب خاطر آماده اجرای این منظور است ومراجعه کنندگان رارهنمائی وپذیرائی خواهد کرد.

مادراین کار اصرار داریم وهمه‌را دعوت می کنیم وحتی در صدد هستیم که این سلسله‌مقالات راجدا گانه نیز طبع نموده ومجانی دردسترس خوانندگان عزیز بگذاریم زیرا این‌نشریه را مانندصدها کتابی که‌ازاین‌مؤسسه فرهنگی بیرون رفته است خدمت بسزائی میدانیم، بااین سلسله نشریات مامیخواهیم روح فداکاری وعلاقمندی وصداقت، وصمیمیت درمردم، بخصوص‌طبقه جوان کشور بوجود آوریم، حس وظیفه شناسی، خیرخواهی واعتماد بنفس رادرآنها ایجاد نمائیم وبالاخره جوانان کشوررا تشویق کنیم که‌دنبال سعی وعمل بروند وازبیکاری ولاابالی گری بپرهیزند و بدانند برای کسانی که به نیروی عقل وبازوی خود تکیه کنند وازمشکلات نهراسند و مقاومت وسرسختی نشان دهند راه ترقی باز است ومیدان فعالیت‌وسیع.

این‌مملکت محتاج‌کار وفعالیت است نه‌محتاج بدبینی ونقالی، ایران مرد کار میخواهدوبیش ازاین‌استعداد ندارد که ازمردم فقیر وزارع‌بی‌چیزعوارض ومالیات گرفته شود و بنام‌حقوق بین جماعاتی تقسیم گردد که کشور بیشتر به‌نیروی آنها درکارهای ملی نیاز دارد.

* * *

مدیر بلندگوی دستگاه دولت (بقول حسودان) حبس وزجر هم‌دیده است ولی مأیوس نشده و رشتهٔ کار خودرا ازدست نداده است و درموقعی که هر کس میخواست خود را زجردیده وحبس کشیده جلوه‌دهد او چیزی نگفت زیرا عقیده بتظاهر ندارد.

درابتدای سلطنت اعلیحضرت پهلوی، شهربانی فشار بسیاربمردم‌وارد میآورد، زهرچشم‌میگرفت، مبادا نغمهٔ مخالفتی آغاز گردد، در آن روز کار مدیر اطلاعات‌برحسب دستور سرهنگ محمدخان درگاهی که بعدها بدرجه سرتیپی نائل گردید بحبس افتاد، اورا بزندان‌بردند وبادزدان‌دریکجا محبوس ساختند، بجرم اینکه خبری مربوط بمرگ یک‌زندانی درزندان بجرایدی که ازاو خبرمیگرفتنداده است، درگاهی امروز دارفانی‌راوداع گفته ولی رئیس تأمینات آنروز آقای فضل‌الله بهرامی ومعاون ایشان‌سرتیپ سهیلی میتوانند بخاطره بیست و شش سال پیش خود مروری‌نمایند، مسعودی ۲۴ساعت سخت ترین ساعات را درزندان که عمداً اورابادزدان

محبوس کرده بودند بسربرد تاروی وساطت آقای دشتی مدیر روزنامه شفق سرخ که ازمرکز اطلاعات خبر میگرفت ازحبس نجات یافت و باوجود تهدیدات بسیار دنباله کار وفعالیت خویش راهمچنان ادامه داد.

مسعودی درموارد مختلف مورد تهدید شهربانی آنروز و شهربانی های بعد قرار میگرفت ، ازخوب و بد مطالب واخباری که درروزنامه منتشرمیساخت ایرادات واعتراضات وحملات سخت بوی میشد وهردفعه احضار او بشهربانی مانند این بود که روح ازبدنش جدا میشود.بقدری درفشارروحی وآزار وزحمت قرارمیگرفت که راستی برحال اومتاثر میشدیم .

درآن ایام، آزادیخواهان امروزی که میدان وسیع برحرارتی برای حفظ اصول مشروطیت وآزادی پیدا کردند نبودند یااگر بودند هر کدام در گوشه و کناری از ترس خزیده بودند،نفس نمی کشیدند ویاعضو همان دستگاه بودند وچه بسا اشخاص که برای حفظ موقعیت ومنافع خودتاجائی که خودرا روی خاک پای در گاهی میانداختند، راه تملق وچاپلوسی را پیش گرفته بودند و بعدازآن هم دیدیم درزمرهٔ آزادیخواهان قرار گرفتند وازفراموشی مردم استفاده کردند ودرهمه حال بشکل آنروزدرآمدند ولی بیچاره مسعودی را که ازاول روزنامه نویسی خود تابحال تغییر رویه نداده،همیشه طرفدار ترقی وسعادت ملت وخواهان استقلال کشور بوده ودراین راه باعوامل بیگانه مبارزه‌های خونین نموده ودر گذشته وحال نسبت بمقام سلطنت وشاه احترام داشته وپیوسته این احترامات راحفظ کرده‌است حسودان از عدم تظاهر و خود نمائی اطلاعات سوءاستفاده نموده اورامتهم ساختند که مدیر اطلاعات شخصی است متلون ونان رابنرخ روز میخورد.

آری، اگر آنروز که پادشاه فقیدرااز کشور خارج کردند ووضع بهم ریخت وهمه آزادیخواه شدند وبرضد ارتجاع و دیکتاتوری قیام کردند، عباس مسعودی هم درصف آزادیخواهان دروغی قرار میگرفت وازحبس و زجر خودصحبت میکردوبر گذشته می تاخت وبعدها هم یعنی امروز که مردم قدر ومنزلت شاهنشاه فقید خدمتگذار را درک کرده‌اند درردیف مداحان رضاشاه کبیرقرارمیگرفت امروزآن آزادیخواهان دروغی حق داشتند صفت و روش تلون خودشان را روی مردی که در تمام زندگی ثابت قدم بوده است بگذارند ولی ما کارمندان اطلاعات دیگر نمیتوانیم تحمل آنهمه بی انصافی وناجوانمردی را درباره خدمتگذار صدیقی که کسی نمیتواند کوچکترین لکه بدنامی وننگ روی او بگذاردبنمائیم .

دلایل این تلون رادرطی هشت سال روزنامه ها صدهابار دردومطلب تکرار کرده‌اند، یکی اینکه میگویند بعدازشهریوراطلاعات نسبت بشاهپورها اهانت نموده و دیگر اینکه درخصوص جواهرات سلطنتی، لایحهٔ شخصی را بنام طبیبی چاپ کرده که این دوموضوع دلیل براین است که اطلاعات نان را بنرخ روز میخورد.

ما انتشار هردوموضوع بالارا دراطلاعات اعتراف می کنیم وجواب میدهیم اما در موقع خود همینکه بمطلب آنروز رسیدیم هم دلیل نگارش این دو ایراد را می گوئیم وهم پرده رابر میداریم ونشان میدهیم که درآن روزگار سخت وعصبانیت وتشنج مردم، تنها مدافع شاهنشاه فقیداطلاعات بود وهمه طرفداران امروزی رضاشاه چنان جازده وآزادیخواه شده بودند که صبح تاشام برعلیه گذشته تبلیغ می کردند ودشنام میدادند و درمجلس شوری حرف میزدند وحتی باشخاصیکه با آنها همصدائی نمیکردند دشنام میدادندوروزی نبود که بوسیله تلفن یانامه مدیر اطلاعات را تهدید بمرگ نکنند ، وهمینکه آبهااز آسیاافتاد دوباره طرفدار گذشته شدند وامروزهم بر کرسی ها ومسند ها تکیه زده‌اند .

نطق بسیاری از نمایندگان مجلس دوازدهم وسیزدهم برضداعلیحضرت رضاشاه یعنی مولای خود در موقع تشنج وعصبانیت مردم دراطلاعات منعکس گردید، آنها میخواستند مردم رابفریبند وطبق دلخواه مردم عصبانی آنروز از شاهنشاه فقید بد گوئی کنند، روزنامه اطلاعات ازلحاظ حفظ بیطرفی که در تمام دوره خدمت نامه نگاری خود تعقیب نموده و اخبار مجلس را بدون نظر حب وبغض منتشر ساخته ،ناچار بود نطق نمایندگان راعلی رغم احساسات خود چاپ کند.

همین نطق‌های نمایندگان در مدت هشت سال موضوع روزنامه هائی قرار گرفت که روی غرض شخصی وحسادت برما می‌تاختند ومیخواستند ما را نزد مردم خفیف

و بوقلمون صفت معرفی کنند یعنی بگویند این مطالب را مدیر اطلاعات درمقالات خود آن روز نوشت و حالا طرفدار رضاشاه‌شده‌است.

مدیر ماهم‌روی غروری که ناشی‌ازاتکای بنفس وعلاقه بکاردارد بما گفت باین‌حرفها وقعی ننهید بگذارید بد خواهان هرچه میخواهند درباره من بگویند .مردم خود بهتر قضاوت‌خواهند کرد مردم بخوبی میدانند که من از لحاظ مملکت خواهی بمقام سلطنت‌چه در گذشته وچه‌حال احترام میگذارم وطرفدارخدمات و فداکاریهای شاه فقید بوده وهستم و در مواقع سخت و خطرناك از کارهای‌خوب او دفاع کرده‌ام چه‌لزوم داردتوضیح واضحات دهم ، بعلاوه‌من که نان خودم‌رامیخورم چرا از کسی‌ترس ووحشت‌داشته باشم !

***

ببخشید ،از ذکر تاریخچه اطلاعات‌منحرف شدم ومطالبی گفتم که جای‌آن‌حالا نبود ،ازاین‌معترضه ها معذرت می طلبم‌وباصل‌مطلب‌می‌پردازم

***

اطلاعات درسال دوم : اولین شماره سال‌دوم ۱۰تیر ۱۳۰۶ منتشر شده‌است. قدم‌بزرگی که درسال‌دوم برداشته شده‌اینست که روزنامه درچهار صفحه انتشاریافته وازمزایای دیگر چاپ گراور در روزنامه می‌باشد که این موضوع تازگی داشته و تا آنموقع‌صنعت چاپ و گراورسازی آنقدرخوب‌نبوده که‌عکس روشن چاپ‌شود وبازحمات بسیاری این مزیت را برروزنامه علاوه نموده و انتشار عکس‌رجال ونمایندگان مجلس‌را وعده‌داده واولین دفعه‌تمثال اعلیحضرت فقیدرا چاپ و عنوان سرلوحهٔ گراور های خود قرار داده‌و درزیر این عکس سطور ذیل جلب توجه میکند :

« خلاصه‌ای ازسجایای اعلیحضرت پهلوی که‌شاید کمتربعرض‌قارئین‌عظام رسیده‌باشد منتشر میسازیم . صفاتیکه دراین‌عصر منحصر بشخص پهلوی است :

۱ ـ فعالیت : ـ برای نمونه مختصری از پروگرام شبانه روزی‌اعلیحضرتش درج میشود : ـ همیشه چهار ساعت بعدازنصف شب بیدار وبکلیه سربازخانه‌ها اعم‌ازپیاده وسواره نظام وتوپخانه‌سرکشی فرموده سپس‌مریضخانه‌ها مدارس نظام رامعاینه ودرموقع طلوع آفتاب برای رسیدگی‌بامور وزارت جنگ آماده‌وپس ازانجام امور مزبور تاظهر شخصا بمسائل‌مملکتی‌پرداخته وبعد ازظهر مجدداً مستعد پذیرفتن اشخاص ومذاکره و مداقه درقضایای سیاسی‌ومملکتی میباشد . شش‌سال است در مواقع‌عادی‌بطریق فوق‌الذکر ودرایام غیرعادی چند برابر شدیدتر ازایشان جدیت‌و فعالیت در کار مشاهده شده و هنوز آثارخستگی در وجودش ظاهر نگردیده است .

۲ـ رشادت:ـ قطع نظراز وقایع مفصلی که درزندگانی اعلیحضرت‌پهلوی‌مصادف وصفحات درخشانی ازرشادت‌های اوباقی مانده ، عزم‌واراده وقوت‌روح اودر ایران کمتر بظهور رسیده‌است . ازقیافه او هویدااست که هیچوقت بیمی‌در خود راه نمیدهد . رفته رفته آن « ترس ازاجانب » که ملکهٔ‌ایرانی‌شده‌بود تخفیف یافته وعنقریب محو خواهد شد .

۳ـ حب بوطن ـ محبت بملت‌ـصمیمیت‌درکار‌ـاین سه‌صفت‌باهمدیگراتصال دارند وهمه در وجود مقدس پهلوی‌بحد اعلی‌تمرکزیافته‌است .دقیقه‌ای ازعمر اونمیگذرد مگراینکه درفکر ترقی وعظمت ایران بوده و اندیشه‌قطع ایادی دشمنان وطن‌را در دماغ‌خود بپروراند‌ومیل دارد جامعه ایرانی‌یکوحدت ملی تشکیل‌بدهد و همه با همدیگر به‌مملکت خدمت کنند واوهم بدون تبعیض همه را دوست داشته باشد . بهمین مناسبت است که درجمیع عملیات خودصمیمیت بخرج‌می‌دهد.حضرتش‌تنها وظیفه یك پادشاهی‌را انجام‌نمیدهدبلکه مانندیك‌رئیس عائله شبانه‌روزمشغول تامین‌سعادت‌وطن وملت‌است

***

این صفات براستی در شخص اعلیحضرت فقید وجود داشت و امروز بعد از یکربع قرن که از آن

تاریخ میگذرد می‌بینیم فقید سعید درتمام‌مراحل حیات خود این‌صفات بارز وپسندیده‌را ازخود ظاهرساخت و اگر خرابکاری متملقین وبعضی اطرافیان نادرست نبود که برای حفظ جاه‌ومقام ومنافع‌خود شاه را اغفال نمودند وذهن آن مردبزرگ را مشوب ساختند هر گز درکارها شدت وسختی پیدا نمیشد وهرگز وقایع شوم شهریور ۲۰ رخ نمیداد وایران عزیزما دوچار اینهمه خسارت وزیان نمیگردید .

دوره های اطلاعات حاضروهمه گواهی میدهد که مادرتمام دوره خدمتگذاری مطبوعاتی خود هیچگاه ازحدود وظیفهٔ نامه نگاری‌خود قدم‌فراتر نگذاشته ایم ، داخل جرگه استفاده جویان نشده ، ازموقعیت خود کوچکترین سوء استفاده رانتموده وپیوسته راه خودرا درترویج فرهنگ وتنویر افکارعمومی واستحضار مردم از وقایع داخل‌وخارج کشور تاآنجا که‌مجاز بودیم فروگذار نمیکردیم .

دراین جاذکری از«مجاز» کردیم این کلمه خیلی معنی دارد ومعلوم میشود بعد ها دردوره های بعد اطلاعات‌ما برمیخوریم باخبار مجاز وغیر مجاز .

آری،چنین است‌واین‌مطلب‌بر کسی پوشیده‌نیست که رفته‌رفته بخصوص درده‌سال آخرسلطنت اعلیحضرت پهلوی نامه نگاری محدود وانتشار مطالب‌ازدستگاهی بنام سانسورمیگذشت وتمام جرایدی که انتشارمی‌یافت در این قید ومشکل‌بودند ومتاسفانه ذهن اعلیحضرت‌را دراین باره طوری مشوش ساخته‌بودند که‌هیچگاه اعتمادپیدانمیکرد وحال‌آنکه اگرمطبوعات‌آزادبودهرگزازراه‌حقیقت‌منحرف نمیگردید وبسیارمفید واقع میشد ، اما وضع سانسور بشدت‌ادامه داشت ووقتی‌اعلیحضرت متوجه این نقص بزرگ شدند و آزادی دادند که دیگرکار ازکار گذشته بود ازینقرار :

کشوردراشغال بیگانگان درآمد، قوای‌روس‌ازشمال‌وقوای‌انگلیس‌ازجنوب میهن مارا زیرچکمه های خود درآورد واعلیحضرت ازتخطی وتجاوزبیگانگان که برخلاف اعلان متارکه که ایشان‌صادر کردند وقراربود دیگرتجاوزنمایندوعمل‌نمودند سخت عصبانی ومتاثر بودند، درآن موقع آقای‌دکترصدیق اعلم ریاست‌اداره‌کل انتشارات‌وتبلیغات رابرعهده داشتندایشان درهمان ایام‌طبق‌دستور شاهنشاه فقیداین‌اداره‌را که تاآنوقت‌بنام‌خبر گزاری پارس‌دروزارتخارجه بودبطرزی‌مفید تشکیل‌دادند.آقای دکترصدیق جلساتی ازمدیران‌روزنامه هادر اداره تبلیغات منعقد ساختند ونیات اعلیحضرت‌را دایر باین که مطبوعات میتوانندآزادانه‌واردمباحث ومسائل‌مهم داخلی‌وخارجی شوندبیان نمودند . ازآنروزسانسوربرداشته شد منتها نظارت و راهنمائی آقای‌دکترصدیق باقی بود

درهمین‌اوان‌بود که سرمقاله کذائی اطلاعات تحت‌عنوان«تأثرملت ایران» انتشاریافت که‌این‌مقاله بهیچوجه مقتضی ومناسب سیاست آنروز که کشورما دراشغال دو دولت قوی قرار گرفته بودنبود .

دراین مقاله از نقض بیطرفی ایران واشغال‌آن از طرف قوای‌بیگانه و اخراج آلمانیها از ایران اظهار تأسف وتأثر شده‌بود .

این‌مقاله‌تأثیرعجیبی درمحافل خارجی،روس‌وانگلیس‌بخشید، متن‌آن‌بدنیا تلگراف‌شد و خبرنگاران خارجی بدست‌وپاافتادند وآنراعمداً شاخ‌وبرگ‌داده‌و اینطور تعبیر وتفسیر کردند که‌مقاله‌مزبورطبق‌دستور صریح‌اعلیحضرت فقید انتشاریافته است درنتیجه پیرامون آن یادداشت‌ها ومکاتبات شدید ردوبدل گردید ودفاع دولت بی‌اثر بود زیرا آنقدرسانسور درمطبوعات بسط وتوسعه داشت که برای هیچ‌فرد ایرانی و خارجی باور کردنی نبود که این مقاله‌را خود اداره‌اطلاعات‌تحریرنموده‌وروی‌فکرونظرخودآزادانه انتشارداده‌است .

خلاصه، خارجی ها سخت برآشفتند واین امررا نشانه طرز فکراعلیحضرت فقید وهم آهنگی او باآلمانها دانستند وامروز که او ازاین‌دنیا درگذشته است ما درپیشگاه خدا ووجدان وملت ایران اعتراف میکنیم که‌روح آن فقید ازمقاله مزبور بی‌اطلاع بود وآنموقع مطبوعات را درنشرمقالات آزاد گذارده بودند ولی دیگر دیرشده بود و کسی باور نمیکرد که روزنامه‌هاآزاد شده‌اند، خلاصه شاه فقید دستورتوقیف روزنامه اطلاعات را داد وتا روزی که آن‌فقید تهران‌را ترک نگفت روزنامه درتوقیف بود وپس از عزیمت ایشان باصفهان روزنامه آزاد شد واین سومین توقیفی بود که در زمان سلطنت پهلوی اطلاعات دوچار گردید که‌بموقع ازآن‌بحث خواهیم کرد.

***

حسودان وبداندیشان تحت عنوان دروغ آزادیخواهی، در طی هشت سال دموکراسی جدید گاه‌بگاه برما

خرده میگیرند وبیش میزنند که چرا اطلاعات کشتن محبوسی را در زندان بعنوان خبر مرگ منتشر میکرد، البته روزنامه های دیگر هم در آن زمان منتشر میشد که این اخبار را می نوشتند ولی چون مورد حقد و حسادت، اطلاعات است پیوسته از ما مؤاخذه کرده و میکنند، بسیار خوب ما هم جور سایر رفقای آنروز را میکشیم.

خوانندهٔ عزیز، آیا کسی را سراغ دارید ندانند که مقصود از خبر مرگ یکمرد سیاسی در زندان در آن موقع چه بود؟ و کسی نمیدانست روزنامه های آن روز که پنج شش روزنامه بودند جرئت انتشار خبری را جز آنچه از دستگاه سانسور میگذشت نداشتند؟

این چه بی انصافی است که بعضی کوته نظران تحت عنوان آزادیخواهی دروغی امروز روا میدارند، اینها در آن موقع کجا بودند که صدایشان در نمیآمد، اگر ترس و وحشت از اوضاع شهربانی آنروز بود و باینجهت همه در سوراخها مخفی شده بودند و یا تعزیه گردان و جزو دستگاه بودند و نفس نمیکشیدند حالا چه میگویند؟ چطور شده که این ملاحظات برای آنها لازم بود و برای دیگران گناه!! گر ترس بود برای همه بود، ما هم بهمان اندازه که آزادیخواهان جان خودرا دوست داشتند و نفس نمیکشیدند، ما هم بحیات خود علاقمند بودیم و زن و بچه خودرا دوست میداشتیم، این آزادیخواهان امروز از کجا سر در آوردند، آنروزها کجا بودند، چرا در طول بیست سال، دوسطر در روزنامه ها عقاید و افکار خودرا منتشر نساختند تا مردم شجاعت و شهامت آنهارا تقدیر و تحسین کنند یا اگر مطبوعات سانسور بود در یك ورقه بنویسند و یا در محفل و مجلسی لااقل بین چند نفر حرف نمی‌زدند و از اوضاع انتقاد نمیکردند؟

حالا انتقاد نکنند، تملق چرا؟ آیا جز تعریف و توصیف و تملق از زبان بعضی از آزادیخواهان دروغی دورهٔ دمکراسی مطلبی از ترس جاری میشد؟ کسی را سراغ دارید گواهی بدهد که در آن موقع یکی از این آزادیخواهان حرفی جز مقتضی زمان و اوضاع روز زده باشد؟

اگر چنین کسی را یافتید و معرفی کردید ما هم اعتراف میکنیم که در انتشار خبر مرگ یك مرد سیاسی در زندان که کشته شده و بجای کشتن مرگ نوشته شده گناهکاریم، بفرمائید مجازات ما چیست روا دارند.

در اینجا امر دائر بود باینکه وقتی سانسور برقرار شد و تخطی از آن مجازات شناخته میشد ما یا باید روزنامه کاری را تعطیل کرده به کناری برویم و یا با در نظر گرفتن اوضاع و احوال کشور خدمت مطبوعاتی خود را ادامه داده و حتی القوه در تنویر افکار و ترویج فرهنگ و پیشرفت یك موسسه فرهنگی گام برداریم و امروز خوشوقت باشیم که در طول این مدت قدمی جز بخیر ملت و کشور برنداشته ایم و خدمات اجتماعی و سلسله مقالات اخلاقی و کتب مفیدهٔ علاوه بر آگاه نمودن روزانه عموم از کلیه اخبار کشور و دنیا در بیست سال انتشار دادیم بهترین معرف خدمتگذاری این مؤسسه بملت ایران میباشد.

حالا در جریان وقایع این موضوعات را میسنجیم و با هم بحث میکنیم که کدام یك برای ملت و مملکت مفیدتر بود و قضاوت آنرا بجامعه واگذار مینمائیم.

✿✿✿

برای اینکه سیرهٔ روزنامه اطلاعات از بدو تاسیس درخصوص عدم تظاهر و خودستائی مشهود گردد و معلوم شود که این موسسه فقط روی صداقت و صمیمیت گام بر میداشته و نظری جز حفظ مصلحت جامعه و خدمت بهم میهنان عزیز از راه توسعه انتشارات خود نداشته لازم میدانم قسمتی از مقاله‌ای که آقای مسعودی بمناسبت سال دوم اطلاعات انتشار داده است نقل نمایم تا وقتی میگوئیم چرا در ظرف هشت و نه سال دمو کراسی جدید در برابر اینهمه اتهامات دفاع نکردیم و حتی نگفتیم که چند سال از آخر دوره سلطنت پهلوی سانسور بشدت وجود داشته است و اگر از مرگ چندتن سیاستمدار در زندان سخنی بیش از آنچه مجاز بوده ایم نگفته ایم و یا در انتشار بعضی مطالب کوتاهی کرده ایم بچه دلیل بوده است، ما در طی این مدت هرگز پیرامون ابراز این چند کلمه هم نگشتیم که این دو سطر را بنویسیم و خودرا از چنگ مغرضان و بدخواهان و حسودان خلاص سازیم، اطمینان داشته و داریم که مردم ما را بخوبی میشناسند و ارزش زحمات و خدمات ما را چه در گذشته و چه در دوره دمو کراسی جدید با وجود پیدایش آنقدر آزادی که بهرج و مرج تبدیل گردید میدانند و مستحضرند که ما در هیچ موقع هیچگاه از جاده عفاف خارج نشده و قلم را جز بهدایت افکار بسمتی دیگر گردش ندادیم و از خود دفاع نکردیم و اینك که بعد از مکوبیم‌ترین باجازه خوانندگان عزیز درمقام بیان حقیقت افتاده ایم ناچار هستیم آنچه‌را در دل داریم برزبان آریم

وبرای یکبار دسته وطبقه‌ایراکه‌از گذشته ما بی‌خبرند یاحوادث ووقایع‌را بخاطر ندارند ، خاطراتی را روی مندرجات روزنامه تجدید نمائیم تاعامه مردم خدمتگزاران خودرا بشناسندوماچند صدنفر که اکنون این مؤسسه را میچرخانیم ودراین‌راه خدمت می کنیم. همچنان بگذشته خود مفتخرباشیم که روی زحمت ورنج با کمال حسن نیت وایمان وعقیده بمملکت توانسته‌ایم خدمات مطبوعاتی خودرابنحواحسن‌انجام دهیم و اکنون در برابر جامعه سربلند وسرافراز باشیم.

دوره های روزنامه اطلاعات حاضراست هر کس‌میتواند آن‌را مطالعه کند وبه‌بیند که مندرجات‌آن چگونه بروفق مرام ومسلك عمومی ومصلحت‌جامعه و کشور جلورفته‌است ، آنچه تعریف وتمجید از رضاشاه‌فقیدشده همه بموقع وموردبوده وازتملق دور بوده‌است زیرا تمام‌مطالب منتشره بمناسبت‌ایجاد راهها، ساختمان پلها ، تاسیس کارخانجات ، احداث‌راه آهن ، ایجادامنیت‌وآرامش کامل‌درسراسر کشور وهزاران خدمتی است که‌این مردبزرگ وطن‌پرست بآب وخاك خود نموده‌است ، هشت ودوازده صفحه روزنامه ازمطالب عام‌المنفعه اخلاقی‌وعلمی‌و دینی پر شده است که‌هنوز هم آن‌مطالب تازگی دارد و اگر نقل شودمورد تحسین‌وتمجیدخواننده‌واقع‌می گردد.

مردان فاضل دانشمند باخدائی مانند آقای راشد درآن‌زمان سلسله‌مقالاتی منتشر میکردند که‌اگر مجالی شد قسمت‌هائی ازآن‌نقل می‌شود تامردم‌قضاوت کنند که‌درآن‌موقع کارمندان اطلاعات چگونه‌وظایف‌ایمانی‌واخلاقی واجتماعی خودرا انجام میدادند .

حالا ازاین‌قسمت ها میگذریم و بموضوع می‌پردازیم ، مقاله‌سال‌دوم‌اطلاعات اینست :

«روزنامه‌اطلاعات باتاییدات الهی وتوجهات عموم هموطنان عزیزسال اول خودرا بپایان رسانیده اینك باب‌مرحله دوم می گذارد ونسبت‌باین موفقیتی که برای کار کنانش حاصل شده ذات باری‌تعالی‌را سپاسگذار و توفیق‌مسئلت مینمائیم.

مابهیچوجه نمیخواهیم اززحمات خود وموانع و مشگلاتی که دراین‌مدت برای روزنامه وجود داشته است ازخود صحبت‌کرده باشیم ولی برای‌اینکه حقایق مکتوم نماند وقدرزحمت معلوم شده و مطالب لازمه هم گفته شود دراین موقع که سال روزنامه تجدید میشود بی‌موقع نمی‌دانیم بخلاف‌عادت روزنامه که تا کنون یك کلمه از خودتعریف وتمجیدنکرده است‌شرحی‌بطور اختصار بعرض قارئین محترم برسانیم: اساس‌وپایه این روز نامه روی سعی و عمل گذاشته شده و از ابتدا روی همین اصل پا بعرصه‌وجود گذارده است .

این‌روزنامه بهیچوجه متکی به‌حزب وجمعیت‌یاطرفدار اشخاص‌نیست‌ودر هرموقع مصالح ومنافع مملکت رابرهر گونه نظریات شخصی‌وخصوصی‌ترجیح‌داده وروی مصالح عامه چیز نوشته‌است‌وهیچگونه استفاده‌ای سوای عایدات روزانه‌خود ندارد وبعبارة اخری‌هیچ اتکائی جز باحساسات وافکارعمومی وتوجهات مخصوصی که هموطنان عزیز تا کنون باین‌روزنامه داشته‌اند ندارد وموفقیت ماهم تا کنون در لوای حفظ‌همین اصل‌واهتمام خاص کار کنان روزنامه وبالاخره سرمایه مادی و معنوی شخصی‌بوده که توانسته‌ایم بعمر خدمتگذاری خودادامه دهیم.

این‌مقدمه برای این‌است که درجه جدیت وپشت‌کار خودرا درانتشار روزنامه مرعی‌داشته ومدعی بشویم این‌روزنامه اولین روزنامه‌ایست درایران که ازروزانتشار تامدت یکسال بدون‌یکشماره تعطیل هرهفته شش‌شماره فقط باتکاء توجهات عامه و سرمایه سعی وعمل بدست قارئین گرام داده شده است .

البته روزنامه‌های مهمی درایران طلوع کرده است‌ولی‌باید تصدیق کرد که ازابتدا بطوریومیه نبوده بلکه هفته دوبار وسه‌بار کم کم هفته پنج نمره وشش‌نمره انتشاریافته است بنابراین این‌موفقیت وفکر بکر انتشار عصرانه درقبال آن‌همه زحمات ومشقات بزر گترین افتخار کار کنان این‌روزنامه میباشد .

اطلاعات درچهار صفحه : ازامروز که بحول وقوة الهی وارد سال‌دوم میشویم تصمیم گرفته‌ایم نواقص روزنامه را که ذیلا بآن اشاره می‌شودمرتفع ساخته و درنتیجه روزنامه را در چهار صفحه عصر انتشار دهیم. الی آخر.... »

***

گفتیم درسال دوم روزنامه نگاری خود بزیبائی وتنوع پرداختیم‌وچاپ‌عکس رامعمول‌ساختیم، اولین گراور ازاعلیحضرت فقید رئیس عالی مملکت بود و دومین‌عکس درشماره دوم سال دوم ازیدو

ملت رئیس مجلس شورای ملی آقای مؤتمن‌الملك پیرنیا زینت‌بخش صفحه اول شده که درزیر آن شرح‌حال و خدمات فقید سعید درج گردیده‌است که شمه‌ای‌ازافکارعالی اورا درپایان‌مطلب‌امروز بیان‌خواهیم داشت.

عکس سوم از مرحوم سید المحققین دیبا نایب رئیس و بعد آقـای‌مرتضی قلی بیات (سهام السلطان) نایب رئیس دیگر مجلس چاپ شده وپس از چند عکس هیئت رئیسه مجلس‌باین اخطار اداره برمیخوریم :

« بواسطه شدت گرمی‌هوا شعبه گراورسازی مطبعه مجلس امروز چهار مرتبه گراور یکی ازآقایان اعضاء هیئت رئیسه مجلس را که عکس‌و سایرکارهای مقدماتی آن تهیه شده‌بودساخته ولی‌خراب در آمد تا ساعت چهارونیم بعدازظهرهم‌منتظرآن‌شدیم‌وبواسطه گرمی‌هواحاضر نگردید.»

باین‌ترتیب موقتا چاپ گراور تعطیل گردید تاتاریخ ۸ شهریور که اعلان‌شده‌است : « اینك که گرمی هوامرتفع وشعبه گراور سازی‌مطبعه‌مجلس‌موفق بساختن چندین گراور ازآقایان نمایندگان مجلس شده است قریبا چاپ عکس‌شروع‌میشود.»

خوانندگان ملاحظه میفرمایند که این صنعت تاچه پایه عقب‌بود که گرما وسرما درساختن گراور مؤثر واقع‌میشد وچاپ عکس‌هم باچه‌مصیبتی‌انجام میگرفت که خودبحث جداگانه دارد و گاهی بشکل تخته سیاهی چاپ میشد که اساسا صاحب عکس شناخته نمیشد.

اداره اطلاعات بااین کیفیت چاپ عکس را درروزنامه معمول‌داشت‌و کم کم آن‌را ترقی داد تا امروز که‌پایه این‌صنعت رابجائی رسانیده که شعبه گراورسازی چاپخانه‌شرکت سهامی چاپ وابسته‌باطلاعات، درهرموقع که‌عکس داده شود کمتر از یکساعت گراور ساخته شده آن را تحویل‌میدهد ودایره هنری گراور سازی از لحاظ نقاشی ورنك آمیزی زیرنظرمردهنرمندی « آقای‌زانیچ‌خواه» که دوسال قبل از طرف این بنگاه برای تکمیل فن گراورسازی باروپا اعزام‌شد، آنقدروسعت‌یافته که‌بهترین کلیشه‌ها وبهترین گراورها ازاین شعبه بیرون میرود ونمونه‌کامل آن‌عکس‌های‌رنگین پشت‌جلد اطلاعات ماهانه‌است که‌همه خوانندگان عزیز ملاحظه فرموده‌اند و تاچندی تصور میکردند که‌این‌عکس‌های رنگی‌درخارج از کشور بچاپ‌میرسد

***

ازمطالب خواندنی‌آن روز اینست که وزیران ومعاونین‌و کم کم‌روسای ادارات کلاه‌لبه‌داری که بنام کلاه پهلوی معمول بودسر میگذاشتندوباز ازمطالب جالب توجه آنموقع‌جنجالی است که بر سر لایحه حفاظت‌جنگل‌ها درمجلس‌روی‌میدهد.حاج مخبرالسلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر فوایدعامه‌لایحه بودجه جنگلها راپیشنهادمیکند بعضی از نمایندگان منجمله آقای‌آقاسیدیعقوب‌مخالف بوده‌وآنراسلب‌حقوق مالکیت‌مردم‌دانسته‌وراضی نبودند که‌این‌لایحه مطرح‌شودبالاخره جنجال میشود و هر قدر رئیس‌الوزراء پشت‌تریبون فریاد میزند که‌آقایان جنگل‌هاباید‌ازطرف دولت سرپرستی شود ومردم لایشعر اشجار راقطع نکنند جمعی‌جنجال می‌نمایند ، نمیگذارندحرف بزنندوزنك واخطار رئیس‌هم بجائی نمیرسد ومجلس‌آرام نمی‌شود بالاخره‌مرحوم مؤتمن‌الملك پیرنیا عصبانی شده‌زنك ممتدی زده‌ومجلس‌ساکت‌میشودومیگویند‌بگذاریداول‌من‌تکلیف‌خودرامعین کنم،آقای‌آقاسیدیعقوب‌سه‌مرتبه‌بشما اخطار کردم متقاعدنشدید حالاباید ماده نظامنامه را درباره شما اجرا کنم، بایدرای گرفته‌شود بخروج شمااز مجلس .

آقاسید یعقوب- بنده نشنیدم - رئیس - اگرتوضیحی‌دارید بفرمائیدوالاباید رأی گرفته شود.

آقاسید یعقوب - والله‌خدا شاهداست بنده نشنیدم .

رئیس - رأی میگیریم بخروج آقاسید یعقوب ازمجلس (عده‌قلیلی قیام کردند) تصویب‌نشد.

رئیس - پس‌تکلیف بنده معلوم‌شد (دراین‌موقع رئیس وهیئت رئیسه‌ازمجلس خارج شدند ومرحوم مؤتمن الملك یکسر بمنزل خودرفتند ونمایندگان‌درخارج دادوفریاد کردند ودیگر جلسه تشکیل نشد)

موضوع باین سادگی خاتمه نیافت ، همان ساعت یکدسته ۴۰ نفری‌ازوکلاء که آقای سید یعقوب هم‌جزو آنهابودند بمنزل مرحوم پیرنیا رفتندواز ایشان خواهش کردند دوباره بمجلس بیایندوایشان امتناع مینمودند.

رئیس‌الوزراء هم‌دراین تقاضا شرکت نموده بوده نمایندگان گفتند که‌آقاسیدیعقوب متوجه‌اخطار ریاست‌مجلس نشده ومقام ریاست آقایان نمایندگان‌راازانتظاری که برای تشریف فرمائی‌خود دارند خارج‌سازندو خوشوقت‌فرمایند.

آقای پیرنیا جوابا شرحی اظهار داشته اند که وظیفه من حفظ نظامات مجلس است و با این ترتیب

تصدیق بفرمائید انتظام مجلس خالی از اشکال نیست. بالاخره در نتیجه مذاکرات زیاد آقای پیرنیا بیکدرجه از اخطار خود تنزل نموده حضور خود را در جلسه به مواخذه از آقا سید یعقوب مو کول می نمایند و میگویند اخطار مؤاخذه از آقاسید یعقوب بایستی بتصویب برسد تا من بدانم که میتوانم حافظ انتظامات و اجرای نظامنامه باشم. نمایندگان خوشحال میشوند و قبول میکنند لذا جلسه بعد بریاست نایب رئیس (مرحوم سید المحققین) تشکیل میشود و باتفاق آراء اخطار مؤاخذه در باره آقاسید یعقوب تصویب میکنند و بعد تنفس میدهند و مرحوم پیرنیا در مجلس شرکت می جویند و جلسه را تشکیل میدهند

اینست خصائل و صفات عالیه‌ای که مرحوم پیرنیا را مقام و موقعیت میداد و ملت ایران اورا دوست میداشت همانطور که در واقعه بلوای جمهوری و اجتماع در مجلس و زد و خورد بین نظامیان و مردم که مرحوم پیرنیا از سردارسپه رئیس الوزرای وقت این جلو گیری و زد و خورد را سخت مؤاخذه نمود و شاهد بودند هم مانند فرد جامعه مقام رئیس ملت را احترام نگذاشت و پوزش طلبید.

**

ازمطالب برجسته سال دوم اطلاعات کشمکشی است که بین دکتر میلسپو رئیس کل مالیه وقت و مرحوم نصرة‌الدوله فیروز وزیر دارائی بوقوع پیوسته است.

دکتر میلسپو در آنروز طرف توجه مردم بود، طرز فکر و عمل او بادفعهٔ دوم خدمت او تفاوت بسیار داشت، مالیه مملکت را سروصورت داد و بودجه کل را تعدیل نموده بود و درباره وضع مالیات مراعات طبقات مولدهٔ ثروت و زارعین را مینمود. فشار و سختگیری او در امور مالی و عدم پرداخت وجوهی جز آنچه مجلس شورای ملی اجازه دهد، رفته رفته کشمکشی ایجاد نموده بود و فکر خاتمه دادن بخدمت مستشاری که دیکتاتور مالیه شده بود درمغزها پرورانده میشد.

اطلاعات از دکترمیلسپو حمایت میکرد. نامه های دکتر میلسپو را درج مینمود و این قضیه خود اسباب رنجش دولت شده بود ولی چون مردم مایل نبودند دکترمیلسپو برود و ازنظر تنظیم امور مالی نیز وجود مفید او بود اطلاعات تماکان نظر میلسپو را تقویت مینمود.

اولین نامه‌ای که دکتر میلسپو خطاب بوزیر دارائی نوشت و در اطلاعات انتشار یافت باین مضمون بود:

«جناب مستطاب آقای وزیر مالیه، نظر باینکه اخیراً یك فقره لایحه مالیاتی جدیدی بمجلس شورایملی تقدیم کرده‌اید لازم میدانم بجناب عالی خاطر نشان کنم که اینجانب لایحه مزبور را تصویب نکرده‌ام..»

در جای دیگر مینویسد: «نظر بمقدار زیادی نفت که اخیراً در امریکا علاوه بر معمول سابق استخراج کرده‌اند و منجر به تنزل قیمت نفت در بازار های عالم شد در ۱۳۰۷ بابت حق‌الامتیاز دولت ازشرکت محدود نفت انگلیس و ایران تخمینا دو کرور تومان کسر عایدی پیش‌بینی میشود. ازطرف دیگر لایحه‌ای که جنابعالی بمجلس تقدیم کرده‌اید تقریبا بیش از دو کرور تومان کسر عایدی تولید خواهد کرد لذا بودجه خرج بهمان میزان کاسته میشود و بدیهی است سال آینده کسر دخل بقدری گزاف خواهد بود که مالیه مملکت رادچار مخاطره خواهد ساخت...

«... راه اصلاح این سهو که ازطرف دولت شده آنست که لایحه را از مجلس شورایملی مسترد دارید تا تجدید نظر لازم در آن بعمل آید و مجدداً بساحت مقدس مجلس تقدیم شود...»

مرحوم نصرة‌الدوله درجواب میلسپو پس از ذکر مقدماتی دایر باین که لایحه جدیدی که تهیه شده بود در کمیسیونی مرکب از آقای تیمور تاش وزیر دربار. آقای فروغی وزیر جنگ. آقای علاء وزیر فواید عامه و خود دکتر میلسپو مطالعه شده است مینویسد: مقدمات تنظیم لایحه صحیح بوده و از مختصر تغییراتی در هیئت وزراء شده بهیچوجه مؤثر در مسائل اساسی نیست بعلاوه مگر بخاطر ندارید که در کمیسیون مکرر بشما و موسس خان و ناصری خطاب کرده و تقاضای تعیین ارقام تقریبی و احتمالی را راجع بکسر مالیات ارضی و عواید جدید ازمالیات غیرارضی وانحصار نمودم. درخصوص کسر عایدات نفت میخواهم بشما تذکر بدهم که اولا مسجل نمودن اینگونه کسور قبل از رسیدن صورت محاسبه و مدارك قطعی دور از مصالح مملکت ایران بوده و ثانیاً گرچنین کسری هم موجود و بمبلغ دو کرور تومان بالغ شود چیزی که هنوز معلوم نیست نباید آنرا وسیله اضطراب و تشویش قرار دهید.»

این مکاتبات کم کم وضع شدیدتری بخود گرفت و در بسیاری از مسائل مالی و اداری موارد اختلاف نظر وزیر دارائی با رئیس کل مالیه بامبادله نامه‌های تند صورت میگرفت تا منتهی بپایان خدمت دکتر میلسپو گردید و مستر

میکاسکی خزانه دار بجای میلسپو بگفالت انتخاب شد ولایحه او باکشمکش وجنجال ازمجلس گذشت وازجمله موافقین دکترمیلسپو آقای تقی زاده وآقای دکترمصدق بودند که هر کدام نطقهای مفصلی کردند.

***

دیگرازکارهای قابل ذکروضع قانونی بود در مجلس که نمایندگان‌را ازوزیرشدن ممنوع‌میساخت. پیشنهاد این قانون برای این شد که بعضی‌ازنمایندگان مجلس سودای وزارت درسرداشتند و ازاینکه چهارتن ازنمایندگان آقایان تدین ، داور، فیروز، فاطمی داخل‌کابینه شده بودند، سایرین هم بهوس افتاده ودر نتیجه مجلس را متشنج میساختند تادولت مستأصل‌شده‌ودرتشکیل‌کابینه تجدید نظرنموده وچند تن‌دیگر ازداوطلبان وزارت را از مجلس جلب نماید.

درآن روز بعضی از نمایندگان متوجه این نکته شدند که بر فرض‌وارد کردن دوسه نفردیگر از وزراء درکابینه مجلس آرامتر نخواهد شد بلکه تشنج شدت می‌یابد زیرا بقیه بهوس می‌افتند . این بود که درتاریخ ۱۹ تیر ۱۳۰۶ طرحی باقید فوریت ازطرف نمایندگان مجلس پیشنهاد شد مبنی براینکه « کلیه رؤسای دوائردولتی ازانتخاب شدن بعضویت‌مجلس شورای ملی درحوزه ماموریت خود محروم خواهند بود » و مرحوم مدرس‌براین ماده واحده علاوه کردند«وهمچنین وزراء درموقع‌انتخابات‌ازتمام مملکت» این‌پیشنهادهم تصویب‌شد.

سپس پیشنهادی بامضای جمعی از نمایندگان بقرارزیر تقدیم‌شد:

« ماده‌الحاقیه – تاانقضاء هر دوره تقنینیه نمایندگان‌مجلس‌شورای‌ملی نمیتوانندهیچیك ازخدمات دولتی‌را موظفا قبول کنندمگر اینکه سه‌ماه‌قبل‌ازقبول‌خدمت‌ازنمایندگی‌استعفابدهند.» وآقای دکترمصدق موافق‌بوده‌وتوضیح مفصلی دادند مبنی براین‌که مجلس رابابد ازاین تشنجات حزبی که بواسطه وزارت پیدا شده است خارج کرد و باید یك اکثریت ثابتی‌را در مجلس بوجودآورد.

پس ازمخالفتها و کشمکش ها ماده الحاقیه تصویب‌شدو‌باین‌ترتیب‌نمایندگان مجلس ممنوع شدند که وارد دولت گردند ومجلس آرام گرفت‌لکن بعدها این ماده تفسیرشد ونمایندگانی که در دولت شرکت می نمودند سه ماه حقوق نمیگرفتندولی‌حقوق آنها بصورت پاداش باتصویب‌نامه صادرمی گردید. درحقیقت قانون‌عملا نسخ‌شد تا دردوره گذشته مجلس که این محدودیت تقریبا برداشته‌شد وحال آنکه قانون بسیار مفیدی بود و مـا در موارد مختلف بخصوص در اینهشت سال اخیر که‌میخواستند قانون‌مزبور رالغو کنند طرفداری خود را در روزنامه حتی‌بصورت‌مبارزه‌ملی‌رغم‌تمایل بسیاری‌ازنمایندگان‌ادامه‌دادیم

***

قوانین‌مفید تخصیص‌اعتبار برای‌احداث‌راه‌آهن،استخدام متخصص‌ذوب‌آهن و تاسیسات عمرانی از مجلس‌می گذشت وقدمهای سودمند دراجرای‌اصلاحات اساسی برداشته می شد

یك روز (۲۴ مرداد۱۳۰۶)شاه‌فقید‌بتفتیش وزارتخانه‌ها پرداخت، صبح خیلی زود بود که ازعمارت ییلاقی سعدآباد حرکت نموده چند دقیقه قبل‌ازساعت‌هفت صبح اتومبیل اعلیحضرت دروزارت فوایدعامه ایستاد . در وزارتخانه هنوزبازنشده وهیچیك ازاعضا حاضر نبودند فقط سرایدار وچندنفر مستخدم مشغول جارو وتمیز کردن اطاقها بوده‌اند ، مستخدمین داخل‌عمارت‌هیچ متوجه نمیشوند فقط می‌بینند صاحب‌منصبی‌درحیاط وزارتخانه قدم‌میزنند ولی وقتی که پیشخدمت شاه فقید بمستخدمین وزارتخانه میگوید مبادا راجع بتشریف آوردن اعلیحضرت باینجا بوزارتخانه‌ها وادارات تلفن کنید، آنوقت‌مستخدمین متوجه موضوع میشوند.

شاه فقید پس‌از قدری‌توقف واستحضار ازاینکه کسی سروقت حاضر نشده از درحیاط گلستان وتخت‌مرمر بوزارت خارجه میروند ، آنجانیزتازه‌بازشده‌و چندتن مستخدم حاضر بوده مشغول آب وجارو بوده‌اند واز حضور اعضاء خبری نبوده است‌وازهمان حیاط وارد عمارت‌وزارت دارائی‌میشوندویکسر بطرف اطاق‌وزیردارائی می‌روند پیشخدمت پرده اطاق وزیر را بالا میزند ولی چون کسی نبوده شاه داخل نشده ، تمام اطاق ها را سر کشی می نماید وهیچکس نبوده درانتهای عمارت کمال الوزاره و سرهنك علائی از اطاقهای خود خارج شده شرفیاب می‌شوند ،‌ازاین اطاق باطاق مترجمین‌میروند عده‌ای‌هم درآنجابودند حاج فطن‌الملك معاون رئیس کل‌مالیه‌شرفیاب واعلیحضرت می‌پرسند مگر ساعت هفت‌صبح وقت حضور اعضاء نیست بعرض‌میرسدبله. ساعت خودرا درآورده نشان

میدهند که الان ده دقیقه ازهفت می گذرد و باین ترتیب یکساعت دیگر هم تمام اعضاء در سرکار حاضر نخواهند بود. این چه وضعی است که در وزارتخانها معمول میباشد. بعد میفرمایند: «این مستخدمینی که کار ثابت دارند وحقوق دولت رامی گیرند با کدام کاروحسن انجام وظیفه اعتصاب هم میکنند.»

شاه از گردش سایر وزارتخانها صرف نظر نموده پیاده در خیابان بسمت وزارت عدلیه رفته وپس از توقفی در دیوان عالی تمیز بسمت خیابان باب همایون میروند واز آنجا بااتومبیل بوزارت جنگ حرکت میکنند ودراین خصوص بعدازوزیران مسئولیت میخواهند وسخت مواخذه میکنند.

روزنامه اطلاعات باین خبر علاوه کرده است که تمام حرف آن روز اعضاء ادارات سرکشی اعلیحضرت بودوهمه بخیال افتاده‌اند که شاه ممکن است این سرکشی وزارتخانها راادامه دهد، از آن روز ببعد ساعات حضور اعضاءوزارتخانها منظم گردید وآنهائیکه تاساعت ۹ هنوز حاضر نمیشدند ازفردا سرساعت ۷ حضور پیدا کردند بخصوص اینکه شایع شد که شاه بازرسانی بوزارتخانها خواهد فرستاد که حضوروغیاب وکاراعضاء ادارات رارسیدگی وگزارش دهند باینجهت همه حساب کار را کردند ودانستند که با این شخص نمیتوان شوخی کرد.

***

روز یکشنبه ۲۳ مهر ماه ۱۳۰۶ اعلیحضرت فقید در میان شلیک توپ، کلنگ نقره‌ای را که آقای حاج مخبرالسلطنه بدست ایشان دادند درصحرائی که امروزایستگاه تهران ساخته شده است برزمین زدند و چنین گفتند: «امروز بعون‌الله تعالی یکی از آرزوهای دیرینه من قدم دیگری ازمراحل عملی خود را طی کرد و در محلی که ایستگاه آتیه راه آهن خواهد بود عملیات ساختمان راه آهن را افتتاح میکنم. درهمان موقع که در تهران شروع بساختن راه آهن میشود اجازه میدهم که درجنوب وشمال یعنی دراهواز وبندرجز نیز شروع بساختن راه بشود.»

بعد از بیانات مفصل شاه فقید مرحوم مؤتمن‌الملک رئیس مجلس گفتند که ملت ایران از این موفقیت اعلیحضرت همایونی درانشاء راه آهن فوق‌العاده مسرور وخوشوقت میباشند و امیدواریم بتدریج اصلاحات مهمی در مملکت پیداشده وملت ایران سعادتمندوکامیاب گردد.

درآن روزطوفانی که باد بشدت میوزید و چادرهائی که نمایندگان سیاسی وهیئت دولت درآن بودند کنده شد هیچکس باورنمی کرد دراین نقطه که شاه فقیدکلنگ زد و بعد بیرق کوچکی درآنجا نصب کرد روزی چنین سازمان وسیعی بوجودآید وقسمت زیادی از کشور دارای راه آهن شود و کوهستانهای صعب وسرسخت ایران شکم باز کنند وراه آهن را ازآن عبور دهند.

آنروز بسیاری ازمردم موضوع ساختن راه آهن را امری غیرممکن میدانستند. ولی روی حسن نیت واهتمام ومراقبت ها ودلسوزیهای آن شاه بزرگوار این آرزوی ملی جامه عمل پوشید و بهترین وسایط نقلیه وزیباترین واگونهارا براه انداخت لکن باکمال تاسف بجای اینکه این یادگار بزرگ شاهنشاه فقید حفظ وحراست گردیده راه ترقی وتکامل رابپیماید روز بروزسیرقهقرارا پیموده است.

***

هرقدراطلاعات مورد استقبال مردم قرار میگرفت وبرمیزان انتشارش افزوده میشد، بهمان درجه تشکیلات آن توسعه می‌یافت. اطلاعات درسال دوم محل کوچک خودرا تغییر داده بود، ازآن دواطاق ویک زیر زمین کوچه ونوق نظام بیرون آمده ودریکی از بالاخانه‌های خیابان لاله زار متعلق بآقای علیا کبر نکوئی جای گرفته بود. این عمارت دارای پنج اطاق بود و اطلاعات توانست دائرهٔ خبرنگاری، اطاق محاسبات، اطاق توزیع، اطاق آبونمان واعلان و اطاق مدیررا ازهم جداسازد وباین ترتیب گشایشی درکار پیدا کند.

بعضی خاطره‌ها برای من باقی‌مانده که ذکر آنرا لازم میدانم و برای کسانیکه میخواهند قدم بعرصهٔ زندگی گذاشته وراه کمال وترقی را بپیمایند دانستن آن مفید میباشد، اطلاعات از روزی که تابلوی «مرکز اطلاعات» را دربالا خانهٔ عمارت آقای حاج مهدی سلامت بالا برد تاامروز که سازمان آبرومندی بوجودآورده است بحقوق مردم، اعم ازحقوق مادی یامعنوی احترام گذاشته است، رعایت حیثیت واحترامات مردم را ازلحاظ وظیفه نامه نگاری نموده وحق مادی مردم را هم زیرپا نگذاشته و کلاهی از کسی برنداشته وحق کسی را پایمال نساخته است. در

حقیقت اطلاعات ازبدو تأسیس بخوش‌حسابی معروف‌شد وامروزهم بهمین صفت شناخته میشود.

خوب بخاطر دارم وقتی آقای مسعودی میخواست ازآقای نکوئی بالاخانه واقع درخیابان لاله‌زار رااجاره کند ایشان با اکراه بسیار وشاید بامراجعه بموجرین‌قبلی اطلاعات راضی شد عمارت خود را اجاره بدهد . اوحق داشت در این امر مشکوك ومردد باشد زیرا متأسفانه در آن زمان خاطـره های بدی از چگونگی معامـلات بعضی‌ازروزنامه نویسان بخصوص‌با صاحبان‌خانه و مستغلات باقی‌مانده بود.

حقیقتش این است که برخی از روزنامه نویسان در آن زمان نه فقط مال‌الاجاره را نمیپرداختند بلکه اتفاق افتاده که دعوی مالکیت هم کردند و این قضیه طوری در افکار مالکین تاثیر بد کرده بود که وقتی گفته میشد این خانه را فلان روزنامه نویس میخواهد اجاره کند ، بهیچ قیمتی حاضر به اجاره دادن نمی شدند و همین گرفتاری را آقای مسعودی در اجاره کردن خانه مسکونی خود داشت که گاهی بنام غیر روزنامه نویس اجاره میکرد .

حالا گوش بدهید طرز معامله و رفتار این‌آقای نکوئی را که ابتدا با اکراه عمارت خود را اجاره دادچه شد و بعد چگونه با اطلاعات رفتار کرد ؟

آقای نکوئی که راستی مرد بلندنظر وشریف ونیکوکاری هستند همینکه بطرز رفتار وافکار مسعودی آشناشدچنان‌شیفتهٔ‌مؤسسه‌اطلاعات گردید که‌هیچ حاضر نبوداداره اطلاعات‌ازخانه‌های اوبیرون برود، پس‌از مدتی که اطلاعات دربالاخانه لاله‌زار جای‌داشت واحساس کمی وسعت نمود،خانه دیگر خود را در کوچه برلن بدون اجاره نامه دراختیار مدیر اطلاعات گذاشت وبعد ازآن درخانه دیگرش واقع در کوچه باریکی درلاله‌زار اطلاعات‌راجای داد وا گرموضوع نصب‌ماشین‌چاپ‌روزنامه نبود،هر گز نکوئی‌مستاجرخوش‌حساب‌خودرارهانمی کرد وحتی‌حاضرشده‌بود خانه کوچه برلن خودرا بکوبد وازنو بسازد که اطلاعات بتواند سازمان وسیعش‌را درآن‌جای دهد ولـی‌چون این کار غیر عملی بود پس ازچند سال که اداره اطلاعات مورد لطف آقای نکوئی بود ناچاربعمارت انتخابیه‌درچهارراه وزارت جنك که محل وسیعی‌بود انتقال یافت وپایهٔ تأسیس چاپخانه امروزی درآنجا ریخته‌شد.

این خاطره را برای این‌ذکر کردم که خوانندگان عزیز بخط مشی اطلاعات در حفظ قول‌و مراعـات حقوق مردم وحسن معاملات مالی خود از بدوتاسیس واقف شوند و بدانند که مدیر اطلاعات در همان‌روز داری که برای معاش خودمعطل بود ، پرداخت حقوق کارمند و مستخدم و کرایه و مخارج‌ضروری دیگررا بر معیشت خود ترجیح میداد و همین خط مشی و پیروی از راستی و درستی وامانت تا امروز در این موسسه پایدارو برقرار است که این خود بهترین سرمایه معنوی اطلاعات‌میباشد وبهمین جهت است که‌در هر موقع اطلاعات دست نیاز برای وام یا گرفتن اعتبار دراز کرده است از چند سو بسمت‌اودست ها برای کمك دراز شده‌است ، تـاسیس شرکت سهامی چاپ که بدان خواهیم‌رسید خود یکی از دلائل بارز حسن توجه و اعتماد عامه باطلاعات بود که ملاحظه خواهید فرمود چطور یکعده مردم اعم از بازرگان و مردم متفرقه حاضر شدنـد در آن زمان با آن کیفیت معاملات بعضی روزنامه نویسان که مختصری بیان شد بایك روزنامه نویس‌شرکت تشکیل‌بدهند، سرمایـه بریزند و صد درصد سرمایهٔ‌خودرا دراختیارروزنامه نویس بگذارند.

بالاخره‌اداره‌اطلاعات‌درطی یکربع قرن‌ضمن‌خدمات اجتماعی‌واخلاقی وسیاسی‌خود،بااین‌طرزرفتار خودتوانست آثار شوم وخاطرات بدی که از چگونگی معاملات بعضی روزنامه‌نویسان سابق باقی مانده‌بود زائل‌سازد وبجای آن‌حسن‌توجه‌واعتماد بوجود آوردودرحقیقت‌این‌خودخدمت‌بسزائی بعالم‌مطبوعات‌بود که بروزن‌وشأن‌وحیثیت‌مطبوعات بیش‌ازپیش افزود .

این‌نکته نیزلازم‌بتذکارمیباشد که بنگاه‌اطلاعات‌درتمام‌دوره خدمتگذاری‌مطبوعاتی‌خود دیناری جزبابت‌آبونمان واعلان ازهیچکس‌نه‌مقامات‌ملی‌ونه‌مقامات دولتی‌بهیچ‌عنوان‌دریافت نداشته‌است که این‌خود یکی‌ازافتخارات‌مدیر وکارمندان اطلاعات می‌باشد که دربرتوسعی ومجاهدت خود کار کرده وپیش‌رفته‌اند.

***

از این قسمت میگذریم وبرمیگردیم بذکر چند تاریخچه :

اطلاعات در ۲۷مهر۱۳۰۶بمناسبت‌تصویب عهدنامه‌های‌تامینیه وبیطرفی بین‌ایران‌وشوروی‌درمجلس‌شورایملی که باتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفته است تحت‌عنوان یك‌روز مبارك‌مینویسد: « همانطور که آقای‌تقی‌زاده

دیروز درمجلس لایحه قرار داد بین دولتین ایران وشوروی رایك لایحه مبار لی نام نهادند ماهم امروز راکه ملت ایران موفق بعقد قرار دادی برای تشیید واستحکام روابط ودادیه وصلح جویانه باملت دوست و همسایه خود اتحاد جماهیر شوروی میگردد روز مبار لی میدانیم . مجلس شورای ملی باقیافه بشاش وبقول آقاسید یعقوب باهلهله و شادی باتفاق آراء عهدنامه مودت وبیطرفی دولتین را تصویب نمود که دراین باره شخص اعلیحضرت پهلوی توجه مخصوص داشتند و میخواستند پایه های روابط بین ما و شوروی براساس محکم و احترامات متقابل استوار باشد .

درهمین تاریخ قراردادی هم بدستور شاهنشاه فقید بین کفیل وزارت خارجه ایران آقای پاد روان و شارژدافر فرانسه آقای بالرو بامضاء رسید که طبق آن امتیازات فرانسویها که ازسال ۱۹۰۰ مسیحی با دولت فرانسه درباره حفریات و کشف آثار تاریخی ایران منعقدشده بود ملغی گردید ویکی اززنجیرهائی که سالها بردست و پای مملکت بسته شده بود واختیار مطلق حفریات بفرانسویها داده شده بود پاره شد وباین ترتیب پایه استخدام مسیو گدار متخصص باستان شناس برای پنجسال ودرصورت موافقت دولت ایران لا اقل سه پنجسال دیگر ریخته شد که خوشبختانه این متخصص عالی مقام دردوره استخدام خود خدماتی را ازلحاظ باستان شناسی و حفظ آثار عتیقه ایران انجام داده است .

امتیازنامه قدیم این بود که برای ابد مامورین فرانسوی حق داشتند درتمام خاك ایران وحتی درتمام املاك افراد این مملکت کاوش نموده بحفریات بپردازند وآنچه ازشوش بدست می آید ملکیت دولت فرانسه شناخته شده بود ودولت ایران را ازداشتن آثار تاریخی خود محروم میکرد ودلخوشی عجیب دولت ایران مدلول فصل سوم بود ازاین قرار: «تمام مخارج حفاری ازهرحیث بعهده دولت فرانسه خواهدبود ــ دولت علیه ایران بهیچوجه من الوجوه مشارکتی درمخارج نخواهدداشت» که وقتی وزیرمعارف وقت فصول امتیازنامه عجیب ملغی شده را باطلاع مجلس میرسانید وباین قسمت رسید و کلاء فریاد زدند واقعا خیلی لطف فرموده اند.

کاپیتولاسیون ، یاحق قضاوت قونسولات خارجی درایران که یکی از شرم آورترین رفتاری بود که قبل از سلطنت پهلوی درایران طبق مقاولات خارجیان جاری میشد ،درهمان اوان سلطنت رضاشاه الغاء گردیدواین قدم بزرگی که برای خلاصی ملت ایران اززیر بارنفوذ اجانب برداشته شد اثربرجسته ای درایران باقی گذاشت . تاآنموقع اگر دعوائی بین یك نفرایرانی بایك نفر خارجی رخ میداد موضوع بحکمیت و قضاوت قونسول اجنبی احاله می گردید وقونسولگری ها برای خوداین حق را قائل بودند که در مسائل قضائی حکومت داشته باشندوارجاع چنین اموری بداد گستری ایران نمیشد ، این رفتار شرم آور وننگین که ایران را دردنیا مفتضح ساخته بودوملت ایران را دربرابر اجانب زبون وعاجز وبرده وغلام نموده بود باهمت مرد بزرگی که عظمت میهن خودرا آرزو داشت موقوف وملغی گردید . زنجیرها پاره شد وحق قضاوت قونسولات خارجی بکلی از بین رفت وشاه فقید گفت ایران مملکتی است آزاد وایرانی استقلال خودرا دوست میدارد وبهیچوجه اجازه نخواهد دادخارجیان درامور داخلی ما دخالت کنند،ماهم مردی زنده هستیم ومیخواهیم باسربلندی وافتخار دردنیا بسربریم .

شاه فقید در تمام رفرم واصلاحات خوداین نظررا تعقیب میکرد که ایران ما هم باید در عداد کشور های مترقی جهان قرار گیرد ، ایرانی نمیتواند برده وغلام باشد ، روابط ما بادنیا باید روی حقوق و احترامات متقابل باشد ودرهرقدم خودسعی میکرد راه اعمال نفوذ ومداخلات اجانب رادرایران مسدود کندودراین زمینه تاجائی پیش رفت که حتی وزیران وزمامداران کشور جرئت نداشتندباسفارتخانه های خارجی آمیزش ومعاشرت کنند مگر آنکه قبلا تحصیل اجازه نمایند .

❁❁❁

وقتی دوره سال دوم اطلاعات راورق میزنیدبشماره ۳۴۶ مورخه ۸ آبان ۱۳۰۶ برمیخورید که درصفحه اول عکس مرحوم مدرس چاپ شده وفقید سید خطاب بمدیراطلاعات تاریخچه زندگی خودرا شرح داده است که اکنون پس ازبیست وسه سال یقین داریم خوانندگان عزیزمیل دارند از زبان آنمرحوم شرح حالش رابخوانند.

متن مکتوب مرحوم مدرس:

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت باشرافت مدیر محترم روزنامه اطلاعات وفقه الله تعالی تقاضا فرموده بودید سرگذشت خودم را از لحاظ شریف بگذرانم اجابة به نحو اختصار تصدیع میدهم ولادت من درحدود یکهزارودویست وهشتادوهفت هجری که

تقریبا فعلا قریب شصت سال زندگانی را طی نموده‌ام مولد من در قریه سرابه کچو از توابع اردستان پدرم اسماعیل جدم میرعبدالباقی از طایفه میرعابدین که فعلا هم اکثر آنها در آن قریه ساکن میباشند از سادات طباطبائی و اصلا زواره‌ئی شغل پدر وجدمن منبر وتبلیغ احکام الهی جدابی من میرعبدالباقی از زهاد محسوب بودند مهاجرت بقمشه واقع درجنوب اصفهان درخط وطریق فارسی نمودند مراهم درسن شش سالگی تقریبا بجهت تربیت هجرت داده بقمشه نزد خود بردند سن صباوت را بخدمت آن بزرگوار بسر برده ۱۴ سال تقریبا ازعمرم گذشت که جدم مرحوم شد حسب الوصیه آن مرحوم تقریبا درسن ۱۶ سالگی بجهت تحصیل باصفهان آمدم سیزده سال دراصفهان مشغول تحصیل بودم درسن ۲۱ سالگی پدرم مرحوم شد مدت توقف دراصفهان قریب ۱۳ سال شد قریب سی نفر استاد را دراین مدت درعلوم عربیه وفقه واصول ومعقول درک کردم که از برجسته آنها درعلوم عربیه مرحوم آقامیرزا عبدالعلی هرندی نحوی بوده که تقریبا ۸۰ سال عمر داشته صاحب تصانیف زیاد ولی از بی‌اقبالی دنیا مجبور ماندند ودرعلم معقول مرحومین جهانگیرخان قشقائی وآخوند ملامحمد کاشانی که هردو عمر خودرا درمدرسه صدر اصفهان بآخر رسانیده بوضع زهد دنیا را وداع فرمودند.

بعد ازواقعه دخانیه بعتبات عالیات مشرف شدم بعدازتشرف حضور حضرت آیت‌الله حاجی میرزا حسن شیرازی رحمت‌الله علیه بجهت تحصیل توقف درنجف اشرف رااختیار کردم علماء وبزرگان آنزمان راتیمنا وتبرکا ادراک کرده وازاغلب استفاده نمودم ولی عمده تحصیلات من خدمت مرحومین مغفورین حجتین کاظمین خراسانی و یزدی بود تشرف من درعتبات تقریبا هفت سال شدبعد مراجعت باصفهان نمودم در مدرسه جده کوچک مدرسه‌ایست باین اسم دراصفهان مشغول تدریس فقه واصول شدم بترتیبی که فعلا هم درمدرسه سپهسالار مشغولم وازخداوندتوفیق میخواهم که بهمین قسم بقیه عمر رامشغول باشم بعدازمراجعت ازعتبات دراصفهان فقط ازامورات اجتماعی مباحثه وتدریسی رااختیار کرده بودم تازمان انقلاب استبداد بمشروطه مجبورا اوضاع دیگری پیش آمد که میتوان گفت اتسع الخرق علی الراقع برحسب امر حجج اسلام عتبات عالیات ودعوت دوره دویم مجلس شورایملی بعنوان طراز اول نظارت مجلس شورای بتهران آمدم و دوره های مجلس را تاحال ادراک کرده‌ام دیدنی‌ها رادیده‌اید و شنیدنی‌ها راشنیده‌اید درمدت چندسال انقلاب ازجمله وقایعی که برمن روی داده دوسال مهاجرت است بامجاهدین ایرانی درجنگ عمومی که بمسافرت عراق عرب وسوریه و اسلامبول منتهی شد که تفصیل آنرا مجالی باید ونیز دودفعه مورد حمله شدم یکی دراصفهان که درمدرسه جده بزرگ دروسط روز چهارتیر تفنگ وغیره بمن انداختند ولی موفق نشدند وآنها راتعقیب نکردم ومرتبه دوم سال گذشته بود که جنب مدرسه سپهسالار اول آفتاب که بجهت تدریس بمدرسه میرفتم درهمین ایام تقریبا ده نفر مرا احاطه نمودند و فی‌الحقیقه تیرباران کردند از تیرهای زیاد که انداختند چهار عدد کاری شد سه عدد بدست چپ مقارن پهلوجنب همدیگر زیرمرفق وبالای مرفق وزیرشانه حقیقة تیر اندازان قابلی بودند درهدف کردن قلب خطا نکردند ولی مشیة الهی سبب رابی‌اثر نمود یکعددهم به مرفق دست راست خورد ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم- فی ۷- شهر ربیع الثانی ۱۳۴۶ **مدرس**

***

ازوقایع دیگر این سال اجتماع آقایان علماء اصفهان وشیرازدرقم توام با تعطیل عمومی این‌دوشهر برسر اجرای قانون نظام وظیفه می‌باشد، پس ازاجتماع درقم تلگرافاتی بمجلس مخابره نمودند وشکایت آقایان درجلسه خصوصی مطرح شدولی بهیچوجه قبول نشد ومقرر گردید بآنهاجواب داده‌شود.

از هیئت علمیه تلگرافی نیز در روزنامه اطلاعات درج شده است از اینقرار:-

« ما هیئت علمیه مهاجر که مدتی است درقم مقیم هستیم وازطرفی هم شیرازو اصفهان که البته مستحضرید تعطیل نموده اند تقاضای ما این است که راجع بنظام اجباری راه حلی پیدانمایند زیرا باوضعیت مردم و اینکه عده زیادی درمملکت بیکار هستند مناسب‌تر آنست که نظام داوطلبی درمملکت اجرا گردد؛ بنابراین برای تعیین تکلیف تقاضا می‌نمائیم که مجلس‌شورای‌ملی راه‌حلی پیدانمایند.

«هیئت علمیه مهاجر»

جواب مجلس با قایان علماء:« موقعی که قانون‌نظام عمومی بمجلس شورای ملی پیشنهاد شد منافع ومضار آن ازطرف نمایندگان مجلس کاملا سنجیده شده بالاخره اینطور تشخیص‌داده شد که منافع آن بیشتر و برای

مملکت لازم است بدین لحاظ قانون مزبور بتصویب رسید و درطرزاجرای آن تسهیلاتی که برای ضعفا لازم است هیئت دولت کاملا مراقب آن خواهند بود که مدلول قانون اجرا گردد و بازهم بهیئت دولت تذکر داده شد که نسبت بضعفا رعایتهای قانونی نمایند.»

موضوع باینجا خاتمه نیافت و کم کم شدت پیدا میکرد تابالاخره آقای شریعتمدار اصفهانی بطهران آمده و باتفاق آقای حاج مخبرالسلطنه رئیس الوزراء حضورشاه شرفیاب شدند ودر دنبال آن مرحوم تیمورتاش وزیر دربار باتفاق رئیس الوزراء ومرحوم حاج امام جمعه و آقای ظهیرالاسلام بقم رفتند وازمرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم دیدن نمودند.

وبالاخره موافقت نظر حاصل شد که آقایان فشار کی وسیدالعراقین اصفهانی بنمایندگی علماء بتهران بیایند وباجتماع خاتمه بدهند وتقاضاهای آقایان علماء انجام شود ازینقرار:

۱- تجدیدنظر درقانون نظام اجباری ۲- انتخاب پنج نفر ازعلماء درمجلس بعنوان طراز اول ۳- تعیین ناظر شرعیات درکلیه ولایات بترتیب مرکز ومطابق قانون مصوبه ۴- اجرای موادیکه درتشکیلات سابق وزارت عدلیه مربوط بمحاضر شرع موجود بوده است.

رضاشاه فقید درجواب تلگراف علماء قم چنین پاسخ میدهد:

«بعدالعنوان ... چنانکه البته بجنابان عالی مشهود ومعلوم شده است هیچوقت منظوری جزحفظ عظمت وشوکت اسلام ورعایت مقام واحترام پیشوایان روحانی نداشته وهمیشه علاقمند باین مقصود بوده وهستیم که اجرای عقاید ونیات مانسبت بسلسله علماء اعلام وترویج شعائر مقدسه اسلامی باهیچ مانع وعائقی مصادف نشود امیدواریم علماء اعلام نیزاین نیت وعقیده را که البته مقرون بخیروصلاح مملکت وحفظ عظمت دیانت است همه وقت حسن استقبال نموده باابراز صمیمیت بیش ازپیش خاطرمارا قرین خرسندی ومسرت دارند. محل صحه همایونی»

***

بیائید باهم قدری درسرزمین پهناورچین وارد شده ازچگونگی احوال آن ملت استعلام کنیم.

این اولین جملهٔ مقاله اطلاعات است در ۳۰ آذر ۱۳۰۶ که معلوم میشود این کشور مصیبت دیده سالیان دراز است در آتش هرج ومرج وزدو خورد میسوزد. در آن روز علل جنگ وجدال داخلی رااطلاعات درسرمقاله خود چنین ذکر میکند:

«ازوقتی که ملت چین خواست حصار وديوار مملکت خودرابرچيده وبا دول متمدنه عالم ارتباط پیدا کند باین بدبختی مبتلا گردید، همان روزی که پای ملل مختلف باین مملکت بازشد، بجای سعادتی که انتظارمیکشیدند شقاوت وبیرحمی جانشین آن گردید، خارجیان خواستنداز بازارچین وتامین احتیاجات چهارصدمیلیون نفوس چین استفاده کنند ورقابت برسراین بازاربزرگ پیداشد تاامروز که جدال خانگی دامن زده میشود... الی آخر.»

***

یکی ازجلسات مجلس را می‌خواسته‌اند پیشنهاد کنند که بمناسبت فوت حجت‌الاسلام حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران تعطیل شود وچون اکثریت نمایندگان باتعطیل مخالف بوده‌اندجمعی ازمرحوم مؤتمن‌الملک اجازه می گیرند که درمراسم تشییع جنازه حضور پیدا کنند ازجمله مرحوم مدرس. آقای آشتیانی. مرحوم بهبهانی. معتمدالتولیه. آیت‌الله زاده اصفهانی. حاج شیخ بیات وچندنفر دیگراجازه میگیرند ومیروند بعدجلسه تشکیل می‌شود و آقای سیدیعقوب درمجلس اظهارمیدارد که ماباید حیثیات ملی ومذهبی راحفظ کنیم و تعطیل رافقط در مورد ایامی که در نزد ملت ایران عزیز و مقدس است و اعیاد مذهبی رواداریم من مطابق اختیاراتی که دارم حقوق آن وزارتخانهارا که تعطیل کرده‌اند در کمیسیون بودجه کسر خواهم گذاشت. اگر حالا تعطیل کنیم پس خدای نخواسته آقای حاج شیخ عبدالکریم اگر حادثه‌ای برایشان رخداد لابدباید تیغ بزنیم. بعدازآنکه مجلس بعنوان تنفس تعطیل می‌شود مرحوم پیرنیا در موقعی که ازجلسه خارج می‌شدند حاج میرزا مرتضی کرمانی را که در اطاق تنفس بوده واز حضور درجلسه خودداری کرده بود می بینند ایشان را احضار نموده ومیگویند: «تواجازه گرفته بودی که برای تشییع جنازه بروی اینجاچه کارداری؟ تومیخواهی باسم تشییع جنازه مجلس راازاکثریت بیاندازی وبرای (ابسترکسیون) محرك میشوی، میخواهی بدهم توراحبس کنند بعدبه پیشخدمت امرمیدهند مشارالیه را توقیف کنند درهمین موقع خوداو اظهار بی گناهی میکندو چندتن واسطه میشوند ورئیس اغماض می‌نمایدودستوررفع توقیف اورا میدهد.»

یک روز دیگر اعلیحضرت فقید سرزده بوزارتخانها میرود و آن روز ۹ آذر ۱۳۰۶ بود که صبح زود از قصر شخصی بعمارت گلستان آمده و پس از قدری توقف بوزارت مالیه میرود و چون غیراز معاون و چند نفر دیگر کسی حاضر نشده بود مؤاخذه می کند و دستور می دهد در وزارت مالیه را به بندند

برحسب امرشاه در وزارتخانه بسته میشود ، اعضاء وزارتخانها دسته دسته حاضرمیشوند وپشت در ازدحام میکنند و ازجریان مطلع میشوند ، ازآنطرف اعلیحضرت فقید بوزارت فواید عامه تشریف میبرند در آنجا آقای مجد رئیس اداره تجارت حاضربوده وحضورشاه شرفیاب میشود و اعلیحضرت دستور میدهند در آن وزارتخانه را نیز ببندند بعد دفتر حاضروغائب رامیخواهندوامرمیکنند که صورتغائبین را گزارش دهند تا ازآنها مؤاخذه‌شود.

دراین موقع جلوی‌دراین دووزارتخانه اعضاء بحال بی تکلیفی بوده اند وضمنا وحشت و نگرانـی شدید بآنها مستولی شده بود ولی اعلیحضرت دستور باز کردن وزارتخانهای مزبور را میدهند و ازآن ببعد موضوع حضور سروقت و امضاء کردن دفتر حاضر وغائب صورت جدی بخود می گیرد ومراقبت بیشتری دراین امر ازطرف متصدیان امور میشود .

***

موضوع سازمان جدید داد گستری پس ازانحلال ازمسائل مهم روز بود مرحوم داورپس ازچند روزغیبت ومخفی شدن ازارباب رجوع سازمانی داد ومصمم‌بود که عدلیه راازعناصر نادرست، پاك ومنزه سازد، اشل‌حقـوق قضاة را بالابرد وقضاة عالی مقام را تشویق وتأیید نمود وبسیاری ازجوانان فاضل را دعوت بکار کردوهمین‌آقای اللهیارصالح که تا آنموقع درسفارت‌آمریکامنشی بودند بنابتشویق مرحوم داور وجمع کردن عناصرپاك و میهـن پرست ایشان را درکادر استخدام دولت وارد نمودند واولین پست‌ایشان مستنطقی درجه‌اول دروزارت‌داد گستری بود که بعد ها بتدریج ارتقاء یافتند، متاسفانه بازهم عناصرنادرست درمحاکم باتشبث و توسل راه پیدا کردند واعتراضات شروع شد وبالاخره مرحوم داور اعلانی دراطلاعات منتشر کرد بابن‌مضمون که : «هر کس‌سابقه‌رشوه دریکی ازقضاة فعلی عدلیه سراغ دارد وهمچنین هر کسی مطلع شود که یکی‌ازقضاة یامدعی‌العموم ها و وکلای عموی و مستنطقین فعلی عدلیه رشوه گرفته و وزارت عدلیه را مستحضر کند از صد تا هزار تومـان جائزه خـواهد گرفت .»

***

در اصفهان بمناسبت فوت آقای حاج‌آقا نورالله اصفهانی (اوایل‌دی ۳۰۶) عده‌ای‌ازاهالی‌اصفهان‌دستجاتی برای عزاداری راه انداخته وتیغ زدند ویکی‌دونفر هم فوت کردند .

اطلاعات درزیراین خبرمینویسد : «قرائت این‌خبر حقیقتاً هرخواننده را متأسف می‌سازد زیرا [illegible] مردم همینقدر خود را زحمت میدادند وازآقایان علماء وزعماء قوم ومجتهدین پرسش میکردند حتی آنها راازتیغ‌زنی درروز عاشورا منع میکردند چنانچه آیةالله‌آقای حاج‌شیخ‌عبدالکریم‌وسایرآقایان‌علماء خیرخواه‌مکرر نظریات‌خود را درین‌خصوص‌اظهارداشته‌اند .پس گناه آن‌متوجه کسانی‌است که‌میتوانند‌بوسیله‌موعظه مردم‌رابراه راستی وشاهراه مقدس‌مذهب‌اسلام‌هدایت وراهنمائی کنند ودریغ می‌نمایند .

***

ورقه هویت: قانونی برای سجل احوال در کشور نبود، کسی‌شناسنامه نداشت و نام‌خانواد گـی اختصاصی نبود، قانونی در خرداد ۱۳۰۴ در این باره گذشته بود ولی ناقص و در حقیقت مردم ایران ورقه هویت‌نداشتند. در تاریخ بهمن ۳۰۶ قانونی بمجلس شورای ملی پیشنهاد وبعدها تصویب گردید که بموجب‌آن صدور اوراق شناسنامه اجباری گردید و مقررات سختی در این باره وضع شد که بموجب‌آن مردم‌صاحب ورقه هویت گردیدند.

در این قانون تصریح شدکه پس از یکسال از تاریخ تاسیس دفتر شعب سجل احوال در هر شعبه کلیه سکنه آن شعبه باید دارای ورقه هویت باشند . اشخاص ذکوری که سن آنها بیش از ۱۵ سال است‌بایدشخصاً برای اخذ ورقه هویت بمامور سجل احوال مراجعه نمایند ومسئول اخذ ورقه هویت صغار ولی خاص یاقیم صغیر است و پس از یکسال کلیه‌مامورین مملکتی موظف میباشنددر مواقع صدورکلیه‌اسناد رسمی ودر موقع‌مراجعات .

اشخاص بمحاکم عدلیه وادارات مملکتی و تعرفه انتخابات و جواز اسلحه و جواز عبور وتذکره‌وهر گونه‌امری که تماس با ادارات دارد ورقه هویت مطالبه نمایند و پس‌از یکسال در هرمحل کسانی که ورقه هویت نداشته باشند محکوم بحبس از ۸ روز تا یکماه یا جزای‌نقدی خواهندبود

باین‌ترتیب‌ورقه‌هویت‌در‌ایران‌معمول وپایه آن گذاشته‌شد .

***

سینمای ناطق : درهمین سال۳۰۶ دراطلاعات موضوع‌زیر با حروف درشت جلب‌نظر میکند ،

«اخیرا صنعت سینما بحد کمال رسیده زیرا در عین حالی که درپرده حرکت اشخاص نمایش داده میشود گفتگوی اشخاص بازی کننده نیز شنیده میشود چنانچه اخیرا دریکی ازسینما های شهرلندن فیلمی نشان داده شده که درفیلم مزبور افتتاح جاده بیرمنگهام نمایش داده شده و ولیعهد انگلیس نطق‌افتتاحیه نمودکه واضح شنیده شدهمچنین نطق للوید جرج شنیده شده حرکات دهان بازی کنندگان باکلماتی که شنیده میشود کاملا مطابقت دارد . این اختراع درعالم سینماعجیب ومهم بنظرمی‌آید»

***

بحرین‌جزء لاینفك ایران : این عنوان اولین مقاله ایست که این روزنامه در خصوص استرداد بحرین‌بتاریخ ٤ بهمن ۳۰٦ انتشارداده واین‌مقاله‌بمناسبت عمل دولت ایران بودکه‌برحسب دستوررضاشاه‌فقیداولین بار درتاریخ روابط سیاسی‌اولین‌زمزمه استقلال طلبانه ومیهن‌پرستانه را دولت ایران بلند کرد باميد اینکه ملل دیگر دراحقاق حق ایران کمك خواهند کرد ولی‌نکردند ، دولت ایران یادداشت اعتراض آمیزی بدارالانشاء مجمع اتفاق ملل ارسال واشعارداشت که یك قسمت ازقرارداد بین‌انگلیس وحجاز بتمامیت ایران لطمه‌واردمیسازدو بحرین حق مسلم وجزء لاینجزای ایران‌است» .

اطلاعات درطی‌مقاله خود اسناد و مدارکی انتشارداده‌است که طبق‌آن حقانیت ایران دربحرین مسلم‌می‌باشد ودرپایان‌مقاله مینویسد که تاچهل‌پنجاه سال‌قبل حکومت بحرین یاشیخ بحرین ازطرف والی‌فارس انتخاب میشدو هرساله مبالغی پول‌ومروارید بعنوان‌مالیات ارسال‌میداشتندووجوه‌مأخوذه بنام‌عایدات دولت درخزانه‌واردمیشده‌است ولی‌دراثرلاقیدی مرکز وتشکیلات ملوك الطوایفی درایران شیوخ بحرین‌هم ازضعف مرکزاستفاده نموده ازتادیه مالیات بدولت امتناع‌نمودند، اما حالا که ملوك الطوایفی درایران مرده‌است ومرکزقدرت وتوانائی یافته وامنیت در حدود وثغور ایران بسط یافته جای آن نیست که بنام ملوك الطوایفی یك قسمت لاینجزای مملکت ما باینصورت بیفتد .

***

افتتاح باب مخابرات : مرحوم صور اسرافیل وزیرپست و تلگراف در نیمهٔ بهمن ۱۳۰٦ اعلان میکند که مؤسسه بی‌سیم پهلوی که برای رفع احتیاجات قشونی تأسیس شده‌بود در اختیار وزارت‌پست‌وتلگراف برای استفاده امور تجارتی وباب‌مخابرات بادنیاگذاشته شده و اینك باب‌مخابره مستقیم باآنقره پایتخت دولت جمهوری ترکیه مفتوح وتلگرافی هم بین‌آقای تیمورتاش وزیر دربار وآقای رشدی ارس وزیر خارجه مبنی بر تبریك مخابره شدوا کنون دستگاه مزبور روابط تلگرافی خود را بادنیا مفتوح‌ودردسترس‌عامه میگذارد.»

عمارت مجلل رادیو که بعدها درهمین محل بیسیم پهلوی ساخته شد و نصب دستگاههای رادیو که مکمل دستگاههای اولیه بودهمه‌ازکارهای مفیدی است که درظرف‌سالهای اخیرصورت گرفت.

روزی که رضا شاه فقید دستور داد دکل بلند بیسیم پهلوی را در زمین‌های قصر قاجار (محل فعلی رادیو) نصب نمایند و مراسمی درآنجا انجام یافت اسرار خود را زیر این دکل مدفون ساخت .

رضاشاه چگونگی پیدایش خود وتاریخچه زندگی وهدفها وآرزوهای خود را درلوله کاغذی که آنرا درلوله حلبی محکم گذارده بودند وهیچکس ازمضمون‌آن باخبرنبود در زیر این دکل دفن کرد که اگر بعد از قرن‌ها این دکل واژگون شود و این لوله کاغذ بدست آید تاریخ ظهور پهلوی برای نسل های آینده ایران آشکار خواهدشد .

ثبت اسناد و املاك: ماده اول قانون ثبت اسناد واملاك اجباری این بود که کلیه املاك اعم ازاملاك مزروعی ومستغلات وغیره باید دردفاتردولتی ثبت گردد . ازتاریخ افتتاح اداره ثبت اسناد و املاك و محکمه ابتدائی درهرحوزه ابتدائی تاسه سال کلیه اشخاصی که بعنوان مالکیت متصرف املاك واقعه درآن حوزه هستند باید درآن حوزه تقاضای ثبت نمایند وچنانچه کسی درظرف چهارماه ازتاریخ اولین اعلان تقاضای ثبت نسبت بتقاضای مزبور اعتراض نکرد ملکی که ثبت آن تقاضا شده دردفتر املاك قطعا ثبت و دیگر نسبت بآن ازطرف احدی اعتراض پذیرفته نخواهدشد واداره ثبت املاك سند مالکیت رسمی ملك را صادر خواهد کرد الی آخر...»

تا آنوقت اسناد رسمی وجود نداشت ، هرمتعدی وظالمی میتوانست املاك مردم را تصرف ومالك شود واوراق رسمی که دال بر مالکیت وحقانیت مظلوم باشد در دست نبود تادادخواهی کند، این قانون،مالکیت را تثبیت کرد ولی متأسفانه بسیاری از مردم بواسطه عدم آشنائی بقانون متضرر شدند وچه بسا اشخاص از هستی ساقط گردیدند یعنی همین ماده اول را نخواندند یا سواد نداشتند ومطلع نشدند درنتیجه شیادان اجتماعی ومتعدیان املاك مردم را بنام خود ثبت دادند ومدت قانونی عدم وصول اعتراض را طی کردند وصاحب ملك وزمین و ثروت دیگران شدند. این قانون در بادی امر خسارت وزیانی متوجه اشخاص بی اطلاع ساخت لکن امروز تکلیف همه را مشخص نموده وهمانطورکه در دنیا معمول است هرکس طبق سند رسمی صاحب ملك وخانهٔ خود میباشد که کسی حق تعدی وتخطی درآن را ندارد واشخاص متجاوز وقلدر نمیتوانند باقلدری املاك مردم را تصرف کنند، اگر چه حالاهم راههای دیگری پیدا میکنند و از ضعف دستگاه دادگستری استفاده می‌نمایند که فعلا از بحث ما خارج است .

***

لایحه چراغ برق: برق تهران منحصر بکارخانه مرحوم حاج امین الضرب واقع درخیابان چراغ برق بود، لایحه‌ای بمجلس داده شده بود راجع بامتیاز کارخانه برق مزبور آقای حاج سید رضا فیروزآبادی مخالف بوده وعقیده داشته اند که چراغ برق را باید آزاد گذاشت که هر کس بتواند برود کارخانه وارد کند وا گر آزاد بگذارند بیشتر مردم استقبال خواهند کرد وبرق توسعه بیشتری پیدا خواهد نمود،

بعد از بیست‌وچند سال امروز متوجه میشویم که عقیده ونظرآقای فیروزآبادی صحیح بوده و باید آزادی کامل در تاسیسات عام المنفعه داده میشد . اگر در موضوع امتیاز و انحصار نبود ودولت برق را محدود بشهرداری نمیکرد ویا آن را بشرکت های ملی واگذار میکرد امروز صورت برق تهران باین وضع تاثرآور نبود که هنوز هم برق سرقفلی داشته باشد و هنوزهم برق دربازار سیاه خرید و فروش شود و مردم در زحمت و رنج باشند .

***

اعدام پولادین: ساعت پنج بعدازظهر یکشب ۲۴ بهمن سرهنگ محمود خان پولادین در باغ شاه اعدام گردید. این اعدام درقبال کشف توطئه‌ای بود که سرهنگ پولادین بارفقای خود که عبارت بودند از نصرالله خان (سرهنگ سابق) یاور احمدخان پولادین روح الله خان یاور، هایم نماینده دوره پنجم کلیمیان داشتند این توطئه سوءقصد برعلیه شخص رضاشاه وبرای برهم‌زدن اوضاع بود که محاکمات طولانی آنهائی که نظامی بودند درمحکمه نظامی انجام یافت ودرنتیجه سرهنگ پولادین محکوم باعدام ونظامیان دیگر احمدخان همایون ۱۵ سال حبس نصرالله خان هفت وروح الله خان پنج سال حبس محکوم شدند امادوسیه دونفر هایم واحمدخان پولادین بوزارت عدلیه ارجاع گردید

کشف این توطئه درآن موقع بوسیله یکی از کسانی بود که باخود آنها همکاری وجلسات سری داشتند.

سوم حوت: اطلاعات مینویسد فردا بمناسبت تصادف باروزسوم حوت (کودتا) تعطیل میباشد. امشب آقای سرتیپ امیرموثق که پس از استعفای سرتیپ حبیب الله خان شیبانی بکفالت ارکان حرب منصوب شده‌اند وریاست مدارس کل نظام را نیزدارا میباشند ، درعمارت مدرسه نظام که مراسم جشنی منعقد است ازدوجهت ازمدعوین پذیرائی خواهند نمود هم ریاست ارکان حرب وهم ریاست مدارس نظام واعلیحضرت در سرمیز شام برای افسران صحبت خواهند کرد فردا هم مانور نظامی درزمین‌های جلالیه برقرار میباشد

جنجال برسر دخل وخرج مملکت: بودجه سال ۱۳۰۶ ازحیث درآمد بیست وپنج میلیون وهفتصد وهشتاد وشش هزار تومان وازحیث خرج بیست‌وسه میلیون وپانصدونود وپنج هزار تومان ازطرف وزیرمالیه تحت ماده‌واحده

بمجلس پیشنهاد شد که بتصویب برسد که درسالهای بعد اعتبار دوازدهم برآن ماخذ باشد تا بودجه تفصیلی از تصویب بگذرد.

البته خوانندگان عزیز توجه‌دارند که این بودجه ۲۵ میلیون دخل و ۲۳ میلیون خرج که مورد بحث و گفتگو ومخالفت نمایندگان بوده است امروز بچه مبلغ رسیده‌است؟!

یکی از مخالفین بودجه آقای معتضدالاسلام استرآبادی درجلسه پیشنهاد می‌نماید که ششصد تومان اعانه مدرسه موسیقی حذف شود وهمچنین از بودجه مدارس ولایات ماهی ۲۳ تومان اعتبار موسیقی حذف گردد واظهار میدارد که وظیفه دیانتی خود میدانم که بگویم این پولها بچه‌مناسبت خرج موسیقی میشود (دراین‌موقع وکلاء یك‌یك از جلسه خارج شده، ومجلس میرفت ازا کثریت بیفتد وحاج میرزا مرتضی فریاد زد طرفداران موسیقی رفتند) سپس ناطق ادامه داده و گفت نمیدانم این‌قلم‌خرج برای‌چیست، اگر مدرسه موسیقی را قدری‌فارسی‌تر کنیم باید بگوئیم یکعده میروند آنجا تارمیزنند (همهمه‌و کلاء زنك رئیس)

پیشنهاد مزبور ردشد وبعدمرحوم مدرس پیشنهاد کرد که بودجه وزارت جنك ازاین لایحه‌استثناء شود وضمن توضیح اظهار نمود علت اینکه این‌همه پیشنهاد میشود برای این است که بودجه تفصیلی را درماده‌واحده طرح کرده‌اند والا منتهی نمیشد بموسیقی که نمیدانم لفظش عربی- یونانی‌وچیست که مفادش معلوم‌شودوهر کس یك انکشتی دراین بودجه نمیکرد (استرآبادی- موسیقی دیگر انگشت نبود) مدرس چرا همه‌اش انگشت بود اما پیشنهادمن که‌میگویم وزارت جنك مجزا شود برای این است که من باوزیر جنك مخالفم اورا هیچ نمی بینم اگرچه باوزیر مالیه. پست وتلگراف وداخله وحاج رئیس‌الوزراء(خنده حضار) که اینجا حضور دارند هم‌مخالفم اما نظر من دربودجه وزارت جنك این است که این وزارتخانه دواداره ندارد یکی اداره هواپیمائی است که بودجه فعلی عمده‌اش باید صرف هواپیمائی میشد دنیا دارد روی هواپیمائی میرود ونصف وثلث این بودجه باید خرج هواپیمائی بشود ازحیث تربیت محصلین، تاسیس کارخانه وسایر چیزها برای اینکه دنیا جنگش ازهواست ماپیشترهاهم‌میدانستیم که جنك‌اززمین‌بهوا خواهدرفت ولی کسی گوش نمی‌داد ومی گفتند آخوندها اینطورمیگویند.

نقص‌دیگر بودجه این‌است که اداره‌ای برای‌جبران خسارات بدنی‌وجود ندارد بایدقیدشود سربازوقتی بجنك رفت وصدمه دید،دستش‌قطع‌شد، پایش‌را گلوله‌برد بایدقیمت آنرادولت بدهدو برای‌این کارهم‌بودجه‌لازم‌است‌ولااقل صدهزار تومان برای‌اینکار بایدتخصیص‌داده شود. اما جمع‌نفرات ازصاحب‌منصب وافراد ٤۰هزاراست وحیواناتش ازاسب وقاطر ۱۳ هزار است ، اینجا نوشته است رختخواب هر فردی سالی چهار تومان (آقاسید یعقوب زیاد است؛ سالی‌یك‌لحاف هم‌سربازنمیخواهد؟) مدرس‌خیر، (همهمه و کلا وزنك رئیس) یکی ازنمایندگان فریاد زد ما نمیخواهیم این‌حرفهارا بشنویم و گفت بجدت فساد میکنی (مدرس‌جواب‌داد: جدم قدرت بزند من‌فساد میکنم ؟) بالاخره داد وفریاد وجنجال منتهی‌بتعطیل‌جلسه شد وبعدازتنفس مرحوم‌مدرس اظهارنمود نمیدانم‌چه‌شد همین که‌اول حرفم‌بلحاف‌رسیدآقایان ازمیدان‌دررفتندو نگذاشتندباقیش‌رابگویم‌وشاهزاده‌فیروزوزیرمالیه‌هم ازاشارات‌من‌ملال پیدا کرد من که درحرفهایم گفتم‌مهمل، ازایشان می‌پرسم مهمل‌ازچه‌ماده‌ایست اگرفرمودند ازچه‌ماده و صیغه ایست یقین خواهند کرد که مقصودی نداشتم .

مرحوم فیروز وزیر مالیه.درباره هواپیمائی گفت اگر دربودجه بالاختصاص‌اسمی برده نشده دلیل‌عدم توجه نیست آیاازوجود هواپیماهای نظامی قلعه مرغی وعملیاتی که دراین چند ساله هوانوردان رشید ما کرده اند آقایان مطلع نیستند (و کلاء چرا) پس باید آنرا تکمیل کرد ودرقسمت پرداخت قیمت اعضای بدن کسانی که ناقص الاعضاء میشوند وضع‌امروز مثل قرون گذشته نیست تمام مخارج سرباز برعهده دولت‌است، مستمری،تقاعد وسایل معالجه همه‌چیز دراختیار سرباز وصاحب‌منصب گذاشته میشود اگر امروز یکبودجه ۲۵میلیونی دارید وما ازپشت این تریبون افادهٔ آنرا می کنیم ازتصدق سراین قشون‌است که امنیت باین کشور داده اگر آقا بخواهند که نظامی ما یك‌لحاف داشته‌باشد وهمانطور که‌درمهاجرت آقا فرمودند شبها لحافرا بزیر خود می‌انداختندوروز هاهمان لحافرا برای محافظت ازبرف وسرما بسرو کول خود میکشیدند قشون جوان وتازه‌ما علاوه برلحاف پتو وبالش‌هم میخواهد وباید پاك‌وتمیز هم باشد اگر آقا میدانستند که سرباز انگلیسی وفرانسوی چقدر خرج دارد متحیر بودند که چطور مابرای ٤۰هزار دم و۱۳هزار اسب وقاطر این‌مبلغ‌رامی‌پردازیم.

امیر لشگر طهماسبی : روز سه شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ امیرلشگر طهماسبی وزیر فواید عامه برای سرکشی و بازدید راه بروجرد- خرم آباد - دزفول بوسیله طیاره بطرف لرستان عزیمت نموده ودراین مدت قسمتهای راه‌را سر کشی و بازدید ودستورات لازم داد : ۱۴ فروردین ۱۳۰۷ در موقعی که ازپل کلهر بخرم آباد مراجعت میکرد بایکعده الوار یاغی مصادف وزدوخورد مختصری میشود درنتیجه اول شوفر مقتول میشود وبعد گلوله ای بشکم امیرلشکر اصابت می‌نماید وایشان بزحمت خودرا بیک آبادی رسانیده واز آنجا به بروجرد اعزام میشود پس از اطلاع مرکز آقای دکترسعید مالک (لقمان الملك) رئیس کل صحیه باتفاق آقای دکتر خلعت بری باطیاره حرکت میکنند لکن معالجات نتیجه نداد وامیرطهماسبی که ازرجال شایسته وصاحب منصبان رشیدبود دارفانی راوداع گفت .

باید متذکر شد که مرحوم امیرلشگر طهماسبی درواقعه تغییر سلطنت نقش مهمی داشت و خدمات شایسته‌ای باعلیحضرت فقید نموده بود وبین مردم محبوبیت بسزائی داشت ودرردیف ارشد افسران کشور بود و بخصوص در آذربایجان خدمات شایانی نموده بود- مرحوم پیرنیا درجلسهٔ علنی مجلس نیز اظهار تاسف نمود و گفت همه میدانید که ایشان آدم باعرضه و جدی وخدمتگزار مملکت بود وچون درراه خدمت بمملکت شهیدشده‌اند بپاس خدمات گذشته ایشان ومن باب تقدیر پیشنهاد میکنم که جلسه ختم شود (تصدیق نمایندگان) وزارتخانه‌ها نیز یکروز تعطیل گردید. اعلیحضرت فقید شخصا ببروجرد مسافرت نموده ودر مقام تحقیق برآمدند ودرمجلس ختمی که بمناسبت فوت آن مرحوم دربروجرد منعقد شده‌بود حضوریافته مجلس ختم‌را برچیدند وبعد از همان راهی که امیرلشکرطهماسبی رفته بود بخرم آباد رفتندو قسمت‌های مختلفه‌را بازدیدوسرکشی کردند.

این قبیل مسافرت‌ها تأثیر عجیبی می‌بخشید وحکایت از رشادت‌شاه فقید مینمود که بلافاصله همان راهی‌را که بزرگترین افسرش درراه انجام وظیفه شهیدشده‌بود مورد بازدید شخص‌خود قرارمیداد. شاه فقید در بروجرد اعلامیه‌ای بمضمون زیر صادر نمود:

«مرحوم عبدالله‌خان امیرلشکروزیر فواید عامه که از صاحب‌منصبان محترم وزارت جنگ بود و درنتیجه ابراز لیاقت وصلاحیت بمقام وزارت که از مشاغل مهمهٔ دولتی است نائل گردید درراه انجام وظیفه بقتل رسید . فقدان او موجب بسی تأسف است وچون اظهارقدردانی وپاس حقوق خدمت همیشه منظور نظرما باشد این است که شخصا بمجلس ترحیم آمدم. ضمنا بصاحب‌منصبان ونظامیانی که مأمور این صفحه هستند امر میدهم که این قضیه چون بدست عدهٔ قلیلی از اشرار اتفاق افتاده است نباید احساسات خودرا نسبت باهالی لرستان که مطیع ومنقاد دولت هستند بکینه جوئی وبدبینی آلوده نمایند فقط مرتکبین قضیه بایدتعقیب وبمجازات برسند- درخاتمه نسبت بعموم حضار که درمراسم سوگواری شرکت کرده‌اند رضامندی‌خاطرخودمان‌را اظهارمیداریم.»

کلاه با لبه در مجالس رسمی : جشن سومین سال تاجگذاری اعلیحضرت فقیددرتاریخ ۴ اردیبهشت ۳۰۷ درعمارت گلستان که بطرزبا شکوهی تزئین شده بود برقرار گردید وچون اعلیحضرت فقید درمسافرت لرستان و کرمانشاه بودند مجلس جشن اولین بار درحضور ولایتعهد منعقدشد سفراء وزراءمختارو هیئت‌دولت باو الاحضرت ولیعهد که درآنموقع نزدیک به ۹ سالگی بودند صرف شام نمودندو سایر مدعوین از ساعت ده درشب نشینی طالار موزه حضور یافتند وچیزی که در پذیرائی رسمی‌ دیشب تازگی داشت تغییر کلاه بود که مدعوین بجای کلاه لبه‌دار پهلوی کلاه ساده سابق‌را برسر گذاشته بودند زیرا طبق عادت جاری ما درمجالس بزرك رسمی برداشتن کلاه معمول نیست ، شاه‌هم کلاه‌خود را برسردارد بعلاوه باکلاه لبه‌دار پوشیدن جبه چندان پسندیده نبوده از این جهت کلاه بی لبه درمجالس رسمی معمول گردیده‌است تاآنموقع هنوزرجال جبه‌های ترمه می‌پوشیدند وهنوزلباس ملیله‌دوزی معمول نشده‌بود.

اعزام محصل باروپا : تاقبل‌از سلطنت پهلوی اعزام محصل باروپا اختصاص بطبقات اعیان واشراف وثروتمندان داشت تودهٔ مردم نمیتوانستند فرزندان خودرا بخارجه بفرستند . شاه‌فقید متوجه این‌نکته شد که سطح معلومات و افکار ملت‌باید ترقی کند وازعلوم وفنون‌دنیای‌غرب بهره گیرند وتودهٔ حقیقی ملت‌رشد پیدا کند‌این‌بود که‌دستور دادندسالی صدنفرمحصل بطورمسابقه بکشورهای خارجه‌اعزام‌شوند تامدت پنجسال که‌جمع‌محصلین‌اعزامی دولت‌همیشه‌درخارجه پانصد نفر باشدو هرسال یکصد نفرمراجعت کنندو یکصد نفربجای آنهافرستاده‌شود، برای‌مخارج‌محصلین لایحه‌ای تقدیم‌مجلس گردید که درمیان شور وشعف نمایندگان بتصویب رسید طبق این لایحه سالی یکصد هزار تومان اعتبار داده شد که پس‌از پنج سال ششصد هزار تومان می گردید و همین مبلغ پیوسته در بودجه گذارده میشد

۲۰ اردی بهشت ۱۳۰۷ : جشن بزرگی درسراسر کشوربرقرار شد زیرا دراین روزکاپیتولاسیون یاحق

قضاوت قنسولات باالغای عهود وعقدعهدنامه های جدید بمرحله اجرا وعمل گذارده شد، شهررا آئین بندی نمودند و درهر کوی و برزن بساط جشن وسرور و بزم برپا بود و روز بعددر جلسه رسمی مجلس آقای حاج مخبرالسلطنه گفت: «یکسال قبل برای اجرای اراده سنیه همایونی دولت تعهد الغای کاپیتولاسیون را کردو امروز بنده افتخار دارم که انجام آن تعهد را بعرض مجلس شورای ملی برسانم **لاتفرق بین احد من الملل** (و کلاء احسنت) همه در تحت قانون وبیك محکمه رجوع خواهند شد. ضمنا اظهارمسرت میشود ازممالك و دولی که دراین مسئله حسن نیت خودشان را ابراز کردند (نمایندگان زنده باد ــ سلامت بادشاهنشاه ایران)

مرحوم پیرنیا رئیس مجلس درجواب چنین گفت : «خبری را که آقای رئیس‌الوزراء بمجلس دادند درواقع یك بشارت عظیمی‌است که قلوب مارا مملو میکند ازاحساسات ومسرت . خوشوقتی مانه تنهابرای‌این‌است که یکی ازآمال دیرینه ملی امروز وجود خارجی پیدا میکند ، بلکه خوشوقت هستیم که وقوع یك همچوقضیه تخم آمال جدیدی را درقلوب مردم خواهدکاشت، برای‌اینکه ایجاد آمال وآرزو دربین‌مردم فقط بحرف ونطق و نصیحت نمیشود وقتیکه اشخاصی پیدا شدند ویکی‌ازآمال مردم را صورت خارجی دادند وآمالی که در حال انحطاط و یاس‌است تقویت شد آمال جدیدی هم درقلوب آنها ایجاد میشود . مادرمقابل عزم متین‌اعلیحضرت همایونی که برای‌تحکیم بزرگترین رکن استقلال‌ملی فرمودندقلبا وصمیمانه تشکر میکنیم و بهیئت‌دولت تبریك‌میگوئیم که برای پیشرفت یك همچو منظور مقدسی تدابیر عملی اندیشیدند وفداکاری وجدیت کردند. قطع دارم ملت ایران بااحساسات ما شریك خواهدبود وازشما نمایندگان‌هم باید ممنون باشندبرای‌اینکه مثل‌نمایندگان ادوار سابق وقتی که عزت و غیرت‌ملی پایش بمیان‌آمدتمام‌اختلافات را کنار میگذارید وازنظریات حزبی ودستجاتی صرف‌نظر میکنید وچون همهٔ آقایان را دیدم که مایل هستند هیئتی‌ازطرف مجلس شورای‌ملی بقرعه معین‌شود برای عرض تشکر حضور اعلیحضرت پیشنهاد میکنم هیئت‌دوازده‌نفری‌باقرعه معین شوند (تصدیق وفریاداحسنت و کلا)

انتخابات دوره هفتم : انتخابات دوره‌هفتم مجلس طبق‌قانون درست سه‌ماه قبل‌از پایان دوره شروع گردید وانجمن‌نظارت انتخابات تهران بریاست‌آقای داد گر تشکیل گردید دریکی ازجلسات مجلس‌مرحوم میر سید احمدبهبهانی‌اظهارداشت که‌سابقه نداشته‌است که‌ازطرف‌دولت با بودن‌مجلس انتخابات‌درموعدقانونی‌خودبجریان بیفتداین موضوع قابل‌تشکراست‌ولی‌لازم میدانم باطلاع‌عموم برسانم که همه‌مردم‌درانتخاب نماینده‌خودآزاد هستندوهیچکس حق‌ندارد این‌آزادی راسلب نماید ودولت بایددر اجرای این‌منظور مراقبت تام داشته باشد .

بانك ملی : ملت ایران از خود بانك نداشت ، فقط بانك شاهی بود که از سالیان دراز اموراقتصادی و مالی‌مملکت راطبق امتیاز نامه‌ای‌دردست گرفته‌وبدینوسیله در سیاست‌مالی‌ایران‌نقش مهمی‌بازی میکرد،حق‌انتشار اسکناس داشت وهیچ مؤسسه و بنگاهی وجود نداشت که دربرابر این مؤسسه عرض‌وجود نماید . دولتها در موارد مختلف برای گرفتن قرض در مقابل رئیس انگلیسی بانك شاهی بالتماس می‌افتادند وچه تضمین‌ها داده‌می‌شد وحتی گمرکات را بگرو میگذاشتند .

این افتضاح ورسوائی ادامه داشت وشاه فقید نمیتوانست این اسارت مالی را قبول کند و بگذارد یك بانك اجنبی هستی‌مردم را بگیرد وپول‌رایج کشوررا دردست داشته باشد وسلاطین‌فقط دلخوش باشند که‌عکس‌آنها روی اسکناس‌هاچاپ‌میشودومینویسند شاهنشاه ممالك محروسه ایران.

رضاشاه فکر تاسیس‌بانك‌ملی وپاره کردن زنجیر اسارت‌مالی رادرمغز خود می‌پرورانید وبرای‌انجام‌این‌کار راحت نبودتاپروژه آن‌را دولت طبق‌دستورش تهیه کردو نسبت باستخدام یك‌متخصص بانك از آلمان اقدام‌شد و مجلس‌لایحه آنرا بتصویب رسانیدو هنگامی که‌مرحوم فروغی وزیرمختار دولت ایران درآلمان بود مسیو«لیندن بلات» استخدام وبایران اعزام‌شد وموافقت گردید که بانك ملی درعمارت قدیم بانك استقراضی روس‌وایران که امروز بر روی خرابه‌های آن عمارات مجلل کنونی بانك‌ملی بالارفته‌است افتتاح یابد.

رضاشاه‌دروزارت‌مالیه: روزهفتم خرداد ۱۳۰۷ شاه‌فقیددوساعت‌دروزارت‌دارائی‌دراطاق‌وزیر برسید گی اموروادادن دستورات پرداخت‌وهمان‌روزمتحدالمآلی بامضای‌وزیر بعموم مامورین‌مالیه صادر گردید که‌مفاد آن این بود :

«شما هادر هررتبه ومقام‌هستید باید مرام وآرزوی خودتان‌راابراز لیاقت‌و فعالیت قرارداده با کمی‌ودرستی وبی طمعی راشعارخود ساخته ونشان بدهید که‌بدون مداخله متخصص اجنبی قادر بادای‌وظیفه هستید-محافظه‌کاری وملاحظه از هرنوع‌نفوذمتروك ــ انجام وظیفه باید بدون مراعات دوستی ها وسوابق‌وتقاضاها باشد.ممکن است مامورینی پیداشوندکه خلاف این‌رویه‌رفتارنمایند، ولی‌بدون تردید روزمجازات ومکافات آنهامیرسدو کوچکترین اغماض در باره آن‌هاروانخواهدشد»

سومین سال: بسال سوم میرسیم وما همچنان باتاریخ پیش میرویم واز آقای مسعودی چیزی نگفتیم که او در خلال این مدت دوسال چه میکرد ، آری ، اونیزهمچنان باشوروشوق کامل درراه پیشرفت و ترقی روزنامه گام برمیداشت ، ازهیچ عائق و مانعی نمی‌هراسید وباهر گونه مشکلاتی که پیش‌پای او میگذاشتند که کارش رافلج کنند مبارزه میکرد وآن مشکل‌را درهم خوردمینود وازآن میگذشت وهمچنان راه‌خودرا می‌پیمود ، مسعودی مغروربود ، مغرور سعی وعمل وجدیت‌خود بود ، چنانچه الان‌هم‌مغرور است ، امروز هم ازهیچکس ترس وواهمه ندارد ومتکی به نیت‌پاك وبی آلایش وزحمت خویش میباشد ، اوازاول میگفت کسی که کارمیکند ونان‌میخورد نباید بهراسد وازَ پیشرفت کارش مأیوس باشد ، کار مایهٔ سربلندی و افتخار بشراست وبیکاری‌وتن‌پروری انسان‌را جبون‌وعاجز و محتاج میسازد . انسان کامل باید راهی‌درپیش گیرد که‌خیر خود وجامعه درآن‌باشد وانحراف ازحقیقت را با نیستی وفنا توام میداند .

آقای‌مسعودی درظرف دوسال اول اطلاعات بیش‌ازهمه‌وقت کارمیکرد ، اغلب شانزده‌ساعت درروز کارمیکرد ، گاهی بصورت مصحح‌پشت‌میز تصحیح درچاپخانه می‌نشست و گاهی بصورت خبرنگار درادارات‌میرفت ودرشهر درجستجوی‌خبر بود گاهی خبرنگار پارلمانی‌میشد ، گاهی‌حسابداری‌میکرد و گاهی باموزعین سروکله میزد و خطهای آنهارامرتب ومنظم‌می‌نمود وبالاخره هرقسمت از کاراداریش راشخصاً رسید کی میکرد واگر لنگ ومعطل بود فوراً آن‌راخود بدست‌میگرفت وانجام‌میداد ، درموقع فراغت‌اززحمت درآن‌ساعتی که‌روزنامه فروشها درلاله‌زار غوغائی‌راه‌می‌انداختند اوتازه‌پشت‌میز مدیریت دربالاخانه‌لاله‌زار جلوس‌میکرد واز دسترنج روزانه اش که‌بطرز شایسته بیرون‌داده‌بود، لذت‌میبرد .

میگویند مسعودی شانس دارد، اقبال هم بااو کمك کرده است .

من منکر این مطلب نیستم ولی میخواهم بدانم اگر چنین پشت‌کار و فعالیت وحسن‌نیت وبیغرضی دراو نبود چگونه‌ممکن بود یك موسسه کوچکی‌را امروز باین پایه برساند که اغلب براورشك برند وهمین دستگاه و تشکیلات منشاء حسادت‌ها و دشمنی‌ها واتهامات ناروا باشد .

او میتوانست شانس وپشت‌کار خود را در راه دیگری مصرف کند که حاصلش‌تنها عاید خود اوشود ، مثل هزارها نفرمردی که دیدیم تنها ازیك رشته معاملات زمین‌میلیون‌ها تومان بجیب زدند ویا ازراه تجارت و کسب وکارهای مقاطعه وغیره سودهای سرشار بردند وازآنها نام ونشانی نیست ، اوبا این شانس واین پشت‌کار درهر کاری واردمیشد موفق‌میگردید ولی‌تفاوت این‌راه با راههای‌دیگر اینست که ایشان در این راه یك موسسه بزرك فرهنگی در کشور بوجودآوردند که صدهاخانواده‌وهزارها نفر درآن ارتزاق میکنند وصدها هزارنفرغذای‌روحی خود را ازاین موسسه دریافت میدارندوباطیب خاطر وعلاقه‌باین موسسه فرهنگی ازآن‌پشتیبانی و تقویت‌می‌نمایند زیرا احساس میکنند که مدیر این موسسه برخلاف تمام شایعات اتهام‌آمیز، مردی است که خدمت بخلق‌را ازراه قلم برعهده گرفته واین خدمت ملی‌را با صداقت وصمیمیت انجام میدهد ، درظرف بیست و چهار سال کوچکترین لکه ننگی بردامن او ننشسته و هر قدر خواسته اند او را ننگین سازند و از علاقمندی مردم ایران نسبت باو بکاهند چون مردی است خوش‌قلب وبی‌نظروپاك وبی‌آلایش وامتحان داده‌آن دشمنی‌ها و مخالفت‌ها موثر واقع نشده است، اینکه‌مسعودی‌درموارد مختلف خود را درکام‌دشمنان انداخته‌ومبارزه های‌سنگین برعلیه خائنین‌ودشمنان میهن‌درچندسال اخیرنموده‌ولی‌پیوسته ازاین مبارزه‌هاپاك وبی‌غل‌وغش بیرون‌آمده ، برای‌همین‌است که‌مغروربایمان و درستی وپاکی‌خود بوده است .

این مبارزه هارا همه کس نمیتواند انجام دهد، هر کس کمترین نقطه ضعف داشته باشد حاضرنیست بی جهت وبی‌مهاباخودرا بزحمت‌وجنجال ومبارزه بیاندازدمبادانقطه‌ضعفش آشکارشود ودرجامعه‌رسوا گرددچنانچه‌درظرف هشت ونه سال اخیر کسی را نمیتوانیدنشان بدهید که درمقابل صف خائنین کشوروسوء استفاده کنند گان‌ماننده‌وسسه اطلاعات این چنین پایدارومقاوم باشد وازمبارزه پیروزبیرون‌آید .

فرق بسیاری است بین مبارزه بافساد ازراه صحیح وعاقلانه بافحش وهتاکی ، اطلاعات هیچگاه‌ازادب وقواعد نزاکت‌خارج نشده وپیرامون هووجنجال نگشته وبهمین‌جهت است که انتقادات اوموثرواقع میشودوجامعه ودولت بدان ترتیب اثرمی دهند ، اطلاعات بدون سند ومدرك حرف نمیزند ، اگرحرفی زد باید دانست که متکی بدلیل و سند است واین موضوع را همه متوجه شده‌اند ومیدانند اگر موضوعی را اطلاعات انتقاد کرد و تعقیب نمود بی سبب ودلیل نیست وباصولی متکی است که درآن خیرجامعه وملت ایران نهفته است .

خیلی ازمسائل مهم مورد بحث وانتقادشدید ماقرار گرفته که بالاخره جامه‌عمل‌پوشیده‌است که‌اینك نمیخواهیم

وارد این جزئیات شویم وبشرح وبسط بپردازیم.

***

از این‌قسمت میگذریم ومیرویم بدوره سال سوم اطلاعات...

آقای مسعودی درسومین سال نامه نگاری‌خود درسرمقاله مینویسد :

«بحمدالله باتأییدات خداوندی واتکاء بسعی وعمل خود دومین سال جریده نگاری را بطوری که وعده دادیم‌طی نموده وبینهایت خرسندیم که درمقابل مشترکین‌عظام وپیشگاه جامعه ازعهدهٔ مواعیدخود برآمدیم،امروز سومین سال روزنامه را باتوجهات خاصه قاطبه اهالی‌ایران که لطف مخصوصی بمادارند شروع می کنیم، چنانکه گفته‌ایم اطلاعات با عدم بستگی بهیچ فرد یا مؤسسه فقط با اتکاء بنفس واعتماد باحساسات پاك ملت‌نجیب ایران با استقامت خاصی خوانندگان محترم راهیچ روز بانتظار نگذاشت واینك که سال سوم شروع میشود نظریات اصلاحی مابرای آینده ازینقراراست الی آخر...»

تقاضای شیخ خزعل‌قبول نشد:

خرداد ۱۳۰۷ هنوز مقدمات افتتاح رسمی بانك‌ملی فراهم‌نشده‌بود که‌دریکی از پذیرائی‌های شاه‌فقید در قصرشخصی خود که‌نمایندگان مجلس‌وجمعی ازرجال ومحترمین باهم شرفیاب میشدند،اعلیحضرت بشارت افتتاح‌بانك ملی رابا‌خوشوقتی داده واظهار نمود این‌بانك دررشته اقتصاد وفلاحت نیزموثر خواهد بود زیرا شعبه اقتصادی و شعبه فلاحتی بانك‌نیزدائرخواهد گردیدو علاوه کردند که‌بالاخره در نتیجه‌تجربه‌بمانابت شده‌است که‌ماخودمان برای مملکت خودبایدکار کنیم.مستخدم خارجی هرقدرمتخصص‌وهرقدر علاقمند باشدباز خارجی‌است‌ووطنش‌مملکت دیگری‌است ماخود اشخاص مطلعی داریم که‌بهترمیتوانندکار کنند وبالاخره ایران بایدبدست ایرانی ترقی نموده وقدم باصلاحات گذارد .

موضوع جلب توجه در این پذیرائی این بود که اعلیحضرت فقید درموقعیکه از شیخ خزعل احوال پرسی فرمودشیخ جلورفته وعرض نمود که این خدمتگذار دوچار دردچشم شده بطوری که چندقدمی خودرا نمی توانم تشخیص دهم،از حضور اقدس همایونی بنام یك خدمتگذار حقیقی ومطیع که اوامرهمایونی‌را از روی صمیم قلب حاضر باطاعت می‌باشد،استدعادارد اجازه،رخصتی داده‌شود که برای‌معالجه‌چشم باروپا بروم.

(باید توضیح داده شود که شیخ خزعل پس ازالحاق خوزستان بایران که قبل از سلطنت پهلوی درحقیقت جدا بود وحکومت مرکزی درآنجا هیچگونه نفوذی نداشت و تمام آن خطه زیر تسلط و نفوذ شیخ خزعل اداره میشد دستگیر وبطهران اعزام‌شده ودرتهران تحت‌نظر بسرمی‌برد)

پس ازاین استدعا شاه فقید بتیمورتاش خطاب نموده ومیگوید، دستوربدهید دونفر طبیب متخصص‌ازاروپا خواسته شود که یکی از آنها چشمهای شیخ‌را معالجه کند ودیگری دلوی یکی از فرزندانم‌را که مریض است عمل کند. شیخ خزعل درجواب عرض نمود تنها چشمهای من‌دردنمیکند جسماً مریض هستم ومرض بقدری مرا آزار میدهد که محتاج بمعالجه قطعی دراروپا می‌باشم .

شاه دیگر جوابی نداد وبادوسه‌نفر دیگر از نمایندگان مجلس بصحبت پرداخت.

نمایندگان تهران در دوره هفتم : از ۵۱ هزار ورقه رأی اخذ شده درتهران وحومه حائزین اکثریت تا۱۵نفر بترتیب ازاینقراربود :

۱- مرحوم شیخ‌حسین تهرانی ۱- مرحوم حاج امین‌الضرب ۳- وثوق‌الدوله ٤- دکترحسن‌خان مالیه ۵- امیر همایون ٦- مرحوم مؤتمن‌الملك ۷- حاج محمدتقی بنکدار ۸- مرحوم مستوفی‌الممالك۹-مرحوم‌مشیرالدوله ۱۰- آشتیانی ۱۱- مرحوم آقاضیاءالدین نوری ۱۲- فیروزآبادی ۱۳- شیخ‌علی مدرس ۱٤ - مرحوم سید عبدالرحیم‌کاشانی ۱۵- سیدحبیب‌اله لاریجانی .

۳نفر از نمایندگان‌تهران مرحوم مؤتمن‌الملك، مرحوم مشیرالدوله‌ومرحوم مستوفی‌الممالك‌ازقبول‌نمایندگی خودداری کردند وهرقدر بایشان اصرار شد نپذیرفتند در نتیجه اعتبارنامه بنام سه‌نفر بعد آقای‌شیخ‌علی‌مدرس - مرحوم کاشانی- سیدحبیب‌اله‌لاریجانی صادر شد ولی آقای شیخ‌علی مدرس درمجلس حضار پیدا نکردند

درباره عدم قبول نمایندگی سه نفر ازرجال آزموده وشریف کشور حدس‌های بسیار زده میشد وقدرمسلم این‌بودکه دست مداخلهٔ دولت در امر انتخابات آشکار شده بود وآنها حاضر بقبول نمایندگی نبودندازاین دوره ببعد اصول انتخابات تغییر کرد وبتدریج سیستم خاصی بخود گرفت که در تمام دورهٔ سلطنت پهلوی‌جریان داشت‌و چون قانون انتخابات حق‌را به‌بیسوادان داده‌بود ازاین موقعیت‌سوءاستفاده شد زیرا دست دولت درمداخلهٔ تعیین نمایندگان کاملا بازبود واین‌مداخلات‌صریحاً انجام‌میگرفت.

غله و کمك بنقاط آفت‌زده: در جلسه دوم مرداد ۱۳۰۷ مجلس وزیر کشور پیشنهادی داد که دویست هزار تومان از عایدات عمومی برای خرید وحمل غله نقاطی که محصول امسال آنها دوچار آفت شده بعنوان مساعده تخصیص داده ودرسرخرمن ۱۳۰۸ مبلغ مزبور مسترد گردیده و بخزانه بر گردد.

مرحوم مدرس پیشنهاد نمود دولت ازاین دویست هزارتومان گندم از جاهائی که ممکن است خـریداری نموده و در نقاطی که دوچار سختی هستند ازقرار خرواری بیست تومان یا کمتر بفروشد تاسال تمام شود وزیر کشور وعده دادنظر آنمرحوم را عملی سازد و آقا سید یعقوب مخالف بود که برای انجام این کار اداره ای تاسیس شود و گفت نظرما اینست که بمردم کمك شود اگر بناباشد دولت نظامنامه بنویسد می ترسم نظـامنامه اداره بخواهد، اداره پرسنل بخواهد، محاسبات بخواهد، ارشیو بخواهد وبالاخره این اعتبار صرف کابینه ومحاسبات وآرشیو ومیز وصندلی شود.

این اولین قدمی بود که دولت ازلحاظ کمك بمردم برمیداشت که بعد هاصورت بهتری پیدا کردیعنی شاه فقید درصدد برآمد ادارهٔ تثبیت غله بوجود آورد وسیلو بسازد که غله ازدست زارعین بقیمت بالنسبه خوب خریداری وانبار شودو درموارد لزوم وتنگی وترقی قیمت بقیمت نازل فروش نماید تا باین ترتیب مردم مملکت دررفاه وآسایش باشند و هیچوقت نان خراب و گران نشودو گندم هم دست زارع وخورده مالك نماند ولی بعد ازرضا شاه فقید رفته رفته همین اداره کوچك تثبیت غله بجائی رسید که عرض وطولش باعث زحمت وطرزکارش موجب فنا ونیستی زارعین گردید و آن فکر پاك و خالصانهٔ اول بصورت امروز درآمد که این سازمان بجای اینکه رعایا ومالکین را بتوسعه کشت غلـه تشویق و تائید کند و بنان مردم کمك نماید، اکنون با بودجه سنگین غیرقابل تحملی موجبات آوارگی وبدبختی زارعین و مالکین وخرابی دهات گردیده زیرا این عمل زیان آورونانوائی کردن دولت دسته دسته مردم گرسنه دهات را بشهر ها برای نان ارزان سوق داد که هنوز هم این وضع ادامه دارد ومعلوم نیست چه امتیازی بین مردم شهر نشین با مردم زحمتکش ومولد ثروت دهات وقراء وقصبات این مملکت وجود دارد؟

آخرین جلسه دوره ششم: روز ۲۱ خرداد ۳۰۷ آخرین جلسه قانونگزاری دوره ششم تشکیل شد مسائل بسیاری ازجمله استخدام ۸ نفر معلم برای شیمی وفیزیك وعلوم طبیعی وقسمتی ازطب مطرح و تصویب گردید بعد وزیر مالیه تقاضا کرد لایحه اصلاح قانون استخدام مطرح شود مرحوم مدرس پیشنهاد کرد لایحه الغاء مالیات اغنام و احشام مقدم باشد و گفت باید قدمی برای رفاهیت مردم برداریم واضافه کرد که اگر این لایحـه را مطرح نسازید من درجلسه نخواهم ماند وچون و کلا همهمه وجنجال کردند مرحوم مدرس باحـال عصبانی خارج شد وعده‌ای هم بدنبال ایشان بیرون رفتند وجلسه ازاکثریت افتاد مرحوم بهبهانی پیشنهاد تنفس داد وبالاخره موافقت شد که پس از لایحه استخدام لایحه مزبور دردستور گذاشته شود ومرحوم مدرس باچندنفر دیگر واردجلسه شدندو طرح پیشنهادی راجع بالغای مالیات اغنام واحشام که بامضای مرحوم محمودرضا طلوع مرحوم یاسائی مرحـوم ملك آرائی وچندنفر دیگر رسیده بود قرائت وبتصویب رسید. بعد ازآن نیز چندفقره لایحه تصویب وآقای قائم مقام رفیع گفتندامروز که روز آخرمجلس است همه باید بایکروح صمیمیت وبشاشت همدیگررا وداع کنیم وبعـلاوه تشریفاتی برای مدت دوتاه فترت انجام دهیم.

جلسه تشریفاتی روزبعد بریاست آقای خلیل فهیمی (فهیم الملك) تشکیل کردبدونایب رئیس درنطق خود گفت خدارا شکرمیکنیم که در دوره ششم بهترین خدمات را انجام داده ایم که برجسته ترین آنها تعمیم قوه قضائی درمملکت ووضع قانون مدنی و الغاء کاپیتولاسیون میباشد که استقلال مملکت را بیش از بیش مستحکم ساخت بودجه مملکت را دراول سال برای سال آتیه تصویب نمودیم قانون تاسیس بانك ملی گذرانديم مالیات اصناف ومالیات مراع ومواشی و خالصجات انتقالی دراین دوره ملغی گردید برای معارف قدمهای خوب برداشته شد راه آهن که پایه آن چندیست گذاشته شده دراین دوره وارد مرحله عمل شده در پایان ضمن سپاسگزاری ازاعلیحضرت فقید که منشاء اصلاحات بوده‌اند ازمرحوم تیمورتاش نیزقدردانی نمودند درآنموقع مرحوم تیمورتاش بمسافرت اروپارفته وباسران کشورهای خارجه ملاقات می‌نمودوبخصوص باموسولینی ملاقات طولانی داشته ودرهمه جا مخصوصاً ایتالیاپذیرائی شایان ازایشان شد ودرتاریخ ۳۱ شهریور بااحترامات بسیار و استقبالـی که تاقـزوین وحتی رشت وپهلـوی دوستانشان نمودند وارد تهران شد.

امان‌الله‌خان درتهران: پادشاه افغانستان پس‌ازمسافرت طولانی که دربعضی کشورهای اروپا نمود

وپذیرائی های مجلل وشایانی که ازخانواده سلطنتی امان الله خان در پایتخت های ممالك مهم بعمل آمد، ازراه روسیه با کشتی جنگی شوروی روز ١٦ خرداد واردبندرپهلوی شد. در آنجا ٢١ تیرتوپ ازطرف جهازجنگی و ٢١ تیرتوپ ازبندر شلیك شد واعلیحضرت امان الله خان باملکه ثریا که حجاب را برداشته بود بخاك ایران واردشدندومرحوم تیمورتاش ازطرف اعلیحضرت همایونی در بندر پهلوی خیرمقدم گفت.

دراین مسافرت آقای ضیاء همایون که ازرجال ایرانی وباخانواده سلطنتی افغان ازدواج نموده ودر دربار امان الله خان موقعیت شایسته ای داشت نیزهمراه بود. پس از پذیرائی های مجللی که در گیلان از پادشاه افغان شد بتهران عزیمت وروز ١٩ خرداد واردتهران شدند . اعلیحضرت فقید درباغ بیرون دروازه قزوین ازاعلیحضرت امان الله خان استقبال نمود وازآنجا باکالسکه شش اسبه ازخیابانهای تهران که آئین بندی شده بودعبورنمودند. سایر ملتزمین رکاب نیز درکالسکه های دیگر جلوس نمودند وطرفین کالسکه ها روسای کالسکه خانها واصطبل خاصهٔ همایونی وچهارنفراجودان وعده ای اسکورت سواره درجلو وعقب کالسکه حرکت میکردند . کالسکه ها باین ترتیب تاانتهای خیابان پهلوی رفت ودرآنجا اعلیحضرتین ازکالسکه پیاده شدندوخداحافظی نمودند. اعلیحضرت امان الله خان بااتومبیل بقصرصاحبقرانیه واعلیحضرت شاه فقید بقصر شخصی باز گشتند .

علیاحضرت ملکه ثریا وخانمهای درباری درباغ دیگری پذیرائی شدند که علیاحضرت ملکه پهلوی در آنجا حضوریافتند وباتفاق دراتومبیل هاقرار گرفته جدا گانه بشهرورود نمودند.

ازاعلیحضرت پادشاه افغان چند روزدرتهران پذیرائی شایان شد ، روزی اعلیحضرت فقید بامهمان خود درمجلس حضوریافتند . درشهرداری هم پذیرائی مجلل شدوروز ٢٦ خرداد امان الله خان وخانواده سلطنتی افغانستان تهران را ترك نمودند، لکن وضع رفتارپادشاه افغان درتهران وطرزبرخورد ایشان بامردم ورفتن دربازارو کوچه ومحلات شهرخوش آیند اعلیحضرت فقید نشد واحساس سردی بین این دوپادشاه میگردید.

شهرخاموشان : اطلاعات درمقاله خودمینویسد بپایتخت ایران که نیمه شب خاموش میشود وازبرق و روشنائی دیگرخبری نیست بایدشهرخاموشان نام گذاشت ، غروب برق داده میشود ونصف شب قطع میگردد یعنی تهران چهار پنج ساعت برق دارد وازساعت ١٢ ببعد شهر درظلمت می افتدواحتمال هر گونه مخاطراتی ازلحاظ وسایط نقلیه وجنایات میرود . هنوز فوت مرحوم درویش عالم شهیر موسیقی بواسطه ظلمت شب فراموش نشده که این مردهنرمند قربانی تاریکی شب گردید .

(درآنموقع برق تهران ازکارخانه حاج امین الضرب داده میشد که نقط قسمتی ازشهر راروشن می ساخت) .

سپس اضافه شده است که برطبق امتیازنامه بایستی کلیه شهروحتی اطراف شهرسیم کشی شده وبوسیله الکتریك روشن شود، مذالك هنوزهم برحسب دستورسرتیپ بوذرجمهری کفیل بلدیه تهران برای احتراز ازخطرات ممکن الوقوع وتنویر معابرمجبور بداشتن چراغهای ذخیره اززنبوری ونفطی میباشند.

افتتاح رسمی بانکملی . روز ١٧ شهریور ١٣٠٧ بانکملی ایران رسماً شروع بکارنمود و سرمایه اولیه بانك بموجب اساسنامه مصوبه هیئت وزیران معادل دومیلیون تومان تعیین گردید که صدی چهل آن نقداً برای تأسیس وافتتاح ازطرف دولت پرداخت شد .

آقای لیندن بلات آلمانی رئیس بانك در ملاقاتی که روزبعد ازافتتاح نماینده اطلاعات از او نمود گفت اعضای بانك را اشخاص لایق وبا اطلاعی تشکیل داده اند که باصمیمیت کار خواهند کرد . تجارایران با چهره های گشاده و قیافه متبسمی قدم ببانك نهاده و معاملات خود را با بانك خود شروع کردند و در خصوص تأسیس شعبه بازار و شعب شهرستان ها گفت فعلا مؤسسه مرکزی را تکمیل خواهیم کرد تارفته رفته به تأسیس شعب بپردازیم .

شاه فقید درجشن بانکملی: برای اولین دفعه اعلیحضرت فقید بالباس ساده غیر نظامی : کت سرمه ای. شلوار سفید و کراوات درجشن افتتاحیه بانك ملی حضوریافت ودرچادری که درزمین های مسطحی که اکنون عمارت مجلل بانك ملی در آن ساخته شده تشریف فرماشدند . لیندن بلات نطقی کرد که آقای منصورالسلطنه ترجمه نمود.

اعلیحضرت فقید درطی نطق جوابیه فرمود: «تأسیس بانکملی یکی ازآرزوهای دیرینه ملت من بوده و حال که بعون الله تعالی بعملی کردن این آرزوی ملی موفقیت حاصل شده لازم میدانم نکات چندی راباطلاع عموم برسانم . در انظاردنیا پیشرفت این قبیل مؤسسات نمونه لیاقت ملی محسوب تواندشد بنابراین برهر فردی ازافرادملت خود توصیه

وتاکید میکنم که از هیچ قسم فداکاری برای محکم نمودن این اساس عام المنفعه خودداری ننمایند باساعدتهای خاصی که از ناحیه خودمن و دولت برای کلیه امور مربوط باقتصادیات مملکت معطوف بوده و میباشد یقین داریم که افراد ملت من نیز مراتب وطن پرستی و فداکاری را که شایسته عموم ملل راقیه است بمنصه بروز خواهند رسانید.»

بانك ملی درجریان کار مواجه بارقابتهای شدید بانك شاهی گردید که روزنامه اطلاعات درمقالات خود انتقادات سخت وخشن ازبانك شاهی نمود وخوشبختانه بااستقبال شایانی که مردم از بانکملی نمودندبانك مزبور در پیشرفت خود توفیق حاصل کرد.

اولین کاروان علم و ادب: صبح روز ۲۳ مهر ۱۳۰۷ صحن وزارت فرهنگ غلغله بود. ازساعت شش و هفت صبح جمعیت زیادی ازخویشان وبستگان ودوستان یکصد وده نفرمحصلینی که باروپا اعزام میشدند در حیاط وزارتخانه اجتماع نموده بودند، اتومبیلهاهم در کناری صف کشیده و آمادهٔ حرکت بود، هر یك از اتومبیلها که محصلین در آن قرارداشتندو آماده حرکت میشد درمیان هوراو کف زدن وشور وشعف بدرقه کنند گان ازدروزارت فرهنگ خارج میشدو راه بندرپهلوی راپیش میگرفت.

***

چندروز قبل ازحرکت باروپا بود که اولین دسته محصلین اعزامی درقصر شخصی اعلیحضرت حضور شاهنشاه فقید کرد آمده بودند درآن روز همه لباس کت وشلوار خاکی رنك و کلاه مشکی پهلوی پوشیده بودند، سرپرستان محصلین مرحوم مرآت. مرحوم طائر وآقای ایرانی بودند. آقای علی اصغرحکمت وآقای اعتمادالدوله قراکزلو وزیرمعارف وقت نیزحضورداشتند.

شاه فقید فرمود: «این اولین دفعه ای نیست که من ازمحصلین که فرزندان من هستند بدرقه میکنم شایدمرتبهٔ پنجم وششم باشد ولی تاکنون محصلین لشکری اعزام میداشتیم وحالا خیلی مسرورم که شاگردان کشوری را روانه میداریم.» بعدخطاب بمحصلین فرموده و گفتند: «باید بدانید چرا شمارا ازیك کشور پادشاهی بیك کشور جمهوری مثل مملکت فرانسه اعزام میداریم فقط برای این است که حس وطن پرستی فرانسویان را سرمشق خود قرارداده و در اعماق قلبتان جایگیر سازید، اگرزمامداران سابق تاکنون مبادرت بچنین کارهائی کرده بودند مملکت ایران بوضع حالیه نبود و قطعاً پیشرفتهای بهتری پیدا میشد»

درپایان شاه فقید گفت: «فرزندان من، ازخداوند متعال عمر میخواهم که پس ازباز گشت از اروپا شماها را با ارمغان خوبی که برای وطن تان می آورید دوباره ملاقات نمایم واضافه کرد که سرپرستهای شما از کسانی انتخاب شده اند که من بآنها اطمینان کامل دارم یکی آقای علاء وزیرمختارایران درپاریس ودیگری آقای بهرامی رئیس کابینه اسبق من میباشد»

اسامی اولین دسته محصلین اعزامی: پس از گذشتن ۲۲ سال شایددرج اسامی کسانی که سال اول باروپا اعزام شدند تازگی داشته باشد زیرا بین آنها باسامی بسیاری بر می خورید که آنها را قطعاً می شناسید.

(درآن موقع هنوزمیرزا وخان موقوف نشده واسامی آقایان محصلین بامیرزا وخان در اطلاعات چاپ شده ولی ما این عناوین راحذف می کنیم)

برای علوم اقتصاد و مالیه: آقایان عبدالحمید زنگنه. عزیزالله ملك اسمیلی. حسین تقوی

علوم قضائی: آقایان مرتضی آزموده. مهدی تقوی. کریم سنجابی. سیدعلی شایگان

معلم تاریخ وجغرافیا: آقایان محمود کیهان. محسن عزیزی. محمد علی حکمت. حسین نوائی مهدی بهرامی.

معلم زبان و ادبیات: آقایان سیدمهدی حسابی. رحمت الله آشوب آئین. لطفعلی صورتگر. مسعودفرزاد حسینعلی صرسیاح.

***

آقایانی که ازقسمت ٤٤ یاه برای تحصیل علوم مختلفه قبول شده اند مطابق صورت مستخرجه ازروی نمرات

امتحانات بقرار زیرمیباشند :

۱- غلامعلی فریور ۲- محمدنصیرسمیعی ۳- سیدعبداله ریاحی اصفهانی ٤- علی افضلی پور ٥- اسداله آل‌بویه ٦- جلال عقیلی کرمانی ۷-حسین‌سامی‌راد ۸-رضا اقصی ۹- مهدی‌بازر دان ۱۰- نصراله محمودی ۱۱- تقی‌صباحی امین ۱۲- نصراله اسکندانی ۱۳- ناصرمسعود انصاری ١٤- عباس معتمدی ١٥ - سیداحمد رضوی ١٦- احمدعلی‌ابتهاج ۱۷- کاظم تقفی۱۸- سعداله‌شیبانی ۱۹- ابوالقاسم پزشکیان۲۰ -آقابزرك‌منفرد ۲۱- مهدیآیتی‌دانی ۲۲- عبداله‌باهر ۲۳- مصطفی حبیبی گلپایگانی ٢٤- ابوالقاسم غفاری ٢٥- غلامحسین‌فروتن ٢٦- تقی‌امین شه‌منش -۲۷ محمودحافظی ۲۸- مرتضی جواهری ۲۹- حسن‌ریاضی ۳۰- خلیل‌ملکی تبریزی ۳۱- محسن کلانتری ۳۲- حسن‌عطاری‌نژاد ۳۳- مرتضی عدل طباطبائی ٣٤- محمد علی جلالی شیرازی ٣٥ - علی‌اکبرشروقی ٣٦- مرتضی‌قاسمی ۳۷- امین‌الدوله مصباح ۳۸- رضارادمنش ۳۹- غلامعلی‌شیخ‌نیا ٤٠- حسن سدهی ٤١- محمودسیاسی ٤٢- ابراهیم ریاحی‌اصفهانی ٤٣- محمد ماجدی ٤٤ - امانةاله روشن زائر ٤٥ - سیدجلیل شمسا ٤٦- اسمعیل‌آزرم ٤٧- سیداحمدعنایت ٤٨- محمودیزدی‌زاده ٤٩- ابوالحسن شیخ ٥٠- حسین مفتاح ٥١- عباداله‌بصیر ٥٢- احمدمهران ٥٣- حبیب‌اله هورخش‌تابان ٥٤- هاشم عروضی ٥٥- محمد اسمعیل شیرازی٥٦- عزت‌اله خبیری ٥٧- احمدحامی ٥٨- احمددانشور٥٩- عطاءاله اهانپور ٦٠- علی‌اکبر روح بخش ٦١- حسین‌انصاری ٦٢-محسن‌زاهدی ٦٣- علی‌اصغرخشایار ٦٤- حیدرسرخوش ٦٥ - مصطفی‌الهی‌وزیری٦٦- علی سعیدی‌طاهری ٦٧- محمدقراگزلو ٦٨- فتح‌اله بهاری .

درقسمت طب : دکترابراهیم نعمت‌اللهی - دکترمرتضی‌اخوی- دکترمحمدمهدی‌آذر - دکترفصیح فصیحی - دکترمهدی پزشکان - دکتراسداله شیبانی - دکترابوالقاسم صمدی- دکتر محمدعلی ملکی - دکتر نصرت‌اله باستان .

عده‌ای‌هم برای وزارت فواید عامه وبخصوص راه‌آهن بمسابقه انتخاب گردیدند.

چگونگی افتتاح مجلس هفتم : شاه فقید درنطق افتتاحیه هفتمین دوره قانونگزاری پیرامون نکات زیربیاناتی فرمودند :

« ازاینکه مملکت ایران بعضویت شورای جامعه ملل انتخاب شده است اظهار مسرت نموده و لغت‌الغاء کاپیتولاسیون وانعقاد عهودجدیده که مقتضی حیثیت ملی و منافع ایران بود عامل مؤثر حسن روابط ایـران با ممالك خارجه می‌باشد وآرزومند هستم ملت ایران پیوسته درصلح وسلامت باشد تابتواند تمام وقت‌خودرا صرف کار عمران و آبادی داخلی مملکت خودکند وبهمین جهت در عهدنامه بین‌المللی تحریم جنك شرکت کردیم و با طیب خاطر آن‌را امضاء نمودیم، تأسیس بانك ونقشه‌های اقتصادی و کشاورزی که در پیش است برای بهبود طبقات رنجبر مؤثر خواهد بودوهدف من اصلاح وضع ملت می‌باشد که همکاری مجلس مؤثر خواهد بود و علاوه براین مجلس باید توجه مخصوصی بتهذیب اخلاق عمومی وترویج وطن‌پرستی‌ووظیفه شناسی وتحکم ایمان‌وتقوی در جامعه‌داشته باشد» .

شاه فقید در کالسکه ٦ اسب سلطنتی قرار گرفت . سرتیپ نخجوان کفیل‌ارکان حرب طـرف راست کالسکه و سرتیپ یزدان پناه رئیس تفتیش‌کل نظام سمت چپ کالسکه بعد دو نفر شاطر بعد امیرلشکـر خدایارخان حامل بیرق سلطنتی، بعد دولتشاهی حاکم‌تهران وسرتیپ بوذرجمهری کفیل بلدیه - سرتیپ‌درگاهی رئیس نظمیه -سرهنك جهانبانی رئیس امنیه کل مملکتی ودرجلو آصف‌دولو رئیس‌فراشخانه - امیرسلیمانی‌رئیس اصطبل‌خاصه‌همایونی وسواران نیزه‌دار بودند .

شاه ازعمارت گلستان وخیابان ناصریه ولاله زار ورفاهی وشاه آباد باین ترتیب عبـور نموده وارد مجلس شد.

درآنموقع تشریفات چنین بود که آقایان علماء نیز درمراسم افتتاح حضور می‌یافتند ودر داخـل تالار کنارصندلی مرصع که شاه دربشت آن خطابه ایراد می‌نمود می‌نشستند و همین که اعلیحضرت وارد تـالار جلسه میشد باحترام برمیخاستند.

درآنروز آقایان امام جمعه تهران . ظهیرالاسلام . میرسید احمدبهبهانی . آقاشیخ حسین‌یزدی-حاج شیخ محمدامین‌خوئی - آیت‌الله‌زاده اصفهانی وچندنفر دیگر درآنجاحضورداشتند.

پس از انجام مراسم گشایش اولین جلسه دوره هفتم بریاست مسن‌ترین نماینده گان (حاج سید محمود مجتهد رشتی) تشکیل گردید و آقای حسین‌داد گر بریاست مجلس انتخاب شد.

اولین اسب دوانی درصحرا - شاه فقید بتعلیم وتربیت ترکمن ها اهمیت بسیار میداد وجداً مصمم بود این طایفه را که سوابق طولانی درشرارت وغارتگری داشتند شهرنشین و با سواد نماید باینجهت علاوه بر ساختمان شهر وتاسیسات فرهنگی وتربیتی آنها، عده‌ای از اطفال عشایررا برای تربیت بتهران آورد وهر سال یکدسته ازآنها را شبانه روزی تحت مربیان خوب تربیت میکردند و برای توسعه کارهای فلاحتی بمحل اعزام می‌نمودند .از جمله کارهائی که بهمین منظورمیشد تشکیل مسابقه‌های اسب‌دوانی درصحرای ترا کمه‌وشرکت ترکمن ها در مسابقه بود.

اولین دفعه اعلانی که برای این کار منتشر شد بامضای سرتیپ فضل‌الله زاهدی رئیس تیپ مستقل شمال (رئیس کنونی شهربانی) بود که‌مژده دادروز ۲۰مهر ۳۰۷ اعلیحضرت بگمش تپه‌درصحراتشریف‌می‌آورند و اعیان‌و رجال ونمایندگان‌هم خواهندآمد تادرمراسم اسب دوانی حضورداشته باشند .

اتصال خوزستان بایران

سابق براین، قبل‌ازآنکه راه شوسه خوزستان ساخته شود، مسافرت بخوزستان از راه بین‌النهرین انجام میگرفت، کسانی که میخواستند باهواز یا خرمشهر وسایرنقاط خوزستان سفر کنند باید از راه کرمانشاه و قصر شیرین ببغداد بروند واز راه بصره وشط‌العرب بخرمشهر وارد شوند ویا ازجنوب ایران از راه دریا بخرمشهر مسافرت کنند .

پس ازآنکه خطه خوزستان عملا ازسلطه شیخ‌خزعل بیرون‌آمد وتحت امرونظرحکومت مرکزی درآمد قبل‌ازهرچیز شاه فقید تصمیم گرفت خوزستان را بنقاط دیگر کشور متصل سازد و اهتمام خود را روی باز کردن راه مهم خرم آباد بدزفول گذاشت، برای انجام این منظور قربانیهائی داده شد، عده زیادی بدست الوار شرور کشته شدند که قتل امیرلشکر طهماسبی یکی ازآن قربانی های کرانبها بود .

عملیات راهسازی درمیان کوهستانهای صعب و دشوار لرستان دربین‌بعضی‌ایلات‌و طوایفی که کمترآدم دیده بودند وشغل‌آنها آدم کشی‌و راهزنی بود شروع گردید، مهندسین وعملجات راه درحمایت سرنیزه قشون و توپ و مترالیوز کار میکردند زیرا درغیر اینصورت کسی جرئت نداشت قدم در کوههای لرستان گذارد، در این جا بایدازامیرلشکراحمدآقاخان(سپهبدامیراحمدی) که‌اوراامیرغرب‌می‌نامیدندنام‌بردایشان‌درقلع‌وقمع‌اشرارواستقرارامنیت صفحه غرب نقش مهمی بازی کرد وخدمات شایانی انجام داد، شاه با بیصبری انتظار بازشدن این راه را میکشید تا باو مژده دادند که از اول‌آبان ماه ۱۳۰۷ راه خرم‌آباد بدزفول برای‌افتتاح بازاست.

شاه فقید روز ۳۱مهر بقم مشرف‌شد وازآنجا بعراق وبروجرد رفت ومقررداشت رجال واعیان‌وعده‌ای از نمایندگان مجلس و مدیران جراید برای شرکت در افتتاح راهی که در آنروز اعجاز بشمار میرفت حضور پیدا کنند .

همه بارسفر بستند وازجمله کسانی که‌دراین سفر بودند: مرحوم فرمانفرما. مرحوم ظفرالسلطنه بختیاری مرتضی قلی‌خان‌صمصام. وثوق‌الدوله . قوام الملک شیرازی .تدین . هیئت دولت و بسیاری ازرجال واعیان و نمایندگان مجلس‌بودند.

اولین دفعه‌ای‌بود که مدیر اطلاعات درالتزام‌رکاب شاه فقید دعوت شد واین دعوت‌راخیلی گرامی‌دانست، ازمدیران جراید آقای رهنما مدیرایران.آقای‌دشتی مدیرشفق‌سرخ . آقای‌ناهید مدیرروزنامه‌ناهید. مرحوم امیر رضوانی مدیرروزنامه گلشن بودند.

وضع مسافرت آنروز، مثل امروزنبود،هرمسافری باید تختخواب ورختخواب خودراهم همراه داشته باشد زیرا دربین راه وسایلی برای استراحت ازحیث مهمانخانه وغیره وجود نداشت، تختخواب‌سفری با وسایل خواب وبخصوص پشه‌بند ازلوازم حتمی مسافرتهای‌آنروز بشمار میرفت.

روز دوم آبان،شرکت کنندگان در جشن‌ازتهران‌حرکت کردند و در بروجرد بملتزمین‌رکاب‌پیوستند ازبروجرد مقالات‌آقای مسعودی که بصورت تلگراف مخابره می‌کرد،شروع‌شد. هنوز کسی نمی داند

وباور نمیکنند که اداره اطلاعات تمام قیمت تلگرافات مسافرتهای مدیر اطلاعات باشاه را می پرداخت، برای اولین بار وقتی بعرض شاه رسید که اجازه می‌فرمائید تلگرافات مدیران جراید مجانی مخابره‌شود، فرمودند مطابق چه قانونی؟ مگر میشود پول دولت را تفریط کرد؟ چطور ممکنست تلگرافات روزنامه‌ها مجانی باشد؟ از آن پس همه تکلیف خود را دانستند وفهمیدند که با این شخص نمیتوان ازاین حرفها زد، این تقاضا دیگر تکرار نشد و چندین سال مدیران جرایدی که درالتزام رکاب شاه قراری گرفتند علاوه بر پرداخت قیمت تلگرافهائی که بصورت مقاله مخابره میکردند وفقط از تاکس بین‌المللی مطبوعات یعنی نصف قیمت استفاده می‌نمودند سایر مخارج را نیز خود برعهده داشتند، وسیله نقلیه با خود ملتزمین رکاب وحتی مدیران جراید بود که ناچار دو نفر و سه نفر با هم یکی میشدند واتومبیلی اجاره می کردند که در تمام مدت با آنها باشد ورفته رفته مسافرت های مدیر اطلاعات درالتزام رکاب اعلیحضرت فقید مخارج هنگفتی باداره اطلاعات تحمیل می نمود از حیث کرایه اتومبیل، قیمت تلگرافات، مخارج فیلم وعکسبرداری و کلیشه وغیره. زحمتش هم طاقت فرسا بود زیرا اعلیحضرت فقید هرگز در تاریکی مسافرت نمیکردند. ایشان صبح زود بمسافرت خود ادامه می‌دادند و قبل ازظهر بمقصد میرسیدند و باز بعدازظهر حرکت نموده وعصر قبل از آنکه آفتاب غروب کند باید بمقصد برسند، سرشب زود استراحت می کردند وسحر گاه برمیخاستند وساعت ۷ صبح پادررکاب اتومبیل می‌نهادند باین کیفیت ملتزمین رکاب هم ناچار از ساعت چهار بعد از نیمه شب باید در تدارک حرکت باشند، کی جرئت داشت یك دقیقه دیر تر حاضر بحرکت باشد!

نقل میکنند دریکی ازمسافرتها، مسافرت اعلیحضرت فقید بتر کیه وزیرخارجه وقت آقای کاظمی چون علاقه فراوانی بدیدن آثارتاریخی وملاحظه شهرها دارند ازفرصت کوتاهی استفاده‌نموده بیکی ازشهرهای نزدیك میروند غافل ازاینکه ساعت حرکت فرامیرسد، مسافرت با کشتی در دریای سیاه بود، همینکه ساعت حرکت فرارسید، اعلیحضرت فقید وهمراهان داخل کشتی شدند وشاه امر داد کشتی حرکت کند، بعرض رسید وزیرخارجه نرسیده‌است، دیگرجوابی ندادند، ناچار کشتی بحرکت درآمد، چنددقیقه بعد وزیرخارجه رسید، تنهاراهی که بنظر مهمانداران ترك رسید تدارك قایق‌موتوری بود که وزیرخارجه‌را در آن جای‌دادند ودرعین حال بفرمانده کشتی اطلاع دادند سرعت‌سیر را کم کند تاقایق‌برسد باین‌ترتیب قایق‌بکشتی نزدیك‌شد ووزیرخارجه بانردبان طنابی بالارفت وازقایق بکشتی که باسرعت کمی درحال حرکت‌بود وارد گردید.

مسافرت‌های امروزدرالتزام رکاب‌اعلیحضرت‌همایونی فرزندوالا گهر شاهنشاه‌فقید‌باآن‌ایام فرق‌بسیاردارد،ایشان بر خلاف پدر بزر گوارشان گذشت‌واغماض زیاددارند، کیسه‌راهم‌خیلی‌شل کرده‌اند، حالانه فقط مخارج رفت‌وآمدواقامت را می‌پردازند بلکه پول توجیبی هم داده می‌شود و راستی مسافرت با ایشان لذتبخش است.

رضاشاه فقید هنگامی که نوار سه رنگ را دراول جاده خرم‌آباد باتشریفات وتجلیل بسیار باقیچی نقره قطع می‌نمود درمیان هلهله وشادی رؤسای ایلات‌و وجوه اهالی بروجرد که تاقبل‌ازاین‌تاریخ پیوسته در معرض غارت طوایف لر واقع‌میشدند وبشهر می‌ریختندوهستی‌مردم‌رامی‌بردند‌فرمود: «یکی‌دیگرازآرزو های ملی من‌برآورده شد اهمیت این راه زیاداست ویك صفحه متروك کشوررا بایران متصل‌میسازد، من از خداوند کمك می‌طلبم که بتوانم ازدل همین کوهها راه آهن ایران راعبور دهم واین افتخار نیز نصیبم گردد،این راه شمال را بجنوب یعنی‌دو دریا را بهم اتصال‌داده و آرزومندم بندر شاه را بشاهپور وصل نمایم و موجبات رفاه وترقی ملت خود را فراهم آورم».

***

شاه فقید قبل‌ازورود بخرم‌آباد دریك‌فرسخی شهر ازاتومبیل پیاده شده وبراسب‌سفیدی سوارشد، صاحب‌منصبان‌هم باسب درملازمت شاه قرار گرفتند ومنظورشاه این‌بود که درطول‌جاده هنگام عبور ازمیان ایلات و طوایف مختلف لرستان که دردوطرف جاده صف‌بسته بودند نسبت‌بآنها بیشتر اظهارمهر فرماید و بعلاوه ابهت و عظمت شاهنشاهی‌خودرا نشان‌دهد ودرحقیقت مردمی‌که درتمام مدت عمرفقط نامی ازشاه شنیده‌بودند اینك شاهنشاه خودرا ازنزدیك ببینند، دراین‌موقع شاه‌فقید علاوه برنشانها ومدال‌هائی که برسینه زده بودند شنل‌آبی‌رنگ را در برداشتند وجقه‌ای‌شبیه‌به‌جقه‌ای که ناصرالدین‌شاه بر کلاه خودمیزد بر کلاه نظامی‌خویش گذارده بودند وباین کیفیت الوارشاه ایران‌را درچندقدمی‌خود باجلال‌بسیار دیدند ودرعین‌حالیکه هلهله وقیه میکشیدند بر خود لرزیدند که با داشتن چنین‌شاه پردلی که بآرامی ازمیان دوصف‌الوار شرور عبورمیکند دیگرنمیتوان دزدی وراهزنی وآدم کشی کرد

هنگام اجرای مراسم افتتاح راه خرم‌آباد طیاره شرکت هواپیمائی یونکرس آلمانی که چند ماهی بود درایران دایر شده وپست ومسافر ببعضی نقاط حمل میکرد درآسمان خرم‌آباد ظاهر گردید وبربالای چادر ها به پروازخود ادامه داد واوراق تبریک پخش‌نمود واین‌پیش‌آمد اسباب بهت‌وحیرت‌لرها که‌روسای آنها کت وشلوار پوشیده و کلاه پهلوی‌سر گذاشته بودند گردید

دونفر ازرؤسای الوار جعبهٔ تفنگی رابنام تسلیم‌کلیه اسلحهٔ استان و خاتمهٔ ملوك‌الطوایفی تقدیم‌اعلیحضرت فقید نمودند وشاهنشاه خطاب برؤسای الوارفرمود من ازهمین‌امروز تمام شماها والواراین‌خطه‌وسیع راعفومیکنم تمام خطاهائی که ازطرف شماسرزده می‌بخشم امابدانید که اگریکی ازشماها خیال دزدی وراهزنی‌نماید نه فقطاو را معدوم خواهم کرد بلکه امرخواهم داد تمام الواررا مجازات نمایند،باید بدون‌اینکه قشون دراین صفحه باشد خودتان مراقب باشید ودستورمیدهم وسایل‌آبادی وزندگی‌شماها را فراهم‌آورند وبکشاورزی ونگاهداری حشم اشتغال پیدا کنید وبعداز آنکه بامان‌الله معروف که بانظر علی خان وپسرانش جنگیده وآنها را مقهـور ساخته بود خلعت داد فرمود امان الله برو تو درنظر من مانند یك سرباز می باشی و این مرحمت شاه درآن‌روز خیلی اهمیت داشت .

مرحوم صوروزیرپست وتلگراف اجازه گرفت که اولین‌اتومبیل حامل پست‌خوزستان راحرکت دهند و بااین ترتیب پست‌بین‌ایران ولرستان وخوزستان‌دایرشد فردای آن‌روز اتومبیل شاه فقید وملتزمین رکاب در میان کوههای لرستان بحرکت درآمد وپس‌از اجرای مراسم‌افتتاح‌تونل‌ویك‌شب توقف بین‌راه بشهردزفول‌ورود نمودند.

دو فرسخ‌ونیم پیاده : شاه فقید دردنبال‌خستگی‌یك‌روزمسافرت‌پرمشقت‌بین‌دزفول‌وشوش‌دوفرسخ ونیم درمیان گل‌ولای پیاده راه‌رفتند تابشهرناصری (اهواز)رسیدند.

صبح‌موقعی که‌موکب شاه‌ازدزفول عازم اهوازمیشدباران سختی می‌بارید لکن ایشان توجهی باین موضوع نکرده‌وتصمیم خودرا برای حرکت ازراه‌شوش بسمت‌اهواز عملی‌نمود همه ملتزمین رکاب‌باوحشت از این‌مسافرت خطیربراه افتادند زیرا این‌تغییر تصمیم اعلیحضرت‌را که‌بجای شوشترازراه‌شوش عازم شدندبانبودن‌راه شوسه‌وآمدن باران همه‌بانگرانی تلقی کردند

ولی چاره ای‌نداشتند ، هنوز چند فرسخ از دزفول دور نشده بودندکه اتومبیل ها یکی بعد ازدیگـری درگل فرو رفت ولی شاه همچنان بمسافرت‌خود ادامه‌میداد ، بالاخره اتومبیل شاه‌این مرتبه طوری‌در گل‌فرورفت که‌دیگر نتوانستند آن را بیرون بکشند. هواتاریك شده بود و از آبادی هیچ خبری نبود ، گاهی راه‌را گم میکردند و گاهی پیدا می‌نمودند آخر الامر شاه فقید درمیان گل و لای پیاده راه اهواز را پیش گرفت در این موقع سرتیپ آق‌اولی فرمانده‌قشون‌خوزستان و مرحوم تیمور تاش ورئیس تشریفات در حضورشان‌بودند کـه آن ها هم پیاده براه افتادند و باین وضع چند ساعت ازشب گذشته وارد اهواز شدند .

اما سایرملتزمین رکاب‌دربیابان ماندند. شب‌را دراتومبیل‌ها بانگرانی گرسنه بسربردند وهمینکه‌سپیده صبح دمید یکدیگررا درصحرای وسیع یافتند ودرمقام چاره‌جوئی برآمدند لکن‌قبل‌ازهرچیز لازم بود غـذائی‌پیدا کنند زیرا ۲۸ساعت میگذشت که‌هیچ‌چیز نخورده بودند ازدورسیاه‌چادرها دیده‌شد همه‌پیاده راه‌سیاه‌چادرهارا پیش گرفتند مرحوم‌سرداراسعد ومرحوم نصرةالدوله فیروز بانشان‌دادن سکه‌های‌طلا عشایررا تشویق بکباب کردن‌مرغ وجوجه‌نموده نان‌وماست وپنیرآوردند واعیان‌ورجال شکم گرسنهٔ خودرا دربرابر پرداخت چندین‌سکه‌طلاسیرنمودند کم کم وسایل کمك‌رسیدواتومبیل‌هارا بوسیله کامیون‌های‌قشون از گل‌بیرون کشیدندوبسمت‌اهوازحرکت کردندوشب آنروزباسرووضع گل‌آلودی یکی‌پس‌ازدیگری‌وارد اهواز شدند.

عهدنامه تحریم جنگ-روزپنجم شهریور۱۳۰۷ عهدنامه‌ای‌بین ۱۵دولت‌معظم‌جهان‌در پاریس‌بامضاء رسید.روساءجمهوروسلاطین کشورهای‌آلمان.امریکا.انگلستان . فرانسه . بلژیك . ایطالیا.ژاپن . لهستان.چك‌اسلواکی و کشورهای‌وابسته باین‌حکومت‌ها معتقدشدند که‌اکنون‌موقع آن‌رسیده که تشبثات سلحشورانه‌رااز‌وسایل سیاست ملی خارج‌نموده‌وروابط صلح جویانه‌ودوستی .بین‌الملل‌رابیش ازپیش تحکیم نمایندو امیدوار‌ندسایرملل‌نیزواردا‌ین عهدنامه‌شده صلح دنیا برای‌همیشه تضمین گردد باین‌جهت نمایند گانی‌ازجانب سلاطین‌ورؤسای‌جمهور کشور های‌پانزده

کانه در پاریس جمع شدند معاهده‌ای را امضاء کردند که در آینده از توسل بهر گونه اقدامات مسلحشورانه امتناع ورزند و اختلافات را فقط بوسایل صلح جویانه حل وعقد کنند.

این عهدنامه در محافل سیاسی آنروز بامسرت استقبال شد وملل جهان خوشوقت شدند ویکی بعد از دیگری باین عهدنامه پیوستند چنانچه ایران هم عهدنامه‌را امضاء نمود لکن هیچیک از کشورها درمسلح کردن و تدارك ادوات جنگی از پای ننشستند و بالاخره تسلیحاتی که برخلاف مقاولات وعهدنامه های دیگر تحریم شده بود آنقدر توسعه یافت و انبار شد تا درسال ۱۳۱۹ یعنی ۱۲ سال بعد منفجر گردید.

ورود طیاره جدید: طیاره جدیدی ۱۴ آذر ۱۳۰۷ ازسیستمی که برقرار ازاقیانوس پرواز کرده‌است از آلمان بایران وارد شده است. اسم این طیاره بلبل ومخصوص ایران ساخته شده. ملخ طیاره مدکور از فلز ومحل راننده کان بکلی بسته ومحفوظ میباشد بدینجهت درمه وبرف ها کمال اطمینان پرواز میکند. اطاق مسافر وسیع و سه پنجره دارد ودرزمستان داخل طیاره گرم میشود ویك تون بار را بخوبی حمل میکنند!

معرفی دولت بمجلس هفتم: آقای حاج مخبرالسلطنه هدایت باردیگر بسمت ریاست وزرائی انتخاب ودولت خود را بمجلس هفتم معرفی نمود باین ترتیب که وقتی مجلس هفتم رسمیت پیدا کرد فراکسیون ترقی که تنها فراکسیون مجلس بود ودرجلسات آن مرحوم تیمورتاش واعضای دولت نیز غالبا شرکت مینمودند تصمیم بابقای دولت گرفت وروز بعد دولت آقای هدایت پشت تریبون رفت وبرو گرام خود را تقدیم داشت و گفت باتشکر ومسرت زیاد از سعادت ادامه خدمتگزاری خود پروگرام دولت را تقدیم میدارم وچون خودم بقدری عاجز از ایستادن میباشم که نمیتوانم قرائت کنم خودشان قرائت کنند (مرحوم یاسائی گفت وزراء را معرفی نفرمودید).

رئیس الوزراء جواب داد وزراء تغییر نکرده‌اند که معرفی کنم و از تریبون پائین آمد (همهمه نمایندگان) آقاسید یعقوب گفت مطابق مقررات جاریه دولت پس از رسمی شدن مجلس بایستی معرفی شود بالاخره پس از ایرادات و کلاء آقای هدایت اظهار نمودند که من نخواستم کار زایدی شده باشد حالا میفرمائید معرفی کنم بسیار خوب: آقای نصرت الدوله وزیر مالیه - آقای داور وزیر عدلیه - آقای اعتمادالدوله وزیر معارف - آقای شیبانی وزیر فواید عامه - آقای صوراسرافیل وزیر پست و تلگراف - آقای با دروان کفیل خارجه - آقای سردار اسعد وزیر جنگ - آقای ادیب السلطنه هم وزیر داخله.

مهمترین قسمت پروگرام دولت که منشی جلسه خواند ساختن راه آهن از بندرشاه تا بندرشاهپور بود که دولت وعده داد ۴۴۳ کیلومتر آن از شمال بجنوب تا آخر آذر ۱۳۰۸ بایدساخته شود، موضوع ساختن راههای ایران و تخته قاپو کردن ایلات و عمران وآبادی مراکز ایل‌نشین وتقویت معارف ازراه توسعه مدارس ابتدائی ومتوسطه واقدام در تکمیل مؤسسات صحی و اصلاحات قضائی از مسائل مهم پرو گرام آن روز دولت بود که می‌توان گفت قسمت زیادی از آن ازحرف بعمل نزدیك گردید.

جشن کلاه پهلوی: علاوه بروزراء وو کلاء وروسای ادارات ومستخدمین دولت که بتدریج لباس متحدالشکل دربر میکردند رفته‌رفته سایر طبقات نیز ازلباس های مختلف الشکل بیرون آمده و کلاه پهلوی که کلاه ساده لبه‌دار بود سرمیگذاشتند

تاآنوقع انواع لباس معمول بود، بخصوص عمامه شیرشکری دربازار مد بود وفکر اتحاد شکل ازناحیه شخص اعلیحضرت فقید تراوش نمود ومنظورش این بود که اتحاد شکل بوحدت ملی کمك میکند و مکرر درمحافل اظهار مینمود که باید وحدت زبان ووحدت شکل در تمام کشور بخصوص بین طوایف وایلات برقرار شود تا بایـن وسیله ریشه اختلافات ازبین برود وهمه درلوای وحدت کلمه همکاری نمایند وازجدال اجتناب نمایند ودرراه ترقی وپیشرفت کشور قدم بردارند.

این بود که فکر مزبور را طبقات مختلف استقبال مینمودند. تردیدنیست که اجرای این منظور با مشکلاتی مواجه میشد چه بسا دستجات وطبقات ومردم دور ازمرکز مایل نبودند لباس و کلاه آباء واجدادی خود را کنار بگذارند و در این قبیل موارد مداخلات مامورین دولت مؤثر بود وچنانچه ازراه تشویق وبرقـراری مجالس جشن ونطق وبیـان اجرای منظور امکان پذیر نبود، ازراه فشار عمل میشد و مجبور می گردند که لباس متحدالشکل بپوشند.

موضوع اتحاد شکل کم کم موردتوجه مجلس هفتم قرار گرفت وبرای اینکه عمل مزبور صورت قانون داشته باشد ومامورین دولت بتوانند مردم را وادار باجرای قانون کنند لایحه‌ای در مجلس بتصویب رسید که طبق قانون مزبور لباس متحدالشکل رسمیت یافت وازآن ببعد دیگر عمومیت پیدا کرد وصورت قانونی یافت

قانون اتحاد شکل : طرحی بامضای عده زیادی از نمایندگان مجلس تحت چهارماده‌زیر تقدیم گردید وبا اصلاحات مختصری در جلسه ٦ دی ٣٠٧ بتصویب رسید.

ماده اول – کلیه اتباع ایران که برحسب مشاغل دولتی دارای لباس‌مخصوصی نیستند در داخله مملکت مکلفند که‌ملبس بلباس متحدالشکل بشوند و کلیه مستخدمین‌دولت اعم از قضائی‌واداری‌مکلف هستند در موقع اشتغال بکار دولتی بلباس‌مخصوص قضائی یا اداری‌ملبس‌شوند‌ودرغیرآن موقع بایدبلباس متحدالشکل ملبس کردند.

ماده دوم – طبقات ٨ گانه ذیل از مقررات این‌قانون‌مستثنی هستند : اولا مجتهدین مجاز ازمراجع تقلید مسلم که اشتغال باموررروحانی‌داشته باشند ثانیاً – مراجع امور شرعیه دهات و قصبات پس از بر آمدن از عهده امتحان‌معینه – ثالثاً مفتیان‌اهل‌سنت و جماعت که از طرف دو نفر ازمفتیان‌مسلم‌اهل‌سنت‌اجازه فتوی‌داشته باشند رابعاً – پیشنمازان دارای محراب خامساً – محدثین که از طرف دونفراز مجتهدین مجاز اجازه روایت داشته باشند سادساً – طلاب مشتغلین بفقه و اصول که دردرجه‌خوداز عهده‌امتحان برآیند سابعاً –مدرسین فقه‌و اصول وحکمت آلهی ثامناً –روحانیون‌ایرانیان‌غیرمسلم.

ماده سوم و چهارم آن مربوط باجرای قانون از فروردین٣٠٨ .در شهرها وقصبات وتافروردین٣٠٩ خارج‌ازشهرها وجریمه تخلف‌از آن‌میباشد.

البسه وطن : ضمن قانونی‌سابقاًمقررشده‌بود که‌همه لباس وطن بپوشند و باین وسیله از احتیاجات خارجی کشور بکاهند روزی این موضوع درمجلس صحبت شد که نمایندگان مجلس دردرجه اول باید بلباس وطن ملبس شوند ومقرر گردید هر کس ازاین‌کار سرپیچی نماید مشمول جریمه گردد.

موضوع پوشیدن لباس وطن درآنموقع باشوروشعف بسیار استقبال میشد ولی رفته‌رفته این فکرمقدس بطاق نسیان وفراموشی افتاد ودیگر تعقیب نشدو اگر تعقیب شده بود ودولت هم صاحبان کارخانجات راوادرمی کرد که امتعه وطن راخوب وارزان تدارک نمایند پیشرفت شایسته‌ای دراین امری‌شد ولی افسوس که هیچکدام صورت عمل پیدا نکرد .

کارخانجات دستباف و عمامه : درجلسه ١٣ دی ٣٠٧ مرحوم سید عبدالرحیم کاشانی گفت موضوع صنایع کاشان بوضع رقت آوری افتاده درسابق عده‌زیادی ازمردم وطبقات مختلف عمامه سرمیگذاشتند و کارخانجات دستباف کاشان رونق داشت چون امروز لباس متحدالشکل شده آن‌کارخانجات هم‌نزدیک‌است‌بسته‌شود واز طرفی برای استعمال البسه وطن اقدامی نشده و این‌کارخانجات بلانتیجه مانده در صورتی که اول‌باید مجلس این قسمت را مجری کند و استعمال البسه وطن را رایج سازد که باعث ترقی مصنوعات داخلی مملکت گردد. رئیس‌مجلس گفت خاطر آقا را متوجه میکنم که قانون استعمال‌البسه‌وطنی‌تصویب‌شده ومحترم است‌والبته مجری میشود .(در یکی از جلسات قبل بلحاظ استعمال پارچه های وطنی در مجلس پیشنهاد شده بود که کلاه لبه دار پهلوی ساخته شده از نمد باشد و کلاه پهلوی نمدی اجباری گردد که جنس وطن و پارچه خارجی نباشد .)

تعطیل جلوس سلطنت موقوف شد: روز ٢٥ آذر شاه فقید بتخت سلطنت جلوس نمود واین روز را سلام عام میگرفتند وتعطیل عموی بود امر داد تعطیل را موقوف وسلام هم گرفته نشود. منطق شاه این بود که مملکت تشنه کار وفعالیت است وباید حتی‌المقدور از تعطیل‌ها کاسته شودبنا براین از٢٥ آذر ١٣٠٧دیگر عید جلوس رضاشاه براریکه سلطنت گرفته نشد اما روزمزبور بطور خصوصی هیئت دولت‌وطبقات‌مختلف در قصر پهلوی شرفیاب شدند واعلیحضرت دراین پذیرائی نطقی‌جامع ایرادنمود که خلاصه‌اش این‌است:

« من تعطیل امروز را موقوف نموده و گفتم بجای اجرای مراسم سلام بکارهای مملکت پرداخته شود ، من مایلم هرچه ممکن است برای جامعه ومملکت خدمت انجام گیرد، تاریخ گذشته ایران از مجد و عظمت ایران کهن حکایت میکند و این عظمت را در خرابه‌های تخت جمشید می‌توان یافت که عاری از مدح وذم‌تاریخ نویسان است زیرا عظمت سلاطین قدیم ایران بچشم دیده میشود، من وقتی عمارات تخت‌جمشید را دیدم‌آن آثار بزرگ مرا تکان داد فوق‌العاده متأثر شدم ولی ازطرفی خوشوقت شدم که سلاطین بزرگی‌درایران‌حکومت کرده‌اند که این آثار بزرگ را ازخود بیاد گار گذارده اند، غرورملی ووطن پرستی باید نصب العین هرفرد ایرانی

باشد، امروز روز سعی وعمل و جدیت است،من میل دارم قدمهای بزرگی برای عظمت مملکت و خیر ملت انجام گیرد».

تربیت اولاد عشایر لرستان: چون برحسب امر اعلیحضرت تربیت اولاد عشایر لرستان بعهده وزارت معارف واگذار شده است آقای سعیدی ازطرف آن وزارتخانه مامور شدند که در وضعیت تحصیلی و تربیتی اولاد عشایر لر مطالعه نمایند درصورت امکان مدارس ابتدائی در لرستان دایر نمایند و الا فرزندان عشایر را برای تحصیل بتهران اعزام دارند.

جم بجای سرتیپ شیبانی: روز اول دی ماه آقای محمود جم بوزارت فواید عامه بجای سرتیپ حبیب‌الله شیبانی منصوب گردید.

مطبوعات درنظر شاه فقید: اعلیحضرت فقیدهمانطور که علاقمندبتمام‌اصلاحات کشور بود، مایل‌بود که‌مطبوعات ایران‌هم توسعه وترقی نمایند منتها اشتباهی دراین مورد وجودداشت وآن این‌بود که بدون وسایل ازمدیران جرایدمیخواست که روزنامه‌های خودرا مثل‌جراید دنیاسازند البته‌انجام این امر غیر عملی بود، درهمین روزسلام خصوصی که اعلیحضرت فقید طبقات مختلف‌را می‌پذیرفتند ومدیران جراید قدیم وجدید هم‌در گوشهٔ سالون قرار داشتند، آقای تدین‌را ابتداء مخاطب‌قرار داده گفتند شما رئیس‌آنها هستید، واقعا یکوقتی روزنامه می‌نوشتید؛ بعدخطاب بمدیران جراید فرمود: روزنامه‌ها خیلی خوب‌شده ولی گویا باجراید خارجی کمترتماس‌دارید من‌در مطبوعات خارجی مقالاتی میخوانم که ازنقطه نظرعمومی نهایت ارتباط را با سیاست ایران دارد واین قبیل مقالات مطبوعات خارجی بایدمورد دقت‌وبحث جراید ماواقع شود که دائما ازاوضاع سیاسی‌دنیا که مربوط بمنافع ایران است مطلع باشید.

(توضیح آنکه رضاشاه فقیدساعاتی رابرای مطالعه مطبوعات تخصیص داده‌بود که درآن ساعت‌نه‌فقط‌جراید داخلی بلکه ترجمهٔ مقالات‌مهمی که‌درجراید دنیاانتشارمییافت بدقت‌میخواند ودرحقیقت ازتمام اوضاع کشور و جهان با خبر بود.)

تعطیل‌چراغ برق تهران: ازکارخانه چراغ برق امین‌الضرب اطلاع میدهند که از۲۸ آذر تا ۱۵روز کارخانه برای تعمیرتعطیل است فقط دستگاه کوچکی کارخواهد کرد که محوطه میدان سپه را دراین مدت روشن نگاه‌خواهد داشت.

شاه مدال‌می‌دهد: اعلیحضرت فقید پس ازمسافرت طولانی خود بخوزستان وفارس وبازدید شهرهای کوچك وبزرگ‌آن منطقه ۱۹ آذر۳۰۷وارد پایتخت شد ودرپذیرائی خود که دستجات مختلف شرفیاب‌می شدند درباره اهمیت راه لرستان وخوزستان شرحی بیان نموده وبهمه توصیه می‌نمودند که مسافرتی ازاین راه به خوزستان نمایندوفرمودهر کس باین حدودمسافرت کنددستورمیدهم‌مدالی باوبدهند که معلوم شود راه‌مزبوررا دیده است‌چون اینراه‌صرفنظرازاهمیت‌سیاسی‌دارای‌موقعیت های‌طبیعی‌ومناظردلپذیرمیباشد وبعلاوه مشاهده آثارتاریخی شوش وسرستونهای عمارات قدیم ایران وآثارتخت جمشید همه حکایت ازعظمت وافتخارات کشورعزیزما مینماید که تماشای‌آنها لذت بخش است.

. در همین جلسه پذیرائی بود که خطاب بشیخ خزعل فرمودند تو چرا از این لباس بیرون نمی آئی در تمام خوزستان قبایل و مشایخ عرب‌تغییر لباس و کلاه داده‌اند. ازآن روز ببعد شیخ خزعل چپیه‌وعقال‌خودرا برداشت و کلاه پهلوی برسرنهاد ولباس کت‌وشلوار برتن کرد.

بچه سقا بجای امان الله خان: اعلیحضرت امان‌الله خان در مراجعت از سفر اروپا پس از پذیرائی شایانی که در ایران از ایشان شد بمحض اینکه وارد خاك افغانستان شد با شورش وبلوای بزرگی مواجهه گردید این بلوا برعلیه افکار تجدد خواهانه امان‌الله خان بود که منجر بطغیان قبایل مختلف مسلح افغانستان شده بود. روز اول دی‌ماه مرحوم سردار عبدالعزیزخان وزیرمختار دولت افغانستان درایران که سالیان دراز درایران بود و ایران را بسیار دوست میداشت ابلاغیه‌ای در اطلاعات منتشر کرد از اینقرار:

«یکدسته ازاشرار بسرکردگی دزدی که مشهوربه (بچه سقا) است بقریب کابل بحدود باغ بالاحمله بکابل میکنندوقوای حکومتی برای مقابله باآنها فرستاده‌میشود وعسکر حکومت فاتح‌میشود وا کنون امنیت‌برقرار واعلیحضرت غازی درکابل‌تشریف دارند.»

مسافرت حج ازراه روسیه : اداره کشتیرانی شوروی درتهران دفتر مسافرت بازنمود ودر ضمن دعوت مسافرین برای آبهای معدنی اتحاد جماهیر شوروی اعلام داشت که برای حجاج ایرانی هم تسهیلاتی فراهم شده که بتوانند ازراه روسیه بمکه معظمه ومدینه طیبه مسافرت نمایند وزارت داخله هم متحدالمال زیر را صادر نمود :

« مسافرت کردن ازطریق روسیه مورد تفتیش و تحقیق کاملتری ازطرف دولت گردیده در نتیجه اعلام میشود که مسافرت حجاج از طریق اتحاد جماهیر شوروی نیزمانعی ندارد-حسین سمیعی»

لوله کشی تهران : صحبت لوله کشی تهران نزدیک بیک ربع قرن است دراین مملکت میشود متاسفانه معلوم نشد چرا این موضوع حیاتی که درمیان تاسیسات دیگر کشور که بدست رضاشاه فقید انجام گرفت بسیار ناچیز بود اینطور در ردیف کارهائی که توام باحرف بود واقع شد،شاید در شهرداریها اشخاص علاقمندی پیدانشدند که اهمیت موضوع راکاملا درک نمایند وتوجه شاه فقیدرابدان جلب نمایند مسلما این غفلت بزرگ نتیجه سهل انگاری متصدیان بود که اعلیحضرت رامتوجه این امر مهم نساختندوپایتخت کشور شاهنشاهی رادرتنگ ورسوائی نداشتن آب لوله گذاشتند و این موضوع یکی ازنواقص بارز و اشتباهات دوره رضاشاهی بشمارمیرود که حق این بوداولین ماده برنامه اصلاحی دولت قرارمی گرفت ولی متاسفانه کسی شاهنشاهرامتذکر نگردید وصحبت آن از۲۲ سال پیش شروع شد از اینقرار:

درتاریخ دی ۳۰۷ اطلاعات مینویسد: « مهندس مامور تعیین مقدار آب کرج و جاجرود عملیات اندازه گیری خود را درمحل خاتمه داده وراپرت جامعی در این خصوص تهیه وبکفالت بلدیه تقدیم داشته است.

برطبق راپرت مشارالیه آب رودخانه جاجرود ازحیث خوبی وزیادی بهترازرودخانه کرج وازهرجهت برای آب مشروب شهر مناسب ترمیباشد - راپرت مذکورتحت مطالعه قرار گرفته که پس ازتصویب لوله کشی شهر شروع وآب رودخانه مذکوربشهرجاری گردد.»

۲۲سال است هرچند یکبار خبری ازلوله کشی خوانده میشود ومعلوم نیست طلسم لوله کشی آب تهران کی شکسته خواهد شد وچه تاریخی مردم آبرا درلوله خواهندديد - دردوره اعلیحضرت فقید ا در توجه شده بود دراندک مدتی قطعا عملی میشد ولی موقعی شاه باهمیت آن واقف ودستورا کید صادرنمود که دیگر عمر زمامداریش کفاف نداد وازآن تاریخ دنبالهٔ آن فکر وپروژه تاحال حاضر تعقیب میشودومبالغ هنگفتی هم ازمردم پول گرفته شده که قسمت زیادی از آن خرج میز و صندلی و حقوق ها گردیده وباز از لوله کشی عملا خبری نیست !!

خدمات ما بفرهنگ

یکی ازخدمات فرهنگی اطلاعات چاپ کتاب است، کتبی که ازطرف روزنامه اطلاعات منتشر شده بیشتر جنبه اخلاقی واجتماعی وادبی وتاریخی دارد وحس میهن پرستی وغرورملی را درمردم زیادمیکند.

اولین کتابی که ابتداء درروزنامه وسپس مجموعه آن انتشاریافت کتابی بود بنام (اصلاحات اجتماعی) بقلم دانشمندمحترم آقای حبیب‌الله آموز کارمستشارفعلی دیوان عالی کشور که در مهر۱۳۰۷ انتشار یافت.

دراین کتاب مفاسد اخلاقی ومعایب اجتماعی تشریح گردیده وراه وچاره اصلاح آن بابیانی ساده و عباراتی سهل مطابق فهم عامه توضیح داده شده مخصوصابرای پسران ودختران جوان مفید بوده بخصوص درقسمت تعلیم و تربیت وزناشوئی واستخدام دولت واجتماعات مقالات شایان توجه دارد.

ازآن بس هرچند یکبار کتابی ازاین مؤسسه بیرون آمده وخدمتی بمعرفت و روشنائی افراد میهن انجام گرفته است که ا درمجالی شد فهرست کامل کتب منتشره این روزنامه را که از یکصد جلد متجاوز است انتشار خواهیمداد تاعامه مردم بدانند که این مؤسسه درطول خدمت مطبوعاتی خود نه فقط کوچکترین غفلترا در انجام وظایف ملی خودراه نداده بلکه خیلی بیش ازسهم خود درعالم فرهنگ قدم برداشته است.

اگرآنها که ازراه حسد وغرض شخصی مارا متهم میکنند که بلند کوی دستگاهها که هستیم وبااین تبلیغات زهر آگین میخواهندافکارمردم رانسبت باین بنگاه بدبین کنند کمی انصاف بخرج دهند و اعمال وافعال خود ویا دیگران و هرموسسه فرهنگی و مطبوعاتی را با موسسه فرهنگی ملی اطلاعات مقایسه کنند یقین دارم غرق درجهان

آنها نقش خواهند بست ، نزد خود شرمنده میشوند که چرا برای خاموش کردن آتش حقد و حسادت خود اینقدر پاپی یك مؤسسه‌ای که طرف اعتماد وتوجه مردم است میشوند ومیخواهند تیشه بریشه آن زنند که سرنگون شود بخیال اینکه جائی برای خود باز کنند وحال آنکه ماجای کسی را تنك نساخته وجلوی پیشرفت وترقی کسی را نگرفته واز کسی بد گوئی نکرده وتاتوانسته‌ایم برای همه یار ومددکار بوده وحتی کمك هم کرده‌ایم تا همه بتوانند دراین میدان وسیع تزاحم وحیات ازراه خدمت مطبوعاتی پیش روند وبسود مردم قدم بردارند لکن متاسفانه چون بعضی‌ها انحراف حاصل میکنند، توفیق نمی یابند وعدم موفقیت خود را وجود استقبال فراوان مردم از مؤسسه اطلاعات میدانند، وه چه بی انصافی !

* * *

یکی دیگر از خدمات فرهنگی ما ترویج روزنامه در شهرستانها وعادت دادن مردم بخواندن روزنامه میباشد

تا قبل از اینکه اطلاعات دائر شود ، خوانندگان روزنامه دراین کشور محدود وازچند هزار در تهران و تمام شهرستانها تجاوز نمیکرد ، این اداره درصدد برآمد که مردم شهرستانهارا روزنامه‌خوان نماید وازاین راه به باسوادشدن مردم کمك کند، البته توسعه فرهنك نیزدرپیشرفت این منظور مؤثر بود.

تشکیل نمایندگی اطلاعات درشهرستانها اولین قدمی بود که باین مقصود برداشته میشد . ابتدا ازشهرهای نزدیك شروع شد ،دفتر نمایندگی اطلاعات در شهرهای مرکزی ایران تاسیس گردید ، این دفاتر بتدریج درشهر های دور ونزدیك توسعه پیدا کرد ، نمایندگان زبده وخوش قریحه وطرفدار علم وادب وفرهنك انتخاب شدند چه از تهران اعزام گردیدند، چه درخود ولایات معین شدند ، اداره برای هردفتر نمایندگی سازمان کوچکی داد ، میزوصندلی و تلفن و تابلو ولوازم تحریر ودفتر وآنچه مایحتاج بود تدارك نمود ، نمایندگان راتشویق کرد که مردم را وادار بخواندن روزنامه نمایند ، چندی نگذشت هیئتی از چندنفر دوستان وهمکاران اداری مامورشدند که روزنامه را دربین طبقات مردم شهرستانهارواج دهند، آنهارا ترغیب وتحریص بخواندن روزنامه نمایند ، ابتداء مردم را بمحل نمایندگی برای خواندن روزنامه مجانا دعوت کنندوسپس آنان رابا شرایط سهل وساده مشترك سازند .

این هیئت که ازجوانان باذوق وفضیلت برگزیده شدند وباید از مرحوم جهانگیر جلیلی که جوانی پرشور واحساسات بودو قلمی شیرین وبیان فصیح داشت دراینجانام برد که آن فقید درراس هیئت اعزامی داوطلب شد واین وظیفه راانجام داد : همه جا بانطقهای مؤثرخود مردم را دعوت بخواندن اطلاعات نمود ، چیزی نگذشت که نمایندگیها سروصورت پیدا کردند وبترویج واشاعه روزنامه پرداختند وکسبه واصنافی را که کوره سواد داشتند بخواندن مشغول کردند و کم کم مردم شهرستانها روزنامه‌خوان شدند وبامرکز مملکت ازراه روز نامه ارتباط معنوی پیدا کردند _ انتشار روزنامه درشهرستانها بالارفت ودر نقاطی که یکنفر هم روزنامه نمیخواند تعداد قابل توجهی خواننده پیدا شد .

این اقدامات ازطرف نمایندگان صدیق وصمیمی اطلاعات درشهرستانها تعقیب گردید و کم کم هر نماینده دارای چندروزنامه فروش وروزنامه‌رسان گردید وباین کیفیت تشکیلات شهرستانها توسعه پیداکرد وچندین هزار نسخه روزنامه درتمام نقاط وبخصوص شهرهای دورافتاده وبنادر ایران وحتی قراء وقصبات پخش شد وخوانندهٔ مطبوعات تهران بوجودآمد وامروز همین‌خوانندگانی که ماآنها راطی یکربع قرن عادت بروزنامه‌خواندن داده‌ایم دراختیار کلیه مطبوعات تهران قراردارند وهمین‌ها هستند که سایر مجلات وروزنامه ها را آبونه هستند وباطیب خاطر خریداری میکنند وماهم خوشوقتیم کشوری که دریك ربع قرن عدهٔ انتشار روزنامه‌اش از دو هزار هرگز تجاوز نمیکرد و کتاب ومجله اصلافروش نداشت ویاچندصد نسخه بیشتر مصرف نمیشد امروز همان کشور روزی چندین هزارنسخه مجله وروزنامه و کتاب‌را خریداری میکنند وبا اشتیاق فراوان میخوانند .

آری ، این ما بودیم که این رغبت وتمایل عمومی را درمملکت برای مطبوعات بوجود آوردیم و امروز ثمرآن را ما وهر کس که دراین راه صمیمانه قدم بردارد می‌برد

و این ما بودیم که بعداز شهریور ۲۰ هریك ازنویسندگان خود اطلاعات که بعدها مدیر روزنامه شدند کمك خواستند بآنها ازحیث راهنمائی‌های سودمند کمك کردیم. این نکته را هم باید مزید کنم که مؤسسه اطلاعات درحقیقت مکتب روزنامه نگاری بوده وا کنون هم این افتخار را داردکه جوانان را برای نویسندگی و امور مطبوعاتی ورزیده میسازد ، بسیاری ازمدیران جرائد امروز و نویسندگان مبرز ، نویسندگی و روزنامه نویسی

را در اداره اطلاعات آموخته‌اند وما از این حیث کمال افتخار و خوشوقتی را داریم کـه درطی یکربع قرن
توانسته ایم باین خدمت مطبوعاتی نیز نائل‌شویم وموفق شده‌ایم که چندین نویسنده خوب روزنامه ، چند صاحب
جریده و مجله و چند نویسنده کتاب از اداره اطلاعات بیرون بفرستیم که خدمات مطبوعاتی خود را تعقیب نمایند.

بعـداز شهریور ۲۰ اداره اطلاعات خط مشی مساعدت و موافقت باتکثیر مطبوعات را از روی کمال
صداقت وصمیمیت پیش گرفت ، هر نویسندهٔ کـه میخواست بانتشار روزنامه مبادرت ورزد اول باداره اطلاعات
میآمد و کمك مارا میطلبید ، آقای مسعودی باحسن نیت کامل دستور میداد اداره همه گونه کمك‌را نسبت بآقایان
روزنامه نگاران مبذول دارد ، دفاتر اشتراك روزنامه را نه‌فقط درایران بلکه درهیچ جای‌دنیا باختیار روزنامه
نویس‌دیگر نمیگذارند ولی آقای‌مسعودی‌دستورداد هر کس ازمدیران جراید جدیدالتأسیس مراجعه‌میکنند نام‌وآدرس
مشترکین اطلاعات رادراختیار آنهابگذارید که آنهاهم ازهمین کسانی که‌خوانندهٔ اطلاعات‌شده‌اند استفاده نمایند.

این‌کار بجائی رسیده و تسهیلات بقدری فراهم میشد که بعضیها استخراج اسـم وآدرس مشترکین
اطلاعات‌راهم بخود اعضای اداره تحمیل میکردند! یعنی متصدی آبونمان ودفاتر اشتراك باید خودش زحمت‌بکشد
صورت‌آبونمان ومشترك اطلاعات را استخراج کند ودراختیار آقایان روزنامه نویسان‌جدیدبگذارد.

موضوع باینجا خاتمه نیافت ، بعضی ازآقایان نمایندگان جدید مطبوعات درصدد برآمدند از نمایندگیها
اطلاعات درشهرستان ها نیزبنفع خوداستفاده کنند .

یعنی تمام این‌زحمات چندساله رابااختیارآنهابگذرایم،اینکاررا هم‌آقای مسعودی قبول کردودستورداد‌بنمایندگی
ها توصیه شود که آن روزنامه‌هارا نیزبفروشند وتوزیع کنند وموجبات تکثیر وتزئید آبونمان و اشتراك آنهارا
فراهم‌آورند. درنتیجه نمایندگی‌هائی که ماباخون دل وزحمت ومخارج زیاد دایر کرده بودیم دراختیاربسیاری از
روزنامه‌ها گذاشتیم که خیلی ازآنهاهنوزهم جبران دارد ، تمام آنها باموافقت اداره وروی بخشنامه‌های صادره
ازطرف رئیس شعبه نمایندگی های اطلاعات صورت گرفت که اکنون هزارها شماره مجلات ومطبوعات دیگران
رانمایندگان‌ماررواج داده وخوانندگان اطلاعات رانیز بآن نشریات مانوس‌ساخته‌اند.

کم کم‌کارارفاق مابامطبوعات‌جوان بجائی‌رسید که بعضی‌هاادعامیکردندحساب‌و کتاب‌آنهاراهم‌بانمایندگیهای
اداره‌اطلاعات نگاهدارد وحتی‌اگرمشترکی پول روزنامه را نمیداد از اداره اطلاعات جبران‌آنرامیخواستند .

این‌زحمات هم کم‌وبیش تحمل‌میکردید ولی‌مرور زمان مشکلاتی درکاراداری بخصوص امورحسابداری
ونمایندگیها فراهم ساخت که‌دیگر اعضای اداره طاقت نیاورده وبآقای مسعودی فشار آوردند این‌رویه رامتروك
سازد بخصوص اینکه نتایج تلخی نیزعاید خـود ایشان گردید ، یعنی بعضی ازاین نشریات همین‌که روی مساعی
و کمك معنوی اداره اطلاعات بوجود آمد ورونق پیدا کردداول سرقلم‌را بطرف کمك کنندهٔ خود کج کرد وپاداش
زحمات ایشان راداد.

حالاچندماهی بیش نیست که‌رویهٔ اداره اطلاعات عوض‌شده واین اداره درصدد برآمده که‌دیگر باهمه کس
کمك‌نکند واز هیچکس هم انتظار کمك نداشته باشد، درحقیقت سهمی که‌اداره اطلاعات ازلحاظ توسعه مطبوعات
کشورداشت صمیمانه ادا کرد وبحمدالله امروز بقدرکافی و شاید بیش ازلزوم مجله وروزنامه دراختیار مردم‌کشور
قرار گرفته است حالا هر کس خودش روی استعداد ونبوغ فکر وپشتکار وجدیت خود بخوبی میتواند راه پیشرفت
و کمال‌را پیش‌گیرد وترقی نماید که ما برخلاف گفته بدگویان خواهان سعادت وعظمت مطبوعات می‌باشیم و کسی
نیست‌بتوانداداعا کند که‌اداره اطلاعات جلوی پیشرفت روزنامه‌یانشریه‌ای‌را گرفته وآنراازتوسعه‌وترقی‌بازداشته‌باشد

عمل ما تا کنون چنین بوده است و مدیران جرایدی که از دور ونزدیك بااطلاعات سروکارداشتند
وانصاف دارند میدانند که‌مادر گفتارخود صدیق هستیم.

فراکسیونهای‌مجلس فراکسیون‌حزبی‌نیست: درجلسه ۲۷ دی ماه ۳۰۷ آقای دشتی گفت چرا
ایراد میگیرید که‌درلوایح دولت ازجانب اکثریت که‌فراکسیون ترقی تشکیل داده‌اند صحبت نشود واظهـار
مخالفت بعمل نیایددرمملکت‌ما که‌حزب نیست‌وفراکسیونهای‌مجلس فراکسیونهای حزبی نیست یك دولت هیچگونه
تعهدات و عقیده حزبی‌ندارد. ازطرف‌دیگر ممکن‌است اشتباه کند چرانباید در اطراف لوایح دولت مخالـفت‌و
صحبت کرد اگربگوئیم بصرف اینکه دولت طرف اعتماد اکثریت‌است نباید حرف زد پس برای چه ما بمجلس
میآئیم مافقط یك‌رای اعتمادبدهیم‌وبرویم خانهامان بخوابیم‌ودولت هم‌هرقانونی را میل‌دارد خـودش‌وضع کند
واقعاچیزعجیبی‌است شاه می‌بخشد شیخ‌علی‌خان نمی‌بخشد اعلیحضرت بوکلا مخصوصا امرمی کنند که‌در فکر وعقیده

خود آزاد باشند وهر انتقادی را دارند بگویند آنوقت یکنفر از و کلا معتقد میشود که کسی در اطراف لایحه دولت اظهار نظر نکند آیا نماینده محترم معتقداست **مجلس هم مثل مطبوعات سانسور شود؟**

بیرق سرخ و توسعه خیابانها: «در اثر وارد شدن اتومبیل‌ها در مملکت توسعه خیابانها هم لزوم پیدا کرده و گمان نمیکنم کسی هم مخالف باشد چیزی که میخواهم عرض کنم این است که بوزارت داخله تذکر داده‌شود که بصاحبان دکاکین وخانه‌ها که املا کشان دراثر ساختمان خیابانها خراب میشود اطلاع داده وخسارات وارده آنها راجبران کنند. این بیرق سرخی که بالای هرخانه نصب میشود اهل آن منزل عزا میگیرند میخواستم عرض کنم که بلدیه بودجه‌ای برای خرابی‌ها تهیه وتوسط وزارت داخله بمجلس بدهند که مردم برای خرابی وتوسعه خیابانها درزحمت نباشند و جبران خسارات آنها بشود وباید بقدر قیمت ملك باصاحبان آن همراهی بشود نه آنکه ذرعی یك تومان وپانزده قران داده شود که تنها وجه اراضی آنها است.»

نطق آقای فیروزآبادی درجلسه ۱۶ بهمن ۳۰۷

برده‌فروشی منع گردید: روز ۱۸ بهمن ۳۰۷ مرحوم داور وزیر عدلیه لایحه‌ای باقید دوفوریت تقدیم مجلس نمود وبتصویب رسید ازاینقرار:

«ماده واحده — درمملکت ایران هیچکس بعنوان برده شناخته نشده وهر برده‌ای بمجرد ورود بخاك یا آبهای ساحلی ایران آزاد خواهدبود. هر کس انسانی را بنام برده خرید وفروش کرده یارفتار مالکانه دیگری نسبت بانسانی بنماید یاواسطه دیگری درحمل ونقل برده بشود محکوم بیك تاسه‌سال حبس تادیبی خواهد بود»

اطلاعات درسرمقاله خودمینویسد. اگرچه برده‌فروشی درایران متروك شده ولی برای اینکه این‌سابقه بد سوابق تاریخی ایران رالکه‌دار ساخته بود و مستمسکی بدست خارجی ها میداد که بر علیه کشور ماتبلیغ کنند وبگویند درسواحل خلیج فارس برده‌فروشی می‌شود تصویب قانون مزبور بسیار ضروری وموجب کسب شرف وآبرو وحیثیت ایران وایرانی درعالم است.

اولین مکتوب ازمحصل اعزامی: قرائت یکی‌ازمجلات فرانسوی بنام «دتکتیو» جوان پر شور ومیهن‌پرستی را که تازه‌بخاك فرانسه قدم گذاشته سخت‌متاثر ساخته ودرضمن مقاله‌ای باطلاعات مینویسد:

دیروز مجله‌ای دیدم که عکس روی‌جلدآن طرزخفه کردن جوانی رادر زمان سلطنت قاجاریه نشان میداد که دونفر میر غضب طنابی را بگردن آن جوان انداخته اندو می کشند ودر زیر عکس نوشته است:«مجازات های مهیبی که هنوز درایران معمول‌است»درجای‌دیگر مجله‌عکسهای بسیار ازفلکه کردن- شقه کردن — توی‌دیك جوشانیدن — سر بریدن‌وامثال‌آن دیده‌می‌شود ومینویسد: اینست ملتی که هنوز بحالت‌قرون وسطی باقی‌است.

آقای‌حسن کلانتری نویسنده: این مکتوب باتاثرفراوانی اضافه کرده‌است که این‌عکس‌ها کارت پستالهائی بوده‌است که بعضی ازسودپرستان برای‌دوشاهی استفاده چاپ کرده درمعرض استفاده خارجیان میگذارند وآنهاهم مغرضانه این‌کارت پستال‌هارانمونهٔ زندگی امروزایران معرفی‌میکنند ومارانزد خارجیان مفتضح میسازند من‌نمیدانم برفقای فرانسوی‌خود چه‌جواب بدهم وچگونه این‌اتهامات راازخود دورسازم اقتضا دارد فروش این قسم‌کارتها و عکس‌هائی که‌آبروی ملت‌ایران رادرخارجه می‌ریزدقدغن‌شود.»

برای‌جلوگیری ازاجحاف کسبه: وزارت‌فوایدعامه‌اسفند ۳۰۷ باطاق‌تجارت‌تهران‌مینویسدچون‌اجناس‌خرازی ولوکس‌قیمت‌معین ندارند غالبافروشندگان نسبت‌بخریداران اجحاف وتعدیاتی‌می‌نمایند که‌برای جلوگیری ازآن لازم است اطاق‌تجارت مطالعه نموده وپیشنهادی بدولت بدهد.

«اطاق تجارت‌جواب‌میدهد که: یگانه راه جلوگیری‌ازاجحاف فروشندگان تعیین قیمت‌مقطوع اشیاء بطورآزاد ازطرف مغازه داران والصاق اتیکت حاکی ازقیمت بطوروضوح روی اجناس می‌باشد.

اتخاذ این تصمیم موجب تشویق رقابت وارزان شدن قیمت میگردد مضافاً باینکه‌آزادی فروشندگان‌در تعیین قیمت مقطوع سبب میشود که مغازه داران حداقل قیمت اجناس خودرا تعیین نمایند تا دوچار رقابت همکاران خود نشوند.»

این منطق اصولی ومحکم ودنیا پسند که هم‌آزادی معامله وکسب وتجارت را تأمین میکندوهم‌جلوی تعدی را میگیرد بعد ازبیست وچند سال هنوزدراین کشورعملی نشده است و آنچه عمل شده نقض غرض و بساعت

افزایش قیمت بوده است زیرا اصولی در نظر گرفته میشد که مداخله مامورین دولت‌را در کسب‌وکارمردم بعنوان‌تعیین نرخ زیاد میکرد واحیاناً راه سوء استفاده بازمیشدو درنتیجه‌این کارسادهٔ‌پیش‌باافتاده هنوزهم صورت نگرفته و کسبه ومغازه داران مکلف نشده‌اند قیمت اجناس خودرا آزادانه روی جنس الصاق کنند تاازاینراه‌رقابت پیدا شود وازاجحاف و گرانفروشی‌جلو گیری گردد.

فوت‌مارشال‌فوش : اول نوروز ۳۰۸ مارشال فوش فرانسوی که درجنگ بین‌المللی اول خدمات بزرگی بفرانسه نمود در گذشت ، جنازه‌اش را روی توپ گذارده بجلوی قبرسرباز گمنام گذاشتند وازمقابل جسدش صدهاهزارمردم‌ونظامیان‌رژه‌رفتند. بیشتر کشورهای‌خارجی نمایندگانی بفرانسه برای‌اجرای‌احترامات‌ومراسم‌تشییع‌فرستادند وتجلیل فوق‌العاده‌ای شد.

دوست محمد خان بلوچ : «روز ۱۷ فروردین ۳۰۸ دوست محمدخان‌بلوچ که بتهران‌اعزام‌شده بود حضور اعلیحضرت شرفیاب گردید، وعرض نموده است همیشه خدمتگذار وصدیق بوده و دراثر غفلت و پیش آمدی وضعیت نا گوار اخیر صفحه بلوچستان ایجاد شده بود ضمنا با تاسف ازپیش‌آمد درباب رفع تقصیر از خود واستظهار بمراحم وعفو ملوکانه مطالبی بعرض رسانید که درنتیجه مورد عفو اعلیحضرت فقید قرار گرفت ومقرر گردید دولت ماهیانه سیصد تومان مقرری درباره اوبپردازد .»

چند روزبعد سردار بلوچ درلباس متحدالشکل کت‌وشلوار و کلاه پهلوی با نمایندگان مجلس و رجال و محترمین که قبل ازظهرهای دوشنبه حضورشاه فقید شرفیاب میشدند شرفیاب گردید

درهمین جلسه شرفیابی بود که اعلیحضرت فقید کمک بمؤسسات پارچه‌بافی وامتعه داخلی‌را تاکید نموده و بمرحوم تیمورتاش دستور داد که حتما وزارت فواید عامه دراین‌باره اقدام کند تا کارخانجات داخلی تشویق‌شوند ورفته رفته احتیاجات عمومی در داخله مملکت تدارک شود .

اولین‌درجه سپهبدی : اولین درجه سپهبدی در فروردین ۳۰۸ از طرف اعلیحضرت بپاس خدمات آقای امیرلشکراحمدآقاخان رئیس قوای غرب و امنیه کل‌مملکتی بایشان تفویض گردید. ازآن پس‌دیگر این درجه بهیچیك از افسران داده نشد تابعد از شهریورماه ۲۰ که بتدریج چند تن ازافسران باین‌درجه نائل‌آمدند.

. **حکومت بچه سقا درافغانستان** : پس ازجنگ های خونینی که قبایل متعصب افغانستان برعلیه امان‌الله‌خان پادشاه افغانستان نمودند ومنجر بسقوط سلطنت گردید بچه‌سقا خودرا امیر حبیب‌الله نام گذاشت وپس ازتصرف‌کابل خانوادهٔ امان‌الله خان را از ارك سلطنتی خارج ساخت وخود درمقر سلطنت جای گرفت . بچه‌سقا سابقه شرارت وخونریزی‌داشت، مردی خشن‌آبله‌رو بود که طپانچه لخت همیشه در دستش بود وهر کس رای‌شواست‌تهدید بقتل می‌نمودوتسلیم خود میکرد وچون‌از وزیران‌سابق‌امان‌الله هیچکس حاضرنبود با اوهمکاری کند و وزارتخانها بسته بود سید حسین‌نام را که یکی از سردسته های عمال بچه‌سقا بود بوزارت جنگ منصوب نمود

بچه‌سقا پس‌از تصرف کابل موزه‌ملی افغانستان را خراب کردوتمام مجسمه‌ها واشیاء نفیسه وتاریخی را بعنوان‌اینکه بت‌پرستی است‌شکست ورویهم ریخت‌بعلاوه کلیه آثار تجددخواهی امان‌الله خان‌را که میرفت رفوری بوجود آورد ازبین‌برد ، اموال ودارائی بسیاری ازرجال وافراد خانواده سلطنتی را غارت کردند . شاگردان مدارس که‌لباس متحدالشکل می‌پوشیدند یاازترس بیرون نمی‌آمدند ویاا گر ازخانه‌های خود بیرون می‌آمدندناچار بلباس کوهستانی‌عمامه‌وشلوار سفیدملبس می‌شدند.

هرج‌ومرج وخونریزی وغارت وتعدی‌آنقدر درافغانستان بالا گرفت که‌همه مردم بستوه‌آمده ازخداوند واه‌نجات تمنامیکردند تااینکه نادرخان سفیردولت‌افغانستان درپاریس که‌این‌موقع بابرادران رشیدخود بهندوستان آمده بود پس از مکاتبه بابعضی‌ایلات وطوایف مسلح وارتباط باطبقات مردم مصمم شد میهن خودرا نجات‌دهد ودراین راه موفقیت حاصل کرد و اشرار را که چندماه برتخت سلطنت افغانستان جلوس کرده‌بودند منکوب وهمه‌را بسخت ترین مجازات رسانید ومحمد نادرشاه پدر اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه‌کنونی بسلطنت رسید ونظم‌وآرامش وعدل‌وداد رادرسراسر کشور مستقرساخت.

زلزلهٔ شدید شیروان و گیفان : در نیمه اردیبهشت ۳۰۸ زلزله بسیار سختی درخراسان منطقهٔ شیروان وقوچان و گیفان وبجنورد بوقوع پیوست که چندین قریه وقصبه منهدم وصدهانفر زیرآوار مانده وعده کثیری تلف شده بودند، این پیش آمد اعلیحضرت فقیدرا سخت متأثر ساخت ، شخصاً کمك فرستاد ودستورات اکید برای رسیدگی بحال مصیبت دیدگان نیزصادرنمود. درآن موقع آقای تقی‌زاده والی خراسان بود وایشان درتعقیب دستوراتی که ازطرف شاه صادرشده بود بمنطقهٔ زلزله رفته وچنین گزارش داد:

«ظهر بشیروان رسیدم ازقوچان باین‌طرف تمام آبادیها خراب شده هرچند باین‌نقطه نزدیکتر میشوم بدتراست ازبعضی قراءاثری نمانده مردمی که‌زنده مانده‌اند گرسنه زیرآسمانند شهر شیروان تمام خراب‌شده مردم درصحرا میخوابند. صدخروار گندم‌بین‌مستمند ترین‌مردم تقسیم کردم وبدوقریهٔ دیگرمقداری پول و۲۰خروار گندم برای‌سدجوع‌دادم‌اطباءاعزامی‌مجروحین رامعاینه‌وزخم‌بندی‌میکنند امامعاونت های‌فوری لازم‌است‌خسارات‌بسیار‌میباشد»

آقای مسعودی‌مدیر اطلاعات درتعقیب وصول‌این اخبار داوطلب‌شد که‌برای‌ملاحظه مناطق آسیب دیده بخراسان حرکت‌نماید و وضع‌رقت‌بار ساکنین‌آنجارا برای‌هم‌میهنان‌خود گزارش دهد تا کمك همه را دراین واقعه جلب کند وباوجود مشقات‌و زحمات‌بسیار که مقدارزیادی ازراه رابایدبا اسب‌وقاطر طی کند،رنـج آن مسافرت خطیررا برعهده گرفت‌و بمسافرت‌ادامه‌داد وباتفاق‌آقای‌دکتر امیراعلم وعده زیادی از اطباء که علاوه بر زحمات مسافرت پیوسته درمعرض‌خطر اشرار و راهزنان‌آنموقع که بعدها دستگیرشدند بنام زولفو و رفقایش بودند این وظیفه سنگین‌را انجام‌دادند.

دکترامیراعلم‌طبیب‌مخصوص‌اعلیحضرت‌فقیدبود که‌ازجانب‌ایشان بنام‌شیروخورشیدسرخ‌ماموریت‌یافته وبادلسوزی‌وعلاقمندی نسبت‌به‌مردم مصیبت‌دیده‌رفتار ومساعدت‌می نمود کمك‌هیئتی که باتفاق‌ایشان‌عزیمت نمودندودستجات‌دیگری که‌از مشهد و ازطرف‌قشون‌رسیدند‌بسیارمؤثر ومفید واقع‌شد،مدیراطلاعات‌نیز دراین‌حادثه‌مؤلمه سهم‌خودرا انجام‌داد زیرابافرستادن تلگرافها و اخبار‌وعکسها ازمناظر زلزله‌زدگان توجه‌عموم‌مردم بخصوص اهالی‌پایتخت‌رابه‌این‌منطقه جلب کردو همه در این‌امرخیرشرکت‌و کمك کردندو وسایل‌ازهرقبیل‌خوراك‌و پوشاك‌فرستادندو باین‌ترتیب مصائب‌و آلام‌باقی‌ماندگان از زلزله‌شدید بی‌نظیرشیروان تاحدی التیام پذیرفت.

آقای مسعودی درسرمقاله خدا حافظی‌خود مورخه ۲۲ اردیبهشت ۳۰۸ چنین نوشت :

« امروز صبح تهران را ترك وعازم ارض طوس گردیدم و امیدوارم بتوانم احساسات و ابراز همدردی هم‌شهریهای گرامرا بآوارگان ومصیبت دیدگان نواحی شیروان وبجنورد تبلیغ نموده وباین وسیله مرهمی بـر قلوب مجروح ستمدیدگان گذاشته خوشوقتی و رضایت خاطر آنها را تحصیل و هموطنان عزیز را از حالاتشان مستحضر کنم . »

نقطهٔ ضعف شاهنشاه فقید : یکی ازنقاط ضعف شاه فقید این بود که دربرابر اتهام وتعـرض و توهین وحملهٔ مطبوعات بیطاقت بود ، اونمیخواست بشنود یابخواند که ازایران یا ایرانی بدگوئی شود وبقدری مقید بود که‌آبروو‌حیثیت ایرانی درانظاربیگانگان محفوظ باشد که حتی مایل نبود در جراید داخلی ایران مردم را ببدی وپستی نام برند ویافرضا بنویسند که ایرانی آداب معاشرت را نمیداند ، اخلاق ندارد ، فقیر وبدبخت و بینواست. اومعتقدبود که ملت را باید تشویق وتائید کرد ، نخوت وغرورملی دراوبوجودآورد وبانوشتن عبارات اهانت‌آمیزویأس‌آوراورا مرعوب نکرد وباوتوسری نزد تادربرابرخارجی هاسربلند بارآید ویکی ازهدف هائی که‌دراین‌مورد بهمین‌منظور بموقع‌اجرا گذاشت تغییرلباس‌واتحاد شکل‌بود که‌خواست‌امتیازظاهری بین‌ایرانی‌واروپائی‌را ازمیان بردارد وبقول خودآن مرحوم ایرانی ازکلاه لگنی وحشت نداشته‌باشد. اولین روزی که‌وزیرخارجه‌اش با لباس رسمی و کلاه سیلندرشانه بشانه سفیر کبیر انگلیس برای معرفی و تقدیم استوارنامه بکاخ گلستان وارد میشد از پشت شیشه نگاه کرد و لذت برد و در آنجا گفته بود که اگر هوش و استعداد ایرانی در کسب ترقی وسعادت ازراه وظیفه‌شناسی وفعالیت کمك کند امتیاز وتفوق معنوی هم بزودی از میان برداشته می‌شود سپس آهی کشیدو گفت ازخدامی‌خواهم‌مراموفق‌سازداین‌تفاوت‌رادرهمه‌چیزازمیان‌بردارم، بعد ازآنکه‌مراسم‌وتشریفات رسمی تقدیم‌استوار نامه انجام یافت همین بشاشت خود را بوزیر خارجه وقت ابراز داشت.

بدیهی است باچنین افکاری در مطبوعات داخلی چیزی بر خلاف میل شاه فقید یافت نمیشد اماچه باید کرد که مطبوعات خارجی‌سانسور بردار نبود وشاه از حملات وتعرضات و اهانت‌های‌روزنامه‌های‌خارجی بـی‌اندازه

رنج می برد وعصبانی میشد وعکس العمل نشان میداد .

در هر گوشهٔ دنیا اگر مطلبی راجع بایران خوب ویابد نوشته میشد در اسرع وقت ترجمه آن بدست شاه فقید میرسید واگر مقاله ویا خبراهانت آمیزی نسبت بایران ویا مردم ایران ویا بخوداو که شاه ایران بود چیزی میدید سخت آشفته میشد ودستورات اکیدمیداد تامحرك ومسبب نشرمقالات ومطالب توهین آمیز رابدانند ویاهمان روزنامه جبران نماید وچه بسیار وزیرمختارها دراثر انتشار اینگونه مقالات ومطالب در مطبوعات کشوری که آنهانمایندگی ایران راداشتندمعزول واحضاریاتوبیخ گردیدند. ثم کم این نقطه ضعف شاه فقیدوسیله سوء استفاده شده بود یعنی اگر یکنفر ایرانی یاخارجی ازوزیر مختار ایران ناراضی بودو تکدرداشت ومیخواست اورا اذیت کند کافی بود که دریکی ازشهرهای کوچك وده کورههای فرانسه یك مجله بی اهمیت یاروزنامه غیرمهمرا وادار کند که بر علیه رضاشاه یاملت ومملکت ایران چیزی انتشار دهد،همین انتشار مطلب آتش کینه وعداوت اورا خاموش میکرد زیرا چندروز بعدمحققاًوزیرمختار مورد مؤاخذه ومسئولیت شاه واقع میشد.

بر سر این کار بین فرانسه وایران رابطه سیاسی قطع گردید ، یعنی رضا شاه فقید در برابر اتهامات و اهانت هائیکه در مطبوعات فرانسه شده بود جبران خواست وچون جبران نشد قطع رابطه کرد و گفت من بـا کشوری که دعوی دوستی کند وروش خصومت اتخاذنماید حاضرنیستم رابطه داشته باشم.

چندی قطع رابطه ادامه پیداکرد وهرقدر اولیای فرانسه درصدد برآمدند که خشم شاه ایران را فرونشانند نتیجه نبخشید وحتی مطبوعات خودرا که بهیچوجه قابل کنترول نیست متوجه موضوع ساختند ومطبوعات هم در مسائل مربوط بایران دیگر خوب وبدبحث نکردند واز حمله وتعرض واهانت بکلی دست کشیدند لکن باز شاه ایران بتجدید روابط راضی نشد تا هیئتی از طرف دولت فرانسه ونماینده شخص رئیس جمهور فرانسه بایـران آمد وحضور اعلیحضرت فقید شرفیاب شدند ورسما عذرخواهی نمودند وازآن پس باب مناسبات سیاسی بازشد و نمایندهٔ ایران بپاریس عزیمت نمود.

این نقطه ضعف شاه دربرابرحفظ حیثیت وعظمت وافتخار کشور وملت ایران بود که وقتی خارجیها نیز برآن واقف میشدند سرباحترام فرود میآوردند واین غرور ملی را تحسین مینمودند .

آبله کوبی اجباری شد : آقای دکترسعید مالك (لقمان الملك)رئیس کل صحیه مملکتی بود.ایشان در تاریخ ۱۸ خرداد ۳۰۸ لایحه‌ای بمجلس تقدیم نمودند وآبله کوبی را در کشور اجباری نمودند از اینقرار:

ماده اول – برای مصون بودن ازمرض آبله لازم است اززمان ولادت تاسن ۲۱ سالگی چهار دفعه عمل تلقیح اجرا گردد – دفعه اول پس ازولادت تاششماه – دفعه دوم ازسن شش تاهفت سالگی – دفعه سوم ازسن دوازده تاسیزده سالگی – دفعه چهارم ازسن نوزده تا ۲۱ سالگی.

ماده دوم – ولی هرطفل جدیدالولاده مکلف است درظرف شش ماه اول پس ازتولد آبله طفل را دریکی از پستهای آبله کوبی مجانی دولتی کوبیده وتصدیق تلقیح را ازمتصدیان آبله کوبی بگیرد همچنین تلقیح دفعه ثانی وثالث بعهده اولیای اطفال است واگرولی طفل غفلت در کوبیدن آبله طفل نمایدپس ازتحقیق وکشف محکوم بمجازاتی خواهد بود که درماده ۲۷۶ باب چهارم قانون مجازات عمومی مقرر است.

تلقیح دردفعه چهارم بعهده خود اشخاص است .

ماده سوم– درمواقع بروز مرض آبله بطور شیوع (اپیدمی) هریك از اهالی بدون استثناء در صورتیکه پیش از پنجسال ازآخرین دفعه تلقیح گذشته باشد باید کوبیدن آبله را تجدید نمایند.

ماده چهارم –مدیران ومدیرات مدارس درموقع پذیرفتن محصلین ومحصلات جدید مکلفند تصدیق نامه جدید را مطالبه نمایند ومادام که تصدیقنامه مذکوررا ارائه ندهند ازپذیرفتن خودداری کنند.

کلیه دوایر دولتی مکلفند درموقع ورود هرداوطلب خدمتی تصدیق آخرین دفعه تلقیح رامطالبه نمایند

متن این قانون را ازاین لحاظ منتشر کردیم که این موضوع یادآور همه خوانندگان شـود زیرا با کمال تاسف باید گفت قانون مزبور بهیچوجه ازطرف مردم ودوایر ومؤسسات دولتی رعایت نمیشود و این قانون مفید بطاق نسیان افتاده است .

لایحهٔ دیگری هم رئیس کل صحیه تقدیم نمود راجع بجلو گیری از استعمال کوکائین و مشتقات شاهدانه وحشیش واین لایحه دردنبال قانونی بود که برای جلو گیری ازاستعمال تریاك وشیره تصویب شده بود.

دراین لایحه دولت مکلف شده بود که ورود وخروج وخرید وفروش وتهیه وساختن ونگاهداری بـزرك

کوکائین ومشتقات آن وبنك وحشیش راکه درطب استعمال میشود تحت نظارت وتفتیش خودقرار دهدوساختن و معاملات آنهارا بکلی در کشور ممنوع‌سازد .
ازاجرای این قانون وجلو گیری از استعمال شیره وتریاك وبنك وحشیش هم‌خبری‌نیست !

قالی‌را لوکس میدانند :درجلسه ۱۲خرداد ۳۰۸ آقای سیدیعقوب ضمن نطقی گفت یکی از ممالك خیلی متمول (امریکا) قالی ایران‌را در ردیف اشیاءتجملی دانسته وبرآن گمرك گزافی گذاشته‌است قالی ششصدو هفتصدسال‌دوام‌میکندآنرامیگویندلوکس پس‌ما درمقابل اشیاء بی‌دوام تجملی آنها چه‌باید بکنیم. بنده در تاریخ بیهقی دیدم که قالی اززمان هارون‌الرشید درایران بوده وقالی‌مقبره شاه صفی‌را درزمان ناصرالدین شاه کـه به ششصد تومان فروختند هنوزهم موجود است بااین حال‌این متاع را در ردیف تجمل میدانند وبازارهای ماپراست ازاشیاء لوکس.آقای وزیرمالیه چرا جلوی‌امتعه لوکس رانمی گیرید شما که بحمدالله موفق‌شدید واستقلال گمرکی ایران را تضمین نمودید اقلا یك مالیات گزاف روی اتومبیل بگذارید حالا خواهند گفت من طرفدار الاغ هستم خیرآقا نظرمن این‌است که‌تجملات مثل سیل‌واردمملکت نشود.
آقای فیروزآبادی هم درخصوص حمایت مصنوعات داخلی وتشویق امتعه وطن صحبت‌نموده و گفت ملاحظه می نمائید کـه منسوجات کارخانه کازرونی وطن چقدر خوب شده . این ترقی کارخانه وبکار افتادن‌آن دراثرتشویق بود بازهم باید باین گونـه کارهای عام‌المنفعه که هزارها نفرکار گر را بکار وا میدارد ومارا ازخارجی‌ها بی‌نیاز میسازد کمك شود.

***

عهدنامه‌هاومقاولات‌سیاسی‌واقتصادی: درضمن قوانینی که‌برای شروع باصلاحات عمرانی کشور بسرعت‌ازمجلس‌میگذشت‌یك‌سلسله‌عهدنامه‌ها ومقررات گمرکی‌واقتصادی‌یکی‌پس‌ازدیگری‌بین‌دولت‌ایران‌و کشورهای خارجی‌منعقدمیشدودرمجلس‌شورای ملی‌تایید وتصویب میگردید وباین‌ترتیب‌مناسبات مودت آمیزبین ایران‌وممالك خارجی بخصوص همسایگان روزبروزتوسعه می‌یافت‌وبراساس معاملات متقابله واحترامات‌بین‌المللی‌قرارمیگرفت .

توقع رضا شاه از نمایندگان مجلس: روزنهم‌تیرماه۳۰۸ مجلس‌هفتم بمناسبت تابستان برای مدت چهل‌روز تعطیل گردید روزبعد که نمایندگان مجلس‌درقصرسعدآباد حضورشاه‌فقیدشرفیاب بودند اعلیحضرت فرمود خوب‌است‌آقایان که‌مدت‌تعطیل رابولایات میروندمردم را ازمقاصدحکومت فعلی واصلاحاتی که‌بعمل آمده‌ودردست اقدام‌است‌مطلع‌وآگاه نمایندودرحقیقت رابطه‌بین دولت وملت باشند آقایان‌میدانند که‌مبنای حکومت‌مشروطه برای ثمر گرفتن منتخبین افراد مملکت است که‌احتیاجات عامه‌مردم راتحت توجه قرار داده اقـدام نمایند نقطه نظر اصلی این‌تجمع که‌بنام مجلس شورای ملی است همین‌است که‌آقایان نمایندگان بادرنظر گرفتن ضـروریات مردم موجبات رفاهیت عامه را فراهم آورند مفهوم حکومت مشروطه همین است و من بشخصه علاقـه‌مندم و هر گـاه آقایان درامور مملکتی وعمومی معایبی می‌بینند که‌جنبهٔ خصوصی نداشته باشدوعام‌المنفعه‌می‌باشد بخودمن‌تذکر دهند کـه بوسایل ممکنه در رفع واصلاح‌آن اقدام کنم و این قسمت را مخصوصا وجـدا من از آقایان و کـلاء انتظاردارم وخواهانم‌درمدت‌تعطیل تابستان‌هم‌آقایان‌نمایندگانی که‌بمسافرت نمیروندخوب‌است‌همه‌هفته‌دراین‌جا حضور پیدا کنند.

هفتهٔ‌بعد اعلیحضرت فقیدپیرامون کارهای اساسی ومسائل عمومی مملکت صحبت نـموده و گفت برهر فردی لازم‌است مصلحت جامعه ومملکت را برمسائل شخصی مقدم‌دارد کسانی که‌در امور مملکتی نظریات شخصی رابرمصالح ومنافع مملکتی ترجیح داده وازانجام وظایف خـود قصور ورزند مورد تعقیب وازاعمال اوچشم‌پوشی وصرف‌نظر نخواهدشد.

افتتاح بندر شاه: روز۲۲ تیر۳۰۸ مراسم افتتاح بندرشاه مبدأشمالی راه‌آهن ایران انجام‌شد واولین کشتی تجارتی‌درمقابل اسکلهٔ‌بندر لنگرانداخت و محمولات‌خودرا بیرون داد
عملیات‌خاکریزی وخشك کردن‌باطلاق‌برای ریل گذاری‌بسرعت پیشرفت‌میکرد.

رستوران‌وزارت‌مالیه: در وزارت مالیه بر حسب دستور مرحوم فیروز وزیر وقت رستورانـی دایر شده بود که اعضای وزارتخانه در آنجا ناهارصرف می نمودند و اززحمت آمد و رفت راحت بودند روزی

آقای حاج مخبرالسلطنه رئیس الوزراء برای اینکه مدیر رستوران از بانک ملی قرض گرفته که اثاثیه خریداری نماید و قرض خود را ادا نکرده بود امر داد رستوران راتعطیل کنند ، دو روز رستوران بسته شد و بعد که بحساب رستوران رسیدگی کردند و رفع نگرانی قرضهٔ بانک شد دو باره رستوران وزارت مالیه بازشد.

تابستان خاک ـ زمستان گل: این خیابان های تهران است که هر ماهه مبالغ زیادی در آن فرو میرود و باز تابستان خاک و زمستان گل است ، اگر غیر از صبح و عصر که لاله زاررا آب پاشی میکنند یک ساعت بظهر تا عصر گذارتان باین خیابان که چشم و چراغ تهران است بیفتد میبینید از گرد و خاک چه خبر است ، هر اتومبیلی که ازدور پیدا میشود مصیبتی برای عابر خیابان فراهم میکند حالا دیگرعبا هم نیست که برای محافظت از گردو خاک هر کسی سرش بکشد بنابر این مجبور است با شمال نزاکت گرد و خاک را نوش جان کند ـ ممکن است از بلدیه خواهش کرد که بجای روزی دوبار روزی چند بار آب پاشی کنند اما چاله های خیابان را چه خواهند گفت که صبح هموار میکنند عصر باز گود میشود

در میدان سپه که میدان توپخانه نامیده میشد زمستان ها بقدری آب بخصوص نزدیک بانک شاهی میایستاد و آن قدر گل ولای بود که عبور از آن با اشکال صورت میگرفت حالا (مرداد ۳۰۸) مشغولند چاله ها راشن ریزی می کنند اما هنوز شن ریزی از اول خیابان سپه بچهارراه حسن آباد نرسیده اول خیابان دوباره خراب شده است .

اطلاعات پس از توضیح این مطلب چنین مینویسد : « این اتومبیل های کالسکهٔ قشنگ ، این اتومبیل های شیک که اختلاف کارخانهای آن طوری است که یک کلکسیونی تشکیل داده است پس از چندماه بکلی تغییر قیافه داده وصاحب عاشق لوکس آن رابهوش میاندازد که آنرا باقیمت نازلی فروخته اتومبیل تازهٔ شیک دیگری را انتخاب کند .

باید خیابانهارا اسفالت کردیا سنگفرش نمود وبلدیه تهران اگرموفق شد یک خیابان راسنگ فرش یا اسفالت کند می تواند مخارجی را که همه ساله درسابق برای ترمیم همان خیابان بیهوده صرف میکرده صرف سنگ فرش سایر خیابانها نماید .

کروات وطنی یزد: حالا که کراوات یکی ازلوازم ضروری زندگی ماشده . ایرانی حتما با سه قران یک کراوات یزدی شیک ابتیاع ودرضمن صنعتگران هنرمندوباذوق وطن خودرا تشویق می نماید ـ (لاله زار ـ مغازه سیگارفروشی ری پور).

تجارت باشوروی سندیکا میخواهد : اطاق تجارت تهران در تاریخ ۶ مرداد پیشنهادی بوزارت تجارت دربارهٔ امور بازرگانی ایران وشوروی تقدیم نمود که درطی آن نواقص قرار داد تجارتی با آن کشوررا متذکر شده ونتیجه میگیرد که تجارایرانی در فروش اجناس خود بمؤسسات دیگری غیر از موسسات شوروی (درخود روسیه) آزاد نیستند وتجارت باآن کشور برخلاف سابق زیان آور میباشدوخلاصه اینکه تجارت شوروی بطور انحصاراست وتجارت انفرادی درمقابل آن نمی تواندمقاومت نماید پس باید سندیکای تجارتی مرکب از نمایندگان تجارتی ایرانی ونمایندگان بانک ملی وبانک پهلوی تشکیل شود وکلیه معاملات تجارتی بین ایران وشوروی دراین سندیکاتمرکز یابد.

فکر تشکیل شرکت سهامی تجارتی که درزمان وزارت دارائی مرحوم داور عملی گردید از این گزارش سرچشمه گرفت ووضع تجارت ایران وشوروی باعث ایجاد آن گردید ولی انحصارهای زیادی بوجودآمد که بعد هاباقی ماندوزیان آورشد .

مظفریت قشون: عملیات برای قلع وقمع اشرار در خاک بختیاری، قشقائی، ممسنی ادامه داشت و هرروز اخباری از تسلیم رؤسای ایلات وطوایف میرسید که اغلب آنها پس از تسلیم تقاضای عفو می نمودند وعدهٔ بسیاری بوسیله سرتیپ حبیب اله شیبانی فرمانده لشگرفارس مورد عفو واقع شدند از جمله علیخان قشقائی برادر سردار عشایر قشقائی ـ سرتیپ خان وشکراله خان رؤسای طایفهٔ بویر احمدی وغیره ـ درآن هنگام آقای سرتیپ شاه بختی درکوههای بختیاری نیز میجنگید وآخرین خبر مظفریت قشون وپاک شدن آن صفحه از وجود اشرار ۱۲ مرداد ۱۳۰۸ بتهران رسید و گفته شد که اینهاآخرین آشیانه شرارت بود که درهم شکست ودیگرازخان خانی

وملوك‌الطوایفی در ایران خبری نیست و بلافاصله اقدامات مجدانه برای رفاه و آسایش هزارها خانواده‌ای که زیر نفوذ خان‌ها زندگی میکردند درهمه جا شروع میشد و بخصوص وسایل کشت‌وزرع دراختیار آنها قرارمیگرفت که بشغل‌فلاحت و گله‌داری اشتغال ورزند.

ایران و کشور سعودی : مرحوم عین‌الممالک بسمت نماینده ایران عازم حجاز شد و میل قلبی شاهنشاه فقیدرا بدوستی باابن سعود و کشورحجاز ابلاغ نمود بلافاصله سلطان حجاز نماینده ثانی انتخاب کرد و بنزد شاه فقید اعزام داشت این نماینده ثان روز ۲۱ مرداد ۱۳۰۸ حضور شاه فقید شرفیاب شدند و نامهٔ ابن سعودرا تقدیم نموده وتقاضای افتتاح روابط دوستانه نمودند.

این اولین قدمی بود که برای ایجاد ارتباط بین دو کشور ایران و سعودی بر داشته شد . میسیون حجاز با گرمی ومحبت پذیرائی شدند اعضای میسیون عبارت بودند ازشیخ عبدالله‌الفضل رئیس مجلس شورای سعودی — شیخ‌عبدالرئوف‌وسعید افندی.

در تعقیب این مراسم شاه دستور داد که دولت حجازرا از همان روز برسمیت شناخته ومراتب را بمقامات مربوط اطلاع دهند — رئیس‌الوزراء هم امر شاه را اجرا کرد وشناسائی کشورسعودی اعلام گردید.

عریضهٔ تجار راجع بکشورسعودی: مرحوم حاج‌معین‌التجار بوشهری وجمعی از تجار عریضه‌ای حضور شاه‌فقیدتقدیم‌نموده ودرضمن‌تقاضا کردند حالا که‌دولت‌ایران‌دولت‌حجازرا برسمیت شناخته‌است‌موافقت‌شود که : اولا دولت‌حجاز اجازه تعمیر بقاع‌ائمه بقیع وقبور صحابه را در مدینه ومقابر درمکه‌معظمه رابدهند . ثانیاً—آزادی مذهب جعفری‌را چنانچه مذاهب اربعه‌آزاد هستند بدهند ثالثا — یک نفر امیر حاج رادر موقع حج از طرف دولت ایران برسمیت بشناسند .

اعلیحضرت فقیددر هرسه‌قسمت دستورات اکیدصادر نمودواز نماینده ثان‌پادشاه حجاز انجام تقاضاهای‌مزبور را مجدانه خواست .

مناسبات ایران‌باعراق — پس‌از افتتاح‌باب‌دوستی بین‌دوپادشاه فقیدپهلوی‌وملک‌فیصل ،مرحوم‌مدبرالدوله سمیعی نماینده فوق‌العاده ایران بعراق رفت‌ودرتعقیب‌مذاکرات لازم توفیق السویدی رئیس الوزراء عراق بمرحوم سمیعی رسما نوشت که برای‌عقد همه گونه قرارداد حاضرمیباشدودرپی‌آن مقاولات وعهدنامه های لازم بسته شد ودوستی‌ایران‌وعراق‌نیزشروع گردید.

واگون اسبی : واقعا قضیه واگون اسبی شهر تهران هم مسئله بغرنجی شده هرروز میشنویم دائره امتیازات وزارت فواید عامه درامتیازنامه کمپانی بلژیکی ترامواى شهرى تجدید نظرنموده و برای تبدیل آن‌به واگون برقی مذاکره کرده‌اند ولی هیچ اثری دیده نمی‌شود،بازی‌شنویم چون لاله‌زار وسعت نخواهـد یافت و صورت یک‌بازار و بلوارد راپیداخواهد کرد وعبور وسائط نقلیه درآن قدغن‌میشود واگون‌راازاین خیابان تنک‌بر میچینند ولی‌بازخبری نیست .

دیشب شخصی لنگان ونالان باداره‌آمد. این شخص مدیر کتابخانه شرق و شکوهٔ اودر اثرحادثه‌ای بود که دیروز جهت‌او درلاله‌زار اتفاق افتاد و یک‌پایش زیر واگن رفته و مجروح شده‌بود این شخص در تنگنائی گیر کرده‌بودزیرایک‌طرف‌لاله‌زار تپه‌های‌خاک‌و آجرطرف‌دیگر اتومبیل‌ودرشکه‌میگذشت‌ویکجاهم‌واگن‌معلوم‌نیست‌جز ازداخل‌خط‌واگن از کجامردم‌میتوانند راه‌بروند؟

اطلاعات در پایان مقاله خود ازدولت خواسته بود که کمپانی را وادارنمایندواگن‌اسبی‌راتبدیل‌ببرقی نماید واگرحاضر نمیشود برچینند .

اما این تذکرات‌بجائی نرسید و کمپانی حاضر بهیچیک از پیشنهادات دولت نشد بناچار بلدیه موقع خیابان سازی قسمت بقسمت خط‌آهن واگون اسبی را در زیر خاک‌مدفون ساخت و باین ترتیب واگون از خیابـان ها برچیده‌شد!

دومین کاروان علم وادب : روز ۲۲ شهریور ۳۰۸ قافله دوم محصلین اعزامی باروپا حلقه وار اطراف اعلیحضرت فقید ایستادند و عکس برداشتند شاه در آن روز قیـافه مسرور و متبسمی داشت و پس از

تحقیقات لازم از وضعیت محصلین بخصوص تحقیق از لوازم مسافرت و حتی پالتو بارانی خطاب به محصلین فرمود :

محصل مانند سرباز است اسلحه و اقتدار سرباز تفنگ اوست قوه وقدرت محصل نیز معلومات اومیباشد که باید هردوصرف خدمت کشور گردد ودر انجام وظائف ملی هردو کوشاباشند

شمافرزندان من که زحمت غربت را نیز برخودهموار کرده اید باید بدانید که علم بدون اخلاق هیچ فایده نخواهد بخشید تحصیلات شما با اخلاق خوب باید توام باشد من آرزودارم خداوند بمن آنقدرعمر بدهد که در مراجعت شمارا آنطور که انتظار دارم به بینم ونتیجهٔ تحصیلات شما را در خدمت بمملکت ملاحظه کنم وخوشوقتم که برای دومین مرتبه شما را برای سعادت آتیه مملکت باروپا اعزام میدارم .»

تعرض بمعاون وزارت معارف : درجلسه ٤ مهر ۳۰۸ آقای فرخ معاون وزارت معارف درخصوص اضافه حقوق معلمین فرانسوی باظهارات مرحوم ضیاءالواعظین جواب داد و گفت امورادارات باید از مجرای خودش سیر کند ما گذشته ازاینکه تمام مستخدمین ایرانی را بتشبث باین و آن آشنا کردیم حالا هم میخواهیم مستخدمین خارجی راهم همینطورعادت بدهیم مااجازه نمیدهیم مامورین ما غیرازمجرای وزارتخانه واداره مربوطه بجاهای دیگری متشبث شوند (همهمه وجنجال و کلا) (فریاد آقاسیدیعقوب) (مرحوم یاسائی ازجا برخاسته و بافریاد گفت میفهمی چه میگوئی مرجع رسید گی تمام تظلمات وشکایات مجلس شورای ملی است ما نماینده هستیم وحق رسید گی داریم) سپس بطرف تریبون رفت ولی مرحوم محمودرضاطلوع مانع شد وعدهٔ از نمایندگان بامرحوم یاسائی همصدائی کرده و گفتند : شمامیخواهید مشروطیت وآزادی را پایمال کنید شمامیخواهید حق مشروع مجلس را ضایع کنید وازجلسه خارج شدند و باین ترتیب مجلس ازرسمیت افتاد وتعطیل گردید .

کارخانه پشم ریسی قزوینی - اولین کارخانهٔ ریسند گی که رضاشاه فقید درمسافرت آذربایجان بازدیدنمود کارخانه پشم ریسی مرحوم حاج رحیم آقاقزوینی درقزوین بود درآن روز ۲۷ مهر ۳۰۸ آقای حاج محمد جعفرخامنه و آقای اکبرآقا قزوینی حضورداشتند شاه ازمصرف ریسمان درداخلهٔ ایران تحقیقات نمود وبعرض رسید که روزی هزار بقچه ریسمان فقط مصرف جوراب وژاکت است وفرمود که این کارخانه ها کفاف احتیاجات مملکت را نخواهد داد باید درهریك ازشهرهای مهم ایران اینقبیل کارخانجات دائرشود ولی افسوس که تجارسرمایه دارما جبون و ضعیف القلب هستند وخطاب بآقای دکترامیراعلم گفت حاج رحیم آقا قزوینی نزدمن عزیزومحترم است که باقتصادیات مملکت خدمت می کند واضافه نمود که من وقتی باین قبیل مؤسسات وارد میشوم از بس لذت میبرم دلم نمیخواهد بیرون بروم .

عشق وعلاقه رضاشاه بترقی صنعت وایجاد کارخانجات بجائی رسید که چون تجار کمتر استقبال می نمودند و حاضر بتاسیس کارخانه نبودند ابتدا خود پیشقدم شد و کارخانه بزرك ریسمان ریسی شاهی را بوجود آورد وهمین عمل وتشویقات زیاد آن مرحوم سبب شد که چندین کارخانه درنقاط مختلف کشور بخصوص در اصفهان بتدریج بوجودآید .

لیره ودولار ترقی میکند : امروز ٤ آبان ۱۳۰۸ مخبر اداره بیانك شاهی مراجعه نمود که نرخ اسعار رابدست آورد بانك خودداری کرد ، بدیهی است علت ندادن نرخ ترقی عجیب پوندودلار است که ازچندی باینطرف رو بترقی گذارده ومیگویند این ترقی بواسطه آزاد شدن ورود نقره است بکشور که نقره روز بروز قیمت اصلی خودرا ازدست میدهد وپایهٔ پول ماهم نقره است بنابراین درمقابل اسعار خارجی که متکی بطلااست پول ما پائین می آید - لیره ۱۲ قران ۱۳ قران ازچندماه باینطرف افزایش یافته وحالا نرخ فروش آن هریك لیره ۵۹ قران است و معلوم نیست این ترقی فوق العاده قیمت بکجا خواهد کشید .

دلار به ۱۲ قران رسیده سابقا برای خرید یکدستگاه اتومبیل فرد هشتصدتومان داده میشد وحالا ۹۵۰ تومان مطالبه میکنند .

بحریه ایران : هیئت دولت برای جلوگیری از قاچاق و حفظ سواحل ازچندی قبل درصدد تاسیس بحریه بر آمده بود راپورتی که متخصصین بحری دراین خصوص پس از مطالعات محلی تهیه وتقدیم نموده بودند درجلسهٔ ۲۶ آبان ۱۳۰۸ هیئت دولت مطالعه شد و اجازهٔ ساختمان ٦ فروند کشتی مسلح وچند فروند کشتی دیگر صادر و از طرف وزارت مالیه سفارش آن بایتالیا و بعضی ممالك دیگر داده شد که قیمت آن باقساط

پرداخته شود.

برای تاسیس بحریه درنظر گرفته شده که فعلا ازمحصلین ایرانی که دراروپا بتعلیم فن بحرپیمائی مشغولند عده‌ای بکار گماشته شوند وچندمکانیسین وغیره که مورداحتیاج‌است ازخارج استخدام نمایند. برای پیشرفت این‌نظریه دربودجهٔ ۱۳۰۹ اعتبار مکفی منظور خواهدشد.

هیئت‌تفتیشیه مملکتی- درجلسه ۹ آذرماه ۱۳۰۸ هیئت وزیران تصویبنامه زیر صادرشد که فردای آن‌بکلیه وزارتخانهاابلاغ گردید که بموقع اجراء بگذارند:

«برحسب امراعلیحضرت همایونی‌وتصمیمی که ازطرف هیئت دولت گرفته‌شده مقرر است برای‌رسیدگی باوضاع عمومی مملکت وهمچنین برای تفتیش حالت روحیه مردم ورفتار کلیه مامورین دولتی نسبت باهالی در حوزه ماموریت خودشان هیئتی بنام هیئت تفتیشیه مرکب از اعضاء عالی‌رتبه وزارتخانها تحت ریاست یکی از وزراء تشکیل گردد که براپرت‌های‌واصله‌رسیدگی نمایند.»

هیئت تفتیشیه بریاست مرحوم داور تشکیل ومشغول انجام وظیفه شد وتاثیر بسزائی بخشید.

محبس قصرقاجار : زندان شهربانی منحصربدخمه هائی بود که درمرکزتهران عمارت‌قدیم نظمیه درمیدان سپه ساخته شده بود روز ۱۱ آذر ۳۰۸ شاه فقید محبس جدیدالتأسیس قصرقاجاررا بازدید نمود، محبس قصردارای ۱۹۲ اطاق برای محبوسین میباشد و گنجایش ۸۰۰ زندانی را دارد ۹۶ اطاق آن پنجنفری وبقیه یکنفری است درقسمت مریضخانه هم ٦ اطاق ٦نفری و٦اطاق یکنفری دارد ودارای باغ وحمام ولوازم دیگری باشد، دراین عمارت محلهائی هم برای‌کارهای صنعتی ازجمله قالی بافی ونجاری و صنایع یدی ساخته شده که محبوسین بتوانند صنعت بیاموزند.

روزیکه شاه فقید بهمراهی مرحوم درگاهی رئیس نظمیه سلولها وقسمتهای مختلفه زندان را بازدید میکرد چند نفرازوزیران هم همراه شاه بودند ازجمله تیمورتاش - سردار اسعد که هیچ نمیدانستند روزی خود آنها درآن‌سلول گرفتارخواهند شد.

دوروز بعد سفراء ووزراء مختارازطرف رئیس نظمیه دعوت شدند که زندان قصرقاجاررا بازدید کنندو ببینند که درایران محبس مدرن طبق زندانهای خوب دنیابوجودآمده است.

سرتیپ محمد خان درگاهی زندانی‌شد: از مراسم گشایش زندان قصرقاجار دوروزبیشتر نگذشت که‌برحسب دستورشاه فقید رئیس تشکیلات نظمیه (درگاهی) وآقای منشی‌باشی‌معاون اداره نظمیه وآقای برهان رئیس یکی‌ازشعب تامینات ومرحوم احتشام عضواداره نظمیه دراداره دژبانی توقیف گردیدند وآقای سرتیپ‌صادق خان کوپال(سالارنظام)بریاست‌کل‌نظمیه منصوب شد، مرحوم درگاهی‌روزآئین گشایش زندان چشم‌زهری به بعضی وزیران‌میرفت ولی‌خود زودتر گرفتارشد.

درگاهی‌مدتی دردژبانی توقیف بودوبعد تحت‌نظرقرار گرفت ودرمنزل بسرمیبردوبعدهاآزاد بود ولی‌دیگر بشغلی گماشته نشد.

مرحوم درگاهی بعداز کودتا رئیس‌نظمیه شدتا۱۳ آذر ۱۳۰۸ که زندانی‌شد وبعدازشخص شاه اولین‌قدرت کشور بشمارمیرفت وباوزیردربار که‌اوهم‌بعدازشاه قدرت اول‌رامیخواست داشته باشددر کشمکش‌بودندوهمین کشمکش بین تیمورتاش ورئیس نظمیه‌های وقت که دومرکزقدرت بودند آنقدر دامنه پیدا کرد تامنتهی بسقوط وزیر دربار گردید یعنی‌پلیس‌کارخودرا کرد وشاه رابوزیردربارش سخت بدبین وظنین ساخت واین‌موقعی‌بود که امیرلشکرآیرم درراس نظمیه بود که اوهم‌میخواست قدرت‌اول رادردست داشته‌باشد.اماسرتیپ کوپال چنین نبود و نظمیه بعد از درگاهی وضع آرام‌وعادی بخود گرفت.

آیة‌الله‌مریضخانه ساختند - آیة‌اله مرحوم حاج‌شیخ عبدالکریم رحمت‌اله علیه در صدد برآمدند که ازوجوه خیریه‌ای که‌نزدایشان فرستاده می‌شود یکباب مریضخانه در قم تاسیس نمایند اگرچه این مریضخانه در ابتداء بیش‌از ده‌دوازه تخت‌خواب نداشت لکن‌این اقدام روحانی بزرگ‌ایران باخوشوقی کامل تلقی گردید وآقای دکتر امیراعلم نایب‌رئیس جمعیت‌شیروخورشید سرخ‌حضور معظم‌له رسید وتقاضا کرد که مؤسسه شیروخورشید حاضر است همه گونه کمک بافکار عالیه ایشان بنماید

مجله اطاق تجارت - اطاق‌تجارت تهران‌مناسبات‌خودرا بادنیا بازمیکرد، درصددتوسعه وبسط‌تجارت

ایران با کشورهای بیگانه بود وموجبات آشنائی تجاررا بامر تجارت فراهم میساخت. درآن روز آقـای مسعودی برای اینکه دراین راه خدمتی بسزا انجام دهد بدون توقع کمك مادی بتاسیس مجله‌ای بنام مجله اطاق تجارت اقدام نمود تابسهم خودموجبات ترقی امور اقتصادی وصنعتی ایران گردد مجله مزبور ناشرافکار ونظریات ومطالب اطاق تجارت وشناسائی تجار ایران وامتعه کشور بودواولین شماره آن اوایل آذر ۱۳۰۸ انتشار یافت ، این مجله چندین سال منظماً ازاداره اطلاعات انتشار یافت وار کان رسمی اطاق تجارت بود امادخل وخرج نمیکرد اطاق تجارت هم کمك مالی نمی نمود وبعکس تصورمیکردند منافعی ازاینراه عایداداره اطلاعات می شود باین جهت پس از چند سال که انتشار مجله منظم ادامه داده شد باختیار خوداطاق بازر گانی گذاشته شد که خودشان مستقیماً اداره کنندولی متاسفانه تعطیل گردید.

بیکاری و ورود اشیاء تجملی : آقای سیدیعقوب درجلسه ۲ دی ۳۰۸ گفت همانطور که مطبوعات ما راجع باقتصادیات واستعمال البسه وطن مردم را تشویق میکنند ماهم وظیفه داریم عملا قدم برداریم سیدالاحرار مرحوم سیدجمال الدین اسدآبادی گفته است که دریك جامعه بیست هزار نفری اگر یکنفر بیکاره باشد همان یکنفـر اثر سوء خودش را بآن جامعه می‌بخشد. حالا ملاحظـه کنید در یـك جامعه کـه عدهٔ زیادترش بیکاره است وهرروزهم اشیاء تجملی باین مملکت سرازیر میشود چه خواهد شد. باید وسایل کـار را فراهم آورد وازاین بیکاری جلو گیری کرد، ورود اینهمه اتومبیل و گرامافون باین مملکت جزضرر چه نتیجه دارد ازدرهر قهوه‌خانه میگذرید صدای گرامافون بلند است، هربیوه زنی فرش خود را گرو میگذارد و گـرامافون میخرد، چه‌خبراست ؟

فرار و دستگیری دوست محمد بلوچ: یکنفر و کیل‌باشی ازطرف نظمیه‌مراقب دوست‌محمدخان بلوچ بود اما چون مورد عفو ملوکانه واقع شده بود در تمام تشریفات رسمی‌وغیر رسمی دوست‌محمدهم مانند رجال شر کت میکرد وبرای اومقرری هم قرار داده شده وآزادبود . روزی دوست‌محمدخان هوس شکار میکند چند بار بشکار رفته بودولی این بارعادی نبود.دو نفراز گماشتگانش اثاثیه لازم‌رابر میدارند وشش‌قبضه تفنگ زیر تشك اتومبیل مخفی می کنند .

روز ۱۹ آبان ۳۰۸ بسمت حضرت عبدالعظیم بقصدشکار میروند.آژان مامور دروازه جلوی آنهارا میگیرد محمدعلی خان و کیل‌باشی‌میگوید من‌همراه هستم بشکارمیرویم بعد از جاده امین‌آباد میگذرند وجلوی قهوه خانه می‌ایستندو پیاده بقصد شکارمیروندودر نزدیکی تپه های‌فیروز آبادشکر محمد گماشته‌دوست‌محمدخان‌طبق‌دستور ار باب‌خودازپشت سرسه تیر بمحمدعلی و کیل‌باشی خالی میکند که بلافاصله مأمور نظمیه می‌افتدو نعش رادر نهر عمیقی انداخته برمی گردندو با خیال راحت اتومبیل را سوار شده بسمت ورامین فرار میکنند آنجا اتومبیل را گذاشته رشته کوههای سمنان‌را پیش گرفته میروند ــ ادیب‌السلطنه سرداری‌رئیس پلیس باده‌نفر آژان مامور دستگیری اومیشود، این مامورین مدتها بالباس مبدل دردهات و کوهستانها سر گردان‌بودند تابالاخره دوست محمدخان را که در کویرو وسیاه‌کوه مخفی‌بود وقصدداشته است خودرا ببلوچستان برساند پیدا کرده‌دستگیر می‌نمایند آنهارابتهران آورده‌زندانی‌وبعدها بحکم محکمه نظامی ورای صادره‌دوست‌محمدبلوچ محکوم‌باعدام گردید وتیرباران‌شد.

اعلامیه شر کت نفت . شاهنشاه فقید برای اجرای مراسم افتتاح راه‌آهن جنوب عازم خوزستان گردید (دی ۳۰۸) هنگام ورود باهواز رئیس شر کت نفت جنوب اعلامیه‌ای منتشر کرد که بمناسبت تشریف فرمائی مو کب مسعود همایون شاهنشاهی بهترین طریقی که مقبول‌خا کپای‌همایون واقع خواهدشد ازدیاد حقوق مستخدمین ایرانی شر کت‌است‌لذا تصمیم گرفته شد که بشکرانه ورودشاهنشاه فوراً صدی پنج‌بحقوق‌کلیه مستخدمین‌ایرانی‌از اداری و صنعتی‌وکار گران‌افزوده شود، تغییرات دیگری هم داده خواهد شد که پس ازازدیاد صدی پنج فوق‌الذ کر هیچیك ازکار گران شر کت **کمترازروزی چهار قران دریافت ندارند !**

سنگ تاریخ عمارت جدید بانك شاهی روز ۱۹ دی ماه ۳۰۸ سنگ‌تاریخ بنای‌فعلی بانك‌شاهی در میدان سپه با حضورآقایان وزیران ونمایند گان سیاسی خارجی‌جلوی سردربزرك عمارت‌بانك نصب گردیدروی سنگ بنا تاریخ تأسیس بانك وتاریخ شروع بساختمان حك شده و این مراسم با حضور مرحوم تیمور تاش انجام یافت. گفته‌شد که‌مخارج ساختمان بنای جدید بانك **بیش ازدویست وپنجاه هزارتومان شده است.**

سپس عمارت سابق بانك شاهی که جلوی‌آن هرسال درزمستان‌منجلابی بوجودمی‌آمد و گاهی‌آب درمیدان

سپه آنقدر جمع میشد که عده‌ای حمال و بیکاره مردم را با کول باینطرف و آنطرف می‌بردند بکلی خراب و برچیده شد.

اولین دفعه شاه سوار ترن شد : چادر مخصوصی در کنار ایستگاه صالح آباد دو فرسخی دزفول که محل استاسیون خط آهن دزفول باهواز است زده شده بود که روز ۱۲ دی ۳۰۸ شاه فقید در آن قرار گرفت و علماء و خوانین و مشایخ اعراب و روؤسای طوایف شرفیاب شدند. راه آهن جنوب تا اینجا ساخته شده بود. پس از اجرای مراسم افتتاح رسمی که شاه فقید نوار سه رنگ را در ایستگاه باقیچی طلا پاره کرد اولین بار وارد قطار راه آهن گردید. لکوموتیو بحرکت در آمد و بسمت شوش رهسپار شد. همه بشاه میگفتند قربان هنوز راه محکم نشده و ممکن است قطار از ریل خارج شود وخطری متوجه گردد ولی اعتناء نکرد و بمسافرت خود با قطار ادامه داد و پس از دوروز توقف در شوش و تماشای آثار تاریخی آنجا عازم اهواز گردید و در اهواز ساختمان‌ها و تاسیسات راه آهن را بازدید کرد و از ساختمان پل راه آهن لذت برد ودستورات تازه برای توسعه عملیات و ساختمان پل مهم دیگر اهواز صادر کرد.

نرخ بعضی اجناس : در تاریخ ۲۵ بهمن ۳۰۸ ازطرف بلدیه تهران اعلانی در اطلاعات منتشر شده است اجع بنرخ اجناس که بعضی اقلام جالب توجه آن درزیر بردرج میشود:

هیزم خرواری ۲۵ قران . ذغال جنگلی یکمن یکقران . خاکه جنگلی یکخروار ۸ تومان . ماست قالبی تغار ۳ منی پنج قران ودهشاهی . پنیر یکمن ۲۸ الی ۳۲ قران . کره مازندرانی چهارمن ۷۲ قران . کره قالبی چرخی دوسیرونیم ۲ قران و پنجشاهی . روغن اعلا درب دکا کین یکمن ۱۹ قران سیری دهشاهی . برنج سفید کرده چارک یک قران الی یکقران و یکصد دینار . برنج تنکابن خرواری ۳۶ تومان الی ۴۲ تومان . عدس قرمز چارکی هفت شاهی . لوبیای چشم بلبلی چارکی ۳ عباسی . لوبیا قرمز هفتصد دینار . لوبیای مرمری ۳ عباسی . لپه قزوینی چارکی نهصد دینار . نخود قزوینی چارکی هشتصد دینار. ماش چمنی چارکی دوعباسی (نرخهای اخیر در میدان ارزان تر معین شده بود)

فرخی وطلوع - در مجلس دوره هفتم اقلیت کوچکی وجود داشت که درراس آن مرحوم فرخی یزدی نماینده یزد ومرحوم محمود رضا طلوع نماینده لاهیجان بود. این دونفر اوضاع راسخت انتقاد میکردند ؛ اغلب جلسات میخواستند قبل ازدستور صحبت کنندولی اکثریت موافقت نمی کرد. دریک جلسه فرخی گفت بگذارید من حرف های خود رابزنم. من از حقوق خود استفاده کنم ولی مجلس موافقت نکرد. در جلسه دیگری محمود رضا طلوع گفت اینجا مأمن آزادی وجای اظهار حقایق است اگر من این جا حرف نزنم پس کجا حرف بزنم، ما بایداز پشت همین تریبون بگوئیم فلان وزیر حق ندارد مردم را در محبس خصوصی خودش حبس کند (مقصود نامق سرتیپ بوذرجمهری بود که از کفالت بلدیه تهران بوزارت فوایدعامه انتخاب شده بود ودرخود وزارتخانه یکی از اعضای وزارتخانه رازندانی نمود)باز اجازه ندادند ناطق حرف بزند زیرا رای بورود در دستور گرفتند و تصویب شد و فرخی فریاد زد اوضاع شتر گاو پلنک است - مرحوم زوار باو گفت خفه شو. فرخی فریادزد وزیر فوایدعامه آدم حبس میکند دیگری فریادزد سئوال کنید، دولت رااستیضاح نمائید(همهمه و کلاء وزنگ رئیس)مرحوم طلوع وفرخی از جلسه بعنوان اعتراض خارج شدند.

مرحوم فرخی بمخالفت های خود ادامه داد و دامنه آن را وسعت داد روزی از فروش جواهرات سلطنتی برای سرمایه بانك اظهار نگرانی شدید نمود و گفت حیف ومیل میشود و روزی دیگر باز اعتراض بجریانات کشوری مینمود و حمله بزمامداران و در لفافه بشاه فقید اعتراض سخت میکرد.

این جریان ادامه داشت تاآخر دوره هفتم مجلس . روزی که فردای آن مجلس هفتم خاتمه می یافت ومصونیت فرخی تمام میشد آنمرحوم ناپدید شد پس ازمدتی معلوم شد فرخی بدون پاسپورت از وحشت اینکه اورادستگیر خواهند کرد راه شوروی را پیش گرفته وبآن کشوررفته است . پس از چندی با لمان رفت وچندسال در برلن گذراند تااینکه مرحوم تیمورتاش اورادر سفر اروپادعوت نمود بایران بیاید واطمینان داد که بهیچوجه نظری نسبت باو نبوده و نیست ؛ مرحوم فرخی بایران آمد وحضور شاهنشاه فقید باریافت ومورد مهر ملوکانه قرار گرفت.

چند سال باین منوال گذشت کسی راباو کاری نبود اما پس ازچندی ابتدا مورد تعقیب حقوقی ازجانب طلبکاران خود قرار گرفت ولی این رشته دامنه پیدا کرد زیرا خود آنمرحوم حاضر نبود با طلبکاران اصلاح نماید میگفت همه

این‌دام را برای من عمداً گسترده‌اند و میخواهم درمحبس بمانم و احساسات شدیدی برعلیه اوضاع قبل‌از گرفتاری‌و هنگام زندان ازخودظاهرمیساخت. یك‌بارهم‌درزندان داد دستری تریاك‌خورد ومعالجه‌شدمتاسفانه‌حبس حقوقی‌او که بی‌اهمیت‌بوددرنتیجه تعرضاتش که گزارشهاوپرونده‌هائی‌مستنطقین برعلیه او تنظیم‌نمودندبحبس‌سیاسی تبدیل گردید و از کسانی‌است که بعد از چندی زندانی ـ درمحبس نظمیه‌دارفانی راوداع گفت !

مرحوم فرخی روزنامه طوفان را می‌نوشت ، روزنامه مـزبور انقلابی وتند بود و مرحوم فرخی ذوق ادبی‌داشت، اشعار خوبی می‌سرود ، رباعی های او که هرروز روی مسائل جاری کشور درچهار بیت می سرود فوق العاده مورد توجه قرار میگرفت .

تابلوها بزبان فارسی شد ـ ازطرف مامورین اداره نظمیه بکلیه‌صاحبان مغازه ها اخطار شدکه تابلوهای خودرا بایدبزبان فارسی کنند واز استعمال کلمات خارجی روی تابلو خود داری نمایند ـ در آن موقع تابلوهائی درخیابانها جلب‌نظر میکرد که بتمام زبان‌ها فرانسه ،روسی، انگلیسی، آلمانی، عبری، ارمنی بود جز زبان‌فارسی واین‌موضوع شاه‌فقید راسخت عصبانی ساخته ودستور داده‌بود که‌تابلوها فقط‌بفارسی نوشته شود واین دستور بقدری عمومیت پیدا کرد که لوحهٔ‌بزرك‌برنجی اداره پست‌تهران که می‌بایدبزبان فرانسه هم‌باشد تا خارجی‌ها ازمحل پست‌مسبوق‌باشندآنهم تغییر کردوفقط‌بفارسی نوشته‌شد «اداره‌پست» .

چیزی نگذشت که سرتاسر خیابان‌ها ازتابلوهای جدید بزبان فـارسی مزین گردید وتاوقتی رضاشاه‌فقید درایران بود کسی جرئت نکرد ازاین دستور تخطی کند ولی پس ازرفتن‌او این‌کارمفید هم که ازاحساسات شدید میهن‌پرستانه اوحکایت‌می کرد مثل‌بعضی اصلاحات دیگرش دستخوش هواوهوس وضعف حکومت‌ها گردید چنانچه اکنون می‌بینیم دوباره درتابلوها استعمال‌زبان بیگانه رایج شده‌است .

برای‌تثبیت‌نرخ‌اسعار خارجی : قیمت‌لیره و دولاررو‌بترقی میرفت وسبب عمده‌آن خرید ادوات راه‌آهن و تأسیسات صنعتی کشور بود کـه هرماهه مقادیـر هنگفتی ارز از کشورخارج میشد دربرابر این‌ترقی قیمت فشار زیادی ازطرف محافل اقتصادی و بخصوص مجلس شورای ملی‌برای محدود کردن واردات و بخصوص جلو گیری ازاشیاء تجملی وارد میشد و موضوع استعمال البسهٔ وطـن کسب اهمیت‌میافت ونطقهای‌مؤثری دراین باره میشد. ازجمله نطق دکتر طاهری درمجلس بود که دراین بیت خاتمه‌یافت :

«کهن‌جامهٔ خویش پیراستن ـ به‌ازجامهٔ‌عاریت خواستن »

ایشان‌راه جلو گیری ازترقی اسعار خارجی را دوقسمت‌ذکر کرد: یکی‌تشویق صادرات ودیگری‌کاهش واردات ازراه استعمال البسهٔ‌وطن ولواینکه‌پست‌تر وخشن‌تر ازامتعه‌خارجی‌باشد.

بازرگانان ازهرنقطهٔ کشور تلگراف میکردند که‌لیره ودولاردربرابرپول کشورباید تثبیت گردد ودولت نگذارد هرروز قیمت پول رایج مملکت بیفتد ازجمله تجاربندربهلوی درتلگرافخانه متحصن شدند ـ تجار مشهد بارفروش ، ساری ، عراق ، شیراز ، اصفهان وبیشترشهرهای ایـران‌تلگراف کردندکه‌اگر برای توازن واردات وصادرات فکری نشود روزبروز فقربرمردم غلبه خواهد کردوباید قیمت پول‌ما دربرابر لیره ودولار تثبیت گردد.

تفتیش‌و کنترول‌اسعار خارجی : فکر جلو گیری ازترقی قیمت اسعار که درآن روز نرخ یك لیره به ٦٥ ریال رسیده‌بود دولت را باخذ تصمیماتی وادار نمود از جمله درتاریخ ٦ اسفند لایحه‌ای بـامضای وزیر مالیه وقت (مرحوم مشارالملك) تقدیم مجلس گردید (مرحوم‌نصرت‌الدوله فیروز چندماه‌بود که ازکاربر کنار شده‌و تحت نظر بسرمیبرد) این لایحه اولین قدم دولت درباره تفتیش ونظارت در خرید وفـروش اسعار خارجی بود که مرحوم داور ازآن دفاع میکرد وخلاصه آن‌این بود :

خرید وفروش و واگذاری وبطور کلی هرقسم‌معامله راجع باسعار و نقود اعم از نقود فلزی و کاغذی خارجی‌اعم ازاینکه بطریق انتقال تلگرافی یا طریق دیگربشکل‌برات تجارتی‌باشدممنوع‌وهر گونه معاملات‌مزبور بعهده کمیسیون نرخ اسعار که‌مرکب ازنماینده‌وزارت اقتصادنماینده اداره گمرکات . مفتش دولت دربانك ، یکنفر نماینده ازطرف‌هریك ازبانکهای مجاز تشکیل میگردد وا گذارمیشود،صدور نقره وطلا نیز ممنوع گردید وبهر مسافر بیش از بیست تومان حق صادر کردن نقره‌مسکوك داده نشد .

اولین‌کلنگ بنای مریضخانه فیروز آبادی : روز۱۱ اسفند ۳۰۸ اولین‌کلنگ بنای مریضخانه

فیروزآبادی ازطرف هیئت مدیره جمعیت شیروخورشیدسرخ زده‌شد. درآن روز مرحوم چراغعلی خان پهلو نژاد (امیرا کرم) پیشکاروالاحضرت ولیعهد . آقای دکترامیراعلم. مرحوم ممتازالدوله. آقای دکترحکیم‌الدوله. آقای عباس‌مسعودی آقای‌اویسی. مرحوم‌مجید آهی. مرحوم‌دکترمعاون‌حضورداشتند. نقشه ساختمان بنای اولیه‌مریضخانه بوسیله علیخان مهندس‌پست وتلگراف‌ترسیم‌یافته بود .

آقای فیروزآبادی از گرفتن حقوق‌مجلس‌خودداری‌نموده‌بودوازبابت حقوق‌ایشان مبلغ ۱۴هزار تومان در صندوق حسابداری مجلس ذخیره شده بود که همین‌مبلغ را اساس‌وپایه ساختمان مریضخانه‌ای که‌امروزازبزرگترین بیمارستانهای ایران بشمارمیرود قراردادند منتها بتدریج همت ومساعدت مردم خیرخواه راجلب کردند و آنقدر کوشش نمودند تابیمارستان را به پایهٔ امروز رسانیدند وهنوزهم درفکرتوسعه تشکیلات آن‌میباشند .

روزنامه اطلاعات دراین باره سهم‌بسزائی‌دارد. ازاولین روزی که کلنگ ساختمان مریضخانه فیروز آبادی زده شد‌پیوسته اداره اطلاعات باآقای فیروزآبادی درپیشرفت افکار خیرخواهانه‌اش کمک کرده‌است ودر اثر تشویقهای پی‌درپی روزنامه‌اطلاعات، مردم نوع‌پرست متوجه شدند که‌از راه کمک بساختمان مریضخانه فیروز-آبادی میتوانند وظایف دینی‌واجتماعی خودرا انجام دهند،چه‌بسیار از مردان نیك بوسیله اداره اطلاعات‌وبامستقیما فیروز آبادی رادر انجام منظور نیك خود کمك کرده‌اند،چه‌مبالغ زیادی هر ساله اعانه بدفتر اطلاعات واصل و بآقای فیروزآبادی تحویل گردید وخلاصه روزنامه اطلاعات ومدیرش از روز اول حامی وپشتیبان‌این‌مردخدا پرست خیرخواه بودند وبسهم خود درساختمان‌مریضخانه شرکت نموده وعملا کمك کردند.

تبدیل واحد پول بطلا : طلا پشتوانه پول رایج کشور نبود بهمین‌جهت پول کشوراساس و بنیان پیدانمیکرد وبیشتر دستخوش‌تغییروتبدیل‌بورس میگردید. در اواخر اسفند ۱۳۰۸ لایحه ای بتصویب مجلس رسید که‌طبق آن واحد پول قانونی ایران ریال ومأخذآن طلا معین گردید ، ضرب طلا بنام یك پهلوی و نیم‌پهلوی ومسکوك نقره ۵ریالی - ۲ریالی - یك ریالی ونیم ریالی تعیین شد ومسکوك قران از آن تاریخ بتدریج برچیده‌شد.

ذخیره مسکوکات از اینقرار معین گردید : مسکوك طلا یا شمش طلا یا اسعار خارجی ممالکی که خرید و فروش ومعاملات طلا درآنجا آزاد باشد ذخیره قانونی مسکوك رایج ایران دربانك ملی بامانت گذارده میشود وماهی دومرتبه صورت وضعیت ذخیره قانونی ومقدار مسکوك نقره ونیکل ومس ضرب شده درجریان از طرف مفتش دولت در بانك ملی و رئیس‌بانك و خزانه دار کل و یکنفر ناظر از طرف مجلس شورای ملی رسید کی خواهد‌شد .

اطلاعات پیوسته درمسائل اقتصادی بحث میکرد، مقالات متخصصین وبلزر کانان را چاپ می‌نمود و دربارهٔ تثبیت وتحکیم پول مملکت سعی مینمود وآنقدر در این‌باره چه سرمقاله وچه مطالب متفرقه نوشت وبسیاری از لوایح بازرگانان راچاپ کرد تاموضوع مورد توجه قرار گرفت ودرافکارعامه جای خود راباز کرد ودولت‌مصمم شد این قدم را بر دارد و پول مملکت را که پایه اش برآب بود برپایه محکمی استوار سازد وبراساس طلا قرارداد .

نصرةالدوله‌تحت تعقیب درآمد: درجلسه ۲۶ اسفندمرحوم داور وزیر عدلیه لایحه ای‌بمجلس تقدیم کردوبتصویب‌رسیدازاینقرار :

نظرباصل ۲۵ و۶۹و۷۰ متمم قانون‌اساسی و نظربقانون‌محاکمه وزراء و نظر برابرت‌پارکه دیوان جزا وزارت عدلیه تقاضا می کنند که آقای فیروز میرزا وزیرمالیه سابق بمناسبت ارتشاءمورد تعقیب‌واقع گردد.

خلاصه راپرت مرحوم‌کاظم صدر مدعی العموم این‌بود که درضمن تعقیب دوسیه انبار غله اطلاع‌حاصل‌شد که اداره انبار درسال ۱۳۰۷ قراردادی باارباب علی‌آقا یزدی منعقد نموده است باین‌مضمون که‌ارباب متعهد می‌شود پانصد خروار جنس از قراء و املاک‌حومه شهر تهران مطابق نرخ معینه باداره‌ارزاق بفروشدودرمقابل اداره انبار سه هزار تومان نقداً بطور مساعده بمشارالیه پرداخته در حمل جنس نیز باو کمك نماید -اداره تامینات درصدد جستجوی اصل قرارداد برآمده وپس‌ازتحقیقات ازاداره انبار معلوم شد که اولا قراردادبرای ۲۵۰ خرواربوده‌وبعداً آنرا پانصدخروار نموده‌اندثانیاقرارداد رامحرمانه بسته‌اند ثالثاآقای فیروز میرزا درذیل آن دستور اجرا داده وتصویب‌نموده‌است.

پس از تحقیقات گفته میشود که مبلغ پنجهزار تومان تحت عنوان تحویل جنس ولی درحقیقت بآقای نصرةالدوله فیروز بابت رشوه داده شده که حسن آقای مهدوی فرزند مرحوم امین‌الضرب برای رفع توقیف املاک خود این مبلغ را بآقای نصرةالدوله باین وسیله وعنوان داده است ودرجای دیگر اظهارات شفاهی حسن آقای مهدوی است که در حضور چند نفر صریحا گفته است که جنس تحویل شده بابت شانزده هزار تومانی است که آقای نصرةالدوله برای رفع توقیف املاک من دریافت داشته ومعاملهٔ اربابعلی آقا صوری بوده است.

***

باید متذکر شد که تعقیب و کشف این موضوع درزمان تصدی مرحوم در گاهی بود، روزی که سرتیپ در گاهی رئیس نظیمه مامور تعقیب نصرةالدوله فیروز شد روزی بود که شاه فقید باوزیران خود درمجلس روضه‌خوانی تکیه دولت حضور یافته بود، همه‌ساله درتکیه دولت ازطرف شاه مجلس روضه منعقد میشد که بعداز چندسال متروک گردید - دریکی از روزهای تیر ۱۳۰۸ هنوز مجلس روضه تمام نشده بود که اعلیحضرت فقید بر اثر وصول گزارشاتی علیه نصرةالدوله رئیس نظمیه وقت مرحوم در گاهی را که درمجلس روضه حاضر بود مامور کرد نصرةالدوله وزیر مالیه را تحت نظر بگیرد - بین این دو نفر نقار شدیدی ازسابق موجود بود علتش هم این بود که نصرةالدوله دست راست مرحوم تیمورتاش بشمار میرفت ودر گاهی خیلی میل داشت قدرت تیمورتاش را خورد کند باینجهت همینکه این دستور ازجانب شاه صادر گردید سرتیپ در گاهی فیروز را ازمجلس روضه بخارج خواند وباو گفت تحت نظر من هستی بفرمائید دراتومبیل، این واقعه درآن روز بسیار عجیب وناگهانی ومهم بود. مرحوم فیروز ابتدا با بی‌اعتنائی موضوع را تلقی کرد بعد متوجه شد که خیر، راستی دیگر وزیر نیست و یک زندانی بیش نمیباشد بسیار مضطرب شد وخود را در اختیار رئیس نظمیه گذاشت سپس رئیس نظمیه با بشاشت بسیار دست راست اتومبیل نشست ووزیر مالیه را که دومین شخص مهم روز محسوب میشد دست چپ خود قرار داد واورا بخانه‌اش بردو تحت نظرش قرارداد تاوقتی که محاکمه‌اش شروع گردید ولی چند ماه ازاین واقعه نگذشت که خود سرتیپ در گاهی نیز بهمان سرنوشت دوچار شد ودردژبانی توقیف وبعد درخانه‌اش تحت نظر قرار گرفت. فقط یکبار بریاست اداره نظام‌وظیفه بمدت کوتاهی انتخاب شد.

اولین دفعه بودجه تفصیلی سال قبل تصویب شد. اولین لایحه بودجهٔ تفصیلی مملکت که درزمان رضاشاه فقید قبل ازسال جدید تنظیم وبتصویب رسید بودجه سال ۱۳۰۹ بود که دخل وخرج مملکت قبلا معین شد وبهمان قرار تمام سال رفتار شد. ازآن سال ببعد هرسال قبلا بودجه تفصیلی تنظیم و بتصویب میرسید واین ترتیب ادامه داشت تاوقتی که رضاشاه از کشور ایران خارج شد ودوباره اوضاع بصورت بیست سال قبل درآمد، یعنی بودجهٔ هرماه بطوریکدوازدهم تصویب گردید و این ترتیب تاحال حاضر باقیست

دراسفند ۱۳۰۸ بودجهٔ تفصیلی سال ۱۳۰۹ بمجلس داده شد که طبق آن باستثنای عواید نفت جنوب که همه ساله بحساب ذخیره مملکتی منظور میشد و این امر هم متاسفانه بعد از رضا شاه بهم خورد و عایدات نفت جزو بودجه درآمد مبلغ کل عایدات کشور سی‌وپنج میلیون وسیصد هزار تومان بود که مخارج مملکتی هم طبق آن موازنه داده شد و حتی کمتر خرج میشد تاهیچوقت خرج بردخل غلبه نکند.

سلام درعمارت شمس‌العماره بود خطابه خوانده میشد - سلام های رسمی در عمارت شمس‌العماره منعقد میشد وپس ازانجام سلام مراسم دفیلهٔ قشون درحیاط قصر گلستان انجام می گردید وسربازان بالباسهای رسمی وزروزیورهای خود که درحیاط تخت مرمر صف میکشیدند ازجلوی شاه که درایوان شمس‌العماره قرار میگرفت عبور می‌نمودند، سلام نوروز ۱۳۰۹ بهمین منوال بود وپس ازآنکه طبقات مختلف شرفیاب میشدند و درپایان خطابه عیدنوروز درحضور عموم طبقات خوانده میشد ودفیله قشون معمول میگردید.

ازاین ببعد چگونگی مراسم سلام تغییر یافت وبصورتی درآمد که اکنون هم معمول میگردد با این تفاوت که حالا طبقات جداجدا درتالار موزه شرفیاب می‌شوند ودراوایل همه طبقات باهم طبق برنامه تشریفات درجاهای معین قرار می گرفتند.

مالیات بردرآمد ومالیات تجار واصناف - اولین دفعه که قانونی برای مالیات بردرآمد وضع شد درنیمه فروردین ۱۳۰۹ بود وقبل ازآن وضع عوارض برمصرف کنندگان بود وغیرمستقیم گرفته میشد وتحمیل بر طبقات پائین بود که این موضوع مورد بحث اطلاعات بود وپیوسته توجه اولیای امور رابرفع تحمیل ازطبقات پائین

ولغو مالیاتهای غیرعادلانه جلب می‌نمود .

طبق این قانون قرارشد تجار ازاینقرار مالیات سالیانه بدهند؛ تاجر درجه‌اول ۲۵۰تومان درجه دوم ۱۵۰ تومان درجه سوم۸۰ تومان درجه‌چهارم ۳۰تومان تاجر درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه‌اش بیش‌از شصت‌هزارتومان ودرجه چهارم تابیست هزار تومان باشد .

برای اصناف درجه‌اول سالیانه ۱۰۰ تومان درجه‌دوم ٤۸ تومان درجه‌سوم ۱۸تومان و صنفی که میزان فروشش درسال ازه هزارتومان تجاوزنکند ازپرداخت مالیات معاف گردید .

شرکتهای انتفاعی از ۵ هزار تا۱۰۰ هزارتومان عایدات خالص‌سالیانه خود صدی۳ واز صدهزار تومان تا یك‌میلیون‌تومان‌عایدات‌خالص نسبت بمازاد صدی ۳ ونیم از یك میلیون تومان ببالا نسبت بمازاد صدی چهار مالیات خواهند داد .

طبیب وو کیل درجه‌اول درتهران سالیانه ۱۲۰ تومان درایالات وولایات ٦۰تومان . طبیب‌وو کیل‌درجه دوم‌تهران ٤۸تومان.ولایات ٢٤تومان . درجه‌سوم درتهران سالیانه ٦ تومان ولایات ۳تومان .

ادعانامه مدعی‌العموم دیوان تمیز - مرحوم میرزا رضا خـان نائینی پس از آنکه تعقیب نصرت‌الدوله فیروزازمجلس شورای‌ملی بعدلیه احاله گردید و گزارشهای واصله‌را رسید گی‌نمود ادعانامه‌ای‌تنظیم کرد که طبق آن تقاضای مجازات شاهزاده فیروز رانمود ونوشت فیروز میرزا وزیرمالیه سابق مطابق‌اظهارات آقای‌حسن‌آقامهدوی‌فرزندونماینده‌حاج‌امین‌الضرب برای اینکه املاك مشارالیه ازطرف وزارت‌مالیه دربرابربدهی مرحوم امین‌الضرب ببانك ایران توقیف شده‌بوداز‌توقیف‌خارج شود واشکال‌تراشی‌نکند بوسیله ارباب علی‌آقاصابر یزدی‌معادل مبلغ‌شانزده هزارتومان رشوه گرفته‌است ازاینقرار.....الی‌آخر»

محل محاکمه نصرةالدوله در محکمه جنائی با حضور تماشاچی ترتیب داده‌شد وهیئت محکمه مرکب از آقایان زیربودند :

نیرالملك‌هدایت . حاج‌سیدنصرالله‌تقوی‌وجدانی .محمدصادق بروجردی.میرزا طاهر تنکابنی.حاج‌شرف‌الملك محمدرضا ایروانی . اسدالله ممقانی . ابوالقاسم فروهر .مجیدآهی.سلطان‌احمدراد.

مرحوم نصرةالدوله فیروز ، آقایان سیدهاشم‌و کیل و میرزا رضاخان ملکی وحاج‌قطن‌الدوله رابسمت و کیل مدافع‌خود معرفی نمود و روز ٥ اردیبهشت نصرةالدوله طبق اجازه وزارت‌عدلیه توقیف گردید وروز ۹ اردیبهشت محاکمه علنی‌اوشروع گردیدمرحوم‌فیروز گرفتن‌رشوه‌واظهارات‌مهدوی راتهمت وافترا ودسیسه‌وانتریك دانست‌وحسن‌آقامهدوی حرفهای‌خودرا تاییدنمود ومحاکمه چند روز ادامه‌داشت تامنتهی برأی‌شد ، دراین‌محاکمه آقایان‌سیدهاشم‌و کیل‌وملکی‌وخودنصرةالدوله دفاع‌مفصلی کردند که‌بطورمبسوط‌بیطرفانه دراطلاعات‌منعکس گردید فیروز میرزا‌فیروز ازیك‌قسمت‌اتهامات‌مبری گردیدودرقسمتی که‌درمحکمه‌ثابت‌شدمحکوم‌به‌محرومیت‌ازحقوق‌اجتماعی‌و چهار ماه حبس‌تادیبی و پرداخت مبلغ ٥۸۰۸ تومان سه‌برابر مبلغ ۱۹۳٦ تومان دریافتی‌بعنوان غرامت گردید

شاه‌لباس وطنی‌پوشیدمرحوم گازرونی‌موردمحبت قرارگرفت- مرحوم گـازرونی مؤسس کارخانه گازرونی اصفهان پیوسته مورد تشویق اعلیحضرت فقید قرار میگرفت . صرف نظر از قرضه ای کـه شاه دستور داد برای کمك بکارخانه وطن‌باو‌بپردازند برای ترویج‌امتعه وطن‌اعم ازپارچه‌های‌گازرونی‌وپارچه‌های‌دست باف صنعتگران دیگر کشور دستور میداد- اولین‌دفعه که اعلیحضرت فقید سرتاپای خودرا بالباس‌وطن مزین‌ساخت روزسلام‌تاجگذاری اردی بهشت ۳۰۹ بود که در آن‌روز هم‌شاه وهم‌تمام صاحب‌منصبان ملبوس خود را ازپارچه های‌وطن تهیه کرده‌بودندوهنگام‌سلام‌شاه،مرحوم گازرونی پدرمحمدجعفر گازرونی مدیرفعلی کارخانه‌رامورد‌محبت قرارداد و گفت می‌بینید لباس‌خودرا ازپارچه وطن‌تهیه کرده وبکلیه صاحب‌منصبان هم‌دستوردادم لباس‌وطن‌بپوشند وبا این‌ترتیب آرزومندم که رفته‌رفته کارخانجات کشور وپارچه‌بافی‌ها رونق یافته و احتیاجات مملکت در خود کشورفراهم گردد. تشویق صنایع داخلی کشور وترغیب مردم باستعمال امتعه‌وطن‌ازمسائلی‌بود که‌موردتوجه‌روزنامه اطلاعات قرار داشت ودراین‌خصوص دادسخن‌میداد.

مدیر اطلاعات در اولین سفراروپا : فروردین ۳۰۹ آقای مسعودی بـرای اولین دفعـه مسافرتی باروپا نمود . مسافرت ایشان نزدیك بچهارماه بطول انجامید وسازمان روزنامه راطوری داده بود که درغیاب‌خود ، روزنامه جریان عادی و طبیعی خود را سیر میکرد واین امرخلاف انتظار ودرکشورمابی‌سابقه بود

زیرا جراید آن روز برای یك اسباب کشی و تغییرمحل یا بعلت کسالت مدیر تعطیل میگردید اماروزنامهٔ اطلاعات از همان ابتداء باوجود مسافرت های مدیرش درنتیجه حسن اداره و تشکیلات وبخصوص صداقت و صمیمیت و علاقمندی کار مندانش که همه با احساسات وعشق وعلاقه بسیار باآقای مسعودی همکاری میکردند چه در سفر و چه درحضر جریان منظم خودراطی میکرد وهمه‌روزه عصر بامزایای خودانتشار می‌یافت .

آقای مسعودی درهرمسافرت چه درداخله وچه درخارجه خوانندگان روزنامه‌اطلاعات‌را بانوشتجات خود مشغول میساخت ، مطالب بسیارجالب توجهی که مورد کمال علاقه خوانندگان بود می‌فرستاد، مقالات او از همان مقاله‌ای که بعنوان طلیعه انتشاراطلاعات نوشت پیوسته ساده وسلیس‌وشیرین‌بود، خاطرات روزانهٔ ایشان‌ازمسافرت اروپا درشماره‌های اطلاعات درج وضبط است که پس ازبیست سال‌وقتی امروز آن خاطرات مسافرت خوانده می شود بازلذت بخش ویك سلسله مطالب مفید وخواندنی دارد که ملت ایران را متوجه نواقص خود میسازد وراه اصلاح را باقلم مؤثر وساده خود شرح میدهد، ایشان ازموقع حرکت ازبندرپهلوی وعبورازباد کوبه ومسکو و لهستان وبرلن تاپاریس مرتبا شرح مسافرت ومشاهدات خودرا بخوانندگان‌اطلاعات گزارش‌داد. مقالات‌اجتماعی و اخلاقی او ازپاریس بسیارجالب توجه واقع گردید وقسمت‌هائی از آن مقالات راجع بنواقص‌شهرداری موردتوجه متصدیان‌شهرقرار گرفت. مسعودی در آن روزنوشت‌نباید فریب‌ظاهرارو پاراخورد،نباید بمادیات‌دنیای‌غرب‌توجه کرد وزشتی‌های آنرا بکشورسوغات آورد بلکه باید بمعنا وحقیقت اخلاق مردم اروپا واقف گردید وعلل‌ترقیات‌سریع این کشورها را دراخلاق وآداب ورسوم، دراعتقادات مذهبی واستحکام دیانت‌آنها‌تجسس کرد واین‌صفات‌پسندیده را ازآن‌ها یاد گرفت وبایران سوغات آورد نه آنچه را که باعث بدبختی و بیچارگی ملت ایران می شود اقتباس و تقلید کرد .

وظیفه ما در زلزله آذربایجان : زلزله شدیدی درنواحی‌خوی وسلماس وساوجبلاغ وما کو و مراغه وچندنقطه‌دیگر آذربایجان چندصدهزارنفر نفوس کشورمارا تهدید میکرد ، عدهٔ‌تلفات دراین‌حدود بدو هزارنفررسید. سیل کمك ازهمه‌طرف حتی ازخارجه بسوی‌برادران وخواهران آذربایجانی سرازیر شد وباز هم اطلاعات‌دراین حادثه دردناك مشار کت‌جست و بانوشتن مقالات مؤثر خود وانعکاس وقایع‌محل‌توجه عموم‌مردم را بسوی‌آذربایجان جلب کرد، ستون‌های‌اعانه‌باز کرد ودراولین سرمقاله‌خود بتاریخ ۲۲اردی بهشت۱۳۰۹ بمناسبت حادثه‌مزبور چنین گفت :« بجای‌اینکه مقالات‌دردناك بنویسیم که‌جز ازدیاد اندوه سودی‌ندارد بهتراین‌است اقدامی کنیم که‌درد باقی‌مانده اهالی بدبخت آذربایجان عزیز تسکین یابد . تمام امید آنها متوجه برادران وخواهران خود درهر گوشه کشور است آنها امیدبه حمیت وعطوفت مادارند،همه بایددراین‌راه کمك کنیم‌وزلزله‌زدگان آوارهٔ بیابانهارا دریك‌قسمت‌وسیع آذربایجان‌حفظ وصیانت نمائیم »

الغاء امتیاز اسکناس : دردنبال یك رشته نشریات درروزنامه اطلاعات بقلم مطلعین در امور اقتصاد واظهارنظرهای سودمند روزنامه درتقویت بانك ملی وحفظ شئون کشور واستقلال‌پولی ایران روز۲۴اردی‌بهشت ۳۰۹ قراردادی دروزارت دارائی بین رئیس‌بانك شاهی ووزیردارائی امضاء گردید که‌طبق ماده اول‌آن‌حق‌صدور وانتشاراسکناس که تاآنوقت‌بطورحق‌انحصاری‌ازطرف‌دولت ببانك‌شاهی واگذارشده بود الغاء گردیدومقرر شد در مدت معینی پول مجموع اسکناس های صادرهٔ خود را تأدیه نماید ودرانقضای‌مدت پول‌اسکناسهائی که‌برای تبدیل مستردنشده‌بدولت‌بپردازد. از آن پس‌حق‌انتشار اسکناس ببانك‌ملی‌ایران‌تفویض گردید و کم کم‌اسکناسهای‌قدیم بر چیده شد واسکناس‌های‌جدید جای‌آنرا گرفت .

آزادی هندوستان هدف ما بود: اطلاعات پیوسته افکار استقلال طلبانه گاندی پیشوای بزرك هندوستان رامنعکس میساخت ومقالاتی درسال۳۰۹ بطرفداری گاندی وبرای نجات هندوستان منتشرشده‌است از جمله مقاله‌ایست که بمناسبت توقیف گاندی‌انتشاریافت ودرشماره ۱۰۳۹ نوشت : گاندی برای نجات وطن خود ازرژیم استعماری قیام نموده وا در خط مشی وتاکتیك اورا باوضعیت کنونی هند تحت‌مطالعه دقیق‌قراردهیم باید اعتراف نمائیم که طریق منحصربفرد و یگانه چاره نجات هندوستان بلکه‌کلیه ممالك شرقی از مطامع استعمار-طلبان بریتانیای کبیرهمین بوده‌است که گاندی پیش گرفته یعنی‌انقلاب منفی، بایکوت تجارت انگلستان،ابراز تنفر ازسیاست عمال بریتانیا .

گاندی‌اول میلیونها ثروت وجواهرات خودرا دور ریخت - فراك وکراوات را پاره کرد ویك لنگ کرباسی وطنی باندام خود پوشانید و بمیوه‌های جنگلی قناعت کرد وبعد به پیروان‌خود توصیه کرد که دست به

آقای سفید پوست‌ها نزنید، احترامات آنهارا منظور دارید، قوانین ونظامات را رعایت کنید اما مواد برای آنها تهیه ننمائید. امتعه آنهارا استعمال نکنید وباین مقاومت منفی ادامه دهید تا استقلال یابید . روزنامه اطلاعات اضافه می‌کند: « نجات شرق منوط بنجات هند است، دستگیری گاندی برشدت نهضت ملی هند افزوده وکار بجائی کشیده است که اتومبیل های مسلح را بروی اجساد ونعش انقلابیون میرانند و نمی توانند آن را خاموش کنند و بطور قطع دولت بریتانیا با استعمال قوا و اسلحه قادر بخاموش کردن آن نیست و ناگزیر بایستی متوسل بتدابیر عملی وتشبثات مسالمت آمیز شود وبالنتیجه استقلال تام وتمام بملت هندبدهد .»

این بود خلاصه عقاید آن روزما وامروز بعد از بیست سال خوشوقتیم که این آرزوی ملی ما جامهٔ عمل پوشید و هندوستان و پاکستان آزادی یافتند واکنون ما می‌توانیم از مواهب و برکات این آزادی و استقلال همسایگان عزیزخود بهره‌مند شویم .

چراخانمها ازسادگی تقلید نمیکنند: آقای مسعودی در یکی ازمقالات اجتماعی خود که ازپاریس نوشته درتاریخ سی‌ام اردیبهشت ۳۰۹ تحت‌عنوان تشکیل عائله سادگی مردم پاریس را بخلاف آنچه دربین ما بغلط شهرت‌پیدا کرده است شرح داده ونتیجه میگیرد که خانمهای ما ازشیکی وقشنگی‌زنهای اروپا ولباس‌آنها چیزهائی ازدوژمی‌شنوند وشیفتهٔ آن زیبائی ها شده ازمدجدید تقلید میکنند غافل‌ازاینکه‌این تجملات‌مربوط‌بعائله‌ها و خانواده ها نیست، بلکه اختصاص بجمعی زنهای بوالهوس که بیشتر از خارج برای گردش‌وتفریح‌بپاریس می‌آیند دارد وا گر بنابرتقلید است چرا صفات‌خوب‌را تقلیدنمی کنند، ازملکات حمیده، محبت‌های فامیلی ، عشق و علاقهٔ بزندگی از راه صرفه جوئی و نگاهداری اموال خود و شوهر و توجه به‌معلومات وتربیت فرزندان و بالاخره خدا پرستی ومذهب دوستی وراه عبادت‌وبسوی‌خدا رفتن وازاین چیزها یاد نمی گیرند - همین‌تجمل‌پرستی وتقلید های‌خنک است که جوانها را درایران از ازدواج گریزان ساخته است از روی همین‌افکار بتشکیل عائله درایران توجه نمیشود وتربیت فرزند روی اصول‌غلط انجام می گردد وحال‌آنکه دنیائی را که‌من از نزدیک‌می‌بینم غیراز آنست که‌قبلا فکرمیکردم، دراینجااین‌جزسادگی‌وبی تکلفی‌چیزی‌نیست، جزصداقت‌وصمیمیت و محبت‌نظری‌افراد بایکدیگر ندارند وسرترقی وعظمت آنها ازهمین‌مسائل کوچک‌شروع میگردد.»

معاملات تجارتی ما باشوروی‌عادلانه نیست : درخصوص مسائل اقتصادی کشوراطلاعات درسرمقاله سوم خرداد ۱۳۰۹ مینویسد: صفحات‌روزنامه ماشهادت میدهد که ماهمواره مسائل تجارتی واقتصادی را مورد توجه قرارداده ودرهرموقع توجه اولیای اموررا به‌بهبوداوضاع جلب نموده‌ایم . اکنون موضوع تجارت با همسایه شمالی مورد کمال توجه میباشد. اساس مبادلات‌ماباشوروی باید وضع متقابل داشته باشد.دولت شوروی درطرز معاملهٔ خودبادنیا بطورعموم ودرشرق بالخصوص‌رویه‌ای‌اتخاذنموده که‌مشکلاتی برای تجار فراهم آورده و برای تجارت ایران مقرون‌بصلاح نیست.درشمارهٔ دیگر نوشته‌شده که درسال۱۳۰۶واردات ما از دولت شوروی بیست ویک‌میلیون‌تومان بوده وصادرات مابیست میلیون‌ولی سال بعد واردات۲۹میلیون وصادرات ۱۶میلیون‌شده وبازسال بعد صادرات بسیزده‌میلیون تقلیل یافته‌و حال آنکه واردات سی میلیون تومان شده - تجارت ما با شوروی‌آزاد نیست،روی انحصاروبدست دولت است‌اما‌تجارت‌آنها درایران‌آزاد وهیچ قید و بندی‌ندارد، همچنین اجناس خودرا هرروزبمیل‌خود گران میکنند.مثلا کبریت شوروی درموقعی که‌کارخانه کبریت دایربودبرای رقابت صندوقی ۲۴ قران‌میفروختند ولی پس‌ازتعطیل‌کارخانه ٤٦قران کردند وا گرموجودی کبریت داخلی تمام‌شودممکن است بصندوقی ده تومان برسانند

تظاهرات وطن‌پرستی: خلاصه این‌مکتوب آقای مسعودی ازپاریس هم که درشماره۱۰۵۷ چاپ‌شده شایان‌دقت‌است‌او مینویسد:

«ملت قدرشناس فرانسه خدمات ژاندارک دختر ۱۹ساله‌رافراموش نکرده ونخواهد کرد.من‌ناظر نمایشات وتظاهرات مردم پاریس بمناسبت روز اعدام ژاندارک که‌درراه حفظ‌استقلال وطن جان سپرده‌بودم.اما خیال نکنید که‌مردم پاریس این‌روز راعزاداری میکنند بلکه‌جشن می گیرند وسو گواری آنها دراینجا دقیقه دسته‌جات‌مردم است که باموزیک‌ازبرابر مجسمه ژاندارک‌میگذرند.همچنین‌نثار تاج‌های گلی‌است که دوساعت بعد ازشروع دقیقه مجسمهٔ‌ژاندارک که‌سوار براسبی‌ازبرنز‌ریخته شده دربین دسته‌های گل‌مخفی گردید‌ملت فرانسه‌ژاندارک‌را دوست‌دارد

زیرا اورا لوئه کامل وطن پرستی و شجاعت میدانند دربین دستجات مردوزن چه بسیار مردهای سالخورده وچه بسیاری زنهای پیرپیدامیشدند که بزحمت‌ازبرابر مجسمه ژاندارك بانگاه‌های‌محبت‌آمیز میگذشتند چه‌بسیارمجروحین و کسانی که فاقد دست وپابودند درپیشاپیش جمعیت حرکت‌میکردند وسیل مردم دراطراف خیابانهابرای قدردانی آنها کف میزدند ـ دستجات زن‌ها مهمتر وبهتر بود. هریك بیرقهای کوچکی دردست داشتند وزنان ورزشکار و پیشاهنك لباس يك‌شكل پوشیده‌بودند.ازصبح تاظهر صدهاهزار نفرمردم پاریس زن ومرد و محصل بانظم وترتیب ازبرابرمجسمه‌ژاندارك گذشته وخاطره فراموش‌نشدنی درمن باقی گذاشتند»

کنفرانس مرحوم فروغی درپاریس : در شماره ۱۲ خرداد ۱۳۰۹ متن سخنرانی مرحوم فروغی(ذکاءالملك) که برای محصلین‌اعزامی در پاریس‌ایرادنموده‌بودچاپ شده که بعضی‌قسمت های آن در اینجا یاد آور می‌شود :

بعقیده من خدمتی که مسلماً وبی‌شبهه امروز میتوان بمملکت ما کرد نسبت بمعارف‌است‌چه،سعادت‌وترقی‌و آبادی‌وشرف‌وشوکت‌مملکت‌میسر نمیشودمگراینکه‌ملت‌عاقل‌وفهیم‌باشدهریك‌ازشمادرمواردعدیده‌بخاطر داریداشخاصی را که باجدوجهدبرای‌فرزندان‌خودمال وثروت‌فراوان‌درعوض تعلیم‌وتربیت فراهم کردند ورفتند ولی‌فرزندانشان‌بچه مرگذشتهائی‌پس‌ازمرك‌پدروآن‌همه‌میراث‌دوچار شده‌اندوشیخ بزرگوارماسعدی‌شیرازی‌این‌معنی رابهترین‌عبارت‌ادا فرموده که میگوید :

وقتی‌افتاد فتنه‌ای‌درشام	هریك از گوشه‌ای فرارفتند
پسران‌وزیر بی‌دانش	بگدائی بروستارفتند
روستا زادگان دانشمند	بوزیری پادشاه رفتند.

بعد ازجنك بین‌المللی درمملکت خودمان بچشم دیدم که دربازارها طلا فراوان‌تر ازنقره و اسکناس‌در دست مردم بود اماچون ملت‌ایران‌استعداد نداشت که آن وجوه‌را بکار اندازد واستفاده برد چیزی نگذشت که‌همه آن‌طلاها ازایران بیرون رفت واگر هم بیرون نمیرفت وی‌ماند ثمر نداشت، چه‌شیخ اجـل‌شیراز در کتاب بی‌نظیر بوستان حکایتی نقل می‌کندکه منتهی باین دوشعر میشود :

«زر از سنك خارا برون آورند — که با دوستان وعزیزان خورند»
«زر اندر کف مرد دنیا پرست — هنوز ای‌برادر بسنك اندر است»

تربیت کودکان : تل‌های کوچك خاك‌نرمی که درباغهای قشنك ، گوشه و کنارجنگل‌ها ، تفرج گاه‌های عمومی پاریس ریخته شده برای‌تربیت‌همان صنعتگران‌ومخترعینی است که نسل‌این‌مملکت‌راتشکیل میدهند، این خاکهائی‌است که اداره بلدیه پاریس‌در گوشه‌و کنارباغ‌های عمومی می‌ریزد برای اینکه‌اطفال بازی کنند .

میخواهیم بفهمیم نظراغلبی ازهموطنان ماصائب تراست که اطفال راازخاکبازی منع میدارند وآن‌را کار زشتی میدانند یانظر اینها که بچه‌را طبق‌میل طبیعی‌خود بخاکبازی وامیدارند ، دراین‌جا طفل را از کودکی ، از زمانی که بحرف وبراه می‌افتد تحت‌توجه‌قرارمیدهند، باواحرف میزنند، بسئوالات وپرحرفی‌های بچه‌پاسخ میدهند همینکه بزرك‌شد اورا در موزه‌ها گردش میدهند، همه‌چیز رابا‌و نشان‌میدهند، آثارتاریخی کشور خودرا برای‌بیدار کردن احساسات ملی ووطنی طفل‌مفصل توضیح میدهند،خرافات واوهام را از مغزبچه دور میسازند وبالاخره در این‌جا متوجه این‌نکته هستند که مرحله تربیت‌طفل دردامان مادرمهمترین مرحله تربیت نسل میباشد ومتاسفانه‌این نکات در کشورما هیچ‌رعایت نمی‌شود ومردم بچگونگی تربیت بچه آشنا نیستند وبدان وقع واهمیت نمیگذارند .

«خلاصه‌مقاله مدیراطلاعات ازشماره۲۴خرداد۱۳۰۹»

اطلاعات در سال پنجم : بمناسبت آغاز پنجمین سال اینطور نوشت: ما خوشوقتیم که با تحمل زحمات و خستگی‌های روحی وجسمی در برابر خوانندگان عزیز بوجدان خویش منفعل نیستیم زیرا با روح وظیفه شناسی وصمیمیت خدمات خودرا ادامه داده ومیدهیم ودر هیچ لحظه مصالح وطن وخیر مملکت وعزت هموطنان را از نظر دور نداشته ایم، در اکثر ممالك اروپائی وامریکائی غالباً جرایدی‌می بینیم که لااقل بیست سال وسی سال دوام نموده اند ولی مملکت ما که هنوز بآن پایهٔ رشد نرسیده است دوام جراید منظم و مرتب باین‌پایه بعید بنظر می‌آید ولی درهر حال چهار سال دوام واستقامت، چهار سال انتشار منظم خود کار آسانی نیست‌واشخاصیکه از نزدیك ناظر احوال جریده نگاران می‌باشند میدانند که انجام این‌کار چقدر صعب و چقدر خسته کننده و چقدر دقیق است. ماامیدواریم روزی برسد که بتوانیم بیست وپنجمین وپنجاهمین سال انتشارخودرا اعلام کنیم.

غرفه ایران در نمایشگاه آنورس: درماه ژوئن سال ۱۹۳۰ نمایشگاه بزرگ بین‌المللی در بندر آنورس (بلژیک) افتتاح یافت. دولت ایران هم شرکت نمود ودر آن موقع آقای علی‌اکبر بهمن وزیرمختار ایران دربروکسل بود و بنا بدعوت ایشان آقای عباس مسعودی که هنوزدراروپا بسر میبرد درمراسم‌افتتاح‌غرفه ایران‌شرکت نمود.

غرفه ایران ازروی یکی‌از مساجد زیبای اصفهان ساخته شده بود. گنبد زیبای فیروزهٔ رنگ و گلدسته‌های بلند آن دربین غرفه سایر ملل جلب توجه می نمود. مرحوم حاج امین‌الضرب رئیس اطاق تجارت تهران نیز در آئین افتتاح حضور داشت مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی که آنموقع در بلژیک اقامت داشت نیز درمراسم افتتاح که ازطرف پادشاه فقید بلژیک انجام پذیرفت شرکت داشت. غرفه ایران باقالی و قالیچه‌های نفیس، ظروف عتیقه ومیناتورهای عالی، قلمکار ونقره‌های ظریف وصنایع دستی ایران همچنین نمونه‌هائی از خشکبار ومواد صادراتی زینت‌داده‌شده‌بوددرآن روز شرکت درنمایشگاههای بین‌المللی فوق‌العاده استقبال میشدو باین‌وسیله ایران معرفی میگردید وبازارهائی برای فروش امتعه ایران که دچار مشکلات تجارت باروسیه شده بودباز میگردید.

درسندیکای روزنامه نویسان: برای شناسائی روزنامه نویسان عالم سندیکای روزنامه نویسان‌در پاریس‌درمواردلزوم ضیافت‌هائی‌تشکیل میدهد دریکی‌ازاین‌ضیافت‌ها که‌مصادف بامسافرت مدیر اطلاعات‌درپاریس بود ایشان را نیز دعوت کردند تا مراسم آشنائی با روز نامه نگاران بعمل آید، علت دعوت هم عضویت آقای‌دکترعلی‌امینی وزیر کنونی اقتصادملی درسندیکای روزنامه نویسان پاریس بود،آقای‌دکتر امینی درآنموقع سمت‌خبرنگاری‌روزنامه‌اطلاعات‌رادرپاریس‌داشتندودرنتیجه جدیت‌خویش‌موفق‌شده‌بودندموقعیت‌شایسته‌ای‌بین‌نمایندگان جراید و خبرنگاران خارجی مقیم‌پاریس‌پیدا کنند.درآن جلسه آقای دکترامینی‌نطقی دایربمعرفی ایران وروزنامه اطلاعات نمودند که‌مورد استقبال واقع شدوبیش ازصدوپنجاه‌نفر خبرنگار وروزنامه نویس فرانسوی وکشورهای مختلف عالم‌درجلسه حضور داشتند

آقای مسعودی درضمن گزارشی که دراین موضوع بروزنامه داده و در شماره ۱۹ تیر ۳۰۹ انتشار یافته است مقاله خود را بزندگی عاری ازتکلف خارجی‌ها کشانیده ومینویسد میل‌طبیعی خارجیان بسادگی است ومردم اروپا بسرعت رو بزندگی عاری ازقید وتکلف میروند – درانگلستان که مردم غرق اشرافیت وتکلف هستند و پوشیدن لباس فراك بایقه‌آهاری حتی درتابستان برای نشستن سرمیزشام آنهم در خانه خود نزد زن و فرزند اجباری است میروند کم کم این قیود را دور بریزند و ازاین رنج وزحمت خود را خارج کنند، اما در پاریس مردم باین تکلفات تاحدی پشت‌پا زده اند ودوست دارند از جاروجنجال و زندگی پراز هیاهوی شهرها دورشده درصحرا در کوهستانها زندگی ساده روستائی داشته وشهر را باقیود وتکلفاتش ترك کنند.

مکتوب مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی: مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی از فضلا و دانشمندان و رجال معارف‌خواه کشور بشمار میرود که سراسر زندگیش وقف خدمت بخلق ازراه فرهنگ بوده است فقید سعید هنگام‌اقامت‌دربروکسل نامه‌ای بآقای مسعودی که آنموقع پاریس بوده اند مینویسند که در شماره ۲۸ تیرماه ۳۰۹ بطبع رسیده از اینقرار:

«بعدالعنوان...خط شریف ازپاریس رسید موجب مسرت گردید انشاءالله همه وقت بخدمات ملی و وطنی موفق بوده باشید، نوشته اید که فراغت هائی‌را که برای این جانب تصور نموده‌اید مغتنم شمرده بنشر معارف و روشن نمودن خاطر هموطنان عزیز بکوشم. این خود آرزوی قلبی‌من است که صفحات کتاب‌آخر عمرم درخدمت بمعارف مملکت از اوراق اولیه اش روشن تر باشد.

بدیهی است معارف بایه ومایهٔ هرچیز است والبته معارفی بایه ومایه است که خود بواسطه فقدان‌اصول متقن بی‌بایه ومایه نبوده باشد. مشاهده میکنم مدت هشتاد سال قدم در میدان تعلیم و تربیت نهادن واین همه فداکاری در سال‌های آخر در راه معارف کردن هنوز بما چند نفر معلم ومعلمه نداده است که بتوانند بتمام معنی دارای این عنوان بوده باشند مگر از میان محصلینی که اخیرا به‌نیروی دولت اعلیحضرت پهلوی بارعایت شرایط بخارج فرستاده شده‌اند اشخاصی درآیند که قرض گذشتگان خودرااداکرده علاقمندان بحسن‌جریان امور معارفی رابه‌آرزوی خود برسانند

بهرحال، اکنون که دست روزگار در این‌وقت از عمر، بازمرا از وطن دور افکنده و سروکارم‌بیشتر با معارفیان است البته آنچه از دستم برآید درخدمت بحوزهٔ معارف وطن کوتاهی نخواهم کرد خصوصاً که اکنون درمملکتی هستم که درکار معارف باممالك بزرك همسری بلکه‌دعوی برتری‌دارد .

سپس مرحوم دولت‌آبادی نقائص و نقاط ضعف معارف رابطرز مؤثری تشریح نموده که نقل‌تمام مکتوب ستون‌را خواهد گرفت بخصوص ازانحطاط اخلاقی صحبت نموده ومینویسد « در رایحه کریه این انحطاط‌اخلاقی درجامعهٔ‌مادرست استشمام نمیشود بواسطه پربودن‌دماغهااست چنانچه هر کس‌ازخارج وارد ویااز داخل‌خارج‌میگردد احساس می‌نمایددراین‌صورت اهم وظایف‌دانشمندان مملکت این‌است که دراطراف‌این‌موضوع مهم یعنی مسئلهٔ‌اشتداد مرض فساد اخلاق درجامعه مبارزه کنند وبااستعمال ضدعفونی‌های سریع‌الاثر حکمت های عملی که سرآمد آنها بعقیده نگارنده بکارواداشتن بیکاران وجلو گیری ازتوسعه فقروفاقه، است از اشتداد این مرض مهلك بکاهند واز هرکار مهمتر فکر اساسی کردن برای تربیت نوباو گان معصوم است که ذاتاً از این مرض مبرا ودرمعاشرت با خانواده‌ها واطرافیان مبتلا میگردند والبته راهش تاسیس کودکستان‌ها وپرورشگاهها ومدرسه‌های شبانه روزی است درتحت نظر معلمین ومعلمات ومربی ومربیه‌های خوب انتخاب شده ازملت‌های خوش‌اخلاق که سرمشق‌علم و تربیت ومتخصص درفنون تربیت‌های عملی هستند تانورسان معصوم مابس ازچند سال اقامت دراین گونه دارالتربیه ها ودوربودن از محیط فاسد، استقلال فکری حاصل کرده‌دیگردرخلط غالب مستحیل نگردند که اگر باین‌کار اقدام‌نکنیم وازاین راه خط‌فاصلی‌مابین صالح وفاسد یاصلاح وفساد نکشیم هر کس قدم بعرصه وجود بگذاردطولی نمیکشد که همرنك جماعت میگردد وهرتحصیلی هم که بنماید چون بنای‌آن تحصیل بروی شالوده‌محکم‌حسن اخلاق گذارده نشده بجای سود زیان‌آوراست ... الی آخر »

نتیجه دویست سیصد سال غفلت وبیکاری : درسرمقاله ٥ مرداد ۱۳۰۹ آقای مسعودی ازجمع آوری‌اعانه برای‌آسیب‌دید گان زلزله سلماس درپاریس که خود ایشان‌نیزشر کت نموده ودر تشکیل مجمع وجلسه ایرانیان همکاری نموده وبالنتیجه مبالغی توسط آقای علاء وزیرمختارایران برای درماندگان بشیرو خورشید سرخ فرستاده شد تقدیرنموده ونام کسانی که کمك کرده‌اند ذکرنموده که ازجمله دربین‌آن اسامی نام آقا خان محلاتی ، مرحوم حاج امین‌الضرب ، مرحوم سپهدار رشتی ، مرحوم خوشتاریا ،آقای امیرنظام ، وزیرخارجه فرانسه وچندین سفیروزیرمختارخارجی دیده میشود . مدیراطلاعات تشکیل جلسه وجمع‌آوری وجوه اعانه را درپاریس نتیجه فکر خوب توأم باسعی وعمل دانسته واضافه میکند که « اگرحس همکاری وجدیت درانجام‌کارنبود هر گزچنین شب نشینی بوجود نمی‌آمد تابتوان ازاین‌راه دور کمکی بهموطنان عزیزنمود باید مسامحه وتعلل را دورانداخت وزنگ کی‌باری بهرجهت را کنار گذاشت تابترقیاتی که دنیانائل شده است موفق شویم.

من قبل‌از مسافرت‌خود باروپا ، خیال‌میکردم این‌مردم خلقت‌دیگری هستند وشاید درنظر خود امتیاز مخصوص برای آنها قائل بودم ولی وقتی ازنزدیك آنهارا دیدم متوجه شدم که هیچ تفوق وامتیازی ندارندوهیچ چیزی‌را ما درخلقت ازآنها کسر نداریم فقط یك‌تفاوت بین‌ما وآنها وجوددارد که آنها ازدویست‌سیصدسال قبل فهمیده‌اند که ترقی هرملت درسایه سعی وعمل افراد است ودرنتیجه کار راپیشه خود قرارداده وزحمت کشیده‌اند وفعالیت‌بخرج داده‌اند وباین‌پایه ازتمدن رسیده‌اند وما بدبختانه درخواب خر گوشی فرورفته ، تنبلی را شعار خود ساخته ونتیجه غفلت دویست سیصد ساله ملت‌ایران این‌تفاوت فاحش امروزرا بوجود آورده است که امروزنشسته ایم وصنایع واختراعات دیگران‌را تماشا می‌کنیم وازآنها استفاده می‌بریم وافسوس می‌خوریم که ماچه‌کاره‌ایم وچه می کنیم وچه خدمتی بخود وبعالم بشریت‌انجام داده ومیدهیم»

واقعه اسف‌آور قتل فرزند آیة‌الله اصفهانی : شب یکشنبه ۱٦ صفر ۱۳٤۹ درصحن نجف‌اشرف مردم تمام صف‌بسته ودرعقب حضرت آیة‌الله آقاسیدابوالحسن اصفهانی مشغول‌ادای‌فریضه‌جماعت بودندوشیخ علی نام‌هم در جزو اشخاص مشغول‌انجام فریضه وباركوع وسجود کنندگان‌بر کوع‌وسجوداشتغال داشت . پس‌از خاتمه نماز مغرب شیخ‌علی‌مزبور ازمحل نمازخودبطرف آقاسیدحسن فرزندبزرك آیة‌الله آقاسیدابوالحسن اصفهانی‌رفته‌سراورا بادست‌چپ گرفته وباکاردتیزی که‌دردست‌راست‌داشته سه دفعه بحلقوم‌او کشیده گلووشرائین‌اوراقطع‌میکندوپس‌ازآن بطرف‌اشخاصی که بطرف‌اوی‌آمدندحمله برده‌ودرمیان‌جنجال وازدحام‌مردم‌خودراجلوی‌صحن‌مطهرمیرساند که‌درآنجا دستگیر و بنظمیه برده میشود ، آقاسیدحسن فرزند آیة‌الله چند دقیقه بعد دارفانی را وداع میکند و همینکه خبر فوت در نجف

منتشر می‌شود صدای ضجه و شیون از تمام خانه‌های نجف بلند میشود و چنین شب پر مصیبتی در نجف دیده نشده بود .

روزنامه اطلاعات در تعقیب انتشار اخبار مربوط باین جنایت عظیم که در عالم اسلام تأثیر عجیبی بخشید مراتب تاثر و تاسف عموم مسلمانان را ابراز داشته و احساسات تسلیت آمیز خود را حضور محترم آیة‌الله اصفهانی تقدیم نموده است .

لوله کشی آب : موضوع لوله کشی آب در تهران و سایر شهرهای ایران پیوسته موضوع مقالات روزنامه اطلاعات قرار گرفته است ولی با کمال تاسف بدان توجه نمیشد و این موضوع مهم حیاتی بدست فراموشی سپرده شد، مهمترین مقالاتی که در این باره بچاپ رسیده ، مقالاتی است بقلم آقای مسعودی از پاریس که در چند شماره مفصل از لوله کشی و مجاری فاضل آب پاریس و اهمیت آن در صحت و تندرستی و نظافت شهر پاریس بحث نموده و توجه اولیای امور و بخصوص مسئولین شهرداری را جلب نموده است که هرچه زودتر و قبل از ساختمان خیابانها امر لوله کشی و مجاری آب را درست کنند .

ازجمله در شماره های نهم ودهم مرداد ۱۳۰۹ مینویسد: دنیای امروز قبل از هرچیز متوجه حفظ صحت و سلامت مردم میباشد و دراین باب کوشش بسیار دارند ، امروز حتی در دوره دهات فرانسه هم آب لوله میخورند وما در پایتخت خود لوله کشی نداریم ، پاریس را روزی دوبار میشویند و اگر لوله کشی آب نبود و راههای آب زیرزمینی (اگو) وجود نداشت در مدت چند روز کثافت این شهر را پر میکرد و امراض مختلف شیوع مییافت وچند میلیون نفوس درمعرض خطر قرار میگرفت ، کارخوب ، فکربکر، ترقی و پیشرفت و همه چیز در مزاج سالم و روح قوی پیدا میشود و این معنا را دنیای امروز بخوبی درک کرده است.

آقای مسعودی درخلال این مقاله مینویسد: چندی قبل دریکی از محلات شهر پاریس مرض مختصری بین اطفال پیدا شد که سبب تلف شدن چند طفل گردید . بعضی از اطباء شیوع مرض را از وجود میکروب در آب دانستند برعلیه مؤسسه آب و شهرداری عرضحال داده شد و بالاخره پس از چند جلسه محاکمه شهرداری پاریس محکوم بپرداخت چند میلیون فرانك غرامت گردید ولی درکشور ما بچه ها در میکروب غوطه‌ورند ومثل برگ درخت میریزند وکسی درفکر حمایت آنها نیست . وباز مینویسد چندروز پیش یکی از جراید پاریس نوشت که در خارج شهر پاریس گودال کوچکی پیدا شده که آب باران درآنجا جمع می‌شود وچند پشه درآن حوالی دیده شده که حدس میزنند مربوط باین گودال است، اگر کسی درآن حوالی مریض شود مسئول بلدیه است و بلدیه باید غرامت بدهد، فوراً گودال مزبور پر شد واز پرورش احتمالی پشه ممانعت گردید.

تعاون وهمکاری لازم است : درمقاله دیگر آقای مسعودی از پاریس ۱۲ مرداد مینویسد کار های بزرگی که دراینجا(پاریس) صورت میگیرد ممکن است اثر فکر یکنفر باشد اما انجام آن بدست جماعت و باکمك مالی وهمت جمع میسر می گردد .

اگرچه بلدیه تهران مشغول مطالعاتی دراین باره شده اما اگر میخواهند این موضوع حیاتی نتیجه بخش گردد باید تسهیلاتی فراهم آورند که اینکار مهم حیاتی بدست شرکتهای ملی صورت بگیرد همانطور که شهر پاریس باآن عظمتش انجام لوله کشی را بشرکتهای داخلی باشرایط خاصی واگذار کرده است . دراین موقع که انجمن های بلدی در تمام شهرهای ایران انتخاب شده ویا در شرف انتخاب است باید اولین هدف خود را در تمام کشور لوله کشی آب قرار دهند و این موضوع را سرلوحه کار و مشی و مرام خویش بدانند

انجمن بلدی تهران حقاً وظیفه‌دار انجام این امر است. کمپانی‌های لوله کشی آب از خارجه بایران آمده‌اند وچند پروژه داده‌اند آنهارا مطالعه کنند وهر کدام مقرون بصلاح وصرفه‌است زودتر تصمیم بگیرند واینکار مفید راشروع نمایند.

باوجود بودجه گزافی که بلدیه پاریس وبرلن‌دارد وباوجود عایدات زیادی که میگیرند معهذا هر وقت بکار مهمی دست میزنند مجبورند بکمپانی‌های داخلی وخارجی مراجعه کنند وتحت شرایطی بآنها واگذار نمایند که خودشان پول بریزند وخودشان بسازند و اداره کنند، ماچرا اینکار رانمیکنیم.

یکی ازمسائلی که بلدیه پاریس تحت مراقبت دارد کارهائی‌است مربوط بنظافت عمومی مثلا برای اجناسی ازقبیل صابون ، عطر، ادوکلن وغیره تخفیفاتی درعوارض بلدی‌قائل‌شده‌اند که این اشیاء نسبت بسایرچیزهاارزان تر باشد تا بیشتردردسترس عموم قرار گیرد ومردم نظیف وپاکیزه وتندرست باشند

همینطور بلدیه پاریس در تمام محلات شهر حمام هائی دایر نموده که باقیمت ده شاهی مردمی که در خانه حمام ندارند بتوانند هر هفته چند روز خود را شستشو دهند.

ما چه میگوئیم و آنها چه میکنند؟ ما هنوز لوله کشی آب نداریم.

***

امروز بیست سال از تاریخ آن مقالات مفید میگذرد و باز هم لوله کشی آب نداریم و هنوز اندر خم یک کوچه ایم!؟:

میدانهای شهر چگونه است؟ - در بیست محله شهر پاریس تقریباً هریک روز درمیان بازار یا میدان محلی دایر میشود که در آن تمام آذوقه و احتیاجات زندگی مردم باقیمت ارزانتر از مغازه ها عرضه میشود و خانه دارها مایحتاج خودرا در آنجا تدارک میکنند، تشکیل این میدانها خیلی ساده و از میله های آهنی و سقف های موقت برزنت ومیزها و دولابچه های دستی بوجود می آید که مامورین بلدی این کار باضافه نظافت آن را برعهده دارند و فروشندگان متاع درساعت معین امتعه خود را باینجا منتقل کرده مشغول فروش میشوند. این کسبه و دکانداران اغلب ساکنین دهات وقصبات اطراف شهر هستند که محصول خود را برای فروش بدون واسطه به این میادین می آورند وبا کمال راحتی وآسایش در اختیار مردم میگذارند وباین ترتیب موجبات رفاه زندگی فروشنده ومصرف کننده هردو فراهم است.

آقای مسعودی دریادداشت پاریس خود ۱۸ مرداد ۳۰۹ علاوه میکنند که ما در تهران یک چیزی شبیه بمیدانهای اینجا داریم وآن میدان امین السلطان است که اولا تکمیل نیست زیرا فقط سبزی ومیوه میفروشند و حال اینکه درمیدانهای این جا همه چیز در اختیار مصرف کننده گذاشته میشود حتی اشیاء خرازی ودرهیچ میدانی نیست که چند دکه مخصوص فروش گل وجود نداشته باشد.

بعلاوه میدان امین السلطان به تنهائی کافی نیست. میدان محمدیه هم اختصاص بهیزم ومواد سوختی دارد. باید این میدان ها توسعه داده شود ودرتمام محلات شهر چنین میدانهائی بوجود آید وهمه قبیل احتیاجات مردم راعرضه دارد تامیدان رقابت پیدا شود ومایحتاج مردم باقیمت ارزان بدون واسطه دردسترس مردم قرار گیرد بعلاوه تولید کنندگان بتوانند متاع خودرا دراین بازارها عرضه کنند وهرطرف این کاررا حساب کنند نفع با عموم است و همه استفاده خواهند کرد.

این کاررا انجمن بلدی بخوبی میتواند انجام دهد وموجبات آنرا فراهم آورد وهیچ کارمشکلی نیست. در بعضی شهرهای ایران بخصوص شمال از قدیم بنام جمعه بازار وشنبه بازار میدانهائی دائر بوده وحالاهم هست وبلدیه تهران باکمال سهولت میتواند بتشکیل این گونه میدان ها درنقاط مختلف شهراقدام نماید وراحتی مردم را فراهم آورد و ازتعدی واجحاف کسبه وفروشندگان باینوسیله جلوگیری نماید.

ازآن صفحه ای که مقاله مبسوطی دراین خصوص چاپ شده درست بیست سال میگذرد واینگونه مطالب بارها دراطلاعات تکرار شده وتوجه شهرداری بتاسیس میدانهای بارفروشی جلب گردیده متاسفانه هنوز کوچکترین قدم دراین باره برداشته نشده است ومیدانهای شهریکمیلیونی تهران بهمان یکی دو میدان سابق محدود ومنحصرست و هرچند یکبار داد وقال راه میافتد وجنجال برپا میشود وبازنتیجه همان است که بود، مائیم و میدان امین السلطان، برای اینکه حسن نیت در کار وجود ندارد درصدد نیستند میدان های دیگری دائر کنند، میخواهند یک میدان را تعطیل کنند تا میدان دیگر دائر شود نتیجه اش ایجاد زدوخورد بین اشخاص ذی نفع میگردد وباز میدان جدیدی اضافه نمیشود وحال آنکه اگرشهرداری متوجه شود که با دائر کردن وعلاوه نمودن میدانها درنقاط مختلف شهرو جلوی دروازه های خارج شهر دامنه رقابت را زیاد کند، وسائل آوردن وفروش هرگونه متاعی را ازدست اول تولید کننده بدست فروشنده فراهم آورد و دخالت مستقیم مامورین خودرا هم بردارد همه راحت خواهند شد، هم تولید کننده تشویق میشود هم اجحاف و دلال بازی و سوء استفاده هائی که اکنون میشود موقوف میگردد وهم هزینه زندگی مردم پائین میآید

اختلاف اخلاقی انگلیسها و سایر ملل: اهالی لندن یعنی تربیت شدگان نژاد انگلوساکسون معتقدند که هرچیز کهنه وقدیم را نباید از دست داد مگر احتیاج میرمی تغییر آنرا الزام نماید. همیشه سعی دارند از قوانین ومقررات قدیم، ازعادات و رسوم سابق، ازبناهای کهنه وبالاخره ازهرچیزیکه از قدیم دارند نگاهداری کنند. صنایع و اختراعات جدید دراین مملکت خیلی بکندی نفوذ و رسوخ میابد؛ هیچ عاملی نمیتواند درعادات

بـ اخلاق دیرینه این ملت مختصر رخنه وخللی واردسازد.

سپس آقای مسعودی درهمین مقاله (شماره ۱۱۱۰) ازلندن مینویسد :

با وجود تعصبی کـه برای عدم قبول اختراعات تازه دارند نمیتوانند ازتمدن جدید بخصوص درکار های برق دست بردارند وآنرا نادیده انگارند . تمام ساختمانهای جدید لندن مجهز باتمام ادوات امروزی است و حفظ عادات و رسوم کهنه بیشتر نزد خانواده‌ها و دربناهای قدیمی است که همچنان آنرا حفظ میکنند .

انگلیسها نه فقط با معاشرت خارجیها خونسرد هستند بلکه خودشان هم درمعاشرت سرد میباشند و گرمی شرق درسایر ملل بخصوص انگلیسها وجودندارد . اهل تظاهر وتعریف نیستند،صدها هزارلیره اعانه برای تاسیس فلان مریضخانه یامؤسسه خیریه میدهند بدون اینکه خودرا معرفی کنند، بماهی نمیگذرد که چندنفر ازلردها خودرا بدولت نبخشد اما بدون معرفی خود فقط با ذکر نمره . چندی قبل یکی ازلردها باامضاء مرموز چهارصد هزارلیره اعانه برای مریضخانه‌ای داده بود یکی ازجراید آنقدر موضوع را تعقیب کرد تا صاحب اعانه‌را پیدا کرد ودرروزنامه اعلام نمود لیکن اعانه دهنده روزنامه نویس را تعقیب و اعتراض نمود و ازاوبازخواست کرد. خلاصه اینکه مردم انگلستان درهرکار عمومی یا خصوصی خود کیفیت را درنظر میگیرند واز تظاهر گریزان میباشند

بعد از ساعت ۱۰ وسایل نقلیه برچیده میشود . زندگی بعدازنصف شب که در پاریس شروع میشود در لندن محال میگردد ، استعمال مشروب درهمه‌جا بعداز ساعت ۱۱ شب قدغن است وبرای یك انگلیسی همینکه بگفتند فلان چیز قدغن یاموقوف شده کافی است که خودش مجری آن‌دستور وامریه باشد.دیگر لازم نیست مامورینی برای تفتیش ونظارت گمارده شوند

یك عصر جمعه درقلهك : خیابان زرگنده تفرج گاه مردم تهران شده بود. نویسنده‌ای در اطلاعات بتاریخ ۲۸ مرداد ۳۰۹ مینویسد : «ساعت ۹ونیم بعدازظهر رفته رفته چهار طرف میدان ایستگاه قلهك ازاتومبیل های شخصی خالی میشد وچراغهای کافه‌ها ومغز بادام فروش وگردوفروش‌هابقدر کفایت روشنائی میداد، اتومبیل ها درجاده ناهموار زرگنده گردوخاکی‌راه میانداخت. منهم مثل سایرمردم چندبار حمله بایستگاه بردم که‌شاید جائی دراتوبوس پیدا کنم وبشهربر گردم ولی جمعیت وازدحام مرا بقهقرا برد وبرای دور شدن ازبوی بنزین و دود ذغال سماورقهوه خانها و مخصوصا منقل پردودبلال فروش میدان ایستگاه بتخته سنگی نزدیك رودخانه مقابل‌کافه زربلانش پناه‌آوردم وباخود فکر میکردم که آنچه درممالك دیگر اسباب راحتی وآسایش است در مملکت ما موجب زحمت و ناراحتی است چرا مردم این خیابان پست وبلند زرگنده کـه آب پاشی هم نمیشود برای تفرج انتخاب کرده‌اند وبرای چه دراین روز پرجمعیت عبوراتومبیل‌ها را ازاین خیابان باریـك که برای بزدادن ازوسط جمعیت عبورمیکنند قدغن نمی‌نمایند، این ماشین‌های تق‌ولق باری فورد و شورلت که روی آن اطاق زده‌اند با این شوفورهای بی‌فضیلت و شاگردهای کثیف چیست چرا کسی در فکر این معایب نیست، همینطور که دراین فکرهاغوطه وربودم یکمرتبه کسی تنهٔ محکمی بمن زد که نزدیك بود هم خودش و هم من از بالای‌سنگ بوسط دره پرت شویم، معلوم شد اوهم بیکارهٔ بی‌تکلیفی مثل‌من‌است که آمده روی‌این سنك بنشیند و تفریح کند، وقتی تنهٔ محکم رازد که نزدیك بود معلق شویم بلافاصله گفت معذرت میخواهم! بخود آمدم و دیدم ساعت ۱۰ونیم‌است بایستگاه نزدیك شدم کمی خلوت شده بود ودراین بین‌اتوبوس لیلاندآمدو خودی‌بآن‌انداختم ومحتاج بتوضیح نیست که این عالیجناب باهمان طمانینه ووقار متجاوزازنیمساعت طول کشید تا ازقلهك بـدروازه تهران رسید واین متانت لیلاند فرصتی بمسافرین خود میداد که همان عبارات خارج‌ازنزاکت رابگویند وحرف های‌خنك راتکرار کنند. این‌بود گردش عصرجمعه مادرخیابان زرگنده !

انجمن های بلدی وعوارض نفت و بنزین : درخصوص اهمیت انجمن های بلدی مـقالات بسیار در اطلاعات چاپ شده بخصوص نگارشات آقای مسعودی در این موضوع جلب توجه میکـنند ، ایشان در باز گشت از سفر اول اروپا مقالات اجتماعی واصلاحی خود را همچنان دنبال نمود.در شماره دوم شهریور۳۰۹ نوشت : انجمن بلدی یعنی مرکز ایجاد وسایل آسایش ساکنین شهر ، مظهر تمدن شهر ،عامل حفظ‌عظمت‌وآثار شهر ، انجمن بلدی بهترین مشخص وضع عوارض است چه انجمن مزبور برگزیدهٔ ساکنین شهر وآشنابروحـیات و افکار شهر نشینان و بصیر در درجه ثروت و اوضاع اقتصادی بلداست.یك نظر بانجمن‌های بلدی‌ممالك دنـیا بیاندازیم – دربرلن مانند سایر شهرهای بزرك انجمن سعی خود را در وضع مالیات بر اشیاء غـیر ضروری و آنهائی که اصطکاك با زندگی طبقه‌سوم ندارد‌میگذارد . اهتمام دارند بهترین وسهلترین وسایل رابرای تامـین

ضروریات مردم اماده سازند. برلن ازحیث نظافت و پاکیزگی و داشتن مزایای شهری در دنیا نظیر ندارد و این جز در نتیجه مساعی برگزیدگان خود مردم از راه دیگری بدست نیامده است.

اما انجمن های بلدی ما اخیراً پیشنهادی به هیئت دولت داده اند که عوارض روی نفت و بنزین گذارده شود بدون اینکه توجه کنند که این دو مواد سوختنی ازضروری ترین حوائجی است که تحمیل بر مصرف کننده می شود، عوارض روی نفت بمصلحت مردم نیست و عوارض روی بنزین باید مخصوص اتومبیل های سواری تجملی باشد نه تحمیل بربار کش ها وکامیونها که گندم و گوشت وذغال ومال التجاره ومواد ضروری را حمل ونقل می کنند.

متاسفانه این ایرادات بجائی نرسید وهم امروز ما ناظر وشاهد عوارض سنگین برنفت و بنزین هستیم وبین اتومبیل سواری وکامیون های بار کش فرقی قائل نشدند و ازاین راه برمصرف کننده تحمیل کردند.

حزب جدید درمقابل حزب خلق : از موقع پیدایش ترکیه جدید فقط یك حزب ، حزب خلق زمامدار امور بود و در رأس آن مصطفی کمال پاشا رئیس جمهور ترکیه قرار داشت ، در اول شهریور ۳۰۹ حزب جدیدی بریاست فتحی بیك بوجود آمد تحت عنوان حزب جمهوریخواه آزاد وهمین حزب است که امروز بعد از بیست سال حزب خلق را شکست داد. فتحی بیك سفیر ترکیه درپاریس بود که بریاست این حزب انتخاب گردید.

غازی مصطفی کمال پاشا مراسله ای به فتحی بیك نوشته که در ۱۲ شهریور ۳۰۹ در اطلاعات چاپ شده است از اینقرار :

عزیزم فتحی بیك : مراسلهٔ شمارا دریافت نمودم. ازحیث اینکه مرا رئیس جمهور ورئیس حزب ملی خطاب کرده‌ای ، من بامقام رسمی که دارا هستم ریاست حزب ملی فعلا بامن نبوده بلکه باعصمت پاشاست و ازطرف او حزب اداره میشود ودرانقضای مدت ریاست جمهور حتما ریاست حزب ملی رادوباره اشغال خواهم نمود. قیام اشخاصی که دارای حسن نیت هستند واحزاب سیاسی را برای دفاع ازمنافع عالیه ملت بوجود می‌آورند رویه‌ای است که از دیرزمانی بشخصه برای خوداختیار نموده ، چیزی که بدقت ومسرت ملاحظه کردم این است که دراساس عالیه جمهوریت ترکیه موافقت داریم بنابراین پیدایش یك فرقه سیاسی که متکی باین اصل واساس باشد و درمجلس ملی کبیر ظهور نماید موجب تحکیم اصل جمهوریت واساس آن میباشد.

روزنامه اطلاعات درپایان مراسله ومصاحبه‌ای که بارئیس جمهور ترکیه شده ومنعکس میباشد اظهار عقیده میکند که موافقت غازی کمال پاشا باظهور حزب جدید حکایت ازاین میکند که ملت ترکیه وارد مرحله تمدن امروز دنیا شده ومیخواهد دوش بدوش ملل مترقی قدم بردارد ممکن است مبارزه مهمی بین رؤسای حزب جدید و قدیم وبا اعضای این حزب روی دهد لکن چون براساس تقویت حکومت ملی وتحکیم مبانی آزادی واصلاح وضع مردم بخصوص درمسائل اقتصادی است که بحران شدیدی در ترکیه حکمفرما میباشد قابل توجه وتحسین است.

ملاقات باآقای وزیر مالیه : ۱۵ شهریور ۳۰۹ طی مقاله‌ای شرح ملاقات باآقای تقی زاده که در آنموقع وزیرمالیه بودند درج گردیده. ازجمله اینکه اختیاراتی ایشان ازنظر تعدیل عایدات ومخارج تحصیل کرده واولین چیزی که توجه آقای تقی‌زاده راجلب نموده این بود که قبل از وجود پول کند در خزانه نباید حواله خرج صادر شود واوراق درخواست مخارج و ماهیانه ادارات وقتی باید امضا شود که موجودی خزانه برای آن حواله کافی باشد موضوع دیگر جلوگیری از مخارجی بود که هر وزارتخانه واداره تاآنوقت طبق اعتبارات مخصوصی که داشتند قبل از جلب موافقت خرج میکردند واین قسمت هم جلوگیری شد.

ضمنا آقای تقی‌زاده دراین ملاقات گفت :

عایدات مملکت تا کنون روی اقلامی بود پیش‌بینی شده ومخارج روی اقلامی بود قطعی باین ترتیب مشکلاتی تولید میکرد واساس توازن دخل وخرج را ازبین میبرد ودراین خصوص روش تازه‌ای اتخاذ نموده‌ام.

هنوزهم آقای تقی‌زاده دردخل وخرج مملکتی خیلی دقیق هستند وپیوسته سعی دارند درآمد طوری وصول گردد که تحمل برمصرف کننده وطبقات پائین نباشد ومخارج مملکتی بحداقل باشد وپس ازسالها که خارج ازایران بسر میبرد چندی پیش باردیگر درمجلس شورایملی این نظر خودرا تأیید نموده وافزایش خرج مملکت را زائد بر طاقت مردم دانسته و گفت که بودجه خرج مملکت بایدبصدمیلیون تومان پائین بیاید وازسازمانهای عریض و طویل کاسته شود.

الغاءجواز عبور و مرور – برای مسافرت از هر شهر بشهر دیگر بایدجواز عبور در دست داشت ودر هرنقطه اینجواز ازطرف مأمورین رسیدگی میشد وچه مشکلاتی برای مردم از اینراه فراهم می آمد . درباره معایب اینکار چندبار تذکرات درروزنامه اطلاعات دادهشد ولی ترتیب اثر داده نمیشد تا درتاریخ ۱۲ آبانماه که اداره نظمیه جوازمسافرت رادر شهرها موقوف کرد ولی برای مسافرت ازتهران بشهرستانها بازجواز لازم بود. اینکار وسیله زحمت وموردی برای سوءاستفاده مامورین شده بود زیرا کسانیکه میخواستند بطور قاچاق ازشهر خارج شوند بسهولت موفق میشدند واینعمل لغوتامدتها جریان داشت .

رابطه تلگرافی بی سیم با امواج کوتاه – روز ٤ آبان ۳۰۹ مرحوم صور اسرافیل وزیرپست وتلگراف دستگاه مرکزی تلگراف بی سیم را باامواج کوتاه افتتاح نمود ورابطه تلگرافی بوسیله دستگاه مرکزی بادنیا اعلام گردید وتلگرافاتی بعنوان وزرای پست وتلگراف آلمان – انگلستان – فرانسه وعراق وغیره مخابره گردیدوجوابهای تهنیت آمیز نیز رسید .

ورود کشتی مرموز بلندن : خبرنگار ما ازلندن طی گزارش خودبتاریخ ٦ آبان اطلاع داد که اشیاء نفیس وتاریخی ایران برای افتتاح نمایشگاه آثار ایران وارد انگلستان گردید اما ازترس دزدان دریائی که مبادا دستبردی بآثار مهم ایران واردآورند نام کشتی را مخفی نمودند ودرکشتی خرما و گندم بار کردند که کسی از محمولات آن مسبوق نشود .

جراید لندن پیرامون اشیاء تاریخی ایران که ازموزه سلطنتی وموزه حضرت رضا ومساجدومشاهد متبرکه فرستاده شده بود قلمفرسائی نموده وآنرا شاهکارهای صنعتی دنیا دانستند.

سردنیسن راس مستشرق نامی انگلیس اظهار داشت هیچ قیمتی نمیتوان برای اینآثار قائل شد اما قیمتی که کمپانیهای بیمه میتوانستند قراردهند دوملیون لیره بود درمیان این اشیاء جواهرات سلطنتی وقالیهای نفیس ظروف نقره قدیم برودری دوزی قرون وسطی بود که باسه هواپیما تحت نظر نگهبانان نظامی بآبادان حمل گردید وزیرنظرکادر سربازان در کشتی بهارستان جای دادهشدوکلید اطاقهای مزبور فقطدردست کاپیتن بودوبجز او وملاحان سیاه کشتی با آنها همراه نبود .

نمایشگاه بین المللی آثارصنعتی ایران درلندن توجه عالم را بخود معطوف ساخت وپس ازپایان نمایشگاه کلیه اشیاء تاریخی ونفیس ایران باهمان تشریفات بایران حمل وتحویل گردید.

آخرین جلسه دوره هفتم : ۱٤ آبان ۳۰۹ عمر مجلس هفتم خاتمه یافت . دراینموقع انتخابات دوره هشتم پایان یافته بود ومجلس هشتم نیز آماده گشایش بود آقای دادگر رئیس مجلس در نطق اختتامیه خود گفتند :

«شکر خدا را که مجلس هفتم بدون تظاهر وخود نمائی با متانت و آرامش – با اجرای وظیفه و احترام بتکلیف بپایان رسید وخدای توانا مارا قادر ساخت که تکالیف خود را صادقانه بوطن ایفاء نمائیم ، در ادوار گذشته کاری نمیشد وعناصر اصلاح طلب را بمطالبه ومعارضه می کشانید و وضعیت و ترقیات امروزی مارا ببردباری و وقار دعوت میکند– درواقع مجلس مظهر ملت است – سابقا ملت منقلب و از زمامداران خود نگران بود – مجلس هم مشوش وهراسان– امروز ملت مطمئن و روشن است . مجلس هم متین وموقر– معنی نداشت وقتیکه مملکت بی تظاهر وجنجال بطرف اصلاح میرفت وپایه های محکم بانک ملی– بانک فلاحتی– انتظام قشون – تغییر واحد پول از نقره بطلا . الغاء امتیازاسکناس– وحدت لباس – تاسیس کارخانجات – انعقاد قرارداد های متقابله شریفانه و ساختن راه آهن وایجاد راههای شوسه ریخته میشد مابیائیم بتقلید عصر وزمانی که این ترقیات متوقف بود حرارت و خشونت نشان بدهیم برای چه فریاد کنیم زیرا کارها بدون مانع وانتقاد بطرف مقصود میرفت وما هر روزبیک طرزی کامیاب ودریک معرکه مظفر بودیم وپیشوای ما اعلیحضرت پهلوی که این ترقیات را بعزم خستگی ناپذیرایشان مقروضیم بما نصیحت میکردند که درکار وعمل ساکت وبی خودنمائی باشیم وآن قدر از زمان راهم که بخواهیم بذکر بهبودی اوضاع وگفتن موفقیتها صرف کنیم آنرا هم صرف عمل و کار کنیم الی آخر .....»

سوء قصد برئیس الوزراء مصر – روزنامه اطلاعات ازسال پنجم دربعضی شهرهای مهم عالم خبرنگارانی انتخاب نمودکه اخبار مهم را بوسیله تلگراف وپست بروزنامه میفرستادند : درآن موقع وضع خبرنگاری جهان مثل امروز نبود که هرحادثه ای بسرعت برق دردنیا منعکس گردد باینجهت اطلاعاتی که خبرنگاران

خصوصی اطلاعات می‌فرستادند نیاز نمی داشت. ازجمله خبرنگار مادر قاهره واقعهٔ سوء قصد نسبت بآقای صدقی پاشا رئیس‌الوزراء مصر رادر اولین فرصت بروزنامهٔ اطلاعات گزارش داد که در شماره ۱۱۳۰ بطبع رسیده و خلاصهٔ آن این بود:

«موقعی که صدقی پاشا بوسیله راه‌آهن ازاسکندریه بقاهره میرفت یکی از پیشخدمت های رستوران راه‌آهن براو حمله کرد که قبل ازانجام مقصود دستگیر گردید. این پیشخدمت جوانی بود که مأمورین پلیس را اغفال کرده بلباس پیشخدمتی رستوران درآمده وازوفدیون بود پدرش نماینده مجلس وازوکلای باحرارت حزب وفد بود. این جوان طپانچه کوچکی رازیر پیراهن مخفی کرده وباریسمان بگردن آویخته بود وقصدداشت صدقی پاشا را دراطاق راه‌آهن باطپانچه بقتل رساند تابی‌صدا این کار انجام گرفته باشد واگر دستور صدقی پاشا برای چاشت صبحانه نبود این کار انجام یافته بود زیرا براثر آمدن پیشخدمت دیگر ومراقبت پلیس نقشه سوءقصد کننده باطل وقضیه کشف گردید»

اعتراض باستخراج معادن نفت بحرین: اطلاعات درشماره ۱۱۳۴ مینویسد: چندی‌قبل یك کمپانی انگلیسی بریاست ماژورهلمس بدون مراجعه بدولت ایران برخلاف حق برای استخراج معادن نفت بحرین موفق به اخذ امتیازاتی ازشیوخ بحرین شده واین عمل مخالف اصل مالکیت ایران در بحرین است. جزایر بحرین طبق‌اسناد و مدارکی که مکرر درروزنامه اطلاعات بدان اشاره شده وازطرف دولت ایران نیز بجامعهٔ ملل شکایت گردیده وطی یادداشتی بدولت انگلستان ابلاغ شده جزءلاینفك ایران است و کمپانی انگلیسی حق نداشته است به‌عنوان تحصیل امتیاز نفت ازشیوخ بحرین تصرفاتی درآن منطقه نماید

چون روزنامه های انگلیسی یادداشت وزارت خارجه ایران بمستر کلایو وزیرمختار انگلیس درتهران وهمچنین مراجعه بدولت ایران رابجامعه ملل عمل بیهوده وزنده کردن ادعای کهنه ۱۴۷ ساله تلقی نموده‌بودند اطلاعات سخت‌ازرویه‌انگلیسها انتقاد نموده ومینویسد آیا چندنفر شیخ متمرد را درموقع ضعف حکومت‌مرکزی ایران تقویت کردن وآنها راتحت نفوذ قراردادن وباآنها معاهده بستن در دنیای امروز کافی است که‌بتوان املاك واراضی دیگران راتصرف‌نمود؟ اینکه روزنامه دیلی‌تلگراف پرتست‌ایران رابی‌اساس تلقی‌میکند واظهار امید می‌نماید که مستر هندرسن وزیر خارجه وقت مانند مستر چمبرلن وزیر خارجه کابینه بالدوین ادعاهای ایران را ردنماید تصور باطل وخیال واهی است زیرا بالاخره جامعه ملل اسناد محکم وغیرقابل تردید ایران رامطالعه خواهد کرد وتصرفات غیرقانونی دراراضی ایران را ممنوع خواهد ساخت وبالاخره بعد ازتمام این حرفها و گفتگوها ملکیت قطعی ایران درپیشگاه ملل متفق دنیاثابت وروشن خواهد شد.

* * *

متاسفانه جامعه ملل دراین باره طفره وتعلل ورزید و دعاوی ایران همچنان‌درآرشیوهای مجمع بین‌الملل ماند که هنوز هم مانده ودادرسی نشده است.

وحشت‌مردم‌تهران‌اززلزله: پس ازدوبار زلزله خفیفی که درطهران ظاهر گردید که دنبال زلزله‌های شدید دماوند بود اخباری ازوقوع‌زلزله‌های خفیف وشدید دیگری‌دردماوند ونقاط اطراف بتهران میرسید‌بخصوص گفته می‌شد که این زلزله‌ها ممکن است آثاروقوع‌آتش فشان دماوند باشد. مردم سخت نگران بودند واغلب ساکنین تهران دوسه‌شب درفضای آزاد. درداخل اتومبیل‌ها و اتوبوس‌ها می‌خوابیدند وآرامش فکری نداشتند فردای آن‌روز آقای مسعودی برای ملاحظه وضع زلزله دماوند تمام آن منطقه را دیدن کرد ودرشماره ۲۰مهر ۳۰۹ ملاحظات خودرا منتشر ساخت بطور خلاصه ازاینقرار :

«مسافرت من بدماوند ازدولحاظ بود یکی اینکه اخبار وحشت آوری درتهران شایع شده بود که‌بیم‌آن میرفت بازهم مردم خوش‌باور تهران دراین سرمای شب اطاق‌ها ومنازل خود راترك کرده در خارج بسر برده و گرفتار سرماخورد گی شوند دیگر اینکه وضعیت مردم راازنزدیك دیده واحتیاجات آنها رادرمعرض افکار عامه بگذارم تاچنانچه کمك‌هائی را ضرور میدانند درباره‌آسیب‌دیدگان بنمایند، لکن بعد ازدوزلزله شدید شب چهارشنبه وشب جمعه ۱۱ مهر که دردماوند شدید و در تهران خفیف احساس گردید زلزله های بعد خفیف وبی‌خطر بوده وخرابیهای‌زلزله شدید هم آنقدرهانیست که شهرت داده می‌شد، معهذا باید نسبت بآسیب‌دیدگان کمك شود که شیروخورشید سرخ مشغول گردیده ولوازم وچادرها نصب گردیده تامردم وحشت‌زده را سامان دهند الی آخر ......»

ولیعهد با ورزنده بوکس بازی نمود: درجشن سالیانه دانشکده افسری (۲۰ مهر ۳۰۹) والاحضرت ولیعهد درحضور اعلیحضرت فقید با میرمهدی ورزنده استاد قدیم ورزش ایران بوکس بازی نمود، والاحضرت ولیعهد در جزو شاگردان کلاس خود پس از رژه ازجلوی اعلیحضرت فقید وپرش و اقسام دیگر ورزش دستکشهای مخصوص بوکس را پوشید و با ورزنده چند دقیقه بازی کرد که البته بیشتر جنبهٔ تفریحی داشت نه جدی.

فلاحت بی صنعت مفید نیست. مهمترین صنعت ملی ایران قالی است که اولین رقم صادرات کشور ما بشمار میرود وسالی نزدیك به بیست میلیون تومان بامریکا صادر میگردد ولی این صادرات مهم همیشه دستخوش تزلزل و ممنوعیت و برقراری حقوقهای گمرکی است و درعوض ما اتومبیل بچندبرابر بیشتر وارد میکنیم که بین این دو مال التجارة تفاوت فاحشی وجود دارد یعنی تمام زحمت یکساله کارگران و رنجبران ایران را کمپانی فورد در مقابل عمل چندساعت کارخانه خود مبادله میکند.

این نتیجه کاردستی وکار ماشینی است، ما چندمن پنبه بدهیم تا یك زرع چیت بگیریم، چندمن ابریشم باید بفروشیم تا یك زرع پارچهٔ ابریشمی بمابدهند.

ما باید فلاحت خودرا با صنعت توأم سازیم. بدیهی است سعی ما در کار فلاحت خیلی باید بیشتر باشد زیرا کشور ما فلاحتی است ولی برای مازاد موادخود باید در داخل کشور فکری اندیشید تاهم محصول خوب فروخته شودو هم احتیاجات ما درداخل کشور تدارك گردد. (خلاصه از سرمقاله ۲۸ و ۲۹ مهر ۳۰۹)

تا آنموقع هنوز کارخانه ماشینی جز کارخانه کازرونی وطن در اصفهان و دوسه کارخانه کوچك دیگر در کشور وجود نداشت.

مسافرت های اعلیحضرت اطلاعات در مقاله خود بتاریخ ۲۳ آذر ۳۰۹ مینویسد مسافتی که اعلیحضرت در ۳۷ روز در قسمتی از کشور طی نمود، از هفتصد فرسخ تجاوز میکند، شاه در این مسافرت مازندران، گرگان، خراسان، سیستان، بلوچستان، کرمان، یزد، نائین، کاشان را بازدید نمود واین مسافرت ها که برای سرکشی بحال مردم و رسیدگی باحتیاجات عمومی است فوق العاده ذی قیمت وشایان توجه است، وقتی مردم می بینند پادشاه آنها اینطور متوجه حال آنهاست بادلگرمی و علاقمندی بیشتری بکارمشغول می شوند مسافرت های شاه که در هرسال بیك قسمت ازمملکت انجام میگیرد نتایج بسیاری دارد ازجمله مراقبت مامورین دولت در کارهای مردم است که سعی میکنندرضایت خاطر عمومی را فراهم آورند

طرز استخدام غلط است. اطلاعات درمقاله ۱۸ آذر ۱۳۰۹ می نویسد:

دراذارات دولتی عده کثیری هستند که حقوق متناسب باخرج خود نمیگیرند. اولیای امور هیچ توجه ندارند باین نکته که قبل ازاستخدام باید وضعیت مخارج وزندگی مستخدم را درنظر بگیرند. ازتاریخی که تشبث وتوصیه وتحمیل بخزانه دولت رایج شده وهر کس درصدد برآمده است که خودرا بوزارتخانه ای تحمیل کند بودجه مخارج دولت بدون تناسب بالا رفت وبهیچوجه رعایت عایدات و مخارج وتناسب در خرج مستخدمین دولت هم رعایت نشد درنتیجه اعضاء صدیق وقدیمی که باید مورد تشویق واقع شوند بواسطه زیادی عده وبالا رفتن مخارج مملکت وضع زندگی ومعاش آنها درنظر گرفته نشد وامروز می بینیم که وزارتخانه ها وادارات ما ازدودسته تشکیل می‌شود یکدسته خدمتگذاران حقیقی که باوجود کمی حقوق ومعیشت معهذا وظیفه وجدانی خودرا دربرابر ملت ومملکت انجام میدهند ویك تیپ هم کسانی هستند که دراثر عدم تناسب دخل وخرج و فقدان ایمان وعقیده درانجام کار تعلل مینمایند وبعضی ازصحت وصداقت دورمیشوند

علت اینکه در سایر ممالك همه با روح اعتماد و صمیمیت کار میکنند این است که اولا تا وقتی احتیاج بعضوی نداشته باشند کسی را قبول نمیکنند وهمینکه تصمیم باستخدام گرفتند مخارج حقیقی زندگی مستخدم را میسنجند و اگر میتوانند معاش اورا تامین کنند اورا باستخدام می پذیرند وباین کیفیت کارها جریان طبیعی خود را سیر میکند و هر کس وظیفه حقیقی خود را دربرابر ملت ومملکت انجام میدهد اما متاسفانه در مملکت ما چنین نیست!

مردان کار: خیلی کم دیده شده که اشخاصی مطابق اطلاعات ومعلومات بکاردعوت شوند هنوزدیده می‌شود کسیکه متخصص فلاحت است در وزارت خارجه، کسیکه در معدن شناسی اطلاعات دارد دروزارت داخله، کسی

که از پست وتلگراف اطلاع دارد در معارف و کسانیکه باید معلمی نمایند کار اداری میکنند کسانیکه برای ضبط وربط آرشیو تربیت شده اند معلمی می‌نمایند وبالاخره عدم تناسب کاملی بین آنها دیده میشود که هنوز هم توجه کاملی نشده که کار را باهلش وا گذار کنند .

امید میرود که این نقیصه درآینده برطرف شود و همان روشی که سایرممالك دراستخدام دارند که کاررا باهلش وا گذارمینمایندماهم درپیش بگیریم .

هیچوقت دیده نمیشود وزیرمختاریرا بکشوری بفرستند که آن ماموربرای آن مملکت قبلاتربیت وآماده نشده باشدبیشتروزرای مختاری که بایران می‌آیند تاریخ وجغرافیا وآداب و رسوم این مملکت رابهتر ازخود ما قبلاآموخته وبامعرفت تام‌بایران مأموریت پیدا میکنند تاوقتی که ماهم اشخاص رابرای کار تربیت‌نکنیم ودرصدد استفاده ازاو نباشیم وضع درهم‌وپیچیده اداری و کشوری مادادامه خواهد داشت .

افتتاح دوره هشتم‌تقنینیه : روز۲۵ آذر۱۳۰۹دوره هشتم مجلس شورای ملی‌افتتاح شدواعلیحضرت فقید درنطق‌افتتاحیه خود گفت: آرزوی من اینست که مجلس دوره هشتم در تاریخ مملکت موسوم بـه مجلس اقتصادی بشودخوشبختانه‌استعداد طبیعی واوضاع عمومی مملکت‌زحماتی‌را که برای‌اصلاح‌اقتصادیات مملکت کشیده شودبحسن نتیجه‌منجرخواهد نمود. استقرارواحد پول‌طلاوحفظ ذخیره مهم طـلای مملکت که تهیه شده‌است مشوق بزرك‌اصلاحات اقتصادی‌میباشدوجلو گیری ازاسراف وتبذیر باید مورد توجه خاص واقع شود.

درپایان نطق اعلیحضرت فقید اشاره نمودند که تهذیب اخلاق عمومی وترویج وطن‌دوستی ووظیفه‌شناسی وتحکیم ایمان وتقوا درجامعه باید موردتوجه خاص واقع شود.

اطلاعات درشماره بعد چنین نوشت:«بیانات شاه موجز ومفیدوهرقسمت آن دستورالعمل جامعی بود که‌امید است مورد توجه عموم وطن‌پرستان قرار گیرد وازاینکه درمقدمه نطق فرمودند:(مسرت داریم که‌وعده مطالبی که درضمن نطق افتتاحیه خودمان درمـوقع افتتاح مجلس هفتم‌به آن‌اشاره‌نمودیم انجام یافته است)این بیان‌اعلیحضرت میرساند که ایشان حرفی میزنند که‌پشت سرعمل داشته باشد چنانچه قسمت اعظـم‌وعده‌هائی که درخطابه دوره گذشته دادند انجام داده وامیدواریم که درمسائل اقتصادی که مورد توجه عموم‌مردم می‌باشد نیز در دوره آینده مجلس اقدام شود.

مجلس بلافاصله بریاست سنی دکترشیخ (احیاءالملك) تشکیل گردید وازه۱۰ نفر عده رأی دهنده آقای داد گر دارای ۵۸ رأی ومرحوم حاج محتشم‌السلطنه ۳۸ رأی داشتند در نتیجه آقـای داد گر بریاست ومرحوم سیدالمحققین دیبا ومرحوم یاسائی بنیابت ریاست انتخاب شدند.

مکتوب از بحرین - مقاله‌ای بامضای‌آقای منعمی‌درتاریخ ۱۱ آذر۳۰۹ ازبحرین‌چاپ شده ومینویسد چندروزقبل ژنرال‌قونسول انگلیس درخلیج ازبوشهر بادو کشتی جنگی‌انگلیسی وارد بحرین شد. شیخ حمد نایب الحکومهٔ اسمی بحرین در کشتی ایشان‌را استقبال‌نمود وبخاطراو ۱۱تیرتوپ شلیك شد. ساعتی‌بعدازورود قونسول طبقات‌مختلف‌رابرای‌ملاقات‌اودراداره‌حکومتی‌دعوت نمودندوخطاب‌بتجارایرانی گفت‌شماها که‌زیادترازسی‌سال‌است‌در بحرین اقامت دارید ازرعایای بحرین بحساب می‌آئید زیرا هرملتی که در محلی ده سال اقامت نمود تبعهٔ آنجا محسوب میشود ولی‌تجار ایران بیان ژنرال‌قونسول را رد کرده و گفتند ماتبعهٔ ایران وایرانی‌هستیم وبحـرین را هم ازایران میدانیم وبااین اظهارات موافقت نداریم ، کلنل بسکویت ژنرال قونسول‌هـم دستوراتی برای شدت عمل نسبت به ایرانیها به شیخ‌بحرین داد ازجمله دستورداد آنچه ایرانی درادارات حکومتی بحرین کار می کنند خارج سازند .

سپس نویسنده شرحی ازتعصب ایران پرستی ایرانیان مقیم بحرین نوشته‌واضافه میکند که انگلیسهاتصور میکنند بتوانند ایرانیان را بترك تابعیت ایران وادار کنند وازشرافت ایرانیت وملیت خود دست بردارند وحال آنکه اشتباه میکنند، آنها میخواهند زمینه‌هائی‌برای‌سلب مالکیت ایران فراهم آورند ولی ایرانیها که آوازهٔ ترقی وعظمت ایران جدید را می‌شنوند انتظاردارند هرچه زودتربحرین وجزاید بحرین تحت‌ادارهٔ مستقیم‌حکومت ایران درآید .

محکومیت تجار ایرانی در بادکوبه ـ تلگرافی از باکو ۲۹ آبان ۳۰۹ در اطلاعات بچاپ رسید مبنی بر اینکه یکعده تجار ایرانی مقیم باکو علاوه بر ضبط املاک و دارائی آنها طبق حکم محکمه سه نفر باعدام و پانزده نفر بحبس‌های ۵ سال و ٤ سال وسه‌سال و دوسال محکوم‌شده‌اند.

اینها آخرین دسته تجار ایرانی بودند که از زمان قدیم در بادکوبه و نقاط مختلف روسیه بتجارت آزاد مشغول بودند و درنتیجه‌رژیم شوروی که تجارت آزاد از بین میرفت ناچار باید خاك شوروی‌را ترك‌میکردند لکن بمعاملات بروات و خرید و فروش چرونس‌سر گرم‌شده‌وهنوز در این‌شهر بسرمی‌بردندتا بالاخره باین مجازات‌مبتلا گردیدند.

روزنامه اطلاعات درتعقیب انتشاراین‌خبر که‌عده‌ای‌از هم‌میهنان‌مابدون‌حق استیناف محکومیت یافته بودند نوشت:

ماتصدیق می کنیم که‌مقررات داخلی هرمملکت محترم وواجب‌الرعایه‌است ومقرراتی که برای تجارت درروسیه وضع گردیده بایستی ازطرف عموم‌رعایت شده‌باشد واین‌عده تجارایرانی که بیشتر اهل‌اردبیل و آستارا هستند ممکن‌است برخلاف مقررات بمعامله بروات ومعاملات چرونس‌مشغول‌شده‌اند ولی‌ما حق‌داریم از هموطنان خود دفاع کنیم وبگوئیم‌آیا مجازات کسانی که‌خریدوفروش برات وچرونس برخلاف اصول جاری‌کشور کرده‌اند اعدام وحبس‌های ممتداست یعنی درردیف قاتل‌وجانی‌باید مجازات‌شوند. آنهارا بایددرردیف توطئه کنند گان‌برعلیه حکومت داخلی‌دانست ومحکوم باعدام کرد، دردنیای امروز که‌اصول دموکراسی جای‌شدت و استبداد رامی گیرد ماحق‌داریم ازصدورحکم محکمه عالی باکو برای‌چندنفربرات فروش که راه‌و کاروتجارتشان‌درنتیجه‌سیستم‌حکومت امروزی‌شوروی‌منحصر بخریدوفروش بروات بوده‌است تعجب‌نمائیم، بسیارخوب‌اموال آنهارا ضبط کنید ولی‌ازجان آنها دست‌بردارید واجازه‌بدهید که بوطن‌خود بر گردند.

درتعقیب‌انتشاراین خبرمذاکرات سیاسی‌بین اولیای‌دولت وسفارت جماهیرشوروی‌شروع گردید وبادنباله دادن موضوع درروزنامه اطلاعات وتقاضای روزنامه از اولیای امور شوروی بالاخره مامورین شوروی‌حاضرشدند اجرای‌حکم محکمه را بتأخیر اندازند تا دوباره بتقصیرات تجاررسید گی نمایند.

بالاخره پس ازپانزده روز محاکمه مجدد با مختصر تفاوتی‌دوباره رأی سابق تأیید گردیدولی براثرتعقیب قضیه حکم‌اعدام‌بده سال حبس‌تبدیل یافت.

حقوق معلمین مدارس ـ اطلاعات درسرمقاله مورخه۹آذر ۳۰۹ مینویسد: نالهٔ کمی حقوق معلمین وفریاد تاخیر حقوق‌آنها بلنداست ومانمیدانیم چرانسبت باین‌طبقه شریف کشور توجه لازم معطوف نمی گردد چرا حقوق وزارتخانها وادارات مرتب‌تادیه می‌شود اماحقوق معلمین دوچار تاخیر میگردد. مثل اینکه معلمین مدارس دراین مملکت نفرین کرده هستند. درتمام دنیااین طبقه برسایر طبقات مقدم میبا شند ولی دراین جا لازمه تشویق ازآنهانمی‌شود، گویا علت تاخیر پرداخت حقوق کندی جریان خود وزارت معارف است که باید این‌قسمت فورا مرتفع شود ودر نظر بگیرند معلمین‌را بهر کیفیت میشود تشویق‌نمایند زیرااینها مربیان وراهنمایان‌وبوجودآورنده نسل‌آینده کشور هستند وهرقدر نسبت باین‌طبقه بیشتر توجه شوداثرات مفیدآن درپرورش‌جوانان خوب کشورهویدا وظاهر خواهد شدومنافع‌آن مستقیما عاید جامعه ومملکت می گردد.

زارع ایرانی راازآن سیستم قدیم بیفایده‌نجات دهید: این یکی ازهدفهای روزنامه‌اطلاعات بودکه‌بیست سال تمام است درباره‌آن قلمفرسائی میکند سرمقاله روز اول دی۳۰۹روزنامه دردنبال مقالات‌دیگر بازباین‌موضوع‌اختصاص داده‌شده وروزنامه اطلاعات دراین مقاله ابرازتاسف میکند که چرادولت ومالکین‌وسایل زراعت ماشینی را دردسترس زارع ایرانی نمیگذارند که زارعین کشور ازاین فقر وعقب ماند گی نجات‌یابند.

روزنامه اطلاعات دراین مقاله ازدولت انتقاد کرده ومینویسد:

« وظیفه‌راهنمائی زارع وتهیه وسایل مدرن فلاحت بعهده کدام اداره ومؤسسه ایست؟! لابد خواهید گفت اداره فلاحت که شعبه‌ای ازوزارت اقتصاد ملی است پس‌چراکار اساسی نمیکنند وباین موضوع‌مهم توجه لازم نمیشود وپول کشور تلف‌میگردد... الی آخر»

بعد یادآور میشود که‌تنها ایجاد مزارع نمونه که دولت‌تصورمیکند با ایجادآنها همه وظایف خودراانجام داده‌است‌کافی نیست، دولت باید راهنمائی کند و زارعین را بخاتمه دادن بوضع قدیم زراعت واستفاده ازوسایل ماشینی عصرحاضر آشناسازد. ا گرمقالاتی که دراین زمینه بتدریج دراطلاعات چاپ‌شده‌است دریکجاجمع شود چندجلد

کتاب ضخیم خواهد شد. اما افسوس که بیست سال است این حرف را میزنیم و هنوز هم می‌بینید که تازگی دارد و هنوز هم این مسائل درسرلوحه مرام حکومت‌ها قرار می‌گیرد ولی آنچه شایسته توجه باین کار است انجام نمیگیرد .

معمای لاینحل - این عنوان مقاله دیگری است که روز سوم دیماه ۱۳۰۹ منتشر شده آنها که پافشاری روزنامه اطلاعات را دیده‌اند که اصرار دارد برای کلیه کالا ها قیمت عادلانه معین شود و برچسب و اتیکت برهمه اجناس نصب کردد تا از اجحاف و گرانفروشی جلو گیری شود شاید اطلاع نداشته باشند که روزنامه اطلاعات درطی بیست سال پیوسته این عقیده و همین تقاضا را داشت و از اینکه قیمت مایحتاج مردم بسته بانصاف فروشنده و زرنگی خریدار مشخص و معلوم میشود ابراز تأسف میکرد و اصلاح اینوضع را از دولت درخواست مینمود.

درهمین مقاله «معمای لاینحل» نوشته شده است «... ثروتی که از راه بی انصافی بدست آمده باشد خون ملت است که بعنف مکیده شده و هروقت باشد بباد فنا خواهد رفت...» آنروز و امروز چه تفاوتی دراینموضوع پیدا شده است ؟! آیا چه وقت خواهیم دید که هرکالائی قیمت ثابتی دارد و روی آن برچسب شده و خریدار و فروشنده هردو تکلیف خود را بدانند و احتیاجی بچانه زدن و قسم‌خوردن نداشته باشند.

فیلمبرداری - «دیروز (۵ بهمن ۱۳۰۹) دعوتی برای دیدن فیلمی که اخیرا در ایران برداشته شده است بعمل آمده بود. این اولین دفعه است که فیلمی در ایران ازطرف خود ایرانی‌ها و بوسیله آرتیست‌های ایرانی برداشته شده است ...»

روزی که این‌مطلب نوشته شد خوشحال بودیم که طلسم‌شکست و ایرانی در عالم پرهیاهو و باعظمت سینما که دنیا را مسخر کرده است قدم گذاشت وعلاوه برنتایج مهم‌دیگرخواهد توانست از مناظر زیبا و تاریخی‌ایران فیلم تهیه کند وبعملیات رسوای خارجی‌ها که از ایران فیلم تهیه میکردند ولی فیلمهای آنها باعث بد نامی‌ایران میشد خاتمه دهد.ولی متاسفانه برخلاف تصورما طلسم نشکسته بود. فیلمبرداری‌امیدبخش ایرانی باهمان فیلم‌شروع شد وبزودی متوقف گردید و تا امروز هم چند دفعه در این زمینه اقداماتی شده ولی هیچ یك از آن ها ، ادامه نیافته است.

مادرمقاله فیلمبرداری نوشته بودیم «... هیچوقت یك مؤسسه فیلمبرداری خارجی دلش برای‌ما نسوخته که بیاید ازمناظر زیبا ونقاط تاریخی باشکوه ایران فیلمبرداری کند وآن رادردنیا نشان دهد .

عقیده وایده خارجیها دربرداشتن فیلم ازممالك شرقی این است که‌حتی‌المقدور ازقسمت‌های بدوچیزهائی که بنظرشان خیلی عجیب‌می‌آید فیلم بردارند تابتوانندازنمایش این فیلمها استفاده کنند.»

بالاخره سالها گذشت وصنعت فیلمبرداری درایران بوجود نیامد، بعضی ممالك شرقی دراین کار آنقدر پیشرفت کردند که‌هرسال چندین فیلم بممالك دیگر صادر میکنند وماهنوز تماشاچی فیلمهای خارجی شرقی وغربی، مصری و هندی وترکی وغیره هستیم ومعلوم نیست چه‌وقت فیلمی راتماشا خواهیم کرد که درایران و بدست ایرانی وبطرزفنی صحیح تهیه‌شده باشد.

تلگرافخانه انگلیسها تحویل ایران شد - لابدمیدانید که انگلیسها سابقا در ایران برای خودشان تلگرافخانه‌ای داشتند که مستقل بود ودرجریان‌سیاست ایران هم دخالت وتاثیر زیادداشت.

یعنی هرتلگرافی راکه‌تلگرافخانه دولتی قبول نمیکردتلگرافخانه انگلیسها که هند واروپ نام داشت میپذیرفت .

در جریان حوادث مشروطیت وقیامهاواختلافات داخلی‌ودربسیاری ازوقایع‌مهم‌دیگرمملکت این‌تلگراف‌خانه نقش مؤثرداشته وهمیشه هم روش او تابع سیاست و مصلحت انگلیسها بوده است

رضاشاه فقیداین بساط را که با شئون وحیثیت کشور ساز گار نبود درهم پیچید و دستگاههای تلگراف و سیمهای تلگرافخانه با ترتیب خاصی بدولت ایران وا گذارشد .

خاتمه دادن بعملیات این دستگاه خارجی موردعلاقه ملت ایران بود وروزنامه اطلاعات هم‌دراواخر دیماه مژده داد که قریبا دستگاه تلگراف هند واروپ تحویل نمایندگان دولت خواهند گردید .

اینکار اگرچه بدون تظاهر وهیاهوانجام‌شد ولی‌حقیقت اینکه‌ارزش وتاثیر زیادی داشت وکاری بود که بایستی خیلی‌زودتر ازآن انجام گرفته باشد .

مگر ایران میخواهد کلکسیون اتومبیل درست کند؟! ـ بیلان گمرکی سال ۳۰۸ نشان میداد که درآن‌سال بیش‌ازیکهزاروپانصددستگاه اتومبیل‌سواری وارد ایران شده (از ۶۴ کارخانه) که هفت دستگاه‌از آن هریك بیش ازسه‌هزارتومان قیمت داشته است .

جمع مارکهای اتومبیلهای سواری وکامیون که درآن سال وارد ایران شده بالغ برنود بوده مثل‌اینکه ملت ایران میخواهد کلکسیونی‌ازاتومبیل تشکیل‌وترتیب دهد !

روزنامه اطلاعات آمار گمرك را در قسمت اتومبیل زمینه مقاله مفصلی قرارداد که اینك چند سطر از آن نقل می‌شود :

«... شاید درهیچ مملکتی اینهمه مارکهای مختلف وجودنداشته باشد. درهیچ کجای دنیا چنین آش‌درهمی پیدا نمیشود اینهمه‌مارکهای‌مختلف نتیجه‌هواوهوس مردم است . بسیاردیده شده که شخص درعرض سال‌شش قسم اتومبیل‌به‌شش‌مارك‌عوض کرده بدون‌آنکه علتی جز پیروی ازهوس داشته باشد.

این وضع بزیان کشوروموجب خسارت‌هنگفت است چون هرمارك وسیستمی‌اثاثیه مخصوص وقطعات‌یدکی جداگانه لازم دارد که فقط از نماینده همان‌کارخانه میتوان خریداری کرد و بهرقیمت که انصاف فروشنده اقتضا کرد باید پول داد !! اگر هم اتفاقاً اثاثیه یدکی اتومبیلی یافت نشد باید آن را مانند آهن پاره ای بدور انداخت .

ماکه دنبال مسائل اقتصادی میرویم وصرفه‌جوئی‌را ضروری میدانیم معتقدیم ازهرجا ممکن باشد بایدجلو افراط وتفریط را گرفت وامور اقتصادی را ترمیم نمود .

سال ۱۳۰۸ آنطوربود،سال ۱۳۲۸راهم که دیدیم و درباره واردات وصادرات این سال‌در روزنامه مقالات مبسوطی نوشتیم .

آنروز ثروتمندان و پولدار ها دنبال هوس خود میرفتند وامروز هم‌اسیرهوا وهوس‌خودهستند . سیستمها ومارکهای‌مختلف اتومبیل‌اگرزیادتر نشده‌باشد قطعاکمترنشده وهنوز همان است که بود

سال ششم اطلاعات ـ درتیر ۳۱۰ آقای‌مسعودی نوشت:خوشوقتیم که‌درمدت‌پنجسال‌نامه نگاری‌مسئولیتی که‌بزعهده گرفته‌ایم‌با کمال‌صمیمیت‌انجام‌داده‌و نسبت‌بحفظ‌شئون‌ملی، ترقی‌وتعالی‌مملکت آنقدر که‌درقوه‌داشته‌ایم‌سعی و مجاهدت کرده واینك میتوانیم اوراق گذشته را بشهادت طلبیده وادعا کنیم که با تحمل زحمات و خستگی‌روحی و جسمی دربرابر خوانندگان عزیز وظایف ملی ووطنی خود را با روح بی آلایش و عاری ازشائبه،روح وظیفه شناسی و صمیمیت انجام داده و در هیچ موردمصالح ملی و مملکتی رافدای اغراض خصوصی و نظریات دیگران نکرده و روزنامه را که متعلق بمردم و ما خود را خدمتگذار و اداره کنندهٔ‌آن میدانیم با مطالب مغرضانه و یا مطالبی که بامنافع ملی‌ومملکتی تماس مخالف داشته‌است آلوده‌نساخته‌ایم.

معاونت وزارت طرق ـ آقای علی سهیلی که امروز سفیر کبیر ایران درپاریس است و چند بار نخست‌وزیرشده ، در تاریخ ۷ تیر ۱۳۱۰ بمعاونت وزارت طرق انتخاب گردید وتاآن موقع دروزارت‌خارجه بود و آخرین سمت او ریاست اداره شرق وزارتخارجه بود ، اطلاعات همانروز درزیر خبر انتخاب سهیلی نوشت که ایشان‌ازمامورین‌خوب‌ولایق‌وتحصیل کردهٔ‌وزارت‌خارجه‌میباشد.

قانون ازدواج ـ روزسوم مرداد ۱۳۱۰ مرحوم داور قانونی بمجلس‌تقدیم‌نموددر خصوص‌نکاح‌وطلاق‌و گفت چون امور مربوط بازدواج محتاج بتنظیم مقرراتی است که بتوان حتی‌المقدور صحت جریان‌امور ومصالح صحی‌واخلاقی مربوط‌بازدواج راتامین‌نمود لذا قانون آن‌تقدیم‌میشود وازآن تاریخ حق اجرای صیغه عقد منحصرا بعهده اشخاصی وا گذارشد که دفترثبت‌رسمی نکاح و طلاق داشته باشند.

روزنامه اطلاعات بمحض تقدیم‌این قانون ستونی باز کردتاعقاید وافکارعمومی دراین‌باره‌روشن‌شود واولین نویسنده پیرامون قانون‌چنین گفت:

« مردهائی که دراین مملکت زندگی میکنند وهمیشه مالك الرقاب زنان بوده‌اند بطور قطع این قانون بمذاق بعضی ازآنهاشیرین نخواهدبود چون میخواستند محرمانه چندزن را درنکاح خود قرار دهند و حالا باشکال برمیخورند ووجود دفاتر رسمی مانع از این خواهد بود وخلاصه برای تجاوز مردها بحقوق زنان سدی پیداخواهد شده »

مدت‌ها مقالات پیرامون چگونگی زناشوئی ومعایب ومضار قانون دراطلاعات بحث شد ازجمله آقای ملك خلاقی عالم وواعظ معروف، سلسله مقالاتی نوشتند وچه بسیار ازمطالب مهم وضروری که درقانون پیش بینی نشده بود براثر تذکرات اطلاعات ونویسندگان ارجمند موردتوجه عموم واقع گردید ولی کمیسیون عدلیه مجلس تصویب ننمود وهمین قسمت مورداعتراض روزنامه واقع شد.

کرایه خانه ـ آقای مسعودی درسی‌ام مرداد اولین بار راجع بکرایه خانه چنین نوشت:

«میزان اجارهٔ خانه روی هیچ مأخذی قرار نگرفته و معلوم نیست تکلیف یك مشت بیچارهٔ خانه بدوش چیست.

مستخدمین دولت غالباً کرایه نشین هستند، اولیای دولت ازنظر علاقه وتوجه بمستخدمین خودش هم باشد بایستی موجبات آسایش فکری آنان فراهم آورد یکنفرمستخدم دولت با پنجاه‌تومان حقوق وداشتن زن وبچه‌چگونه میتواند نصف حقوقش را برای کرایه یك‌خانه سه چهار اطاقه بدهد.

(خوانندگان توجه میفرمایند که درآن روز معدل حقوق پنجاه تومان وحد متوسط کرایه خانه کوچك ۲۵ تومان بوده است حالا همان پنجاه تومان‌بپانصدتومان حقوق ترقی‌داده شده وآن خانه کوچك‌سه چهار اطاقه را بسیصد تومان هم نمیدهند)

صاحبان مستغلات میگویند اجاره بندیهادرظرف یکسال‌اخیرفرق نکرده وحال آنکه مصالح‌بنائی ترقی نموده و قیمت اجناس خارجی نیز بمناسبت افتادن پول نقره‌در برابر اسعارخارجی‌افزایش یافته ولی‌این‌حرفهاهیچکدام دلیل نیست‌و پیشرفت‌نخواهد داشت‌زیرا مادام که تغییری‌درحقوق‌داده نشده وعایدات‌مردم زیادنگردیده استعدادوتوانائی‌بیشتری زائدبر آنچه اکنون‌مردم‌می‌پردازندنمیتوان‌درآنها سراغ‌داشت باینجهت‌صاحبان‌املاك‌و مستغلات بایداین مسائل‌راموردتوجه قرار دهند وبدانند یك مستخدم با چهل پنجاه تومان حقوق‌خود نباید بیش ازچهاریاپنج تومان‌حقوق‌خود را بابت کرایه خانه بدهد نه بیست وبیست‌و پنج تومان!

شاه فقید و اعزام ولیعهد باروپا ـ باوجود دلبستگی شدیدی که‌اعلیحضرت فقید‌بوالاحضرت ولیعهدداشت معهذا قبول کرد که فرزند دلبندخودرا برای‌تحصیل باروپا اعزام دارد. این تصمیم روز ۱۵ شهریور ۱۳۱۰ انجام یافت، درساعت چهار بعدازظهر آنروز کشتی‌جنگی‌شوروی که آندولت مخصوص این‌مسافرت‌فرستاده بوددرمیان‌تشریفات‌بسیارواحترامات‌نظامی که‌ازطرف کارداحترام‌ایران‌و کارداحترام‌شوروی که‌اعزام شده‌بود ساحل بندرپهلوی‌راترك کفت‌وعازم باکوشد وشاه فقید تاوقتی کشتی‌جنگی «پولیان» ازنظر ناپدید شد ساحل دریا را ترك نکرد وهمچنان کشتی را نظاره میکرد وسپس‌بدون توقف دربندر پهلوی‌بطرف آستاراوتبریز برای سرکشی عزیمت نمود.

مرحوم تیمورتاش وزیر دربار، مرحوم دکتر مؤدب‌الدوله نفیسی پیشکار بهمراهی والاحضرت عزیمت نمودند. آقای‌پاکروان سفیر کبیرایران درمسکو با کشتی‌مخصوص باستقبال والاحضرت به بندرپهلوی آمده بود و طبق اطلاعی که بمقامات رسمی‌داده شد دولت شوروی وعده داد که بمناسبت عبور ولیعهد ایران از داخل خاك شوروی کلیه محبوسین ایرانی را که بموجب حکم محاکم‌شوروی زندانی هستند آزادنماید و روزنامه اطلاعات ازوصول‌این‌خبر اظهارخوشوقتی نمودونوشت که‌این اقدام درتشییدروابط دوستانه ملتین‌تاثیر بسزائی‌خواهد داشت.

دو روز قبل ازحرکت: درکاخ سعدآباد مراسمی بمناسبت مسافرت ولیعهد ایران قبل ازحرکت ازپایتخت انجام یافت که هیئت دولت ونمایندگان مجلس ورجال والاحضرت را ملاقات وخدا حافظی‌نمودند.

از جمله دستجاتی که درآن‌روز درسعدآبادحضور یافتند رجال بودند که‌بین آنها مستوفی‌الممالك. مؤتمن‌الملك مشیرالدوله. وثوق‌الدوله. فرمانفرما. قوام‌السلطنه دیده‌میشدند که درضمن‌شرحی که ازجانب‌مرحوم‌مستوفی‌اظهارشد نسبت به مسافرت والاحضرت‌اظهار مسرت گردید و درپایان مراسم‌اعلیحضرت فقیدحضور یافت ومرحوم مستوفی شرح مختصری دایربلزوم و اهمیت مسافرت والاحضرت ولیعهد باروپا و فداکاری که اعلیحضرت فقید بافرط علاقمندی بوالاحضرت‌ازلحاظ‌وطن‌ومملکت میفرمایدابرازمسرت‌وخوشوقتی نموده‌وعلاوه نمود که‌عموم‌ملت‌این تصادف‌مهم ومسافرت‌والاحضرت رابا حسن توجه‌وشادمانی‌مخصوص تلقی‌مینمایند.

مرحوم حاج‌امین‌الضرب‌هم‌ازجانب بازرگانان‌و اصناف مسافرت ولیعهدایران را تبریك گفت

بروید خدانگهدارشما: اطلاعات در سرمقاله ۲۳ شهریور ۳۱۰ بمناسبت اعزام چهارمین دسته‌صد نفری محصلین‌اعزامی باروپانوشت: آقایان‌محصلین. خاطره‌های‌ساعت آخرمسافرت خودراهمیشه‌درنظرداشته باشید، صدا

های لرزان مملو از محبت مادران و خواهران خود را بخاطر بسپارید و بدانید وقتی بهترین ثمره عمر و جگر گوشه های خود را برای یک مدت طولانی بدست خدا وطبیعت می‌سپردند خود را تسلی میدادند باینکه شما میروید صاحب کمال ، معرفت ، دانش، صنعت و حسن اخلاق شوید ، شما میروید سعادت آتیه خود و خانواده و در نتیجه وطن خود را تامین نمائید و انتظار مانیز این است که سوقاتهای خوب از دنیای علم و صنعت برای وطن بیاورید . انتظار جامعه اینست که از بوستان علم ومعرفت گلهای زیبا و قشنگ بچینند و درخوشه‌چینی خود دقیق باشید مبادا علف های هرزه همراه بیاورید . بروید خدا نگهدارشما .

اول تصدیق صدور بعد جوازورود : ۲۳ شهریور ۳۱۰ مرحوم یاسائی رئیس کل تجارت بتجار تهران وولایات اخطار کرد درخواست جواز ورود اجناس مجاز بشرط منضم بودن بتصدیق صدور پذیرفته خواهد شد ودرخواست هائی که تصدیق صدور غله (گندم وجو) ضمیمه آنها باشد همه‌وقت پذیرفته شده وجواز خارج از میزان سهمیه داده میشود.

این تصمیم اداره کل تجارت نشان میداد که دولت در قبال ترقی اسعار خارجه جداً صادرات کشوررا حمایت میکند و از واردات حتی‌المقدور بنفع صنایع داخلی میکاهد بعلاوه مقادیر زیادی گندم وجو موجوداست که برای تشویق مردم بصادرات این جائزه رامعین کرده‌اند که درمقابل صدور غله تجار بتوانند خارج ازنوبت و خارج ازسهمیه جنس وارد کنند .

روزنامه اطلاعات درباره تشویق صادرات نوشت: «ماباید سعی کنیم عرضه وتقاضای خودرا درجهان تعدیل کنیم وهرقدر اسعار بدست میآوریم بهمان اندازه ازخارج خرید کنیم تابنیه مالی ملت تقویت گردد وزندگی طبقات تولید کننده ایران بهبودی حاصل کند.»

بعدها بتدریج موضوع صدور مواد ایران کسب اهمیت نمود و بسیاری ازمواد فلاحتی که درهیچ تاریخی صادرات نداشت دراثر تشویق دولت بوسیله تجار درنقاط مختلف جهان بازار پیدا کرد واقلام درشتی درتجارت خارجی کشور بوجود آمد واگر بعضی ازصادر کنندگان درمقام سوء استفاده نمی‌افتادند وباقسام حیل متشبث نمیشدند که جیب خود را پر کنند وازقوانین بر پیچ وخم فرار نمایند ومیگذاشتند که نقشه های اصلاحی باحسن نیت خارج ازسوء استفاده پیشرفت کند وطرحهای اولیه اقتصادی باحسن جریان جلومیرفت وضع تجارت خارجی کشور بصورت تاسف‌آور امروزی دوچار نمی گردید، تجارت وصنعت وفلاحت پابپای هم ترقی می‌نمود ولی متاسفانه نشدودر حال حاضر آنقدر اوضاع تجارت وصنعت وفلاحت درهم ریخته وازهم پاشیده شده است که اگر فکر اساسی نشود بورشکستگی وفنا خواهد کشید.

پیش بینی ژنرال لودندرف - این ژنرال معروف آلمان جنگ بین‌المللی دوم را درسال ۱۹۳۲ پیش‌بینی کرد وتفصیل آن درشماره ۱۴۱۹ اطلاعات انتشار یافت که خلاصه‌ای از آن نقل میشود :

«من جنگ بین‌الملل اول را چندسال قبل ازوقوع اطلاع دادم وحالا هم وقوع جنگ مهیب‌تر ومخوف‌تری را اطلاع می‌دهم که تمام پریشانی ومصائبی که درتاریخ زندگی بشر ثبت گردیده است ازیاد مردم خواهدبرد - هیتلر درسال ۱۹۲۹ دریکی ازجراید نوشت « ایتالیا درجنگ آینده دشمن فرانسه خواهدبود ومابایدباو متحد شویم» این گفته هیتلر گودال عمیق انقراض واضمحلال را درزیرپای ما حفر میکند وبعقیده من میدان‌های جنگی که سایه حمایت کلیسای رم برآن میافتد، میدانهائی خواهدبود که ملت آلمان درآن محوونابود می‌شود ومملکت آلمان بکلی ازبین خواهدرفت .

موسولینی درموقع بروزجنگ قادرنیست بیش‌ازپنج میلیون نفرسرباز تجهیز کند درصورتیکه دشمنان او قادر بتجهیز هفت‌میلیون و ۲۵۰ هزارنفر سرباز هستند باستثنای دولتین لهستان ورومانی، صحیح است که موسولینی ازحیث استحکامات لشکری درشمال شرقی مملکت نقشه های صحیح ریخته لکن وضعیت داخلی ایطالیامورد کمال توجه میباشد ! زیرا اکثریت ملت بارژیم فاشیست مخالف‌اند .

دول امروز طیارات جنگی‌را باندازه‌ای تکمیل نموده‌اند که میتوانند دراراضی دشمن بمسافت صدها کیلومتر راه میدانهای جنگ‌را تشکیل دهند . استعمال بمب و گاز خفه کننده ازهمان روز های اول جنگ قیافه مخوف و وحشت‌انگیزی بمیدان‌های جنگ میدهد ، زره‌پوشهای سریع‌السیر که روزی دویست کیلومتر راه می پیمایند نیز رل مهمی‌را بازی خواهد نمود.

ماشین نویسی از چه تاریخ شروع شد : آقای علی وکیلی در گزارشی که در روزنامه اطلاعات در شماره ۵۰۰ مهر ۳۱۰ چاپ شده مینویسند : «مشاهده خطوط تحریری مختلفه زبان فارسی واشکال خواندن تحریرات دستی واهمیت تحریر باماشین که دردنیای متمدن معمول گشته درپنج سال قبل مرابرآن داشت که اقدام به تهیه و

ورود ماشین تحریر نمایم لکن با وارد کردن ماشین مقصود اینجانب که عبارت از خوانا کردن مکاتبات بود عملی نمیشد باینجهت بتشکیل یك کلاس ماشین نویسی مجانی اقدام کردم و بعدها دراثر تشویق من بتدریج کلاسهای ماشین نویسی دیگری دائرشد ورغبت مردم بفرا گرفتن فن ماشین نویسی زیادشد و اکنون عده زیادی ماشین نویس تعلیم یافته اند .»

زیان پولی ملت ایران ـ درسرمقاله ۷ مهر ۳۱۰ بمناسبت منع صدور طلا از انگلستان وسقوط قیمت لیره ووجود مبالغی ازسرمایه بانکملی درلندن آقای مسعودی مینویسد : «اشتباه بزرگی است اگر تصور کنیم که لیره فقط درمقابل قران ونقره موقعیت خودرا ازدست داده بلکه دربرابر طلا ونقود خارجی نیز تنزل نموده در این صورت باید تکلیف ذخیره‌هائی که دولت دربانك‌های لندن دارد روشن گردد، موقعی که دولت لیره شش‌تومانی در بانك‌های لندن گذاشت نرخ دولار و فرانك وسایر نقود خارجی هم درمبادله باقران اینطور نبود. یعنی اگر ۶ تومان برای یك لیره میدادیم درمقابل همان شش تومان ۵ دولار بما میدادند ولی حالا اینطور نیست ودولت انگلستان نباید راضی شود که ذخیره ملی ایران دستخوش زیان گردد دولت باید درمقام حفظ ذخیره طلای خود دربانك های لندن باشد زیرا این یك سرمایه ملی است، سرمایه‌ایست متعلق بملت ایران که اساس وپایهٔ واحد پول خود بوده وبدون کسر ونقصان باید بکشور عودت گردد .

درچند شماره بعد اظهارات اسنودن وزیر مالیه انگلیس در این مورد چاپ شد که رفع نگرانی نموداز اینقرار : «لایحه منع صدور طلا بر واردات وصادرات طلا یا آزادی ترانزیت طلائی که ممالك خارجه دربانك انگلیس یا بانکهای مرکزی انگلستان بامانت گذاشته‌اند هیچگونه تضییقی تحمیل نمیکند علاوه براین تعهدات اسعار خارجی کماکان در رأس وعده انجام داده خواهد شد.»

فقط در ..... اداخواهد شد : بانك شاهی برای جمع آوری اسکناسهای قدیم خود اعلان نمود که مردم تا تاریخ آذر ۳۱۰ باید بشعبه صادر کننده بانك که اسم آن شعبه روی اسکناس قیدشده برای دریافت وجه مراجعه کنند .

روی اسکناسهای قدیم قیدشده بود فقط درفلان شهر ادا خواهدشد . این قید سبب شده بود که اسکناس یك شهرستان در شهرستان دیگر صرف برمیداشت وموضوعی برای دخل بود اطلاعات درشماره ۱۵ مهر ۱۳۱۰ نوشت این عمل صرافی بایدموقوف گردد، بانك شاهی حق نداردد رموقع جمع آوری اسکناس این قیدو شرط را که وسیله سوء استفاده است موضوع مبادله قرار دهد .

در اثر این اعتراض سخت، بانك شاهی اطلاع داد که با وجود اشکالاتی که درعمل ممکن است تولیدشود ازنظر تسهیل کار مردم قبول مینماید که اسکناسهای قدیمی را بهر شعبه مراجعه کنند همان شعبه قبول نموده و بدون کسر و صرف وجه آنرا بپردازد .

مرگ ادیسون: اطلاعات درشماره ۲۷ مهر ۳۱۰ بمناسبت درگذشت ادیسون نوشت:

«بقدری نام ادیسون مرادف بااختراعات وصنایع امروزه برده شده است که در دنیا همه کس اورا می‌شناسد وبادیده احترام باومینگرد. ادیسون درسن ۱۵ سالگی وارد اداره تلگرافخانه یکی ازشهرهای امریکاشد ودوسال بعدموفق باختراع تلگراف دوبلکس گردید وبعدها وارد تحقیقات درالکتریسته و رادیو شد و دنبالهٔ اختراعات خود را در اطراف برق ادامه داد و امروز عالم بشریت مدیون اواست و اختراعات اونام ادیسون را زنده وجاویدنگاه خواهدداشت .»

بنابتقاضای مستر هوور رئیس جمهور امریکا درساعت ۱۰ شب روزی که ادیسون فوت نمود (اکتبر ۱۹۳۱) کلیه چراغها درامریکا برای یکدقیقه بپاس احترام ادیسون خاموش گردید ـ چراغ مجسمه آزادی درنیویورك نیز برای اولین بار یکدقیقه خاموش گردید.

والدورف آستریا: درشماره اول آبان ۳۱۰ خبرافتتاح مهمانخانه بزرك والدورف آستریا درنیویورك جلب توجه میکند، این همان مهمانخانه عظیمی است که بمنزلهٔ یك شهر بشمار میرود واعلیحضرت همایونی در مسافرت خود بامریکا درآنجا منزل داشتند.

خلاصه خبر مزبور اینست : بزرگترین مهمانخانه دنیا بنام والدورف آستریا بانطق افتتاحیه مستر هوور رئیس جمهور که بوسیله رادیو پخش شد گشایش یافت. ششهزار نفر در پذیرائی افتتاح مهمانخانه شرکت داشتند. مخارج ساختمان آسمان خراش ۴۸ طبقه مهمانخانه از ۸ میلیون لیره تجاوز کرده است .

مردم همان مردمند یا عوض شده‌اند: صورتا تغییر فاحشی در وضع مردم دیده میشود ولی باید

تصدیق کرد که بدبختانه اخلاق اجتماعی ما نه فقط بشکل سابق باقی مانده بلکه در پارهٔ از مفاسد اخلاقی بدتری شویم. چندشب پیش در تاتر زردشتیان نمایش یوسف وزلیخا بود. با اینکه چندشب متوالی است این تاتر ادامه دارد معهذا جمعیت پشت در هجوم آورده بود وهنگامی که بازیکنان روی سن بودند تا تهان در ودیوار رامردم خراب کردند و وارد محوطه نمایش شدند.

سپس روزنامه درمقاله دوم آبان ۳۱۰ مینویسد: روز گاری هم بود که همین حکایت یوسف وزلیخارا بصورت شبیه خوانی در تکیه دولت نشان میدادند با این تفاوت که بجای مشهدی حسین کاشی آن روز، امروز مادموازل لـرتا بازی میکند ولی وضع اخلاقی مردم فرق نکرده همان است که بود، آنروز هم در تکیه دولت مردم هجوم می آوردند وهرشب چندتن مجروح میشد وبچه خفه می گردید امروز هم مردم درو پیکر رامی شکنند. سابقاً وسایل تفریح مردم نقالی در قهوه خانه ها، معرکه گیری، مار گیری دراویش، در گوشه و کنار میدانها و سر گذر ها بود، حالا بجای آن سینما وتاتر پیداشده امارو حیه مردم عوض نشده، اخلاق همان است که بود واین موضوع شایسته توجه وعنایت است محتاج به توجهی است که بخصوص ازطرف آقایان علماء ووعاظ و دانشمندان مملکت بوسیله وعظ وخطابه وانتشار کتب و رسالات باید بشود ومردم رابراه راست هدایت وراهنمائی کنند.

نواقص اخلاقی بسیار دیده میشود، ضعف و سستی در ایمان و اعتقادات مذهبی ووظیفه ناشناسی در مردم زیادمشاهده میگردد، نوع پروری و معاضدت وهمکاری درمردم دیده نمی شودوحالا که قدمی در تحول زندگی میگذاریم باید این تحول بر اساس اخلاق مستحکم شود وپیش رودو الا نه فقط سودنخواهدداشت بلکه زیـان بخش میگردد.

البته ما بوظیفه خود رفتار می کنیم، بدی هاراتقبیح میکنیم و خوبی ها را تبلیغ وتشویق می نمائیم ولی کافی نیست و سنگینی این تکالیف متوجه علماء و دانشمندان و وعاظ محترم و بالاخره نویسندگانی است که میتوانندازراه نطق و خطابه و کتاب ومقالات، مردم را بوظایف اجتماعی و اخلاقی خود آگاه وروشن سازندواین کاروان سرگردان و گمراه رابراه راست و حقیقی هدایت وراهنمائی نمایند.

بحث در باره راه آهن سراسری - درجلسه دوم آبان ۳۱۰ هنگامی که اعتبار به میلیون ونیم تومان از محل عایدات قند وشکر برای خرید مصالح و مخارج ساختمان راه آهن درمجلس مطرح بودمرحوم ارباب کیخسروشاهرخ گفت: مقدمتاعرض میکنم اعلیحضرت همایونی درموقعیکه حسب الامر دریك قسمت کارراه آهن رسیدگی میکردم ببنده فرمودند، «ارباب متوجه باش دینار دینار پولی که ازمردم گرفته میشود باید مجددا تمام صرف آسایش خودآنها بشود.» ازاینجهت توضیح میخواهم که آقای وزیر دارائی بگویندااولاخط آهنی که دولت درنقشه معین نموده دارای چقدرمسافت وچه مبلغ مخارج است ثانیا معلوم کنند پول آن رابچه ترتیب تامین خواهند کرد و کی تمام میشود؟ آیا کافی است که در کتابچه غیررسمی که بدست ماداده شده قید گردد حد اقل مخارج از قرارفرسخی سیصدهزارتومان تخمین شده بعلاوه معلوم نیست کدام رابردیگری ترجیح داده اند، بعلاوه در نظراست کارخانه ذوب آهن ساخته شود چهارمیلیون ونیم تومان اعتبارازمحل قندوشکر برای ذوب آهن تخصیص داده خواهد شد. آیااین اعتبارات تامین میشودیانه؟

آقای تقی زاده وزیرمالیه درجواب ارباب کیخسرو گزارش جامعی از چگونگی ساختمان راه آهن سراسری ایران باطلاع مجلس رسانیدند.

راه آهن حضرت عبدالعظیم: در تاریخ ۲۶ آبان ۳۱۰ اطلاعات درباره راه آهن حضرت عبدالعظیم و فشار و زحمت مردم دراطاقهای دربستهٔ گار نوشت که درهیچ جای عالم دیده نشده که اطاقهای گار راه آهن را بروی مسافرین ببندند وآنهارا دریکجا محبوس سازند تا ترن برسد و بعددرراباز کنندو دوباره بازمردم را بحبس بیاندازند اطاقها برای توقف و استراحت مردم است نه برای زندانی کردن آنها، مردم میل دارند روی سطحه گار قدم بزنند تا قطار برسد یا داخل اطاقی نشینند نباید آنهارا زندانی کرد، متاسفانه در اینجا علاوه بر زندانی کردن میله های آهن هم تتبع کرده اند که ازفشار جمعیت جلو گیری نماید و این عمل بعینه شبیه بقفسی است که حیوانات رادرآن محبوس میسازند و وادارمیکنند که از سرو کول یکدیگر بالاروندوهنگام باز شدن درآنقدر فشاربیاورند که احیاناخردسالان و پیران زیر دست وپابروند.

از آن پس، این نقیصه مرتفع گردید وطبق دستور اداره نظمیه باداره راه آهن اخطار گردید که باید وضع گذشته را فراموش کند و بمردم آزادی و راحتی بدهد و از بستن در های اطاق انتظار خودداری نماید و این کار عملی گردید.

مسعودی در کالج البرز بر حسب دعوت آقای دکتر جردن مدیر کالج امریکائی روز ۱۶ آذر ۱۳۱۰ آقای عباس مسعودی در تالار سخن رانی کالج البرز برای محصلین کالج صحبت نمود. ایشان نطق خود را در اطراف سعی وعمل و پشت کار و ایمان وعقیده ایراد نمود. ابتدا گفت از من انتظار نداشته باشید مثل یك ناطق خوش بیان صحبت کنم چون اولین دفعه ایست که در یك مجلس عموی باحضور جمع کثیری از جوانان تحصیل کرده حرف می زنم و میخواهم با بیان خیلی ساده و خالی از فلسفه و عبارت پردازی در اطراف بعضی ازمسائل اجتماعی و چیزهائی که هر روز باآن مواجه هستیم صحبت کنم . سپس آقای مسعودی اظهار نمود: ای جوانهائی که فردا وارد مرحله زندگی اجتماع میشوید بیائید تصمیم بگیرید هریك بسهم خود وظیفه خویش را در راه آبادی و ترقی و اصلاح خانه ای که در آن زندگی می کنید ادا نمائید از حالا خود را آماده کار و سعی و عمل سازید، روح صداقت و صمیمیت را در خود تعمیم دهید، در زندگی منتظر نباشید کسان دیگری بیایند وزیر بغل ما را گرفته مارا بلند کنند این را بدانید که ممکن است سعادت موقتی در اثر کمك دیگران برای دسته وقوی حاصل شود ولی این خوشبختی ساختگی است واز معنا و حقیقت دور میباشد و بزودی زائل و برطرف می گردد شماها باید با ایمان راسخ و عقیده متین روی اتکای بنفس واصل تعاون ووظیفه شناسی و نوع پروری قدم بمرحله زندگی بگذارید تا موفق بتامین سعادت خود وخدمت بخلق شوید.

شما ای جوانانی که فردا وارد اجتماع می شوید ومرحله مهم زندگی راشروع می کنید بدانید اکنون بر سر دوراهی قرار گرفته اید، آن راهی که شمارا براستی ودرستی وصمیمیت وعلاقمندی بوطن وهموطن سوق میدهد انتخاب کنید تارستکار وموفق شوید . من بمعارف وعلم ودانش تعظیم وتکریم می کنم ولی تربیت را مهمتر از علم ودانش میدانم . مضراتی که ازیکنفر عالم بدون عمل، عالم مغرض، عالم بداخلاق عالم بی حمیت وناصالح متوجه مملکت می شود بمراتب بدتر ازمضراتی است که ازیك جاهل بداخلاق وبدطینت ومغرض ومفسد واردمیشود، زیرا عالم بداخلاق وبی ایمان برموز کار آشنا شده، درجامعه بیشتر نفوذ ورسوخ یافته، راه تقلب وحیله وتزویر وراه اعمال سوء نیت راخوب بلداست ووزودمیتواند برمردمی جاهل تسلط پیدا کند وحقوق جامعه را تضییع نماید (چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا) . سعادتمند ملتی است که واجد معرفت ودانش توام با تربیت باشد .

معارف مردکار تربیت نمیکند : آقای مسعودی در دنبال سخنرانی خود در کالج گفت . متاسفانه باید اعتراف کنیم که معارف ومدارس ماهنوز برای تربیتی که محتاج هستیم آماده نیست زیرا میبینیم الان هم منتها آمال و آرزوی یك جوان تحصیل کرده این است که یك میز خالی در ادارات پیدا کرده و خود را بجامعه تحمیل نماید .

این دسته ازجوانان تحصیل کرده ای که خودرا دربرابر زندگی ومحیط عاجز فرض کرده وبرای گرفتن یك پست سی وچهل تومانی این در آن در میزنند ، پیش این و کیل وآن وزیر وآن متنفذ میروند کسانی هستند که معتمد ومتکی بنفس تربیت نشده اند ، روح متشنج و متزلزل و ترس ووحشت آن ها را فراگرفته، ازترس تلاش می کنند پایه میزی را بچسبند وآتیه خودرا تاریك وخراب کنند غافل از اینکه بس از گذشتن چندسال افراداداری بار می آید که راه پس وپیش ندارند و دیگر ازآنها کاری ساخته نیست . البته من منکر وجود عناصر خوب وشریف در ادارات نیستم ولی اینهم زندگی نشد که هر کس از مدرسه بیرون آید راه ادارات را پیش گیرد پس کار این مملکت را کی باید انجام دهد و بعلاوه سر انجام این سیلی که بطرف ادارات از دیپلمه ها سرازیر شده چه خواهد بود ؟

آقای مسعودی درپایان سخنرانی خود گفت میخواهم برای شما ای جوانانی که امید آینده مملکت هستید بگویم امروز شما بادنیائی روبروهستید که در راه صنعت واختراعات و اکتشافات ترقیات عظیمی کرده اند و با قدرت ونیروی عقل وایمان بسوی سعادت قدم بر میدارند درچنین روزکاری تعلیمات بدون تربیت حقیقی، بدون داشتن قوای ابتکار و سعی وعمل وپشتکار بی اثر خواهدبود، پس باایمان وعقیده پاك قدم بمرحله اجتماع بگذارید ، تربیت عملی وروحی و اخلاقی مدرسه را باخلوص نیت در طی معلومات اخذ و کسب نمائید تا درزندگی راست ورستکار شده وبرای خود وجامعه که تمام انتظاراتش بشما است مردمانی مفید بوده سعادتمند شوید و در ترمیم واصلاح خانه خود با کمك یکدیگر موفقیت تام داشته باشید.

مجلس آتش گرفت عجله کنید: این فریادی بود که تلفنچی مجلس پای تلفن باداره اطفائیه واداره

نظمیه و اداره بلدیه و قشون‌وهمه جامیگرد و همه‌رابکمک میطلبید.

یکساعت ونیم بظهر روز۱۸ آذر ۱۳۱۰ آتشی که زیرشیروانی‌های‌اطاق جلسه خصوصی خانه کرده بود یکمرتبه زبانه کشید و تا نهان همه جارا گرفت و میرفت‌تالار بزرگ جلسه عمومی مجلس‌رابگیرد که همه ریختند و از وسط‌عمارت را خراب کردند و نگذاشتند آتش بآن‌قسمت سرایت کند اما اطاق قشنگ آئینه مجلس که‌پشت جلسه خصوصی و سرسرا واقع‌است دستخوش حریق‌شدفقط توانستند اشیاء نفیس و تابلوهارا‌خارج کنند ولی فرشها و چراغها و پرده ها و اثاثیه دیگرجلسه خصوصی‌وسرسراوتالارآئینه سوخت.

حریق درموقعی حادث شد که‌نمایندگان درجلسه‌خصوصی‌اجتماع داشتند ومرحوم کازرونی مشغـول‌صحبت در دراطراف‌لوایحی که‌دولت میخواست بمجلس تقدیم کند بود، حریق ازلوله بخاری‌اطاق‌مجاوراطاق‌جلسه خصوصـی حادث شد که شعله‌آتش بخاری تیرهای‌شیروانیرا سوزاند وبسایرقسمتهاسرایت کرد.

پنج روز بعد ازحریق وسایل تشکیل جلسه درتالار بزرگ فراهم گردید ولی چون سرسرا واطاقهای تنفس سوخته بود و کلا دراطاقهائی که برای‌تماشاچیان‌تهیه شده بوداستراحت میکردند وازهمان‌در ورودتماشاچیان داخل مجلس میشدند.

قالی‌بافی‌درایران: اقای مسعودی درطی مقاله مبسوطی (۲۲آذر) وضعیت قالی‌بافیرا در ایـران مجسم نموده وزندگی رقت انگیز کارگران‌قالیباف‌راتشریح کرده مینویسد این‌صنعت برای کشور ایران‌مفیدنیست‌و دسترنج اطفال معصوم وکارگران ایرانی درمقابل ثمن بخس مبادله می‌شود واگر عایداتی‌هم ازاین راه حاصل‌شود همانست که شرکت‌ها ویا بازرگانان خارجی واحیانا تجار ایرانی می‌برند والا بدست صاحب کار گاه چیزی عاید نمی‌شود وزحمات بافندگان بهیچوجه منظور قرار نمی‌گیرد. مخمل باف یعنی بافنده بهترین قالی‌های مشهد دیریا زودمی‌میرد واین‌صنعت ظریف‌رابا‌خود خواهدبرد. بروید وضع زندگی‌این هنرمند را ببینید تا متوجه شویدچگونـه عمر عزیزهنرمندان کشور ازبین میرود. بیشتر صاحبان کارگاهها قالیرا ازروی‌استیصال‌روی‌دستگاه نیمه‌کاره‌میفروشند زندگی کارگران هم برهمه روشن است که درچه سردابها.وزیرزمین‌های مرطوب تاریک بسر می‌برند و مسلول و کور می‌شوند و حالاهم‌که رفورم شده تازه از صحت و تندرستی دور است بعلاوه مگر چه مزد می گیرند، اینهم شدکار!

پس بیائید قالی بافی رامحدود کنید و ارزش آن‌را بالا ببرید، زیراقالی‌دست‌بافت ایران رقیب ندارد، قالی های ماشینی کشورهای دیگر که اکنون سخت رقابت میکند بالاخره نخواهد تـوانست بازار این صنعت ظریف دستی راازبین ببرد، باید قالی‌بافی را کم کرد تاازیکطرف‌قیمت بالا رودوازطرف دیگر دولت بتواند صاحبان کارخانه راملزم سازد مزدکافی بدهند ولانه وسردابها راخراب کنندومحل هائی روی اصول‌صحی‌بسازند وبااین‌وسیله جان دهها هزارنفر دختر وپسر وجوان بیگناه ماحفظ وحراست گردد.

ماالتزام نداده‌ایم که‌قالی درمقابل جان افراد ونفوس این‌مملکت‌بافته‌شود، صاحبان دستگاه باید موجبات رفاهیت کارگر رافراهم آورند وبهرقیمت که‌قالی برای آنها تمام‌میشود دربازار عرضه کنند اگر فروش‌نرفت ازدستگاههای خود کم‌کنند تادرنتیجه قلت کارقیمت بالارود وبالاخره اگرقالی‌منفعت دارد بشرطزندگـی خوب کارگر بااین شغل باید ادامه داد والا باید حتما آن‌را بتدریج کنار گذاشت و صد ها حرفه و صنعت دیگر در مملکت هست که‌میتواند جانشین قالی بافی شود.

برنج کاری گیلان - مرحوم محمودرضا طلوع نماینده سابق مجلس شورایملی که از عناصر شریف آزادیخواه بودند درشماره ۱۵آذر ۳۱۰ اطلاعات پیرامون برنجکاری گیلان مقاله‌ای‌انتشار داده‌اند که مقدمه آن چنین شروع میشود:

بااینکه مدتیست‌بواسطه کسالت مزاج در گوشه‌ای‌منزوی وبکنجی‌نشسته صم‌بکم ولی وضع برنج‌کاری گیلان وصدماتی که ازاین راه برساکنین این منطقه وارد میآید مرا وامیدارد در اطراف‌آن مطالب لازم را بنویسم و گوشزد همشهریهای عزیز خود نمایم که زراعت برنج گذشته ازاینکه مضر بحیات عمومی وبواسطه اراضی‌باتلاقی مأمن و مأوای پشه‌های مالاریائی است اساسا یك فلاحت پرزحمت ورنج ومریض کننده و کم دخل است که‌ازحیث عایدات نسبت بعایدات چائی و ابریشم که از مختصات این منطقه است قابل مقایسه نمیباشد واگر تلفات‌مردم را که بیشتر براثر زراعت برنج متوجه زارعین بدبخت میشود بحساب بیاوریم خواهید دیدکه هرچه زودتر مالکین باید در تبدیل زراعت برنج بکنف- ابریشم وچائی وسایر نباتات مفیدی که در گیلان عمل‌می‌آید اهتمام‌نمایند.

دورنمای بحران اقتصادی دنیا : در سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۱ میلادی) بحران اقتصادی سراسر جهان را فرا گرفته بود بطوریکه هر روز چندین بانك در اروپا و امریکا ورشکست میشد. در این موقع دولت انگلستان برای بهبود وضع تجارت خود لیره را که تا آن موقع محکمترین پول های دنیا بود تنزل داد

روزنامه اطلاعات در سرمقاله ۹ آذر ۱۳۱۰ خود چنین مینویسد :

اخباری که از خارجه میرسد اوضاع اقتصادی عالم را روز بروز وخیم تر نشان میدهد و تمام ملل را غرق دریای بهت وحیرت ساخته و نمیدانند عاقبت این بحران بکجا خواهد کشید آتشی که کنون در چند نقطه اروپا روشن شده دورنمای بسیار تاریك وعواقب خطیری را نشان میدهد. آتش بحران مزبور که در بسیاری از ممالك زیر خاکستر خانه کرده بود و دیپلماسی اروپا و تدابیر متصدیان امور مانع ازاین بود که قشر نازك خاکستر کنار رفته و شعله آتش دیده شود بالاخره فشار اقتصادی، موقعیت سخت دنیا، پرداخت غرامات کمرشکن، دیپلماسی آلمان را در درجه ورديف اول زبون ساخت ویکدفعه آتش بحران اقتصادی اززیر خاکستر زبانه کشید وخودرا بعالمیان نشان داد وبلافاصله اثرات سوء خودرا بخشید زیرا سایر ممالك عالم دیگر نتوانستنداین آتش رازیر خاکستر مخفی ساخته واز ابرازآن خودداری کنند. هیچ کس باور نمیکرد که مملکت باعظمت ومعتبر انگلستان وضعیت اقتصادیش اینطور سست وپوشالی باشد که یکمرتبه باعتبارات و حیثیات خود پشت پا زده ورشکستگی خودرا اعلام دارد.

این پیش آمدنشان داد که اوضاع اقتصادی انگلستان بقدری خراب است وفقروبدبختی طوری باین مملکت استیلا یافته که جززیر پا گذاشتن شئون وحیثیات واعتبارات خودودر نتیجه لطمه واردساختن بحقوق وسرمایه های سایر ملل وممالك چاره نداشت .

انگلستان تنها به تنزل نرخ لیره اکتفا نکرد وبرای اصلاح وضع علنی شده وروی آب افتاده خود شروع به تشبثاتی کرد ومنجمله برخلاف جریان گذشته خود ومعاف بودن اجناس ورودی ازحقوق کمر کی درصدد وضع عوارض غیرقابل تحملی برآمد تادرنتیجه از واردات مملکت کاسته واز سیل ورشکستگی و خرابی اوضاع تجارت داخلی جلوگیری نماید.

روزنامه اطلاعات در خاتمه اینطور مینویسد :

تجسم منظره کنونی اقتصادی عالم ونشان دادن تابلوی بحران خانمانسوز کنونی ودست و پائی که هر یك از دول دنیا برای خلاصی ورهائی خود از این مرض مسری و آتش روشن شده مینمایند برای این است که زمامداران ما و عناصر اقتصادی مخصوصا مؤسسات تجارتی و آقایان تجار محترم بیشتر مراقب بوده واوضاع گذشته را در نظر بگیرند و آتیه را پیش بینی و بفکر تامین و تحکیم مبانی اقتصادی وتجارتی مملکت باشند بدیهی است تنها ممالکی میتوانند خود را از این وضعیت خطیر کنار کشیده و تاحدی محفوظ بمانند که دولت وملت شان دست بهم داده با تشریك مساعی ووحدت فکر قدمهای محکمی درراه اصلاح وضع داخلی خویش و تامین احتیاجات خارجی بردارند.

تا نگرید طفل کی نوشد لبن: مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی در شماره ۳ و ۵ آذر ۳۱۰ مقالاتی پیرامون تشکیل نمایشگاه بین المللی اطفال در بروکسل که خود ایشان بسمت نمایندگی ایران ازجانب وزارت فرهنگ شرکت داشته اند نگاشته که بسیار جالب توجه میباشد ازجمله تحت عنوان بالا می نویسند :مادران ودایگان مادراشتباه بزرگی هستند، تصور میکنندوقتی بچه گریه کرد شیرمیخواهد وحال آنکه در دنیای امروز اطفال شیرخوار بوقت شیر میخورند بدون اینکه محتاج گریه کردن باشندو با تندرستی بزرك میشوند بدون اینکه محتاج بدست وپابستن وقنداق کردن باشندو خواب طبیعی میکنندبدون تریاکی شدن و کیف دادن بچه .

در این نمایشگاه که از چند کشوراروپائی شرکت کرده بودند اولیای اطفال شیرخوار و خرد سال بچه های خودرا برای نشان دادن حسن پرورش بدنی واخلاقی وتربیت مو وبازی وتعاون یکدیگر می آورندو هر که جامع تمام صفات خوب بودجائزه اول رامیگیرد.

مادران باشور وشعف یکی یکی گهواره متحرك را بدست گرفته وارد میدان بزرك مسابقه میشد، ندتضاة دورآن گهواره جمع شده صحت مزاج ،نیکوئی رخسار ، زیبائی مو ، حسن لباس وترتیب آرایش بچه را می دیدندو نمره میدادند ومیگذشتند.

آیا می توان باور کرد که درظرف دوهفته انعقاد نمایشگاه اطفال که چندهزارطفل شیرخوار وبزرگتردرآن فضا آمدند ورفتند وسیصدوبیست هزارنفر که طبق احصائیه صحیح تماشاچی وارد نمایشگاه شددر این مدت کسی صدای گریه یك طفل راهم نشنید .

در نمایشگاه سال آینده بصحت طفل از ولادت تا چهارده سالگی توجه میشود ، در طی این نمایشگاه مسائل مهمی در تربیت اطفال روشن میگردد ، دستورالعمل ها داده میشود و چقدر خوب بود کشور ایران هم در این نمایشگاه شرکت میکرد و از چگونگی تربیت بچه آگاه میشدند .

از بندرشاه تا علی آباد : ساختمان اسکله بندرشاه در آذر ۳۱۰ پایان یافت و راه آهن بعلی آباد (شاهی) رسید و اولین دفعه مسافرت شاه فقید از شاهی ببندرشاه با راه آهن انجام یافت و سپس بهره برداری شروع گردید و مردم مازندران و گرگان بوسیله راه آهن باهم رفت و آمد پیدا کردند.

روزنامه اطلاعات در مقاله دوم آذر ۳۱۰ مژدهٔ بهره برداری خط شمال تا علی آباد را بخوانندگان محترم داد و از اینکه ساعات حرکت قطار روی دقیقه معین گردیده باطرز فکری که تاکنون هموطنان عزیز در مسافرتها و معطلی وسایل نقلیه داشته‌اند مقایسه کرده و اظهار امید نموده است که رفته رفته وقت نزد ما قیمت پیدا خواهد کرد و این حرکت منظم‌ترن مسافرین مازندرانی واسترآبادی را بشناسائی وقت و ارزش کار آگاه خواهد ساخت.

انگلستان چرا از قالی ایران صدی پنجاه گمرک میگیرد ؟! - این عبارت ، زمینه و خلاصه مقاله مفصلی است که روز اول دی ۳۱۰ درستون اول روزنامه بود و بدولت انگلیس اعتراض شده است که چرا قالی ایران را بتازگی درردیف کالاهای تجملی بشمار آورده و گمرک آن را صدی پنجاه معین کرده است .

چند روز پیش از آن، دولت انگلیس لایحه‌ای باقید فوریت بپارلمان برده و بتصویب رسانده بود که تعرفه گمرکی بعضی اشیاء تجملی وکالاهای تجارتی راترقی میداد و بصدی پنجاه یعنی معادل نصف قیمت کالا میرساند. این تعرفه جدید علاوه برقالی ایران که یکی ازکالاهای عمده صادراتی کشور ماست شامل اجناس بعضی ممالک دیگر و مخصوصاً فرانسه وآلمان و بلژیک که عطر وجوراب ابریشمی و پارچه های گران قیمت وغیره به انگلستان صادر میکردند میشد.

این دولتها بدولت انگلیس اعتراض کردند وروزنامه اطلاعات هم همان روز که جریان تفصیلی این تصمیم دولت انگلیس بطهران رسید سرمقاله خود را باین موضوع اختصاص داد واین تصمیم را غیرمنصفانه ومخالف روح تجارت آزاد معرفی کرد وجداً از دولت درخواست نمود که بادولت بریتانیا مذاکره کند ولغو این تصمیم را درباره قالی ایران درخواست نماید . اطلاعات دقیق این مقاله ازمخبرمخصوص اداره در لندن رسیده بود.

روزنامه اطلاعات دراین مقاله نوشت«... قالی ایران دردوسال اخیر دربازارهای اروپا و امریکا متاسفانه بیش ازمقاومت خود لطمه خورده وصدمه دیده واینک هم وضع صدی پنجاه گمرک لطمه شدیدیدیگری بآن میزند و آزادی تجارت قالی را در لندن از میان میبرد.

اصولا قالی ایران درخود انگلستان چندان زیاد بفروش نمیرسد اغلب قالیهای ایران را که بلندن میرسد در آنجا شستشو داده وبوضع مرغوب وتمیز درمیآورند و بسایر کشورها صادرمیکنند چون لندن فعلا (درآن موقع) مرکز عمده معاملات قالی شده است اگر دولت انگلیس این گمرک سنگین را از قالی ایران بگیرد بازار فروش ازدست میرود ولطمات جبران ناپذیری بصادرات فرش ایران وارد میشود ...»

روزنامه درپایان این مقاله پیشنهاد کرده بود که درانگلستان هم مانند آلمان از قالی‌هائی که ازانگلستان بممالک دیگر فرستاده میشود گمرک اصلی نگیرند وفقط - همانطور که درآلمان معمول است - عوارض ترانزیتی دریافت کنند . درآلمان وقتی قالی واردمرزمیشود دردفاتر گمرکی ثبت میکنند وپس از شش ماه یا یک سال ببازرگانان صاحب قالی مراجعه مینمایند اگر آن قالی را در داخله آلمان بفروش رسانده است از او گمرک معمولی میگیرند واگر از آلمان بامریکا یا کشورهای دیگر فرستاده فقط عوارض مختصر ترانزیت دریافت وحساب گمرکی آن فرش را تصفیه شده تلقی میکنند .

مرگ واسموس نماینده زبردست آلمان - مخبر مخصوص روزنامه اطلاعات ازبرلن اطلاع داد که واسموس مشهور که درجنگ اول جهانی درایران بود وبسمت قونسول آلمان در بوشهر اقامت داشت وبا تبلیغات ماهرانه وفعالیت عجیب خود مزاحمت بزرگی برای انگلیسها فراهم کرده بود دربرلین فوت شده است . واسموس در ایران شهرت فراوان داشت ودرخارج ازایران هم بمناسبت کارهای بزرگی که بافقدان وسایل کافی انجام داد مشهور شده بود . روزنامه اطلاعات واسموس راتالی وهمردیف کلنل لورانس مشهور معرفی کرد و عملیات ماهرانه او را در بوشهر وفارس که ازطرف مخاصمین آنروز آلمان هم بااعجاب واهمیت خاصی تلقی میشد شرح داد که چطور واسموس بادست خالی وبتنهائی توانست عشایر جنوب ایران رابرضد انگلیسها واردجنگ کند . یکی ازابتکارات خاص واسموس که نمونه‌ای ازهنرمندی وهوش اواست تشکیل دسته تبلیغاتی - حاجی ویلهم - بود که شهرت میداد قیصر آلمان مسلمان شده وتقریبا برای ادای فریضه حج عازم مکه معظمه خواهند شد .

آقای سید ضیاء الدین طباطبائی در کنگره عمومی مسلمین. درسال ۱۳۱۰ شمسی یک کنگره عالی اسلامی در فلسطین طبق خبر منتشره در اطلاعات منعقد شد که در ممالک مسلمان نشین مخصوصا ممالک عربی سر و صدای زیادی برپا کرد. ازاغلب ملل اسلامی شرق وغرب دنیا نمایندگانی دراین کنگره شرکت کردند که عموما دارای شخصیت بر جسته وممتاز بودند.

دولت ایران و دولت ترکیه بطور رسمی دراین کنگره شرکت نکردند ولی آقای سیدضیاء الدین طباطبائی که از طرف مفتی اعظم فلسطین «رئیس وتشکیل دهنده کنگره» بطور رسمی دعوت شده بود در آن کنگره حضور یافت.

اعضای دیگراین کنفرانس عالی همگی ازرجال عالی‌مقام روحانی وسیاسی واجتماعی بودند که ازجمله آنها میتوان مرحوم اقبال‌لاهوری شاعرشهیرپاکستان، شکری قوتلی رئیس جمهوراسبق سوریه، مرحوم شوکت علی قائد شهیرمسلمانان هند، عزام پاشا دبیر کل اتحادیه عرب، سید محمد رشیدرضا شاگرد وفادار سید جمال الدین اسدآبادی، حاجی حسن نظیر پیشوای مسلمانان یوگواسلاوی، محمد علی حرمانی نماینده مسلمانان مقیم امریکای جنوبی، عبدالقهار نماینده مسلمین جاوه (اندونزی فعلی) رانام برد.

مفتی اعظم فلسطین بریاست و آقای سید ضیاء الدین بسمت نایب رئیس انتخاب شد (کنگره ٤ نفر نایب رئیس داشت).

آقای کاشف الغطاء مجتهد عالیمقام شیعه که از نجف اشرف برای شرکت در کنگره بفلسطین رفته بود هنگام تشکیل کنگره نمازجماعت بجای آورد که همه برایشان اقتدا نمودند.

انتخاب آقای کاشف الغطاء علاوه ازمقام فضل وفضیلت مخصوصا برای این بود که نخستین قدم عملی در راه وحدت پیروان مذاهب اسلامی برداشته شودچون اکثریت نزدیک باتفاق اعضای کنگره از پیروان مذاهب تسنن بودند وآن‌شب پشت‌سریک مجتهد شیعه نمازجماعت میخواندند.

روزنامه اطلاعات ازاینکه زعمای اسلامی میخواهند اختلاف میان مذاهب وفرق مسلمان رامبدل بوحدت ویگانگی کنند ابرازمسرت کرد ومخصوصا ازانتخاب آقای کاشف الغطاء بامامت اظهار خرسندی‌نمود وموضوع‌را بامسرت وخوشوقتی درروزنامه منعکس نمود وطرفداری ازین امررا اعلام‌نمود.

آنقدر غله صادر میشود که کیسه وگونی کمیاب شده است: شما که بچشم خوددیدید برای نان مردم این کشور ده ها هزارخروار گندم ازنقاط دوروزدیک دنیا آوردند و مقادیر هنگفت ذخیره ارزی مملکت را دراین راه خرج کردند. آیا خبردارید که همین‌مملکت شما زمانی‌صادر کننده‌غله بوده وهرسال هزارها خروار گندم بممالک دور ونزدیک‌دنیا میفرستاد و در مقابل اسعارخارجی‌تهیه‌وکالاهای‌لازم‌راوارد مینموده است؟! آیامیتوانید باور کنید.

تنها درسال ۱۳۱۰ آنقدرغله ازایران صادرشد که اواخرکار دچار کمبود کیسه وگونی‌شدند. گندم برای صدورمهیا وموجود بود درممالک خارج‌هم خریدارفراوان داشت،دولت‌هم برای‌آنکه صدورغله را (که محصول آن خیلی بیش‌از مصرف داخلی بود) تشویق کند مزایائی برای صادرات غله فراهم‌آورده بود وازاین راه‌کمک بسیار مؤثری باقتصاد عمومی می‌شد مخصوصا زارعین از این راه سود سرشاری بردند و از طرف دیگر چون دولت درآن روزها تاسیس کارخانجات‌را تشویق میکرد و هر هفته و هر ماه یك کارخانه جدید افتتاح می شد، مملکت احتیاج زیادی باسعار خارجی داشت که‌صدور غله از این‌لحاظ‌نیزکمک‌مؤثری مینمود.

ولی اشکال کار که مخصوصا دراواسط‌کار صدورغله بیشتر نمایان‌شد فقدان‌کیسه وگونی بودکه‌تاحدی کار صدور غله رادشوار میساخت چون کارخانه گونی‌بافی گیلان هنوز ساختمانش ناتمام بودو کیسه وگونی رابایستی ازخارج وارد کنند روزنامه اطلاعات که همیشه مشوق ومروج صادرات بود ودرهر مورد برای توسعه صدور محصولات‌کشور پیشنهادهای مقتضی میداد دریکی ازسرمقاله‌های خود موضوع‌کمیابی‌کیسه وگونی ولوازم‌عدل بندی راکه مخصوصا برای صدور غله ضرورت داشت مطرح نمود وازدولت درخواست‌کردکه ورود لوازم‌عدل بندی‌را آزاد بگذاردکه تجار بتوانند بدون احتیاج بتصدیق صدور وغیره واردکنند تا«... این‌محظوربزرك که اکنون‌درراه صدورغله وامتعه دیگر صادراتی پیداشده‌است مرتفع گردد...».

بلی، آنروز ایران عزیزما یکی ازممالك صادرکننده غله بود واکنون هم اگر دولت ازروش بی‌فایده سابق ومزاحمت زارعین ودریافت مازادغله دست بردارد وتماس مامورین رابازارع قطع کند وکسب‌وزندگی‌مردم

راآزادبگذارد قطعا محصول غله آنقدر زیادخواهدشد که مقادیرمهمی بخارجه صادرشود.

دلارهای تقلبی دربازار تهران - لابد بخاطرداریم که سال گذشته مقدارزیادی دلار تقلبی درتهران خرید و فروش شد وبالاخره شهربانی توانست کسانی‌راکه دلارمیساختند دستگیرکند.

این کاریعنی خریدوفروش دلارتقلبی درتهران یك چیزتازه وبی‌سابقه‌ای نبود ودرسالهای قبل‌هم چند دفعه دلارهای تقلبی بایران آورده وبقیمت نازلی بمردم فروخته بودند.

درسال ۱۳۱۰ هم‌مقداری دولارتقلبی دربازارتهران کشف‌شد که بعدهافهمیدندآنهاراازامریکابایران آورده‌اند این دلارها رابنصف وثلث وربع وثمن قیمت رسمی‌میفروختند وخریدارها فکر نمیکردند که شاید این اسکناس های ارزان تقلبی باشد.

هیچ ارزانی بدون سبب نیست آنروزها هریك دلار در ایران درحدود دوتومان - بیست ریال - قیمت داشت ولی دلارهای تقلبی را اوایل کار هریك دلار شش ریال فروخته بودند ولی بعدها ظاهرا تاچهار ریال هم رسیده بود تاآنکه روزنامه اطلاعات ازماجرا باخبرشد و نوشت وسروصدای قضیه بلند شد و کسانی که دلارهای قلب را خریده بودند دچارخسارت شدند.

تاوقتی که‌روزنامه‌اطلاعات تذ کرداد که‌این‌دلارهاقلب‌است‌واعتبار ندارد وبایدازخریدآن‌خودداری کنید اداره نظمیه‌عاملین‌این‌تقلب رادستگیرکردولی‌چه سود که‌زیان فاحشی برمردم واردآمده بود.

فقط‌ازآلمان وزیرنظرآلمانی - سرمایه داران یزد و کرمان که ازیك طرف فایده‌وجود کارخانجات جدیدالتاسیس را مشاهده میکردند وازطرف دیگر دولت درتشویق بازرگانان بتأسیس‌کارخانه ازهیچگونه اقدام و کمکی‌خودداری نداشت بفکرافتادندکارخانجاتی درآن دوشهرتاسیس نمایند.

دراصل موضوع اختلاف نظری نبود ولی دربعضی‌جزئیات ، نظرهای مختلف اظهار میشد ازجمله اینکه کارخانه ها ریسندگی وبافندگی‌باشد یا تنها ریسندگی‌دیگراینکه آیا یزد و کرمان هریك‌کارخانجات جداگانه‌ای داشته باشند یا اینکه بازرگانان دوشهرباهم شریك‌شده یك‌کارخانه‌بزرك تاسیس کنند.

دیگراینکه‌کارخانه مخصوص پارچه پشمی باشد یا نخی‌یا ابریشمی وبالاخره اینکه ماشینها از کدام کشور خریداری‌گردد ازانگلستان یاآلمان یافرانسه یاممالك دیگر.

چون خریداری ماشینها ازهریك ازاین کشورها عده‌ای‌طرفدارداشت‌حتی‌یکی دونفر که شنیده بودند کشور سویس پارچه‌های ابریشمی عالی ونفیس دارد پیشنهاد میکردندکه خوب است ماشینها را از سویس ویا ایتالیا خریداری کنیم!

روزنامه اطلاعات که عقیده داشت اول باید اقتصادیات کشوررا سروصورت کامل داد وهراقدامی را که بنفع صنعت وفلاحت واقتصاد ملی بود با اهمیت تلقی میکرد سرمقاله مفصلی زیر عنوان نخ ریسی یزدو کرمان نوشت که این موضوع را بدقت‌حلاجی‌میکرد ونظریات خودرا بنظردولت ومؤسسین‌کارخانجات این‌دوشهرمیرساند.

روزنامه اطلاعات عقیده داشت که اولا بکارانداختن ماشینهای نساجی دراین دوشهر بصلاح مردم نیست چون ممکن‌است باعث بیکارشدن نساجان دست‌باف بشود (بعدها این‌پیش‌بینی تایید شد) فقط باید ماشین ریسندگی‌دایر نمود که نخ پشم وابریشم وریسمان بقیمت ارزان دردسترس نساجان بگذارد واحتیاج کشوررا ازاین حیث مرتفع سازد بدون آنکه مزاحمت و رقابتی برای بافندگان فراهم کند.

درموضوع اینکه ماشینها از کدام‌کشور خریداری شود روزنامه اطلاعات عقیده قطعی داشت که ازآلمان خریداری‌شود چون اکثر بلکه همه‌ماشینهای کارخانجات ایران (کارخانه شاهی ، ریسندگی‌سمنان-پشم‌ریسی‌قزوین وغیره) ازآلمان خواسته شده وبعلاوه سیستم کارخانجات آلمانی درهمه دنیا معمول‌شده ودرایران‌نیزمتداول گردیده است ونوشت‌که متخصصین صنعتی اکنون غالبا آلمانی هستند وبرای تهیه قطعات یدکی ورفع نواقص‌کارخانه‌ها آماده می‌باشند.

بالاخره پیشنهاد ونظریه روزنامه اطلاعات عملی‌شد وماشینها راباآلمان سفارش دادند و کارمنظم‌ماشین هاشان دادکه نظریه این‌روزنامه صائب بوده وبنفع کشور تمام شده‌است.

هفتمین سال: روز اول تیر ۳۱۱ آغاز سال هفتم اطلاعات اعلام شد، درطی مقاله نوشت : تادیروز شماره مسلسل روزنامه به یکهزار وسیصد وپنج شماره رسیده است، یعنی در جریان شش سال، روزنامه اطلاعات(باستثنای یك هفته که دراثر انتشار سلسله مقالاتی درانتقاد سخت ازعقد بعضی قرارداد هائی که بستگی باحق قضاوت قنسولات داشت توقیف گردید) بقیه مدت بدون تعطیل انتشار یافته است.

***

مقالاتی که سبب توقیف یك هفته گردید، مطالبی بود که ازروی کمال وطن پرستی ودلسوزی نوشته شده بود ولی چون باشدت ازدستگاه قضائی انتقاد شده بود دولت نتوانست تحمل چنان انتقاد سخت را بنماید ونزد اعلیحضرت فقید شکایت شد وباجلب نظر شاه مرحوم تیمورتاش وزیردربار دستور توقیف اطلاعات رابنظمیه داد وفقط کافی بود که مامور نظمیه بمطابع اطلاع دهد که فلان روزنامه توقیف است ونباید چاپ شود واگر پشتکار وجدیت آقای مسعودی نبود اطلاعات درمحاق تعطیل می‌ماند، درآن موقع عده‌ای از نمایندگان مجلس رابکمك طلبید وبخصوص مرحوم وثوق‌الاسلام نماینده قزوین دراینمورد خیلی مساعدت نمود ودر مجلس شورایملی تعطیل اطلاعات رامتذکر شد وتقاضای رفع توقیف نمود وبعلاوه جمعی ازنمایندگان وخود مرحوم وثوق قزوینی ازوزیر دربارملاقات نموده ومصراً رفع توقیف را خواستند تادستور بسرتیپ محمد درگاهی صادر شد وآزادی اطلاعات اعلام گردید.

***

چند جمله ازمقاله اطلاعات بمناسبت هفتمین‌سال ازاینقرار است: بهترین بیلانی که‌یك روزنامه درآخرسال میتواند بیرون دهد این‌است که درسال مزبور وظایف ملی ووطنی خودرا باکمال صحت وازروی صمیمیت ووظیفه شناسی وعلاقه بملت ومملکت انجام داده باشد ومابسیارمسرور وخوشوقتیم که توانسته‌ایم وظایف ملی‌خود را با حسن نیت انجام داده واینك مشعوف باشیم که در بیلان عمل ترسالیانه ما خوشبختانه خدشه وخللی وجودنداردو اگراوراق گذشته را بشهادت‌بطلبیم خواهیم‌دید که‌درادعای خودصدیق هستیم‌واعمال ما دربرابر مردم ومملکت خوب‌بوده است .

بعلاوه قضاوت مردم نسبت بمارضایت‌بخش بوده‌زیرا استقبال شایانی که ازمؤسسه‌ما میشود وتوجه‌مخصوصی که ازطرف قاطبه اهالی باین روزنامه مبذول میگردد برای مابمنزله قضاوتی است‌که افکارعامه ازاعمال و رفتارمامی‌نمایدسعی‌ما این‌است که‌روزنامه راازنظریات‌خصوصی وشخصی وغرض‌ورزی دورنگاهداشته‌درتنویر افکار، ترویج غرورملی،تشیید احساسات وطن‌پرستانه وبالاخره تعقیب‌راهی که‌مملکت رابشاهراه سعادت می کشاند اهتمام نمائیم وامیدواریم این مشی وروبه را با تائیدات وتوفیقات خداوندی وتوجه خوانندگان محترم ازدست‌ندهیم‌ودر توسعه خدمات خود ورفع‌نواقص کوشاباشیم.

قانون جلوگیری ازاجناس ممنوعه : امروز باردیگرفریاد جلوگیری از امتعه‌لوکس بلندشده است وحال آنکه دراین‌خصوص قانونی بتصویب‌مجلس شورای‌ملی رسیده که‌متن‌آن درشماره تیر۳۱۱ اطلاعات انتشاریافته وبموجب‌آن محدودیت های سخت برای‌واردات تجملی قائل‌شده‌اند.

روزنامه‌اطلاعات درین‌باره‌سهم‌بسزائی‌داشت،پیوسته حمایت‌مصنوعات داخلی وجلوگیری ازامتعه خارجی بخصوص اجناس غیرضروری را ضمن مقالات مؤثرخودمی‌نوشت تامنجربوضع قانون‌گردید.

درماده‌اول این‌قانون اداره‌کل تجارت مکلف گردید.از اجناس‌ممنوع الورود صورتی تهیه کرده اعلان نماید کسانیکه چنین کالائی دارند مکلفند صورت آنرا منتهی در ظرف دوماه ازتاریخ انتشار اعلان درهرمحل باداره‌کل تجارت تسلیم نموده ورسید دریافت‌دارند وتا انقضای‌سال ۱۳۱۱ درآخرهرماه صورت‌فروش آن‌ماه‌را نیز باداره کل‌تجارت بفرستند وبعداز انقضای سال‌آنچه فروش نرفته درظرف یکماه تحویل دولت دهند تا تحت نظارت‌دولت وصاحبان اجناس بقیمتی که دولت‌معین‌می کند بفروش برسد واگراین‌کاررانکنند اجناس‌آنها درحکم قاچاق‌بوده وبنفع‌دولت ضبط‌میشود ـ بااین‌ترتیب راه‌ورود قاچاق امتعه‌تجملی‌موقتا بسته‌شد وواردات تحت‌شرایط سخت‌و کنترول شدید درآمد.

رشته‌ای برگردنم افکنده‌دوست: برای ترویج امتعه وطن تبلیغات زیاد میشد وپوشیدن لباس وطن

لم کم افتخار شمرده میشد . بانوان هم در سادگی و دور انداختن آرایشات و در بر کردن پارچه هائی که در کشور تهیه می‌شد سعی داشتند . در اطلاعات اعلانات زیادی در این باره منتشر میشد و فروشندگان امتعه وطن هر یک بر دیگری در اعلان متاع خود سبقت می‌جستند از جمله اعلانات جالب توجه آن روز (اوایل تیر ۱۳۱۱) اعلان زیر است :

دیروز جمعی از رفقا بگردش لاله‌زار دعوتم نمودند منهم پذیرفته حرکت کردیم همینکه بمغازه ری پور رسیدیم از دیدن کراوات های وطن بقدری محظوظ شدم که بی‌اختیار بسازنده آنها آفرین گفته و از رفقای خود تشکر نمودم و باآنکه شاعر نیستم این ابیات برزبانم جاری شد.

یزدیان راپیش کشور آبروست ـ یزدچون مغزاست و گیتی همچو پوست ـ از کراواتش که زیبا و نکوست ـ رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست ـ میکشد هرجا که خاطرخواه اوست.

تثبیت نرخ اسعار ـ در عالم تجارت هیچ بحرانی خطرناکتر از بحران اسعار نیست و هیچ خاری برای اقتصاد مملکت مهیب‌تر از تزلزل و تشنج اسعار نمی‌باشد برای خسارت و شکست یکنفر تاجر هیچ خاری بالاتر از بورس بازی نیست. قسمت مهم ورشکستگی‌هائی که در عالم بوجود می‌آید مربوط ببورس و اسعار است.

وقتی مقدرات تاجر ببورس سپرده شد همیشه آن تاجر با ترس و وحشت زندگی میکند و اصولا نمیتواند دنبال نقشه‌های بزرگ اقتصادی برود.

اگر این تنزل و تشنج اسعار که روی هیچ پایه واساس نیست ویك قیمت مصنوعی است که از قانون عرضه و تقاضا بکلی دور افتاده وروی استفاده‌های خصوصی دور میزند ادامه یابد همیشه تجارت مملکت را در حال فلج نگاه خواهد داشت وضرر آن هم برای تجار هم برای مصرف کننده هم برای تولیدکننده وبالاخره برای مملکت است.

اطلاعات موضوع اسعار خارجی را آنقدر دنبال کرد تا نرخ در تیرماه تثبیت گردید واین امر در بازار و پائین آمدن قیمت اجناس خیلی تاثیر کرد ومفید بحال مردم واقع شد.

شرکت نفت جنوب ـ درعصری که دنیا بمقررات وعهد نامه‌های رسمی پشت‌پا میزند قراردادهائی را که تمام نمایندگان دول امضاء ومهر نموده‌اند زیر پاگذارده واعتنا نمیکنند آیا عجب نیست نسبت بیك امتیاز‌نامه خشك که بدون حزم واحتیاط ودریك ایام تاریك وظلماتی مملکت تحت تاثیرات خارجی وبنفع اجانب داده‌شده است اینقدر دلبستگی وعلاقمندی داشته باشیم .

درماه صفر ۱۳۱۹ هجری یعنی درست ۳۲ سال قبل امتیازی بدارسی برای استخراج نفت جنوب بمدت شصت سال داده شد که سستی و بی‌بنیانی مقررات امتیاز نامه از موادی که تنظیم ودر آن موقع تسلیم دارسی شده است بخوبی واضح وروشن میگردد.

امروز اگر هیئتی برای قضاوت درمتن این امتیاز نامه بنشینند مواد ومقررات آن‌را از نظر عدل و انصاف وبدون طرفداری از حقوق ملی‌ما ومنافع شرکت مورد توجه قرار دهند تصدیق خواهند کرد که تمام این مواد بضرر مملکت تنظیم گردیده و تعجب خواهند کرد چگونه دولت وملت ایران پس از بیداری و خاتمه آن دوره ظلمانی حاضر شده الاًن مواد ومقررات آن‌را محترم شمرده بمدلول آن عمل نمایند .

امتیازی که کاملا یك‌طرفه بوده، امتیازی که هیچ رسمیتی بآن نمی‌توان دادزیرا قوه مقننه مملکت آن‌را تصویب وامضاء ننموده‌است،امتیازی که قابل هر گونه جرح وتعدیل میباشد وهیچ‌مرجعی نمیتواند ملت ایران‌را وادار باجرای آن مقررات نماید.برای‌چه ماتابحال خودرا ملزم باجرای آن‌دانسته و کمپانیرا در هرگونه عملیات خود آزاد گذاشته‌ایم . کدام یك‌ازمواد قرارداد دارسی‌را میتوانید نشان‌بدهید که بمنفعت ایران تنظیم‌یافته ومنافع ملی ما درطی آن ملحوظ گردیده‌است کدام ماده از قرارداد دارسی باوضعیت امروز مملکت‌ما متناسب است . بعقیده ماکمپانی نفت جنوب ازاین متانت ومناعت‌طبع وحسن‌سلوك واحترام‌ملی‌ماسوء استفاده مینماید .

مادرمقابل چشم‌خود لوله‌های طلارا می‌بینیم که ازمملکت بخارج جاری‌است و از طرفی وجود احتیاجات مفرطی هم ازلحاظ اصلاحات مملکتی بتزیید ثروت‌ملی داریم اماهیچ حرف نمیزنیم ودو برابر ثمن بخس ساکت و آرام‌نشسته و می‌بینیم که حقوق‌ملی ماتضییع و دستخوش میگردد

«ازسرمقاله ۷ تیرماه ۱۳۱۱»

سرجان کدمن چه گفته بود؟ اطلاعات در شماره ۱٦٤٢ مورخه ۸ تیر ۳۱۱ اشاره بنطق سرجان کدمن رئیس کمپانی نفت جنوب نموده ومیگوید که مشارالیه در سر میز شام سالیانه رؤسای شرکتهای نفتی دنیا در شیکاگو گفت که باید سعی کنیم چاههای نفت کشف شده راحتی المقدور ببندیم وبجای اینکه نفترا درمخازن مصنوعی روی زمین انبار کنیم بمراتب ترجیح دارد در انبار ها و مخازن وسیع زیر زمینی که طبیعت بوجود آورده است نگاهداری نمائیم.

اطلاعات درهمان شماره مینویسد این حرف کدمن باعمل ایشان که کمپانی نفت جنوب باسرعت مشغول لوله کشی نفت موصل بدریای مدیترانه است مغایرت تام دارد ، اگر نفت زیاد دارند چرا باین عجله وشتاب در توسعه استخراج نفت عراق کوشش میشود واضافه میکند که مابایدتکلیف خودرا با کمپانی نفت جنوب روشن کنیم.

تردیدی نیست که چاه های نفت ایران مقام دوم را از حیث موقعیت ومزیت واستعداد عجیب طبیعی ومحصول فراوان در دنیا حائز گردیده است .

معهذا ملیاردها طلائی که از اراضی زرخیز ومنابع ثروتمند ایران خارج شده از چند چاه بیشتر نبوده و بقیه چاه‌ها مستور واز استخراج آن خودداری شده زیرا اگر بخواهند بتمام چاه ها دست بزنند معادن ایران دنیا را پراز نفت خواهد کرد .

ما نمیتوانیم دربرابر جریانات نا مطلوبی که می‌بینیم ودورنمای تاریکی که در انظار مجسم میشود ساکت باشیم زیرا محصول نفت جنوب وعایدات حاصله آن ازعوائد برجسته ومهم مملکت بشمارمیرود این عوائد ذخیره ملی است وموضوعی نیست که نسبت بآن بی علاقه باشیم .

این سرمایه افراد این مملکت است، تمام مردم درآن سهیم هستند وازین پیش آمد ها کمال نگرانی را دارند ما خیلی خوشحالیم که می‌شنویم موضوع مورد توجه دولت قرار گرفته ومخصوصاً نسبت بصورت حسابی که داده‌اند عدم قبولی خودرا رسما اطلاع داده وتا تعیین تکلیف قطعی ازاخذ حق السهمی که معین کرده‌اند خودداری شده. بدیهی است درین جریان تمام افراد مملکت ناظرومنتظرند ترتیبی داده شود که منافع ملی حفظ و سرمایه مملکت تضییع نگردد .

امروز اوضاع بین المللی اجازه اجحاف بکسی نمیدهد. دنیا حاضر نیست حرف ناحساب گوش کند ولواینکه مقید وپای بندبتعهدات وقراردادهای بین المللی باشد . هیچ موجبی امروز مارا وادار نمیکندکه نسبت بکمپانی نفت جنوب وامتیازنامه غیررسمی وحق شکنانه اوسا کت بوده وخودرا مجبور بقبول وانجام آن مقررات سازیم کدام حق وعدالتی بماحکم میکند که حق استملاك واستفاده بیش از ۲۳ فرسنك اراضی زرخیزمملکت خودرا بیك شرکت انگلیسی واگذار نموده ودرمقابل میلیون‌ها لیره طلائی که مثل سیل ازاین مملکت بطرف لندن جاری میشود ساکت و ناظر بوده و از باقیمانده مختصری که باسم صدی ١٦ بما میدهند دلخوش باشیم .

نایب السلطنه حجاز مهمان شاه فقید بود : امیرفیصل نایب السلطنه حجازشش روزمهمان اعلیحضرت فقید بود وروز ١٤ تیر ۳۱۱ طهران را ترك نمود واز راه بین النهرین عازم نجد وحجاز گردید .

اطلاعات باین مناسبت درخصوص روابط ایران وابن سعود نوشت :ممالکی که بیشتر باممملکت نجد وحجاز رابطه دارند ولازمست مناسبات آنهاروی پایه مودت ودوستی استوار باشد ممالکی است که هر ساله عده زیادی مسافر برای حج بیت الله الحرام بآنجا اعزام میدارند واین دول عبارتنداز ایران ،مصر، بین النهرین، فرانسه، انگلستان ایطالیا ،روسیه وهلند که علاوه برممالك اسلامی ازممالك اروپائی ومستعمرات آنهانیز اتباع مسلمان زیادی همه ساله بمکه مسافرت مینمایند وقسمت مهم مسافرین بیت الله رامسلمانان جاوه تشکیل میدهند وحکومت نجد وحجاز سعی دارد روابط خودرا باتمام این ممالك بسط وتوسعه دهد. ازوقتی که سلطنت نجدوحجازدردست سلطان عبدالعزیز بن سعود قرار گرفت واصلاحات اساسی درداخله مملکت نمود امنیت وآرامش کامل درتمام نقاط مملکت مستقر گردید. رفته رفته توجه سلطان نجد وحجاز بتزئید مناسبات وبسط روابط حسنه باممالك شرق وممالك اروپائی معطوف شده ومسافرت نایب السلطنه حجاز برای تشیید وتحکیم روابط دوستانه ممالك وافتتاح مناسبات جدیدوبسط سیاست خارجی آن دولت بوده است .

شمش های طلارا دیدن نمود : شمشهای طلای خریداری شده را بامراقبت کامل بخزانه بانك ملی انتقال دادند ، این شمش‌ها وجواهرات سلطنتی پشتوانه اسکناس بود ، اولین دفعه که شاه فقید شمش‌های طلا را دیدن نمود

۱۷ تیر ۳۱۱ بود که دربانك ملی حضور پیدا کرده و ذخائرطلا و نقره وجواهرات که پشتوانه محکمی برای پول رایج کشور بوددیدن نمودواز این دیدار بسیار خوشوقت شدو گفت حالامیتوان اطمینان کرد که مادر کارهای مالی واقتصادی خودتوفیق حاصل خواهیم کرد .

تیمورتاش در بندرچمخاله ـ روز دوم مرداد ۳۱۱ مرحوم تیمورتاش بعنوان کسالت بساحل دریای مازندران عزیمت نمود وبندرچمخاله را برای استراحت وآب تنی انتخاب نمود و نزدیك دوهفته درآنجا ماند. این مسافرت موجب شایعات زیادی بین مردم گردید و گفته شد که نظرشاه فقید ازتیمور تاش برگشته و این مقدمه کناره گیری وزیر دربار است ، این شایعه آن روز صدق نکرد ولی چیزی نگذشت که صورت حقیقت پیدا کرد .

آقای فتح‌الله نوری اسفندیاری ، مرحوم دیبا رئیس محاسبات دربار و آقای محمد خسروانی هم دراین مسافرت همراه بودند .

سئوال دشتی و جواب تقی‌زاده ـ موضوع احقاق حق ایران ازمنابع زر خیز نفت روز بروز کسب اهمیت می نمود و مورد پرسش و بحث قرار میگرفت ، چیزیکه بیشتر باعث تعقیب موضوع شده بود روش خود دولت وقت بود که بر حسب دستور شاه فقید جداً برویه کمپانی نفت اعتراض میشد ، ازقبول حق الامتیاز دولت خودداری شده و مصمم بودند حق ایران را مطالبه کنند نمایندگان شرکت نفت هم بدفع الوقت گذرانیده و نسبت باین سروصداها اعتنائی نمیکردند.

ازجمله اعتراضات بشرکت نفت نطق هائی بود که درمجلس ایراد گردیده بود که مهمترین آن سئوال و جوابی است که در جلسه ٤ مرداد ۳۱۱ از طرف آقای دشتی و آقای تقی زاده وزیر دارائی مطرح گردید آقای دشتی گفت اگر ماازچند صدهزار لیره صرف نظر کنیم آسمان بزمین نخواهد آمد . دولت اکنون مساوی همین مبلغ صرف امنیت محوطه نفت خیز وحفظ منافع شرکت نفت مینماید و ماقبل ازاینکه امنیت درکشورحکمفرماشود کمپانی نفت مجبوربود سالیانه مبالغ هنگفتی خرج کند و حقی بروساو متنفذین بدهدتامصونیت و امنیت داشته باشدچرانباید نظارت دقیق درکار شرکت داشته باشیم برای‌چه حق ایران را می‌برند وچندرقاز بما میدهند واقعاً مضحك است که صاحب معادن نفت فقط سیصد هزارلیره عایدات یکساله ۱۹۳۱ داشته باشد و دولت انگلیس درهمانسال متجاوز از هشتصد هزار لیره از کمپانی مالیات بگیرد.

آقای تقی زاده وزیر مالیه گفت:

روابط ما با کمپانی نفت مبنی بریك سندی است معروف بامتیاز نامه دارسی که در ۳۲ سال پیش تحریر شده که ناشی از عدم اطلاع و بصیرت گذشتگان است ، ازنواقص ومعایبی که دراصول مواد آن حالا دیده میشود طرز حساب حق الامتیاز دولت میباشد که ساده واطمینان بخش نیست وهیچ نوع ضمانتی را نسبت بمنافع ایران متضمن نمیباشد این موضوع مورد تامل وبحث ونگرانی است وقراری که آرمیتاژاسمیت انگلیسی با کمپانی گذاشته اگرچه هرساله از روی آب حساب مبالغی بدولت ایران پرداخت گردیده ولی مورد قبول نیست و مذاکرات و اعتراضات ما با کمپانی نسبت بحساب گذشته باقی وادامه دارد ما برای احقاق حق ایران تلاش می کنیم و بدیهی است هرگاه مذاکرات با کمپانی بنتیجه مطلوبهٔ نرسید دولت ناچار برای حل اشکالات بطریق دیگری برای احقاق حقوق خود توسل میجوید.

درکرمان وفارس ولارستان : دراین سه محل سیل عظیمی نیمه مرداد ۳۱۱ جاری گردید که عده زیادی را بی‌خانمان ساخت وخسارات هنگفتی برمردم وارد آورد واعلیحضرت فقید پنج هزار تومان برای کرمان وپنج هزار تومان برای فارس اعانه داد وبعد ازین کمك دولت بفعالیت پرداخت وشیروخورشید ازمردم استمداد نمودواقدامات سریعی شروع گردید زیرا قنوات بکلی منهدم شده بود واین مناطق بقحطی وخشکسالی تهدید میشد واطلاعات نوشت که چند سال است طبیعت قیافه خشم آلودی بساکنین این مملکت نشان میدهد وهرسال یکقسمت ازین سرزمین دستخوش قهرو وغضب میگردد وماتصدیق داریم که مردم ازپرداخت اعانه دراین چند سال خسته شده‌اند ولی‌چه باید کرد که مصیبت زیاداست واشخاص نوع پرست وخیرخواه باید باین قیافه‌های گرفته ودرهم هموطنان خودکه دربرابر این مصائب افسرده وملول گشته‌اند جواب مثبت بدهد .

نمایندگان مجلس ، تجار واصناف وملا کین یکی پس ازدیگری دردادن اعانه سبقت جستندو کمك کردند و باید تصدیق کرد که درقدیم احساسات نوع‌پرستی بیش‌ازامروز بود .

مبادله املاك : فکر تعویض املاك از ابتدای سال ۱۳۱۱ در دماغ رضاشاه قوت گرفت وی در صدد بر آمد متنفذین را از منطقه‌ای بمنطقه دیگر بفرستد و این عمل را با معاوضه املاك آنها از جنوب بشمال و از شرق بغرب انجام دهد. برای این کار لایحه‌ای بمجلس داده شد باین مضمون «دولت درصدد است که املاك وعلاقه بعضی اشخاص را در بعضی از نقاط با املاك دولتی در نقاط دیگر معاوضه نماید و برای تهیه مقدمات امر و اعزام مامور ومقوم وسایر مخارج اعتباری درحدود ۱۸ هزار تومان تقاضا دارد» این لایحه از مجلس گذشت و دولت شروع بکار نمود و تعویض املاك انجام شد لکن پس از شهریور ۲۰ این قرار برهم خورد وصاحبان نفوذ دوباره املاك خود را ضبط نمودند.

چائی بسته بندی شد : تا نیمه سال ۱۳۱۱ چائی در صندوق‌های بزرك وارد می‌شد و بهمان ترتیب در دکاکین عطاری برای فروش عرضه می‌شد و راه ورود قاچاق آن باز بود زیرا صندوق بزرك چای قابل کنترول نبود بعلاوه چائی را مخلوط میکردند و ذائقه مردم هر شهر در نظر گرفته نمی‌شد و از این راه بر مردم تعدی می‌شد. اطلاعات موضوع بسته بندی چای را پیشنهاد نمود و در شماره ۳۱ مرداد ۳۱۱ تحت عنوان جلو گیری از قاچاق نوشت که بهترین راه ورود چای قاچاق که جلوی مصرف چای داخله را گرفته و این زراعت مفید را از بین می‌برد اینست کـه چای بصورت بسته بندی در معرض فروش گذاشته شود تا بسته‌های چای را بتوان بمهر مامور دولت رسانید ولی مخصـوصا اضافه نمود که ما پیشنهاد می کنیم که این بسته بندی در خود کشور صورت گیرد تا از این راه کاری هم در داخله برای یکـعده مردم پیدا شود و مخـارج بسته بندی در خود کشور صرف شود ـ این عمل هم از قاچاق و هم از تقلب و مخلوط کردن چای جلوگیری می کند و چای طبق ذائقـه و دلخواه مردم ونظیف و پاکیزه در دسترس مردم گذاشته می‌شود .

پیشنهاد اطلاعات که در چند شماره تعقیب گردید مورد توجه دولت واقع شد و موضوع صورت عمل پیـدا کرد ولی نواقصی در آن بظهور پیوست کـه چای داخله را کماکان از رونق بازار بازداشته و هنوز هم این موضوع مورد کمال توجه است و تعدی و اجحاف و تقلباتی باز هم در آن روی میدهد.

اطلاعات در تأیید عقیده خود در بسته بندی چای در داخله نوشت تا چند سال پیش قسمت مهم چائی مصرف ایران از روسیه وارد میشد که مارك وعلامت روسیه روی آن خورده بود. همه کس خیال میکرد این چائی‌ها محصول روسیه است و حال آنکه محصول چین بود که بروسیه میرفت و در آنجا گیروانکه میشد و مارك روسیه روی آن زده میشد و از این راه مؤسسه روسی منافع زیادی عاید میداشت حالا چرا ما خودمان این عمل را انجام ندهیم.

فوت مستوفی الممالك ـ روز ٦ شهریور ۳۱۱ مرحوم مستوفی درمنزل آقای سردار فاخـر حکمت (رئیس کنونی مجلس شوری) نماینده آنروز مجلس دعوت داشت .

مستوفی چندی بود درمنزل ییلاقی مرحوم صاحب اختیار «اختیاریه» زندگی میکرد ، روز یکشنبه صبح در منزل اظهار کسالت نموده و گفته بود با اینکه کسالت دارم چون شایق برفتن منزل سردار فاخر ودیدن دوستان هستم میروم ولی حالم خوب نیست ومن دیگر از این دنیا خواهم رفت.

یکساعت بظهر در امامزاده قاسم منزل سردار فاخر حاضر میشود. در آنجا مرحوم صاحب اختیار ـ دکتر مهدی ملك زاده (سناتور فعلی تهران) ومرحوم سردار عشایر قشقائی حاضر بوده‌اند. پس از اندك توقف مستوفی اظهار کسالت از درد دل دائمی خود می نماید. گفته می‌شود قرص‌های «اتر» خیلی مؤثر است می فرستند و پنج دانه قرص میخرند یکی را میخورد احساس بشاشت در قیافه آنمرحوم ظاهر میشود همه خوشحال و مشغول صحبت بوده‌اند و بیشتر مذاکرات در اطراف مرض سکته بوده است در همین هنگام آقای دکتر ملك زاده و صاحب اختیار که مقابل ایشان نشسته بودند می بینند مستوفی از روی صندلی که نشسته بطرف زمین متمایل شده تصور میکنند چیزی از دستشان افتـاده میخواهند از زمین بردارند ولی می‌بینند این قوس نزول زیادتر شد و نزدیك است بیفتد یکمرتبه متوجه شده ایشان را روی زمین میخوابانند ومرض سکته را درایشان ظاهر می‌بینند .

بلافاصله برای گرفتن خون اقدام میشود و چـون وسایل نبوده آقای دکتر ملك زاده بوسیله تیـغ ژیلت زیر گوش را چند خراش میدهند بادکش میگذارند ولی هیچ خون نمی‌آید از زیر گوش دیگر چند قطره خون می گیرند.

نبض جریان ضعیفی پیدا میکند همه خوشوقت میشوند ناگهان مستوفی تنفس عمیقی نموده زندگی را بدرود میگوید در همین موقع بر اثر اطلاعی که داده شده بود دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم الدوله ـ دکتر یونس افروخته بربالین مستوفی حاضر میشوند ولی معالجات نتیجه بخش نبود .

فقدان یك مرد شریف : اطلاعات سرمقاله روز ۷ شهریور را تحت همین عنوان باعکس مرحوم مستوفی اختصاص بشرح حال وزندگی سراسر افتخار مستوفی‌داد ونوشت : مرك ناگهانی مستوفی همه‌را متاثر ساخته است، تاثیری که مرك مستوفی درروحیه عموم نموده ازاین لحاظ است که این مردشریف درتمام‌مدت زندگی خود پیوسته شرافت ، وطن‌پرستی ، درستکاری ، عزت نفس ، غرور ملی را وجهه نظر داشته و در موارد صعب و دشوار باکمال بیطرفی و بی‌نظری دربرابر فشار وناملایمات خارجی ایستادگی نمود وبتمام معنی مردی شریف ، آقا و بزرك بود .

مستوفی نزد اعلیحضرت فقید محبوب بود وباواحترام بسیار میگذاشت، در ایام رسمی وروزهای جشن پیوسته مخاطب شاه قرارمیگرفت و اگر بواسطه عارضهٔ نقاهت غیبت مینمود، ازغیبت و کسالت او شاه اظهار تأثر نموده و از حالات او تحقیق مینمود.

سپس اطلاعات چنین می‌نویسد: مستوفی‌الممالك فرزند مرحوم میرزا یوسفخان مستوفی‌الممالك و ۵۸ سال از عمر وی میگذشت. مستوفی از رجالی بود که در سن یازده سالگی بمقام وزارت مالیه منصوب گردید و چون کوچك بود مرحوم وزیردفتر پدر آقای دکتر مصدق بعنوان معاونت سمت مشاوری مستوفی‌را داشته و درحقیقت مرحوم‌وزیردفتر وزارت‌مالیه‌را اداره مینمود.

مستوفی تا۲۱ سالگی در پست وزارت مالیه باقی ماند وبعد باروپا رفت وهفت سال درآنجااقامت گزید و اوایل مشروطیت باتفاق اتابك بایران بازگشت ودر زمان صدارت اتابك وزیرجنك شد وبعد وزیرمالیه و بعد رئیس‌الوزراءگردید ودرمدت عمر خودیازده‌بار بریاست وزرائی نائل‌شد .

اولین سلب مصونیت نماینده مجلس : روز۸شهریور ۳۱۱ وزیرداخله(منصور نخست‌وزیرفعلی) نطق‌مشروحی‌درخصوص‌وقایع‌فارس درمجلس‌شورای‌ملی‌ایرادنموده وگفت :«آقایان‌نمایندگان‌میدانندولت‌چه زحماتی برای‌اعاده‌امنیت‌واجرای‌اصلاحات‌مملکت کشیده‌وخودسری‌وحکومت‌های‌شخصی‌وملوك‌الطوائفی راازمیان‌برداشته ولی هنوز آثار آن گاهی‌ظاهر میشودوبعضی‌اشخاص بااینکه نسبت بتعویض املاك آنها اقدام‌شده که‌مجبورنباشنددرمحیط‌سابق بمانند وداخل قضایائی‌شوند ولی‌متاسفانه معلوم‌میشود بازخیالاتی‌درسری‌بپرورانند. دراین‌قضایاوارتباط‌محرمانه آنها مدارك و اسنادقطعی دولت‌دردست‌دارد که بموقع بعرض مجلس میرساند .

درهرحال قرعه بنام دونفراز نمایندگان‌مجلس سردار عشایر قشقائی‌وفرزند ایشان ناصرخان قشقائی اصابت نموده‌که‌ناچار باید سلب مصونیت‌ازآنهابشود ولایحه‌زیرراتقدیم نموده وبتصویب رسید.

«مجلس‌شورای‌ملی اجازه‌میدهد که آقایان‌اسمعیل‌خان قشقائی‌وناصرخان‌قشقائی‌رادولت‌مورد تعقیب‌جزائی‌قرارداده وپس‌ازتکمیل اکتشاف وچگونگی مطلب مراتب راباستحضارمجلس شورایملی برساند».

نمایندگان‌قشقائی زندانی شدند ومدتها درزندان بسرمی‌بردند وپس ازچندی‌سردارعشایر درزندان‌وفات‌یافت ولی‌ناصرخان درتهران تحت‌نظر بسرمی‌برد وتاشهریور ۲۰ اجازهٔخروج‌ازتهران‌رانداشت.

**

(نکته قابل ذکر اینست مادام که مستوفی‌الممالك حیات داشت شاه‌فقید نسبت بسلب‌مصونیت وزندانی کردن سردار عشایر وفرزندایشان آقای ناصرخان قشقائی (سناتور کنونی انتصابی اعلیحضرت)اقدام نمی‌نمود زیرا مرحوم مستوفی دوستی دیرینی بامرحوم سردار عشایر داشت ونزدشاه فقید ازاو وساطت کرده بود و شاه فقید بواسطه احترامی‌که بمستوفی میگذاشت درمحظور اخلاقی قرارگرفته ونسبت باین‌امر اقدام‌تندی روا نمیداشت لکن بمحض فوت‌مستوفی نقشه‌خودرا درسلب مصونیت‌نمایندگان قشقائی ودستگیری‌آنها عملی‌ساخت .)

کافه شهرداری - شب ۱۵ شهریور ۳۱۱ مراسم افتتاح هتل‌بلدی (کافه‌شهرداری امروز) با حضور دولت‌وسفراء و وزراء مختار صورت گرفت و سرتیپ بوذرجمهری رئیس بلدیه ازمهمانان پذیرائی نمود و ازآن پس رستوران مهمانخانه از طرف بلدیه دائرگردید و برای مهمانی‌های بزرك اختصاص داده‌شدو کم کم بصورت کافه‌درآمد تاامروز ...

اطلاعات دراین‌باره نوشت‌درتمام دنیابلدیه‌ها دارای‌محل‌باشکوه وعمارت‌مجللی هستندبنام «مهمانخانه شهر» که درمواقع لزوم ازسلاطین وبزرگان‌دنیا پذیرائی میکنند وباساختمان این‌مهمانخانه امیدمیرود‌این‌فکر عملی‌شود وبلدیه‌تهران بتواند محل خوبی برای پذیرائی مهمانان خارجی داشته‌باشد ولی درعین‌حال جای افسوس است که تهران دارای یك‌مهمانخانه‌خوب نیست‌وهنوزفکر تاسیس مهمانخانه درمملکت پیدا نشده وافراد باشر کتهائی‌حاضر بساختن مهمانخانه که کمال‌لزوم رابرای‌تهران دارد نیستند و این‌نقیصه درشهر تهران‌وجود دارد.

فرار مسیو فوکل - بادکتر لیندن بلات رئیس بانك ملی چند نفر آلمانی دیگر هم آمده بودند که از جمله آقای فوکل بود که پس‌از حرکت لیندن بلات رئیس سابق بانك به اروپا مسئولیت بانك را با سمت کفالت برعهده گرفته بود. درنیمه شهریور ۳۱۱ فوکل با تذکره جعلی‌بنام یك نفراطریشی ناگهان فرار کرد و بخاك عراق وسوریه رفت. این پیش‌آمدتوجه عموم را جلب نمود وحکایت از اختلاس و بی ترتیبی دربانك ملی می نمود.

جریان امراین‌بود که شاه فقید ازسوء استفاده‌هائی دربانکملی مسبوق شده بود وچون فوق العاده علاقمند بحسن جریان بانك بود دستوررسیدگی محرمانه داد وبمحض اینکه این رسیدگی‌هابجائی رسیدلیندن بلات رامعزول نمود ودستورداد تعقیب شود وکارهابمعاون اومسیوفوکل‌واگذار شدکه‌وهم ازترس‌تعقیب فرار کرده.

فرارفوکل‌نظریات شاه وهیئت مدیره بانك‌را نسبت‌به تفریط درخرج وزیاده روی در برداشت ها بعنوان حقوق وپاداش تائیدنمود.

اطلاعات درتعقیب‌نشر اخبارمزبور اظهارعقیده‌نمود که‌فرارفوکل‌علی‌رغم شایعات ذره‌ای تاثیردروضع بانك نخواهدداشت وامور بانك تحت‌نظرآقای زند نایب‌رئیس که مردی صالح وشریف است جریان منظم خودرا طی‌خواهد کرد وسایر مدیران‌آلمانی که ازاین پیش‌آمد سخت‌عصبانی هستند امورمربوطه خودرا دردست دارند و جداً خواستارند که دولت‌آلمان ازلحاظ ضربتی که فرارفوکل بحسن شهرت‌آلمانی‌ها وارد آورده او را تعقیب و تحویل دولت‌ایران بدهندکه مشارالیه در تهران محاکمه شود.

چندی‌بعد که مأمورین‌آلمانی بدنبال دستگیری وجلب‌فوکل بودند خبر یافتند که مشارالیه دربیروت خودرا بدریاانداخت وخودکشی کرد واین‌خبرتائید شدوصحیح بود زیرا او بعواقب وخیم تعقیب خود درایران و آلمان‌آگاه شد بخصوص‌اینکه باتذکره جعلی‌فرارکرده بود.

پنجمین دسته محصلین اعزامی : روز۲۰شهریور۳۱۱ پنجمین‌دسته صدنفری محصلین‌اعزامی حضورشاه فقیدشرفیاب‌شدند. درآنموقع‌عدهٔ‌محصلین دولتی دراروپا خیلی‌زیادبود زیراعلاوه برپانصدنفرمحصل‌دولتی یکعده زیاددیگر ازسایروزارتخانهاوادارات بخصوص وزارت‌جنگ‌وطرق‌فرستاده شده‌بود وشایدنزدیك به‌هشتصدنفر محصل‌ایرانی‌ازطرف دولت دراروپاتحصیل‌میکرد ولی‌ازآن پس‌عدهٔ محصلین‌دولتی تقلیل‌یافت‌و بعدها کم کم این‌قسمت ازبین‌رفت تاجائی که امروز عدهٔ بسیارقلیلی ازجانب دولت دراروپا تحصیل میکنند.

اطلاعات ضمن جریان‌شرفیابی محصلین سال‌پنجم نوشت‌آقای علاء وزیرمختارما درفرانسه و آقـای قراگزلو وزیرمعارف دربارهٔ اعزام‌محصلین وحسن‌انجام تحصیلات آنها زحمات بسیاری متحمل شده‌اندکه درحقیقت بایداین قسمت‌را مرهون علاقمندی‌آنها دانست

تفاوتی که دسته‌پنجم محصلین با سالهای پیش داشت این بود که ۸ نفر از لیسانسیه‌هائی که در خدمت‌نظام بودند در لباس صاحبمنصبی شرفیاب‌شدند تا پس از پایان خدمت نظام‌خود عازم اروپا شوند وشاه ازدیدن ایـن ۸ نفرصاحب‌منصب اظهار خوشوقتی زیاد نمود زیرا او پیوسته مایل بود جوانان تحصیل کرده ایران فنون نظامرا هم بدانندوخدمت‌سربازی‌را انجام‌دهند.

مکتوب بحرین- شماره‌های اخیراطلاعات تاثیرعمیقی درروحیه ساکنین بحرین بخشیده‌است:«شمایکرشته‌از آمال‌ملی‌وآرزوهای دیرینه‌وطنپرستان حقیقی‌را برشته تحریرآورده‌بودیدانتقادات شما دراطراف مقالات(مورنینك پست)بسیار بموقع وجالب توجه‌بود.قسمت مربوط ببحرین نیز کاملا باعقیده قلبی ما ایرانیان ساکن بحرین وفق میشود خیلی مسرور میشویم وقتی این احساسات و اینهمه‌حرارت وطن‌پرستی را در مرکزوطن خود می‌بینیم ... الی آخر»

اطلاعات بدنبال‌مکتوب یکنفرایرانی‌مقیم‌بحرین‌نوشت:ازاینکه نویسنده‌مکتوب تقاضای‌استتار امضای‌خودرا نموده‌معلوم میشودکه شیوخ‌یادست‌نشانده‌های مصنوعی‌بحرین،بایرانی‌هافشارمیآورندو نمیگذارند مردم احساسات خودرا نسبت به ایران‌علنی سازندو این‌رویه کم‌کم ایجادرعب خواهد کرد واگرروزی‌مجمع اتفاق ملل بخواهد ازراه‌مراجعه بافکار عمومی (رفراندوم) حق ایرانرا بایران برگرداند باید آزادی کامل‌هم درمقابل‌ساکنین بحرین‌بدهدو الاممکنست مردم‌درزیر فشار وسختی نتوانند عقاید باطنی‌خودرا ابرازدارند.

مراسله گاندی از محبس: پس ازخاتمه کنفرانس میزگرد لندن که نظر آزادیخواهان هندوستان تامین نگردید ومنجر باعزام کمیسیون مخصوصی برای تحقیقات دراطراف اقلیت‌های ساکن‌هند شد باردیگر گاندی‌راه

زندان راپیش گرفت واززندان برای دوستان خود درمدرس مراسله‌ای نوشت که درشماره ۲۴شهریور ۳۱۱ اطلاعات بضمیمه عقاید ونظریات روزنامه درطرفداری‌ازنهضت استقلال‌خواهانه هندبهادرج گردیدمراسله کاندی‌ازاینقرار بود:

«مزاجا سلامت هستم، فقط دست راستم گاهی بشدت درد می‌کند، اطباء علت این‌درد رانخ‌ریسی بادوك میدانند که‌ده‌سال است باین‌کار مشغولم وباین جهت دستور داده‌اند که‌دیگر بادوك نخ‌ریسی نکنم، وچون‌نمی توانستم ازنخ‌ریسی منصرف شوم اجازه خواستم بادست چپ‌اینکاررا انجام‌دهم، این‌راهم جلوگیری کردند و گفتند که دست چپ‌هم مبتلا بهمین مرض میشود وبطوری که‌میدانید اطباء خیلی سنگدل‌هستند آنقدر بمن فشارآوردند که ناچار حرف آنها راشنیدم وگفتم‌نه‌بادست راست‌ونه‌بادست چپ‌کارخواهم کرد، خیلی ازشکست من‌خوشحال شدند ولی‌مسرت آنها طولانی نبود زیرا من‌یك‌دوك تازه پیدا کردم که باپامیچرخد وعمل نخ‌ریسی رابادوك تازه خود انجام میدهم ودستهایم نیز راحت است وامروز بیش ازسابق پنبه میریسم. بعضی ازروزنامه‌نویس‌ها ازآن دشمن‌های قدیم من‌این‌خبر راشنیده وآن راباآب وتابی منتشر کردند که‌بالاخره گاندی متوسل بماشین نخ‌ریسی گردید ودوك نخ‌ریسی خودرا ترك نموده است وباماشین فرنگی کارمیکند. این‌خبر مهم (!) آنها راکه خواندم خنده‌ام گرفت باخود گفتم خدا هرچه روزنامه‌نویس است مرك بدهد، چطور حقایق را منقلب میکنند، ولی در موقعی که این نفرین و لعنت را کردم فراموش نمودم که خودم نیز یك نفر روزنامه نویس واز جنس آنهاهستم.»

تجارت‌ایران وشوروی: اطلاعات‌درسرمقاله‌خود مورخه ۶مهر ۳۱۱موضوع‌بدی‌وضع تجارت ایران و شوروی شکایت تجار رامطرح ساخته‌ومینویسد: طبق قراردادتجارتی‌درحدود سی‌میلیون‌تومان یا درست معادل نصف تمام‌سهمیه واردات مملکتی‌برای واردات ازشوروی تعیین‌گردیده‌که معادل این مقدار هم از اجناس ایران صادر نمایند متاسفانه‌شنیده میشود که بعضی شعب تجارتی‌شوروی‌اجناس خودشان را هنگام فروش‌بتجار ایران با جوازی که خودتجار تحصیل‌نموده‌اند میفروشندو‌باین وسیله شانه‌از زیر صدور جنس‌از ایران خالی‌میکنند و تعادل واردات‌وصادرات‌بین‌دو کشوررا برهم‌میزنند واین‌رویه‌بضرر ایران‌است‌وباید حتما متروك‌شود. اگرمبادله جنسی برقراراست‌موسسات شوروی باید مطابق‌آنچه وارد میکنند خارج‌نمایند نه‌اینکه جنس‌بفروشندو‌پول کشوررا‌تبدیل باسعار کنند وازمملکت‌ما بجای‌جنس‌اسعارخارج‌نمایند.

مطبعه اطلاعات: درنیمهٔ مهر ۱۳۱۱ یعنی‌پس‌ازشش‌سال وسه‌ماه که‌ازتاریخ تاسیس روزنامه‌میگذشت اطلاعات صاحب یك چاپخانه کوچك گردیدکه‌ازیك‌ماشین ۳ ورقی روزنامه ودستگاه حروف چینی تشکیل میشد ودراین موقع محل روزنامه بعمارت‌انتخابیه (چهارراه وزارت جنك) انتقال‌یافته بود تا گنجایش ایجاد چاپخانه کوچك را داشته باشد.

از روز۱۶ مهر روزنامه اطلاعات که‌ابتدادرچاپخانه بوسفوروبعددرچاپخانه سیروس‌متعلق‌بآقای صفوی مدیر روزنامه کوشش چاپ‌میشددرچاپخانه خوداطلاعات بطبع‌رسید.

چندسال بدین‌منوال گذشت وباوجودیکه حرکت ماشین چاپ بابرق صورت میگرفت وتاآنوقت بادست‌بود معهذاچاپخانه برای‌نشراطلاعات‌خیلی کوچك بود تااینکه بتاسیس‌شرکت‌سهامی‌چاپ اقدام‌شد وچاپخانه بزرك‌امروزی باهمت یکعده ازبازرگانان ومردمی که‌اکنون هم‌سهیم هستندبوجودآمد وبشرح آن‌خواهیم رسید.

خانم نورحماده‌وحنینه خانم خوری. درتاریخ ۱۰آبادان ۳۱۱ دوخانم شرقی ازمصرولبنان برای‌تشکیل کنگره زنان‌شرق بتهران وارد شدندکه یکی‌خانم نورحماده رئیس شورای‌عالی اتحاد نسوان شرق‌بود ودیگری‌حنینه‌خانم خوری نماینده زنان مصر در کنگره عمومی زنان شرق‌بود، این دوخانم درمحافل‌نسوان‌ایران استقبال شدند ومجالس سخنرانی تشکیل‌دادند.

شاه فقید در خرابه های تخت جمشید: وقتی شاه‌فقیدازپله‌های عمارت تخت‌جمشیدبالامیرفت وحجاری‌های زیبائی‌که بوسیله پرفسور هرتسفلد آلمانی اززیر خاك بیرون‌آمده بود دیدن‌میکرد مجسمه سپاهیان هخامنشی هم‌داریوش وخشایارشا توجه‌اورا‌جلب‌نمود وگفت حجاری‌روی‌سنك باین‌زیبائی امروزهم مشکل‌است چه‌صنعتگران ماهری‌ایران قدیم داشته وچه‌عظمت وافتخاری کشورما دارامیباشد. تالارهائیکه باسرستون‌های حجاری‌شده اززیر خروارها خاك بیرون آمده‌بودهمه‌را تماشا کرد وبعدکتیبه‌سنگی که درخرابه‌های عمارت‌خشایارشا پیدا شده‌بودتوجه شاه‌را جلب‌نمود وازترجمه‌خطوط میخی کتیبه سنگی پرسید وپرفسور هرتسفلدگفت چون میدانستم اعلیحضرت باین قسمت توجه‌خواهندنمودترجمه آن‌راقبلاحاضر کرده‌ام‌وتقدیم‌نمود وبشرح زیرخوانده‌شد: «نقل‌ازشماره ۱۷۴۹ اطلاعات»

ترجمه قسمت اول - خدای بزرگ اهورا مزداست که زمین راآفرید. که آسمانرا آنجا آفرید . که انسانرا خلق فرمود. که صلح و مسالمت را برای بشر ایجاد نمود. که خشایارشا را پادشاه کرد - تنها پادشاه عالم - یکه خداوندگار آدم.

۲- من خشایارشا - شاه بزرگ - شاه شاهان - شاه ممالك پرجمعیت - شاه این پهن بوم - زادهٔ داریوش شاه هخامنشی .

۳- خشایارشا سخن میراند که پدر من داریوش است - پدر داریوش گشتاسب نامی بود و پدر گشتاسب شخصی آرشامانام - گشتاسب و آرشاما هردو درحال حیات بودند که اهورامزدا برحسب ارادهٔ خود پدرمن داریوش را پادشاه اینکشور گردانید - پس از شاه شدن خیلی چیزهای بزرك بوجود آورد.

٤- خشایارشا سخن میراند که داریوش همراه دیگر نیز داشته ولی چون اراده اهورامزدا بود داریوش مرا بعد از خودش ازهمه بزرگتر گردانید (ولیعهد کرد) موقعیکه پدرم داریوش از تخت پائین آمد بواسطه لطف اهورا مزدا من بر تخت پدرم شاه شدم. پس از شاه شدن منهم خیلی چیزهای عالی بوجود آوردم - آنچه را پدرم درست کرده بود باکارهای دیگر من کامل نمودم - آنچه پدرم کرد و آنچه خود نمودم تمام را در سایه مرحمت اهورامزدا انجام دادیم.

٥ - خشایارشا سخن میراند که اهورامزدامن و مملکت مراحمایت میکند ، آنچه را که من کردم و آنچه راپدرم نمود نیز حمایت وحفظی فرماید .

وقتی ترجمه خطوط میخی کتیبه ها رابرای شاه فقید میخواندند دردریای بهت غوطه ور بود و پس از پایان گفت راستی چه عظمتی ایران قدیم داشته است. یکروز تمام وقت خود را شاه فقید درخرابه ها صرف کرد و همه قسمت هائی را که اززیر خاك بیرون آمده بود تماشا نمود و دستور داد باقدامات اکتشافی خود ادامه دهند واین آثار گرانبها رادر معرض تماشای مردم ایران بگذارند که بدانند نیاکان ما چه عظمت و افتخاراتی برای ما بیادگار گذاشته اند.

بعدها لوح طلاونقره ای که یادگار شاهان قدیم ایران بود و درزیر ستون های عظیم تخت جمشید کشف گردید بتهران انتقال داده شد که مدتی درقصر مرمر درجعبه آئینه گذارده شده بود و بعدها بموزه ایران باستان تسلیم شدکه اکنون یکی ازنفایس موزه ملی ایران بشمارمیرود.

بحریه شاهنشاهی درخلیج فارس: درخلیج فارس جزچند قایق کوچك و بزرك و یك کشتی شکسته کوچك دوره سابق که ازکار افتاده بود و کشتی کوچك مسافری شیخ خزعل دولت چیزی نداشت تابتوانند امنیت سواحل راحفظ وحراست کنند وازدزدی وقاچاق جلوگیری نمایند. شاه فقید تصمیم گرفت درخلیج فارس قوای دریائی تشکیل دهد.

عده ای محصل برای آموختن فنون دریائی بایطالیافرستاده شدکه همه بادرجه صاحب منصبی وارد شدند و مقارن همین احوال شش فروند کشتی کوچك جنگی هم خریداری شد و با تشریفات خاص وارد بوشهر و خرمشهر گردید.

اولین دفعه که مراسم بازدید وافتتاح انجام شد در مسافرتی بود که شاه فقید بهمین منظور به بوشهر نمود و از آنجا با کشتی ببر عازم بندر شاهپور گردید. این اولین سفر دریائی شاه بود که با کشتی ایران انجام میگرفت.

روزنامه اطلاعات بمناسبت افتتاح بحریه جنوب نوشت :

برای ساکنین خلیج هیچ منظرهٔ روح بخش تر ازتماشای کشتی های جنگی ایران نیست، مردمانی که قرنها زیر نفوذ اجانب ناله میکردند ،اصول ملوك الطوایفی وخان خانی وقدرت متنفذین و بالاخره دزدها وغارتگران دریائی هرساعت جان ومال آنهارا تهدید میکرد اکنون علاوه برمرتفع شدن اصول پوسیده مزبور بحریه ای می بینند که نوید عظمت وترقیات بزرگی رادرخلیج فارس میدهد.

چندروزقبل، روزی که شش فروند جهازجنگی ایران آبهای بحرعمان راشکاف داده امواج نقره فام دریای خلیج رابجوش وخروش آورد وبساحل دریای ایران نزدیك شد وشلیك توپ رعدآسائی ازجهازات برخاست مردم بآینده خوداميدوارشدند که طرق ناامنی دریامسدود وریشه آهن خشك میشود وساکنین سواحل از تعرض دزدان مسلح وقاچاقچیان دریائی مصون ومحفوظ خواهند ماند.

شاهپور و راه‌آهن جنوب: بندرشاهپور ساخته شد ووسائل پهلودادن کشتی‌های بزرگ تجارتی برای پیاده کردن مال‌التجاره آماده‌شد وراه‌آهن چند کیلومتر درداخل‌دریا روی‌اسکله پیش رفت و بهره برداری راه‌آهن‌جنوب از بندرشاهپور تاصالح‌آباد (اندیمشك) که دویست‌وپنجاه کیلومتر بوددر نیمه آبان ۳۱۱ فراهم گردید . واگون‌های لوکس‌مسافربری روی‌خط افتاد وحمل‌بار ومسافرشروع‌شد.

آقای‌مسعودی درمسافرت خود همراه شاه فقید ناظرمشاهده یك‌قسمت ازاصلاحات‌بزرگی بود که‌در کشور انجام یافته وموجبات ترقی‌وسعادت مردم‌را آماده میکرد، ایشان ملاحظات خودرا مرتبا از هرنقطه‌بروزنامه می‌ـ فرستاد وهمه حکایت ازتاسیسات جدید عمرانی مملکت می‌نمـود ، پیدایش بندرشاهپور در مرداب وباطلاقی کـه خورموسی نام‌داشت وخشك‌کردن چندفرسخ دریا برای‌ساختن‌اسکله وتاسیسات بندرگاهی که شالوده‌آن مدرن‌وروی استیل‌بهترین ساختمان‌های‌بندری‌عالم ریخته‌شده بودکارمهم واساسی بودلکن‌متاسفانه این‌طرح اصلاحی‌نیز متوقف‌ماند ونقشه ساختمانی وعمرانی آنجا مثل‌سایراصلاحات پیچیده‌شد و کناری‌افتاد .

آقای‌مسعودی بخصوص دقت شاه‌را درکوچکترین کارهای‌ساختمانی وعمرانی توضیح میداد و می‌نوشت که مراقبت دائم شاه که حتی انگشت روی میله ها و شیشه های راه‌آهن می‌کشید تا ببیند گرد و غبارآن را گرفته‌اند یانه سبب شده است که همه مامورین وظایف خودرا بخوبی‌انجام دهند وکاری‌بکنند که مورد مؤاخذه شاه واقع‌نشوند .

تلفن تهران : اطلاعات درشماره ۲٦ آبان ۳۱۱ مقاله مفصلی درخصوص تلفن نوشت که خلاصه‌اش این است : درظرف این چند سالهٔ اخیر تلفن ازضروریات زندگی شده وتعداد سیم‌های تلفن تهران که ازسیصدوچهار صد دستگاه تجاوزنمیکرد بدوهزاروسیصد رسیده ولی بهیچوجه کافی نیست وشایسته‌است شرکت تلفن نسبت باین وضوع مهم اینقدر بی‌علاقه وخونسرد نباشد: بقدری جواب سربالا بمردم داده شده‌است که مردم دلسرد ومایوس ازاین شرکت شده‌اند . تلفن اکنون سرقفلی پیدا کرده وخرید و فروش می‌شود ــ چقدر جـای تاسف است کـه شرکت تلفن برای جلب منافع خود هـم شده در صدد بر نمی آیـد احتیاجات شهر را تامین وفوائدش‌را زیـاد کند .

* * *

خوانندگان ملاحظه می فرمایند که از آن تاریخ ۱۸ سال می‌گذرد وهنوز هم مردم از دستگاه تلفن ناله دارند وشکایت میکنند وتلفن خریدوفروش میشود وبازوضع‌همان‌است که بود .

امتیاز نامه دارسی‌لغوشد : روز عید مبعث سال ۱۳۵۱ هجری مصادف با یکشنبه ٦ آذر۳۱۱ شاه فقید از ادامه مذاکرات باشرکت‌نفت‌و به نتیجه‌نرسیدن آن سخت بر آشفت و امتیازنامه دارسی‌را خواست وآن را لوله کرد و در آتش انداخت‌وسوزاند وگفت‌امتیازنامه‌دارسی لغوشد .

عصر همان روز فوق‌العادهٔ ازطرف روزنامه اطلاعات منتشرشد که با شوق و شعف بسیارمتضمن‌مژده الغای امتیاز نامه نفت جنوب‌بود ونوشت که افکارعمومی همین انتظار را داشت واین بزرگترین مژده ایست که‌در این‌روزسعید بخوانندگان‌محترم‌خودمیدهیم‌ودرحقیقت‌این بهترین‌عیدی‌است که‌ازطرف‌شخص‌اول‌مملکت‌بملت‌ایران اعطا شده . روز بعد سر مقاله مفصلی در تعقیب الغای امتیازنامه دارسی نوشته شد و آن شماره روز نامه رنگی منتشرگردید ودر تعقیب‌این‌خبرمراسم جشن وچراغانی درشهر تهران و همه‌ولایات و ایالات منعقدگردید ومـردم زیاده ازحد خوشوقت شدند و در جشن و سرور وشادی‌شرکت کردند وحتی درسرگذرها و محلات‌شهـربساط طرب برپا کردند. بازرگانان واصناف و طبقات مختلف هردسته‌جداگانه‌جشن گرفتند.

اطلاعات درشماره مخصوص خودنوشت ، این‌قدم بزرگ دولت‌صفحهٔ پرافتخاری درتاریخ ایران‌باستان‌باز کرد. این‌زنجیر موهوم یا امتیازنامه ازدست وپای مملکت بازشد و منابع ثروت ایران بدست‌مالك‌حقیقی‌خودملت ایران افتاد تا هرنوع مقتضی بداند از معادن زرخیز خود بهره برداری کند، تقاضای مطبوعات، توقعات مردم و افکار عمومی‌وبالاخره استدعای ملت ازپیشگاه همایونی باجابت‌رسید وما اکنون در برابر یك امر واقع شده نظیرالغای کاپیتولاسیون هستیم که‌ازتصورماخارج بودحالاموقع آنست که‌ازاین‌فرصت نیکوحداکثراستفاده رابنفع‌ملت و کشورایران بنمائیم.

مجلس لغو امتیاز نفت را تایید نمود. روز پنجشنبه ۱۰ آذر ماه ۳۱۱ جلسه مجلس اختصاص بموضوع الغای امتیاز نامه دارسی پیدا کرد دراین جلسه ابتدا آقای تقی‌زاده وزیرمالیه مراتب رادرمیان شور و شعف نمایندگان باستحضار مجلس رسانید و سپس مرحوم حاج محتشم‌السلطنه و آقای فهیمی وآقای دشتی نطقهای مسرت آمیزی ایراد نمودند وهمگی ازاین پیش‌آمد وقدم بزرگ دولت واحساسات عمومی که پشتیبان این‌امر می باشد صحبت نمودند وبالاخره آقای دادگر رئیس‌مجلس گفتند: « عدهٔ زیادی ازآقایان برای ابراز احساسات مسرت‌آمیز خودشان اجازه خواسته‌اند. حق هم‌دارند، موفقیت‌های ملی شایسته شادمانی و پیشرفتهای اجتماعی درخور مسرت وخوشنودی است، این کامکاریها وموفقیت‌ها آقایان را بنشاط وهیجان آورده‌است و همه میـل دارند احساسات خودشان را ابراز واظهارکنند ولی بنظر من بهترین طرز ونیکوترین رویه این‌است که آقایان این اقدام پرافتخار را بارای وتصدیق خودشان تایید فرمایند وازاین نیکنامی بهره وسهم بگیرند وخوشبختانـه آقای رهنما نماینده محترم برای عملی‌شدن این منظور راهی اندیشیده وپیشنهادی تدارک‌کرده‌اند ازاینقرار:

« مجلس شورای ملی موافقت خودرا باتصمیم اخیر دولت راجع‌بالغای امتیاز نامه‌دارسی ابرازواقدام دولت رادراین‌موضوع تائید وتحسین می‌نماید »

این پیشنهاد باتفاق آراء تصویب گردید.

جواب شرکت نفت جنوب: روز ۱۲ آذر ۳۱۱ مراسله شرکت نفت انگلیس و ایران خطاب بآقای تقی زاده وزیرمالیه در اطلاعات درج گردیده است ازاینقرار:

متن‌مراسله‌حضرت مستطاب عالی تحت‌نمره ۳٦٤٨٦ مورخه ٦ آذررا تلگرافاً بمدیران شرکت نفت انگلیس و ایران درلندن مخابره کردم‌واینك باینجانب دستورداده شده که محترماً باستحضارعالی برسانم‌که شرکت نفت‌انگلیس وایران تصدیق نمیکند که مندرجات امتیازنامه دارسی منافع دولت شاهنشاهی ایران را تامین ننماید ونیزتصدیق نمیکند که بافرض بودن‌آن دولت شاهنشاهی حق داشته باشد امتیازرا لغونماید.

خاطرمحترم‌حضرت‌مستطاب عالی را ضمنا متذکرمیدارد که‌اعتبارامتیازدارسی‌راحکومت‌های‌متوالی ایران چه قبل وچه بعد ازاستقراررژیم مشروطیت نه تنها ازطریق قبول حق‌السهم مقرره در آن درطـی سنوات متعدده برسمیت شناخته بلکه ازطریق متعدده دیگرهم شناخته اند. برحضرت مستطاب عالی معلوم است‌که شرکت نفت انگلیس وایران نمیتواند حق ادعائی دولت را نسبت بالغای امتیازتصدیق نماید وچنین ادعائی‌قانوناً وانصافاًمبنی براساس نیست.

باینجانب دستورداده شده است‌که خاطرمحترم حضرت مستطاب عالی را متذکردارد که باستظهاروفای بعهد دولت شاهنشاهی وباطمینان حقوقی‌که بموجب امتیازبشرکت نفت انگلیس وایران‌اعطاء شده‌شرکت میلیونها لیره درایران خرج کرده است منافعی‌راکه ازصرف این وجوه‌عاید دولت شاهنشاهی شده نمیتوان غمض عین نمـود خواه شرایط امتیازبرای دولت شاهنشاهی ایران عادلانه باشد وخواه نباشد ونیزدرهرمذاکره‌ای بین دولت ایران وشرکت که مبنی براساس انصاف وعدالت باشد چنین منافعی را نمیتوان ازنظردورداشت.

شرکت نفت انگلیس وایران‌نسبت‌باظهارمندرجه‌درمرقومه‌شریفه که‌شرکت‌اقتضای‌زمان‌وموقعیت‌امروزدولت شاهنشاهی ایرانرا درنظرنگرفته قویا اعتراض‌مینماید.شرکت همواره خودرا بوسیله مذاکرات ساعی برای‌استقبال نظریات‌واحتیاجات دولت شاهنشاهی نشان‌داده وچنانچه تاکنون توافقی‌حاصل‌نشده‌عدم موفقیت بلاشك‌مربوط‌بفقدان سعی وحسن‌نیت ازطرف شرکت نبوده است.

شرکت نفت انگلیس وایران باید خاطرنشان نماید که انتشار اعلامیه دولت ایران درجرائد تاثیرات بس زیان‌آوری‌درامورشرکت خواهد داشت.مدیران‌شرکت‌امیدوارند که‌پس‌ازمطالعه بیشتری‌دولت‌شاهنشاهی‌فوراًاعلامیه مذکور رامستردخواهندفرمود.

ازطرف شرکت سهامی نفت انگلیس وایران **جکس مدیر مقیم**

مراسله جوابیه وزارت مالیه: آقای جکس مدیرمقیم: درجواب مراسله جنابعالی مورخه ۸ آذر جاری‌لازم میداند اظهارنماید که دولت ایران اظهارات ودلایل مندرجه درمراسله‌مزبوررا تصدیق نداشته‌وبادلایل کافی‌خوددرالغای‌امتیاز نامه دادرسی ذیحق‌میداند ودرتصمیم‌قطعی‌خود که‌بواسطه مراسله نمره ۳٦٤٨٦ مورخه ٦ آذر این وزارتخانه بجنابعالی‌اشعارگردیده‌باقی‌است.

وزیر مالیه

در اطراف نامه شرکت نفت: اطلاعات روز بعدازنشرمراسله شرکت‌نفت‌مقاله‌مفصلی بمناسبت‌مراسله

جوابیه آن شرکت انتشار داد و در طی آن نفت:

«آیا میتوان این منطق را از کمپانی پذیرفت که چون چشمه های سرشار نفت ایران مایه اعتبار شرکت نفت انگلیس و ایران شده و چون شرکت از منافع آن مؤسسات و شرکت های دیگری ایجاد کرده و چون تمام اعتبار و ابهت او منوط به در چنگ داشتن این منابع نفتی است لذا حاضر بتصدیق و تائید اقدام دولت شاهنشاهی در الغای امتیاز نامه دارسی نمیباشد. ما یک حرف دنیا پسند داریم و آن اینست که ما صاحب و مالک منابع زرخیز خود هستیم و چون شالوده و مبنای این امتیاز نامه مطابق مصلحت ما نیست و منافع ملی ما را تامین نمیکند بخصوص اینکه مقامات مقننه مملکتی آن را تایید نکرده و هیچگونه عدل و انصاف در آن بکار نرفته است آن را دور انداخته و از نو حاضریم قرار عادلانه ئی با مستاجر خود بگذاریم که با اوضاع و احوال امروزی موافق نماید و منطق شرکت راجع باینکه چون حکومت های ایران حق السهم شرکت نفت را دریافت داشته اند پس امتیاز نامه دارسی را تائید کرده اند صحیح نیست»

یادداشت دولت انگلستان. موضوع الغای امتیازنامه دارسی موضوع سؤالات عدیده در پارلمان انگلستان گردید وایدن معاون وزارت خارجه اشاره کرد که چون در امتیازنامه دارسی هیچگونه قیدی راجع بالغای آن نشده باینجهت یادداشت شدید اللحنی بدولت ایران صادر گردید وخاطرنشان شد که درعین انتظار دولت بریتانیا نسبت بحل قضیه بطور دوستانه دولت مزبور در صورت لزوم از توسل بکلیه اقدامات مشروع جهت حمایت منافع حقه وغیرقابل اعتراض خود در ایران تردید نخواهد داشت و دولت بریطانیا هیچگونه خسارت نسبت بمنافع کمپانی نفت یا مداخله در مؤسسات یا عملیات آن را در ایران تحمل نخواهد کرد بعلاوه هرگونه ادعائی از طرف دولت ایران باید بمحاکم صالحه بین المللی ارجاع و در آنجا داوری شود. در شماره ۲۳ آذر ۳۱۱ اطلاعات متن یاد داشت دولت انگلیس خطاب بآقای فروغی وزیر خارجه چاپ شده و در همان شماره جوابی هم که دولت ایران داده است انتشار یافته که چند جمله از یادداشت جوابیه از این قرار است:

«امتیاز نامه در موقعی تحصیل شده که ملاحظه صرفه و مصلحت ایران نگردیده و گیرندگان امتیازات از بی اطلاعی مصادر امور آن زمان سوء استفاده می نمودند بعلاوه در تحصیل امتیازات همه گونه تضییق و تهدید اعمال می نمودند. قطع نظر از این معایب رفتار کمپانی غیرعادلانه وحتی مطابق همان امتیازنامه غلط وغیرمعتبر هم نبوده چنانچه دولت ایران را از نظارت در مخارج ورسیدگی بمحاسبات منع داشته اند و تاکنون نتوانسته است دراخذ همان حق السهمی که طبق همان امتیاز نامه رفتار شده است دخالت مستقیم بنماید ودولت ایران نهایت اهتمام را نمود که موارد اختلاف بطور دوستانه حل شود ولی اولیای نفت تن در ندادند ودولت ایران را در الغای امتیاز ذیحق نمودند زیرا هرگز دولت نمیتواند شاهد وناظر تعدیات و اجحافات وزورگوئی های یک شرکت خارجی گردد وچون دولت عملا حسن نیت خود را به ثبوت رسانیده اکنون هم حاضر است نماینده مختار کمپانی بتهران بیاید وبلاتاخیر مذاکرات آغاز شود وتهدیداتی که دولت انگلستان میکند مانع از این است که مذاکرات دولت با کمپانی به نتیجه مطلوبه برسد زیرا دولت ایران هرگز این تهدیدات را گوش نمیدهد و در راه حفظ منافع ملت ایران از کوشش خود دست بر نخواهد داشت

* * *

درهمین ایام بود که مردم ایران احساسات بی نظیری ازخود بنفع دولت وحمایت ازتصمیم دولت نشان می دادند، اعلامیه ها صادر میشد، تلگرافات زیادی ازولایات میرسید و کمتر دیده شد که چنین تظاهرات واحساساتی مردم نشان بدهند، مقالات جراید نیز بپیروی ازافکارعمومی وتقویت دولت هرروز منتشر میشد و اطلاعات مقالات پرشوری منتشر میساخت ومندرجات روزنامه های انگلستان را بلاجواب نمیگذاشت لکن تمام جراید انگلیس پراز مطالب تند وشدیدی برعلیه دولت ایران بود.

متن مراسله وزارت مالیه بکمپانی نفت جنوب: آقای جکس مدیرمقیم. دولت ایران مکرر باطلاع کمپانی نفت انگلیس وایران رسانیده است که امتیاز دارسی مورخه ۱۹۰۱ مسیحی مصالح ومنافع مملکت ایران را تأمین نمی نماید ولازم میدانست هرچه زودتر پایهٔ روابط دولت شاهنشاهی و کمپانی براساس تازه‌ای که مستلزم تأمین منافع واقعی مملکت ایران باشد گذارده شود، معایب ونواقص امتیازنامه دارسی وعدم توافق آن بامنافع ایران بطوری که مکرر خاطر نشان شده جای هیچ تردید نیست والبته دولت ایران حقاً ومنطقاً نمیتواند خودرا ملزم بمقررات امتیازنامه‌ای که قبل ازاستقرار رژیم مشروطیت داده شده باطرزی که اینگونه امتیازات درآن زمانها تحصیل و

اعطا میشده بداند معذالك بامید اینکه کمپانی اقتضای زمان وموقعیت امروز مملکت ایران را در نظر گرفته و منافع آنرا مطابق این مقتضیات تأمین نماید،دولت ایران از اعمال حق خود در الغای امتیاز دارسی تا بحال خودداری نمود متأسفانه در مقابل صبوری دولت شاهنشاهی از طرف کمپانی نفت نه تنها اقدام عملی در تأمین منافع ملت ایران بعمل نیامد بلکه هر چه برتوسعه و بسط کمپانی نفت افزوده شد منافع ایران بیشتر دوچار تضییع گردید بنا براین دولت ایران از نیل بنتیجه‌ای که در نظر داشت یعنی رسیدن بمقصود ازطریق مذاکره با کمپانی مأیوس شده وناچار راه تأمین حقوق خودرا منحصر بالغای امتیاز دارسی دیده واین وزارتخانه برحسب تصمیم دولت شاهنشاهی اعلام می‌نمایدکه ازاین تاریخ امتیاز نامه دارسی‌را ملغی کرده وآنرابلااثر میداند.

درهمان‌حال‌نظر باینکه دولت‌ایران قصدی‌جزتامین‌منافع مملکت‌نداردا گر کمپانی‌نفت‌انگلیس‌وایران برخلاف گذشته حاضرشود منافع‌مملکت رامطابق نظردولت ایران بروفق‌عدالت وانصاف‌تامین‌نموده وثایق لازمه‌رابرای تامین منافع‌مذکوره بدهددولت ایران‌از اعطای امتیازجدیدی بآن‌کمپانی اصولاامتناع نخواهدداشت—وزارت‌مالیه

افتتاح کارخانه قندکرج - روز۸آذر ۳۱۱ مراسم‌افتتاح کارخانه قندسازی کرج انجام‌یافت‌واطلاعات نوشت: تماشای کارخانه‌وجدوشعف‌زائدازوصفی بانسان‌دست‌میدهدواین‌کارهای عمرانی روح‌تکامل وترقی وغروروملی‌و اعتماد بنفس ، امیدهای بلندراجانشین یاس‌وزندگی اتکالی سابق میسازد وحالاما بجای خبرهای شوم وتاثرآورکه همه مترصد استیلای بدبختی وبیچارگی بودند هرروز مابایك واقعهٔمهم ، یکقدم بزرك ، يك‌خبرمسرت‌بخش‌روبرو می شویم .

کارخانه قند کرج امسال‌دوهزارو هشتصد الی سه‌هزار خروار قندخواهد داد زیرا فقط بیست هزارخروار چغندر بیشتربرای کارخانه حاضرنشده‌است ولی‌سال‌های بعدامیدواری میرود که محصول کارخانه بیشترشود محصول قندوشکر کارخانه که درجعبه‌های مخصوص بوزن یك کیلو وسه کیلو قرار داده شده‌بود توجه‌اعلیحضرت ومدعوین راجلب نمود وهمه ازدیدن‌آن خوشحال شدند .

اعلامیه سفارت‌ایران در لندن : سرو صدای جراید انگلستان بالاخره سفارت ایران را در لندن مجبور بانتشار اعلامیه ای نمود که درشماره ۱۷۸۷ اطلاعات چاپ‌شده ومفادآن ازینقرار است :

« دولت ایران درطول مدتی که شرکت نفت باعتبار امتیازنامه دارسی مشغول کار بود بهرهٔ عادی خود را از منافعی که بشرکت مزبور عایدمیشود دریافت نداشته است. در سنوات اخیر حکومت ایران قراراً عدم اعتماد خود را ابراز نمود وسال‌گذشته هم حضرت اشرف آقای تیمورتاش وزیر دربار ایران دوماه درلندن با شرکت مذاکره نمود وطرح قرارداد جدیدی تنظیم گردید وهمینکه بطهران مراجعت نمودند شرکت تقاضا نمود طرح قرارداد مزبور ازطرف متخصصین‌فنی مورد مطالعه قرارگیرد. دولت ایران هم موافقت نمود ولی‌پس از مطالعه معلوم شدکه بعضی‌قسمت‌های آن روشن نیست باینجهت دولت‌ایران‌اطلاع‌دادکه يك‌نماینده برای توضیحات بتهران برود متاسفانه شرکت مدت شش ماه ببهانه اینکه کسی را ندارد اهمال و مسامحه نمود باینجهت دولت ایران طبعاً قدم دوم را برای الغای امتیاز برداشت و هیچگونه احساسات‌خصمانه‌ای‌نسبت بدولت بریطانیا نبوده ونیست وسفارت شاهنشاهی همیشه سعی داشته و دارد که روابط حسنه بین مملکتین برقرارباشد.»

این اعلامیه هم تاثیرنکرد و انتشارات جراید لندن و بعضی جراید دیگر دنیا برعلیه ایران و اعتراضات براین اقدام دولت ادامه یافت تا منجر بارجاع امر ازطرف‌انگلستان بجامعه اتفاق ملل گردید .

تیمورتاش ازخدمت معاف گردید- روزشنبه ۳دی‌ماه ۳۱۱ خبر زیر در اطلاعات منتشرشد:

«معاف ازخدمت- آقای‌تیمورتاش وزیردربارپهلوی ازخدمت معاف گردیدند »

این‌دوسطرخبر مانندصاعقه درتهران منعکس گردید همه غرق‌تعجب شدندودانستندکه تیمورتاش، آن وزیر درباری که قدرت مافوق‌شاه را ازخود نشان‌میداد اکنون‌نه‌فقط ازکار بر کنار شده بلکه ممکن‌است مورد تعقیب واقع‌شود . درروزنامه‌ها جزاین‌دوسطر هیچگونه تعبیروتفسیری وجود نداشت زیرا کسی‌اجازه وحق اظهار نظر دراین‌موضوع‌را نداشت.

عصرروزجمعه ۲دی‌ماه اعلیحضرت فقید ازکاخ شخصی بعمارت دربارآمده ودستورداده‌بودکه دربار رااصلا منحل‌کنند بلافاصله آن قسمت‌که مرحوم تیمورتاش‌کارمیکرد برچیده شد واثاثیه اطاق او جمع گردید وگفت من

اصلا وزیردربار نمیخواهم وسپس گفت تیمورتاش دیگر وزیردربار نیست –

در تعقیب این امریه مرحوم تیمورتاش درخانهٔ خودواقعدربیرون دروازهٔ باغشاه تحت نظرقرارگرفت. دیگر هیچ کس جرئت نکرد ازاودیدن نماید. شاید اشخاصی که دراین هنگام تاوقتی تحت محاکمه قرارگرفت از اودیدن کردند انگشت شمار بودند.

مرحوم داور عازم ژنو گردید – داور ونصرت الدوله وتیمورتاش سه دوست صمیمی بودند که ازروز اول باهم شروع بکارکردند. چندماه پس از عزل وتعقیب ومحکومیت نصرت الدوله وزیرمالیه نوبت به تیمورتاش رسید. دراین موقع مرحوم داور خیلی نگران ومضطرب شد، همان روزی که از عزل تیمورتاش مستحضر گردید حضورشاه شرفیاب شد ولی مورد لطف شاه قرار گرفت وحتی اجازه تحصیل نمودکه ازدوست خود تیمورتاش ملاقات نماید، در همین جلسه اول بعد ازعزل تیمورتاش بودکه مرحوم داور از جانب شاه ماموریت یافت که برای حل اختلافات دولت باشرکت نفت که منجر بشکایت دولت انگلیس شده بود بجامعه ملل برود.

روزجمعه نهم دی ماه هیئت اعزامی ایران مرکب ازمرحوم داور وزیرعدلیه، آقای علاء وزیرمختار سابق ایران درپاریس وآقای نصرالله انتظام عضومقدم اداره عهود وجامعه ملل وزارت خارجه ازراه بغداد باتومبیل عازم اروپا شدند تا درجلسات شورای جامعه ملل که برای رسیدگی باختلاف دولت ایران وانگلیس تشکیل میشود شرکت نمایند.

نماینده مخصوص اطلاعات درژنو – روزنامه اطلاعات بلحاظ علاقمندی وتوجه خاصی که مردم بموضوع نفت داشتند وافکار عمومی متوجه اختلاف بین دولت ایران وانگلیس شده وهمه منتظر بودند ببینند شورای نمایندگان ملل بااین قضیه چگونه رسیدگی خواهند کرد آقای جوادمسعودی را که دراروپا تحصیل میکرد بسمت خبرنگاری مخصوص اطلاعات بمجمع اتفاق ملل معرفی نمود تادرموقع طرح مطلب جریان رابروزنامه مرتبا گزارش دهد.

مصاحبه با داور یکساعت قبل ازحرکت : مرحوم داور در جواب سئوال آقای شهرستانی خبرنگار جراید مصروعراق ساعتی قبل ازحرکت گفت اختلافات حاصله بین دولت ایران ونفت جنوب درعداد مسائل داخلی محسوب میشود ودولت انگلیس حق مداخله دراین قضیه راندارد واگرشرکت نفت اعتراض دارد باید بمحاکم داخلی ایران مراجعه نماید لکن از یادداشتی که هیئت نمایندگی انگلیس بجامعه ملل داده اند چنین معلوم میشودکه نمایندگان انگلیس باستناد اینکه دولت ایران حق نداشته است امتیاز نفت را ملغی کند ازجامعه تقاضای رسیدگی واظهارنظررا نموده اند و میخواهند شورای ملل را درکلیه اختلافات موجوده بین دولت ایران وشرکت نفت حکم قراردهند ولیکن دولت ایران رسیدگی باین کار را ازصلاحیت شورای ملل خارج میداند واکنون دولت ایران از مداخلات غیر مشروع بریطانیا در امری که محققا داخلی است وبایددر محاکم ایران رسیدگی شود شکایت دارد و به شورای ملل مراجعه مینماید.

قانون اوزان ومقیاس ها ، وزن درتمام مملکت یکسان نبود هرایالت وهرگوشه کشور وزن مخصوص بخود داشت که «من» نامیده میشد اما «من» درهرنقطه وزن علیحده ای داشت وبنام های مختلف نامیده میشد ، «من تبریز» «من شاه» «من تفنگی» وغیره وغیره. همینطور بود مقیاس طول ومقیاس سطح وسایرمقیاس ها که دربیشتر ایالات وولایات مختلف ودرهم وبرهم بود.

اول آبان ماه ۱۳۱۱ قانون توحیداوزان ومقیاس ها بصحه شاه رسید و دستور اجرای آن صادر گردید.

برطبق این قانون واحدوزن کیلوگرام – واحدطول متر – واحدسطح مترمربع – واحدحجم مترمکعب واضعاف واجزاء مقیاسهای مزبور مطابق اصول متری معین شد ودولت مکلف گردید وزنه های کیلو و گرام سفارش دهدوباعلامت مشخص دولتی که همه جا یکسان باشد دردسترس عامه بگذارد.

موضوع یکی شدن واحد اوزان ومقادیر ازمسائلی بود که درروزنامه اطلاعات بمعرض افکارعامه گذاشته شده بود وچندماه اشخاص بصیرومطلع دراطراف آن بحث مینمودند و نظریات میدادند تا پس ازآنکه تمایلات عمومی معلوم شد واکثریت نویسندگان معتقد باصول سیستم متریك گردیدند اداره کل تجارت که بریاست مرحوم یاسائی اداره میشد وآنمرحوم بافکارونظریات عامه احترام بسیارمیگذاشت لایحه توحیداوزان را تدارك وبتصویب مجلس رسانید وبتدریج بموقع عمل واجرادرآورد.

پایان دوره هشتم : آخرین جلسه دوره هشتم روز ۲٤ دی ۱۳۱۱ انعقاد یافت. در این

موقع اکثریت تام نمایندگان دوره نهم تقنینیه هم در موعد معین قانونی انتخاب شده ومجلس بعد آماده افتتاح بود وحتی در همین ایام تاریخ گشایش نهمین دوره قانونگزاری درروز ۲۵ اسفند معین شده بود.

آقای دادگر رئیس مجلس بمناسبت پایان دوره هشتم طی نطقی از پیشرفت کارها در دوره ۸ اظهار مسرت نموده وگفتند « نبوغ واستحکام اراده شاهنشاه ایران پراکندگی وتشویش را بوحدت وتمرکز وقوت مبدل ساخت ومارا بایفاء وظایف خودمان توانائی واقتدار داد واگر خداوند بماتوفیق عنایت فرموده وبار دیگر باز ماطریق ووسیله اصلاحات باشیم کوشش میکنیم که رویه ماهمینطور وطن پرستانه ونیک خواهانه باشدو کاملا باین لطیفه ونکته آشنائی داریم ویافته ایم که عصر حاضر عصر ترقی وپیشرفت است ومابایدازین فراهم بودن اسباب برخوردار شده وساعات ودقایق آنرا مغتنم شماریم »

بعد از ایشان آقای فهیمی وسپس آقای اورنگ نطقهای شایانی در باب اصلاحات عمرانی، ساختمان ها، ترقیات صنعتی و کشاورزی ایراد ودرپایان آقای حاج مخبرالسلطنه هدایت رئیس الوزراء ضمن نطق تشکر - آمیز خود گفت :

«من چشم ودست راموضوع عرض خود قرارمیدهم، البته چشم ازدست تشکری ندارد، دست هم ازچشم تشکری ندارد ولی این هردو با موافقت وهمراهی یکدیگر باهم باید کارکنند وهردوباید از روح تشکرداشته باشند. روح انسانی باید فرمانده هردوی اینها باشد اگر نباشدهم چشم بی مصرف است وهم دست وآن روح امروز در مملکت ما البته وجود اعلیحضرت پهلوی است . ما در قسمت خودمان که مستخدمین دولت هستیم بقصور معترفیم که ما نتوانسته ایم آنجوریکه اعلیحضرت توجه در کارها دارند ومیل دارند درمقاصد ملی ومملکتی پیشرفت کند هرچه دویدیم نتوانستیم برسیم ونرسیدیم البته مجلس شورای ملی که بمنزله چشم بوده همکاری کامل کرده اند وماتشکر داریم...الی آخر»

جعلیات ومهملات روزنامه های انگلیسی : این عنوان مقاله ایست که درشماره ۳ بهمن اطلاعات بچاپ رسیده وتاثیرنتیجه شدت حملات وتعرضاتی است که روزنامه های انگلیسی بنفع شرکت نفت جنوب به ایران می نمودند . مقاله بااین مقدمه شروع میشود :

« مطالعه جراید انگلستان حقیقتا شخص را دچارسر گیجه ودوارسرمیسازد، مهمل گوئی، دروغبافی ، رجز خوانی هم حدودی دارد که جراید لندن پای خودرا ازسرحدآن بالاتر گذاشته اند، باهرپست یکدسته روزنامه انگلیسی میرسد که مملواز جعلیات وتعرضات وحملات بی جائی است که بمناسبت احقاق حق ملی ایران نسبت بماروا میدارند وهر خواننده ای رااز طرز قضاوت انگلیسها متاثر میسازد .

ولی آقایان انگلیسها بایدبدانند که مردم امروز ایران چشم باز کرده وبهیچ اجنبی اجازه نمی دهند درحقوق وشئون ملی آنهامداخله نماید و ملت ایران امروز یکصدا و هم آهنگ خواهان ترقیات و اصلاحات مملکت خود می باشد و یکدل ویکجهت قدمهای وطن پرستانه حکومت ترقی خواه خود را تقویت وپیروی میکند ، آن سوءظن هاآن تفرقه وتشتت آراء وایجاد اختلاف نظربین مردم و درپی آن تحمیلات نفوذ اجانب در ایران امروز ذره ای تاثیر ندارد مطبوعات بریطانیا البته ازپیش آمد های اخیر خوششان نمی آید ، آن ها میل دارند ایران رابا همان چشم ده پانزده سال قبل و تفرقه وریختن تخم نفاق نگاه کنند و مردم آن را همانطور جبون وبزدل ومطیع وعامل پیشرفت نفوذ اجانب ببینند ولی خوشبختانه چنین نیست و ما بیدار حفظ حقوق و منافع ملی خود شده ایم وچیزی جز تامین مصلحت ومنفعت خود نمیخواهیم.

اولین تلگراف مخبر اطلاعات از ژنو: تهران- اطلاعات- روزپنجشنبه ۱۹ ژانویه ۱۹۳۳ جواب و مدارک دولت ایران را نمایندگان ایران تسلیم دارالانشاء جامعه ملل نمودند. همانروز موضوع مطرح شدو برای مذاکرات دراطراف قضیه روز پنجشنبه ۲۶ ژانویه وقت معلوم گردید طرفین (نمایندگان دولتین ایران و بریتانیا) هم قبول کردند. جوادمسعودی

تلگراف بعد: سرجان سیمون وزیر خارجه بریتانیا دعاوی آن دولت را درپیشگاه مجمع ملل اقامه کرد. شورای جامعه ملل دکتربنش وزیرخارجه چکواسلواکی (رئیس جمهور متوفای آن دولت)را بسمت مخبری

تعیین نمود و باو دستورداد که بانمایندگان هردوطرف ارتباط حاصل نموده ونتیجه رابشوری رابرت دهد

تلگراف دیگر: ۲۶ژانویه ۱۹۳۳ تهران- اطلاعات- دیشب آقای داور کنفرانس جالب توجهی بوسیله رادیو داد. طالبین حقیقت همگی مستمع این کنفرانس بودند. داور بدوآترقیات مملکت ایران را در دوره اعلیحضرت همایونی تشریح نمود و پس ازذکر تخلفات زیاد کمپانی وحسن نیت دولت ایران نسبت باین موضوع ثابت کرد که رسیدگی باختلافات بین دولت ایران و کمپانی نفت جنوب ازصلاحیت محاکم قضائی ایران میباشد و همانطور که در مورد اختلاف با فنلاند دولت انگلستان اصرار میکرد حالا هم مطابق همان استدلال باید این موضوع در محاکم داخلی ایران تحت رسیدگی قرار گیرد مخصوصا که محاکم ایران عدالت و بی طرفی خود را کراراً به ثبوت رسانیده.

وزیر خارجه انگلیس ووزیر عدلیه ایران: روز ۷ بهمن ۱۳۱۱ سرجان سیمون وزیر خارجه انگلیس وداور وزیرعدلیه ایران درجامعه ملل نطق های مفصلی ایراد نمودند. سیمون گفت شرکت نفت تعهدات خودرا انجام داده وهیچگونه مجوزی برای الغای امتیازنامه وجود نداشته ودولت انگلستان بموجب ماده ۱۵ اساسنامه جامعه ملل حق داشته است این دعوارا بجامعه مراجعه دهد بعلاوه دولت ایران که برطبق مقررات امتیاز مسئول حفظ مال وجان شرکت و کارکنان آن بود مکرر ازقبول مسئولیت استنکاف ورزید و پس از تسلیم شکایت دولت انگلیس بجامعه ملل دولت ایران ضمانت مال وجان وبستگان کمپانی راکه در معرض تهدید طوائف شرارت پیشه بود عهده دار گردید.

داور گفت: «ادعای سیمون بی مورد است زیرا دولت ایران با اینکه امتیاز نفت راملغی ساخته معذلك هرگز درصدد شانه خالی کردن اززیر بار تعهدات بین المللی خود درخصوص حفظ جان ومال اتباع خارجه بر نیامده است بعلاوه دولت انگلیس حق مداخله در این امر را نداشته است زیرا دعوابین دو دولت نیست بلکه بین دولت ایران و یك کمپانی صاحب امتیاز است که میتواند از وسایلی که در دسترس دارد یعنی محاکم ایران استفاده نماید.»

سپس یادداشت دولت ایران درجواب یادداشت دولت انگلیس بدارالانشاء جامعه ملل تسلیم گردید که در مجمع طرح شد ونطقهای مفصلی نمایندگان دودولت ایراد نمودند وآخرین تلگرافی که ازآقای جواد مسعودی رسید ازاینقرار بود:

« تهران - اطلاعات - مطلب مسرت بخشی که میتوانم بعرض برسانم خاتمه کار ژنو و پیشرفت نظریه نمایندگان ایران است. امروز جمعه سوم فوریه ۱۹۳۳ دکتر بنش وزیرخارجه چکواسلواکی که ازطرف شورای ملل بسمت مخبری ومراجعه باظهارات واسناد طرفین وتهیه راپرت انتخاب شده بود پس ازرسیدگی و مطالعات کامل پیشنهادخودرا تنظیم وتقدیم نمود. دکتر بنش نظریه دولت ایران راتایید وضمنا باتوافق نظروقبول طرفین پیشنهاد کرد که کمپانی نفت درتهران بادولت ایران کنار آید. پیشنهاد دکتربنش بشورا تقدیم وشورای ملل مقررداشت که کمپانی نفت درتهران بادولت ایران واردمذاکره شود.»

شرایط مندرجه درفورمول دکتر بنش: ۱-طرفین موافقت میکنندکه کلیه مسائلی که بشورا مراجعه شده است تاجلسه آینده شورا که درماه مه منعقد میشودمعلق دارد ودرضمن حق خواهندداشت که باموافقت یکدیگر موعدمذکور درماه مه راتمدیددهند.

۲- هردو طرف موافقت میکنند که نظریات حقوقی هریك ازطرفین بنحوی که درمقابل مجمع طرح شده بایستی کاملا محفوظ ماند وهرگاه مذاکرات مربوط بامتیاز جدید بدون نتیجه بماند موضوع دوباره درمقابل شورا طرح شده وهریك ازطرفین برای مدافعه ازنظریات ودعوی خودآزاد باشد.

۳- طبق اطمینانی که ازطرف دولت ایران برئیس شوری داده شده محقق است که درضمن پیشرفت مذاکرات وتاحصول تسویه قطعی این امر کارو عملیات کمپانی درایران باید بهمان نوعی که تاقبل از۲۷ نوامبر گذشته بودجریان داشته باشد.

قطعنامه شورا چنین بود: ۱- شورا دعاوی هردو طرف را مورد توجه قرار داده و حق مطالعه آن رابرای خود محفوظ میدارد ۲-عقل ودرایت هردوطرف راستوده کهاز هرگونه اقدامات احتمالی نسبت بوخامت وشدت وضعیت موجود خودداری نموده اند ۳- خبرحاضر را که تقدیم شوراگردیده وهمچنین انعقاد قرارداد موقتی واکه مذاکرات مخبر باطرفین منتهی بآن شده تصویب می نماید.

محاکمه عبدالحسین دیبا: مرحوم عبدالحسین دیبا رئیس محاسبات وزارت دربار بود وبامرحوم تیمورتاش دوست بود قبل‌ازآنکه تیمورتاش ازخدمت معاف گردد مرحوم دیبا که سمت نمایندگی مجلس رانیزدارا بود از کاروزارت دربار بر کنارشد وبعداز چندی تحت تعقیب درآمد.

عبدالحسین دیبا متهم‌بود که آقای امیرمنصور پسر سپهدار اعظم رابامرغیر واقع که نمایندگی رشت در دوره نهم تقنینیه باشدامیدوار نموده ومبلغ بیست‌هزارریال باین‌عنوان‌ازاواخذو کلاه‌برداری کرده‌ودلیل‌محکمه یکقطعه کارت مربوط‌بدیبابود حاکی ازاعتراف اوبدریافت وجه‌وشهادت آقای‌فتح‌الله اکبر (سپهداراعظم) وملاقاتهای‌مختلف‌حاج مشار سعدیه‌باامیر منصورودیباوتسلیم وجه‌بآقای دیبا دراطاق‌خواب او.

پس ازچند جلسه محاکمه ومدافعات و کلای طرفین دعوا: آقایان‌همراز، سلطانی ، ارسلان خلعت‌بری و دفاع مشارسعدیه محکمه مرحوم دیبارا بده‌ماه‌حبس‌تادیبی محکوم ساخت.

توقیف تیمورتاش دراداره نظمیه: مرحوم تیمورتاش که چندی تحت‌نظر بسرمیبرد چون تحت تعقیب جزائی قرار گرفت وازطرف مدعی‌العموم دیوان عالی جزای عمال دولت ادعانامه تنظیم و قرار توقیف‌صادر گردید روزشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۱۱ طبق قرار مدعی‌العموم دراداره‌نظمیه زندانی‌شد.

روز ۲۵ اسفند شعبه اول دیوان جزا بریاست آقای لطفی و عضویت آقایان یکانی ـ مهریار با حضور نماینده پارکه و مدعی‌العموم تشکیل شد و محکمه قرارسری بودن محاکمه را صادروشروع برسیدگی نمود. آقایان‌سیدهاشم‌وکیل، احمدمقبل وکلاء مدافع‌تیمورتاش ودونفر مترجم برای‌ترجمه اوراق‌حاضر بودند وجلسه ازصبح تاده بعدازظهرادامه یافت وبعنوان‌تنفس تعطیل وروزبعد (جمعه) بازتشکیل‌جلسه دادند ودر نتیجه مرحوم تیمورتاش ازحیث ارتشاء بسه‌سال‌حبس‌مجردکه مستلزم محرومیت ازتمام حقوق‌اجتماعی واسترداد مال حاصل‌ازارتشاء وپرداخت سی‌وهشت هزار وپانصدونود ودو تومان و هزارهفتصد ودوازده لیره انگلیسی بود محکوم گردید.

پس‌ازاین جریان، محاکمه دیگری که علنی‌بود باز درباره مرحوم تیمورتاش اجرا گردید.

گشایش مجلس نهم و نطق افتتاحیه: روز ۲۵ اسفند ۱۳۱۱ نهمین دوره مجلس شورایملی افتتاح‌یافت‌مرحوم دولتشاهی (مجلل‌الدوله) رئیس تشریفات داخلی وامیرنظام رئیس‌تشریفات‌خارجی سلطنتی‌بودند همینکه شاه‌فقید وارد تالار جلسه‌شد وپشت‌میز وصندلی مرصع قرارگرفت تمام تالارازنمایندگان طبقات و رجال واشراف ونمایندگان خارجی پربود سمت راست جایگاه خطابه آقایان علماء اعلام‌قرارداشتند از جمله امام‌جمعه خوئی. امام جمعه تهران. میرسید محمدبهبهانی. ظهیرالاسلام. حاج‌محمد امین‌خوئی. حاج‌شیخ اسحق‌رشتی‌وغیره ودرسمت‌چپ رئیس‌الوزراء ها وروسای مجلس سابق ازجمله. وثوق‌الدوله. فرمانفرما. تدین. قوام‌السلطنه. ممتازالدوله. احتشام‌السلطنه‌وغیره.

شاه‌فقید درنطق‌افتتاحیه خودگفت:

«نظربفوایدعلاقمند شدن اهالی‌بامرزراعت وتوسعه آبادی وعمران مملکت لازم است که اراضی خالصه دولتی درکلیه نقاط مملکت بین طبقاتی‌که فاقد وضعیت زندگانی‌ثابت هستند تقسیم گردد.

آرزوی من این‌است که احتیاجات مملکتی حتی‌الامکان درداخله مملکت وبوسیله خود اهالی تهیه شود، بمناسبت‌الغای امتیاز،معادن نفت جنوب ومذاکره‌ای که برای قراردادجدید درنظراست امیدواریم که اقدامات دولت مابترتیب عادلانه‌ای‌که متضمن‌تامین منافع حقه مملکت باشد بحسن نتیجه منتهی گردد. نظر باینکه ایران دارای معادن بسیارومنابع مهم ثروت طبیعی‌است وتمام هم ما متوجه ترقی وعظمت مملکت میباشد باید از طرف دولت وسایلی فراهم گردد که منابع‌مزبوره‌برای‌آبادی وترقی‌مملکت‌مورداستفاده واقع شود.»

کارناوال یاکاروان‌شادی: در ۲۴ اسفند ۳۱۱ بمناسبت تولد اعلیحضرت فقید برحسب تشویق سرلشگر آیرم رئیس شهربانی علاوه برجشن وچراغانی مقدمات کارناوال فراهم گردید و مردم تهران هم در این کار شرکت نمودند وحتی طبقات مختلف پول دادند و کمیسیونها تشکیل شد که مقدمات کارناوال‌رافراهم کنند ولی‌سال بعد موضوع مورد مواخذه خوداعلیحضرت‌فقید واقع‌شد وبمناسبت سوء استفاده‌هائی هم که ازاین راه شده بود حتی دستور تعقیب اشخاص را دادند واین کار که جنبهٔ تصنعی آن غلبه داشت موقوف‌گردید.

کارناوال‌شادی درآن‌سال‌از کارگاه‌خارج‌شهروارد‌شدودرخیابانها بگردش‌درآمد.درپیشاپیش هیکل‌چارلی‌چاپلین درست شده‌بودکه مسخرگی‌میکرد، بعدازآن یکدسته باماسک باشکال‌مختلف‌درعرابه‌ها سازمیزدند و میرقصیدند ـ

سازو رقص‌های قفقازی، سرناودهل، ارکست اروپائی، ارکست ایرانی وبعد عرابه‌های مختلف بصورت کشتی و بنا های تاریخی بااسب واتومبیل حرکت میکرد بارگاه سلاطین‌قدیم، نمونه‌های لباس وزندگی قدیم خلاصه‌دنباله مفصلی پیداکرده بود وموضوعی برای مردم پایتخت شده بود.

بازگشت نمایندگان ایران: روز ۲۹ اسفند ۳۱۱ نمایندگان ایران (داور، علاء، انتظام) مامورمذاکره درباره‌نفت ازژنومراجعت ووارد شدند در اینموقع‌دولت متخصصین ومشاورینی برای‌ادامه مذاکرات‌خودراجع‌بنفت استخدام‌نمود که آنها نیزواردتهران شدند. آقای علاء بسمت ریاست بانک‌ملی مشغول‌خدمت گردید.

سرجان کدمن رئیس‌کل شرکت نفت‌نیز روز ۱۴ فروردین ۳۱۲ با دوسه‌نفر ازمتخصصین و مشاورین خود واردتهران شدتاباختلافات حاصله رسیدگی‌شود.

متخصصین‌ومشاورین‌خارجی‌ایران که‌استخدام‌شده‌بودندمرکب بودند ازدونفرسویسی، دونفرانگلیسی ویکنفر امریکائی (مستر کلاب)

فروردین ۳۱۲ وارتقاء افسران: دراین سال ۷ تن سرتیپ‌بسرلشگری‌ارتقاء یافتند ازاینقرار: سرتیپ محمدحسین‌آیرم رئیس نظمیه، سرتیپ‌بوذرجمهری رئیس‌بلدیه. سرتیپ ضرغامی رئیس‌امنیه، سرتیپ مرتضی یزدان پناه، سرتیپ شاه‌بختی، سرتیپ مقدم، سرتیپ محتشمی

کنفرانس اطاقهای تجارت درتهران: برای‌اینکه مشاوره درباب امورتجارت کشور بشود وتجار درهرقسمت مملکت ازاوضاع واحوال‌اقتصادی‌کشور آگاه شوند مرحوم یاسائی رئیس‌کل تجارت بتشکیل کنفرانسی مرکب ازنمایندگان اطاقهای تجارت ایالات وولایات اقدام نمود و روز ۱۵ فروردین ۳۱۲ اولین جلسه کنفرانس درمحل‌شرکت سهامی‌تجارتی ایران (خیابان جلیل‌آباد) تشکیل‌گردید وموضوع تهیه سهمیه سال‌جاری باملاحظه احتیاجات مملکت باجناس‌خارجی وباحفظ وحمایت ازمصنوعات ومحصولات داخلی و اتخاذ تدابیر لازم برای‌اصلاح صادرات وطبقه‌بندی‌آنها وترویج صناعت وفلاحت بوسیله تشکیل‌شرکتها، نرخ‌اجناس وکرایه‌ووسایل حمل‌ونقل وتشکیل‌نمایشگاههای تجارتی‌وصنعتی. تسهیلات ممکنه درخصوص اجرای مقررات اسعارخارجی، تدابیر لازم برای جلوگیری ازقاچاق وسایرمسائل تجارتی دراین‌جلسات سخنرانی‌مورد مذاکره و مطالعه واخذ تصمیم قرار گرفت.

روزنامه اطلاعات هواخواه تشکیل‌چنین کنفرانسی بود،مقالات بسیاری نوشت ومشکلات تجارت را متذکر شد ورفع معایب وترقیات اقتصادی را ازراه مشورت وکسب نظرخودتجار بیشنهادکرد وبمناسبت انعقاد کنفرانس اقتصادی تجار درتهران نوشت:

«حضور نمایندگان‌تجارازاطراف واکناف ایران بتهران واجتماع آنهادریك‌محل‌وگردهم‌بهترین طریق‌اصلاح وبهبودامرتجارت وپیشرفت صنعت وفلاحت‌ایران است. تاکنون درایران بیسابقه بوده‌است‌که تاجر بندر عباس با تاجرگیلانی درپشت یك میزبنشینند ومسائل‌حوزه محلی خودرا طرح‌کنند ومشکلات رابگویند و تصمیم مشترکی برای امورتجارت بگیرند.

اما آقایان تجاری‌که اکنون میخواهند تصمیماتی درباره کلیه امورتجارتی وصنعتی و کشاورزی بگیرندباید دردرجه اول‌مصالح عمومی مملکت رامورد توجه قراردهند، وضع‌زندگی توده‌های کثیرجمعیت‌ایران رانصب‌العین‌خود قرارداده وهمواره مصلحت عامه رابرمنافع ومصالح فردی ترجیح دهند.

همچنین مصلحت مملکت رابرمصلحت محل اقامت خود ترجیح‌دهند ودراین صورت‌موفقیت نصیب این مردم و مملکت خواهدشد وخواهندتوانست هرگونه مشکلات راازپیش‌پای ترقی مملکت بردارندوآقایان محترم‌بدانند هرنتیجه مطلوبی که از تجمع ومشاوره باآنها اخذ شودفایده‌اش برای تمام مردم و تمام مملکت خواهد بود و آنهاهم بسهم‌خودبرخوردارخواهندشد.»

شترقربانی: عصر روز ۱۷ فروردین ۱۰ ذی‌حجه ۳۵۱ مراسم‌شترقربانی‌درمقابل اداره‌تشکیلات نظمیه میدان سپه انجام‌یافت تاآن‌سال‌این‌مراسم‌اجرامیگردید- شتری‌راتزئین‌میکردندو باسازودهل‌وتشریفات‌مخصوص‌واردمیدان‌سپه می‌نمودند ودرآنجاباطرزتاثرآوری‌شتررامیکشتندو گوشت آن‌راهمانجاقطعه‌قطعه‌تقسیم‌میکردند وبرای گرفتن‌سهمی‌از گوشت‌شترمردم‌هجوم‌می‌آوردندولی فقط دسته‌ای‌سهم‌ونصیب می‌بردند وازین کار چند مثل درافواه‌باقی مانده یکی اینکه گفته‌میشود«شتررا کشتند» یعنی‌کارخاتمه یافت. مثل‌دیگرمیگویند«مانندشترقربانی برآن‌حمله کردندوآن راغارت نمودند» مثل اخیر بیشتر درمورد بودجه کل مملکت حقیقت پیدا میکند که مالیه ملت راکه باید صرف احتیاجات خود مردم کنندگفته میشود مثل‌شتر قربانی بین یکدسته‌تقسیم میشود وبرسرتقسیم جنجال ودعوا برپاست.

اعتبارنامه تیمورتاش : مرحوم تیمورتاش درضمن انجام خدمت در وزارت دربار از طرف اهالی نیشابور بسمت نمایندگی مجلس نیز انتخاب میگردید . در دوره نهم تقنینیه بهمین سمت انتخاب شده بود و چون این انتخاب مصادف با تعقیب او شده و محکومیت نیز حاصل کرده بود لذا در موقع رسیدگی باعتبارنامها شعبه سوم مجلس چنین گزارش داد : « دوسیه انتخابات نیشابور تحت مداقه در آمد و قبل از رسیدگی بجریان امور انتخابیه صلاحیت موی‌الیه مورد بحث واقع گردید چون تیمورتاش در نتیجه حکم صادره از دیوان جزای عمال دولت محکوم بحبس مجرد و محروم از تمام حقوق اجتماعی شده وچنین شخصی صلاحیت نمایندگی مجلس شورای ملی‌را نداردشعبه ۳ باتفاق آراء اعتبارنامه‌محکوم مزبور را رد نموده وخبر آن را بمجلس تقدیم‌میدارد.»

بدلول این راپورت یعنی‌رد اعتبارنامه تیمورتاش رای گرفته وتصویب شد.

این اولین‌دفعه بود که نام مرحوم تیمورتاش در مجلس بدون‌القاب‌وعنوان‌ذکرمیشدچه‌رسد که نسبت‌باو چنین تصمیمی گرفته شود (!)

مجلس نهم رسمیت یافت ــ پس از انتخاب هیئت رئیسه و کمیسیون‌های‌مجلس، رسمیت جلسه‌اعلام‌و بعرض اعلیحضرت فقید رسید، بلافاصله‌طبق‌قانون، حکومت مستعفی گردید ولی همان حکومت باردیگر زمام‌امور رابدست گرفت و در جلسه ۲۹ فروردین ۳۱۲ بشرح زیر بمجلس نهم معرفی گردید :

آقای حاج‌مخبرالسلطنه‌هدایت رئیس‌الوزراء گفت این‌بارهم افتخارتشکیل‌کابینه ببنده محول شده آقایان وزراء را حضور مجلس‌معرفی‌میکنم :

آقای فروغی وزیر خارجه ــ آقای تقی‌زاده وزیر مالیه ــ آقای منصور وزیرطرق ــ آقای داور وزیر عدلیه آقای اسعد وزیرجنگ ــ آقای بهرامی وزیر پست وتلگراف وتلفن ــ آقای زرین کفش کفیل وزارت داخله ــ آقای فرخ رئیس صناعت وفلاحت ــ آقای یاسائی رئیس‌کل‌تجارت وچون‌آقای یحیی‌خان‌قراگزلو کسالت دارندفعلا آقای رهنمارا بمعاونت معرفی میکنم وآقای ناظم‌الدوله دیبا را بمعاونت خود معرفی مینمایم وسپس پروگرام دولت را تقدیم نمودند .

بودجه سال ۱۳۱۲ کل کشور : دراولین فرصت دولت لایحه بودجه سال جاری را تقدیم نمود و مورد مطالعه قرارگرفت. طبق این‌لایحه عایداتی که‌ازمنابع نفتی‌ایران‌یاآنچه مربوط بان ازحساب موقه وجاری وصول شود بحساب ذخیره مملکتی محسوب میگردید . علاوه براین رقم،عایدات‌کل کشور ۵۰ میلیون وششصدو شصت هزار تومان و مخارج کل ۵۰ میلیون و ششصد هزار تومان یعنی عایدات‌ازمخارج شصت‌هزارتومان‌بیشتر بود و چون درتقدیم بودجه‌کل تاخیر شده بود ماه فروردین‌واردیبهشت بطوریکدوازدهم اجازه گرفته شد وازاول خرداد طبق بودجه جدید عمل شد .

نمایندگان اطاقهای تجارت و نطق‌شاه: پس از خاتمه کنفرانس اقتصادی عموم نمایندگان اطاقهای تجارت حضور شاه فقید شرفیاب شده و بیانات‌زیر را اعلیحضرت ایرادنمود:

« لازم است مال التجاره های ایران ببازارهای دور و نزدیک ممالك خارجه شناسانده شود وبرای اجرای این منظور که ترقی تجارت مملکت ونفع تجاراست باید یکعده ازتجار بتمام نقاطعالم که ممکن‌است بازاری برای تجارت پیدا نمود مسافرت نمایند ، اطلاعات کافی و لازم ازطرز تجارت وکار آن ها و ترتیب‌تهیه مال‌التجاره خوب و امتعه مرغوب حاصل نموده ومطالعات لازم دراوضاع و احوال تجارت و اقتصادآنها نمایند، امتعه و محصول ایران را بشناسانند و اطلاعات مفیدی‌را که در نقاط مزبور کسب می نمایند در مراجعت بتمام تجارمملکت بدهندکه‌سودآن برای‌عموم‌باشد»

الغای قرارداد تجارتی فعلی بااتحاد شوروی و همچنین معافیت اقلام صادراتی از هر گونه عوارض مورد تقاضای تجار بود زیرا هردو قسمت‌مورد شکایت واشکال‌تجار شده بودو شاه فقید وعده‌داد درهردوقسمت دستور به‌هیئت‌دولت بدهد .

لیندن بلات توقیف گردید: بعداز خودکشی فوکل‌کفیل بانك ملی چون لازم بود لیندن‌بلات رئیس سابق بانك ملی برای توضیحات بایران بیاید دولت آلمان موافقت خودرا اعلام داشت ود کتر لیندن‌بلات بتهران آمد، چندی بعد براثر تحقیقاتی که‌ازاو شدمشارالیه ازطرف بانك‌ملی باتهام‌خساراتی که‌در نتیجه سوءاستفاده‌خود ببانك وارد نموده بودمجرم تشخیص‌داده‌شدوحبس گردیدودرحدودسیصدهزار تومان‌وجه‌الضمان خواسته شد که‌چون نتوانست ضامن بدهد درزندان‌ماند تامحاکمه اوشروع گردید . اداره‌کل‌صناعت نیز برعلیه لیندن بلات بمناسبت افراط و تفریط در خرید لوازم کارخانه قند سازی کهریزك و غیره اقامه‌دعوا نمود .

خاتمه مذاکره نفت - روز هفتم اردیبهشت ۳۱۲ مذاکرات بین متخصصین ومشاورین حقوقی دولت وکمپانی نفت‌جنوب خاتمه پذیرفت . علاوه بر جلساتی که همه روزه تانصف شب تشکیل بود روز جمعه هم از صبح تاعصر باحضور آقایان فروغی ، تقی‌زاده ، داور وسرجان کدمن رئیس کل شرکت نفت‌مذاکرات ادامه داشته ودرساعت ۵ بعدازظهر پروژه‌ها باتوافق‌نظر نمایندگان‌طرفین تنظیم گردید .

تاآنروز هیچگونه اطلاع‌صحیحی‌ازمسائل برجسته‌ای که موردموافقت‌واقع‌شده‌بوددر دست‌نبود ولی‌شالودهٔ که برای قرارداد جدیدریخته شده‌بود گفته‌میشد بکلی باشالوده واساس امتیازنامه سابق فرق دارد که‌پس‌از طرح‌درهیئت وزراءدرصورت حصول‌توافق باآقای تقی‌زاده‌وزیرمالیه اختیار داده‌شود بنام‌دولت ایران قرارداد جدید راامضاءو مبادله نمایند .

امتیازجدید نفت چه بود؟: چندروزبعد اطلاعاتی بدست‌آمد که در روزنامه باطلاع عموم رسید و معلوم شد که در قرار داد جدید قسمت زیادی از مواد امتیاز نامه تغییر کرده و اصلاحات زیاد در آن بعمل آمده‌از جمله محدود کردن‌حوزه‌نفت بود که در امتیاز نامه دارسی قسمت عمده ایران‌را شامل‌بود و کمپانی‌مکلف گردید در ظرف چهار سال حوزه عملیات‌خود را محدود و حداکثر از یکصدهزارمیل‌مربع که کمتر از ربع حوزه امتیازدارسی بودتجاوز ندهد.

حق لوله کشی‌انحصاری شرکت‌درایران‌موقوف گردید تا آن وقت غیرازشرکت‌نفت جنوب‌هیچ شرکت داخلی یاخارجی حق‌لوله کشی نفت در ایران نداشت‌بعبارت دیگر حق‌استخراج‌نفت‌پیدا نمیکرد ، شرکت بهای نفت‌و یامشتقات آن که‌درایران‌می‌فروشدو یاازایران‌خارج‌می کندطبق‌قرارداد‌تازه‌چهار شلینگ‌حق‌الامتیاز بدولت‌خواهدداد بعلاوه مبلغی معادل خمس آنچه از کل منافع خالص شرکت چه درایران وچه‌درخارجه بدست‌می‌آیدخواهدپرداخت ونیز شرط شده است که آنچه از این بابت بدولت میرسد درهیچ سالی حتی دربدترین‌سال‌ها ازحیث‌عایدات‌از ۷۵۰ هزارلیره نباید کمترباشد و اگرلیره‌انگلیسی‌تنزل کند ترتیبی داده شده که ضرری از این راه متوجه ایران نشود.

علاوه براین قرار شده است در ۱۵سال اول امتیاز برای هرتنی تاشش‌میلیون ۹ پنس‌وبالاترازشش‌میلیون تن‌برای هرتن شش‌پنس ودر۱۵ سال بعد برای هرتن تا شش میلیون تن یك شلینك وبرای هر تن بالاتر از ۶ میلیون تن۹ پنس بپردازند ولی‌تضمین‌شده‌است که‌درهرصورت در۱۵ سال اول ازاین باب کمترازسالی ۲۲۵هزار لیره‌عایدات دولت نباشدودر۱۵ سال‌بعد کمتر ازسیصد هزار لیره نباشد

قرار شده‌است کمپانی بتدریج مستخدمین وعمله‌غیرایرانی رامرخص نموده وبجای آنها ایرانیهارابگمارد وبرای این‌منظور طرحی خواهند ریخت و کمپانی سالی ده هزار لیره درانگلستان بمصرف تربیت محصلین‌ایرانی درفنون مربوط بنفت‌بانظارت نماینده مخصوص دولت خواهدرسانید.

برای فروش نفت‌درداخله شرط شده‌است که‌همه‌ساله قیمت متوسط دوازده‌ماه‌قبل هریك‌ازمحصولات رادر خلیج مکزیك و رومانی تعیین‌نموده وهرکدام ارزانترباشد آن‌راماخذقرار دهند ونسبت‌بماخذ مزبور بمردم‌صدی ده کمتر وبدولت‌صدی ۲۵ کمتر بفروشند بااضافه کردن مخارج حقیقی حمل‌ونقل وغیره.

کمپانی بابت‌قطع‌کلیه دعاوی‌گذشته یك میلیون لیره خواهد پرداخت و حق‌السهم دولت ایران را درسال ۱۹۳۱ که درحدود سیصد هزار لیره پرداخته بود و دولت ایران از قبول آن استنکاف ورزیده بود از روی امتیاز جدید خواهد پرداخت‌که ازیك میلیون‌لیره هم تجاوز خواهد کرد .

همچنین نسبت بمطالبه مالیات برعایدات که مورد اختلاف بود قرار شد روی پایه مالیات جدید گذارده شود یعنی روی تن شمارگرفته میشود ومبلغ ششصد هزار لیره ازبابت مالیات گذشته که مورد مطالبه دولت بود عایدخواهدگشت.

ازعایدات خالص شرکت هم دولت حقی خواهدگرفت واین حق صدی بیست منافع خالص خواهد بودکه شامل تمام عمل‌کرد شرکت بخصوص شرکت‌های فرعی نیز خواهد بود دولت ایران نماینده مخصوصی در لندن خواهد داشت با اختیارات وسیمتری که مانند اعضای هیئت مدیره حق خواهد داشت ازمنافع دولت ایران دفاع نماید وهرموقع تقاضای تشکیل هیئت مدیره نموده ودر امور نظارت داشته باشد ونیز درامتیاز جدید قید شدکه اگر متخصصین نفت شرکت درضمن‌کاوش معدن نفت بمعادن دیگری برخوردند مکلف هستند راپرت وجود معدن مزبور را با نقشه‌های آن‌مجانادردسترس‌دولت ایران بگذارند وحتی حق استفاده ازجنگلهائی که درحوزه امتیازیه آنها واقع است ندارند ، ونیز پیش‌بینی شدکه اگر دولت خواست وضعیت تضمین مبنای طلارا تغییر دهد طرفین موافقت می‌نمایند وهمین‌قسمت وسیله‌شد که بعدها دولت ایران ادعای افزایش عایدات نموده‌وترتیب اثرداده‌شد.

چگونه تمدید داده شد - مدت امتیازنامه دارسی ۶۰ سال بود که نزدیک بسی سال آن منقضی شده بود وهنگام تنظیم قرارداد جدیدهیچ صحبت از تمدیدنبود لکن در آخر کار که موادامتیازنامه طبق موافقت طرفین تنظیم گردید ناگهان سرجان کدمن عنوان کرده بود که شصت سال مدت امتیازدارسی از تاریخ امضاء ومبادلهٔ این امتیاز نامه خواهد بود این پیشنهاد مذاکراترا دگرگون ساخت وچندبار قطع گردید ودوباره شروع شد و بالاخره نمایندگان ایران قبول نکردند وموضوع بشاه فقید مراجعه شد واوهم زیربار نرفت وقرارشد اختلاف بماند وباردیگر بمجمع اتفاق ملل طبق قراری که داده شده بود ارجاع گردد.

درهمین موقع متخصصین ومشاورین خارجی نفت چه آنهائی که ازطرف دولت ایران استخدام شده بودند وچه آنهاکه باسرجان کدمن رئیس شرکت نفت آمده بودند چون کار خودرا خاتمه داده بودند بعضی حرکت نموده وبرخی درشرف حرکت بودند وخود کدمن رئیس شرکت نفت هم تصمیم خودرا بحرکت گرفت و گفته بوددراینصورت مذاکرات ماخواهدماند تادرجامعه ملل طرح شود.

تصمیم اول شاه فقید: شاه فقید دربن بست قرار گرفت ازیکطرف امتیاز نامه دارسی را ملغی نموده ودرصدد بود حق تضییع شده ایران را پس بگیردوفورمولی هم که برای انجام این منظور پیدا شده بود تاحدی رضایت بخش بود ولی ازطرف دیگر شرط عقدوامضای قراردادجدیدرا انگلیسها تمدید قرارداده بودندمردد بوداگرزیر بارتمدید برود بقول خودش موردطعن ولعن آیندگان واقع خواهد شد بالاخره تصمیم خودرا گرفت که موضوع بار دیگر بجامعه ملل مراجعه شود وحتی اطلاع داد که نمایندگان ایران بارسفر به بندندوحرکت کنند اما درپس این تصمیم فکری برایش قوت گرفت وآن این بود که آیا مجمع اتفاق ملل طرف ایران را خواهدگرفت یا بنفع انگلیسها رای خواهد داد؟

درمرحله اول شکایت ایران بجامعه ظاهر قضیه فتح ایران بنظر میرسد لکن درباطن شکست بودزیرادولت ایران مدعی بود که اختلاف بین ایران وشرکت نفت یك امرداخلی است که باید درخود ایران وبمحاکم ایران مراجعه شودو بدولت انگلیس و ارجاع بجامعه ملل ارتباط ندارد وبااین تصمیم نمایندگان ایران بجامعه رفتند که اعتراض دولت انگلیس را خنثی سازند ولی برعکس جامعه ملل دخالت کرد وآنرا دردستور گذاشت منتها برای حفظ حیثیت دولت ایران قبول کرد که دعوی درتهران بین نمایندگان شرکت ودولت ایران بطورمسالمت آمیزطرح وحل اختلاف شود وچنانچه حل نشد جامعه ملل درآن دخالت کند

تصمیم دوم شاه فقید: اعلیحضرت فقید متوجه این نکته گردید که اگر قضیه درتهران حل نشود و بجامعه ملل احاله گردد قطعا بسود ایران رای نخواهندداد ونمایندگان جامعه ملل طرف انگلیسهارا ازدست نخواهند داد ودرنتیجه ممکن است او رامجبور کنند سندباره شده دارسی را دوباره قبول کند واین بزرگترین ضربه‌ای بود که به حیثیت او واردمی آمد. این افکار در او قوت گرفت درهمین ساعات بود که سرجان کدمن رئیس شرکت نفت بالباس ژاکت وکلاه بلندخود در کاخ سلطنتی حضور اعلیحضرت فقید شرفیاب میشد که خدا حافظی نموده و فردای آن روز بدون اخذنتیجه باطیاره عزیمت نماید ، در این ملاقات و خداحافظی شاه تسلیم شد وبلافاصله به هیئت دولت دستورداد تمدیدرا قبول کنند.

روز بعد قراردادبامضای نماینده مختار ایران آقای تقی‌زاده ونماینده شرکت نفت رسید وآماده پیشنهاد بمجلس گردیدوچندروز بعدتقدیم مجلس شدو بتصویب رسید.

انعکاس تمدید در کشور : اخبار مربوط بمذاکرات نفت وتغییرات مفیدی که درامتیازنامه داده شده بودو بخصوص لغوانحصار لوله کشی درایران وحق تجدید نظر دردرآمد دولت ایران ازراه ادعای تغییر تضمین طلا ومحدود کردن حوزه امتیاز وتقلیل عده کارمندان خارجی شرکت وسایرمسائل تاثیر شایسته‌ای درافکارمردم نمود ولی بمحض اینکه این دوسطر درضمن طرح جدید نفت چاپ شد : « مدت امتیاز ازاین تاریخ شصت سال است و دولت درمورد تخلف کمپانی از پرداخت آنچه که بموجب حکم حکمیت مکلف بتادیه واجرای آن بشود حق فسخ دارد» شور وشعفی که تمام مردم کشور داشتند ناگهان بیأس مبدل شد . آن جشن‌ها و چراغانی‌ها وساز و آوازها و فریاد های شادی وشعف بسکوت آمیخته به بهت وتعجب تبدیل گردید . دیگر درهیچیك ازمطبوعات تعبیر وتفسیری دربارهٔ قرار داد جدید دیده نشد و جز سکوت در عامه طبقات انعکاس دیگری درافکار مردم مشاهده نگردید وکاملا روشن شد که مردم از فصل تمدیدقرارداد جدید ناراضی هستند.

دراین باره عقاید وافکار مختلف بود وگوشه وکنار گفته میشد که اگر رضاشاه فقید دنباله خشونت‌را

از دست نمیداد و پافشاری میکرد جامعه اتفاق ملل در اخذ تصمیم بر علیه ایران تامل می‌نمود ورا‌ضی نمیشد که کار بجدال و کشمکش برسد وعواقب وخیم وخطرناکی دربرداشته باشد ، پارهٔ دیگر معکوس این نظررا اظهاری داشتند ولی درهرحال هیچگونه انعکاسی درمردم ومطبوعات بنفع قراردادجدیددیده نشد.

قرارداد نفت بتصویب مجلس رسید : روز ۲٤ اردیبهشت قرارداد جدید نفت شامل ۲۷ ماده ازطرف‌آقای وزیر دارائی (تقی‌زاده) بمجلس تقدیم گردید وبکمیسیون‌های مربوطه ارجاع شد. سه کمیسیون خارجه بودجه‌واقتصادباهم‌دریك‌جلسه‌مشترك‌باین موضوع رسیدگی نمودندودرجلسات کمیسیون مرحوم‌فروغی . مرحوم داوروآقای‌تقی زاده مشارکت داشتندو پس ازچند روزمطالعه در کمیسیون‌ها روز یکشنبه ۷ خرداد ۳۱۲ شور دوم‌لایحه نفت دریك جلسه بعمل‌آمد وبا کثریت ۱۰۵ رأی از۱۱۳ نفرعده حاضر درمجلس بتصویب رسید.

اجتماع تجار وصدور بیانیه : روز ۲۳ اردی‌بهشت جلسه بزرگی ازتجار دراطاق تجارت‌تهران تشکیل شد ومذاکرات مفصلی دراطراف تجارت ایران وشوروی وروبه سوئی که نمایندگی تجارتی شوروی از چندی باینطرف در تجارت عمومی اتخاذ نمود وبالنتیجه موجب تضییق وخسارات زیاد تجار و مردم گردیده است ایراد و شکایات زیادی که ازتمام نقاط بخصوص شهرهای شمالی ایران رسیده بود رسیدگی نمودند وناطقین این جلسه بیاناتی دائر بتشویق وترغیب تجار به‌پیدا کردن بازار های دیگری غیراز بازارهای شوروی اظهار نموده وموافقت‌شدبیانیه‌ای‌که ازطرف‌اطاق تجارت تهیه‌شده بودتکمیل وتقدیم‌هیئت‌دولت شود وبیانیه قرائت‌وبااصلاحاتی تصویب‌وتقدیم دولت‌شد .

خلاصه بیانیه این بودکه باوجود تسهیلات زیادی‌که برای تجارت شوروی فراهم گردیده ومزایای بسیاری‌که‌ازطرف‌دولت‌اختصاصا برای نمایندگی تجارتی شوروی قائل‌شده‌اند متاسفانه مؤسسات مزبورسوءاستفاده نموده واردات رابقیمت‌های زیادتر می‌فروشند ووجوه حاصله ازمعاملات را اسعارخارجی نموده بعوض صادرات‌از کشور خارج میکنند وشش ماه است از خرید متاع داخلی خودداری نموده و تجار در برابر زیانی‌که از طرز معاملات مؤسسات شوروی‌وارد آمده چاره‌ای نمی‌بینندجز اینکه ازدولت بخواهندکه نسبت باین موضوع فکری بیاندیشند ونسبت باین سوء جریان تصمیم عاجل‌بگیرند .

در خصوص ترقی قیمت روغن : درجلسه ۱۰ اردی بهشت ۳۱۲ مرحوم حسین تهرانی که‌از نمایندگان آزادیخواه ودلسوزمجلس بودگفت سال گذشته بواسطه سردی‌هوا مقداری ازاغنام واحشام تلف شده‌اند وامسال‌می‌بینیم روغن‌گران شده ومردم سیری یکقران و یکمن ۳٦ قران میخرند . این موضوع را که میگویم نه‌برای اینست که بلدیه‌گریبان بقالها را بگیردکه باید روغن را سیری ۳ عباسی بفروشند بلکه برای اینست که فکری بشود واز صدور گوسفند جلوگیری شود ، ماداره فلاحت‌ایجادنمودیم‌که اغنام‌واحشام مملکت‌رازیادتر کنند وبرای تربیت آن دوشش نمایندکه بهتر بشود، آنوقت ها که اداره فلاحت نداشتیم وضع بهتربود.

محاکمه تیمورتاش و امین‌التجار اصفهانی : مرحوم تیمورتاش‌طبق‌ادعانامه مدعی‌العموم‌متهم باخذرشوه‌ازمرحوم‌حاج‌میرزاحبیب‌الله‌امین‌نماینده‌اصفهان‌در مجلس گردیدوبهمین‌جهت‌درتاریخ ۳۱ اردی‌بهشت ۳۱۲ مرحوم داور لایحه سلب مصونیت امین‌التجاررا تقدیم نمود که بتصویب رسید وایشان نیز زندانی‌گردید و در تاریخ ۲۹ خرداد ادعانامه مدعی‌العموم دیوان‌جزای عمال‌دولت دائر بر مجرمیت تیمور تاش وحاج‌امین‌صادر گردید .

این ادعانامه ازاینقرار شروع میشود : «درتاریخ ۷ آبان ۱۳۰۹ آقای امین‌التجار موفق باخذ امتیاز انحصار صدورتریاك تمام مملکت ایران برای مدت سه‌سال شده‌ونظر باینکه حصول این‌موفقیت دراثر مداخله ومساعدت آقای تیمورتاش بوده وتمام مقدمات‌کار بامداخله اوانجام شده از بدو واگذاری امتیاز بین‌این دونفر معهود گردیده که درازاء این‌مساعدت وبرای‌کمك درحفظ امتیاز و اجرای‌آن مبلغی حاج‌امین به تیمورتاش بدهد، وقطع مسلم این‌است که حاج‌امین مبلغ ۹هزارلیره‌انگلیسی درخرداد وتیر۳۱۰ ومبلغ ۲۰۰ هزارریال درخرداد واردی‌بهشت ۳۱۱ به‌تیمورتاش پرداخته است.آقایان‌حاج‌امین وتیمورتاش پرداخت واخذ مبلغ مذکوررا معترف بوده نهایت‌آنکه آقای تیمورتاش ادعانموده وجه‌مزبوررا بعنوان قرض‌گرفته وحاج‌امین هم‌دراولین مرحله‌تحقیقی وانمودکرده است که پرداخت وجه‌مزبور بعنوان رشوه‌نبوده وبرای ایفای تعهدی بوده‌که درنزدآقای تیمورتاش راجع بفروش اسعار نموده‌است ... الی آخر .»

روزنامه، آئینه افکار ملت است. بهترین شعف وامیدواری برای کارکنان روزنامه اینست که وقتی بدوره عمل یکساله گذشته خود مراجعه میکنند، می‌بینند نقطه تاریکی وجود ندارد، در برابر خدا ووجدان ودر برابر خوانندگان عزیز ومشترکین محترم خود شرمنده وخجل نمیباشند زیرا موفق شده‌اند مسئولیت وخدمتگذاری که برعهده آنها محول گردیده است با کمال دقت وبانهایت بیغرضی وباحسن نیت وصمیمیت انجام داده مفتخر وسربلند باشند. بهترین مشخص وبزرگترین ممیز خوبی وبدی، قضاوت افکار عمومی است، حسن استقبالی که از روزنامه اطلاعات میشود حاکی ازاین است که زحمات کارکنان این مؤسسه مورد توجه وتشویق خوانندگان محترم قرار گرفته است. عظمت هرملت، رشد سیاسی و ترقیات اجتماعی و اخلاقی مردم را درخلال سطور ومندرجات روزنامه هامیتوان تجسس کرد. روزنامه آئینه افکار وعقاید ونمو ملی است که هرزشت وزیبائی در آن منعکس میگردد ومامیدواریم مندرجات روزنامه را باافکار متین ورزین عمومی وفق داده وترقی وپیشرفت مؤسسه خودرا مدیون رشد ملی بدانیم وآرزومندیم درسال هشتم با تأییدات و توفیقات خداوندی مشی ورویه دیرین خودرا تعقیب نموده وسعی کنیم حتی المقدور روزنامه را برای مردم مفیدتر ودلچسب‌تر انتشارداده وعمل ما طوری باشد که پیوسته نزد خدا ووجدان، مملکت وهموطنان عزیز مفتخر باشیم.

بایستی سعی کرد مؤسسات آزاددر مملکت زیاد شود، هرقدر مؤسسات آزاد ولو کوچك هم باشد تاسیس گردد بر آبادی وعمران وتامین سعادت عمومی کمك شده است، اگرچه مؤسسه روزنامه و مطبعه اطلاعات قابل این نیست که آن را درعداد مؤسساتی ذکر کنیم که ازلحاظ تامین زندگی مردم موثر میباشد ولی درهمین مؤسسه بیش ازیکصد نفر امروز کار میکنند که اگراین رویه وفکر ایجاد کارهای آزاد از راه تاسیس مؤسسات تعقیب شود تاثیر مهمی درزندگی عمومی خواهد داشت.

***

خوانندگان محترم تصدیق می‌فرمایند که ما ازابتدای شروع بکار تا کنون که مؤسسه اطلاعات وسعت بسزائی یافته و چند صد نفر در آن کار می کنند که در واقع با عائله های خود تعداد چندهزار نفری را تشکیل میدهد پیوسته کار آزاد را بر کار های اداری و دولتی ترجیح داده ایم و خود هم دراین راه گام برداشتیم و هیچوقت نخواستیم که برخزانه دولت دست‌اندازی کنیم وهمیشه مردم را هم تشویق نموده‌ایم که بکارهای آزاد بپردازند و از پشت میز نشستن وسربار جامعه شدن و دست بسوی صندوق بیت‌المال ملت دراز کردن احتراز جویند. متاسفانه اگر این سبك وسیره عمومیت پیدا کرده بودامروز مملکت دچاراین وضع عجیب نمیشد که ۸۰ درصد بودجه کشور خرج حقوق کارمندان بشود وکارهاهم همه فلج وبجای اصلاح درتمام شئون اجتماعی فساد ببارآید.

سرجان کدمن گزارش میدهد : رئیس کل شرکت نفت انگلیس و ایران پس از بازگشت خود به لندن گزارشی بصاحبان سهام شرکت ازجریان مذاکره و اقدامات خود وتجدید قرارداد نفت داده است که بسیار مفصل میباشد وخلاصه آن این است :

پس از تبادل یادداشت بین دولتین انگلستان و ایران در ۱۶ دسامبر ۱۹۳۲ قضیه بجامعه ملل محول شد ازطرف جامعه (دکتربنش) وزیرخارجه چك‌اسلوا کی بسمت مخبری تعیین گردید. باتشکر از اقدامات اودرنتیجه همین اقدامات قرارداد موقتی بین دولتین انگلیس وایران منعقد گردید که تاتعیین تکلیف رسمی برای رفع اختلافاتی که درمواد امتیاز پیدا شده شرکت بتواند کارخود را ادامه دهد. پیشنهاد مزبوردرجلسه ۳ فوریه ۱۹۳۳ جامعه ملل مورد قبول واقع شد وازدولتین ذیعلاقه درخواست شد که نتیجه اقدامات ومذاکرات خود را تهیه نموده و برای اطلاع جامعه که جلسه آن درماه مه منعقد میشد ارسال دارند.

نظر باین پیش‌آمدها رئیس شرکت با چند نفرمشاور حقوقی و عده‌ای از اعضای مهم شرکت عازم تهران شده و بلادرنك باب مذاکرات را مفتوح نمودند ودرنتیجه تعاطی افکار قرارداد جدیدی بنام دولت ایران وشرکت در ۲۹ اوریل ۱۹۳۳ امضاء گردیده است.

نظر باینکه این قرارداد رسماً ازطرف پارلمان ایران تصویب وبصحه همایونی نیزرسیده هیئت مدیره را مسراست که رابرت مختصری از مواد جدیدالانشاء امتیاز تقدیم دارد.

سپس سرجان کدمن مواد امتیازجدید را تشریح نموده و مدلول آنرا باستحضار صاحبان سهام رسانیده ودرباره تمدید چنین میگوید :

« امتیاز جدید از ۲۹ ماه مه ۱۹۳۳ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۳۳ بمدت شصت سال بقوه خود باقی بوده و از همان تاریخ که قرارداد منعقد شده مواد آن عملی میشود . درامتیاز جدید موجبات لغو امتیاز درموقعی بخصوص ملحوظ شده ازجمله اینکه چنانچه شرکت از پرداخت وجهی که پس از ارجاع بحکمیت و تشخیص حقانیت ایران امتناع ورزد یکماه بعد از استنکاف امتیازنامه ترک میشود ودرصورت انحلال شرکت وهمچنین تصمیم بترك قرارداد که دوسال قبل ازوقت مراتب را اطلاع دهد . »

رویهمرفته رئیس کل شرکت از عقد قرارداد جدید اظهار مسرت نموده و در پایان گفته است امیدواری حاصل است که این قرار داد مرضی الطرفین در آتیه اساس روابط مناسبانه بین دولت ایران و شرکت شناخته شود .

***

چنانچه گفتیم پس از امضاء وتصویب امتیازنامه تمام آن سروصدا هائی که دربارهٔ نفت بلند شده بود یکباره خوابید ، هیچکس اظهار عقیده مثبت و منفی دراین باره نکرد وازصدوبیست وچند نفر نماینده در مجلس کلمه‌ای برزبان برمدح ویا ذم جاری نشد ودرمطبوعات تهران یك سطر مطلب دراین‌خصوص نوشته نشد فقط بذکر گزارش امر اکتفا گردید و پس‌ازآن شوروغوغا که بنام جنك نفت دردنیا منعکس شد، این‌سکوت اجباری کاملا نشان داد که ملت ایران ازتجدید قرارداد درقسمت تمدید ناراضی‌است منتهااوضاع‌واحوال عمومی و پارهٔ احتمالات و پیش‌بینی‌ها که بتصور شاه فقید رسیده بود اوراوادار وتسلیم به تمدیدی‌که خود او نیزمسلماً ناراضی بود نموده است .

محاکمه تیمورتاش وامین التجار اصفهانی. سه ساعت بظهرروز سوم تیر ۱۳۱۲ اولین‌جلسه محاکمه علنی مرحوم تیمورتاش وامین‌التجار اصفهانی دریکی از سالن های دیوان جزای‌عمال دولت بریاست آقای لطفی و عضویت آقایان‌عقیلی و یکانی تشکیل گردید - تماشاچی حاضر نمی‌شد ولی خیلی کم و نمایندگان مطبوعات عموما شرکت داشتند آقای مقبل بوکالت از تیمورتاش و آقایان سیدهاشم وکیل . دکترآقایان . کرگانی بوکالت از امین‌التجار حضوریافتند. قبلامتن ادعانامه مدعی‌العموم (آقای‌سروری)درمحضرمحکمه قرائت گردید وبعدتحقیقات شروع‌شد.

تیمورتاش باآن قدرت وعظمت ، دومین‌شخص مملکت، اینك برابر میزآقای لطفی جواب میدهد:اسمم عبدالحسین،پدرم حاجی کریم دادخان‌نام فامیلم تیمورتاش ۵۰سال دارم ، شغلی‌ندارم ، محل تولدم خراسان ، محل اقامتم محبس.

رئیس محکمه پرسید طبق ادعانامه مدعی‌العموم شما متهم هستید باینکه مبلغ ۹هزارلیره انگلیسی‌ودویست هزارریال ازحاج امین بعنوان رشوه درمقابل مساعدتی که راجع بامتیاز انحصارتریاك‌نمودید گرفته‌اید باین‌دلایل (دلایل شرح داده شده) حالاچه میگوئید خودرا مقصرومجرم‌میدانیدیانه ؟

تیمورتاش : خیر - این چه پولی است گرفته‌اید - تیمورتاش : قرض کردم‌س:مذا کره هم‌قبلا کرده‌بودید که بعنوان قرض است ج - بلی س - پس چرا اظهارات شما با حاج‌امین‌مغایرت دارد. ج - ازمن نباید بپرسید از ایشان سئوال کنید .

درپایان سئوالات خود لطفی پرسید دفترروزنامه را ملاحظه کرده‌ایدکه بچه عنوان نوشته شده ج-نخیر (دفترروزنامه شرکت انحصارتریاك بآقای تیمورتاش ارائه داده شد) اوگفت من بی‌خبرم من ازاوقرض گرفته‌ام و با دوستی و روابطی که با من داشتند این مساعدت راکه برای حواله کردن بپاریس‌احتیاج داشتم‌بمن‌کردند و همان حواله که بامضاء بنده وصول شده بهترین سند برای حاج امین میباشد و ادعانامه مدعی العموم بهیچوجه وارد نیست .

مرحوم حاج امین‌التجار نیز در همین زمینه جواب هائی داد و سپس محاکمه شروع گردید و هریك‌از متهمین و وکلای مدافع آنها روز شنبه و یکشنبه صبح وعصر وشب‌چندین ساعت‌بدفاع پرداختند وساعت۸ بعد از ظهرچهارم‌تیرجلسه محکمه با حضور آقای فروهر نماینده مدعی‌العموم‌و متهمین و وکلای مدافع تشکیل یافت و رای‌محکمه‌اعلام‌گردید .

***

رای محکمه دربارهٔ‌مرحوم تیمورتاش ومرحوم امین‌التجار اصفهانی باین شرح میباشد :

رای محکمه درباره تیمورتاش ـ برمحکمه ثابت ومحرز شده‌است که تیمورتاش مبلغ ۹هزار لیره انگلیسی و دویست‌هزار ریال بعنوان رشوه‌از حاج‌حبیب‌الله امین در مقابل مساعدتی که بامشارالیه راجع بعقدامتیاز انحصار صدور تریاك در وزارت مالیه نموده وعملش مشمول ماده اول قانون مجازات‌ارتشاء مصوب‌دوم تیر۳۰۷ و قسمت‌دهم ازماده واحده قانون متمم قانون دیوان جزای عمال دولتی میباشد ، لذا تیمور تاش محکوم است به پنجسال حبس مجردوتادیه ۹هزارلیره ودویست‌هزارریال بخزانه‌دولت.

رأی محکمه درباره حاج‌امین‌التجار ـ برمحکمه ثابت و محقق شده است که‌حاج امین راشی میباشد و عملش مشمول ماده ۱۴۲ قانون مجازات عمومی و محکوم است بشش ماه حبس‌تادیبی‌واماراجع‌باتهام بارتکاب کلاه‌برداری از شرکاء تجارتی و انحصارصدور تریاك وخیانت درامانت‌نظر باینکه مستندات‌مدعی‌العموم دلیل نبوده و در تمام محتویات دوسیه‌دلیل دیگری بدست‌نیامده‌که‌ثابت کندامین‌التجارمرتکب کلاه‌برداری‌وخیانت درامانت‌شده‌است‌لذاتبرئه‌مشارالیه ازاتهام کلاه‌برداری وخیانت‌درامانت‌بشرح‌ادعانامه اعلام میگردد.

بتاریخ یکشنبه چهارم تیر ۳۱۲ ساعت ۸بعدازظهر . **لطفی . یگانی . عقیلی**

***

جریان محاکمه مرحوم تیمورتاش ومرحوم امین‌التجار اصفهانی بطور مبسوط ومشروح در چند شماره اطلاعات بچاپ‌رسیده وشانزده‌صفحه روزنامه اطلاعات‌را اشغال‌نموده ودرین‌مورد هیچگونه محدودیتی وجودنداشته وجراید درنشر جریان محاکمه بتفصیل آزادی عمل داشته‌اندوتمام‌بیانات متهمین‌وو کلای‌مدافع آنهارا بچاپ‌رسانیده اندودرتمام‌جریان این‌محاکمه‌مرحوم تیمورتاش موقعیت محکمه واحترامات قضات‌رامرعی‌داشته و کوچکترین‌اهانت رارروا نداشته ودرعین‌حال نتوانسته است نگرانی واضطراب درونی خودرا مخفی‌دارد ، چندبار گریسته‌وازقضات استمداد طلبیده‌است .

رواج اسکناس اضافه ـ تحت این عنوان در شماره ۱۱ تیر ۱۳۱۲ مقاله ای بقلم آقای فرج الله فرود بچاپ شده و در طی آن می نویسد : « بانك هائی که عهده دار رواج اسکناس هستند بر ـ حسب قوانین مملکتی هیچوقت نمیتوانند اضافه بریك میزان معین اسکناس در جریان بیاندازند و همیشه تناسب مقدار طلا ونقره یا اسعاری‌که درمقابل اسکناس منتشره باید در خزانه بانك موجود باشد قبلا تعیین شده است ولی‌گاهی حوادث سیاسی و اقتصادی سبب میشوند که دولتها با گذراندن لوایح فوق العاده یا باستناد اختیارات ضمنی وضمنی که بدست می‌آورند وبعضی اوقات هم روی اضطرار وناچاری از مقررات انحراف جسته اسکناس اضافه رواج میدهند که این عمل‌اوضاع اقتصادی ملت را درحال‌رفاهیت جلوه میدهد ، خوش‌بینی همه‌جا حکمفرما میشود ، بانك‌ها پیدایش دادوستد را برضایت بخش تلقی کرده بموسسات صنعتی وتجارتی اعتبارات سرشار اعطا میکنند . همه طبقات راضی میشوند لکن چیزی نمیگذردکه همه احساس میکنند بمرور قیمت اشیاء بالا میرود . احتیاجاتی را که با مزد دیروز میخریدند امروز دیگر بهمان مظنه نمیتوانند خرید کنند ، شکایت آغاز میشود ، مطالبه اضافه مزد می نمایند وباین ترتیب زیان اضافه انتشار اسکناس که خارج از مأخذ احتیاج باشد ظاهر میگردد و درنتیجه تعادل بودجه از دست میرود .... الی آخر »

وطن ملی یهود ـ در قبال اقدامات‌هیتلری‌برضد یهودجابوتنسکی.زعم صهیونیست‌های اصلاح‌طلب درطی بیانیه‌ای یهودیان دنیارا برای‌سه امر برضدآلمان هیتلری بمبارزه وادار می‌نماید این‌سه امر ۱ ـ تحریم امتعه آلمانی ۲ ـ حفظ معاهده ورسای بمنظور عدم دسترسی آلمان بمستعمرات سابق ۳ ـ ایجاد وطن ملی یهود می باشد .

بازهم‌جنك ! ـ در سرمقاله شماره ۱۹۳۰ مورخه ششم تیر ماه ۱۳۱۲ مخبر مخصوص اطلاعات ازلندن‌تشویش‌و اضطراب‌عمومی اهالی اروپارا شرح داده و پیشگوئی بروز جنك دیگری را نموده‌است .

خبرنگار مخصوص اطلاعات می‌نویسد نظریه اغلب سیاسیون این‌است که بحران کنونی اقتصادی‌ممکن است تاچندی دیگر از بروز جنك جلوگیری نماید لیکن‌بمجردیکه دول‌معظمه وضعیات داخلی خودرا مرتب‌نمودند بیرق جنك برافراشته‌خواهدشد ، بایك‌نظر اجمالی به تجهیزات سوق‌الجیشی فرانسه و ایتالیا وآلمان وسایر دول جای‌تردیدباقی‌نمی‌ماند که‌اروپاخودرابرای‌جنك‌تازه که‌جنك‌بین‌الملل‌سابق در مقابل آن بنظر بازیچه خواهد آمد مهیا می سازد .

وجوه دریافتی دولت از نفت، وجوهی که شرکت نفت انگلیس وایران برطبق قرارداد جدید بخزانه دولت پرداخت بابت دعاوی گذشته وتفاوت قیمت طلا ومالیات وحق الامتیاز ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ وقسط اول و دوم ۱۹۳۳ جمعا چهار میلیون و۱۰۷ هزار وششصدلیره بوده است که گزارش آن درتاریخ ۲۱ تیر بروزنامه داده شده است .

مراسم افتتاح بانک فلاحتی وصنعتی -روز۲۵ تیر ۱۳۱۲ اطلاعات در اطـراف اهمیت بانک فلاحتی وصنعتی ایران مینویسد : «مملکت فلاحتی ایران بااستعداد طبیعی ومحصولات مفیدش محتاج بکمک هائی بود که مالکین وخورده مالکین بتوانند درامر فلاحت قدمهای وسیعی بردارند. دراین موقع که دنیا درآتش بحران اقتصادی میسوزد وهرمملکتی در تلاش وتقلای خلاصی ونجات خود ازاین بحران میباشد جای نهایت خوشوقتی است که شالوده های اساسی برای استحکام بنیه مالی وتوسعه محصول وتقویت امرفلاحت ریخته میشود که یکی ازآنها همین بانک فلاحتی وصنعتی است که باید بیدرنگ دراین باب قدم برداشت وبرای عمران وآبادی دهات ویرانه وپیشرفت فلاحت کشور کمکهای مؤثر باسود بسیار ناچیز اهتمام نمود.

اطلاعات علاوه میکند: مملکت مادرلوای استعداد طبیعی قادراست خودرا ازخطر بزرگ اقتصادی عالم برکنار نگاهدارد وبه اصلاحات داخلی خود بپردازد پس هرچه نسبت بفلاحت کمک کنیم، زارعین ومالکین راتشویق وترغیب باصلاح زراعت وتوسعه آن نمائیم مفید وبانک فلاحتی چنانچه باحسن نیت کار کند مانند سنگ قوی ومستحکمی استکه برای ساختمان عمارت مجلل وباشکوهی کارمیکذاریم .»

شاه فقید بامسرت وبشاشت زائدالوصفی بانک فلاحتی وصنعتی ایران را افتتاح نمود . همه قسمت های آنرا دیدن نمود، اساسنامه ومقررات وچگونگی وام دادن بمالکین وزارعین را ملاحظه کرد وتوصیه نمود که درحسن پیشرفت وجریان این مؤسسه نوزادکه تاثیربسیاری درترقی وتعالی طبقات زحمتکش ورعایای ایران دارد کوشش نمایند وگفت مملکت ماخوشبختانه استعداد صنعتی نیزدارد وما بایدکاری کنیم که مواد محصولات فلاحتی درخود ایران ودرکارخانجات داخلی مصرف شود واحتیاجات ملت ایران را ازخارجه مرتفع سازد وبنیه مالی مردم ایران را تقویت بخشد .

نصب سنگ بنای امروز بانکملی - روز ۲۶ تیر ۱۳۱۲ آقای عـلاء رئیس بانک ملی خطابه زیر را خواند :

«اعلیحضرتا ، بنائی که باجازه اعلیحضرت اقدس روی این پایه محکم ساخته میشود دوره وروح تازه‌ای برای بانک ملی ایجادخواهد کرد. قصد هیئت مدیره این خواهد بود که همواره ازروی صحت ودقت وصداقت مساعی خود را مصروف اصلاح و توسعه امور بانک ملی نماید بنام هیئت مدیره از اعلیحضرت اقـدس ملوکانه استدعا می نمایم بدست مبارک سنگ اول این بنا را نصب فرموده بانک ملی را سرافراز وقرین امتنان فرمایند»

در این موقع مـرحوم فرزین چکش کوچک طلائی راکه در سینی قرار داده شده بود پیش آورد واعلیحضرت پس از گذاردن لوله بلوری که درآن تاریخچه نصب سنگ اول بنابدست اعلیحضـرت بود دربین دو سنگ باچکش سه ضربت برروی دوسنگ زدو باین ترتیب مراسم انجام یافت وبرروی آن دوسنگ اول امروزعمارت با شکوه بانک ملی بالارفت.

شاه فقید ضمن نطق مختصرخود گفت : «امروز دوستان و دشمنان ماهمه متوجه این موسسه هستند، اگر این موسسه خوب اداره شد وخوب کارکرد ما آبرومند و سرفراز میشویم باید متصدیان این بنگاه نهایت جدیت وادوحسن انجام کارنمایند ومثل سربازان باشند که درراه وطن جان نثاری وسربازی میکنند،شماهاباید بدانید که من نهایت مراقبت رادرامور بانک ملی دارم ،بایدمرا رئیس معنوی خودبدانید ودر انجام وظایف خود کوتاهی نکنید . خیلی مسرورم دراتفاقی که اخیرا برای این مؤسسه روی‌داد روساو اعضاء ایرانی دخالت نداشته وبعضی از آلمانیها قصورد، وظیفه خود کرده بودند.

دکتر لیندن بلات محاکمه شد: روز ۳ مرداد ۳۱۲ ادعانامه مدعی العموم راجع به لیندن بلات رئیس سابق بانک ملی تنظیم گردید که باتفاق پنجنفر آلمانی دیگر مجرم تشخیص داده شدند که خلاصه آن این بود: «دکتر لیندن بلات در موقع ورود بایران حتی الامکان سعی نموده که رفقا و همکارانی که در بانک های ممالک دیگر با او کار میکردند بتهران جلب و کنترات نماید و از این عمل دو فایده برده یکی آنکه حقوقهای گزافی برای رفقای خود درست کرده و مقداری از سرمایه و عوائد بانک را باسراف و تبذیر از بین برده و یکی هم اینکه معاونینی برای اعمال سوء خود درست کرده باشد، لیندن بلات دو دار الانشاء در بانک بنام (الف) مامور معاملات محرمانه و پرداخت حقوق اعضاء و (ب) برای معاملات اجناس مال التجاره ترتیب داده که برای هر کدام در بانکهای خارج و در تهران حساب جداگانه داشته است و بوسیله این دو دار الانشاء خود سوء استفاده می نموده ، حقوقهای گزاف میداده و بعلاوه چکهائی بسود خود صادر مینموده و چون خود عضو رسمی کمیسیون تفتیش اسعار بوده و از تعیین نرخ اسعار مسبوق بوده تا مدتی نرخ رسمی لیره ۶۰ ریال بوده و در بازار ۹۰ و ۱۰۰ ریال و از این راه سوء استفاده هائی می نموده است بعلاوه در سال ۱۹۰۹ در بیلان بانک تقلبی مشاهده شده است که عایدات را خلاف نشان داده است و قسمتی از کارهای لیندن بلات بدست (فوکل) معاون که بعد فرار کرد و خود را در بیروت در دریا انداخت و مرد انجام شده که باو دسترسی نبوده است.

از طرف دکتر لیندن بلات دکتر آقایان و مظفر فیروز و دکتر هرشونوش آلمانی بسمت وکلای مدافع تعیین شدند .

بیمارستان شماره ۲ : این مریضخانه که امروز بنام بیمارستان شماره ۲ ارتش نامیده میشود در تاریخ ٤ شهریور از طرف اعلیحضرت فقید پس از بیمارستان شماره یك یوسف آباد افتتاح یافت. این مریضخانه استعداد دویست تختخواب را داشت که در آن روز ۱۵۰ تختخواب زده شده بود. سرویس جراحی تحت نظر دکتر میر ود کتر پیشوا. سرویس کحالی دکتر نجات الله ، امراض داخلی دکتر فرهومند و دکتر ممقانی ، امراض مسریه دکتر علی اصغر زاده. دندانسازی دکتر سرکیسیان ، در این مریضخانه کلاسی برای تربیت خانم های پرستار از همان موقع باز شد که دورهٔ آن هشت ماه معین گردید .

اطلاعات در سرمقاله خود تشکیل این بیمارستان را که بمنظور حفظ صحت و سلامت افراد قشون که وابسته بجامعه میباشند بوجود آمده ستوده و بخصوص در بارهٔ تاسیس کلاس پرستاری نوشت که این اقدام هم از لحاظ تربیت عدهٔ خانم پرستار و هم از نظر ترقی نسوان و ورود آنها در کارهای نوعی و اجتماعی مفید و قابل توجه میباشد.

موقعی که شاه فقید برای افتتاح این مریضخانه حضور یافت یاور دکتر غلامحسین شمس رئیس مریضخانه بود و همه قسمت ها را باعلیحضرت نشان داد و بعد شاه سراغ حمام و آشپزخانه را گرفت و بخصوص بآشپزخانه فوق العاده اهمیت میداد و پس از آنکه تشکیلات آن را دید اظهار خرسندی نمود.

شاه متغیر و عصبانی شد: وقتی بازدید بیمارستان شماره ۲ قشون خاتمه پذیرفت شاه نزد هیئت دولت و نمایندگان مجلس و مخبرین که در محوطه بیمارستان قرار داشتند آمد و گفت:

«این بود مریضخانه ای که قشون برای احتیاجات افراد نظام تهیه کرده است شما بگوئید برای صحت و سلامت عموم چه کرده اید، کدام مریضخانه را ساخته اید، چه قدمی برای تامین صحیه مردم برداشته اید؟ سالها است می شنوم اداره صحیه مشغول تاسیس یك باب مریضخانه است. شما میخواستید بجای مریضخانه هزار تختخوابی یك مریضخانه سیصد تختخوابی بسازید که ببینیم کاری انجام داده اید. ادارهٔ صحیه برای چیست و چه اقدامی کرده اید؟ خواهید گفت بودجه کم است این هم عذری است که تکیه کلام شده است. شما میخواستید بقدر همین بودجه کمی که دارید برای مردم کار کنید. بودجه صحیه کجا صرف می شود ؟ شما تصور می کنید من نمی دانم وضعیت صحیه عمومی خوب نیست . مردم از حیث نداشتن طبیب و دوا در زحمت هستند ، من احصائیه های تاسف آوری از تلفات دارم و شما بودجه صحیه را در تهران صرف حقوق ادباء و شعرای کنید. مملکت قبل از هر چیز آدم می خواهد ، جمعیت سالم و صحیح المزاج میخواهد و این وظیفه را صحیه هیچ انجام نداده است، اگر صحیه بخواهد اینطور کار کند بشما می گویم در آتیه قلم چپ و راستی روی بودجه ادارهٔ صحیه کشیده و دستور میدهم در مریضخانه های لشگری و ادارهٔ صحیه قشون را بروی عموم باز کرده و در همه جا تشکیلات صحیه قشون بمردم رسیدگی نماید باید. باین وضعیت مسامحه و تعلل خاتمه داد» (شماره ۷ شهریور ۱۳۱۲)

اطلاعات در سرمقاله خود در این موضوع می نویسد: اعلیحضرت حق دارند متاثر باشد ا کنون اداره صحیه یك میلیون تومان بودجه دارد حساب کنید چقدر از این پول در تهران فرود میرود و صرف میز و صندلی میشود و چه

مبلغ آن خرج صحیه مردم چه در تهران و چه در ولایات میگردد ، مگر ایران تهران است که همه اطباء در اینجا جمع شده اند و حال آنکه مردم سایر نقاط از صحت و سلامتی و طبیب و دوا محروم میباشند، نظر اصولی شاه این است که باید برای مردم کار کرد، با این روح لاقیدی و مسامحه کاری مبارزه نمود، سعی و عمل را در کار بیش گرفت و بالاخره باری از دوش مردم برداشت.

پل کارون : ساختمان مهم پل کارون برای عبور راه آهن در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۰۷ توسط سندیکای راه آهن شروع و در تاریخ دهم اسفند ۱۳۰۸ خاتمه یافته است. مجموع مصالح فولادی ۱۹۴ تن و دارای ۵۱ چشمه می باشد. طول پل ۲۵ر۱۰۵۸ متر (تقریبا بطول خیابان لاله زار) و عرض آن ۸۸ر۵ متر میباشد، پل کارون بزرگترین پلی است که تاکنون در ایران ساخته شده و در آسیای غربی از حیث طول دومین پل بزرگ میباشد

ایران در نظر دیگران : نام ایران در اروپا و امریکا یعنی ممالک راقیه عالم امروز بطوری برده میشود که حکایت از یك مملکت زنده و بیدار که شروع بنهضت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نموده و بسرعت برای رسیدن بکاروان تمدن دنیا رو بجلو میرود مینماید. نام ایران امروز در اروپا و امریکا غالبا مقرون بیك سلسله تصورات نیکو و حکایت از یك آتیه درخشان مینماید.

نام ایران در ممالك متمدن شرقی یك جلوه و ابهت دیگری علاوه برمراتب مذکور دارد که بیش از پیش قابل توجه میباشد در دنیای کنونی علاوه از اینکه کشور ایران را یك کشور زنده و بیدار که شروع بنهضت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نموده است شناخته اند، اساسا رویه و اقدامات حکومت دور اندیش و مال بین ایران را برای خود سرمشق دانسته و در مطبوعات آنها که میرسد مقالاتی در آن ملاحظه میگردد که این معنی را تائید میکند چون مطبوعات نماینده افکار عمومی است پس این اظهار عقیده نماینده طبقهٔ منور الفکر و اصلاح طلب آنهاست. این مطبوعات از حکومتهای خود تقاضا میکنند که از ایران در راه نهضت اصلاحی و عمرانی و پیشرفت سرمشق بگیرند قسمتی از مقالهٔ شماره ۱۳۹۸

کارخانه سیمان افتتاح یافت : روز جمعه ۸ دی ۳۱۲ شاه فقید کارخانه سیمان ایران را بین راه حضرت عبدالعظیم در پای کوه چشمه علی افتتاح نمود و آقای منصور وزیر طرق ضمن لایحه خود گفت : « اولین کارخانه سیمان ایران که در این عصر همایون برای عمران مملکت افتتاح میشود یکی از وسائل مؤثر بشمار میآید و بهمین جهت مورد علاقه مخصوص شاهانه بوده و اهتمام شایان درین باره فرمودند. عملیات ساختمانی کارخانه در شهریور ۳۱۱ شروع شد قسمتی از ماشین ها ساخت کارخانه دانمارکی و قسمت دیگر از کارخانجات سوئدی و بوسیله متخصصین همان کارخانجات نصب گردید ولی ساختمان قسمتی از بنا بعهده کمپانی ساختمانی آلمانی محول گردید.

این کارخانه درهر روز حداکثر استعداد ساختن یکصد تن سیمان را داشت ولی با افزودن یك یا دو کوره محصول آن زیادتر میگردد »

اطلاعات در پایان خبر که با عکس های مربوط بگشایش کارخانه انتشار داده علاوه میکند که تماشای کارخانه سیمان، غرش و نعره چرخها و ماشین ها درحینی که قطعات سنگ را خورد میکرد و در آسیا نرم میساخت و بعد میپخت وجد و شعفی بحضار می بخشید. همه از دیدن این مؤسسه که تحول بزرگی در امر ساختمانی کشور بوجود خواهد آورد مسرور و خوشوقت بودند و خدمات موجد آن را تحسین مینمودند. بدون شك احتیاجات مملکت بکارخانجاتی بیشتر است که هم مواد اولیه آن در داخله تدارك میشود و هم مورد ضرورت و احتیاج میباشد و کارخانه سیمان یکی از موسساتی است که خط بطلان بر یکقسمت دیگر از واردات کشور خواهد کشید

فوت ملك فیصل پادشاه عراق: مقاله روز ۱۸ شهریور ۳۱۲ اختصاص بچاپ عکس و شرح حال و اظهار تأسف از مرگ ملك فیصل اول پادشاه عراق شده بود که برای معالجه بکشور سویس رفته و در آنجا وفات یافته بود و چنین اظهار عقیده کرده بود :

« ملك فیصل اولین پادشاه عراق فرزند شریف حسین ، شریف مکه واز بزرگترین خانواده های عرب می باشد که دوازده سال در عراق سلطنت کرد و در طی این مدت خدمات شایانی بکشور خود نمود و دولت انگلیس قبل از اینکه فیصل بسلطنت نائل شود می خواست سر برسی کاکس کمیسر فوق العاده آن دولت را بسمت امارت عراق منصوب نماید در آن موقع قیام معروف و مهم عراق بوجود آمد که مرحوم میرزا محمد تقی آیت الله شیرازی علمدار این قیام ملی بود و در نتیجه موضوع بهم خورد و بواسطه محبوبیت و مقام خاصی که ملك فیصل در عراق داشت

سلطنت رسید.»

امیر غازی فرزند ۲۱ساله پادشاه متوفی عراق بسلطنت رسید. ولیعهد عراق در انگلستان درمدرسه «هارو» تحصیل می‌نمود و بعد مدت چهارسال در مدرسه صاحب منصبان در بغداد بتحصیل فنون نظام اشتغال داشت و با رتبه نایب دومی از آن مدرسه بیرون آمد و در قصر پادشاهی عراق در دفتر مخصوص کار میکرد.

کاروان ششم هم حرکت کرد: روز ۲۵ شهریور ۱۳۱۲ ششمین دسته محصلین اعزامی دولت باروپا حرکت نمود. این دسته هشتاد و دو نفر بیشتر نبودند و اطلاعات در سرمقاله خود نوشت: «این عوامل نهضت علمی و ادبی ایران باید ثمرو نتیجه خود را پس از پایان دوره تحصیلات خود باین مردم و مملکت تقدیم دارند، میوه مطلوب و شیرینی که این مملکت انتظار دارد از شاخ معرفت مغرب زمین بچینند باید بدست همین محصلین و بوسیله همین جوانان که با اشك مسرت موقتاوطن خود را ترك میکنند چیده شود این اشکهائی که از شادی و مسرت آمیخته بالفظ مکرر «خدانگهدار» بدرقه راه آنها میشود مقداری هم در گوشه و زوایای چشم ذخیره نگهداشته شده که هنگام مراجعت بپای آنها افشانده شود و دامن آنها را گرفته بگویند «از علم و معرفت، دانش و فن اخلاق و فضلیت مغربیان چه سوغات آورده‌اید»

استعفای کابینه: روز ۲۲ شهریور ۳۱۲ اولین خبر صفحه اول اطلاعات این است: «آقای حاج مخبرالسلطنه هدایت رئیس الوزراء استعفای کابینه را بحضور اعلیحضرت همایونی تقدیم نمود و مورد قبول واقع گردید.»

دیگر هیچ خبری در این باب چاپ نشده تا چهار روز بعد که هیئت دولت جدید بشرح زیر حضور اعلیحضرت و مجلس شورایملی معرفی گردید:

فروغی (ذکاءالملك) رئیس الوزراء، اسعد وزیر جنك، داور وزیر مالیه، منصور وزیر طرق، جم وزیر داخله، صدرالاشراف وزیر عدلیه، محمد علی میرزا دولتشاهی وزیر پست و تلگراف، باقر کاظمی وزیر خارجه، علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف، علی اکبر بهمن رئیس اداره تجارت، مصطفی قلی بیات رئیس اداره صناعت.

مرحوم فروغی پس از معرفی کابینه خود بمجلس متن پروگرام دولت سابق را تقدیم نمود و گفت دولت فعلی همان پروگرام را عیناً تعقیب خواهد کرد.

صدرالاشراف تا آنموقع مدعی العموم کل دیوان تمیز بود که بجای ایشان مرحوم حاج سید نصرالله تقوی انتخاب گردید، آقای باقر کاظمی وزیر مختار ایران در بغداد بود که احضار شد، آقای حکمت در پاریس از طرف وزارت دادگستری برای تحصیل و تکمیل مطالعه در ثبت اسناد اعزام شده بود که ایشان نیز بایران حرکت کرد، آقای تقی‌زاده وزیر مالیه سابق نیز پس از تغییر دولت چون مورد مهر شاه فقید نبود تهران را ترك نمود و بسوی اروپا عازم گردید.

کاراخان بایران آمد - ۸ مهر ۳۱۲ قائم مقام کمیسر امور خارجه شوروی «کاراخان» وارد تهران شد. دولت ایران تشریفات مفصلی برای ورود او قائل شد.

محل اقامت کاراخان باشگاه فعلی بانك ملی ایران عمارت مرحوم سردار اسعد معین شده بود تمام کوچه های اطراف این عمارت بوسیله مأمورین شهربانی مراقبت میشد. کاراخان چهار روز در تهران توقف نمود و در طی این چهار روز ضیافت های شایانی بافتخار او داده شد. مشارالیه در نطقهای خود از ترقیات ایران اظهار مسرت نموده و از دوستی و ارتباط همجواری صحبت نمود و گفت که مسافرت و ملاقات دوستانه من صرفاً برای برقراری ارتباط با شخصیتهای برجستهٔ ایران و فراهم کردن موجبات برای تکمیل حسن تفاهم بین مملکتین میباشد.

اطلاعات نوشت: ما امیدواریم مسافرت کاراخان و ملاقاتهای دوستانه‌ایکه از ایشان بعمل می‌آید بیش از پیش موجب استحکام دوستی و مودت بین ایران و شوروی گردد.

روز ۱۲ مهر کاراخان از راه مازندران مراجعت کرد و نکتهٔ قابل ذکر اینست که کاراخان در بازگشت بمسکو بفاصله کمی معزول گردید و بعد هاخبر مرك او رسید.

وزارت خارجه ایران روز حرکت کاراخان طی ابلاغیه‌ای که صادر نمود متذکر شد که در چند جلسه مذاکرات بین آقایان رئیس الوزراء و وزیر خارجه از یکطرف و کاراخان و سفیر کبیر شوروی از طرف دیگر مسائل مختلفه راجع بامور تجارتی و اقتصادی و امور سرحدی وغیره مورد بحث واقع شد و کاراخان وعده هائی داد و توافق و تصمیم

درجزئیات موکول بمذاکرات تفصیلی بین اداره کل تجارت ونمایندگی تجارت شوروی گردیدووعده داد که درمسکو مذاکره کندوزمینه ای موافق فراهم آورد.

***

کاراخان یکی ازروزهای اقامت خودبرای تماشا بمحبس جدید نظمیه درقصرقاجار رفت در آنجا قسمت‌های مختلف راتماشاکرد. گفته شد که کاراخان درآنجا خیلی میل داشته است مرحوم تیمورتاش را که محبوس بودملاقات کند وحتی شایع بود که یکی ازتقاضاهای اواز شاه فقید بخشش وعفومرحوم تیمورتاش بوده است.

مازندران گردشگاه شد : سواحل زیبای دریای خزرقابل عبور ومرورنبود ، راه نداشت وازتاسیسات فعلی بکلی بی بهره بود. باین منطقه مستعدبیش ازنقاط دیگر توجه شد راه مازندران وراه‌های کناره باسرعت بسیارساخته شد پل‌های قشنگ برروی رودخانه هائی که بدریا میریخت درتمام طول راه کنارمزده شد. باطلاقها خشک شدوساختمان مهمانخانهای بزرگی درطول ساحل دریا درنقاط بسیارزیبا شروع گردید.

«سخت سر» که برحسب دستورشاه فقید «رامسر» نام گذارده شد جای بسیار کثیف بود آب گرم معدنی آنجا بهدرمیرفت وبوی عفونت این آب که بصورت حوضچه درآمده بود ازچندفرسخی اسباب زحمت مردم بود،در همین محل بزرگترین وزیباترین مهمانخانه‌ها دائرگردید، بلوارها ساخته شد عمارات مجلل بالارفت همچنین درنقاط دیگرساحل دریای خزرنهضت ساختمانی بوجودآمد.

بنادرجدیدی تاسیس گردید کارخانجات دایرشدودرزمان کمی مازندران تغییرشکل پیدا کردوگردشگاه مردم تهران شدبعلاوه خارجی هائی که بایران میآمدند تشویق میشدند که سری بمازندران وسواحل سبزو خرم کنار دریای خزر بزنند و از مناظر طبیعی آن مناطق که وسایل مسافرت و آسایش و مسافر خانه های خوب فراهم شده بود استفاده کنند.

بسیاری ازخارجیان شیفته زیبائی‌های طبیعت مازندران بخصوص رامسرمیشدند واین مناطق را قشنگترین نقاط دنیامیدانستند.چنانچه ولیعهد سوئد درمسافرت خودبنقاط مازندران حتی چندروزاقامت خودرا طولانی نمود و پیوسته میگفت من در گردشهای خودنقاطی باین جذابی وطبیعتی باین زیبائی ندیده‌ام.

توقیف مدیر گمرک باسعیدو : روز۲۹مهر۳۱۲در اطلاعات خبری چاپ شده است باین مضمون: چند روزقبل مدیرگمرک «باسعیدو» راحین انجام وظیفه مامورین بحری انگلیس که درآن حدود بوده‌اند توقیف نموده و بکشتی جنگی انگلیس برده و استنطاق کرده و پس از آن باکشتی جنگی خودشان به بندر عباس فرستاده‌اند

اطلاعات درزیر این خبر اضافه میکند که مااین خبررا بانهایت تعجب تلقی می کنیم و هرگز نمیتوانیم تحمل چنین عمل بی رویه‌ای رانسبت بمامور دولت ایران درنقطه‌ای که خاک ایران است بنمائیم وازمقامات مسئول می خواهیم که توضیحات بیشتری دراین باره بدهند.

روزبعد مذاکرات یکجلسه مجلس اختصاص باین واقعه پیدا کردومرحوم حاج محتشم السلطنه ازوزیرخارجه پرسیدآیااین خبرصحیح است واگرصحیح است چه اقدامی دولت ایران نموده است وآقای کاظمی وزیرخارجه گفت متاسفانه باید عرض کنم که خبر صحت دارد وموضوع هم این است که دردوره‌های ضعف وناتوانی ایران انگلیسها بااجازه دولت مرکزی در قسمت باسعیدوی کهنه انبار ذغال و مریضخانه کوچکی برای بحریه خود درست کردندو بعدچند بنای دیگرازقبیل مسافرخانه وغیره وتلگراف بی سیم برآن افزودند.

چندروز قبل مدیر گمرک باسعیدو،برای انجام وظیفه تفتیش وتحقیقات بآن نقطه میرود ولی چهارنفر نظامی مسلح انگلیسی اورا توقیف کرده بکشتی انگلیسی می برند این عمل مورد اعتراض شدید میباشد زیراباسعیدو جزء لاینجزای خاک ایران میباشد وهیچ قسم حق تصرفی برای دولت انگلیس دراین نقطه تابحال شناخته نشده بعدازاین هم شناخته نخواهدشددرتعقیب این پیش آمد اقدامات شدیدی برحسب دستور اعلیحضرت که فوق العاده دراین مسائل تعصب دارند بعمل آمد که اهانت واردهرا انگلیسهابایدجبران نمایندواز تکرار نظایر آن درآینده جدا خودداری کنند ومقامات مربوطه انگلیسی قبول کرده‌اند که درمقام جبران برآیند.

مهمترین سندتاریخی : ۷ آبان ماه ۳۱۲ دوصندوق حاوی مهمترین سندتاریخی ازتخت جمشید به تهران انتقال داده شد.

اطلاعات ضمن خبرمربوط باین موضوع مینویسد : « درزیر یکستون سنگی بزرک خرابه های تخت

جمشید کاخ داریوش دو جعبهٔ سنگی یافت شد که دراین دو جعبه چهارلوح وچهار سکه بوده که دوتا از الواح مزبور طلای خالص ودوتای دیگر نقره خالص و درهریك ازجعبه های سنگی یك لوح طلا ویك لوح نقره ودو سکه یکی طلا ودیگری نقره بوده است.

روی لوح طلا و نقره باخط میخی نقوشی حك شده که ترجمهٔ آن چنین است : «من که داریوش کبیر پسر هیتساسپ شاهنشاه ایران هستم حدود مملکت من حدی بهندوستان و حدی بمملکت حبشه و دریای عمان وحدی بخاك سیتهاست و اهورامزدا مملکت وسیع مرا حفظ خواهد کرد » برروی سکه های طلادریك طرف کله گاو و کله شیری بنظرمیرسد که جنك میکنند و اینکه این الواح وسکه هارا در جعبه های سنگی وزیر ستون بزرك قصر حفظ کرده اند چنین معلوم میشود که هنگام بنای عمارت باعظمت تخت جمشید الواح مزبوررا بعنوان تاریخ و مؤسس بنا بیادگار نهاده اند چنانکه امروز هم درممالك متمدنه معمول است وتاریخ را زیرسنك اول بنامی گذارند ـ خاك سیتها که درخطوط میخی منقوش برزوی الواح بدان اشاره شده است درسمت شمال ایران دردشت وسیع ترکستان وروسیه بوده است که هردوت مورخ یونانی نیز جنگهای مهمی را که داریوش کبیر بااقوام وحشی سیتها نموده و دست آنها رااز خاك ایران کوتاه وآنهارا تاقلب صحاری خودشان تعقیب نموده است درتاریخ معروف خود اسم برده است. اکتشاف مزبور ازاکتشافات مهم تاریخی محسوب وصندوقها باالواح وسکه های مزبور بمرکز منتقل گردید که اکنون نیزازطرف موزه ملی ایران باستان حفظ وحراست میشود.

قتل پادشاه افغانستان: روز ۲۰ آبان ۳۱۲ خبر تاثرآور قتل پادشاه افغانستان(محمدنادرشاه) پدر اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه فعلی در اطلاعات با ابرازهمدردی وتسلیت بملت افغان چاپ شده است.

تفصیل قضیه این بود که جوانی ازساکنین کابل تحت تاثیر تبلیغات مخالفین شاه بنام عبدالخالق درمحوطه ارك هنگامی که شاه دریکی ازمدارس نظام مشغول توزیع جائزه بوده و بامحصلین مشغول صحبت بوده و ولیعهد باتفاق عموی خود وزیر جنك هم همراه بودند غفلتا بارولور بسمت اعلیحضرت محمد نادرشاه حمله نموده وپنج تیرشلیك می کند. گلوله ها اصابت کرده پادشاه فورا بقتل می رسد عبدالخالق دستگیرمی شود پدرقاتل از مستخدمین مقرب غلام نبی خان ازطرفداران جدی امان الله خان بوده که سال پیش اعدام شده بود بمحض وقوع حادثه فرزند ۱۹ ساله پادشاه فقید که تحصیلات خودرادر پاریس انجام داده بود(محمدظاهرشاه) بتخت سلطنت جلوس کردوزمام اموررابدست گرفت برادران شاه فقید که هریك مصدرمقامات مهم بودند صدارت اعظم ووزارت جنك و سایر مقامات رااحراز کردندوجریان کشور رادرحال طبیعی نگاهداشتند.

روزنامه اطلاعات سرمقاله روز بعد را بعکس شاه فقید وشاه جدید اختصاص داده خدمات وطن پرستانه اعلیحضرت نادرشاه و مبارزات خونین اورا برای نجات مملکت از دست اشرار وحکومت بچه سقا ستوده واظهار امید نموده است که پادشاه جوان بتواند دنباله اصلاحاتی راکه پدرش شروع نموده است گرفته و همان رویه را تعقیب نماید.

ضدیت باسلطنت مشروطه یا مرام اشتراکی : درتاریخ ۲۲ خرداد ۳۱۰ قانون مجازات مقدمین برعلیه امنیت واستقلال مملکت بتصویب مجلس شورای ملی رسید ودرتاریخ ۱۲ آذر ۳۱۲ در صفحه اول اطلاعات باردیگر انتشاریافت که چند ماده آن ازاینقرار است :

«ماده اول ـ مرتکبین هریك از جرمهای ذیل بحبس مجرداز سه تاده سال محکوم خواهند شد : هرکس در ایران بهراسم ویابهر عنوان دسته یاجمعیت یاشعبه جمعیتی تشکیل دهد ویااداره نماید که مرام یارویهٔ آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران ویارویه یامرام آن اشتراکی است ویاعضو دسته یا جمعیت یاشعبه جمعیتی شود که بایکی از مرام یارویه های مزبور درایران تشکیل شده باشد یادرخارج ازایران تشکیل شده باشد وهر کس برای جدا کردن قسمتی ازایران یابرای لطمه واردآوردن به تمامیت یااستقلال ایران اقدام کند بحبس ابدباعمال شاقه محکوم خواهد

شد . هر کس مسلحانه خواه با مشارکت خارجی وخواه مستقلا برضد مملکت قیام نماید محکوم باعدام‌می شود ... الی آخر » .

***

این همان قانونی‌است که پس از وقوع حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و سوء قصد نسبت باعلیحضرت‌فعلی در دانشگاه ایران درباره جمعیت‌های حزب توده و سایر دستجات‌وافرادبموقع‌اجرا گذارده‌شد.

راه‌چالوس افتتاح یافت: بعد از ظهرروز جمعه ۱۰ آذر ۳۱۲ شاه فقیددرچادری‌که کنارتونل بزرك کندوان بین راه چالوس افراشته شده بود استراحت نمود. درآنجا گزارش‌ساختمان تونل‌مزبور وپایان راه چالوس که ازشاهکارهای‌ساختمانی‌عصر بشمارمیرفت بعرض‌رسیدسپس‌شاه‌باقیچی نوار سه‌رنگی که جلوی‌تونل کشیده شده بود پاره‌کرد و درمیان کف‌زدن وشادی حضار تونل افتتاح یافت و عبور از راه چالوس که‌چندی‌بودبازشده بود ولی‌از قله کوه کندوان‌عبور میکردند ازداخل تونل صورت گرفت .

آقای منصور وزیر طرق درگزارش‌خود بعرض رسانید ، کلیه‌راههائی که تا کنون حسب الامر مبارك در اقطار و اکناف مملکت ایجاد گردیده هریك بجای خود لازم و دارای منافع محلی و عمومی بود اما از حیث مزایا و کیفیات طبیعی راه چالوس در درجه اول قرار میگیرد - بنای پل چالوس‌نیز ازشاهکارهای صنعتی عصر پهلوی بشمارمیرود . مسافت این راه از کرج‌تا چالوس ۱۶۸ کیلومتر و کوتاه‌ترین‌خطی‌است که پایتخت را بدریای خزر متصل میکند. وزیرراه درپایان خطابه خود تقاضا کرد که اجازه فرمایند این راه ازنظراهمیت‌ومختصاتی که‌دارامیباشدباسم‌راه‌مخصوص‌نامیده‌شود.

اما صنعت در گیلان : درسرمقاله ۲۸ آذر۳۱۲ این سطورخوانده‌می‌شود :«صحیح‌است که گیلان منطقه‌ایست فلاحتی‌ودرچنین‌مناطقی‌که از زمینش طلا برداشته‌می‌شود نبایدمردم پیرامون صنعت بگردند ولی‌صنایعی که‌مواد خامش‌را خودگیلان‌می‌دهد ومورد کمال‌لزوم واحتیاج‌مملکت‌می‌باشد البته قابل‌توجه واقدام باینگونه‌عملیات مستحسن‌است مثلا تاسیس‌کارخانه‌ابریشم وحریربافی بسیار بموقع ومفیداست زیراابریشم خام بحدکافی‌عمل‌می‌آید . همچنین کارخانه کیسه‌بافی که‌محصول آن کنف‌ومختص گیلان‌است ازقدمهای مفید بشمارمیرود.

میگویندمامردمانی‌فلاحت‌پیشه‌هستیم ونمیتوانیم صنعت‌رابیش‌گیریم همانطورکه‌هریك از مملکت های‌دنیا حرفه‌ای‌را پیشه‌خودساخته وبدان‌معروف‌شده‌اند مثلا آلمان ماشین‌های‌صنعتی خوب بیرون‌میدهد ، سویس‌ساعت‌خوب میسازد ، بلژیك قندسازی مفصل دارد ، فرانسه پارچه‌های ابریشمی وعطرصادرمی کند امادرایران مادررشته‌صنایع قصدنداریم حتما صادرات‌بوجود آوریم بلکه میخواهیم احتیاجات خودرا درداخل مملکت تامین‌سازیم وبه‌صنایعی دست‌بزنیم که‌برای‌مامقرون بصرفه وصلاح‌باشد ومصرف‌موادخام را درداخل‌کشورنیز‌پیدا کنیم .

افکارعمومی و باسعیدو: تحت‌این عنوان مقاله‌ای‌در۱۸ آذراطلاعات چاپ شده و مینویسد که دو ماه‌ازواقعه باسعیدومیگذرد هنوز جبران این اهانت بمأمور ایران درپیچ وخم سیاست گیرکرده وبمکاتبه برگذار میشود وما ازدولت می‌پرسیم چه اقدامی تاکنون کرده‌اند ، مادرمقالات روزنامه های انکلیسی میخوانیم که دولت مزبورطرفدارعدالت وپای‌بندبیك سلسله قواعد واصول‌بین‌المللی ومبانی اخلاقی وازمعتقدین حفظ احترامات‌متقابله است لکن‌درعمل‌می‌بینیم‌مأمورین‌بحری‌آندولت درآبهای ایران تخطی‌وتجاوزمیکنند .

انتظارما این است که‌نسبت باین عمل هرچه زودتراقدام مقتضی بعمل‌آید واهانت بیك ماموررسمی‌ایران جبران شود وباین‌کاغذ بازی دیپلماسی خاتمه دهند.

چندروز بعداز مقاله مزبور درجلسه ۲۵دی ۳۱۲ آقای کاظمی وزیر خارجه درجواب آقای دکتر طاهری راجع بواقعه باسعید واهانتی که‌برئیس‌گمرك آنجا ازطرف انکلیسها شده‌بودگفت: ازطرف دولت انکلیس چه کتباً وچه‌شفاهاً توضیحاتی بدولت شاهنشاهی داده‌شد مبنی براینکه این‌پیش‌آمد ازروی اشتباه وبدون سوءنیت وقصد توهین نبوده است ودر اواسط آذرماه‌گذشته قوانی را که من‌غیرحق انکلیسها درباسعیدو وارد کرده بودند احضارنموده‌وتأسیساتی راهم‌که اخیراً درآنجا بدون‌اجازه کرده بودند بهمزدند (نمایندگان‌احسنت)

عارف شاعر ملی درگذشت: درضمن تلگرافات دیروز خبر تأسف‌آوری دیده‌میشد این‌خبر فوت شاعر خوش‌ذوق و قریحه‌ایران «عارف» را اطلاع‌میداد.

فوت‌عارف ضایعه بزرگی است برای عالم علم وادب، عارف‌تنها جنبه شاعری وسخن سرائی نداشت، عارف علاوه ازجنبه فضل و کمال، علم ومعرفت یك پارچه احساسات بود، تمام‌اشعار اوبراز احساسات ومهیج وطن‌پرستی، غرورملی، شهامت وشجاعت اخلاقی بود. ازتمام‌گفته‌های شیرین‌او روح وطن‌پرستی وتشویق مردم بدوست‌داشتن مملکت وارتقاء وطن‌ظاهر بود.......»

درپایان‌مقاله اطلاعات نوشته شده‌است: «عارف ازچندی باین‌طرف با کسالتهای شدیددست بگریبان بودتاشب ۲ بهمن ۳۱۲ که‌در همدان ازاین‌دنیای مادی بدرود حیات‌گفت.

جنازه این‌شاعر وطن‌پرست باتجلیلات‌شایانی که درخوراین‌شاعر حساس بوده‌درهمدان تشییع گردید، حکومت و رؤسای ادارات وطبقات مختلف درمراسم تشییع شرکت جسته و عارف را درآغوش بوعلی سینا و دربقعه آن فیلسوف بزرك ایران جا داده اند.

عارف رفت وبسرای جاودانی منزل کرد ولی هرگز نمرده ونخواهد مرد.

تعلیمات عمومی واجباری: موضوع باسواد کردن مردم از مسائلی بود که پیوسته مورد بحث روزنامه اطلاعات‌قرارمیگرفت وخود نیزعملا دراین باره اقدام می‌نمود یعنی‌بکلاسهای اکابر ازراه ارسال روزنامه مجانی کمك می‌نمود واجرای تعلیمات اجباری و افزایش دبستانهای شش کلاسه و چهار کلاسه را برای این که مردم فقط سواد خواندن ونوشتن بیاموزند تعقیب‌می‌نمود.

درتاریخ ۲۲ بهمن ۳۱۲ آقای حکمت کفیل وزارت فرهنك لایحه‌ای تقدیم مجلس نمودکه در مقدمهٔ آن ذکر شده بود. «چون برای تعلیمات عمومی اجباری احتیاج به تهیه وتربیت معلم میباشد لذا از اول فروردین لا اقل تا مدت پنج سال ۲۵ باب دارالمعلمین و دارالمعلمات مقدماتی ویك دارالمعلمات عالی‌درتهران ودرولایات تاسیس خواهد شدکه شبانه روزی ومجانی خواهند بود لکن تا زمانیکه بنای‌کافی برای آن ساخته نشده صورت مدارس‌روزانه را خواهد داشت. (دارالمعلمین‌بعدهابدانش‌سراتبدیل گردید)

* * *

بطوریکه خوانندگان‌محترم مطالعه می‌فرمایند فکرتعلیمات اجباری از ۱۸ سال‌پیش پیداشد و درآن دوره قدمهائی نیزبرداشته‌شد وشالوده‌هائی ریخته‌شد لکن‌هنوزهم تعلیمات‌اجباری صورت حقیقت بخود نگرفته و دسته دسته اطفال بواسطه نبودن‌دبستان بی‌سواد بارمیآیند وازهمه مهمترعدم توجهی‌است که بوضع استخدام معلمین‌می‌شود وبهمین‌جهت کادرآموزگار دراین‌کشور رونق‌نمی‌یابد وتوسعه پیدانمیکند وآندسته مردمی هم که اکنون‌باین شغل‌شریف اشتغال‌دارند درنهایت زحمت وسختی بسرمیبرند ودیگرجوانان رغبت پیدا نمیکنند که مقام معلمی را که محترم‌ترین مقامات دردنیای امروزاست احراز کنند بلکه ترجیح میدهند که درادارات پشت میز بنشینند وکارهائی انجام دهند که اثروخاصیتی ازآن برای‌کشورمترتب نیست.

اطلاعات در شش‌صفحه: ازاول‌اسفند ۳۱۲ روزنامه اطلاعات قدم‌دیگری برای توسعه و ترقی خود برداشت وآن تصمیم بانتشاراطلاعات درشش‌صفحه بود، اطلاعات باین‌مناسبت نوشت که ترقی‌تدریجی اطلاعات نشانه حسن‌استقبال مردم ازما میباشد، مردم بخوبی دریافته‌اند که این روزنامه بآنها‌تعلق دارد، مطالب ومقالاتی که انتشار می‌یابد همه قابل‌استفاده وموضوعاتی‌است که عامه ازآن استفاده میکنند. مقالات اجتماعی و اخلاقی، بیش‌ازهمه مطالب توجه خوانندگان را جلب نموده‌است، مطالب اقتصادی‌ما آنقدرمورد توجه قرارمی‌گیرد که پس ازچندی صورت عمل پیدامیکند، مردم باخبار ونشریات ماطمینان حاصل کرده‌اند، متوجه شده‌اندکه ما در انتشار اخبار راه مبالغه‌را نمی‌پیمائیم تامطلبی‌صحیح نباشد انتشارنمیدهیم، انتقاد ازاوضاع می‌کنیم‌ولی درلباس مثبت‌وعمل بعبارت دیگر راه‌اصلاح‌رانشان‌میدهیم، پیشنهاد می‌کنیم، مردم را تشویق‌بکاروفعالیت می‌نمائیم اینست که‌مردم روزنامه اطلاعات را ازخودمیدانند ومارا هرروزبیشترتشویق وتایید می‌نمایندو ماامیدواریم بتوانیم بر صفحات روزنامه بیفزائیم وروزنامه را کاملتر ومفیدتر سازیم.

اصلاح‌پروگرام مدارس: این‌موضوع یکی از هدفهای روزنامه اطلاعات بوده وپیوسته مورد بحث واقع میشده‌است ازجمله مقاله‌ایست که‌روز اول اسفند ۳۱۲ تحت عنوان بالا چاپ شده ودر سطورآن این جملات جلب‌توجه میکند:

«اصلاح معارف وپروگرام‌مدارس درعداد یکی ازآرزوهاو آمال طبقه اصلاح طلب مملکت‌میباشدو

حقیقت این است که طبقه منور و مهذب و نفوس تربیت شده سالیان دراز است این آرزو را در مغزمی پرورانند که آیا روزی خواهد آمد اصلاحات معارف ازمدار تغییر میز و صندلی و تربیت اشخاص پشت میزنشین جریان خود را منحرف ساخته و لااقل گرد محور مواد پروگرام مدارس و نواقص آن سیر کند » شدت احتیاج باصلاح معارف از طریق پروگرام مدارس بقدری محسوس ومشهود است که ازهرکس بپرسید معارف از کجا باید اصلاح شود خواهد گفت از پروگرام مدارس.... الی آخر »

لغزش یك قطعه سنك درزیر پای پادشاه بلژیك سبب مرك او شد- آلبرت پادشاه بلژیك علاقه بکوه پیمائی داشت. بعدازظهر روز ۲۹ بهمن ۳۱۲ برای گردش بقله کوهی بالا رفت چون تااوایل شب بازنگشت مستخدمی که همراه او بودودرپائین کوه انتظار اورا می کشید مراتب را باتلفون اطلاع داد ساعت دوبعداز نصف شب نعش پادشاه را در دره عمیقی کشف نمودند که دراثرلغزش قطعه سنگی اززیر پای او ازمغز بدرون دره پرت شده بود. دولت فرانسه یك ماه و پادشاه ایطالیا ۲۱ روزعزاداری رسمی اعلام کرد تمام روسای کشورها ورجال ولیعهد های اروپادرمراسم تشییع شرکت نمودند.

آدمکش بی نظیر- ۳۳ قتل: درنیمه اسفند ۳۱۲ قاتلی درتهران دستگیر که معلوم شد درمدت دو ماه و نیم توقف خوددرتهران مرتکب ۸ فقره قتل شده و پیش از آن هم در بغداد بسر می برده ودر آنجا طبق اعتراف خود به همدستی چند نفردیگر ۲۵ فقره قتل مرتکب گردیده است این قاتل عجیب مردی پنجاه ساله بودبنام علی اصغر بروجردی وشغل او بامیه فروشی بودودرفریب اطفال خردسال ولگرددرسنین بین ده تاپانزده سال مهارت عجیبی داشته وآنها را برای اطفای شهوت حیوانی خودبه خرابه های خارج شهرمی برده ودرآنجا شکم پاره میکرده واغلب سر می بریده است وبعد آثار جرم را مخفی میکرده اولین دفعه که مامورین تامینات بکشف قضیه موفق میشوند اطلاعی بود که از پیداشدن سر بریده ای درخرابه شترخان نزدیك نجف آباد بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم اطلاع پیدامی کنند که وقتی دنبال می کنند درهمان خرابه چند جنازه اززیرخاك بیرون می آورند وعملیات شروع می شود تا موفق بدستگیری اصغر قاتل بامیه فروش که دریکدست سینی حلبی بامیه ودردست دیگر حلبی بنزینی که درآن اثاثیه خودرا میگذاشته است میشوند واین واقعه ازحوادث جنائی بی نظیری است که با کمال قساوت وخونخواری انجام یافته ومعلوم ساخت که جانی مزبوراز ریختن خون وحتی خوردن خون لذت می برده است.

قاتل تمام جنایات خودرا اعتراف وچگونگی قتلهارا با کمال صراحت وتفصیل بیان داشت. درباره قتل خودا پیشنهادات زیادی میشد ومردم تهران سخت عصبانی وخشمگین بودند وبقدری واقعه مزبور عجیب بود که مردم نمی توانستند باور کنند چنین وحشی سبع وخطرناك آدمخواری درمیان جماعت درتهران می زیسته ازجمله پیشنهادات این بود که مغزاین جانور را درلابراتوارها مورد آزمایش قرار دهند وعلل آنرا دریابند. همچنین پیشنهاد شد که هیکل اورا مانندحیوانات موذی درالکل ودرشیشه بزرگی که باندازه او ساخته شود نگاهدارند وخلاصه این موضوع مدتها در تهران ورد زبانها بود و با اشمئزازخبرها ومطالب مربوط باین جنایت بزرگ را مردم میخواندند وپیرامون آن بحث میکردند. ذریك بالماسکه ای نه همان ایام درکافه شهرداری تشکیل شده بودیکی از شرکت کنندگان هم خود را بشکل اصغرقاتل درآورده بودو باسینی بامیه وبیت بنزین وهمان قیافه کریه وارد مهمانی شد ودرآن مجلس چندخانم غش کردند وبالاخره این هیکل را که باعث اشمئزاز بود ازمجلس مهمانی خارج ساختند.

مسافرت اعلیحضرت فقید بترکیه: روز ۲۳ اردیبهشت ۳۱۳ مرحوم فروغی نخست وزیر در مجلس شورای ملی چنین گفت: «خاطرآقایان محترم بخوبی آگاه است که درایام گذشته بین دولت وملت ایران ودولت وملت ترکیه نظربسوء تفاهماتی یاسوءنیت واغراض اختلاف ومشاجراتی بود که سالها بلکه قرنها طول کشید والبته ازاین راه بهر دومملکت وملت خسارات ولطمات فاحشی واردآمد. بالاخره بخت یاری کرد وخداوند تفضل فرمود که ایران نو وترکیه جدید هرکدام دارای یك قائد مصلحت اندیش شدند که درتحت سرپرستی آنها مملکتین ایران وترکیه رابشاهراه ترقی وتعالی که ملاحظه می فرمائید سوق دادندوا کنون نظر بدوستی وصمیمیتی که در بین پیدا شده اشتیاق کامل بملاقات همدیگرپیدا کردند بالاخره چندی قبل حضرت غازی مصطفی کمال رئیس جمهور دولت ترکیه رسما ازاعلیحضرت شاهنشاه پهلوی دعوت کردند واعلیحضرت هم این دعوت رابا کمال مسرت اجابت فرمودند بنابراین در ماه آینده یعنی دربیستم خرداد ازراه آذربایجان بخاك ترکیه واردخواهند شد وتقریبا دوهفته در آنجا خواهند بود یقین است که این ملاقات ها و این دیدو بازدیدها موجب تشیید وتحکیم روابط حسنه ومزید نتایج مطلوبه است.

ورود قسمت دوم طلاها : در شماره ۲۰۹۴ مورخ ۲۱ دی‌ماه ۳۱۲ خبر زیر جلب توجه میکند:

«قسمت دوم طلاهائی که دولت ایران در اروپا برای ذخیره اسکناس خریداری نموده در ۹۷ صندوق محتوی ۳۸۷ شمش وارد تهران وتحویل بانك ملی گردید .

وزن این شمش‌ها بعیارهای مختلف ۱۶ خروار و ۵۰ من وخورده و طلای خالص آن ۱۶ خروار و ۴۳ من وخورده‌ای میباشد .

قسمت اول طلاهای خریداری از خارجه در ۱۳ آبان گذشته وارد شد که وزن خالص آن ۱۷ خروار و ۷۸ من بود وباین ترتیب مجموع طلای خالص خریداری دولت از اروپا ۳٤ خروار و ۲۱ من و ۳٦ سیر و خورده‌ای میباشد بعلاوه دولت معادل ۱۹ خروار و ٦٦ من و ۳۵ سیر طلای خالص در ایران خریداری نموده و در بانك ملی موجود دارد وبنابرین ذخیره طلای بانك با دو خروار و ٦۳ من طلای خریداری از خارجه و تهران مخصوص ذخیره اسکناس بالغ بر ٥٦ خروار و ۵۱ من و ۳۸ سیر و ۱٤ مثقال میباشد (توضیح اینکه در تاریخ مزبور هنوز قانون توحید اوزان وتغییر وزن من به کیلو اجرا نشده بود)

نقره های ذخیره اسکناس نیز بصورت شمش از اروپا خریداری و واردگردید و درخزانه بانك جای‌داده شد که وزن خالص آن ۱۹۲ خروار و ٤۲ من و ۳۰ سیر و ۳۳ مثقال بود.»

امتیاز غیرقانونی نفت بحرین: درتعقیب مطالبی که در روزنامه اطلاعات راجع باستخراج نفت بحرین وعمل غیر قانونی که در سرزمین ایران انجام گرفته وبالنتیجه خبری که ازخارجه در روزنامه منعکس گردید موردی برای سئوال وجواب درمجلس شورای ملی پیداشد و آقای کاظمی وزیر خارجه درجلسه سوم خرداد ۳۱۳ در جواب مرحوم دادور (وثوق‌السلطنه) گفت : دولت دراوایل سال ۱۳۰۹ اطلاع پیداکرد که یك سندیکای انکلیسی امتیاز استخراج نفت بحرین‌را تحصیل نموده ودر آن شروع بعملیات استخراجی کرده است. فوراً پرتست شد که این عملیات ناقض حقوق حاکمیت وسلطنت ایران بوده ودولت امتیاز ادعائی‌را ازدرجه اعتبار ساقط میداند. درهمان موقع یعنی چهارسال قبل سواد این اعتراضات بجامعه ملل ارسال گردیده حالا معلوم میشود شرکت امریکائی نفت استاندارد اویل کالیفرنیا نیز در امتیاز ادعائی شرکت انکلیسی مداخله پیدا کرده وشروع باستخراج نفت دربحرین نموده‌اند. این امتیازات از ناحیه دولت شاهنشاهی که یگانه مرکز صلاحیت‌دار برای اعطای اینگونه امتیازات درخاك خود میباشد داده نشده واز ناحیه مقاماتی تحصیل‌شده است که هیچگونه حق وصلاحیت قانونی دراعطای این قبیل امتیازات نداشته وندارند واین امرخلاف قانون ازدرجه اعتبار ساقط و مورد اعتراض شدید دولت ایران است .

در محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم : اوایل خرداد ۱۳۱۳ سیل مدهشی قسمتی ازشهر قم‌را خراب کرد وعده زیادی ازمردم‌را آواره و بی‌خانمان ساخت. چندتن ازاعضای شیروخورشید سرخ ومنجمله آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات که عضویت جمعیت‌را دارابود داوطلب شدند که بوضعیت آسیب‌دیدگان رسیدگی کنند. چند بار بقم مسافرت نمودند ونسبت بمردمان فقیر وبی‌بضاعت کمك‌های موقتی‌رسانیدند وبعدهم کمیسیونی برای‌ترمیم و جبران خسارات مردم ازمعتمدین ومحترمین محل تشکیل دادند.

آقای مسعودی دربازگشت خود مقالات مؤثری درباب جلب کمك مردم نوشت ودرنتیجه اعانات خوبی جمع‌آوری شد واز حضرت آیت‌الله فقید آقای حاج‌شیخ عبدالکریم نیز تقاضاشد تحت‌توجه وسرپرستی ونظارت خوداعانات‌را مصرف‌نمایند.

درشماره ۲۲۰۳ مورخه چهاردهم خرداد آقای‌مسعودی طی مقاله مشروحی ضمن تشریح وضع آسیب دیدگان قم مینویسد :

«سه ساعت بعدازظهر بود که درمحضر آقای آیت‌الله حاج شیخ‌عبدالکریم حضور پیدا کردم. آقای دکتر حکیم‌الدوله ، آقای دکترسنك نیز ازشیروخورشید وآقای فریدونی نماینده مخصوص اعزامی وزارت کشور ، آقای همراز نماینده مجلس وحکمران‌قم هم حضور داشتند. درمحضر آیت‌الله صحبت ومذاکرات‌زیادی‌راجع‌بآسیب دیدگان‌قم نمودیم آیةالله از این پیش‌آمد بسیار متاثر واندوهناك‌بوده ودرضمن‌صحبت‌فرمودند:

« نخستین کسیکه بمحض اطلاع کمك فوری وآنی ومؤثر نمودند اعلیحضرت همایونی بود که فوراً پس‌از وصول تلگرافی که شخصاً نمودم یکصد هزار ریال حواله‌فرمودو کمك فوری‌شاهانه بی‌اندازه مؤثر بود بعد آیةالله فرمود: مهمترین امری که توجه‌ملوکانه‌رابآن معطوف‌نمودم این‌بود که اساساً شهرقم‌باید برای‌آتیه ازاینگونه حوادث مصون باشد ولزوم بستن سد و ساختمان پل‌را متذکر شدم و فوراً بوزارت طرق امرشد که اقدام عاجلانه دراین باب بعمل آید.

اوامر شاهانه سریعاً از طرف وزارت طرق بمقام اجرا درآمده و آقای وزیر طرق شخصاً بمحل آمده و وضع سیل و بستن سد و پل را بازدید و قرار شد مهندس بفرستند و اقدام نمایند.

سپس آیة‌الله وضع دلخراش آسیب دیدگان و تأمین اعاشه آنها را تشریح و بساختمان خانه برای آنها اشاره فرمودند که اعضای جمعیت شیر و خورشید نظر آیة‌الله را تأیید نموده و بایشان عرض کردند که بهتر است تمام وجوه اعانات یکجا تحت نظـر حضرت آیة‌الله متمرکز و بمصرف برسد و در اختیار کمیسیون منتخبه از طرف آیة‌الله که همه آنها مورد اعتماد هستند و آقای حاج محمد حسین یزدی کـه معتمد آیة‌الله و صندوقدار کمیسیون میباشد گذارده میشود.

شاه فقید عازم ترکیه گردید: روز شنبه ۱۲ خرداد ۳۱۳ ساعت ۷ صبح شاه از قصـر سلطنتی خارج شد و از راه قزوین و زنجان و تبریز عازم ترکیه گردید. ملتزمین رکاب شاه از اینقرار بودند:

آقای کاظمی وزیر خارجه. آقای شکوه رئیس دفتر مخصوص. آقای سمیعی رئیس تشریفات داخلی. آقای امیر نظام رئیس تشریفات خارجه. امیرلشکر امان‌الله جهانبانی. سرتیپ عبدالرضا افخمی. سرتیپ کوپال. سرهنگ ارفع صاحب‌منصب سوار. سلطان محمود خسروانی صاحب‌منصب هوائی. سلطان دکتر اسفندیاری. سلطان ظلی صاحب منصب بحری. سلطان علی اصغر مزینی صاحب‌منصب توپخانه. نـایب اول محسن قدیمی صاحب منصب پیاده نظام همچنین آقای حسین قدس منشی مخصوص وزیر خارجه. آقای یوسف شکرائی عضو تشریفات سلطنتی و آقای ارفع رئیس رمز ارکان حرب کل قشون در ملازمت شاه بودند.

***

آقای عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات هم برحسب دستور شاه فقید دراین مسافرت تاریخی دعوت شد و در تمام مراسم و تشریفات رسمی شرکت نمود و یادداشت‌های جالب توجهی از چگونگی پذیرائی و احساسات محبت‌آمیزی که ملت و دولت ترکیه نسبت به مهمانان خود بخصوص تجلیل و احترامی کـه بشاه فقید گذاردند برای اطلاعات فرستاد، در آن موقع چندتن از روزنامه نویسان متنفذ شایق بودند دراین مسافرت همراه باشند و تشبثات بسیاری نیز کردند که درلیست همراهان شاه فقید قرار گیرند لکن شاه کـه درشناسائی اشخاص هوش فوق‌العاده داشت، بدون هیچگونه توسل و تشبث روزنامه نگاری را که طی چند سال روی پشت‌کار وزحمت و مرارت خود موقعیت و منزلتی درافکار عامه پیدا کرده و استقبال شایانی از روزنامه او میشد اورا طرف توجه خود قرار داد اورا انتخاب کرد که هیچ هدفی برای رسیدن بجاه و مقام ندارد، قصد اخاذی و سوء استفاده ندارد و تنها هدف او ترقی و عظمت حرفه خود و توسعه روزنامه اطلاعات و خدمت نامه نگاری میباشد، او آنروز تشخیص داد کـه مدیر اطلاعات جوانی است میهن پرست، علاقمند بحفظ شئون کشور و ارتقاء ملت و مملکت ایران و در اثر زحمت شبانه روزی خود توانسته است توفیق حاصل کند باینجهت اورا انتخاب کرد و درست هم تشخیص داده بود. زیرا از آن پس با یافتن چنین موقعیت مهمی که اشخاص آرزوی کسب آنرا داشتند مدیر اطلاعات خود را گم نکرد، راه و رسم معاشرت و زندگی نامه‌نگاری خود را تغییر نداد، سعی و کوشش خود را کنار نگذاشت، عنایت و توجه مردم را فراموش نکرد و همچنان تا جائی که میسر بود و تا اوضاع و احوال روز و فشار سانسور که بعدها شدیدتر شد اجازه میداد وظایف و تکالیف ملی خود را انجام داده اعمال و رفتار خودرا با مصلحت مردم و مملکت تطبیق داد، هرگز راه خطا نرفت، خیانت نورزید، سوء استفاده از موقعیت و مقام خود نکرد، از حدود نامه نگاری خود خارج نگردید.

باوجودیکه فرصت‌های نیکوئی بدست آورد هیچگاه دنبال گرفتن شغل و مقام و تحمیل شدن برخزانه دولت نگشت، راه خودرا پیش گرفت و بارنج و مشقت کار روزنامه نویسی خودرا باشرافت و سربلندی و وطن خواهی ادامه داد، روی همین اصل هم بود که توانست موقعیت خودرا درجامعه همچنان حفظ و حراست کند و باسعی و جدیتی که دشمنان وی ازراه حسادت و بخل برای برهم ریختن اساس و شالوده مطبوعاتی او که نمونه رشد فرهنگی کشور است بخرج دادند چون توکل او بخداوند واتکای او بمردم و توسل او بزحمت و کار و فعالیت بودنه در گذشته و نه درحال حاضر تمام مخالفت‌ها و اتهامات و دشمنی ها کوچکترین تاثیری در وضعیت او نبخشید و مردمی که سالیان دراز این جوان فعال وطن پرست را آزموده بودند و در موارد مختلف محک زده بودند بخوبی دریافتند که تمام شایعات پیرامون مدیر اطلاعات روی حسادت وغرض شخصی و برای برهم زدن دستگاهی است که نشریات آن مورد استفاده ملت ایران قرار می گیرد و از هر گونه غرض و مرض و فحش و هتاکی و دوروئی و فساد مبراست و باین جهت همچنان هواخواه این مؤسسه فرهنگی که امروز باموسسات مطبوعاتی دنیای متمدن برابری می کند و نمایندگان مطبوعات خارجی با دیدهٔ احترام بآن می نگرند باقی ماندند و بریشه غرض و حسادت بدخواهان پی بردند.

مضرات لادینی: دزدی، جنایت، فحشاء، بی ناموسی ـ خیانت، عدم صمیمیت، از بین رفتن حس تعاون، محو کلیه اعمال نیك نتیجه سستی ایمان و عقاید مذهبی و در یك کلمه (لادینی) است، چیزی که پیوسته حاکم برحیات انسان می باشد ودر سایه آن زندگی بشر نظم و ترتیب پیدا میکند آن عقیدهٔ دینی است، ترس و خوف، امید و رجاء در حیات انسان زائیده و مولود این عقیده است، این گودالی را که بنام لادینی در پیش پای مردم ـ شما جوانان بظاهر تربیت شده ـ حفر می کنید، این خنده ها و قهقهه های تمسخر و استهزائی که ازچاك دهن سرداده و یك پهلو بدنده لادینی افتاده اید متوجه باشید که خودتان در آن گودال سرنگون شده بعمق ناپیدای آن فرو خواهید افتاد. سعی کنید با اینگونه اشخاص معاشر نباشید یا اگر مجبور بمعاشرت شدید همانطور که ازیکنفر مبتلا بمرض جذام و یکنفر سیفلیسی احتیاط می کنید برحذر باشید. مبادا میکرب عقیده خطرناك او بشما هم سرایت کند، خدارا بشناسید همیشه اورا درهمه جا حاضر و ناظر دیده تقوی و فضیلت اخلاقی را ازعنایت و توجه او در خود تقویت کنید. گول نخورید، تصور نکنید که علم و کسب معرفت و معارف جدید مخالف با خداشناسی است. امروز علماء هرچه بیشتر اسرار طبیعت را کشف میکنند زیاد تر بعظمت اسرار کائنات عقیده پیدا کرده ومعترف هستند که یك چیز مافوق این اسرار وجود دارد که درعقیده توحید آن را خدا می گویند

« خلاصهٔ مقاله شماره دوم خرداد ۳۱۳ »

برنارد شو و اسلام: فیلسوف معروف انگلیسی برنارد شو، مقالات بسیاری درباره اسلام و اهمیت دین مبین اسلام و نفوذی که درسایر ادیان دارد منتشر کرده که درشماره های مختلف اطلاعات منعکس میباشد از جمله دو مقاله جالبی است که یکی در شماره ۱۵۹۰۰ ودیگری درشماره ۲۱۵۷ انتشار یافته که درگفته های این نویسندهٔ بزرگ که مورد توجه دنیا میباشد عقیده راسخ او درترویج وتعمیم دین اسلام ظاهر میباشد، اومعتقد است که دین اسلام از تمام ادیان برای عالم بشریت مفیدتر وعالی تر وصلاحیت قبول دیانت اسلام را برای تمام ملل دنیا درهر دوره وزمان و مکانی جایز ولازم شمرده است ودراین باره رسالاتی منتشر ساخته از جمله چنین می نویسد:

«دیانت محمدی یگانه دیانتی است که بعقیده من حائز تمام شرایط برای اطوار مختلفه زندگانی وحیات میباشد بطوریکه درهرعصری قادراست مردم رابسوی خود جلب کند. پیشگوئی من این بود که دیانت محمدی نزد فردای اروپا قبول و پذیرفته خواهد بود، طبقه روحانیان قرون وسطی (کشیشها) یا بواسطه جهل یا در نتیجه تعصب مذموم صوری دیانت اسلام را بتاریکترین صور نقاشی کرده بودند ودرحقیقت تنفر و کراهت از محمد و دیانت او را مشق می نمودند واورا خصم مسیح میدانستند من محمد وشخصیت اورا باعتبار یك رجل فوق العاده وحیرت بخش مورد مطالعه قرارداده ام واورا بکلی دوراز معارضه ومخاصمت بامسیح نگریستم وبلکه بایستی مدعی شد که محمد نجات دهند عالم انسانیت است.»

اطلاعات در پایان مقاله مشروح خود اضافه میکند: «برنارد شو نخستین کسی نیست که باین حقیقت برخورده باشد پیش از او عده بسیاری آن رادرك نمودند که یکی از آنها گوته فیلسوف مشهور آلمانی است که درسال ۱۸۳۲ فوت نمود، گوته پراندیشه ترین ودور بین ترین رجال آلمان بشمار میرود وهنگامی که دیانت اسلام مورد نظر اوقرار گرفت اورا دوچار شگفتی نمود ودربارهٔ آن گفت «اگر اسلام اینست که ماخود درآن وارد هستیم وهمان تعالیم خوب اورا پیروی داریم»

نمایشگاه محصولات فلاحتی و صنعتی آذربایجان: مردمان غیور ووطن پرست آذربایجان چون میدانستند که اعلیحضرت راهیچ چیز بیشتر ازتماشای ترقیات صنعتی وفلاحتی کشور خشنود نمیسازد قبل از حرکت از تهران بتشکیل نمایشگاهی از محصول ومصنوع آذربایجان اقدام نمودند ـ این نمایشگاه مظهر فعالیت و کوشش آن روز اهالی آذربایجان بود که با سرعت بسوی ترقی وتوسعه امر فلاحت وصنعت پیش میرفت.

در این نمایشگاه صنایع بسیاری بمعرض نمایش گذارده شده بود که بدبختانه امروز دیگر از آن اثری نیست زیرا بعدها چون تشویقی نشد و اجازه ورود مصنوع مشابه آن از خارجه داده شد یکی بعد از دیگری از بین رفت.

شاه فقید روز ۱۵ خرداد نمایشگاه را افتتاح نمود وپس از تماشای آنهمه ترقیات صنعتی مردم هنرمند آذربایجان فرمود: هیچ تصور نمیکردم که آذربایجان دارای این همه محصولات ومصنوعات جالب توجه و قشنگ باشد واینقدر هنرمندان باذوق داشته باشد وبهترین خوشوقتی من دیدن این نمایشگاه بود.

اولین برخورد چگونه صورت گرفت: بعد ازظهر ۲۶ خرداد ۳۱۳ بعد ازتجلیل فراوانی که در عرض راه از سرحد ایران وترکیه تا پایتخت ترکیه (آنکارا) ازشاه فقید شده بود و درتمام طول راه شهرها و

قصبات و دهات با پرچم های ملی ایران و ترک تزئین شده و همه‌جا منتهای احترام را ملت و دولت ترکیه مرعی داشتند دوزعیم مقتدر شرق یکدیگر را در ایستگاه راه‌آهن آنکارا در آغوش گرفتند و بوسه‌های زیادی از هم نمودند. شهر آنکارا بوسیله شلیک بیست و یک تیر توپ ورود شاه ایران را بمردم خبر داد سپس غازی مصطفی کمال پاشا که بعدها بنام آتاتورک معروف گردید مستقبلین را حضور شاه فقید معرفی نمود و همچنین شاه همراهان خودرا معرفی کرد تمام کف ایستگاه از دسته های گلی که بطرف واگون سلطنتی رضاشاه پرت‌شده بود پربود ، در ودیوار تزئین‌شده بود و جمعیت کثیری ایستگاه و تمام‌طول خیابانهارا فرا گرفته‌بود و کف‌میزدند و فریادشعف‌وشادی می‌نمودند ، شاه فقید بعد ازعبور ازمقابل‌دستجات‌گارد احترام وافسران‌ترک ونطقهای‌مؤثری که ایراد گردید بارئیس جمهور ترکیه در اتومبیل روبازی نشسته باتشریفات مجللی بعمارت‌حزب‌خلق که برای پذیرائی‌آماده شده‌بود رفتند .

پذیرائی ها صمیمانه و برادرانه‌است : آقای مسعودی در تلگرافات‌خود بخصوص این نکته‌را تصریح می‌نمود که وضع پذیرائی دولت ترکیه ازشاه ایران و همراهان جنبه رسمی خود را ازدست داده وضع صمیمانه وبرادرانه ای پیدا کرده است ، مردم احساسات محبت‌آمیزی نسبت بما ابراز میدارند. ایرانیهای مقیم ترکیه بقدری مفتخر وسربلند شده اند که ازخوشحالی در پوست نمی گنجند . بقدری شاه ایران مورد تکریم و احترام رئیس جمهور ترکیه واقع شده‌که مردم ترکیه میگویند چنین گرمی‌وصمیمیت ومحبت وپذیرائی تا کنون نظیر وسابقه نداشته است .

غازی مصطفی کمال پاشا و اعلیحضرت همایونی هردو یکدیگر را برادر خطاب میکنند.شاه بزبان ترکی با رئیس جمهور صحبت میکند وبااینکه در پروگرام مسافرت درداخله ترکیه قرارنبود رئیس جمهور با شاه‌حرکت کند لکن دوستی وصمیمیت بقدری بین این دوقائد ایران وترکیه پیدا شده‌که رئیس جمهور اظهار داشته است هرگز مصاحبت با برادر خود را ترک نخواهم کرد ودر تمام مدتی که درخاک ترکیه اقامت دارید باید باهم‌باشیم

اولین نطق های رسمی - رئیس جمهور ترکیه دراولین‌شام رسمی‌که بزرگان ترکیه وخارجی ها نیزحضور داشتند طی نطق‌رسمی خودگفت : اعلیحضرتا . دوست‌بزرگ وبرادر معظم‌من. بانهایت‌مسرت وشعف‌رئیس بزرگ ملت‌برادر رادرترکیه تبریک‌میگویم . تمام‌ملت ترک‌از تشریف فرمائی اعلیحضرت‌همایونی خوشوقت می‌باشد . جمهوری ترکیه دوستی‌ایران رایکی ازمواد اساسی خود قرارداده وچون در لوای‌توانای‌آن اعلیحضرت عین‌همین احساسات درمملکت برادروهمجوار موردتوجه قرارداده‌شده مودت‌ایران وترکیه‌بطوردائم وخلل ناپذیر استوار گردیده است . اعلیحضرتا ، ترقیات امروزه‌ایران رابااحساسات مودت‌آمیز تلقی‌نموده وترقیاتی‌را که‌دراثر اراده توانای‌آن اعلیحضرت بعمل‌آمده‌است تقدیرمی‌نمائیم . ترکیه وایران امروز هردوبا قدمهای ثابت وتوانادر راه‌ترقی وتعالی پیشرفت می‌نمایندوتشیید مناسبات مودت‌آمیز دو کشور دراثرتشریف فرمائی‌آن اعلیحضرت برای تمدن ونوع‌بشر بطورقطع متضمن نتایج سعادت‌بخشی می باشد . ملت‌ترک این‌روزهای تاریخی را ازخاطر محو نخواهدداشت وآن‌را ازنقطه‌نظر صلح‌عمومی درصفحات تاریخ‌درج خواهدنمود .

اعلیحضرت فقیدنیزدر نطق خودگفت : دوست بزرگ وبرادرعزیزم . بیانات مودت آمیزآن برادرعزیز و پذیرائی‌گرم واحساسات صمیمانه‌که ازطرف دولت‌وملت ترکیه‌ازبدوورودمن‌باین‌مملکت بعمل‌آمده‌تاثیرات بزرگی درمن نموده‌است .

من از روز اول زمامداری خود لزوم‌دوستی با ترکیه را احساس‌کردم‌و خوشبختانه امروز مشاهده می کنم‌که صمیمانه ترین روابط بین ترکیه و ایران موجوداست و اساس امر طوری استوارشده که این‌دوستی در آتیه از هر تزلزل مصون خواهد بود و دوملت همسایه و برادر می توانند با کمال‌اعتماد واطمینان‌بیکدیگر متکی‌بوده ووظیفه مقدس خود را که ادامه ترقیات وتوسعه‌تمدن و خدمت بصلح‌عمومی عالم‌است‌ایفانمایند وچون اشتیاق کامل دارم که مسرت دیدار آن برادرعزیز تجدید شود امید وارم در موقع امکان ایران‌راز تشریف فرمائی خود مسرور فرمائید . »

دعوت شاهنشاه ایران را رئیس جمهور ترکیه بامسرت پذیرفت و بعد ها پیوسته در مکاتبات‌خود این آرزوی قلبی و مسافرت‌خود را بایران برضاشاه فقید ظاهر میساخت لکن‌درسال اول کارهای فوق العاده او وبعد هم کسالت‌شدید اتاتورک مانع مسافرتش گردید ولی مناسبات برادرانه خود را تا دقایق آخرعمر محفوظ داشت و در تلگراف یا نامه رضا شاه را برادر خود خطاب میکرد و در لحظات مرگ رئیس جمهور نیز تلگرافات گرم و مودت آمیزی مبنی بر احوال پرسی ازطرف شاه فقید واظهار وداع برادرانه از جانب آن فقید رد وبدل گردید.

یکی از صحنه های پذیرائی شاه ایران در ترکیه : برای اینکه خوانندگان محترم به چگونگی پذیرائی مجللی که در ترکیه از شاه فقید بعمل آمد واقف شوند متن یکی از تلگرافات آقای مسعودی را در اینجا نقل می‌نمائیم:

تهران ـ اطلاعات : دیروز اعلیحضرت همایونی مهمان عصمت‌پاشا رئیس الوزراء ترکیه بودندودر ساعت چهاربعد از ظهر مراسم دفیله قشون آنکارا حضور ملوکانه معمول گردید. نیمساعت قبل مدعوین مرکب‌ازهیئت دولت‌وکور دیپلماتیک، رجال ومحترمین شهر همه بالباس‌های رسمی در تریبونهای مخصوص قرار گرفتند جمعیت کثیری محوطه میدان اسب دوانی‌را فرا گرفته وفریاد هورا و دست زدن مردم از مسافت دور تشریف فرمائی اعلیحضرت‌را بمیدان اعلام داشت اتومبیل روبازی که بیرق ایران و ترکیه در جلوی آن باهتزاز بودواعلیحضرت وغازی کمال پاشا در آن قرار داشتند پیش میآمد همینکه ایستاد موزیك مارش سلام را نواخت وبیرق ایران و ترك در جلوی جایگاه مخصوص افراشته شد قائدین ایران و ترك با اتومبیل قشون را سان دیدند وپس از یك دور گردش در اطراف میدان وعبور از مقابل صفوف وفریاد وهورا و کفزدن جمعیت که تمام محوطه را پر کرده بودند در تریبون مخصوص قرار گرفتند. بلافاصله مراسم دفیله شروع گردید ـ دفیله باحترام شاهنشاه بود بهمین جهت فقط اعلیحضرت برای اجرای دفیله کمی جلوتر تشریف برده وهنگام عبور قشون بحال سلام ایستاده بودند. نه فقط دستجات قشون دفیله دادند بلکه دستجات مفصل ومنظم وجالب توجهی از دختران و پسران مدرسه وپیش آهنگان محصل دختر وپسر بطرز باشکوهی از مقابل اعلیحضرت عبور نمودند بنا براین دفیله دیروز تنها دفیله قشون نبود بلکه ملت هم شرکت داشت ومردم میخواستند بدین‌وسیله بهترین احساسات قلبی خودرا نثار اعلیحضرت همایونی‌نموده وباجرای دفیله‌محصلین‌عواطف ملی‌خودرا ابراز دارند.»

دومجلس ملی ایران و ترکیه : روز ۲۹خرداد ۳۱۳ اعلیحضرت فقید درمجلس کبیرملـی ترکیه حضوریافت وپس ازتجلیل واحترامات شایسته‌ای که ازطرف نمایندگان ترك انجام‌پذیرفت، شاه‌درجایگاه مخصوص قرارگرفت وجلسه رسمیت پذیرفت آنگاه عصمت پاشا رئیس‌الوزراء (رئیس‌جمهورسابق) پشت تریبون قرارگرفت ونطق مؤثر ومهیجی ایراد نمودکه‌با این چند سطرشروع می‌شود :

«آقایان‌محترم: حکمفرمای ملت بزرك اصیل ودوست ما ایران، اعلیحضرت‌همایونی ، چند روز است از قدوم خودشان مملکت ما را شرف بخشیده‌اند (کف‌زدن های شدید) بدینوسیله باکمال ممنونیت بمجلس‌ملی کبیرخبر میدهم‌که اهالی ازهرطرف بمیل خود احساسات خود را نشان داده وپی‌بمنافع عالی‌برادری با ایران برده اظهار محبت وعلاقه مینمایند (کف زدن شدید وصداهای آفرین نمایندگان) اهالی‌ازهرطرف وقتی که‌محبت های‌فوق‌العاده خودشان را باعلیحضرت همایونی نشان میدادند یقین‌کامل داشتند که‌بملت ایران هم محبت واعتمادخودشان را ابرازمیدارند .....الی آخر»

درپایان همین جلسه پرشورمجلس کبیرملی ترکیه ونطقهای باحرارتی که از طرف نمایندگان ایراد گردید آقای‌جمال‌ بیك نماینده مجلس‌پیشنهاد کرد که: « ادعیه‌خالصانه‌مجلس کبیرملی ترکیه را بمجلس‌شورایملی ایران‌رسانیده وتذکرداده شودکه ماترك‌ها رفاه وسعادت دائمی مملکت‌همجوار وبرادرعزیزخودمان ایران راتمنای‌نمائیم » این پیشنهاد درمیان کف‌زدن نمایندگان باتفاق‌آراء تصویب‌گردید وبامضای‌کاظم‌پاشارئیس‌مجلس‌ملی‌ترکیه بآقای‌دادگر رئیس مجلس شورایملی‌متن‌آن بضمیمه احساسات مودت‌آمیزخود رئیس‌مجلس‌تلگراف‌گردید وآقای‌دادگرهم‌جوابی مبنی‌برتشکر برئیس‌مجلس کبیرترکیه مخابره نموده وازپذیرائی‌های شایانی‌که ملت ودولت ترکیه نسبت بشاهنشاه ایران ابرازمیدارند ابرازمسرت وشعف‌نمودند ودریکی ازجلسات مجلس‌شورایملی نیز آقای حاج محتشم السلطنه نطق مؤثری پیرامون روابط ومناسبات مودت‌آمیزایران وترکیه ایراد نمودودرتعقیب‌این‌نطق چندتن‌ازنمایندگان نیز نطق‌هائی‌ایراد نمودند ومرحوم فروغی رئیس‌الوزراء درپایان‌جلسه گفت: من‌مکرردرهمین‌محضرمحترم‌محسوسات ومشهودات خودم را ازنیات دولت واحساسات ملت‌ترك‌یعنی‌ترکیه جدید نسبت بدولت وملت ایران باستحضار آقایان رسانیده‌ام واکنون‌اظهارمسرت‌وسرافرازی‌میکنم‌که بنده درست تشخیص داده بودم . پذیرائی صمیمانهٔ که دولت وملت‌ترك ازشاهنشاه ایران‌میکنند ونطق مهم عصمت‌پاشا رئیس‌الوزراء درمجلس‌ترکیه خود بهترین گواه عرایضی‌است که سابقاً بعرض‌مجلس‌رسانیدم.

جمعیت ایرانی طرفدار جامعه ملل - : سرمقاله ۲۳ دی اطلاعات اختصاص باین موضوع داده شده و پیرامون لزوم تشکیل جمعیت ایرانی طرفدار جامعه ملل بحث نموده و مینویسد: باینکه ایران عضو جامعه ملل می باشد تا کنون تشکیل این جمعیت در ایران عملی نشده و توجهی باین موضوع مهم معطوف نمیکردید و حال آن که ایران باید در صف اتحادیه های ملل قرار گرفته ودر مجامع بین‌المللی شرکت جوید.

مقاله اطلاعات به خبری منتهی می‌شود که بشارت تشکیل هیئت مدیره جمعیت را میدهد از اینقرار:

دیروز جلسه‌ای مرکب از یکعده رجال ومحترمین در منزل آقای فهیمی نمایندهٔ مجلس تشکیل گردید و در خصوص ریختن شالوده و اساس تشکیل جمعیت ایرانی طرفدار جامعه ملل مذاکره شد واساسنامه جمعیت‌های دنیا قرائت گردید ودر نتیجه یك هیئت رئیسه موقتی بشرح زیر انتخاب گردید تاآئین نامه داخلی جمعیت را تنظیم وبتصویب برساند وبعد تشکیلات جمعیت رسماً داده شود: آقای حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری رئیس - آقای فهیم‌الملك و آقای علاء نایب رئیس - آقای لیقوانی نماینده مجلس و آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات منشی - آقای نیك‌بور نماینده مجلس خزانه دار . در جلسه بعد که رسمیت جلسه اعلام گردید آقای دکتر متین دفتری بسمت دبیر کل جمعیت انتخاب شدکه بعدها بریاست انتخاب شدند وتا امروز عهده دار انجام کارهای جمعیت می باشند

پس از یك ماه و ۸ روز مسافرت : اعلیحضرت فقید ۱۲ خرداد ۱۳۱۳ از پایتخت بعزم ترکیه خارج گردید وروز ۲۰ خرداد وارد خاك ترکیه شد و نزدیك یکماه در کشور ترکیه بسربرد ، برنامه مسافرت دوهفته بود ولی دعوت دوستانه رئیس جمهور ترکیه راشاه‌فقید پذیرفت .

باینجهت روز ۱۵ تیر یعنی بعداز بیست و پنج روز اقامت در ترکیه که بزرگترین احترامات و تجلیل‌را دولت و ملت ترکیه نسبت بشاه‌ایران رواداشتند بسرحد ایران واردشد وروز ۲۰ تیرماه یعنی پس‌ازیکماه و۸روز به‌پایتخت واردشد .

مردم‌ایران درهرشهر استقبال بزرگی ازاعلیحضرت فقیدنمودند ودرشهر تهران جشن‌های مفصلی برقرار شد . چراغانی نموده بودند وقسمت‌زیاد خیابانها آئین‌بندی‌شده‌بودودوشب‌جشن وچراغانی وآتش‌بازی‌ومجالس‌جشن و سرور بمناسبت بازگشت شاه‌فقیدبرقراربود.

سواد دستخط ملوکانه : آقای‌مدیر اطلاعات- سواد دستخط آفتاب نقط همایونی اروا حنافداه که بعهدهٔ این جانب شرفصدور یافته است لفا برای درج در جریده و استحضار طبقات ملت ارسال می کردد .

فروغی

جناب اشرف رئیس الوزراء

از اینکه از زمان غیبت مااز مملکت عموم اهالی وطبقات ملت وظیفه شناسی شایانی ابراز و بتکالف شخصی ونوعی خود قیام نموده ونیز در موقع مراجعت ما احساسات شاه پرستی صمیمی از خود ظاهر ساخته اند خاطرما قرین کمال مسرت گردیده شمارا مأمور می‌نمایم که مراتب‌خرسندی خاطرمارا بعموم‌ابنای‌وطن‌ابلاغ و اعلام نمائید.

۲۲ تیرماه ۱۳۱۳ **شاه**

اطلاعات درسال نهم- تشویق عملی وحسن‌نیت خوانندگان و مشترکین محترم این نامهٔ ملی است که هیچگاه ودرهیچ موقع مؤسسه اطلاعات را درانجام وظایف ادبی واجتماعی وملی‌خودخسته‌نکرده وقفه‌ای‌در کار وسعی خود راه‌نداده‌اند، درحقیقت سرمشق‌کاروکوشش راآقای مسعودی مدیر اداره که این‌روزها درمسافرت ترکیه‌میباشند. بماداده‌اند بطوری که‌هرموقع که ایشان‌هم حضورنداشته باشند چرخهای این‌اداره‌بهمان نظم‌وترتیب زمان حضورخودشان‌گردش میکند. چنانکه دیده‌شد درموقعی که ایشان شش‌ماه‌باروپا رفتندیا بخوزستان درالتزام رکاب شاه‌سفرنموده ویابرای مشاهده وضع زلزله‌زدگان بخراسان رفتندیابرای دیدن اوضاع و احوال مملکت بولایات‌مسافرت‌میکنندوضعیت انتشارروزنامه‌منظم‌ومرتب‌میباشدوبعلاوه‌آقای‌مسعودی‌هم درمسافرت‌های خودراحت ننشسته وظیفه روزنامه‌نگاری را ازنظردورنمیدارند مقالات جذاب‌ایشان درمسافرت اروپاکه‌درشماره‌اول ۱۳۰۹ چاپ شده بهترین شاهد این‌مقال میباشد. همچنین درمسافرت‌های دیگرخود منظما خوانندگان محترم اطلاعات را ازمطالب مفید وجالب‌توجه که با کمال دقت ومطالعه‌وتعمق مینویسندبی نصیب‌نگذارده‌اند.

سپس سردبیرروزنامه‌مینویسد:شیوهٔ اداره‌اطلاعات‌وکارکنان‌آن‌تظاهرنبوده‌ونیست‌وهمیشه‌بجای‌حرف،عمل‌راشاهد انجام وظایف‌ادبی‌واجتماعی‌وملی‌خودقرار داده‌وامیدوارندکه‌درسال نهم‌نیز بتوانندبیش‌ازپیش‌رضایت خاطرخوانندگان خود رافراهم‌آورند وپیوسته‌درپیشگاه‌خداووجدان ووطن وهموطنان عزیزخودمفتخر وسرافراز باشند.

عمارت جدید پست: پستخانه تهران دراول خیابان لاله‌زار درعمارت مرحوم امین‌الدوله بود و عبارت ازیك سالون بزرگ وچنداطاق کوچك بود.

روز ۲مرداد ۳۱۳مراسم افتتاح عمارت جدید پست‌وگمرك درخیابان سپه انجام‌یافت مرحوم فروغی با قیچی‌مخصوص نوارسه رنگی که در طرفین‌گیشه پست آویخته شده بودقطع کرد و اولین‌کارت پستال که بگیشه تسلیم‌گردید کارت‌پستال مرحوم فروغی بود کـه همانجا بین مدعوین بیادگاراین جشن تقدیم شده بود وروی آن عکس‌عمارت‌پست باعبارت«یادگار گشایش تالارپست تهران۵مرداد۳۱۳» نوشته شده بود سایر مدعوین نیزکارت پستال این جشن‌را بآدرس دوستان خود بگیشه دادند.

اولین سنگ بنای‌سربازخانه‌ازلی: شاه ایران ورئیس جمهور ترکیه مسافرت‌خود رادر داخل‌ترکیـه شروع‌نمودند ،مانورهای زمینی وهوائی ودریائی درحضور این‌دورئیس مملکت‌ایران وترکیه داده شد ـغازی کمال‌آتاتورك شاه ایران‌را بتمام اسرار ورموز جنگی ترکیه آشنا و آگاه ساخت،همه چیز را برادرانه باو و افسرانش‌نشان‌داده وپس ازچند روزگردش دورترکیه‌و دیدن قلاع و استحکامات داردانل‌باتجلیـل واحترامـات فراوان وارداسلامبول شدند و اعلیحضرت‌فقید در قصر دولمه باغچه که ازقصور سلاطین‌عثمانی کنار دریای‌بوسفور میباشد اقامت نمود .یك روزقبل از ورود باسلامبول در ازلی که شهری است واقع‌درپنجاه کیلومتری چناق‌قلعه مشرف برداردانل‌سنگ اول بنای‌یك سربازخانه بدست شاه ایران گذارده شد لوله کاغذی که امضای‌رضا شاه‌و غازی‌مصطفی‌کمال‌آتاتورك و تاریخچه نصب سنگ بنابود دربطری قرارداده‌شدو بطری رازیرسنگ بنا گذاردند وسنگ بناراشاه‌ایران نصب نمود و عصمت اینونـو باماله مقداری سمنت روی سنگ ریخت و بـاین‌ترتیب تشریفات‌انجام‌گردید .

ضیافت بافتخار روز نامه نگار ایران در اسلامبول: هنگام‌اقامت‌اعلیحضرت فقیددراسلامبول دوضیافت دراسلامبول بافتخارآقای مسعودی مدیراطلاعات درآنجاداده شدکه یکی‌از جانب‌ایرانیان مقیم‌اسلامبول بریاست آقای‌حاجی‌رضا جورابچی بود که درهتل «توکاتلیان» داده‌شد.دراین مجلس باشکوه که روزنامه نویسها وخبرنگاران ترك‌شرکت‌داشتند وبوسیله خبرگذاری «آژانس‌آناطولی» جریان‌آن‌منعکس گردیدآقای حسین‌دانش بااشاره بروابط فرهنگی‌وادبی ایران وترك لزوم همکاری مطبوعات‌دو کشور رامتذکر گردید وآقای مسعودی پس‌از تشکراز مهمان‌نوازی هائی‌که درترکیه شده‌وتقدیر ازایرانیان مقیم اسلامبول گفت‌که من تکلیف خودمیدانم همکاران مطبوعاتی‌خود وافکارعامه ایران‌را ازاحساسات برادرانه مطبوعات ترکیه‌آگاه سازم.ضیافت دیگری که بافتخارمدیراطلاعات داده‌شد ازجانب‌اتحادیه مطبوعات‌اسلامبول‌درپارك‌هتل‌بود که‌دراین‌مهمانی‌علاوه‌برمدیران جراید خبرنگاران ترك‌عده‌ای ازرجال دولت ترکیه‌نیز حضورداشتندودرسرمیز ناهار نطق‌های باحرارتی ازطرف مدیران جرایدترك وآقای مسعودی ایرادگردید مبنی‌برتحکیم وتشیید مودت و دوستی ملتین واینکه وظیفه مطبوعات دو کشوراست‌که شالودهٔ ریخته شده بدست‌دو قائد ایران وترك راحفظ ونگاهداری‌کنند وبرای این منظور بایدبین مطبوعات ایران‌وترکیه تشریك‌مساعی خیلی نزدیك وصمیمانه‌ای برقرار باشد . روزبعد روزنامه های ترکیه متن نطق‌هارا با مقالات واظهار نظر خود منتشر ساختند واز انعقاداین ضیافت ها که موجب بسط روابط فرهنگی و مطبوعاتی دو کشوراست اظهارمسرت نمودند .

ازجمله ناطقین محمد عاصم بیك نماینده آرتیون درمجلس‌ملی ترکیه وصاحب روزنامه وقت‌بود که‌طی‌نطق مفصلی گفت : ازمسافرت آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات بترکیه بسیارخوشنودیم وباین‌مسافرت باید من‌بعد مابین جراید ترك وایران اساس نزدیکی‌کامل بوجودآیدوحسن تفاهم برقرار گردد ،تاکنون منبع اخباریکه‌جراید ترکیه راجع بایران بدست می‌آوردند خبرگزاریهای خارجی بود ولی باید این نقیصه‌رامرتفع کرد وما از همکار عزیزخود آقای مسعودی این توقع را داریم که‌موجباتی فراهم کنند تاجراید ترکیه وایران بیش‌ازپیش بایکدیگر تماس‌پیداکنند واخبار ایران بطور مستقیم بوسیله آژانس‌آناطولی‌بترکیه برسد و نیز تمناداریم درمراجعت خود احساسات عمیقه وپرازمحبت جراید ترکیه‌را نسبت‌بملت ومطبوعات‌ایران ابلاغ‌نمایند.

آقای مسعودی درجواب ازاحساسات‌شایان همکاران‌خود تشکر نمود وگفت: «البته آقایان‌توجه‌دارند که مطبوعات در حفظ‌روابط برادری وصمیمیت‌وعلاقمندی‌موجودوتوسعه وتکمیل آن‌نقش مهمی‌دارند ومن امیدوارم در آینده این وظیفه را مطبوعات دوکشور طبق مصلحت دوملت ایران وترك بخوبی‌تشخیص داده وعمل نمایند و اینکه آقای محمدعاصم‌بیك‌اشاره بنقیصه‌ای که‌اکنون درروابط خبری بین‌دو کشورموجوداست نمودندبایدعرض کنم که

موضوع تأسیس خبرگزاری ازدیر زمانی مورد توجه بوده وخود اینجانب قدمهائی دراین‌باره‌برداشته بودم‌وحالا امید میرود دولت ایران نسبت باین موضوع‌اقدام نماید و بتشکیل اداره خبرگزاری مبادرت گردد ودراینصورت ماخواهیم توانست اخبار کشور دوست وبرادر خود ترکیه رادرنزدیکترین فرصت بوسیله آژانس اناطولی‌وشما نیز اخبارایران‌را بوسیله آژانس ایران بدست‌آورید که موجبات هم‌آهنگی ونزدیکی کامل برقرارگرددواطمینان دارم که مطبوعات ایران‌نیزاحساسات شایان‌همکاران محترم ترک‌را‌حسن‌استقبال نموده وازایجاد روابط‌نزدیکتری بامطبوعات ترکیه‌مسرورخواهندشد.

***

پس‌ازاین‌مسافرت بود که‌شالوده‌تاسیس آژانس پارس بهمت‌آقای کاظمی وزیر خارجه ریخته‌شد و درآن وزارتخانه بریاست آقای‌فضل‌الله نبیل دایرگردید وبلافاصله باآژانس آناطولی که نماینده‌آن اداره بتهران نیزآمد و مهمان آقای‌مسعودی‌بود ارتباط‌خبری گرفت و باین وسیله نظرمطبوعات ترك در برقراری ارتباط تلگرافی تامین‌گردید. و کشور ایران دارای سازمان مستقلی‌برای دادن‌وگرفتن اخبارجهان گردید وانتشار خبرهائی که سفارتخانها اغلب بنفع سیاست‌خودبجراید میدادند موقوف‌شد.

روز ۳۰ تیرماه ضیافتی نیز در کلوب‌ایران بافتخار آقای مسعودی ازجانب مطبوعات تهران‌برقرارگردید درطی این جلسه ایشان شرح مسافرت وخاطرات ولزوم همکاری مطبوعاتی راباروزنامه‌نویسندگان ترك بیان داشتند ومرحوم مایل‌تویسرکانی‌مدیرروزنامه‌شفق‌سرخ‌ازطرف‌روزنامه‌نگاران‌خدمات وزحمات آقای‌مسعودی رادرراه‌توسعه وترقی‌وآبرومندی‌مطبوعات که نمونه‌عظمت‌و‌رشدملت میباشدستودندواحساسات‌همکاران‌مطبوعاتی‌ترك راتقدیر وقرار شدموجبات هم‌آهنگی‌ومبادله مطبوعات‌بین‌دو کشور برقرار گردد.

پس از هفت سال: روزنامه اطلاعات درشماره٤ مهر۳۱۳ تحت‌عنوان«پس‌ازهفت‌سال» بمناسبت اینکه ایستگاه راه‌آهن تهران راشاه فقید افتتاح‌نموده است‌مینویسد که‌در همین مهرماه هفت‌سال پیش بود که کلنك اول ساختمان خط سراسری‌ایران‌زده شد. درآن‌روزهیچیك‌ازمدعوین‌تصور نمیکردنداین کارعملی‌شود. اینك‌نه‌فقط قسمتی ازمملکت ما درشمال‌و جنوب‌دارای راه‌آهن شده وعملیات‌ساختمانی در کوهستان‌های‌صعب‌پیشرفت‌دارد بلکه بایك مراجعه سطحی می‌بینیم که درطی همین مدت هفت سال اصلاحات و نقشه های ساختمانی بسیاری صورت حقیقت پیدا کرده است.

هفت‌سال پیش‌از این یك‌کارخانه صحیح ومنظمی بسیستم‌جدید باستثنای‌کارخانه پارچه‌بافی کازرونی‌اصفهان وکارخانه کبریت سازی تبریز و دوسه‌کارخانه کوچك دیگر در این مملکت وجود نداشت ولی حالا بفرمائید حساب کنید:

در صفائیه حضرت‌عبدالعظیم‌کارخانه‌سمنت‌سازی،درکهریزك‌و کرج کارخانه‌قندسازی، بیرون دروازه شمیران کارخانه‌قطران‌سازی، بیرون‌دروازه دوشان‌تپه کارخانه‌چرمسازی. کارخانه قند مازندران، کارخانه های نخریسی و قندسازی (کارخانه قندسازی‌مازندران چون‌محصول‌چغندر آن‌منطقه موادقندی کم‌داشت بیکی‌از نقاط‌دیگرمملکت انتقال‌یافت) باز درمازندران خریربافی، چوب‌بری ودهها مؤسسات‌بزرك‌و کوچك جدید برای‌تهیه‌اسباب و ادوات راه‌آهن. درتبریزچندین کارخانه پارچه‌بافی‌و چرم‌سازی،درسمنان کارخانه نخریسی. در رشت کارخانه کیسه‌بافی درمشهدچرمسازی. دریزدو کرمان کارخانجات‌جدید ریسندگی‌وپارچه‌بافی. دراصفهان‌وشیراز کارخانجات ریسندگی وپارچه‌بافی و کبریت‌سازی. اینهاغیرازصدهاکارخانجات‌کوچك وبزرك دیگری‌است که‌درقزوین‌وتهران‌و تبریز و اصفهان‌ومشهد وشیراز وخوزستان برای‌تهیهٔ صابون‌های‌مختلف،انواع‌مواد دهنی‌و عطریات واشیاءکوچك و صنایع مختلف ایجادگردیده‌است که نمیتوان‌یك‌یك‌آنهارا شماره کرد.

اینها ثمره هفت‌سال‌کوششی‌است‌که در اثر تشویق‌و تائید دولت‌ازطرف‌مردم یادولت‌بوجود آمده است و بر این‌نقشه هفت‌ساله‌ای که اجراشده اعزام محصل باروپا، تاسیس‌دانشگاه عالی و ایجاد مریضخانه‌های بزرك و تقویت بنیه اقتصادی ومالی و تاسیس بانك ملی وتاسیسات راه سازی‌وغیره‌را میتوان اضافه کرد که هفت سال پیش جزو خواب وخیال‌بود وهمه درسایه امنیت‌واطمینان مردم بکار وفعالیت بوجود آمده است.

اطلاعات درپایان‌مقاله‌علاوه میکند مامحتاج‌بداشتن‌یك‌ایران‌نو، مملکت آباد، سرزمین امن، کشور آرام و بالاخره محیط رفاه وآسایش‌برای‌مردم هستیم که امیدواریم بتدریج بدان‌نائل شویم و مردم از ثمرات آن بهره‌مندگردند.

فوت مارشال هیندنبورگ : روز ۱۱ مرداد ۳۱۳ رئیس جمهور آلمان در قصر «نوک» دار فانی را وداع گفت. اطلاعات درسرمقاله خودنوشت: «هیندنبورگ ۸۷ سال ازعمرش میگذشت، مردی شریف وعزیزومحبوب ملت آلمان بودوملل عالم نیز بادیدهٔ احترام باومی نگریستند . این حس احترام و تکریم بپاس خدماتی است که در مواردحساس ودرجنگ بین الملل اول هیندنبورگ بملت آلمان انجام داده وافتخارات ملی آن مملکت را تامین کرده است.»

ازخبرهای جالب توجه آن روزخبر زیر است :

ساعت ۹ و ۲۵ دقیقه صبح ناگهان کلیه رادیو های آلمان پرو گرام خودرا تعطیل کردندود کتر گوبلس وزیر تبلیغات آلمان ملت راازواقعه تاثرآور فوت رئیس مملکت مستحضر نمود وپس از نیم ساعت سکوت دوباره گوبلس دوماده قانونی راکه پس از فوت هیندنبورگ ازطرف کابینه تصویب شده بودباطلاع عموم رسانید که بموجب آن تمام مشاغل ریاست مملکت بامشاغل صدر اعظم توام میگردد و بنابراین کلیه اختیارات رئیس مملکت آلمان بشخص آدولف هیتلر صدراعظم انتقال می یابد وروز ۱۹ اوت طبق خواست هیتلراز وزارت داخله تایید این امـر بافکار عمومی مراجعه گردید وملت آلمان هم ریاست مملکت و صدارت اعظم هیتلر راتایید نمودولی او از ملت تقاضاکرد اورافقط پیشوای آلمان (فوهرر) خطاب نمایند .

سه ساعت بعدازنیمه شب ۲۰ اوت نتیجه مراجعه بافکار عمومی اعلام گردید واز ۴۳ میلیون نفر رای دهنده ۳۸ میلیون نفر موافقت خودرا باریاست جمهوری وصدارت اعظم هیتلراظهارواعلام داشتند .

دانشکده فنی درعمارت دارالفنون افتتاح یافت : روزسوم مهر ۳۱۳ مرحوم فروغی بدعوت آقای حکمت دانشکده فنی را افتتاح نمود وپس ازنطق کفیل معارف آقای دکترمحمود حسابی کفیل دانشکده گزارش جامعی قرائت نمود وبعدآقای منصور وزیرطرق گفت مملکت احتیاج بمتخصصین فنی ومهندسین دارد تا مارا بی نیاز ازاستخدام خارجی ها برای کارهای عمرانی وساختمانی که دردست داریم بنماید .

البته وزارت طرق درچندسال اخیر یکصدوشصت محصل باروپا فرستاده که ۶۰ تا ۷۰ نفرآنها مراجعت کرده ومشغول کارشده اند ولی هر گز این عده برای احتیاجات مملکت و کارهائی که شروع گردیده کافی نیست

کنگره مستشرقین درتهران : بمناسبت هزارمین سال ولادت حکیم سخنور ابوالقاسم فردوسی طوسی ازتمام مستشرقین جهان دعوت شده بود که درجشن هزارساله فردوسی شرکت کنند وبمناسبت این جشن آرامگاه باشکوه ومجللی که درخورمقام آن شاعر عالیقدر ایران است درطوس برپاگردید .

بعضی ازکشورهای همجوار مثل ترکیه واتحادجماهیر شوروی علاوه براعزام مستشرقین، بتشکیل جشن هزارمین سال فردوسی درمسکو ولنین گراد نیز اقدام نموده ونمایندگانی ازایران نیز بآنجا رفتند ودر بسیاری از پایتخت های مهم جهان هم این مراسم برگذارگردید وانجمن آثارملی بریاست مرحوم فروغی و مشارکت آقای علاء ومرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ اهتمام شایانی دراینباره مبذول داشتند .

روزنامه اطلاعات درموردجشن هزارسالهٔ فردوسی مقالات بسیار نوشت واین کارپسندیده راستود ازجمله درشماره ۱۱ مهر ۱۳۱۳ بمناسبت ورود چندتن ازمستشرقین فرانسوی ، آلمانی، روسی، ژاپونی، عراقی، مصری، چکواسلواکی، ترک ، انگلیسی ، دانمارکی وغیره نوشت :

مملکت باستانی ایران روز گاری درازمهد تمدن بود . سرزمین ایران همواره درهر عصر و زمانی دانش پرور ، شاعر خیز وملت ایران همیشه ودرهرعهد ودوره ای دانش دوست وادب پرست بود وامروز خوشحالیم که اساتید بزرگ وپرفسورهای عالیقدرمستشرق دول را درپایتخت مملکت می بینیم که باعلاقه شایانی برای شرکت درجشن هزارمین سال شاعر شهیر ایران جمع شده اند .

اولین جلسه کنگره مستشرقین روزدوازدهم مهر ماه ۳۱۳ بوسیله مرحوم فروغی رئیس الوزراء در تالار دارالفنون افتتاح یافت. علاوه برمستشرقین ازملل مختلف عالم که عده زیادی بودند، نمایندگان خارجی و عموم فرهنگیان واساتید نیزدراین مراسم شرکت کرده بودند.

مرحوم فروغی گفت آقایان مستشرقین محترم که از راههای دوررنج سفررا برخود هموار کرده اید برما منت گذاشتید امادراین اقدام حق داشتید زیرا که فردوسی اگرچه جسما متعلق بعلائق ایرانیت است روحا فرزند انسانیت است بلکه اگر اجازه بدهید عرض میکنم یکی از پدران انسانیت است وازاینکه در قبول این زحمت فی الواقع دعوت فردوسی را اجابت فرموده اید وچون دعوت کننده فردوسی باشد میتوان گفت : بعد منزل نبود درسفر روحانی .

پس ازانجام تشریفات مرحوم حاج محتشم السلطنه اسفندیاری بسمت ریاست وپرفسور کریستنسن دانمارکی

و پرفسور سار آلمانی به نیابت ریاست و پرفسور هانری ماسه فرانسوی و آقای عبدالوهاب عزام مصری بسمت منشی گری و آقای دکتر صدیق بریاست دارالانشاء کنگره انتخاب شدند و جلسات کنگره از همان روز تشکیل گردید .

در جلسه اول تلگراف مولوتف رئیس شورای کمیسار یا های شوروی و کفیل کمیساریای خارجه شوروی، وزیر خارجه انگلستان و سایر تلگرافاتی که از رجال و انجمن های فرهنگی و ادبی و رؤسای کشورها در زمینه تبریک بمناسبت عید رسمی جشن هزار ساله شاعر ملی ایران مخابره شده بود قرائت و جواب های لازم که از طرف رئیس الوزراء و وزیر خارجه و خود کنگره صادر گردید نیز خوانده شد .

در جلسه بعد سر دینس راس مستشرق معروف انگلیسی و رئیس مدرسه السنه شرقیه لندن باطلاع کنگره رسانید که در لندن نیز برای تجلیل از مقام شامخ شاعر بزرگ ملی ایران جشن هائی منعقد خواهد گردید و بروگرام آن را خواند و هر یک از مستشرقین خطابه های جالب توجهی ایراد نمودند و این کنگره و مراسم، اهمیت جهانی یافت و جریان آن بتمام دنیا مخابره میشد .

جشن هزار ساله فردوسی در مشهد : پس از هشت روز اقامت مستشرقین و علمای جهان در تهران و انعقاد جلسات کنگره مستشرقین و پذیرائی ها و مهمانی هائی که از آنان بعمل آمده مستشرقین تحت پروگرام و تشریفاتی که قبلا تنظیم شده بود بمشهد عزیمت نمودند تا در جشن هزار مین سال فردوسی که در مشهد برپا میگردید شرکت جویند. مرحوم فروغی رئیس الوزرا و بعضی از وزیران نیز حرکت کردند و روز بیستم مهر ۳۱۳ مستشرقین وارد مشهد شدند و در مهمانخانه و منازلی که برای اقامت آن ها ترتیب داده شده بود اقامت نمودند و در مراسم جشنهائی که برپا شده بود شرکت جستند و پذیرائی شایانی از آنها بعمل آمد . آقای مسعودی مدیر اطلاعات نیز در مراسم جشن و تشکیل جلسات کنگره و آئین افتتاح آرامگاه شرکت داشت و همه جا با مهمانان ارجمند ایران بود .

مراسم افتتاح آرامگاه فردوسی: تلگراف زیر روز ۲۱ مهر ۳۱۳ بامضای آقای مسعودی در خصوص جریان افتتاح آرامگاه بچاپ رسیده است :

تهران – اطلاعات : الساعه که ساعت ۵ بعداز ظهر جمعه ۲۰ مهر است مراسم جشن افتتاح آرامگاه فردوسی با جلال و شکوه کامل خاتمه پذیرفت و این تلگراف را از همین جا از گیشه پست و تلگراف که در محل آرامگاه فقط برای جشن امروز دایر گردیده است و تمبر مخصوص جشن هزار ساله طبع و مخصوص همین روز توزیع میگردد تقدیم میدارم . سرزمین طوس امروز بهترین و با افتخار ترین ساعات را بخود دید. آرامگاه باعظمت فردوسی بارتفاع ۱۸ متر در ۴۰ متر مربع زمین از سنگهای ذیقیمت مرمر صیقلی شده معدن خلج بالا رفته و بسیار جالب توجه میباشد .

ساعت چهار بعدازظهر بود که مستشرقین و دانشمندان خارجی و سایر مدعوین داخلی و خارجی همه بالباسهای تمام رسمی آرامگاه را حلقه وار در آغوش گرفته و در همین موقع اعلیحضرت همایونی پس از چند دقیقه استراحت بمحوطه آرامگاه وارد در مقابل صف مستشرقین قرار گرفته و نسبت بهریک ابراز تفقد فرموده دست دادند و از شرکت آنها در جشن ابراز مسرت نموده و اغلب دانشمندان و مستشرقین طرف صحبت قرار گرفتند و بعد اعلیحضرت از پله های آرامگاه بالا رفته پشت میز خطابه نطق افتتاحیه را ایراد نمودند .

شاه فقید در باره حکیم ابوالقاسم فردوسی چه گفت : متن خطابه از اینقرار بود : « بسیار مسروریم از اینکه بواسطه پیش آمد جشن هزار ساله فردوسی موفق میشویم که وسایل انجام یکی از آرزوهای دیرین ملی ایران را فراهم آوریم و با ایجاد این بنا درجه قدردانی خود و حق شناسی ملت ایران را ابراز نمائیم . رنجی را که فردوسی طوسی در احیای زبان و تاریخ این مملکت برده است ملت ایران همواره منظور داشته و از اینکه حق آن مرد بدرستی ادا نشده بود متاسف و ملول بوده است. اگر چه ایرانیان باعلاقه ای که به مصنف شاهنامه دارند قلوب خود را آرامگاه او ساخته اند و لکن لازم بود ادای بعمل آید و بنائی آراسته گردد که بصورت ظاهر هم نماینده حق شناسی عموم این ملت باشد. بهمین نظر بود که امر دادیم در احداث این یادگار تاریخی بذل مساعی بعمل آید . صاحب شاهنامه به افراشتن کاخی بلند که از باد و باران حوادث گزند نمی یابد نام خود را جاویدان ساخته و از این مراسم و آثار بی نیاز میباشد و لکن قدردانی از خدمت گذاران وظیفه اخلاقی ملت است و از ادای حق نباید فروگذار نمود مسرت و خرسندی خاطر ما بدرجه کمال رسید از اینکه مشاهده کردیم جماعتی از دانشمندان که دوستان ما و دوستان صنایع و ادبیات ما هستند از اکناف جهان و راههای دور به آرامگاه حکیم سخن پرداز ما شتافته و در اظهار شادمانی و قدردانی با ما همقدم شده اند با ابراز خشنودی و خرسندی از این احساسات محبت آمیز حضار را باجرای مراسم افتتاح دعوت می نمائیم».

آثار صنعتی داخل آرامگاه و دفتر یادگار : مرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ سینی ساخته شده ازسنگ مرمررا که درآن قیچی طلا گذارده شده بود پیش آورد وشاه فقید نوارسه رنگی که جلوی قسمت ورودی بداخل آرامگاه بسته شده بود پاره کرد وازپله ها بالارفت وسایرمهمانان نیزداخل آرامگاه شدند وآثار زیبای صنعتی و کتیبه های شایان توجه واشعاری که ازفردوسی روی مرمرحك شده بود دیدن نمودند سپس اعلیحضرت فقید دفتر یادگار آرامگاه را امضاء کرد و بعد سایرین خاطرات خود را نوشته و مراسم جشن افتتاح آرامگاه پایان یافت .

چند روز بعد یکی ازبهترین خیابان های تهران که بنام علاءالدوله نامیده میشد بمناسبت هزارمین سال تولد فردوسی بنام خیابان فردوسی اسم گذاری شد .

بیمارستان شاه رضا : روزنامه اطلاعات درباب این بیمارستان مقالات مفصلی انتشار داده ازمساعی آقای طاهرزاده بهزاد که نقشه این بنای معظم را کشیده اند تقدیر نموده وخصوصیات و جزئیات ساختمان بیمارستان شاه رضا را که ازموسسات صحی مفیدمشهد میباشد درشماره های متعددباعکس ها ازمناظرزیبای بیمارستان که باسلوب شرقی بناگردیده شرح داده است .

شاه فقید هنگام اقامت درمشهداین بیمارستان راکه بدستور اووبا مساعی مرحوم اسدی نایب التولیه آستانه ساخته شده بود بازدید واظهارمسرت نمود .

نمایشگاه محصولات و مصنوعات خراسان: اطلاعات در سرمقاله دوم آبان ۳۱۳ می نویسد چقدر جای خوشوقتی است که ایالات مهم ایران درمقام نشان دادن محصول ومصنوع خود بوسیله تاسیس نمایشگاه برآمده اند البته شك نیست که ایجاد این نمایشگاهها که تاثیربسزائی درپیشرفت صنعت وفلاحت دارددرنتیجه تشویق اعلیحضرت است ولی مردم ایران نیز استعداد و توانائی خود وشوق وذوق ترقی و تعالی وطن عزیز را ابراز واز این گونه کارهای مفیداستقبال می نمایند درنمایشگاه هنر وصنعت و محصول خراسان که مقارن ورود اعلیحضرت دایرشده همه قسم صنایع دستی وماشینی ، قالی های نفیس ، محصول ومواد ی که در شهرهای خراسان عمل می آید بمعرض نمایش گذارده شده بود. روزی که شاه فقید این نمایشگاه راافتتاح کرد بامسرت بسیارگفت: « آقایان این نظررانداشته باشند که چند روزی نمایشگاه را نگاهدارند بعد منحل سازند بلکه هرسال دایر کنند ومدتی ادامه بدهند تا موجبات توسعه وترویج محصول ومصنوعاتشان فراهم شود واین نمایشگاهها بهترین وسیله معرفی و ترویج امتعه داخلی کشوراست »

ولیعهد سوئد با خانم و دختر وپسرش بایران آمدند : اطلاعات روز ۱۹ آبان زیر عکس چهار نفر مهمانان ارجمند خانواده سلطنتی سوئد نوشت ورود والاحضرت پرنس گوستاوآدولف ولیعهد سوئد و شاهزاده خانم ایشان وپرنسس اینگرید وپرنس بریتل فرزندان ایشان را بسرزمین باستانی ایران که روزگاری دراز مهد تمدن جهان بوده است تبریك وتهنیت میگوئیم .

والاحضرت گوستاوآدولف عشق وعلاقه ای بآثار تاریخی ودیدن حفاریها وکشفیات قدیم دارند وخوشبختانه درهرگوشه ای ازمملکت عزیزما سرگذشت مفصلی ازعظمت تمدن دیرین نهفته است و ایشان قطعاً از دیدن آثار شوش وتخت جمشید وحفاری های نقاط مختلف ایران خوشوقت خواهندشد .

ولیعهد سوئد با تشریفات رسمی وارد تهران شد و میهمان اعلیحضرت فقید بود وباخانواده خود چندی در ایران بگردش و سیاحت وتماشای آثار تاریخی و حفریات ایران پرداخت و سپس بمازندران رفت وچند روز در مهمانخانه رامسر اقامت گزید واین نقطه زیبای مازندران را یکی ازنقاط مستعد طبیعی خوب دنیا دانست.

نمایشگاه امتعه وطن: اولین دفعه که نمایشگاه امتعه وطن بدستور رضاشاه فقید در تهران تشکیل گردید درآبان سال ۱۳۱۳ بود وازآن سال ببعد مرتباً هرسال این نمایشگاه را بازدید می نمود و شرکت کنندگان وصنعتگران وبازرگانان و صاحبان کارخانجات را تشویق وتایید میکرد وبهمین جهت نمایشگاه هرسال نسبت بسال پیش جامعتر وکاملتر میگردید .

چندسال قبل ازآن نمایشگاه بزرگی درتکیه دولت از امتعه ومصنوعات ایران تشکیل گردید که بسیار جالب توجه واقع شدولی تعقیب نگردید تادرسال مزبور که اداره کل تجارت واطاق تجارت تهران پیشقدم شدند وصاحبان صنایع وحرف وبازرگانان رادعوت بتشکیل غرفه هااز محصول ومصنوعات خود نمودندونمایشگاه افتتاح یافت وخیلی مورد توجه عمومی قرار گرفت بخصوص برای خارجیان فوق العاده مهم بود وهرمسافرتازه واردی را

ازروی صنایع ومحصولات بایران بیشتر آشنا میساخت وبدان اهمیت‌میدادند وباعث ترویج امتعهٔ داخلی وبهبود وترقی صادرات میگردید.

ایران بجای «پرس»: دردی‌ماه ۳۱۳ متحدالمآلی ازطرف وزارت خارجه بکلیه سفارتخانهای ایران درخارجه وسفارتخانهای خارجی درایران صادر گردید مبنی براینکه «چون مملکت ماباسم‌ایران خوانده میشود و سکنه آن‌ایرانی هستندعلتی ندارد که‌درترجمه بغالب‌السنه‌اروپائی‌ایران‌را«پرس» وایرانی‌را«پرسان» بخوانندو حال آنکه پرس‌یاپارس یك قسمت ازمملکت ایران است

ضمن متحدالمآل تقاضاشده‌بود که‌ازاول فروردین ۳۱۴ درکلیه مکاتبات این موضوع را معمول دارند و ایران‌را دیگرپرس نگویند.

***

با اینکه چندسال است ازتاریخ صدور این دستور می‌گذرد و تغییرنام مزبور عملی گردیده‌معهذا هنوز هم در خیلی ازکشورهاایران‌را باعراق اشتباه میکنند وپرس‌راهمچنان‌از روی قالی می‌شناسند ومی گویند قالی پرسان معهذا این تغییرنام در خیلی ازکشور های جهان شناخته شده است که‌دیگر نمیتوان بصورت اول‌برگشت بلکه باید مامورین ایران در خارجه سعی کنند ایران‌رابجهانیان بشناسانند

نصب سنك اول بنای دانشگاه: روزدوشنبه پانزدهم بهمن ۳۱۳ سنك اول بنای دانشگاه بدست اعلیحضرت فقیددر اراضی جلالیه نصب گردید.

برروی لوحه ای‌ازنقره که‌شاه‌فقید‌آن‌را بعمق یك متر ونیم زیر زمین درداخل جعبه ای از سنك‌گذاردند و روی آن‌بنام دانشگاه شروع گردیدعبارات‌زیرنوشته‌شده‌بود:

«هنگام شاهنشاهی پادشاه ایران رضا شاه پهلوی سر دودمان پهلوی ساختمان‌دانشگاه تهران بفرمان او آغاز و این نبشته که‌بیادگار در دل سنك جای گرفته بزمین سپرده شد . بهمن ماه سال هزار و سیصد و سیزده خورشیدی »

شاه‌در گودال داخل‌شد و آقای حکمت کفیل وزارت معارف لوح فلزی را بایشان‌داد که درجای خود گذارد و در این‌موقع شاه‌چنین گفت «ایجاد دانشگاه‌کاری است که‌ملت‌ایران بایستی خیلی‌قبل ازاین شروع کرده باشدحال که شروع شده‌است‌باید جدیت شود که‌زودتر انجام‌گیرد.»

آقای حاج مخبرالسلطنه هدایت که جزو مدعوین بودندپیش‌آمده‌و گفت:

«چندسال قبل ذات مقدس شاهانه کلنگی برزمین زدند که اوضاع جسمی مردم این مرز و بوم را اصلاح نماید (اشاره‌باولین‌کلنك انشاء راه‌آهن) وامروزبینای موسسه‌ای‌شروع میفرمایندکه عقل‌و روح‌مردم این مملکت را اصلاح می نماید ».

افتتاح مریضخانه فیروز آبادی : روزدوشنبه ۲۵ اسفند ۳۱۳ مراسم افتتاح بیمارستان فیروزآبادی درحضرت عبدالعظیم درحضور آقای رئیس‌الوزراء وعده‌ای از وزیران ورجال‌ومحترمین ونمایندگان مجلس بعمل‌آمد - روزنامه اطلاعات که‌ازبدو شروع بساختمان مریضخانه پیوسته افکارو نظریات خیر خواهانه آقای فیروزآبادی را تقدیر و تاییدمی‌نمود وقدم بقدم بااین‌مؤسسه مفید همکاری می‌نمود ومردم خیر خواه رابکمك دعوت‌می‌نمود وقسمت‌مهمی‌ازوجوه اعانات‌را خیرخواهان‌بوسیله روزنامه‌اطلاعات ارسال‌داشتند هنگام‌افتتاح‌مریضخانه طی‌سرمقاله خودنوشت :

آقای فیروزآبادی که باعشق وعلاقهٔ مخصوص همت بتاسیس وساختمان این بیمارستان نمودند وا کنون که ساختمان آن پایان یافته ثمرهمت خیر خواهانه خودرا در ذائقه روح خویش می چشند و بیش از پیش لذت کار خیر را درك می کنند .

ماتوجه عموم خیرخواهان رابکمك باین مؤسسه خیریه‌جلب می‌نمائیم. اینراه برای همه بازاست، هرکس می تواند ازاین راه توشهٔ خیری برای فردای خودذخیره‌کند البته نباید ازنظردورداشت که دولت کمك خودرا کرده وبزرگترین یاری ومساعدتی که دراین قسمت‌انجام داده همانادایرنگاهداشتن این بیمارستان وتعیین اعتباربرسنلی ومخارج طبیب وجراح ودوا وغذابرای بیماران این مؤسسه است که تمام رادولت بعهده گرفته ولی درهرحال آقای فیروزآبادی آنی‌راحت نمی‌نشیند وپیوسته درتوسعه مریضخانه‌کوشش می کند وپیشقدم این کاربزرك خیری باشد اکنون نوبت سایراشخاص نیکوکار است که همت بتوسعه تشکیلات این بیمارستان نمایند و یادگار خوبی از خود باقی گذارند.

گشایش تالارتشریح : تا قبل از ۱۵ بهمن ۳۱۳ که شاه‌فقید تالار تشریح را افتتاح نمود محصلین طب وسایل تشریح نداشتند واین نقص بزرك وجود داشت تا مقدمات کار فراهم وروز مزبور تالار مزبور مورد بازدید شاه فقید قرار گرفت وازآن بس رسما محصلین دانشکده طب تحت تعلیم استادان خودبتشریح پرداختند ودروس خود را توأم با عمل فرا گرفتند.

نمایندگی تهران دردهمین دوره تقنینیه: انتخابات تهران برای دوره دهم مجلس نیمه اسفند ۳۱۳ خاتمه یافت وازاین دوره بود که آقای مسعودی مدیراطلاعات درردیف نمایندگان تهران قرار گرفت وازآن ببعد مرتباً بنمایندگی ازتهران انتخاب گردیده‌است .

صحیح است که انتخابات مجلس شورایملی دردورهٔ اعلیحضرت فقید وضع خاصی‌داشت وطبق صورت‌انجام میگرفت ولی مدیراطلاعات درنتیجه زحمات خستگی ناپذیرخود درراه نامه نگاری مورد توجه عامه قرار گرفته بود که اگرهمان موقع انتخابات باکمال آزادی انجام میگرفت اوشانس موفقیت را داشت چنانچه پس‌ازسه دوره دیگر که انتخابات بهمین‌کیفیت انجام‌گرفت وقتی اوضاع تغییرکرد ورضاشاه ازکشورخارج شد واصول امروزی جانشین وضع سابق گردید،دردوره چهاردهم مجلس‌نیز که فعالیت شدیدی ازجانب کلیه دستجات درتهران‌حکمفرما بود ومبارزه انتخاباتی وضع خونین وخطرناك بخودگرفته بود وتشنج شدیدی برعلیه دستگاه سابق وجودداشت معهذا آقای مسعودی بسمت نمایندگی‌مجلس‌انتخاب‌گردید وشاید تنهاکسی‌بودکه ازبین دوازده نفرو کلای دوره رضاشاه بامبارزه شدید انتخاباتی‌بنمایندگی‌اهالی تهران وارد مجلس‌شد واین‌خود بهترین دلیل‌توجه عامه بروزنامه اطلاعات وچگونگی روش مدیراطلاعات درنامه نگاری‌بود که ملت‌ایران رویهٔ اطلاعات رامی پسندند وسلامت نفس ومتانت ووطن‌پرستی وملت‌خواهی‌مدیروکارکنان‌اطلاعات‌راطی‌زمان‌درازواقف‌شده وبدان‌توجه‌وعنایت دارند و

دردوره شانزدهم که مدیراطلاعات نامزد نمایندگی سناگردید و انتخابات‌مزبوربوسیلهٔ رأی مردم باسواد صورت میگرفت وانتخابات درمحیط بسیارآرام‌وطبیعی‌انجام پذیرفت بازمسعودی مدیراطلاعات‌باآراء قابل‌توجهی‌درردیف اول نمایندگان‌منتخبه سنا ازتهرانآنتخاب گردید.

دردوره دهم تقنینیه‌علاوه‌بر مدیراطلاعات‌چندتن ازروزنامه نگاران دیگر بنمایندگی مجلس درآن‌دوره یادوره‌های‌بعد انتخاب‌شدند ویا سابقا نمایندگی مجلس را دارا بودند ازجمله آقایان‌صفوی مدیر کوشش . مجید موقر مدیر ایران .طباطبائی مدیر تجددایران . اعتصام‌زاده مدیر ستاره‌جهان وپیش‌از آن آقایان‌رهنما ودشتی هم سمت نمایندگی‌داشتند.

کاروان پیشاهنگی ایرانیان مقیم عراق : اوایل فروردین ۱۳۱۴ محصلین پیشاهنك ایرانی مقیم عراق بتهران آمدند ونمایشات ورزشی جالب توجهی دادند و درموسسات فرهنگی و ورزشی وپیشاهنگی تهران ازآنها پذیرائی شد واین مسافرت و تشویق هائی‌که از آنها شد تاثیرات شایانی در روحیه جوانان ایرانی مقیم عراق‌باقی گذاشت‌که اگر این مراودات و ارتباط ها ادامه پیدا میکرد بسیارمفید وموثربود .

یك هیئت اقتصادی بروسیه رفتند : دولت شوروی از دولت ایران دعوت نمودکه هیئتی برای مطالعه در امور صنعتی وفلاحتی وتجارتی بروسیه شوروی بروند . این دعوت قبول شد و بریاست آقای مظفراعلم رئیس اداره کل‌تجارت هیئتی بشرح‌زیر انتخاب وعزیمت نمودند :

مصطفی‌قلی بیات رئیس کل فلاحت . سرتیپ فضل‌الله زاهدی . علی وکیلی . محمود فاتح . سرهنك‌کریم قوانلو . سرهنك ابوطالب دکترشیخ . یاورمحمود سرتیپی . هادی سپانلو . عباس ورنوسی . باقر فکرت . دکتر حامدی . مهندس علیقلی سپاهی .

از طرف روزنامه اطلاعات هم یکنفرخبر نگار (آقای‌خلیل غدیری) باتفاق هیئت مزبور اعزام گردید و این هیئت مدت چهار هفته‌میهمان دولت شوروی بودند و قسمت های زیادی از آن کشوررا بازدیدنمودند.

در مراجعت آقای اعلم طی اعلامیه ایکه انتشار داد از مهمان نوازی دولت شوروی تشکر نمود وگفت ، علاوه بر مطالعاتیکه در رشته‌های مختلف بعمل آمد در خصوص روابط تجارتی مملکتین براصل توازن مذاکره شد وامیدواری حاصل است‌که این‌تبادل نظرموجب تحکیم وتوسعه روابط‌تجارتی گردد.

افتتاح دوره دهم تقنینیه: دوره نهم مجلس روز ۲۴ فروردین ۳۱۴ خاتمه یافت و دوره دهم روز ۱۵ خرداد ۳۱۴ گشایش یافت. شاه فقید در نطق افتتاحیه خود پس از اشاره بروابط ایران با همسایگان وکلیه دول خارجه برای اصلاحات داخلی گفت:« این ملت در ایام گذشته بقدری گرفتار غفلت بوده وعقب مانده وفقر و احتیاج چنان برما مستولی شده بودکه هرقدر تلاش می‌کنیم وهرچه پیش میرویم بنقص امورو شدت‌احتیاج خودمان بیشتر برمیخوریم و روز بروز محسوس‌تر میشودکه برای نزدیك شدن بمقصد یگانه وسیله اینست که‌در سعی وعمل بیش از پیش جد وجهد کنیم. بنابر این بهیئت دولت دستور داده‌ام که در این‌دوره برای پروگرامی که بمجلس شورایملی باید پیشنهاد شود فصول وموادی قائل نشوند وکاررا پروگرام خود قرار دهند و در عین حال عموم ابنای ملت وکلیه افراد اهل این‌کشور نیز باید دست بدست هم داده متفقاً بکوشند تابنتیجه برسند»

رئیس مجلس شوری تغییر کرد: دراولین جلسه دوره دهم پس‌ازانجام مراسم افتتاح‌انتخاب هیئت رئیسه انجام یافت ومرحوم حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری بریاست ومرحوم دادور(وثوق‌السلطنه)وآقای دکترطاهری بنیابت ریاست‌انتخاب‌شدند.

آقای دادگر که ازتهران بنمایندگی دوره دهم انتخاب شده بودند وچند دوره سمت ریاست مجلس را داشتند پس‌ازپایان دوره نهم مورد بیمهری شاه فقیدقرارگرفت وتحصیل اجازه نمود که اجازه‌داده شودکه به اروپا مسافرت نمایند درحقیقت مسافرت ایشان بصورت تبعید انجام گرفت وبهمین‌جهت باکمال سرعت در فاصله نزدیکی آقای دادگر ببندرپهلوی‌حرکت‌نمود وباکشتی‌بباکوواز آنجاعازم‌پاریس گردید و تاچندسال پیش‌دراروپا بسر می‌بردند.

مقارن همین احوال بود که آقای رهنما نماینده مجلس شورای ملی ومدیر روزنامه ایران نیز مورد بی‌مهری‌شاه فقیدواقع‌شد ومحبوس‌گردید وبراثر تقاضای آقایان علماء نجف.موافقت‌شد که مسافرتی بخارج‌بنماید وایشان ابتدا بعراق وسپس ببیروت حرکت کردند و تابعد از واقعه شهریور۲۰ درخارج ازکشور بسرمیبردند امتیازروزنامه ایران پس‌ازمسافرت‌اجباری آقای‌رهنماباقای مجیدموقر انتقال‌یافت، آقای‌رهنما ازحضرت‌عبدالعظیم سمت نمایندگی‌مجلس‌را داشتند که بعدازایشان آقای‌دکترموسی‌جوان انتخاب گردید.

آقای دشتی نماینده مجلس شورایملی نیز در همین اوقات گرفتار شد و در محبس شهربانی و گاهی در منزل تحت نظر بسر می‌برد ولی پس از چندی بار دیگر مورد مهر شاه فقید قرار گرفت و دو باره بنمایندگی مجلس شورایملی‌انتخاب گردید.

کلاه یك لبه تمام لبه شد: تاتاریخ خرداد ۳۱۴ کلاه یك لبه که بنام کلاه پهلوی نامیده‌میشد در تمام‌کشورمتداول گردید، فرقی که کلاه مزبورباکلاه قدیم ایران داشت این بودکه جلوی‌آن برای جلو گیری از آفتاب لبه‌ای داشت

این کلاه را درمجالس ومحافل رسمی سرمیگذاشتند وبرخلاف امروز که برداشتن کلاه شرط ادب واحترام است معمول نبود کلاه را بردارند چنانچه درشرفیابی‌های حضور شاه هم‌کلاه برسر میگذاشتند. کم‌کم‌این‌رویه‌تغییر کرد و قرار شد کلاه لبه‌دارا درمجالس‌ومحافل‌ازسر بردارند وبعد ازآنکه‌شاه فقید ازمسافرت‌ترکیه بازگشت فکر تغییرکلاه دراوقوت‌گرفت واین‌تغییررا تشویق می‌نمود ومعتقد بودکه اختلاف ظاهری ایرانی‌ها با اروپائی ها برداشته شود

میگفت باید ایرانیها خود را با خارجیها یکسان بدانند ودرترقی وپیشرفت تشویق وتایید شوندوبدانند تفاوتی ازلحاظ روح وجسم واستعداد جزهمین کلاه درظاهر دربین نیست وباید این تفاوت را بردارند و عملا کار کنند تا خود را بآنها برسانند ابتداکلاه فعلی بتمام لبه که‌بعنوان حفاظت سروگردن ازگرما وسرما پیدا کرد بین عملجات وکارگران ودهاقین رواج گرفت که درآفتاب‌کارمیکردند ولی‌چیزی نگذشت که ابتداآقای رئیس‌الوزراء ووزراء وبعدمعاونین‌وزراوو کلای‌مجلس ورؤسای‌ادارات‌کلاه جدید را سر گذاشتند وکم‌کم‌بین سایر طبقات رایج گردید وبرای این‌کار مجالس جشن وسخنرانی نیز تشکیل‌میشد عده‌ای زوداستقبال نمودند وعده‌ای دیرتروبالاخره در بسیاری موارد الزام واجبار هم وجود داشت.

معرفی دولت بمجلس جدید: روز ۲۷ خرداد ۳۱۴ که مجلس دهم آمادگی خودرا برای کار اعلام داشت مرحوم فروغی باتفاق وزیران خود درمجلس حاضر وگفت «اراده مقدس اعلیحضرت همایونی بر اینست که هیئت دولتی که مشغول خدمتگزاری بوده‌اند بازهم برقرار باشند وبنده رامفتخر فرموده وماموریت داده‌اند که هیئت دولت رابمجلس شورای ملی معرفی کنم بنابراین آقای جم وزیر داخله وآقای داوروزیرمالیه آقای منصوروزیر طرق. آقای کاظمی وزیرخارجه آقای صدروزیرعدلیه. آقای نظام‌الدین حکمت وزیر پست. آقای حکمت وزیرمعارف آقای امیرلشکر محمد نخجوان (امیرموثق) کفالت وزارت جنگ. آقای مظفراعلم رئیس کل تجارت: آقای مصطفی قلی بیات رئیس کل فلاحت. آقای امین رئیس کل صناعت معرفی میشوند پروگرام دولت هم چون تغییر نکرده‌است و دنباله اصلاحات وعمران مملکت بخصوص کارهای ساختمانی تعقیب میشود وامیدواریم قبل از انقضای دوره دهم مجلس راه‌آهن شمال بتهران برسد بعلاوه توسعه معارف وتاسیس مدارس ازابتدائی ومتوسطه وعالی وساختمانهای لازم برای دبستانها و اقدامات برای تامین صحت وسلامت مردم وتکمیل موسسات عدلیه وبهبود امور اقتصاد مورد توجه دولت میباشد و درپایان نطق مفصل خودگفت آقایان میدانند که پادشاه ماامروز عیش ونوش وتفنن وتفریح همه‌چیزرا برخود حرام کرده وغیرازکار ومراقبت کردن درامور مملکت کاری ندارد واین‌را باید قدردانست

دستور مجالس سوگواری: درآخر خرداد ۳۱۴ ازطرف مرحوم فروغی رئیس الوزراء دستور داده شد که چون مجالس ترحیم نظم وترتیب وساعات معین نداشته واغلب مایهٔ تضییع اوقات وهم برخلاف اصول حفظ‌الصحه وبرای صاحبان عزانیز ساعات نامحدود مشکلاتی در بردارد لهذا برای تسهیل امرواصلاح وضع کنونی مقرری گردد که ازطرف بلدیه درچند ناحیه شهرمساجدی برای مجالس ترحیم درنظر گرفته شود که بالنسبه بزرك وجامع ودردسترس عموم باشد، بعلاوه مقداری نیمکت ومیزبرای نشستن واردین گذاشته شود تاازاین‌ببعد جالسین روی‌زمین‌نشینند ـ یك میزبزرك که روپوش سیاه داشته باشد درمحل‌مناسب برای گذاشتن جزوات کلام‌الله مجید گذاشته شود. قراء هم باید درجلوی همین‌میزقرار گرفته بتلاوت قرآن مجید مشغول شوند. گذاشتن گلدان‌وقدح که چیززایدی است برروی میزیاروی زمین موقوف گردد ومجلس ترحیم بیش‌ازیك روز نباید باشد و مدت انعقاد مجلس چه قبل‌ازظهروچه بعد ازظهر بیش‌ازدوساعت نباید باشد. صرف چای وقهوه وقلیان وسیگار درمجالس ترحیم باید متروك شود.

اطلاعات درهشت صفحه: روزاول تیرماه ۱۳۱۴ دوصفحه بصفحات روزنامه افزوده‌شدوآقای مسعودی بمناسبت آغاز دهمین‌سال خدمتگزاری اطلاعات درسرمقاله نوشت «بعقیده‌ما زائداست که بتفصیل‌وتشریح تاریخ خدمات نه ساله روزنامه بپردازیم ماخودرا موظف به‌پیروی ازسرمشق شاهنشاه خودمیدانیم یعنی «کار» راپروگرام‌زندگانی خویش قرارداده وعمل راجایگزین سخن‌وحرف مینمائیم واین‌سرمشق بزرگی‌است که‌همگی باید پیرو آن‌باشیم بنابراین لزومی ندارد دراین‌باب چیزی‌بنویسیم‌وتاریخ یکساله گذشته راتکرار نمائیم‌همینقدر متذکرمیشویم که این شیوه را بدقت پیروی کرده و میکنیم و حتی‌المقدور سعی خواهیم کرد باترقیات حاصله در مملکت پیش برویم»

یکی شدن ساعات درکشور: دربخشنامه‌ای که درتاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۱۴ بکلیه ایالات‌وولایات صادرشده‌چنین‌اشعار گردیده‌است: چون مطابق ترتیبی که تا کنون معمول بوده‌است اماکن وبلاد مملکت شاهنشاهی که‌درطول های‌مختلف جغرافیائی واقعند دارای‌ساعت‌های‌مختلف بودند ومقتضیات زندگانی ایجاب میکرد که کلیهٔ نقاط مختلفه مملکت ساعت‌های بالنسبه واحدی اختیار نمایند علیهذا بموجب تصمیم هیئت‌محترم دولت ازاین‌ببعد ساعت محلی طهران برای تمام‌نقاط ایران‌مأخذ قرارداده خواهد شد وساعت‌مذکور سه‌ساعت‌ونیم قبل‌ازساعت گرنویچ‌است البته لازم‌است مفاد متحدالمآل فوق‌را درنظر گرفته ودرتعیین ساعات‌رسمی برطبق آن‌رفتار نمائید.

اعزام هیئت اقتصادی ببرلن: هیئتی‌مرکب از آقای بدر معاون وزارت‌مالیه وآقای‌وثیقی‌معاون اداره‌کل تجارت، آقای انصاری رئیس اداره‌اقتصادیات وزارتخارجه برای‌مطالعات درامور تجارتی واقتصادی روز ۳۱ تیرماه ازراه باکو ببرلن‌عزیمت نمودند.

الغای عناوین: درتاریخ نهم مرداد ماه برای اولین دفعه نظامنامه تشریفات تدوین وطی آن کلیه عناوین ازقبیل میرزا ـ خان ـ بیك ـ امیر که قبل‌ازاسم ویابعد ازاسم بکار برده‌میشد ملغی گردید طبق نظامنامه مزبورمقرر شدکه‌عنوان وزیران، نمایندگان، سفیران، معاونین وزارت خانها، رؤسای ادارات مستقل «جناب»

باشد ازطرفی عناوین شهرهامثل (دارالخلافه طهران) و وزارت خانهامثل (وزارت جلیله داخله) وادارات مثل (اداره محترمه صحیه) یاپستخانه مبار که وغیره بکلی موقوف شد .

ضمنا درنظامنامه تشریفات مقرر گردید درمواقع رسمی وضیافت ها ژاکت وفراك و سیلندر ولباس ملیله دوزی و کلاه پردار استعمال شود .

همچنین نوع لباس مستخدمین قضائی واستادان دانشگاه بموجب نظامنامه مزبور برای تشریفات رسمی انتخاب گردید.

اطلاعات دراین باره نوشت : «بیکاری آفت خودرا درآداب وادبیات ما ، در محاورات ومکالمات ما، در کتب و نوشتجات ما، درانشاء و مراسلات مانفوذ داده ، ازمرحله معنابرت ودر سنگلاخ لفاظی انداخته، بقدری دهپای فکر مارامجروح ووامانده ساخته ووقتی میخواستیم بدوست وآشنائی مراسله و نامه‌ای بنویسیم دراختیار عنوان برای او بیچاره ودرمانده میشدیم .

کارما بجائی کشیده بود که آنچه که خود عنوان میدادیم معنای آن‌را نمیدانستیم. آفت بیکاری مارا غافل از این معنی ساخته بود که هرلفظی را بامفهوم خود ارزش وبهائی است وبکار بردن آن لفظ درغیر موضع خود نه تنها ارزش معنای آن‌را ازبین می‌برد ، بلکه شخصیت گوینده ومخاطب رانیز ازمیان برده ، وآن هارا بدون مجوز حقیقی اگربزرك هستند کوچك واگرکوچك هستندکوچکتر میسازد.

این رویه ماراگزافه گو، وگزافه گوئی مارابتملق وچاپلوسی و دروغگوئی ودوروئی وادار ساخته بود بازارالقاب بی‌معنی وعناوین پوچ چنان‌رایج شدکه هر کدخدای دهی عالیجاه رفیع‌جایگاه ، وهرتحصیلدار مالیه‌ای آصف‌جاه وهرنایب الحکومه ورئیس قره سورانی سلیمان دستگاه شده و پای فرمانفرمای ایالتی که بمیان می‌آمد، دیت گزافه گوئی وایجاد عنوان ولقب برای اولنك میماند !

افزایش سرمایه بانك‌ملی ایران: سرمایه بانك ملی ایران که دربدوتاسیس هشت میلیون ریال بود در تاریخ چهاردهم تیرماه ۱۳۱۴ بسیصد میلیون ریال افزایش یافت. روزنامه اطلاعات درباره‌این افزایش سرمایه نوشت : «هفت‌سال پیش که‌میخواستیم بانکی بنام بانك‌ملی ایران تاسیس کنیم ومیخواستیم سرنوشت تجارت ومقدرات اقتصادی خودرا بدست خودمان بگیریم ومیخواستیم بسیادت اقتصادی ومالی بیگانگان دراین کشور خاتمه بدهیم ومیخواستیم گریبان تجاروسرمایه‌داران خودرا ازچنك موسسات بانکی ومالی خارجه که دراین کشور از دیرباز درشئون مالی وتجاری واقتصادی مانفوذ پیداکرده‌بودند نجات بدهیم وقتی که‌سرمایه آنرا درنظرمی‌آوردیم انتظارات ما جزو آروزهای دورو دراز بود که فقط دورنمای زیبای آنرا در نظر می‌آوردیم زیرا هشت میلیون ریال در مقابل سرمایه هنگفتی که‌دیگران دردست داشته وپنجه خودرا بر پیکر تجارت و اقتصادیات کشور فرو برده اعتبار وحیثیت تجار این‌کشور وحتی هستی آنها تعلق باراده آنان بودچه کسی‌باور میکرد بانك‌ملی بتواند تاب مقاومت آورده وقسمت مهمی‌ازآرزوهای دورو درازماراعملی کند .

امروز که سرمایه بانکملی ایران ازهشت میلیون ریال بسیصد میلیون ریال ترقی داده میشود وقتی وضع مالی امروزرا باروز تاسیس‌بانکملی‌مقایسه میکنیم می‌بینیم ازمرتبه آحاددرگذشته و ازمرتبه عشرات نیز عبور کرده وچند مرحله ازمرتبهٔ صدم ترقی وتکامل‌نیز بالارفته‌ایم .

حادثه تأثر آور مشهد ـ درباره حادثه تأثرآورمشهد این اعلامیه ازطرف وزارت‌داخله‌روز ۲٤ تیرماه ۱۳۱٤صادرودرمطبوعات منتشر گردید :

«برطبق رابورت واصله ازایالت خراسان شب نوزدهم شیخ بهلول نامی که سوء سوابق‌اوازشرارت و فساد معلوم وسابقاً تحت تعقیب نیزواقع شده‌بود درمشهد مقدس جمعی ازعوام ساده لوح را درمسجدبعنوان‌موعظه دعوت کرده ودوسه روزاین عمل را مداومت‌داده واراذل واوباش رادورخود جمع وعنوان کلاه‌ولباس‌راپیش کشیده یاوه سرائیهانموده کاررا بهتاکی رسانیده مأمورین انتظامات خواستند بدواً بملایمت ونصیحت اورا از این رفتار و گفتگوهای خلاف ومفسدت‌آمیز بازدارند مساعی آنهاثمری نبخشید وبیم اختلال نظم رفته ومردم ازاین‌جهت اظهار نگرانی‌نمودند مامورین انتظامی درصدد تفرقه آنهابرآمدند مقاومت نموده مأمورین نظمیه را موردحمله‌قراردادند وبعضی ازآنهارا مجروح ومقتول نمودند مأمورین ناچارازنظامیان استمداد کردند اشراربرآنهاهم ستیزه‌نموده و آلات ضرب وقتل‌که همراه داشتند بکاربردند نظامیان هم مجبورشدند بااستعمال اسلحه گرم حفظ نظم‌رابآنهاالزام نمایند درنتیجه اراذل واوباش‌که باعث این‌بی نظمی شد، بودند بعضی گرفتاروبعضی متفرق شدند ولیکن متاسفانه شیخ بهلول‌که این مفسده رابرپا کرده بود موفق بفرارشده امنیت وانتظام‌کاملابرقرار گردید فعلانظمیه‌مشغول تعقیب قضیه و کشف حقایق میباشد»

تاسیس کانون سوارکاران: کانون سوارکاران در تهران تاسیس گردید وعده‌ای از رجال و محترمین بسمت هیئت مدیره کانون انتخاب وشروع بکار نمودند. هدف این کانون تربیت وتکثیر اسب‌های اصیل وافزایش نژاد آن وهمچنین اهمیت دادن بورزش اسب وسوارکاری بود.

هیئت نمایندگی عراق در تهران: آقای نوری سعیدپاشا وزیرخارجه عراق وآقای محمدزکی بیك وزیرعدلیه وآقای نصرت‌بیك فارسی معاون وزارت‌خارجه عراق باسه هواپیمای عراقی روز ۱۳ مرداد ۱۳۱۴ بتهران آمده ودرکاخ صاحبقرانیه اقامت گزیدند همراه این هیئت همسر آقای نوری سعیدپاشا وفرزند ایشان که خلبان یکی ازهواپیماها بود نیز بتهران آمدند.

آقای کاظمی وزیرخارجه وسایرمستقبلین درحدود دوساعت درفرودگاه بانتظار هیئت بودندزیرافرودگاه تهران هنوز میتوانست باهواپیماهاارتباط برقرارنموده وازخطسیرآنها آگاه شود وهمین موضوع موجب نگرانی مستقبلین را فراهم کرده بود ضیافت‌هائی درتهران بافتخار هیئت‌عراقی داده‌شد ومسافرتی‌هم بمازندران‌نمودند

هیئت‌اعزامی عراق طی بیست‌روز اقامت خود درتهران برای مرتفع شدن اختلافات سرحدی که منجر بشکایت عراق بجامعه ملل شده‌بود بااولیای امور ایران تماس حاصل نموده‌وپس ازیکرشته مذاکرات و مطالعات درروز حرکت هیئت ازتهران این‌اعلامیه رامنتشر نمودند:

درمدت توقف هیئت نمایندگان محترم عراق‌درطهران، مذاکرات بین هیئت نمایندگان مزبور ودولت شاهنشاهی‌ایران باروح مودت وصمیمیت جریان یافته وقسمت عمده سوء تفاهمات سابق برطرف و اینك موافقت کامل بین‌طرفین ظاهرومشهود می‌باشد چون بملاحظه لزوم حضورنمایندگان دولتین درجلسه عمومی آینده جامعه ملل‌امکان نیافت مذاکرات درطهران خاتمه یابد بنابراین مذاکرات بتعویق افتاده وطرفین تصمیم نمودندکه آنرا دوباره باهمان روح صمیمیت ووداد‌ی‌که تابحال بین‌آنها حکمفرما بوده وباامید واری کامل بتحصیل نتیجه قطعی سریع تعقیب نمایند.

وزیرخارجه ایران باقرکاظمی ــ وزیرخارجه عراق نوری السعید

بین ایران وشوروی: روز چهارم شهریور ماه ۱۳۱۴ بین آقای کاظمی وزیر امور خارجه وآقای آلسکی چرنیخ سفیر کبیرشوروی درتهران قراردادهای بازرگانی واقامت و بحرپیمائی بین‌دو کشور امضاء شد و پس‌ازآن ناهاری ازطرف وزارتخارجه وشامی ازطرف‌سفیر کبیرشوروی داده شد که وزیرخارجه وآلسکی‌چرنیخ نطق مشروحی درزمینه روابط تجارتی‌دو کشور واهمیت قرارداد هائی‌که امضاء شده بود ایراد نمودند امضای این پیمانهاموجب مسرت‌عمومی شد.

بموجب این قرارداد تجارتی قسمتی ازسهمیه واردات وصادرات ایران‌باتحادجماهیرشوروی‌اختصاص‌یافت و مقرر گردید‌که پنبه ــ پشم ــ پوست ــ کنف ــ برنج وخشکبار بشوروی تحویل ودرمقابل‌قند ــ کبریت‌پارچه‌های نخی . سیمان. آهن‌آلات. ماشین‌آلات‌وابزارفلاحتی‌وماشین‌آلات صنعتی‌برای برنج پاك‌کنی وپنبه پاك‌کنی و تاسیسات انبارغله معادل‌میزان خریدهای دولت شوروی ازدولت‌ایران‌بشود . ضمنا مقرر گردید محصولات طبیعی و صنعتی‌ایران‌هم بتوسط مؤسسات‌اقتصادی شوروی ومختلط وهم بتوسط تجارایرانی باتحاد جماهیرشوروی‌وارد شود

دولت اتحادجماهیر شوروی ترانزیت‌آزادرا از خاك خود بایران‌برای‌محصولات طبیعی‌یاصنعتی مذکوره ذیل بموجب این‌قرارداد اعطاء نمود:

الف ــ ماشین وابزار ومصالح برای‌کارخانجات همچنین برای مؤسسات فلاحتی و ماشین وابزارومصالح برای ساختمان ونگاهداری خانه ها وابنیه و ماشین و ابزار و ملزومات ومصالح برای اصلاح واستفاده از طرق ووسایط‌نقلیه ازهرقبیل که برای‌احتیاجات موسسات‌عام‌المنفعه باشد.

ب ــ دوا از هرقبیل واسباب جراحی واعضای مصنوعی بدن.

ت ــ کاغذ واوراق مطبوعه ث ــ تخم نوغان ج ــ چای چ ــ آلات وادوات روشنائی‌وگرم کردن ح ــ دوچرخه وموتوسیکلت‌واتومبیل‌وکامیون‌ومتفرعات‌وقطعات. مجزای‌آنها.

هرنوع سفارشات غیرتجارتی دولت ایران درکشورهائی‌که با اتحاد جماهیر شوروی عهدنامه یامقاوله نامه یاقرارداد تجارتی داشته باشندباستثنای اسلحه ومهمات جنگی حق ترانزیت آزاد در خاك جماهیر شوروی خواهند داشت.

اتحاد جماهیر شوروی منتهای موافقت را نسبت بهر قبیل سفارش‌های دولت ایران که برای تجارت نبوده و درکشورهائی که با اتحاد جماهیر شوروی عهدنامه یامقاوله نامه یاقرارداد تجارتی نداشته باشند بعمل آمده باشد مبذول داشته وتسهیلات لازمه خواهد نمود اسلحه ومهمات جنگی ازاین مقررات مستثنی میباشد.

تاحمله آلمان بشوروی پیمان تجارتی بین دو کشور ببهترین طرزی اجرامیشد موسسات دولتی وشرکتهای اقتصادی دو کشور وبازرگانان ایرانی چه ازحیث ترانزیت وچه ازحیث مبادله کالاها دررفاه بودند ومتاسفانه آتش جنگ واز آن پس جریانات دیگر بکلی معاملات بین این دو کشوررا مسدود نمود.

اسامی جدید برای خیابانهای تهران: چون شهر تهران روبوسعت گذارده بود واز طرفی اغلب خیابانها ومعابر بی‌نام بود شهرداری تهران برای تمام خیابانها و معابر مهم پایتخت نامهای مناسبی انتخاب ومقرر گردید که کاشیهای آنهاتهیه و نصب شود.

نام بیشتر خیابانها باسامی شعراء وادباء ومفاخر علمی و هنری ایران موسوم گردید.

کنگره و نمایشگاه صنایع لنینگراد: دولت ایران درنمایشگاه صنایع لنینگراد شرکت نمود و آثار تاریخی وهنری ایران در نمایشگاه مزبور بمعرض نمایش گذارده شده. هیئتی بریاست آقای حکمت وزیر معارف ومرکب ازآقایان دکترسیاسی ودکتر صدیق. معاضد. مهندس طاهر زاده بهزاد، دکتر صورتگر برای شرکت در نمایشگاه شوروی اعزام گردید. آقای مسعودی مدیر اطلاعات نیز در معیت هیئت نمایندگی بلنینگراد عزیمت نمود.

عده کثیری ازفضلا وادبا ومستشرقین ورؤسای موزه‌های مهم صنایع ومحققین اروپا و امریکا درکنگره ونمایشگاه مزبور حضور یافته بودند صنایع قدیم وتاریخی ایران ومجموعه‌های صنایعی که مشابهت باصنایع ایران داشت درنمایشگاه مذکور بمعرض نمایش گذارده شده بود. فضلا ومحققین تحقیقات جدیدی‌را که درباب اینگونه صنایع کرده‌بودند طی سخنرانیهای مشروح باطلاع عموم رسانیدند.

هشتاد اطاق ازدو هزار سالن که موزه را تشکیل میداد برای نمایش آثار ایران اختصاص داده‌شده بود اشیاء زمان ماقبل تاریخ ودوره ساسانی وادوار دیگر بترتیب دراطاق‌های مختلف قرارداده شده وعلاوه بر اشیاء موجوده درموزه ارمیتاژ ازتمام شهرهای مهم جماهیر شوروی مخصوصا آسیای مرکزی وقفقاز وبعضی از کشورهای دیگر علاوه براشیاء ارسالی ازایران آثار مهم تاریخی ایران‌را بموزه ارسال داشته بودند که روی‌هم رفته موزه مهمی ازصنایع نفیس وآثار برجسته ایران درنمایشگاه گرد آمده‌بود.

کنگره عصر روز ۲۱ شهریور ۱۳۱۴ باحضورنمایندگان ۲۶ کشور بریاست کمیسر معارف شوروی ووزیر معارف ایران گشایش یافت ونطق‌های مؤثری ایراد نمودند.

آقای مسعودی ازروزحرکت تا بازگشت بایران جریان مشروح این مسافرت وگشایش نمایشگاه صنایع ایران را همه روزه تلگراف نموده ازطرفی یادداشت ها ومقالاتی‌دراطراف چگونگی نمایشگاه باعکس‌های زیادی ازاشیاء تاریخی بتهران فرستاده اند که همه‌روزه مرتب منتشرشده است.

مرحوم فروغی که درآن تاریخ نخست وزیربوده‌اند نیزمقاله مؤثر ومشروحی درباره نمایشگاه صنایع‌ظریفه ایران‌در لنینگراد نوشته ودرروزنامه اطلاعات منتشرشده است.

رویهمرفته تشکیل این نمایشگاه وشناساندن آثارذوقی وهنری کشور ایران و انعکاس جریان مشروح و مفصل آن وچاپ عکسها ومعرفی اشیاء تاریخی چه درایران وچه درکشورهای دیگر کمك مهمی بآشنائی افکارعمومی باتمدن کشور ما داشته است.

طرح قضیه ایران وعراق در جامعه ملل: این تلگراف ازطرف مخبرمخصوص اداره در جامعه ملل روز ۵ مهرماه در روزنامه اطلاعات منتشر شده است:

تهران — روزنامه اطلاعات — امروزدر شورای جامعه ملل متحد قضیه اختلاف ایران و عراق مطرح گردید مخبر شوری متن مراسله‌ای‌را که وزیر امورخارجه ایران و وزیر امورخارجه عراق باو نوشته وجریان امروحصول موافقت را اطلاع داده بودند قرائت نمود وبعدرئیس شوری از دولتین ایران و عراق تشکر کرد سپس مستر ادن نماینده انگلستان اظهارخوشوقتی از موافقت طرفین کرد واظهار امیدواری نمود که درانعقاد عهدنامه و قراردادهای لازم نیز موافقت حاصل نمایند. شوری راپرت مخبرزا تصویب کرد.

جواد مسعودی

تحدید حدود نقاط مرزی: درقسمتی ازحدود دولتین ایران وافغانستان که ازدهنه ذوالفقارمنتهی قطعه شمالی سرحد مشترك بین‌دولتین شروع وبملك سیاه کوه‌ختم میشود درسوابق ایام خطسرحدی تعیین‌شده‌وعلائم نصب گردیده بود وچون نسبت ببعضی ازقطعات همین قسمت تحدیدشده‌اختلاف نظری پیش‌آمده ومذاکرات‌مستقیم بین‌طرفین منجر بنتیجه مطلوبه نشده بود موافقت حاصل‌گردید که حل‌اختلاف بحکمیت دولت‌ترکیه محول شود درنتیجه قراردادی درتاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۱۲ با دولت افغانستان منعقد گردید وحکمی‌ازطرف‌دولت‌ترکیه‌تعیین ودرسرحد دولتین‌حاضروبامأمورین ایران وافغانستان درحدود سه‌ماه‌ونیم بمطالعه‌وضعیت‌حدود پرداخته ورای‌خود راکه مشتمل برمقدمه واطلاعات عمومی‌ونظریات تاریخی‌راجع‌بمنطقه سرحدی وتعیین خط تحدیدنشاء وغیره بود بدولتین‌ایران‌وافغان‌تسلیم کرده.

رای حکمیت‌درتاریخ۱۳ مهرماه ۱۳۱۴ بتصویب مجلس‌شورای‌ملی‌رسید ودولتین ایران وافغانستان‌وسایل اجرای آنرافراهم نمودند وبدینطریق اختلافات مرزی بین‌دو کشور مرتفع گردید.

حمله ایتالیا بحبشه: روزدهم‌مهرماه۱۳۱۴ارتش‌ایتالیا که‌درمرزهای‌حبشه‌متمرکزشده‌بودشروع‌بتجاوز درخاك‌حبشه‌نموددرروزمزبورزندگانی عادی شهری‌دررم‌قطع گردید.سوتهای‌کارخانه هاوناقوس هامردم شهررا برای تجهیزات دعوت نمود. مردان چه جوان وچه پیروزنان وبچه هاپیراهن سیاهان را همراهی کرده وبطرف مراکز ارتشی حرکت‌میکردندهمه‌مردم‌باوجودباران‌تندی که‌ازصبح‌میبارید‌درمحل‌اردوگاههاازدحام نموده‌ودرمیدان‌های‌عمومی بلند نوها سرود های وطن‌پرستانه را اشاعه میدادند.درچنین وضعیتی موسولینی ازایوان قصردولتی درمیدان‌ونیز نطقی ایراد کرد وگفت :

«مردان‌وزنان‌ایتالیائی که‌درتمام عالم وماوراء دریاهاپراکنده هستید گوش‌فرادارید موقع‌مهم سرنوشت میهن شمادررسیده است.الساعه بیست میلیون ایتالیائی درتمام میدانها وکوچه های مملکت اجتماع نموده‌انداین اجتماع بزرگترین نمایشی است که درتاریخ وجود دارد ونشان میدهد که بیست میلیون افراد یك‌کشوردارای یك آهنك بوده وبرای فداکاری حاضرهستند.

این نمایش که تابحال سابقه نداشته‌نشان میدهد که یگانگی مطلق بین ایتالیا وفاشیزم‌وجوددارد.فقط عقلهای ناقص ازفهم ایتالیائی۱۹۳۵اظهارجهالت مینمایند.

ماه هاست که چرخ سرنوشت درتحت جنبش اراده قوی بجانب ما درحرکت است درساعت هـای گذشته پیشرفت ماچنان قوه‌ای‌کسب نموده که دیگر جلوگیری ازآن ممکن نیست ٤٤ میلیون ایتالیائی باارتش ماهمقدم هستند این ٤٤ میلیون تمامامتحد هستند زیرا بزرگترین بی‌عدالتی ها را میخواهند نسبت بآنهـا اعمال کنند یعنی میخواهند ازجادادن بایتالیا درزیر خورشید جلوگیری نمایندوجامعه‌ملل بجای‌اینکه حق‌حیات‌ایتالیا را تمیزدهدجرئت‌نموده‌ازاعمال‌مجازاتهاصحبت‌مینماید.»

موسولینی موقعیرا که ایتالیا در ۱۹۱۵ برله متفقین‌داخل جنك‌گردیده وموجب تحسین‌همگی شده‌بود یادآور گردیده اضافه نمود فقط بایتالیا ته‌سفره غنائم مستعمراتی که سایر ملل بین‌خود تقسیم نموده‌اندعاید‌گردیده باوجودی‌که ٦٧٠ هزار مقتول ومیلیونها اشخاص معیوب قربانی ایتالیا برای حصول فتح عمومی‌بود سیزده سال مارا خفه‌کردند وحوصله نمودیم ماراهرروز سخت‌تر احاطه نمودند تاقوه حیاتی ماراجبراً مضمحل‌سازند سی‌سال ایتالیا باحبشه‌صبررا پیشه خود ساخت وبااینکه از پیش‌آمدهای آتیه نباید چشم پوشی‌نمودولی‌قول میدهم آنچه ممکن است خواهم‌کرد که این مشاجرات مستعمراتی بمشاجرات دراروپا مبدل نشود.

موسولینی درخاتمه نطق خودبمردم خطاب‌نموده‌گفت: بگذارید که فریادتصمیم محکم وخلل‌ناپدیر شما بآسمان برسد. فریاد جنك‌بگوش سربازان ایطالیائی درافریقا برسد واین فریاد اخطاری بدشمنان ماباشد زیرا این‌فریاد ، فریادعدالت‌است»وبا این‌نطق پیشروی‌ارتش ایتالیا درخاك‌حبشه آغازشد.

پیمان عدم‌تعرض – روز۱۷مهرماه ۱۳۱۴ درعمارت نمایندگی ایران درژنو طرح عهدنامهٔ عدم‌تعرض بین‌نمایندگان دول ایران وترکیه وعراق وهمچنین طرح عهدنامهٔ حل‌اختلافات بوسیلهٔ مسالمت‌آمیـز بـین‌دولتین ایران وعراق پاراف شد روز۲۹ آبان۱۳۱٤ دولت‌افغانستان نیزالحاق خود را بعهدنامه عدم تعرض منعقده بین ایران وترکیه وعراق‌اعلام نمود .

گشایش کارخانه قند شاه آباد: روز ۱۸مهر۱۳۱٤ کارخانه قند شاه‌آباد که پنجمین کارخانه قند سازی کشوربود گشایش یافت‌مرحوم فروغی نخست‌وزیر ومرحوم داوروزیردارائی وآقای‌جم‌وزیر کشوربکرمانشاه

مسافرت نموده ودرمراسم گشایش کارخانه شرکت نمودند درهمین مسافرت مؤسسات تصفیه نفت کرمانشاه و پالشگاه آنجاکه احداث شده بود افتتاح یافت.

ششمین کارخانه قندسازی نیزکه درمرودشت واقع درچهل کیلومتری شیراز احداث شده بود روز ۲۸ مهرماه ۱۳۱۴ ازطرف مرحوم فروغی نخست‌وزیر وباحضوروزیر داخله‌ورؤسای کل صناعت وفلاحت گشایش یافت.

برقراری روابط با آرژانتین : بمناسبت‌ورود اولین‌نماینده ایران به آرژانتین رئیس کشور مزبور تلگرافی باعلیحضرت مخابره واز برقراری روابط‌سیاسی بین‌دو کشور اظهارخوشنودی‌نموده‌بود.

مسافرت وزیر خارجه بافغانستان و هندوستان : آقای کاظمی وزیرامور خارجه صبح هشتم آبان بقصد مسافرت بافغانستان ازتهران حرکت‌نموده وازطریق مشهد وزاهدان و کویته به‌آنکشور عزیمت وپس‌ازده‌روز اقامت درافغانستان بهندوستان مسافرت وازراه‌بمبئی وبوشهر بایران‌مراجعت کردند.

آقای کیهان رئیس اداره اول‌سیاسی وزارت‌خارجه‌وآقای معتمدی رئیس اداره‌سوم سیاسی وآقای‌مفتاح منشی‌مخصوص وزارتی وبعلاوه آقای‌صفوی مدیرروزنامه کوشش ونماینده‌مجلس شورای‌ملی دراین‌مسافرت همراه وزیر خارجه بودند.

تعهدات گمرکی ایران : وزارت امورخارجه بخشنامه‌ای بکلیه سفارتخانه‌های مقیم‌تهران ونمایندگان دولت‌که باآنها دولت‌شاهنشاهی قرارداد‌گمرکی داشته صادرنمود ودرآن‌خاطر نشان‌کردکه‌چون تعهدات گمرکی ایران‌بادول‌خارجه برطبق اجازه مجلس‌شورای‌ملی‌مورخ ۱۲ر۲ر۱۳۰۷ برای‌مدت‌هشت‌سال بوده ومدت‌مزبوردرتاریخ ۲۰ر۲ر۱۳۱۵ مقتضی‌خواهدشد خاتمه‌تعهدات‌گمرکی‌رااعلام‌میدارد.

گشایش موزه آستانه قم ومریضخانه : روز ۲۱ آبان ۱۳۱۴ مرحوم فروغی نخست وزیر باتفاق‌آقای حکمت وزیرمعارف وآقای‌جم وزیرداخله بقم‌عزیمت نموده ودرآنجا ابتداموزه‌آستانه وبعدبیمارستانی را که آقای حاج‌سیدمحمدفاطمی باهمت بلندخود تاسیس‌نموده بودند افتتاح کردند دراین‌مسافرت‌سنگ‌بنای دبیرستان قم نیز نصب گردید.

اجرای مجازاتهای اقتصادی درباره ایتالیا : پس‌ازحمله ایتالیا بحبشه بلافاصله دولت‌حبشه بجامعه‌ملل شکایت‌نمود. جامعه پس‌ازرسیدگی بشکایات و مطالعه دراطراف قضیه، تصمیم‌بمجازات‌های‌اقتصادی‌درباره ایتالیا گرفت ومقررشد کلیه کشورهای عضوجامعه مجازاتهارا اجرا نمایند ازاینرو درتاریخ ۲۷ آبان ۱۳۱۴ بموجب تصویبنامه هیئت وزیران مقررشد که ازمعامله باکشور ایتالیا ازتاریخ مزبور بکلی خودداری شود و بازرگانان اجرای مقرراتی‌را که کمیته تطبیق جامعه ملل‌وضع‌نموده نصب‌العین‌خود قراردهند.

انحصار صدور پشم‌وپوست: هیئت وزیران تصویب نامه‌ای صادر وانحصارصدور پوست‌گوسفند و بز و همچنین صدورپشم‌راازایران بشرکت سهامی‌پنبه وپشم وپوست‌که تازه‌در تهران‌تاسیس‌شده بودواگذارنمود.

درگذشت مشیرالدوله : ساعت ۸ونیم بعداز ظهر روز ۵ شنبه ۲۹ آبان آقای حسن پیرنیا (مشیرالدوله) درسن ۶۳ سالگی بمرض سکته قلبی فوت نمود.روزنامه اطلاعات در شرح حال مفصل آنمرحوم نوشت: مرحوم‌پیرنیا یکی از رجال سیاسی قدیم ایران بود و در حیات سیاسی وعلمی خود خدمات‌شایسته‌ای بوطن خویش کردچندین مرتبه‌زمامدارورئیس‌الوزراءکشوروهمواره شاغل‌مناصب‌عالی بودوپس‌ازکناره گیری‌ازحیات سیاسی نیزحیات علمی خودرا ازدست نداد وبا تالیفات خود خدمات بزرگی انجام داد از تالیفات مشهور ایشان ۳ جلد تاریخ ایران باستان است‌که ازقدیمترین ازمنه تازمان پارتهاواشکانیان تاریخ ایران راروشن وبسیاری‌از نکات تاریک‌تاریخ ایران را روشن نموده‌اندبزرگترین خدمت سیاسی ایشان حفظ بیطرفی ایران درجنگ بین‌المللی اول بود که توانست برمشکلات‌فائق آمده‌واز سقوط کشور جلوگیری نماید.

استعفای مرحوم فروغی : روزدهم‌آذر ۱۳۱۴ این خبر بمطبوعات داده‌شد و روزنامه‌ها عین آن‌را منتشر کردند:

فروغی رئیس الوزراء بواسطه علت مزاج استعفاء خود را به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تقدیم نموده است.»

وروزیازدهم‌آذرماه درباره دولت‌جدید نیزاین خبردرروزنامه‌ها منتشرشد:

حسب‌الامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی آقای جم‌بسمت ریاست وزراء انتخاب گردیدند، پست وزارت داخله نیزبا‌ایشان خواهدبود سایرآقایان وزراء وروسای ادارات مستقل کابینه سابق‌در پستهای خودباقی هستند.

انعقاد قرارداد تهاتر با آلمان . هیئتی که مرکب از آقای بدر معاون اداری وزارت مالیه. آقای وثیقی معاون اداره کل تجارت . آقای انصاری رئیس اداره اقتصادیات وزارت خارجه برای مطالعات در امور تجارتی و اقتصادی و مذاکرات بازرگانی بین ایران و آلمان ببرلن رفته بودند موفق بعقد قرارداد تهاتر بین ایران و آلمان گردیدند در نتیجه عقد قرارداد تهاتر از طرف آقای محمود بدر رئیس هیئت اعزامی ضیافتی در هتل اسپلاناد باحضور آقای دکتر شاخت وزیر اقتصادیات و جمعی از رجال آن کشور داده شدودر سر میز آقای بدر گفتند : دو هیئت ایرانی و آلمانی ازابتدا تاانتها با کمال مودت بایکدیگر کار نمودند تاموفق بعقد قرارداد مرضی الطرفین شدیم.

آنچه ما در این مملکت مشاهده نمودیم برهمه مامسلم گردید که تجارت بین دو کشور توسعه خواهدیافت و این توسعه نیز توسعه طبیعی است زیرا این دو کشور دارای محصولاتی هستند که هریك تکمیل کننده دیگری است نه رقیب یکدیگر هریك از مملکتین دارای آن چیزهائی هستند که دیگری به آن احتیاج دارد و هردو دولت هم مساعی خود را دررفع هرگونه موانعی که درراه است صرف میکنند،

ما در بانك دولتی آلمان کارهای شعبات مختلفه که مربوط بامور تهاتر بودند بدقت هرچه تمامتر مطالعه نموده ومشاهده نمودیم امور باچه نظم وسرعتی جریان دارد. دردعوت نورنبرك شاهد تمام جشن های بزرك بودیم مؤسسات عدیده علمی منجمله مؤسسه مهم امراض ممالك حاره را درهامبورك دیدن نموده وبالاخره با کثر مراکز مهم صنعتی آلمان مسافرت نمودیم.

آقای دکتر شاخت وزیر اقتصاد آلمان درجواب نطق فوق اهمیت روابط اقتصادی فیما بین مملکتین را توضیح داده واظهار امیدواری کرد که قرارداد منعقده و شناسائی یکدیگر موجبات روابط نزدیکتری برای پیشرفت مصالح مملکتین فراهم کند.

اعدام اسدی - شیخ بهلول نامی درمشهد در تیر ۱۳۱۴ مردم را بوسیله موعظه وخطابه بر علیه حکومت مرکزی اغوا و تحریك می نمود واجتماعات درمسجد هرساعت بیشتر میشد وصورت بلوا بخود میگرفت وبالاخره در نتیجه گزارشاتی که ازاوضاع محل بتهران داده شد دستور تفرقه مردم صادر گردید وعده زیادی نظامی اطراف صحن ومسجد رامحاصره کردند وچون کار بالا گرفت شلیك شروع گردید ودراینمیانه عده زیادی مردم بیگناه مقتول ومجروح گردیدند وشیخ بهلول هم فرار کرد وباین ترتیب موضوع خاتمه پذیرفت ولی اقدامات برای یافتن محرکین ادامه داشت تاروزی که خبری در جراید انتشار یافت مبنی براینکه چون مرحوم محمد ولی اسدی محرك این فتنه وفساد تشخیص داده شد اولا امور آستانه در تاریخ ٤ آذر به آقای پاکروان والی خراسان محول گردید وثانیا مرحوم اسدی حبس وتحت استنطاق ومحاکمه نظامی قرار گرفت وچندی بعد هم خبری بجراید داده شد که اوراطبق حکم محکمه نظامی اعدام کردند- بیش ازاین کسی ازواقعه اطلاع نیافت تاپس از تغییر اوضاع که گفته شد تحریکات برای ایجاد بلوای مشهد از ناحیهٔ کسان دیگری بود غیراز مرحوم اسدی، کسانی که مایل ببقای نائب التولیه آستانه قدس نبودند وجریان را برعلیه آن مرحوم بشاه نقید گزارش دادند واوضاع را ازاول تاآخر برعلیه او تمام کردند.

ژورنال دوتهران : آقای مسعودی پس ازمسافرت ترکیه ومشاهده ترقیات مطبوعاتی آن کشور و ارتباط یافتن با مؤسسات مطبوعاتی ترکیه متوجه گردید که کشور محتاج بداشتن یك روزنامه بزبان فرانسه میباشد تااین روزنامه بتواند اخبار کشوررا دراختیار خارجی ها بگذارد وخارجیان را باوضاع واحوالات ایران آشناسازد. این بود که بتاسیس یك روزنامه یومیه بزبان فرانسه وباسم (ژورنال دوتهران) اقدام نمود.

تشویقات آقای کاظمی وزیر امور خارجه درانتشاراین روزنامه بسیار مؤثر بود . ایشان علاقه بسیاری باین نشریه ابراز میداشتند وانتشار چنین روزنامه ای را برای شناساندن ایران بخارجی ها ضرور میدانستند وحتی موافقت نمودند که برای تمام سفارتخانه های ایران درخارجه فرستاده شود تادردسترس خارجیان قرار گیرد

امتیاز این روزنامه باسم خود آقای عباس مسعودی صادر گردید وانتشار آن یومیه منظم ومرتب شروع شد وهمین نظم وترتیب انتشار یك روزنامهٔ خارجی که خوانندهٔ آن محدود ودربدو امر زیان و خسارت زیاد تحمل می نمود موردتوجه قرار گرفت و برعلاقمندان آن افزود .

دراینجا باید از کسانیکه باما درابتدای انتشار ژورنال دوتهران کمك کردند یادنموده ومساعی آنها راستود ازجمله آقای اعتصام زاده مدیر محترم روزنامه ستاره جهان و آقای سعید نفیسی نویسنده دانشمند و مرحوم حاجیان بعدها یکعده از نویسندگان جوان فاضل مثل آقای دکتر عیسی سپهبدی، آقای عبدالحسین میکده ، آقای تقفی ، آقای دکتر بروخیم، آقای دکتر فرزامی ، آقای آذری بتدریج درژورنال دوتهران باما همکاری می نمودند و آقای ابراهیم خلیل سپهری معاون کل تبلیغات ونشریات چندسال مدیریت ژورنال دوتهران را برعهده داشتند وهمه این آقایان دانشمندی که بااین مؤسسه مطبوعاتی همکاری

میکردند در نهایت علاقه وصمیمیت خدمت ملی خود را انجام میدادند.

ژورنال دوتهران بعدازواقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ وتوقیف کلیه مطبوعات امتیاز آن بنام آقای جواد مسعودی صادر گردید ولی اداره آن کماکان درمؤسسه اطلاعات وجزونشریات اطلاعات ادامه پیدا کرد.

مظفر فیروز ومجله انگلیسی ـ از نشریات دیگر روزنامه اطلاعات مجله ایست که بزبان انگلیسی بنام مجله اطاق تجارت انتشار یافت، مقالات این مجله را آقای مظفرفیروز مینوشت. ایشان پس از آنکه از مأموریت امریکا بتهران احضار گردید وقبل از آنکه وکالت دادگستری نماید در روزنامه اطلاعات قسمت انگلیسی مجله اطاق تجارت را اداره مینمود وچون مجله مزبور آنطور که انتظارمیرفت توسعه نیافت پس ازدوسه سال که هر ماهه یك شماره انتشارمییافت دوچار تعطیل گردید ودیگرانتشار پیدا نکرد.

مجله اطاق تجارت قبل از آنکه شماره مخصوص انگلیسی پیدا کند تامدتی نصف بفارسی ونصف بفرانسه اشاعت یافت ولی چون عملی نبود قسمت فرانسه آن تعطیل شد.

زن‌ها وارد اجتماع شدند ـ برای ورود زن‌ها دراجتماع وبرداشتن حجاب، مجالس جشن و سخنرانی ابتدا درتهران و شهرهای شمال ایران وسپس بتدریج درسایر شهرها برقرار میگردید ولی پیشرفت زیادی نداشت تاروز ۱۷ دی ۱۳۱٤ که شاه فقید باتفاق علیاحضرت ملکه و والاحضرت شاهدخت‌ها درجشن دانش سرای مقدماتی حضوریافتند دراین‌روز دواتومبیل سلطنتی که اولی اعلیحضرت ودومی علیاحضرت ووالاحضرتین درآن بودند باهم وارد دانشسرا شدند.

اولین دفعه بودکه خانواده سلطنتی حجاب ازسربرداشته بود و لباس ساده‌ای دربر نموده بودند و علیاحضرت دیپلم وجوایزدوشیزگان‌را توزیع‌نمودند واعلیحضرت درتالاردیگرجوائز و دیپلم فارغ‌التحصیلان پسر راتوزیع نمود. دراین دعوت رئیس‌الوزراء ووزراء وجمعی‌از رجال‌نیز بابانوان خودمشارکت داشتند، تمام‌محوطه عمارت نوبنیاد دانش‌سرا را دختران پیشاهنگ احاطه کرده بودند.

شاه‌فقید پس‌ازخطابه‌ای که خانم‌تربیت‌ایراد نمود درنطقی که‌خطاب‌بخانم های آموزگارودوشیزگان فارغ‌التحصیل نمودگفت: «بی‌نهایت مسرورم که می‌بینم خانمها درنتیجهٔ دانائی ومعرفت بوضعیت‌خود آشناشده و بی‌حقوق ومزایای خودبرده‌اند. مانباید ازنظردور بداریم‌که درسابق نصف جمعیت کشور ما بحساب نمی‌آمد و نصف قوای عامله مملکت‌عاطل بود، هیچوقت احصائیه از زنها برداشته نمیشد مثل اینکه زنهایك افراد دیگری بودند وجزوجمعیت ایران‌بشمار نمی‌آمدند فقط دریك مورد ازز نها احصائیه برداشته میشد وآن موقعی بودکه‌وضعیت ارزاق مشکل‌میشد وبرای تامین آذوقه سرشماری میکردند. شما خانم‌ها این‌روز رایك‌روز بزرك بدانید و از فرصت‌هائی که دارید برای ترقی‌کشور استفاده نمائید. شما خواهران ودختران‌من، شما تربیت کننده نسل آینده خواهیدبود وشماهستیدکه میتوانید آموزگاران خوبی‌باشید وافرادخوبی اززیردست شما بیرون‌بیایند، ازتجمل و اسراف بپرهیزید سادگی‌را پیشه خودسازید کمك ویارمردها باشید باقتصاد وصرفه جوئی درزندگی عادت‌نمائید و بتمام معنی مفیدبحال مملکت باشید»

سادگی زن و جلوگیری از اسراف: این موضوع در آن تاریخ مورد توجه نویسندگان اطلاعات بود مقالات بسیاری در اطراف این قضیه انتشار می‌یافت و بخصوص در شماره ۲۰و۲۱ دیماه بمناسبت نطق شاه فقید و چگونگی حضور بانوان وتشکیل مجلس جشن مقالاتی منصل نوشته شد ازجمله این‌قسمت جلب توجه می‌نماید: سادگی زنان نیروی مادی کشور را حفظ میکند، آنها را بمسائل مهم حیات متوجه میسازد، مجال میدهدکه در کیفیت ایجاد سعادت خود بکوشند وبالاخره در سایهٔ سادگی و احتراز از تجمل واسراف است که بانوان می‌توانند بنای اخلاق نسل آینده راکه تربیت آن بعهده زنان این‌کشور است تحکیم سازند، فکر پیروی از مدو تجمل‌را خانمها باید مانند علف‌های هرزه که در بوستان پر از گل میروید از لوح خاطرخویش محوکنند، این افکار مثل مار خوش خط وخالی است که غافل از زهرکشندهٔ آن دست بدان‌پیش می‌بریم ویکوقت بخود می آئیم که تجمل ومد زندگانی مارا زهرآگین، تلخ‌وناگوار ومسموم ساخته است.

این پیش‌بینی ما درآن موقع وهمان روزهائی که حجاب برداشته میشد پس از چندی صدق کرد، یعنی خانم‌ها بدبختانه بدنبال تجمل رفتند و زندگی خود و خانوادهٔ خود را تباه ساختند، و لطمهٔ شدیدی بر این فکر وارد نمودند.

جشن و پذیرائی درعمارت مجلس: سر درمجلس تزئین شده بودو برحسب دعوت رئیس مجلس تمام نمایندگان با بانوان خود در جشن نهضت زنان شرکت داشتندودرخلال جشن تلگرافی ازطرف خانمهای نمایندگان مجلس مبنی برتشکر ازعلاقه و توجهات خانواده سلطنتی نسبت به نهضت ترقی زنان ایران مخابره گردیدوفردای آن روز بامضای ملکه پهلوی تلگرافی بریاست مجلس واصل گردید که ازاحساسات خانم‌های نمایندگان مجلس و پیشقدمی آنها ابرازمسرت وخرسندی شده بود. این جواب درجشن روز دوم مجلس که برای کارمندان داخلی مجلس تشکیل شده بود خوانده شدو مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس چنین جواب داد:

« امشب موقعی تلگراف مرحمت آمیزعلیا حضرت رسید که جشن اعضاءدوائر مجلس منعقدبود حاضرین با وجد و انبساطی تشکرات خودرا تقدیم وامیدوارند توجهات عالیه شخص اعلیحضرت پیوسته اسباب سر بلندی وشرافت مردان و زنان این مملکت گردد»

از آن پس جشن های بسیاری برای همین موضوع در تهران ونقاط مختلف مملکت برقرار گردید و پیشرفت زیادی پیدا شد و موضوع عمومیت یافت و درعین حال برای اجرا وعملی شدن آن اعمال خشونت آمیز میگردیدو بعضی از مامورین انتظامی برای برداشتن حجاب شدت عمل بخرج می‌دادند ونتیجه غیرمنطقی بودن این کار همین بود که پس از ۲۰ شهریور دسته‌ای که بارضایت چادرخودرا برداشته بودند و اهمیت آن‌را احساس کرده بودند تغییری دروضع خود ندادند ولی دسته دیگردر تهران ودر تمام شهرستانها دو باره به حجاب بر گشتند

سرلشکر آیرم رئیس نظمیه باروپا رفت: سرلشکر محمد حسین آیرم رئیس کل تشکیلات نظمیه پس ازعزل وتعقیب وحبس مرحوم تیمورتاش موقعیت مهمی را که تلاش می نمود بدست آورد – دستگیری وحبس مرحوم اسعدو سردار جنگ نیزدرزمان آیرم بودو باز درهمین موقع بود که تیمورتاش واسعد درزندان نظمیه بدرودزندگی گفتند که مرگ آنها راهیچکس طبیعی وساده فرض نکرد وهمان دوسطر خبرمنتشره درروزنامه کافی بود که همه باین مرگ غیر طبیعی آگاه شوند زیرابخوبی میدانستند که جراید سخت سانسور میشود واین قبیل اخبار باهمین عبارات از اداره نظمیه دیکته می‌شودو باید عین آن منتشر گردد.

سرلشکر آیرم بعدازآنکه رقبای بانفوذ ومؤثر اوازبین رفتندمیدان وسیعی بدون معارض برای خودپیدا کرد ولی زمان درازی طول نکشید ودرنیمه دوم سال ۱۳۱۴ سرلشکر آیرم چندروزی درمنزل خوابید وخودرامریض سخت نشان داد ودرنظرشاه فقیدمعالجه خودرا در ایران غیرقابل علاج جلوه دادو باین ترتیب تحصیل اجازه وگذرنامه نمود که برای معالجه باروپاعزیمت نماید،درآن موقع هیچکس نمیدانست که مسافرت رئیس نظمیه صورت فرار داردو کسالت اومصنوعی است ، مشارالیه درعیادت هائی که ازاو میشدحرف نمیزدبعنوان اینکه صدایش درنمیآیدوطبیب قدغن کرده و گلویش متورم وزخم است.سرلشکر آیرم بقدری خودرا بشاه وخانواده سلطنتی نزدیک کرده بود که هیچکس تصور نمیکرد که اوازترس مسافرت میکند.

حقیقت این بود که سرلشکر آیرم موقعیت وآینده خودرا درقبال اعمال قدرت ونفوذ وکارهائی که دردوران رمامداری خود نموده بود وخیم میدید – تشکیل کارناوال سالیانه هم که مبالغ هنگفتی خرج آن میشد واز ابتکارات خود اوبرای خوش آیند رضاشاه بودبرحسب دستورخودشاه موقوف شده بود وحتی عوامل این کارنیز تحت تعقیب درآمده بودند واعلیحضرت فقیدنسبت باین اعمال وزحمتی که برای مردم فراهم کرده بودند وحتی پولهائی که گرفته شده بود سخت متغیر وعصبانی بود ولی هنوزرئیس نظمیه وقت که پس ازشاه قدرت رابدست گرفته بود مورد بی‌مهری واقع نشده بود که سرلشکر آیرم پیش بینی آینده وخیم خودرا کرد.باین ترتیب ازکشور خارج شد وپس از چندماه مقداری اسعار خارجی برای بازگشت خودبایران خواست وشاه فقید که کمی ازوضع اعمال اومطلع شده بود ومیخواست اورا بچنگ آورد باارسال مقداری لیره که درآن موقع اهمیت زیادی داشت موافقت نمود . سرلشکر آیرم پول‌راگرفت وباز هم بهانه وسال‌ها درخارج زندگی میکرد تاچندسال پیش که دریکی ازشهرهای اروپادارفانی را وداع گفت.

شرکت سهامی چاپ و اطلاعات: مطبعه کوچك اطلاعات دیگر کافی برای احتیاجات نبود ، زیراروزنامه به الرحسن استقبال عامه برصفحاتش افزوده شده واز اوایل سال ۱۳۱۴ درهشت صفحه انتشاریافته بود ونشریات دیگر این مؤسسه افزایش مییافت .

در نیمه سال اول ۱۳۱۴ شالوده تشکیل شرکت سهامی چاپ ریخته شد بدین ترتیب که جمعی از بازرگانان و دوستان وهواخواهان اطلاعات دعوت آقای عباس مسعودی‌را برای تشکیل شرکت وخریدسهام آن قبول کردند،جلساتی منعقدشده نطقهائی ایراد گردید وعده‌ئی از علاقمندان سهام شرکت‌را تعهدنمودند وثلث سرمایه به یکمیلیون ریال را

پرداختند و باین وسیله خشت اول بنای شرکت کنونی سهامی چاپ و عمارت بزرگ چاپخانه و روزنامه اطلاعات گذارده شد .

شاید بین اشخاصی که در آن روز سهام شرکت چاپرا برداشتند کسانی یافت میشدند که سرمایه خودرا در یك مؤسسه وابسته بروزنامه بخطر میانداختند وبا این توهم وارد شدند که سرمایه شان از بین خواهد رفت ولی کسانی هم یافت میشدند که روی صحت عمل و درستی وسوابق چندساله آقای مسعودی و مؤسسه اطلاعات وچگونگی معاملات ایشان با مردم اندك توهم از بین رفتن سرمایه را درخودراه نمیدادند بهرحال هردو دسته سهام شرکت را خریدند وبعدها متوجه شدند که روزنامه اطلاعات ومدیر و کارکنان آن تاچه اندازه درحفظ حقوق مردم راسخ وبا ایمان هستند وتاچه پایه رعایت شرکای خودرا می نمایند وهرگز درمقام آن نیستند که دیناری ازحق مردمی که سرمایهٔ خودرابرای تاسیس چاپخانه بخطر انداخته ویا روی علاقه بروزنامه سرمایه گذارده اند آن سرمایه ها تفریط گردد .

این حسن نیت و وفای بقول وعهدوصحت معاملات مؤسسه اطلاعات خوشبختانه باعث شد که شرکت سهامی چاپ مدارج ترقی را بپیماید وباستثنای چندسال اول شروع بکار که نفع قابلی عاید شرکای خود نساخت همه ساله منفعت قابل بدهد و دارائی شرکترا محفوظ نگاهدارد وارزش آن را بالا برد بطوری که امروز سهام شرکت چاپ خیلی بیش ازدو برابر قیمتش دربازار سهام خریدار دارد وشرکای چاپخانه امروز اطلاعات که شاید ازشصت نفر متجاوز میباشند همچنان سهام خودرا محکم نگاهداری میکنند .

ساختمان بنا وخرید ماشین روتاتیو : منظور اصلی ازتاسیس شرکت سهامی چاپ دو چیز بود یکی ساختمان عمارتی برای چاپخانه وروزنامه اطلاعات ودیگری وارد کردن ماشین بزرگی که بتوانـد اطلاعات را بمیزان زیادی بچاپ برساند وبنابراین بمحض اینکه تشریفات قانونی شرکت انجام یافت هیئت مدیـره شرکت سهامی چاپ که ریاست ومدیریت عامل آن دراین موقع بامرحوم یاسائی رئیس سابق کل تجارت بود بخرید زمین ازبلدیه که بمزایده گذارده شده بود اقدام نمود ودرمقابل قورخانه عمارت فعلی روزنامه وچاپخانه را پی ریزی کردند لکن فوراً بنقص سرمایه برخوردند ومعلوم شد که سرمایه یکصدهزار تومان هرگز کافی برای ساختمان بزرگی که سازمان روزنامه اطلاعات ونشریات وابسته بآن را کفایت کند وچاپخانه جدید درآن نصب کردد نیست. این بود که درسال دوم شرکا دعوت شدند ومطلب درمیان گذاشته شد وباوجود اینکه هنوزروزنه ای دیده نمیشد که اطمینان بخش باشد معهذا روی اعتماد واطمینانی که شرکاء داشتند سرمایه را به دوبرابر یعنی دویست هزار تومان بالا بردند وهیئت مدیره توانست ساختمان بزرك فعلی را برای روزنامه وچاپخانه بسازدو بخرید ماشین بزرك روتاتیو اقدام نماید مساعی وزحمات مرحوم یاسائی دراین باره قابل تقدیر میباشد .

این نکته را نیز باید یاد آورشد کـه پیشنهاد خریدماشین روتاتیو درآن روز ازجانب آقای جواد مسعودی رسیدایشان چندسال بود دراروپا ابتدا بتحصیل وسپس بکار تجارت اشتغال ورزیده بود وروی سعی و فعالیت خودتجارت دراروپا وبین چند کشور اروپائی راتوسعه داده وبصادرات قالی ایران پرداخت وموفقیت های شایسته ای بدست آورد وحتی چاپخانه بزرگی دربلژیك تاسیس نمودو سالها کارمیکرددودرهمین موقع بودکـه برای کمك بروزنامه اطلاعات ماشین روتاتیو باادوات آن را ازبلژیك خرید وبایران حمل نمود ومتخصصی نیز از آن کشوراعزام داشت که ماشین را نصب نماید. آقای جواد مسعودی تمام قیمت ماشین را ازسرمایه خود پرداخت وبعد ها بااقساط طولانی ازشرکت سهامی چاپ دریافت نمود وقسمتی ازقیمت ماشین رانیزسهم برداشت ودرحقیقت کمك مالی وفکری او دراین کار بسیارمؤثر ومفید بود .

معاملات روزنامه اطلاعات باشرکت سهامی چاپ از روزاول براساس يك مشتری خوب ریخته شد. با اینکه آقای مسعودی خود دراین مؤسسه سهمدارند وپیوسته عضوهیئت مدیره بودند وبرادرایشان نیزعضو هیئت مدیره وچندی مدیر عامل بود معهذا درصددبر نیامدند ازموقعیت خودسوءاستفاده نموده نظری جزحق وانصاف وعدالت در شرکت چاپ تعقیب کنند .

عمارت روزنامه اطلاعات ازروز اول اجاره بندی شد وهرچندیکبار دراجارهٔ آن تجدید نظر گردید و کلیه نشریات مؤسسه اطلاعات روی قیمت عادلانه ای که مشتریان خارج می پردازند ازطرف روزنامه بشرکت پرداخته شده وحالاهم بهمان طرزعمل میشود بنابراین برخلاف تصوربسیاری ازمردم که این دستگاه بزرك را متعلق بشخص آقای مسعودی وروزنامه اطلاعات میدانند این عمارت و چاپخانه وسیع وسازمانهای فنی متعلق بکسانی است کـه سهام شرکت چاپرا دردست دارند که آقای مسعودی هم یکی ازشرکاء وصاحبان سهام میباشند .

علی منصور وزیر طرق تحت تعقیب قرار گرفت: بر اثر گزارشاتی که از وضعیت وزارت طرق و سوء استفاده در ساختمان راه‌آهن بشاه فقید رسید ، شاه سخت عصبانی گردید و دستورداد آقای منصور وزیر طرق پست خود را بمرحوم مجید آهی واگذار نماید وموضوع تعقیب شود . آقای صدروزیر عدلیه در جلسه ۵ بهمن ۳۱۴ از مجلس تقاضای محاکمه منصور را طبق قانون محاکمه وزراء نمود وکمیسیون دادگستری پیشنهاد وزارت دادگستری را در تاریخ ۲۸ اسفند همان سال به مجلس تقدیم ومجلس هم تصویب نمود و موضوع بدیوان‌عالی تمیز ارجاع گردید.

طبق راپرت کمیسیون عدلیه عده ای متهم بسوء استفاده تشخیص‌شدند که از جمله سر لشکر محمد حسین آیرم رئیس سابق نظمیه بود که چون باو دسترسی نبود محاکمه اوصورت‌نگرفت ولی‌سایر متهمین تحت محاکمه درآمدند و عده‌ای محکوم بپرداخت غرامات وحبس گردیدند وعده ای هم‌تبرئه شدند وخود آقای منصور هم‌از کسانی بود که پس ازچند جلسه محاکمه علنی از اتهامات وارده تبرئه گردید. محاکمه‌متهمین طرق بسیار جالب بود وچندین روز با حضور هزارها نفر جمعیت جریان داشت وپس ازآنکه منصور تبرئه شدمراتب از وزارت عدلیه بمجلس شورایملی تحت‌مراسله‌ای اعلام گردید

اولین جشن نو روز با لباس تمام رسمی - روز اول سال۱۳۱۵ اولین جشن‌نوروز ملی بود که تمام طبقات بالباس های رسمی که امروز معمول است درکاخ برلیان حضورشاه فقید شرفیاب شدند . استادان وقضاة نیز بالباس های مخصوص خود از این سال دراعیادوسلام شرکت جستند - رئیس‌الوزراء . رجال ونمایندگان مجلس واعضاء اطاق تجارت وانجمن شهر بالباس ژاکت وکلاه بلند - اعضای عالیمقام ادارات و وزیران بالباس های ملیله دوزی وکلاه پردار - قضاة واستادان هم درلباس بلند وگشاد وکلاه منگوله دار و سردوشی‌های ملیله دوزی ورنگ‌های مختلف که‌اختلاف رنگ حکایت از اختلاف شغل ومقام هریک از دستجات می‌نمود - درهمین نوروز بود که آقای ظهیرالاسلام هم از سلک‌روحانیون بالباس ژاکت وکلاه بلند در مراسم سلام جزو رجال‌شرفیاب شدند.

اطلاعات جمعه‌ها منتشر میشود : روز ۲۸ فروردین ۳۱۵ این آگهی در اطلاعات جلب توجه می‌نماید:« همانطورکه روزنامه در همه جای دنیا روزهای تعطیل هفته نیزمنتشرمی‌شود روزنامه اطلاعات‌هم ازهفته آینده روزهای جمعه‌مثل سایرایام انتشارخواهد یافت» ودر شماره بعد چنین‌نوشت: «ماهم‌بادنیاپیش‌میرویم وباید پیش برویم.هرکس بسهم‌خوددراین‌راه بایدکارکند ودرترقیات روز افزون کشور کمك نماید. این‌حس‌وظیفه شناسی است که‌کارمندان روزنامه اطلاعات را وادار میکند بانهایت صمیمیت و خلوص نیت احتیاجات کشور و رغبت و توجه مردم رادرنظرگرفته تعطیل را برخود حرام ساخته وباوجود مشکلات‌زیادی که انجام این‌کاردر برداردروزهای جمعه‌رانیز مثل‌سایرایام اطلاعات راتقدیم‌هم‌میهنان عزیزنمایند ، تا همه روزه خوانندگان گرامی درجریان‌حوادث‌داخل‌وخارج کشورقرارگیرند»

این تصمیم اطلاعات‌هم مثل‌سایر تصمیماتش صورت‌عمل بخود گرفت واطلاعات مرتبا هرهفته عصر جمعه‌ها انتشاریافت تاتاریخ۱۷آذر۱۳۲۱ وبلوای معروف که تمام‌جراید منجمله اطلاعات ونشریات وابسته بآن توقیف‌گردید .دولت‌مایل نبوددیگر اطلاعات‌منتشرشود ولی‌فشار افکارعمومی وتوجه نمایندگان مجلس شورایملی سبب‌شد که اطلاعات منتشرشود امابشرط . یکی‌ازآن شرایط این بود که روزهای جمعه اطلاعات منتشرنشودزیرا درآن‌روز مجله‌هفتگی اطلاعات‌انتشارمی‌یابد .

اداره‌اطلاعات ناگزیربود روی‌تصمیم غیرمنطقی دولت‌آقای‌قوام، یااطلاعات جمعه‌را تعطیل کند یا هفتگی‌را. این‌بود که اطلاعات روزهای جمعه علی‌رغم میل‌کارمندان زحمتکش اطلاعات که برای‌انتشار روزجمعه راستی فداکاری می کردند تعطیل گردید وچون شالودهٔآن بهم‌ریخته شد بعدها که اشکال تراشی وجود نداشت دیگراین توفیق برای‌ما دست‌نداد که بانتشاراطلاعات جمعه مبادرت ورزیم .

عمارت جدید بانك‌ملی : روزسوم اردی‌بهشت ۱۳۱۵ بوسیله اعلیحضرت‌فقید افتتاح‌یافت دراین‌موقع آقای‌امیرخسروی رئیس‌بانك بود که درقسمت‌های مختلف توضیحات‌میداد .

شاه دراین‌روز محل‌ذخیرهٔ طلاونقره رابازدیدکرد وازانتشار اسکناس‌های جدیدبانك که دوماه بعدبجریان افتادسئوال‌نمود ودستورات اکیدی‌برای‌حفظ پشتوانه اسکناس وجلوگیری ازافراط وتفریط وحفظ توازن‌وتعادل پول رایج کشور صادرنمود .

راه‌آهن ازشمال بتهران نزدیك میشود: روز ۱۴ اردیبهشت اعلیحضرت فقید باتفاق علیاحضرت ملکه ووالاحضرت شاهدختها درفیروزکوه سوارواگون سلطنتی‌شده بسمت شاهی حرکت‌نمودند و بدین‌ترتیب یکصدوسی کیلومتر مشکلترین راه خط شمال را که از کوهستانهای سخت میگذشت ومهمترین پل‌ها وتونل‌ها درشکم کوهها ساخته شده‌بود افتتاح کردیدوراه‌آهن فیروزکوه به‌بندرشاه متصل‌شد.

تا آنروز هیچکس جرئت نمیکرد باراه‌آهن شمال مسافرت نماید زیرا اولا هنوز جنبهٔ آزمایشی داشت وساختمان آن کامل‌نبود ،علاوه عبورقطار از قله‌کوههای مازندران وازشکم کوهها وازبین دره‌های‌هولناك جرئت وجسارت میخواست وشاه‌فقید اولین کسی بود که قطارمسافری شمال‌را براه‌انداخت وخودآن‌را رسماافتتاح نمود بعدها درباره‌آن‌خارجیهاارزش بسیاری‌قائل شدند وآن‌رایکی ازشاهکارهای ساختمانی جهان دانستند.

آقای‌مسعودی که دراین مسافرت همراه‌شاه‌فقید بود یادداشت های جالب‌توجهی ازمسافرت خود در اطلاعات منتشر کرد ازجمله هنگام توقف درفیروز کوه گفت وشنید خودرا باآقای مهندس ورنوسی چنین منعکس ساخته است : آقای مهندس گفت ده سال پیش یعنی‌درسال ۱۳۰۵ متصدی ساختن راه شوسه تهران بمازندان شدم چون‌راهی جز راه قاطررو وجودنداشت درآن‌روز مردم فیروز کوه از ادوات نقلیه سریع هیچ چیزندیده بودندزیرا وسیلهٔ حمل‌ونقل غیرازقاطر دراین کوهها چیزی‌نبود روزهای‌اولی که‌دستجات عملجات‌مأوارد قصبه‌شده وباچرخ‌های دستی خاك‌برداری میکردند،مردم کوچك وبزرك هرروز دور این چرخهارا گرفته و باکمال تعجب عملیات جاده سازی ماراتماشا میکردند وحالاکه صدای سوت لکوموتیورا می‌شنوند حق دارند غرق‌بهت وتعجب شوند که چنین‌انقلابی درمحیط زندگی ده‌سالهٔ آنها پیداشده است .

درراه گدوك وعباس‌آباد: مدیراطلاعات دریادداشت خودتحت عنوان فوق بتاریخ ۹ اردیبهشت ۳۱۵ مینویسد : «قطاردرپستی وبلندی‌کوهها پیش‌میرفت ودر هرچرخی‌که لکوموتیو روی خط‌آهن بخود میدادوواگونهارا بدنبال‌خود میکشانید نشان میداد چگونه نقاطی که تاچندسال پیش‌بشر بدان استیلا نیافته بود اکنون تحت‌تسخیر هنروصنعت قرار گرفته ومی‌بینیم‌چگونه‌دره‌های عمیق‌فواصل‌خودرابهم‌نزدیك‌میکنندو کوهها شکم بازی‌نمایند، سنك‌های بزرك خوردشده اند تاقطاربتواند بسهولت ازآن‌عبورکند واین‌زیبائی وجمال طبیعت آشکارگردد ، این‌پل‌ها ، تونل‌ها ، خطوط ماربیچی خط‌آهن اعجازاراده وهمت‌را درشاهکارهای مهندسی‌وفنون بزرك‌ریاضی ومیکانیك ظاهرساخته است»

ازیادداشت روزبعد:«.... همه‌درجلوی پنجره‌ها غرق تماشای‌طبیعت وصنعت بودند وازدیدن آنهمه بدایع ومناظرجالب لذت می‌بردند. مسیو هاکلین: مسیورابسویچ. بیائیداینجا ، بیائید در ایوان این کوهستانهائی راکه‌شبها وروزها درآن‌زندکی میکرده‌اید تماشاکنید . این‌صدای‌آقای حسن شقاقی‌بود که از ایوان ترن،هاکلین نقشه‌بردارورابسویچ‌پهلوان تونل‌سازی وسازنده‌پل‌ورسك‌را دعوت بتماشای مناظرمیکرد وآنها خاطرات خودرا شرح میدادند»

«.... ارتفاع شاهی بسطح‌دریا بیش‌از پنجاه مترنیست و راه‌آهن در یکی از تونلها ۲۰۶۲متر اوج می‌کیرد وازشکم کوه میگذرد ، دربعضی کشورها ترن‌موقع‌اوج گرفتن روی‌دنده حرکت‌میکندوترن‌های‌کوهستانی بکارمی‌افتد ولی‌شاهکارصنعتی‌راه‌آهن‌شمال‌اینست که‌نشیب‌هاطوری‌متناسب گرفته‌شده‌وباپیچ وخم‌آن‌بلندی‌را کرفته‌اند که‌ترن درکمال‌راحتی ارتفاعات‌راطی‌میکند »

مراجعت ولیعهدایران‌از اروپا: روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت‌ولیعهد ایران که‌برای تحصیل بسویس اعزام‌شده بودند بتهران‌ورودنمودند . درآن‌روز اعلیحضرت‌فقید برای‌استقبال‌والاحضرت بکرج‌رفته بودند . هیئت دولت ونمایندکان‌مجلس‌و رجال‌هم دعوت‌شده‌بودند . همینکه‌ولیعهد ازاتومبیل‌پیاده‌شد شاه فقید که پنجسال‌دوری اورا تحمل‌نموده بود اورا دربغل‌گرفت وبوسید واز خوشحالی می‌خندید وبابشاشت ومسرت‌خاصی‌یك‌یك مستقبلین را بوالاحضرت‌معرفی‌نمود.مردم درخارج‌شهرو داخل‌خیابانها اجتماع‌نموده‌بودند بخصوص‌شاکردان مدارس‌با دسته های‌گل‌درخط سیرقرارداشتند. شاه‌فقید و ولیعهد دراتومبیل‌زرد رنك روبازی قرارگرفته‌بودند وباین‌ترتیب‌وارد شهرشدند تا تمام‌مردم ولیعهدرا ببینند.وقتی‌شاه و ولیعهد واردقصرشدند اجتماع‌زیادی‌دربیرون قصر کف‌میزدند و اظهار شعف مینمودند وشاه باتفاق والاحضرت ازقصرخارج‌شده جلوی مردم چند دقیقه ایستادند ومردم همچنان ظهارمسرت وشادی‌میکردند .

چندی‌بعد والاحضرت برای‌تکمیل‌تحصیلات وارد دانشکده‌افسری‌شدند وبدرجه‌افسری نائل‌گردیدند وشاه‌فقید ایشان‌را درامورلشکری‌دخالت‌میدادند وپیوسته ولیعهدرا در جریان امورکشوری‌نیز میگذاشتند ودرتمام مراسم ایشان‌راشرکت‌میدادند .

اطلاعات و کلاس های اکابر : در آخر خرداد ۳۱۵ وزارت فرهنگ تصمیم گرفت که کلاس هائی برای آموزش بزرگسالان دایر نماید. روزنامه اطلاعات قبل از این تصمیم مکرر درباره باسواد کردن مردم مقالات می نوشت و مینکه دولت تصمیم مزبور را گرفت این تصمیم را با مسرت و شعف استقبال نمود و بوزارت فرهنگ اطلاع داد که حاضر است برای هر کلاس اکابر یک شماره روزنامه مجانا ارسال دارد. صورتیکه وزارت فرهنگ باداره روزنامه اطلاعات فرستاد برای ۷۵۲ کلاس در تهران و کلیه شهرستانهای دور و نزدیک بود و اداره اطلاعات باین وعده وفا کرد و مادام که کلاس های اکابر دایر بود مرتبا از هر شماره اطلاعات برای مطالعه و تشویق بزرگسالان می فرستاد که زمانی نزدیک بهزار نسخه رسید بدون شک این عمل روزنامه اطلاعات خسارات مالی زیادی در برداشت لکن چون مدیر اطلاعات معتقد بود که هر قدر مردم باسواد شوند قدمی بسوی ترقی کشور برداشته خواهد شد نسبت باین موضوع علاقه فراوان ابراز میداشت بعلاوه میگفت که هر قدر در این راه کمک شود و مردم با سواد شوند بر تعداد خوانندہ جراید افزوده میشود و این خود بالمآل برای توسعه مؤسسه اطلاعات نیز مفید است. مدتها روزنامه مجانی برای کلاسهای اکابر فرستاده شد و از این راه اداره اطلاعات به باسواد کردن مردم کمک مؤثر نمود ، زیرا در بسیاری از کلاسها پس از درس روزنامه اطلاعات خوانده میشد و تمام بزرگ سالان با روزنامه و اخبار جهان و جریان امور مملکت خود سروکار پیدا میکردند و باوضاع روز آشنا میشدند علاوه بر این اداره اطلاعات اعلان کرد که بفارغ التحصیل های کلاس اکابر و یا بکسانیکه ورقه اشتغال در کلاس اکابر را در دست داشته باشند صدی چهل قیمت آبونمان روزنامه تخفیف داده میشود و از این راه نیز بتوسعه و پیشرفت کلاس های اکابر کمک نمود .

اطلاعات در سرمقاله شماره ۳۰ خرداد ۱۳۱۵ مینویسد : « تصمیم دولت برای مبارزه با بی سوادی و قلع وقمع ریشه جهل و نادانی شایسته تحسین است اشخاصی که بی سوادند از سن هیجده تا چهل سالگی میتوانند در این کلاسهای شبانه وارد شوند و خواندن و نوشتن و یک دوره حساب (چهار عمل اصلی) را بیاموزند . مستخدمین سرپائی ادارات، پاسبانان بیسواد اجباراً در این کلاسها باید خواندن و نوشتن را یاد بگیرند .

سپس اطلاعات علاوه میکند که هیچ آفتی در دنیای امروز بدتر از جهل و نادانی نیست و ما هرچه با نیایش میرویم باهمیت سواد داشتن مردم برمیخوریم . میگویند خوشبخت ملتی است که بقوانین و نظامات موضوعه کشور احترام گذارد و وظایف اجتماعی خویش را نسبت به مملکت و جامعه تشخیص دهد و این میسر نخواهد بود مگر اینکه مردم باسواد باشند بالاخره دانائی ضامن خوشبختی هر جامعه و قومی است و توانائی در سایه آن حاصل میشود .»

اطلاعات ستون مخصوص اکابر باز کرد و در هر شماره خوانندگان را تشویق براهنمائی بیسوادان بکلاس های اکابر می نمود .

جشن ده ساله روزنامه اطلاعات: عصر روز سه شنبه ۶ مرداد ۱۳۱۵ در حالی که عمارت جدیدالبنای شرکت سهامی چاپ (محل روزنامه اطلاعات و چاپخانه) به بهترین طرزی تزئین شده و از قالی و قالیچه و پرچم ملی آرایش یافته بود روزنامه اطلاعات جشن پایان دهمین سال خدمات مطبوعاتی خود را برقرار میساخت وضمنا افتتاح عمارت جدید شرکت سهامی چاپ و دستگاه روتاتیو انجام می گردید. جمعیت کثیری از خانمها و آقایان در این مراسم حضور یافته بودند و بسیاری از وزیران ورجال و نمایندگان مجلس و محترمین دعوت داشتند.

مرحوم حاج محتشم السلطنه اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی درطی نطق خود گفت « همانطور که علم ودانش دارای مقام رفیعی است وسائل واسبابی هم که موجب وصول بآن مقام است قابل تقدیر و تعظیم میباشد روزنامه ها ومجلات وکتب موجباتی است که بشر را مورد علم ودانش می بخشد و چقدر جای خوشوقتی است که مطبوعات ما راه ترقی وتکامل را می پیمایند و باقلمی عفیف و پاک و بی آلایش مردم را از جریان و اوضاع واحوال جهان و کشور آگاه وروشن میسازند درسابق چه بسا اتفاق میافتاد که روزنامه ها غرض شخصی یابرای مقصود دیگری از تدارک اسباب توهین وتضییع اشخاص خودداری نمیکردند و در اینجا ما باید از مساعی خستگی ناپذیر آقای مسعودی در پیشرفت روزنامه متین وشریف اطلاعات که برای ترقی جامعه وهدایت افکار مردم زحمت میکشد وهیچ مقصود و منظوری جز خدمتگذاری و توسعه دادن بنشریات خود ندارد تقدیر کنیم . ایشان را بطوری که بجاآورده ام شخصی است با اخلاق نیک ورفتار شایسته که کمال متانت را دارد و اگر ظاهری آهسته و آرام دارد باطنی پر از جدیت و سعی و مراقبت داراست و در انجام وظیفه خود هیچ قصوری نکرده و برای پیشرفت و ترقی کار نامه نگاری خود اهتمام می نمایند ، تشکیل همین شرکت سهامی چاپ که توسط آقایان تجار محترم با سرمایهٔ

دو میلیون ریال شروع بساختمان و وارد کردن ماشین جدید روتاتیو نموده که در یکساعت کار ۲۴ ساعت را انجام میدهد خود خدمت بزرگی است که آقای مسعودی در راه تکامل کار چاپ انجام داده‌اند و روزنامه اطلاعات را از دو صفحه کوچك روی مجاهدت خود و توجه و حسن استقبال مردم باین پایه رسانیده‌اند که اکنون چندین هزار نسخه در ۸ صفحه منتشر می شود بعلاوه ژورنال دو تهران را دائر کرده‌اند که خود خدمت دیگری است بکشور از لحاظ آگـاه ساختن خارجیان باوضاع و احوال مملکت همچنین مجله اطاق تجارت و مجله جمعیت طرفدار جـامعه ملـل را اداره می کنند که بنده لازم می دانم از طرف خودم و از طرف حضار محترم از ایشان قـدر دانی و اظهار امتـنان نمایم .» .

بعد آقای مسعودی از بیانات تفقدآمیز ریاست مجلس سپاسگزاری نموده و جریان ده سال روزنامه نگاری خود را باطلاع حضار محترم رسانیده و گفت : « مؤسسه و تشکیلاتی که از روز اول بمنظور خدمتگذاری بمیهن ایجاد شده متعلق بکشور می باشد و همینکه ده سال از عمر آن گذشت و آن مؤسسه و تشکیلات دوام کرد دیگر وجهه اختصاصی نداشته و متعلق بملت و مملکت است، من علاقمندم که این روزنامه را بمنظور خدمت بمعارف و راهنمائی و روشنائی افکار عامه توسعه دهم و نواقص آن را رفع کنم و امیدوارم با توفیق الهی و حسن توجه و استقبال روزافزون هم میهنان عزیز بتوانم باین منظور نائل شوم و آنرا برای ملت ایران مفید سازم. شرکت سهامی چاپ که بدان اشاره فرمودند با شرکت پنجاه و پنج نفر از آقایان تجار و علاقمندان تشکیل گردید که اولین هدف تاسیس این شرکت ساختمان همین بنای بزرك و نصب ماشین روتاتیو بود که تا چند دقیقه دیگر حضار محترم بـازدید خواهنـد فرمود .»

پیش آهنگی توسعه یافت : چندماه پس از بازگشت والاحضرت ولیعهد از اروپا برای تشویـق پیشاهنگی در ایران ولیعهد لباس پیشآهنگی در بر نمود و در تمام جشن‌ها و مراسم پیشآهنگی شرکت می‌فرمود ، از این پس تشکیلات پیشاهنگی تحت ریاست عالیه ایشان رو بتوسعه و کمال گذاشت و اردوی تابستانی پیشاهنگان درمنظریه اهمیت یافت و یکنفر مربی ورزش امریکائی بنام (گیبسن) استخدام شد که توسعهٔ زیادی در امر پیشاهنگی داد ـ رفته‌رفته موضوع درختکاری بین پیشاهنگان و سایر محصلین اهمیت پیدا کرد هر سال یك روز در تمام کشور جشن درختکاری منعقد میشد و بدین وسیله امر باغداری و درختکاری بین اطفال ترویج می‌یافت ولـی چون بیشتر این ورزش‌ها و آداب و رسوم با تظاهرات توام میگردید تاثیر عمیق در اطفال نمی‌بخشید و بهمین جهت هم ریشه و اساس محکم نیافت.

مسافرین خارجی در اداره اطلاعات- پس از آنکه روز نامه اطلاعات در محل فعلی مستقر گردید و سازمان آن آبرومند و وسیع گشت دعوت‌هائی از مسافرین مهم خارجی که بایران می آمدند میشد تا تشکیلات روزنامه و چاپ را تماشا کنند ، این دعوت‌ها علاوه بر دیدارهائی بود که نمایندگان مطبوعات خارجی می‌نمودند، چه هـر ماه خبرنگار و یا نماینده روزنامهٔ خارجی بایران می‌آمد وحتما از اداره اطلاعات ومدیر این روزنامه دیدن می کرد و از طرف کارمندان اطلاعات پذیرائی میشدند .

اولین دعوت از رجال مهم خارجی ، دعوتی بود که از وزیر دربار یمن شد و درحقیقت دعوت‌های رسمی روزنامه اطلاعات از اشخاص مهم از یك کشور اسلامی شروع گردید. آقای سید محمد زبارهٔ حسنی وزیر دربار یمن روز ۱۴ شهریور ۱۳۱۵ باتفاق منشی مخصوص خود و آقای عباس صیقل عضو سفارت شاهنشاهی بغداد در اداره روزنامه اطلاعات حضور یافتند و پس از پذیرائی تمام قسمت‌های روزنامه و شعب مختلف چاپ را بازدید واز پیشرفت و ترقی و توسعه سازمان اطلاعات و بخصوص دیدن ماشین جدید روتاتیو و چگونگی چاپ روزنـامه اظهار خوشوقتی نمود.

وزیر دربار یمن نزدیك یکماه در ایران بسر برد و مسافرتی بنقاط ایران نمود و حامل پیام دوستانه از طرف اعلیحضرت پادشاه یمن برای اعلیحضرت فقید بود.

از آن ببعد پیوسته خبرنگاران و نمایندگان مطبوعات خارجی در اداره اطلاعات حضور یافته و مورد پذیرائی کارمندان روزنامه قرار میگرفتند و مؤسسه‌ای که بیش از همه مورد توجه و علاقه همکاران خارجی ما بوده مؤسسه اطلاعات میباشد و بهترین فرصت آنها ساعتی است که در این مؤسسه میگذرانند.

دکتر متین دفتری وزیر عدلیه شد: آقای دکتر متین‌دفتری در زمان وزارت آقای صدرالاشراف بسمت معاونت وزارت عدلیه انتخاب گردید وچون ایشان سمت ریاست دارالانشاء جمعیت طرفدار جامعه ملل را داشتند در اواخر شهریور ماه طبق دعوت رئیس دارالانشاء اتحادیه جمعیت‌های طرفدار جامعه ملل عازم ژنو شدند همینکه وارد اروپا گردید تلگرافی بایشان رسید که فورا بتهران مراجعت نماید روز ۵ مهر ۳۱۵ واردتهران گردیدبسمت وزارت عدلیه بجای آقای صدرمشغول کارشدند ایشان دراین پست بودند تا بعد که بریاست وزرائی انتخاب وچندی نیز درسمت مزبور انجام وظیفه نمودند.

شاه فقید ومسافرت ولیعهد باطراف کشور: اعلیحضرت فقید مصمم بودولیعهد را در جریان امور کشور بگذارد وبهمین منظور درپائیز همان سالی که والاحضرت ازاروپا بازگشت نمودند مسافرت اطراف کشور را شروع نمودتا ولیعهد بتمام نقاط آشنا گردد اولین مسافرت شاه‌فقید وولیعهد روزششم‌مهر ۱۳۱۵ بآذربایجان‌شروع گردید درتمام شهرهای عرض‌راه استقبال بزرگی‌معمول گردید طاق‌های نصرت برپاشده بود و درهرشهر نمایشگاه کوچك وبزرگی که ازامتعه ومحصولات آن منطقه ترتیب‌داده‌شده‌بودبازدید میگردید که هم تشویق مردم‌بوده و هم والاحضرت ولیعهد باوضاع عمومی‌کشور ومیزان وچگونگی‌محصول هـرنقطه آشنا میشدند- درتمام شهرها قبل‌ازهرچیز ازمحصول وموادخام وصنایع آن نقطه‌پرسش‌می‌نمودند وبرای بهبودی و پیشرفت آن دستورات جهت ایجاد تسهیلات‌لازم میدادندوبازرگانان‌راتشویق بصدورامتعه خودمخارج‌می‌نمودند.

ملاکین‌هم کمك کنند: در هرشماره اطلاعات ستونی مخصوص اکابر بازشده‌بود که‌دراین‌ستون‌مطالب مربوط بکلاس های اکابر چاپ میشد وروزنامه بعناوین ومضامین مختلف مردم رادعوت میکرد که بیسوادان را بکلاسها راهنمائی کنند.درشماره ۹مهرماه دراین ستون‌تحت عنوان مالکین‌هم کمك کنندمینویسد: «چه‌ضرردارد که ملاکین‌هم یك یا دونفر ازرعایای جوان بیسواد خودرا بشهر طلبیده روزها را درخدمت خود نگاهدارند و شبها آنهارا بکلاس اکابربفرستندتاسواد پیدا کنند: وظیفه‌میهن‌پرستی‌باقایان ملاکین‌حکم میکند این پیشنهاد را مادام که کلاسهای شبانه دردهات وقراء وقصبات دایر نشده‌است بپذیرند وتوجه نمایند که‌باسواد کردن‌یك یادونفر دهاتی درحکم احیاء نفس وزنده کردن آنها بوده وسعادت‌جمعی را بدین‌وسیله تامین‌خواهندکرد.

تشکیل نمایندگی‌های اطلاعات درولایات: روزنامه اطلاعات ازسالهای دوم وسوم‌بشهرستان ها توجه کرد وباانتخاب خبرنگاران ونمایندگانی برای‌انتشارروزنامه‌درولایات اقدام‌نمود وهرسال دراین راه قدم تازه‌ای برداشت تابتدریج درنقاط مهم‌ایران‌نمایندگی‌های‌اختصاصی‌دایرشد- این نمایندگی‌ها درمراکز مهم‌کشوردارای سازمان‌کاملی‌بود . تشکیلات آن دردفتر‌نمایندگی ازموزعین‌چرخ‌سوار وروزنامه‌فروش‌ها وخبرنگار باتمام‌لوازم‌کار وحتی‌تلفن وبعدها دوربین‌عکاسی‌مجهزمی‌شد - بسیاری‌ازجوانان باذوق ودوستان‌علاقه‌مند ما درشهرستانها آمادگی خودرا برای‌قبول‌نمایندگی ومخبری‌اطلاعات اعلام‌داشتند- چندتن‌نماینده ازبین باذوق‌ترین اشخاص‌درتهران‌انتخاب وبالوازم کامل بیعضی‌ازشهرستانها اعزام‌شد وروبهمرفته بتدریج درکلیه نقاط‌کشور سازمان کوچك وبزرگی بنـام روزنامه اطلاعات‌داده شد.

هیئت اعزامی: درتاریخ ۲۵مهر۱۳۱۵ هیئتی ازکارمندان‌اطلاعات‌بریاست مرحوم جهانـگیر جلیلی نویسنده دانشمند وناطق زبردست وعضویت چندتن خبرنگار وعکاس ونویسنده اطلاعات بقصد ترویج روزنامه وتکمیل سازمانهای اطلاعات ازتهران حرکت کردند وجریان‌مسافرت خودرا مرتبا باداره گزارش میدادند ود روزنامه درج می‌شد.

هیئت‌اعزامی روزنامه اطلاعات ازشهرقم شروع نمودند وتمام شهرهای جنوب وخوزستان رابازدید کردند درهمه شهرها مردم هیئت‌اعزامی اطلاعات را حسن‌استقبال نمودند وازآنها پذیرائی‌کردند ونویسندگان اطلاعات وا درجریان حوادث ووقایع شهرخود قراردادند -کارخانجات، نمایشگاهها، مؤسسات بلدی خـود رابآنهانشان دادندوتوجه نمایندگان اطلاعات رابنواقص‌اموزخود جلب می‌نمودند - درمجالس‌کنفرانسی که‌ازطرف هیئت‌اعزامی اطلاعات درهرشهر تشکیل‌می‌شدازدحام می‌نمودند واحساسات خود رانسبت بروزنامه اطلاعات‌ابرازمیداشتند

جلسات سخنرانی هیئت اعزامی‌اطلاعات خیلی‌اهمیت‌پیداکرد. همه جاموثرواقع گردید وتشکیل این‌مجالس سبب‌شد که مردم‌ایران باروزنامه‌اطلاعات‌بهتروبیشتر آشناشوند وهمین‌اقدامات موجب‌افزایش‌قابل‌تـوجهی درانتشار اطلاعات درشهرستانها گردید .

اداره اطلاعات همه گونه تسهیلات فراهم اورد که مردم بامطبوعات سروکار پیدا کنند درا‌قصی نقاط کشور

وحتی درقراء وقصبات شعبه نمایندگی وخبرنگاری دایر نمود وباتوزیع روزنامه مجانی درابتدای امر بین مردم توجه طبقات را بمر ازمملکت وخواندن روزنامه معطوف ساخت و کم کم مردم باوضاع کشور ازروی مندرجات اطلاعات آشنا شدند وحال آنکه قبل ازاین اقدامات، مردم دور ازپایتخت وساکنین کنار دریای فارس وبسیاری ازشهرستانهای جنوب باروزنامه سروکار نداشتند واز اوضاع واحوال عمومی کشور بی اطلاع بودند - این اقدامات که بسرعت وتحت اصول منظم ومرتبی تعقیب میشد انتشار اطلاعات را درتمام نقاط ایران عمومیت داد وروزبروز افزایش یافت وخود وسیله باسواد شدن وانس گرفتن بمطبوعات شد ودرحقیقت پایه علاقمندی مردم مملکت بروزنامه ومجله از آن زمان ریخته شد وامروزکه باکمال مسرت می بینیم مطبوعات کشوردرهمه شهرها خواننده وعلاقمند دارد وروزی چندین ده هزار روزنامه ومجله چاپ وهمه جا منتشر میگردد قسمت مهم این ترویج و تکامل نتیجه کوشش وزحماتی است که درظرف یک ربع قرن اطلاعات متحمل گردید والاهمه میدانند که قبل ازاین مدت میزان انتشار کتب وروزنامه ومجله بسیار ناچیز بود.

امروز کارمندان این روزنامه مفتخرند که چنین موفقیتی را بدست آوردند ودرراه روشنائی افکارعامه وهدایت وراهنمائی مردم ازراه ترویج نشریات روزنامه قدم برداشتند وبدون شک چندصدهزار نفرخواننده درظرف این مدت درمملکت بوجودآوردند واین بزرگترین خدمت مطبوعاتی است که کارمندان صدیق وخدمتگذار اطلاعات باین مملکت انجام داده اند وهمانطورکه درجای دیگرذکرشد پس از شهریور ۲۰ تمام این وسایل باطیب خاطر دراختیار سایر جراید ومجلات که تازه قدم بعرصه وجود میگذاشتند گذاشته شد، نمایندگان اطلاعات درهمه جا دراختیار بسیاری ازمطبوعات که باداره اطلاعات مراجعه میکردند باکمال خلوص وحسن نیت گذارده شد وچنانچه ملاحظه گردید در ترویج وتوسعه همه روزنامه ها کمک شد واین هم یکی ازافتخاراتی است که کارمندان اداره اطلاعات سهم بزرگی از آن دارند

والاحضرت سردارشاه محمودخان دراداره اطلاعات: عموی پادشاه کنونی افغانستان والاحضرت سردارشاه محمودخان صدراعظم ووزیرجنگ افغانستان روز ۱۱ آبان ۱۳۱۵ باتشریفات رسمی واردتهران شدند وپس ازدوهفته توقف درایران که مهمان رسمی اعلیحضرت فقید بودند ازراه مازندران و گرگان ایران راترک نمودند. رئیس ستاد ارتش افغان نیزهمراه والاحضرت شاه محمودخان بودند.

برنامهٔ جامعی برای پذیرائی ایشان تنظیم شده بود وچندبار باشاه فقید ووالاحضرت ناهاروشام صرف نمودند. تمام مؤسسات مهم کشوری ولشکری رادیدن نمودند ودرضمن بازدید مؤسسات فرهنگی درتهران عصرروز ۱۶ آبان اداره روزنامه اطلاعات وشعب آن را نیز بازدید کردند. البوم عکس یادگار مسافرت ایران تقدیم ایشان شد و پذیرائی شایسته ای در اداره روزنامه ازمهمانان عالیقدرافغانی بعمل آمد. آقای بهمن سفیرکبیر ایران درکابل وآقای نوری اسفندیاری رئیس تشریفات وزارت خارجه نیزهمراه مهمانان بودند.

والاحضرت شاه محمودخان پس ازبازدید مؤسسه اطلاعات دردفتر یادبود روزنامه چنین نوشتند:

«امروز که یوم شنبه ۱۶ آبان ۱۳۱۵ است برای ملاحظه مطبعه وروزنامه شریفه اطلاعات حاضرشدم بدیدن مطبعه مزبور که یکی ازعوامل بزرگ خدمات دولت وملت ایران عزیزاست خورسندی تام حاصل گردید. واین ترقیات روزافزون که برای ملت عزیزایران حاصل است ازاثرتوجهات بیش قیمت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است. درخاتمه میگویم زنده باد اعلیحضرت همایونی وترقی باد حکومت وملت عزیزایران - شاه محمود وزیرحربیه افغانستان»

کارخانجات قند سازی بازمیشد: ساختمان کارخانجات قند سازی یکی پس ازدیگری خاتمه می یافت و آماده برای بهره برداری میشد وبوسیله رئیس الوزراء ویارئیس کل صناعت مراسم افتتاح انجام می گردید - چنانچه هنگام افتتاح کارخانه قندسازی آبکوه مشهد آقای جم باتفاق رئیس کل صناعت که در آن موقع آقای سرلشگرجهانبانی بودند عزیمت نمودند ووقتی کارخانه قندسازی میاندوآب افتتاح می یافت فقط رئیس کل صناعت شرکت نمود. خبرنگاران روزنامه اطلاعات درشهرستانها پیوسته دراین مراسم حضورمی یافتند وجریان وقایع را باعکسهای مربوطه بضمیمه احساسات مسرت انگیزمردم بروزنامه گزارش میدادند.

فرهنگستان لغات تازه وضع می نمود: چندی بود لغات جدیدازفرهنگستان صادرمیگردید ما را زحمت معمول میشد براین تصمیم فرهنگستان لغاتی هم ازخارج افزوده میشد. بالاخره فرهنگستان اعلام داشت: «فقط لغاتی که از طرف دبیرخانها رسمابه وزارتخانه ها ومؤسسات ابلاغ ودرروزنامه ها منتشر میشود رسمی است واگر ازطرف اشخاص متفرقه کلماتی انتخاب واستعمال شود یادرمجموعه های چاپی بدون اجازه رسمی منتشر گردد مربوط بفرهنگستان نبوده وبه استعمال وتقلید آن جایز نیست».

دکتر شاخت کارشناس مالی آلمان: عصر روزشنبه ۲۹ آبان ۳۱۵ دکتر شاخت آلمانی بوسیله هواپیما در فرودگاه دوشان تپه پائین آمد. مرحوم داور وزیر مالیه. آقای امیر خسروی رئیس بانك و جمعی دیگر ازرجال مشارالیه رااستقبال نمودند - درین موقع اعلیحضرت فقید باتفاق والاحضرت ولیعهد بصفحات شمال مسافرت نموده و پس از انجام مراسم اسب دوانی صحرای ترکمن ببندر پهلوی رفته بودند. دکتر شاخت روزدوم ورودخود باتفاق مرحوم داورو آقای سهیلی وزیرخارجه بااتومبیل ازراه قزوین عازم گیلان شدند و پس از ملاقات شاه در اداره حکومتی رشت دکتر شاخت وهمراهان ازراه رامسر وجاده چالوس بتهران بازگشت نمودند. دکتر شاخت در مدت توقف خوددر تهران بانك ملی ومؤسسات مختلف اقتصادی را بازدید نمود وبا عناصر اقتصادی تماس گرفت.

خبرنگار روزنامه اطلاعات همه جا بادکتر شاخت بود، وی چنین اطلاع داد که دکتر شاخت طی مسافرت خود مطالعاتی ازجنبهٔ بازرگانی ومالی می نماید، استعداد کشورراازلحاظ فلاحت وصنعت مورد مطالعه قرارمیدهد ازدیدن گیلان ومناظر حاصلخیز وسرسبز مازندران و راهها و پلها ووسایل آبادی منطقه شمال غرق تحسین گردیده و در رامسر بمخبر اداره گفته بود: «ایران سر زمین حاصلخیز و منبع ثروت ومظهر جمال و زیبائی است، شما همه چیزرا دربن نقاط دارامیباشید»

دکتر شاخت درمصاحبه بانمایندگان مطبوعات تهران گفت: «وقتی درآنکارا مؤسسات بانکی آنجا را بازدیدمیکردم دعوت دولت ایران بمن رسید. خوشوقت شدم که میتوانم از نزدیك ترقیات کشوری راکه پیوسته روابط دوستانه و صمیمانه باآلمان داشته و علائق تاریخی وقومی نیزبین این دو کشور وجودداشته است ببینم. مسافرت من برای دیدار کشور شما وتوسعه روابط اقتصادی بین دو کشور میباشدو بهیچوجه جنبه سیاسی ندارد. کشور شما دارای موادو محصولاتی است که مورد احتیاج آلمان میباشد وچون کشور ایران واردزندگی صنعتی بس مهمی شده است میتواندازاین راه ازصنایع آلمان در کارهای فلاحت وصنعت استفاده نماید.» دکتر شاخت پس از چهارروز اقامت باهواپیمای سه موتوره خود بآلمان بازگشت نمود.

هیئت اعزامی ترکیه در تهران: روز ٦ آبان ۳۱۵ یك هیئتی مرکب از ۱۲ نفر مشاور ومتخصص در امر فلاحت وصنعت وامور مالی واقتصادی وحقوقی از وزارتخانهای مختلف ترکیه بریاست آقای جمال حسنو و معاونت آقای کمال کوپرلو که هردو بعدها باسمت سفارت کبرای آن دولت در ایران ماموریت یافتند وارد تهران شدند ومورد پذیرائی گرم ودوستانه قرار گرفتند.

مدیر اطلاعات درنتیجه مسافرت خود بترکیه و ارتباط باماموربن عالی مقام آن دولت هیئت اعزامی ترکیه را تجلیل بسیار نمود ومقالاتی در زمینه لزوم همکاری اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور منتشر کرد. آقای جمال حسنو درمصاحبه با خبرنگار ژورنال دوتهران که روز ۸ آبان دراطلاعات منعکس گردیده است گفت:

«ماباپران آمده ایم تا از نزدیك ترقیات این کشوررا ببینیم و در راه بسط وتوسعه اقتصادیات و همکاری فلاحتی وصنعتی کوشش نمائیم، قراردادهائی منعقدسازیم که متناسب با روابط دوستانه وخلل ناپذیر موجوده بین دو کشور باشد، مؤسساتی راکه مابین راه دیدیم وتاثیری که همین مدت کوتاه اقامت درما نمود بما نشان داد که ایران در مرحله ترقی قدم گذارده و آرزوی ما سعادت وترقی ملت برادر میباشد»

آقای مسعودی بافتخار آقای جمال حسنو وهیئت اعزامی ترك ضیافت مجللی در اداره روزنامه اطلاعات بشام داد که دراین مهمانی هیئت دولت، رئیس وعده ئی از نمایندگان مجلس وجمعی ازرجال ومحترمین وسفرا و وزرای مختار و نمایندگی های سیاسی حضور داشتند وپذیرائی درمحیط گرم وصمیمانه انجام پذیرفت.

اعطای امتیاز نفت بکمپانی امریکائی: روز ۲۷ دی ۳۱۵ مرحوم داور وزیر مالیه لایحه ای بمجلس شورای ملی تقدیم نمود که شامل دو قرارداد بود یکی برای استخراج نفت قسمتی از شرق وشمال شرق ایران ودیگری راجع بلوله نفت بدوشرکت امریکائی.

قرارداد اول مخصوص استخراج نفت ودارای ۲۹ ماده بود که طبق ماده اول حق انحصار برای تفتیش وتفحص واستخراج وبهره برداری نفت بشرکت ایران و آمریك واگذارمیشود که منتهی تا آخر سال پانزدهم ازتاریخ تصویب دردو ولایت ازولایات شرق ویا شمال شرق یك یاچند قطعه زمین بمساحتی که ازیکصد هزار میل مربع تجاوز نکند انتخاب نمایند تفتیشات معرفت الارضی منتهی پس ازششماه باید شروع وبدون وقفه ادامه یابد. حق الامتیاز سالیانه مبلغ چهار شلینك برای هرتن نفتی که برای مصرف داخلی درایران بفروش میرسد ویا از ایران صادر میگردد بعلاوه بیست درصد منافعی که بسهام عادی شرکت تقسیم میشودودر عین حال مبالغی که در هرسال از طرف شرکت

تادیه‌میشود هیچوقت نباید ازمیزان معینی که درچهار بندامتیازنامه ذکرشده کمتر نباشد و برای جلوگیری ازامکان توجه ضرر بدولت درموقع ترقی وتنزل قیمت پول انگلیس نیزمقرراتی پیش‌بینی شده بعلاوه برای مالیات بقرار ۹ پنس بابت هرتن از ۶ میلیون تن نفت استخراج شده و ۶ پنس مازاد برآن اخذ میکردد.

روبهمرفته مواد این امتیازنامه درزمینه امتیازنفت جنوب تنظیم کردیده ولی بعضی شرایط بهتردرآن بکاررفته بود که منافع ایران را بیشترتامین می‌نمود.

قرارداد دیگربرای اعطای امتیازلوله کشی برای صدورنفت بود شامل ۲۷ ماده که طبق ماده اول آن برای ساختن ونگاهداری لوله حمل نفت حق غیرانحصاری بشراکت میدهد. لوله نفت بین نقاطی که در هرقسمتی از ایران شرکت انتخاب می نماید بارعایت حقوقی که بشرکت‌های دیگراعطاء شده ویاخواهدشد امتداد خواهد یافت شرکت حق غیرانحصاری خواهدداشت که تصفیه‌خانه ومؤسسات تلمبه ومحل ذخیره وسایرمؤسسات لازمه برای عملیات خودساخته وبعلاوه بمنظور ازدیاد استفاده ازلولهٔ اصلی لوله‌های فرعی ایجاد ولوله اصلی‌را بلوله‌های عمومی و خصوصی درایران ودرممالك مجاوراتصال دهد ... الی آخر»

چندروز بعد کمیسیونهای خارجه، بودجه واقتصادمجلس شورایملی دوقرارداد امتیازنفت ولوله کشی راتصویب نمودند وسپس درمجلس مطرح کردید ودرجلسه ۱۵ و ۱۸ بهمن ۳۱۵ باتفاق آراء بتصویب رسید.

بهره‌مندی از گنج‌های کشور : اطلاعات درسرمقاله ۱۱ بهمن مینویسند : «کشور عزیزماز کشورهای پر گنج وزرخیزاست که بابکارانداختن وسایل بهره‌برداری موجبات ثروتمندی ورفاه‌افراد بخوبی‌فراهم خواهد آمد. مشکلات و موانعی که درراه مابواسطه عدم‌امنیت داخلی ومشکلات‌خارجی وجودداشت خوشبختانه ازبین برداشته شده ومابخوبی میتوانیم از گنج های شایگان طبیعی و ثروتهای زیرزمینی استفاده کنیم وامتیاز لوله کشی نفت بشرکت‌های دیگربدهیم وحال‌آنکه این‌حق درقدیم بشرکت‌نفت‌انگلیسی‌جنوب داده‌شده‌بود. اعطای امتیازات مفید که رعایت حقوق ومصالح کشوردرآن کاملا بعمل‌آمده باشد علاوه برمنافعی که عاید دولت میدارد باعث عمران‌وآبادی کشور میکرددو بالنتیجه سطح‌زندگی افرادرا بالامیآورد وفعالیت مردم‌را زیادمیکند. دولایحه امتیاز نفت‌دردوولایت‌شرق‌وشمال‌شرق‌ازکارهای‌مفیدی‌است که‌علاوه‌برمرتفع کردن‌احتیاجات‌داخلی‌ازمواداولیه، ازلحاظ تولید رقابت ودرنتیجه ارزانی موادنفتی در کشور مؤثروبرای صنعتی کردن کشور قدم‌بسیار مفیدی‌است .....»

داور خود کشی کرد : ساعت ۸ ونیم صبح‌روز ۲۱ بهمن ۳۱۵ طبق‌خبری که درتمام جراید منتشرشد داور بمرض سکته در کذشت لکن آنمرحوم شب‌قبل پس‌ازفراغت ازکارروزانه وپایان جلسه‌هیئت وزراء بمنزل‌آمده وبعنوان‌اینکه‌کاردارم دراطاق پائین‌می‌ماند وپس‌ازآنکه همه بخواب‌میروند مقداری لول تریاك که‌روز پیش ازرئیس اداره تریاك بعنوان نمونه تریاك کرفته بود نرم کرده میخورد وبالباس روی صندلی راحت می‌افتد، صبح زود خانم آن‌مرحوم ازواقعه مستحضرمیشود ولی‌معالجات مؤثرنکردید وداور در کذشت.

اداره شهربانی طبق‌نظرشاه فقید نمیخواست بگذارد که خبرخود کشی مرحوم داور منتشرشود تادر افکارواذهان تعبیروتفسیر کردد وایجاد توهم کند ولی‌این جلوگیری ازانتشار خبر بیهوده بود زیرا بقدری‌موضوع روشن بود که این خبر مثل برق در شهر منتشر شد وهمه دانستند که داور بمرك طبیعی نمرده بلکه خودکشی کرده است.

درباره این‌خودکشی‌خیلی‌حرفها زده‌میشدولی‌حقیقت‌هنوز بدست‌نیامده بعضی میگویند فشارکار وزارت مالیه ومشکلات‌وسنگینی شرکتهائی که مرحوم‌داور تشکیل‌داده بود وپیوسته مورد ایراد شاه فقید قرارمیگرفت سبب خود کشی کردید برخی معتقدندکه داوراحساس کرده بود بزودی برحسب دستور شاه تحت تعقیب قرارخواهد کرفت وبسرنوشت‌رفقای‌خود مرحوم تیمورتاش ونصرت‌الدوله دچارخواهدشدوازاین‌جهت‌قبل‌ازوقوع‌مصیبت‌و کشته شدن‌خودرا ازبین‌بردوحتی‌عقیدهٔ‌ضعیفی‌وجودداشت که موضوع خود کشی‌را باگذراندن دولایحه نفت ازمجلس مربوط میدانستند زیرا مرحوم داور روی‌علاقه واصرار شاه‌فقید مجری‌آن‌بود ولی‌درهمه‌حال مرك ناگهانی داور همه را متأثرساخت وتاثیربدی درافکار عمومی‌نمود.

روزنامه اطلاعات عکس داوررا درصفحه اول چاپ‌نمودودرزیر خبرمرك آنمرحوم شرح مفصلی از مراتب درستی وصداقت وشرافت نفس مرحوم داورنوشت وپس‌از تفصیل خدمات ملی‌ودولتی داور اضافه کرد باوجود مسئولیتهای مهم‌ووظایف عمده‌ای که درتمام مدت‌زندگی خود درعهده داشت هیچگاه دیده نشدکه احساس خستکی ازکاربکند، همواره نمونهٔ فعالیت، پشت‌کارونشاط‌بود. داورمیهن‌پرست، پاك، باحسن نیت ودرمعاشرتها و آمیزشها خلیق و مهربان ومبادی‌آداب بود.

آخرین مهره راه‌آهن شمال بدست شاه محکم گردید: عصر روز جمعه ۳۱ بهمن ۳۱۵ در ایستگاه راه‌آهن تهران ولوله و غوغائی بود، مردم پایتخت بسوی ایستگاه رفته بودند تا ورود اولین قطار شمال را تماشا کنند. میدان ایستگاه با پرچمهای ملی تزئین شده بود و جمعیت کثیری تمام خیابانهای اطراف را فرا گرفته و پس از آنکه شاه فقید یکی از دو پیچ و مهره راه‌آهن شمال را بدست خود محکم نمود و محکم کردن مهره دیگری را بوالاحضرت ولیعهد واگذار نمود سپس شاه فقید نوار سه‌رنگ را باقیچی طلا که مرحوم مجید آهی وزیر طرق بدست شاه داد قطع نمود. و اولین قطارهای شمال شامل دو رشته قطار مسافری و یك رشته قطار باری که در یك کیلومتری ایستگاه توقف کرده بود در میان کف زدن و فریادهای مسرت آمیز چندین هزار نفر مردم و ازدحام مدعوین در داخل ایستگاه پیش آمد و از جلوی مدعوین عبور کرد و آئین گشایش راه‌آهن شمال انجام یافت.

مرحوم آهی در نطق خود گفت: «بنیروی عزم و اراده شاهنشاهی ساختمان قسمت مهم راه آهن سراسری ایران بپایان رسید و امروز قطارهائی که از بندر شاه وارد شده‌اند این حقیقت مسرت بخش را اعلام میدارند ـ گذشته از ٤٦١ کیلومتر خط آهن شمال اکنون ۳۳٦ کیلومتر راه‌آهن جنوب هم ریل گذاری شده و از بندر شاه تا بندر شاهپور دو نقطه شمال و جنوب کشور ٥٤٠ کیلومتر باقی است که با جدیت پیش میرود» اعلیحضرت فقید در پایان مراسم وزیر طرق و مهندسین و مامورین وزارت طرق و رئیس کنسرسیوم کامپساکس و مهندسین خارجی را مورد مهر خود قرار داد و آنها را تشویق نمود.

روز بعد مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس در جلسه رسمی از وصول خط آهن شمال بتهران اظهار مسرت نمود و گفت: مکرر از خارجی‌ها شنیدم که همچو راه آهن در خیلی از جاهای دیگر از حیث اصول مهندسی و ساختمانی و پل‌ها و تونل‌های عجیب و پیچ و خم کوهها و مناظر طبیعی با این خوبی وجود ندارد بخصوص اینکه ایران راه‌آهن خود را بدون استمداد مالی از خارجی‌ها با حسن تدبیر و با حسن اداره از پول خود مملکت بهمم عالیه اعلیحضرت همایونی انجام داده است و من از اینجا بتمام ملت ایران تبریك این موفقیت را میگویم.

تمدن کنونی با شرایع و اصول دینی مغایرت ندارد: روز ۱۱ اسفند ۳۱٥ مراسم سلام عید غدیرخم با جلال بسیاری در کاخ گلستان منعقد گردید پس از عرض تبریك از جانب مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس، شاه فقید چنین گفت:

«خیلی‌ها دراشتباه هستند و تصور میکنند معنی تجدد واخذ تمدن امروزی دنیا این است که اصول دیانت و شرایع را رعایت ننمایند و یا کسب تجدد و تمدن مغایرتی با دین و مذهب دارد و حال آنکه اگر مقنن بزرك اسلام در حال حاضر در مقابل این ترقیات عالم وجود داشت موافق بودن اصول شرایع حقه خود را با وضعیت و تشکیلات تمدن امروز نشان میداد متأسفانه آن افکار روشن و بزرك صدر اسلام بمرور زمان وسیله سوء استفاده بعضی اشخاص قرار گرفت و بالنتیجه کشور را بقهقرا کشانیدند و ما اکنون در برابر نواقص گذشته قرار گرفته باید این خمود و عقب افتادگی را جبران نمائیم.»

یادبود صد ساله پوشکین: همانطور که در خاك اتحاد شوروی بمناسبت جشن هزارساله فردوسی مراسمی برپا گردید و مجالس جشن و سخن رانی دایر شد بمناسبت صدمین سال وفات پوشکین شاعر و نویسنده مشهور روسی ازطرف وزارت معارف در تهران و چند شهر بزرك ایران مراسم یادبود برپا گردید.

روزنامه اطلاعات نیز از لحاظ اینکه شعرا و نویسندگان و هنرمندان دنیا متعلق بهمهٔ ملل عالم هستند و مورد تکریم اقوام و عموم مردم میباشند با درج عکس‌ها و مقالات و نقل قسمت های ادبی از آثار پوشکین حق این شاعر عالیمقام را ادا کرد.

درجشن یادبودی که در تالار دانشکده ادبیات دانش‌سرای عالی تشکیل گردید پس از نطق آقای حکمت وزیر معارف آقای چرنیخ سفیر کبیر شوروی صحبت کرد و بعد تلگرافاتی که بامضای آقای وثوق‌الدوله رئیس فرهنگستان ایران و وزیر فرهنگ بارئیس فرهنگستان و وزیر فرهنگ شوروی مبادله شده بود قرائت گردید.

ساختمان اولین سد در خوزستان: شاه فقید روز ۲۰ اسفند ۳۱٥ باتفاق والاحضرت ولیعهد از راه قم عازم خوزستان گردید تاضمن بازدید مؤسسات ساختمانی این حدود ورسیدگی باوضاع فلاحتی خوزستان ولیعهد را آشنا سازد.

آقای مسعودی نیز دراین سفر همراه بوده و گزارشات جالبی ازسازمان موزه آستانه قم و اوضاع

فلاحتی وصنعتی عراق وکشفیات وحفاری‌های جدیدشوش داد وازجمله گزارشات مراسم افتتاح اولین سدی بودکه در۶۳ کیلومتری اهواز نزدیك ایستگاه آهودشت انجام یافت وچنین اطلاع داد :«روی رودخانه شاوور که بکارون ملحق میگردد سدی بنام سدشاوور ساخته شده که میتواند هشت هزارهکتار زمین را مشروب سازد . نهرهای زیادی از این رودخانه بصحرا کشیده شده وچنددستگاه تراکتورهم ازطرف اداره کل فلاحت دراختیار زارعین گذارده شده و چون هنوزمردم عادت بسکونت دراین منطقه ندارند ورعیت یافت نمیشد ازحدود اصفهان وبختیاری عدهٔ رعایا آورده‌اند وخانه وزمین دراختیار آنان گذارده شده که مشغول زراعت شوند تارفته رفته عشایروایلات ساکن این حدودهم بزراعت وفلاحت مأنوس گردند .

روز۲۶ اسفند این سدرا شاه‌فقید ووالاحضرت ولیعهد بازدید نمودندچهاردریچه بزرك آهنی که هریك ۲۱ مترطول دارد باگردش موتور جلوی آب رامی‌گیرد وسطح آب رودخانه بالا میآیدوواردکانال‌ها ونهر های فرعی میگردد تابرای زراعت مورداستفاده واقع شود .»

این سد بعدها مورداستفاده واقع نگردید واکنون بکلی بی‌استفاده افتاده‌است زیرا تنهاحاضربودن موجبات ووسایل کارکافی نیست بلکه مردان علاقمند وفعال لازم دارد که اززمین وآب بهره گیرند. دولت وسیله را فراهم کرد امادراین منطقه ساکنینی پیدانشد واشخاص حاضرنشدند بروند درآنجا زحمت بکشند ومردم ورعایارا جمع کنند و بکار وادارند در نتیجه سدی که میتواند آبادی منطقه وسیعی را تضمین کند امروز بی مصرف مانده است .

حوض تعمیر وتنظیف کشتی‌ها : شاه فقید دراین مسافرت تاسیسات مهم راه‌آهن جنوب‌را بازدیدکرد ودرعین‌حال بسایرامور نیزرسیدگی می‌نمود تاروز۲۹ اسفندکه مسافرت خودرا با کشتی دردریای خلیج فارس بوسیله ناوپلنك شروع نمود وروزاول نوروز۱۳۱۶ راشاه‌فقید باوالاحضرت دربندر شاهپور که ازتاسیسات جدید اودرداخل خلیج خورموسی بودگذرانید دراین روز صبح شاه‌فقید تمام‌همراهان خودرا جلوی اقامت گاه خود پذیرفت وبهریك یك‌پهلوی طلاعیدی داد .

بندر شاهپور دریك زمین باطلاقی خلیج خورموسی ساخته شده وچند کیلومترراه آهن درآب پیش‌میرود.

بعدازظهر نوروز مراسم افتتاح حوض مخصوص تنظیف وتعمیرقسمت های زیرین کشتی‌ها انجام یافت . این حوض یگانه دستگاهی بود که آن روز بین‌دریای احمر و سنگاپور بدستور شاه ساخته شده بود وقادربود کشتی های تاده هزار تن را شستشو و تعمیر نماید باین ترتیب که کشتی‌ها وارد این حوضچه که ازآهن‌وفولاد وسط دریانزدیك خلیج خور موسی ساخته شده‌بودمیشدند وحوضچه بسته‌میشد وبعدباقوه برق آب‌داخل آن خارج ومهیا برای تعمیر وتنظیف میگردید . شاه‌فقیدوولیعهد با کشتی پلنك جلوی‌این‌حوضچه آمدند وکشتی باپیشانی‌خود نوار سه‌رنك راقطع نمود ازیکطرف داخل حوضچه که ۱۲۰متر طول‌وسی‌متر عرض داشت گردید وازسمت‌دیگر خارج‌شد وعملیات آزمایش شروع گردید.

آب بوشهر وشاهنشاه فقید: شاه‌فقید پس‌ازآنکه کار های خودرا در خوزستان تمام کرد از راه خشکی کنار دریای خلیج فارس عازم بوشهر گردید واولین‌موضوعی که توجه‌شاه‌راجلب‌نمود وبا والاحضرت در میان گذاشت آب مشروب بوشهر وآبیاری آن‌شهربود و نفت‌این‌شهر آب‌خوراکی ندارد و آب‌آنها عبارت‌ازآب بارانی‌است که درگودال ها وآب‌انبارها ذخیره تابستان‌میشود واگر باران کم‌ببارد مردم دوچار زحمت فوق‌العاده میشوند ودستور دادبرای‌تامین‌آب‌خوراکی به آبیاری‌شهرستان‌اقدام‌شودوازرودخانه‌های نزدیك شهر تامین گردد. نظر شاه فقید درآن‌روزاین‌بودکه‌شرکتی خود تجار ومردم تشکیل بدهند ودولت مساعدتهای‌فنی ومالی بنمایدکه خود مردم این‌کار را برعهده گیرند و انجام دهند ، آن روز فکرشاه استقبال شد ولی بعدها متوقف ماند تا چند سال پیش که اعلیحضرت‌فعلی‌عطیه‌ای‌برای انجام این‌کار خیر دادند وکارهای لوله‌کشی شروع گردیدلکن هنوز گویا بنتیجه مطلوب نرسیده است.

در بازگشت ازجنوب ایران: شاه‌فقید در بازگشت از بوشهر نمایشگاه‌کالای فارس‌را بازدید نمود در این نمایشگاه محصول وموادفلاحتی وصنعتی بمعرض نمایش گذارده شده‌بود ودرهرغرفه شاه متصدیان و صاحبان غرفه راتشویق وتاییدبتوسعه کارخود می‌نمود وهنگام خروج از نمایشگاه گفت:«خوشبختانه ما کشوری داریم که هم درفلاحت وهم درصناعت‌استعدادشایان دارد وخیلی میتوان بکاروسعت دادواین‌وظیفه‌مردم‌است ومردم خودشان باید باحسن ذوق وکاروفعالیت ازاین‌نعمت‌های خدادادِه استفاده‌نمایند ومسلماهر کس دنبال‌کارفلاحت و صنعت برود‌با موفقیت روبروخواهدشد،اما درعین‌حال بفلاحت بایدبیش‌از صناعت‌توجه شودزیرا موادخام و محصولات‌فلاحتی ما طرف توجه دنیا است مادربین اقلام صادرات کشورهیچ جنس تجملی ولوکس نداریم هرقدرمحصول بدست‌آید بازارخواهد داشت.»

شاه‌فقیدپس ازاقامت چندروز درشیراز ورسیدگی بکلیه اموزکارخانه‌قند مرودشت را افتتاح نمود وازآنجا به‌تخت جمشید رفت ویکروز ویکشب را باولیعهد در بارگاه سلاطین قدیم ایران‌گذارند - شاه ازتماشای آثار دوره مجد وعظمت ایران لذت می‌برد،یکروزتمام وقت‌صبح وعصررا درخرابه‌ها گذارندویك‌یك آثاری‌را که اززیر خاکها بیرون‌آمده‌بود موردتوجه وتحقیق‌قرارمیداد.

ازشاه‌فقید دراصفهان خیلی تجلیل‌شد زیرااصفهان درآن‌موقع مراحل‌ترقی رامی‌پیمود ودارای چندین‌کارخانه بزرك شده‌بودکه ده‌ها هزار نفرکارگر رابکارمشغول داشته‌بود بعلاوه‌قوای فعاله‌شاه‌بکارافتاده‌بود -برای نشاندادن کارخانجات باعلیحضرت فقیدحس رقابت‌عجیبی بین‌کارخانجات اصفهان پیداشده‌بود.هرکدام سعی داشتند توجه شاه رابکارخانه خویش‌معطوف سازندوبالاخره شاه درظرف دو سه روز اقامت خود دراصفهان بیشتر مراکز صنعتی و کارخانجات جدید را بازدیدنمود . آثار تاریخی عهدصفویه نیزمورد تحسین شاه‌بود ودراین مسافرت قسمت اعظم بناهای سلاطین‌صفویه رابازدید ودستور تعمیرات وحفظ‌آنرا دادند .

آقای مسعودی دراین مسافرت طولانی جنوب وجنوب‌غربی ایران جزو ملتزمین رکاب‌بود وگزارش‌ها و عکسهای جالب‌توجهی ازتمام‌نقاط بتهران‌می‌فرستاد که‌درروزنامه منتشرمیشد واین‌یادداشت‌ها بخصوص که‌در مسائل اجتماعی واقتصادی بحث‌میشدبهترین وسیلهٔ تشویق‌مردم دوراز‌مرکز بودوبدون شك‌درروحیهٔ آنان تاثیربسزاداشت واحساسات‌آنها رابرای‌کار وخدمت ووظیفه‌شناسی برمیانگیخت .

درخرابه‌های‌قصرخشایارشا: از جمله یادداشت‌های‌مسافرت آقای مسعودی سلسله‌مقالاتی است که درخصوص آثار تخت‌جمشید چاپ گردیده و منجمله درشماره۱۸ و۱۹ فروردین این‌جملات جلب توجه‌میکند:

«شخص وقتی از پله‌های تالار آپادانا یا تالارعام که‌اززیر توده‌های سنك‌وخاك از تخت‌جمشیدبیرون‌آمده است بالا میرودشکوه وهیبت این آثارروح اوراتسخیرنموده خیال‌می‌کند که درقرن پنجم میلادی زیست میکند . از بالای این‌پله‌ها وفرازدامنه کوه‌رحمت درافق تصورمتن‌حقیقی‌تاریخ که اوراق آنرا همین‌ستونهای شکسته‌ولی پابرجا وتخته سنك‌های بزرك‌تشکیل میدهدنمایندگان ملل مختلف‌آنعهد رادرحجاری های‌زیبا از دور مینگرد که نفیس‌ترین اشیاء عصر وزمان خود را برای پیشکشی باستان خشایارشا بر طبقهای زرین‌نهاده وبا سکوت مقرون باحترام سرها را بزیر انداخته بالا میروند تا بترتیب‌وارد تالارآپادانا شده هدایای‌خودرا تقدیم دارند. آپادانا بین‌سالهای۴۸۵-۴۶۵ قبل‌ازمیلاد ازدریای‌سندتاسواحل‌دریای سرخ‌وشمال افریقا معروف بوده است .ملل مختلفی که درحوزه مذکور زیست میکردند دربار عام‌خشایارشارا بخوبی می‌شناختند وسلطنت ۲۰ساله خشایارشا(۴۸۵-۴۶۵قبل از میلاد) این دربارر‌ا شهرتی بسزاداده بود، دراین‌تالارخشایارشا روزهای‌مخصوص وعیدهای‌رسمی‌وبزرك بارعام‌میداده و این‌نقشه‌ها وحجاری‌هاسر‌گذشت بسیاردرخشانی‌ازشکوه‌وعظمت‌دربار او دردوهزار واندی‌سال پیش حکایت میکند»

«علماء ودانشمندان غرق بهت‌وحیرت شدند وقتی‌اززیرخاك‌مجاری فاضل‌آب‌ونهرهای‌بسبك لوله کشی تخت جمشیدرا کشف‌نمودند. نهرهای سنگی زیرزمینی که آب‌راازتخت طاوس دردوفرسخی تخت‌جمشید بعمارات مختلف تخت جمشید تقسیم میکرده شایان دقت است . از این جالب‌تر مجرای فاضل آبست که در زیر زمین های تخت‌جمشید کشف شده. این‌نهرهای فاضل آب وسیع، از تخته‌سنك‌های بزرك ساخته شده‌وآب‌زائدوفاضل را بخارج انتقال میداده‌است»

(هنوزتهران‌پایتخت‌مدرن‌شاهنشاهی‌لوله کشی ومجرای‌فاضل‌آب‌ندارد !)

اطلاعات صبحها درچهار صفحه منتشر شد: ازروز ۲۲ فروردین ۳۱۶ یك نشریه صبح در چهار صفحه بر اطلاعات افزوده شد. در این نشریه جدید آخرین خبرهائی که بعداز انتشار اطلاعات عصر بدست میامد منتشر میشد؛ درآن موقع تلگرافهای خارجه کسب اهمیت نموده بود زیرامقدمه اختلاف نظر بین کشورهای دنیارا ظاهرمیساخت آلمان بسرعت مجهز میگردید وهیتلر هرروز تصمیم جدیدی برای تقویت آلمان اتخاذ مینمود وروبهمرفته اوضاع واحوال دنیا آرام نبود. نشریه صبح ازاول جلب توجه نمود خوانندگان اطلاعات عصر، اطلاعات صبح را نیزبرای تکمیل اخبار روز مشترك شدند وبنابراین اطلاعات صبح جای خودرا بزودی باز کرد ولی این نشریه دوام زیادی نکرد و پس از چند ماه تعطیل گردید.

جشن هفتصدمین سال گلستان سعدی: عصر ۲۷ خرداد ۳۱۶ در تالار اجتماعات دانشسرا جشنی به مناسبت هفتصدمین سال تالیف گلستان شیخ سعدی علیه الرحمه برقرار گردید، درهمان روزاطلاعات مقالهٔ جالب توجهی درین باره باعکس آرامگاه سعدی انتشار داد که چند جمله آن نقل میگردد:

«هفتصد سال پیش مرغی غزلخوان بصورت انسان درکشور عندلیبان خوش الحان و سرزمین گل وسنبل، مهد نیکان و پاکان جهان یعنی میهن عزیز ماایران لب بسخن گشود و نغمه سرائی آغاز کرد. این مرد بزرك که درمحضر انسانیت نام ونشان باعظمتی کسب کرده نتیجه عمردراز ومسافرتهای بیشماری که کردو تجربیات فراوانی که ازاین راه اندوخته است بقدری زندگانی راماهرانه وزیبا درمؤلفات خود تصویر کرده که بهتراز آن ممکن نیست.... »

« ....امروز فرزندان ادب دوست کشور تو فرصتی بدست آورده مجالسی بمناسبت هفتصدمین سال تالیف کتاب گلستان تودر اطراف و اکناف ونقاط مختلف کشور برپا کرده اند. . . »

درجشن دانش سرای عالی آقای دکتر صدیق رئیس دانشسرا گفت: « چون در این عصر فرخنده تذکار نام بزرگان ویادآوری ازمردان نامی کشور موردتوجه ذات اقدس ملوکانه است وزارت معارف نیز برای اینکه دراین سال یادی ازسعدی شده باشد تصمیم انعقاد جشن هفتصدمین سال تالیف گلستان سعدی را گرفت در تمام ایالات و ولایات و مراکزمعارفی کشور جشن ها و کنفرانسها برپا گردیده وراجع باثار وعقاید سعدی درآن محافل سخنرانی ها شد و نمایشاتی که از روی کتاب بوستان وگلستان تنظیم شده بود بمعرض نمایش گذارده شد. سپس آقای بهار قصیده شیوائی که سروده بودند خواندند.

روابط ایران و ترکیه: دردنبال مسافرت اعلیحضرت فقید بترکیه روابط ایران وترکیه روزبروز بهتر وصمیمانه تر میشد. هیئت های اقتصادی و مالی ترکیه بریاست آقای جمال حسنو مورد پذیرائی گرم واقع شدند وقرار داد هائی که درمدت توقف خوددر تهران درخصوص مسائل بازرگانی وگمرکی وغیره منعقد نمودند با شور وشعف بتصویب مجلس ایران ومجلس کبیرترکیه رسید.

پس ازبازگشت هیئت اعزامی آقای دکتر رشدی آراس وزیر امور خارجهٔ ترکیه مسافرتی بایران نمود ودرطی ضیافت باشکوهی که بافتخار اوترتیب داده شده بود گفت: «همکاری روزافزونی که بین دوملت برادرمشاهده میشود تنها علامت آن نیست که طرفین بسط روابط دوستی خوداهمیت زیاد میدهند بلکه درعین حال حکایت از آن میکند که با علاقهٔ مفرط بحفظ دوستی باهمسایگان خودعزم راسخ دارند که مبانی صلح را درشرق نزدیك محکم نموده وازاین راه خدمتی باستقرار صلح عالم بنمایند.»

روزنامهٔ اطلاعات که پیوسته درراه تحکیم ارتباط ایران باکشورهای همسایه خصوص ترکیه قلمفرسائی می نمود ورود آقای رشدی آراس را بامسرت تلقی نموده وطی مقاله ای روابط نزدیك وبرادرانهٔ دو کشوررا تشریح نمود و گفت: حصول این اتحاد ویکانگی بیشتر بواسطهٔ کفایت و درایت وزیرامور خارجه زبردست ترکیه است که اینك برای باردوم بکشورما مسافرت میکند. ایشان ٥ سال پیش مسافرتی بتهران موده ونتیجهٔ آن رفع اختلافات سرحدی وآغازدورهٔ نوینی درسیاست ایران وترکیه گردید و اکنون هم مسافرت ایشان موجب تحکیم وتشیید مبانی دوستی دوملت برادر واقدام برای اتحادملل شرق نزدیك واستحکام پایه صلح عالم خواهدبود. نتیجه آن مسافرت بود که پیمان سعدآباد منتهی گردید.

نماینده ایران در جشن تاجگذاری ژرژ ششم : چون ادوارد هشتم پادشاه انگلستان پس از مدت کوتاهی سلطنت نتوانست از مزاوجت با خانم سیمپسون صرفنظر نماید ناچار تاج و تخت سلطنت را ببرادر خود «ژرژ ششم» واگذار کرد.

مرحوم حاج محتشم السلطنه اسفندیاری رئیس مجلس درجشن تاجگذاری ژرژ ششم بسمت نمایندگی ایران شرکت نمود. آن مرحوم در بازگشت از انگلستان، هیتلر صدراعظم آلمان را ملاقات نمود که عکس آن ملاقات در شمارهٔ ۳۱۷۶ چاپ شده. دراین ملاقات پذیرائی گرمی هیتلر ازایشان بعمل آورد. مرحوم اسفندیاری در پایتخت های کشورهای اروپا همه جا مورد تجلیل واحترام قرار گرفت ومهمانی های مفصل بافتخار او داده شد. آن مرحوم روز ۸ تیر ۳۱۶ بتهران بازگشت نمود.

دراین موقع مجلس دهم پایان یافته و مجلس یازدهم هنوز افتتاح نشده بود وایشان برای دوره یازدهم ازتهران بنمایندگی انتخاب شده بودند.

روابط ایران و عراق : روز ۱۱ تیر ۱۳۱۶ دکتر ناجی الاصیل وزیر خارجه عراق برای مذاکره درعقد قرارداد سعد آباد وارد تهران شد.

اطلاعات درسرمقاله خود ازاینکه تیرگی روابط ایران باهمسایگان بکلی رفع گردیده ومحیط دوستانه وصمیمانه پیدا میشود اظهار مسرت نموده ونوشت : «ازیکسال پیش زمزمه میثاق عدم تعرض بین دول چهارگانه شروع شده که مبتکر آن پادشاه ایران میباشد ولی پارهٔ اختلافات بین دول مزبور منجمله ایران وعراق درمسئله سرحدی تاکنون مانع انجام آن شده است واینك بامسافرت وزیرخارجه عراق امید میرود آن اختلافات مرتفع شده وپیمان چهار کشورهمسایه که ضامن صلح وسلامت ملل شرق میباشد امضاء گردد .»

روز ۱۳ تیر اعلامیه مشترکی بامضای وزرای خارجه ایران (مرحوم مدبرالدوله سمیعی) و عراق دکتر ناجی الاصیل صادر گردید مبنی براینکه مذاکرات راجع بسرحدات مشترك و موضوع شط العرب با موفقیت خاتمه یافته منتهی بعقد عهدنامه سرحدی و پرتکل ضمیمه گردید و باانعقاد این عهدنامه اختلافاتی که ازسالیان دراز بین ایران وعراق موجود بود مرتفع گردید وصدق وصفا جای آنرا گرفته است .

دردنبال این اعلامیه عهدنامه های مربوط برفع اختلافات دروزارت خارجه امضاء شد وزمینه مساعد را برای ادامه مذاکره درباره عقد میثاق بین چهار کشور آماده گردید .

ایران و افغانستان : سردار فیض محمدخان وزیرخارجه افغانستان درتاریخ ۱۶ تیرماه وارد تهران شد تادر مذاکرات میثاق سعدآباد شرکت نماید روزنامه اطلاعات ورود این مهمان عالیقدر را گرامی داشته ومقاله‌ای پیرامون روابط ایران وافغانستان بااشاره بمسافرت رجال بزرگ آن دولت منجمله سردار شاه محمودخان سپهسالار افغانستان بتهران نموده ونوشت که اکنون بین دو کشور ودولت حسن تفاهم کامل برقرار میباشد و در این زمان آشفته ای که هرآن برتیرگی ابرهای افق سیاسی گیتی افزوده میشود روابط ما باهمسایگان خود صمیمانه تر میگردد.

یك روز تاریخی در سعدآباد - عصر روز ۱۷ تیر ۳۱۶ هیئت های اعزامی افغان وترکیه وعراق بریاست وزرای امورخارجه این سه کشور درچادری که مقابل قصر شهوند درسعدآباد افراشته شده بود جمع شدند وعهدنامه عدم تعرض را که چون ایران مبتکر آن بود پیمان سعدآباد نام گذارده شد امضاء نمودند بعد وزرای امورخارجه بریاست رشدی اراس که قدیمی ترین وزیرخارجه دول چهارگانه بود جلسه‌ای درقصر شهوند تشکیل دادند وتصمیماتی برای خط مشی آیندهٔ خوددر جامعه اتفاق ملل اتخاذ کردند سپس مرحوم سمیعی قلمهای طلائی را که پیمان وتصمیمات متخذه باآن امضاء شده بود بعنوان یادگار بهمکاران خود تقدیم نمود آنگاه اعلیحضرت فقید در جلسه حضور یافته نسبت به هیئت های اعزامی ووزرای خارجه اظهار محبت نموده ودستور دادند نشان درجه اول همایون بروٌسای میسیون ها و نشان های دیگر به سایر اعضاء بدهند .

خلاصه عهد نامه سعد آباد این است : «دول چهارگانه متعهد میشوند که سیاست عدم مداخله مطلق درامور داخلی یکدیگر راتعقیب کنند ومصونیت حدود مشترك یکدیگر را محترم شمارند ودر کلیه اختلافات بین المللی که بامنافع شرکت آنها مربوط است مشورت نمایند ودر هیچ مورد خواه بتنهائی خواه بمعیت یك یا چند دولت دیگر بهیچگونه عملیات متجاوزانه برعلیه یکدیگر مبادرت ننمایند .

عملیات ذیل تجاوز محسوب میشود : اول اعلان جنك . دوم تهاجم بوسیله قوای مسلح یك مملکت حتی بدون اعلان جنك بخاك مملکت دیگر . سوم حمله بوسیله قوای بری و بحری یا هوائی حتی بدون اعلان جنك بخاك یا سفاین ویا هواپیما های مملکت دیگر - چهارم کمك یا همراهی مستقیم ویاغیر مستقیم به متجاوز

مبادله تلگرافات تبریك: امضای عهدنامه سعدآباد در تمام کشورهای امضاء کننده حسن اثر بخشید ومورد بحث مطبوعات قرار گرفت. در دنبال ضیافت ها ومهمانیهائی که بآن مناسبت در تهران داده شد تلگرافات تبریکی نیز ازطرف شاه فقید به پادشاه عراق وافغانستان ورئیس جمهور ترکیه مخابره گردید و جواب های مسرت بخشی از آنها نیز واصل گردید .

روزنامه اطلاعات اظهار امیدواری نمود که این پیمان مقدمه زمینه همکاری وسیع درجمیع رشته های فعالیت بشری باشد ودر روابط اقتصادی وحل بسیاری ازمشکلات بین ملل همسایه تاثیر کند وموجبات سعادت ورفاهیت و آسایش ملل شرق را فراهم آورد .

روزنامه های ترکیه وعراق وافغانستان هر یك مقالات مفصلی درباره عهدنامه سعدآباد انتشار دادند وایران را تجلیل بسیار کردند واز ترقیات ایران اظهار خوشوقتی ومسرت نمودند .

کارخانه حریر بافی چالوس: روز ١٦ مرداد ٣١٦ شاه فقید و والاحضرت ولیعهد که از راه کلاردشت بمازندران رفته بودند کارخانه حریر بافی چالوس را افتتاح کردند. دراین موقع آقای رئیس الوزراء ووزیران و جمعی ازنمایندگان مجلس ومدیران جراید شرکت داشتند. آقای موسی نوری اسفندیاری رئیس اداره کل صناعت بود که پس از ادای توضیحات، شاه دکمه الکتریکی را فشار داد وماشینهای کارخانه براه افتاد. این کارخانه پیله ابریشم را تبدیل به ریسمان کرده وبعد پارچه های ابریشمی میبافد ، این کارخانه بعدها جوراب ابریشمی زنانه نیز بیرون داد و پارچه های ابریشمی آن با بهترین پارچه های خارجی برابری میکرد ومیرفت توسعه یافته صادرات پیدا کند ولی پس از برهم خوردن اوضاع این کارخانه هم متوقف وحتی رو بقهقرا رفت .

روزیکه شاه فقید کارخانه را افتتاح میکرد هوا درشدت گرما بود ومدعوین درلباس رسمی ژاکت و سیلندر دچار زحمت بسیار بودند واین تشریفات خسته کننده وبیهوده آنهم در کنار دریای خزر برای افتتاح کارخانه مذموم بود اما کسی جرئت انتقاد نداشت .

اطلاعات درسر مقاله خود ١٩ مرداد نوشت : امروز وجود کارخانجات مهم قندسازی ، پارچه بافی ، ریسمان بافی کبریت سازی ، چرمسازی واقسام مختلف کارخانه روح میهن پرستان را بوجد وطرب می آورد . افتتاح کارخانه حریر بافی چالوس نیز صفحهٔ جدیدی در اقتصاد کشور ما بازمیکند زیرا این کارخانه نیز درآینده قسمتی از احتیاجات ما را از خارجه تامین میسازد وبعلاوه محصول ابریشم خام کشور که درطی چند قرن در اروپا وآسیا شهرت بسزائی داشت واین اواخر لطمه بصادرات آن وارد آمده بود اینك درداخل کشور مصرف پیدا میکند .

اعطای اولین درجه دکترای افتخاری: آقای آندره اونورا فرانسوی سناتور و وزیر معارف سابق و رئیس شهر بین المللی دانشگاه پاریس بنمایندگی ازطرف رئیس جمهور فرانسه باتفاق پرفسور هانری ماسه مستشرق معروف فرانسوی بتهران آمدند تا برای تحکیم روابط بین ایران وفرانسه که درآن موقع بر اثر نگارشات پاره از جراید فرانسوی تیره شده بود ازشاه ایران ملاقات بنمایند وموجبات حفظ مناسبات دوستانه دوملت را فراهم آورند. نمایندگان مزبور در نیمه اول مرداد ٣١٦ وارد تهران شدند وحضور اعلیحضرت فقید شرفیاب گردیدند وسپس بافتخار آنها مهمانی ها داده شد واولین درجه دکترای افتخاری ازطرف دانشگاه ایران بایشان طی مراسمی اعطا شد ولباس رسمی استادی دانشگاه نیز بدانشمند عالی مقام فرانسوی تقدیم گردید که روز اجرای مراسم پوشیدند .

آسایشگاه شاه آباد افتتاح شد: روز ٢٤ مرداد ٣١٦ آئین گشایش آسایشگاه شاه آباد با حضور آقای جم نخست وزیر ومرحوم اسفندیاری رئیس مجلس ومرحوم فروغی و جمعی از رجال دیگر افتتاح یافت واطلاعات که پیوسته موضوع حمایت مسلولین را مورد بحث قرار میداد وازلزوم توسعه و تکمیل مؤسسات صحی صحبت میکرد بمناسبت انجام این فکر که آقای دکتر دانشوری کوشش فراوان در تاسیس آن نمودند وسهم بسزائی دراین امر خیر دارند مقالاتی انتشار داد و گفت: کسانی که باهمیت بیماری های گوناگون ریوی بخصوص سل آگاهند میدانند که تاسیس این آسایشگاه که برحسب امر اعلیحضرت در یکی ازبناهای قدیم سلطنتی در شاه آباد دایر گردیده ودر یکی از نقاط ییلاقی خوش آب وهوای تهران میباشد چقدر مهم وشایسته تمجید است ولی این مریضخانه کافی نمیباشد وتنها شهر تهران نیست که این مرض مهلك درآن رواج دارد بلکه درخیلی ازشهرهای ایران مسلول هست که بین مردم زیست میکنند وجا دارد مردم خیرخواه کشور بفکر جلوگیری ازشیوع این مرض باشند وتوجه نمایند که این عده ازمردم درمقابل حکم شرع و وجدان و عقل مستحق هرگونه مساعدت ویاری هستند وهمه باید در این راه خیر کوشش نمایند .

در اثر تشویقات زیاد روزنامه اطلاعات ونوشتن اخبار ومقالات وتوجه دادن مردم خیراندیش نوعپرور کشور باین امر مهم صحی چیزی نگذشت که بنگاه حمایت مسلولین مرکب ازجمعی مردم بشر دوست وخیرخواه تشکیل گردید که مدیر

اطلاعات و یانمایند‌ه روزنامه اطلاعات پیوسته عضو ومشوق این جمعیت بوده وبرای پیشرفت افکار ونظریات نوعپرستانه آنها ازطرف این روزنامه کوشش و همکاری صمیمانه بعمل آمد.

دوره یازدهم قانونگذاری : روز بیستم شهریور ۱۳۱۶ شاه فقید برای اولین بار والاحضرت ولیعهد را درآئین افتتاح مجلس شرکت داد- وقتی شاه خطابه افتتاحیه را میخواند والاحضرت هم دو قدم پشت سر ایشان ایستاده بود. اعلیحضرت فقید در نطق افتتاحیه گفت: «چون اوضاع عمومی جهان ایجاب میکرد که مانیز بیش از بیش درتحکیم بنیان صلح بکوشیم پس ازرفع اختلافات سرحدی باعراق قراردادی راکه در طرح آن قبلا توافق حاصل شده بود بادول دوست وهمسایه خود افغانستان وترکیه وعراق بنام پیمان سعدآباد منعقد نمودیم واین پیمان درشرق بی‌سابقه بود و در این هنگام که امور عالم دوچار آشفتگی است مبدی بزرگ ببقای صلح خواهدبود در امور داخلی سیاست دولت‌من تعقیب روش دوره پیشین وتکمیل اصلاحات است که همه علاقمندان بترقی کشور باید بکوشند که بیش ازپیش فروغ حیات بخش تمدن‌درتمام شئون اجتماعی کشوربتابد»

درهمین روز بود که از روی مجسمه اعلیحضرت فقید درمیدان بهارستان پرده برداشته‌شد وآئین گشایش آن بانطق آقای بهرامی شهردار تهران ونطق آقای جم رئیس‌الوزراء انجام پذیرفت.

مسافرت مدیر اطلاعات باروپا : آقای مسعودی مدیر اطلاعات در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۱۶ بار دیگر برای‌چند ماه باروپا مسافرت نمود مسافرت اولی ایشان که ششماه طول کشید برای مطالعه دراوضاع اجتماعی مردم مغرب زمین ودیدن کشورهای مترقی بودو این‌مرتبه پس از چندروز بستری شدن برای معالجه باروپا میرفت. در این نوبت پس از معالجه چندماهی‌را برای استراحت ومطالعه در کشور آلمان وفرانسه و سویس گذرانید و ازآنجا بایطالیا وسپس‌بمصر وفلسطین مسافرت نمودودر عراق‌چندروزی اقامت گزیدوبخصوص در کشورهای اسلامی‌شرق بامجامع‌ومحافل مطبوعاتی تماس گرفت ودرعراق‌مورد پذیرائی مجللی‌ازجانب‌مطبوعات آن کشور واقع شد.

ادارات تجارت و صناعت وزارتخانه شد : روزچهارم مهرماه ۱۳۱۶ اداره‌کل تجارت و اداره‌کل صناعت تبدیل بوزارتخانه شد. آقای‌علاء رئیس‌کل تجارت بسمت وزارت تجارت و اقای‌فرخ رئیس‌صناعت بوزارت صناعت معرفی شدند.

گشایش کارخانه دخانیات: وضع تهیه سیگاردرهرنقطه کشورصورت خاصی‌داشت. برای تمرکز امور دخانیات اقدام باحداث‌کارخانجات دخانیات شد. کارگران‌سیگارپیچی را بکارخانجات دخانیات گسیل داشتند و فروشندگان سیگاررا هم درشرکتهای توزیع سهیم نموده وبکار گماشتند. روزپنجم مهر ۱۳۱۶ اعلیحضرت فقید کارخانجات دخانیات را که باهشت ساعت‌کاردوازده‌میلیون ونیم سیگارو۲۲هزار کیلو توتون چپق وهشت هزار کیلوتنباکوتهیه میکرد بازدید وافتتاح نموده وازآنروزتهیه سیگاردرخارج ازکارخانه بکلی قدغن گردیدوزارعین ناچارشدند که محصول خودرا بدولت فروخته و احتیاجات خود را نیزاز لحاظ دخانیات ازشرکت های توزیع تأمین نمایند.

دربدوکاربرای صادرات توتون وتنباکووسیگارت اقداماتی بعمل‌آمد وپیشرفتهائی نیزحاصل شد ولی متاسفانه بعد سیرقهقرائی نمود وبعضی ازکشورها مخصوصاًکشورهای عربی وخاورمیانه که معتاد بتنباکو وتوتون ایران بودند برائراهمال مامورین وصادرکنندگان ازمصرف دخانیات ایران صرفنظر کردند ومحصول کشور های دیگرجای محصول‌مارا گرفت درصورتیکه باعوارض سنگینی که بعضی‌ازکشورهابرای تنباکوی ایران‌وضع‌نموده‌اند هنوزهم بقیمتهای‌گران تنباکوی اصفهان در کشورهای عربی خریداردارد و بایستی دولت نسبت بصادرات توتون وتنباکونیزتوجه عمیقی مبذول دارد.

توجه بکشاورزی : روز نامه اطلاعات درسال دوازدهم خدمتگذاری خود بیشتر مقالات روزنامه را براهنمائی رعایاوکشاورزان اختصاص‌داده ومقالات زیادی‌در اطراف لزوم تغییراسلوب‌کشاورزی و ماشینیزه کردن آن‌منتشر نموده‌وارتقاء زندگی ده‌نشینان وکشاورزان راشرط‌اول رفاه وآسایش‌آنها دانسته است ولی‌متاسفانه در بیشتر نقاط کشور باین‌مسئله حیاتی‌توجه نشده ومالکین یانخواستند ویا نتوانستندکه این فکر راعملی نمایند.

این‌مسئله بدیهی‌است که دردنیای امروزمحصول‌دست‌را باماشین نمیتوان معاوضه‌نمود وتااین نقص‌اساسی‌مرتفع‌نشود

آسایش و رفاه مزارعین و کشاورزان ما تامین نخواهد شد .

خروج ایتالیا از جامعه ملل : هنگامیکه دولت ایتالیا اقدام بتصرف حبشه نمود جامعه ملل مقرر داشت که دولت‌های عضو آن مؤسسه فشار اقتصادی برضد ایتالیا وارد سازند و در نتیجه این پیشآمد حکومت رم نمایندگان خود را از ژنو احضار نمود . تعقیب سیاست ژنو و اصرار در نشناختن استیلای ایتالیا بر حبشه وعنوان امپراطوری ایتالیا از طرف دولت‌های دیگر، موسولینی را وادار بنطقی از کاخ ونیز نمود که طی آن خروج ایتالیا را از جامعه ملل اعلام داشت و با خروج ایتالیا و در پی آن آلمان از جامعه ملل دنیا بدو دسته تقسیم شد .

درگذشت سمیعی وزیر خارجه : شب ششم اسفندماه ۱۳۱۶ آقای عنایت الله سمیعی وزیر امور خارجه که خدمات مؤثری در مقامات مختلف انجام داده بود برحمت ایزدی پیوست. یکی دو ماه وزارت خارجه بی سرپرست بود تا اینکه آقای علی سهیلی که در آنموقع وزیر مختار ایران درلندن بود بتهران احضار و بسمت وزیر خارجه انتخاب گردید.

الحاق اطریش به آلمان : روز ۲۱ اسفند ۱۳۱۶ با تهیه مقدمات قبلی چند دسته از نیروی موتوریزه آلمان وارد اطریش شد و در نتیجه الحاق اطریش بآلمان اعلام گردید.

اعزام مهاجرین بایران : روز پنجم فروردین ۱۳۱۷ اولین کشتی حامل هفتصد نفر از مهاجرین به بندر پهلوی وارد گردید و از آن پس مرتب همه هفته از نقاط مختلف شمالی دسته دسته مهاجرین بایران وارد میشدند وضع زندگی مهاجرین بسیار تاثرآور بود. دولت برای سروسامان دادن بزندگی و تهیه کار برای آنها اقدام نمود بنگاههای خیریه از قبیل شیروخورشید سرخ نیز برای کمك بمهاجرین شروع بفعالیت نمودند . مردم نیز از کلیه نقاط کشور بیاری آنها برخاستند و اعانات زیادی برای کمك بمهاجرین پرداختند .

یکمده از نمایندگان وزارتخانه‌ها مامور رسیدگی بوضعیت مهاجرین شدند و هردسته را بفراخور وضعی که داشتند بنقاط مختلف فرستاده و بکاری گماشتند. در بین این مهاجرین عناصر مشکوکی هم وجود داشت که چه در همانموقع وچه پس از واقعه سوم شهریور ۱۳۲۰ بخوبی شناخته شدند.

گشایش تونل کندوان : روز ۲۷ اردیبهشت ۱۳۱۷ تونل کندوان در جاده مخصوص از طرف اعلیحضرت فقید افتتاح شد .

قبل از احداث این تونل عبور از جاده مخصوص که نزدیکترین خط بین تهران و دریای خزر بود بصعوبت انجام می‌گرفت و پنج ماه از سال این قسمت از خط مستور از برف بود. با احداث این تونل تسهیلات زیادی درعبور و مرور از جاده مخصوص فراهم گردید .

کارخانه برق تهران : اوایل خرداد ۱۳۱۷ کارخانه برق تهران شروع بکار نمود. دردرجه اول روشنائی خیابانهای شهر را تامین کرد وسپس شروع بدادن برق بمردم نمود. در ابتدای امر استقبال زیادی از برق تهران نشد و اداره برق ناچار متوسل به آگهی و تقاضا از صاحبان مغازه‌ها برای دریافت کنتور و استفاده از برق شد ولی پس از چندی که دستگاه فرستنده رادیو نصب گردید مردم برای گرفتن برق بریکدیگر سبقت جستند بلافاصله عدم تکافوی نیروی برق احساس شد و در نتیجه قراردادی با دیپانی اشکودا برای خرید کارخانه دیگری منعقد گردید وقسط اولیه آن نیز پرداخته شد متاسفانه ده سال از آن تاریخ میگذرد و هنوز معلوم نیست که این کارخانه حمل خواهد شد یانه ؟

اعلام مراسم نامزدی- روز پنجشنبه پنجم خرداد ۱۳۱۷ طی یك اعلامیه‌ای که از دربار شاهنشاهی صادر گردید مراسم نامزدی والاحضرت ولایتعهد باوالاحضرت شاهزاده خانم فوزیه در تهران منتشر گردید. دو روز بعد آقای جم نخست وزیر بمجلس آمده وصلت خانواده سلطنتی ایران باخانواده سلطنتی مصر را اعلام نمود و ماموریت خود را برای انجام مقدمات مواصلت ومسافرت بقاهره خاطرنشان ساخت. این خبر درمحافل داخلی وخارجی انعکاس خوبی داشت تلگرانهای شاد باش از طرف کلیه سلاطین وروسای کشورها باعلیحضرت فقید مخابره شد و در تمام نقاط کشور مجالس جشن و سرور برپا گردید و همه از این مواصلت ابراز خورسندی و شادی نمودند

موقوف شدن امتیاز نفت شمال شرق: در اواخر سال ۱۳۱۵ دو فقره امتیاز برای استخراج نفت و لوله کشی در استانهای شرقی ایران بشرکت امریکائی داده شده بود شرکت مزبور بلافاصله اقدام بتحقیقات و اکتشافات نموده و عده از کارشناسان خود را با وسایل و احتیاجات لازم بنقاط مختلف حوزه امتیاز فرستاده و مشغول بررسی بودند تا اینکه روز ۲۴ خرداد ۱۳۱۷ آقای بدر وزیر دارائی در مجلس حضور بهمرسانیده و گفت:

اخیراً نامه ای از طرف نمایندگان شرکت بوزارت مالیه فرستاده شده که بموجب آن طبق ماده ۲۴ امتیاز نامه تصمیم خودشان را بصرفنظر کردن از استفاده از امتیاز نامه اعلام داشته اند.

دولت هم از نامه شرکت اتخاذ سند نموده و وظیفه خود دانست مراتب را باطلاع مجلس شورای ملی برساند.

در این باره روایات بسیاری وجود داشت که یکی از آن ها اشکال تراشی خارجی ها در این کار بود و گفته میشد با فراهم کردن موجبات وحشت و نگرانی کمپانی امریکائی مانع از امضای قـرار دادو تعقیب قضیه شدند، روایت دیگر اینست که کمپانی نفت امریکائی قصد داشت لوله کشی نفت را بدریای خزر برساند و از آنجا نفت را با کشتی های حامل نفت بدنیا ارسال دارد و وقتی بمشکلات ترانزیت خاك شوروی بر خورد آن ها زیر بار نرفتند و حساب کرد که رسانیدن نفت از مناطق شمالی ایران بدریای خلیج فارس متضمن مصارف بسیاری میباشد و لوله کشی تا خلیج فارس خیلی گران تمام میشود و مقـرون بصرفه نیست باین جهت صرف نظر کرد. در هر صورت اعم از این که اشکال تراشی از ناحیه شمال یا جنوب بود کمپانی های امریکائی کنار رفتند و این فکـر مفید و نقشه عالی اقتصادی که ذخایر زیر زمینی بهره برداری میشد عقیم و هم چنان در بوطه اجمال باقی ماند.

بر کناری دو وزیر از کار ـ روز ۲۳ تیرماه آقای علی اصغر حکمت وزیر معارف و آقای سهیلی وزیر امور خارجه از کار بر کنار گردیدند.

علت بر کناری را محافل مطلع مخابره دو تلگراف بیکی از کشورهای خارجی بدون جلب نظر اعلیحضرت فقید میدانستند. آقای مظفر اعلم وزیر مختار ایران در عراق بجای آقای سهیلی بسمت وزیر خارجه و مرحوم اسمعیل مرآت بجای آقای حکمت بکفالت وزارت فرهنگ منصوب شدند.

گشایش کارخانه شهباز ـ روز اول مرداد ۱۳۱۷ کارخانه هواپیما سازی شهباز که مدت دو سال مشغول بکار بود از طرف اعلیحضرت فقید بازدید ورسما گشایش یافت.

دراین روز جمع کثیری از رجال و نمایندگان مجلس وافسران ارشد در محل کارخـانه حاضر بودند و دو دسته از هواپیماها که در کارخانه مزبور نصب وآماده شده بود به پرواز درآمدند اعلیحضرت فقید خلبانان را تشویق نموده و از این موفقیت بی اندازه مسرور بود. در این کارخانه قطعـات مختلف هواپیما باستثنای موتور تهیه میگردید.

بعد از شهریور واشغال ایران ازطرف متفقین این کارخانه نیز مثل سایر کارخانجات کشور مورد استفاده آنها واقع گردید و برای پیشرفت کارهای خودشان بتوسعه کارخانه مزبور همت گماشتند و در حال حاضر کارخانه هواپیما سازی یکی از کارخانه های خوب ارتش میباشد.

شرکت در نمایشگاهها و مکاره‌ها: مقالات مؤثر وسودمندی که مدیر اطلاعات دربـاره تشویق بازرگانان بشرکت در نمایشگاههای بین المللی و بازارهای مکاره مینوشت تأثیر خود را در افکار عمومی بازرگانان مخصوصا تجار صادر کننده نموده و انتشار عکسها وتشریح جریان افتتاح و گشایش مکاره‌ها و نمایشگاهها آنان را معتقد بشرکت در نمایشگاهها کرده بود چنانچه در سال ۱۳۱۷ بازرگانان ایرانی درمکاره سالونیك ـ مکاره باری ایتالیا ـ مکاره ازمیر ترکیه ـ مکاره پائیز لایپزیك ـ مکاره پراك ـ مکاره بین المللی لهستان و نمایشگاه بین المللی نیویورك در امریکا شرکت نموده واقدامات مؤثری برای شناساندن ومعرفی کالاهای ایرانی ببازارهای دنیا نمودند.

انتخاب وزیر صناعت: آقای علی منصور که پس ازصدور حکم برائت مدتها ازکار بر کنار بود روز ۲۶ مرداد ۱۳۱۷ بکاخ سلطنتی احضار وبسمت وزیر صناعت منصوب و آقای فروهر وزیر صناعت بسمت وزیر کشور برقرار گردیدند.

اتصال راه آهـن سراسری: روز چهارم شهریور ۱۳۱۷ اعلیحضرت فقید در ایستگاه سفید چشمه

که بعد بایستگاه نوزیه مبدل شد آخرین پیچ ومهره خط آهن سراسری کشوررا محکم نموده وطی نطق اظهارداشتند:

« من ازمردم ایران فوق العاده راضی ومسرور هستم که برای اصلاحات کشور ازصمیم قلب حاضربوده و مخارج راه آهن را باطیب خاطر پرداختند زیرا تشخیص دادند که این اقدام موجب سعادت و ترقی ایران است. ملت ایران مردم شرافتمند ونجیبی هستند ودرهرموقع همینقدر که تشخیص دادند اقدام واصلاحی برای تعالی وپیشرفت کشور آنها مفیداست ازابراز هیچگونه فداکاری وعلاقمندی خودداری نمیکنند. حقیقتا ملت ایران مردم باشهامت ونجیب ودارای صفات ممتازه‌ای هستند وبراهنمائی ومصلحت اندیشی که برای خیرخودشان و کشورشان میشود هدایت میشوند وپیروی مینمایند. »

نخستین قطاری که ازبندرشاهپور حرکت نموده بود بطرف پایتخت رهسپار گردید وبدینوسیله ساختمان راه آهن سراسری کشورخاتمه یافت وآماده بهره برداری شد.

نمایندگان سیاسی خارجی مقیم تهران، نمایندگان مجلس، هیئت دولت وجمعی ازرجال که بنابدعوت وزارت طرق بسفیدچشمه مسافرت نموده بودند درتشریفات رسمی اتصال آخرین پیچ ومهره خط آهن سراسری که بدست شاه وولیعهد انجام شد حضورداشتند روزبعد درایستگاه تهران نیزتشریفات مفصلی بعمل آمد وپس از رسیدن قطار آقای اسفندیاری رئیس مجلس خطابهٔ مشروحی ایرادنموده وانجام این امر خطیر را بشاهنشاه فقید بنام ملت ایران تبریك گفت .

در همین روز دستور احداث خط آهن تهران بآذربایجان و تهران بمشهد وتهران بیزد صادر گردید و باسرعت مشغول عملیات ساختمانی شدند. تا سوم شهریور کارهای ساختمانی درهرسه خط ادامه داشت و بعضی از قسمتهارا هم اقدام به بهره برداری نمودند ولی متاسفانه باپیشامدشهریور ماه بکلی عملیات ساختمانی تعطیل شدوچه بسا ایستگاهها و پلها وخاکریز ها درطول این سه خط بوضع اسف آوری درآمد وتااینکه درسال گذشته فعالیت ساختمانی مجددا آغاز گردیدولی کارها بکندی جریان دارد ومعلوم نیست که این خطوط نیمه تمام چه موقع بمقصدخواهدرسید.

ورود قماش نخی ممنوع گردید: درسهمیه سال ۱۳۱۷ ورود کلیه پارچه های پنبه‌ای — ارمك — فاستونی ودیاگنال نخی — متقال وناشور وپارچه های بافته شده بانخ خام — کتان — پارچه‌های پیچازی — پارچه های پیراهنی مردانه بانخ غیر مرسریزه — پارچه های توری پیراهنی — پارچه کرکی برای اولین دفعه ممنوع گردید .

این اقدام موجب خوشوقتی کارخانجات داخلی و کلیه صاحبان کارگاههای دستی شد و روز بروز سعی میکردند که پارچه‌های بهترو بیشتری تحویل بازار های داخلی نمایند.

دوره ولیعهدی دانشکده افسری : روز ۳۱ شهریور ماه ۱۳۱۷ والاحضرت ولیعهد در جشن فارغ التحصیلی دانشکده افسری بگرفتن دانشنامه نائل واعلیحضرت فقید نشان لیاقت را بسینه معظم‌له نصب نمودند.

این دوره دانشکده دوره ولیعهدی نامیده شد واعلیحضرت فقید طی نطق مشروحی خطاب بدانشجویانی که بدرجه افسری مفتخرشده بودند گفتند :

« همینقدر سربلندی وسرافرازی برای شماست که ولیعهد کشورتان باشما دراین دوسال موافق تمام شرایط وقواعد نظام دوره دانشکده افسری راطی نموده ودرتمام تمرینات وتعلیمات ارتشی دانشکده شرکت کرد واین خود بهترین سرمشق فداکاری، ووظیفه شناسی برای شما میباشد. کشورایران بواسطهٔ موقعیت جغرافیائی مخصوص خود نیازمند یك ارتش بزرگ ونیرومند میباشد که ازهرجهت حافظ ونگهبان مصالح ومنافع کشور باشد. متأسفانه درگذشته این مسئله مهم را مهمل گذارده وتوجهی بآن نداشته‌اند ولی اکنون جای مسرت است که تمام ابناء کشور باعلاقه کامل خودرا آماده خدمت سربازی مینمایند. »

گشایش هنرستان دختران : عصر روزسوم مهرماه ۱۳۱۷ عمارت هنرستان دختران که ساختمان آن در آذرماه سال ۱۳۱۴ آغاز شده بود ازطرف اعلیحضرت فقید بازدید گردیده و گشایش یافت .

بانومریم اردلان مدیرهنرستان دختران درگزارش خودگفت که این عمارت برای تربیت دویست نفردوشیزه درنظر گرفته شده که مدت سه سال بفرا گرفتن احتیاجات لازمه زندگی ازقبیل خانه داری، آشپزی، شیرینی پزی، خیاطی، پرستاری، کارهای دستی تحت تعلیمات بانوان مربی قرارمیگیرند ودرضمن تحصیلات خود را تاکلاس ششم ابتدائی تکمیل خواهند نمود .

نیروی آلمان وارد چکوسلواکی شد : پس از یکرشته جنگ اعصاب شدید در اروپا و اجتماع سران کشورهای انگلیس و فرانسه وایتالیا در مونیخ ومذاکرات مفصل چمبرلن و دالادیه و موسولینی وهیتلر قراردادی راجع بالمانیهای سودت مقیم چکوسلواکی امضاء ومقرر شد در ظرف ده روز نواحی آلمانی های سودت را ارتش آلمان تصرف نماید واین تصرف نسبت بچهار منطقه مجرا شود واز طرفی یك کمیسیون بین‌المللی مناطقی را که بایددرآن نقاط مراجعه بآراء عمومی بشود اداره کند.

درنتیجه اجرای پیمان مزبور مساحت بیست و هشت هزار و یکصد و نود و سه کیلومتر مربع ضمیمه خاك آلمان گردید. نواحی ضمیمه شده دارای سه میلیون و پانصد ونود وشش تن جمعیت بود. چند روز بعد از انعقاد این پیمان ادوارد بنش رئیس جمهور چکوسلواکی استعفا نموده و از کشور خارج گردید و بعد امیل‌هاشا بجای او برگزیده شد .

اطلاعات در دوازده صفحه : روزنامه اطلاعات ازآغازسال سیزدهم خوداغلب درده‌صفحه وبعضی ازروزها که خبرهای خارجه‌وداخله مهم‌بوده دردونوبت منتشر میشد یعنی یکنوبت غروب وچاپ‌دوم درچهارصفحه درحدود دوساعت ازشب گذشته تااینکه درتاریخ۹مهرماه ۱۳۱۷چهار صفحه بصفحات‌آن افزوده شد واز تاریخ مزبور مرتب در۱۲صفحه منتشر گردید .

آقای‌مسعودی درباره افزایش صفحات چنین مینویسد :

«کارکنان اطلاعات همیشه سعی داشته‌اندکه روزنامه راتاجائیکه میسر ومقدور است‌کامل انتشار بدهند و خوانندگان‌گرام راازکلیه وقایع‌داخلی وخارجی درزودترین فرصت ممکن آگاه ساخته وضمنا مطالب سودمندی رانشردهند . ابتدانظرما این‌بود روزهائیکه خبرهای خارجه زیاد است روزنامه رادردو نوبت ودو وقت انتشار بدهیم‌ولی‌این نظرباشکالاتی مواجه‌گردید یعنی‌از یکطرف مشکلات فنی‌درکار چاپ پیدا شد و از طرفی بواسطه دونوبت منتشرشدن موجب‌شکایت زیادی ازطرف بسیاری ازخوانندگان‌گرام‌که روزنامه به‌آنها دیرمیرسید گردید و رویهمرفته این‌آزمایش و نظری که اداره در نشر تمام مطالب مفید و اخبار جامع همیشه داشته ودارد وعدم گنجایش هشت‌صفحه فعلی‌برای‌نشر مطالب مارامتوجه ساخت که بجای‌این ترتیب‌که گاه بگاه ممکن‌بود روزنامه‌در دونوبت نشرشود یك‌جهت روزنامه زادردوازده‌صفحه بطورکامل چاپ نمائیم بنا براین چهار صفحه بهشت صفحه همیشگی افزوده‌میشود ومرتب روزنامه دردوازده صفحه منتشرخواهدشد .»

افزایش صفحات روزنامه وسیله شدکه ازنویسندگان ودانشمندان بیش‌ازبیش‌استفاده شده وآثار گرانبهای آنان زینت‌بخش صفحات اطلاعات شود .

یکی ازکسانی‌که ازسال سیزدهم اطلاعات آثارش دراین‌روزنامه منتشرگردید دانشمند محترم آقای‌راشد بوده‌اندکه مقالات اجتماعی واخلاقی‌ایشان ازآنموقع مرتب مورد استفاده عامه قرارگرفته‌است. از طرفی چون وضع دنیا دچارآشوب شده بود برای اینکه عامه ازاوضاع سیاسی‌دنیا مستحضرشوند مهمترین مقالات سیاسی بقلم‌سیاستمداران بزرك بوسیله‌خبرنگاران‌اطلاعات ومترجمین‌زبردست‌اقتباس گردیده ودرروزنامه اطلاعات‌دردسترس عامه قرار گرفته است .

افزایش صفحات‌ژورنال دوتهران : ازاول‌آبان ۱۳۱۷دوصفحه بصفحات ژورنال دو تهران نیز افزوده‌شد. در این روزنامه علاوه برمطالب وجریانات وحوادث جاری مقالاتی مربوط بباستان شناسی و تاریخ ادبیات ایران وهمچنین مقالاتی‌که ایران را بیشتر بخارجیان بشناساند اختصاص داده شد .

گشایش کارخانه قند سازی شازند : روزچهارم‌آبان ۱۳۱۷آقای نصر معاون وزارت پیشه وهنر پس‌از تشریح موقعیت‌شازندواستعدادآن‌نقطه برای چغندر کاری درحضورجمعیت کثیری‌که باقطار بشازنداراك مسافرت نموده بودندکارخانه قند آنجا راافتتاح نمودند .

اعطای صفت ایرانی بوالاحضرت فوزیه و تفسیر قانون‌اساسی : درتعقیب اعلام‌نامزدی والاحضرت ولایتعهد ووالاحضرت فوزیه روزچهاردهم آبان ۱۳۱۷ دولت لایحه‌ای بمجلس تقدیم نموده و اصل ۳۷ متمم قانون اساسی را بشرح‌زیر : «منظور از مادرایرانی الاصل مذکور دراصل ۳۷ متمم قانون اساسی اعم است ازمادری که‌مطابق شق‌دوم ازماده ۹۷۶ قانون مدنی دارای نسب‌ایرانی باشد یامادری که قبل‌از عقدازدواج باپادشاه یا ولیعهد ایران باقتضای مصالح عالیه کشور به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی بموجب فرمان پادشاه عصرصفت‌ایرانی باو اعطاء شده‌باشد» تفسیرنمود ومجلس باابراز احساسات باتفاق‌آراء‌تصویب‌نمود.

در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۱۷ نیز در میان شور وشعف نمایندگان این ماده واحده بتصویب مجلس رسید:
« مجلس شورای ملی نظر بتفسیر اصل ۳۷ متمم قانون اساسی باقتضاء مصالح عالیه کشور بنابر پیشنهاد دولت تصویب مینماید که بوالاحضرت فوزیه دختر اعلیحضرت مرحوم ملک فواد وخواهر اعلیحضرت ملک فاروق پادشاه مصر بموجب فرمان همایونی صفت ایرانی اعطاء شود »

درگذشت کمال آتاتورک: در شماره روزجمعه بیستم آبانماه ۱۳۱۷ روزنامه اطلاعات در گذشت کمال آتاتورک را باطلاع ملت ایران رسانید در این موقع اعلیحضرت فقید ووالاحضرت درصفحات شمال بسر می بردند آقای مظفر اعلم وزیر امور خارجه مراتب راسریعا باطلاع ایشان رسانید وطبق دستور اعلیحضرت فقید آقای مظفر اعلم وزیر خارجه درسفارت ترکیه حضور بهمرسانیده ومراتب تاثر و تالم خانواده سلطنتی و دولت وملت ایرانرا بسفیر کبیر ترکیه ابلاغ نمود.

آقای فهیمی سفیر کبیر دولت ایران مقیم آنکارا باسمت فوق العاده و هیئت لشگری مرکب از تیمسار سرلشگر نخجوان و تیمسار سرتیپ کوپال وسرکار سرهنگ ارفع ویکدسته مرکب از پنجاه و دونفر از سپاهیان وسه نفر ازافسران برای شرکت درمراسم تشییع بآنکارا اعزام گردیدند.

روزنامه اطلاعات خدمات کمال آتاتورک و ابراز تاثر وتاسف ملت ایرانرا از این حادثه طی مقالاتی خاطر نشان ساخت وچندروزصفحات اولیه روزنامه اختصاص باین موضوع داشت.

گشایش کارخانه ریسندگی قم - چندنفر ازبازرگانان باتشکیل شرکت سهامی اقدام بتاسیس کارخانه ریسندگی درقم نموده بودند روز پنجشنبه سوم آذر ۱۳۱۷ مراسم گشایش این کارخانه باحضور مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی وآقای منصور وزیر پیشه وهنر وجمعی ازمعاریف که باقطار بقم مسافرت نموده بودند انجام گرفت.

مرحوم اسفندیاری درنطق مشروح خود اقدام مرحوم قیصریه وسایر بازرگانانی که اقدام بتاسیس کارخانه ریسندگی نموده بودند ستود.

روزنامه اطلاعات دراین باره نوشت «تاکنون کارخانه های بسیاری در کشور گشایش یافته و برای هر یک تشریفاتی انجام شد ولی تشریفاتی که در گشایش کارخانه ریسندگی قم صورت گرفت در بین گشایش کارخانه های ملی بی سابقه بود.

ایجاد این کارخانه درشهرستان قم کمک مؤثری باهالی وساکنین این سامان می کند ازآنجمله تاکنون درحدود پانصدنفر کارگر بکار گماشته شده اند که ازنتایج کار، خودوعائله آنها اعاشه میکنند. ازطرفی تصمیم گرفته شدکارخانه شب وروز درکار باشد تاتعداد کارکنان آن دوبرابر واثرات اقتصادی آن در زندگانی اهالی وتامین آسایش آنان توسعه یابد.»

تاشهریور ۱۳۲۰ برکارخانجات داخلی مرتب افزوده میشد ولی متاسفانه ازآن ببعد نه تنها کارخانه ای دیگر تاسیس نگردید بلکه هرچندیکبار یکی ازکارخانجات اعم ازریسندگی وبافندگی وسایر کارخانجات صناعی دیگر مثل کارخانجات انارک واغلب ازکارخانجات اقتصادملی یکی پس ازدیگری تعطیل می شود و معلوم نیست برای حفظ این سرمایه های ملی ودولتی ووسیله اعاشه وارتزاق هزاران هزار افراد زحمت کش این کشورچه موقع چاره ای خواهند اندیشید.

کفالت وزارت راه: روز هشتم آذرماه ۱۳۱۷ مرحوم آهی وزیر راه که خدمات مؤثری در اتمام راه آهن سراسری نموده و کراراً مورد تشویق اعلیحضرت فقید قرار گرفته بود براثر کسالت و احتیاج بمعالجه از پست وزارت راه معاف شد و آقای دکتر سجادی معاون آنوزارتخانه بسمت کفالت وزارت راه منصوب گردید

پوند پایه طلا را از دست داد: افزایش واردات وتقلیل صادرات انگلستان وبحران شدیدی که در امور بازرگانی آنکشور پدیدار شده بود دولت انگلستان را ناچار نمودکه پایه طلای پوند را ازدست بدهد و این عمل تاثیر عجیبی در بازارهای دنیانمود

از دست دادن پایه طلا ازطرف دولت انگلستان دربازار ایران و امور اقتصادی کشور ما تاثیری نکرد زیرا درآمد نفت جنوب که اقلام مهم ذخیره ارزی کشوررا تشکیل میداد بموجب پیمان منعقده برپایه طلا قرارداشت ازطرفی سرمایه های ایرانی در داخل کشور جریان داشت ومردم بهیچوجه حاضر نبودند که سرمایه های خودرا برخلاف امروزدربانک های خارجی متمرکز سازند از اینرو تاثیرآن در اموراقتصادی کشورما زیاد نبود.

کفیل شهرداری تهران: روز چهارم دی مرحوم قاسم صور فرماندار گیلان بکفالت شهرداری تهران منصوب گردید.

قطع روابط با کشور فرانسه: انتشار مقالات برعلیه کشور ما درجراید فرانسه اعلیحضرت فقید را متاثر کرده بود. اقدامات سیاسی چه درتهران وچه درفرانسه بجائی نرسید وحتی مطبوعات فرانسه که از اقدامات مامورین سیاسی ایران درآنکشور مستحضر شده بودند بانتشار مقالات افزوده بودند تا اینکه روز هشتم دیماه ۱۳۱۷ دولت بوزیر مختار ایران در پاریس دستور داد که طی یادداشت رسمی قطع روابط سیاسی را بدولت فرانسه اطلاع دهد این قطع روابط سیاسی تا ۳۰ بهمن ۱۳۱۷ ادامه داشت.

تعدیل مال‌الاجاره مستغلات: موضوع تعدیل کرایه مستغلات وحفظ حقوق مستاجر مخصوصا رعایت سرقفلی وسابقه پیشه‌وران یکی از موضوعاتی است‌که همواره مطمح نظر مدیر اطلاعات بوده و در هر موقع از دادن نظریات صحیح و راهنمائی مالکین و مستاجرین برعایت حق و انصاف و عدم تجاوز بحقوق یکدیگر خودداری ننموده‌است.

تاثیرهمین مقالات ونوشته‌ها بود که درسال ۱۳۱۷ قانون تعدیل مال‌الاجاره رابوجود آوردواولیای دادگستری‌مجبورشدندکه توجه‌سریعی‌نسبت‌باین‌موضوع که یکی‌از حوائج‌زندگی‌عمومی‌بود بنمایند.

از آن پس نیز همواره در روز نامه اطلاعات در باره اصلاح قانون تعدیل اجاره بها و رعایت حال مستاجرین و پیشه وران مقالات زیادی منتشر گردیده و در هر موقع از راهنمائی های لازم خودداری نگردیده است.

تخفیف درکرایه خشکبار: طبق تصویب نامه هیئت وزیران مورخ ۱۹ دی ۱۳۱۷ در کرایه محصول خشکبار خراسان وآذربایجان برای صدور باراه‌آهن پنجاه‌درصد تخفیف منظور گردید.روزنامه‌اطلاعات دردنباله یك سلسله مقالات اقتصادی ازاین تصمیم‌هیئت دولت اظهار خوشوقتی نموده واین اقدام دولت رابمنظور تشویق صادر کنندگان ستود.

سازمان پرورش افکار: بموجب تصویب‌نامهٔ هیئت‌وزیران سازمانی بنام‌سازمان پرورش‌افکار درتهران تاسیس گردیدوآقایان‌دکترصدیق-دکترشایگان-دکترآشتیانی-فروزانفربموجب‌تصویب نامه مورخ ۲۲دی ۱۳۱۷ بکارمندی هیئت‌مرکزی سازمان منصوب شدندکه‌تحت نظرآقای دکترمتین دفتری‌وزیر دادگستری انجام وظیفه نمایند.

فکرتاسیس سازمان پرورش افکارفکر صحیحی‌بود ودربدوامر دانشمندان سخنرانی‌های سودمند ومفیدی برای‌جامعه میکردند که‌متن آنهادر روزنامهٔ اطلاعات منتشر میگردید ولی رفته‌رفته تملق‌گوئی برمقصود اولیه غلبه‌کردومردم‌را نسبت باین‌دستگاه بدبین‌نمود تااینکه بکلی‌ازبین‌رفت.

ایجاد بانك رهنی: قانون تاسیس بانك رهنی ایران بـا سرمایهٔ ۲۰۰میلیون ریال روز ۲۵دی ۱۳۱۷ بتصویب مجلس‌شورای ملی‌رسید.

روزنامه اطلاعات که کراراً لزوم تاسیس چنین بانکی را گوشزد نموده بود تاسیس بانك‌را یکی‌از اقدامات مفید دانسته واز راهنمائی وانتشار مقالات لازم خودداری نکرد

توسعه رادیو درایران وایجاد دستگاه فرستنده: روزنامه اطلاعات پیش‌از اینکه مردم رادیورا دیده ویااز چگونگی آن‌مستحضر باشند در اطراف این اختراع مهم وطرق استفادهٔ مردم ازآن مقالات مؤثری‌نوشت‌وبعدستونی‌اختصاص‌ببرنامه‌رادیوهای خارجی‌داد.مدیراطلاعات درروز ۲۹دی۱۳۱۷ دربارهٔ این‌اختراع شگرف‌چنین نوشته‌است:

رادیو یکی‌از موالید بزرك ومهم صنعت وتمدن کنونی ویکی‌از اختراعات شگفت‌آور وبسیار سودمندیست که‌جهان بشریت ازآن استفاده های فراوان نموده و درراه تبلیغ اندیشه‌ها وآراء جدیدعلمی واقتصادی وسیاسی ازآن بهره‌های زیاد برده اند.

امروزه درهمه دنیا رادیو مثل‌تلفن وبرق یکی از لوازم مفید وضروری زندگی امروزی بشر شناخته شده ودرکلیه پایتخت های‌مهم‌دستگاه مخصوص پخش کن آن‌نصب‌گردیده است‌که‌درتمام ساعات شب وروز مطابق برنامه‌معین ببخش‌آهنگها وسرودها ونشراخبار واطلاعات مهم سیاسی واقتصادی درداخل وخارج کشور مشغول میباشند ما آرزومندیم دولت اقدام بتاسیس دستگاه ارسال وفرستنده درداخل کشور بنماید وبدینوسیله مردم موفق

شوند سرود های میهنی و کنسرتهای ملی و نطقهای مهم و خبرهای کشور خودرا که بیشتر دلبسته آن می باشند از فرستنده خود کشور بشنوند.

تاثیر همین نوشته ها و تبلیغات فکر ایجاد تاسیس دستگاه فرستنده رادیو را بوجود آورد و بالاخره نقشه ساختمان عمارت در بی سیم قصر طرح و اقدام بخرید دستگاه فرستنده گردید.

هیئت اعزامی بمسکو: روز ۱۶ بهمن ۱۳۱۷ هیئتی مرکب از آقای وثیقی کفیل وزارت بازرگانی، آقای اللهیارصالح معاون وزارت دارائی، آقای دلپاك رئیس اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه بسمت نمایندگی دولت ایران برای مطالعه در کارهای بازرگانی بمسکو اعزام شدند.

دعوت حکمت و سهیلی بکار: آقای حکمت وزیر فرهنگ و آقای سهیلی وزیر خارجه که مدتی بود از کار بر کنار شده بودند در بهمن ۱۷ مجدداً بکار دعوت گردیدند.

آقای حکمت بسمت وزارت کشور و آقای سهیلی بسمت استاندار کرمان منصوب شدند. آقای ابراهیم علم نیز بوزارت پست و تلگراف برقرار گردید.

استقرار روابط سیاسی بین ایران و فرانسه: پس از قطع روابط بین ایران و فرانسه و تسلیم یادداشت از طرف وزیر مختار ایران بوزارت خارجه فرانسه اولیای آنوزارتخانه برای برقراری مجدد روابط میکوشیدند و خبرگزاری هاواس با انتشار اخبار مساعد دراین زمینه ساعی بود، تااینکه روز سی ام بهمن ۱۳۱۷ دو تلگراف زیر بین رئیس جمهور فرانسه و اعلیحضرت فقید مبادله ومجدداً روابط سیاسی برقرار گردید.

تلگراف رئیس جمهور فرانسه: دراینموقع که عروسی والاحضرت شاهپور محمد رضا نزدیك است میخواهیم اعلیحضرت همایونی را بمشارکت کامل خود درشعفی که خاندان سلطنت احساس میفرمایند مطمئن ساخته و مراتب احساسات دوستی خود و تحسینی را که برای ملت ایران و شاهنشاه عظیمش دارم اظهار نمایم. صمیمیت این احساسات بیشتر بر تاسف من از قطع روابط رسمی بین فرانسه و ایران میافزاید و متاثرم که وضع کنونی روابط سیاسی دولتین باولیای دولت جمهوری اجازه ندهد با آن شکوهی که مایلند دراین امر باجلال شرکت نمایند و حال آنکه میل تمام فرانسه بر اینست که دراین موقع قدروقیمتی را که بروابط دیرین بین دو کشور که ازچندقرن باینطرف برقرار است میگذارند ابراز داشته و احساسات و تمجید و تحسینی را که نسبت بشخص آن اعلیحضرت و آثار فراموش نشدنی ترقی و تمدنی که از بدو جلوس خود در ایران انجام فرموده اند دارند بمنصه ظهور رسانند.

آرزوی کامل من در اینست که ابراز احساسات واقعی کشور من در اثر وضعیت حاصله از پاره ای انحراف تاسف آور بعضی جریده نگاران بی اهمیت و بی آبرو محروم نماند مخصوصاً که دولت جمهوری مراتب تاسف خودرا ازاین حادثه که مخالف منافع دوملت دوست میباشد صمیمانه اظهار داشته است.

من بسهم خودم دراینکه برقراری روابط دوستی گرمی بین فرانسه و ایران باشرایط اطمینان آوری میسر است تردیدی نداشته و از آن اعلیحضرت تمنا دارم بصداقت و صمیمیت احساسات ملت فرانسه نسبت بملت ایران مطمئن باشند

آلبرت لوبرن

پاسخ اعلیحضرت فقید: وصول تلگراف محبت آمیز آنحضرت بمن فرصت داد که بار دیگر رضامندی کامل و تشکرات خودمان را نسبت بشخص حضرتعالی که همیشه خیرخواه ایران و دوست خودمان میدانیم ابراز داریم و اطمینان بدهیم که هیچوقت رنجشی از شخص آنحضرت نداشته ایم ضمنا میخواهیم ازاین فرصت استفاده کرده موجباتی که مارا وادار کرد برخلاف میل باخذ این تصمیم اخیر مبادرت ورزیم تشریح نمائیم تصمیم مافقط مبتنی بر مقالات موهن بعضی جراید نبود بلکه ازچندین سال باینطرف احساس میکرد که در فرانسه چنانکه باید نتوانسته و یا نخواسته اند بتغییراتی که در کشور ما حاصل شده پی برده و ایران نو را بشناسند.

این احساسات که انعکاس آنرا درمطبوعات مشاهده میکردیم مارا برآن داشت که روابط را قطع و برقراری آنرا درموقعی که فرانسه مایل باشد کشور ما را واقعا بشناسد محول سازیم با وجود این مقدمات نظر باحترامی که نسبت بشخص آنحضرت داریم حاضریم گذشته رافراموش کرده روابط سیاسی را برقرار سازیم ولی از آنحضرت که درحسن بینششان تردیدی نیست انتظار داریم شخصا توجهی فرمایند که روابط ما بر اساس محکم و معتمدانه که بوسیله آن طرفین یکدیگر را بهتر بشناسند استوار شود تا در آینده باحتراز ازبروز این حوادث اسف آور مطمئن باشیم.

رضا پهلوی

عزیمت والاحضرت بمصر و جریان عروسی : بامداد پنجم اسفند ۱۳۱۷ موکب والاحضرت ولایتعهد بمصر عزیمت نمودند. آقایان اسفندیاری رئیس‌مجلس، دکتر متین‌دفتری وزیرداد گستری اعلم وزیرخارجه، محمدعلی مقدم مدیرکل وزارت‌خارجه، دکتر قاسم‌غنی نماینده مجلس، عباس‌مسعودی نماینده مجلس و مدیر روزنامه اطلاعات، دکتر فروهر دبیردوم‌سفارت مصرهمراهان‌والاحضرت راتشکیل‌میدادند. آقای‌علی‌ایزدی وسه نفر ازآجودانهای والاحضرت نیزدر التزام‌بودند.

ازتهران تامرز همه‌جا موکب والاحضرت موورداستقبال واقع‌شده دو روز در عراق، یکروز درسوریه، ویکروز درلبنان طبق‌برنامه‌هائی که تنظیم شده‌بود پذیرائی مجللی ازموکب والاحضرت بعمل‌آمدکشتی سلطنتی مصر به‌بیروت‌آمده وروز نهم اسفند والاحضرت وهمراهان با کشتی باسکندریه عزیمت‌نموده ودرمدت اقامت در مصرطبق برنامه‌مشروح ومفصلی که قبلاتهیه شده‌بود ازموکب والاحضرت پذیرائی‌شایان ومجللی بعمل‌آمد وروز ۲۴اسفند مراسم عقدکنان درکاخ عابدین انجام‌گردید.

روز ۲۱ فروردین موکب والاحضرت باکشتی محمدعلی کبیر باتفاق والاحضرت فوزیه وملکه نازلی و شاهزاده خانم‌های خواهرهای اعلیحضرت ملک‌فاروق وملتزمین رکاب‌ازپرت سعید حرکت وروز ۲۵فروردین‌به بندرشاهپور واردگردیده وباقطار بتهران‌عزیمت نموده وروز ۲۶وارد ایستگاه تهران‌شدند.

ازروز حرکت تابازگشت همه‌روزه جریان پذیرائیها وضیافتها ومراسم عقد کنان راآقای مسعودی‌مشروحا تلگراف نموده و با ارسال عکس های جالب و گزارشات مفصل عامه مردم‌را از جریان پذیرائی‌ها و ضیافتها مستحضر میساختند.

درتهران چهارشب جشن وپذیرائی وضیافت‌های رسمی عروسی ادامه‌داشت.ازطرفی‌درپایتخت وشهرستانها مراسم شادمانی وچراغانی درتمام چهار شبانروز برپابود وروزچهارم اردیبهشت هم‌تعطیل عمومی گردید.

انروز افکار عمومی این‌وصلت‌را مخصوصا ازلحاظ علاقمندی واحترام سرشاری که همه مردم نسبت به اعلیحضرت فقید و شخص ولیعهد داشتند با مسرت فراوان تلقی میکردند و روزنامه اطلاعات نیز که همواره تابع وپیرو تمایلات عمومی ملت بوده وهست‌رساله‌ای‌حاوی جریانات این وصلت منتشر ساخت که ازلحاظ‌جامعیت مندرجات وزیبائی طبع و نفاست چاپ درآنموقع بی‌سابقه‌بود.

بااینکه انتشاراین‌رساله برای‌اداره‌خیلی گران‌تمام‌شده‌بودچون‌نظرانتفاعی‌نبود شماره‌های مجله با ربع قیمت تمام‌شده‌بعنوان یادگار توزیع گردید.

البته تحمل خسارت مادی چندان مهم نبود ولی آنچه مایه تاثر بیشترشد دخالت مامورین شهربانی بود که قسمتی ازمجله راسانسور وقطع کردند وانتشار آن فصلرا باآنکه مطلبی مخالف صلاح ملت و دولت نداشت غیرمجاز تلقی کرده کلیه نسخه‌های آن صفحات را جمع آوری کردند بطوری که حتی یك‌نسخه هم برای نمونه باقی نماند ازطرفی یکماه درانتشار رساله مزبور تاخیر قائل‌شدند.

درجشن‌های عروسی درتهران هیئت های اعزامی ونمایندگان فوق‌العاده کشور های خارجی شرکت داشتند وپس ازپایان مراسم عروسی وضیافت‌های رسمی نمایندگان اعزامی دول صفحات شمالی واکثر آنها آثار تاریخی اصفهان وشیراز رابازدید نموده وباخاطرات خوبی بکشورهای خویش مراجعت نمودند

بودجه سال ۱۳۱۸ کشور : روزهفتم اسفند ۱۳۱۷ بودجه سال۱۳۱۸ کشور بمجلس‌تقدیم و قبل از پایان سال تصویب شد. ارقام هزینه بودجه مزبور دوهزاروششصد وسیزده میلیون وچهارصد وهشتاد هزارریـال بود که قسمت مهم آن اختصاص بکارهای عمرانی داشت‌اطلاعات پس‌ازتشریح ارقام بودجه نوشت « ارقام هزینه که دربودجه سال۱۳۱۸ذکرشده هزینه نبوده بلکه سرمایه ومنابع تولید ثروت برای کشور است واگردرارقام هزینه دقیق‌ترشویم بیش ازنصف وبلکه شصت درصد آن بودجه اساسی‌است که سرمایه کشورمیگردد.

توسعه خطوط آهن ایجادکارخانه‌ها، تکمیل واصلاح کارخانه‌های موجود، توسعه فلاحت وزراعت و تمام این قبیل‌امور درشمارنقشه‌های اقتصادی مهمی است که هزینهٔ اجرا وانجام نقشه‌های مذکورهزینه انتفاعی‌بوده و سالهای بعد ازهریك ازمنابع مذکور شروع ببهره برداری‌میشود.

الحاق‌بوهم ومراوی به‌آلمان: دکترهاشا رئیس جمهور چك اسلواکی که واسطه روابط‌بین آلمانها وچکها بودروز ۲۶اسفند ۱۳۱۷ الحاق‌بوهم ومراوی اسلوا کی رابالمان دربرابر رادیو اعلام‌نمود.

پایان جنگهای اسپانیا: در اسفند ماه سال ۱۳۱۷ جنگهای داخلی اسپانیا که مدت چند سال جریان داشت پایان پذیرفت و بالاخره ملیون بپیشوائی ژنرال فرانکو رجمهوریخواهان غالب آمدند وکشورها یکی پس از دیگری حکومت فرانکو رابرسمیت شناختند آلمان وایتالیا بفرانکو- فرانسه وانگلیس بجمهوریخواهان کمك میکردند واسلحه وهواپیما بطرفین میرسانیدند داوطلبانی نیز از ایتالیا وآلمان بکمك ملیون شتافته و در جنگهای داخلی اسپانیا شرکت داشتند.

در گذشت پادشاه عراق: شب ۱۴ فروردین ۱۳۱۸ اعلیحضرت ملك غازی اول پادشاه عراق براثر حادثه اتومبیل فوت نمود. درباره فوت اسف انگیز ملك غازی بعد تعبیرات وتفسیرات زیادی شد که حقیقت آن مجهول ماند. دربار ایران باین مناسبت یك هفته عزادار بود و درگذشت ناگهانی پادشاه عراق موجبات تاثرات عمومی را فراهم کرد.

حمله ایتالیا به آلبانی: روز ۱۸ فروردین ۱۳۱۸ ایتالیا حفظ منافع خود را در دریای آدریاتیك مستمسك قرار داده به آلبانی حمله نمود و سواحل آنرا تصرف کرد وشروع به پیشروی بداخل آنکشور نمود پادشاه آلبانی بیونان فرار کرد وآلبانی بدست نیروی ایتالیا ازپا در آمد.

سرشماری کشور: روز سه شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۱۸ در اطراف لزوم سرشماری کشور روزنامه اطلاعات اینطور مینویسد: « فایده سرشماری وتعیین نفوس کشور ازتمام جهات زندگانی خیلی زیاد است ومیشود آمار نفوس کشور را آئینه شفاف وصافی دانست که سورت کامل حیات اجتماعی و اقتصادی جامعه درآن منعکس شده باشد در دنیای امروز هیچ منطقی ازمنطق ارقام قویتر نیست بوسیله آمار نفوس کشور ازبالا وپائین رفتن سطح حیات اجتماعی جامعه میشود اطلاع صحیح پیدا کرد و ارقام نفوس کشور سورت روشنی بدست دولت و اولیای امور کشور میدهد تا بواسطه آن نه فقط احتیاجات ضروری ساکنین کشور را ازقبیل آذوقه و خوراك و امثال آن تامین کنند بلکه برای تدارك وسائل بهبود زندگانی و ترقی و عمران کشور نیز با دقت و بصیرت کامل اقدام کنند »

بعدها بااینکه درپایتخت وبعضی ازشهرستانها سرشماری شد متاسفانه چون روی پایه صحیحی انجام نگردید وثبت نقل وانتقالات افراد ادامه نیافت زحماتی که برای این امر حیاتی متقبل شدند بدون نتیجه ماند.

چنانکه بیش از یکسال است حتی برای بدست آوردن جمعیت واقعی پایتخت جهت تقسیم شهر بحوزه های سی گانه، بتعویق انتخابات انجمن شهر افزوده شده ومعلوم نیست که آیا بالاخره موفق خواهند شد جمعیت واقعی تهران ومحلات آنرا بدست آورند یا خیر؟

هواپیمائی ملی: روز ۷ خرداد ۱۳۱۸ روزنامه اطلاعات در سر مقاله خود در باره هواپیمائی ملی نوشت:

« یکی از مشخصات برجسته این عصر سرعت است. «سرعت» در تمام شئون زندگانی ملل مترقی نفوذ پیدا کرده است. مسافات دور و دراز را کوتاه ساخته، قطعات گیتی را بهم نزدیك کرده عرصه پهناور جهان را در زیر نفوذ خود محدود نموده و در نتیجه انسان متمدن بردریاها وخشگیها وهوا وفضای بیحد وپایان حکومت وفرمانروائی میکند.

هواپیمائی درزندگانی مللواقوام مترقی دنیابقدری وسیله مؤثری شناخته شده است که ملل مزبور سرنوشت زندگانی وتمدن خودرا بسته به نیروی هوائی خویش میدانند وبقدری بان اهمیت میدهند که همیشه درحساب زندگانی خود بزرگترین رقم رابرای تقویت هواپیمائی خود پیش بینی میکنند. یکی ازمهمترین وسیله تقویت هواپیمائی تربیت وآموزش هوانوردی وتشویق وتحریص جوانان بامورهواپیمائی وتشکیل انجمنها وباشگاههای ملی وترتیب دادن مسابقه های مهم وطولانی وتربیت قهرمانان بزرك این فن است درهمه جا باشگاههای ملی هواپیمائی ایجادشده وگروه زیادی ازجوانان ومردان واردفن هوانوردی گردیده اند وباشگاهها وانجمنهای مزبور برای تشویق هوانوردان ازهیچ اقدامی فروگذار نکرده ونمیکنند وچه اندازه بموقع ومناسب خواهدبود باشگاه ملی هواپیمائی نیز درتهران تاسیس گردد وبرای پیشرفت وتوسعه هواپیمائی وتشویق وترغیب جوانان اقدام شود»

خط آهن گرمسار بسمنان: پس ازخاتمه راه آهن سراسری اقدام بساختمان راه آهن خطوط دیگر گردید در نتیجه روز جمعه ۲۵ خرداد راه آهن خط مشهد که ازگرمسار بسمنان رسیده بود ازطرف آقای جم نخست وزیر باحضورجمعیت کثیر مدعوین که با قطار بسمنان رفته بودند افتتاح شد. موضوع جالب توجه این بود که خط مزبور وبقیه عملیات ساختمانی درخطوط دیگر مستقیما ازطرف وزارت راه و بنظارت مهندسین وکارمندان وزارت راه ساخته میشد.

حمله آلمان بلهستان و آغاز جنگ بین‌المللی دوم: روز نهم شهریورماه ۱۳۱۸ هیتلر در پارلمان آلمان نطقی ایراد نمود و به بهانه اینکه لهستان پیشنهادهای آلمان را درباره الحاق دالان دانزیک به آلمان نپذیرفته دستور حمله بلهستان را صادر نمود. در نتیجه بامداد روز مزبور نیروی آلمان از چند نقطه از مرز عبور نموده و هواپیماهای جنگی آلمان برهدف‌های نظامی لهستان حمله برده و ناوگان آلمان نیز در دریای بالتیک شروع بعملیات نمود بلافاصله دولتین انگلیس و فرانسه یادداشت اعتراض آمیزی به آلمان صادر نمودند چمبرلن نیز در مجلس انگلستان نطقی ایراد کرده و خاطر نشان ساخت که هرگاه آلمان نیروی خود را از لهستان خارج نکند انگلستان تعهدات خود را مبنی بر ضمانت لهستان اجرا خواهد نمود و با حکومت نازی آلمان آنقدر جنگ خواهد کرد تا رویه خود را تغییر بدهد متاسفانه این تهدیدات مؤثر واقع نشده و آلمان پاسخ منفی داد در نتیجه روز ۱۳ شهریور هواپیماهای انگلستان به بنادر آلمان در دریای شمال حمله نموده و ارتش فرانسه شروع به پیشروی در خاک آلمان نمود و بدین ترتیب جنگ بین‌المللی در اروپا در گیر شد

دولت ایران بیطرفی اختیار نمود : روز یازدهم شهریور که خبر حمله آلمان بلهستان در تهران منتشر شد بلافاصله اعلامیه‌ای بشرح زیر از طرف وزارت کشور صادر گردید :

«در این موقع که متاسفانه نائره جنگ در اروپا برپا شده است به بیگانگانی که در ایران بهر عنوان زیست مینمایند لزوماً آگهی داده میشود که از ابراز هرگونه احساساتی که منافی بیطرفی کشور ایران باشد جداً خودداری کرده ومتوجه باشند که مبادا برخلاف مقررات بیطرفی حرکتی از آنها ناشی بشود»

روز بعد نیز یک بیانیه رسمی از طرف نخست‌وزیر بشرح زیر صادر گردید :

در اینموقع که متاسفانه نائره جنگ در اروپا مشتعل گردیده است دولت شاهنشاهی ایران بموجب این بیانیه تصمیم خود را باطلاع عموم میرساند که در این کارزار بیطرف مانده و بیطرفی خود را محفوظ خواهد داشت

نخست‌وزیر - جم

احضار دانشجویان مقیم اروپا : برای حفظ دانشجویان ایرانی مقیم اروپا روز ۱۴ شهریور به ادارات سرپرستی در کشورهای اروپا دستور داده شد که سریعاً وسایل بازگشت دانشجویان را از راه وینه و بوداپست واستانبول فراهم نمایند .

برای جلوگیری از احتکار - جنگ اروپا تاثیر خود را دربازار های ایران نموده بود. دولت در آخرین جلسه دوره دوازدهم تقنینیه از مجلس اختیار گرفت که برای جلوگیری از احتکار و گرانفروشی کالاهای مورد احتیاج کشور مقرراتی وضع و بموقع اجرا گذارد ولی متاسفانه چون تقاضا برعرضه غلبه داشت اقداماتیکه برای جلوگیری از گرانفروشی واحتکار بعمل آمد مؤثر واقع نگردید وقیمتها روز بروز بالا رفت .

گشایش سیلوی تهران و کارخانه بلور سازی: روز دوشنبه ۱۲ شهریور ماه اعلیحضرت فقید ابتدا سیلوی تهران و بعد کارخانه بلورسازی را افتتاح نمودند. هیئت دولت وجمع کثیری از رجال در مراسم گشایش شرکت نموده بودند شاهنشاه فقید همینکه باتفاق والاحضرت ولیعهد وارد محوطه سیلو شده وچشمش به بنای عظیم سیلو که گنجایش شصت وچهارهزار تن ظرفیت دارد افتاد خطاب بحضار فرمود :

«ساختمان سیلو برای ما خیلی مهم ولازم بود. کشوریکه قسمت اعظم آب آن از باران است باید همیشه از این وسائل داشته باشد تا بموقع از آن استفاده کند»

آقای بدر وزیر دارائی در گزارشی که داد اظهار نمود : «برنامه ساختمان ۷ سیلو در تهران - تبریز - اصفهان - مشهد - کرمانشاه - شیراز - اهواز تنظیم گردیده که سه سیلوی آن امسال و بقیه در سال بعد باتمام خواهد رسید.

اعلیحضرت فقید کارخانه عظیم بوجاری سیلو وتشکیلات داخلی آنرا بازدید نموده ورئیس بنگاه اکسپرت استروی فروشنده ماشینهای سیلو ورئیس شرکت لنا که عهده‌دار ساختمان بنای سیلو بوده و ساکمیل رئیس کنسرسیوم کامپساکس را مورد تفقد قرار دادند.

از آنجا اعلیحضرت فقید بکارخانه بلورسازی رفته وکارخانه مزبور را هم افتتاح نمودند. کارخانه بلور سازی که دارای سه کوره ذوب شیشه میباشد کوره اول برای تهیه شیشه پنجره بقوه ۵ تن محصول روزانه - کوره دوم برای تهیه بطری وظروف گوناگون بظرفیت ٤ تن - کوره سوم بظرفیت یکتن محصول روزانه برای تهیه

بلور آلات،مورد توجه شاهنشاه فقید قرار گرفت وهنگام خروج ازکارخانه خطاب بهیئت مدیره گفتند بیشتر بنگاه‌ها که ابتدا شروع بکارمیکنند دربی نفع آنی هستند وبنام نیك چندان توجهی ندارند امیدوارم این بنگاه برخلاف سایرین بیشتردرصدد اصلاح وتوسعه و کسب نام نیك باشد.

پیشروی نیروی‌شوروی در لهستان: روز ۲۵ شهریور فرمانده عالی نیروهای شوروی به ارتش سرخ که در مرز های لهستان متمرکز شده بودند دستور پیشروی در خـاك لهستان را صادر نمود و در همانروز یادداشت زیرازطرف‌دولت‌شوروی بکلیه سفارتخانه های خارجی مسکو تسلیم شد:

آقای سفیر کبیر: جنك آلمان و لهستان خرابی اوضاع داخلی لهستان را بثبوت رسانید درطی عملیاتیکه بیش از ده روز بطول نیانجامید لهستان کلیه نواحی صنعتی و تربیتی خود را از دست داد. ورشو دیگر پایتخت لهستان نیست. دولت لهستان فرار اختیارنموده‌وبخش ازحرکت بازمانده است یعنی دیگر دولت لهستان وجود خارجی ندارد بنابراین عهدنامه هائی که بین روسیه واین دولت امضاءگردید از درجه اعتبار ساقط میشود. خاك لهستان کـه دیگر سرپرست ندارد مرکـز حوادث و هرج و مرج و اغتشاش گردیده است کـه بحال روسیه خطرناك‌است‌بنابراین‌دولت روسیه که‌تا کنون بیطرفی‌کامل‌را رعایت نموده بود ناچار است تغییر رویه دهد. دولت روسیه در مقابل او کرانیها و اهالی روسیه سفید که دستخوش آزار و اذیت بیمورد واقـع شده اند نمیتواند لاقید بماند وبهمین جهت بفرماندهی عالی ارتش سرخ دستور داده است که ازمرزعبور نموده وجان ومال او کرانی های مغرب و روسهای مقیم روسیه سفید را حفظ کند درعین حال دولت روسیه تصمیم دارد برای رهائی لهستان از این جنك تاسف انگیز که در اثر غفلت و نادانستگی سران کم‌تدبیر بوجودآمده سعی بلیغ مبذول دارد وبرای استقرار نظم وآرامش درلهستان هم کافی کمارد. لازم بتذکر نیست‌که دولت روسیه سیاست بیطرفـی خویش را نسبت بکلیه‌کشورها ادامه خواهدداد.»

تلاقی ارتش سرخ و نیروی‌آلمان: روز۲۷ شهریور نیروی‌آلمان وشوروی در برست لیتوسك‌در لهستان با یکدیگر تلاقی نمودند وبدینطریق لهستان ازپا درآمد.

انعقاد پیمان تعاون مشترك بین شوروی و کشورهای بالتیك: پس از تصفیـه کار لهستان دولت شوروی با دولت های‌لیتوانی، لتونی و استونی پیمان های تعاون مشترك منعقد نموده و مـوفق بایجاد پایگاههای لازم درآن کشورها گردید و نیروی سرخ در کشور های مزبور متمرکز گردیدند.

شرکت در نمایشگاه کشاورزی‌مسکو: روز ۲۷ شهریور ۱۳۱۸ برحسب دعوت‌دولت‌شوروی از دولت ایران آقایان حسن دیبائیان‌و مجید عدل برای‌شرکت در نمایشگاه کشاورزی بمسکو رهسپار گردیدند

سفیر کبیر جدید شوروی: آقای فیلی منوف سفیر کبیر جدید دولت اتحاد جماهیر شوروی روز ۲۸ شهریور بتهران وارد شده و روز چهارم مهر ماه استوار نامه خودرا باعلیحضرت فقید تسلیم نمود کارمندان‌سفارت‌شوروی نیز که‌تغییر یافته بودند باتفاق سفیر کبیر بتهران‌وارد شدند.

سفیر کبیرترکیه نیز تغییر کرد: آقای سواد دواز سفیر کبیر جدید ترکیه نیزکه بتهران واردشده بود روز ۱۵ مهرنامه‌های خودرا بحضور اعلیحضرت فقیدتسلیم‌داشت.

قتل نخست وزیر رومانی: روز۲۹ شهریور ۱۳۱۸ نخست وزیر رومانی(کالینسکو) بدست‌عده‌ای ازعناصرمشکوك ومهاجر بقتل‌رسید وازآنروز وسایل آشفتگی آنکشورفراهم گردید.

امضای پیمان بین ایران وژاپـن: روز چهارشنبه ۲۵ مهر ۱۳۱۸ پیمان دوستی بـین ایران و ژاپن از طرف آقای مظفراعلم وزیرامور خارجه وآقای شواشی ناکاپاماوزیرمختارژاپن در کاخ‌وزارت خارجه امضاء شده

گشایش دوازدهمین دوره قانونگزاری : روز سوم آبان ۱۳۱۸ دوازدهمین دوره قانونگزاری از طرف اعلیحضرت فقید گشایش یافت در نطق افتتاحیه شاهنشاه بجنگ اروپا اشاره نموده و اظهار داشت:« اصلاحاتی که بعمل آمده اثرات نیکوئی در پیشرفت امور اقتصادی و اجتماعی نشان میدهد در سیاست خارجی روابط ما باتمام دول و خصوصا باهمسایگان برپایه دوستی و احترام متقابل استوار میباشد ، بواسطه منقضی شدن مدت قرارداد بازرگانی مابادولت شوروی از نقطه نظر تجارت وقفه‌ای پیدا شده است که امید میرود در نتیجه مذاکرات مستقیم و حسن نیت طرفین با رعایت اصول قوانین کشور جریان عادی خود رابیابد .چیزی که باعث تاسف خاطر است وقوع جنگ دراروپا است اگر چه دراین قسمت هم سیاست دولت ما بیطرفی کامل است ولی چون دوام جنگ ازلحاظ مادی واقتصادی موجب زیان همه ملل وتهدیدتمدن جهان خواهد بود آرزومندم هرچه زودتر صلح برقرار گردد .

در امور داخلی سیاست دولت تعقیب و انجام اصلاحاتی است که پایه آن گذاشته شده وخوشبختانه روز بروز اهل کشور روح این سیاست را بهتر درك نموده در پیشرفت اصلاحات میکوشند و در امر آموزش و پرورش اهتمام بیشتری نشان میدهند. ما هم از اینکه مخصوصا جوانان در اقسام ورزش وپرورش جسمانی ذوق و علاقه پیدا کرده‌اند کمال خوشوقتی را داریم البته وظیفه هیئت دولت و نمایندگان مجلس وهمه علاقمندان بسعادت کشور اهتمام در ترقیات است تا نتیجهٔ مطلوب چنانکه منظور نظر است بدست آید و اهالی از نعمت تمدن و تعالی بهتر کامیاب وبهره‌مندشوند»

دکتر متین‌دفتری نخست‌وزیر شد: پس‌از گشایش‌مجلس‌هیئت دولت مستعفی گردید وآقای دکتر متین دفتری وزیر دادگستری‌وقت بسمت نخست‌وزیرانتخاب وآقای جم بسمت وزیر دربارمنصوب گردیدند.

آقای دکتر متین‌دفتری روز پنجم آبان‌هیئت‌دولت رامرکب‌از آقایان علی منصور وزیرپیشه وهنر.حکمت وزیرکشور ،اعلم خارجه.مرآت فرهنگ.دکترسجادی راه.علم پست و تلگراف.امیرخسروی‌دارائی. سرتیپ‌نخجوان جنگ،وثیقی بازرگانی،سروری دادگستری،سرتیپ تاجبخش کفیل کشاورزی بحضور اعلیحضرت فقید و روز بیستم شهریور که مجلس آماده‌کارشد بمجلس شورایملی معرفی نمود.

بجای امیر خسروی مدیر کل بانك ملی که بسمت وزارت دارائی منصوب شده بود مرحوم محمد علی فرزین بمدیریت کل‌بانك‌ملی برقرار گردید .

گشایش راه شاهرود بگرگان : اعلیحضرت فقید روز دهم آبان ۱۳۱۸ باقطار راه آهن بسمنان عزیمت نموده و راه آهن گرمسار بسمنان را که بدست مامورین و مهندسین ایرانی احداث شده بود سر کشی کرده‌وازآنجا با اتومبیل بشاهرود رهسپار گردیده و راه شاهرود بگرگان راکه ازسال هزار و سیصد و چهارده مشغول ساختمان آن بودند افتتاح نموده واز این خط نوبنیاد برای حضور در اسب دوانی بگرگان‌رفتند‌اطلاعات درباره راه مزبور نوشت : طول‌راه شاهرود بگرگان که ۲۰۳ کیلومتر میباشد یکی از راههای درجه اول ومفید است که صفحات شمالی کشور را بخراسان و کلیه نقاط شرق متصل میکند متجاوز از ۲۰۰ پل در این راه ساخته شده که‌در حدود شصت کیلو متر آن کوهستانی است ساختمان راه مزبور برای مبادله محصولات شرق باشمال تاثیر شایانی دارد و از لحاظ اقتصادی کمك زیادی به کشاورزان و زارعین خواهد نمود .

۱۹۳۹ نفرداوطلب فن‌خلبانی : پس‌از تاسیس باشگاه هواپیمائی کشوری ازطرف اعلیحضرت فقید و کمك‌های‌نقدی که خاندان سلطنت باین‌مؤسسه نوبنیاد نمودند مردم برای قبول کارمندی‌آن بریکدیگر سبقت‌جسته وهر کس بفراخور حال‌از کمك‌های نقدی‌وپرداخت حق‌کارمندی مضایقه نمیکرد در نتیجه باشگاه هواپیمائی کشوری توانست قدم‌های‌سودمندی باخرید هواپیما وایجاد فرودگاه کشوری وتاسیس آموزشگاه خلبانی انجام‌دهد. جمع زیادی ازدوشیزگان وجوانان داوطلب‌فراگرفتن فن‌خلبانی شدندبطوریکه دراول‌آذرماه ۱۳۱۸ تعداد دوشیزگان وجوانان داوطلب به۱۱۲۹۹ نفر رسید وعده کثیری از انان در آموزشگاه خلبانی تحت تعلیم و تربیت قرارگرفتند آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات نیز که بعضویت هیئت مدیره ازبدو تاسیس انتخاب شده بودبرای پیشرفت کار این‌مؤسسه مفیداز هیچگونه تشویق وتبلیغ خودداری نمیکرد درستون مخصوص نام داوطلبان فن خلبانی وعکس آنها وکسانیکه قبول کارمندی میکردند ویاباین مؤسسه نوبنیاد کمك مینمودند منتشر میکردید.

همین تشویقات متوالی باعث‌شدکه باشگاه هواپیمائی سفارش پنجاه‌هواپیما بخارج دادوسرمایه قابلی‌برای احتیاجات خوداز قبیل احداث فرودگاه وساختمان‌آموزشگاه خلبانی اندوخت ولی متاسفانه پس‌از واقعه شهریور

مردم از کمک مالی و پرداخت حق کارمندی باین مؤسسه مفید خودداری نمودند و کارهای آن متوقف ماند.
در حال حاضر درآمد باشگاه هواپیمائی کشوری عبارت از حمل و نقل پستهای هوائی در داخله کشور و درآمد مختصری از پروازهای تفریحی و تعلیمی میباشد.

روابط بازرگانی ایران و آلمان: روز یکشنبه ٤ آذرماه ۱۳۱۸ مطالب زیر در صفحه اول روزنامه اطلاعات جلب نظر میکند:

«امروز هریک از دول متخاصم بیک معاذیر غیرموجه لطمه ببازرگانی ما میزنند، دیگر حرف حسابی آلمان چیست؟ حاصل رنج و زحمت کشاورزان و بازرگانان ما را مدتی است تحویل گرفته‌اند و همینطور کالاهائی که مورد احتیاج ماست بکارخانجات آلمان سفارش داده شده و بهای آنرا هم دریافت داشته اند و حالا بروی بزرگواری خودشان نمی‌آورند و هیچ معلوم نیست کی و بچه ترتیب میخواهند تعهد خودرا انجام بدهند. همه را بحرف میگذرانند اگر وضعیت معکوس بود یعنی چنانچه بازرگانان و کارخانجات آلمانی از ما طلبکار بودند امروز چه بسر ما می‌آوردند؟ آیا اکنون ما باید ساکت بنشینیم بانتظار اینکه آلمانها کی مصلحت خودشان اقتضا میکند که بدهی خودرا بما بدهند، خیر! این وضعیت برای ما قابل تحمل نیست زیرا ما میدانیم که آنها از راههای مختلف میتوانند تعهد خودرا انجام بدهند نهایت معما اینست که چرا خودداری میکنند حل این معما هم مشکل نیست چه رویه دول اروپائی اینست که منافع دیگران را فدای سیاست خود بکنند. ولی ما دیگر نمیتوانیم اجازه بدهیم که حقوق حقة ما یعنی مطالباتی که درزندگانی بازرگانی ما امروز کمال اهمیت را دارد دستخوش سیاست دیگران شود.
ما همیشه در معاملات خودمان باهمه خوش حساب بوده ایم و تقاضا داریم که بدهکاران ما هم باما خوش حسابی بکنند»

بین شوروی و فنلاند: پس از عقد پیمان تعاون مشترک بین کشور شوروی و کشورهای ساحل بالتیک نوبت بفنلاند رسیده بود. یادداشت هائی بین دولت اتحاد جماهیر شوروی و فنلاند مبادله شد و در آخر منجر بقطع روابط دو کشور گردید. شب نهم آذر ماه ۱۳۱۸ مولوتف نطقی در برابر بی‌سیم ایراد کرد و در طی آن خاطر نشان ساخت که روابط سیاسی روسیه و فنلاند قطع گردید و روسیه برخلاف شایعات کشورهای خارجه قصد ندارد فنلاند را بخاك خود ملحق سازد و نمیخواهد باستقلال فنلاند لطمه وارد آورده و در امور داخلی آن کشور مداخله کند و حتی حاضر است گذشت هائی نسبت به آن دولت بکند و مایل است باتفاق آن دولت مسئله الحاق سر زمین (کارلی) را بفنلاند و تشکیل دولت بزرك فنلاند را بررسی کند. ما بفنلاند حق میدهیم که روابط خود را با دیگر کشور ها بر قرار سازد. تنها منظور ما حفظ امنیت کشور خودمان و مخصوصاً لنینگراد میباشد و اطمینان داریم که حل این مسئله پایه دوستی روسیه و فنلاندرا استوار خواهد نمود.»
روز بعد نیروی روسیه چندین نقطه از تنگه کارلی را بتصرف در آورده و ده دقیقه بعد از آن در هلسینکی برای نخستین مرتبه آگهی خطر هوائی داده شد و طولی نکشید که هواپیماهای روسیه بر فراز پایتخت فنلاند آغاز پرواز نمودند و باین ترتیب جنك بافنلاند آغاز شد.

به‌آب انداختن کشتی مازندران: روز ۱۹ آذر ۱۳۱۸ کشتی حفاری مازندران در مرداب بندر پهلوی بآب انداخته شد.
روزنامه اطلاعات دراین باره نوشت: «کشتی لاروب عامل مؤثری برای تکمیل و توسعه بنادر شمالی است زیرا بوسیله آن میتوان استعداد بندرهای ساحلی شمال ایران را تقویت نمود تا قابل ورود و خروج هر گونه کشتی بشود با نقصان محسوسی که در سطح آب دریای مازندران بروز نموده که علت آن هنوز از نظر فنی مجهول است. وجود این کشتی برای حفظ موقعیت بنادر شمال فوق العاده ضروری است. متفرعات کشتی لاروب عبارت از چهار دستگاه باربر و یك دیك یدك کش الماس میباشد. طول کشتی ٧٦ متر و عرض آن ٤ر۱۳ متر و ظرفیت آن ۱۸۷۸ تن و در هر ساعت میتواند معادل هشتصد متر مکعب ماسه نرم و تا ۳ هزار متر مکعب گل و لای حفاری نماید. دستگاه مولد آن دارای ۳ هزار قوه اسب بخار است. وزن کشتی در حدود یکهزار و چهار صد و چهل تن میباشد.»
کشتی مزبور که از کشتی‌های بزرك حفاری است بعد از شهریور مورد استفاده متفقین قرار گرفت و به آبهای شمالی بحر خزر منتقل گردید تا اینکه درمرداب بندر پهلوی تحویل مأمورین وزارت راه شد ولی متاسفانه از آن استفاده کامل نمی‌شود در حال حاضر قسمت مهمی از مرداب پر شده و بجای اینکه درظرف ۲٤ ساعت باسه دسته کارگر گل ولای مرداب را خارج کنند فقط ۸ ساعت کار میکنند اغلب هم بواسطه نداشتن سوخت یا نرسیدن حقوق کارگران یا نواقص دیگر عمل حفاری انجام نمیشود.

برای حفظ ریال ایران: روز ۲۹ آذر هیئت وزیران تصویب نمود برای کمک ببازرگانی کشور نرخ ریال نسبت بارزهای خارجه چهل درصد کمتر از ارزش ریال زرقانونی تعیین‌شود. مدیر اطلاعات این اقدام دولت را اینطور تشریح نمود:

این تصمیم دولت یك اقدام مهم اقتصادی است که مدتهاست انتظار آنرا داشتیم وبی بایستی زود تر اتخاذ شده باشد درحقیقت پول کشور علیرغم قوانین پولی که واحد زر را مقرر میداشت عملا نه باواحد زر تطبیق می نمود و نه براساس ثابت دیگری استوار بود، نرخ بندی که بعد ازقانون ارز ومورخ اسفند ۱۳۱۴ نسبت بارزهای خارجی در بانکملی میشد بدون جهت وضعیت ریال مارا خیلی پائین تر ازاعتبار حقیقی آن قرار میداد. تنها نتیجهٔ قابل تحملی که این وضعیت داشت این بود که عملا نرخ تبدیل ریال نسبت بارزهای عمده ثابت نگاهداشته شده بود اخیرا این ضعف هم از آن زائل شد وماميديديم که بهای بعضی ازارز ها درمقابل ارزهای دیگر تنزل کرده بدون اینکه در ایران این تنزل رعایت شده باشد وبطورخلاصه پول ایران باوجود اندوخته های سرشار زروسیم بدون جهت خط سیر نزولی پول کشورهائیکه عنان اختیار پول خودرا ازدست داده بودند درپیش گرفته بود درصورتیکه نرخ بندی فعلی بهیچوجه منطقی وقابل تحمل نبوده وناگزیر هستیم برای اینکه ازتزلزلات درمعاملات خارجی خودجلو گیری کنیم پول خودرا روی اساسی قرار دهیم که تابع تغییرات وتحولات بین‌المللی نباشد از طرفی کسر چهل درصد از ارزش ریال زرقانونی جائزه‌ایست که دولت ازنظر تشویق بتولید کنندگان وبازرگانان کشور میدهد که جا دارد این طبقه برسمی وعمل خود برای صادرات بیفزایند.

تغییر وزیر مختاران انگلیس وفرانسه: سر ریدرز بولارد که بسمت وزیرمختار جدید انگلیس به تهران وارد گردیده بود روز ۸ دیماه استوارنامه خودرا بحضور اعلیحضرت فقید تسلیم نمود.

آقای ژان‌هلو نیز که بسمت‌وزیر مختارجدید فرانسه بتهران وارد شده‌بود روزشنبه ۲۲ دی‌ماه استوارنامه خودرا تقدیم کرد.

راهنمائی جوانان بکار های فنی: مدیر اطلاعات همواره جوانان را بکار های فنی وشغل آزاد راهنمائی نموده وساعی بوده‌است که نسل‌جوان عناصر مفیدی برای‌جامعه بشوند درهمانموقع که وزارتخانه ها و ادارەهای دولتی نهایت احتیاج‌را بکارمند داشته حتی هر ادارەای برای خودآموزشگاهی جهت پرورش کارمند تاسیس میکرد دختر از از پشت‌میز نشینی واستقبال ازکارهای‌فنی وآزادرا کرارا گوشزد میکرده است چنانکه آقای‌مسعودی در شماره ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ مینویسد:

«جوانهای این‌عصر ازروی اشتباه‌خواهان تحصیلات دانشکده‌ها ودانشگاهها میشوند بخیال آنکه تحصیلات عالی‌را طی کرده وهمواره چنانکه اصطلاح‌شده یقه‌وسردست آهار زده بپوشند وپشت‌میز بنشینند.

چراجوانها دوره زندگانی رابرای پشت‌میز نشینی میخواهند وچرا ازکار کردن وبکارانداختن دست های خودعاجزند؟ جوانان امروز رویهمرفته قطعا ازجوانان ادوار گذشته نیرومند تر وتندرستی آنها نیززیادتراست، پس‌چرا ازکارهای دستی میهراسند؟

جوان‌هائیکه دوره آموزشگاههای عالی‌را طی کرده‌وپشت‌میزنشین شده‌اندتصور میکنند که آن سیم‌کش تلفن ویاآن سوارکننده چراغ‌برق مردپست‌وکوچکی است درصورتیکه نیاز جامعه باین‌قبیل افراد فنی زیاد تر شده ونسبت بجوان‌های غیرفنی کمتر میشود در کشورهای صنعتی که دارای کشاورزی موتوری هستند ارزش جوان های فنی وصاحبان گواهی‌نامه‌های فنی روزبروز زیادترمیگردد.

درسالهای ۱۴ تا ۲۰ که هوش واستعداد جوانان درنهایت طغیان وبهترین ادوارآموزش عمر آنها بشمار میرود وقت بمطالعه وآموختن تئوری‌ها بکارمیرود وچون دوره دانشکده تمام‌شد جوان تحصیل کرده یك مشت تصورات موردعمل قرارنگرفته‌را درسردارد ولی‌راه‌زندگی‌را درست نمیداند‌ازاین جهت چندین سال پی‌درپی وقت خودرا صرف پیدا کردن جای‌مناسب برای‌خودمینماید.

برای پیشرفت جوانان بهتر آنست که دردبستان و دبیرستان و دانشکده ها بیشتر بکارهای دستی اهمیت گذارند جوانان خود تشنه این نوع آموزش‌هستند، وسیله را برای آنها فراهم سازید خود بانهایت میل دنبال آن میروند‌اهمیت آشناشدن بکارهای فنی‌ودستی باندازه‌ایست که بعقیدهٔ من وعاظ‌مذهبی، پزشکان وحتی‌حقوق‌دانها پیش‌از اتمام دوره تحصیل‌لازم است بکارهای دستی‌آشنا شوند. کسی که دستش بکارافتاد فکرش‌تیز بکار می‌افتد

زیرا تحصیل کرده های عملدیده هنگام آغاز هرکار میدانند که دست خود را بانیروی دماغی خویش چگونه بکار اندازند .

تغییر وزیر مختار آلمان : فن‌اشترانس اتل که بسمت وزیرمختار جدید دولت آلمان به تهران وارد شده بود روزهفتم اسفند ۱۳۱۸ اعتبارنامه خودرا بحضوراعلیحضرت فقید تسلیم نمود .

انعقاد پیمان بین شوروی و آلمان : هنگامیکه جنگ در دریا و هوا وزمین بین نیروهای فرانسه و انگلیس با نیروی آلمان وبین نیروی شوروی با فنلاند باشدت ادامه داشت در دنبال انعقادیک پیمان عدم تعرض بین آلمان وشوروی در تاریخ یازدهم فوریه ۱۹۴۰ پیمان‌دیگری برای مبادله کالاها و امور اقتصادی بین روسیه و آلمان امضاء شد. روزنامه اطلاعات نقل‌از ایزوستیادرتاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۱۸ چنین مینویسد :

«پیمان اقتصادی منعقد درروز ۱۱ فوریه‌بین روسیه وآلمان از لحاظ سیاسی و اقتصادی اهمیت شایانی‌در بردارد اساس این پیمان برمصالح دو کشور نهاده شد ووسیله تامین روابط اقتصادی وسیاسی بین روسیه‌وآلمان میباشد که پایه‌آن بوسیله پیمان بازرگانی و اعتبارات منعقد در اوت ۱۹۳۹ گذاشته شده است این پیمان‌دومی پس ازآنکه روابط سیاسی دولتین توسعه بیشتری حاصل کرد بامضاء رسید درسال‌گذشته پیمانی‌نیز مبنی بردوستی وعدم تجاوزبین‌آلمان وشوروی انعقاد یافت .

مبادلات بین روسیه وآلمان درپیمان بازرگانی واعتبارات پیش بینی‌شده بودگفتگوهائی‌بین‌نمایندگان دولتین درپایان ماه سپتامبر وقوع یافت و اینان تمایل خودرا باستمرار همکاری اقتصادی دو کشور بیشتر از آنچه درسابق بوده است اظهارداشتند. نخست«مولوتف» کمیسر امور خارجه شوروی و« فن ریبن ترب » وزیر امورخارجه آلمان درنامه‌هائی‌که درتاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۹ بیکدیگر نوشتند تمایل خودرا باین امر اظهارنمودند .این دونامه مدلل‌ساخت که آلمان وروسیه‌عزم دارند حتی‌المقدور مناسبات اقتصادی خود را توسعه دهند وبهمین جهت مقرر گردید یك برنامه اقتصادی تهیه کردد که بموجب آن مبادلات روسیه وآلمان به پیشینه میزانی که درسالهای قبل رسیده بود ترقی یابد مذاکرات دراین‌خصوص بین هیئت نمایندگی اقتصادی آلمان و کمیسر بازرگانی خارجه روسیه آغاز گردیده و روز ۱۱ فوریه منتهی بامضای قرار داد اقتصادی آلمان و روسیه گردید بموجب این قرارداد مازاد مواد اولیه روسیه بآلمان فرستاده خواهد شد ودرنتیجه آن بازرگانی خارجه روسیه بیش از پیش توسعه خواهد یافت و دراین موقع که دولت روسیه از لحاظ اقتصادی کاملا خود را ازقید بیگانگان رهائی بخشیده بیش از پیش برنیروی اقتصادی خود افزوده ودر پرتو صنایع شگرف خویش کشاورزی خودرا توسعه داده و روز بروز مناسبات اقتصادی خودرا با دولت آلمان که مایل بهمکاری اقتصادی باروسیه است نیرومند تر خواهد ساخت قرار داد بازرگانی روسیه و آلمان که در روز نوزدهم اوت ۱۹۳۹ بامضاء رسید نتایج نیکی بخشیده‌است. قرارداد یازدهم فوریه ۱۹۴۰ مبادلات بین دو کشور را بیش از پیش توسعه داده وامتیاز های بیشمار برای طرفین خواهد داشت این قرارداد اقتصادی گواه براصلاح کامل مناسبات سیاسی آلمان و روسیه بوده و نوید میدهد که برای تشریك‌مساعی دو کشور مبانی محکمی‌برقرار گردد.

سرشماری تهران : روز دهم‌اسفندتعطیل‌عمومی‌شد وسرشماری تهران انجام گردید روزنامه‌اطلاعات یکماه پیش از انجام سرشماری ستون‌مخصوصی برای آشناکردن مردم بامر سرشماری اختصاص داد ووظایف آنها را در قسمت پر کردن پرسش‌نامه ها وسایر مسائل مربوط بامرسرشماری متذکر گردید چندروز بعد اعلامیه ای ازطرف وزارت کشور صادر شد و جمعیت تهران را ۵۴۰٫۰۸۷ نفرتشخیص‌دادند.

گشایش خط آهن تهران - قزوین : روزهفدهم اسفند ۱۳۱۸ خط‌آهن بین‌تهران-قزوین گشایش یافت بامداد روز مزبور هیئت‌دولت، نمایندگان مجلس و جمعی از رجال باقطار بقزوین رهسپار شده و پس‌از انجام مراسم گشایش شب بتهران مراجعت نمودند. آقای دکترسجادی وزیر راه طی‌نطق افتتاحیه آماده شدن وزارت راه را برای ساختمان خطوط‌آهن‌خاطرنشان‌و اظهارامیدواری کردکه اداره ساختمان راه‌آهن شبکه راه آهن ایران را بدون نظارت ودستیاری بنگاههای‌خارجی بدست‌مهندسین‌ایرانی باتمام برساند

عقد قرارداد بازرگانی با دولت شوروی: روز ۲۱ اسفند ۱۳۱۸ عهدنامه بازرگانی و کشتی رانی میان دولت شوروی ودولت ایران امضاء شد. این عهدنامه را ازطرف ایران آقای ساعد سفیر کبیر و آقای سیاح نماینده اعزامی وازطرف شوروی آقای میکویان کمیسر ملی بازرگانی خارجی والکسف نماینده بازرگانی خارجی مأمورایران امضاء نمودند .

خاتمه جنگ در فنلاند: پس از یکصدوچهارروز جنگ در فنلاند متارکه گردید وعهدنامه صلح ازطرف شوروی بدست مولوتف وایدانف وواسیلیوسکی وازطرف فنلاند بدست ریتی وپاسیکیوی وسرلشکر والن امضاء شد. بموجب عهدنامه مزبور برزخ کارلی وویبورك و تمام کرانه دریاچه لادکاو شبه جزیره فیشر و قسمتی از خاور فنلاند بدست روسیه افتاد و قرارشد پایگاههای دریائی وهوائی نیز در آن کشور از طرف شوروی احداث شود .

مسافرت بخوزستان: اعلیحضرت فقید روزسه‌شنبه ششم فروردین ۱۹ با قطار راه آهن بخوزستان مسافرت نمودند. آقای مسعودی مدیراطلاعات نیز دراین مسافرت همراه اعلیحضرت بود. شاه فقید پس از سرکشی بمؤسسات راه آهن ونقاط بین راه درآبادان کارخانجات وتأسیسات نفت ودانشکده آنجارابازدید نموده بعد باناو بیر ببندر شاهپوررفته وپس‌ازسرکشی بتأسیسات بندری آنجاباقطار بتهران مراجعت کرد .

دراین مسافرت پایه احداثات جدیدی در نقاط جنوبی ریخته شد که آقای مسعودی بتفصیل برای خوانندگان روزنامه تشریح نموده اند.

اشغال دانمارك و نروژ بوسیله نیروی آلمان: روز ۱۹ فروردین ۱۳۱۹ نیروی آلمان بدانمارك ونروژحمله نمودرویتر برای نخستین مرتبه طی اعلامیه زیر این خبررا دردنیا منتشر نمود:

«دولت آلمان اطلاع داد که دو کشور نروژ ودانمارك را تحت حمایت خوددرآورده‌است واضافه نمود که این اقدام وی بمنزله پاسخ بمین گزاری درآبهای کرانه نروژ بوسیله فرانسه وانگلستان میباشد بدولت انگلیس دراین خصوص اطلاع رسیده بودکه‌وزیر مختار آلمان درنروژ تسلیم دولت نامبرده‌را ازطرف آلمان خواستار شده وگفته است که درصورت عدم قبول بتسلیم هرگونه ایستادگی نروژ درهم شکسته خواهدشد. بدیهی است‌دولت نروژ عدم موافقت خودرا دراین مورد فورا باطلاع وزیرمختار نامبرده رسانیده است .سپس‌اطلاع‌رسید که‌نیروی آلمان قسمتی ازسرزمین نروژرا اشغال کرده است.

اظهارات دولت آلمان دائر براینکه این اقدام‌آنها درپاسخ اقدامات فرانسه وانگلیس بوده‌است بهیچ‌وجه ازعهده پوشانیدن حقایق برنتواند آمد. مقدمات چنین حمله شدیدی‌که طی آن نیروی آلمان درآن واحد در چندین بندر نروژ پیاده شده‌اند مسلما ازمدتها پیش ازاین تهیه شده بوده‌است.

زراعت نیشکر: دریکی ازیادداشت های مسافرت خوزستان آقای‌مسعودی مدیراطلاعات در اطراف توسعه زراعت نیشکر بحث نموده وچنین مینویسد:

«مامورین کشاورزی ازمصر وهندوستان‌مقداری قلمه‌های‌نیشکروارد نموده‌ودراهواز بکشت‌این‌محصول مفید پرداخته‌اند تابانصب‌کارخانه‌تصفیه نیشکر احتیاجات کشور ازقندوشکر مرتفع‌شود.

نیشکر اصولا محصولی است که کشت آن مخصوص بخشهای گرم‌ومرطوب است ودر کشورما نقاطی که برای‌کشت این زراعت ازهرحیث مستعد میباشد عبارتست از نواحی شمال‌ازقبیل گیلان ومازندران ودرجنوب‌ایران دشت‌های‌حاصلخیز خوزستان وبلوچستان سابقا دراین‌قسمت‌هانیشکر رواج کلی داشته وبمقدارکافی کشت میشده و حتی تااندازه‌ای‌کسب شهرت‌هم درجهان نموده وصادرات‌داشته‌است .

درمیان نقاطی که برای‌کاشتن نیشکر مفید است خوزستان‌موقعیت بسیار ممتازی داردودرصورتی که کشت نیشکر و توسعه آن در خوزستان عملی شود علاوه براینکه ممکن است تمام حوائج داخلی مارا از لحاظ قند و شکر مرتفع سازد ممکن است‌یك رقم صادراتی خوب نیزبرای ما درست نموده ومیزان فرستاده های‌مارا‌افزون‌نماید»

متاسفانه ازمهرماه شهریور ماه نیشکرکاری درخوزستان‌نیزمثل‌صدهاکار عام‌المنفعه واساسی دیگر از بین رفت‌وازکارخانه خریداری‌شده اثری‌نیست. قلمه‌های نیشکر نیزکه ازمصر وهندوستان وارد و در زراعت آن‌نیز توسعه‌زیادی‌حاصل‌شده‌بود‌بطوریکه‌درسال ۱۳۲۱ محصول آنرابرای‌تصفیه بهندوستان‌فرستادند‌بکلی‌ازبین‌رفت‌ومعلوم‌نیست

آیا کسی بفکر استفاده ازاراضی زرخیز کشور وتوسعه نیشکرکاری هست یاخیر؟

گشایش دستگاه پخش صدای تهران : ساعت ۷ بعداز ظهر روز پنجم اردی بهشت ۱۳۱۹ آئین گشایش دستگاه فرستنده رادیوی تهران درحضور والاحضرت ولایتعهد انجام گردید وچون یکدستگاه بلندگو در گوشه عمارت پست وتلگراف نصب شده بود باریزش باران و طوفانی بودن هوا مردم تاپایان برنامه درمیدان سپه اجتماع نموده وبشنیدن خبر گشایش وقسمتهای دیگر برنامه مشغول بودند .

پایان ساختمان بندر نوشهر : شرکت هلندی که ساختمان بندر نوشهر واسکله آنرا بعهده داشت روز ۲۹ فروردین بهیئتی که بریاست آقای مهندس دولتداد بنوشهر رفته بودند موج‌شکن وساختمانهای بندری را تحویل دادواز آنروز اسکله تحت‌نظر مامورین اداره بندر قرار گرفت .

کتابخانه اطلاعات : روزنامه اطلاعات درسال ۱۳۱۸ برای نویسندگان خود وهمچنین ارباب‌رجوع اقدام بتاسیس کتابخانه‌ای نمود ویکی ازسالن‌های عمارت اطلاعات‌را اختصاص بکتابخانه‌داد .

ناشرین ونویسندگان کتاب این‌اقدام روزنامه اطلاعات راباارسال نسخی از کتاب‌ها و تألیفات خودستودند ازجمله کسانی که برای کتابخانه اطلاعات مقداری‌از کتب ذیقیمت‌خود را فرستاد آقای علاءبودند. روزنامه اطلاعات روزدهم اردیبهشت در این باره می‌نویسد :

«درچندماه پیش خبر تشکیل کتابخانه روزنامه‌را باطلاع همگان رسانیدیم ودر ضمن برای توسعه آن‌اهمیت کمك بنگاههای نشرکتاب وسایر کسانی‌را که‌علاقمندبه‌پیشرفت این‌بنگاه میباشند گوشزد نمودیم .

اینك لازم دانستیم از حسن استقبال خوانندگان گرام و دانشمندانی که از این راه بتکمیل کتابخانه روزنامه کمك نموده اند ، مراتب امتنان خویش را ابراز داریم و بویژه اداره روزنامه وظیفه خود میداند که نسبت بجناب آقای حسین علاء منتهای سپاسگزاری خویش را اظهار کند ، چه ایشان دراثر حسن نظری که نسبت به پیشرفت این بنگاه دارند ، سی ویك جلد از کتابهای حقوقی وتاریخی و سیاسی نفیس ومجله های اقتصادی و بانکی کتابخانه خودشان را برسم ارمغان و یادگار به‌کتابخانه روزنامه اطلاعات هدیه نموده اند

این سی و یك جلد کتاب شاید نخبه کتابهای سیاسی وحقوقی وتاریخی و اقتصادی باشد که درعرض‌چند سال اخیر بزبانهای انگلیسی و فرانسوی انتشار یافته و بیشتر آنها ازآثار مردان سیاسی و رجال برجسته اقتصادی اروپائی میباشد وبهمین جهت یقین است که مورد استفاده کامل ما قرار خواهد گرفت »

روزنامه اطلاعات علاوه بر کتب ارسالی برای تکمیل کتابخانه مقداز زیادی کتاب هم ازخارجه وارد نمود که علاوه بر استفادهٔ نویسندگان ، جوانان دانش پژوه نیز ازآنها استفاده میکردند متاسفانه کتابخانه و آرشیو ذیقیمت آن بتحریك بد اندیشان‌طعمه حریق واقع گردید که درجای خود درباره آن اشاره خواهد شد

حمله بهلند و بلژیك و لوکزامبورك : روزبیستم اردیبهشت فن‌ریبن تروپ وزیرخارجه آلمان دو یادداشت بوزیران مختار بلژیك و هلند مقیم برلن تسلیم نمود وحمله نیروهای آلمان را بدو کشور مزبور باطلاع آنان رسانید. خبرگزاری آلمان درباره علل حمله بهلند و بلژیك خبرداد که بموجب اطلاعات و مدارك تردیدناپذیر مسلم گردیده که بزودی فرانسه و انگلیس برعلیه آلمان اقدام بحمله خواهند نمود این حمله که بحوزه (روهر) درنظر گرفته‌شده باید از راه بلژیك و هلند صورت گیرد اینستکه دولت آلمان به نیروی خود دستور داده بهروسیله که شده بیطرفی این دو کشور را تامین نماید یك یادداشتی هم بشرح‌زیر بدولت لو کزامبورك فرستاده شد :

« دولت آلمان ازمنبع موثقی اطلاع بدست‌آورده که انگلیس وفرانسه درتعقیب سیاست توسعه جنك خود تصمیم گرفته اند ازراه بلژیك وهلند بالمان حمله نمایند لذا برای جلو گیری ازاین حمله قریب الوقوع به نیروی آلمان دستورداده شد بیطرفی آن کشوررا تامین نماید چنانچه این‌حمله فرانسه‌وانگلیس ازخاك(لو کزامبورك)بموقع عمل‌درآید دولت آلمان برای جلوگیری‌از آن ناگزیر خواهدبودعملیات خودرابقلمرو(لو کزامبورك) نیزامتداد دهد . بااین بهانه‌های سفسطه‌آمیز بلژیك‌وهلند ولو کزامبورك مورد تجاوز نیروی آلمان هیتلری قرار گرفت .

راه تهران به آمل: روز دهم خرداد ۱۳۱۹ روزنامه اطلاعات در باره ساختمان راه تهران به آمل نوشت:

«ساختمان این راه از آب‌علی که در ۵۴ کیلومتری تهران واقع شده آغاز و اکنون تا آب گرم لاریجان که در ۱۳۹ کیلومتری آب‌علی و ۱۹۳ کیلومتری تهران میباشد امتداد یافته و مبارک آباد و کتل معروف امامزاده هاشم پلور و رنه در مسیر آن واقع شده است در رنه این راه بدو شاخه تقسیم میشود یک شاخه تا کنار آب گرم لاریجان و چشمه سارهای آبهای معدنی امتداد یافته و شاخه دیگر به اسک و بی‌جان و آمل منتهی میگردد.

این راه که کوتاهترین راهی است که پایتخت را بمازندران و نقاط شمالی کشور اتصال میدهد صرفنظر از اهمیت اقتصادی از چند نظر دیگر قابل دقت و اهمیت می‌باشد. مهمترین اهمیت این راه اینست که از کنار آبهای معدنی گرانبهائی که از دامنه های البرز جاری است مانند آبگرم لاریجان — آب نمک — آب جیوه استراباکو — آب آه — آب آهن و چشمه سارهای گرانبهای دیگر کانی میگذرد و این آبها بطوریکه خبرگان اظهار نظر میکنند والبته در آینده نیز از طرف بهداری مشخصات و اهمیت هریک بطور مشروح معین و باطلاع عامه خواهد رسید در شمار بهترین آبهای معدنی جهان می‌باشد. و اهمیت دیگر آن اینست که همه این چشمه سارها در نقاط بسیار مصفا و خرم و سبز ییلاقی واقع شده و در آینده بهترین تفرجگاه و بهترین آسایشگاه برای کسانی که میخواهند مدتی از هوای روح پرور ییلاق بهره‌مند شوند خواهد بود»

بعداز شهریور ۲۰ عملیات ساختمانی در این راه بکلی متروک ماند و اکنون که ۹ سال از آن تاریخ میگذرد هنوز هیچگونه اقدامی نشده با اینکه کرارا از طرف مقامات عالیه و مردم شمال بساختمان این راه توجه شده دولتهای بعداز شهریور نتوانسته اند از مالیات های سرسام آوری که بعناوین مختلف از مردم دریافت میکنند ۲۰ میلیون هزینه ساختمانی این راه را بپردازند و برای این همه بیکار کاری تهیه نمایند درحالی که درسال جاری چندین هزار بیکار را سازمان برنامه نگاهداری میکرد و بآنها حقوق میداد و ممکن بود درراه مزبور آنهارا بکار بگمارد.

پادشاه بلژیك تسلیم شد: روز نهم خرداد لئوپلد سوم پادشاه بلژیك که کشورش مورد تهاجم نیروی آلمان قرار گرفته بود تسلیم گردید ولی پیرلو نخست‌وزیر بلژیك اعلام داشت که بلژیك جنگ رادوش بدوش متفقین ادامه خواهد داد. چند نفر از افسران و کارمندان غیر نظامی سوگند وفاداری خود رانسبت بپادشاه نقض کرده و اعلام داشتند که با واحد هائی از نیروی بلژیك که در فرانسه بسر میبرند در راه نیل بمقصود مشترك متفقین خواهند جنگید.

عقب‌نشینی از دونکرك: روز یکشنبه ۱۲ خرداد چهار پنجم از نیروی انگلیس که برای شرکت درجنگ بفرانسه رفته و در دونکرك باتفاق ۸ هزارتن از نیروی فرانسه مورد محاصره واقع شده بودند باباز کردن راهی بطرف دریا دونکرك را تخلیه نموده و بسواحل انگلستان عقب‌نشینی نمودند.

اعلان جنگ ایتالیا بفرانسه: روز ۲۰ خرداد ۱۳۱۹ خبرگزاری ایتالیا یک اعلامیه رسمی بشرح زیر انتشار داد:

امروز کنت چیانو وزیر امور خارجه ایتالیا سفیر کبیر فرانسه را درکاخ «شیگی» پذیرفت و بوی چنین گفت: اعلیحضرت پادشاه و امپراتور ایتالیا آگاهی میدهد که از فردا یعنی روز یازدهم ماه ژوئن ایتالیا با فرانسه داخل جنگ خواهدشد. سپس وزیر امور خارجه سفیر کبیر انگلیس را بکاخ شیگی دعوت نمود و تصمیم ایتالیا رابدخول درجنگ با انگلیس بوی ابلاغ نمود.

درهمانروز موسولینی نطقی ایرادنموده اظهار داشت امید ملت ایتالیا مبدل بیاس شدا کنون این ملت درباطن میداند از چه لحاظ باین جنگ اقدام کرده است. یك ملت آزاد و بزرك نیازمند خطوط ارتباطیه است ایتالیا باید دردریا آزاد باشد این جنگ رنجبران برعلیه صاحبان زروسیم است که میخواهند ثمره دسترنج خودرا بدست آورند

اطلاعات و خبرهای جنگ: پس از آغاز جنگ بین‌المللی روزنامه اطلاعات که در ۱۲ صفحه منتشر میشد براثر کمیابی و نرسیدن کاغذ لوله مخصوص روزنامه مجبور شد که چهار صفحه از صفحات خودرا کم نماید ولی برای اینکه چیزی از مندرجات روزنامه کم نشود تدبیری اندیشید از ضخامت حروف کاست و با بکاربردن تیترهای کوچك و کم کردن آگهی‌ها همان مقالات و مطالب متنوع ازقبیل گفتارهای سودمند اجتماعی. روانشناسی. پرورشی. هنرهای زیبا. سیاسی. اقتصادی. قضائی. کشاورزی. بهداشتی. مسائل مربوط ببانوان. کتابهای علمی و اجتماعی. کودکان داستان روزانه. پاورقی حتی جدول که همه بازبانی ساده و اسلوبی نغز ودلپسند بتوسط نویسندگان دانشمند روزنامه

تهیه میشد در پنجاه و شش ستون روزنامه جای میداد .

از طرفی نسبت بانتشار خبرهای کوچک برای اینکه رعایت بیطرفی کاملا شده باشد کلیه خبرهای تلگرافی ورادیوئی کشور های مختلف را بترتیب ساعات رسیدن تلگراف ودریافت خبر حتی بدون عنوان وتیتر یکی پس از دیگری در دسترس خوانندگان میگذارد که مردم بخوبی از نظریات سران کشور های مختلف درباره حوادث واتفاقات جنگ مستحضر شده وتحت تاثیر یک خبر یا یک نطق قرار نگیرند وحقایق امور را دریابند .

تغییر هیئت دولت: روز پنجم تیرماه ۱۳۱۹ آقای علی منصور وزیر پیشه وهنر بسمت نخست وزیری منصوب گردید و آقایان دکتر متین دفتری وحکمت از خدمت معاف شدند آقای منصور ساعت ۷ بعداز ظهر روز مزبور هیئت دولت جدید را بشرح زیر بحضور اعلیحضرت فقید معرفی نمود :

منصور نخست وزیر و وزیر پیشه وهنر . اعلم خارجه . خسروی دارائی . سهیلی کشور . علم پست وتلگراف دکتر سجادی راه . مرآت فرهنگ . سرلشکر نخجوان وزارت جنگ . وثیقی بازرگانی . سروری کفیل دادگستری. رام رئیس کشاورزی .

روز نهم تیر هیئت دولت جدید بمجلس معرفی شده و باتفاق آراء رای اعتماد گرفتند. چندروز بعدهم مرحوم مجید آهی بسمت وزیر دادگستری انتخاب ومعرفی گردید .

متارکه جنگ در فرانسه: پس از شش هفته جنگ درفرانسه روزچهارم تیرماه ۱۳۱۹ قرارداد متارکه امضاء گردید چرچیل درهمانروز نطقی در پارلمان انگلستان ایراد نمود وطی آن اظهار داشت : « من نمیتوانم بدرستی تعیین کنم که چگونگی مناسبات مابادولت « بردو » چه خواهد بود. این دولت تسلیم دشمن گردیده واکنون درتحت انقیاد آن بسر می برد باوجود این ما باتوجه بنبوغ حقیقی ملت فرانسه وعنایت باین نکته که زمامداران فرانسه پس از بررسی دقیقتری، دراوضاع بنادرستی قضاوت خویش پی خواهند برد ماباید بکوشیم که بهر رنگ بااین دولت ازمیان نرده های زندانش تماس حاصل کنیم ودراین اثنا ما باید جدا درصدد تامین دفاع مؤثر خویش برآئیم زیرا نه تنها سرنوشت انگلیس بسته باین دفاع است بلکه آینده فرانسویان واروپائی ها وتمام دنیا با آن پیوستگی خاصی دارد .

خاطر مبارک آسوده باشد : روز بعد ازتغییر دولت یعنی روز هشتم تیرماه ۱۳۱۹ نمایندگان مجلس و مدیران جراید بکاخ سعدآباد احضار وشرفیابی حاصل نمودند اعلیحضرت فقید نمایندگان مجلس رامخاطب قرارداده و چنین گفتند :

« اگرچه من بوسیله دولت همیشه با مجلس ارتباط دارم اما حالا میل کردم مستقیما نیز نیات خود را بنمایندگان اظهار بدارم . این ملاقات بیشتر برای اظهار عدم رضایت ازسیستم کار امروزه است که خوب نیست .بما همیشه میگویند خاطر مبارک ازهرحیث آسوده باشد ، کار ها منظم است. ولی ازطرفی ما می بینیم حقیقتا آنطوری که لازم است وموقع اقتضادارد کار نمیشود.

درست است که هریک ازوزارتخانه وبنگاهها برنامه اصلاحی دارند و هر کدام مشغولند ولی امروزیک وضع فوق العاده ایست که بیشتر باید در صدد پیش بینی بود ، یکی از پیش بینی های لازم بیداری مردم یعنی آشناساختن عموم بوسیله دولت بوضعیت حاضر است که در این خصوص هیچ اقدامی نشده مخصوصا وزارت کشور که وظایف خاصی ازلحاظ اوضاع اجتماعی کشور عهده دار میباشد بواسطه ضعفی که دارد اقدامی نکرده است والبته رئیس دولت هم که ماموریت در تمام رشته ها دارد غفلت کرده است وبالاخره با گفتن :«خاطر مبارک آسوده باشد» کار ها درست نمیشود .

این بود که لازم دانستم راجع باوضاع حاضره توجه نمایندگان مجلس ودولت راجلب نمایم. صحیح است که ما متکی بقوای منظم وبیطرفی خود هستیم ولی این کافی نیست وباید آحاد و افراد مردم را برای روز های سخت حاضر و تربیت کرد اما این عمل باوجود داشتن تمام وسایل بکلی از نظر دور افتاده است بایددانست مقصود از وسائل چیست وسایل داشتن تشکیلات . داشتن مجلس .داشتن مطبوعات . داشتن بی سیم ورادیو وغیره است اینها تمام وسایلی است که برای پیشرفت کار لازم میباشد اما بهیچیک ازاینها متشبث نشده واستفاده نکرده ایم بحدی که ما می بینیم حقوق حقه ما در این گیرودار دارد ضایع میشود

حالا من رئیس جدید دولت و مجلس را متوجه میکنم که غفلت های گذشته راموقوف نموده و بیشتر برای بیداری افکار و مستعد کردن مردم برای روزهای مشکل تری منتها اقدام نمایند»

طرز کار و عمل شرکت نفت: روز ۱۶ تیر ۱۳۱۹ آقای خسروی وزیر دارائی باتفاق آقای منصور نخست وزیر درمجلس حضوریافته و گزارشی درباره رویه وطرزعمل شرکت نفت ایران وانگلیس بمجلس دادند وزیردارائی در گزارش خودگفت:

«اختلافی که با شرکت بمیان آمده قضیه بهره برداری ازمعادن است. استعداد منابع نفت ایران باتوجه بمعادن جدیدی که اخیرا درگچساران وپازانون وغیره کشف گردیده بحدی است که لااقل سه برابر حداکثر محصول سالیانه که تاکنون مورد استفاده صاحب امتیاز بوده است میتوان ازآنها استخراج نمود ومحصول نفت کشور ایران میتواند بعداز امریکا مقام دوم را ازحیث اهمیت استخراج نائل گردد واین منظور نیز بموجب بندالف ازماده ۱۲ وقسمت اول ازماده ۱۶ ومدلول ماده ۲۱ امتیازنامه ازتعهدات والزامات حتمی وغیرقابل بحث صاحب امتیاز میباشد ولی باوجود مقررات صریح مذکورکه شرکت ملزم برعایت آن بوده با کمال کندی درچهار سال اول قدری براستخراج محصول نفت ایران افزوده ودر سال ۱۹۳۷ مسیحی بده میلیون ونیم تن رسید ومطابق وعده‌های کمپانی دراین که همواره بهره برداری راتوسعه خواهدداد بایستی درسال ۱۹۴۰ حداقل به ۱۴ میلیون تن برسد ولی با تذکرات واعتراضات پی‌درپی دولت هرسال ازمیزان مزبورکاسته شده تادرسال ۱۹۳۹ میزان این کاهش بیك میلیون تن رسیده‌است ودرسال جاری میزان این کاهش بدرجات بیشتر خواهدبود البته دولت اقدامات لازمه‌را نسبت بمراتب مزبور بانهایت جدیت تعقیب نموده وخواهد نمود ولی نظرباهمیت موضوع اختلافات و دنباله‌ای که ممکن است بعداً پیدا نماید ضروری دانست مراتب را باستحضار مجلس‌شورای‌ملی برساند»

اعزام دو هیئت بمسکو: طبق یکی ازنامه‌های پیوست بقرارداد بازرگانی ودریاپیمائی منعقد بین‌دولتین ایران واتحاد جماهیر شوروی مقررگردیده‌بود سه‌ماه بعداز تاریخ انعقادقرارداد، کنفرانسی برای‌تنظیم امور حمل‌ونقل وترانزیت بوسیله راه‌آهنهای ایران وشوروی درمسکو تشکیل شود برای‌اجرای این‌نظر هیئتی مرکب ازآقایان حسین‌نفیسی - مهندس خسروهدایت - هادی‌سپانلو بریاست آقای سیاح مدیرکل وزارت‌خارجه روزدوم مرداد ۱۳۱۹ بمسکو اعزام‌گردید.

آقایان محمدامینی ومحمدبیات نیزبرای شرکت‌درنمایشگاه کشاورزی‌بمسکو اعزام‌گردیدندکه‌بسرپرستی آقای‌سیاح درنمایشگاه‌کشاورزی مسکوحضور بهمرسانندمدیراطلاعات درباره اعزام ایندوهیئت در سر مقاله نوشت

انعقاد پیمان بازرگانی واجرای آن بین دودولت دوست وهمجوار حاکی ازکمال حسن نیت اولیای طرفین بادامه روابط دوستانه ایست‌که‌خوشبختانه ازآغاز عصر فرخنده ایران نو شروع شده است این یك‌مسئله بدیهی است کشور هائی که بایکدیگرهمسایه‌میباشند بیش ازسایر کشورها نیازمند داشتن روابط دوستی و بازرگانی بایکدیگرمیباشند. دولت ایران هم‌همواره متوجه این اصل بوده که روابط خود را باعموم دول جهان روی اساس احترام ودوستی متقابل بطور کامل استوارسازدوبویژه بیشتر اهتمام وکوشش خودرا مصروف‌توسعه وتشیید روابط دوستانه و اقتصادی بادول همسایه بنماید و درپرتوهمین مساعی است که دولت ایران باعموم‌دول دارای روابط‌دوستانه بوده و روز بروز بر استحکام آن‌افزوده میشودکشور ماباکشور شوروی بیش ازدوهزار کیلومتر مرز آبی وخاکی دارد وبواسطهٔ همین موقعیت جغرافیائی ومرزی از دیرباز دو کشور نیازمندمعاضدت وهمکاری معنوی و اقتصادی با یکدیگربوده اند بهمین جهت دولت ایران‌همواره متوجه توسعه روابط‌مودت‌آمیز و مناسبات اقتصادی بین‌دوکشور بوده و قطعادولت اتحاد جماهیر شوروی هم عین این علاقه‌را دارا میباشد و اینك خوشبختانه در نتیجه حسن نیت اولیای دودولت با اجرای‌پیمان بازرگانی روابط اقتصادی بین دو کشور برپایه متین واستواری برقرار گردیده و امیدواریم‌روزبروز این‌روابط دوستانه‌استوارتروبویژه‌روابط بازرگانی واقتصادی بین‌دو کشور بیش‌ازپیش‌توسعه‌یابد»

نفت و اهمیت آن: در تعقیب گزارشی که‌وزیردارائی‌درباره کاهش میزان استخراج‌بمجلس‌دادروزنامه اطلاعات یك سلسله مقالات در اطراف اهمیت کانهای‌نفت ایران ولزوم افزایش میزان‌استخراج از طرف شرکت منتشر نمود ودرشماره‌جمعه‌چهارم‌مرداد ۱۳۱۹ چنین نوشت:

«کانهای‌نفت ایران وضعیت خاصی داردکه کمترنظیرآن درجهان دیده شده است: معمولا در کانهای نفت‌عمر چاهها از ۴ تا ۸ سال‌تغییرمی کند که درسال‌های آخرهم فقط بوسیله تلمبهٔ میتوان نفت آنها رابیرون کشید والا فوران طبیعی ندارد اما درکانهای ایران که بیش‌از ۲۳ سال‌استعمل استخراج‌ادامه داردگذشته ازاینکه هیچیك ازچاهها ازحیزانتفاع خارج نشده، فوران طبیعی‌آنها نیز ازبین نرفته وتاکنون احتیاج باستعمال تلمبه و فشار هوا وغیره پیدا نشده است وچاه‌های نفت مسجد سلیمان مانند چاه ب ۷ وب ۱۷ وب ۲۰ وب ۲۱ شهرت جهانی بهمرسانیدم

است.معمولا هریك ازاین‌چاهها بتفاوت درسالهای متوالی روزی هزارتاپنج هزارتن نفت‌داده‌اند بدون اینکه ضعفی درآنها بروز کند. بدین‌جهت هزینه استخراج نفت‌ایران خیلی‌نازل وبنابراین شرکت میتواند نفت‌ایران را بیهای خیلی کمی درقسمت‌های مختلف دنیا فروخته ورقابت شدیدی‌باسایر شرکتهای نفت بنماید وبازارهای بزرگی برای نفت ایران تهیه کند.کانهای مسجد سلیمان درتاریخ‌کان‌های نفت‌جهان بی نظراست چه ازسال ۱۹۱۲ تا کنون‌بالغ بر۸۴ میلیون‌تن ازآن نفت استخراج شده ویقین است که سالیان دراز دیگری نیز از این کانها نفت استخراج خواهدشد.نفت‌کشورهای متحد امریکا تنهاازئیدرو کربورهای‌غیرحلقه‌ای تشکیل‌شده ونفت‌های شوروی نیز ترکیبی است ازئیدروکربورهای حلقه‌ای وحال‌آنکه نفت ایران مخلوطی ازهردودسته است واین خود نهایت اهمیت را درصناعت نفت دارد وازاین حیث نیزمانند جهات دیگر کانهای نفت‌ایران درجهان حائزمقام فوق‌العاده شامخی‌است در کانهای نفت مسجد سلیمان وهفت کل عمق چاههائی که تاکنون حفرشده از ۲۰۰ تا ۱۵۰۰متر می‌باشد ولی برای مطالعات زمین شناسی چاههای عمیق‌تری نیز کنده‌اند که درنتیجه کاوش‌های علمی معلوم شده درزیرطبقه نفتی که اکنون مشغول استخراج آن میباشند قشردیگری‌نیزوجود دارد که نفت‌آن غلیظ‌تراست .

حل اختلاف باشرکت نفت: روز سوم شهریور ۱۳۱۹ وزیر دارائی در مجلس حضور یافته در اطراف اختلافات وزارت دارائی باشرکت نفت‌گزارشی‌داد وچنین اظهارداشت :

مورد اختلاف مهم ما موضوع‌کار استخراج وبهره برداری بودکه بواسطه کسر عمل موجب زیان در آمد دولت‌گردیده ضمنا مسئله تفاوت ارزش لیره نسبت به زردربازارهای‌آزاد نیز برآن اضافه‌میشد. در این‌موضوع مذاکرات ومکاتبات لازم باشرکت بعمل‌آمد وبالاخره چنین موافقت‌گردید که شرکت حقوق دولت را ازحیث حق‌الامتیاز ومالیات و تفاوت بهای لیره نسبت بزر که مطابق‌مقررات امتیازنامه بایدپرداخته‌شود ازسال ۱۹۳۸ تا آخر ۱۹۴۱ بپایه سال۱۹۳۷که حداکثر بهره برداری را نموده است و درآمد دولت ۳،۵۴۴،۴۳۹ لیره بود، بپردازد وبعلاوه ازحیث تفاوتی که‌برای دولت‌ازنظر ارزش لیره درمعاملات‌با وضعیت فعلی‌نسبت‌بسال۱۹۳۷ ایجادگردیده کمبودآنرا میپردازد که برای‌دوسال۱۹۳۸و۱۹۳۹ جمعا مبلغ ۱،۵۰۰،۰۰۰ لیره میشودبرای‌سال های ۱۹۴۰و۱۹۴۱ نیزعمل‌سال ۱۹۳۷ ماخذقرارداده‌شده که بعلاوه تفاوت‌بهای لیره برای‌هریك‌از این‌دو سال دست کم‌چهار میلیون لیره بدولت‌خواهدپرداخت‌وقرارشده‌است نسبت‌بمدت بعداز انقضای‌سال۱۹۴۱ اختلاف‌مربوط بدعاوی دولت درآنموقع با توجه‌باوضاع وقت‌بمنظور حصول‌ترتیبی که مورد موافقت طرفین باشد موردبررسی قرار گیرد .

مانور بزرك ارتش در اطراف همدان: مانور سالیانه ارتش درسال ۱۳۱۹ روز۱۸شهریور درحدود آبگرم خرقان واقع در ۸۵ کیلومتری همدان انجام‌گردید. اعلیحضرت فقید باتفاق والاحضرت‌ولیعهد روز ۱۷ شهریور باقطار سلطنتی از تهران بایستگاه تاکستان که‌دردست ساختمان بود عزیمت‌نموده‌وازآن‌جا بمنطقه‌مانور رهسپار گردیده شب‌راقامت‌وروزبعد پس از انجام مانور بتهران مراجعت‌نمودندبطوریکه شایع بود مانورسال۱۳۱۹ ارتش که درمنطقه خرقان انجام گردید یکی ازبزرگترین‌مانورهای نظامی ارتش قبل از واقعه شهریور بوده‌است.

تاسیس ۲۱۵۰ آموزشگاه: درسال تحصیلی ۲۰-۱۳۱۹وزارت فرهنك ۲۱۵۰ آموزشگاه‌جدید درسراسر کشوردائر نمودروزنامه اطلاعات‌دراین‌باره‌نوشت:

امروز دیگر گفتگو ازفوائد نشر وتوسعه فرهنك وشمردن‌یکایك بهره‌های‌آن‌زائداست. سابقه‌این گفتگوها در کشورما درازاست وازسالها پیش ازاین آنهائی‌که دم ازاصلاحات کشور میزدند هروقت سخنی از اصلاحات اساسی این مرزوبوم درمیان می‌آمد چاره منحصربفرد رانشر فرهنك وبویژه توسعه‌آموزش و پرورش ابتدائی می‌دانستند البته گفتار این‌جماعت اصلاح‌طلبان بهزارویك دلیل راست ودرست‌بود ولی آنروزها چون هنوز دوره حرف، وگفتار سپری‌نشده وزمان‌عمل واجرای این‌قبیل افکار واندیشه‌های پسندیده فرانرسیده بود ازاین‌سخنان نیز نتیجه‌ای گرفته نشد وسالهااوضاع فرهنك‌کشور بهمان‌حال ضعف وبیسروسامانی باقی‌ماند .

دراین چندسال که نهضت بزرك فرهنگی وپرورشی آغازگردیده‌است علاوه براینکه ما بتاسیس دانشکده وتوسعه وافزایش دانشکده‌ها وآموزشگاههای فنی‌وتخصصی بسیارکامیاب شده وبنیان آموزش عالی‌را برشالوده متینی استوار نموده‌ایم درراه توسعه‌آموزش ابتدائی‌هم قدمهای شایانی برداشته‌ایم امسال نیز در دنبال اقدامات سالهای‌پیش وزارت‌فرهنك برای توسعه وپیشرفت آموزش ابتدائی ۲۱۵۰ آموزشگاه جدید دائر نموده‌است .

۲۱۵۰ آموزشگاه یعنی ۲۱۵۰ کانون نور وروشنائی که تاشعاع زیادی پیرامون خودرا ازنور خیره کننده دانش وبینش روشن میسازد وپرتوی ازآن که بدرون قلب یامغز مستعدی بتابد ممکن است روزی پرتوافکن جهان بشریت گردد زیرا چه بسا درمیان این کودکان وجوانان خردسالی که اکنون این دبستانهای نوبنیاد آنها را در آغوش خود جای میدهد اشخاص صاحب استعدادی یافت شوند که اگر پرتوی ازانوار علم ودانش بردل ومغز آنها بتابد روزی خود خورشید رخشانی شوند ازاینرو این آموزشگاهها که اکنون درگوشه دهستانها وشهرستان های کوچک هم تشکیل شده ممکن است روزی برای ما نخستین پرورشگاه جمعی ازرجال علم وادب باشد.»

***

امروزدرست دهسال ازآن تاریخ میگذرد فرهنگ ما ، آموزشگاههای ما که تاقبل از شهریور سال بسال روبتوسعه میرفت دراین مدت نه تنها متوقف گردید بلکه سیرقهقرائی پیمود .

دراین دهسال کابینه ها باطمطراق زیادی لایحه تعلیمات اجباری رابمیان آورده و بتصویب رساندند هزاران وعدووعید دادند، هرروز بنوعی عوامفریبی و تبلیغات سفیهانه نمودند ولی متاسفانه نه تنها موفق بافزایش آموزشگاهها نشدند بلکه امور آموزشگاهها راهم بادستورات ضدونقیض خود بطوری درهم ریختند که دیگر محال است بتوان بصورت اولیه برگرداند . تاقبل ازشهریور مطابق مقررات درهر کلاس آموزشگاه سی تاسی وپنج طفل مشغول تحصیل بود وآموزگاران بالاخره درهرهفته موفق میشدند که لااقل ازدونفر این اطفال سئوالاتی نموده وازمیزان پیشرفت کار تحصیل آنان مستحضر شوند ولی وزیرانی که هدفشان «بیسوادی برای همه» بود بدون مطالعه امریه صادر کردند که کلیه اطفالیرا که بمدارس مراجعه میکنند بپذیرند بدون اینکه یك کلاس بتوانند علاوه کنند درنتیجه باجای دادن ۷۰ تایکصد طفل دریك کلاس چنان سطح تحصیل ومعلومات راپائین آوردند که اطفال باید درخارج تحصیل کنند وگرنه در آموزشگاههای امروز باوضع کنونی جز تضییع وقت اطفال ومعلمین نتیجهٔ دیگری عاید نمیگردد مگر اینکه یك انقلاب وسیعی در اوضاع فرهنگ بوجود آید وخرابکاری های دهساله یکباره جبران شود.

حمله بمستعمرات افریقائی انگلیس ومصر : روز ۲٤ شهریور نیروی ایتالیا بافریقا حمله نموده وراه مصررا درپیش گرفتند روزنامه اطلاعات درسرمقاله روز سیام شهریور نوشت مابحکم علائق خود با کشور مصروروابط دوستی دیرینه وتاریخی که بااین ملت برادرداریم دراین موقع که حوادث ناگوار فعلی یك قسمت از جهان رانرا گرفته واین کشور محبوب بیطرف باآنکه وارد هیچگونه از این حوادث نگشته میدان مخاصمه و مصادمه واقع گردیده است نمیتوانیم ازابراز همدردی خودداری نمائیم . بر طبق خبر هائی که میرسد اکنون قسمت باختر کشور مصرصحنه نبردهای وحشتناکی شده که ادامه آن ممکن است خسارت زیادی بملت مصر وارد آورد. ازخداوند خواهانیم کشور مصرهرچه زودتر از کشمکش وزدوخورد کنونی برکنارشود وبرادران مصری ما ازاین حادثه وپیش آمد ناگوار بخوشی وسلامت بیرون ایند .

سرشماری تبریز و مشهد : روز پنجم مهر ۱۳۱۹ درتبریز سرشماری شد. جمعیت آن شهرستان تاشعاع شش کیلومتر بالغ بردویست وسیزده هزاروپانصدوچهل و دو نفربود که از این عده ۱۰۹،٦۲۹ تن مرد و۱۰۳۹۱۳ تن زن بودند که چهل وچهار هزار وسی وشش خانوار راتشکیل میدادند. سرشماری مشهدنیز در ماه بعد انجام گردید و جمعیت آن ۱۷٦٤۷۱ تن بود .

راه آهن زنجان : روز ۱۲ مهر ۱۳۱۹ راه آهن زنجان بطول ۳۱۵ کیلومتر که ساختمانش از ۱۸ آبان ۱۳۱۸ آغاز شده بود پایان یافت ومراسم گشایش آن از طرف آقای دکترسجادی وزیرراه بعمل آمد مدعوین بامداد بزنجان رهسپار گردیده وهمانشب بتهران باز گشتند .

احداث سدروانسر : روز دهم آذر ۱۳۱۹ ساختمان سد روانسر پایان یافت و مراسم افتتاح آن انجام گردید روزنامه اطلاعات دراین باره نوشت : همانطور که مکرر گفته ایم یکی از عوامل مهم ترقی و پیشرفت کشاورزی کشور ما اصلاح امر آبیاری وایجاد سدهائی است که ازاتلاف آب رودخانه هائی که بهدر میرود جلوگیری نماید خوشبختانه مسئله اصلاح امر آبیاری وسدسازی وجلوگیری از اتلاف آب رودخانه ها اینك ازهر حیث مورد توجه قرار گرفته وتاکنون بکمك بانك کشاورزی و پیشه وهنر ایران برای اصلاح امر آبیاری شهرستان ها و ساختمان سدها یکسلسله اقداماتی شده وشرکتهائی تاسیس شده است یکی ازآن سد هائی که اخیرا ساختمان آن انجام گردیده ودر پرتواحداث آن درحدود ده هزار هکتار زمین بایردائر وآباد شده است سدروانسر میباشد که روز جمعه دوم آذرماه مراسم گشایش آن بطرز شایانی درحضور بالغ برهزارتن از مردم کرمانشاهان ودهستان روانسر انجام گردید وجمع کثیری از رعایا و کشاورزان را خشنود ساخت.

بمباران بحرین و تهدید پالشگاه آبادان : روز پنجم آبان ۱۳۱۹ مطلب زیر در صفحه اول اطلاعات جلب نظر میکند : «از قراری که شنیده شد بعضی روزنامه های بیگانه نقل از جراید ایتالیا پس از واقعه بمباران بحرین اخباری منتشر ساخته اند مبنی بر اینکه چون نیروی دریائی انگلستان از نفت ایران بمصرف میرساند ممکن است آبادان نیز که محل پالشگاه بنگاه نفت است مورد تهدید واقع گردد. جراید مزبور خواسته اند بدین عنوان نفت ایران را منتسب بتامات دریائی متخاصم جلوه دهند. معلوم است این گفتارها و تعبیرات غریب و عجیب. هر شنونده بیغرض و بامنطق را چه اندازه دچار حیرت میسازد .

بعقیده ما جرایدی که این قبیل عنوانات را مطرح میکنند بمسموم ساختن و انزجار افکار عمومی ملل بی طرف دنیا کمك مؤثری مینمایند اگرچه مطلب بقدری روشن است که محتاج بتوضیح و تشریح نمیباشد با این حال محض این که جای هیچگونه ابهامی برای هیچکس باقی نمانده باشد میگوئیم که آبادان خاك ایران و نفت متعلق بایران و شرکت نفت ایران و انگلیس مستاجر این نفت است و آنچه دستگاه و اسباب کار برای عملیات خود وارد و دایر کرده و بعد بکند مطابق قرارداد ملك و مال دولت شاهنشاهی شناخته میشود پس هر گونه تعرض و تجاوزی که در این قسمت بشود یك عمل خصمانه مستقیم برضد کشور ایران تلقی و بدیهی است که بانیروی مدافع ما مواجه خواهد شد. جای بسی تاسف است که نسبت بیطرفی ایران که بصلح و آرامش یك قسمت از دنیا خدمت کرده.

چنین نظریات و اندیشه های ناپسند تراوش کند ایرانیان برای حفظ موقعیت و دوام سیاست بیطرفی فعلی کشور خود نهایت علاقه را داشته و برای هر گونه فداکاری مهیا هستند و اجازه نمیدهند کوچکترین تعرض و نقضی از هر طرف درهرجا باشد بدان وارد آید بنابراین انتظار داریم تمام کشورها که با ما روابط دوستانه دارند این سخن را کاملا فهمیده بدان عمل کنند .

امضای پیمان بازرگانی بین ایران و آلمان : این اعلامیه رسمی روز ۱۹ آذر ۱۳۱۹ در برلن منتشر گردید : هیئت نمایندگی ایران بریاست آقای حمید سیاح مدیر کل وزارت امور خارجه ایران درچند هفته اخیر با دولت آلمان برای تعیین میزان مبادله کالاهائی که باید درظرف سال آینده طبق عهدنامه بازرگانی میان ایران و آلمان انجام گیرد مشغول مذاکره بود و اینك مذاکرات پایان یافته و موافقت نامه در روز آدینه ازطرف دولت آلمان بامضای آقای کلودیوس وزیر آلمان و از طرف دولت ایران بامضای آقای سیاح مدیر کل رسیده است آقای اسفندیاری وزیر مختار ایران در آلمان و آقای دکتر علامیر نماینده بازرگانی دولت شاهنشاهی ایران و مدیر کل وزارت بازرگانی درموقع امضای قرار داد درعمارت وزارت امور خارجه آلمان حضور داشتند.

هیئت نمایندگی شوروی درتهران : هیئتی مرکب ازآقایان الیموف - الکساندر لئونیدویچ - اسمعیل اف احمد اسمعیل ویچ - اولیانیشوف والری - ایوانویچ برای شرکت درکنفرانس کشاورزی ودفع آفات نباتی روز ۲۳ آذر بتهران وارد شدند. روزنامه اطلاعات دراین باره نوشت:

منظور ازمسافرت این هیئت اجرای مقررات پیمان دفع آفات نباتی است که بین دولت شاهنشاهی و دولت اتحاد جماهیر شوروی درچندسال پیش بسته شده و بموجب این پیمان سالی یکبار کنفرانس مختلفی مرکب از نمایندگان فنی اداره کل کشاورزی و کمیساریای کشاورزی اتحاد جماهیر شوروی درخاك یکی از دو دولت تشکیل میگردد. سال گذشته این کنفرانس درشوروی وامسال درایران تشکیل میشود و ماخوشوقتیم باین مناسبت بنمایندگان کمیساریای کشاورزی دولت اتحادجماهیرشوروی که برای انجام مقصود ارجمندی که عبارت ازحفظ منافع مشترك دو کشور و تامین مصالح اقتصادی طرفین است بایران آمده اند شادباش گفته ودرهمان حال آرزومندیم که کنفرانس امسال نیزموفق ببررسی هـای فنی کاملتری شده ودراثر تصمیمات مشترکی که گرفته خواهدشد ومجاهداتی که درخاك دوطرف بعمل خواهد امد نتایج رضایت بخشی حاصل گردد .

کشور ایران وشوروی دارای مرزمشترك وسیعی هستند وبخش مهمی اززمینهای زراعتـی دو کشور در همسایگی یکدیگر واقع شده و یقین است هراقدامی که دربهبود کشاورزی ودفع آفات نباتی درخاك یکـی ازدو طرف بعمل آید نتایج مفید ومؤثری درخاك کشور دیگر خواهد داشت وهمین همـکاری مشترك دو کشور و حسن نیتی که ازطرفین درانجام مساعی ترقی خواهانه ابراز میشود اثرات قابل توجهی در تحکیم مناسبات دوستانـه دو کشور دارد .

اطلاعات و بنگاههای خیریه : درآذرماه ۱۳۱۹ بنگاهی بنام بنگاه حمایت مادران و کودکان درتهران تاسیس گردید. روزنامه اطلاعات نسبت باین بنگاه نوبنیاد نیز روش خود را مثل سایر مؤسسات خیریه تعقیب نمود وبا انتشار مقالات مؤثر وسودمند مردم را بنیکی ونیکوکاری وحمایت اززنان مستمند باردار واطفال یتیم وفراهم ساختن وسایل پرورش کودکان ونوزادان بیگناه تشویق نمود وستونی برای کمك توانگران بنگاه حمایت مادران بازکرد وباجلب اعانات ومساعدت های عمومی وسایل پیشرفت کاراین بنگاه رااستوار نمود .

امریکا زرادخانه کشورهای دموکراسی: بعد از تجدید انتخاب روزولت رئیس‌جمهور فقیدامریکا بریاست جمهوری و پس‌ازالحاق کشورهای مجارستان ورومانی به‌پیمان سه جانبی (ژاپون- ایتالیا- آلمان) در تاریخ ۹ دی‌ماه ۱۳۱۹ روزولت دربرابر رادیو نطقی‌ایراد نموده وطی‌آن گفت :

«اگر کشورهای‌دیکتاتوری باحراز سیادت دردریاها توفیق‌حاصل کنند منابع بسیاریرا که ازاین‌رهگذر بدست خواهند آورد برای حمله بردن بامریکا مورد استفاده قرار خواهندداد. نمیتوان امیدواربودکه نازیها بصلح و آرامش تن‌دهند. بوعده‌های هیتلر بهیچوجه اعتماد نمیتوان کرد.

این‌مرد پیمانهائی راکه باکشورهای بزرك بسته شکسته‌است ودرمورد کشورهای کوچك نیز گرچه‌خود گفته‌است جاندارد این‌ملل از آلمان بیمناك باشند لیکن باینها نیز حمله‌برده و کشورشانرا تصرف کرده‌است ودر توجیه این حملات خود یاحمایت‌این کشورها رابهانه کرده‌یااین که‌گفته‌است اگر بتصرف آنها قیام نمینمود کشور های دیگر بآنها حمله می برند همانطور که امروز خاك بلژیك برای آلمان بمنزله نردبان هجوم بملت انگلیس است که‌برای حفظ حیات‌خود میجنگند همانطورممکن‌است یکی از کشورهای امریکای جنوبی مبدء حملات‌آلمان بکشورهای متحد امریکا واقع شودوشك نیست‌که دراین مورد نیز آلمان برای حمله بچنین کشوری این مسئله‌را بهانه‌خواهندکردکه خواسته است آنرا ازخطر حمله امریکابرهاند.

ازآنجا که شیوه زندگی نازیها اساسا باشیوه زندگی امریکائیان تفاوت دارد میتوان گفت که اکنون امریکا در معرض خطر جنك قراردارد . امریکا امروز بمنزله زراد خانه کشور های دموکراسی است‌که برای آنها مهمات تهیه‌میکند. اگر چه‌خطری‌که متوجه کشورهای‌دموکراسی‌است بزرك‌است لیکن من‌شك ندارم‌که در آخر کار پیروزی با اینان وشکست بادیکتاتورها خواهدبود.

روزولت درپایان سخنرانی خودگفت من‌بااستناد بآخرین گزارش‌های کارشناسان نظامی حتم دارم که انگلستان دراین‌جنك‌پیروز خواهدشد.

تونل های راه آهن تبریز : این خبرروز ۱۴دی ماه ۱۳۱۹ در اطلاعات‌جلب‌نظرمیکند:

با آنکه ساختمان خط آهن تهران به تبریز رویهم رفته از زمین های نسبتاً هموار بیرون آمده‌و رشته خط سازی بکوههای مرتفع میانه و تبریزرسیده است با وجود این ساختمان خط مانند پیش با جدیت و سرعت جلومیرودخبرباز شدن تونل‌قطعه ۱۱ بدرازی ۵۵۰متر را چند روزپیش‌منتشر نمودیم اینك‌بنابگزارشی که رسیده تونل شماره ۷ درقطعه۱۲ بدرازی ۶۰۰ متر که بعد ازایستگاه‌میانه‌واقع‌است‌روز نهم‌این‌ماه بازشده و همچنین کار در تونل های ۱۵۵۰ متری و ۱۷۰۰ متری قطعه چهارده و تونل های دیگر در این قطعات بخوبی پیشرفت دارد .

محمولات کشتی آرابیا: روز ۲۲ اسفند۱۳۱۹روزنامه‌اطلاعات در باره‌محمولات کشتی آرابیا چنین می‌نویسد:« مقداری‌ازکالاهائی که‌دولت شاهنشاهی برای‌کارخانجات‌مختلف‌خریداری‌نموده‌و توسط کشتی ایتالیائی « آرابیا» متعلق بشرکت کشتی‌رانی لوید ترستینو حمل شده بودازاوایل تابستان گذشته دربندرعصب‌در اریتره متوقف گردیده‌وازطرف‌دولت اقدامات برای‌تهیه‌وسایل‌حمل‌آن بعمل آمده.

اینك‌بنابر اطلاعات حاصله معلوم میشود تمام اقداماتی که دولت شاهنشاهی از آن تاریخ تاکنون برای ترخیص حمل کالاهای مزبور که علاوه‌برقیمت هنگفت‌بی‌اندازه موردنیازکارخانجات مختلفه‌بوده وهرروز تاخیروصول آنها موجب خسارات‌زیادی میگردد بعمل‌آورده بنتیجه‌نرسیده بااینکه‌پس‌ازمذاکرات وجلب موافقت دولت‌ایتالیا مبنی براینکه چنانچه دولت شاهنشاهی کشتی بیطرفی‌را کرایه‌و به‌عصب‌بفرستد اشکالی‌درحمل‌کالا ها نخواهدبود و بازحماتی کشتی پانامائی موسوم به‌اورکا بقیمت زیاد کرایه‌شده وتمام کرایه آن قبلا پرداخت ورهسپار عصب گردیده همینکه‌کشتی نزدیك عدن‌رسید دولت‌ایتالیا ازموافقت‌قبلی‌خود سرباززده وبعناوین اظهارداشته‌اند ورودهیچ کشتی بیطرف‌بعصب ممکن نخواهدبود ودرنتیجه کشتی‌اورکا درعدن متوقف ماند وحمل‌محمولات میسرنشده است چون‌با وجودتمام مساعی دولت وبااینکه‌اهمیت مخصوص این‌محمولات‌برای‌کارخانجات مختلفه‌کشورمکرر بمقامات‌مربوطه ایتالیا خاطرنشان شده ازطرف‌آندولت‌نسبت‌بحمل این محمولات‌بهیچوجه رویه‌عملی وقابل‌قبولی اتخاذنشدوبموجب اطلاع اخیر ورود کشتی را بعصب قطعا رد کرده‌اند بنابراین درمقابل این‌نقض موافقت قبلی دولت ایتالیا وعدم توجه آندولت‌بحل این‌قضیه ازطرف دولت شاهنشاهی حقا خسارات هنگفت وارده‌را ازباب بهای‌کالاها و کرایه کشتی وخسارات‌ناشیه‌ازتاخیرازدولت ایتالیا مطالبه وجبران فوری‌آن خواسته شده است. ما درضمن اینکه این خبر را بخوانندگان خود میدهیم ازجریان قضیه‌بی‌نهایت‌تعجب وتاسف داریم ونمیدانیم چنین‌رویه‌ورفتاررا چگونه بایدتعبیرنمود. بهرحال‌منتظراقدامات‌دولت دروصول‌خسارات وارده میباشیم

انتشار اطلاعات هفتگی: از اول فروردین ماه ۱۳۲۰ مجله اطلاعات هفتگی بانتشارات روزنامه اطلاعات افزوده شد. این مجله که با همکاری عده ای از نویسندگان دانشمند اداره میشد از همان آغاز انتشار مورد توجه عمومی واقع گردید و تا آن زمان مجله‌ای باین سبك و زیبائی سابقه نداشت و مطالب متنوع و مختلفی که داشت تا آنموقع در ایران بی نظیر بود و همین استقبال زیادی که مردم از اطلاعات هفتگی نمودند موجب شد که مجلات هفتگی دیگری بعد ها باتقلید ازسبك آن منتشرشد بنگاه اطلاعات خوشوقت است که بدین ترتیب قدم مهمی درراه پیشرفت سایر مطبوعات کشور برداشته شده. اطلاعات هفتگی مرتبا درراه پیشرفت بودوبر زیبائی وتنوع مطالب جالب آن افزوده میشد و اینك نیز با آنکه هرهفته دهها مجلات ونشریات هفتگی منتشر میشود اطلاعات هفتگی اهمیت و تعداد انتشارش روزبروززیادترمیشود.

حمله مجارستان بیوگوسلاوی: روز ۲٤ فروردین ۱۳۲۰ این خبر جلب توجه می کند:

« کریستوفی وزیر مختار مجارستان درشوروی روزدوازدهم آوریل ویشینسکی معاون کمیسر امور خارجه شوروی را ملاقات واز جانب دولت متبوع خود راجع بعلت‌هائی که دولت مجارستان راوادار بداخل کردن نیروی خود درخاك یوگوسلاوی نمود توضیحاتی دادواظهار امیدواری نمود که دولت اتحاد جماهیر شوروی اقدامات دولت مجارستانرا مشروع وموجه بداند.

ویشینسکی بوی چنین پاسخ داد: هرگاه مقصوداین اظهار آگاهی یافتن ازنظردولت اتحادجماهیرشوروی باشد لازم بتذکر میدانم که دولت شوروی نمیتواند چنین اقدامی را از طرف مجارستان موجه بداند؛ آنچه که بیشتر بنظر دولت شوروی بدآمده آنست که دولت مجارستان تنها چهارماه پس از امضای پیمان دوستی دائمی با یوگوسلاوی نیروی خودرادرخاك آنکشور داخل کرد هرگاه خودمجارستان دوچار بدبختی میشد و تجزیه میگردید معلوم میشد که گرفتار چه اوضاعی میگشت زیرا همه میدانند که مجارستان نیز دارای اقلیت‌های زیادی است. وزیر مختار مجارستان قول داد که نظریات دولت اتحادجماهیرشوروی را باطلاع دولت متبوع خود برساند

کابینه رشید عالی گیلانی: رشید عالی گیلانی که در ۲٤ فروردین در عراق کودتا کرده بود کابینه خود را بشرح زیر تشکیل داد:

نخست وزیر ووزیر کشور رشید عالی - وزیرخارجه موسی شهبندر - وزیردارائی ناجی السویدی - وزیر دفاع ناجی شوکت - وزیرداد گستری علی محمود الشیخ علی - وزیر اقتصاد یونس السجادی - وزیرراه محمدعلی محمود - وزیر اجتماعی رئوف البحرانی - وزیرفرهنگ دکتر محمدحسن سلمان.

براثر این اقدام رشید عالی بلافاصله بموجب عهدنامهٔ انگلیس وعراق وباموافقت نایب السلطنه عراق که بغداد را ترك نموده بود نیروی انگلیس دربصره پیاده شد وعراق را اشغال نمود.

دوهفته بعد ازسه کشتی دیگر انگلیسی که میخواست در بصره نیرو پیاده کند دولت عراق جلوگیری نموده و یادداشتی بسفیر کبیر انگلیس تسلیم کرد که نیروی عراق باید آن کشور را تخلیه نماید. از طرفی کلیه نقاط لشگر کشی کشور منجمله بندر بصره رانیروی عراق اشغال کرد ومناطق نفت عراق نیز تحت مراقبت نیروی نظامی عراق قرار گرفت.

روزنامهٔ اطلاعات در سر مقالهٔ خود درباره حوادث کشور عراق روز ۱۵ اردی بهشت ماه ۱۳۲۰ چنین نوشت: «چون اخباری که بوسیله خبرگزاری های بیگانه رسیده ودر ستون های متعدد روزنامه های این چند روزه منتشر شده وقایع اخیر عراق وجریاناتی را که منتهی باوضاع فعلی گردیده بتفصیل بیان میکنند باین جهت از تکرار جزئیات وقایع خودداری نموده تنها بذکر این نکته اکتفا می کنیم که وقایع واتفاقات اخیر کشور عراق ازاین جهت که موجب اختلال صلح وباعث سلب آسایش مردم این سرزمین شده است اسباب تاثر وتاسف قلبی ماست زیرا طبیعی است کسانیکه سعادت بشر و نشوونما وسیرتکاملی آن را در سایه پیدایش محیط آرام و مسالمت آمیز میدانند جا دارد از بروز این قبیل وقایع سهمگین که مایهٔ انهدام اساس نیکبختی هائی استکه دردورهٔ های صلح وصفا برپا میشود اظهار تاسف نمایند.

بهمین جهت صرف نظر از کیفیات وموجبات پیش آمدهای اخیر عراق وعواملی که طرفین اختلاف را وادار باعمال شدت وسختی درمقابل یکدیگر نموده است. این حقیقت قابل انکار نیست که اوضاع فعلی عراق که نتیجه قهری آن زیان‌های جانی ومالی بسیاری برای این کشوراست تاثرات شدیدی در خاطر هر شخص ایران دوست وصلح طلبی ایجاد میکند، این تاثر برای ما درمورد کشور عراق افزون میباشد زیرا عراق کشوری است آسیائی که باما دارای مناسبات وعلائق بسیار همسایگی ودوستی است بعلاوه ازلحاظ اتباع ومنافع زیادی که ما درعراق داریم اهتمامات ما نسبت بخوب وبد احوال و سرنوشت مردم این سامان امری طبیعی وفطری است.

بهمین جهت آرزومندیم که هرچه زودتر وضعیات صلح و آرامش دراین کشور برقرار وملت نجیب عراق دربرتو آسایش وزندگانی خودرا بانیل بترقیات ادامه دهد.»

اوایل خرداد ۱۳۲۰ رشیدعالی ورفقایش ناچار عراق را ترک نموده وفراررابرقرار ترجیح دادند.

فرار هس باسکاتلند: روز ۲۳ اردیبهشت رودلف هس که بعد ازهیتلر شخص دوم آلمان محسوب میشد بایك هوا پیمای مسراشمیت دراسکاتلند فرود آمدآنروزرادیوی آلمان‌عنوان فرار بمسافرت‌رودلف هس داد ولی بعد معلوم گردید که برای مذا کره‌در اطراف‌صلح بانگلستان پرواز نموده بود که در آنجا بعنوان اسیرجنگی تلقی گردیده‌و بازداشت‌شده

تغییر وزیر دارائی: روز ۲۸اردیبهشت۱۳۲۰آقای خسروی وزیر دارائی‌ازکار بر کنار گردیده و آقای کلشائیان معاون آن وزارتخانه بکفالت منصوب گردید.

گشایش راه آهن شاهرود: وزیر راه هنگام گشایش راه آهن شاهرود در تاریخ دوم‌خرداد ۱۳۲۰ طی نطقی در برابر چند هزار نفر اهالی ومدعوین که از تهران بشاهرود مسافرت کرده بودند گفت: ساختمان ۳۱۴ کیلومتر راه آهن از گرمسار تا شاهرود با وجود مشکلات بسیاری که درتهیهٔ مصالح ساختمانی وجود داشته واین اواخر بعلل خارجی این موانع شدت پیدا کرده در ظرف مدت‌قلیلی پایان یافته‌است. عملیات ساختمانی روبمشهد نیزبا جدیت ادامـه دارد و مقاطعه کاران مشغول پل سازی وخاك ریزی در قسمت هـای مختلف هستند.

آغاز سال‌شانزدهم: اقدام مادرسال جدید همانانتشار اطلاعات هفتگی‌است که‌ازآغاز فروردین‌ماه ۱۳۲۰ انتشاریافته وماامیدواریم که‌درآینده نیزبتوانیم کارهای سودمندی در راه انجام وظیفه نامه نگاری و خدمت بفرهنگ کشور انجام‌دهیم‌وهرسال قدم‌تازه‌ای درراه ترقی روز نامه وتوسعه بنـگاه اطلاعات برداریم پیروزی وکامیابی ماپس‌از الطاف پروردگاری توجه واستقبال روز افزون هم میهنان عزیز ماست که همواره موجبات تشویق کار کنان این‌نامه‌رافراهم نموده ومارا تائید فرموده‌اند

خبر آژانس فرانسه آزاد یااولین نغمه‌شوم: نائره جنك شعله‌هایش بیشتر ودامنه آن وسیعتر میگردد‌ونگرانی شدیدی همه‌ملل بخصوص کشورهای همسایه جنگجویان گیتی را فراگرفته وهرروزخبری‌پیرامون وضع سیاسی و نظامی ایران انتشارمی‌یابد ازجمله آژانس مستقل فرانسه خبری منتشرساخت حاکی از اینکه دولت شوروی‌نسبت بایران باسوءظن نگاه میکند وآنجارا مرکزی برای حمله شوروی میداند و دلایلی برای ادعای خودذ کر کرده‌بود که‌تحریك آمیز بودوبهمین مناسبت سرمقاله اطلاعات موضوع این خبر قرارگرفته و اینطور نتیجه گرفته‌بود:

« تاچندروز پیش دولتین شوروی و آلمان روابط و مناسبات نزدیك داشتند و عوامل ماجراجو سعی می نمودند هرلحظه مارااز‌دولت همسایه‌شمالی نگران سازند وهرروز بعنوانی ازقبیل تمرکز قوا درمرزهاونمایش‌های نظامی در نواحی نزدیك ماویا احتمال سازش آلمان وشوروی بضرر ایران متشبث شده وبرآن بودند که موجبات تیرگی روابط مارا باشورویها فراهم ساخته واز این سوء تفاهمات خودنتیجه بگیرند حالاهم که‌ورق برگشته و آلمان وشوروی باهم درجنك‌میباشند بعنوان اینکه ایران پایگاه ومحل اقامت شماره زیادی آلمانی است میخواهند شوروی‌را نسبت بما نگران ساخته و روابط دو کشور را تیره نمایند و حتی صریحا فشار مشترك دولتین شوروی و انگلیس را بایران تذکر میدهند درصورتیکه روش ایران حفظ کامل بیطرفی وسعی‌دررعایت مناسبات دوستی‌خود با تمام‌کشورها بخصوص‌همسایگان‌است. ملت ایران این تحریکات زهر آلود راتقبیح‌مینماید و این افکار مغرضانه ومفسدت انگیز را که بخواهند ملت‌صلح طلب و بیطرف ایران‌را واردکارزار کنند یك‌نوع جنایت بزرك دانسته ویقین داریم تمام عناصر صلح‌طلب گیتی باما دراین‌نظر شریك‌خواهندبود.

دوروز بعد آژانس تاس ازمسکو خبری منتشر ساخت و شایعات درباره تیرگی مناسبات ایران وشوروی ویا نگرانی دولتین را از یکدیگر تکذیب کرد وروز دهم تیر ماه سفیر جدید شوروی (آقـای اسمیر نوف) وارد تهران شد.

اعلام حمله نیروهای شوروی و انگلیس بایران کـه چهارساعت بعداز نیمه‌شب سوم شهریور ۲۰از طرف آقای اسمیرنوف و آقای‌بولارد بآقای منصور نخست‌وزیر تسلیم‌گردید معلوم داشت که پیش بینی آژانس فرانسه صحیح بوده و تکذیب آژانس تاس یك مانور دیپلوماسی بیش نبوده‌است.

وجود آلمانیها در ایران بهانه شده بود : جسته جسته تراوشاتی میشد که در ایران ستون پنجم آلمانی وجود دارد و به آلمانی‌هائی که درخدمات صنعتی کار میکردند اشاره میشد دراین باره سرمقاله ۱۷ تیر اطلاعات جلب توجه میکند ازاینقرار :

« ایران در زندگی صنعتی خود نیازمند کارمندان فنی وکارشناس است و توسعه کارخانجات نیازمندی ایران را ظاهر می سازد .

این نیازمندی از دو راه تامین میشود یکی اعزام محصل باروپا است که این امر باکمال شدت شروع شده و کشور اکنون دارای عده بیشماری مهندس ومتخصص شده که آموزشگاههای فنی نیز درداخل کشور بوجود آورده‌اند راه دیگر استفاده از کارمندان فنی خارجی است که در اینمورد دولت توجه کامل دارد که بتدریج از عده آنها کاسته شده وکار آنها بایرانی ها تفویض شود و بهمین نظر درغالب پیمانهائی که برای خرید کارخانجات منعقد میگردد قید میشود که متخصصین بیگانه در مدت معینی بتعلیم و آموزش کار کنان ایرانی اقدام و آنان را برای انجام خدمات فنی آماده نمایند. چون ایران درمرحله صنعت قدم گذارده و بعلاوه در سایر رشته ها نیز احتیاج بجلب متخصصین خارجی دارد نمیتواند از استخدام خارجیها بی نیاز شود لکن میتواند بتدریج از تعداد آنها بکاهد تا پس از چندی کارها بدست خود ایرانی ها بیفتد..»

« .... قسمت عمده اتباع بیگانه در بنگاه‌های مهم صنعتی از قبیل شرکت نفت وراه آهن، شرکت ماهی ایران، کارخانجات دولتی وملی مشغول کارهستند وعده آنها ازینقرار است:

۲۵۹۰ نفر اتباع انگلیس - ۳۹۰ نفر اتباع شوروی - ۶۹۰ نفر آلمانی - ۳۱۰ نفر ایتالیائی - ۱۸۰ نفرچکوسلواکی - ۷۰ نفرسویسی - ۲۶۰ نفریونانی - ۱۴۰ نفریوگوسلاوی .

توسعه صنایع بزرك در هرکشور مستلزم وجود شماره بسیاری کارمندان فنی است و درایران شماره کارشناسان بیگانه متناسب با نیاز های داخلی ومطابق نقشه ایست که دولت درپیشرفت هریك از رشته کارهای صنعتی و کشاورزی وساختمانی وغیره در نظر گرفته است.»

اطلاعات درچهار صفحه- پیش آمد جنك سبب شد که اطلاعات از ۱۲ صفحه یومیه به ۸ صفحه و از ۸ صفحه بشش صفحه برسد وروز ۳۰ تیرماه ۱۳۲۰ اداره اطلاعات مجبور شد برای ادامه حیات خود اطلاعات رادرچهارصفحه انتشار دهد در اینموقع راهها بسته شده بود وکاغذ مخصوص اطلاعات که لوله سفارش داده می شد دیگر نمیرسیدو مقداری ازکاغذهای اطلاعات هم که از خاك شوروی بطور ترانزیت حمل می شد با پیش آمد جنك آلمان وشوروی ازبین رفت واداره اطلاعات ناگزیر شدروزنامه رادرچهار صفحه منتشر کند .

بازهم خبرگزاری فرانسه آزاد : روز ۱۰ مرداد ۱۳۲۰ خبرگزاری فرانسه آزاد خبر داد «سازمان ستون پنجم آلمان در ایران و افغانستان برقرار گردیده وعمال آلمانی از آن استفاده کرده بسرزمینهای مجاور جمهوری‌های قفقاز وترکمن و ترکستان ونواحی شمال هندوستان راه می یابند و حوادث راجع بخرابکاری که در مراکز صنعتی قفقاز روی داده مراقبت زمامداران شوروی را بیش از پیش فزون کرده و بیشتر وقت دولت انگلیس معطوف با نست که پالشگاهها و منابع نفت شرکت نفت ازخطر مصون ماند.عمال آلمان بامهاجرین روس سفید که برخی از آنها باگذرنامه آلمانی وارد ایران شده‌اند همکاری میکنند. نمایندگان دولت اتحاد جماهیر شوروی وانگلیس دقت دولت ایران را نسبت باین فعالیت خطرناك عمال آلمانی که می کوشند کمك بازرگانان ایرانی رادرخاك شوروی و انگلیس بدست آورند جلب کرده‌اند»

اطلاعات در سرمقاله همانروز بعد از نشر مطالب فوق علاوه می‌نماید:« ناشرین این اخبار تحریك آمیز میخواهند قسمتهای دیگر جهانرا میدان اغراض خطرناك خود قرار داده بربدبختی‌های جامعه بشر بیفزایند. این گفته‌ها بکلی دور از حقیقت است هرکس مختصر اطلاعاتی از داخلهٔ ایران داشته باشد بخوبی درك میکند که باوجود قدرت دولت ومراقبتی که در انتظامات کشور میشود هرگز دستجاتی که بعملیات خلاف نظم وسیاست دولت دست زنند تشکیل نشده ونخواهد شد. مقصود اصلی اینست که دامن کشوری را که در تمام دوره جنك سیاست بیطرفی را بتمام معنی مجری داشته وباستقرار صلح در این قسمت از جهان خدمت شایان کرده ومنافع کلیه دول بخصوص همسایگان را بانهایت دقت وصمیمیت حفظ کرده است آلوده سازند وآنرا در مخاطره جنك اندازند و این منتهای قساوت وبی انصافی است که کشور مارا بخواهند میدان مطامع دیگران قرار دهند والا همه میدانند که نفت ایرانرا قوای دولت حفظ وحراست می‌کند و درظرف دو سال جنك کوچکترین خلاف نظمی پیش نیامده ومصونیت منابع نفتی وتأسیسات آن تأمین می‌باشد بعلاوه این عناصر ودستجات ستون پنجم آلمانی که ادعامیکنند

کجااست وچرانشان نمیدهند چه خلاف ترتیبی مشاهده کرده اند و کدام ماز ران ایرانی در خاك شوروی وجود دارد که عمال آلمانی توانسته باشند با آنها ارتباط حاصل کنند.

ما این رویه تبه کاری وماجراجوئیرا یك عمل پست دانسته با اعتراضات سخت خود بناشرین اینگونه مطالب خاطر نشان میسازیم که دولت و ملت ایران بادقت کامل مراقب جریان اوضاع وحقایق امور بوده کوچکترین نکته را در زمینه مصالح و منافع واقعی خود از نظر دور نمیدارد و بیطرفی خودرا همچنان حفظ وحراست خواهد کرد.

***

در همین ایام بود که مبادله یادداشتهائی بین دولتین شوروی و انگلستان با ایران در زمینه وجودستون پنجم آلمانی در ایران شروع شده‌بود. دولت در جواب وجود آنهارا انکار ودعاوی مزبور را ردمیکرد ولی درمطبوعات چیزی دراین‌زمینه انتشار پیدا نمیکرد.

***

این مقاله در آنروز فوق‌العاده با اهمیت تلقی گردید وحقایقی‌راروشن ساخت ومعلوم داشت که متفقین، تقاضاهائی دارندکه دولت باتقاضاهای آنها موافقت نمیکند وروش بیطرفی را پیش کشیده ودرحفظ بی طرفی کوشش دارد.

در آن موقع چه مردم ایران وچه‌عموم خارجی‌ها میدانستند چنین مقالاتی که خلاصه‌ای‌از آن‌دربالا انتشار یافت طبق دستور ونظردولت وشخص‌رضاشاه نقید منتشر میگردد والا بحث درمسائل سیاسی ومهم کشور آن هم در آنموقع دقیق وحساس همه میدانستند از قدرت یك‌روزنامه نویس خارج است. بهرحال این مقاله‌روشن کرد که انگلیس ها هم وجود آلمانی‌های متخصص ومستخدم دولت را بهانه قرار داده‌فکر حمله‌بایران را در مغز خودمی‌پروراندندومقدمه‌چینی آنرا آغاز کرده‌اند.

روزنامه های ترکیه چه نوشتند؟ براثرانتشاراتی که‌برعلیه ایران دررادیوها وخبر گزاری ها یکنواخت شروع‌گردید وهمه وجود دسته‌های آلمانی رادر ایران خطرناك دانسته وآنرا وسیله حمله‌بکشور ایران تلقی کردند وایدن وزیر خارجه انگلیس هم آنرا تایید نموده بود روزنامه های ترکیه مقالاتی انتشار دادند وسیاست روشن وصداقت آمیز دولت ایران را درحفظ بیطرفی و جلوگیری ازهرگونه مداخلات اجانب ستودند از جمله‌روزنامه (صون‌تلگراف) و(جمهوریت) و(آغشام) و(اقدام) که ازجراید مهم ترکیه میباشند در سرمقاله های‌خود نوشتند: «حکومت ایران مسئول حفظ سیاست‌بیطرفی کشوربوده واین حکومت حرکاتی‌نمینماید که مخالف بیطرفی باشد.ایران کشوری است که حافظ آزادی واستقلال خود بوده ووجود چندتن بیگانه نمی‌تواند استقلال اورا برهم زند.»

روزنامه آغشام واقدام نوشتند: «اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی پس از جنك گذشته بر اثراصلاحات بزرك زمام‌ایران رابدست گرفت وحقوق واستقلال وحاکمیت ایران راتامین نمود،معظم‌له ایران نوینی براساس ایران قدیم بنا فرموده وازآغاز این جنك باکمال‌صمیمیت طرفدار صلح بوده وبنابراین مسلم است که در حفظ بیطرفی کشور وصیانت تمامیت ارضی ایران موفق خواهدگردید.»

اطلاعات پس از نقل مطالب روزنامه‌های ترکیه اضافه نمود:پس ماحق داریم‌بگوئیم سیاستی‌که دولت‌از آغازجنك تاکنون پیروی نموده بخوبی ثابت کرده است که هیچ منظوری جزحفظ بی‌طرفی کامل ونگاهداری صلح وآرامش‌نداشته‌وکشور های بی‌طرف‌ودوست‌ایران‌نیزاین‌رویه‌را می‌پسندند وآنها نیز همین‌روش راپیروی‌میکنند.

جشن سی وششمین سال مشروطیت: ۱۴ مرداد ۲۰ طبق معمول همه ساله جشن مشروطیت ایران درعمارت مجلس ومیدان بهارستان منعقد گردید ـ تمام رجال و محترمین وطبقات مختلف و همچنین‌سفراو وزیران مختار در جشن شرکت نمودند و نکتهٔ مهم دراین مراسم تفکیك نمایندگان خارجی از یکدیگر بود ـ سفراء ووزرای مختار دول متحد وکشورهای متفق که درجنك بودند دردو محل پذیرائی شدند و باین ترتیب تمام نمایندگان وارد درجنك شرکت کردند و میزبانان‌توانستند بیطرفی کامل را نیز در این باره‌رعایت نمایند.

در ایران جهانگرد زیاد دیده می‌شود: روز ۱۷ مرداد بمناسبت انتشاراتی که درخارجه داده شده‌بود مبنی براینکه ایران مرکز جهانگردان خارجی شده و عده بیشماری در ایران تمرکز پیدا کرده و اسلحه و لباس بین مردم توزیع می کنند اطلاعات نوشت که تمام‌بیگانگانی که بایران می‌آیند قبلا مقصد وشغل ومحل اقامت آنها معلوم و هیچکس نمی‌تواند بدون نظارت دولت از زیر نظر مامورین از مرز ها و گمرکخانه ها بگذرد و یا اسلحه ومهمات وارد کشور کنند .اینکه‌میگویند ایران مرکز فعالیت بیگانگان‌بضرر کشور های همسایه شده سفسطه‌ای بیش‌نیست. سیاست ایران براساس حاکمیت خود و حفظ حقوق مشروع کلیه کشور هائی که با ما ارتباط دارند طبق عهود ومقررات مربوطه‌استوارمیباشد ودراین‌باره از هیچگونه‌مراقبت فروگذار نشده ونخواهدشد.

پیرامون نطق وزیر خارجه انگلیس: ایدن وزیر خارجه انگلیس درمجلس مبعوثان طی نطق خود درباره سیاست بین‌المللی راجع بایران گفته بود: « ورود عده زیادی متخصصین آلمانی در ایران خطر بزرگی برای استقلال‌آن‌کشور ایجاد نموده است و دولت‌انگلیس ازروی کمال پاکی و صداقت نسبت‌باین خطر بدولت ایران آگاهی داده وامیدوار استکه این‌آگاهی مورداعتنا‌قرار گیرد»

اطلاعات درسرمقاله ۱۸مرداد ۲۰ نوشت « آقای ایدن‌نبایدایران امروز رابا‌ایران ۱۹۱۴در یک زمینه‌فرض و روی پارهٔ گزارشهای غلط ازوجود آلمانی هادرین مملکت‌چنین‌عقیده‌ای را اظهار نمایند. دوسال است‌جنگ شروع شده‌و نظم وترتیب داخلی ایران وعدم تغییراوضاع نشان‌میدهد که‌ایران میتواند بروضع داخل خودحکومت وتسلط داشته‌باشد بنابرین وجود یکعده معین‌و محدودمتخصص فنی‌یا غیرآن دربرابر مراقبتهای مؤثر دولت ابدا نمیتواند خدشهٔ درجریان امور وارد سازدچه‌رسد باینکه‌استقلال کشوررا تهدید کند واینکه‌آقای ایدن تمایل دولت بریتانیا رابصلح وآرامش درین کشورها اظهار داشته‌اندتردیدنیست که‌ایران بسهم خودنهایت میل‌و آرزو راجهت پایداری آسایش وامنیت دراین قسمت ازجهان وبرکنار ماندن از کشمکش وبحران کنونی اعمال نموده است‌و سیاست بیطرفی حقیقی وقطعی دولت‌ایران، مؤثرترین وسیله برای حفظ صلح و ممانعت از سرایت هرگونه جریانات نامطلوب‌میباشد واین پافشاری دولت درحفظ بیطرفی وعدم‌قبول تقاضاهائی که بیطرفی رانقض میکند نباید موردی برای سوء تفاهم واقع گردد وطرفداری یك جانب وطرفیت نسبت بجانب دیگر تعبیر گردد زیرا این نظریه کاملا در مورد یك دولت بیطرفی صدق میکند که تقاضای مخالف بیطرفی خودرا از هر طرف که‌باشد ردی‌نماید برای‌اینکه بیطرفی‌رابمعنای حقیقی عملی کند.»

آخرین نطق رضا شاه در اقدسیه: همه‌ساله‌پس ازپایان دوره تحصیلی‌دانشکده افسری یکماه‌شهریور بدانشجویان مرخصی داده‌میشد وآغاز مهرماه جشن‌فارغ التحصیلی‌دانشکده برپامیگردید. سال ۱۳۲۰ این‌تعطیل موقوف شدو افسران فارغ‌التحصیل بیدرنك بواحدهای خود منتقل شده‌و مشغول کارشدند ومراسم جشن‌دانشکده روزسه شنبه ۲۸مرداد درحضور اعلیحضرت فقیدو والاحضرت ولیعهد برقرار گردید که درین مراسم ۱۰۷۴ تن مفتخر بافسری ارتش‌میشدند و۴۲نفر فارغ‌التحصیل ازدانشگاه جنگ گواهی نامه خودرامی‌گرفتند.

ساعت چهارو نیم‌بعد ازظهر ۲۸مرداد بود که اعلیحضرت فقیدخطاب بافسران فارغ‌التحصیل دانشکده افسری چنین اظهار داشتند:

« درین موقع بشما دانشجو یان دانشکده افسری که تحصیلات خودتان رادر دانشکده تمام کرده و امروز باخذگواهی‌نامه یابعبارت دیگر فرمان افسری نائل‌میشویدتبریك میگویم. امیدوارم‌در‌آینده بواسطه‌حسن خدمت وانجام وظیفه بدرجات بالاتر وبمقام عالیتر نائل شوید.

شاید بعضی‌ها پیش خودشان تصور کنند که امسال ازیکماه مرخصی معمولی دانشکده‌محروم شده‌اندولی البته‌بعد که‌علل وجهت آن رافهمیدند تصور میکنم حس‌فداکاری آنان تحریك‌شود.

بیش ازاین لازم‌نیست توجه‌شما رابوظائف عموی وموقعیت مخصوص امروزجلب‌کنم. همینقدر میگویم لازم‌است ارتش وافسران ارتش باکمال توجه‌بجریان اوضاع علاقمند باشند ودر موقع‌لزوم ازهیچگونه فداکاری‌و جان بازی خودداری ننمایند»

...

روزنامه اطلاعات دوروزبعد بتفسیرنطق اعلیحضرت فقید پرداخته ونوشت:

« دراین روزها تمام‌گیتی نگران اوضاع این کشورشده اندو پیوسته‌زمزمه‌هائی موافق‌ومخالف پیرامون کشورما بلندمیباشدولی‌ما بایدجز‌بمصالح‌خودو کشورخویش بچیزی دیگرنیاندیشیم وهمان حق‌پرستی‌وراستی را که

آئین مابوده‌است پیشه‌سازیم ماقطع داریم افرادو افسران ارتش پندشاهوار شاهنشاه‌رابکار بسته‌و با ایمان راسخ وعزم‌استوارآماده‌برای اجرای نیات وفرمان شاهنشاه‌میباشندوآن‌هورای دلیرانه که دانشجویان فارغ‌التحصیل‌در پایان فرمایشات ملوکانه ازدل میکشیدند ازاین‌روح‌سلحشوروفداکار ارتش حکایت‌میکند بااینهمه سزاوار است‌تمام مردم ایران امروز این‌روح مردانگی وشهامت رادر خودتقویت‌نمایند وهمین وسیله است که مارا در گیرودار امروز جهان رستگار میسازد .»

سوم شهریور ۱۳۲۰

حادثه سوم اشغال ایران باطلاع مجلس رسید : جلسه رسمی‌مجلس یکشنبه نهم‌شهریور تشکیل میشد ولی پیش از ظهرروز دوشنبه سوم شهریورماه آقای‌منصور نخست‌وزیر بمرحوم اسفندیاری‌رئیس‌مجلس‌اطلاع داد که بعدازظهر همانروز جلسه فوق‌العاده تشکیل‌دهند تاگزارش‌مهمی‌را باطلاع نمایندگان برسانندسه‌ساعت‌و نیم‌بعداز ظهر سوم‌شهریور آقای نخست‌وزیر پشت‌تریبون‌رفت و درمیان‌سکوت‌آمیخته بتعجب وحیرت‌و تاثر شدیدنمایندگان نطق زیررا قرائت‌نمود :

«مطالبی که حالا باطلاع‌آقایان نمایندگان میرسد فقط برای‌گزارش‌جریانات اخیر ووقایعی است که‌روی داده است آقایان‌نمایندگان درین موضوع هرگونه اظهاراتی داشته‌باشند تمنی‌میشود بجلسات بعد موکول دارند .

بطوریکه از ابتدای وقوع جنگ کنونی بنا برفرمان ملوکانه مقرر گردید دولت شاهنشاهی بیطرفی ایرانرا اعلام نموده با تمام وسایل وقوای خود دقیقا این سیاست را پیروی و بموقع اجرا گذاشته وبا یکرویه صریح و روشنی در حفظ کشور از خطر سرایت وقایع جنگ ودر صیانت حقوق مشروع تمام دول که با ایران روابط دارند بویژه دول همسایه کوشیده چنانکه تاحال بهیچوجه خطری در ایران از هیچ طرف بهیچیک‌ازآنها متوجه نگردیده با این‌حال دولت انگلیس وبعد ازاتفاق آن دولت با دولت شوروی هر دو متفقا اظهاراتی مبنی بر نگرانی از وجود یکعده آلمانی در ایران نمودند و دو نوبت در تاریخ ۲۸ تیرماه وتاریخ ۲۵ مردادماه برطبق اظهارات مزبور بوسیله نمایندگان خود تذکاریه هائی تسلیم داشتند که اخراج قسمت عمده از آلمانیهای مقیم ایرانرا درخواست میکردند.

در پاسخ این اظهارات چه ضمن مذاکرات عدیده شفاهی وچه طبق تذکاریه های تاریخ هفتم مرداد و تاریخ ۳۰ مرداد کتبا اطمینان های کافی در مراقبتهای دولت ایران نسبت برفتار کلیه اتباع بیگانه وعدم‌امکان بروز مخاطراتی از عده محدودی آلمانی که در ایران مشغول کارهای معینی هستند داده شد و برای مزید اطمینان دو دولت اقدامات مقتضی برای کاستن عدهٔ معتنابهی از شمارهٔ آلمانی‌ها بعمل آمده وبجریان افتاد و مراتب مکرر چه در تهران وچه در مسکو ولندن بمقامات مربوطه دولت انگلستان‌وشوروی خاطر نشان‌وآنچه ممکن بود برای حصول اطمینان وروشن ساختن نظریه‌آنها کوشش گردید.

متاسفانه باتمام این مجاهدات که دولت ایران بمنظور حفظ امنیت و آسایش کشور و رفع نگرانی دو دولت همسایه خود نمود درعوض حسن تفاهم و تسویه مسالمت‌آمیز قضیه نتیجه این شد که نمایندگان شوروی و انگلیس ساعت چهارصبح امروز بمنزل نخست وزیر رفته هرکدام یادداشتی مبنی برتکرار مطالب گذشته که جواب آنها با اقدامات اطمینان بخش داده شده بود تسلیم نموده و در این یادداشتها توسل خود را به نیروهای نظامی اخطار کرده اند و مطابق گزارش هائی‌که رسیده معلوم شد نیروهای نظامی انها در تاریخ همان ساعت که نمایندگان مزبور درمنزل نخست وزیرمشغول مذاکره بودند از مرزهای ایران تجاوزنموده نیروی هوائی‌شوروی در آذربایجان به بمباران شهرهای باز و بیدفاع پرداخته و قوای زیاد ازجلفا بسمت تبریز اعزام شده اند . در خوزستان قوای انگلیس به بندر شاهپور و خرمشهر حمله برده کشتی های مارا غافلگیر نموده صدمه زده اند و نیروی هوائی آن دولت باهواز بمب ریخته همچنین قوای انگلیس با وسایل موتوریزه فوق‌العاده زیاد ازطول قصر شیرین بسمت کرمانشاه در حرکت‌میباشند .

قوای متجاوز درهرنقطه که بانیروی ارتش شاهنشاهی مواجه شده اند طبعاً تصادم و زدوخوردی همرخ داده است‌دولت‌برای روشن ساختن علت ومنظور این تجاوزات بفوریت مذاکره و اقدامات بعمل‌آورده ومنتظر نتیجه میباشدکه البته باستحضار مجلس شورای ملی خواهد رسانید . چون عملا منتظرنتیجه مذاکرات هستیم‌تقاضا شد دراین جلسه غیر از استماع گزارش صحبتی نشود بعد بموقع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهیم داد . دولت لازم میداند بعموم افرادکشور توصیه وتاکید نماید که دراین موقع باید کمال خونسردی و متانت را رعایت نموده و با رعایت آرامش رفتار نمایند .»

بمباران شهرهای آزاد و بیدفاع : روز سوم و چهارم شهریور تجاوزات نیروهای اشغال کننده ادامه داشت واطلاعات درسرمقالهٔ خودتحت عنوان بالانوشت: بمباران شهرهای بیدفاع ایـران بچه منظور است واردآوردن تلفات وویرانیها برای چیست؟

ماسرجنك باکسی نداریم، دولت ایران چنانچه مکرر گوشزد ساختیم بیطرف بوده و ایرانیان آرزوئی جزحفظ صلح وآرامش نداشته ودرصدد جنك باهیچ دولتی نبوده‌اند بااینحال نمیدانیم ازروی چه اصل و رویه‌ای بچنین عملیات تجاوزکارانه‌ای مبادرت میکنند. این فجایع وپیش آمد های ناگوار برای ملتی که پیوسته خواهان صلح وصفابوده بی‌اندازه حیرت‌انگیزو مؤثراست .

مرحوم فروغی مامور تشکیل دولت شدو عدم مقابله بامهاجم را اعلام داشت: روز پنجم شهریورآقای منصور استعفاداد وبلافاصله مرحوم فروغی مامورتشکیل دولت شد و بمجلس اطلاع دادند که نخست‌وزیر اظهاراتی خواهد کرد .

روزششم شهریورجلسه فوق العاده مجلس تشکیل گردید ومرحوم فروغی کابینه جدید را مرکب ازآقایان آهی وزیردادگستری . سهیلی وزیرخارجه . علم‌وزیرپست . مرآت وزیرفرهنك . دکترسجادی وزیرراه .عامری وزیر کشور. سرلشگر نخجوان کفیل وزارت جنك . وثیقی کفیل بازرگانی .گلشائیان کفیل دارائی.رام رئیس کشاورزی معرفی‌نمود وضمن نطق مختصری گفت :

دولت بورود دربرنامهٔ تفصیلی حاجتی نمی‌بیند همین‌قدر باستحضار نمایندگان محترم میرساندکـه با نهایت جدیت درحفظ مناسبات حسنه بادول خارجه مخصوصا همسایگان وتعقیب اصلاحات خواهد کوشید وچون دولت و ملت ایران صمیمانه طرفدار صلح ومسالمت بوده ومیباشند برای اینکه این نیت تزلزل ناپذیر کاملا بر جهانیان مکشوف گردد دراین موقع که ازجانب دودولت شوروی وانگلستان اقدام بعملیاتی شده که‌ممکن است‌موجب‌اختلال صلح وسلامت گردد ، دولت بپیروی نیات صلح خواهانه‌اعلیحضرت همایونی بقوای نظامی کشورهم اکنون دستور میدهد که‌ازهرگونه عملیات مقاومتی خودداری نمایند تاموجبات خونریزی واختلال امنیت‌مرتفع شود و آسایش عمومی حاصل گردد .

سپس‌مرحوم فروغی بدون تشریفات معموله تقاضای رای اعتماد کردوباتفاق آراء باورای دادند ودرحقیقت رویه‌دولت را دراین راه‌نیزتائید نمودند.

اولین اعلامیه دولت فروغی : یك اعلامیه ازطرف ستاد ارتش روز ٤شهریور انتشار یافت و چون دستور متارکه وعدم مقابله داده‌شد دیگر اعلامیه‌ای ازستاد منتشرنشد ولی‌قوای خارجی بداخل کشور پیش میآمدندوروز ٨شهریور این‌اعلامیه بامضای فروغی نخست‌وزیرصادر گردید:

«درین موقع که مذاکره بانمایندگان دولتین انگلیس و شوروی نسبت بتقاضای اخـیر در جریان‌است هیئت دولت لازم میداند مردم‌را متوجه کند که اولا متانت و خونسردی را پیوسته رعایت کنند ومطمئن باشند که ازهیچ اقدام لازمی فروگذاری نخواهدشد.

ثانیا اخیراً دیده میشود کـه شایعات و اراجیف در میان مردم زیاد منتشر میشود و مـوجبات‌نگرانی خاطـر ها را فراهم میسازند لزوماً تذکر داده میشود که باین شایعات بی‌اساس بهیچوجه وقعی نگـذاشته و بآنها ترتیب اثر ندهند.»

همین موقع سپهبد امیر احمدی بفرمانداری نظامی تهران انتخاب وحکومت نظامی اعلام‌گردید.

چرا مردم فرار میکنند ؟ مرحوم فروغی درجلسه ٩شهریور مجلس شورایملی گفت :

«تاسفی که برای‌ما حاصل‌شده ازوضع روحیه مردم است که چیزهای‌عجیب‌وغریب میشنوم اراجیفی‌منتشر میسازندکه موجب وحشت ونگرانی میگردد ومی‌شنوم عدهٔ ازمردم‌ازتهران‌خارج میشوند ، کجا فرار میکنند، چرا فرار میکنند. بنده اطمینان میدهم‌شهر تهران کاملادرامان‌است وهیچ خطری نیست، نباید باین‌شایعات‌اعتنا کنند آقایان هم باید میلن مردم این اراجیف‌را تکذیب کنند ومردم‌را اطمینان‌بخشند.»

باید فوراً دکاکین را باز کنند : فرماندار نظامی تهران اعلامیه‌ای منتشر کرد بدین مضمون :

«عموم کسبه ومغازه‌داران بایستی بفوریت دکانها را باز وباگذاشتن کالای خود دردسترس مشتریـان مشغول کار خودباشند. هرگاه ازروز ١٢شهریور مغازه‌ای بدون جهت اقناع کننده بسته باشد صاحب مغازه مـورد تعقیب واقع خواهد شد».

بر اثر این اعلامیه وضع خواربار و اجناس بهبود یافت و با وجود هجومی که روز های اول برای تهیه نان وآذوقه آوردند با اقدامات سریعی که دولت نمود و تدارکاتی که از گندم داشتند بزودی رفع نگرانی عمومی شد.

قرار داد بین دولت ایران ودولتین انگلیس و شوروی : روز ۱۸ شهریور مرحوم فروغی وآقای سهیلی وزیرخارجه درمجلس حاضر شدند وچون فروغی کسالت داشت وزیرخارجه یادداشت‌هاو مراسلات متبادله بین دولت وسفارتخانهای انگلیس وشوروی را در چند روز حادثه تجاوز باطلاع مجلس رساند وگفت طبق تصمیم دولت که مورد تایید مجلس قرار گرفت برای اثبات نیت صلح‌خواهانه دولت ومصلحت کشور بقوای نظامی دستور داده شد که درمقابل قوای دولتین شوروی وانگلیس ازمقاومت‌خودداری نمایند و بلافاصله مذاکرات شروع شد.

بعد آقای سهیلی متن نامه‌هاراخواند ، دراولین نامه صادره بسفرای انگلیس وشوروی بتاریخ ٦شهریور خاطر نشان گردید: «دولت‌ایران‌بارعایت سیاست بیطرفی پیوسته کوشش داشته است مناسبات دوستانه‌خودرا با تمام دول بویژه بادولت همسایه محفوظ بدارد. دراین موقع هم که نیروی‌جنگی دولتین وارد خاک ایران گردیده اند دولت ایران برای ابراز کمال حسن نیت وحفظ مناسبات مبادرت بجنگ ننمود با این حال قوای‌آن دولت‌اقدام بعملیات جنگی و بمباران شهرها نموده و نیروی پادگان ایران در شهرستانها هم طبعا درمقابل حمله ای که بآنها شده است ناگزیر از خود دفاع ومقاومت نموده اند ولی دستور داده شد که نیروی دولتی بکلی ترک مقاومت نموده ازهر گونه اقدامی خودداری‌نمایند. انتظار دارد قوای آن دولت‌هم حرکت خود را متوقف ساخته عملیات جنگیرا متروک‌دارد.»

جواب دولتین شوروی وانگلیس از اینقرار بود :

۱- دولت ایران باید امرصادر نماید که قشون ایران بدون مقاومت بیشتری از شمال وشرق خطی که از خانقین . کرمانشاه . خرم‌آباد . مسجد سلیمان . هفتگرد . کچساران و از آنجا ببندر دیلم که‌درخلیج فارس واقع شده است عقب‌نشینی نمایند . در شمال هم قشون ایران باید ازنقاط اشنو . حیدرآباد . میاندوآب زنجان . قزوین . خرم‌آباد . بابل . زیراب . سمنان . شاهرود . علی آباد عقب‌نشینی کنند وموقتاً این‌نقاط درجنوب بوسیله قشون‌انگلیس ودرشمال بوسیله قشون‌شوروی اشغال گردد .

۲- دولت ایران بایستی درظرف یکهفته کلیه اتباع آلمان باستثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان‌و چند نفر اشخاص فنی که دربنگاههای مخابرات ونظامی نباشند ازایران خارج نموده و صورت اسامی آلمانی های مزبوررا برای موافقت نمایندگان سیاسی انگلیس وشوروی درتهران تسلیم نماید و دولت بایدتعهدنماید که اتباع آلمانی دیگری‌بخاک‌ایران وارد نشوند.

درنامه دیگری اضافه شد که‌کلیه اتباع‌آلمانی را باید بقوای انگلیس‌یاسویت تحویل دهندزیراکلیه‌طرقی که‌آلمان‌ها بتوانند از ایران خارج شوند بروی آن ها بسته‌شده و فقط زیرنظرنظامیان دو دولت می توانند خارج شوند.

۳ - دولت ایران بایدتعهدنماید که‌مانعی در راه حمل‌و نقل‌لوازمی‌که شامل ادوات جنگی نیز خواهد بود وازوسط خاک‌ایران بین‌نیروهای شوروی‌وانگلیس بعمل‌خواهدآمد قرارنداده‌بلکه‌تعهد نمایدوسایل‌تسهیل‌حمل‌و نقل اینقبیل لوازم‌را که بوسیله راه باخط‌آهن یاازطریق هواحمل‌میشود فراهم‌سازند .

درمقابل دولتین انگلیس و شوروی موافقت می‌نمایندکه:

الف - حقوق مربوط به نفت وغیره‌ایران‌را کماقی‌السابق بپردازند. ب - وسایل‌تسهیل‌لوازم‌مورداحتیاجات اقتصادی ایران‌را فراهم‌سازند . ج - پیشروی زیادتر نیروهای‌خودرامتوقف ساخته وبمحض‌اینکه وضعیت نظامی اجازه‌دهد قشون خودرا ازخاک ایران‌خارج نمایند .

٤ - علاوه براین دولت ایران تعهدنمایدکه‌بی‌طرفی خودرا ادامه‌داده‌وهیچگونه عملی که برخلاف‌منافع دولتین‌انگلیس وشوروی باشددراین مبارزه که براثرتجاوزآلمان‌برآنها تحمیل گردیده است ننماید .

آقای‌سهیلی جواب دولت ایران رابتقاضاهای بالاخواندکه درقسمتهای زیادی‌ازآن اظهارموافقت‌شده‌تنها شرایط وتوقعات متقابلی‌نیز پیشنهاد شده‌بود که خیلی‌مفصل میباشد وازبحث‌ماخارج‌است .

نکته قابل توجه‌این‌است‌که مذاکرات ومکاتبات سفیرشوروی ووزیرمختارانگلیس هرروزشدیدتر وتقاضا های‌آنها بیشتر میشدکه ازجمله موضوع‌بستن سفارتخانهای‌آلمان وایطالیا وبلغار ومجار ورومانی بودکه آنهم موردقبول واقع‌شد ولی‌تقاضای ایران‌را حتی‌درخارج ساختن شهرهای‌سمنان‌وشاهرود وقزوین وخرم‌آباد ودزفول ازخطی که معین‌کرده بودند آنهانپذیرفتند .

توقیف روزنامه اطلاعات: براثر گزارش دولت بمجلس وانعکاسی که در افکار عمومی بخشید روزنامه اطلاعات روز ۱۹ شهریور سرمقاله‌ای انتشار داد تحت عنوان «تاثر مردم» که در آن بهت وحیرت مردم از وقوع حوادث اخیر وشرایط دشواری که دولتین شوروی و انگلیس پیشنهاد نموده بودند تشریح شده و نوشته شده بود که مردم پس از شنیدن گزارش های مجلس بینهایت متاثر ومتالم شدند وحق دارند زیرا امروز بامشکلات سختی روبرو شده‌ایم که هیچ منتظر ومستحق آن نبودیم وحتی در تصور واندیشه ما نیز نمیگنجید، راست است که ما بادولت آلمان وایطالیا جزیک روابط عادی واقتصادی روابط دیگری نداشته‌ایم ولی میل داشتیم باین روابط حسنه ما خللی وارد نیاید واصل بیطرفی کامل هم که مرام و آرزوی عمومی ملت ایران میباشد همین اقتضارا داشت که ما باتمام دول وملل جهان دارای روابط دوستانه وحسنه باشیم. متاسفانه دولت ما امروز ناگزیر شده است که سفارتخانهای آلمان وایتالیا وروماني ومجارستان را در ایران برچیند ولی سفارتخانهای مادر پایتخت این کشور هامانند پیش دایر وروابط سیاسی ماهم باآنها برقرار خواهد ماند. این حقیقت رابابد بگوئیم که انتظار مردم ایران ازدولتین شوروی وانگلیس درعالم همسایگی ودوستی خیلی بیش از اینها بوده.

***

این مقاله عکس العمل عجیبی درمحافل خارجی پیداکرد خبرنگاران خارجی که براثر حادثه اشغال ایران وارد کشور ماشده بودند مقاله مزبوررا باآب وتاب بسیار بدنیا مخابره کرده وآن را حمله مستقیمی بمتفقین دانسته وتحریر مقاله‌را مستقیما بشاه فقید نسبت دادند دراین مورد تحریك خارجی های ذینفع مؤثر بود که عمدا میخواستند بگویند این مقاله بدستور اعلیحضرت فقید چاپ‌شده وحکایت ازمخالفت شخص پادشاه باسیاست وروش انگلیس وروس می کند.

خلاصه پیرایه‌های بسیاری برآن بستند وشاه فقید که تازه یکهفته بود دستور برداشتن سانسوررا داده بود وبکلی بی‌اطلاع ازآن مقاله بود ومقاله مزبور صرفا احساسات خود روزنامه وانعکاس تاثر وتاسفات آن روز توده‌های کثیرمردم بود لکن بقدری سانسور درمطبوعات قوی‌بود که هیچکس باورنمیکرد چنین‌باشد بالاخره شاه‌فقید روزبعد دستور توقیف اطلاعات راصادر کرد و روزنامه ازآن روز تاروز ۲۵ شهریور که شاه فقید استعفاداد واز تهران‌خارج گردید در توقیف‌بوده.

استعفای رضاشاه از سلطنت: شماره بعد از توقیف حاوی مطالب مهمی ، متضمن متن استعفای شاه فقید و عزیمت ایشان باصفهان و جریان مجلس و نطق‌های وکلا در زمینه مخالفت با اوضاع گذشته بود .

سه‌ربع بظهر روز ۲۵ شهریور مرحوم فروغی پشت تریبون مجلس گفت :

« یکی از مهمترین قضایاو اموررا که واقع شده‌است باید بعرض مجلس شورای‌ملی و باطلاع عموم ملت برسانم ومتاسفم که بااینکه کسالت مزاج و اینکه نفس ندارم وقضیه‌هم طوری بسرعت انجام گرفته‌است که هیچ‌مجالی‌نداشته‌ام که فکری بکنم تا بیاناتی که دراین‌جا میکنم مرتب باشد از این جهت معذرت میخواهم وآن قضیه اینست‌که اعلیحضرت رضاشاه‌پهلوی‌بموجباتی که‌حالاخواهم خواند‌اراده‌کردند که ازسلطنت کناره‌کنند و امرسلطنت‌را بجانشین قانونی خودشان تفویض فرمایند . ایشان استعفانامه‌ای‌نوشته‌اند ووالاحضرت همایون ولایتعهد زمام اموررا بدست گرفتند .استعفانامه‌ایشان این‌است

متن استعفانامه : « نظربا اینکه من همه قوای خودرا دراین چندساله مصروف امور کشور کرده وناتوان شده ام حس‌میکنم که اینك وقت آن‌رسیده است که‌یك قوه وبنیه‌جوان‌تری بکارهای کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد که‌اسباب‌سعادت ورفاه ملت‌را فراهم آورد ، بنابراین امورسلطنت را به‌ولیعهدوجانشین خود تفویض کردم و ازکار کناره‌نمودم. از امروز که‌روز ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری ولشکری ولیعهد و جانشین قانونی مرابابد بسلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت بمن میکردند نسبت بایشان منظوردارند .

کاخ مرمر . تهران ۲۵شهریور ۱۳۲۰ . **رضاشاه**

سپس مرحوم فروغی گفت اعلیحضرت جدید مرا مأمور فرمودند باطلاع مجلس شورای ملی برسانم که در امر ملك و مملکت داری کاملا یك پادشاه قانونی هستند و تصمیم قطعی ایشان براین است که قانون اساسی دولت و مملکت و ملت ایران را کاملا رعایت کرده و محفوظ بدارند امیدوارم این سلطنت نو برملت ایران مبارك باشد و تقاضا میکنم آقایان موافقت فرمایند فردا مجلس شورایملی را باز تشکیل بدهند که اعلیحضرت همایونی تشریف بیاورند و وظایف قانونی خودشان را در این باب عمل کنند .

درهمین جلسه بود که یکی دوتن از وکلاء زمزمه مخالفت با رضاشاه را آغاز کردند و آقاسید یعقوب انوار بمناسبت تغییر سلطنت گفت الخیر فی ماوقع امیدواریم تمام خرابی های سابق ما ترمیم شود که مثلا من میگویم سئوال دارم یا استیضاح دارم از فلان وزیر فوری آن وزیر حاضر شود ـ وروزنامه های ما مثل مرغ منقار چیده درقفس آهنین نباشد تاکی باید ملت ایران صدا نداشته باشد که بگوید آقا ظلم خانه مرا خراب کرده است بعد از این بنده و جنابعالی آقای دشتی امیدواریم که کارها تحت نظر خودما یعنی مجلس شورایملی باید بیاید و بعد از این هم باید برای سعادت مملکت کار کنیم و وزراء هم بعد از این راه مجلس را گم نکنند.

باز درهمین جلسه بود که مرحوم فروغی گفت: هرچند که دولت اقداماتی کرده است که قوای روس و انگلیس شهر تهران نیایند و امیدواریم این اقدامات مؤثر باشد ولی فرضاهم که نزدیك تهران بیایند باید خاطر آقایان ، مسبوق باشد که اینها برای مخاصمت نمی آیند برای مقاصد خودشان نسبت بکارهائی که دارند میآیند و میروند اگر از این رفت و آمد بگوش آقایان خبری رسید تصور نکنند مقاصد خصمانه ای دارند آن اندازه که بما اطمینان داده اند و ماهم البته این اطمینان را حاصل کرده ایم مطلب اینست مبادا مثل چندروز پیش مردم تهران وحشت کنند واسباب زحمت برای ما فراهم گردد ودر نگاهداری امنیت و ارزاق شهر کار ما سخت شود.

جواهرات سلطنتی و پشتوانه اسکناس: مسافرت شاه فقید باصفهان و کرمان موجب شایعات بسیاری در افواه گردیده و گفته میشد که شاه سابق جواهرات سلطنتی را باخود برده است. این موضوع در مجلس نیز منعکس گردید وازدولت سئوال شدو درجلسهٔ ۲۲ شهریور آقای گلشائیان وزیر دارائی شایعات را تکذیب نمود و اطمینان داد که جواهرات سلطنتی وجواهرات بانك هریك درجای خود زیر نظر هیئت نظار و مامورین مربوطه محفوظ میباشد وهر وقت آقایان مایل باشند میتوانند معاینه نموده و باصورت اصل آن که در ضبط دولت میباشد ، تطبیق نمایند .

مرحوم مؤیداحمدی ناظر بانك نیز اطلاعات خود را دایر بحفظ وحراست جواهرات سلطنتی در بانك داد وهمه را دعوت برسیدگی ومشاهده آن نمود. چند روز بعد رسما هیئتی از طرف مجلس انتخاب گردید و این وظیفه را انجام داد .

اجرای آئین سوگند : روز بیست وششم شهریور ماه ساعت چهار و نیم بعد ازظهر اعلیحضرت همایونی با تشریفات رسمی در تالار جلسه مجلس شورای ملی قسم نامه را خواندند وامضاء کردند وبعد خطابه ای ایراد نمودند مبنی بر توجه باصول مشروطیت و تفکیك قوا ولزوم همکاری دائم وکامل بین دولت ومجلس واهتمام در اجرای دقیق قوانین برای حصول تامین قضائی واصلاحات مربوط بامور اجتماعی واقتصادی ومالی وتغییر مقرراتی که بنا احتیاجات ومقتضیات امروز وفق دهد ودرپایان گفتند اهتمام کامل بعمل خواهد آمد که باهمکاری نزدیك با دولت هائی که منافع ما با منافع آنها ارتباط مخصوص دارد بطوریکه مصالح مملکتی کاملا رعایت شود و مشکلاتی که فعلا برای ما پیش آمده حل شده وجریان امور بر وفق دلخواه گردد.

•••

شاه جدید ایران مورد استقبال شایان چندین هزار مردمی که درمعبر شاهانه قرار گرفته و کف میزدند و هورا میکشیدند واقع شد وازدحام جلوی کاخ سلطنتی موقع بازگشت بقدری بود که شاه ناچار شد در ایوان کاخ حضور یافته از جمعیت با اشاره سر و دست اظهار تشکر نماید.

این پیش آمد طبیعی کلیه شایعاتی را که تولید وحشت ونگرانی برای مردم کرده بود زائل ساخت زیرا قبل از انجام مراسم سوگند هیچکس باور نمیکرد این قضیه بسادگی انجام پذیرد واحتمال وقایعی میرفت وحتی انتشار داده شد که چون دول اشغال کننده ایران راضی نیستند این کار صورت نخواهد گرفت.

در مراسم سوگند خارجی‌ها شرکت نداشتند وعلت این پیش آمدهم این بودکه چون نمایندگان شوروی و انگلیس حضور خودرادر آئین سوگند موکول بکسب اجازه ازمسکو ولندن کردند وازطرفی دولت مصمم بود بلافاصله پس از حرکت شاه سابق مراسم معمول گردد ناچارشدند عذرتمام خارجی هائی که رسماً دعوت شده بودند بخواهند تا معلوم نشودکه نمایندگان انگلیس وشوروی حضور پیدا نکرده‌اند . همین قضیه سبب شهرت‌های زیاد شده بود و مردم را نگران ساخته بود ولی بعد که مراسم بخوبی انجام یافت دول مزبور درمراسم بعدی و شرفیابی برای معرفی ، حضوریافته وشرکت نمودند .

فرمان عفو عمومی : براثر تذکراتی که در مجلس راجع بآزادی زندانیان سیاسی وغیرسیاسی داده شد روز ۲۸ شهریور فرمان عفوعمومی صادر گردید وبموجب این فرمان بدولت اجازه داده شد که بزهکاران سیاسی و غیر سیاسی راکه قانوناً بخشودگی وتخفیف کیفر آنها اقتضا دارد معین نموده بخشودگی وتخفیف را مطابق مقررات قانون درباره آنها اجرا نماید وبکسانی‌هم که برای بخشودگی آنها طبق ماده ٥٤ قانون کیفر عمومی تصویب قانون خاصی ضرورت دارد وزارت دادگستری فوراً لایحه آنرا تهیه وبمجلس پیشنهاد نموده پس از تصویب بموقع اجرا گذارده شود.

***

در میان زندانیان کسانی‌هم بودند که پس ازآزادی دوباره راه خودرا در کوهها وگردنه‌ها پیش گرفته موجبات ناامنی را فراهم آوردند ، همچنین عناصری وجود داشتند که باز ناراحت نشسته مزاحمت ملت و مملکت را باعث گردیدند وبعد ها همان نمایندگانی که برای آزادی عموم محبوسین تلاش میکردند متوجه شدند که حق این بود عفو زندانیان بامطالعات وتعمق بیشتر وبامشورت هیئتی که اطلاع از اوضاع واحوال و روحیات آنهاداشتند انجام میگرفت واشخاص فاسدرا رهانمیکردند.

اولین کابینه سلطنت محمد رضا شاه پهلوی : روز ۳۰ شهریور دولت جدید بریاست مرحوم فروغی بمجلس معرفی گردید وچون رئیس دولت سخت مریض بوداین وظیفه را مرحوم آهی وزیردادگستری انجام داد ازاینقرار :

آقای حکمت وزیر پیشه‌وهنر . آقای سهیلی وزیر خارجه .آقای مرآت وزیربهداری . آقای دکتر سجادی وزیرراه . آقای گلشائیان وزیر بازرگانی . آقای سرلشکر احمد نخجوان وزیر جنگ (ایشان کفیل وزارت جنگ بود و درقضایای شهریور مورد بازخواست شدید شاه فقید قرارگرفت و زندانی شد وپس‌ازحرکت شاه آزاد وبوزارت رسید) . آقای سرلشکر امان‌الله جهانبانی وزیرکشور . آقای علی اکبر حکیمی وزیر کشاورزی . آقای دکتر مشرف نفیسی وزیر دارائی . آقای حمیدسیاح وزیر پست . آقای دکتر صدیق وزیر فرهنگ .

دارائی و اموال شاه سابق : هنگامی که شاه فقید در اصفهان اقامت داشت آقای دکتر سجادی وزیر راه وآقای ابراهیم قوام شیرازی باصفهان‌عزیمت‌نمودند تا ترتیب نقل‌وانتقال املاك ودارائی شاه‌فقید راکه مقرر شده بود ایران را ترك نماید بدهند ــ پس‌از دوروز مراسم مزبور دراصفهان انجام پذیرفت و شاه سابق طبق مصالحه‌نامه کلیه‌اموال منقول وغیرمنقول را باعلیحضرت فرزند والاتبار خود بخشید تا بمصرف امور خیریه وفرهنگی بمقتضای مصلحت کشوربرساند.

از لحاظ ضبط در تاریخ متن صلح نامه رضاشاه فقید ودستخط اعلیحضرت در این مورد زیر چاپ میشود :

متن صلح نامه رضا شاه بنام خداوند متعال چون از ابتدای تاسیس و تشکیل سلطنت خود پیوسته در فکر عمران وآبادی کشوربوده واین مطلب را درمقدمه برنامه اصلاحات کشور خود قرار داده‌بودم وهمواره درنظر داشتم آن روبه عمران سرمشق کلیه صاحبان زمین واملاك گردد تادرموقع‌خود بتوانم ازثمره این املاك کلیه‌ساکنین‌ورعایای کشور خودرا بهره‌مندنمایم‌این‌فرصت دراین‌موقع که فرزند ارجمندعزیزم‌اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی زمام امور کشور را بدست گرفته‌اند حاصل شده‌است بنابراین مصالحه نمودم کلیه اموال‌و دارائی‌خود را (اعم‌ازمنقول وغیرمنقول‌وکارخانجات‌وغیره) ازهرقبیل‌که باشدبایشان بمال‌الصلح ده‌گرم نبات‌موهوب‌تا بمقتضای مصالح کشور بمصارف خیریه‌وفرهنگی وغیره‌بهرطریقی که صلاح بدانند برسانند.»

دستخط اعلیحضرت به نخست وزیر : جناب نخست وزیر - چون منظور اصلی اعلیحضرت پدر بزرگوار ما درواگذاری اموال خودشان باین بوده که بمصارف خیریه برسد وماهمیشه سعی داشته بداریم که وسیله آسایش ورفاه عموم را ازهرحیث فراهم آوریم بنابراین چنین تصمیم نمودیم اموالی که ازقبیل املاك ومستغلات و کارخانجات بماواگذار شده است بمنظور ترقی کشاورزی وبهبود حال کشاورزان وترقی اوضاع شهرهاو ترقی صنایع کشور وبهبود حال کارگران وترقی فرهنك وبهداری بدولت وملت اعطا نمائیم تابرحسب اقتضابرای انجام منظورهای بالا یااملاك را بفروش برسانند ویا با حفظ وتوسعه آبادی آنها درملك دولت نگاهدارند و نیز مقرر میداریم که اگر کسانی باشند که نسبت باملاك ادعای غبنی داشته باشند پس از رسیدگی بشکایات آنها ازمحل همین املاك رفع ادعا بشود .

•••

روزنامه اطلاعات که مانند سایر مطبوعات ازقید سانسور خارج شده بود همه روزه سرمقاله هائی پیرامون اوضاع جاری می نوشت واظهارنظر می نمود ودراین خصوص نیز بتاریخ ۳۱ شهریور نوشت «دردستخط همایونی بطور صریح اشاره بوجوه نقد نشده بود ومعلوم نیست که آیا این بخشش شاهانه شامل وجود نقدهم میباشد یانه و بدیهی است دراین قسمت نیز اعلیحضرت ازابراز عواطف واحساسات عالیه خود دریغ نخواهند داشت واما درباره املاك اختصاصی ماطرفدار این اصل میباشیم که بایدضررها وخسارتهائی که بمالکین نخستین این املاك وارد آمده کاملا جبران شود وحتی مزارع وکشتزارهائی که بصورت اولیه باقی مانده است اگرصاحبان اولیه بخواهند دوباره اداره کنند بآنها برگردد ولی هرگز نمیتوان املاکی را که دراین مدت بکلی تغییر شکل داده ومبالغی هنگفت ازثروت کشور که چندین برابر بهای خود ملك بوده صرف آبادی وعمران آن شده است بصاحبان آن مسترد داشت این املاك متعلق بهمه مردم وملت است وباید درآمد آن بمصارف عمومی کشور و مردم برسد مگر اینکه دولت تصمیم بفروش آنها بگیرد دراینصورت صاحبان اولیه برسایر خریداران درشرایط متساوی حق تقدم خواهند داشت و اما راجع بکارخانهای اختصاصی ومهمانخانه ها وسایر بنگاهها که ازاین پس تعلق بملت دارد باید درآمد آنها جداگانه بمصرف بهداشت وامور خیریه وفرهنك وآبادی وعمران شهر ها ودهکده ها برسد وبرای اداره امور آنها عقیده داریم **دولت شخصا ازاداره کردن آنها صرف نظر نموده واداره آنها رابشرکتهاو بنگاههای ملی واگذارد** تاازهر گونه افراط وتفریط جلوگیری شود.

•••

دوروز بعداعلیحضرت همایونی فهرست عطایای خود را از دارائی شخصی بوسیله مقام ریاست بمجلس دادند که عموم نمایندگان استحضاریابند. مرحوم اسفندیاری فهرست پانزده گانه امورخیریه ای که شاه ازوجوه نقد خود تقبل فرموده بود خواند ومورد تحسین قرار گرفت .

سانسور روزنامه ها در اصفهان وشیراز - در شماره چهارم مهر ۳۲۰ اطلاعات این خبرجلب توجه میکند : «بقراریکه مخبرما از اصفهان وشیراز اطلاع میدهد هنوز سانسور روزنامه ها در این نقاط برقرار است و وقتی مدیران روزنامه ها باداره شهربانی مراجعه کرده اند بآنها گفته شده است که هنوز دراین خصوص دستوری بآنها داده نشده . ما توجه آقای وزیر کشور را باین موضوع جلب نموده وامیدواریم هرچه زودتر دراین خصوص دستور تلگرافی بفرمانداران این نقاط داده شود که مزاحم روزنامه ها نشوند و همانطور که در تهران موضوع سانسور از بین رفته است در شهرستانها نیز روزنامه ها بتوانند با آزادی کامل مطالب و نظریات خود را منتشر سازند .

شاه فقید ایران را ترك کرد : ساعت ٤ بعدازظهر روز پنجم مهر ۲۰ رضاشاه باکشتی پستی موسوم به (بندرا) ازبندر عباس بسمت هندوستان حرکت نمود ، این کشتی متعلق بانگلیسها بود وشاه ایران و خانواده سلطنتی را بهندوستان می برد که ازآنجا بیکی ازکشورهای امریکای جنوبی (شیلی) اعزام شوند ولی این تصمیم را انگلیسها تغییر دادند وبجای امریکا شاه سابق ایران را بجزیره موریس درافریقای جنوبی فرستادند .

از خانواده سلطنتی که چند روزقبل ازحرکت اعلیحضرت فقید ازتهران باصفهان اعزام شده بودند علیاحضرت ملکه فوزیه وعلیاحضرت ملکه مادر وشاهدخت اشرف پهلوی روز ٦ مهر واردتهران شدند ولی شاهپورها و شاهدخت شمس پهلوی باتفاق پدرخود عزیمت نمودند .

تقاضای هیئت تحریریه ازمدیر اطلاعات :

در شهریور ۲۰ بر ایران چه گذشت؟

وقایع وحوادث شهریور ۱۳۲۰ مهمتر از آنست که دراین مختصر منعکس گردد ، بخصوص مسائلی در پس پرده واقع میشد که تفسیر وتوضیح آن از عهده بنده خارج میباشد بدینجهت کارمندان تحریری اطلاعات از آقای عباس مسعودی مدیر محترم خود تقاضا کردند ایشان خود رشته مطلب رابدست گیرند و آنچه بخاطر دارند بتحریر درآورده برای تکمیل تاریخ یکربع قرن اطلاعات درمعرض افکار وقضاوت عامه بگذارند خوشبختانه ایشان تقاضای مزبور را پذیرفتند وازین پس نگارشات مربوط باطلاعات دریکربع قرن را از حوادث شهریور ۲۰ ببعد خودایشان مینویسند واین تصادف با احاطه که ایشان باوضاع دارند موجب کمال خوشوقتی ما گردید زیرا ما یقین داریم خواهند توانست خوانندگان عزیز اطلاعات را ازبسیاری جریانات وپیش آمد های گذشته آگـاه و روشن سازند و صفحاتی از حقایق تاریخی این چند سال را درنظر عموم بازکنند .

همه میدانیم که آقای مسعودی درظرف این نه سال حکومت دموکراسی ، دچار چه رنجها وصدمات شدند و چگونه با روح صداقت ومیهن پرستی وملت دوستی با کوشش فراوان خود وخوشبختانه باتقویت وپشتیبانی عناصر صالح وحسن استقبال وتوجه عمومی که پیوسته شامل حال ایشان بود باعفریت نادرستی وخیانت و جنایت مبارزه کرده ودر بیشتر قسمت‌ها بنفع کشور وملت ایران موفقیت هائی حاصل نمودند ، ما میدانیم که نتیجه رنج ومشقت و تاثر وتالمات این چندساله منتهی بکسالتی گردید که اگر از تعقیب دستور اطباء منفك شوند وهرچند یکبار دست ازکار نکشند وبمعالجه ومداوای خود نپردازند قوای ایشان بکلی تحلیل خواهد رفت.

آقای مسعودی در ظرف این مدت نه سال موهای خودرا سپید کرد ، قوای جسمی خویش را ازدست دادو با مرض زخم معده (اولسر) که از تحریك اعصاب وشدت تالم تولید میشود دست بگریبان گردید و علاوه بر این بضعف کبد وامعاء مبتلاشد که ما مکرر ایشانرا از اشتغال زیاد بکار منع مینمائیم ولی شوق وافر وعلاقـه شدید ایشان بخدمات مطبوعاتی مانع از این است که تقاضای ما را قبول کنند.

از خداوند متعال میخواهیم وجود ایشان راسلامت نگاهدارد وپیوسته علاقمندان از تراوشات فکری این مرد خدمتگزار بهره مند شوند .

هیئت تحریریه اطلاعات

ع . مسعودی

بر ایران چه گذشت؟

تشویق وتائید نویسندگان عزیز وکارمندان شریف اطلاعات مرا بر آن داشت که خاطرات شهریور بیست ببعد را برای تکمیل تاریخچه خدمات اطلاعات در یکربع قرن بنویسم.

قدیمی ترین کارمند اطلاعات که نزدیك بیك ربع قرن استدر اداره اطلاعات بامن همکاری میکنند تا اینجا حقاً از عهده انجام این خدمت برآمد وتوانست خلاصه وقایع مهم این مدت را باشمه‌ای ازخدمات فرهنگی موسسه اطلاعات منعکس سازد ومن از درگاه باریتعالی کمك میطلبم وامیدوارم بتوانم این وظیفه خطیری را که نویسندگان صدیق ومحبوب اطلاعات برعهده‌ام محول فرمودند طوری انجام دهم که ازهرگونه شائبه وپیرایه بدور بوده ، عاری از غرض ومتکی بصحت واعتماد باشد.

من قبل از هرچیز لازم میدانم خدمات صادقانه عموم همکاران ونویسندگان واعضای محترم اداری و فنـی اطلاعات را تقدیر نموده واز توجه وعلاقمندی آنها بکار صمیمانه تشکر کنم. مادربین کارمندان اطلاعات که همه با روح وفاداری وصمیمیت باین خدمت بزرك مطبوعاتی اشتغال ورزیده‌اند کسانیرا داریم که بیش از بیست سال است در اطلاعات با من همکاری و کمك میکنند ، جوان بوده‌اند ووارد این خدمت شده وحالا صاحب زن وفرزند و نواده شده موهای خود را سپید کرده‌اند معهذا با عزمی آهنین وصمیمیت شایان توجهی آمیخته بتجربیات مفید زحمت می‌کشند و برای ارتقاء و عظمت این مؤسسه فرهنگی که ثمره یك عمر زحمت و فداکاری آنها است، کوشش میکنند

من از خداوند متعال عزت وسلامت وسعادت وموفقیت همگی کارمندان عزیز وشریف تحریری ، اداری، فنی اطلاعات را درقسمت های مختلف مؤسسه آرزومندم وامیدوارم این موسسه فرهنگی همانطور که آرزوی قلبی من است برای همیشه درکشور ایران پاینده وبرقرار و مفید برای ملت ایران بماند وابناء وطن، از آن بهره مند گردند

خواب فاجعهٔ شهریور دیده شده بود!

رضاشاه میخواست یانمیخواست، بیطرف می‌ماند یانمی‌ماند، وعده مساعدت و کمك میداد یا نمیداد، راه عبور اسلحه ومهمات را باز میگذاشت یا نمیگذاشت، هرچه میکرد فایده نداشت زیرا خواب اشغال ایران وواژگون کردن حکومت ایران دیده شده ونقشه آن از چندماه قبل‌ازشهریور طرح گردیده بود.

امارضا شاه غافلگیر شد، اوهرگز از طرح چنین نقشه ای خبر نداشت، ازاین خواب هولناك مسبوق نبود، بیادداشت های مقدماتی و بهانه‌های اولیه دولتین شوروی وانگلیس باخونسردی وبی‌اعتنائی نگاه‌میکرد و بحفظ بیطرفی خود مغرور بود. میگفت مابی‌طرف می مانیم و باکشور بی طرف کار ندارند، بعلاوه این یادداشت ها را بیشتر «بلوف» فرض میکرد و دنبال نقشه ای بود که ترك‌ها داشتند: «تسلیم نمیشویم‌و پایداری خواهیم کرد.»

بقدری آنمرحوم در این باره اطمینان داشت که وقتی وزیر مختار آلمان بوسیله وزارت خارجه برای شاه فقید پیغام فرستاد که مارا ببهانه حمله بایران میخواهند فرار دهند اگر مقصود اخراج آلمانی ها از ایران است ما حرفی نداریم وحتی سفارت را برمی‌چینیم و ازایران میرویم ولی شاه جواب داده بود که هرگز چنین موافقتی نخواهم کرد زیرا این موضوع حیثیت و موقعیت مرا مخدوش و بیطرفی کشورایران‌رامتزلزل می سازد، وزیر مختار آلمان هم روی این قرصی و استحکام بیان اطمینان حاصل کرد که شاه ایران تسلیم‌توقعات متفقین نخواهد شد وباخراج آنها از کشوردستور نخواهدداد.

هیچکدام نمیدانستند چه‌خوابی برای آنهادیده شده، نه‌نمایندگان سیاسی آلمان واتباع‌آن دولت می دانستند بچه‌سرنوشتی دوچارخواهندشد ونه شاه فقید میدانست‌که کشورما بچه وضعی خواهد افتاد.

اگر رضا شاه ازاین خواب ایران ویران‌کن خبرداشت ومامورین لایق ودیپلوماتهای عالی‌مقام در دستگاه وزارت خارجه ایران بودند واورااز‌حقایق ونقشه‌های پشت‌پرده آگاه میساختند قطعا در روش او تاثیر میکردوسیاست خشن‌خودرا باعتبارحفظ بیطرفی‌ایران‌تغییر میداد وبامتفقین ازدرسازش‌واردمیگردید شایداین‌خواب دیده نمیشد وطرح اشغال ایران ازچند ماه قبل ریخته نمیشد.

لکن چنین بنظرمی‌رسدکه این مرحله هم طی‌شده بود وبرفرض محال که رضا شاه تسلیم توقعات و تمنیات اجانب میگردید راه ترانزیت میداد، آلمانیهارا خارج می کرد باز نقشه مزبوراجرامیگردید زیرا انگلیسها با شخص رضاشاه طرفیت پیداکرده بودند ودرپی فرصت می گشتند.

رضاشاه چند سال پس‌ازاستقرارسلطنت خودرویه خاص میهن‌پرستانه واستقلال طلبانه ای درسیاست‌خارجی اتخاذ نمودوجلوگیری شدیدازمداخلات‌اجانب‌را وجهه‌همت خودقرارداد وبقدری دراین زمینه پیش‌رفت که حتی‌وزیر جرئت قبول دعوت یك سفارتخانه را قبل‌ازتحصیل اجازه ازشاه پیدا میکرد. باهرقسم توقع وتقاضائی‌که بموقعیت ایران خلل‌واردمیاورد ایستادگی می‌کرد مگراینکه مجبور بقبول‌شود چنانچه در مورد تجدید قرارداد نفت جنوب این پیش‌آمد بوقوع پیوست وفشار شدید بین‌المللی و احتمال وقوع حوادث نا مطلوبی شاه را وادار به قبول تمدید اجباری نمود.

ولی نظیراین مسائل وتوقعات بعدی رضاشاه درموردنفت بزرگترین عقده انگلیسها گردید زیرا رضا شاه پس‌ازگذراندن قرارداد نفت دوبارطبق یکی ازمواد امتیازنامه ادعای غبن واحقاق حق‌نمود وهردفعه چند میلیون لیره برعایدات نفت‌افزود ومهمترازهمه مطالبه‌ای بودکه موقع جنك وبدبختی‌انگلیسهانمود.

وضع جنك انگلیسهارا درنهایت سختی وبدبختی دچار ساخته بود، وضع اقتصادی آنسان خراب و مضیقه مالی آنان را بیچاره کرده بود در همین موقع رضا شاه هم از حدوث جنك استفاده نموده واحتیاجات‌شدید بحریه انگلیس‌را بنفت‌احساس‌کردوتقاضای افزایش عایدات راطبق همان ماده نمود. بدیهی است اصرار وابرام مامورین بریتانیای‌کبیر درتخفیف‌وصرف‌نظر کردن‌این‌موضوع‌ودرنظرگرفتن وضع‌مالی بریتانیا بیهوده‌بود زیرا رضا شاه از تصمیم خود منصرف نمیشد وشرکت نفت چارهٔ جز پرداخت مبالغی که مورد درخواست دولت‌ایران‌بودنمیدید.

شاید برسر همین معامله بود که مامورین انگلستان حساب‌کار خود راکردند و دیدند با رضاشاه بهیچ وجه نمیتوان‌کنار آمد برفرض اینکه اجازهٔ ترانزیت ازشاه ایران تحصیل کنند چگونه میتوانند بتوقعات مالی او جواب دهند کرایه میلیون ها تن ادوات جنگی و مهمات که باید از ایران بروسیه فرستاده شود باضافه حقوق

ترانزیت و سایر مخارجی که ایران خواهد گرفت سر بجهنم خواهد زد و با اوضاع مالی و اقتصادی انگلستان وفق نمی‌دهد.

این بود که نقشهٔ حملهٔ بایران ترسیم گردید وبااطلاع باینکه ایران کشور بیطرفی است ومیتواند بیطرفی خود راحفظ کند وبا علم باینکه رضاشاه جداً مداخلات خارجی‌ها رادر امور داخلی جلوگیری میکند وبا اطمینان باینکه قوای ایران قادر بحفظ امنیت وآرامش وانتظامات کشور میباشد وبه یقین میدانستند که ایران باآلمان هیچگونه تعهدیا قراردادی منعقدنکرده وسازش سیاسی ونظامی ندارد معهذا تصمیم خودرا اجرا نمودند ،در حقیقت میتوان گفت مسائل مالی وبازبودن دست متفقین درامور داخلی ایران سبب عمدهٔ اجرای آن نظروتصمیم بود وچون بابودن رضاشاه درایران غیرممکن بود بتوانندنقشه‌های خودرا عملی واجرا کنند ازهمانروز های نخست که طرح نقشه ریخته شد فکرتغییر حکومت رانیز نمودند.

شك نیست که مردم ایران نیزخواهان پیشرفت آلمانها بودند واین روحیه درتمام ملل شرق تعمیم داشت و در آنروز آلمانها نفوذ بسیاری درکشورهای شرق بین مردم پیداکرده بودند ولکن نظم وانضباط ایران هرگونه عملی را که منافی بیطرفی ایران بود جلوگیری میکرد وحکومت بتمام معنی قادربود که براوضاع تسلط داشته باشد وآرامش راحفظ کند وخارجیها نیزاین موضوع را بخوبی درك کرده بودند ولی منظورآنها بابیطرفی ایران وباوجودرضاشاه دراین کشور تأمین و برآورده نمیشد.

بهمین جهت بود که وجودیکعده آلمانی که درکارخانجات ومؤسسات فنی واقتصادی کارمیکردندودرآن موقع ایران روابط بازرگانی وسیعی باآلمان روی مقتضیات زمان واحتیاجات طرفین پیداکرده بود بهانه ستون پنجم آلمانی درایران قرارگرفت وفکرچرچیل نخست وزیر بریتانیا رادراین موضوع تقویت نمود و همین بهانه را وسیله پیشرفت منظور قراردادند، بعقیدهٔ من اگر این بهانه هم بااخراج آلمانی‌ها گرفته میشد بهانه دیگری دستاویز میشد.

برای اثبات این مطالب بهتر است ما استناد کنیم بنوشتجات اخیرمسترچرچیل؛ مسترچرچیل نخست وزیر زمان جنك انگلستان که نقش مهمی بازی کرد کتابی ازخاطرات خودانتشارداد که درجلداخیرآن فصلی هم دربارهٔ ایران یافت میشود که من خلاصه آن فصل راباستحضار خوانندگان عزیز میرسانم تا بحقایق امور بهتر آگاه شوند وبدانند خواب حمله بایران ازچندماه پیش دیده شده بود.

خلاصه فصل مربوط بایران از کتاب خاطرات چرچیل

فصل ششم - ایران وخاور میانه - تابستان و پائیز ۱۹۴۱

برای ما اهمیت فوق‌العاده داشت که از راه ایران خط ارتباطی درجه اول ومهمی باروسیه داشته باشیم؛ تا از یکطرف برای روسیه مهمات ومواد کمکی که فرستادن آنها از راه اقیانوس منجمدشمالی دشواربود بفرستیم وازطرف دیگر ازلحاظ لشکرکشی ونظامی ازایران استفاده کنیم.

دراینوقت ماتوجه شدیم که هیئت آلمانی که شامل عده زیادی افراد فعال وجدی بود در تهران مشغول کار است وحیثیت آلمان هم در ایران خیلی زیاد بوده

اسکات شورش رشید عالی در عراق و اشغال سوریه ازطرف قوای مشترك انگلیس و فرانسه اجرای نقشه هیتلر را درآسیا غیر ممکن کرده بود بدینجهت ما از موقعیت خود با نهایت خوشوقتی استفاده کردیم برای اینکه از راه ایران با روسیه متصل شویم. وقتی که تصمیم خود راگرفتیم در این بابت نظر خود رابرای همکاری مشترك بروسیه پیشنهاد کردیم.

روز ۱۱ ژوییه ۱۹۴۱ (۲۰تیر ۱۳۲۰) شورای هیئت‌وزراء انگلستان از روسای ستاد های مشترك‌این کشور خواست که موضوع اقدام نظامی برعلیه ایران رامورد مطالعه قرار دهند روز ۱۸ ژوییه (۲۷ تیر) رؤسای ستادهای زمینی و دریائی وهوائی پاسخ دادند که مطالعه کافی دراینباره کرده وعقیده دارند که باید رفتار بسیار جدی وسختی نسبت بایران درپیش گرفت. شب همان‌روز تلگرافی‌از لرد ویول نایب‌السلطنهٔ هندوستان بوزیر جنك بدین مضمون مخابره شده بود:

«شنیده‌ام که دولت انگلستان در نظر دارد رفتار ملایم و آمیخته با حسن نظری نسبت بدولت ایران پیش گیرد این سیاست بنظر من غیرقابل درک میاید، ما باید هم از تکرار وقایعی نظیر شورش رشید عالی در ایران جلوگیری کنیم و هم از راه ایران با روسها کسب ارتباط مستقیم نمائیم و اگر حکومت فعلی حاضر باین کار نباشد کافی است این حکومت را برداریم و یکی دیگر که سازش داشته باشد جای آن بگذاریم.

بهرحال عقیده من باید شدیدترین فشارهای ممکن را بلافاصله و پیش از آنکه تکلیف جنگ روسیه با آلمان معلوم شود بایران وارد آورد.

رؤسای ستاد ها عقیده داشتند که عملیات نظامی ما در ایران باید بقسمت جنوبی این کشور مخصوصا مراکز نفتی محدود بماند و برای اینکار بنظر آنها یك لشکر کافی بود. روز ۲۲ ژویه (۳۱ تیر) ایدن وزیر امور خارجه بمن نوشت: «البته فشار بایران برای اجرای نظریات خودمان لازم است، اما این فشار وقتی باید صورت گیرد که ما نیروی نظامی کافی داشته باشیم و گرنه ممکن است بنتایج نا مطلوبی منتهی شود. **تا وقتی که قوای کافی درعراق تمرکز نداده‌ایم نباید با دولت ایران با خشونت حرف زد.** مخصوصا که طبق اطلاعات واصله قوای ایرانی درجنوب وشمال این کشور تمرکز یافته‌است. البته باید ما اقدام خودمان را تاقبل از تعیین تکلیف روسها در قفقاز بکنیم: برای اینکه آلمانها درصورت پیشرفت دراین جبهه بدولت ایران فشار خواهند آورد که چاههای نفت جنوب را اشغال کند و از دست ما بیرون بیاورد»

من (چرچیل) عقیده داشتم که مقدمات حمله بایران باید با دقت بیشتری صورت گیرد، در نامه‌ای برؤسای ستادهای مشترك نوشتم که: «ممکن است دولت ایران ناگهان کارمندان ما را در شرکت نفت توقیف کرده بعنوان گروگان نگاهدارد یا قوای ایران مراکز نفت و پالایشگاهها را اشغال کرده درصورت حمله ما ویران ومنهدم کنند، یاقبایل برعلیه ما وارد جنگ وشورش شوند، بهرحال باید دقت کنید که ماغافلگیر نشویم.»

براثر کسب نظریه ما، مایسکی نماینده اتحاد جماهیر شوروی بما اطلاع داد که دولت شوروی حاضر است در عمل نظامی بر علیه ایران شرکت جوید بشرط آنکه این تهاجم نظامی با کمك انگلستان و مشترکا صورت گیرد. من در تاریخ ۱۹ اوت با این نظر موافقت کردم واز آن پس شروع بجمع آوری قوای لازم درعراق گردید.

شب سوم شهریور ۱۳۲۰ (۲۵ اوت ۱۹۴۱) ما آخرین یادداشت خود را بدولت مرکزی ایران فرستادیم و صبح حملات خویش را از سمت دریا وطرف اهواز شروع کردیم، ایرانی‌ها غافلگیر شدند ومقاومتشان ناچیز بود، واین کار خیلی بنفع ما تمام شد، زیرا درصورت مقاومت قوای ایران درنقاطی مثل پاطاق برای ما ادامه پیشرفت تامدت نامحدودی مقدور نبود.

روز ۲۸ اوت قوای ایران پرچم تسلیم بر افراشتند و ما در عملیات خود مجموعا ۲۲ کشته و ۴۲ نفر زخمی داده بودیم.

بدین ترتیب بود که عمل نظامی و تمربخش حمله بایران صورت گرفت زیرا بنا بضرب المثل لاتین «وقتی که سلاح بمیان میآید زبان قانون بسته میشود»

از آن پس کار ما در ایران دوباره جنبه سیاسی پیدا کرد و من به سر ریدر بولارد دستور دادم که تقاضا های ما را یکی یکی ازدولت ایران تامین کند وهر وقت دولت ایران درصدد مخالفت برآمد آنها را از اشغال تهران بدست روس‌ها بترساند.

روز ۱۷ سپتامبر شاه استعفا داد و پسر او که جوان ۲۲ ساله‌ای بود بجایش نشست و باموافقت متفقین و طبق صلاح اندیشی آنها روز ۲۰ سپتامبر پادشاهی خود را اعلام داشت، پدر او نیز اندکی بعد بسمت تبعیدگاه بسیار راحت ومطبوعی روانه شد ودر ژوئیه ۱۹۴۴ در یوهانسبورك مرد.»

چگونه ایران غافلگیر شد؟

ساعت چهار بعد از نیمه شب دوشنبه سوم شهریور ۱۳۲۰ زنك خبر خانه نخست وزیر کشیده شد و چند ثانیه طول کشید خبری نشد، زنك باشدت بیشتر زده شد، نوکر آقای منصور دررا گشود و در آن دل شب دو هیکل بلند و کوتاه با لباس رسمی دید، دو اتومبیل بزرك هم در آن طرف جلوی دردید، مستخدم چیزی نمی فهمید بالاخره با کمك شوفر اتومبیل باو حالی شد که اینها سفرای روس و انگلیس هستند و کارفوری با آقای نخست وزیر دارند، مستخدم دوید و در اطاق خواب منصور را کوفت و او را بیدار کرد و مطلب را

گفت ودستور گرفت. در همین موقع اسمیرنوف و بولارد با هم وارد عمارت شده در اطاق کوچکی نخست وزیر را با همان حالت خواب آلود ملاقات کردند و یادداشت مشترك دولتین شوروی و انگلستان را تسلیم نمودند و گفتند در همین موقع در مرز های شمال و جنوب و غرب ایران قوای روس و انگلیس بوسل بقوه نظامی جسته اند.

منصور هاج و واج ماند، هرگز باور نمیکرد وجود یکمده متخصص آلمانی در کشور که در کارخانجات دولتی و بنگاههای ملی کارمیکنند ودوبارهمین مطالب در یادداشت‌های دیگر تکرار شده و اطمینان داده شده بود که در تقلیل عده آنها و تفویض کارهای فنی بایرانی ها اقدام خواهد شد باعث چنین ماجرائی شود. تلاش آقای منصور درتکرار همان جوابهای پیش بی فایده بود زیرا کار از کار گذشته و حمله بایران دردل شب شروع شده بود بعلاوه نمایندگان روس و انگلیس پس از تسلیم یادداشت مشترك خود خدا حافظی کرده ورفتند.

نخست وزیرچند لحظه در فکر فرو رفت، دورنمای موحش این ماجرا در نظرش مجسم گردید و بلافاصله تلفن را برداشت وکاخ سعد آباد را گرفت، شاه بیدار شده بود، شاه در این ساعات طبق معمول بیدار میشد اجازه خواست و بیدرنك سحر گاه شرفیاب شدوماوقع رابیان داشت.

شاه ازاین واقعه ناگهانی غرق بهت و حیرت شده وجسته گریخته میگفته است: «این قاعده کجا است که کشوری را غافلگیر کنند و شبیخون زنند، مقصود چیست، چه میخواهند، آنچه را که براستی میخواهند بگویند اقدام می‌نمائیم چرا حمله میکنند.» درهمین موقع دستگاههای مخابراتی راه افتاده بود، تلفن سعدآباد مرتب زنك میزد وهردقیقه خبری را ازیك قسمت مرزشمال وجنوب بشاه فقید میداد

اخبارموحش و جانگدازی ازهمه جا میرسید، خبر رسید قدری بعد از نیمه شب ناوهای جنگی انگلیس بساحل خرمشهر نزدیك شده وباشلیك توپ وتفنك حمله به بندر بردند وناوهای ایران راسحر گاه ازپای درآوردند وچندتن ملوان وافسر کشته شد. چندقیقه بعدخبر رسید که سرتیپ بایندر فرمانده نیروی دریائی را کشتند وقوای هندی وانگلیسی پیاده شدند

چند دقیقه بعد خبر بمباران هوائی اهوازرسید، درهمین موقع خبرهای موحشی ازشمال، حمله باذربایجان ونقاط مرزی وبمبارانهای هوائی واصل گردید ازینقرار: سربازخانه ها هدف قرارداده می‌شود، قوای روس وانگلیس درشمال وجنوب وغرب بنظامیان ایران حمله می کنند و نظامیان هم مقابله می نمایند. ترس ووحشت همه مردم را فراگرفته وقشون خارجی بسرعت پیشرفت می کند وبسیاری خانواده‌ها ازشهر ها فراری کنند.

وصول این اخبار هردقیقه شاه فقید را بیشتر متاثر می‌ساخت، دستور داد سفیر شوروی وانگلستان را احضار کنند. ساعت ۱۱ صبح بود که نمایندگان سیاسی دو کشور مهاجم در کاخ سعدآباد باشاه صحبت می کردند. یکساعت ملاقات آنها طول کشیدو معلوم شد هیچ نتیجه نداده است.

اگرچه ازمذاکرات آنها اطلاعی دردست نیست ولی آنچه استنباط گردید شاه فقید اصرار ورزیده است که دولتین شوروی وانگلستان تقاضاهای خودرا ازدولت ایران بنمایند و وعده داده بود که دستور می‌دهم همه گونه تسهیلات فراهم آورند، تاموجبات رضایت خاطر متفقین ازنظر حمل ونقل ادوات جنگی تامین گردد، همچنین افراد آلمانی را خواهیم کاست وهر گونه اطمینان دیگری خواهید داده خواهد شد واین حمله ناگهانی را متروك سازید و قوای خودرا عقب بکشید.

اصرار وتوقع شاه بیفایده بود زیراهمانطور که ذکرشد این خواب هولناك برای ایران از چندماه پیش دیده شده بود. اعلیحضرت فقید تصورمیکرد که منظور ازمبادله دویادداشت سابق وبهانه کردن وجود یکعده آلمانی مقیم ایران خواستن راه‌است ازایران وبرای انجام این تقاضای متفقین حاضر بود منتها بلحاظ حفظ بی‌طرفی ایران مایل بود این تقاضا بااصرار بیشتری بشود واوهم شرایط بهترخودرا جلوی متفقین بگذاردو تحت اصول صحیح وبنفع کشور امر ترانزیت انجام شود.

همین موضوع رابانمایندگان سیاسی روس وانگلیس درمیان گذاشته بود ولی نمیدانست که تصمیم آن دو کشور براشغال ایران ومداخله مستقیم خود آنهاست درامر حمل ونقل وکارهای مربوط بآن.

این ملاقات بیش از حدشاه راملول ساخت ومتوجه شد که نقشه‌ای جزخواستن راه ازدولت ایران که اوانجام آن‌را برای مرحله آخر گذاشته بوددرپس پرده طرح‌شده واساس ضدیت ومخالفت باخوداوست و نمیخواهند بااو کار کنند ووجود اورامزاحم پیشرفت مقاصد خودمیدانند

نخست‌وزیر پس ازاین ملاقات ویاس‌شاه ازحل مسالمت‌آمیز قضیه مامورشدماجرارا آنچه‌هست در معرض افکارملت ایران ونمایندگان مجلس‌بگذارد، بلافاصله برئیس‌مجلس‌اطلاع داده‌شد جلسه فوق‌العاده تشکیل‌دهند و عصر همانروز درمجلس تمام‌جریان‌را نخست‌وزیر باطلاع نمایندگان رسانید .

ایرادی که در اینجا کاملا وارد میباشد و ناشی از سیستم و رژیم آنروزی حکومت ایران بود استتار مطالب بودکه حتی وزراء از مبادله یادداشت ها بی‌خبر بودند ، فقط نخست وزیر و کفیل‌وزارت خارجه ویکی دونفر دیگر از اعضای دولت (مرحوم آهی وآقای سهیلی) مسبوق شده بودند وحال آنکه اگر یادداشت اولی که بتاریخ ۲۸ تیر (یك ماه وچند روزقبل از حادثه) تسلیم شده بود در معرض افکار عامه گذاشته می شد با اینکه پیش ازآن تاریخ انگلیسها تصمیم قطعی گرفته بودند و نایب السلطنه هندوستان شدیدترین وخشونت‌آمیز ترین‌روش‌رانسبت بدولت ایران توصیه کرده بود معهذا شاید درشیوه عمل دولت بواسطه اظهارنظررجال واشخاص مطلع مؤثر میافتاد وقضیه مورد مشورت واقع میگردید و تدابیری اتخاذ میشد که کار باین وضع نمیکشید لیکن با کمال تاسف موضوع همانطورکه نزد انگلیسها عمداً درپرده استتار ماند وخواستند ایران را غافلگیر کنند در کشور ما هم درپرده استتار ماند هم شاه وهم دولت وهم ملت غافلگیر شدند .

شاه تصمیم بکناره گیری گرفت

روز دوم ماجرای شوم (٤ شهریور) آقای منصور برحسب دستور شاه مستعفی گردید تا مذاکرات بامتفقین بوسیله دولت جدیدی شروع گردد ومنجر بترك مخاصمه وعقب نشینی‌قوای روس و انگلیس گردد ، درهمین‌احوال شاه تصمیم گرفت ازکارکناره گیری‌نماید. وزیران را بسعدآباد خواست ، عصر وزراء حاضر شدند وگفت : « من میدانم‌که منظور از این حمله وتعرض مخالفت باشخص من است ، من مصلحت میدانم که بلحاظ جلو گیری از آشفتگی کشور و خرابی و خسارت و ریختن خون سربازان و مردم بیگناهی‌که مورد بمباران قرار می‌گیرند از سلطنت صرف نظرکنم وسلطنت را بولیعهد واگذار نمایم شماها نظر خودتان را بگوئید من بشما مجال میدهم که چند دقیقه‌مشورت کنید.

شاه از اطاق جلسه خارج شد و وزیران بمشورت پرداختند . اظهارات شاه تاثیر شدیدی در وزیران تولید نموده و دوسه نفر ازآنها اشك ریختند . چند دقیقه بعد به شاه اطلاع داده شد که بجلسه تشریف بیاورند وزیران تصمیم گرفته بودندکه شاه‌را ازاین خیال منصرف سازند ، شاه وارد شد وسئوال کرد چه تصمیمی گرفتید ، بعرض میرسانندکه مصلحت نیست اعلیحضرت از سلطنت کناره‌گیری فرمایند زیرا این عمل موجب آشفتگی و بهم ریختگی کشور خواهد شد وخسارات‌آن بیشتر است ، چند دقیقه گفت وشنید میشود وبالاخره شاه را ازتصمیم کناره‌گیری منصرف میسازند .

فروغی مأمور تشکیل‌دولت‌شد

سپس صحبت از تشکیل دولت جدید بمیان آمد ، نظرشاه فقید ابتدا این بودکه ازبین‌آقایان‌وزیران یکنفر بنخست وزیری انتخاب گردیده و تشکیل دولت جدید بدهد . نظر شاه مرحوم مجید آهی و یا آقای سهیلی بوده است ، مجید آهی و سهیلی هردو پیشنهاد میکنند که مرحوم فروغی از لحاظ موقعیتی که بین مردم دارند مناسب تر خواهد بود شاه این نظر را می‌پذیرد و بلافاصله آقای انتظام رئیس تشریفات سلطنتی احضار و مأمور میشود که بمنزل آقای فروغی بروند و ایشان را از جانب اعلیحضرت دعوت نموده بکاخ سعدآباد بیاورند .

ساعت ۷ ونیم بعد از ظهر مرحوم فروغی احضار واعلیحضرت فقید میفرمایند موقعیت مهم خطیر امروز کشور اقتضای فداکاری دارد و از شما توقع دارم رشته امور دولت را بدست گیرید وبا تدابیر عاقلانه خود مشکلات راحل کنید . مرحوم فروغی این ماموریت دقیق ومهم آن‌روز را باوجود کسالت مزاج‌پذیرفت وفردای آنروزکابینه جدیدرا تشکیل داده ومشغول‌کارشد .

قرار بود پایتخت باصفهان انتقال‌یابد

باوجود اعلام عدم مقابله وترك مخاصمه از طرف قشون ایران که ازطرف دولت رسما ابلاغ گردید وبدان عمل شد و پرچم های سفید ازطرف نظامیان ایران برافراشته شد قوای شوروی و انگلستان همچنان به پیشروی خود ادامه میدادند و در شهرها استقرار می‌یافتند و بخصوص قوای شوروی بمباران های‌هوائی خود را

ادامه میداد وازاین راه وحشت ونگرانی شدیدی درسراسر کشور تولید شده بود.

درباره متارکه یاعدم متارکه جنگ عقاید ونظریات مختلفی درآن روز وجود داشت . برخی اولین اعلامیه ستاد ارتش را درباره مقابله نظامیان ایران سخت انتقاد نموده و میگفتند چه ضرورت دارد که سربازان ما ازبین بروند وشهرهاخراب شود وبهتراست فوراً متارکه اعلام شود بعضی دیگر معتقد بودندکه نباید دولت ترک مقاومت را اعلام میکرد بلکه حق این بودکه بسربازان وافراد رشید ایرانی اجازه داده میشدازخاک میهن دفاع کنندو نگذارند اجانب پیشروی نمایند.

این نظریات له وعلیه بخصوص بعد ازرفتن اعلیحضرت فقید شدت یافت واکثریت مردم ترک مقاومت را انتقاد کرده واز اوضاع بدگوئی مینمودند. حالا پس از گذشتن ۹ سال با انتشار خاطرات مستر چرچیل بخوبی فهمیده میشود که هرگونه مقاومت بی‌اثر وبی فایده بود ، فقط ممکن بود پیشروی اجانب را در داخل ایران چندی بتعویق اندازد ولی همین عمل ببهای خون چند هزار جوان ایرانی تمام میشد و خسارات بیشماری نیز بکشور وارد میساخت بعلاوه ماهم متجاوز ومتخاصم شناخته میشدیم و حال آنکه با ترك مقاومت ایران ثابت کرد که قصد جنگ وستیز ندارد و با دول همسایهٔ خود میخواهد حسن مناسبات داشته باشد.

از همه اینها گذشته ، مگرقشون ایران با آن تجهیزات ناقص میتوانست در برابر قوای روس و انگلیس ایستادگی نماید . بنابراین توقع آندسته‌اشخاص برمقاومت ایران صحیح ومنطقی نبوده چنانچه دیده شد چگونه پادگان‌ها درهمریخته شد وبعضی افسران همینکه باحمله متفقین روبروشدندگریختند.

باری‌پیشروی‌قشون روس‌بطرف تهران فکر انتقال پایتخت ازتهران باصفهان رادرشاه‌ایجاد کرد - هر روز که خبر از نزدیك شدن قوای شوروی بتهران میرسید این نظر درشاه قوت می‌یافت و بالاخره دستور داد که خانواده سلطنتی باصفهان بروند ودرآنجا استقرار یابند تاتصمیمات بعدی گرفته‌شود.

درنیمه اول شهریور شاه فقید براثروصول گزارشات زیاد ازپیشروی قوای شوروی درشمال وعدم موافقت نمایندگان انگلستان و شوروی درتعیین مناطق اشغالی مصمم بحرکت از تهران گردید تمام وسایل حرکت فراهم و اتومبیل جلوی کاخ ایستاده بود ، در همین موقع مرحوم فروغی و مرحوم آهی و آقای سهیلی وزیر خارجه شرفیاب شدند وتعیین خطوط ومراکزی‌که قوای شوروی و انگلیس درآن استقرارخواهند یافت‌وجلوترنخواهند آمد باطلاع شاه رسانیدند در اینصورت شاه ازتصمیم خودبرتغییر پایتخت منصرف گردید اما اصرار داشت که دولت مذاکره کند و متفقین را قانع سازد عقب نشینی کنندوتوقعات آنها راخوددولت انجام دهد ولی اصرار شاه بیهوده بود زیرا در عین حالی‌که متفقین زیربار نمیرفتند با خود شاه هم طرفیت داشتند ومایل بودند او برود و درمقام تهدید او بودندکه یکی ازآن عوامل پیشروی قشون روسیه بسمت تهران بود و بهمین جهت بود که شاه با مراجعت خانواده سلطنتی از اصفهان موافقت‌نمود .

نقطه ضعف رضا شاه بدست رادیو لندن افتاد

تهدید دیگر حملات وتعرضات شدیدی بودکه از رادیولندن بگوش ملت ایران میرسید و مردم را برعلیه شاه میشورانید . رادیو برلن هم ازچندی پیش شروع‌کرده بود وبنابراین حملات شدیدی از رادیو های خارجی بخصوص رادیو لندن منظم ومرتب ادامه یافت .

بزرگترین نقطه ضعفی که شاه فقید پیدا کرده بود ، تملك زیاد او بود که دراین خصوص خیلی حریص شده بود . رضاه شاه در ابتدای سلطنت و اواسط آن این خوی بد را نداشت ، از سال پنجم و ششم او را بعنوان آبادکردن املاك باین راه هدایت کردند ، این خیانت را درحقیقت چند تن از نزدیکان شاه مرتکب‌شدند و بتدری آن فقید را تشویق وترغیب وتحریص بخرید املاك و آبادکردن‌آن نمودند و باندازه‌ای‌دایرهٔ تملك او وسعت یافت‌که از هرگونه اجحاف وتعدی نسبت بمالکین ومردم بی اطلاع میماند وکاملا تحت تاثیر این نقطه ضعف خود قرارگرفته بود ، زیرا رفته رفته خرید ملك و توسعه دایرهٔ ملکداری عادت ثانوی شاه شده ودراین باره بی‌باکانه‌جلومیرفت و نواحی بسیاری را در شمال و غرب و شمال شرق ایران مالك شد و بین مأمورین املاك هم اشخاص جابری بودندکه در این حدود برای آباد کردن املاك شاه بمردم تعدی مینمودند وبه آنها فشار وارد میساختند وهمین مسئله نیز برعدم رضایت عمومی‌کمك میکرد .

شاه از فکر اولیه خود منحرف شده بود . اعلیحضرت فقید در اوایل سلطنت متوجه شاه بود که مالکین نالایق در این کشور بیشمارهستند که درصدد اصلاح و آبادی املاک خودنیستند ،سطح زراعت را ترقی نمی‌دهند و وضع مردم را بهبود نمی‌بخشند . مکرر از بی‌عرضگی ملاکین شکوه می نمود و از آنها انتقاد میکرد آنچه را که روزاول شاه را قانع ساخت ومصمم گردید ملکداری کند همین بود که املاک مخروب وزمین های مستعدی که بی حاصل مانده است دایر و آباد کند و در حقیقت نمونه و مدل ملاکین دیگر قرار گیرد ، در این رشته انصافاً قدمهای مفیدی برداشت ، تمام املاکی که صاحب و مالک گردید آباد نمود ، ساختمان‌های بزرگی ایجاد نمود مهمانخانه های عالی برای مزید آبروی مملکت نزد خارجی ها ساخت ، خیابانها و مغازه ها درشهر ها و خانه های روستائی بسیار در دهات بنا نمود مریضخانه و مدرسه و پل و راه ساخت ، سطح کشت و زرع را بالا برد، محصول شمال را چند برابر ترقی داد کشت نباتات مفید را معمول ساخت پنبه کاری . توتونکاری تربیت ابریشم را وسعت داد ، کارخانجات سودمندی بعنوان مدل ونمونه برای صاحبان سرمایه و بازرگانان دایر نمود که دراین قسمت یعنی توسعه صنایع کاملا صادق بود زیرا از روی حقیقت ودرستی سرمایه‌داران کشور را تشویق و تایید بتاسیس کارخانه وتوسعه صنایع ایران نمود چنانچه تمام کارخانجات فعلی کشور پس ازدایر کردن کارخانه نخ ریسی و بافندگی شاهی براثرتشویق رضا شاه بوجود آمد ، امابا تمام این احوال شاه در اینباره دوچاراشتباه شده بود زیرابرای افزودن یك مزرعه باملاك خود هرگونه پیشنهاد متملقین و مامورین جابر خود رای پذیرفت که در بسیاری از آنها اجحاف وخبط وخطا اعمال میکردید.

این متملقین در بعضی موارد بشاه پیشنهاد میکردند که فلان مالك که همسایه ملك اعلیحضرت میباشد بطیب خاطر حاضر است ملك خود را بشاهنشاه واگذار نماید که ازصورت ویرانگی خارج شده آباد گردد باینکه این دروغ فاحش را برای جلب توجه شاه میگفتند معهذا شاه که تحت تاثیر آن ضعف بزرك خانمان برانداز واقع شده بود زیربارنمیرفت و دستور میداد مالك آن راراضی کنند و خریداری نمایند ولی معلوم است آن متملقین چگونه معامله را صورت میدادند وبدبختها نمیدانستند از این راه چه ضربت مهلکی بر او و برمملکت وارد خواهند ساخت .

***

آری ، نقطه ضعف رضاشاه بدست رادیولندن افتاد ، آنرا گرفت وهر شب ساعتی پیرامون آن حرف زد ، حرفهائی که بدل می‌نشست ، درافکارمردم رخنه ونفوذ میکرد ، معایب ومضار ملکداری رضاشاه رامیگفت،ساختمانهای بزرك وعالی مهمانخانه هاراتشریح می نمود ، ازکاخ‌ها وعمارت‌هائی که درتمام طول شمال ساخته شده‌بود صحبت میکرد ودردنبال ان از گرسنگی وفقرو بدبختی وبیماری مردم بحث میکردوآن‌را نتیجه سوء رفتار رضاشاه وملکداری و ثروتمندی اومیدانست .

این سخن پراکنی‌ها تاثیرعمیقی درمردم بخشید ، زیرا حرفهای رادیولندن باحقیقت وفق میکرد ودر مقابل این حملات هم هیچگونه دفاعی نمیشد ، یعنی نقط معایب زیرذره بین گذاشته میشد وبزرك میگردید بدون اینکه کمترین ذکری از محسنات دیگر وخدماتی که رضاشاه درراه ترقی وتکامل کشور انجام داده بشود بعلاوه این تبلیغات شدید مستقیما ازناحیه انگلیسها میشد وکاملا حکایت میکرد ازاینکه آنها میخواهند رضاشاه رااز تخت سلطنت بردارند و چون آشفتگی بسیاری درهمین اوان در کشورحکمفرمابود وهمهٔ مردم مصیبت وارده بر کشور را نتیجه سوء سیاست رضاشاه میدانستندورژیم حکومت هم طوری بود که صدااز کسی درنمی‌آمد ، این روزنه‌ای که بوسیله رادیولندن بازشده‌بود متاسفانه مورد استقبال بسیاری ازمردم واقع گردید وعده کثیری راتحت تاثیرقرار دادبااین‌جهت کمترین عکس‌العمل دربرابر این‌همه تعرضات وحملات نسبت بشاه ایران که مقام‌عزیز ومحترمی دربین‌ملت دارد نشان داده نشد وهمین‌سستی وبیحالی وعدم تظاهر مردم بموافقت بارضاشاه بود که انگلیسها رادر پیشرفت وانجام نظریات خود، مداخله در کارهای مملکت وتبعید شاه‌ایران جسور و گستاخ ساخت .

اگرآن روز درمجلس شورایملی ازطرف نمایندگانی که باموافقت خود اوانتخاب شده‌بودند تظاهراتی میشد یادربین جمعیت‌ها ودسته‌ها وطبقاتی ازمردم تظاهراتی برضدرادیو لندن صورت میگرفت ، هرگز انگلیسها جرئت نمیکردند علی‌رغم تمایلات ملت چنین رفتاری رابا کشور ایران معمول دارند .

متاسفانه نه‌فقط درمجلس صدائی بنفع رضاشاه وبرعلیه رفتارانگلیس واظهارات رادیو لندن بلند نشد بلکه بمحض اینکه رضاشاه استعفاداد واز تهران خارج شد ، همانروز زمزمه مخالفت آغاز گردید واین‌مخالفت نمایندگان مجلس بیش‌از هرچیز بآشفتگی افکار و گسیختن رشتهٔ امورمملکت کمك کرد وزیان بسیاری از رفتار مجلسیان که قصدعوام فریبی وجلب توجه‌مردم رانموده بودند متوجه‌ملت ایران گردید .

ممکن است گفته شود چرا مطبوعات سهم خودرا اداء نکردند وچرا روزنامه اطلاعات در آن روز تظاهری برعلیه رادیو لندن نکرد .

این ایراد درصورتی وارداست که جرائد آزادبودند . راست است که مخالفت بارادیولندن بمصلحت شاه ومحتاج بسانسور نبود ولی همین موضوع ساده هم بدون کسب دستور او اجازه انتشار داده نمیشد ، بعلاوه در آنموقع هرچه درمطبوعات منتشر میشد ، چون همه میدانستند که سانسورشدیدی حکمفرماست. آن دفاع را عقیده روزنامه تلقی نمیکردند وتاثیر نداشت ووقتی هم که سانسور برداشته شد و رئیس اداره تبلیغات، مدیران جراید را طبق دستور شاه مسبوق ساخت که دیگرسانسور وجود ندارد ، اولین مقاله اطلاعات تحت عنوان «تاثرمردم» باعث رنجش سخت متفقین گردید وآن را از ناحیه شاه فقید دانستند و درنتیجه رضاشاه دستور داد روزنامه را توقیف کنند ومادام که شاه فقید درتهران بود اطلاعات هم درتوقیف ماند، بعلاوه مطبوعات هم دل خوشی نداشتند.

اما این مشکلات برای مجلس وجود نداشت ، نمایندگان مجلس مصونیت داشتند وعلاوه براینکه چند ماه ازدوره وکالت آنها باقی مانده بود ، همه آنها برای دوره بعد بسمت نمایندگی انتخاب شده بودند ودراینموقع نه تنها هیچگونه تظاهری بنفع تثبیت اوضاع نشان ندادند بلکه معکوس آنرا عمل کردند .

البته همه وکلا اینطور نبودند ،چنانچه درجلسه خصوصی همانموقع تظاهراتی برعلیه اظهارات خارجی ها شد لکن درمقابل حملات وتعرضات جمعی از کسانی که جدا رویه مخالفت پیش گرفته بودند آن احساسات وتظاهرات تحلیل رفت ونشد که فکر مزبور توسعه یافته ودرجلسات علنی ظاهر گردد ، بعلاوه همه مات ومبهوت براوضاع می نگریستند ومتحیر بودند که عاقبت مملکت دراین اشغال چه خواهد شد؟

مخفی نماند که درآن روز بیشتر زعما و متصدیان امورهم تحت تاثیر قرار گرفته بودند ، چه بسیار از نزدیکان خود اعلیحضرت فقید واعضای دولت ورجال ووکلاء وطبقات ممتاز مایل بودند وصریحا اظهار نظر می کردند که اگر رضا شاه تخت سلطنت را بنفع فرزند خود ترک گوید ورژیم حکومت تغییر کند بهتراست واوضاع عمومی مملکت بهبودی خواهد یافت.

اگر بگویم که خود من نیز از این تغییر باطنا خوشنود بودم راه اغراق نپیموده ام . این خوشنودی نه فقط برای این بود که سانسور ومشکلات بزرگ ازپیش پای مطبوعات برداشته میشود وراه پیشرفت باز میگردد وعقاید وافکار مادر آینده ارزش خواهد یافت وموفقیت ماچند برابر میگردد اینها البته خوشحالی داشت ولی توجه من هم مثل خیلی ازساکنین این کشور معطوف اوضاع عمومی بود وخیال میکردم که وقتی ازادی کامل در کشور حکمفرما گردید ، مردم بهتر وبیشتر درزندگی موفق و کامیاب خواهند شد و مملکت به ترقیات بزرگتری نائل میگردد وغافل ازاینکه هر کدام تیشه ای برخواهیم داشت وبریشه هستی یکدیگر فرودخواهیم آورد وبدست خود مملکت را آشفته واوضاع رابدتر خواهیم کرد.

رضا شاه تهران را ترک کرد

پس رضاشاه مورد تهدید سخت متفقین قرار گرفت وطبق گفته چرچیل که برای پیشرفت منظورخود دولت را باپیشروی قشون شوروی میترساندند ، ازیکطرف باحملات شدید خوددررادیو لندن شاه را درافکار عمومی خفیف وتضعیف نمودند وازطرفی بروسها می گفتند قشون خودشان را بطرف تهران پیش بیاورند وشاه را مورد تهدید قراردهند که استعفا داده تهران را ترک کند، شاه روزهای اول مقاومت نشان میداد و باطمینان تحدید خطوط اشغالی متفقین بود ولی تهدید متفقین روزبروز شدت می یافت وبرخلاف قول وقرارومکاتبات خود رفتار می کردند وکاملا ظاهرمیساختند که شاه باید کنار برود.

صبح روز ۲۵ شهریور ۲۰ دردنبال اخبار شب قبل وحرکت قوای شوروی بسمت تهران بشاه اطلاع دادند که قوای روس ازکرج بسمت پایتخت سرازیرشده است وقصد این پیشروی هم معلوم میباشد. شاه دیگرچاره ای جز ترک پایتخت و کناره گیری ندید . مرحوم فروغی را خواست ومطلب را با او درمیان گذاشت وگفت :

«من از روزاول میدانستم که مقصود مخالفت بامن است ولی دولت مصلحت ندید استعفا دهم امروز ناچار باید کناره گیری کنم شما متن استعفا وتفویض سلطنت را بولیعهدتهیه نمائید امضاء کنم وباید همین امروز باصفهان حرکت نمایم» مرحوم فروغی که ازتمام جزئیات وجریان امرمسبوق بود متن استعفارا بخط خود تنظیم کرد که بخواند. وپس ازتصویب پاکنویس نماید ولی بقدری شاه مشوش ومضطرب بود که گفت آنچه نوشته اید خوب است بیاورید امضاء کنم ومرحوم فروغی همان را دوباره پاک نویس نمود، بامضای شاه رسانید. سپس فرزندخود اعلیحضرت همایونی را دربغل گرفت وباچشمهای اشک آلود خود بوسید وبمرحوم فروغی توصیه نمود که در اصلاح امور شاه راکمک وهمراهی کند. شاه مستعفی جلوی قصر مرمر سوار اتومبیل شد وتهران را برای همیشه ترک کرده

مرحوم فروغی نقش مهمی بازی کرد

این تغییر سلطنت و انجام تشریفات ومراسم آن درمحیط متشنج و پریشانی افکار مردم وازهم گسیختگی کار ها امر ساده‌ای نبود. حسن تدبیر، حسن‌نیت و علاقمندی بکشور و علاوه بر اینها شخصیتی چون فروغی لازم بود که بتواند آن مشکل بزرگ راحل کند، مخالفت با رضا شاه فقید هرروز زیاد تر میشد. بغض‌ها و کینه ها ظاهر میگردید، هیاهو وجنجال زیادی راه افتاده بود که این اوضاع آشفته بفکر خارجی‌ها کمک میکرد و نقشه آنها را سریعتر انجام میداد، کم کم زمزمه هائی از ناحیهٔ خارجی‌ها شنیده میشد که تبعید رضاشاه امر عادی تلقی میگردید زیرا نسبت بجانشین رضاشاه هم عقایدی از طرف آنها ابراز میشد.

لکن مرحوم فروغی ودولت ایشان که همه با ایمان کامل انجام وظیفه میکردند رل بزرگی در مقاومت با این افکار وعقاید ابراز داشتند ولی درباره مسافرت شاه ازایران، ناچار تسلیم گردیدند. محل این تبعیدگاه ابتدا، امریکای جنوبی (شیلی) در نظر گرفته شده‌بود وشاه فقید اطمینان داشت که اورا بامریکای جنوبی خواهند برد و در آنجا زندگی میکند ولی وقتی در دشتی باو خبردادند که تبعیدگاه او جزیره موریس است بی‌اندازه متاثر و پریشان گردید.

مرحوم فروغی پس‌از حرکت شاه فقید بلافاصله دستور تشکیل‌جلسه فوق‌العاده مجلس‌را داد که آئین‌سوگند وتشریفات رسمی تغییر سلطنت انجام بگیرد ولی علاوه بر اینکه جواب قبول دعوت دولت ایران برای حضوردر مجلس ازطرف سفارت انگلیس وشوروی‌نرسید حضورخودرا درمراسم‌مزبور موکول بکسب دستور جدید نموده بودند وبهمین جهت‌دولت شرکت خارجیان را درمراسم‌سوگند متوقف ساخت تحریکاتی‌هم‌دربین مردم ظاهر گردید که‌اجرای امررا مشکل‌می‌ساخت، این پیش‌آمد با نگرانی‌شدیدی که‌مردم را فراگرفته بود بر ابهام اوضاع‌می‌افزود، روز پیش از انجام مراسم وهمان‌روز صبح عده زیادی‌ازمردم، تهران را ترك‌کرده وبسوی نقاط جنوبی فرار میکردند وچنین‌شایع‌شده بود که متفقین نخواهند گذاشت‌مراسم‌تغییرسلطنت انجام‌گیرد.

صبح آن‌روز وحشت ونگرانی حتی بین نمایندگان مجلسین پیدا شده بود، تلفن ها بوکلا غیر مستقیم میشد که‌اگر امروز بمجلس حاضر شوید خون شما ریخته خواهد شد، مجلس بمباران میشود. ترورخواهید شدوبقدری تحریك‌زیادبود که درداخل مجلس وبین‌وکلا هم تاثیر کرده‌بود وچندنفرازوکلای‌مخالف نمیخواستند بگذارندمجلس تشکیل شود. تبلیغ بد میکردند و حرفهای خارج را تکرار وحتی ظهور يك هواپیمارا درآسمان تهران وسیله بمباران ذکر کردند باهمه این‌احوال هیئت دولت وبخصوص مرحوم فروغی ایستادگی می‌نمود وتمام این تبلیغات راخنثی میساخت و نمایندگان هم در این مورد با افکار ونیات مرحوم فروغی برای تثبیت‌اوضاع آشفته آنروز کوشش می‌نمودند وخوشبختانه موفقیت یافتند ومراسم‌سوگند وتشریفات تغییر سلطنت‌درمحیط امن و راحتی انجام گرفت واحساسات بی شائبه‌ای که هنگام‌بازگشت اعلیحضرت ازمجلس درخیابانها‌بعمل‌آمدوجمعیت زیادی‌که‌جلوی کاخ سلطنتی ازدحام کردبتمام صداهای مخالف جواب‌داد وشایعات آن‌چندروز را ازبین‌برد وبرتثبیت اوضاع کمك کرد وبهمین‌جهت‌فراریان بتدریج بتهران بازگشتند.

این مطلب هم ناگفته نماند که جریان سوم تابیست وپنجم شهریور وشایعه حرکت‌شاه ازتهران و تغییر پایتخت موجب فرار بسیاری ازاشخاص گردید که دربین آنها رجال وصاحب‌منصبان ارشد ارتش زیاد بودند ولی وکلای مجلس‌باستثنای دوسه‌نفر بقیه درتهران باقی‌ماندند وازمطبوعات هم‌هیچکس‌خارج نشد وبیش ازهرچیزفرار افسران باخانواده‌های خود ازتهران برتشنج‌اوضاع افزود.

دوافسر عالی‌مقام خلع درجه وزندانی شدند

آشفتگی اوضاع بسعدآباد هم سرایت کرده‌بود. باغ وگلکاری زیبای سعدآباد نیز از آفات بهم‌ریختگی بی‌نصیب نمانده و نسبت بآن سرپرستی نمیشد، خیابانهائی که يك برك درخت در آن راه نمی‌یافت اینك پراز برکهای‌خزان درختان شده، گل‌ها هرروز نسبت‌بروزپیش‌پژمرده‌تر میشوند و منظره عمومی‌باغ باصفای‌سعدآباد کاملا ازتغییراوضاع ناگهانی‌حکایت میکنند.

دریکی ازهمین روزهای شوم، شاه‌باولیعهد خود دریکی از خیابان های سعدآباد قدم‌میزد وراز ونیاز

میکرد وافسرده ومتاثر بنظر میرسید، پیش‌آمدی اوراسخت برآشفت وآن گزارشی بود که ازجانب شورای عالی جنگ بعرض میرسید.

افسران عالیرتبه‌ارتش که عضویت شورای عالی جنگ‌راداشتندصبح آن‌روزجلسه‌ای‌تشکیل داده ولایحه‌ای را امضاء کرده بودند که طبق‌آن خدمت نظام وظیفه در کشور موقوف‌گردد وبتدریج افراد مرخص‌شوند وبرای آینده قشون داوطلب گرفته‌شود. این‌پیشنهاد درحقیقت انحلال ارتش ایران بود وزحمات چندساله رضاشاه رادر برقراری نظام‌وظیفه درایران بهدرمیبرد. شاه‌دستور دادامضاء کنندگان‌پیشنهاد بسعدآباد احضار شوند وهمینکه همه‌جمع شدند،شاه درحالی که‌ولیعهد نیزهمراه اوبود بافسران نزدیک‌شد وپرسید علت‌این پیشنهاد چه‌بود وبرای‌چه آن‌را امضاء کرده‌اید، افسران از چگونگی برخورد شاه فقید وشدت خشم‌او برخود لرزیدند ونتوانستند جواب قانع کننده بدهند.

هریک زیرلب چیزی گفتند وبرعصبانیت او بیشتر افزوده شد بالاخره شاه بنای خشونت را گذاشت وحتی دوسه نفر آنها ازضربهٔ شمشیر بی‌نصیب نماندند، کار بالا گرفت، یکی از افسران‌گفت والاحضرت چنین اظهار نظری فرمودند شاه‌بیشتر عصبانی‌شد ورو بپیشخدمت فریادزد هفت‌تیر بیاورید، وحشت واضطراب سراپای همه‌رافرا گرفت ولرزه براندام شش‌هفت تن‌افسر عالیرتبه ارتش افتاد و کسی نمیدانست که‌اگر هفت‌تیر برسد چه کسی هدف قرارخواهدگرفت، شاه‌مکرر میگفت خیانت. خیانت.

این پیش‌آمد درست بدنبال مرخص‌کردن سربازان لشگر های پایتخت بود که با وضع تاسف‌آوری چند هزار سرباز را از سربازخانه ها بی‌پول وگرسنه خارج وآواره شهر وبیابانها کرده بودند، همان‌شب که سربازها مرخص‌شده وباوضع حزن انگیزی در خیابانها وکوچه های تهران سرگردان بودند ولوله عجیبی درشهر افتاد، نگرانی و اضطراب شدیدی درمردم تولیدگردید وهمان شب بود که عده بیشماری ازتهران فرار کردند وسربازان گرسنه وبدبخت هم روبدهات وشهرهای خود پیاده وگرسنه روان‌گردیدند، فردای آن‌روز بود که شاه فقیداز قضیه‌مستحضر گردید متاثرشد وبلافاصله دستور جمع‌آوری افرادرا صادر کرد واتومبیل‌هاوموتوسیکلت‌ها درشهرها وجاده‌های خارج‌براه افتاد وعده‌زیادی ازسربازان آواره شده‌را جمع‌آوری وبسربازخانها برگرداندند.

این‌واقعه دلخراش بتمام‌معنی حکایت ازکمک وتسریع دربهم‌ریختن اوضاع میکردوالا چگونه ممکن بود چندهزار سرباز وظیفه رالخت وگرسنه ازسربازخانها خارج‌کنند وجیره‌ومواجب آنها راحیف‌ومیل نمایند، بعلاوه صدور چنین امریه‌ای‌را که‌کسی زیربارآن نمیرفت ازمسائلی بودکه شاه‌فقید را سخت ظنین‌ساخته بود. از اینها گذشته‌گزارشاتی همان‌دو روزاول حادثه ازطرف‌افسران ستادوشورای‌جنگ تقدیم‌شاه‌شده‌واظهارعقیده کرده بودند که‌نمیتوان هیچگونه مقاومتی باقوای مهاجم‌کرد وترک‌مقاومت وتسلیم راپیشنهاد نموده‌بودند واستقرار قوارا در چند کیلومتری پایتخت برای‌حفاظت شهراز هجوم‌قشون اجانب که بشکل‌نگین شهررا نگاهداری کنند امری‌بیهوده دانسته وباکمال تاسف‌نتوانستند یانخواستند بچندهزار سرباز درچندکیلومتری تهران خوراک برسانند!

این‌جریانات درفکر شاه‌فیله میداد وهرثانیه برخشم‌او می افزود تاجائی که بابی صبری انتظار رسیدن هفت‌تیررا میکشید،امابیش‌آمدی رشتهٔ‌فکر شاه‌را مشوش‌تر وبدتر کردوآن گزارشی‌بود که‌تلگرافچی قصرسعدآباد حضورشاه تقدیم‌نمود وآن گزارش حاکی‌از عبورقشون‌شوروی ازینگی‌امام راه‌قزوین بسمت تهران‌بود، دراین‌موقع حالت شاه‌تغییر کرد وگویا انحرافی درفکرش پیداشد جلوی سرلشگر احمد نخجوان کفیل وزارت جنگ وسرتیپ ریاضی آمدوبافشار دست‌درجات آنهاراازروی شانه‌ولباسشان پاره‌کرد ودستور دادآن دونفررا توقیف‌کنند وبدون اینکه دیگرحرفی‌بزند راه‌خودرا پیش‌گرفت وازیکی ازخیابانهای سعدآباد عبورکرد ورفت، افسران‌دیگر، نفسی براحت کشیدند وباعجله بشهر بازگشتند.

آقای سرلشگر نخجوان ومرحوم سرتیپ ریاضی تاروزبعد ازاستعفای شاه‌وحرکت او از پایتخت زندانی بودند وپس ازآن‌آزاد وشروع بکارنمودند.

مجلس می توانست بر اوضاع آشفته مسلط شود ولی . . .

پس از تغییر سلطنت ، قدرت بدست مجلس شورای‌ملی افتاد ، مجلس طبق قانون اساسی حاکم براوضاع گردید . امامنتخبین رضاشاه فقید که تا آن روز بی‌صدا و آرام بوظیفه‌قانونگزاری خود عمل میکردند و در کار های اجرائی کشورکوچکترین دخالتی نداشتند ناگهان وظیفه سنگین خودرا در نگاهداری اوضاع عمومی کشور فراموش کرده بدنبال کسب وجاهت ملی وامیال واغراض شخصی افتادند!

آنروز بازار ناسزا و بدگوئی نسبت باعلیحضرت فقید رواج یافته بود ، روزنامه‌ها مسابقه گذاشته و مجلس هم میخواست گوی سبقت را برباید و باین وسیله نمایندگان در دل مردم برای انتخاب آیندهٔ خودجای گیرند وچون مردم از اوضاع عصبانی بودند و کینه ها نیز ظاهر شده بود و کلای ملت هم همان راه را سیر میکردند وگفتار و کردار خود را با افکار عمومی که در منتهای تشنج وآشفتگی بود وفق میدادند ، عوام فریبی رایج شد و در پس این عوام فریبی وکلای مجلس پس از شش دوره تقنینیه که اوضاع واحوال مملکت بیك نهج سیر میکرد و قانون گذاران فقط وظیفه قانونگزاری خود را انجام میدادند اینك خودرا مختارمطلق دانسته وحکومت را در اختیار داشتند و میخواستند حکومت کنند ، حساب خورده ها پیش کشیده شد، دوستی ها ودشمنی‌ها عرض وجود نمود ، رسیدن بمقام وزارت وگرفتن پست‌های مهم وحساس برای دوستان وخویشان و تحصیل رتبه و اضافه حقوق برای رفقا که درزمان رضاشاه کسی جرئت نداشت دم بزند مورد توجه یکعده از نمایندگان واقع شد ودر نتیجه مجلس از وظیفه اصلی خود بکلی دور افتاد و میدان ومرکزی برای کمك بهرج ومرج وتفرقه وتشتت افکارعمومی گردید.

خوب بخاطر دارم درآن ایام یکی ازجراید ترکیه مقاله‌ای درباب اوضاع ایران انتشار داد و از اینکه چگونه یك ملتی درظرف چند روز تغییر ماهیت میدهد اظهار تعجب نموده ونوشت : « رضا شاه مردی بود با نفوذ وقدرت که خدماتی انجام داده بود ومورد توجه عموم بخصوص عناصری که از نزدیك با او همکاری می‌کردند واقع بود چطورشد درظرف چند روز تمام آن کارها فراموش شد وکسی که چند سال زمامدار کشوری بوده و خدماتی انجام داده و باید مورد احترام باشد اینطور معرض حمله وناسزا قرار می‌گیرد و وضع رژیم مشابه ایران ترکیه را مثال زده‌بودکه پس ازفوت آتاتورك قائدآن‌کشورکه همچنان دارای نفوذ و قدرت و اختیار مطلق بود ملت ترك وحتی‌آنهائی‌که ازآن وضع ناراضی بودند احترامات خود را نسبت به پیشوای‌ترك مرعی داشتند وهیچگونه انحرافی حاصل‌نشد وخط مشی او باوجود اینکه با عصمت اینونو درچند سال اخیرسازش خوب نداشت‌معهذا ازطرف او ومجلس‌ملی تعقیب میشود – اکنون پیشوایان و متصدیان امور ایران بجای این که پیش‌آمد اخیر را با تاثر و اندوه تلقی کنند نسبت بهمان کسی که تا دیروز لب‌بتحسین وتمجید میگشودند (اشاره بمجلس شورای ملی) اکنون اورا درچنین روزگاری سخت‌وناگوار تقبیح میکنند!»

خلاصه ، مجلس میتوانست این تغییر حکومت را با خونسردی تحمل کند ، خوبی های حکومت رضا شاه را نگاهدارد و بدی ها را دور بریزد وبالاخره مشی اصلاح‌طلبانهٔ اورا پیروی کند وبرای حفظ امنیت وآرامش کشور که شاهکار شاه فقید بودکوشش نماید نه اینکه خود بپاره کردن رشته های امنیت‌کشور کمك کند ، اولین قدمی‌که باسرعت مجلس شورای ملی تحت تاثیر عوام فریبی برداشت آزاد کردن زندانیان بود که بی مطالعه انجام گرفت . آنقدر دولت را تحت مضیقه وفشار قرار دادند که دو روز بعد از رفتن رضا شاه ناچار شدند در زندان را بازکرده وآنهارا آزادکنند. بین زندانیان سیاسی یکعده دزد و شرور و غارتگر وقاتل هم بودند که آنها نیز مرخص شدند وبجان مردم افتادند و امنیت را درهمه جا متزلزل ساختند .

بدیهی است وقتی امنیت متزلزل شد، همه چیز در دنبال‌آن ازبین میرود ، چیزی نگذشت که تاثیر این عوام فریبی‌ها وتحقیر وتخفیف حکومت سابق وحکومت‌آن روز درهمه‌جا نمایان گردید ، دربسیاری ازنقاط‌مردم آزادی را که در مجلس عنوان میشد تعدی و تجاوز و شرارت فرض کرده وهر کس زور داشت بظلم و تعدی پرداخت . هر کس فکر شرارت داشت بچاقو کشی‌وآدم کشی وسرقت پرداخت ، درو‌پنجره عمارت ها وساختمان هائی‌که درشمال در املاک‌کار شده بود غارت‌گردید ، چیزی نمانده بود که تیرهای تلگراف وریل‌های راه‌آهن را هم مردم برچینند و اسفالت خیابانها را خراب کنند و مجسمه های شاه فقید را واژگون سازند .

این وقایه تاثرآور ، نتایج روشن و اثرات بارز مرکز قدرت مملکت بودکه بجای تثبیت و تحکیم اوضاع برخرابی و شوریدگی کمك میکرد ونطقهای مضریکه‌ده ازعوام فریبان هرروز بر تجری مردم میافزود ونمایندگان دیگر مجلس که اکثریت‌داشتند وباندوه وتاثر نگران این وضع بودند ازترس فحش وهتاکی‌جرئت دفاع نداشتند واگرکسی مثل‌آقای دهستانی درآن بحبوحه تشنج حرفی میزد ومثلا میگفت بعدها خواهید دانست که‌آن مرد چه بود وچه‌کرد وباید چراغ بردارید وعقب اوبگردید اورا چنان تخطئه میکردند و درروزنامه‌ها مسخره مینمودند و باو می تاختند تادیگر کسی جرئت نکند در مقام دفاع برآید .

اطلاعات چه نقشی را انجام داد ؟

بین جراید آن روز تنها روزنامه اطلاعات بود که باجرئت وجسارت مدافع اوضاع سابق‌شناخته میشد . یعنی چون ساکت بود وفقط وقایع جاری را منتشر میکرد واظهار نظر روی مسائل روز می نمود و بگذشته کاری نداشت همین سکوت را دلیل بر طرفداری از اوضاع سابق‌میدانستند. درآن‌روز پیدایش‌این‌فکر صحیح بود زیرا این رفتار اطلاعات علیرغم منافع روزنامه نگاری خود بود ، چه ، همانطور که دررژیم گذشته وکیل مجلس عنوانی جز همان وکالت واحترامی جز درآن حدود نداشت ودر دوره بعد ازرضاشاه، وکیل‌مجلس خودمختارودیکتاتور کوچکی شده‌بود، روزنامه نویس هم اعتبار وموقعیتش بعدازرضاشاه چندبرابرشده و رکن چهارم مشروطیت بشمارمیرفت.

منافع روز نامه بیشتر ، موقعیت آن مهتر، نفوذآن چند مرتبه بالاتر دراین‌صورت چرا روز نامه اطلاعات از گذشته چیزی نمیگوید واز شاه سابق بدگوئی نمیکند ومشی خودرا همچنان تعقیب مینماید ، پس‌در اینکار منافعی دارد.

این جریان چنین وانمود میکرد که اطلاعات بستگی بادربار دارد ، گفتند و نوشتند که اطلاعات ازشاه سابق کمك مالی میگرفت و ازشاه فعلی هم‌کمك‌میگیرد، این شایعات روزبروز شدت می‌یافت‌وماکار کنان اطلاعات این‌حرفهارابگوش می‌شنیدیم و بچشم میخواندیم‌لکن درجریان انتشار اطلاعات کوچکترین‌انحرافی حاصل نمی‌ساختیم ، درنتیجه بسیاری ازمردم‌بستگی این اداره‌را بادربار حتمی و قطعی فرض میکردند وحملات‌وتعرضات روزنامه های مخالف نسبت بااطلاعات اوج میگرفت ، کار ما بجائی رسید که علاوه برباران مراسله‌تهدیدآمیز وتلفن‌های خشن و هتاکی از چند نقطه نیز اطلاع رسید که جمعی از مردم روزنامه را آتش میزنند و عصبانی هستندکه چرا اطلاعات تغییر روش نمیدهد ومطالبی نظیر سایر جراید انتشار نمی دهد ، باز هم برما مؤثر واقع نکردید.

میدانید چرا ؟ برای چه ما تمام این اتهامات را برخود هموار میکردیم ، فحشها وناسزاهاراجواب نمیدادیم و مشی خود را تحت تاثیر اوضاع واحوال آن روز عوض نمیکردیم ؟ برای اینکه ما متوجه شدیم که منفعت مملکت در هرج ومرج نیست ومانبایدبرای حفظ منافع‌ونیل‌باغراض وامیال شخصی خود مصلحت‌جامعه را زیر پا گذارده بر تشنج و غلیان احساسات که نفع آن مستقیما عاید خارجی‌ها میشد کمك کنیم ، ما بخوبی میدانستیم که از این آتش افروخته ، خارجی ها استفاده می‌برند ، از آمد ورفت سریع دولت ها ، تضعیف و تخفیف حکومتها آنها لذت می‌برند . هرچه اوضاع مغشوشتر باشد برای آنها بهتر ، زیرا آنان تسلط خودرا بوسیله تمرکز قشون در نقاط اشغالی داشتند و مشغول کار خود بودند ونمی‌خواستند حکومت قوی وپا برجائی روی‌کار باشد که حق‌وحساب گیردودرفکرحفظ منافع ملی‌ایران باشد .

اما چندی نگذشت خارجی‌ها بخصوص انگلیس‌ها دریافتند که این وضع آشفته مضرات سیاسی‌دیگری دربردارد ولی دیر باین فکر افتادند ، کار ازکار گذشته بود ، موقعی بود که رشته‌ها از هم‌دررفته بود، افکار طوری منقلب شده بود که دیگر نمیشد تمرکزی بآن داد . بدبینی بخصوص نسبت بانگلیسها شدت یافته بود و از آن ببعد هرچه بجستجوی حکومت مقتدری که رشته‌ها را دردست گیرد میرفتند نائل نمیشدند زیرا آن‌قدرت فرضی در میان تشنج و غلیان افکار تحلیل میرفت و قوی ترین افراد هم دیگر قادر نبود جلوی آشفتگی آنروز را بگیرد

باری ، منهم می‌توانستم در آن روز همرنك جماعت شوم وامروز هم همرنك جماعت باشم چنانچه عده‌ئی هستند از کسانی که امروز هم براین ملت حکمفرمائی میکنند ، چه دردستگاه دولت ، چه درمجلس وچه درمطبوعات همانهائی هستند که پس از رضاشاه باجماعت همرنك وهمصدا گردیده برای حفظ موقعیت خود یابدگوئی و اتهام نسبت به رضاشاه ودستگاه سابق که خود عضو وابسته وپیوسته آن بودند درتخریب اوضاع می‌کوشیدند وافکار مردم را بیشتر تهییج کرده ومنقلب ساخته ومملکت رابابن روز سیاه نشانیدند و همینکه بادی وزید ومردم زجر وزحمت دموکراسی قلابی یعنی هرج ومرج را چشیدند فهمیدند رضاشاه مرد خدمتگذاری برای این کشور بوده واگر املاکی هم بزور بدست آورد بیشتر از ملاکین بزرك بود وباز برای مملکت آباد کردودر مملکت باقی گذارد ودرهرصورت طمع ملك‌داری او دربرابر خدماتش ناچیز بود وکفهٔ اعمال حسنهٔ او برسیئاتش می‌چربید وحال آنکه بیشتر حکومت های بعد دراین چندساله جز سیئات ازخود چیزی باقی نگذاشتند وروبهمرفته اگر برای خواص خوب نبود برای تودهٔ مردم خوب بود. بهمین جهت از تشنج فکری افتادند وضع خراب زندگی، آنها را بخود آورد ونسبت برضاشاه فقید احساساتی پیدا کردند بدیهی است جریان هم نزد این اشخاص عوض شد همه لباسها را عوض کردند بطوریکه رضاشاه فقید در همان مجلس شورایملی که مورد اتهام وناسزا واقع میشد رضاشاه کبیر نامیده شد!

اطلاعات در انجام وظایف ملی قصور نکرد وبمردم ومملکت خدمت کرد

پس بااین طرز قضاوت عمومی ونبودن قوه تشخیص وتمیز وعدم وجود پرنسیب واصل وقاعده در کار، چه مانعی داشت که اطلاعات هم در آن روز مشی خود را بمصداق باجماعت قرار دهد و برگذشته بتازد و بتهییج افکار عمومی کمك کند وامروز هم باکمال سهولت در یك محیط فراموشکاری مثل ایران، لباس نوبپوشد ولی ما علی رغم منافع خود وبرخلاف میل باطنی که دراین تغییر و تحول داشتیم اینکار رانکردیم ، تهمت‌ها وناسزاهارا شنیدیم ودم نزدیم وحتی نگفتیم که در آن روزگار سانسور برقرار بود وهرحرفی را نمیشد گفت و هرموضوعی را ممکن نبود برشتهٔ تحریر درآورد وباکمال تاسف ازسکوت مابدخواهان استفاده کردند وباوقاحت وبیشرمی مارا بوقلمون صفت معرفی کردند وگفتند اطلاعات نان را بنرخ روز میخورد از هرطرف باد بیاید باد میدهد وحال آنکه مادرتمام دوره خدمت‌نامه نگاری خود جزمصلحت مملکت ونفع جامعه راهی نپیموده‌ایم ، ازلغزش هائی که مبتنی برغرض ومنفعت شخصی بوده دور ومبری بوده‌ایم ، ممکن است خبط واشتباهاتی درعالم‌نامه نگاری مرتکب شده باشیم ولی حقیقت وراستی را پیوسته شعارخود ساخته وازآن انحراف نجسته‌ایم اگر برعلیه اوضاع گذشته با دیگران همصدا نشدیم برای این بود که آن را اضر به هولناکی بر گسیختگی رشته امور وپاشیده‌شدن اوضاع وهرج ومرج بیشتری که منافع خارجیان درآن بود تشخیص میدادیم وبعبارت بهتر استقلال کشور را درخطر می‌دیدیم، اگرما هم همصدا می‌شدیم وباعوامل وعناصری که راه خیانت وتجزیه طلبی را پیشه خود ساخته بودند مثل خیلی‌ها کمك میکردیم وآنطور باجرئت وشجاعت وجسارت ودرکف گرفتن جان خود در مقام فداکاری و ازخود گذشتگی و مبارزه ودفاع بر نمی آمدیم شاید وضع کشور دگرگون و لطمهٔ سختی بر استقلال و حاکمیت ملی ایران وارد می‌آمد .

اما ما را متهم ساختند و گفتند بوقلمون صفت هستید وما نفهمیدیم این صفت بوقلمونی چگونه در مورد ما صدق می‌کند ؟

زیرا درسال های از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۵ اطلاعات را طرفدارحکومت رضا شاه می‌دانستندو براو می‌تاختند که چرا از آن فقید بدگوئی نمیکنیم وباآنها همصدائی نمی‌نمائیم مارا جیره خوار دربار سابق و لاحق می دانستند ، گاهی طرفدار انگلیسها و زمانی دست نشانده امریکائی ها و موقعی هم مارا ستون پنجم آلمان ها معرفی کردند ، سیل لیره ودلار را بسوی اطلاعات سرازیر ساختند ، ما را میلیونر ومیلیاردر ومتعدی‌ومتجاوزو جابرخواندند برای اینکه طرفدار رضاشاه هستیم

از سال ۲۵ ببعد بخصوص دراین دوساله اخیر قضیه معکوس شدچون وزش بادتغییر کرد ، رنك ها عوض شد ، رضا شاه موقعیت یافت ، نوع فحش و هتاکی بما هم تغییر کرد ، این بار نوشتند اطلاعات نسبت برضاشاه بدگوئی کرده است، از شاهپورعلیرضا بدنوشته است.

برای صدق گفتارخود در هر دومرتبه که برما تاختند از نطقهای نمایندگان مجلس وازخلال مقالات واخبار چندین سال اطلاعات جملاتی را که سروته آن را عمداً میزدند بیرون آورده دلیل مدعای خود قرار می‌دادند

ولی بالاخره تکلیف ما را روشن نکردند که ما طرفدار رضا شاه بودیم یا مخالف او وبکدام جرم باید نحش بخوریم چون هردو قسمت رادراین دو دوره بمقتضای زمان بما دادند.

ما فرض میگیریم همانطور که زمانی قلم بمدح رضا شاه روی کاغذ میگذاشتیم ،موقعی هم به ذم او چیز نوشته ایم. چه اشکالی دارد،مگروقتی جراید آزاد شدما حق انتقاد نباید داشته باشیم ، چرا نبایدنامه آقای طیبی رادرخصوص پرسش از جواهرات سلطنتی چاپ کنیم مگر روزنامه ها آزاد نشده بودومردم حق اظهار عقیده نداشتند ، مگر کسی را دربین رجال ، وکلا و اشخاص برگزیده و متصدیان امور کشور میتوانید نشان بدهید که هنگام تغییر سلطنت اندك تظاهری بنفع شاه سابق کرده باشند یا از بدگوئی اوضاع مبری باشند، یکی از آنها هم ما ویکی از آن روزنامه ها هم اطلاعات، چه مانعی دارد آن روزهای شوم شهریور و اشغال ایران تحت تأثیر اوضاع و پیش آمد های روزمره و حتی خودمن باطنا از این تغییر خوشحال بودیم وآنرا بفال نیك می گرفتیم ولی بعدبسیاری از تیپ وطبقه فهمیده کشور بزودی متوجه شدند که ازدست دادن پادشاه .کارخطائی بود و بزیان کشور وسود اجانب و تسلط آنها براین مملکت تمام شد باینجهت باهرج ومرج وتشنج افکار کمك نکردند ولی خیلی ها عالماً و عامداً روی منافع و نظر های شخصی خودبخرابی اوضاع کمك کردند که خودآبادشوند.

ما اززمره کسانی هستیم که دنبال هرج و مرج نرفتیم و طالب تثبیت وتحکیم اوضاع کشور وایجادامنیت وآرامش وطرفدار حکومت های صالح بوده و تمام دولت ها رااز لحاظ اینکه شاید در اجرای منویات اصلاح طلبانه خود وپیدایش امن وراحت وعدالت اجتماعی موفق وکامیاب شوند همراهی وهمکاری کرده ایم،اما امروز که آبها از آسیا افتاده وشاه فقید در آرامگاه ابدی خودآرمیده که ما آرزومندبودیم این مردوطن پرست درخاك میهن که بی اندازه بدان علاقمند بود مدفون شود و حالا که همه بمدح وستایش می پردازند ، خوب و بد اوضاع گذشته رامیتوانیم بگوئیم ودرقبال تهمت ها وافترا های چندساله اخیر ازخوددفاع کنیم.

آری ، ماجیره خوار دربار نبوده و نیستیم که اگر بذم شاه سابق چیزی بنویسیم وحشت داشته باشیم که حقوق ومواجب ومنصب مارا بگیرند، ما درهرموقع آنچه بمصلحت مملکت تشخیص داده ایم ، گفته ایم و بیم وهراس هم نداشته ایم.

اولین سال تولد اعلیحضرت چگونه برگزارشد؟

روز چهارم آبان ۱۳۲۰ وتولداعلیحضرت همایونی بود ، اولین سالی بود که ملت ایران باید ولادت پادشاه خود راجشن بگیرد یك ماه وچند روز ازحرکت پادشاه مستعفی بیشتر نگذشته بود ، احساسات عمومی برعلیه اوضاع بمرحله کمال رسیده بود ، صفحات روزنامه مملو از بدگوئی وناسزا برضاشاه بود ، مردم برای درهم ریختن اساس وشالوده های رضا شاهی حال عصیان وانقلاب داشتند ، کی جرئت داشت عکس اعلیحضرت فعلی را بمناسبت ولادتش بچاپ رساند ، کی میتوانست ازشاه فعلی چند سطر تعریف وتمجید کند؟ درهمین ایام اطلاعات مصمم گردید اولین سال ولادت پادشاه جوان ایران راجشن بگیرد و ابراز احساسات نماید.

پس عکس اعلیحضرت را درستون اول گذاشت ومقاله ای در سه ستون درتوصیف و تمجید اخلاق پسندیده و عواطف ورأفت و مهربانی های شاه فعلی نوشت . بدیهی است در این مقاله که برای جلب توجه افکار عمومی بمنظور تثبیت اوضاع و ایجادمحبوبیت برای شاه برشته تحریر درمیآمد لازم بود برای تسکین افکار مردم چند جمله انتقاد هم وجود داشته باشدتامطلب دلنشین ودلچسب گردد یکی ازکسانیکه درآن روز مورد انتقاد وبدگوئی مردم ومطبوعات بود والاحضرت شاهپور علیرضابود که بهدایت افکار عمومی وبمنظورصلاح کشورانتقاد ملایمی دراطلاعات از ایشان شدالبته ملایم نسبت به نوشتجات مطبوعات آنروز ولی سخت وشدیدطبق اوضاع مقتضای امروز.

آن مقاله صدا کرد و تاثیر خود را نمود ، از آن پس رفته رفته زبان بتعریف وتمجید اعلیحضرت همایونی بازشدوچون ما درطی آن مقاله درباره اعلیحضرت حقیقت را نوشته بودیم آن حقایق باروش نوع پرستانه وخیر خواهانه ایشان تجلی نمود وبرمحبوبیت ایشان افزود وسال بعد موقع ولادت، چاپ عکس اعلیحضرت درصفحات اول بعضی جراید امری عادی ومعمولی گردید.

درطول این چند سال بعضی بد خواهان وحسودان برای اطلاعات نقطه ضعف پیدا کرده اند، هرچند یکبار آن جملات انتقادی نسبت بشاهپورها وشاهپور علیرضارا ازمقاله اطلاعات نقل می کنند وبرای خاطر ونشان میکشند

باتعرضات وحملاتی که نسبت برضاشاه فقید دراخبار مجلس ازطرف وکلا میشد که ما پیوسته بلحاظ حفظ بیطرفی روزنامه مطالب مجلس را بی کم وکاست انتشار میدادیم آن جملات زننده نطقهارا بیرون آورده و باخط درشت درجراید منعکس میساختند ومیگفتند اطلاعات اینطور نسبت برضاشاه بدگوئی کرده است وبرعکس درسالهای اول تغییر سلطنت جملاتی ازمقالات دوره ۲۰ ساله بیرون میآوردند ومینوشتند اطلاعات اینطور ازرضاشاه تعریف وتمجید کرده است!

البته ما درطی دوره گذشته از رضاشاه تمجید وتعریف کرده‌ایم ولی اگر بمقالات اطلاعات مراجعه شود وتمام مقاله خوانده شود، نه اینکه جملات وسط سرو دست شکسته نقل گردد ، هرخواننده بروش اطلاعات تحسین میکند زیرا میبیند که هیچوقت تعریف وتمجید بیجائی ازرضاشاه نشده است، تمام مقالات بمناسبت افتتاح یك کارخانه، تاسیس یك بنگاه ، ساختمان راه‌وپل ومدرسه ومریضخانه وراه آهن وبرای کارهای مفید بوده. است که اگرآن تعریف وتمجید ها درمقام سنجش برآید ملاحظه خواهند فرمود درمقابل تملقاتی که آنروز درمجلس وبین رجال ما معمول بود وسجده‌هائی که سر بزمین میرسید بسیار ناچیز است علاوه براین بسیار مواردی بود که وجود سانسور مطالبی رابروزنامه هاتحمیل میکرد ولی آنچه دراختیارخود روزنامه بود هیچوقت ازحقیقت دور نمیافتاد وازتملق وچاپلوسی کاملا بدور بوده.

درهمین احوال چه بسیار مطالب اخلاقی ودینی و اجتماعی درآن روز انتشار مییافت که حتی امروزهم به آن توجه واعتنا نمیشود ، روزنامه اطلاعات همیشه ودرهمه وقت بامردم وبرای مردم وبخیرجامعه پیش رفته است واندك غفلتی درانجام وظایف ملی ومیهنی خود نکرده است

همچنین ما درطی این ۹ سال دموکراسی بواسطه آزادی که در انتشارات خود داشته‌ایم چه بسیار اتفاق افتاده است که از بعضی اعمال گذشته خرده گیری کرده وسیستم حکومت سابق‌را مردود دانسته ایم، دراین مورد هم باز انکاری نداریم بیجهت حسودان بخود رنج وزحمت میدهند واز خلال مقالات روزنامه جملاتی‌را پیدا میکنند وپهلوی جملات مقالات دیگر میگذارند.

ماهم حق داریم اظهار عقیده ونظر کنیم واکثر معایب ومفاسدی ازگذشته وحال بنظرمان میرسد باهمان روش متانت خودانتقاد نمائیم، مگرما التزام سپرده‌ایم ویاادعا داریم که مداح رضاشاه باشیم یاچیزی برخلاف رضاشاه بنویسیم که ازما خرده بگیرند چرابد نوشتید یاچراخوب نوشتید. مابرخلاف آنچه که دراین چندسال بمانسبت دادند وخواستند اطلاعات رااز نظر مردم بیانداز ندمتکی بهیچ مقام وموقعیتی نیستیم نه بدربار بستگی داریم ونه باحکومتها بندوبست میکنیم نه طرفدارروس هستیم ونه طرفدار انگلیس وامریکاوهیچ خارجی دیگر. اطلاعات متکی بفضل الهی ومستظهر باحساسات وافکارملت ایران و درحقیقت جیره‌خوار مردم این مملکت است ، زیرابودجه هنگفت این مؤسسه را فقط مردم میدهند و همین مردم هستند که پیوسته هواخواه مابوده وازهرگونه تقویت وپشتیبانی نسبت بما دریغ نداشته اند وهمین مردمند که بهترین مشوق ما درخدمتگزاری و توسعه مؤسسه فرهنگی خود بوده اند و بازهمین مردمند که روش متین روزنامه اطلاعات را که عاری از غرض های شخصی و دور از آلودگی های سیاسی است میپسندند، نشریات ما را باطیب خاطر میخوانند و مارا در تعقیب همین روش که آنها پسندیده اند و دور از هتاکی و هوچیگری است تأیید میکنند پس چه دلیل دارد بامردم نباشیم وبخیر مردم کار نکنیم و روزنامه و نشریات خود را طبق مصلحت ومیل وعلاقه آنها ننویسیم.

فروغی دررادیو تهران صحبت کرد

اولین دفعه که نخست‌وزیرایران ازرادیو تهران برای مردم حرف‌زد بعداز شهریور ودر تاریخ ۱۶ مهر ۲۰ بود ، مرحوم فروغی درطی این نطق بمردم نصیحت کرد که درانجام وظایف ملی و استقرار نظم وآرامش اهتمام نمایند وآزادی ودموکراسی راتفسیرنمودو گفت معنی آزادی ودموکراسی این نیست که مردم خودسرباشندوهر کس هرچه میخواهدبکند . اگرحدود وقیودی درکار نباشد وهمه خودسر باشند هیچکس آزاد نخواهدبود وهرکس از دیگران قویتر باشدآنان رااسیر وبندهٔ خود خواهد کرد ، این حدود و قیود همان قانون است که هر کس باید رعایتش رابرای خود واجب شمارد ،اولین سفارشی که درعالم خیرخواهی و میهن دوستی میکنم اینست که قانون را محترم شمارید ملت آزاد آنست که جریان امورش برونق قانون باشد ، هر کس بقانون بی‌اعتنائی کند و تخلف از

آنرا روا بدارد دشمن آزادی ودشمن آسایش ملت است ؛ بالاخره درپایان نطق خود پرده برداشت وگفت اگر مردم بجای اشتغال بامور شرافتمندانه از نام آزادی سوءاستفاده کرده برای پیشرفت اغراض خصوصی وسایل نامناسب از نفاق وتزویر وفتنه وفساد ودسته بندی وهوچیگری بکاربرند و اگر نمایندگان ملت نمایندگی را وسیله تحصیل حفظ منافع شخصی بدانند وعوام فریبی را پیشه خود سازند ودسیسه کاری راشعارخودکنند ویامعنی نمایندگی ملت رامدعی شدن بادولت بدانند واگروزیران وزارت رافقط مایه تشخص وجلب منافع شخصی فرض کنند واگرروزنامه نگاران بجای حقیقت گوئی و رهبری ملت براه خیر، روزنامه را آلت هتاکی وپیش بردن اغراض فاسد قراردهند باید حتم ویقین دانست که بازاوضاع این سی و پنج سال گذشته تجدید خواهدشد وکشور و ملت هر روز گرفتار مصیبت و فتنه و فسادی میشود .

***

نطق نخست وزیر وضع درهم وآشفته آنروز را کاملا منعکس میسازد، مرحوم فروغی در این تحول وتغییر بزرگ سیاست عمومی کشور بامشکلات بسیاری روبروشد ، یکطرف توقعات خارجی ها که هرروز بیشتر میخواستند براو تحمیل کنند وچه بسا اوقات آنمرحوم کسالت رابهانهٔ عدم پذیرفتن نمایندگان شوروی و انگلستان میکرد وباین کیفیت اززیر فشار تحمیلات آنها شانه خالی مینمود ، ازطرف دیگر بهم ریختگی وضع مجلس وعوام فریبی های بعضی نمایندگان ومخالفت هائی که باوا شروع کرده بودند هرروز بر وخامت اوضاع میافزود ، دراینمیانه عده بسیاری باخلال وتخریب وخراب کردن اذهان مردم مشغول شده بودند و باینجهت تحریکات خارجی هم مؤثرمیشد ، کم کم راه سفارتخانه های اجنبی برای بعضی مردم ماجراجو بازشد ، دعوتها بعناوین مختلف درسفارت روس وانگلیس وخارج وداخل شروع گردید ، رفت وآمد باین دوسفارتخانه باکمال تاسف جزء تشخص ورسیدن بجاه ومقام گردید واینگونه سخنرانی ها کوچکترین تأثیررا در افکار اینقبیل اشخاص که مرحوم فروغی بدان اشاره کرده واز آن طبقات ذکری نموده است نمیکرد و بر مشکلات مملکت وهرج ومرج هرروز افزوده میشد .

اطلاعات طرفدار حکومت فروغی بود

درخواستها وتوقعات بیجائی که از مرحوم فروغی میشد و از تسلیم بمنظور دید منشأ و اساس مخالفت های شدید باآنمرحوم بود ، هنوز چند روزی از عمردولت او نگذشته بود که درمجلس و ازآنجا در مطبوعات ، مخالفت با او آغاز گردید وباران تهمت وافترا بسوی فقید سعید جریان پیدا کرد .

اولین مقاله ای که در اینباره تحت عنوان (مرام ما) در اطلاعات نوشتم ودر شماره ۱۶۰ مهر منعکس میباشد تحت تاثیر حملاتی بود که باین روزنامه شروع شده بود و گفتم : « اگر میخواهید مارا تحریک نمائید تا احساسات عده ای از مردم را تهییج کنیم و کارها را مختل نمائیم اندیشه بیهوده ای کرده اید ! روش ماچنین نیست وخیرجامعه هم دراینکار نمیباشد ، اگرمیخواهیدهرروز پرده های تاریکی از گذشته کشوررا در نظرمردم باز کنیم وخود راسر گرم بحث در پیرامون اوضاع گذشته سازیم ومردم را به بی نظمی وهیجان واضطراب سوق دهیم منتظر چنین اقدامی ازطرف ما نباشید زیرا اینکار بحال کشور زیان آور است. مسموم نمودن افکار مردم ، ایجاد اضطراب و نگرانی در عامه عمل نکوهیده وزشتی است وما قطع داریم که هیچ شخص عاقل وباوجدان ومیهن پرستی در اینموقع که کشور یارای تحمل بی نظمی را ندارد پیرامون چنین کاری نمیگردد ، آیا بهتر نیست بجای تجسم صفحه های سیاهی برای مردم حساس وعصبانی امروز کشور بیائیم همه دست وحدت ویگانگی بهم بدهیم وفکری بحال امروز وآینده کشور نمائیم و درفکرعلاج دردهای فعلی خود باشیم .

گفته میشود روزنامه اطلاعات ازدولت طرفداری میکند ، اگر مقصود اینست که ماهرروز دولت را که هنوز یکی دوهفته ازعمر اونگذشته است مورد حمله وتعرض قراردهیم ، چنین کاری صلاح کشور ومرام ما نیست اما اگر میخواهید دولت را وادار باصلاحات سازیم واگرمواجهه با اشتباهات وخبط وخطائی شد گوشزد نمائیم ، البته این اولین وظیفه روزنامه نگاری ماست که برخلاف گذشته اظهارعقیده نمائیم و نگذاریم دولت کاری جز آنچه مصلحت ملت وکشور است انجام دهد ، غیرازاین دیگر ازما چه میخواهید؟

ستونهای اطلاعات برای انتشار مطالب سودمند بازاست

در شماره دوم آبان نوشتم : خوانندگان عزیز ، تصمیم بگیرید با هرکس که روی نفع شخصی خود صحبت کرده مبارزه کنید ، هرکس که خواست شمارا با الفاظ فریبنده ومنفی بافی بامقاصد خود همراه کند مخالفت نمائید، راه راست گفتار نیک ، عقاید خوب ، افکار مثبت و اندیشه های درستی که دردهای مردم را درمان میکند بپذیرید ، شما میدانید که روزنامه اطلاعات اول بپشتیبانی خداوند ودوم باتکای ملت بوجود آمد و چون هیچگونه غرض و نظری جز خیر عامه وترقی وسعادت میهن عزیز نداشتیم پیشرفت کرده‌ایم و امروز روزنامه‌ای در پایتخت منتشر می‌نمائیم که از حیث سازمان وانتشار دومین روزنامه شرق نزدیك میباشد. این گفته اغراق نیست بموجب اطلاعات صحیح بعد از روزنامه الاهرام مصر که شماره آن ازیکصد هزار تجاوز میکند روزنامه‌ای از لحاظ انتشار در کشور های مصر، ترکیه سوریه ، عراق و افغانستان بپایه روزنامه اطلاعات نمیرسد. شما تصور میکنید که اگر من دنبال افکار زشت وفکرهای شخصی ومنافع خصوصی روزنامه را هر روز آلت دست این وآن و وسیله اجرای مقاصد شوم اشخاص میکردم میتوانستم یك چنین موفقیتی که ازهیچ شروع شده است پیدا کنم ؟ در تمام دوره ۱٦ ساله (آنموقع روزنامه وارد شانزدهمین سال بود) با هر ناملایم وهرپیش آمدی مقاومت کرده‌ایم ولی خدا را شاهد میگیرم که درهمه وقت از جاده حقیقت و راستی منحرف نشده وجز سعادت وترقی کشور هدفی را تعقیب نکرده‌ایم اکنون هم باید آزادی را با کمال قوت حفظ کرده و نگذاشت از آن سوء استفاده بشود ، ما اکنون روزنامه خودمان را که متعلق بمردم میدانم با سازمان وسیع ووسائلی که در دست دارد بیش از بیش برای خدمتگذاری در راه میهن ، آزادی، پشتیبانی از حکومت مشروطه وقانون و مقاصد پسندیده و خالی ازهرگونه شائبه وغرض میهن پرستان آماده نموده‌ایم وستونهای آنرا برای نشر مطالب سودمند در اختیار مردم میگذاریم ولی البته راضی نخواهیم شد وهیچ شخص با انصاف وبا وجدانی هم نباید راضی شود که روزنامه‌ما با نفوذ وتاثیری که درجامعه دارد روزی ازحدود عفت قلم وحق پرستی پا بیرون نهد ویا خدای نکرده وسیله‌ای برای اغراض زشت وپلید اشخاص ناپاك گردد»

مقالاتی برای تسکین افکار وتثبیت اوضاع انتشار می‌یافت

مقالات مؤثری بعداز شهریور ۲۰ همه روزه انتشار می‌یافت که درهدایت وراهنمائی افکارعمومی مؤثر بود منجمله درخصوص ارتش وانتظارات مردم درشماره ٥ و ٦ آبان ۲۰ نوشتم که مورد توجه قرار گرفت ، این مقالات هنگامی انتشار می‌یافت که مردم نسبت بارتش فوق العاده بدبین شده ودرمطبوعات وحتی درمجلس نسبت به آنها بدگوئی می‌شد ، افسران بسیار افسرده شده بودند، عشق بخدمت از آنها سلب میگردید وابن طعن ولعن ها محیط یأس ومسمومی درارتش بوجود آورده بود.

درمقاله ای تحت عنوان (آرتش...؟) نوشتم :

شما ای سربازان وافسران جوان چرا در اندوه و تأثر مانده اید ، مگر نمی‌بینید میهن شما در آتش ناامنی و غارتگری دزدان میسوزد ، مگر خبرهای کشور را نمی‌خوانید، چرا برنمی‌خیزید ، چرا در فکر امنیت و آسایش میلیونها مردمی که گرفتار چنگال ناامنی ودزدی شده‌اند نیستید ، تصور میکنید میهن از شما دست کشیده است، تصور می کنید بدون وجود شما کشور میتواند زیست کند ، مردم خوب میدانند که شما مقصر نیستید ، مقصر آن عده انگشت شمار ومحدودی هستند که بشما وکشور خیانت کرده‌اند، ماشمارا ازصمیم قلب دوست داریم، شما فرزندان رشید فداکار این آب وخاك هستید . شما درمهد ودامان مادران این کشور تربیت شده‌اید چطور میهن از شما دست برمیدارد. ای سربازان نجیب ، مگر ما از نجابت فطری شما سربازان ساده وبی آلایش بی‌خبریم، مگر نمیدانیم آن شب تاریخی، آن شبی که تهران منقلب شده بود، همه راه فرارپیش گرفته بودند ، هرج ومرج و ناامنی شهررا تهدید میکرد ، درهمان شب سی چهل هزار نفرسربازان را لخت وعوراز سربازخانه‌ها بیرون ریختند . شما شب را درکوچه‌ها وخیابانها وبیابانهای اطراف شهرروی زمین گرسنه خوابیدید ولی دست تعرض وتجاوز بهیچ کس دراز نکردید و کوچکترین خطائی ازشما گرسنه‌ها سرنزد»

پس ای افسران جوان وای سربازان نجیب ، برخیزید وافسردگی و تاثر را دور بریزید ، زندگی را از سر گیرید و از تجربه های تلخ گذشته عبرت گیرید و در آینده سازمانی برای ارتش بدهید که درقلب

مردم جای داشته و باروح ملت دمساز باشد، بروید شروع کنید ، دست رد بسینه خیانت کاران و غارتگران بزنید ملت پشتیبان شماست ، تنفر مردم از کسانی است که برحقوق شما و ملت تعدی وتجاوز کرده،در انجام وظایف خود قصور وخیانت ورزیده اند آنها باید طرد شوند وازارتش دور باشند.

***

در مقاله دیگر (شماره ٦ آبان) نوشتم انتظار مردم اینست که طرز فکر و سیستم کار عوض شود ؛ متاسفانه هنوز در این راه قدمی برداشته نشده ، ما نمی توانیم از حقیقت چشم پوشی کنیم و دور از انصاف می دانیم امروز که قلم آزادانه دردست داریم آنچه میدانیم و می شنویم نگوئیم، دروزارت جنگ تغییراتی در مقام اشخاص داده شده عدهٔ از افسران ارشد نائل بترفیعات شدند ولی هیچگونه اصلاحات اساسی بعمل نیامده، آقای وزیر جنگ (سرلشگر یزدان پناه) که شخص پاك نظر و تحصیل کرده و آگاهی میباشند باید باین حقیقت توجه نمایند که ایشان وزیر جنگ ملت هستند، وزیر جنگ حکومت قانونی و مشروطیت و دربرابر مجلس و ملت مسئول میباشند و باید صاف وصریح بایشان تذکر دهیم که مردم از بعضی انتخاباتی که اخیراً در وزارت جنگ و برای فرماندهی تیپ ها و برای فرماندار یهای نظامی بعمل آمده خوشبین نیستند و حال آنکه درحکومت قانونی ایشان باید نحوه کار مشورتی باشد

وزیر جنگ در سابق اسمی بود بلامسمی ، وزیر جنگ نه با دولت کاری داشت و نه با مجلس چنانکه در گذشته وزیرجنگ درهیئت دولت اساسا هیچ شرکت نداشت ولی آن صفحه برچیده شده وصفحه نوی باز گردیده است و مردم انتظارات دیگری دارند.

***

این دو مقاله ومقالات دیگری که در زمینه لزوم اصلاحات اداری انتشار یافت تاثیر بسزائی کرد، روح تازه‌ای در ارتش بوجود آمد ، اقدامات شدیدی در استقرار امنیت کشور وجلو گیری از شرارتها وخودسریها بعمل آمد ومقالات زیادی نیز در تائید نظریات ما رسید که قسمتی از آنها طبع گردید ، یکی از افسران جوان در نامه‌ای که بمقاله ٥ آبان اطلاعات نوشت ودر ۸ آبان منتشر شد گفت ما تشنه خواندن یك همچو مقاله‌ای بودیم زیرا بعد ازوقایع اخیر وبا وجود تحمل خسارات فراوان وازدست دادن همقطاران ودوستان، یکنفر پیدا نشد که کمترین دلجوئی و استمالتی ازمابکند ، آنانکه چشم حقیقت بین خودرا بسته واز شدت تعصب منطق و انصاف را از دست داده بودند با چشمانی خیره و گاهی غضب آلود وزبانی که بیشتر بیان احساسات افراطی را میکرد باما مواجهه میشدند واظهار بدبینی بارتش مینمودند و گاهی جسارت، توهین و ادای کلمات نامناسب باین طبقه که جامه مرگ بتن کرده ودر منتهای غیرت وشرف جانبازی کرده وبسیاری از کسان ودوستان ما شربت شهادت رانوشیده‌اند مینمودند افسوس که فراموشی وبی خبری چنان درنهاد ما آشیان گزیده است ، که بیك بار روزگار تیره دیرین را که در هر گوشه ایران گردن کشی قدعلم کرده بقتل و غارت و تاراج اموال و ثمره دسترنج مردم مشغول بود ازیاد برده‌ایم...الی آخر»

نویسنده دیگری درهمین شماره چنین نوشت:«بشما تبریك میگویم که آن دوران پرخطر را بامتانت ودرایت کامل طی کردید وسعی نمودید که اگر نمیتوانید بواسطه وجود سانسور شدید درباره‌ای مسائل سیاسی کشور اظهار عقیده کنید یابعضی مطالب تحمیلی را چاپ نمائید، درعوض کتابهای شیرین وسودمند اخلاقی، مطالب و مقالات اجتماعی وموثر در روزنامه خود گرد آوردید و بروشنائی افکار کمك کردید ودر توسعهٔ فرهنك کوشیدید وا کنون هم که دوران آزادی فکر وقلم فرارسیده است بازهمان متانت وعقل را پیشه ساخته رویه‌ای دور از غرض ورزی وخشونت وجاروجنجال پیش گرفته‌اید و چون سخن شما ازدل برمیخیزد و خالی ازغرض وهرگونه آلودگی و باروح میهن پرستی وایمان توام است تاثیر خودرا می بخشد و کاملا موثر واقع میگردد.»

مردم تجدید انتخابات دوره سیزدهم را میخواستند

موقعی که شاه فقید ایران را ترک کرد ، انتخابات دوره سیزدهم جریان پیدا کرده بود .

قانوناً انتخابات میکویند پنج ماه قبل از پایان دوره مجلس فرمان انتخابات صادر و مقدمات امر فراهم میشود و سه ماه قبل از خاتمه دوره مجلس انتخابات در تمام کشور شروع میشود که دوره فترت پیش نیاید و مجلس ها تعطیل ممتد پیدا نکنند .

رضاشاه کبیر این قسمت را کاملا مراعات مینمود وچون دوره ۱۲ در تاریخ ۹ آبان ۲۰ خاتمه می یافت در موعد قانونی یعنی در تاریخ نهم تیر ۱۳۲۰ فرمان انتخابات دوره ۱۳ را صادر کرد و نهم شهریور هم انتخابات در همه جا طبق معمول شروع گردید . طرز انتخابات در آن زمان چنین بود که قبل از رسیدن موعد انتخابات اعلیحضرت فقید از استانداران و فرماندهان وبعضی اوقات از شهربانی هم هر یک جداگانه نظرعمومی مردم هرشهرستان را می خواست ، از آنها سئوال میشد چه اشخاص مورد احترام وتوجه مردم میباشند وقتی آن صورت ها میرسید بین آنها یکی و اگر مورد نظر بیشتر قرار گرفته بود وخودنیز میپسندید انتخاب میگردید ودستور میداد بانتخاب او کمك شود و همان شخص انتخاب میشد، منتخب مزبور دیگر باقی میماند وهردوره تجدید انتخاب میشد مگر اینکه شکایاتی از او میرسید یارفتاری جز انجام وظایف قانونگزاری از او ناشی میگردید در اینصورت بتغییر آن نماینده همان کیفیت خواستن اسامی جدید از معتمدین ومحترمین محل اقدام میشد ، البته درین مورد در آخر استثناهائی نیز پیدا شده بود .

در نمایندگان دوره ۱۳ نسبت به دوره ۱۲ هیچ تغییری داده نشد وشاید تصادف جریان انتخابات با وقایع شهریور باعث گردید که فرصت رسیدگی باین کار پیدا نشود و حتی دوسه نفری که اغلب در ادوار سابق تغییر داده میشد این بار هیچ تغییری نکرد .

موضوع قابل توجه اینست که با وجود ازهم گسیختن تمام کارها وتعطیل وتاخیری که در کلیه رشته های امور کشور بواسطه اشغال متفقین پیدا شد موضوع انتخابات دوره ۱۳ چون مورد علاقه خود وکلای مجلس که حاکم بر وضعیت شده بودند بود دچار هیچ وقفه وتعطیلی نگردید در همان موقع بمباران و اغتشاش باز انتخابات جریان خودرا طی میکرد . رضاشاه فقید روز ۲۵ شهریور تهران را ترك کرد ودر آن روز جز تشکیل انجمن ها هیچ کاری صورت نگرفته بود ولی پس از مسافرت اومجلس دوازدهم خود رشته کار انتخاباتی را با کمك دولت در دست گرفت وقبل از پایان دوره، انتخابات همه جا خاتمه یافت وتمام وکلای حاضر انتخاب شدند .

مردم از این پیش آمد عصبانی بودند میخواستند در انتخاباتی که پس از تغییر اوضاع انجام میشود دخالت کنند وتغییراتی بدهند وشرکت نمایند بخصوص اینکه عده زیادی داوطلب نمایندگی پیدا شده بود و جدا اقدام میکردند که انتخابات دوره سیزدهم را باطل نموده ودولت را وادار بتجدید انتخابات نمایند البته مجلس پایداری میکرد و مرحوم فروغی هم در این باره منطقی قانونی ذکر میکرد و ابطال انتخابات را نقض قانون میدانست و زیر بار نمیرفت .

روز نهم آبان آخرین جلسه دوره ۱۲ خاتمه یافت ومرحوم فروغی در این جلسه پس از اظهار قدردانی از زحمات اکثریت مجلس که در روزهای خطرناك وتیره وظیفه خودرا ترك نکرده و درتهران ماندند و در استقرار اوضاع کوشیدند واز هیچگونه تهدید نهراسیدند اشاره بافتتاح دوره ۱۳ نموده وگفت امیدوارم روز ۲۲ آبان اعلیحضرت همایونی مجلس آینده را افتتاح فرمایند و درینصورت ایام فترت ده یازده روز بیشتر نیست و چون اکثر بلکه تمام آقایان خودشان دوباره منتخب هستند وهمین مجلس منعقد خواهد شد انشاء الله دوباره خدمت آقایان محترم در اینجا خواهیم رسید زیرا برحسب معمول تا افتتاح مجلس همین دولت باقی خواهد بود حالا بعداز آن چه دولتی روی کار بیاید البته اختیارش با اعلیحضرت همایونی ومجلس شورای ملی است .

این نطق مرحوم فروغی ووعده افتتاح مجلس برشدت حمله وتعرضاتی که باین مناسبت بمرحوم فروغی شروع شده بود افزود ، در اینجا باید اعتراف کرد که فروغی نسبت باصرار خود درعدم ابطال انتخابات سیزدهم مؤمن بود بخاطر جلب توجه نمایندگان مجلس نبود که موقعیت خودرا حفظ کند زیرا او بخوبی تشخیص داده بود که در مجلس اشخاصی هستند که خواهان جاه ومقام و توقعاتی هستند که انجامش از عهده او ساخته نیست وبا مخالفت هائی که با

او شروع شده بود و یقین داشت در مجلس بعد شدت خواهد کرد نخواهد توانست زمامداری خود ادامه دهد ولی از لحاظ حفظ اصول و مقررات قانون به تجدید انتخابات موافقت نکرد و در خصوص بیم آن داشت که در چنان وضع متشنجی که احساسات بر مردم غلبه کرده است و تبلیغات زهر آلود تاثیر بسیار کرده است اگر انتخابات تجدید شود معلوم نیست با خونریزی و کشتار و کشمکشهای بسیار چه صورتی پیدا کند وقطعا منتهی بتعطیل و ادامه فترت مجلس که بی نهایت بان احتیاج داشت خواهد شد این بود که به تقاضاهای مکرر، اجتماعات ، نطقها ، مقالات و حملات روزنامه ها وقعی نگذاشت ولی تظاهراتی در بین مردم تدارک میشد تا بالاخره مرحوم فروغی بمراسله ای که جمعی از اهالی تهران بدفتر مخصوص شاهنشاهی دراین خصوص نوشته بودند چنین پاسخ داد :

« بنده وارد بحث این مسئله نمیشوم که انتخاباتی که واقع شده کاملا درست بوده یا نبوده است زیرا بشرحی که عرض خواهم کرد انتخابات مزبور خواه غلط خواه صحیح دولت حق ندارد در آن نظر کند و آنرا لغو یا تجدید نماید، وقتی طبق قانون انتخابات فرمان انتخابات صادر شد و انجمن های نظارت تشکیل گردید دیگر دولت حق مداخله ندارد و این حق بانجمن های نظارت تفویض می شود و اگر دولت بخواهد دراین خصوص اقدام بلغو انتخابات انجام شده نماید نقض قانون کرده است و فلسفه وجود این قانون هم روشن است زیرا اگر دولت حق داشت انتخابات را لغو و یا تجدید نماید هر وقت انتخاب نمایندگان مخالف میل دولت میشد میتوانست آنرا لغو کند و باین وسیله میتوانست مجلس شورایملی را مدتها درحال تعطیل نگاهدارد »

روز ۲۲ آبان اعلیحضرت همایونی اولین دوره مجلس شورای ملی را در سلطنت خود افتتاح نمودند و اتومبیل اعلیحضرت هنگام بازگشت با احساسات بی نظیری از طرف مردم مصادف گردید که اواسط خیابان شاه آباد اتومبیل قادر بحرکت نبود و جلوی کاخ سلطنتی هم تظاهرات بسیاری صورت گرفت و باین ترتیب دوره سیزدهم گشایش یافت ولی مردم بمجلس خوش بین نبودند .

روش اطلاعات در انتخابات دوره سیزدهم

برای تجدید یا عدم تجدید انتخابات دوره سیزدهم که مورد بحث بیشتر جراید روز بود و اکثراً خواهان لغو انتخابات بودند اطلاعات دراین طرفداری از نظر دولت رویه خاصی پیش گرفت و آن این بود که معتقد بود خود مجلس اقدام به رد اعتبار نامه عده ای از نمایندگان نماید و در حدود یکربع عده نمایندگان مجلس بوسیله حق قانونی خود یعنی رد اعتبار نامه ها تجدید انتخاب بشود . این تنها راهی بود که با قانون وفق مینمود وجلوی تشتت افکار وعصبانیت جمعی را میگرفت و جا برای انتخاب اشخاص تازه باز میشد و ریشه اختلافی که بین مردم و مجلس و دولت دامن زده میشد و همه را بوسیله تبلیغات شدید بدستگاه بدبین می ساخت سوزانده میشد و از تعطیل مجلس هم جلوگیری می نمود .

در این خصوص بمحض افتتاح مجلس ، قبل از اینکه اعتبار نامه ها مورد رسیدگی قرار گیرد مقالاتی نوشتم و اخباری انتشار دادم که طبق قانون مردم شکایات خود را درباره انتخابات بمجلس تقدیم دارند در طی مقاله ۲۹ آبان نوشتم :

« اگر نمایندگان میخواهند با افکار مردم همکاری و همراهی کنند در این مورد باید از خود گذشتگی نشان بدهند ، اصلاحات را از خود شروع نمایند ، بدبینی مردم را مرتفع سازند و از روز اول بین مجلس و ملت صمیمیت و پیوستگی ایجاد نمایند. بنده بسهم خود حاضرم و داوطلب هستم که چنانچه صلاح باشد مرا کنار بگذارند زیرا مقصود همه ما باید مصلحت کشور و رضایت و خرسندی خاطر ملت باشد ، من نمیگویم بعضی از نمایندگان صالح نیستند و منظورم شخص یا اشخاص معینی نیست و انتخابات در تمام کشور یك شکل انجام یافته و کسی را برکسی از این لحاظ رجحانی نیست ولی مردم میخواهند یکعده دیگر از رجال فاضل و مردان حق پرست هم که امتحان صداقت و درستی خود را داده اند و اکنون در گوشه عزلت و انزوا بسر می برند در این مجلس شرکت داشته باشند پس مجلس هم برای انجام این منظور مردم باید فداکاری نماید ، یا جمعی حاضر شوند کنار بروند و یا تصمیم نهائی برد اعتبار نامه عده ای از نمایندگان اتخاذ شود »

علاوه برانتشار مقالات در زمینه فوق ، اینجانب کوشش زیادی درمجلس نیز نمودم که این‌فکر عملی شود ولی بالاخره جز عدهٔ خیلی کمی ازنمایندگان کسی بامن کمک نکرد، مجلسیان انجام این پیشنهاد را محال می‌دانستند و می‌گفتند کسی حاضر نخواهد شد از کرسی نمایندگی صرفنظر کند ورداعتبار نامه هم بمنزله مرگ سیاسی وهتك حیثیت اشخاص است . راه دیگری پیشنهاد کردم وآن‌این بود که بوسیله قرعه عده‌ای در حدود بیست نفر ازمجموع نمایندگان استخراج گردیده وآنها حاضر شوند کنار بروند وجای خود را بمنتخبین جدید بدهند و این ترتیب هم‌مجلس را ازجریان کار بازنخواهد داشت‌وهم‌مردم‌راضی خواهند شد که‌اشخاص‌تازه، وارد مجلس شده‌اند و اتفاق نظر ووحدت‌کلمه‌که بیش ازهرچیز مورد احتیاج کشوری که‌دراشغال قوای‌متفقین‌می‌باشد‌بین مردم ومجلس ودولت بوجود خواهدآمدولی‌این پیشنهاد هم قبول نشد. روزی که قرار بود اعتبار نامه ها تصویب شود تصمیم داشتم فورمول خودرا قبل از قرائت گزارش اعتبارنامه ها پیشنهاد نمایم و بر آن پیشنهاد رای مخفی درباره تمام اعتبار نامه‌ها رانیز علاوه کردم باین ترتیب که بدون استثناء درمورد کلیه اعتبارنامه ها بجای رای قیام و قعود رای مخفی بامهره سیاه وسفید گرفته شود و یقین داشتم باین وسیله اعتبار نامه بعضی کسانی که صلاحیت نداشتند ومردم هم نسبت‌بآنها اظهار بدبینی‌زیاد می کردند رد خواهد شد ومنظور حاصل‌می‌شود ولی‌جمعی ازنمایندگان در آن دقیقه که‌جلسه رسمیت‌یافت مرا‌مانع‌شدند و درخارج ازجلسه نگاهم‌داشتند ونگذاشتندقبل‌ازطرح اعتبارنامه‌ها داخل‌مجلس‌شده پیشنهادخودرا‌تقدیم دارم .

این‌هم یکی‌ازماجراهای وقایع‌بعد ازشهریور بود که‌اختلاف بین مردم وهیئت‌حاکمه رازیاد کرد....

عهد نامه بین دولت ایران و دولتین انگلستان و شوروی

عقد قرار داد اتحاد بین‌دولت‌ایران و دولتین انگلستان و شوروی یکی ازخدمات بزرگی است که مرحوم فروغی باین مملکت انجام داد و از مشکلترین کارهائی بود که بعد از وقایع شهریور صورت گرفت افکار مردم بقدری عصبانی و متشنج بود که کسی جرئت نداشت درباره لزوم عقداین قرارداد صحبت کند چندی بودمذاکرات بین هیئت دولت و مامورین انگلیس و شوروی جریان داشت ولی حتی دوسطر در روزنامه هامنعکس نمیشد و در مجلس هم‌کسی پیرامون آن‌حرف نمیزد زیرا صرفنظر ازیکعده‌مطبوعات‌داخلی که بر ضداین‌عمل‌قلمفرسائی میکردند و مردم‌رابرعلیه‌دولت‌وشخص فروغی برمیانگیختند_برنامه فارسی‌رادیوبرلن هم از هرگونه ناسزا و بدگوئی نسبت بمرحوم فروغی خودداری نداشت،تهمت ها و افترائات برآن مردمحترم وارد میساخت ، نا گفته نماند که این جریان در بحبوحه قدرت آلمانها و پیشرفت سریع آلمان در خاك شوروی بود .

اهمیت و عظمت فکری مرحوم فروغی نیز همین‌بود که‌درآن موقع معتقدبعقد قرارداد بامتفقین گردید و برای انجام آن که تامین و تحکیم استقلال و تمامیت ایران بود کوشش فراوان‌داشت درآنوقت‌افکار عمومی هواخواه‌آلمانها بودند و تحریکات‌بسیاری برعلیه مرحوم فروغی میشد بطوریکه نقیه‌سعیدرابقتل‌تهدیدمی نمودند و هرشب‌اوراقی‌درخانه‌او میریختند.

روزنامه اطلاعات هم تحت تاثیر این اوضاع و احوال جرئت نداشت پیرامون لزوم عقد قرارداد چیزی بنویسد تاروز ۱۶ آبان که این طلسم رابازخود اطلاعات شکست و اولین دفعه در ایران مصاحبه با مرحوم فروغی نخست وزیررا برله لزوم عقد قرار داد منتشر کرد و بعد از آن باز در میان تشنج وتشتت افکار رشته‌سخن را گرفت وموضوع را علی رغم انتشارات مغرضانه اشخاص آنقدر دنبال کرد تا خوشبختانه به نتیجه رسید و نمایندگان مجلس هم شهامت اظهار نظر و عقیده پیدا کردند و قرار داد را بتصویب رسانیدند .

در دومصاحبه که بانخست وزیر بعمل آمد مرحوم فروغی موفق‌شد مطالب‌خلاف حقیقتی‌راکه‌شهرت داده‌شده بود و منجمله گفته میشد که قرارداد مزبور نظامی خواهدبود و برای اینست که جوانان ایران‌رابرای شرکت درجنك جهانی تجهیز کنند تکذیب‌کند همچنین شهرت داده شده بود که این قرادبرای شناختن مداخلات آن دودولت در امور داخلی‌ایران است وحال آنکه همکاری و ائتلاف با این دو دولت بر مبنای مقرراتی بود که منافع و آزادی و استقلال ایران را تضمین نماید و قرار داد در دنبال بیانیه ای بودکه **رئیس جمهور امریکا و چرچیل در اقیانوس اطلس انتشار داده وحاکمیت وتمامیت‌ملل‌راتضمین نموده بودند.**

***

از پیش آمدهای مهم آنروز، واقعه‌ایست که در مجلس شورای ملی برای مرحوم فروغی هنگام دفاع از لایحه قرارداد الحاق با متفقین روی داد. مرحوم فروغی پشت تریبون صحبت میکرد، جمعیت زیادی هم در جایگاه تماشاچیان حاضر بودند واحساسات مخالف ابراز میکردند درهمین موقع شخصی ازمیان تماشاچیان بیرون جست وراه جایگاه هیئت رئیسه را پیش گرفت وبالای سرمرحوم فروغی ایستادو بنای بدگوئی را گذاشت و پاره سنگی بطرف فروغی پرت کرد که هدف او سر آنمرحوم بود خوشبختانه اصابت نکرد ولی آن شخص خودرا از بالا روی فروغی انداخت وبا او گلاویز شد که نمایندگان رسیدند و فروغی را ازدست او نجات دادند، ضارب دستگیر و توقیف شد و بعداز چندی بدستور مرحوم فروغی آزاد گردید واز جرائم اوصرف نظر کرد چون بعدها برای آن مرحوم معلوم گردید که ضارب مرد آزادیخواهی است که تحت تاثیر احساسات واقع شده ومخالفت شدید او با قرارداد باینجا منتهی شده بود. همین عمل نیك و پسندیده مرحوم فروغی شخص ضارب (آقای محمدعلی روشن کرما شاهی) رافریفته اخلاق و نیات حسنه فروغی نمود.

باری این حادثه جلسه رابرهم زد و فروغی چند دقیقه بحال ضعف افتادولی پس از آنکه بهبود یافت تعطیل مجلس را جایز ندانست وقبول کرد که رشته سخن رادر دست گیرد وباحال ضعف دوباره پشت تریبون آمد وگفت: «جمله معترضه‌ای کلام مراقطع کرد که جای تاسف است ولیکن جای تاسف نیست چون مطلب خیلی بزرگ است شبهاتی القاء می شود اشخاصی که درست مسبوق نیستند باشتباه می‌افتندو روی اشتباهی که بآنها دست می‌دهد عقایدی اتخاذ می کنند، یاحرکاتی می‌نمایند ولی اینها نبایدباعث شود که عقلا حقیقت را در نظر نگیرند ومطابق مصلحت کشوررفتار نکنند .... »

مجلس سیزدهم بامرحوم فروغی سازش نکرد

دولت جدید فروغی پس از گذراندن عهدنامه اتحاد بین دولت ایران و دولتین شوروی وانگلستان دوچار مخالفت های شدیدیکعده از نمایندگان مجلس گردید، این امرطبیعی بود زیرا بعضی از نمایندگان درمقام انجام توقعات خود ازدولت بوده و برخی خواهان جاه ومقام بودند ومرحوم فروغی بهیچوجه خودرا آشنا باین سخنان وحرفهای تنك گوشی نمیکرد ومیگفت اگرمایل هستید مملکت ازاین بحران و گرفتاری خارج شود باید همه گونه نظریات شخصی را کنار گذارده با دولت همکاری کنید وچون زمزمه مخالفت زیادشد ودولت تحت استیضاح قرار گرفت وکار های دولت رامعوق نگاهداشتند روزی فروغی تقاضای جلسه خصوصی کرد وبمجلس آمد و این تاریخ ششم اسفند ۱۳۲۰ بود وگفت «من نیامده‌ام که وضعیت خودیاکابینه راتثبیت کنم بلکه جریان اوضاع مرابر آن داشت که مطلب رابا آقایان در میان بگذارم یاجلوی این شایعات وتزلزل دولت را بگیرید وبا دولت همکاری کنید یانظریات خودتان راصریحا اظهار دارید که من استعفا بدهم وکنار بروم اینوضع بی تکلیفی وتزلزل دولت بضرر مملکت است دولت نمیتواند کارکند تکیه گاه ندارد وهرروز وضعیت بدترمیشود واز لحاظ سیاست خارجی این رویه مضرات بسیار دارد من حاضر نیستم بااین مخالفتها وایجاد تشنجات وتزلزل کار کنم.» درهمین جلسه که در حقیقت کناره گیری مرحوم فروغی بود اکثریت تمام نمایندگان مجلس باردیگر ابرازاعتماد نمودند ولی مشروط براین کردند که کابینه ترمیم شود واشخاصی که بیشتر همکاری با مجلس نمایند انتخاب شوند منظور بعضی نمایندگان این بودکه با نظر ومشورت آنها وزیران انتخاب شوندوحتی دوسه نفر ازبین وکلا داوطلب بودند ولی چون مرحوم فروغی باین مسائل توجه نمیکرد این ابراز اعتماد تمام نمایندگان راپشتیبانی خودفرض کرد وچندروز بعد کابینه استعفا داد تانخست وزیر بتواند کابینه جدید تشکیل بدهد وبالاخره روز ۱۱ اسفند ۱۳۲۰ دولت جدید فروغی بمجلس معرفی گردید وچون منظور آن دسته از نمایندگان تامین نشده بود درهمان جلسه میخواستند بارای عدم اعتماد دولت را ساقط سازند و همینکه رای گرفتند دولت از ۱۱۲ نفر ۶۵ رای موافق پیدا کرد ولی بلافاصله پس از ختم جلسه رسمی مرحوم فروغی ووزیران جدید دریکی از اطاقهای مجلس اجتماع نموده بمشورت پرداختند و فروغی گفت من مصلحت کشور را در اختلاف نظر نمی‌بینم ۶۵ رای موافق حکومت راضعیف می سازدو نمیتواند دربرابر مشکلات خارجی وداخلی ایستادگی نماید بدینجهت استعفا می‌دهم. بعضی از نمایندگان ایشان را همان ساعت ملاقات نمودند و گفتند که رای دولت بعداضافه خواهدشد ولی ایشان قانع نشده وگفتند نتیجه ندارد زیرا بعضی‌ها نظریاتی دارند که انجام آن از عهده من ساخته نیست ومنظورعده‌ای روی کار آوردن قوام السلطنه است واودراین امرفعالیت میکند بر فرض امروز هم بامن موافقت کنند باز دوروز دیگر بنای مخالفت وکارشکنی راخواهند گذارد. این بود که یکسر حضور اعلیحضرت شرفیاب شدو استعفای مولهٔ را تقدیم نمود.

اطلاعات از مرحوم فروغی شدیداً حمایت میکرد باوجود حملات شدید سایر جراید مقالات زیاد بطرفداری فروغی نوشت منجمله دریکی ازمقالات گفت : «فروغی رفت ولی تاریخ قضاوت خواهد کرد و مردم فهمیدند که در مجلس نمایندگانی هستند که مصلحت کشور و مردم رابازیچه هوی وهوس می سازند. فروغی را چندتن از نمایندگان که دارای افکار ونظرهای شخصی هستند فریب دادند ، باو گفتند کابینه را ترمیم نمائید همه موافق و معتقد بشما خواهیم شد وهمین که ایشان باینکار اقدام نمودند رأی ندادند تا ایشان رابااین وسیله خفیف سازند و از میدان بدر برند ولی ارزش معنوی فروغی ویک عمر خدمات ایشان در کشور هرگز فراموش نخواهد شد و موقعیت فروغی همچنان عزیز و گرامی خواهد بود .

مخالفین فروغی طرفداران قوام السلطنه بودند

بحران و بی تکلیفی پس از استعفای فروغی ادامه یافت . تا این موقع طرز ابراز تمایل نمایندگان مجلس چنین بود که فراکسیونها بطور دسته جمعی نظر بشخص رئیس دولت میدادند وشاه رئیس دولت را انتخاب می کرد ، در این موقع که مجلس بار دیگر میخواست درخصوص نخست وزیر آینده اظهار عقیده کند جمعی پیشنهاد کردند که رای مخفی گرفته شود تا هرکس عقاید باطنی و درونی خودرا بنخست وزیر آینده روی ورقه سفید و بی امضاء بنویسد وکسیکه رای بیشتر داشت بنخست وزیری انتخاب شود یعنی اقلیت نظر اکثریت را قبول کند روز ۱۳ اسفند جلسه خصوصی تشکیل شده و رای مخفی گرفتند مرحوم فروغی ۴۷ رای وقوام السلطنه ۳۹ رای داشتند و بخوبی معلوم شد که مخالفت فروغی بخاطر نخست وزیری قوام السلطنه است .

روزبعد طرفداران مرحوم فروغی بصدورقطعنامه ای مبادرت ورزیدند، زیرا صحبت ازاین بود که فروغی زیربار مسئولیت و زمامداری نخواهد رفت و ناچار قوام السلطنه را انتخاب خواهند کرد این قطعنامه برله فروغی بود ضمنا حکایت ازمخالفت آن عده بازمامداری قوام السلطنه می نمود وبهمین جهت طرفداران قوام را از پیشرفت نظریه خود مأیوس ساخت ودسته ازتعقیب نظریه خود برداشتند وخود قوام السلطنه هم موقتاً ازادامه فعالیت های خود صرف نظر نمود. کسی که پیشقدم این کاربود وقطعنامه را تنظیم نمود وجداً بحمایت از مرحوم فروغی می کوشید این جانب بود وروزنامه اطلاعات هم کمك مؤثر می نمود ودر این موقع بود که من در مجلس چند بارمورد حملات شدید وتعرضات طرفداران قوام السلطنه واقع شدم لکن متاسفانه درهمین احوال که نظر ما موافقین مرحوم فروغی پیشرفت کرد و نمایندگانی ازطرف دستجات مجلس انتخاب میشدند که آنمرحوم راملاقات نموده وزمامداری را بدون اظهارمخالفت بایشان پیشنهاد نمایند آن مرحوم بدون تعیین محل اقامت از شهرخارج شده ودریکی از نقاط شمیران بسرمی برد . کوشش در ملاقات فروغی بیفایده بود زیرا هیچکس ازمحل اقامت آنمرحوم اطلاع نداشت .

سهیلی مامور تشکیل کابینه گردید

و کلای طرفدار فروغی ازقبول زمامداری آنمرحوم مایوس شدند دراین موقع دونظر پیدا شد یکی زمامداری مرحوم آهی ودیگرزمامداری آقای سهیلی – مرحوم فروغی قبل ازآنکه ازمسئولیت شانه خالی کند وازشهرخارج گردد درمقابل اصرارعده ای ازطرفداران خود که گفته بودند مجلس دیگرمخالفت نخواهد کرد وبقوام السلطنه نظرندارد شخصا امتناع نموده وتوصیه نموده بود یکی ازآقایان آهی و سهیلی را انتخاب نمائید – این بودکه مجلس نسبت بدونفر آقایان نامبرده توجه پیداکرد وبالاخره اتفاق نظر روی آقای سهیلی حاصل شد ومرحوم آهی هم دراین باره کمك نمود بالاخره درتاریخ ۱۸ اسفند ماه اولین کابینه سهیلی ازاینقرار بمجلس معرفی گردید :

آهی داد گستری – حکمت بهداری – بدر دارائی – سرلشکر جهانبانی جنگ – منصورالسلطنه عدل فرهنگ – عضدی راه – هژیر پیشه وهنر – حسین عدل کشاورزی – فضل الله بهرامی پست وتلگراف – وزارتکشوررا خودآقای سهیلی عهده دار شد وتعیین وزیرخارجه را موکول ببعد نمود.

حکومت های ایران دردوره رضاشاه ودوره نه ساله

در طول زمامداری اعلیحضرت فقید پنج نخست وزیر درشش بار تشکیل دولت دادند ازاینقرار .

۱-مرحوم فروغی ۲-حاج مخبرالسلطنه هدایت ۳-فروغی ۴-جم ۵-دکتر متین‌دفتری ۶-منصور.

حکومت هدایت از طولانی ترین وحکومت منصور کوتاهترین حکومت‌هائی بود که دردوره رضاشاه بوجود آمد. البته هر دولتی که چند سال عمر ودوام میکرد دچار تغییراتی نیزمیشد گاهی وزیران کابینه تغییرو تبدیل میکردند ولی استخوان بندی و اصول تشکیل دولت‌ها پایدار میماندوهردولتی برنامه دولت سابق را پیروی میکرد بطوریکه درحکومت بیست ساله رضاشاه تقریبا پرو گرام واحدی نسبت باقتصادیات ومسائل کشاورزی و صنعت بخصوص عمران کشور تعقیب گردید.

دوام دولتها درپیشرفت امور تاثیر بسیارداشت واگر این رویه درحکومت دموکراسی ایران پیروی میشد ومجلس‌ها رویه تضعیف وتغییر دولت ها را پیش نمیگرفتند. وهرچندماه یکدولتی را ساقط ودولت دیگررا روی کار نمیاوردند وهمه تصمیم میگرفتند ازروی صفا وصداقت وحقیقت مملکت را نگاهداری کنندو نگذارند رشته‌ها ازهم گسیخته شوداوضاع کشور باین روز سیاه نمی‌افتاد.

از تاریخ سوم شهریورماه بیست که قوای متفقین ایران رااشغال کردوشالوده تشکیلات ۲۰ ساله کشور درهم فروریخت تا این تاریخ که ۹ سال می‌شود پانزده کابینه روی کار آمده است ازاینقرار:

۱-مرحوم فروغی ۲-سهیلی ۳-قوام ۴-سهیلی ۵-ساعد ۶-بیات ۷-حکیمی ۸-صدر ۹-حکیمی ۱۰-قوام ۱۱-حکیمی ۱۲-هژیر ۱۳-ساعد ۱۴-منصور ۱۵- رزم آرا.

هر یك از این کابینه‌ها در طول عمر کوتاه خود دوچار تغییرات وتحولات نیزشده وبعضی‌ها چندین بار اعضاء دولت را زیرورو کرده از نو تشکیل کابینه داده‌اند وحتی هرچندروز یك بار وزیران را عوض وبدل نموده‌اندکه همه آنها روی بی تکلیفی وعدم ثبات مجلس بوده‌است.

حکومت دوم سهیلی وقوام وساعد ازسایر کابینه‌ها دوامش بیشتر بود بدلیل اینکه با تعطیل مجلس مصادف شدندحکومت اول سهیلی دچار همان سرنوشت مرحوم فروغی گردید، یعنی هواخواهان قوام‌السلطنه بعداز یکی دوماه بمخالفت وکار شکنی پرداختند تاحکومت قوام را روی کار آوردند، حکومت اول قوام هم دوام پیدا نکرد و منتهی بمخالفت های شدید و پیش آمد ۱۷ آذر گردید و سقوط نمود اما حکومت دوم سهیلی چون دراواخر مجلس سیزدهم روی کار آمد وانتخابات دوره ۱۴ رابدست گرفت چهارده‌ماه روی کار باقی ماند زیرا مصادف بافترت گردید تا مجلس چهاردهم افتتاح شد ولی همینکه مجلس ۱۴ بازشد، اول کار نمایندگان این بود که حکومت دوره فترت را که بوجود آورنده همان مجلس بود ساقط نمودند، سهیلی بمجلس ۱۴ برای آئین گشایش آمد ودیگر قدم بدانجا نگذاشت.

همین معامله را باقوام‌السلطنه که بوجود آورنده مجلس ۱۵ بود نمودند وهمین روش نسبت بساعد در انتخابات دوره ۱۶ معمول گردید وپیش ازاین سه نخست وزیر نیز عین همین معامله را مجلس سیزدهم با مرحوم فروغی که آنهمه مقاومت درنگاهداری مجلس وعدم تجدید انتخابات اندوره نمود معمول داشت!

***

روزنامه اطلاعات باتمام حکومت هائی که روی تمایل اکثریت مجلس روی کار آمدند از نظر اصول و بلحاظ اینکه نسبت باصلاح امور وبهبود حال مردم موفقیت حاصل کنند موافقت کرده وتاجائی که اعمال ورفتار آنها موافق مصلحت مردم ومملکت بوده از آنها پشتیبانی وتقویت نموده‌است.

متاسفانه این روش پسندیده اطلاعات را بعضی بدخواهان حمل براین نمودندکه ما عضو دستگاه حاکمه و طرفدار هرگونه اعمالی که ازآنها ناشی میشود هستیم وحال آنکه نظرما بعدازتغییرسلطنت پیوسته این بود که در اوضاع کشور ثبات پیداشود، وقتی حکومت پشتیبانی شد قدرت قانونی پیدا خواهدکرد ووقتی می‌تواند براوضاع تسلط پیداکند وقانون را بموقع اجرا بگذارد که مورد تقویت مجلس ومطبوعات وافکارعامه واقع‌شود ولی متاسفانه کسانی که میخواستند هرج‌ومرج باشد تااز اطاعت قانون سرپیچی کنند، آب گل آلود باشد تاماهی بگیرند نه فقط روش ما را درنگاهداری دولت‌ها دوست نداشتند بلکه جداً باافکار ونیات ما مبارزه میکردند، ازبدگوئی و اتهام و ناسزا خودداری نمی کردند.

چه بسا دیده شد که نوشتند و گفتند اطلاعات ازفلان حکومت کمك میگیرد ، ارز گرفته است ، کاغذ اطلاعات را دولت میدهد. لکن ماهمچنان راه خودرا پیش گرفتیم ورفتیم واین همه اتهامات و بدگوئی کوچکترین انحرافی درمشی اصلی ما بوجود نیاورد ، باتمام حکومت ها درابتدای پیدایش ابرازموافقت نمودیم وپشتیبانی خود را اعلام کردیم ودرطرفداری خود صداقت داشتیم ازبدی ها و کجی ها انتقاد می کردیم ونظریات مفید وپیشنهادهای سودمند بدولت میدادیم وبهمین جهت بود که دولتها نظریات وعقاید اطلاعات را چون بی غرض وبی نظر میدانستند موردتوجه قرارداده وبدان عمل میکردند . چقدر ازکارهای خوبی که دراین چند ساله انجام یافته است می توان نشان داد که ابتکار روزنامه اطلاعات ونتیجه پیشنهاداتی بوده است که دراین روزنامه منعکس گردیده ودولت بدان رفتار کرده است .

نفوذ معنوی اطلاعات درافکار عامه که ناچار دولت هم از آن پیروی میکند ، همین بی غرضی و متانت و رویه اعتدال و بی طرفی وخودداری ازحمله وتعرض و کشمکش واجتناب ازورود درجنجال وهیاهوئی است که متأسفانه دراین مملکت رواج پیدا کرده وچنانچه می بینیم جز تخریب کشور وسوق ملت به بینوائی وبیچارگی ثمری بار نیاورده است .

مادر دوره دموکراسی انتقادهای شدید ازکارها نموده ایم ، مجلس ها راسخت وبا شدت مورد تنقید قرار داده ایم ، گاهی انتقادهای ما بقدری برای دولت ها سنگین بوده است که تاب مقاومت نیاوردند وچون قادر باصلاح خود نبودند رفتند ، بسیاری از نمایندگان مجلس در برابر انتقاد های شدید اطلاعات ناچار دست اززویه که مورد ایراد واقع شده بود میکشیدند و خواه ناخواه بدنبال افکار وپیشنهادات سود مندی که اطلاعات میداد میرفتند .

بنا براین روزنامه اطلاعات بتمام معنی وظیفه ملی خودرا درمدت خدمتگذاری یکربع قرن خود انجام داده و اگرما نخواستیم در برابر اتهامات بعضی کسانی که روی منافع شخصی باما ستیزه میکردند ازخوددفاع کنیم فقط برای این بود که جدال وستیزه راموجب هرج ومرج وانصراف از خدمتگزاری حقیقی خودمیدانستیم وراستی حیف بود ستون های روزنامه اطلاعات بجای چاپ مقالات مفید یااخبارووقایع دنیا ویاانعکاس مطالب وپیشنهادات سودمند وقف مشاجرات قلمی ومباحثاتی که یك پول برای این ملت ارزش ندارد بسازیم برای اینکه نمیخواستیم از خود دفاع کنیم ، ماازروزاول قضاوت را بافکارعامه برگذار کردیم ودراین راه اشتباه ننمودیم زیرا توجه وحسن استقبالی که در طول مدت یك ربع قرن نسبت بما می شود بهترین دلیل است براینکه روش ما درنشرحقایق و انتقاد های بجا و انتشار مطالب سودمند وخود داری از تعرضات و حملات بیجاموردپسند و مطلوب خوانندگان عزیز اطلاعات است .

حکومت هائی که طرف توجه مردم بودند

حکومت هائی که ازبدوتشکیل تاروزسقوط مورد تائید و پشتیبانی اطلاعات قرار گرفتند و بخاطر آنها هر گونه اتهام و افترائی رابرخود خریدند حکومت مرحوم فروغی و آقای حکیمی بودند که روزنامه اطلاعات درعین اینکه اگرمطلبی میدید که بمصلحت مردم نبود انتقاد میکرد ، ازاین دوحکومت شدیداً حمایت وطرفداری میکرد وهنوز هم بر عقیده وایمان خود استوار میباشیم که اگر مجلس هامیگذاشتند واین دوحکومت درایران باقی میماند ونقشه های عمرانی خودرا بمرحله اجراوعمل میگذاشت وضع عمومی مردم غیرازاین بود که الان باآن روبرو هستیم ولی چه باید کرد که دستهای مرموزی همیشه درکاراست که بوسیله عناصر نفع طلب نمیگذارد این کشورسر وسامان پیدا کند وثباتی دراوضاع آن پیداشود .

دسته ای که بامرحوم فروغی کار میکردند ، همچنین طبقه ای که باآقای حکیم الملك کمك میکردند ، بیشتر آنها مردمانی صدیق و خدمتگذار بودند که افکارونیات خیرخواهانه روسای خودراپیروی مینمودندو بسودمردم کار میکردند و چون اعمال ورفتار آنهابامنافع دسته هائی دیگر تماس می یافت حکومت های این دومردشریف ومحترم دوام زیادی نکردولی در قلب مردم جای گرفتند .

حکومت سهیلی هم بعد از ایندو حکومت موفقیت هائی داشت وموردتقویت اطلاعات بود ، سایرحکومت ها زیاد توفیق پیدا نکردند و اطلاعات هم نتوانست آنطورکه حکومت فروغی وحکیمی را تقویت می کرد

از آنها حمایت وطرفداری نمایدزیرا روش بعضی ازوزیران این حکومت ها بیشتر بامنافع دستجات بلحاظ حفظ موقعیت ومقام تلفیق میشد

از جمله حکومت هائی که خیلی کم مورد تائید اطلاعات واقع شد، حکومت قوام السلطنه بود که از روز اول بین ایشان با اطلاعات نگرفت وسرانجام بمخالفت های شدید کشید.

در این باره خیلی حرفها زده میشود ، بعضی تصور میکنندما روی نظرهای شخصی با آقای قوام السلطنه مخالفت آغاز کردیم ، پاره‌ای مخالفت مارا دستور مقامات عالیه میدانستند ، بعضی دیگر میگفتند این مخالفت ها بخاطر آقای سهیلی است که سوابق دوستی با شخص من دارد ، برخی دیگر آنرا حمل برلجاج وعناد میکردند وهر کس در این باره چیزی فکر میکرد وشاید معدودی ، آنها که بسبک وروش دیرین اطلاعات آشنا میباشند ، آنها که از بدو انتشار این روزنامه پیوسته روابط معنوی باما داشته اند دانستند که ما دراین خصوص هیچ گونه نظر شخصی و خصوصی نداشته‌ایم و جزصلاح و صرفه مردم ومملکت راهی نپیموده‌ایم ، زیرا ایندسته اخیر بخوبی باروش ما آشنا اند و یقین داشتند که ما گرد منافع خصوصی نیستیم واگر بودیم گرد حکومتهائی مثل حکومت آقای قوام السلطنه جمع میشدیم نه اینکه سنگ حکومت فروغی یا حکیم الملک را بسینه بزنیم وهرگونه افترا و تهمتی را جواب ندهیم و روش خودرا عوض نکنیم .

* * *

روش کلی وعمومی اطلاعات اینست که وقتی حکومتی روی کار آمد، اگر معتقد بآن حکومت است جداً مدافع آن دولت واقع میشود که در تمام این مدت فقط دردومورد حکومت فروغی وحکیمی نظیر پیدا کرد والا روش موافقت بخود میگیرد، ازکارهای خوب حمایت وپشتیبانی میکند وکارهای بدرا انتقاد وخرده گیری مینماید وهرگز درمقام برانداختن یکدولت وآوردن دولت دیگری برنمیآید زیرا درهر حال به بقا ودوام حکومت ها معتقد است مگر اینکه آن حکومت مضر تشخیص داده شود وهمینکه حکومتی ساقط شد وحکومت دیگری روی کار آمد ، دیگر بحکومت گذشته توجه نمیکند بلکه سعی وهمت خودرا روی موفقیت حکومت جدید میگذارد که شاید این حکومت نائل بکار های مفید وخدماتی شود .

بنابراین حکومت هائی که روی کار آمده اند غیراز حکومت قوام السلطنه وبعدازاو حکومت هژیر بقیه تاروز آخر مورد تقویت روزنامه اطلاعات قرار داشته اند یا اگر حمایت نشده اند کارشکنی واخلال درکار آنها نشده است.

اساس وریشهٔ اختلاف نظر بین قوام السلطنه و روزنامه اطلاعات ازحکومت مرحوم فروغی شروع شد، اطلاعات از حکومت فروغی حمایت میکرد ، مخالفین دولت را سخت انتقاد مینمود وچون قوام السلطنه بوسیله طرفداران خود در مجلس سیزدهم فعالیت شدید مینمود واین فعالیت‌ها بامقاومت اطلاعات خنثی میکردید، رفته رفته عنادی بوجود آورد بخصوص پس از استعفای فروغی و صدور قطعنامه ای که بضرر آقای قوام بود او از این پیش آمد سخت متاثرشد وناچار چندی کناره گرفت وچون بعداز فروغی وعدم موفقیت قوام ، دولت سهیلی روی کار آمد ، جمعی براین عقیده شدند که مخالفت من با قوام بخاطر روی کار آمدن سهیلی بود ، درصورتیکه سعی ومجاهدت من بطور قطع برای تجدید تشکیل حکومت فروغی بود که متاسفانه آنمرحوم شانه خالی کرد و مخفی شد و چون قوام السلطنه هم موقع را مقتضی ندانست مجلس بفکر شخص ثالثی افتادو بواسطه توصیه مرحوم فروغی و وجود طرفدارانی برای مرحوم آهی وسهیلی بالاخره همه درانتخاب سهیلی اتفاق نظر حاصل کردند. بنابراین مخالفت من با قوام السلطنه در آنروز صرفا برای نگاهداری فروغی بود نه روی کار آمدن آقای سهیلی البته با آمدن ایشان نیز کمال موافقت را داشتم وحکومت ایشان هم مورد تائید اطلاعات قرار گرفت وحکومت آقای سهیلی ، در دوبار که مصدر کار شد کارهای مفیدی انجام داد که مهمترین آن صدور اعلامیه تهران برای شناسائی استقلال وحاکمیت کشور وسایر مسائل بین المللی بود که آقای سهیلی در این خدمت مقدس سهمی بسزا دارند .

بعد از زمان کوتاهی کابینه اول سهیلی دچار مخالفت شدید مجلس گردید ، این مخالفت از ناحیه قوام السلطنه سرچشمه میگرفت زیرا اومصمم بود زمام امور را بدست گیرد وبالاخره هم موفقیت حاصل نمود باین ترتیب که آقای سهیلی چون عرصه را برخود تنگ دید بدون اینکه رای اعتماد بدولت او داده شود پس از چهار ماه ونیم تصدی امور، خود شخصاً در پشت تریبون مجلس استعفا داد و رفت ومیدان را برای رقیب خود باز گذاشت .

وقتی آقای قوام‌السلطنه روی کار آمد ، اطلاعات بر ترتیب خودرا در پشتیبانی از حکومتها کاملا رعایت کرد، در سرمقاله ۱۱ مرداد که فرمان نخست‌وزیری ایشان روی تمایل اکثریت مجلس صادر شد نوشت :

«هواخواهی ما از دولت : خوانندگانی که بسبك وروش ما آشنائی دارند میدانند که هدف ما درهمه حال رعایت مصلحت کشور ومنافع ملت ایران است. کوشش ما درایجاد وحدت واتفاق واتحاد بین طبقات ملت برای اینست که گیتی دستخوش آتش جنك وخطر ازهرسوی بایران نزدیك است ونخستین وظیفه ما ترك همه نوع نظر های شخصی وخصوصی وایجاد وحدت ویگانگی بین ملت است ، ماا گر دراین مدت ازدولت‌های وقت که روی نظر وعقیده اکثریت مجلس روی کار آمدند هواخواهی نمودیم برای اینست که معتقدیم درحال حاضر دولت میتواند ازعهده انجام وظایف خطیر خود برآید که افکار عمومی ومردم ومجلس ومطبوعات پشتیبان او باشند واو راتقویت نمایند والا ازدولت ضعیف وناتوان کاری ساخته نیست.

بااینهمه مابشهادت اوراق روزنامه خود هیچوقت ازخطاها ومعایبی که درکار دولت میدیدیم چشم‌پوشی نمیکردیم وروزی نبود که دراطلاعات يك انتقاد بجائی ازکارهای دولت نباشد یاتذکر وپیشنهاد مفیدی نکرده باشیم وچون این پیشنهادها ونظرها هیچوقت آلوده بغرض نبود اغلب مؤثر واقع گردیده وبنفع جامعه انجام میشد.

ما باضعیف ساختن ومتزلزل نمودن دولت وسوق کشور باغتشاش وهرج ومرج جداً مخالفیم و با این منبع افکار خطرناك مبارزه مینمائیم.

اکنون‌هم باردیگر اعلام میکنیم که ماهیچوقت نظر باشخاص نداشته وغرض ما تقویت دولت برای موفقیت درخدمت بملت میباشد وباینجهت باآقای قوام موافقت داریم وامیدواریم ایشان موفق شوند مستدعیات ملت را انجام داده بخصوص نان وخواربار وآسایش وامنیت مردم را تأمین کنند ونگرانی واضطراب عامه را برطرف سازند. البته اگر آقای قوام توانستند خدمات شایسته‌ای بکشور انجام دهند طبیعی است مانیز از پشتیبانی ایشان دریغ نخواهیم کرد وبدیهی است درعین‌حال خبط وخطاها نیز چشم‌پوشی نمیشود وهرگونه عیب ونقص درکارها را مثل‌همیشه باهمان رویهٔ متین وبیغرضانه خود گوشزد خواهیم کرد»

چندروز بعد که دولت آقای قوام بمجلس معرفی شد عکس نخست‌وزیر درصفحه اول چاپ گردید ووزیران از اینقرار تعیین شدند :

آقایان صادق وحکیمی وزیرمشاور ، دکتر مرزبان بهداری ، علیرضا قراگوزلو دادگستری ، باقر کاظمی کشور ، حمیدسیاح پست ، عضدی راه ، هویر بازرگانی وپیشه‌وهنر ، احمدحسین عدل کشاورزی ، ساعدخارجه ، دکتر سیاسی فرهنگ. معرفی وزیر دارائی ووزیر جنگ راهم بعد موکول نمودند ومجلس ۱۰۹ رأی بدولت داد

اطلاعات مقالاتی پیرامون تقویت دولت انتشار میداد ودرشماره ۲۳ مرداد تحت‌عنوان همکاری دولت ومجلس نوشت: «آرزوی ما اینست در این‌موقع همانطور که اتفاق نظر کامل میان‌مجلس ودولت برقرار است رشته وحدت واتفاق نظر میان افراد ملت نیز استوار گردد وهرگونه اختلافات خرد وبزرك ازمیان افراد جامعه رخت بربندد ، باید همه افکار پراکنده ومتشتت را بیکسو نهاده دست بدامان وحدت و یگانگی زد تا همه کار ها اصلاح گردد ازخداوند خواهانیم که این‌وحدت واتفاق دولت ومجلس درایجاد وحدت نظرمیان افرادملت نیزمؤثر واقع‌شده بتوانیم برمشکلات عمومی فائق آئیم.

اعتراض برویه متفقین درخصوص زندانی کردن جمعی از رجال

اولین واقعه ناگواریکه در بدو نخست‌وزیری قوام‌السلطنه بوقوع پیوست انجام توقیف متفقین در زندانی کردن جمعی از رجال ومحترمین و افراد مؤثر ایرانی بود که عنوان همکاری با آلمان‌ها راروی آن گذاشته بودند .

روز ۱۵ مرداد درحدود پنجاه نفراشخاص طبق صورتی که سفارت انگلیس وسفارت شوروی داده بودند از طرف شهربانی دستگیر وزندانی شدند و بعدها در اثر فشار زیادی که خارجی ها بدولت وارد آوردند از مامورین ایرانی تحویل گرفته در مناطق اشغالی خود تحت نظر قرار دادند و تا پایان جنك آن ها را نگاهداشتند .

اطلاعات در دنبال اخبار اعتراض آمیزی که انتشار داد در شماره ۲۹ مرداد مقالهٔ انتقادی سختی منتشر ساخت و این جریانرا برخلاف قانون وحق و عدالت و خلاف آزادی و دموکراسی دانست و گفت متفقین ماحتی خلاف عهدنامه‌ای که بادولت منعقد ساخته رفتار کرده‌اند.

همانطور که ملت ایران در مدت یکسال که ارتش متفقین در ایران اقامت دارد با کمال محبت و نجابت همکاری و مساعدت و مهمان نوازی خود را دریغ نداشته و رعایت اصول و مقررات پیمان منعقده را نموده همانطور هم حاضر نیستند از طرف متفقین رعایت حق و حقوق ملی ایران نشود و بعقیده ما دیپلماسی دول متحد ما دراین مورد نباید تحت تاثیر سیاست سخت نظامی قرار گیرد، توقیف یکعده اشخاص از محترمین و رجال خوب کشور بدون اینکه معلوم شود تقصیرشان چیست، بدون اینکه از آنها تحقیق شود که گناهشان رابدانند، نه تنها مخالف نص صریح قانون اساسی و قوانین جزائی ما و برخلاف عهدنامه دوستی است بلکه برخلاف تمام قوانین وآدابی است که درمیان تمام ملل متمدن جهان معمول میباشد و برخلاف حقوق بشری وآزادی ومنشور اتلانتیك است که متفقین مامیگویند برای خاطر آن میجنگیم.... الی آخر

این پیش آمد موقعیت قوام السلطنه را درمجلس متزلزل ساخت، حس بدبینی درمجلس پیدا شد که چرا دولت بدون دلیل ودردست داشتن اسناد ومدارکی دال برتقصیراشخاص، یکعده ازرجال ومردم محترم را تحویل اجانب داده وتسلیم نظر آنها شدند، ازآن پس انتقاد وتعرض نسبت بدولت درمجلس آغاز گردید.

هرروز مشکلات زندگی درنتیجه اشغال ایران بیشتر میشد

وضعیت نان شهر فوق العاده خراب شده بود، دستگاه نانوائی سیلو بکارافتاده بود ولی نانی که ازسیلو بزحمت بمردم داده میشد باندازه ای ناگوار وخراب وغیرمأکول بود که موجب تلف شدن چندنفر و پیدایش امراض بین مردم میشد، این پیش آمد نیز برخلاف انتظارمردم بود زیرا کمیابی گندم وبدی نان قبل ازآمدن حکومت قوام السلطنه آنقدرنبود که درزمان اوظاهرشد، شدت قحطسالی که درسال ۱۳۲۱ بوجودآمد وچندین ماه دوام یافت در همین تاریخ یعنی ازنیمه شهریورتااواخرسال ۱۳۲۱ بود. علل آن بسیار و یکی ازآنها ناامنی و غارتگری بعد از شهریور ۲۰ بود که رعایا ومالکین نتوانستند محصول خودرا خوب جمع آوری نمایند وبعدهم موفق بکشت نشدند و ازطرفی اشغال مملکت ازطرف قوای متفقین برمصرف گندم افزوده بود وازهمه بدتراینکه راه صدورغله بازشده و بخصوص ازشمال وغرب ایران مقادیرزیادی برنج و گندم وگاو و گوسفندوچهارپایان دیگرخارج شد وموجب تنگی و مضیقه شدید وقحطی گردید وتلفات بسیاری درتمام مملکت واردآمد.

متفقین باینکه میگفتند احتیاجاتشان ازخارج تامین میشود مطلب صحیح نبود، سربار آذوقه ایران بودند و قسمت زیادی ازتنگی و گرانی ارزاق مربوط بتأمین احتیاجات آنها بود فقط قوای متمرکز امریکائی بودند که کلیه احتیاجات خودرا همراه آورده ومرتب کشتی های آذوقه ولوازم واحتیاجات برای سربازان خودوارد میکردند وهمه چیزداشتند وخرید آنها ازبازارایران محدود بچندقلم سبزیجات بود

این عوامل دست بهم داده وقحطی و تنگی را بوجودآورده وموجبات نارضایتی مردم را فراهم نموده بود.

یکی ازمسائلی که برگرانی اجناس وارزاق کمك میکرد نشر اسکناس بود که طبق قرار داد مالی ایران و انگلستان که در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۲۱ بامضای نمایندگان دولتین رسیده بود دولت ایران بایستی احتیاجات ریالی متفقین را بدهد ودر آخر هر شش ماه معادل صدی چهل آنچه ریال از ما گرفته اندبنرخ رسمی طلابپردازند که پشتوانه اسکناس باشد وصدی شصت هم احتیاجات جنسی کشور را از حیث قند وشکر وقماش و لاستیك وغیره تامین نمایند و برای این کار لایحه ای درشهریورماه ۲۱ بمجلس داده شد که اجازه انتشارسیصدمیلیون تومان اسکناس داده شود. این پیشنهاد بتصویب رسید ولی تورم پول هر روزسبب بالا رفتن اجناس ومضیقه زندگی طبقات پائین میگردید.

ویندل ویلکی چند روزی در تهران بسر برد

ویندل ویلکی که از شخصیت های مهم امریکا ونامزد رئیس جمهوری آن کشوربود چند روزی بتهران آمد، مشارالیه که نماینده مخصوص رئیس جمهور بود درضمن پیامی که بوسیله رادیو منتشر شد گفت: «کلیه مردم آمریکا بدون توجه باحزاب مختلفه متحد و متفق هستند و قصد دارند که نیروهای محور را شکست دهند. ما مصمم هستیم پس از جنك ارتباط عادلانه ای مابین ملتهای جهان بر قرار کنیم و کلیه مردم شرافتمندانه و آزادانه زندگی نمایند»

مخبر روزنامه اطلاعات با ویندل‌ویلکی مصاحبه نمود ودر سر مقاله ۲۴ شهریور نوشتیم : «شما قطعاً آگاهید که ملت ایران بدون اینکه هیچگونه مسئولیتی در این جنگ و پیکار جهانی داشته باشد کمک و یاری نسبت بمتفقین را بعهده گرفت ، راهها ، راه آهن و آنچه را برای پیشرفت متفقین لازم بود از روی کمال صمیمیت در اختیار آنها گذاشت متفقین بخصوص رئیس جمهور امریکا وعده کمک و مساعدت های اقتصادی دادند وموافقت کردند خسارت های ما را جبران کنند و حوائج کشوررا تامین نمایند و حتی روزولت ایران را شامل مقررات قانون وام و اجاره نمود و ملت ایران را بکمک امریکا امیدوار ساخت و اینک ما از شما که بزرگترین شخصیت امریکا هستید انتظارداریم گرفتاریها و بدبختی ها و مشقات ملت ایران را که درجنگ متحمل شده است درنظر بگیرید و بما کمک کنید.»

ویندل ویلکی پس ازچند روز اقامت ومشاهده وضع فلاکت بارمردم با خاطرات تاثر آوری از کشور ایران رفت وبعدها کتابی انتشار داد که وضع زندگی مردم ایران راسخت انتقاد نمود وبخصوص از موضوع آب مشروب پایتخت اظهار نگرانی وبد بینی شدید نمود . ویندل‌ویلکی متاسفانه پس از چند ماه که ازمسافرت طولانی خود در بسیاری از کشورهای جهان مراجعت کرده بود درگذشت و نسبت بآنچه درایران وعده مساعدت داده بود اثری ظاهر نگردید .

مضیقه کاغذ موجب شد که اطلاعات دردو صفحه انتشار یابد.

روزنامه اطلاعات که پیش ازجنگ مرتبا در ۱۲ صفحه انتشار می‌یافت و گاهی در ۱۶ صفحه منتشر میگردید تحت تاثیر عوامل جنگ ونرسیدن کاغذ وبسته بودن راهها هرچند ماه از صفحاتش کاسته شدومطالب آن محدود گردیدتا تاریخ چهارم مهرماه که در دوصفحه انتشار یافت ومدتی بهمین وضع ادامه پیدا کرد ، این صرفه جوئی کمال لزوم واداشت زیرادر غیراین صورت روزنامه دچار تعطیل می گردید علاوه اگردرصدد برمیآمدیم که از کاغذ نوع جراید دیگر استفاده کنیم وروزنامه رابا ماشین‌های معمولی هم بطبع برسانیم بواسطه زیادی مصرف کاغذ اطلاعات قیمت کاغذ دربازار ترقی بسیار می‌نمود و روزگار سایر مطبوعات طاقت فرسا وغیرقابل تحمل میگردید وما پیوسته این ملاحظات را داشتیم .

اصولا درهمه وقت اطلاعات سعی داشت مصرف کاغذ روزنامه ونشریات خود را از خارج تهیه کند تا تحمیل بربازار ایران نشود ومشکلاتی برای سایر همکاران بوجودنیاورد وتعجب اینستکه باوجودتعقیب چنین رویه‌ای بازمورد بی لطفی بعضی ازهمکاران آنروز خود برای کاغذ واقع میشدیم. همینکه مقداری کاغذ لوله که مخصوص چاپ اطلاعات است درذخیره و انبارروزنامه میدیدند بدون توجه باینکه مصرف روزنامه زیاد است واین مقدار ذخیره هرچند ماه تمام میشود توقع گرفتن مقداری کاغذاز مامینمودند وهمینکه انجام نمیشد مورد تهمت وافترا قرار می‌گرفتیم و نسبت های عجیب وغریب برما وارد میآوردند وچون ما نمیخواستیم خود را در کشمکش وجنجال وارد نمائیم و بر هرج ومرج فکری وآشفتگی بیفزائیم همین سکوت ورویه متین مابیشتر بر تجری بعضی از آنان میافزود وهر یک مدتی بدگوئی میکردند وچون عکس العملی نمیدیدند ازسکوت ما خسته شده پس از چندی دنباله فحش وتهمت را رها مینمودند ولی بازهرچند یکبار بهانه‌ای پیدا کرده داغدلی ازمامیگرفتند.

پانصد میلیون ریال اعتبار برای تدارك خواربار

مشکلات آذوقه وگرانی قیمت اجناس روزبروز بیشترمیشد وبرای اینکه دولت بتواند خواربار و احتیاجات عمومی راتدارك کند دولت لایحه‌ای تقدیم مجلس نمود که طبق آن لایحه اجازه داده شودمبلغ پانصدمیلیون ریال اسکناس بچاپ برسد و ازاین راه گشایشی در تامین خواربار وخرید غله بعمل آید.

وقتی این لایحه درجلسهٔ ۲۹ مهرمطرح شد بنده پیشنهادی تقدیم داشتم مبنی بر اینکه دولت لایحه چاپ اسکناس راکه مسبب گرانی اجناس ومایحتاج عامه است مسکوت بگذارد واحتیاجات پولی را بوسیله وضع مالیات بردرآمدزمان جنگ تامین نمایدودرطی نطقی در مجلس گفتم که مخالفت من نه برای تدارك آذوقه برای مردم است بلکه بلحاظ جلوگیری ازانتشار مجدد اسکناس وتحمیل برخزانه مملکت میباشد که بالمآل تحمیل بر توده مردم میشود زیرااز یکطرف بااین رویه ما میخواهیم نان ارزان بمردم بدهیم ولی متوجه نیستیم که با این عمل بیش از این مبلغ برنرخ سایر احتیاجات مردم خواهیم افزود.

در چنین روزگار مشکلی باید قوه خرید افراد را مساوی کرد، انجام این عمل یکی بوسیله جیره بندی است که

اغنیا وتوانگران نتوانند مایحتاج سایر مردم رابخرند وازبازار خارج کنند.دیگراینکه با وضع مالیات های سنگین برطبقه توانگران بنام مالیات زمان جنگ تعادل اقتصادی ومالی تاحدی میان طبقات عامه حفظ شودودولت هم برای هزینه های ضروری ازاین راه عایداتی بدست آورد ومحتاج باین نشر اسکناس که مسلما مضراتی در بردارد نگردد بعلاوه دولت باید بوسایل مقتضی آزادی خرید افراد داخلی وخارجی رادربازار محدود نماید تا کسی نتواند بیش از احتیاج خود باقیمت گران هرمتاعی راخریداری وعرصه رابرضعفا تنگ نماید. مخصوصا باید خریدهای خارجیها از بازار آزاد تحت نظر و بازرسی دولت در آید.

این پیشنهاد آنروز مورد توجه واقع نگردید ولایحه دولت بتصویب رسید ولی بعدها همه در عمل متوجه شدند که این کار متضمن معایب بسیاری بود، کمکی راکه دولت ومجلس تصوری نمودند ازاین راه میتوان بر مردم مستمند کرد نشد وفشار وتحمیلات وزحمات مردم روز بروز زیادتر گردید وبعد از چندی لایحه ای ازطرف دولت تقدیم مجلس گردید که در مقدمه آن نوشته شده بود میزان بخشودگی نسبت به پیشه وران وحقوق بگیران سالیانه ۷۲۰۰ ریال بشود و برمالیات کسانی که درآمد متوسطی دارند چیزی اضافه نگردد و فقط در میزان نرخ درآمدهای سرشار ناشیه ازحوادث جنگ وبیش آمدهای فوق العاده تغییراتی بسود جامعه وخزانه دولت داده شود واین ترتیب فقط تامدت جنگ جهانی برقرار باشد.

ولی درمتن لایحه منظور اصلی تأمین نشده بلکه فقطدر اقلام مالیات بر درآمد تغییراتی داده شده بود بهمین جهت مورد مخالفت واقع گردید وچون موضوع استخدام دکتر میلسپو در پیش بود ومجلس در این باب تسریع می‌نمود که رئیس کل مالیه زودتر ازامریکا خواسته شود، باین جهت لایحه مزبور مسکوت ماند تابانظر دکتر میلسپو تنظیم شود.

اگرقانون اجازه انتشاراسکناس بتصویب نرسیده بود..؟

از وقایع مهم دیگر بعد ازشهریور موضوع توقع مالی متفقین استکه ابتدالایحه دولت دراین خصوص مورد مخالفت مجلس قرار گرفت وچیزی نمانده بود که وضع ناگواری پیداشود وقوای متفقین امور کشورمارا دردست گیرند ورسما مداخله کنند ولی مقاومت مجلس درروز پنجشنبه ۲۹ آبان ۲۱ وباقیماندن وکلا درمجلس تا نیمه شب این نقشه رابرهم زد واختلاف بین دولت وقوام السلطنه ومجلس از آنروز شدت یافت.

تفصیل واقعه از اینقرار است:

در تاریخ ۲۲ مهر لایحه ای بامضای قوام وکاظمی وزیر دارائی تقدیم مجلس گردید که اجازه انتشار دوهزار میلیون ریال یا دویست میلیون تومان اسکناس داده شود تاخواربار عمومی تدارک شود و احتیاجات ریالی متفقین نیز انجام گردد.

این لایحه ابتدا مورد مخالفت مجلس قرار گرفت ونظر مجلسیان این بود که فورمول بهتری برای تامین پشتوانه اسکناس ازطرف دولت در نظر گرفته شود وبهمین جهت پس ازچندی که این لایحه در کمیسیونها معطل ماند دولت پانصدمیلیون ریال آنرا برای تدارک خواربار جدا کرد وبتصویب رساند و بقیه معوق ماند و بعدهم آقای کاظمی وزیر دارائی بعلت عدم توافقی که با آقای قوام داشت استعفا داد.

از آنطرف مامورین شوروی وانگلستان برای احتیاجات ریالی خود هر روز بدولت فشار می‌آوردند و از دولت میخواستند که تکلیف این کار را معین کند درهمین ایام بود که مخالفت مجلس با دولت شدت می‌یافت وعدم موافقت مجلس بالایحه جنبه مخالفت با متفقین را نداشت بلکه بیشتر برای ابراز مخالفت با دولت قوام بود، ایشان هم که این حقیقت را دریافته بودند نسبت بگذراندن لایحه مزبور آنقدرها ابراز علاقه نمیکردند و اهمیت آن را گوشزد مجلس نمی نمودند.

بدیهی است، تعویق تصویب لایحه نشانه مخالفت صریح مجلس بامتفقین تلقی میگردید که نمایندگان از آن بی‌خبر بودند وتصور نمیکردند که چنین افکاری وجود داشته باشد زیرا درمورد لایحه هرچند یکبار تذکر بدولت میدادند که راه حل مناسبتری پیدا کند ودولت هم راه دیگری بنظرش نمیرسید واینکار همچنان معوق میماند واحتیاجات قوای متفقین برای گرفتن پول روز بروز شدید ترمیشد.

دراینموقع آقای قوام السلطنه درمقام آن برآمدند اختیاراتی ازمجلس بگیرند. روز ۲۶ آبان جلسه خصوصی درمجلس تشکیل گردید و آقای قوام لایحه ای که برای گرفتن اختیارات ازمجلس تهیه نموده بودند خواندند.

لایحه مزبور تحت ماده واحده وبدین مضمون بود :

«مجلس شورای ملی بریس دولت فعلی اختیارمیدهد که تا آخرشهریورماه ۱۳۲۲ برای حفظ امنیت کشور وفراهم کردن موجبات تهیه وحمل خواربار وسایرحوائج ضروری ازداخله وخارجه وجیره‌بندی و توزیع عادلانهٔ مایحتاج عمومی وجلوگیری از گرانی هزینهٔ زندگی وتعدیل وتثبیت نرخها وتامین وسایط باربری بحد کافی و ممانعت از موجبات هیجان افکار وعملیات ومعاملات مضر بانجام مقاصد مزبور هراقدامی را که لازم بداند بعمل آورد وهرگونه مقرراتی که برای این منظورمقتضی باشد فوراً بموقع اجرا گذارد، درصورتیکه تامین مقاصد مزبور مستلزم تجدید نظر درقوانین مربوط بپول رایج کشور بشود دولت مکلف است اصل شصت درصد پشتوانه اسکناس را براساس نرخ رسمی بین‌المللی زروسیم محفوظ بدارد ومقرراتی‌را که دولت باستناد این‌قانون وضع می‌نماید دارای اعتبارقانونی است وپس از انقضاء شهریور۲۲ کلیه این مقررات برای‌تصویب بمجلس‌شورای ملی تقدیم میگردد وتاوقتیکه ازطرف مجلس اصلاح ویارد نشده‌باشد باعتبار قانونی باقی خواهد بود».

این لایحه بامخالفت شدید نمایندگان مواجه شد وگفتند دادن اختیارات تام بدولت بر خلاف مصلحت کشور ومخالف قانون‌اساسی‌است ودراینصورت وجود مجلس زائد خواهد بود واگر برای جلوگیری از احتکار و گرانفروشی وتامین ارزاق‌است که قوانین جداگانه وضع شده ومورد ندارد واگر برای تامین احتیاجات پولی متفقین است اقتضادارد دراین باره دولت بامشورت مجلس اقدام نماید تاتحت فشار قرارنگیرد وکاری بر خلاف مصلحت انجام نشود وتاکید نمودند که درباره پرداخت پول بمتفقین،دولت لایحه جدیدی پیشنهاد نماید بتصویب خواهیم‌رسانید- ولی دولت‌دراین‌باره اقدامی بعمل‌نیاورد .

معلوم‌می‌شود رد لایحه اختیارات‌دولت آخرین‌روزنه امیدمتفقین رامسدودساخت، زیراآنها انتظارمیکشیدند که باگرفتن اختیارات تام دولت خواهد توانست همه قسم احتیاجات آنهارا مرتفع سازد وبااین ترتیب دیگر هیچ راهی باقی‌نمانده است جزاینکه مجلس تعطیل‌گردد وخودشان مداخله درکارها نمایند.

دو روز بعد ، یعنی روز ٥ شنبه ۲٦ آبان‌ماه‌اوضاع و احوال حکایت ها میکرد ، نغمه های ناسازشنیده میشد ، احساسات مخالفت آمیز نمایندگان برعلیه دولت شدید میگردید، تشکیل جلسه خصوصی را عصرپنجشنبه اطلاع داده بودند و دولت خبردار شده بودکه پیشنهاد جدید خود را برای‌گرفتن اعتبار و نشر اسکناس جهت پرداخت متفقین بجلسه خصوصی بیاوردکه پس از مشورت و مطالعه در جلسه علنی‌بتصویب رسد.

ساعت ٥ عصر همان روز رئیس مجلس برای مشورت بجلسه هیئت وزیران خواسته شدند و چون بطول انجامید از مجلس با تلفن بایشان اطلاع داده شدکه نمایندگان برای تشکیل جلسه علنی وگذراندن لایحه دولت آماده میباشند زودتر بیائید .

پس از مراجعت‌رئیس مجلس حدس نمایندگان بیقین‌مبدل گشت و معلوم شدمتفقین نسبت بمجلس‌فوق‌العاده بدبین شده و تعویق لایحه نشر اسکناس را مخالفت مستقیم مجلس نسبت بخود فرض نموده‌اند. در این خصوص مذاکراتی در جلسه خصوصی شد و بعضی از نمایندگان رئیس دولت را مسئول این پیش آمد دانسته‌و شواهدی در صدق‌گفتار خود اظهار نمودند ونتیجه گرفتند که مخالفت مجلس با دولت‌نزد متفقین بصورت مخالفت با آنها ظاهر گردیده است . باردیگر بهیئت دولت اطلاع داده شد که مجلس آماده قبول وگذراندن لایحه مربوط به احتیاجات مالی متفقین میباشد بالاخره ساعت ۹ بعد از ظهر آقای قوام‌السلطنه بمجلس‌امدند و نیمساعت بعدجلسه علنی تشکیل شد و لایحه جدید دولت پس از شور ومطالعاتی‌که تا نیمه شب ادامه یافت بتصویب رسید .

تشکیل این جلسه فوق‌العاده وگذراندن لایحه در نیمه شب‌خواب تازه‌ای‌را که متفقین دیده و نقشه تازه‌ای که‌طرح‌نموده‌بودند باطل ساخت . درآن روز حدس زده میشد قبل از آنکه سپیده صبح فرا رسد قوای متفقین پایتخت را اشغال نمایند ودر نظر دارند امورکشور را خود در دست‌گیرند ولی عمل مجلس جلوی این‌پیش‌آمد های نامطلوب راگرفت .

مخالفت بادولت قوام شدت یافت

ازاین پس وضع دولت در مجلس مشکلتر شد، مخالفت‌ها علنی گردید و طی نطق‌های مبسوط حملات شدید بدولت میشد، زیرا اوضاع واحوال مردم‌ومملکت هم هرروز خرابتر می‌گردید، نان مردم براستی‌آجرشده بود، قطعات سیاه پرازریك وشن بجای نان سیلو بمردم که ساعت های دراز صف میکشیدند داده میشد، معهذا عده زیادی از بدست آوردن‌همین نان‌سیاه سخت‌تر ازخشت محروم می‌ماندند، قیمت تمام احتیاجات عامه چندبرابر

افزایش یافته وهزینه زندگی طاقت‌فرسا شده وطبقات حقوق‌بگیر در کمال سختی وحسرت بسر میبردند.

روزنامه اطلاعات هم به‌پیروی از افکار عمومی وپیروی ازنظر مجلس دیگر نمی‌توانست دربرابر این وقایع وبخصوص وضع تاثرآور نان مردم ساکت بنشیند، ازاین بعد یعنی ازاوایل آذر ماه ۱۳۲۱ مقالاتی انتقادآمیز ازطرز وروش دولت آقای قوام منتشر ساخت وکم‌کم وضع مقالات شدیدتر وصورت مخالفت بخود میگرفت ولی بهیچوجه جنبهٔ اهانت وتعرضاتی که درآن‌روز دربیشتر مطبوعات دیده میشد دراطلاعات وجود نداشت، معهذا روش مزبور خارج ازاعتدالی بود که‌همیشه درروزنامه ظاهر بود.

چیزی که بیشتر وضع دولت رامتزلزل میساخت روش‌نمایندگان مخالف درمجلس بود که‌هرروزبر تعداد آنها افزوده میشد واین جریان درروزنامه اطلاعات منعکس‌میگردید. بالاخره کاردولت بامجلس بجای حساسی رسید، بجائی که درمورد موضوعی وقتی رای گرفتند دستهٔ مخالفین غلبه داشتند وبهمین‌جهت دولت ازحضور درمجلس خودداری داشت وهمین موضوع یکی ازمسائلی بود که‌مورد سئوال اطلاعات واقع میشد ودرشماره‌های دوسه روز قبل ازبلوای ۱۷ آذر اطلاعات درسرمقاله خود مینوشت چرا آقای نخست‌وزیر بمجلس حاضرنمیشوند تاتکلیف خودرا معلوم کنند، اگر دارای اکثریت هستند چرا لوایح دولت نمیگذرد وچرا نمی‌آیند که ازلوایح دولت دفاع کنند واگر هم دارای اکثریت نیستند چرا وضع ناگوار وسخت مردم و مملکت را اینطور در بلاتکلیفی نگاه میدارند.

جلسات خصوصی درمجلس تشکیل میشد وبیشترمذاکرات‌روی بی‌تکلیفی ونبودن اکثریت برای‌دولت بود، بالاخره روز دوشنبه ۱۶ آذر تصمیم قطعی گرفته شد که ورقهٔ‌عدم اعتماد بدولت تنظیم وابلاغ گردد زیرادولت بهیچوجه حاضر نمیشدکه‌بمجلس بیاید ورای بگیرد.

در ۱۷ آذر چه گذشت

صبح روز سه‌شنبه ۱۷ آذر ۲۱ عده‌ای ازمحصلین، کلاس‌های درس رارها‌کرده بحال دسته‌جمعی بسمت بهارستان آمدند وکم کم ازبیشتر مدارس عالی ومتوسطه بهمین‌ترتیب محصلین‌بسمت‌مجلس‌حرکت‌وبدون‌هیچگونه مانعی بحال دسته‌جمعی وارد مجلس گردیدند.این اجتماع محصلین طبعا اجتماع دیگری را بوجود می‌آورد، مردم متفرقه هم بتدریج داخل محصلین میشدند،وصحبت‌ها ونطق‌ها روی تمایلات اشخاص متفرقه تغییر میکرد. بخوبی معلوم بود که‌محصلین هدف‌مشخصی‌ندارند، ابتدا اعتراض آنها بوضع خراب نان و کمیابی وسختی معیشت مردم‌بود، ازوکلای ملت میخواستند دراین باره فکری بیاندیشند، کم‌کم جنبه تعرض بوکلا پیدا کردند، همینکه اشخاص متفرقه‌داخل آنها شدندنحوه صحبت‌عوض‌شده برعلیه دولت حرف میزدند، سقوط دولت را میخواستند ویکدسته به مجلسیان می‌تاختند و دسته‌ای برضد دولت صحبت میکردند، هرکس که‌روی بلندی میرفت وبرای آنها صحبتی میکرد وهرمقصدی داشت مخالف یاموافق دولت مستمعین همان وضع وحالت رابخود میگرفتند، اگر ناطق فریاد میکرد زنده‌باد مجلس، همه آنها که‌دور اوجمع بودند همان راتکرار میکردند، اگر فریاد میکرد زنده‌باددولت همان رامیگفتند، هیچ معلوم نشد آن دسته‌های اولی که وارد مجلس شدند تحت تاثیر چه‌عواملی بودند آیابرای این می‌آمدند که دولت زودتر ساقط شود؟ دراین صورت این سئوال مورد پیدا میکرد که‌چطوردولت ووزارت فرهنگ موافقت کردند واجازه دادند مدارس راتعطیل کرده باکمال سادگی وسهولت درمجلس حضور پیداکنند، ویااینکه برای‌این‌آمده‌بودند‌که‌نگذارند‌مجلس‌تشکیل‌شود، نمایندگان راتهدید کنندومانع اخذ تصمیم برعلیه دولت شوند، یعنی وقتی جلسه واجتماعی ازنمایندگان وجود پیدا نکرد طبیعی است تصمیمی نخواهند گرفت ودولت باقی خواهد ماند، این موضوع همچنان درپرده ابهام باقی ماند و نخواستند منشاء اصلی تحریکات راپیدا کنند وبدانند آن کسانی که باعث شدند جوانان محصل کلاسها راترك موده ودرمجلس حضور پیدا کنند ازچه‌ناحیه تحریك شده‌بودند؟ آیا همانطور که گفته میشد خود دولت محرك بود یااشخاص دیگر. دولت آقای قوام که چندماه پس‌ازواقعه ۱۷ آذر زمام امور رادردست داشت‌درباره یافتن محرکین اصلی کوچکترین قدمی برنداشت؟ تمام سعی واهتمام دولت صرف مغلوب ساختن مخالفین خود گردید، تمام دستگاه‌طرق رسیدن بنقطه اصلی تحریك اولیه را کنار گذاشتند وجمعی ازمخالفین قوام‌السلطنه رازندانی وتحت استنطاق قرار دادند ومدت‌ها مردم را سرگرم این عمل بیهوده نمودند وبعد پرونده ۱۷ آذر را کنار گذاشتند. دراین صورت برای هرشخص بی‌طرفی چه‌فکر پیدا میشود، طرح این نقشه کودکانه رامنتسب بکی میداند؟

این نقشه طوری طرح شده‌بود که نتیجه آن جلوگیری‌ازتشکیل مجلس ویاتحت تاثیرقرار دادن نمایندگان دراخذ تصمیم آن روز نسبت بدولت بود ولی متاسفانه رشته از دست طرح کنندگان نقشه بدر رفت یکمده چندهزار نفری محصل جوان، بی‌نقشه و بی‌اراده بداخل مجلس آمدند وتحت تاثیر عوامل مختلفی که مثل کرك بین‌آنهار یختند قرار گرفتند، باهر نغمه‌ای‌سازشدند، بهرصدائی زنده‌باد ومرده‌باد گفتند ورفته‌رفته اجتماع مردم متفرقه ، اشخاص‌بیکاره و ماجراجو، رشتهٔ نظم وترتیب محصلین راکه‌مایل بودند رعایت شود برهم زد و کردند آنچه باید بشود .

ماجراجویان اول باطاق جلسه خصوصی ریختند،پرده‌هارا پاره کردند ، صندلی هارا بهم ریختند به‌نمایندگان توهین کردند و بعد بتالار جلسه علنی رفتند وخرابی وخسارات بسیار واردآوردند ونزدیك ظهر چندین‌هزار نفر جمعیت متفرقه که‌از محلات مختلف شهری‌آمدند باجتماع کنندگان پیوستند ودیگر هیچ‌قوه و قدرتی در داخل‌مجلس قادر بحفظ نظم وانضباط نبود

بیشتر نمایندگان مجلس از دیدن این‌وضع خطرناك فرار کردند وچندنفر بین‌آنها باقی‌بودند که پیوسته سعی‌میکردند مردم را بارامش وسکوت وتفرقه دعوت‌نمایند ولی بیحاصل بود بالاخره ناطقی ازپنجره اطاق بالا برای مردم صحبت کرد و گفت ازچندنفر نمایندگانی که حضوردارند توقع می کنیم که حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب شده مطالب‌مارا بعرض‌رسانیده وتقاضاکنند اعلیحضرت شخصا در اینجا تشریف آورده اطمینان بدهند یا اعلامیه‌ای‌صادر فرمایندتامردم اعتماد یافته خارج‌شوند والا ازاین‌جابیرون‌نخواهیم‌رفت. چندنفراز نمایندگان ازجمله آقایان صدرالاشراف . یمین اسفندیاری . تهرانچی . مرحوم میرسیداحمد بهبهانی . حسن‌اکبر . عباس‌مسعودی‌تعیین شدند وازبین‌جمعیت خارج شده‌بدربار رفتیم وبلافاصله حضور همایونی شرفیاب‌شدیم . شاه ازاین‌وقایع‌بسیار متالم و متاثر وپس‌از چند دقیقه‌صحبت دراطراف ماجرا،اعلیحضرت فرمودندصدوربیانیه مورد ندارد خودآقایان مطالب مرابصورت‌پیام‌ازطرف من بمردم بگوئید وآنهارا دعوت‌بارامش وتفرقه وخروج ازمحوطه مجلس‌نمائیدوبگوئید که‌این‌اخلال‌و بی‌نظمی برای کشورزیان‌آور وباین‌وضعی که‌بمجلس هجوم آورده‌اند جزخسارت ملت‌ومملکت‌حاصلی ندارد وهیچ‌کاری‌ازپیش نخواهدرفت.

نمایندگان‌مزبور ازکاخ سلطنتی یکسر بمجلس آمدند ، دراین‌موقع ازدحام بیشترشده وعناصرمشکوك واجامر واوباش دربین‌مردم زیاد دیده‌می‌شد ، همینکه چندتن ازجوانان‌مرا دیدند ، گفتندچه‌شد،همه‌منتظرند گفتم مطالبی دارم که‌باید باطلاع عموم برسانم ، موجی‌ازجمعیت مرا تابالا کشانید وازسرسرا بالا برد ودوباره پائین آورد ومن دراین‌موقع ازخود اختیاری نداشتم ، این‌موج جمعیت بود که‌مرا اینطرف وآنطرف میکشاند،من از رفقای دیگر که از دربار برگشتیم بکلی بی اطلاع ماندم بعد معلوم شد این بی‌احتیاطی را فقط بنده و آقای صدرالاشراف نمودیم که خودرا وارد معرکه ساخته‌وخواستیم بتکلیف خود ورسانیدن پیام شاهانه بمردم رفتار کرده باشیم‌سایرین همینکه وضع‌را نامساعد دیدند از ورود در جمعیت اجتناب کرده بکلی کناره گرفتند واز میدان خارج شدند .

درمحوطه عمارت، کناراداره بازرسی‌مجلس‌مرابالای‌سکوئی کردندو گفتند ازینجا برای‌مردم‌صحبت کن هنوز چند کلمه حرف نزده بودم که‌ناگهان یکی دونفر ازمیان جمعیت شروع بهتاکی وپرخاش نمودندوکلام مرا قطع کردند ، چندنفر بطرفداری من قیام کردند ولی بیحاصل بود وکتك خوردند زیراباستثنای عده معدودی که درآنجا مرامی‌شناختند سایرمردم که‌برای ماجراجوئی آمده بودند توجه نداشتند که بحرفهای من گوش بدهند یا تحقیق کنند که‌این ناطق کیست باینجهت باچند نفرآنهائی که تصمیم گرفته بودندمرا آن‌روزنابود کنند همصدائی کردند ووضع صورت وحشت آوری بخودگرفت ، چند تن ازجوانان غیرتمندو روشنفکر که‌مرا میشناختند ،حلقه واردور مراگرفتند تامرا ازآسیب حفظ کنند وازمهلکه نجات دهند ، این دستهٔ دوستان مرابسمت باغ‌بهارستان هدایت کردند که‌ازدرچاپخانه‌خارجم‌سازند،همینکه بحرکت آمدیم‌موج‌جمعیت‌هم‌برضدمن‌بدون‌اینکه‌مرابشناسندتحریك‌شد چندهزارنفر بسمت باغ‌روانه‌شدند،درداخل خیابانهای باغ برمن هجوم‌آوردندواز چوب درختان وشاخه‌های‌شمشادان که‌ازریشه میکندند استفاده کرده برسر ومغز من‌و کسانی که‌زنجیری دورمن تشکیل داده بودند فرودی آوردند وسعی معرکین اصلی این‌بود که‌مرا ازچنك آن‌چندنفربیرون‌کشیده‌طعمهٔ جمعیت سازند ولی تفضل‌خداوندی شامل حال‌من بودو ساعتی بعدخود را بیحال‌روی نیمکتی دراطاق تاریك رخت‌کن مجلس یافتم ، دوستان نا شناسی که صرفا روی علاقه و احساسات ومردانگی مرااز هلاکت نجات دادند پس‌از آنکه در چاپخانه را بسته دیدند . بداخل‌باغ برگشتند وشیشه‌در اطاق‌تلفن راشکستند ومرا ازپنجره داخل اطاق کردندودر آنجا دراطاق رخت کن

مخفی شدم - در آنجا آقای صدرالاشراف را دیدم که بهمین سرنوشت مبتلا شده بودند ولی قبل از آنکه زیاد آسیب ببینند باین مکان پناهنده شده بودند ، ساعت هولناکی در آنجا گذراندیم تا باکمك دوستان وخویشان که خود را به مجلس رسانیده بودند بیرون آمدیم .

عصر بلوا صورت وخیم‌تری پیدا کرد و شب بغارت وچپاول مغازه‌ها ودکاکین و شکستن در و پنجره‌ها منتهی گردید و خسارات بسیاری بمردم وکسبه خیابان های لاله‌زار و اسلامبول و نادری وارد ساخت که اگر حکومت نظامی اعلام نشده بود وسپهبد امیر احمدی رشته نظم را بدست نگرفته بود بلوای ۱۷ آذر عواقب بس خطرناکی را بوجود می آورد و بطور قطع انتظامات را اجانب در دست گرفته ولطمه بزرگی به استقلال وحاکمیت مملکت وارد میشد .

من در اینجا ضرور نمیدانم وقایع تاثر آوری که در نتیجه پیش آمد ۱۷ آذر رخ داد شرح دهم زیرا بسیار مفصل واز بحث ما خارج است ، بلکه میخواهم زیان و خساراتی که در این واقعه متوجه روزنامه اطلاعات و کسان و کارمندان اداره گردید شرح دهم و درحقیقت حادثه را تا آنجا که ارتباط با روزنامه پیدا کرده توضیح دهم .

عصر همان روز ۱۷ آذر اطلاعات هم مثل تمام جراید توقیف گردید و چهل و سه روز در توقیف ماند ، آقای قوام‌السلطنه در صدد برآمد از این حادثه بنفع خود استفاده نماید وحکومت خود را با ازبین بردن مخالفین تحکیم وتثبیت نماید وچنانچه سابقا اشاره کردیم متنفذین هم در جریان وقایع مجلس وتشکلات ومخالفت‌های مجلس طرفدار این فکر شده بودند و با ایشان مساعد وموافق شده وفکر بستن مجلس درمغزها پرورانده میشد ، این حادثه که بهیچوجه پیش بینی وخامت آن نشده بود و بطور قطع محرکین اولیه هیچوقت مایل نبودند باین صورت در آید که اطاقهای مجلس را خراب ودکاکین مردم را غارت وچپاول نمایند وبرقراری امنیت بقیمت خون چندتن از مردم بیگناه تمام شود ولی وقتی اهمیت ووخامت آن ظاهر گردید، دولت در مقام استفاده از فرصت برآمد ، اول فکری که بداندیشان بآقای قوام‌السلطنه دادند این بود که مخالفین خود را سر کوبی نماید ،توجه ایشان معطوف روزنامه اطلاعات ومدیر آن گردید .

چون من مصونیت پارلمانی داشتم دوبرادر مرا دوروز بعد زندانی کردند وچندتن از کارمندان اطلاعات را گرفتند ودرحقیقت درافکار عامه چنین وانمود ساختند که محرك وقایع ۱۷ آذر من وبرادران واعضای اداره اطلاعات بودند دراین موقع وسیله‌ای هم برای دفاع اشخاص وجود نداشت روزنامه‌ها تعطیل بودو یك روزنامه دولتی بنام اخبار روز منتشر میشد ، مجلس هم بواسطه خرابی بسته بود ونخست وزیر میل نداشت دوباره دائر و افتتاح گردد وحتی بنمایندگان مجلس اجازه داده نمیشد که درمجلس اجتماع نمایند و ممانعت از ورود آنها میگردید ، مخالفین دیگر دولت هم دربین مطبوعات گرفتار شدند وبعضی‌ها هم که در مطبوعات داخل نبودند چون درخارج در زمره مخالفین قوام‌السلطنه بودند زندانی شدند باین‌ترتیب دولت در مقام تصفیه برآمد وروی همین نقشه مجرای تحقیقات راجع بواقعه ۱۷ آذر تغییر کرد بجای اینکه مامورین تحقیق بروند محرکین را که همه می‌شناختند جلب نمایند ومنشاء اصلی را بدست بیاورند عالما عامدا آنرا کنار گذارده کشف واقعه ۱۷ آذر راموکول بتحقیقات اززندانی‌ها که ابدا در حادثه شرکت ومداخلاتی نداشته وفقط گناه آنها مخالفت بادولت بود نمودند وچون میدانستند حاصلی ندارد تا دو هفته یك سطر تحقیقات بعمل نیامد وبعد که روی فشار تحقیقات شد بی گناهی همه آنها بثبوت رسید ولی چون قرار براین نبود که مخالفین آزاد شوند وقضایا طور دیگر منعکس گردد مدتها همه بازداشت شدگان درحبس ماندند اما بالاخره پیش نبردند و نتوانستند آنها را متهم ساخته وازبین ببرند ، ناچار بتدریج آزاد شدند .

شاید نظر اولی این بود که ازمن ومؤسسه اطلاعات چیزی باقی نماند، مقدمات این کار هم خوب فراهم شده بود وحتی درهمان روزهای آشفته که مردم نگران وعصبانی ازپیش‌آمد بودند صحبت ازسلب مصونیت من هم درافواه بود . گفته میشد خانه قوام‌السلطنه بدستور من ومخبر اداره اطلاعات غارت وآتش زده شد، ان مخبر هم که امروز مدیر مجله خواندنیها است زندانی بود و در آنموقع آقای امیرانی در اداره اطلاعات اصلا کارنمیکرد، چندی بود خود مستقلا سازمانی برای خواندنیها بوجود آورده بود وچون جوانی پر شور وبا ذوق است درآن روز برای تحقیق و کسب وقایع همه جا ماجراجویان را دنبال می کرد و با اتومبیل خود در خیابانها گردش می کرد ، این جرئت او درحاضرشدن باجتماعات خطرناك آن روز وبستگی سابق او باداره اطلاعات وسیله‌ای بدست بدخواهان داد که اورا متهم بتحریك ساخته ، بگویند از طرف من دسته بلوا داشته است .

باتمام این‌مقدمات و گرفتن برادران و عده‌ای ازکارمندان ادارهٔ اطلاعات که همه بی‌تقصیر بودند و کمترین دخالت وشرکتی دربلوا نداشته وحتی از حضور دراجتماعات برهیزداشتند، مانل ماجرای نقشهٔ برهم زدن اساس تشکیلات اطلاعات منکرنیدند وروزنامه پس از ۴۳روز توقیف انتشاریافت .

نجات از این همه بلیات ومصائب که ازعصر روز۱۷ آذر وقصدکشتن من‌شروع گردید درمرحله اول فضل خداوندی وبعد توجه وعنایت مردم بیغرض ومساعدت کسانی بود که خدمات وزحمات‌میهن‌پرستانه مارا در عالم نامه نکاری وجریانات پارلمانی میدانستند وبیگناهی ما اطمینان داشتند.

عناد ولجاج رئیس دولت نسبت بمن واطلاعات روز بروز آشکارتر می‌شد وهرروز آثاری ظاهرمیگردید که حکایت ازمخالفت شخصی اومی‌نمود.او بهیچوجه راضی نبود روزنامه اطلاعات انتشار یابد وبرای این کار قانون مخصوصی دستور داد بمجلس پیشنهاد نموده وبتصویب رسانند که شامل اطلاعات و نشریات اطلاعات نشود. جراید دیگر طبق آن قانون ازتوقیف خارج شد واطلاعات همچنان درتوقیف باقی ماند تا خود مجلس مبتکراً قانون خاصی وضع نمود که شامل چند روزنامه واطلاعات گردید .

پس از تصویب این قانون بازاشکالتراشی فراهم گردید که همه‌را بابردباری وصبر وشکیبائی تحمل‌نمودیم گفتند روزنامه اطلاعات باید جمعه‌ها منتشرشود واگر منتشر شود مجله باید انتشار یابد قبول کردیم . گفتند ، امتیازژورنال‌دوتهران نباید بنام‌من‌صادر گردد ویکنفر نمیتواند بدو اسم نشریه داشته‌باشد قبول کردم وامتیاز آن روزنامه بنام‌برادرم آقای جواد مسعودی صادر گردید ولی درعین تحمل این مصائب ومشکلات هرگز از حقیقت گوئی درمجلس صرفنظر نکردم ودرموقعی که همه‌را وحشت فراگرفته‌بود واز دولت ملاحظه میکردند چه در مجلس وچه درجلسات خصوصی مطالب گفتنی‌را میگفتم که موجب تعجب همکاران مجلس‌میگردید .

از جمله چندروز پس از واقعهٔ هفده‌اذر درکاخ ابیض آقای قوام دعوتی از نمایندگان مجلس نمودند وبا وجودی که دعوت بمن نرسید رفتم‌ودرآن مجلس گوشه‌ای ازماجرای۱۷ آذر را شرح دادم ومخصوصا گفتم بمحض اینکه اطلاع یافتم که برادران وکسان مرا میگیرندتاتحقیق نمایند آمادگی خودرابآقای سپهبد امیراحمدی وآقای سرتیپ اعتماد مقدم رئیس شهربانی اطلاع‌دادم و گفتم در این‌باره‌هرچه کمك بخواهید حاضرم،هر کس را می خواهید جلب کنید. بگوئید میفرستم وحتی خودم‌هم برای توضیحات واستنطاق حاضرم تا کمك بکشف این‌واقعه ننگ‌آور بشود واکنون هم‌همین تقاضا را دارم‌و ازنمایندگان مجلس تمنا دارم این‌پیش‌آمد شوم‌را سرسری نپنداشته‌و آنقدر آنرا تعقیب کنند تا محرکین اصلی بدست آیند و بسخت‌ترین‌مجازات‌برسند .

حرفهای تند وشدید من‌علیه اوضاع درجلسهٔ کاخ ابیض همه نمایندگان را نگران ساخت و بیم آن داشتند که‌روش‌سخت‌تری‌نسبت‌بمن‌و کسانم ازطرف‌دولت اتخاذشود باینجهت‌مرا دعوت بسکوت مینمودند ونگرانی دیگر نمایندگان هم این بود که نخست‌وزیر بتشکیل مجلس سیزدهم اقدام ننماید وآنقدرعقب‌بیفتد که دوره‌مجلس‌سپری گردد و حکومت مطلقه‌روی‌کار آید ، باین‌جهت باکمال نرمی وملایمت و اظهار وفاداری وعلاقمندی ، صحبت می نمودند .

متأسفانه همانطور که پیش‌بینی میشد پرده ضخیمی روی وقایع ۱۷ آذر کشیده شدو اسرار این‌ماجرا در اختفا وتاریکی ماند ونخواستند بکشف حقیقت ویافتن محرکین واقعه‌شوم‌مزبور اقدام کنند.

پس از چندماه حکومت‌قوام، صحبت تعقیب‌قضیه‌شد ولی‌متصدیان امر ومأمورین تحقیق بعلت منحرف‌شدن تحقیقات اولیه‌و ازبین‌رفتن آثار وعلائم‌جرم وعدم‌علاقه بموضوع،دیگردنبال نکردند وپرونده‌این ماجراهم‌بدنبال سایر جریانات وجنایات مدفون وفراموش گردید .

هیچکس نپرسید علت اینهمه بدبینی و ضدیت نسبت بمن ومؤسسه اطلاعات برای چه بود؟

مخالفت من باقوام‌السلطنه درحکومت مرحوم فروغی ازلحاظ اصول وپایداری برای بقای حکومت موجود بود وپس‌ازروی‌کارآمدن حکومت قوام‌السلطنه همچنان‌که رویه همیشگی‌اطلاعات است ابرازموافقت و همکاری نمودیم ومطالب ومقالات روزنامه دردوماه‌اول حکومت ایشان گواه این مطلب‌است که بهیچوجه نظر خاصی به ایشان نداشته‌ایم‌وبرخلاف‌آرزومند موفقیت حکومت آقای‌قوام‌درخدمت بکشور بخصوص درآن روزگار سخت و مشکل بودیم.واگرپس ازدوماه موافقت شروع بانتقاد ازوضع نمودیم‌تحت‌تاثیرخرابی‌اوضاع رقت بارزندگی‌مردم و.. غیر مفید دولت درسیاست خارجه بود که دست آنهارا در هر کاری باز میگذاشتند و هرچه میخواستند

بلاشرطمی دانستند.

بعلاوه جریان مجلس هم در این مخالفت ما با حکومت تاثیر داشت زیرا عده زیادی از نمایندگان که روزهای آخر پیش از بلوا اکثریت را مسلما تشکیل میداد خواهان سقوط دولت وروی کار آمدن حکومت بهتری بودند و اطلاعات هم با این دسته از نمایندگان همصدائی و همکاری میکرد و البته عرصه بردولت تنگ میشد.

من اعتراف میکنم که ما در این مورد ازرویه همیشگی خود وهمکاری بادولت ها مادام که مشغول کار میباشند خارج شده واعتدال را ازدست داده بودیم.

ولی برای این مخالفت خود دلایل بارزی داشتیم که خودرا ذیحق میدانستیم وجدا نسبت بدولت وادامهٔ کاراو بی‌عقیده بودیم وروش دولت را موافق مصلحت جامعه تشخیص نمیدادیم امابا تمام این احوال بفرض اینکه اطلاعات یا هر روزنامه دیگر از حکومتی انتقاد بنماید یا شخص خود بنده درمجلس نقش مخالف دولت را داشته باشم که هردو دریك کشور مشروطه ودموکراسی ازحقوق مسلم افراداست یکدولت که خودرا متکی بقانون میداند نباید تااین حد درمقام انتقام جوئی برآمده ودر صدد باشد مخالفین خودرا نیست ونابود کند ــ و آنچه برای خود من مسلم گردیده اعمال چنین رویه خشونت آمیزی از طرف آقای قوام نسبت بمن و روزنامه اطلاعات نتیجه سعایت وبدخواهی بعضی ازعناصر فرومایه‌ای بودکه غالبا نخست وزیران را در کشور ما احاطه میکنندو بخصوص که آقای قوام این عادت ورویه رادوست دارندوهمیشه درهرموقع زمامدارمیشوند یکدسته پادو وهوچی ومردم پست وبدنیت وبدخواه دور ایشان را میگیرند واین قبیل اشخاص هم درمجلس وهم درمطبوعات وهم درادارات وپست ها ومشاغل وبین مردم متفرقه وجود دارند.

بدیهی است این قبیل اشخاص که برای نفع‌طلبی وحفظ مقام وموقعیت خود دور نخست وزیررا میگیرند آماده هرعمل خلاف وجدان وانصافی هم میشوند ومعاملهٔ اقای قوام درواقعهٔ ۱۷ آذر نسبت بمن وکسان ودوستان و مؤسسه‌ای که باخون جگر بوجود آورده‌ام یکی ازمفاسدی است که ازطرف این قبیل عناصر برخاسته بود واوراوادار برفتاری نمودند که هیچ حکومت مستبدی هم بدون رسیدگی وتعمق ومطالعه چنین نمیکرد

باری، پس از تجدید حیات اطلاعات روش من وروزنامه عوض نشد انتقاد ازدولت باهمان روش متانت واعتدال و گاهی تندصورت میگرفت، مخالفت خودمن بادولت ایشان ادامه یافت وباتشبثات زیادی که اطرافیان او چه پیش از ۱۷ آذر و چه بعد از آن برای جلب من نمودند و وعده هرقسم کار وهرنوع استفاده رامیدادند کمترین تغییری در روش من پیدا نشد. متاسفانه قبول نمیکردند که درکشور سیروس اشخاصی هم یافت میشوند که اهل زدوبند ومنفعت شخصی نیستندوجاه ومقام نمیخواهند باینجهت وقتی بی‌نیازی خودرا بآن اشخاص میگفتم وجدا ازهر گونه صحبتی دراین مسائل ابراز تنفر میکردم تعجب مینمودندوچون خودسراپا آلوده این کثافات بودند نمیتوانستندباور کنند که من حقیقت میگویم. بالاخره رویه من هیچ تغییر نکرد ولی بعداز آنکه حکومت قوام افتاد دیگر از گذشته چیزی برزبان نیاوردم ونخواستم روزنامه را با اغراض خصوصی وانتقام های کودکانه آلوده سازم.

چه شد که آقای قوام استعفا دادند

کابینه اول آقای احمد قوام ششماه ودوازده روزطول کشید ودر تاریخ ۲۴ بهمن ۲۱ بواسطه عدم توفیق در تشکیل کابینه مجبور باستعفا گردید، بدون شك اگر واقعه ۱۷ آذر رخ نداده بود ایشان نمیتوانستند بحکومت خود دوام بدهند ودرحقیقت دوماه وهفت روز زمامداری بعدازواقعه ۱۷ آذر رابایدعکس العمل آن پیش آمد شوم دانست ونباید ازنظر دورداشت که مقاومت وپایداری آقای قوام دراطفای بلوا وشورشی که میرفت دامنه خطرناکی پیداکند ومنجر بمداخله اجانب گردد شایان توجه بود ــ اگر سپهبدامیراحمدی عهده دارانتظامات شهر نشده وفردای آنروز بلوارا خاموش نساخته بودمتفقین تصمیم داشتند خودبا قوای نظامی آشوبرا خاتمه دهند زیرابا کارهای دقیق و مهمی که ازلحاظ جنك در ایران داشتند نمیتوانستند ناظر چنین وقایع ناگواری باشند که در کارهای آنها خلل واردشودخوشبختانه سپهبدامیراحمدی موفقیت حاصل کردو اعتقادهمه این بود که حکومت آقای قوام بایدوام پیدا کند تا آرامش کامل حکمفرماشودوریشه این جنایات راپیدا کند ــ اولی حاصل شد ولی نسبت بدومی کوچکترین قدمی دراین راه برداشته نشدودولت هم پس ازآنکه چندروزی اعمال قدرت در کارها بخرج داد دوباره دچار کشمکش واختلاف نظر ومخالفت گردیدواین بار **اختلافات درهیئت دولت ومیان وزیران پیدا شد نه درمجلس.**

دردنبال کشمکش وزیران و نخست‌وزیر، روزی در هیئت وزیران مشاجره سختی بین نخست‌وزیر و وزیر کشور (دبیراعظم بهرامی) روی داد. نخست‌وزیر، بوزیر کشور، تکلیف استعفا نمود. آقای بهرامی استنکاف نموده و گفت طبق قانون اساسی من بفرمان ملوکانه ورأی مجلس انتخاب شده‌ام ویکی ازاین دو مقام میتواند مرا معزول نماید. آقای قوام مجبور شد که کابینه را منحل سازد تادر نتیجه بهرامی را کنار بگذارد بده نفر ازوزیران خود تکلیف استعفا نمود آنها استعفا دادند ولی چهار نفر باقی ماندند وخودداری کردند از اینقرار : بهرامی، انتظام، سپهبد امیر احمدی، صالح که چندروز باین ترتیب ادامه بکار دادند. بالاخره آقای انتظام استعفا داد وروز بعدهم آقای بهرامی استعفای خودرا تقدیم شاه نموده قبول گردید وباین ترتیب کابینه منحل شد وچون وضعیت دولت در مجلس نیز متزلزل شده بود آقای قوام درصدد بر آمد از نمایندگان مجلس در دولت خود انتخاب نماید. دراین قسمت به مشکل قانون محرومیت نمایندگان از مقامات دولتی برخورد ولایحه‌ای بمجلس تقدیم داشت که آن قانون لغو شود و چون دسته بزرگی در مجلس علیه این تصمیم دولت تشکیل شده بود فوریت را ازلایحه، حذف کردند که مراجعه بکمیسیون بشود وشکست دولت ظاهر گردد. بالاخره آقای قوام مصمم گردید بهر کیفیتی است چندتن ازوزیران خودرا از بین نمایندگان با نفوذ مجلس انتخاب کند تابتواند رأی اکثریت را بدست آورد وچندتن ازخارج انتخاب نماید ولی دراینکار توفیق حاصل ننمود زیرا بیشتر اشخاصی را که دعوت بهمکاری نمود چون اوضاع واحوال متزلزل آنروزرا میدیدند وتکیه گاهی برای حکومت در دربار ومجلس نمی‌یافتند شانه خالی کردند.

آقای قوام اصرار زیادی در بقای خود بخرج میداد وباوجودیکه کاملا احساس می‌نمود که اعلیحضرت هیچگونه موافقتی بایشان ندارند ودر مجلس هم دسته‌ای قوی بمخالفت برخاسته‌اند معهذا کاخ ابیض را رها نمیکرد تابالاخره چند تن ازمتولی‌ها وکارگردانان مجلس که ازطرفداران جدی آقای قوام بودند جلسه‌ای در منزل آقای سیدکاظم یزدی تشکیل داده واوضاع واحوال را مطالعه نمودند وچون هیچ قسم روزنه پیشرفت وموفقیت برای قوام ندیدند وتشکیل مجدد کابینه را غیرممکن تشخیص دادند همه سران مجلس مصمم شدند که بایشان تکلیف کناره گیری واستعفا نمایند. نیمه شب جمعه ۲۳ بهمن چندتن ازموافقین بانفوذ آقای قوام درکاخ ابیض ایشانرا ملاقات نموده و تصمیم دسته جمعی موافقین را بایشان اعلام نمودند معهذا هنوز ایشان انصراف حاصل نکرده بودند تا پیش ازظهر روز شنبه که چون ازهرطرف مأیوس شدند بتقدیم استعفا حضورشاه مبادرت نمودند.

روز بعد اطلاعات نوشت : «ما میتوانیم بحکم حق وقانون تمام خسارتهای خود رامطالبه کنیم، ما میتوانیم آقای قوام را بمحاکمه دعوت نمائیم وخسارت زندانی کردن برادران وکارمندان روزنامه وزیانهای وارده باداره اطلاعات رامطالبه کنیم ولی ازهمه اینها صرفنظر می‌کنیم زیرا اولا امروز آقای قوام ازکاربر کنارند ودوران قدرت ایشان سپری شده وازطرف دیگر ازروی مردم گرسنه وپریشان مملکت خجالت می‌کشیم که وقت خود را صرف این امور کنیم وراه انتقام جوئی پیشه خود سازیم.

امروز باید تمام قوا ومساعی کشور وافراد مردم صرف ترمیم خرابیها ونجات کشور ازاینهمه بلاها ومصائبی که گرفتار است گردد ومن نه تنها بسهم خود میگذرم بلکه از برادران بی گناه وکارکنان مظلوم روزنامه وحتی سایر دوستان عزیزی که بی سبب دربند زندان افتادند تمنا میکنم گذشته را بدست فراموشی بسپرند وبفکر آینده باشند البته تاریخ خود قضاوت خواهد کرد.»

ازآن پس اطلاعات باتمام مصائبی که در دوران حکومت قوام تحمل نمود دیگر بهیچوجه پیرامون حوادث گذشته نگشت وهیچگونه مطلبی ازحکومت سابق ننوشت وبحث خود را روی مسائل روز وجریان آینده کشور و تقدیم نظریات وپیشنهادهای مفید قرارداد.

چرا ازنمایندگی مجلس استعفا نمودم

پس از استعفای آقای قوام دولت جدید را آقای سهیلی تشکیل داد ودر تاریخ ۲۸ بهمن بمجلس معرفی نمود، این حکومت چون دراواخر دوره سیزدهم روی کار آمد و آقای سهیلی تجربیاتی هم ازدوره اول زمامداری پیدا کرده بود موفق شد بامجلس همکاری نماید وانتخابات دوره چهاردهم رابدست گیرد وبهمین جهت دوام حکومت زیاد شد و ۱۴ ماه بطول انجامید.

درنیمه دوم اسفند ۲۱ بواسطه احساس کسالت مسافرتی بفلسطین ومصر نمودم در بیت المقدس پرفسور معروفی بنام «زوندك» کارمیکرد، دراین مسافرت نزدیك یکماه درفلسطین بستری شدم وپس ازبهبود وباز گشت بتهران درمقام کناره گیری از خدمات مطبوعاتی وپارلمانی برآمدم. روی این تصمیم که هیچ جنبه‌ای جز کسالت و تأثر روحی ولزوم استراحت نداشت در تاریخ سوم خرداد نامه‌ای بمقام ریاست مجلس فرستادم واز نمایندگی مجلس

استعفا دادم، چون میدانستم که اگر نامه را درغیرموقع تشکیل جلسه تقدیم کنم مرا منصرف خواهند ساخت سعی کردم ساعتی که جلسه تشکیل است استعفانامه خود را بضمیمهٔ مراسله خصوصی خطاب بمرحوم حاج محتشم السلطنه بفرستم ودر نامه خصوصی مصراً از آنمرحوم استدعا کردم نامه مرا دستور بدهند در جلسه علنی همانروز قرائت نمایند. چون طبق نظامنامه استعفای هرنماینده که بمجلس میرسد قبل از قرائت باستعفا دهنده باید مذاکره شود واگر انصراف حاصل نکرد خوانده میشود وپس ازقرائت استعفا قطعی تلقی میشود وتصمیم من این بود که بدون اطلاع قبلی دوستان پارلمانی خودرا درمقابل امرواقع شده بگذارم. اتفاقا همین طورهم شد ومرحوم اسفندیاری اصرار خصوصی مرا ترتیب اثر نداد ومراسله را فورا مطرح نمود که متن آن ازاینقرار بود:

«مقام ریاست محترم مجلس شورایملی - باکمال احترام باستحضارعالی میرساند اینجانب درمسافرت اخیر بکسالت شدیدی مبتلا شدم وپس ازمراجعه بپرفسور زوندك که معروفیت دنیائی دارد ومعالجه قسمتی از کسالت بطوری که بتوانم بمسافرت خود ادامه دهم مرا باستراحت وگرفتن رژیم ومداوای قطعی توصیه وتاکید نمود که برای پیروی ازدستورهای ایشان باکمال تاسف مجبورم ازخدمتگذاری درمجلس شورایملی وهرقبیل کارهای فکری وسیاسی واداری کناره گیری کنم تاشاید بتوانم سلامت خودرا دوباره بدست آورم بنابراین بوسیله این عریضه استعفای خودرا ازمقام نمایندگی مجلس شورایملی تقدیم وتقاضا دارم مقررفرمایند این نامه بعرض آقایان نمایندگان محترم نیز برسد. ع . مسعودی»

این استعفا که ازروی کمال سادگی وصداقت وصرفا بمنظورمعالجه وکناره گیری ازکارهای مجلس بواسطه تالمات روحی که داشتم تقدیم شده بود مثل همهٔ کارهای این مملکت موجب تعبیر وتفسیرات زیادی گردید و دوستان من جداً نسبت باین رویه اعتراض نموده ومرا مورد ملامت قراردادند ومرحوم اسفندیاری نیز پیغام فرستادند و نامه‌ای درجواب نوشتند که استعفای شمارا نخواهیم پذیرفت.

تعجب دراین بود که هرچه استدلال میکردم که جسما مریض وروحا خسته وخورد هستم و نمی‌توانم ادامه خدمت نمایم کسی زیربار نمیرفت، کم کم حرفهای عجیب و غریبی هم ازخارج بگوشم خورد یك روزنامه نوشت این مانور انتخابات آینده است، دیگری گفت این کناره گیری علامت اینست که چون فلانی درانتخابات آینده شکست خودرا قطعی میداند ازحالا حفظ آبرو نموده و کناررفته است، یکی نوشت سیاست خارجی دراین کاردخالت داشته، دیگری گفت چون انتخابات گذشته را رضا شاه فقید دردست داشت وحالا باید مردم انتخاب کنند این عمل بمنظور کسب وجاهت ملی است که مردم ازاین عمل تمجید نموده ودرانتخابات باو رای بدهند. خلاصه هر کس چیزی گفت و حتی در یك محفلی که جمعی ازمحترمین ورجال حضورداشتند واین موضوع بمیان آمده بود شخصی گفته بود که فلانی مبتلا به کسالت دماغی شده وحالت جنون باو دست داده است.

نتیجه این هیاهو وجنجال دامنه داراین شد که درتصمیم راسخ وقطعی که برای کناره گیری خود از کار های سیاسی وپارلمانی گرفته بودم تامل نمایم ووقتی این تردید با اصرار دوستان توام گردید و قضیه در مجلس باردیگر مطرح شد وآقایان نمایندگان اظهارعقیده کردند که استعفای مرا مسکوت خواهند گذارد ومرحوم اسفندیاری شرحی ازاینجانب درمجلس تمجید نموده واغلب نمایندگان ابراز محبت واحساسات نمودند ناچار تسلیم پیشنهاد استرداد استعفای خود گردیدم وبجنجال پایان دادم.

***

در این گیرودار استعفای من، همه چیز گفته شد جز آنچه که با روح وفکرمن هم آهنگی داشت وآن این بود که پس از این مسافرت ودیدن وضع آرام کشورهای عربی همسایه، عراق وسوریه ولبنان وفلسطین ومصر، تاثر شدیدی برمن مستولی شده بود که چرا ما اینطور گرفتارهرج ومرج شده وبرای ازبین بردن خود ومملکت بجان یکدیگر افتاده‌ایم وآنها درامن وراحت زندگی میکنند، این آشفتگی وتهییج وتحریك مردم بخرابکاری واخلال بکجا خواهدانجامید ونتیجهٔ این مبارزه‌ها که دولتها هم خود بفساد واختلافات کمك میکنند چه فایده دارد؟ من که هیچ منظوری جزخدمت بمردم وحفظ مصلحت ومنافع کشور ندارم و کوچکترین اعمال نفوذرا برخلاف شهرت بدخواهان نمی‌کنم واهل زد وبند ومنفعت جوئی نیستم وحمایت من ازدولت‌ها صرفا برای اینست که بتوانند بمردم ومملکت خدمت کنند، و همین حمایت وطرفداری که متاسفانه دولتها هم ازآن استفاده نمیکنند سبب میشود که انواع تهمتها برمن وارد سازند وبرمن بتازند که چرا بردولت تعرض وحمله نمیکنی وسکوت اطلاعات دلیل برساخت و پاخت وشرکت بادستگاه حاکمه است، دراینصورت چراخودرا اینطوردرمعرض هووجنجال وتهمت قراردهم، چرا کنار نروم منهم فردی از افراد این مملکت هستم که حدود وظایف وتکالیف خودرا از شدت یاس و تاثر میخواهم محدود کنم بخصوص اینکه از روی راستی وحقیقت کسالت دارم وطبیب مرا منع کرده است که مدتی وارد کار نباشم.

یکی ازدوستان صمیمی من که درآن روز این‌مطالب راباأو بمیان گذاشتم گفت عجب‌اشتباهی داری، گوش مردم ازاین هووجنجال وهرزگی‌ها وفحاشی‌هاپرشده و اعتنائی برآن‌ندارند باو گفتم چون‌من خودرا از جنجال مطبوعاتی کنار می کشم واتهامات‌را بی‌جواب میگذارم وقتی این تهمت‌ها و افترائات ماهها وسالها گفته‌شد و بسکوت برگذار گردید کم‌کم برای مردم‌قابل قبول می‌شود وممکن است‌یکعده مردم ساده‌لوح آنهارا باور کنند ومرا ادم بدخواه منفعت‌جو وسست‌عنصر ومفسدی بدانند ومن هرگز نمیخواهم مردم مرا جزآنچه هستم بشناسند وبرای‌آن‌ها تردیدی درروش ملی‌ومملکتی من‌حاصل گردد .

من اگر درباره رضاشاه چیزی نمی نویسم وباین سبب برمن‌می تازند، نه برای این است که بتمام‌اعمال‌ورفتار اومعتقد بوده‌ام یاازجانب اواستفاده‌میکرده‌ام، من‌هم‌جنبه‌ضعف آن‌فقیدرا میدانم‌ولی حالاموقع گفتن‌این‌حرفهانیست، اگر من‌هم دهان بدهان دیگران گذارم‌وبدگوئی نسبت بشاه فقیدرا برای خوش‌آیندهرج‌ومرج‌طلبان‌شروع کنم که خودرا تبرئه نمایم میتوانم، امانتیجه‌اش ازهم پاشیدگی بیشتری درکارهاخواهد شد وملاحظه خواهید کرد که‌بااین تشنج افکاروعصبانیت مردم سنك روی سنك قرار نخواهد گرفت - بعلاوه این کمال بی انصافی است که نقطه ضعف شاه فقید را برخ مردم بکشیم وازهزاران کارهای مفیدوخدمات برجسته اواسمی نبریم، من‌فحش‌ها واتهامات راپذیرفتم وتاکنون پایداری واستقامت‌نموده‌ام اما حالا خسته‌وفرسوده شده‌ام وفکرمیکنم اگرازکارهاکناره‌گیری کنم بسود من خواهد بود .

گفت نه، این‌منطق راقبول ندارم، روش‌مثبت خودراکه‌سود مملکت ومردم درآن است عوض‌نکن ، باآنچه برعلیه تومینویسند جواب‌مده وهرگز شانه از زیربارخدمات‌اجتماعی وملی که‌برعهده داری خالی مکن ویقین‌داشته باش که‌مردم حقیقت رافراموش نخواهند کرد واین هیاهو ومنفی‌بافی وعوام‌فریبی‌ها دوام نخواهد داشت، ثبات وبقای مملکت ورفاه وآسایش مردم باحرف میسرنیست وبالاخره باید دولت‌هارا همچنان درانجام کار خوب کمك کرد وازکارهای بدانتقاد نمود وافکار مردم را راهنمائی وهدایت کرد تااین کشتی شکسته بساحل نجات برسد و مملکت ازآشفتگی بیرون بیاید ودر یك چنین روزگار تاریکی اگر کناره‌گیری نمائی مرتکب گناه و تقصیر بزرگی شده‌اید .

این‌سخنان مرا بیش ازپیش تائید بادامه خدمت نمود، باوقول دادم روش خودرا علی‌رغم بدخواهان همچنان تعقیب‌خواهم کرد ازعناصر خدمتگذار کشور تشویق وباعوامل بدخواه وفاسد مبارزه میکنم وازکارمفید برای مملکت هرگز خسته نخواهم شد ولو درمعرض اتهام وناسزا قرار گیرم ولو جانم بخطر افتد، چنانچه در واقعه ۱۷ آذر پیش‌آمد. اتکای من بخداوند متعال وتوجه مخصوص قاطبه ملت ایران و عناصر شریف میهن‌پرست و علاقمند و روشن ضمیر ایران است که پیوسته مرا تائید بخدمتگذاری نموده‌اند. این بود کمر خدمت بستم و باردیگر مصمم بفداکاری شدم .

مبارزهٔ من با توده‌ای‌ها خطرناك بود

اینکه میگویم فداکاری کرده‌ام وجان‌بازی راهم برآن علاوه میکنم اغراق نیست، من درظرف این مدت ده‌سال حقیقتا ازخود گذشتگی وفداکاری کرده‌ام من‌درهیچ مورد ازپای ننشسته وخیر مملکت رابرهرنظرخصوصی وهوی‌وهوس‌ترجیح داده ودرنتیجه برشدت کسالت خود افزودم ولی‌امروز درپیشگاه خدا و وجدان وملت ایران سرافرازم که درطول این مدت که‌هرج ومرج فکری دراین کشور حکومت میکرد وخدمت وخیانت بیك چشم نگریسته میشد وخادم وخائن رابایك چوب میراندند، دلسرد ومایوس نشدم، خدمت خودرا باصداقت انجام‌دادم و اطلاعات همچنان مدافع حق وحقیقت باقی ماند و مبارزات سنگین وخطرناك خود را ادامه داد وبسهم خود باستقلال وحاکمیت ایران کمك کرد ونگذاشت اساس و شالوده یك ملت کهن‌سالی درهم خورد شده وشیرازه کشور گسیخته گردد .

یکی ازهدفهای بزرك توده‌ای‌ها کاستن ارزش اطلاعات درافکارعمومی بود، ازاطلاعات وحشت‌داشتند زیرا بنفوذ معنوی آن‌درجامعه آگاه‌بودند بعلاوه‌هیچ‌میل‌نداشتند اطلاعات باقی بماند باین‌سبب‌مبارزه‌خودرا بااین‌روزنامه‌بشدت وسختی آغاز نمودند وهمینکه اطلاعات پرده‌ای ازافکارونظریات بعضی اززعمای‌فاسد آنها که جوانان روشنفکرمارا فریب می دادند کنارزد وضع آن چندتن اشخاصی که برای رسیدن بمقام ومسند افکارعامه را با جملات و عبارات فریبنده منحرف میساختند متزلزل گردید ودرحقیقت اسلحهٔ تبلیغاتی آنها آنطور که پیش میرفتند ازکار افتاد در عوض‌بعض

وهنماد بیشتری ازمن دردل گرفتند وهمان چند نفرکه دربین صدها جوان خوش فکر و باحسن نیت عضو حزب توده به اغوا پرداخته بودند مرا تاپای جان تهدید نمودند، طرحها و نقشه ها ریختند ولی خوشبختانه همه جا تیر آنها بسنگ خورده و موفقیتی نیافتند با کمال تاسف بعضی حکومت هائی که روی کارمی آمد برای خوش آیند همسایهٔ شمالی وجلب توجه اولیای آن دولت بخود نسبت بآنها موافقت بسیار می نمود و همه گونه تسهیلات در کار تبلیغاتی آنان فراهم میآورد بدون اینکه بعواقب وخیم آن توجه داشته باشند.

رفته رفته چندتن ازخائنین حزب توده کمك شوروی ها را بطورعلنی وصریح در کارهای خودجلب کردند و همین عمل موجب رسوائی و تزلزل این حزب در بین جوانان پرشور میهن دوستی که داخل تشکیلات حزب شده بودند گردید ودسته هائی از آن حزب جدا گردید وروبهمرفته بعدم موفقیت منتهی شد و چون افکار خیانت پیشه ای ازجانب آن دسته مزدور که بیشتر درراس تشکیلات قرار گرفته بودند منظم ومرتب بصورت رساله و کتاب وروزنامه وکنفرانس وغیره تراوش میکرد وکمك مالی زیادی داشتند توانستند سازمانهای خطرناکی بوجود آورند ومردم راتهدید نموده وحشت واضطرابی تولید کنند.

از جمله مبارزاتی که با من نمودند پیروی از روشی بود که تعلیم گرفته بودند یعنی اشخاص را در افکارعامه با عبارت های خیلی فریبنده موهون سازند مثلا وقتی میخواهند نسبت داشتن ثروت و تمول بکسی بدهند ارقامی بیرون بدهند که باعث تعجب افراد مخصوصا طبقات پائین گردد و آن ارقام ازیادنرود بهمین جهت درطی مدت زیادی بمناسبات مختلف مینوشتند که من بیست میلیون فرانك سویس وده میلیون دلاروچند میلیون لیره دربانك های خارجی دارم ودارای قصور در امریکا وسویس هستم، خانهٔ کوچك مرا که تنها وسیله زندگی من در ایران وتمام عالم است پارك میخواندند وبرآن پارك ییلاقی هم علاوه میکردند وحال آنکه من خانه ییلاقی ندارم وخانه ای که در تابستان استفاده میکنم بمن تعلق نداشته و ندارد.

بدبختانه درمملکت ما مردم بارقم وعدد سروکار ندارند واعداد وارقام غالبا دیمی گفته میشود و دیمی هم پذیرفته میگردد واین همان نکته ای بود که مبلغین توده بر آن واقف شده، و ارقام و اعداد را می پراندند مردم ساده لوح هم حساب نمی کردند که یك اداره روزنامه مگر چقدر عایدات دارد که اینقدر جاه وجلال وثروت بمن ببخشد وچون باعدد ورقم آشنا نیستند این ارقام دردل بعضی ساده لوحان زودباور، کینه و عداوت که آنها خواهان ایجاد آن بودند بوجود میآورد.

مرا قاتل ارباب کیخسرو خواندند!

مثلا زمانی عده زیادی از روزنامه ها تشکیل جبهه ای دادند بنام جبهه آزادی. این روزنامه ها مرکب بود ازجراید منتسب بحزب توده وروزنامه های منتسب بقوام السلطنه یامتمایل باینده دستگاه.

این روزنامه ها ظرفیت شدیدی با اطلاعات پیدا کرده بودند ومیخواستند گزکی پیدا کنند که برمن بتازند و چون درزندگی من کمترین لکه سیاه نمی یافتند ومیدانستند که من در تمام دوره رضاشاه فقید وبعد از آن ازراهی که درعالم نامه نگاری درپیش داشتم منحرف نشده واز مقام و موقعیت خود چه در دوره گذشته و چه در دوره دمکراسی کوچکترین استفاده را نکرده ام درصدد بر آمدند برمن اتهامی بزرك وارد سازند.

در یك جلسه مشورتی فکری بنظر یکی ازاعضاء کمیته رسید و آن این بود که فلانی را متهم بقتل ارباب کیخسرو شاهرخ سازیم، کی بکیه و کی مؤاخذه می کند؟

این فکر در آن جلسه مورد پسند واقع شدوطبق قراری که گذاشته بودند فردای آنروز در یکروزنامه و روز بعد در بیشتر جراید عضوجبهه آزادی منتشرشد ونا کیهان چندین روزنامه بتدریج برمن تاختندومرا قاتل مرحوم ارباب کیخسرو دانستند وامیدداشتند که با این اتهام مرا مرعوب خواهند ساخت و چندی افکار را بر علیه من خواهند شورانید ولی من در این مورد هم ابدا خونسردی خود را از دست نداده و کار خود را در تعقیب روش مسالمت کارانه اطلاعات و در عین حال مخالف خط مشی که آنها تعقیب می نمودند ادامه دادم ضمنا طی نامه ای ازوزارت دادگستری خواستم که موضوع را روی پروندهٔ امر تحقیق نموده و چنانچه نام ونشان یا آثار و علائمی درباره اتهام من وجود دارد مرا مستحضر سازند و آقای سرابی دادستان دادسرای عالی مراتب مندرجه در جراید را جداً تکذیب و نامه ای نوشتند که بهیچوجه موضوع واقعه ارتباطی باشما و اطلاعات نداده

بنابراین اتهام قابل تعقیب شناخته نشد. باوجود دریافت این تکذیب نامه ابداً در مقام انتشار آن برنیامدم و باز بسکوت برگذار کردم و چون بقدری این تهمت ناروا و ناجوانمردانه بود نخواستم یك کلمه در اطلاعات نوشته شود تنها عکس‌العملی که نشان دادم این بود که برعلیه چند تن از روزنامه‌نگارانی که موضوع را تعقیب میکردند اقامه دعوا نمودم و پس از چند هفته موعد رسیدگی فرا رسید ولی چون نتیجه نگرفتند و سکوت اختیار کرده بودند و بعضی از دوستان واسطه شدند که ادعا نامه خود را مسکوت گذارم و تقاضای عدم تعقیب نمایم و چون برای آن اشخاص احترام قائل هستم تقاضایشان را قبول کردم اما باز هم از این مطالب چیزی درروزنامه منعکس نشد و شاید اول دفعه است که بطور حکایت از آلام و مصائب گذشته خود نزد خوانندگان عزیز شکایت میکنم .

ازاین شهرت استفاده کردم

ازاتهاماتی که هرگز از آن دفاع نکردم میلیونر بودن خودم است، آنقدر در این باره اقلام درشت خیره کننده از دارائی نقدی من ذکر کرده‌اند که این موضوع در افکار عمومی جایگرفته ومردم رفته‌رفته مرا یکی از ثروتمندار ایران میدانند.

راستش منهم تکذیب نکردم زیرا ازاین شهرت استفاده اعتباراتی کردم - بعلاوه داشتن ثروت را بشرط آنکه از راه نامشروع بدست نیامده باشد گناه نمیدانم ولی طبیعی است که از راه مشروع هرگز کسی نمیتواند در طول مدت کوتاهی برفرض بیست سال هم باشد میلیونها ثروت پیدا کند وملیونها دلار و لیره و فرانك در بانکهای خارجی داشته باشد اگر من چنین ذخایری بدست آورده باشم حتما ازراه مشروع نیست و چون بقدر کافی تحصیل اعتبار در مؤسسات و بین مردم نموده‌ام اکنون میتوانم تقاضا کنم رسیدگی کنند تامعلوم شود من از چه منابعی این پولها و ثروتهای هنگفت را پیدا کرده‌ام واگر چنین ثروتی سراغ دارند آنرا بنفع امور خیریه کشور ضبط نمایند یا اگر جز یك خانه مسکونی که یازده سال پیش ۲۸ هزار و پانصد تومان خریدم و تا سال ۱۳۲۲ قسط آنرا ببانك رهنی میپرداختم خانه وملك و مستغل و دهاتی از من سراغ دارند یا آنطور که می‌نوشتند عمارات و قصوری از من در خارجه سراغ دارند باز دولت بتواند ضبط نموده و برای کارهای خیریه بفروش برساند.

ایکاش مالیات بر ثروت ودارائی در کشور ما وضع می‌شد تامعلوم میگردید تمول و ثروت در پیش چه کسانی خوابیده است.

باری، اداره اطلاعات دفاتر منظم و مرتبی دارد . تشکیلات آن بقدری دقیق است که حساب هر روز را میتواند همانروز صورت بدهد، یك اداره روزنامه که عایدات آن تشکیل می‌شود ازسه قلم : تك فروشی، آبونمان و اعلان و درمقابل آن مخارج هنگفتی از حقوق پرسنلی وحق الطبع و کاغذ و مرکب وغیره قرار دارد چگونه قادر خواهد بود چندمیلیون لیره و دلار برای من ذخیره کند. این حساب دینارها چطور در ظرف مدت کمی سر بمیلیونها میزند و از کجا و از چه راه نامشروعی این میلیونها پیدا شده است؟

بجرئت میتوانم عرض کنم یکی از روزنامه‌هائی که ازبدو تاسیس روی پای خود بوجود آمده و روی عایدات و دخل و خرج مسلم و مشروع خود چرخیده است روزنامه اطلاعات و نشریات وابسته بآن می باشد که عایدات آن از محور اعلان و آبونمان و تکفروشی خارج نگردیده ، یعنی هیچ عایداتی ازخارج نداشته است وحال آنکه بعضی ازروزنامه‌ها هستند که اگر هیچ عایداتی از خارج هم بآنها نرسد لااقل آب باریکی از دولت دارند ،حقوق از دولت دریافت میدارند و اگر مشمول قانون اخیر هم شدند امتیاز روزنامه را بنام کسان خود تغییر میدهند که آن قانون شامل آنها نگردد و از خزانهٔ دولت حقوق بگیرند .

بیشتر روزنامه‌ها یا زیربار قرض میروند ویا کمکهائی بآنها می‌شود تا بتوانند روزنامه خودرا بچرخانند زیرا خیلی مشکل است روزنامه‌ای بتواند دخل و خرج کند ،مخارج روزنامه بقدری سنگین است که کمتر روزنامه‌ای میتواند ادعا کند دخل و خرجش توازن دارد.

روزنامه اطلاعات پس از گذراندن یکدوره مشکل ومقروض ومفلوك از سال سوم وچهارم دخل وخرج آن مساوی شد و تاشهریور ۱۳۲۰ این تعادل و توازن دخل و خرج باچندماه ذخیره کاغذ که تنها سرمایه ما است وجودداشت واز آن سال ببعد یعنی در دوره دوم ترازوی عایداتش برمخارج چربید و بمحض اینکه عایدات اضافه شد بر نشریات اداره علاوه گردید و پایه حقوق کارمندان اداری وفنی را بالا برد وخلاصه بهر نسبتی که افزایش عایدات بدست آمد

بر مخارج نیز افزوده شد بطوریکه اکنون وضع مالی اداره در مرحلهٔ دقیقی قرار گرفته یعنی اگر خللی بر عایدات وارد شود بواسطه ارقام درشتی که در مخارج پیدا شده ادامهٔ حیات برای نشریات اطلاعات میسر نخواهد بود.

سرمایه اطلاعات ذخیرهٔ کاغذی اوست

قبل از شهریور ۱۳۲۰ سرمایه من و مؤسسه اطلاعات که عبارت از کاغذ میباشد، نه لیره و دولار و فرانك، قابل نبود و اطلاعات میتوانست با کمك بانك‌ها سه چهار ماه ذخیره کاغذ داشته باشد، آرزوی من همیشه این بود که موفق شوم یکسال کاغذ روزنامه را که بزرگترین تکیه گاه مالی موسسه است تامین نمایم ولی تاامروز باین آرزو نائل نشده‌ام و بهمین جهت بود که هنگام بروز جنك مانتوانستیم انتشار روزنامه را در ۱۲ و ۸ وحتی ٤ صفحه نگاه داریم. اگر مؤسسه اطلاعات سرمایه کافی داشت ومی‌توانست ذخیره یکسال را داشته باشد باین مشکلات دوچار نمیشد که مقدار زیادی از کاغذهای مصرف خودرا علی‌رغم تصمیمی که برای خرید ازخارجه داشتیم در بازار تهران بقیمت گران تدارك کند، اکنون هم وضع ذخیره کاغذ روزنامه که بهترین شاخص خوبی وبدی وضع مالی اداره است باذخیره يك ماه ودوماه کمتر یازیادتر همان است که بود وحال آنکه يك چنین مؤسسه مطبوعاتی که درماه ششصد هزار ریال فقط حقوق کارمندان اداری وتحریری وفنی حوزه مرکزی خودرا غیراز حق‌العمل فروشندگان میپردازد باین مبلغ وقتی حق طبع وقیمت کاغذ ومرکب ولوازم دیگر اضافه شود نزديك بدومیلیون ریال مخارج سازمان تهران میگردد اقتضا دارد که لااقل ذخیره یکسال کاغذ خودراهمیشه در انبار داشته باشد ومتاسفانه این موفقیت بزرك هنوز نصیب این موسسه نشده وبااعتبار جاری که هرماهه ازبانکها استفاده می‌شود یعنی همیشه درحدود دویست هزار تومان اداره اطلاعات مقروض است باز نمیتواند بیش ازچهار پنج ماه مصرف کاغذ نشریات خود را ذخیره داشته باشد.

برای شخص من بزرگترین افتخار همین است که توانسته‌ام مؤسسه‌ای بوجود آورم که چنین اقلام درشتی درعایدات ومخارج آن وجود دارد وچندصد نفردرتهران وچندصدتن درشهرستانها که باعائله‌های آنها بچندهزار بالغ میگردند ازاین سازمان وتشکیلات بهره میبرند وزندگی میکنند.

من میتوانم ادعا کنم که نه فقط سربارجامعه نبوده و از خزانه ملت و مملکت دیناری سوء استفاده نکرده‌ام بلکه باری ازدوش جامعه برداشته وباایجاد کار وسازمان وسیع مطبوعاتی عده کثیری رادر کشور مشغول ساخته‌ام و اگردر کشورمصیبت دیده ونفرین کرده ایران، بجای اینکه جمعی پیداشوند وبخواهند بیرنج وزحمت بهمه چیز برسندو باوسایل ناپسندیده‌ای موجبات سقوط اشخاص‌را فراهم آورند وآنهائی را که جلو هستند عقب بکشند بدون اینکه خودجلوبروند، اگرهمه درصددبرآیند بوظایف اجتماعی وملی خودرفتار کنند، یعنی توجه نمایند که در برابر آنچه عاید می دارند وهمان زندگی محقری که میکنند عوض بدهند یعنی کار کنند وبعد که عادت بکار پیدا نمودند و تنبلی را رها کردند کمی فکرسلیم وصدیق باکارتوام سازندوراه راست ودرست پیشه کنند، حتما درزندگی موفق شده وترقی خواهند کردوهیچ ضرورت نداردبدیگران بخل وحسادت ورزند وآنهارا ازپیشرفت بازدارند.

مملکت ایران خوشبختانه آنقدروسیع است ومیدان کاروفعالیت آن اندازه توسعه دارد که ده ها میلیون نفر دیگر بخوبی میتوانند دراین سرزمین وسیع ارتزاق کنندوزندگی مرفه وآسوده داشته باشند کشوربکرودست نخوردهٔ ایران دردنیای امروز بهترین میدان برای ایجادکاروترقی وکسب سعادت است.

***

اگرهزارنفر درمملکت همان راهی که من رفتم وهمان روشی که من درزندگی خوداتخاذ نمودم که از کجی وسوء نیت وبخل وحسد وتنبلی دوربودپیش گیرند، در هررشته‌ای شروع بکارنمایند وعلاقه و صمیمیت و صداقت را وجههٔ نظرخویش قرار دهند مسلماتوفیق خواهند یافت.

همین هزار نفرمیتوانندموجدکارهای وسیعی در کشورشوند که چندصد هزار نفررا مشغول سازند، هم خود بهره مندشوند وهم بابیکاری ونقر مبارزه نمایند.

مگردیگران چه میکنند، مگر اینهمه صاحبان صنایع واختراعات وکارخانجات روزاول باچه وسایلی شروع بکار کردند؟ اگر دیگران هم میخواستند همین راه ورسم ما را پیش گیرند مملکتشان بصورت گورستان در می آمد نه گلستان.

این افراد یك کشور هستند که میتوانند مملکت را آباد یا ویرانه سازند و اگر امروز می بینید کشور ما فاقد همه گونه وسایل زندگی است و باین صورت در آمده نتیجهٔ اعمال فرد فرد خود ما است .

حکومت هائی که روی کار میایند و نمیتوانند توفیق پیدا کنند مولود همین جامعه و افراد هستند و بر همین مردم که بیشتر نافرمانی و عدم اطاعت از هر قانونی را پیروی می کنند حکمفرمائی می نمایند، اگر مردم خوب بوظایف خود آشنا باشند حکومتشان هم خوب تشکیل میشود و جرئت نمیکند قدمی جز بخیر آنها بردارد، مجلسشان هم از عناصر بیغرض و مصلح و خیراندیش ترکیب میشود ، وقتی بدی غلبه کرد، همه چیز خراب و مفتضح در می آید .

* * *

از مطلب دور شدیم، میخواستم بگویم من یکی از افرادی هستم که بر آب و خاك خود خدمت کرده‌ام نه خیانت ، در این مرز و بوم زحمت کشیده‌ام، رنج برده‌ام، صداقت و صمیمیت داشته‌ام ، جان خود را بدفعات زیاد بخطر انداخته‌ام و در نتیجه توفیق خدمتگزاری بمردم را یافته‌ام و مردم پاکدل ایران هم در کشاکش بیست و چند سال مرا یافته‌اند، میدانند تهمت‌ها و افترائات و نسبت‌هائی که بر من وارد میسازند صرفا از راه بخل و حسد و به پیروی از رویه ناپسندی است که بدبختانه در اینکشور معمول گردیده. و اگر امروز من در مقام آن بر آمده‌ام که زندگی خودرا پس از بیست و پنجسال خدمت در معرض قضاوت عامه قرار دهم برای رفع توهماتی است که شاید در طول چند سال تبلیغ برای بعضی افراد و خوانندگان عزیز ذهنی شده باشد ، منجمله توهم در مورد تمول سرشار من بود که چون هیچ دفاعی نکرده و این شهرت را برای تزئید اعتبارات خود و روزنامه اطلاعات مفید و مستحسن دانستم از این چندین میلیون ثروت نقدی موهوم خود استفاده کردم و چنانچه اکنون هر معامله‌ای از طرف اداره اطلاعات بایك تلفن بدون گرفتن پول و تضمین و قول نامه و امضاء و مراسله انجام می‌شود و جنس مورد درخواست باداره فرستاده میشود، چه موقعیتی از این بهتر، تصور میکنم این موقعیت برای کمتر مؤسسه‌ای در ایران وجود داشته باشد و امید وارم در آینده هم اینطور باشد زیرا اگر روزنامه اطلاعات و شخص من فاقد آن میلیونها تومان و دولار و لیره و فرانك هستیم ولی در عوض سعی کرده‌ایم سرمایه حقیقی و تزلزل ناپذیر اعتماد و اطمینان همه را نسبت بخود جلب نمائیم و این روش پسندیده را که بزرگترین سرمایه‌های مادی و معنوی است بفضل خداوندی در آینده نیز همچنان ادامه خواهیم داد تا اعتبارات مالی ما نیز بین مردم کماکان محفوظ باشد .

چرا مرا بزرگترین سرمایه دار میدانند؟

چیز سبب شد که شهرت سرمایه‌داری من در دلها جای گیرد و مورد قبول واقع شود. اول سازمان وسیع اداره اطلاعات است که خود نشانه یك مؤسسه ثروتمند میباشد . این مؤسسه که نمونه یکی از سازمانهای خوب روزنامه‌های بزرك عالم میباشد آبرومند بوده و ظاهری آراسته دارد ، زندگی کارمندان آن تاجائی که بودجه اداره اجازت دهد تامین می‌شود ، حقوق تمام اعضاء در سر موعد پانزده پرداخته می‌شود، در مواقع سخت و مشکل مثل سال شوم ۱۳۲۱ و ۲۲ که گرانی و قحطسالی ملت ایران را تهدید نمود، اداره اطلاعات کوشش بسیار کرد که خوار بار کارمندان و کارگران خودرا بقیمت ارزانتر تدارك نموده و در دسترس عموم قرار دهد و اداره اطلاعات توانست این کمك ذیقیمت را در آن روزگار سخت با پرداخت مساعده و قرض و غیره انجام دهد .

اداره اطلاعات در این مورد و سایر مواردی که لازم بوده درباره کارمندان خود، که در حقیقت موجد این سازمان و نگاهدار آن بوده و از روی کمال علاقه و صمیمیت کار کرده‌اند مساعدت نماید هیچ خودداری نکرده است در حالی که میتوانست رویهٔ گدامنشی که معمول اغلب بنگاههای مملکت ما است پیشهٔ خود سازد، زیر بار این پرداخت ها و مساعدت ها نرود و ترجیح دهد از قرض بانك ملی کاسته شود نزول پول ندهد لکن باطیب خاطر و علاقه فراوان روش نیکو و موفقیت آمیز خودرا پیروی کرد و روش گدامنشی را دور انداخت و من باز یکی از افتخارات بزرك خودرا همین خدمت بسزائی میدانم که اداره اطلاعات در مشکلترین اوقات توانست درباره چند هزار نفر کسانی که معیشت آن‌ها برعهده این مؤسسه و چاپخانه قرار داشت انجام دهد و بسهم خود در ماجرای قحطی و خشکسالی کارمندان و کارگران خودرا حفظ و نگاهداری کند .

بدیهی است سازمان متشخص و ثروتمندی میخواهد که بتواند چنین روشی نسبت بکارمندان خود معمول دارد و من این تظاهر مستحسن و نظایر آن را که دیگران باداشتن وسایل کافی شانه خالی میکنند بخاطر کارمندان عزیزم دوست داشتم و بدان فخر و مباهات می نمودم ولو حکایت از آن نماید که بزرگترین ثروتمند دوره من هستم .

همچنین در زندگی مختصر خود متشخص بودم ، اتومبیل نو نگاه میداشتم ، پیوسته سعی می‌نمودم دائره کار خود را وسعت دهم ، بر تشکیلات اداره بیفزایم ، نشریات آنرا علاوه کنم و از بیگانگان به آبرومندی پذیرائی کنم و خلاصه تجمل را تا آنجا که معرف یکروزنامه نویس آبرومند کشور بخارجیان است حفظ مینمودم غافل از اینکه تمام این اعمال خلاف روشی است که در این مملکت عاقلان دارند ! و این رفتار در بین بعضی اشخاص تولید رشك و حسد مینماید بهتر این بوده است که در این مملکت انسان گدامنش زندگی کند تا از گزند حسودان دور باشد ، اتومبیل قراضه سوار شود ، مهمانی ندهد ، خانه و اثاثیه متجمل خودرا بمردم نشان ندهد تا فقیر و بینوا جلوه کند و محبوب عامه قرار گیرد باید همیشه ناله کرد و از بدی زندگی خود شکوه کرد و ارقام قرضها را شمرد .

***

باز از جمله کارهای خوب من که عقلا هیچوقت پیرامون آن نمیگردند ! یك مهمانی سالیانه‌ئی بود که بدنبال تجمل و تشخص مدیریت یك روزنامه آبرومند کشور میدادم ، این مهمانی بیشتر برعایت خارجیها داده میشد زیرا در جریان سیصد و شصت روز سال هر سفارتخانه و مؤسسه خارجی در تهران دعوتهای خصوصی و عمومی از من مینمود لازمه زندگی اینست که باین دعوتها جواب داده شود ، من این جواب را سالی یکمرتبه با تشکیل مجلس باشکوهی میدادم که در این مجلس علاوه بر رجال بزرك و محترمین کشور تمام نمایندگان خارجی مقیم پایتخت هم دعوت میشدند و بسیاری از دوستان و ارباب قلم نیز مشارکت میجستند ، پذیرائی شایسته و آبرومندی میشد و مهمانی مزبور در اذهان خاص و عام انعکاس خوب و بد میکرد ، اشخاص بیغرض این کاررا تحسین مینمودند و میگفتند غیر از مهمانی های دولت که از خزانه ملت بخارجی ها داده میشود خوبست یکنفر هم پیدا میشود که بطرز آبرومندانه هرسال یك مهمانی بخارجیها میدهد و بر حیثیت و اعتبار ملت و مملکت می‌افزاید ، اما اشخاص مغرض که عقلا از آن دسته پرهیز و اجتناب میکنند و هرگز زیر بار این مهمانیها نمیروند طور دیگری تعبیر مینمودند که یکی از آن تعبیرات داشتن تمول سرشار من بود و میگفتند فلانی آنقدر ثروت دارد که نمیفهمد چطور خرج کند و در اینصورت وقتی نوشته میشد که مدیر اطلاعات میلیونها ثروت روی هم انباشته است و جوابی هم از طرف من داده نمیشد و این گشاد بازی‌ها را هم میدیدند و میشنیدند صحت مطلب در دل بسیاری جای میگرفت .

مسافرت های من بخارج از کشور

و باز از جمله کارهائی که براین شهرت قوت میدهد مسافرتهای پی‌در پی من بسویس است که در دنبال این مسافرتها گاهی گفته میشود برای جابجا کردن ملیونها لیره و دلار و فرانك است در صورتیکه جابجا کردن میلیونها پول محتاج بمسافرت کسی نیست ، دو سطر نامه یا تلگراف میلیاردها پول را از نقطه‌ای بنقطه دیگر انتقال میدهد بدون اینکه آب از آب تکان بخورد و محتاج بمسافرت و رفت و آمد باشد .

من از دیرزمان مسافرت را دوست داشته ام، مسافرتهای زیادی بنقاط اروپا و امریکا بمنظور مطالعه نموده‌ام و از تمام آن مسافرتها هم خوب استفاده کرده و خوانندگان عزیز اطلاعات را از نتیجه مطالعات خود که درهر موقع و مورد قابل و مفید بوده‌است مطلع ساخته ام که مهمترین یادداشت های مسافرت خود در امریکا در دو کتاب انتشار دادم و در آنجا آنچه راه و رسم زندگی امروز ملل جهان بخصوص سرموفقیت و ترقی امریکائی است بزبان ساده و سلیس نوشته‌ام و از انجام این خدمت خود مفتخر و سرافرازم زیرا در طی این دوجلد کتاب ضمن تشریح زندگی امریکا مردم ایران را بوظایف خطیر خود آگاه ساخته و نشان داده‌ام که تنها ضامن ترقی و تعالی کشور کار و فعالیت افراد و وظیفه شناسی آنهاست .

دوست داشتم مسافرت بمنظور سیاحت و گردش و مطالعه نمایم نه مسافرت برای معالجه متاسفانه از چندسال باینطرف کسالت های چندی بر من روی آورد که زمانی در امریکا مشغول معالجه شدم وحتی در بیمارستان بستری گردیدم و بعد هادنباله معالجه خودرا تحت نظر یکی از پرفسور های عالی‌مقام که در امراض داخلی تخصص دارد و مقیم ژنو است (پرفسور بیکل) قرار دادم. این شخص مرا باستراحت جسمی و روحی دعوت و توصیه می نماید وچون از قبول این توصیه سرباز میزنم دستورات کوتاهی برای مدت ۳ ماه بمن میدهد و معتقد است که هر سه ماه شخصا مرا معاینه و عکس برداری نموده دستورات دوائی و غذائی مرا تجدید کند اگر طالب صحت و سلامتی خود باشم ناچارم رعایت دستور طبیب معالج خودرا بنمایم وطبق تعلیمات او رفتار کنم و اگر بخواهم رعایت گفته‌ها و تصورات واهی بعضی اشخاص را بنمایم تا درباره من نگویند مسافرتهای پی‌در پی برای جابجا کردن پول‌ها و یا فرار از موقعیت‌ها و یا نشانه ثروت هنگفت من است ناچار باید به پیروی از گفته های مردم، دست از معالجه بکشم و خودرا تسلیم مرك تدریجی سازم.

زیرا تجربه کرده‌ام که بمحض تخطی از دستور رژیم و تعقیب معالجه بصورت بیمار عاجزی میافتم که نه قدرت کار دارم نه توانائی وحوصله فکر ومطالعه ودر نتیجه مرگ تدریجی را بچشم می‌بینم، بخوبی آن را حس می‌کنم ومن شق اول را انتخاب کرده‌ام یعنی بصحت وسلامتی خود علاقمندم دوست دارم زنده بمانم و بخدمات اجتماعی خود ادامه دهم، فرزندان خود را برای جامعه خوب تربیت نمایم چرا برای خاطر حرف مردم خود را علیل و درمان نساخته و بمیرم مگر در زندگی خیانتی کرده‌ام که وحشت داشته باشم، مگر پول کسی را خورده‌ام و کلاه کسی را برداشته‌ام، حق کسی را پایمال نموده‌ام، من که از زحمت خود نان میخورم و توقعی از کسی ندارم، جاه طلب نیستم، دنبال مقامات نمی‌کردم، بخزانه مملکت خود را تحمیل نساخته‌ام چه اضطرابی داشته باشم از اینکه با پول و درآمد خود مسافرت می‌کنم حتی اگر در تمام مدت معالجه خود و مسافرتهای بخارجه یک لیره یا یک دولار یا یک فرانک ارز دولتی گرفته باشم واز این راه ضرری بذخیرهٔ ارزی دولت که متاسفانه با کمال بی‌انصافی خیلی از آن عقلا بر آن تحمیلند وارد ساخته باشم حق این است که در مقابل دولت وملت سرافکنده باشم که ارز دولتی را بمصرف معالجه و مسافرت خود میرسانم ولی وقتی چنین نیست واحتیاج ارزی خودم را از بازار آزاد تهیه می‌کنم چرا سلامت خود را فدای حرف بی‌منطق وطعن ولعن بعضی مردم ساده‌دل سازم، بگذارید هرچه می‌گویند بگویند وهر قضاوتی دربارهٔ من می‌کنند بکنند

سازمان روزنامه وتشکیلات چاپخانه

منظره باشکوه عمارت روزنامه اطلاعات وچاپخانه وسیع شرکت سهامی چاپ که نشریات اطلاعات را بطبع میرساند از دلایل قطعی و خلل‌ناپذیر ثروتمند بودن من میباشد، من در این قسمت انکار ندارم زیرا مؤسس این تشکیلات بزرگ بوده‌ام و در آن سهیم میباشم. حاصل زحمت و کوشش چندین سالهٔ من همین سازمان وسیعی است که با کوشش و همت شبانه‌روزی من برای مملکت وملت ایران بوجود آمده اما متعلق بجمعی صاحبان سهام میباشد و من هم در آن سهم قابلی دارم، ابتدا از ذخیرهٔ عایدات روزنامه یک ماشین کوچک و یک تشکیلات مختصر حروفچینی تهیه کردم و بعدها قدری وسعت دادم وچون این سازمان کوچک آتش عشق وعلاقه مرا بتوسعه کارهای مطبوعاتی خود فرو نمی‌نشانید و پیوسته مایل بودم مؤسسه بزرگ فرهنگی بوجود آورم از جمعی علاقمندان و دوستان دعوت کردم شرکتی تشکیل بدهند و مطبعه کوچک اطلاعات را تقویم نموده بشرکت بگذارند وعمارت مخصوص بسازند و چاپخانه بزرگ خریداری نمایند خوشبختانه دعوتم اجابت شد. شرکت سهامی چاپ تشکیل گردید وعمارت بزرگی ساختند که قسمتی از آن با دارد روزنامه اطلاعات اجاره داده شد وتا توانستیم سازمان روزنامه را در این محل جدید وسعت دادیم ومن در این موقع لازم میدانم از مساعدت شایان تقدیری که جمعی از بازرگانان ومحترمین ودوستان با تخصیص سرمایه خود موجبات انجام این منظور بزرگ فرهنگی را فراهم آوردند صمیمانه شکرگزاری کنم.

افکار معارف‌پرورانه شرکای ما بزودی صورت تحقق یافت واز این حیث در پیشگاه این آقایان محترم روسفید بخصوص اینکه در طی چندین سال که از تاسیس شرکت سهامی چاپ میگذرد این شرکت توانست خود را یک مؤسسه صدیق وخدمتگزار فرهنگی معرفی نموده و بشرکای خود سود هم برساند وامروز قول و فعل این شرکت بزرگ مطبوعاتی را همه شرکای ما میستایند وتحسین میکنند واگر قبول میکردند که نشریات اطلاعات هم در این شرکت ویا در شرکتی نظیر آن گذاشته میشد موجب کمال خرسندی من وهمه کارکنان اطلاعات بود ولی افسوس که نسبت بسازمان وانتشارات اطلاعات که بشرکت گذارده شود استقبالی تا بحال دیده نشده واگر چنین توفیقی حاصل گردد واستقبالی در این قسمت بشود با طیب خاطر قبول خواهم کرد وبالاخره روزی باید این کار هم صورت گیرد وسازمان وانتشارات اطلاعات بشرکت واگذار گردد همانطور که روزنامه‌های بزرگ عالم این کار را میکنند وجرایدمهم روی سهم افراد وشرکت چند سرمایه‌دار اداره میشود زیرا فعالیت وسرمایه فردی هرگز قادر بتشکیل و اداره سازمانهای بزرگ مطبوعاتی نمیباشد وبدیهی است اگر روزنامه اطلاعات سرمایه کافی میداشت میتوانست بسیاری از نواقص کنونی را مرتفع ساخته وبخصوص برای طبع ونشر مجلات مانند مجلات امروز عالم قدمهای بلند بردارد ولی افسوس که استعداد مالی اداره اطلاعات بیش از آنچه تا بحال وسعت داده شده نیست واگر بتوانیم همین نشریات امروز را نگاهداری کنیم وبتدریج برفع نواقص آن بپردازیم پیوسته سپاسگزار ملت ایران که باحسن استقبال از نشریات ما موجبات تشویق وتائید ما را فراهم میآورند خواهیم بود ما در هر قدم که بجلو برداشته‌ایم مرهون توجه وعنایات مخصوص خوانندگان باوفا وعزیز اطلاعات بوده‌ایم.

اکنون باید در پیشگاه خوانندگان محترم اعتراف نمایم که سه نشریه اداره اطلاعات نه فقط سودی ندارد بلکه زیان هم دارد یعنی ژورنال دو تهران، دیگری اطلاعات ماهانه وسومی اطلاعات هوائی – از همه بیشتر اطلاعات ماهانه

است که با وجود کثرت انتشار برای اداره ضرر دارد. زیرا مخارج چاپ و کاغذ آن سنگین و معادل قیمتی که بفروش میرسد حق‌الطبع و پول کاغذ پرداخته میشود و امیدوارم بتوانیم انتشار این نشریه مفید را که مورد توجه قرار گرفته است با همین نظافت و ظرافت طبع ادامه دهیم.

اکنون نشریات اداره بر روی هم از حیث درآمد و هزینه تعادل دارد و بدیهی است چنانچه این موازنه بر اثر افزایش قیمتها از دست برود ناچار بتعطیل نشریاتی که زیان ور [illegible] خواهیم شد زیرا مسئولیت بزرگ حفظ و نگاهداری این مؤسسه وسیع را برعهده دارم و هرگز نمیتوانم از آن غفلت ورزم و مقدرات آن را بدست طبیعت و پیش آمد بسپارم در حال حاضر ارقام بودجه سازمان مؤسسه بقدری وسعت یافته و مخارج آن باندازه‌ای بالا رفته است که اندک لغزشی در بهم خوردن دخل و خرج موجب ازهم پاشیدگی امور میگردد زیرا برخلاف آنچه درباره من تصور میکنند من صاحب گنج و خزانه و جواهرات و پول و میلیون‌ها دلار و لیره و فرانک نیستم یا املاک و مستغلات و دهاتی ندارم که بتوانم با فروش آن زیان مؤسسه را جبران نمایم اینست که باید خیلی با احتیاط و دقیق باشم زیرا صرف نظر از همه چیز مسئولیت زندگی چند هزار نفر برعهده من و هیئت مدیره ایست که این مؤسسه بزرگ فرهنگی را میچرخانند و نمیتوان نسبت بآن خونسرد و بی اعتنا بود.

این مطلب را هم جواب میدهیم و میگذریم

یک مطلب باقی مانده است که باید بآن نیز جواب داده شود و بعد دنباله وقایع مهم سالهای اخیر را شروع نمایم و آن گرفتن ارز دولتی برای ورود کاغذ اطلاعات و نشریات وابسته بآن است.

این از مواردی است که بعضی تصور میکنند دیگر قابل دفاع نیست زیرا گرفتن ارز دولتی برای ورود کاغذ روزنامه یک امر پیش پا افتاده ایست که در هر موقع اطلاعات گریبان حکومت وقت را که برای آن سنگ بسینه میزده است گرفته و واردات کاغذ خود را با ارز دولتی انجام داده است و چه بسا ممکن است از این راه استفاده هائی هم کرده باشیم یعنی ارز بیش از احتیاج گرفته اضافه بر احتیاج را در بازار آزاد فروخته‌ایم یا بیش از میزان احتیاج کاغذ وارد کرده و مازاد آنرا در بازار بفروش رسانیده و از این راه تمول سرشاری بدست آورده‌ایم.

آنهائی که در باره ماهیچیک از تصورات دیگر را نمیکنند وزیر بار اتهاماتی که برما وارد میسازند نمیروند، دیگر قبول ندارند که اطلاعات ارز دولتی هم برای کاغذ مصرف خود نگرفته باشد.

در ظرف این چند سال موضوع تدارک کاغذ اطلاعات و گرفتن صدها هزار لیره ارز بقیمت دولتی مکرر مورد بحث بعضی جراید واقع شد و بقدری موضوع شیوع پیدا کرد که در مجلس هم گفتگوئی از آن بمیان آمد.

یکی از نمایندگان مجلس بعد از حکومت حکیم‌الملک تحت تاثیر نشریات روزنامه‌های مخالف قرار گرفت و در مجلس موضوع گرفتن چندصدهزار لیره ارزدولتی برای ورود کاغذ را عنوان کرد و نتیجه گرفت که اگر من حکومت حکیمی را پشتیبانی میکردم و خیلی هم‌طرفدار آن بودم برای این بود که منافع مرا آن حکومت تامین نمود و چندصدهزار لیره ارزدولتی برای کاغذ روزنامه اطلاعات داد و چون این مطلب در یک مرکز رسمی کشور مطرح گردید همانروز تکذیب کردم و اصرار ورزیدم که اگر چنین چیزی سراغ دارند روی دلیل و سند بگویند و چون واهی بودن مطلب واضح بود و منظور ایجاد محیط نامساعد برای پیشرفت منظور دیگری بود و اتکای ناطق بمندرجات جراید بود ناچار ساکت ماند ولی ممکن است توهمی برای بعضی باقی مانده باشد که آیا واقعاً در حکومت آقای حکیمی ما ارزدولتی برای کاغذ گرفته‌ایم واگر در آن موقع نگرفته‌ایم حتماً در حکومتهای قبل و بعد استفاده زیاد ازین راه کرده‌ایم.

چندی بعد موضوع استفاده از ارزهای دولتی جداً از طرف مجلس تعقیب گردید و اطلاعات هم موضوع را دنبال کرد تا آقای دکتر سجادی وزیر اقتصاد ملی گزارش جامعی از اسامی کسانی که ظرف چند سال ارز دولتی گرفته اند تقدیم مجلس نمود و برای مطالعه و دقت آقایان نمایندگان بکمیسیون ارجاع گردید و اطلاعات ستونی در روزنامه باز کرد و گیرندگان ارزدولتی را که عده‌ای از بازرگانان و اشخاص متفرقه بودند انتشار داد و از آن ببعد هر شماره یکبار این صورت را کمیسیون ارز بروزنامه‌ها می‌فرستاد و چاپ میکردیم از آن پس دیگر کسی نپرسید که چند میلیون لیره ارزهای دولتی چرا بی‌تناسب باشخاص داده شده یک بازرگان برای چه صدها هزار لیره استفاده کرده و بدر خواست بسیاری از بازرگانان ابداً ترتیب اثر داده نشده، سروصداها خوابید و دیگر کسی بتعقیب برنخاست.

حالاما باین‌قسمت‌ها کارنداریم، مقصودم اینست که مادرزمان رضا شاه فقید ودورهٔ دموکراسی هیچگاه از مقررات رسمی‌دولتی خارج نبوده وهرگز توقع گرفتن ارزدولتی ازحکومت‌ها نکرده‌ایم چنانچه‌درتمام‌صورت‌هائیکه کمیسیون ارزبمجلس ومطبوعات فرستاد نامی‌ازکاغذ اطلاعات نبود وحال آنکه‌اگر چنین‌کاری می‌شدصحیح وعادلانه بودزیرا کاغذروزنامه بایددرردیف وارداتی تشخیص داده‌شودکه مورداحتیاج‌کشور ونسبت‌بآن مساعدت‌وتسهیلات فراوان فراهم‌آورند.

چندی پیش‌از سازمان مطبوعاتی بین‌المللی یونسکو نماینده‌ای بایران‌آمد وضمن‌ملاقات بامن‌از تسهیلاتیکه دولت برای‌مطبوعات فراهم می‌آورد پرسید ووقتی باو گفتم که برای‌ورود کاغذمثل‌سایر مال‌التجاره‌ها باید گواهی نامه‌تهیه کرد وبعدارز بدست‌آورد وبعلاوه‌گمرك فاحشی از کاغذ گرفته می‌شود غرق تعجب وحیرت گردید و گفت این‌رویه مخالف روشی‌است که دراغلب کشورهای متمدن وجوددارد.درهر حال آنچه‌را که تاکنون درباره ما گفته ونوشته‌اند دروغ بوده‌است وماهرگزازموقعیت مطبوعاتی خودسوءیاحسن استفاده نکرده‌واز همان‌راهی که برای تجارمملکت باز بوده‌مانندیك تاجروارد کننده کاغذاقدام بدرخواست‌ورودوانجام کلیه‌تشریفات مقرره قانونی نموده‌ایم وازارزدولتی بنرخ رسمی هیچ‌استفاده نکرده‌ایم. کمیسیون ارز ودفاترآن موجود وصورت هائی هم که داده شده حاضراست واگر کسی سراغی ازاینکار نمود مقامات مؤثر کشور را مطلع سازد ولااقل بدسته‌ای‌که غالبا مخالفت ماقیام می کنند گزارش دهندتاموضوع درمعرض قضاوت افکارعامه گذارده شود.

یکی از دلایل بارز و مشخص مبارزات سخت و شدید ما بااشخاص و دستجات،صافی و پاکی حساب ما است. اگر ما در زمرهٔ کسانی قرار داشتیم که در زندگی سیاسی خود خدشه و عیبی سراغ داشتیم از ترس اینکه رسوا نشویم سعی میکردیم مثل خیلی از اشخاص که همه میشناسند با مخالفین خود سازش کنیم وآنها را خاموش سازیم نه اینکه با کمال سرسختی بمبارزات خویش با توده‌ای و دموکرات و قوام وغیره بی‌باکانه ادامه دهیم و از هیچ اتهام و افترائی واهمه و ترس نداشته باشیم. دلیل اینکه ما از حکومتهای با صلاحیتی چون حکومت مرحوم فروغی و آقای حکیمی آنقدر طرفداری وحمایت کردیم و خود را در معرض هر گونه اتهام قرار دادیم چه بود؟

آیا این حکومت ها اهل زد وبند و رسانیدن منفعت بودند و زیربار توقع و تمنیات اشخاص میرفتند یا بعضی حکومتهای دیگر این چند ساله که همه چیز میدادند و همه قسم برای سازش آماده وحاضر بودند، آیا جز مصلحت‌کشور وخیر عامه وایمان بخدمتگزاری و انجام وظیفه صادقانه چیزی سبب میشد که ما این راه را پیش گیریم وخودرا اینطور در کشمکش و جدال وسیل تهمت بیاندازیم و از سازش باآنها خودداری کنیم.

من شق اول‌را انتخاب کردم وموفقیت خودرا هم در آن میدانم و اطمینان دارم که همیشه حق وحقیقت غلبه خواهدکرد وبالاخره روزی پرده‌های تاریك از جلوی دیدهها برچیده میشود و مردم آنچه راکه بایدبدانند و بفهمند خواهنددانست وبحقایق روشن خواهندشد، وبین خدمتگزار وخیانت پیشه فرق میگذارند اما افسوس که هنوز مردم ایران در قضاوتهای خود گاهی راه اشتباه می‌پیمایند وجای تأسف‌است که تحت تأثیر هر گونه تبلیغات شوم ومسموم‌کننده قرار می‌گیرند وقضاوت منطقی وصحیح نمیکنند.

اگر روزگاری‌پیداشد واین مملکت‌سامانی پیدا کردو بحسابهارسیدگی گردید معلوم خواهدشدچه‌پول‌ها که از خزانه‌مملکت غارت شده و چه‌ذخیره‌ها در خارج آرمیده وچه کسانی ارز دولتی گرفته وچه قیافه‌هـای حق‌بجانب جنایتکاری دراین مملکت استفاده های هنگفت نموده وضرر وزیان بخزانه ملت و مملکت وارد آورده‌اند وچه اشخاصی این‌مملکت فقیررا استثمار می کنند و ثروتها و تمول‌های هنگفت خودرا درلباس بینوائی وبی‌چیزی روی هم میگذارند وچه‌کسانی دسترنج بینوایان ودهاقین‌و کشاورزان زحمت‌کش را بصورت‌ارز از مملکت خارج کرده صرف کیف و خوش گذرانی خود در خارجه می‌کنند وچه اشخاصی تحت عنوان مطالعه دردنیای خارج بسرمیبرند من آرزو دارم چنین روزی فرارسد وماسك‌هابرداشته شود و اشخاص آنچه هستند بجامعه معـرفی گردندولی بااوضاع واحوالی که گرفتار آن‌هستیم نمیدانیم این روز حساب کی‌فراخواهدرسیدو کی‌این‌کشور مصیبت دیده ما از این آشفتگی و بدحسابی وناروائی نجات خواهد یافت و کی توده حقیقی مردم این سرزمین روی‌خوشی و سعادت خواهند دید.

اگر این‌مطالب که جنبه دفاع داشت بدرازاکشید از خوانندگان عزیز معذرت‌میطلبم. پس‌از بیست و پنجسال خدمت مطبوعاتی وسکوت دربرابر هرناملایمی امروز بمن‌حق‌میدهند ازیك مؤسسه فرهنگی مفید ومؤثری که باید برای این‌ملت‌ومملکت باقی بماندومفیدباشد،روی‌حق‌وحقیقت دفاع‌نمایم. حالا میرویم برسر وقایع‌تاریخی ومهم این‌چندسال که‌بطور گزارش واختصارازآن میگذریم.

اولین انتخابات دوره دموکراسی چگونه انجام یافت

اول آذرماه ۱۳۲۲ دوره سیزدهم مجلس پایان یافت و پنجماه قبل از خاتمه مجلس فرمان همایونی صادر و بموقع خود انتخابات آغاز گردید، بسیاری از نقاط درحین تشکیل مجلس سیزدهم نمایندگان خود را تعیین کردند که اغلب همان نمایندگان دوره سیزدهم بودند و بعضی از نقاط هم پس از ختم دوره ۱۳ صورت گرفت که بیشتر وکلای جدید از آن نقاط بیرون آمد وچون جریان انتخابات بطول انجامید ناچار دوره فترت پیدا شد وحکومت آقای سهیلی توانست دوام پیدا کند.

رویهمرفته صدی چهل نمایندگان جدید وارد مجلس چهاردهم شدند و پس از چند دوره که انتخابات بطرز خاصی انجام می‌یافت این دوره مردم تاحدی در انتخاب نمایندگان خود مداخله کردند و برای اولین بار بعد از بیست سال در تهران انتخابات بدون دخالت دولت انجام یافت.

حکومت آقای سهیلی کوچکترین مداخله را در انتخابات تهران نداشت واوضاع واحوال طوری بود که رئیس دولت ویا اعضای دولت نمیتوانستند مداخله کنند، دستجات بسیاری درتهران برای شرکت در انتخابات تجهیز شدند واین دستجات باهم بمبارزه پرداختند و کمترین راه ورخنه مداخله دولت را می‌بستند چنانچه درجریان انتخابات تهران همینکه انجمن نظارت احساس مداخلات شهرداری را نمود انتخابات راتعطیل کرد تاجریان مداخلات موقوف شود وپس ازرفع مشکلات رئیس انجمن دوباره انتخابات را بجریان انداخت وباین ترتیب انتخابات تهران ازهرگونه مداخلات دولت برکنارماند. اما مبارزات برای پیش بردن کاندیدای دستجات خونین بود ازجمله مبارزات سنگین و سخت مبارزه حزب توده بود که سالهای اول تشکیلات آن حزب ویکعده بسیار ازجوانان روشنفکر روی ایمان وعقیده داخل این حزب شده وفداکاری می‌کردند وازافکاری که بعضی رؤسا و لیدر های حزب پشت سر داشتند بی‌اطلاع بودند. این جوانان بهروسایلی متشبث میشدند که کاندیدای حزب توده را درتهران پیش ببرند ونظر اصلی کمیته حزب این بود که در انتخابات تهران ولی یکی دونفرهم باشد از کاندیدای خود را پیش ببرند تاگفته شود که دایره فعالیت حزب درتهران قوی گردیده و باین ترتیب بتوانند در ولایات هم کاندیدای خودرا پیش ببرند وخلاصه قسمتی ازکرسی های پارلمان را بدست آورند و کرسی های تهران برای آنها فوق‌العاده ارزش داشت زیرا همه میدانستند که انتخابات بآزادی وبامبازرات شدید انجام می‌گردید.

حزب توده تشکیلات انتخاباتی خود را در تمام حوزه های فرعی بستداد در بیشتر شعب فرعی دست یافت و در تمام حوزه ها مامورین مخصوص با بازوبند بنام مامورین انتظامات گذاشتند و باین کیفیت انجمن ها و دستگاه انتظامی دولت مرعوب تهدیدات توده ای ها شده بود و مامورین رسمی دولت بهیچوجه قادر باستقرار انتظامات در محیط انجمن ها بواسطه مداخلات غیر قانونی افراد حزب توده نبود و در نتیجه از ریختن آرائی جز آنچه بنفع حزب توده بود بصندوقها ممانعت می شد یادر مقام خراب کردن آراء برمیآمدند. چند روزجریان انتخابات دراین وضع تهدیدآمیز ومرعوبیت دستگاه انتظامی کشورادامه یافت وبالاخره عرصه بردستجات دیگرتنگ شد ولی کسی را جرئت مقابله با آنهانبود زیرا وحشت واضطرابی دردلها بخصوص ازتظاهراتی که بعضی ازمامورین خارجی بنفع آنها می‌نمودندجای گرفته بود. دراین میانه سازمانی هم داخل جریان انتخابات بود وآن سازمان بسته بدستگاه روزنامه اطلاعات بود که از افراد برجسته وروشنفکر اطلاعات ودوستان وعلاقمندان بروزنامه اطلاعات تشکیل شده بود. این سازمان بمبارزه پرداخت وآنقدرفعالیت نمود که موفق شد از مداخلات بیرویه وغیرقانونی افرادی که انجمن هارا احاطه کرده ومانع ریختن آراء مردم میشدند جلوگیری نماید وآن سازمان مرعوب‌کننده را بازدوخورد بجای خود بنشاند وازطرفی مردم بخصوص بازرگانان و کسبه واصناف را تشویق وتأیید بشرکت درانتخابات نماید. باین وسیله مردم مایوس بسمت حوزه های انتخابیه هجوم آوردند ورای خودرا آزادانه دادند و باین ترتیب اکثریت نصیب کسانی شدکه بیشترطرف توجه مردم واقع شدند و بنده هم افتخار نمایندگی را پیدا کردم. دراین‌میانه بسیاری ازکاندیدای انتخابی سرمایه دارانی بودند که صدها هزارتومان خرج کردند و آرائی برای خود تهیه کردند ولی هیچکدام موفقیت حاصل نکردند آقای دکترمصدق یکی ازکاندیدای اطلاعات بود ودرآنموقع امید وآرزوی من این بود که این رجل سیاسی پس از سالها کناره‌گیری اینك درمجلس پیشوای جمعی از نمایندگان صالح وبیغرض مجلس گردیده قدمهای مؤثری درراه بهبود زندگی عموم بردارند، سرلوحه کاندیدای دستگاه اطلاعات بانام دکترمصدق شروع میشد وتاچندی بعد درمجلس چهاردهم با ایشان صمیمانه همکاری می‌نمودم ولی رفته رفته درخط مشی وروش سیاسی ایشان باخود اختلافی احساس کردم وازآن پس فقط درمواردی که باگفتار وپیشنهادات ایشان معتقد بودم نظرایشان راپیروی می‌کردم ودرخیلی موارد دردوجهت مخالف سیرمیکردیم.

در مواردی که با نظریات آقای دکتر مصدق هیچ موافق نبودم اقدام ایشان در ابستروکسیون مجلس چهاردهم بود که بعنوان اعتراض برحکومت صدر پیش کشیدند این مبارزه طولانی وممتدکه منجر بفلج شدن کارها گردید زیان بسیاری برکشور وارد ساخت ، آتش نفاق و اختلاف را دامن زد ، هرج و مرج را بیشتر کرد و بدون اینکه کمترین سودی عاید دارد و اثری داشته باشد موقعیت خطیر مملکت را در آن روزگارهای سخت ومشکلی که شوروی ها فشار بسیار بایران وارد میآوردند خطرناکتر ساخت .

چقدر افسوس خوردم که مجلس چهاردهم موقعیت های مهمی را از دست داد ، این مجلس باکمك معنوی و نفوذ آقای دکتر مصدق میتوانست خدمات شایانی به مملکت انجام دهد ولی باستثنای دوسه کار مفید و مؤثر باقی اوقات گرانبهای مجلس و مملکت صرف مشاجرات و اختلافات و برانداختن حکومت ها گردید

چیزی از اول دوره چهاردهم نگذشته بود که عده زیادی از نمایندگان مجلس جداً معتقد و علاقمند شدند که آقای دکتر مصدق خود زمام امور را بدست گیرند ، با ایشان مطلب را درمیان گذاشتند ولی ایشان قبول شغل نخست وزیری را مشروط بگذراندن قانون خاصی از مجلس برای خود نمودند و درحقیقت تعلیق بمحال شد زیرا اکثریت مجلس قبول نمیکرد و ایشان تصور کرده بودند که جمعی در نظر دارند ایشان درمجلس نباشند ، بعید نیست که بعضی ها چنین نظری داشتند ولی برعکس در آنموقع خیلی از نمایندگان مجلس جداً علاقمند بودند که ایشان زمام امور را بدست گیرند وهمه گونه قول موافقت و مساعدت داده میشد وبدون شك اگر ایشان شروع بکار میکردند و نمونه هائی از افکار اصلاح طلبانه خود نشان میدادند که اطمینان و توجه مردم جلب میشد هیچ قدرت و قوه ای توانائی آنرا نداشت که در کار و روش خیرخواهانه ایشان اخلال کند و یا حکومت ایشان را متزلزل و دوچار سقوط سازد .

مداخله دولت در انتخابات دوره چهاردهم

غیر از انتخابات تهران وچند نقطه دیگر که با قانون ناقص انتخابات درمحیط آزاد و مبارزات وفعالیت وستیجات انجام پذیرفت در اغلب شهرستانها مداخلات مامورین دولت کم وبیش وجودداشت ومتنفذین هر محل با پشتیبانی مامورین محلی توانستند آراء مردم بیسواد ورعایا را بنفع خود بصندوقها بریزند ونکته جالب توجه این است که حکومت مرکزی دراکثر نقاط انتخابی نتوانست اعمال نفوذ کند وبعدها بیجهت آقای سهیلی را متهم بمداخله در انتخابات چندنقطه نمودند وبرای او پرونده تشکیل دادند زیراآنچه را باو نسبت میدادند وارد نبود ومعکوس نظر ایشان انتخابات آن نقاط انجام گرفته بود ولی در نقاطی که دخالت مستقیم شده بود صدای کسی در نیامد .

اصولا آقای سهیلی مایل ومصمم بود انتخابات در محیط آزاد انجام شود ودر این باره سعی میکرد منتها قانون انتخابات دست متنفذین ومأمورین دولت واقدام بهر گونه تطمیع وتهدید را باز گذاشته بود وضمنا اورا راحت نمی — گذاشتند از جمله دستورالعملهائی آقای سهیلی روی فشار اشخاص و داوطلبان که درمحظور اخلاقی واقع میشد صادر میکرد وبرای تسلی خاطر ارباب رجوع تلگرافات پوچی صادر مینمود که بی اثر بود وبعدها همان تلگرافات سبب بدبختی او گردید .

ولی اصل موضوع وریشهٔ تعقیب اوچیز دیگر بود، مداخله حقیقی دولت درامر انتخابات چندشهرستان برای چند نفر سران حزب توده بود که در آنمورد دولت بدون تردید مداخله صریح کرد وسهیلی چوب این عمل خود را تحت عنوان مداخله درانتخابات شهرضا وبندرعباس ویکی از نقاط آذربایجان میخورد ، همه میدانستند که سهیلی در مورد این چندنقطه مرتکب تقصیر قابل تعقیبی نشده امااز ترس حزب توده وحملات آنها در مجلس و خارج ، جرئت نداشتند بگویند این شش هفت نفری که باسم عضو حزب توده برچند شهرستان ایران تحمیل گردیده ،چطور انتخاب شده اند وبرای چه حکومت سهیلی نسبت بانتخاب آنها دستور صادر کرده وپشتیبانی نموده است؟ وقتی این مطلب خصوصی ومحرمانه را باآقای سهیلی درمیان میگذاشتند او ازخوددفاع میکرد و میگفت من در این قسمت گناه ندارم مملکتی که نیمی از آن دراشغال شوروی هاست و ما درکارها تماس نزدیك باآنها داریم چطور میتوانیم در برابر توقعات وحمایت وپشتیبانی های آنها آنقدر بی اعتناباشیم که شش هفت نفر طرفداران آنهارا درمجلس نپذیریم بخصوص اینکه درمقابل علائم و آثاری ازاعمال نفوذ انگلیسها هم ظاهرشده وآنها هم در حوزه های دیگر ، مساعدتهائی کرده اند .

روی این اظهار نظر خصوصی معلوم بود که مامورین شوروی همان اعمال نفوذ وشایعه مداخلات انگلیسی هارا بهانه قرارداده سایل بودند لااقل یک ثلث نمایندگان مجلس از توده ایها وطرفداران آنها انتخاب شودو بالاخره درنتیجه چك وچونه ومقاومت های زیاد حکومت وقت بشش نفرعضو رسمی حزب توده وچندتن طرفدار آنها از نقاط شمال اکتفاشد ولی همین عده محدود که از ۱۲ و ۱۴ نفر تجاوز نمیکرد آتشی درمجلس چهاردهم روشن کردند که سراسر جلسات جنجال وجدال و زدوخورد حکمفرما بود و دست آخر غائله آذربایجان راهم بار آوورده و بر مشکلات کشور افزود .

پس سهیلی چوب این عمل خود را تحت عناوین دیگر ازجمله مداخله در انتخابات چند نقطه دیگر که سر و تهی نداشت ومعامله لولا ودستگیره های زائد عمارت وزارتخارجه خورد درصورتیکه خدمات شایسته ای هم در زمان حکومت ایشان بکشور شد که بطاق نسیان افتاد.

دوران دوم حکومت سهیلی باامن و راحت ورفاه مردم توأم بود ، مشکل نان وآذوقه حل شده بود ، قیمتهـ قوس نزولی یافته بود وازهمه مهمتر اجتماع سران سه دولت مهم شوروی، امریکاو انگلیس درتهران وصدور اعلامیه تهران بود وروبهمرفته سهیلی بلحاظ تسلط وورزیدگی درامورسیاسی توانست دردوره زمامداری خود سیاست تعادل ودوستی متقابل با کشورهای همسایه بخصوص متفقین را حفظ نماید ، اماهمینکه مجلس چهاردهم افتتاح یافت و کلائی که بسیاری از آنها بامساعدت خود اوانتخاب شده بودند مخالفت شدید خودرا برعلیه سهیلی آغاز نمودند و بـاو مهلت ندادند کابینه جدید تشکیل دهد. همانروز اول تشکیل مجلس اعلام جرم ها روی میز رئیس مجلس ریخته شد و حملات سخت براو شدو بااین ترتیب حکومت سهیلی پس از رسمیت یافتن مجلس چهاردهم طبق قانون استعفا دادو حکومت ساعد روی کار آمدو بعدها در انتخابات دوره ۱۵ و ۱۶ مجلس، ارزش سهیلی معلوم شد زیرا با مقایسه بااینده دوره مسلم گردید انتخابات دوره ۱۴ نسبت بآن دو دوره ، حسن جریان داشته است.

حکومت ساعد و نفت شمال

آقای ساعد پس از چندروزی که ازحکومتش گذشت باپیشنهاد کافتارادزه معاون کمیساریای خارجـه شوروی درمورد گرفتن امتیاز نفت تمام منطقه شمال ایران مواجه گردید.

شورویها باآقای ساعد که مدتی سفیرکبیر ایران درمسکو بود وحسن رابطه داشتند دوستی میورزیدند و اطمینان داشتند که حکومت ساعد بانظریات آنها مساعدت خواهد کرد بخصوص که ازچندی قبل متخصصین امریکائی درنواحی جنوب شرقی ایران وبلوچستان مطالعات معرفة الارضی برای کشف نفت مینمودند وصحبت از استخراج نفت نقاط مزبور ودادن امتیاز بامریکائیها بود. درهمین موقع شوروی هاهم پیشنهاد خودرا روی میز آقای ساعد گذاردند و گفتند ازاین نمد کلاهی هم ما میخواهیم .

ساعدمات ومبهوت ماند. آنروز که این پیشنهادهارادادند جواب ردنداد وهمین قضیه اشکال بزرگ سیاسی بوجود آورد یعنی شورویها مطلب را بانظر مساعدی تلقی کرده بمسکو گزارش دادندو آنرا دنبال نمودند وچقدر تعجب کردند وقتی باجواب منفی ومقاومت شدید ساعد مصادف گردیدند .

در همان روزگاری که آقای کافتارادزه بامیدواری درتهران میزیست دعوتی ازسه تن مدیر روزنامـه ومجله نمود که یکی از آنها من بودم در آن جلسه بعنوان مصاحبه شرح تقاضای خودرا ازدولت داد که روز بعد بطور عادی بعنوان مصاحبه کافتارادزه چاپ شد دراین مصاحبه دولت شوروی تقاضای امتیاز نفت نقاط شمال ایران را نموده وشرایط معامله وشرکت خودرا توضیح داده بود ومن ازلحاظ اینکه یک مرد بزرگ سیاستمدار دولت همسایه بایـران آمده و پیرامون مسافرت او انتشارات زیادی است خواستم بوسیله طبع و انتشار متن مصاحبه کافتارادزه نظریات و پیشنهادات او را باطلاع عموم برسانم والبته ازجنبه خبری حائز اهمیت بودو هیچ الزام و تعهدی برای اطلاعات در موافقت یا مخالفت با موضوع ایجاب نمیکرد ، من پیوسته طرفدار حسن مناسبات با ملل همسایه بوده و هستم وهمیشه سعی کرده ام که احترامات همسایگان را رعایت نموده و هرگونه شکایت وگله و اعتراض رابزبان ادب ومتانت در روزنامه منعکس سازم. در اینمورد هم کوتاهی نکردم منتها در ردیف بعضی جراید تندرو قرارنگرفتم وآن را دور از رویه اطلاعات میدانستم همین اعتدال ومیانه روی وانتشار مصاحبهٔ کافتارادزه را بعدها بعضی ازهمکاران مطبوعاتی موافقت من بااعطای امتیاز نفت شمال بروسها دانسته وایرادات نیش قولی برمن گرفتند .

اقدامات خصوصی من در آنموقع از احساسات ولیت من حکایت میکرد . در پی این مصاحبه وداشتن رابطه دوستانه باماموربن شوروی فرصت نیکوئی بدستم آمد که آقای کافتارادزه وماموربن عالی مقام شوروی را متقاعد سازم که دولت وملت ومجلس ایران بهیچوجه موافق اعطای امتیاز نیستند وصریحاً گفتم که درزمان جنك واشغال کشور ایران ازطرف قشون‌شما مصلحت ما وشما نیست عنوان گرفتن‌امتیاز نفت بمیان آیـد و فشار وارد آورند، زیرا اعمال هرگونه فشار برملت ایران عکس‌العمل شدید خواهدداشت.چند جلسه من وآقای مجیدموقر وآقای ابوالقاسم امینی ملاقاتهای خصوصی درهمین زمینه بامعاون کمیساریای خارجه شوروی نمودیم و جدا از تعقیب رویهٔ اوانتقاد نموده وگفتیم روشی که ماموربن شوروی پیش گرفته اند بخصوص‌تظاهرات نظامی که برله نفت میشود ومیتینگ‌هائی که حزب توده بدستورشما برعلیه ساعد وبرای گرفتن‌امتیاز نفت‌باتکای سرنیزه قشون‌سرخ می‌دهند بموقعیت‌شوروی نزدملت‌ایران لطمه وارد میسازد - درآن جلسات ایشان ونمایندگان عالی شوروی در تهران قانع میشدند ولی بخوبی معلوم بود دستوراتی دارند یا جمعی دیگرآنهارا وادار باعمال‌نفوذ وتظاهر می کنند وازآن پس چون ازما جز مخالفت چیزی ندیدند قطع رابطه کردند وراه خودرا دردادن نمایشات بـزرك حزب توده که با کمك نظامیان شوروی انجام پذیرفت ادامه دادندوکافتارادزه وماموربن‌شوروی‌دامنه تظاهرات را بنقاط دیگرایران کشانیدند ومنجر بزدوخوردهای شدیدی شد ودامنهٔ تهدید دولت از طرف ماموربن شوروی وسعت یافت ودراین باره پادوهای حزب توده که عمال واقعی‌شوروی‌ها بودند دوندگی‌بسیار کردند، درمجلس و درخارج کار شکنی‌ها نمودند، تخریب واخلال کردند وبالاخره عکس‌العمل این کار آنقدر بالا گرفت تاپس‌ازچندی منتهی بوقایع آذربایجان گردید.

حکومت ساعد باتکای اکثریت مجلس‌وافکارعمومی که جداً مخالف اعطای هرگونه امتیاز بخارجی‌هابود مقاومت شدیدی دربرابر عدم قبول پیشنهادات کافتارادزه نمود و وقتی منتهی بگذشتن قانونی از مجلس گردید بر شدت عصبانیت شوروی ها افـزوده شدودامنهٔ عملیات خودرا بوسیله توسعه تشکیلات حزب توده و غـیره وسعت دادنـد .

ساعد رفت وحکومت بیات روی کارآمد

دولت ساعد بالاخره تاب مقاومت تحریکات و فشار شورویها را نیاورد ، آنقدر کارشکنی و اخلال درکارها میشد وحتی مأمورین رسمی شوروی از مراوده وملاقات با آقای ساعد و اعضای دولت خودداری‌نموده و اگر در مجلس ضیافتی دریك سفارتخانه ساعد و ماکسیموف سفیرکبیر شوروی با هـم ملاقاتی می کردند فورا پشت بیکدیگرکرده ازهم میگذشتند ، جمعی از نمایندگان مجلس که درصف بیطرفان قرار داشتند و اعتدال را رعایت میکردند مقتضی نمیدیدند که روش دولت ایران بادولت همسایه خود شوروی اینطور خصمانه باشد باقای ساعد پیشنهاد کناره‌گیری دادند تا باین وضع آشفته وآتش هرج‌ومرج و نا امنی که بدست توده‌ای ها درهمه جای کشور دامن زده میشود خاتمه داده‌شود. آقای ساعد چند روزی مقاومت بخرج داد و در این موقع آقای سید ضیاء الدین طباطبائی آقای ساعد را خیلی تقویت می کرد و دعوت بایستادگی وعدم استعفا می نمود . روزنامـه رعد امروز هم که مظفر فیروز می‌نوشت وسیاست ضد شوروی راآنروزدنبال میکرد هرروز مقالات تحریك‌آمیز برعلیه‌شورویها منتشر میکرد.

بالاخره آقای ساعد احساس کرد که مجلس دیگراز او تقویت نمیکند و بسیاری ازنمایندگان معتقدشده‌اند که مصلحت کشور نیست بیش از این بافشاری دربقای خود داشته باشد لذا استعفا داد و رفت .

اکثریت مجلس نسبت بحکومت آقای بیات اظهار تمایل نمود و ایشان بسمت نخست وزیری منصوب‌شدند و بعد ازبحث دربرنامه رای قابل توجهی بدولت ایشان داده شد ، چیزی ازحکومت ایشان نگذشت که‌آن دسته از طرفداران اولیه بیات که بایشان ابراز تمایل نمودند برعلیه حکومت اوقیام کردند.

در این باره چند نکته جلب توجه میکند یکی اینکه‌آقای بیات برخلاف نظرهمکاران اولیه خود دولت را از کسانی تشکیل دادکه طبق میل و دلخواه آنها نبود و باینجهت از اول‌کار بمخالفت با او پرداختند دیگر اینکه درجریان حکومت ایشان حزب توده قدرت و قوتـی پیدا کرده بود و ایشان زمینه فعالیت‌سازمانی آن حزب‌را بازگذاشته‌بودند و روش سیاسی آقای بیات را بیشترحمایت از توده ایها ونظریات آنها دانسته وتشکیل جشن سالیانه ارتش شوروی را درباشگاه افسران از جانب آقای بیات یکی از علائـم آن میدانستند در نتیجه عده‌ای از نمایندگان و اشخاص دیگر ناراضی شده و ادامه این رویه را مناسب و مفید برای‌کشور نمیدانستند

وحال آنکه آقای بیات منظوری جز ایجاد محیط صمیمیت بین دولت ایران وشوروی نداشتند، منتها روش مسالمت آمیز ایشان میدانی برای سوء استفاده عناصر بد خواه بوجود اورد، ود و روبهمرفته دوره حکومت آقای بیات را میتوان دوره سکون وآرامش دانست زیرا تظاهرات و نمایشات حزب توده موقوف شده و جنجال و هیاهو کم شده بود ولی بالاخره بواسطه عدم رضایتی که درمجلس از ایشان روی چگونگی تشکیل دولت و یا روی روش سیاسی ایشان پیدا شده بود موضوع باستیضاح کشید ودولت هنگام اخذ رای اعتماد سقوط نمود.

پس از بیات نوبت حکیمی رسید ولی پیاده بمنزل رفت

اکثریت مجلس مصمم شد شخص کاملا بیطرفی را روی کار آورد. آقای ابراهیم حکیمی را درنظر گرفتند بایشان رای تمایل داده شد وهمینکه فرمان نخست وزیری حکیمی صادر گردید ایشان بدون مشورت با کارگردانان مجلس، دولت خود را تشکیل داد و حضور همایونی معرفی نموده و بمجلس آورد، این واقعه برای عده ای از نمایندگان که در انتخاب وزیران میخواستند اعمال نفوذ و اظهار نظر کنند نابهنگام بود، بعلاوه احساس کردند که این پیرمرد شریف بهیچوجه زیربار قبول توقعات وتقاضاهای نمایندگان نمیرود گوشش، شنوائی شنیدن حرفهای ناحساب راندارد، بااینکه تازه دولت خودرا معرفی نموده وبرنامه‌اش مطرح است ودر حقیقت ریشش گرومجلسیان برای گرفتن رای اعتماد است ابدا اعتنائی ندارد ومشغول کارخود می باشد، جمعی از متولیان نشستند وحساب کردند دیدند با این دولت نمیتوانند کار کنند ازحالا که اینطورخونسرد و بی اعتناء است پس فردا که رای اعتماد گرفت چه خواهد شد وازطرفی متوجه شدند که نمی‌توانند وقت مملکت را بیهوده تلف کنند، هی دولت دوسه ماهه بیاورند و ببرند گفتند ازاول رای عدم اعتماد میدهیم وخلاص می‌شویم همین کار را هم کردند برنامه دولت راسه هفته معطل کردند وهمینکه رای اعتماد گرفتند بیست و پنج نفر از نمایندگان بیشتر بدولت رای ندادند. حکیمی بدون اینکه هیچ گونه تاثری براو دست دهد ازمجلس بیرون آمد واتومبیل نخست‌وزیری رامرخص کرد وپیاده راه منزل خودرا پیش گرفت ورفت واین پیش آمد مجلس رادراذهان وافکارعامه خیلی موهون ساخت.

حکومت صدر هم دوامی نکرد

سپس نمایندگان بسراغ آقای صدرالاشراف رفتند، بایشان رای تمایل دادند ولی درمجلس عده زیادی ازرفتن حکومت آقای بیات وبعد حکومت آقای حکیمی عصبانی بودند وازاول باحکومت صدر مخالفت آغاز کردند درهمین موقع اقلیت بزرگی درمجلس باشرکت نمایندگان حزب توده ونمایندگان متمایل وطرفدار آنها تشکیل گردید.

با این حکومت آقای صدر بامخالفت شدید مجلس مواجه شد و مجلس مدتی تعطیل گردید معهذاباید انصاف داد که این حکومت وظایف خویش را درمراقبت امور کشور ودقت درحسن جریان کارها و جلوگیری از شرارتها واغتشاشات انجام داد. کارمفیدی صورت نگرفت ولی اندك غفلتی هم از اوناشی نشددراین هنگام آقای احمد قوام که درانتخابات دوره چهاردهم ازتهران داوطلب بود ودوچارشکست گردید مشغول فعالیت شده بود که بار دیگر بمقام نخست وزیری نائل شود وبااقلیت مجلس نیزرابطه داشت وهمین مواقع بود که مظفر فیروزهم از سید ضیاءالدین جدا شده رنگ سیاسی خودرا عوض میکرد ومیخواست درردیف طرفداران شوروی درآید وراه آشتی ونزدیکی باقوام‌السلطنه رامی پیمود. خلاصه اینکه عوامل بیشتری درتضعیف و تخفیف حکومت صدر مشغول فعالیت شد وتبلیغات زیادی برعلیه اودرمطبوعات صورت گرفت واین تبلیغات بقدری بود که بعدها حکومت صدررا حکومت یکطرفه نام نهادند وازاین عنوان که باین حکومت‌وحکومت ساعد روی غرض‌شخصی داده شد زیان بسیاری متوجه کشور گردید زیرا این دوحکومت هردو ازمنافع مسلم کشور دفاع میکردند ونمی‌خواستند بگذارند که دامنهٔ تحریکات خارجی درایران توسعه پیداکند ووقتی ازاقدامات وفعالیتهای توده‌ایها که همه میدانستند ازمنابع خارجی آب می خورند جلوگیری میکردند میگفتند این حکومتها یك طرفه‌است و همین موضوع که اغلب درمحل ومرکزرسمی کشور یعنی‌مجلس عنوان میگردید اتخاذسند میشدو برفشارشورویها بدولت وملت ایران میافزود وآنهانیزهمین حرفهارا وسیله تبلیغات بنفع خود قرارداده وافکارعمومی را مشوب میساختند واقلیت مجلس که مبادرت بابستروکسیون نموده ومخالفت شدیدی باصدرشروع کرده بودند براین‌هیجان‌و ازهم گسیختگی کمك می کردند وحاضر نمی‌شدند مجلس را تشکیل داده روی منطق واستدلال حکومت‌را با رای ساقط کنند.

پس ازمدت درازی که مجلس درنتیجه ابستروکسیون تعطیل بود و دولت باقدرت بکارخودواشتغال‌داشت مجلس تشکیل گردید ولی عمر دولت پس‌از گرفتن رأی اعتماد بیش ازدوسه هفته دیگر دوام نکرد وساقط شد

غائله آذربایجان چگونه پیدا شد ؟

بدون شك واقعه آذربایجان زائیدهٔ اختلاف وکشمکش وروش نامطلوب ودسته بندی‌های مجلس بود ، اگر بعد ازقضیه نفت وایستادگی مجلس ودولت درعدم اعطای امتیاز بخارجیان همچنان درافکار و نظر واحدخود مقاومت می کردند یعنی آن وحدت وهمکاری را درتمام امورکشور نگاه میداشتند ولجاج وعناد وخود پرستی را کنار میگذاشتند میتوانستند ازعکس‌العمل عصبانیت شورویها بخوبی جلوگیری کنند ونگذارند افکاری که در مغزاجنبی‌پرستان وخائنین بکشور بتحریك اجانب پخته میشود صورت عمل وحقیقت پیداکند، اما قضیه معکوس بود بعضی‌ها روی کج سلیقه گی یاغرض ورزی جنبه حمایت ازتوده‌ایها راپیش کشیدند وبا آنها همکاری نمودند وبرآتش‌اختلاف دامن زدند، روش مغرضانهٔ اکثریت مجلس هم این شکاف و اختلاف را وسعت داد ، اکثریت متزلزل ومتلون که در بین‌آن یکعده مغرض ومفسد وجود داشت دربرابراقلیت وبخصوص توده‌ای ها مرعوب بودند وهرگونه اتهامی را ازترس بسکوت برگذار میکردند، ازطرف دیگرتحریکات اجانب نمیگذاشت مجلس آرام بگیرد تابتواند دولت راحمایت کند ودولت درمقام حفظ وحراست منافع ایران که درآن‌روزدستخوش‌هوا وهوس اجانب‌بود برآید، قوام‌السلطنه هم برای آمدن روی‌کاردست وپامی کرد، ازهمه مهمتر اختلاف شدیدی بود که بین نمایندگان آذربایجان درمجلس وجودداشت دودسته روبروی هم ایستاده‌بودند یکدسته با آرداشس وحزب توده همراهی وهمکاری می کردند ودستهٔ دیگربا اکثریت مجلس بودند ورری این اختلاف نظرماهها بود که آذربایجان سرپرست نداشت بعد از احضارمرحوم وثوق‌السلطنه دادور دیگرنمی گذاشتنداستاندار بآذربایجان برود وهرکس‌را دولت میخواست انتخاب واعزام دارد مورد مخالفت یکی از این دو دسته نمایندگان آذربایجان واقع میشد واین موضوع برآتشی‌که زیرخاکستر تدارك میشد کمك می کرد.مردم آذربایجان هم بتدریج ازدولت مرکزی ناراضی شده ادارات دولتی درآنجا بواسطهٔ ضعف حکومت‌ها و نبودن استاندار و رؤسای دیگرازوظایف خود خارج شده بعدم رضایت مردم کمك میکردند ودراین میانه پیشه وری که اعتبار نامه‌اش درمجلس رد شده وناراضی بود باچند تن ازهمفکران خود بآذربایجان رفته بتحریك پرداخته بودندو موجبات بلواوشرارت را فراهم میساختند، باتکای بعضی مامورین‌شوروی‌وتقویت آنهاکه براثر جریان نفت تصمیم گرفته‌بودنداوضاع کشور رادگرگون‌سازند مقدمات برانداختن حکومت‌وتسلط برآذربایجان رافراهم می‌آوردند.

این عوامل‌مختلف که درحقیقت ازتهران‌وازمرکز ثقل‌کشور یعنی اختلافات‌مجلس‌هستی وقوت‌میگرفت وبعضی نمایندگان‌مجلس باپیشه‌وری وعمال او درتماس و ارتباط بودند و ریسمانی بین دسته مجلسیان و عمال خیانت پیشه کشیده شده بود که مرتبا دستورمیدادند و میگرفتند ، قاصدهای محرمانه رفت وآمدمیکرد،همه‌دست بهم‌داده‌ومصیبت آذربایجان‌را بوجودآوردند.

میگویند اسنادی در دست است‌که پیشه‌وری‌را از تهران جمعی اشخاص‌که‌معروفیت‌دارند و مقاصدی داشتند تحریك نمودند و بتبریز فرستادند و باأو همه‌گونه کمك‌ومساعدت کردندکه البته‌دراین‌مجمع‌دوسه تن از نمایندگان آذربایجان‌را هم‌اسم میبرند وبطورغیرمستقیم‌دست اجانب وتحریکات آنها نیز درکار بودکه‌درباره آن میشود کتابها نوشت و حالاضرورتی نیست بیش‌ازاین‌درباره وقایع آذربایجان گفتگوشود.

آنچه مسلم میباشد غائله آذربایجان‌باکمك تهران و براثر اختلافات موجود درمجلس بوجودآمدیعنی‌وقتی ضعف‌کامل‌حکومت ها در آن نقاط‌ظاهرشد ، هرمتنفذی تسلیم‌حادثه گردید وپیش‌آمدرا حسن استقبال‌نمود و با یاغیان کمك کرد و چون‌محتاج بتقویت و نگاهداری خود بود در نتیجه ماجرا جویان به پشتیبانی اجانب توانستند براوضاع‌سست وپوشالی آن روز حکومت مرکزی که اساس و بنیان محکمی در آذربایجان نداشت تسلط پیداکنند .

حکومت حکیمی دربحرانی ترین موقع کشور تشکیل شد

بعد ازاستعفای صدر دوباره مجلسیان بسراغ حکیمی رفتند زیرا موقعیت مملکت وخیم‌تر وشیرازه اموراز هم‌پاشیده‌تر ومداخله اجانب درکارها زیادترگردیده‌ونغمهٔ اغتشاش‌آذربایجان وناامنی وشرارت‌درآن‌صفحات‌بمرکز

میرسید معهذا هنوز وکلای آذربایجان درباره فرستادن استاندار توافق نظر پیدا نمیکردند ودولت‌ها هم آنقدر دربرابر مجلس ضعیف بودند وهیاهو وجنجال درداخل وخارج مجلس زیاد بود که حکومت‌ها هیچ کار مثبت نمیتوانستند انجام دهند واعزام استاندار بآذربایجان یکی ازمعضلات ومشکلات مملکت شده بود که بدون شك دراین امر تحریکات میشد که آذربایجان همچنان بی‌سرپرست ونماینده دولت مرکزی بماند وادارات نیز فاقد مامور رسمی مرکزی باشد تازودتر اوضاع بهم‌ریخته شود، حکیمی بواسطه بلائی که برسر او آورده بودند زیربار نمیرفت ولی چون موقع حساس کشوررا بایشان گوشزد نمودند قبول کرد دولت تشکیل بدهد اما بدون هیچگونه شرطی وهیچ قسم دخالتی درکارهای او . وکلائی که بسراغ ایشان رفته بودند قبول کردند وآقای حکیمی دولت جدید خودرا تشکیل داد و شروع بکارنمود درهمین موقع بود که وقایع آذربایجان شدت یافت و دولت حکیمی تصمیم گرفت قوا بآذربایجان اعزام‌دارد ولی درشریف‌آباد قوای متمرکزشوروی جلوی عبور ژاندارمهارا گرفتند.

این پیش‌آمد علامت بسیار بدی بود وحکایت ازمداخله علنی شوروی‌ها وحمایت ازآشوب‌طلبان می‌نمود، مبادله یادداشت وهرگونه تلاش دولت برای مذاکره باماموربن دولت شوروی بیحاصل بود زیرا قوای شوروی تانك های خود را وسط‌جاده قرار داده‌وازعبور ژاندارم وسرباز وحمل‌ونقل هرگونه‌اسلحه ومهمات جلوگیری می‌نمود.

دولت مصمم‌شد قوابفرستد واگر ممانعت شد زدو خورد کنند وباین ترتیب ثابت نمایند که‌قوای شوروی درداخل خاك ایران ازعبور قوا برای حفظ امنیت داخلی کشور جلوگیری می‌نماید شاید بتوانند عبور کنند، این تصمیم دولت درمقابله باقوای شوروی بامخالفت بعضی ازمجلسیان که در صف اقلیت مجلس هم بودند مواجه گردید، آنها دولت رامنصرف‌ساختند وحتی راضی نبودند قوا اعزام‌گردد ولی بالاخره دولت براهنمائی اعلیحضرت همایونی باعزام قوا اقدام نمود منتها دستور داده شد چنانچه ممانعت شد مقاومت نکنند و شلیك ننمایند ودرهمانجا متمرکز شوند .

نظامیان رشیدایران ویکعده داوطلبان که‌برای کمك به برادران آذربایجانی حرکت کردند باوجودشدت سرما وبارندگی های زیاد بین‌راه متوقف گردیدند ومدتها باین وضع بلاتکلیفی باقی ماندند.

حکومت‌حکیمی علی‌رغم تمایل دستهٔ مخالف خوددرمجلس که‌درراس آن توده‌ای‌ها بودند روش‌خشونت‌آمیزی نسبت باوضاع آذربایجان اتخاذ نمود وچون آقای بیات که‌بعنوان استاندار ونماینده رسمی و با اختیار دولت مرکزی بآذربایجان رفته و پس از حادثه و تسلط عمال پیشه‌وری تبریز را ترك نموده بتهران آمدند آقای حکیمی فورا درمقام اعزام استاندار دیگری برآمد وآقای فرخ بآن‌سمت انتخاب و وسایل حرکت ایشان نیز فراهم گردیدو بدون‌شك‌درآن‌روز که‌هنوز غائله‌بسط پیدانکرده بود رفتن‌فرخ باقوای ژاندارمری که‌قراربود ازاطراف آذربایجان به‌تبریز فرستاده‌شود تاثیر شایسته‌ای داشت ولی بازهم دست‌هائی شروع‌بفعالیت کرد واز مسافرت استاندار جدید ممانعت گردید ودرنتیجه سرنوشت آذربایجان بدست طبیعت وحادثه‌جوئی سپرده‌شد.

اما حکومت حکیمی ازپای ننشست وازلحاظ بین‌المللی بفعالیت پرداخت.

ازکارهای مفید ومهم‌حکیمی یکی‌این‌بود که حکومت‌پیشه‌وری راعلی‌رغم تمایل‌اقلیت وتوده‌ئی‌هادرمجلس متجاوز و اشرار وباغی وغیرقانونی‌شناخت و لزوم قلع وقمع اشرار را درپشت‌تریبون‌مجلس عنوان کردواکثریت مجلس ایشان‌را تائید وپشتیبانی نمود . این‌عمل‌درآن‌روز کاری که وحشت و اضطراب همه‌را فراگرفته وتحریکات اجانب شدت‌یافته وسعی‌میکردندکه‌حکومت پیشه‌وری‌را حکومت‌قانونی بشناسانند اهمیت فوق‌العاده داشت و یك دولت شجاع بیغرض میتوانست این‌قدم‌را بردارد همچنین تصمیم دولت در ارجاع شکوه ایران بجامعه ملل شایان توجه بود .

مامورین شوروی ازاین‌عمل‌بسیار عصبانی‌بودند ، هرگز نمیخواستند واقعه آذربایجان یك‌امر شرارت‌آمیز تلقی گردیده ونسبت بمساعدت‌وموافقتهای آنها با یاغیان بشورای‌امنیت سازمان‌ملل‌متحد که‌درآن روز شورویها توجه مخصوصی بآن‌مؤسسه داشتند شکوه‌برده‌شود. تبلیغ‌شدیدشوروی‌ها بوسیله بعض مطبوعات ایران این‌بود که‌پیش‌آمد آذربایجان یك‌حادثه ملی وطبق دلخواه مردم آذربایجان انجام‌شده وحکومت قانونی‌است وچون‌خلاف آن را مشاهده کردند از این‌دو تصمیم وطن‌پرستانه حکومت‌حکیمی سخت‌خشمگین‌ شده برشدت رفتارخود افزودند و از طرفی تحریکات در داخل وخارج‌مجلس برای‌برانداختن‌حکومت‌حکیمی‌زیاد شد .

باسمت وابسته مطبوعاتی بسازمان ملل متحد رفتم

برای دفاع از حقوق ایران وتقدیم شکایات و تظلمات ملت و دولت ایران از تجاوزات مأمورین شوروی و اینکه با دلائل مثبت ازعبور قشون ایران، بمنظور تقویت عناصر آشوب طلب در آذربایجان که هرروز اخبار موحش از قتل وغارت وتجاوز بحدود وحقوق مردم از نقاط مختلف آذربایجان میرسید، جلوگیری کرده بودند دولت هیئتی را انتخاب نمود که درجلسه سازمان ملل متحد حضوریافته بریاست آقای تقی‌زاده سفیر کبیر ایران درلندن، احقاق حق نمایند وشکایات ایران را تسلیم دارند. این هیئت از آقای سهیلی. آقای کاظمی. مرحوم منصورالسلطنه عدل. آقای دکتر عبده. آقای فضل‌اله نبیل تشکیل میشد ومن نیز داوطلب شدم که بخرج خود بعنوان وابسته مطبوعاتی با هیئت بلندن بروم ودر این جلسه مهم که سرنوشت قسمت مهمی از کشور ما معین میگردید شرکت نموده بسهم خود بوظایف خویش رفتار کنم.

درآن روز نقش بزرك دولت درکارهای مملکت همین استخلاص ونجات آذربایجان بود، کاردیگری صورت نمیگرفت، این پیش آمد تمام کارهای مملکت را تحت الشعاع قرارداده بود بخصوص اینکه تبلیغات شدید شوروی‌ها هرروز وضع را وخیم‌تر ونگرانی واضطراب مردم را بیشتر می‌نمود، دسته‌های بزرگی ازمردم آذربایجان که بازن وفرزند پیاده فرار کرده بتهران می‌آمدند بیشتر بر نگرانی میافزود.

دولت آقای قوام روی کار آمد

جنك اعصاب وتبلیغات کارخود را کرد، موجبات سقوط دولت فراهم گردید و بآقای حکیمی فشار آوردند استعفا بدهد تا کسی که باروسها مناسبات حسنه دارد وقادر بحل مشگلات است روی کار آید ونفراقلیت وتوده‌ایها وجمعی دیگر ازمجلسیان این بود که آقای قوام السلطنه زمام امور رابدست گیرد، درهمین ایام بود که مظفر فیروز هم توانسته بود خود را بشورویها نزدیك ساخته وبرای قوام السلطنه تبلیغ نماید و تمام فشار مامورین شوروی برای آوردن آقای قوام دراین نقطه مرکزیت میبافت که شکایت ایران بسازمان ملل ارجاع نگردد وچون ازدولت حکیمی مایوس بودند میخواستند حکومتی روی کار آید که آن شکایات را پس بگیرد وموجبات شناسائی حکومت پیشه‌وری رافراهم آورند. بالاخره فشار زیادی که ازمجلس به آقای حکیمی وارد آمد ایشان استعفاء داد ولی بر خلاف انتظار کار خودرا هم کرد یعنی آنقدر در امر استعفاء تعلل ورزید وامروزوفردا کرد تاهیئت اعزامی ایران در لندن بریاست آقای تقی‌زاده شکوه ایران راازدولت شوروی تقدیم سازمان ملل متحد نمودند وبشورای امنیت ارجاع شدودردستور قرار گرفت واینقدم مؤثر ومهم برداشته شد.

حکومت آقای قوام السلطنه با اکثریت ضعیفی روی کار آمد ، این اکثریت طرفدار قوام از اقلیت مجلس واعضاء حزب توده وطرفداران آنها تشکیل میبافت که چندنفر از اکثریت نیز برآنها علاوه شده بود، نصف بعلاوه یك از نمایندگان حاضر را دردست داشتند. اولین کار قوام السلطنه مخابره تلگرافی بود بلندن که شکایت ایران ازشوروی مسکوت بماند تامذاکرات مستقیم صورت بگیرد.

خوشبختانه این تلگراف موقعی رسید که موضوع درشورای امنیت مطرح بحث ومذاکره واقع شده و در نتیجه نمایندگان ایران باکمك هواخواهان ایران توانستند آنرا دردستور بگذارند ومسکوت بماند نه اینکه از دستور خارج شود تامذاکرات دولت ایران بادولت شوروی مستقیما وبدون واسطه درمحیط صمیمیت ودوستانه ادامه پیدا کند وشرط شد که اگر این مذاکرات بحسن نتیجه خاتمه نیافت درجلسه بعد شورای امنیت که در امریکا تشکیل خواهد شد موضوع بار دیگر مطرح گردد.

بنا براین مدت وضرب الاجلی برای اینکار معین شد. البته بهترین راه همین بود که مذاکرات مستقیم با اولیای دولت شوروی بعمل آید وحکومت حکیمی نیز همین نیت را ابتدا تعقیب کرد وحتی بوسیله مرحوم آهی سفیر ایران درمسکو تقاضا نمود بمسکو مسافرت نماید ودر آنجا بحل موضوع درمحیط دوستانه موفق گردد و حکومت حکیمی معتقد بود که اختلافات بین دو کشور همسایه بهتر است بین خود آنها بدون واسطه حل شود ولی چون جوابی ازمسکو نرسید واقدامات متجاوزین شدیدتر میشد ناچار موضوع بجامعه ملل ارجاع گردید وبعدها معلوم شد که مذاکرات مستقیم بیحاصل ومشگلات را فزونتر میسازد.

بلافاصله پس ازمعرفی دولت مقدمات مسافرت آقای قوام بمسکو فراهم گردید وباتفاق هیئتی رفتندو مورد

تجلیل واحترامات بسیار واقع شدند و کوشش بسیار برای حل مشکل آذربایجان نمودند ولی نتوانستند ارمغانی بیاورند ومقاوله منهم حاصل این مسافرت بود. در بازگشت از مسافرت چندروزی بیش از عمر مجلس چهاردهم نگذشته بود.

طبق قانونی که مجلس چهاردهم وضع نمود ویکی از کارهای مهم آن مجلس میباشد که حکایت از کمال علاقه اکثریت بحفظ حاکمیت واستقلال کشور مینماید تصویب شد که انتخابات دوره بعد شروع نگردد مادام که قشون اجانب ایران را تخلیه نکرده اند زیرا بانفوذ بسیار ومداخلات شدیدی که در کارها از ناحیه مامورین خارجی میشد بیم آن میرفت که مجلس آینده را صف بزرگی از عناصر توده ویا طرفداران شوروی و یاطرفداران انگلیسها تشکیل دهند وخطراتی متوجه مملکت گردد. این قانون دست دولتی را که روی کار آمده بود باز میگذاشت زیرا بدون مجلس ووجود رقیب ومزاحمتی از طرف نمایندگان، دولت میتوانست امور مملکت را اداره نماید وبحل مشکلات فائق گردد این بود که چندروز باقیمانده عمر مجلس باایجاد اختلال وجنجال وکتک کاری و کلا در جلوی مجلس تعطیل گردید. ودولت خودرا بی نیاز دانست ازاینکه بمجلس بیاید نامورد اعتماد یاعدم اعتماد واقع شودزیرا دولت آقای قوام پس از معرفی دولت دیگر برای بحث برنامه حاضر نشد ورای اعتماد نگرفت وبمسافرت بمسکو رفت ودرمراجعت هم چون احساس کرددر مجلس دسته بزرگی بمخالفت قیام کرده اند مصلحت را درعدم تشکیل مجلس دید تاعمر دوره سپری شود و میدان وسیعی در پیش داشته باشد.

پس از بازگشت از لندن بامریکا رفتم

موقعیکه حکومت آقای قوام روی کار میآمد من درلندن بودم ودر جلسات سازمان شرکت میکردم ، پس از پایان کار وتعطیل شورای امنیت بواسطه بروز کسالت چندروزی بستری شدم واز آنجا بپاریس رفتم. دراین موقع اخبار وحشت انگیزی ازتهران میرسید ، دامنه تحریك آشوب طلبان برعلیه من زیادمیشد زیرامبارزات سخت ودامنه دارچندساله من، دشمنان سرسختی درمقابلم تشکیل داده بود،حکومتی هم که روی کار آمده بود گذشته روشن ورضایت بخشی نداشت.

تشکیلات توده روز بروز قوی ترمیشد وسازمانهای کشور ودوایرانتظامی رامرعوب ومختل میساخت و اعمال نفوذ رؤسای حزب توده در ادارات بقدری بود که کارها فلج شده وهر کس برای حفظ وصیانت خود ناچار بودخودرا بشکلی بحزب واعمال وبستگان حزب توده نزدیك سازد تابتوانند برهمه چیز تسلط پیدا کند رفته رفته حزب توده در امورانتظامی وقضائی کشور مداخله مینمود و کارخیلی بالا میگرفت بطوریکه حبس افسرانتظامی درداخل حزب وتشکیل دادگاه مخصوص کار ساده آنها بود.

روش آقای قوام السلطنه هم در بدوحکومت خود همکاری کامل باآنها بود،رویه مسالمت جویانه ای نسبت به تشکیلات وافرادورسای حزب اتخاذشده بود وآنها رادردستگاهها مداخله ورخنه میدادند وتمام کسانی که سودای مخالفت با قوام السلطنه را در سرمیپروراندند وسوابقی در مخالفت با ایشان داشتند دچار حبس وزجر میشدند، وصول این اخبار وحشت انگیز بخارجه بیش از آنچه در داخل کشور اهمیت دارد در نظر ایرانیان دوراز وطن جلوه میکند ودر آنروز حکایت از وجود حکومت وحشت وترروری درایران نمود که وقتی خبر آتش گرفتن اداره روزنامه اطلاعات هم رسید فکر کناربودن از کاردر من قوت گرفت ، تصمیم گرفتم بامریکا بروم تاهم از محیط آشفته ای که معلوم نبود با من چگونه معامله خواهند کرد دورباشم وهم بمعالجه خود بپردازم ودرضمن ازحقوق ایران که خواه ناخواه به سازمان ملل متحد کشیده میشد بسهم خود در امریکادفاع نمایم یعنی ازطریق مطبوعات وتبلیغات که مؤثرترین عامل پیشرفت هر نظری درامریکا میباشد بسهم مطبوعاتی خود کمك کنم وتوجه رجال ومحترمین ومحافل مطبوعاتی را بنام یکروزنامه نویس ایرانی بسوی وطن خود و گرفتاریهای آن معطوف سازم.

جزاین چه میکردم؟ آیا درچنین وضعی میتوانستم بایران بیایم؟ برای چه بیایم؟ برای همکاری بادولت یا برای مبارزه، هیچیك برایم میسر نبود، سمت وکالت مجلس که خود مصونیت دارد نیز تمام شده بود، از این حیث مسئولیتی هم در برابر مردم نداشتم وراه زندان برایم صاف وباز بود،خطری در برابر خود بلحاظ از بین رفتن سازمان اطلاعات که باخون دل بنانهاده ام احساس مینمودم وبارمسئولیتی در برابر مملکت.

خطر انحلال اطلاعات با آنهمه مبارزات سنگینی که با توده‌ای‌ها و عمال پیشه وری و غلام یحیی نموده بودم و درنتیجه داشتن مخالفین و دشمنان سرسختی که آرزوی رسیدن چنین روزی را می کشیدند مسلم بود، زیرا من هرگز نمیتوانستم با حکومت قوام با آنهمه سابقه خصومت سازش نمایم واگرهم از لحاظ اوضاع واحوال مملکت وخطر بالاتری که برای محو استقلال وحاکمیت ملی ایران در پیش بود میخواستم باخلوص نیت و عقیدت با دولت ایشان همکاری نمایم هرگز ممکن نبود مورد اعتماد قوام‌السلطنه واقع شوم وایشان تحت تاثیر مخالفین من واقع میشدند اما مسئولیتی که در برابر مملکت درخود احساس میکردم این بود که اکنون دولتی روی کار آمده است که مایل است برمشکلات ومعضلات مملکت فائق شود وامیدواری میرود که آقای قوام بتواند باشوروی‌ها کنار آید وآذربایجان نجات یابد دراینصورت هرشخص باانصاف وباوجدانی باید با تمام قوا از افکار ونیات آقای قوام که قطعا نمیتواند جز استخلاص آذربایجان چیز دیگری باشد تقویت وهمکاری نماید تا این گره گشوده شود ومشکلات بزرگ کشور ازبین برود. پس برای من نه مبارزه میسر بود و نه همکاری که آن روز از نظر مصلحت عمومی مملکت شائق وعلاقمند آن بودم وحتی بدوستان ونزدیکان خود می‌نوشتم که اکنون راه ورسم وطن‌پرستی تقویت وپشتیبانی دولت است. پس باقی‌می‌ماند حفظ تشکیلات اداره اطلاعات که دراین قسمت تنها راه چارهٔ من کناره‌گیری از موقعیت آن روز بود ولی بعدها با کمال تأسف هرچند یک‌بار این مسافرت اضطراری مرا به امریکا که ازروی حق ومنطق وکاملا صحیح وبجا بود، مخالفینی که درموقع تصدی و اقتدار قوام‌السلطنه هم نتوانستند مرا نابود ومحو سازند آن را سوژه قرارداده برمن نیش میزدند ومی‌نوشتند فلانی در موقع حساس بامریکا فرار کرد، البته مقصودشان این بود که چرا آنروز که قوام‌السلطنه را می‌توانستند وادار بتصمیمات شومی نسبت بمن یا اطلاعات سازند من‌ازچنگ آنها هزارها فرسخ خودرا دورساخته بودم. غیرازاین‌تصوردیگری نمیتوان کرد زیرا منظوراین نبود که چرا درآنموقع من برای کمک وهمکاری بااوضاع درایران نبودم برای‌اینکه همه می دانند آن چند ماه فترت مجلس، کسی مؤثردراوضاع نبود مجلس وجود نداشت، روزنامه‌ها تحت تأثیردولت بودند واگر خوب یابد راهی که دولت می‌پیمود ترتیب میکردند، بودن من درایران چه اثری داشت که ازنبودن من از چنگ رفته است، من‌چه‌میکردم؟ اگرمقصود همکاری روزنامه اطلاعات است بادولت که این‌وظیفه را روزنامه با وجود مشکلات‌وخطرات انجام داد، اگرمقصودمبارزهٔ اطلاعات است که هرگزمیسرومقدورنبود وبمصلحت کشور هم نبود، مجلسی هم‌درکارنبود، پس‌بودن ونبودن من دراین وضع جزاینکه ممکن‌بود بنابودی من‌ومحوسازمان اطلاعات تمام شود وصدهانفر بیخانمان وسرگردان وبیکارشوند حاصلی نداشت حالا نمیدانم چرا بعضی‌هااصرار دارند که درآنموقع من‌اینجابودم! البته قضیه معلوم است ولی‌چرا ناجوانمردانه مرامتهم میسازند باینکه درموقع حساس فرارکرده‌واین موضوع را درظرف‌این‌چندسال سکوت، گناه‌عظیم برای من درنظرمردم جلوه داده‌اند.

خلاصه من ازپاریس ببرادرم آقای‌حسن‌مسعودی وببرادرزاده‌ام آقای‌محمدعلی مسعودی‌نوشتم «علل‌وجهاتی که خودمیدانید ایجاب‌میکند که من‌چندی‌ازمیهن‌عزیز دور باشم و ازخداوند میخواهم که دولت کنونی‌موفق برفع غائلهٔ آذربایجان‌و انجام‌خدمات‌ملی گردد البته‌شما دولت‌راتقویت نمائید واطمینان‌بدهید که درپشتیبانی‌وکمک دولت مضایقه نخواهیدداشت تا انشاءاله برفع‌مشکلات‌نائل‌گردند وچون‌موضوع شکایت ایران در دستور شورای امنیت قرار گرفته‌و درهرحال سه‌ماه دیگر در نیویورک مطرح خواهدشد، تصمیم گرفتم بامریکا بروم که هم هنگام طرح شکوه ایران درآنجا باشم و هم بمطالعات اجتماعی بپردازم وهم معالجه‌خود را درآن‌جاادامه دهم.

خوشبختانه آقایان بزودی‌موفق‌شدند اعتماد آقای قوام‌السلطنه‌را جلب کنند ومسافرت‌طولانی‌مرا بامریکا نیز باطلاع ایشان‌رسانیدند وبنابرین دیگر موردی‌باقی نماند که نسبت‌بروزنامه اطلاعات رویه نامطلوبی‌پیش‌گیرند وبخصوص وقتی بهمکاری‌صمیمانه و با ارزش اطلاعات مطمئن‌شدند دیگر مجال وفرصت‌هرگونه تفتین و اخلال و کارشکنی ازمخالفین‌بخصوص کسانیکه بقای‌اطلاعات‌راخار راه‌خیانت کارانه‌خود میدانستندواین‌مؤسسه‌راکه حامی‌وحافظ ومدافع حقوق وحاکمیت‌تمامیت ایران بود مانع پیشرفت‌افکارخود میدانستند گرفته‌شد و دیگر نتوانستندنیت سوء خودرا نسبت باین مؤسسه اعمال‌دارند و انصافا همه‌کارمندان روزنامه اطلاعات و برادر و برادرزاده های من صمیمانه‌کار کردند وموفق‌شدندموقعیت‌روزنامه‌را همچنان‌حفظ کنند ومهمترین آسیب‌وارده‌باداره راترمیم وخرابی و

خسارات وارده از حریق را جبران نمایند ولی چقدر تاسف خوردم وقتی شنیدم مقدار زیادی آرشیو عکس و فیلم و روزنامه‌ها و اوراق ضبط شده و کتابخانه طعمه حریق گردیده است .

در این موقع برادر دیگرم آقای جواد مسعودی که دوره نمایندگی ایشان از دماوند تمام‌شده بود در اروپا بود. ایشان هم بواسطه اینکه در واقعه ۱۷ آذر بناحق بازداشت شد از آن ببعد روابط نیکوئی با آقای قوام‌السلطنه نداشت و ابراز مخالفت از طرفین کاملاً ظاهر شده بود باینجهت ایشان هم بکارهای بازرگانی خود در سویس که از سالها قبل از جنگ شروع نموده ادامه داده از بازگشت بایران خودداری نمود .

***

هرروز خبرهای بدی از پیشرفت ماجراجویان وروش مسالمت‌آمیز حکومت مرکزی با آنها بمن میرسید که مزید بر تاثرم میگردید. کم کم وزرای توده در دولت پیداشد که رویهمرفته وضع تاسف‌آوری را حکایت میکرد. در آنموقع من شرحی ببرادر وبرادر زاده‌ام نوشتم مبنی براینکه چنانچه تسلط توده‌ایها بمملکت بجائی رسید که دولت را در دست گرفتند وحکومت تشکیل دادند دیگر انتشار روزنامه اطلاعات را ادامه ندهید و تعطیل کنید .

خوشبختانه در این باره آقای قوام نقش خوبی بازی کرد. برای خلاصی از دامنه تحریکات وتقویت تشکیلات توده، داوطلبان وشیفتگان مقام وزارت توده‌ای را داخل کابینه کرد تامردم بافکار ونیات آنها آگاه شوند. سه وزیر از رؤسای آنها داخل دولت خود نمود وچندماهی نگذشت که روش آنها در دولت ودر وزارتخانها وادارات مشت آنها راباز کرد ورسوا شده و ازدولت رانده شدند وبعد از آنهم اختلافات داخلی خود، آنها دنباله پیدا کرد ودیگر نتوانستند خودرا جمع‌وجور کنند .

نمایندگی من در دوره پانزدهم مجلس

هیچ‌تصور نمیکردم که در انتخابات دوره ۱۵ با وجودیکه هزارها فرسنگ ازایران دور بودم بنمایندگی مجلس انتخاب شوم زیرا انتخابات این‌دوره دراختیار دولت بود وبدون اینکه آقای قوام ویادسته‌ای که با ایشان کارمیکردند موافقت نمیکردند کسی انتخاب نمیشد. حالا دراین‌باره شایعات وياحقايق بسيار ازسوء استفاده اشخاص وچگونگی اعمال‌نفوذ وافتضاح ورسوائیها گفته میشود که مورد بحث‌ما نیست . انتخابات تهران پس‌از کشمکش زیادی بجریان افتاد و جمعی از علاقمندان روزنامه اطلاعات وبستگان من مصمم شدند مرا انتخاب کنند . جلسات پرشور وحرارتی تشکیل دادند وبفعالیت دامنه داری دست زدند که آقای‌قوام ناچار شد کاندیدبودن‌مرانیز جزو کاندیدای حزب دموکرات ایران قبول کنند . چنانچه د و روز اول اخذ آراء هیچگونه اقدامی از جانب حزب‌برای نوشتن نام من در اوراق رای خود نشده بود وفعالیت انتخاباتی درباره من محدود باقداماتی بود که جمعیت و دسته متشکل اطلاعات وعلاقمندان بمن‌مینمودند که ازجانب‌طبقات مختلف نیز استقبال میشدو همین فعالیت‌ها موجب شد که آقای‌قوام برای پیش بردن کاندیدای حزبی خود با دسته متشکل اطلاعات ائتلاف نماید و از روز سوم دستور اضافه‌کردن نام‌من وحذف‌یکی ازکاندیدای حزبی که آن‌شخص هنوز ازاین پیش‌آمد ازمن رنجیده خاطر میباشد بحوزه‌ها صادر گردید وباین‌ترتیب من هم‌در ردیف کاندیدای‌حزب دمکرات‌برای نمایندگی تهران در دوره پانزدهم انتخاب‌شدم .

این عواطف و لطف وفداکاری که در آن‌روز جمعی از دوستان وخویشاوندان‌وعلاقمندان باطلاعات نسبت بانتخاب‌من نمودند مرا بیش از پیش بخدمتگزاری تایید نمود و رسیدن‌این‌خبر موفقیت آمیز بمن که نه کاندید شده بودم و نه اطلاع‌داشتم ونه‌تصور چنین‌موفقیتی‌را مینمودم محرك من‌در تسریع وتعجیل حرکت‌بایران‌شد زیرا از آن‌روز مسئولیتی درخود احساس کردم وتکلیفی برعهده‌ام محول شده بودکه با مصونیت میتوانستم بتهران بیایم و ادای وظیفه نمایندگی کنم .

بلافاصله پس از پایان انتخابات تهران‌حرکت کردم و درفرودگاه مهرآباد مورداستقبال‌شایانی‌ازطرف‌دوستان عزیز وطبقات مختلف اصناف وخویشان ومحترمین‌وهمکاران گرامی خودقرار گرفتم که آن‌منظره پرشور واحساسات را نیز هرگزفراموش نمیکنم ، همه این‌پیش‌آمدها مراتشویق وتائیدمیکرد که‌زودتر بکارمشغول‌شده وازنواقص و خرابی‌های کار که در هرمجلس ومحفلی ازآن‌صحبت بمیان میآمد مستحضر شوم ،

از همان‌روزهائی که دستجات بملاقات من میآمدند هریك مشگلات خود وعدم‌رضایت عمومی وشیوع فساد را بخصوص در ادارات توضیح میدادند واز مجموع مطالعات اولیه دریافتم که درسیاست خارجی وسیاست داخلی دولت آقای قوام‌موفقیت هائی نداشته‌اند وحال آنکه یکسال‌وچندماه‌بدون وجود مجلس ، بدون هیچگونه‌مشگل داخلی ، بااختیارات وسیعی قدرت ونفوذکاملی دردست گرفته‌و میتوانستندبرخیلی‌ازمشگلات وهرج و مرجهای داخلی فائق شوندو قدمهای وسیعی برای ترمیم خرابیها وزیانهای وارده برمردم بردارندو بالاخره وضع مالی و اقتصادی مردم ومملکت را بهترسازند متاسفانه او تماع آنروز که من بر آن‌واردشدم چنین‌نبود شوریدگی ادارات افزایش یافته وصحبت ازخریدو فروش‌جواز وسوء استفاده‌ها بحد شیاع رسیده‌بود ، درسیاست خارجی‌هم برخلاف امیدواریهائی که ملت ایران دربدو زمامداری آقای قوام‌داشتند وهمه‌از صمیم‌قلب ایشانرا پشتیبانی نمودندو تصور میکردند با آمدن ایشان آذربایجان فوراً تخلیه‌خواهدشد ، چنین‌نشد بلکه صحبت‌های دیگری پیش‌آمدو بالاخره هم بنا بتصمیم شخص اعلیحضرت همایونی به اعزام نیرو پس ازیکسال آوارگی و سرگردانی مردم آذربایجان وخسارات وارده بآن‌ایالت بزرك ایران موجبات‌دیگری‌نیز کمك کردوسبب استخلاص آذربایجان‌شد وحال آنکه‌اگر مجلس‌دوره‌چهاردهم بسقوط‌حکومت‌حکیم‌الملك‌قیام نکرده‌بودودوره‌فترت‌رابدست آن‌حکومت‌می‌سپردندویکدهم‌قدرت آقای قوام‌را حکیمی درکارهای داخلی اعمال مینمود ممکن بود موفقیت‌های بیشماری‌در سیاست خارجی و داخلی داشته باشند وبطور مسلم ازقسمت اعظم کارهای خلاف رویه وخلاف قانونی که دردوره فترت حکومت قوام واقع‌شد جلوگیری میکردید ووضع بآنصورت درنمی آمد که همه‌آرزوی‌تغییر دولت و خلاصی ازوضع شوریده و خراب آنروز رابنمایند.

از وقایع مهم بطور خلاصه میگذریم

من قصد ندارم تاریخ گذشته‌را تکرارکنم ویا وارد جزئیات وتفصیل‌وقایع‌شوم بلکه میخواهم آنچه را که در این حوادث ارتباط با اینجانب پیدامیکند بطور اختصار بعرض خوانندگان‌عزیز رسانیده و ازآن‌بگذرم.

اگر میخواستم آنچه‌را درظرف این۹سال دمکراسی برملت ایران گذشته است روی‌کاغذ بیاورم چندجلد کتاب می شد .

بعلاوه وظیفه من‌تاریخ نویسی نیست ، اداره اطلاعات درصدد برآمده است بمناسبت بیست وپنجمین سال روزنامه اطلاعات فهرستی از وقایع مهم این مدت را بضمیمه کارهائی که اطلاعات درطول این مدت انجام داده‌است جمع آوری نموده وبعرض خوانندگان‌محترم برساند قسمت پایان‌آن‌را خودبنده برعهده گرفتم تاچندقسمت مهم ومطالب دانستنی این مدت ۹ سال را بطور اختصار بعرض برسانم وبنا براین ذکرجزئیات حوادث ازبحث ماخارج است وبطول میانجامد وبهمین جهت خوانندگان عزیز ملاحظه فرمودند پس‌از ذکر تفصیلی چند موضوع ازحوادث‌شهریور ۲۰ باقی قضایا باختصار گذشت.

پس‌ازرد مقاوله نامه نفت،دولت قوام سقوط کرد

دربدو ورودم ازامریکا مقالات انتقادی شدیدی بخصوص دراطراف اوضاع‌مالی مملکت وبذل‌و بخشش‌های‌بیهوده وتقسیم‌رتبه ومقامات نوشتم وازرویه مرحوم‌هژیر وزیر دارائی وقت‌نیز انتقاد سخت نمودم ویادداشت های‌آن‌روز وپیشنهادات اصلاحی من‌مورد توجه‌عموم قرار گرفت‌ولی باوضعی که‌دولت بخود گرفته بودکوچکترین تاثیردردستگاه ادارات نمی بخشید.

بنابراین تحت تاثیر اوضاع واحوال آن روز بنوشتن مقالات وتذکرات لازم پرداختم ، یعنی در حقیقت پس‌از یکدوره کامل یکسال وچند ماه که روزنامه اطلاعات حمایت دولت‌را می‌نمود و این همکاری برای حل معضلات سیاسی کشور ونجات آذربایجان لازم‌بود بار دیگر رویه انتقاد پیش گرفت. این‌نکته‌را باید یادآورشد که‌درتمام دوره همکاری اطلاعات باحکومت مبارزات خودرا برعلیه مفسدین ومنفعت‌پرستان وعوامل اجنبی وخائنین کماکان همچنان ادامه‌داده وچندین‌بار بامشکلات بزرگی در مبارزات خود برضد اجنبی پرستان مواجه شده بودند که‌بیم حبس و گرفتاری های‌دیگر میرفته است، بالاخره روزنامه اطلاعات وارد خرده‌گیری وانتقاد ازرفتار دولت آقای قوام گردیدولی درعین‌حال چون‌مشکل‌مهمتری درپیش‌بودو آن حل‌مسئله نفت‌شمال ومقاوله نامه قوام‌وسادچیکف بود،توجه‌اینجانب معطوف مسئله نفت گردید که‌اول بایداین مشکل‌مهم حل گردد .

اولین کسی که پرده ازروی این‌کار درمجلس پانزدهم‌برداشت‌من‌بودم درنطقی که بمناسبت برنامه دولت آقای قوام درافتتاح مجلس‌ایراد نمودم صریحا گفتم که‌دولت باید درقدم اول‌تکلیف اینکاررا معلوم کند. ماصاحب

وممالك معادن ومنابع خود هستیم و نمیتوان بهیچوجه کشوری رامجبور کرد که امتیاز نفت خودرا بهرصورت و کیفیت باشرکت و بصورت سهام یاغیر آن تفویض کند. علاوه باید نقشه وسیعی برای بهره برداری نفت ازطرف دولت طرح گردد وسرمایه‌داران ایرانی دست باین کار پرسود بزنند وبالاخره دراین نطـق ازروش اولیای دولت شوروی انتقاد نموده وگفتم ماهم میخواهیم دارای همان احساسات وطن‌پرستانه‌ای که‌ملت شوروی دارا می‌باشد باشیم، ما نمیخواهیم بیگانکان‌را درامور اقتصادی‌ومنابع‌زرخیزخود شر کت‌ودخالت‌دهیم‌واضافه کردم که شرکت نفت‌جنوب هم که‌یك شرکت خارجی است متاسفانه حقوق ملی مارا تضییع نموده ومارا باشرکت باهراجنبی ترسانیده است وباید حقوق‌حقه خودرا نیزازآن شر کت بگیریم.

* * *

دولت هیچ مایل نبود روی این‌موضوع بحث شود، البته آقای قوام نمیخواست نفت بشورویها داده‌شود ولی مایل هم نبود موضوع دردستور قرارگیرد وتکلیف این‌کار زود مشخص شود زیرا حس کرده بود که اگر کارنفت حل‌شود موضوع دیگری برای بقادردست او باقی نمی‌ماند وحکومتش خواه‌وناخواه دوچار تزلزل‌میگردد بهمین‌جهت همه‌را منع میکرد ازاینکه صحبت ازنفت بمیان آورند ولی‌چیزی نگذشت پس‌ازآن نطق که‌درمحافل خارجی تاثیر بسیار کرد مقالات پیاپی اطلاعات ومطبوعات دیگر نیز کمك کـرد و دولت بحل این مشکلـی که درحقیقت مبتکر آن خود اوبود اقدام نمود والبته درقدم اول بـاز مایل بود مـوضوع به کمیسیـون برود وچندی بماند و کشمکش برسرنفت ادامه داشته باشد ولی یکعـده از نمایندگان جداباین فکر مبارزه کردند و گفتند فی‌المجلس باید تکلیف آن معـین شـود،دراین خصـوص هـمجدیت بسیار نـمودم ویکی از اعضـای سوکمیسیونی بودم که طرح مربوط به نفت را تنظیم وبمجلس‌پیشنهاد نموده‌وبتصویب رسید، نباید ازنظر دور داشت که آقای قوام نیزدررد لایحه کمك مؤثربود زیرا اکثریت مجلس ازنظر ایشان تبعیت میکرد ودراین‌باره حسن نیت داشت.

مقصود این بود مقاوله نامه‌ای که خود آقای قوام امضاء کرده‌اندخود ایشان هم لغو وباطل سازند بنابر این بعد ازانجام اینکار همانطور که پیش‌بینی می‌شد حکومت دوچار مخالفت‌های‌شدید گردید وچند نفرازاکثریت که داخل حزب دموکرات وبرگزیدهٔ حزب بودند استعفاداده خارج شدند وبراقلیت پیوستند وبالاخـره مجلسی که اکثریت آنرا خود آقای قوام انتخاب‌کرده بودبرعلیه خود اورای داد.واین‌سنت‌پارلمانی! درباره تمام نخست وزیرانی که‌مجلس تشکیل داده‌اند تعقیب گردیده،اول مرحوم فروغی ، بعدسهیلی ، بعد قوام، این اواخرهم‌ساعد

سومین‌دولتی که آقای حکیمی تشکیل داد

پس ازآقای قوام زمزمهٔ روی‌کارآمدن مرحوم هژیربود. من از کسانی بودم که بانخست‌وزیری‌اومخالف بودم ودلیلم اعمالی بودکه درحکومت قوام باهمکاری اوصادرشده بود. بااین عقیده خیلی از نمایندگان همـراه بودند ودرنتیجه کوشش جمعی ازنمایندگان حکومت آقای حکیمی روی‌کار آمد، این‌حکومت‌چون‌میخواست بحساب های‌گذشته قوام رسیدگی کند بعلاوه باکمال علاقه وصداقت بندوبست‌های گذشته راپاره میکرد وقدمهائی مفید برای مردم برمیداشت مورد مخالفت شدیدکسانی واقع شد که منافعشان متزلزل گردیده بودوحمایت‌ازحکومت قوام را برعهده گرفته بودند باینجهت حکومت مزبور که یکی ازبهترین حکومت‌های‌دورهٔ ۹ساله‌دموکراسی بود عمری نکرد وپس ازچهارماه سقوط نمود وکسی که درآستان نخست وزیری مشغول فعالیت‌بود(مرحوم‌هژیر) باین سمت برگزیده شد.

حکومت هژیر هیچگونه توفیقی حاصل نکرد

خیلی‌ها تصورمیکردند که هژیردربست نخست‌وزیری موفقیت‌های بزرك حاصل خواهد کرد ولی از قدم اول وتشکیل دولت نامتناسب وناموافق اومعلوم شد توفیق پیدا نخواهدکرد بخصوص اینکه با مخالفت شدید طبقات مردم بسرپرستی آیت‌الله کاشانی مواجه گردید. درچند ماه حکومت هژیر نه فقط کاری‌مفید انجام نگرفت بلکه روی تزلزل وسستی اوکارهائی که زیان‌آوربود صورت پذیرفت واطلاعات بلحاظاینکه مانع پیشرفت کار دولت نشود یکی دوماه سکوت نمود وبتقدیم پیشنهادات ونظریات مفید اکتفاورزید ولی بعد نـاچار بانتقاد پرداخت ومقالاتی دراطراف وضع دولت وعدم پیشرفت کارها منتشر نمود وبالاخره مـوقعیت دولت در مجلس متزلزل گردید و کناره‌گیری جست.

حکومت ساعد دوام کرد چون انتخابات آینده رادردست گرفت

این بار ساعد شانس آورد یعنی تاپایان عمردوره پانزدهم روی کار باقی‌ماند وبعدهم ماند تاانتخابات را انجام دهد. هنگامی که‌قرار بود مجلس رای تمایل بدهد دو نظر برای مجلسیان پیداشده بود یکی تمایل بآقای ساعد ودیگری تمایل بآقای منصور ولی آراء ساعدچربید وبرای‌ایشان فرمان صادر گردید وبعدازاو منصورروی کار آمد، وقتی بعقب بر گردیم می‌بینیم همین وضع‌هم موقع ابراز تمایل درباره هژیرپیدا شدیعنی ساعد بعدازهژیر برای نخست‌وزیری شانس‌داشت وحائزرای‌عده‌ای‌از نمایندگان بود وقتی هم برای حکیمی اقدام میشدنخست‌وزیر شود رقیب اوهژیر بود وبعدازحکیمی رای‌زیاد داشت. باین ترتیب نخست‌وزیران یکی پس‌ازدیگری بهمین کیفیت درآستان زمامداری قرار میگرفتند جزحکومتی که امروز روی‌کاراست. نسبت باین حکومت چندماه پیش که نمایندگان علی‌الرسم پس ازافتتاح مجلس حکومت ساعدرا ساقط نمودند ومنصور را انتخاب نمودند هیچ صحبتی از سپهبد رزم‌آرا نبود وغیرازمنصور، مجلس نظری بدیگری اعلام‌نداشت که‌درآستان نخست‌وزیری قرار گیرد.

بعلاوه ازموقع تشکیل حکومت ساعد که‌دراواخر دوره پانزدهم روی کارآمد وضع انتخاب نخست‌وزیرو گرفتن نظر تمایل مجلس نیز تغییر کرد ودیگر رای گرفته نشد یعنی آنچه‌رادرسابق عمل‌میشد وتمایل مجلس بصورت‌اخذ رای مخفی نمایندگان معین میکردید بوسیله استعلام و استمزاج کلی بفرمان ملوکانه صورت گرفت، همینقدر که چند فراکسیون مجلس ابراز میل نسبت‌بانتخاب شخصی نمودند ویابطور کلی معلوم‌میشد که‌فلانی اکثریت درمجلس دارد اعلیحضرت همایونی دیگر انتظار تشریفات اخذرای مخفی‌را که‌فقط ازچندسال باینطرف معمول شده‌بود نمی‌کشیدند وفرمان نخست‌وزیری صادرمی‌نمودند، کابینه‌ساعدوکابینه منصور وکابینه رزم‌آراء بهمین ترتیب انتخاب وتشکیل گردید ودرحقیقت آن‌سابقه موقوف شد.

حکومت ساعد ۱۷ ماه دوام کرد، چندبار کابینه دوچار تغییر گردید وعده‌ای از وزیران عوض شدند ولی‌دولت ایشان باقی‌ماند زیرا انتخاب دوره۱۶ را دردست گرفت. ماههای آخردوره مجلس جمعی‌از نمایندگان درصدد برآمدند دولت را بیاندازند ولی چون دولت بمجلس بلحاظ دردست گرفتن انتخابات مسلط شده بود وضعف فوق‌العاده‌ای برمجلس بهمین نظر که نمایندگان میخواستند دولتی را که روی کاراست وانتخابات رادردست داردراضی نگاهدارند تادوباره انتخاب‌شوند مستولی شده‌بود باین‌جهت نتوانستند کاری صورت بدهند وحتی تمایلات دولت رادر قسمت وضع‌قوانین بیش‌از انتظار دولت‌انجام میدادند وقوانین درآخر دوره مجلس پانزدهم باسرعت غیرقابل تصوری میگذشت!

سوءقصدنسبت باعلیحضرت تغییراتی بوجودآورد

واقعهٔ تاسف آور۱۵ بهمن ۱۳۲۷ که‌در روز های اول حکومت ساعد رخ‌داد یکی‌از عوامل مؤثر بقای دولت ایشان گردید، دراثرآن حادثه تغییرات زیادی در اوضاع واحوال کشور بوجود آمد، این پیش آمد که‌شلیک ۵ تیربسوی اعلیحضرت و اصابت آن‌بکلاه ولباس وصورت ایشان‌بودکه خوشبختانه بخیر گذشت وبخواست خداوندی بسلامت جستند باعث گردیدکه جلوی هرج ومرج گرفته شود حزب‌توده منحل گردد وتبلیغات مسموم کننده آنها تعطیل شده واز هر گونه فعالیت که بزیان کشور تمام میشد جلوگیری گردد وبراثر این‌حادثه توجه خاصی ازطرف ملت‌ایران معطوف اعلیحضرت همایونی گردید وبالنتیجه شاه درصدد برآمد اختیارات قانونی‌خودرا توسعه دهد و مجلس پانزدهم مقدمات این کار را باموافقت در تشکیل مجلس مؤسسان وگذراندن قانون تشکیل مجلس سنا فراهم آورد.

حکومت ساعد ازاین فرصت وبادر دست داشتن اختیارات وسیعی که‌از ضعف مجلس وحادثه ۱۵بهمن بدست آورده‌بود خیلی میتوانست کارهای مفیدانجام دهد ولی متاسفانه درحکومت طولانی ایشان‌هم قدم‌مؤثر ومفیدی که قابل ذکر باشد برداشته نشد واوقات کشور کماکان روزمره گذشت و کم کم عدم رضایت عمومی ازاینکه برخلاف انتظار ووعده هائی که‌داده میشدکاری صورت نمیگرفت شدت‌یافت ودرموقع انتخابات تهران این‌عدم رضایت کاملا ظاهروآشکار گردیدومردم بمنظور مخالفت صریح واظهار عدم‌رضایت هواخواه مخالفین جدی‌دولت شدند.

اطلاعات‌طرفدار تفویض حق انتخاب بباسوادان‌است

یکی‌از هدفهای روزنامه اطلاعات تقویت روح دموکراسی درملت وتفویض حق‌مردم بخود مردم‌است که‌دراین باره مقالات بسیار منتشر ساخته و معتقدم که حکومت نیمه دموکراسی و نیمه دیکتاتوری بدرد نمیخورد اگرمیگوئیم حکومت ملی ومشروطه میخواهیم باید حکومت کاملا دردست ملت باشد ووضع فعلی‌این منظوررا

تأمین نمیکند ومردم درحال حاضر نمیتوانند ازحق مسلم ومشروع خود در حکومت ملی استفاده کنند یعنی نمایندگانی که بمجلس میفرستند بی غل وغش و بی مداخله دولت روی طیب خاطر وتمایلات خود مردم باشند تاآن وکیل مجلس هم بداند باید رضایت خاطر مردم را فراهم آورد نه رضایت خاطر اولیای امور را - متاسفانه قانون کنونی انتخابات روح آزادی انتخابات ودموکراسی را کشته و انتخابات رابدست ارباب نفوذ وصاحبان زروزور ومداخلات مامورین دولت سپرده است.

ازکارهای خوب دولت ساعد تقدیم لایحه‌ای بودبرای اصلاح قانون انتخابات وتفویض حق رأی بباسوادان تاانتخابات ازچنگال متنفذین و مامورین دولت خارج شود، اطلاعات دراین باره پافشاری کرد ومن درمجلس نسبت به پیشرفت این کار تاجائی که با مخالفین دست بیقه میشدم پافشاری کردم وازهیچگونه تهدید وتوهین وحملات دربعضی جراید واهمه نکردم وبابکعده اشخاصی که در مجلس ۱۵ صمیمانه نسبت باین موضوع کمك میکردند همکاری مینمودم ولی پیدا شدن مخالفت درخود دستگاه دولت از یکطرف وپیش کشیدن لایحه نفت ازطرفی دیگر سبب شد که این قانون مفید درمجلس دفن شود. اماچون اکثریت نمایندگان مجلس شوری بانتخابات سنا علاقه‌ای نداشتند ودراین کار ذینفع نبودند قانون انتخابات سنا باتفویض حق رای بباسواد ها بدون چون وچرا تصویب شد وانتخابات سنابرای اولین دفعه باشرکت طبقه باسواد صورت گرفت.

انتخابات سنا در تهران جریان منظم ومرتبی داشت وچون بی سابقه بود عده شرکت کنندگان خیلی زیاد نبود ولی از آنچه شرکت کردند نتیجه خوب بدست آمد وکاملا وضع نشان داد که انتخابات در کمال آزادی و نظم وترتیب انجام گرفته وجاروجنجالی پیرامون آن برنخاست ولی متاسفانه بواسطه عدم دقت در تصویب این قانون نقص فاحش در آن دیده شدکه همان نقص موجب گفتگوهائی گردید وآن انتخاب ۷۵ نفر دردرجه اول و ۱۵ نفر در درجه دوم بود وحال آنکه میبایستی قانون مزبوریکدرجه باشد یعنی تانفر پانزدهم هر کس دارای اکثریت بود انتخاب گردد، حالا امید میرود این نقص ونواقص دیگر قانون مزبوررا خود مجلس سنامرتفع سازد .

اعتراض اطلاعات بانتخابات تهران برای اصلاح قانون انتخابات بود

اما انتخابات مجلس شورای ملی درتهران بواسطه نواقص فاحش قانون انتخابات وراههائی که برای مداخله واعمال نفوذ باز است باعدم رضایت وکشمکش وجنجال شروع گردید . یك بار انقدر افتضاح ورسوائی درصندوقها شد که افکارعمومی متنفر وبیزارشد واطلاعات درسرمقاله خود پیشنهاد کرد این آراء مورد اعتماد مردم نیست و انجمن نظارت باید انتخابات را باطل کند وانجمن نتوانست ازچنین جریان انتخاباتی حمایت کند، باردوم وضع بهتر بود ولی علائم وآثار بارز شرکت دستجات بی سواد وخرابکاری درانجمن هاظاهر بود .

درجریان انتخابات این دورهٔ مجلس بواسطه علاقه شدیدی که بگذشتن قانون انتخابات جدید وتفویض حق رأی بباسوادها داشتم دوسه بار مقالاتی پیرامون انتخابات تهران انتشاردادم وازجریان انتخابات انتقادکردم و نوشتم با این وضع مردم حقیقی وطبقه باسواد شرکت نمی کنند وبازهم آراء عمله‌ها ودهاتی‌هائی که باکامیونها می‌آورند بصندوقها ریخته میشود ومیخواستم نتیجه بگیرم که تا انتخابات بدست طبقه با سواد سپرده نشود نمی‌توان اطمینان داشت که انتخابات خوب انجام گیرد این اظهارعقیدهٔ من ومقاله‌ای که هنگام شروع انتخابات به مناسبت تصمیم آقای دکترمصدق بتحصن درربار انتشاردادم واز آن روش نیزانتقاد کردم و گفتم عیب از قانون است، بیائید اصلاح قانون را بخواهید ازتحصن واجتماع که ممکن است نتایج وخیمی هم دربرداشته باشدچه حاصل می‌شود متأسفانه این دومقاله باعث گردید که چند ماه برمن بتازند وحال آنکه مقصود من از این دومقاله بهیچوجه مخالفت باآقایان اقلیت نبود بلکه انتقادی بود که درحکومت مشروطه ودموکراسی حق مسلم ومشروع هرفردی است که میتواند نظریات خود را بگوید وانتقاد بجاآورد، من چیزی نگفتم . من پس ازچندماه که همه روزنامه های تهران ازافتضاح ورسوائی انتخابات تهران مینوشتند نوشتم آری این افتضاح وجود دارد وصحیح است و نتیجه خرابی وبدی قانون است واز این قانون بد همه استفاده میکنند زیرا آرائی که بصندوقها ریخته میشود اکثراً ازطرف مردم بیسواد وبی اطلاعی است که بنفع همه دستجات داده میشود وباید هردوسه دسته و همهٔ وکلا درآینده تصمیم بگیرند این قانون را اصلاح کنند.

این دومقاله را بعضی از همکاران جنبهٔ مخالفت باآقای دکترمصدق ودسته اقلیت بآن دادند و چند ماه من وروزنامه اطلاعات را موضوع مقالات واخبارروزنامه های خود قرارداده بودند وباکمال بی انصافی بمن حمله کردند وحال آنکه بهیچوجه نظرمن مخالفت شخصی نبود بلکه انتقادات اصولی وکلی بود .

البته من درجریان انتخابات تهران با آنها همکاری نداشتم ولی این عدم همکاری مشروع نه حق مسلم من در حکومت مشروطه است وقطعا مبتنی بردلایلی است که نزدخودم ثابت ومبرهن میباشد دلیل بر این نیست که

آنها چنان رویه تندی نسبت بمن پیش گیرند. البته من همچنان رویه اعتدال وبیطرفی را حفظ و بهیچوجه برله یابر علیه کسی در انتخابات تهران چیزی ننوشتم.
چنانچه خوانندگان محترم ملاحظه فرمودند درتمام مدت جریان انتخابات غیراز همین دو مقاله انتقادی که ذکرشد وموجب اینهمه هیاهو وگفتگو وجدال گردید دیگر بهیچوجه پیرامون قضیه ننشته و در برابر انتشارات زیادی که برعلیه من داده میشد حتی یك سطرهم جواب ندادم زیرا مبارزه انتخاباتی بود ومن میدانستم که مقصود کوبیدن من است که دیگران حساب کارخودشانرا بدانند وبا آنها مخالفت نکنند منهم اطاعت کردم وساکت و آرام هفته‌ها وماهها بردباری کردم که آقایان کار خودشانرا بدون هیچ عائق و مانع ومخالفتی از طرف من و روزنامه اطلاعات ادامه‌دهند تابعدها برای خودشان ثابت شود که، من هرگز سرستیز ومخالفت با هیچکس نداشته واطلاعات هیچوقت از رویه اعتدال و بیطرفی خارج نشده ونمیشود چنانچه ملاحظه کردند که بعدازخاتمه مبارزات وجنجال‌ها همینکه درمقام رسمی جای گرفتند مطالب وگفتگوهای آنها ضمن جریانات مجلس مثل همیشه بدون کمترین اعمال نظر وبدون حشووزوائد وکم و زیاد واعمال غرض تا جائی که مخبرین پارلمانی اطلاعات قادر بضبط مطالب هستند انتشار داده شد ودر آینده نیز همین رویه بیطرفی و کناره جوئی از جنجال ومبارزات ادامه خواهدداشت و باز هم اگرخدای نخواسته تعرضاتی بمن واطلاعات بشود، عادت ورویه دیرینه و پنجساله را ازدست ،نخواهیم داد.

تشکیل دفتر قضائی در اداره اطلاعات

درهمین اوان که بعضی جراید بمنظور پیشرفت کار انتخاباتی برمن می‌تاختند ولی درعین حال اصول ونزاکت را پاره‌ای آنها رعایت می‌نمودند چند روزنامه فحاش هم همینکه سیل حمله بطرف مرادیدند موقع را مغتنم شمرده هریك برای مقاصد خاص وتحریکاتی که میشد مراهدف وموضوع مقالات ومطالب روز خود قرار دادند و بقدری افتضاح و رسوائی بار آوردند و باندازه‌ای ازسکوت من وعدم تعقیب استفاده کردند که هرروز کاریکاتوری از من می‌کشیدند و بر سرکوی و بازار فریادمیزدند.
در این موقع کارمندان اطلاعات ازبردباری و تحمل من بستوه و بصدا در آمده و گفتند حیثیت وحقوق ما بستگی بشما وروزنامه اطلاعات دارد وماهرگز نمیتوانیم این همه فحاشی وهتاکی را تحمل کنیم واگر شما فکری برای جلوگیری نمی‌کنید ما ناچاریم عکس العملی ازخودظاهر سازیم، چراساکت باشیم وازحق و حیثیت و مقام خود دفاع نکنیم بالاخره پس از تبادل نظر تصمیم گرفتم ازراه حقوقی وقضائی در مقام استیفای حق خود برآیم نه از راه هوچیگری وجنجال. این بود که دفترحقوقی و قضائی دراداره اطلاعات ترتیب دادیم و یکی از وکلای درجه اول ومبرز دادگستری را برای ارجاع دعاوی خود انتخاب کردیم وقرارشد شعبه قضائی اطلاعات هرروزنامه فحاش را طبق قانون مورد تعقیب قراردهد،

چرا جواب روزنامه‌را با روزنامه نمیدهیم؟

درضمن نظریاتی که کارمندان اطلاعات میدادند. پیشنهادی هم کردند که زیربار نرفتم وآن دایر کردن یکی دو روزنامه برای مبادله جواب بود که این کار خیلی ساده وآسان و کم خرج وبرای مصون بودن ازفحش اسلحه خوبی است، گفتند ما خودمان هر کدام قادر بانتشار واداره کردن یك روزنامه هستیم اما چون پرنسیب اطلاعات را میدانیم خود مبادرت باین کار نمی‌کنیم، از روزنامه هائی که در دسترس همه هست استفاده می نمائیم. برای یك هفته، یك ماه بیشتر کمتر هرمدت لازم باشد در اختیار می گیریم و اضافه کردند شما می بینید خیلی از روزنامه ها هستند که نسبت بهم کاری ندارند دلیلش همین است که از یکدیگر حساب می‌برند اگر فحش داده شد پشت سرآن جواب داده میشود وشما اگربیائید یکی دو روزنامه برای دفاع اطلاعات حاضر داشته باشید همیشه راحت خواهیم بود و اینطور بی‌پشت وپناه نیستیم گفتم بهیچوجه این نظریات شما را نمی‌پسندم من ۹ سال است فحش می‌خورم ویا مورد حمله و تعرض مطبوعات مخالف قرار میگیرم ودرتمام این مدت نه حاضر بمعامله متقابل شده ام ونه درمقام سازش و تسلیم برآمده ام برای اینکه نقطه ضعف ندارم تا واهمه داشته و دراثر فشارتعرض وفحش کنار بیایم. آنهائی کنار می‌آیند، آنهائی تسلیم میشوند، آنهائی حاضر بقبول توقعات میشوند که نقطه ضعف دارند علت اینکه سرسختانه باهرکس در موارد مشکل و حساس بی انکه تحت تاثیر ونفوذ شخص یا مقام باشم مبارزه اصولی و مملکتی کرده ام که خدارا گواه می گیرم درهرموقع وموردی از نظرهای شخصی وغرض های خصوصی دور و بر کنار بوده ام همین است که نقطه ضعف ندارم تا از کسی بترسم نه رشوه گرفته ام نه خیانت وجنایتی ازمن سرزده نه پول دولت را خورده ام نه مقام ومنصب خواسته ام نه حقوق کسی را پایمال کرده ام، من که راه خود را راستی و درستی وهدف وآرمان خویش را سعادت ملت و ترقی کشور ایران قرار داده ام و در زندگی پیوسته مورد عنایت ولطف ومحبت هممیهنان عزیزم بوده ام و مردم مخارج مرا باتشکیلات

وسیع این مؤسسه از روی کمال میل وطیب خاطر ازراه اشتراك وخرید نشریات اطلاعات میدهند وازمن پشتیبانی میکنند و مرا درپیشرفت کار وهدف خود تقویت می نمایند چرا ترس داشته باشم و برای چه روزنامه فحاشدایر کنیم و خود را آلـوده جریانات ناپسند سازیم،چـه پشت وپناهی بهتر از صداقت و درستی وپیروی از راه حقیقت و میهن پرستی که قطعا مورد حسن استقبال عامه قرار می گیرد . مگر ما موفقیت خودمان را جز باتعقیب همین خط مشی از راه دیگر بدست آورده ایم؟

همه تصدیق کردند وهمین رویه راپسندیدند وقرارشد درآینده هم مثل گذشته پیرامون تدارك وسایل مبادله جواب اتهامات وهتاکیها نباشیم وهمچنان بابی اعتنائی وخونسردی رفتار شود منتها درموارد ضرور از راه محاکم قضائی احقاق حق شود .

از جرایدی که بی ریا ازما دفاع کرده اند تشکر میکنیم

من دراینجا لازم میدانم ازچند روزنامه ایکه درجریان وقایع سال گذشته وسیل تهمت وافترا و فحاشی بدون هیچگونه آشنائی وبدون اینکه ازآنها توقع وتقاضائی کرده باشم وهمچنین درموارد مختلف سال های پیشدر مقام دفاع از اینجانب برآمدند وبکسانی که ناحق مرا مورد تعرض وحمله قرار داده بودند بامتانت ومنصفانه ، نه فحاشی وهتاکی، جواب های منطقی دادند صمیمانه تشکر کنم. هرگز این علاقه واحساسات بی ریای چندتن همکار عزیز خودرا فراموش نمیکنم وهمین علائق وبروز عواطف است که مرا بیش از پیش درادامه خدمات صادقانه فرهنگی خود تایید وتشویق مینماید .

خیلی از مطبوعات باروزنامه اطلاعات درمسائل کلی وعمومی کشورهم آهنگی می نمایند زیرا میدانند که اطلاعات غرض خاصی درو قایع جاری کشور بخرج نمیدهد ودردوران چندسال خدمت خود ثابت کرده است که پیرومصلحت جامعه بوده وازحدود حفظ منافع مملکت تخطی وتجاوز نکرده است باینجهت اعتماد دارند که وقتی موضوعی راطرح نمود روی صلاح مردم است باینجهت کمك میکنند تاآن موضوع پیشرفت نماید واین هم آهنگی نیزشایان توجه وحکایت فرط توجه وعلاقه مطبوعات وزین وخوب بامور کشور مینماید که اغلب درمسائل ملی و مملکتی همفکری و همکاری می نمایند ومن خوشوقتم که بابسیاری ازجراید ملی دوستی وهم آهنگی درامور کلی دارم ولی هیچوقت ازدوستان مطبوعاتی خودتوقع نکرده ام که ازحقوق خصوصی من وروزنامه اطلاعات که دستخوش هوی وهوس مخالفین من قرار می گیرد دفاع نمایندوهیچیك از آنهاهم تاکنون دیده نشده است که دراین مقام برآیند بنابراین پیدایش چند روزنامه ازمیان این همکاران عزیز که هم بعقاید وافکارمن اعتماددارند و نظریات مراپیروی میکنند وهم برخلاف انتظار مدافع حقوق خصوصی من قرار گرفته اند قابل توجه واقدام آنها شایان تقدیر وموجب امتنان و تشویق من است اگر بگویم که بعضی از این مدیران جرایدی که بخصوص ازجریان سال پیش چنین اظهار عقیده نسبت بمن کرده اند هنوز آنهارا ندیده ام ونمی شناسم دروغ نگفته ام بهمین جهت است که احساسات پاك آنهارا تقدیس میکنم .

مدت کوتاهی روزنامه مشعل را دایر کردیم

این نکته را هم ناگفته نگذارم که درطول این مدت ۹ سال یکبار ما بانتشار روزنامه ای کـه مدافع و جواب گو باشد مبادرت کردیم وآن درسال ۱۳۲۱ بود که روزنامه مشعل بمدیریت آقای صاعدی که ازکارمندان صدیق و قدیمی اطلاعات هستند انتشار یافت. این روزنامه دربدو امر با متانت نوشتجات جراید مخالف راجواب میداد و روزنامه وزین و آبرومند وپر انتشاری شده بود و درمورد مخصوص یعنی جواب گوئی هم مؤثر واقع شدولی کم کم واردمبارزه گردید ومیرفت همان رنگ را پیداکند ومن متوجه شدم که این کار بمصلحت ما ومملکت نیست نه شأن اطلاعات است که داخل مبارزات شخصی شود ونه آقای صاعدی قبول میکنند که روزنامه او چنین سبکی را داشته باشد بعلاوه مانباید باب فحش وهتاکی را باز کنیم ومقتضی نیست باین اوضاع آشفته وآتش اختلاف ونفاقی که افروخته شده است ماهم دامن بزنیم این بود کـه مشعل تعطیل شد ودیگرهم انتشار نیافت ودرتمام این مدت هرگـز پیرامون این فکر نگشتیم که روزنامه مشعل یاروزنامهٔ دیگری رابرای جوابگوئی حاضر کنیم وترجیح دادیم ساکت بمانیم ودرصورت لزوم ازمراجع قانونی ودستگاه قضائی کشور استمداد طلبیم ولی متاسفانه همه اینطور فکر نمیکردند وحتی این رویه مضررا بعضی از حکومت هائی که روی کار میآمدند پیش میگرفتند، یعنی وقتی سرکار میآمدند چند روزنامه برای نگاهداری خود دایر میکردند وآنهارا بجان مخالفین خود میانداختند ویکی ازاین حکومتها دراینباره خیلی افراط کرد وبازار هووجنجال را آشفته تر ساخت وقسمتی ازهرج ومرج مطبوعاتی امروز که مدیران جراید ملی ومتین خون دل میخورند، زیرااین وضع بموقعیت عمومی ومقام مطبوعات لطمه شدیدی وارد ساخته است، ازآن زمان بوجود آمد وبعدها رواج بیشتری یافت.

تهران مصور بستگی سیاسی بااطلاعات نداشت

خلاصه، لازم بود باطلاع خوانندگان عزیز برسانم که مؤسسه اطلاعات بجز انتشارات خود که عبارت است از اطلاعات یومیه، اطلاعات هفتگی، اطلاعات ماهانه، ژورنال دوتهران واطلاعات هوائی هیچگونه نشریه وابسته بخود ندارد، سالها همه تصور میکردند تهران‌مصور بستگی سیاسی وهمکاری نزدیك بااطلاعات دارد ومقالات و مطالب آن باجلب نظر ویادستور اداره اطلاعات تدارك می شود، این اشتباه از اینجاناشی شده بود که شالوده تاسیس این روزنامه هفتگی درادارہ اطلاعات ریخته شد ودرآنجا بچاپ میرسید ومرحوم دهقان بواسطه سوابق اداری که دراین مؤسسه داشت ودوستی زیادی که دراداره اطلاعات باکارمندان این اداره داشت باهمه همکاری میکرد وهمه نیز باآنمرحوم همکاری داشتند ولی پس اززمان کوتاهی مرحوم دهقان مستقلا امور آن مجله‌را در دست گرفت وروی سیاست ونظرشخصی خود پیش میبرد، خیلی اتفاق میافتاد که درموارد مختلف ومسائل مملکتی ازنظر اصول هم‌آهنگی وهمکاری بین روزنامه اطلاعات وآن‌مجله وجود داشت همانطور که بابسیاری ازجراید این هم عقیدگی و همفکری طبیعتا پیدامیشد ولی ازلحاظ سیاست عمومی ومندرجات آن و مطالبی که برله وعلیه اشخاص نوشته میشد که گاهی ممکن بود صورت تعرض وحمله بخود بگیرد تحت تاثیر اراده شخصی خود بود و ارتباط بامن و روزنامه اطلاعات نداشت و باکمال تاسف این قضیه برای من ایجاد مشکلی کرده بود زیرا کسی از من قبول می‌کرد که سیاست وروش تهران مصور بستگی وارتباط بامن ودستگاه اطلاعات ندارد من دراینجا نمیخواهم ازخط مشی وروش سیاسی او انتقاد کنم بلکه میخواهم متذکر شوم که ذوق و سلیقه من‌درنامه‌نگاری وحفظرویه اعتدال، آن‌نبود که‌تهران‌مصورداشت، بعضی اوقات که‌مطالبی برله وعلیه‌اشخاص درآن مجله نوشته میشد موجب رنجیدگی خاطر اشخاص می گردید بمن مراجعه میکردند ودفاع من دربی‌اطلاعی ازآن مطالب‌بی‌نتیجه بود زیرا هرگز باور نمیکردند که‌مندرجات مجله زیرنظر من وکارمندان اطلاعات نمیباشد.

بالاخره دراسفند ۱۳۲۷ مرحوم دهقان دراثر اختلاف‌حسابی که باچاپخانه پیداکرد مجبورشد طبع‌تهران مصوررا بمطابع دیگر ارجاع کند. من‌ازاین پیش‌آمد خرسند شدم که باین وسیله توهم بستگی و ارتباط شدید بین تشکیلات وخط مشی‌آن مجله با روزنامه اطلاعات ازبین‌میرود، متاسفانه همین پیش‌آمد وعدم طبع مجله در چاپخانه شرکت سهامی چاپ موجب‌گردید که مرحوم دهقان رنجیده خاطرشود ودرصدد برآمد دوستان قدیم خود را رنجیده خاطرسازد، نتیجه این شدکه درطول سال گذشته نسبت بمن ومؤسسه‌ای که باوکمال علاقه و محبت راداشت راه غیردوستانه‌ای پیش گرفت،

منظورم ازذکرموضوع بالا تأیید این‌نظر بود که‌روزنامه اطلاعات ازبدوانتشار گرد تدارك ارگن او ایجاد روزنامه‌های وابستهٔ بخود که امری بسیارساده بوده است نگشته وآنقدر دراین مورد راه میانه روی‌پیش گرفته است که حتی نشریه خوب تهران مصورراهم که گاهی جنبه افراطی پیدامیکرد مایل‌نبود ارگان و بستهٔ باطلاعات بدانند.

زندگی نامه نگاری ما بدو مرحله تقسیم میشود

دو مرحله بارز و مشخص در دوره حیات ۲۵ ساله روزنامه نویسی اطلاعات دیده میشود: یکی دوره انتشار شانزده ساله اطلاعات است مقارن با حکومت اعلیحضرت فقید که وقتی دوره‌های جلد شده این ۱۶ساله را ورق بزنیدوزیر ورو کنید می بینید که‌کارمندان اطلاعات درعین اینکه بواسطه رژیم‌آن‌حکومت مقید بوده اند هیچگاه در انجام وظائف و تکالیف ملی و اجتماعی خود غفلت نکرده و درهرشماره علاوه بر مقالات و اخبار که کمك بآشنائی مردم باوضاع و احوال‌عمومی جهان مینمود یك رشته مطالب سودمند اجتماعی و اخلاقی وصحی و راهنمائی های دینی درآن جای داده اند که چگونگی انتشار و خوبی مندرجات روزنامه عامل مؤثری بوده است تا مردم باین روزنامه توجه پیداکنند وهمین حسن استقبال چه درآن زمان وچه در حال حاضر سبب توسعه و پیشرفت مؤسسه اطلاعات‌گردیده است و الا مگر در زمان اعلیحضرت فقید ویا حالا مردم را مجبور کرده ایم که اطلاعات و سایر نشریات ما را خریداری‌کنندبنابراین چیزی که باعث این علاقه وتوجه و لطف باین‌مؤسسه شده، که‌مردم‌آن را از خود میدانند،همین خط مشی و روش بیطرفانه و عاری از جنجال و درعین حال انتشار مطالب دقیق وصحیح از منابع موثق وسعی درتنظیم وترتیب مقالات وانعکاس نظریات مردم وتقدیم پیشنهادات مفید و رسانیدن آخرین اخبار مهم جهان بخوانندگان محترم است که وقتی‌اطلاعات را دارند ازهمه جا وهمه‌چیز باخبر میشوند بعلاوه چند مطلب سودمند هم درآن مییابند.

ما همین روش‌را در دوره نه‌ساله دمو کراسی تعقیب‌کردیم اما با یك تفاوت فاحش وآن انعکاس مبارزات

و کشمکش های سیاسی و امور داخلی کشور بوده است که چون پس از رضاشاه امور مملکت از جاده خود منحرف گردید ناچار روزنامه باین مسائل که موضوع روز بود پرداخت، باین جهت در تمام این مدت کمتر بیک کار مفیدی که از آن ملت ایران بهره‌مند شود برمیخورید ، قسمت مهم ستونها صرف کشمکش و جدال و زد و خوردهائی بوده است که درمجلس و خارج از مجلس ، بین دولت ومجلس و مردم وجود داشته و ناچار روزنامه تمام این وقایع را منعکس ساخته است ، بنابراین با کمال تاسف باید بگوئیم که دردورهٔ نه ساله حکومت دموکراسی مطلب برجسته ای که قابل ذکر بود و اثرات مفیدی از آن‌مترتب شده باشد وجود ندارد ، البته خیلی اتفاقات مهم روی داده و تصادفات بزرگ برای کشور چه در زمان اشغال وچه بعدها پیدا شده ولی نفاق و تشتت و اختلاف آنقدر توسعه داشته که از حوادث و پیش‌آمدها کمترین استفاده ای نشده و بیگانگان در پرتو این بهم ریختگی و اختلاف خوب توانستند استفاده کنند .

باری ، اطلاعات خوشبختانه درهردو مرحله‌از حیات‌نامه‌نگاری موفق شده‌است خودرا از هرشائبه بر کنار داشته وفقط‌بانجام وظایف‌ملی‌خود بپردازد ، چه فرصت‌ها دردست داشته وچه‌موقعیت ومقامات تفویض میشده که همه‌را چشم‌پوشیده‌ایم تااز تکالیف اجتماعی‌خود انحراف حاصل نکنیم .

اطلاعات عضو دستگاه حاکمه نیست

ازجمله تبلیغاتی که متاسفانه درظرف نه‌سال اخیرروی حقدوحسد برضدما شده‌این است که گفته‌اند اطلاعات عضودستگاه حاکمه‌میباشد . آنهائی که این‌حرف رابرای من‌ساخته‌اند اگر بوجدان‌خود مراجعه کنند خجل‌میشوند زیرامیدانندکه دروغ‌میگویند ولی‌این دروغ‌را برای‌پیشرفت منظورغرض‌آلود خودی‌سازند وباین‌وسیله میخواهند بغض‌مردم را که‌اغلب نسبت‌بدستگاه دولت‌وجود دارد متوجه‌اطلاعات نیزسازند وطبیعی است مردمی که قسمت‌اعظم بدبختی خودرا ازضعف‌وسستی واهمال کاری وبی‌لیاقتی حکومتهاکه دربرابر مطامع واغراض اشخاص متنفذ تسلیم بوده‌اند میدانند وقتی می‌شنوند که اطلاعات همکاراین‌گونه حکومتها بوده‌است،آنهائی که مارا خوب نمی شناسند متأثرمی‌شوند ونظربد بمن‌پیدا میکنند ووقتی‌یك مطلبی بکرات گفته‌شد وازطرف اطلاعات هم‌بسکوت برگذارشد، این‌سکوت علامت رضایت تلقی‌می‌شود ومطلب دردل‌بیشترمردم جای میگیرد وباور می کنند.

این سفسطه ازاینجا سرچشمه میگیرد که‌ما اصولا در روش‌نامه‌نگاری خود نمیخواهیم برای دولت‌ها کارشکنی واخلال کنیم، وقتی حکومتی روی‌رأی اکثریت نمایندگان مجلس ونظر اعلیحضرت همایونی‌انتخاب‌شد هرچه باشد وهرکه باشد باقیانه موافق باآن دولت روبرو میشویم واگر موافق هم نباشیم مخالفت نمی کنیم تادست‌آن حکومت برای‌اجرای مقاصداصلاح طلبانه‌شاه ومجلس بازباشد وتردیدهم نداریم که‌هر حکومتی روی‌کار میآیدقصدش خدمت است نه‌خیانت

ولی‌پس ازاندك زمانی بعضی‌ازاین‌حکومتها روی‌جاه طلبی ونگاهداشتن مقام‌خود بمرض‌ضعف وتسلیم دچار میشوند واز کار های اصلی مملکت منحرف شده بمسائل خصوصی می‌پردازند وازاینجا راه وروش اطلاعات هم‌تغییر میکند ، صورت انتقادبخود میگیرد ، دیگر همکاری نمیکند وگاهی‌بمبارزه های سنگین ولی‌معقول ومتین ودوراز‌حمله واتهام وافترا مبادرت‌میورزد.

البته این روش‌که ابتدا بخاطر مصلحت کشور و نفع عامه روی عدم مخالفت شروع میشود وبعدکه دولتها قدرت کار ندارند و بخرابکاری می پردازند باز مبتنی برافکار وعقاید ونظر طبقه اصلاح طلب مملکت بانتقاد ومبارزه‌اقدام‌میشود ودرهر دومورد روش‌آرام وساکت وعاری ازجدال وهیاهو وجنجال دراطلاعات تعقیب می‌گردد که‌بانوع نگارشات پارهٔ جراید خیلی فرق‌دارد. باین‌جهت‌وقتی گفته می‌شود اطلاعات حامی دستگاه حاکمه است افراد ساده‌دل آن‌را قبول میکنند زیرا می بینند هیچوقت حمله وتعرض شدید برضد دولت ویاهتاکی درآن یافت نمیشود وحال آنکه حقیقت چنین نیست واین سبك اطلاعات است که‌با دولتها تا آنجاکه بتوانند توفیق خدمتگذاری پیداکنند همکاری‌مینماید وازخط مشی‌خوب‌دولت تقویت میکند واعمال‌بدآنهارا انتقاد وتقبیح‌مینماید ولی‌هرگز صورت حمله وتعرض بخود نمیگیرد.

اگردولتها بواسطه ضعف وعدم لیاقت ویاعوامل داخلی‌وخارجی ویاتوسعه هرج ومرج وناامنی‌وعدم‌وجود امنیت قضائی نتوانسته‌اند درطول این‌مدت کاری‌مفید انجام‌بدهند مربوط بمانیست بایددرعلل فوق‌الذکرجستجو کرد

بعلاوه‌اگرما میخواستیم عضودستگاه حاکمه باشیم پست وشغل قبول میکردیم ورسما واردکار میشدیم چه‌اشکال‌داشت‌اگرمیخواستیم ارکان دولت‌باشیم آن‌رانیز رسما‌اعلام میکردیم و ازخزانه دولت کمك خرج‌میگرفتیم وپیوسته درتمام کارها ازدولت پشتیبانی میکردیم وحق‌انتقاد ومخالفت بادولت هارا ازخود سلب میکردیم.

اما اگر آنقدر برای اطلاعات نفوذ معنوی قائل هستند که میگویند هر چه ما بخواهیم انجام می‌شود ، البته؛خیلی‌ازنظریات ماپیشرفت‌میکند وبسیاری‌از پیشنهادات مفیدمارا دولت ومقامات مسئول‌چون بیغرضانه‌میدانند تعقیب کرده‌اندولی‌درهمه موارد چنین نیست، بسیاری ازعقایدوافکار اصلاح طلبانه‌ای که‌در اطلاعات‌طرح شده چون

بامنافع دستجات تصادم نموده بلاتعقیب گذارده شده است و اینطور نیست که هرچه ما بخواهیم میشود. برفرض صدق این مطلب مکرر در تمام این مدت ۹ سال ماکار بداز دولتها خواسته‌ایم؟ کدام پیشنهاد ولایحه مضری تقدیم کرده‌ایم، کجا دولت را بکار بد تشویق نموده‌ایم، چه‌وقت و کجا از دولت های بد تعریف و پشتیبانی کرده‌ایم؟ اگر راستی دولتها آنقدر حرف شنوائی ازما داشته اند وگردش وجریان کارها بعقیده بعضیها روی انگشت های ما میچرخد چرا این همه پیشنهادات و نظریات خوبی که داده‌ایم ترتیب اثر ندادند، این همه راه اصلاحاتی که نشان داده‌ایم تعقیب نکردند؟

بدبختانه علل وجهات عدم پیشرفت کارها در این نه‌ساله یکی ودوتا نبوده ، دستگاههای مختلف وجود دارد که یکی از آنها مجلس شورای ملی است باید در این دستگاه قانونگزاری اصلاحات اساسی شروع شود ومردمان منفعت‌جو وباغرض بارای طبیعی ملت از آن دور شوند تاحکومت های خوب روی‌کار آیند وحکومت‌های خوب کارخوب انجام‌دهند ، چقدر ما در این باره مبارزه کرده ومعایب این‌قبیل حکومت هارا ذکر کرده‌ایم البته‌وقتی حکومتها دست نشانده مجلس ومجلس بیشتر دردست کسانی باشد که توقعات وتمنیات ازدولت دارند، دولتی‌را برای انجام باعدم انجام تقاضاهای شخصی خود میبرند ومی‌آورند وروزنامه اطلاعات هم‌در همه‌وقت این مطالب دردناك را یادآوری نموده وتذکر داده وبامجلسیان درافتاده است، چطور اطلاعات راعضو دستگاه ها نمه میخوانند! آیا بی انصافی نیست که‌چنین اتهامی‌را مغرضانه برماوارد سازند درصورتی که روش اطلاعات پیوسته بامصالح ومنافع ملت‌ایران توام‌بوده وازاغراض ونظرهای شخصی بکلی‌دور بوده‌است؟

با اعمال نفوذ و توصیه مبارزه کرده ایم

من‌ازهرگونه توصیه واعمال نفوذدر ادارات ودستگاههای دولتی خودداری دارم‌برای اینکه روزنامه اطلاعات رابی‌نیاز از آن‌سازم که‌ازکسی بمقصودی تمجید نماید ویا بی‌جهت برکسی بمنظوری انتقادنماید وخیلی‌تعجب کردم‌وقتی شنیدم‌کسی گفته‌بود یادرروزنامه‌ای نوشته بودند که‌مدیر اطلاعات‌درادارات دولتی‌اعمال نفوذمیکند.

نه من اعمال نفوذ وتوصیه در دستگاههای دولت میکنم ونه آنها احتیاجی دارند که توصیه مرا بپذیرند زیرا توصیه‌را ازکسی‌قبول‌میکنند که از او بترسند ، من که نه اهل‌اعمال غرض در روزنامه‌هستم ، نه‌فحش وتهمت میزنم ، نه‌کارشکنی واخلال‌درکار دولت‌دارم چرامورد ملاحظه وترس باشم ، دراین‌مملکت از آنهائی توصیه و سفارشات قبول‌میشود که اگر انجام‌ندادند پشت تریبون‌مجلس بعناوین‌دیگر کارشکنی میکنند ،در روزنامه‌هاباشکال وعناوین مختلف مخالفت علنی‌میکنند وچون‌نقطه‌ضعف‌هم دارند یاطالب جاه ومقام خودهستند ازآنها واهمه‌دارند وازروی‌ترس ووحشت‌زیربارهرگونه توصیه‌وسفارشات میروند .

دلیل اینکه مرا شخص بانفوذی میدانند برای‌همین‌است که اعمال‌نفوذ نمیکنم . اگرمیخواستم‌خودرا آلوده باعمال نفوذ وتوصیه بازی سازم احترامی‌نزد کسی نداشتم واینطور نبود که بعضی‌نخست‌وزیران‌و وزیران و رجال‌مرا طرف مشورت‌خودقراردهند واغلب ازنظریات بیطرفانه من‌استفاده کنند .

ممکن است‌بنام من‌و بنام‌اطلاعات‌اشخاصی‌درمقام‌توصیه واعمال نظرشخصی برآمده‌باشند البته‌تا جائی که مطلع میشوم جلوگیری‌میکنم امادریك‌دستگاهی که‌چند صدنفر کارمیکنند‌چگونه میتوان‌این‌موضوع‌را نظارت‌دقیق کرد . اگرچنین‌اتفاقاتی بیفتد تقصیرباادارات‌است که زیربار توصیه میروند وهمینکه نام‌مرا ذکرمیکنند بدون خواستن مدرك و دلیل‌تسلیم‌میشوند ، چندبار تاکنون‌اتفاق افتاده است که اوراق مارك‌دار اداره را برده روی آن حتی‌مهر اداره راجعل کرده وخودرا خبرنگار معرفی‌نموده ومشغول کلاشی شده‌اند ، چنانچه دو سه بار مخبر سیار بااین‌ترتیب در ولایات‌دیده‌شد که درچند نقطه‌خودرا خویش‌نزدیك من‌معرفی نموده وشروع بکلاهبرداری کرده وهمینکه نمایندگیهای‌اطلاعات مشکوك شده‌اند فرار کرده‌بدست نیامده‌اندواداره موضوع‌را بخشنامه بنمایندگان خود اطلاع‌داده است که درآینده دراعتبارنامه این‌قبیل‌خبرنگاران‌قلابی دقیق‌ترباشند .

مقصودم این‌است که دریك‌اداره وسیعی‌ممکن‌است اشخاصی‌پیداشوند که ازموقعیت اطلاعات بعناوین‌مختلف بخواهند سوء استفاده کنند و اوراق یادداشت‌روزنامه‌را که در دسترس حتی‌ارباب رجوع گذاشته میشود بردارند و روی‌آن‌سفارش‌نامه بنویسند و بادارات ارائه دهند. این‌وظیفه‌متصدیان اموراست که‌بطور کلی‌این‌مسخره‌بازی‌را موقوف‌سازند اکنون وضع‌چنین‌است که‌حتی‌عضو ورئیس‌اداره‌منتظر وصول‌سفارش‌نامه‌هستند وتصورمیکنند هر کاری باید توام باسفارش‌نامه ارباب نفوذ انجام‌پذیرد و این‌آفت ومصیبت بزرك اساس‌خرابی‌وسوء تشکیلات‌ادارات و وسیله مؤثرخرابی‌و اضمحلال‌مملکت‌شده است .

جوانان فعال رااز راه ادارات برگرداندم

من بانچه مینویسم مؤمن ومعتقد هستم ، من‌اگر ازاین صفت مذموم درروزنامه تقبیح میکنم و اعمال‌نفوذ و توصیه بازی‌را امری‌خلاف حق وعدالت میدانم خود بدان عمل نمی کنم ، من در مقابل بسیاری از دوستان و مراجعه کنندگان‌که توقع کارو رتبه ومقام از من‌دارند پیوسته خجلت‌زده‌هستم،نمیدانم چه جواب بدهم‌که نرنجند

چون این امر رایج را متأسفانه دیگران میکنند واز من نیز توقع وانتظار دارند.

یکی دیگر از هدفهای اطلاعات مبارزه با افزایش میز و صندلی ومخالفت بااستخدام وپشت میزنشستن جوانانی است که باید مملکت از وجود آنهااستفاده برد . دراین‌خصوص خیلی چیزها نوشته وکوشش کرده‌ام که افراد مملکت را از تحمیل بادارات دولت منصرف ساخته ومتوجه کارآزاد نمایم ، من از مسافرت خود به امریکاومطالعات در آنکشور بزرك باین نتیجه رسیدم که این ملت در سایه کار و کوشش افراد باین پایه تمدن وترقی رسیده است، در آنجا کارباز و را افتخار میدانند وتنبلی را ننك وعار ونوع کار برای آنها فرق نمیکند و هرگز پیرامون میز وصندلی نمیروند واز این شغل گریزانند زیرا ثروت وترقی رادر بیابانها ، جنگلها ، دامنه کوهها ، دشت ها و مزارع ، معادن و کارخانجات جستجو میکنند نه در زوایای تاریك ادارات و عضویت‌دولت. پس‌از بازگشت‌ازامریکا مطالعات خود رابخصوص درزندگی اجتماعی ومالی‌واقتصادی وتوجه باسرار موفقیت امریکائی‌ها در اطلاعات منتشر کردم که بعد باعکسهای جالب توجهی دردوجلد انتشار یافت و جلددوم آن‌در این‌اواخر منتشر شده‌است، با مطالعه این‌دوجلد کتاب، خوانندگان متوجه میشوند که هم میهنان عزیز چگونه از راه ورسم زندگی وسعادت دورو ازحقیقت منحرف هستند وملل دنیاچگونه شاهراه ترقی رادر زحمت کشیدن وکار کردن پیداکرده وآنرا دنبال میکنند وسعادتمند زندگی مینمایند.

من این دوجلد کتابرادرحقیقت روی پرنسیب‌وعقیده خوددرمبارزه باپشت میزنشینی‌انتشاردادم‌ویقین‌دارم تاثیرمطلوب خواهد بخشید ومن‌بسهم‌خود از این راه توانسته‌ام خدمت خود را درروشن کردن افکارهم‌میهنان عزیزانجام دهم.

چقدر اتفاق افتاده است جوانانی فارغ التحصیل نزد من‌آمده وخواسته اند آنان‌را بیکی از وزارتخانها و ادارات توصیه کنم ، ازبیکاری ناله‌کرده اند ومن بجای قبول تقاضای آنها در استخدام ادارات ، احساساتشان را برضد زندگی خمود وجامد اداری تحریك‌کرده و روزگار مردم دنیا را که بکار آزاد روی میآورند و پیش میروند تشریح نموده وآنقدر در این خصوص پند و اندرز داده ام‌که آنها از تعقیب شغل دولت منصرف شده بسوی‌کار آزاد روی آورده اند و امروز خوشحالند که نصایح بی غرضانه مرا پذیرفتند و اگر هم منصرف نشدند دیگر بسراغ من نیامدند !

ازآن روز که این مبارزه را من عملا وقلماً شروع کردم تا امروز خیلی موفقیت پیداشده، خیلی از افراد کشور طرز فکر خود را عوض کرده و اطفال خود را برای‌کسب هنروصنعت و رشته‌های مختلف‌فلاحتی و سایر کارهای آزاد تربیت نمودند وخیلی از جوانان را سراغ دارم ومیشناسم که در اثر مذاکرات حضوری یا درنتیجه مطالعه نگارشات اطلاعات از استخدام دولت چشم پوشیدند و حالا زندگی راحت و با سعادتی دارند رویهمرفته نهضتی که‌دراین کار پیدا شده و امیدوارم توسعه یابد نتیجه اهتمام وکوشش اطلاعات و برای من بزرگترین افتخار است که باین وسیله کشور دارای افراد عالم و با اطلاع در رشته های تولیدی شودوتصور نکنند فقط اشتغال در ادارات مایه سربلندی است بلکه کارهای دیگرهم افتخار دارد .

روزنامه اطلاعات مالیات‌بردرآمد میپردازد

عضو دستگاه حاکمه کشور ، بقول بعضی از همکاران عزیزما ، باتمام نفوذ خود نه فقط ازدستگاه‌حاکمه هیچگونه استفاده نمیکند ، بلکه بدستگاه حاکمه مالیات میپردازد .

این مطلب را تابحال هیچ عنوان نکرده بودم زیراقصد خودنمائی وتظاهر نداشتم لکن امروزبرای‌ثبوت حسن نیت کارمندان واحترامی‌که این اداره بقوانین‌کشور میگذارد موضوع را بمیان گذاردم.

روزی‌که قانون‌مالیات بردرآمد وضع‌میشد ومرحوم داور مدافع‌این‌قانون درمجلس بود جمعی از مدیران جراید ومنجمله این‌جانب از ایشان‌توقع کردیم‌که مطبوعاترا مانند شیروخورشید سرخ‌ومؤسسات فرهنگی‌وخیریه وبعضی مؤسسات دیگر از مالیات‌بردرآمد معاف دارد زیرا این‌قبیل‌مؤسسات باید مورد حمایت و تقویت دولت قرار گیرند تا رشد ونمو وترقی‌یابند، آنمرحوم قبول نکرد وجراید رامشمول معافیت قرار نداد وقانون‌تصویب وبموقع اجرا گذارده‌شد .

از همان سال اول که اجرای قانون شروع گردید اداره اطلاعات که آنروز هم بخوبی میتوانست طفره برود وشانه‌خالی کند اجرای قانون را وظیفه مسلم‌خود دانست وهرسال در موعد معین مالیات خود را تقدیم اداره مالیات بردرآمد نمود و دفاتر منظم ومرتب خود را نیز در اختیار مأمورین آن اداره برای کنترل و نظارت گذاشت. لابدخوانندگان محترم خواهند فرمود ، البته‌میبایستی‌چنین‌وظیفه‌ای انجام‌شود، منهم قبول دارم و اطاعت کرده ومیکنم و ازپرداخت مالیات سرپیچی نداشته ونخواهم داشت ومعتقدم هرکس در این‌آب و خاك

زندگی میکنند وازمواهب آن بهره‌مند میگردد باید بوظایف خویش عمل کند و دین خود را برای اداره امور کشوری که بهره میرساند ادا نماید، این مطلب جای انکار نیست ولی خیلی میل داشتم بدانم آیا یکروزنامهٔ دیگر هم در این کشور پیدا میشود که همین عمل مارا انجام بدهد یعنی مثل یک مؤسسه بازرگانی خودرا در اختیار دستگاه دولت میگذارد ومالیات بردرآمد میدهد یا نه ؟

شاید گفته شود که دیگران عایداتی ندارند بدهند ، البته منهم مطمئن هستم که یکعده از روزنامه های محترم کشور نمیتوانند مالیات بدهند و بزحمت دخل وخرج می کنند ، اما این مطلب را درباره تمام مطبوعات کنونی نمیتوانم باور کنم زیرا وضع مادی خیلی روزنامه‌ها بهتر از اطلاعات ومخارج سنگین سازمان وسیع مارا ندارند ومثل ما برای تامین چندماه کاغذ همیشه زیر بارقرض نیستند.

آنها که اداره اطلاعات راصاحب نفوذ فوق‌العاده‌ای میدانند وتصور میکنند ما از این نفوذخود سوء استفاده مینمائیم بفرمایند باداره مالیات بردرآمد تماس بگیرند ببینند اداره اطلاعات چگونه درسرهرسال دفاتر خود را در اختیار مأمورین آن‌اداره میگذارد وچه زجروزحمتی کارمندان حسابداری ما می کشند تامامورین آن اداره را قانع سازند که حساب دخل‌وخرج روزنامه غیراز حساب فلان مؤسسه تجارتی است. اینجا در مقابل هر یکریال عایدی یکریال خرج خوابیده ولی نمیخواهند بفهمند زیرا مقررات خشك قانون مالیات بر درآمد که برای تجارتخانه‌ها وضع‌شده میگوید یکریال عایدی رابده خرج برعهده خودت !

خلاصه اطاعت کردن در این‌مملکت زجر کشیدن هم‌دارد ، اگر بگوئیم اصلا مالیات بردرآمد نمیدهیم و صورتحساب هم نفرستیم چه میشود؟ هیچ ، خیلی از اشخاص متنفذ وبسیاری از مؤسسات‌مگر غیراز این‌میکنند،چه شده‌است؟هیچ ،ولی اداره‌اطلاعات تمام آن‌زحمات‌را تحمل‌میکند و باطیب‌خاطر تاکنون‌مامورین آن‌اداره‌را استقبال نموده وما میخواهیم همانطور که یك مؤسسه‌خارجی در کشور خود بوظایف‌حقیقی خویش بنحواتم رفتار میکند مانیزمطیع قانون ومقررات کشور خود بوده وبدان رفتار نمائیم،تاحرف ماموثر واقع گردد و بتوانیم وظیفه راهنمائی و هدایت افکار مردم رابخوبی انجام دهیم بالاخره اداره اطلاعات حدمتوسط درسال ۱۲۰۰۰۰ ریال بابت مالیات حقوق کارمندان تحریری - اداری و فنی چاپخانه مالیات بردرآمد می پردازد و سالی حد متوسط ۱۰۰۰۰۰ ریال هم‌مالیات بردرآمد خودرا میدهد واین مالیات بردرآمد غیراز پرداختهای شرکت‌سهامی چاپ است که آن مؤسسه نیز جداگانه طبق قانون شرکتها مالیات میدهد که اگر بحساب آید رقم‌درشتی میشود.

ساختمان درمانگاه عمومی برای مستمندان

اداره اطلاعات بتاسیس‌یك درمانگاه عمومی‌برای‌مستمندان کمك کرده‌است ازاینقرار :

بعداز جنك‌وضع کاغذ روزنامه مشکل‌شد،روزنامه اطلاعات در دو صفحه انتشار می‌یافت وبقیمت پنجاه دینار فروخته میشد بعضی‌ازهمقطاران مطبوعاتی جلسه کردند و گفتند قیمت‌پنجاه دینار بفروش‌مالطمه وارد میسازد قیمت را یکریال معین‌کنید تا بانرخ‌سایر جراید یکنواخت باشد . ماهم تقاضای‌همکاران‌خودرا قبول کردیم ولی نخواستیم از این‌راه سودی‌بجیب خودبریزیم بلکه فکر کردیم مازادآنچه درنتیجه این‌افزایش برای‌ما باقی‌میماند بعداز وضع حق‌العمل فروشندگان بمصرف‌امور خیریه برسانیم باین‌جهت پنجشاهی‌از آن‌را برای‌تاسیس پرورشگاه یتیمان کنار گذاشتیم ، چندماه این‌وضع باقی‌بود تا قیمت‌کاغذبالا رفت و موجودی ما هم تمام شد و مخارج زندگی و حقوق هم ترقی کردبعلاوه کم‌کم روزنامه‌درچهار صفحه انتشار می‌یافت‌ودیگراداره نتوانست این مبلغ راکنار بگذارد .

از این‌راه وجوهی دربانك‌ملی ذخیره‌شد بعلاوه دوره پانزدهم‌مجلس‌من‌اضافه حقوق‌خودرا نگرفتم وبرای همین‌کار تخصیص‌دادم جمع‌این‌دومبلغ پانصدوبیست‌هزار ریال‌شد که‌در اختیار جمعیت‌محترم شیروخورشید سرخ‌قرار دادم وتقاضا کردم درمانگاهی برای‌بینوایان دریکی ازمحلات پرجمعیت‌تهران بسازند وخود آن‌جمعیت اداره نماید خوشبختانه پیشنهاد مرا پذیرفتند و درمانگاه مزبور بامساعدت‌شیروخورشید سرخ درخیابان چهارراه عباسی که مستمندان زیاد دارد درشرف‌تکمیل‌است که شایدامسال مراسم‌افتتاح رسمی آن‌بعمل‌آید .

پایان کتاب اطلاعات دریکربع قرن

بمقالات ومطالب‌خود مربوط بزندگی بیست‌وپنج‌ساله اطلاعات و رشته وقایع مهم این‌مدت خاتمه میدهیم چون اگربخواهیم بنقل خلاصه گزارش یکی‌دوسال اخیر که کمتراز آن ذکری‌شده‌است بپردازیم کار زائدی‌را انجام داده‌ایم ، تکرار مطالبی‌است که در ذهن‌خوانندگان‌محترم باقی‌میباشد وبعلاوه‌کار مهمی‌صورت نگرفته است که قابل نقل‌باشد و دربایان این‌نکته راعلاوه میکنم که‌چون هیچ‌میل‌ندارم نکته ابهام آمیزی درنظرخوانندگان‌وجود داشته باشد ویا مطلبی بی‌جواب در دل‌وخاطره ها بماند مخصوصا ازخوانندگان عزیز تمنا دارم‌نسبت بمندرجات این کتاب هرگونه نظری‌داشته‌باشند یا توضیحی دراطراف هریك از مسائلی که‌طرح شده یا نشده و از خارج شنیده‌اند بخواهند بسیارخوشنود خواهم‌شد که بصورت‌سئوال‌مرقوم دارند وبنام‌خود اینجانب بفرستند تا آن سئوال را بطورخصوصی جواب دهم و اگرجنبه‌عمومی‌داشت در روزنامه موردبحث قرار دهم .

ع . مسعودی

بمناسبت بیست و پنجمین سال اطلاعات

ضمیمه کتاب اطلاعات در یک ربع قرن

سازمان

مؤسسه فرهنگی اطلاعات

تأسیس مرکز اطلاعات: شهریورماه ۱۳۰۲

تأسیس روزنامه اطلاعات: تیرماه ۱۳۰۵

مشتمل بر سه بخش

نویسندگی - اداری - فنی

« مهرماه ۱۳۲۹ »

اینک که کارمندان مؤسسه اطلاعات به میمنت ومبارکی جشن بیست و پنجمین سال اطلاعات را منعقد مینمایند لازم میدانند بمناسبت این موفقیت بزرگی که نصیب آنان گردیده است از توجه و عنایات خاص خوانندگان گرامی اطلاعات که پیوسته ما را در راه پیشرفت وترقی مؤسسه خود کمك و پشتیبانی فرموده اند تشکر و امتنان نموده و بتقدیم عرض تبریکات صمیمانه و ادعیه خالصانه خود مبادرت ورزند- کارمندان و خدمتگذاران صدیق اطلاعات امیدوارند بتوانند خدمات فرهنگی و مطبوعاتی خودرا همچنان باکمال صداقت و خلوص نیت تعقیب وادامه داده وتوجه وعنایات و الطاف بیکران هم میهنان عزیز را بیش از پیش بخود جلب نمایند و از خداوند متعال مسئلت دارند که ایران میهن عزیز مارا در راه نجات از مشکلات ومصائب کمك کند وملت ایران را سعادت بخشد .



کسی که امروز صدها نفر باطرافش حلقه زده و مؤسسه بزرگی را تشکیل داده‌اند دراوایل سال۱۳۰۲ یکنفر تنها بود که بخبرنگاری مشغول شد وچیزی نگذشت که در شهریور ۱۳۰۲ بتاسیس اداره کوچکی بنام‌مرکز اطلاعات برای‌تمرکز وپخش اخبار دایر نمود وباعزم‌واراده خستگی ناپذیری بکار خود ادامه داد تا تیرماه ۱۳۰۵ که اولین شماره اطلاعات را منتشر ساخت که اکنون بیش‌ازبیست وپنج سال از روی خدمات مطبوعاتی ایشان میگذرد .

آقای عباس مسعودی که عکس ایشان را زیب اولین صفحه سازمان قرار میدهیم روی ایمان و عقیده بخدای‌یکتا ، روی صداقت وصمیمیت ، علاقه بمیهن ومردم ایران شروع بکارکرد و چون‌نیت او پاك و منظورش خدمت بمملکت بود ، تهمت ها ، عداوت ها ، بخل و حسد ها بر او تاثیر نکرد زیرا مردم حق پرست ایران او را میشناختند و بافکار وعقایدش آگاه شده او را پشتیبانی و تقویت و کمك کردند بایبجهت درآمال وآرزوی‌خود موفق شد وتوانست مؤسسه آبرومندی را بوجودآورد که پس‌از مطالعهٔ این اوراق بعظمت واهمیت آن پی‌خواهید برد .

کارمندان اطلاعات بهترین تبریکات و صمیمانه ترین احساسات خود را بمناسبت یکربع قرن خدمات ذیقیمت مطبوعاتی و سیاسی آقای عباس مسعودی تقدیم ایشان نموده و از یزدان پاك سلامتی و سعادت این عنصر خدمتگزار صدیق را خواهانند.



بانی مؤسسهٔ اطلاعات

سازمان اطلاعات

بدون شك پایه سازمان اطلاعات روی علاقه وصمیمیت نهاده شده‌است ، کارمندان و کارگران این مؤسسه بادلگرمی کارمیکنند زیرا حس میکنند اینجا یك مؤسسه ملی ومملکتی‌است نه مؤسسه شخصی ، اینجا مؤسسه ایست که بمنظور تعمیم وبسط فرهنك برای هدایت‌و راهنمائی افکار وبرای روشن شدن مردم باوضاع واحوال کشور خود وجهان بوجود آمده نه برای استفاده شخصی ، و میدانند چنین مؤسسه ای که پایهٔ آن روی هواو هوس ومنافع خصوصی‌و حفظ مال و منال ریخته نشده ومؤسس آن یگانه هدفش توسعه و ترقی مؤسسه اطلاعات میباشد و می بینند قدم بقدم متناسب با استعداد مالی خود جلو رفته و جلو میرود ، یعنی هرچه عاید میدارد خرج میکند و توسعه بکار میدهد و در عین حال قدم های‌خود رامحکم برمیدارد که‌دست‌نیاز بسوی کسی دراز نکند باینجهت کارمندان اطلاعات مطمئن هستند که دریك‌مؤسسهٔ‌قائم بذات وپابرجائی‌خدمت میکنند که‌تحت عنایات وتوجهات‌برورد گاری وپشتیبانی ملت‌ایران میتوانند امیدوار بادامه‌خدمات ملی خود باشند

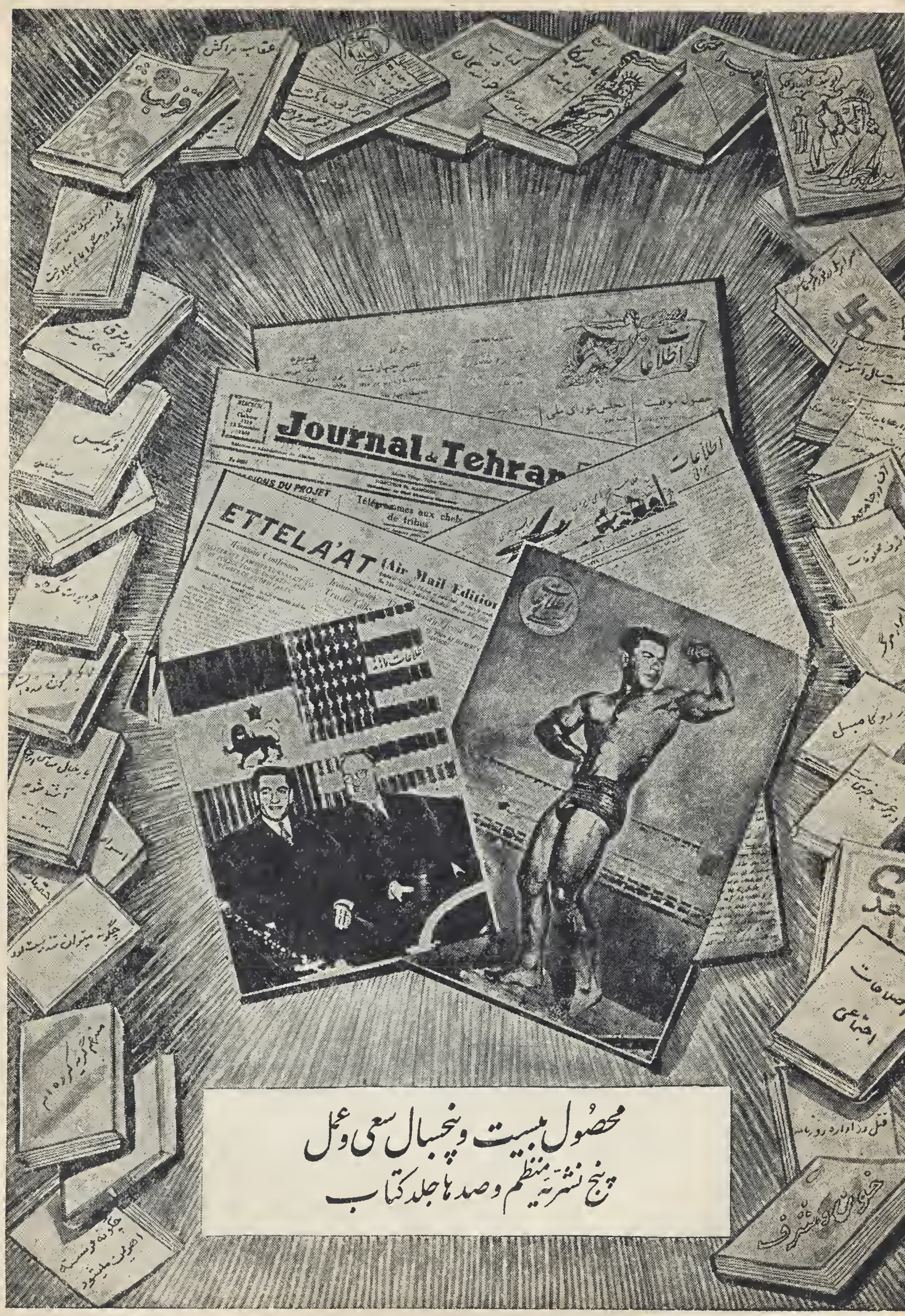
از خصایص مدیر ماقدردانی از کارمندان صدیق و صمیمی اطلاعات است ومی‌بینیم هر کس از روز اول دست محبت وهمکاری به آقای مسعودی داده این اداره را ترك نگفته چنانچه اکنون‌اعضائی دراین اداره کار میکنند که‌سوابق بیست وسه‌چهار ساله دارند .

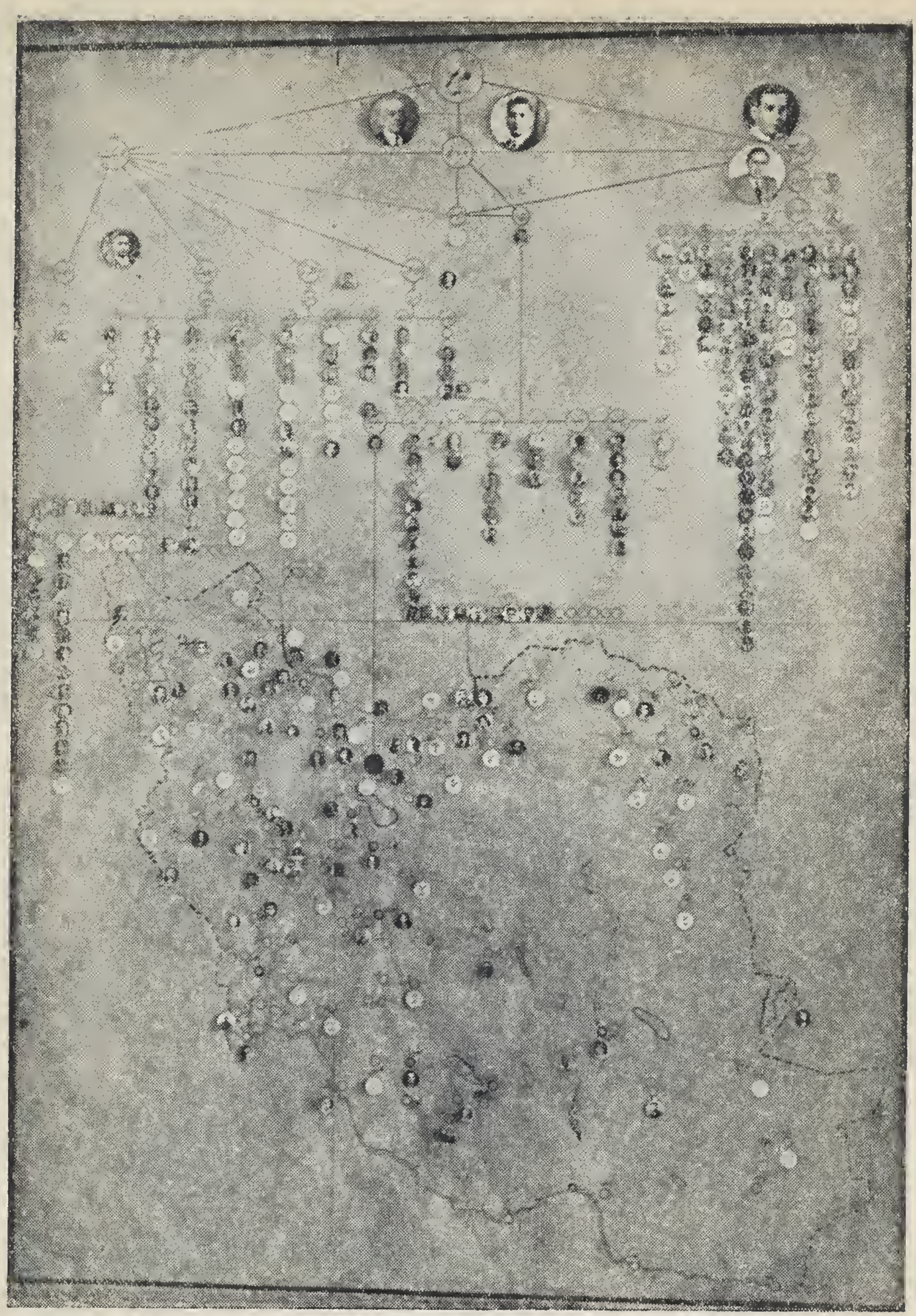
هر کس باین اداره داخل میشود می ماند . آقای مسعودی دوست ندارد کارمندان خود را به مقتضای زمان ووضع کار از دست بدهد ، البته درطی این بیست و چند سال عده‌ای از نویسندگان و کارمندان اداری خارج شده اند ولی همه بمیل خود و برای جستجوی کار بهتر رفته اند که دراین خصوص مدیر اطلاعات روش مخصوص بخود دارد ، یعنی همانطور که هیچ کارمندی را که چند سال کار میکند راضی نیست از اداره خارجش کند مگر اینکه عذر خیلی موجه داشته باشد ، همانطور هم هر کارمندی که بخواهد بمیل خود اداره راترك نماید جلوگیری نمیکند ، خیلی از نویسندگانی که ما را ترك کردند مورد علاقه شدید آقای مسعودی بودند ولی ایشان پیوسته میگفتند که چون من سعادت و ترقی‌همگی را میخواهم هرگز جلوگیری از رشد وترقی اشخاص نمیکنم و حتی آن چه بتوانم کمك میکنم .

چه بسا کسانی که‌چند سال در اداره اطلاعات کار کردند و درحقیقت دراین مکتب برموز مطبوعاتی‌ونویسندگی آشنا شدند اکنون خود صاحب‌مجله‌وروزنامه ونشریه میباشند که‌مدیر اطلاعات ویاکارمندان این مؤسسه بانظراحترام‌ودوستی‌به‌آنها می‌نگرند .

در این مؤسسه همه باهم باروح رفاقت ودوستی زندگی میکنیم ، کسی را برکسی مزیت و خودفروشی نیست . قیافهٔ‌باز وحسن‌اخلاق مدیر اطلاعات وبیغرضی‌وبی‌نظری‌اودرمسائل‌مملکتی‌وتوجه او باصلاح اموورفاه عامه که ما ازنزدیك شاهد وناظر آن هستیم بهترین مشوق وباعث تقویت روحی ما است تا همه با جان و دل دراین مؤسسه مفید ملی کار کنیم .

کارمندان این اداره اعم از نویسنده واداری وفنی همه در حقیقت حلقهٔ ارادت و خدمت ملت ایران را بر گردن نهاده واین علقه آنان را واداشته‌است که در این مؤسسه ملی ازروی کمال علاقه و صمیمیت خدمت کنند والا چه چیز احساسات یك نویسنده را جز عشق وشور خدمت بر می انگیزد همه ما نزد وجدان خود مفتخر وسر افرازیم که علی‌رغم تبلیغات بدخواهان وحسودان در این‌مؤسسه فرهنگی برای کسب سعادت وترقی‌وخیروصلاح جامعه زحمت میکشیم ، همهٔ‌ماعشق وعلاقه بمیهن داریم وروی همین علاقه‌زنده‌ایم وزندگی‌میکنیم


Journal de Tehran
ETTELA'AT (Air Mail Edition)
Télégrammes aux chefs de tribus
اطلاعات
محصول بیست و پنجسال سعی و عمل
پنج نشریهٔ منظم و صدها جلد کتاب



با یك نظر سازمان تحریری و اداری مؤسسه اطلاعات بانضمام نمایندگی های ما درشهرستانها روی نقشهٔ ایران در این تابلو جلب توجه میکند.

این تابلو در سرسرای اداره روبروی سالون بزرك دفتر اطلاعات نصب گردیده و ارتباط شعب را بیکدیگر نشان میدهد.

قایان مسعودی
یك خدمات
سزائی باین مؤسسه
انجام داده اند

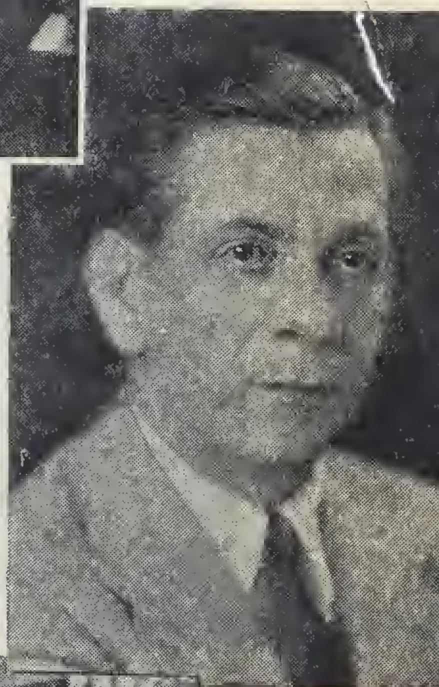
آقای حسن مسعودی برادر بزرك آقای عباس مسعودی هستند که سمت مدیریت داخلی روزنامه اطلاعات را دارا میباشند.
کمتر کسی است از دوستان که باطلاعات وارد شود و باطاق ایشان که بانهایت گرمی و محبت و صمیمانه پذیرائی مینمایند نرود
ایشان بتمام سازمان سرپرستی دارند و پیوسته با منتهای محبت و مهربانی با کلیه کارمندان اطلاعات رفتار می نمایند.





آقای جواد مسعودی برادر کوچکتر آقای مسعودی و مدیر ژورنال دوتهران میباشند.
——>

آقای محمدعلی مسعودی فرزند آقای حسن مسعودی سردبیر اطلاعات میباشند.
<——



آقای قاسم مسعودی فرزند کوچك آقای حسن مسعودی و سر دبیر ژورنال دو تهران میباشند.



کسانیکه امور تحریری وتنظیم پنج نشریه اطلاعات را زیر نظر ومسئولیت مستقیم خود اداره میکنند



آقای جعفر صاعدی «اطلاعات یومیه»



آقای نجفقلی پسیان «اطلاعات یومیه»



آقای محمد زرنگار
«اطلاعات ماهانه وانگلیسی هوائی»



آقای مهندس کردبچه
«اطلاعات هفتگی»



آقای جلال زرلی
«اطلاعات هوائی»



آقای احمد شهیدی سردبیر اطلاعات هفتگی بواسطه عارضه کسالت چند ماهی است بمرخصی درمسافرت اروپا میباشند و فعلا آقای مهندس کردبچه امور مجله‌را اداره می نمایند



آقای آذری «ژورنال دوتهران»

بخش اول : سازمان نویسندگی

این سازمان شامل اطلاعات روزانه واطلاعات هفتگی وماهانه وهوائی و ژورنال دوتهران است که در عین جدا بودن تشکیلات هریك ، نویسندگان درهرقسمت باهم کمك و همکاری دارند.

سازمان تحریری اطلاعات از چند شعبه تشکیل میشود از اینقرار :

۱ — شعبه تهیه مقالات و مصاحبه ها ۲ـ شعبه خبرنگاری داخله ۳ـ شعبه خبر نگاری خارجه که مجهز بدستگاه‌های گیرنده تلگرافهای‌خارجه ازتمام‌عالم میباشد ٤ـشعبه‌خبرنگاری مجلس ٥ـشعبه اخبار شهرستانها ٦ ـ شعبه عکس و گراور

سازمان نشریات دیگر فرق میکند و بیشتر بنویسندگان و شعبه‌های نقاشی‌و کاریکاتور و عکاسی محدود میگردد.

اگر بخواهیم هریك از قسمت ها را جدا جدا تشریح نموده و بجزئیات بپردازیم با این که بسیار جالب است وخوانندگان میل‌دارند خصوصیات هریك ازنویسندگان مارا بدانند وباآنهاآشنائی بیشتری پیدا کنند ولی صفحات ما گنجایش آن شرح وبسط‌را ندارد وباید آنرا بوقت دیگری محول داریم باینجهت تصمیم ما براین شدکه مجموع آقایان نویسندگان وخبرنگاران و کسانی که درقسمت تحریری نشریات پنجگانه اطلاعات همکاری مینمایند در صفحه‌های بعد معرفی شوند.

خوانندگان عزیز بیشتر آقایان نویسندگان اداره‌را می‌شناسند زیرا بنوشته‌های جذاب وقلم شیوای آنها آشنائی دارند

بین نویسندگانی که‌در پنج نشریه اطلاعات هم قلمی مینمایند کسانی را خواهید یافت که دارای مقام وموقعیت و منزلت‌شایسته ای در مطبوعات ونزد مردم میباشند، محبوب هستند ،جامعه‌بانظر احترام‌به‌آنها می‌نگرد وباعشق‌وشوروعلاقه‌خاصی که‌بهدایت وروشنائی افکار مردم دارند بانجام این وظیفه مقدس اشتغال ورزیده اند

بدون تردید هیچ‌چیز بیش از تشویق وقدردانی‌محرك قلم‌روان و دلپذیر نویسندگان عزیز ما نیست واین‌تشویق همان توجه واستقبالی است که ازطرف مردم نسبت به‌آنها میشود وغالباً درمراسلات وارده‌باداره نیز منعکس میباشد

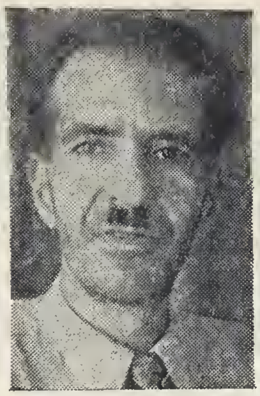
علاوه براین موضوع ، عشق خدمت بمیهن ، علاقه بهدایت جامعه برای نیل بسعادت وترقی و کمك باصلاحات کشور که هدف مؤسسه اطلاعات است خود بزرگترین محرك احساسات رقیق وطن پرستانه ونوع پرورانهٔ آقایان نویسندگان وعموم کارمندان اطلاعات‌است که‌میدانند زحمات‌وفداکاری های آنها بمنظور کامیابی وسعادت ملت ایران صرف میگردد

اکنون ما بدون اینکه تقدم وتأخری درطبع‌عکس‌آقایان نویسندگان‌محترم‌خود قائل‌شویم به ترتیب حروف تهجی آنها را بخوانندگان گرامی اطلاعات معرفی مینمائیم تااز روی عکس نیز ایشان را بشناسند.

با نویسندگان وخبرنگاران واعضای وابسته

«عکسها بدون نظر تقدم و تاخر بترتیب حروف تهجی بطبع میرسد»


آقای ابوالحسن احتشامی


آقای ابوالقاسم فرزانه


آقای احمد نصیری


آقای اسمعیل ناهید
« متصدی سرویس خارجه »

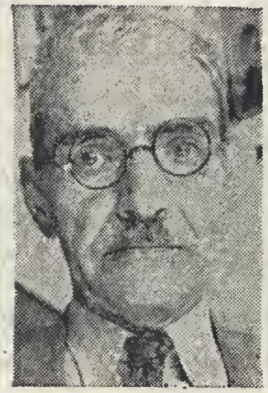

آقای اسمعیل رائین


آقای جمشید سعدزاده


آقای جواد فاضل


آقای جهانگیر مصور رحمانی


آقای جهانگیر ملت


آقای حسین مسرور


آقای حسین هاشمی


آقای حمید نیرنوری

بامور تحریری اطلاعات آشنا شوید



آقای حمزه سردادور



آقای رحمت مصطفوی



آقای رحیم‌زاده صفوی



آقای رضا امینی



آقای سعید نفیسی



آقای شجاع‌الدین شفا



آقای دکتر شین پرتو



آقای صدری میرعمادی



آقای عبدالحسین نوائی



آقای عطاءالله اشراقی



آقای علی احدی



آقای فریبرز فرزانه



آقای محسن موحد



آقای مجید دوامی



آقای دکتر موسی بروخیم



آقای مهدی نراقی



آقای مصطفی شفقی



آقای ناصرالدین شاه‌حسینی



آقای نصرالله فلسفی



آقای هادی سپانلو

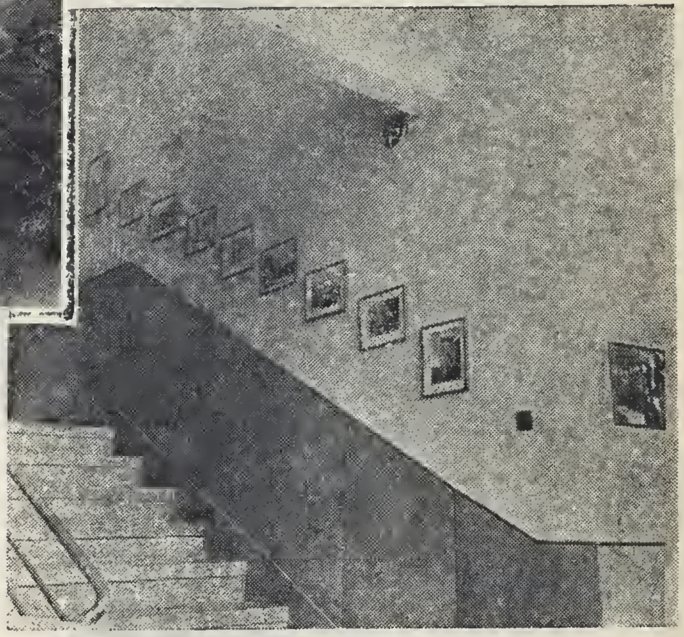


آقای هوشنگ بابائی

عکس عده‌ای دیگر از نویسندگان دانشمند که‌خوانندگان گرامی نشریات اطلاعات بقلم شیوا و آثار گرانبهای ایشان بخوبی آشنائی دارند متاسفانه هنگام تنظیم این‌صفحات در دسترس ما نبود که‌بدینوسیله از آنان پوزش میطلبیم والبته درآینده جبران خواهیم کرد.



هر کس باداره اطلاعات وارد میشود پس‌از اینکه پله‌های عمارت را بالا رفت بقسمت راهنما میرسد اینجا آقای خلیل غدیری با نهایت ادب مراجعه کنندگان را بقسمت های مربوطه راهنمائی میکند و بپرسش ها جواب میدهد و اطلاعات لازم را در دسترس ارباب رجوع میگذارد .

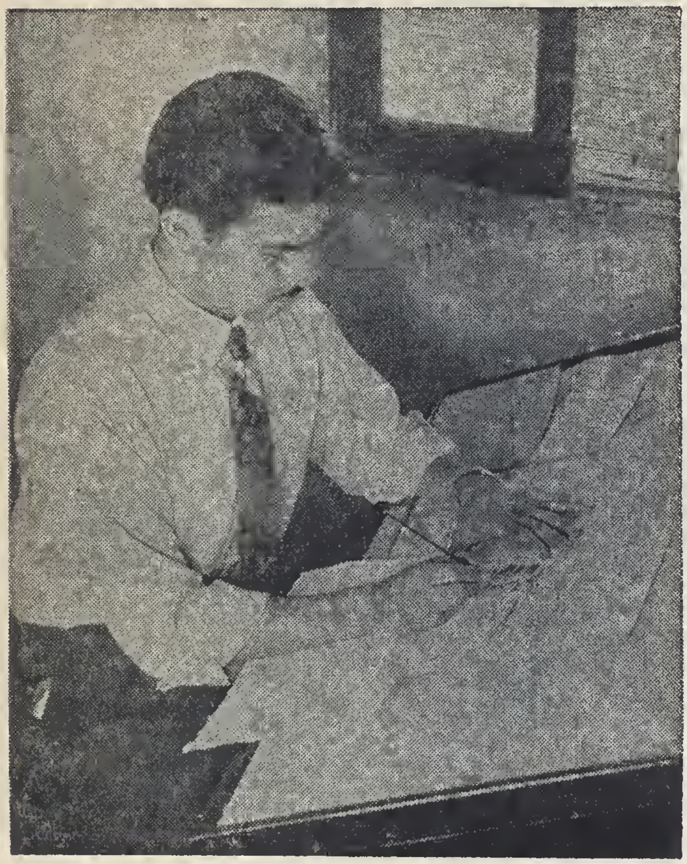


قبل‌از رسیدن بدفتر راهنما همینکه از راهروها بالا می‌آیند دراطراف خود تابلو هائی از عکس های مهم وقایع روز می‌بینند . عکسهای تاریخی وجالب درتمام راهروها جلب نظر میکند واین عکسها به مناسبت وقایع و حوادث روز هرچند یک‌بار عوض می شود.



آقای شفیعی با قیافه هم خشن وهم محبت آمیز وخندان درایوان طبقه سوم عمارت را بسته یاجلوی در غالباً ایستاده و از ورود اشخاصی که بملاقات نویسندگان می‌آیند جداً جلو گیری میکند اینموضوع خیلی اسباب رنجش دوستان ما شده ولی از طرفی چاره جز این نبود که وقت نویسندگان در ساعتهای صبح مصروف کارهای مربوط بروزنامه شود تابتوانند وظایف خود را بخوبی انجام ومحصول کار خود را رضایت بخش قرار دهند ، وقتی اشخاص مراجعه کننده کارهای لازم اداری بانویسندگان داشته باشند متوسل بقسمت راهنما میشوند و آقای غدیری بلافاصله با تلفن نویسنده‌ای راکه بملاقات او آمده اند بملاقات می‌طلبد و ملاقات صورت میگیرد در هر حال ما از این محدودیت اجباری وقت معذور بوده و از عموم دوستان خود پوزش میطلبیم بدیهی است بعدازآنکه کارتحریری روزنامه تمام شدهمهٔ نویسندگان باطیب خاطر باآغوش بازدوستان ومراجعه کنندگان را می پذیرند .

آقای محمد بهرامی نقاش هنرمند اداره اطلاعات
در پشت میز کار خود



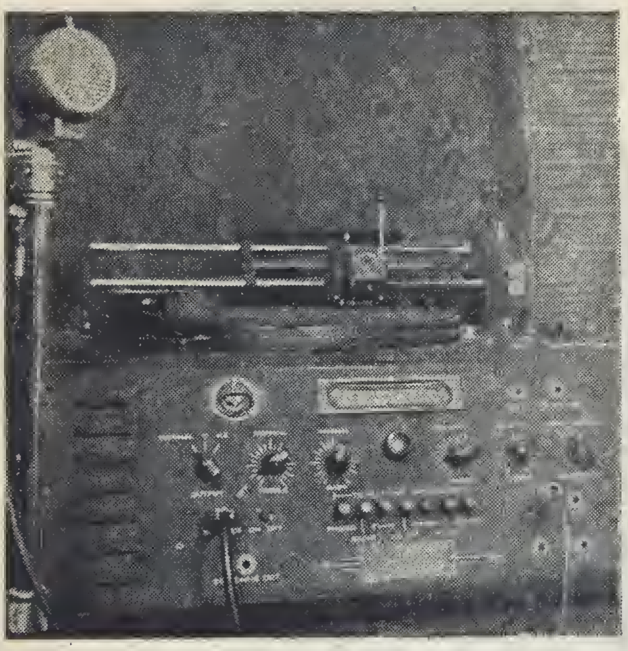


در اطاق کار آقای عباس مسعودی موضوعی که بیش از هرچیز جلب توجه میکند عکسی است که آقای مسعودی از خود و خانوادهٔ خود روی میز جلوی خود گذارده و درجریان کارهای روزانه پیوسته به آن می نگرد.
آقای مسعودی دارای پنج فرزند میباشند چهار دختر ویك پسر ۱۱ ساله « فرهاد مسعودی »

کتابخانه اطلاعات نه فقط مورد استفاده کارمندان اداره قرار میگیرد بلکه دراختیار کسانیکه بخواهند مطالعه نمایند نیز گذاشته میشود و بخصوص مراجعه بدوره های روزنامه زیاد صورت میگیرد. با اینکه درحریق اطلاعات مقدار زیادی از کتابهای کتابخانه از دست رفته بود اکنون کتابخانه ما دارای چند هزار جلد کتب تاریخی، علمی، ادبی و جغرافیائی وکتب قدیمه میباشد.



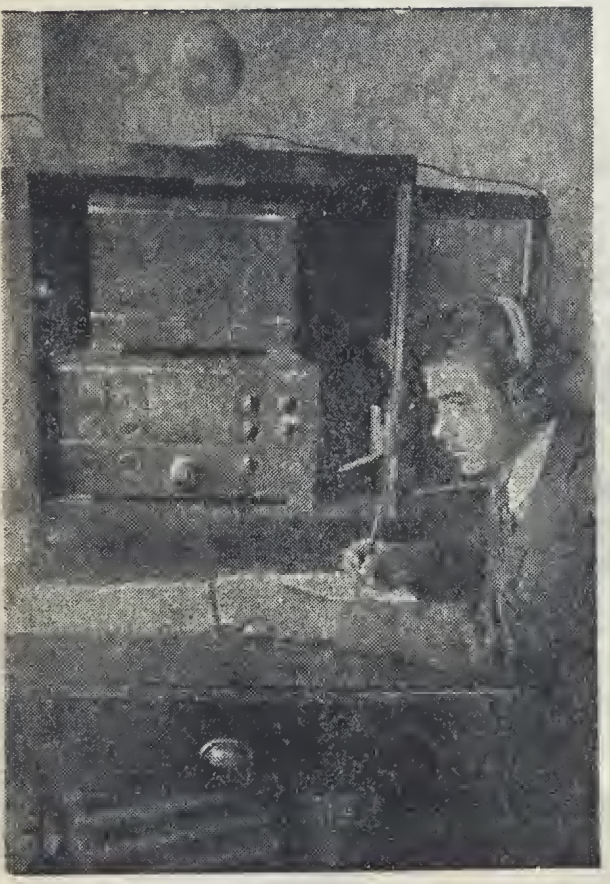


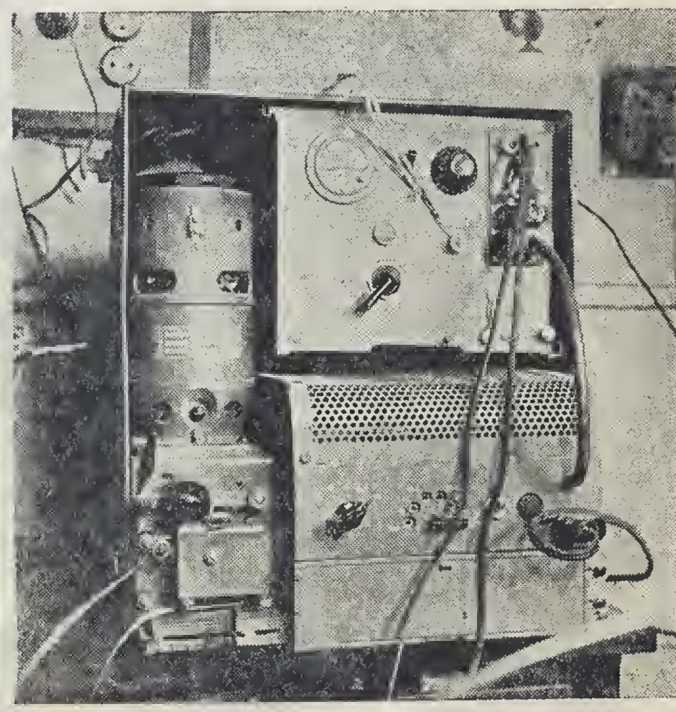


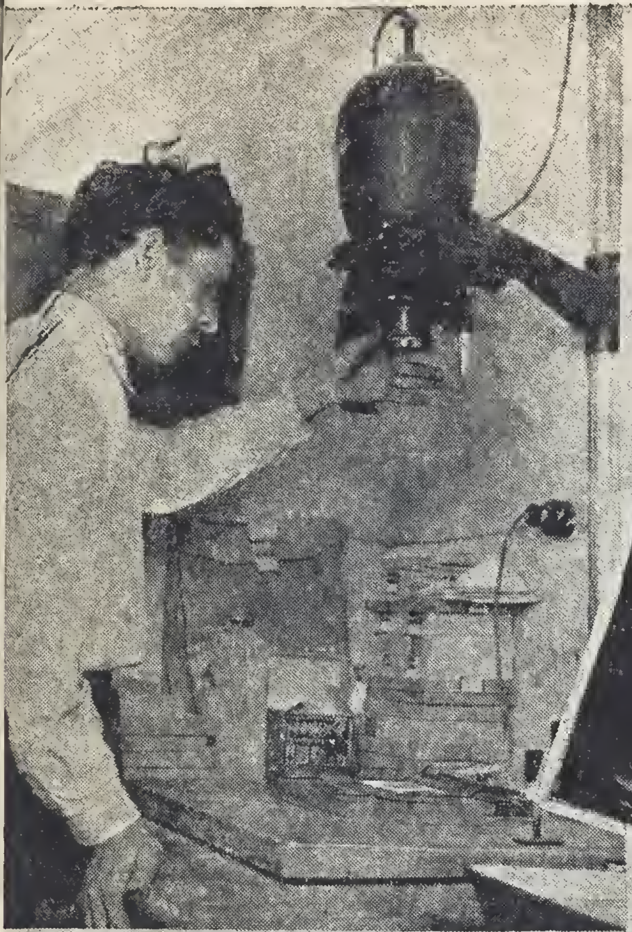
دستگاههای گیرنده خبر

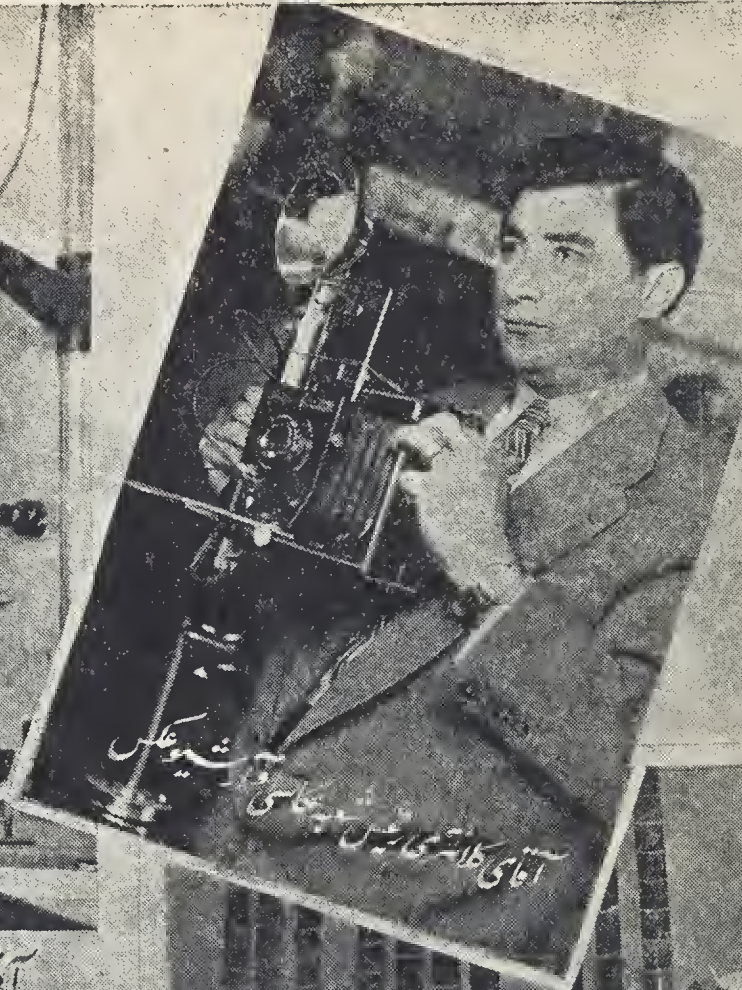
در اداره اطلاعات دستگاهی برای پخش رادیو و دستگاهی برای ضبط صوت وجود دارد در تمام سالون ها و شعبه ها برای کارمندان و کارگران بلندگو نصب‌شده و از این مرکز همه روزه در ساعات‌معین‌موزیك برای‌سرگرمی وتفریح کارگران پخش میگردد . سخنرانیهای دینی وخطابه های مفید نیز بوسیله همین دستگاه مرکزی باطلاع کلیه اعضاء وکارگران اداره میرسد

شعبه خبر های خارجه اداره دارای دستگاه های گیرنده خبر از همه جای عالم میباشد . هر خبری از هر نقطه دنیا در همان ساعت وقوع و مخابره بروزنامه اطلاعات بوسیله همین دستگاه ها میرسد وبلافاصله مورد استفاده مترجمین قرار میگیرد

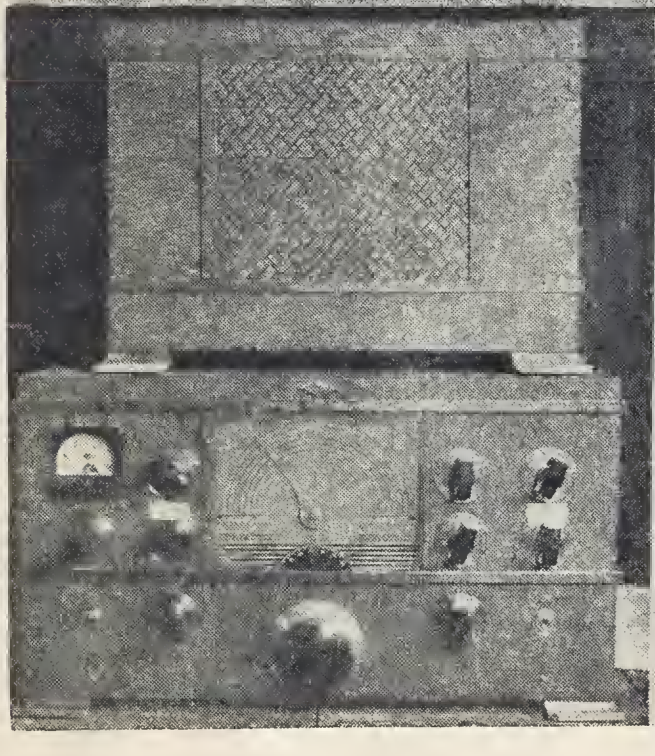








آقای قاسملو در پشت دستگاه آگراندیسمان



یک دستگاه گیرنده خبر با بلندگو



بانو ابراهیمی ماشین‌نویس

بخش دوم - سازمان اداری

سازمان اداری اطلاعات شامل قسمت های زیر است:

۱ - شعبه حسابداری ۲ - شعبه آگهی ۳ - شعبه آبونمان ٤ - شعبه نمایندگی ٥ - صندوق ٦ - ارسال مراسلات ۷ - شعبه توزیع ۸ - انبار.

باستثنای قسمت توزیع و آرشیو و ضبط و دفتر انبار که در قسمت های دیگر جای گرفته سایر شعبه ها در سالن بزرگی متمرکز گردیده است که چند عکس از گوشه‌های سالن دفتر اداری در زیر چاپ میشود:



کسانیکه امور مالی و اداری اطلاعات را سرپرستی و اداره میکنند



آقای احمد صادقی رئیس شعبه آبونمان



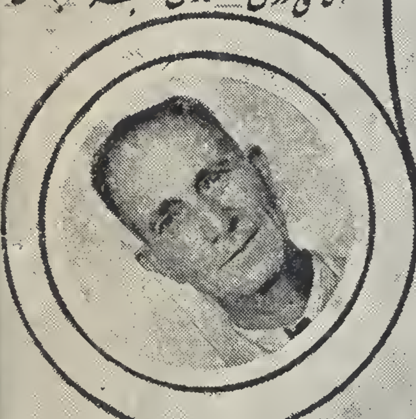
آقای زرهی متصدی شعبه حسابداری



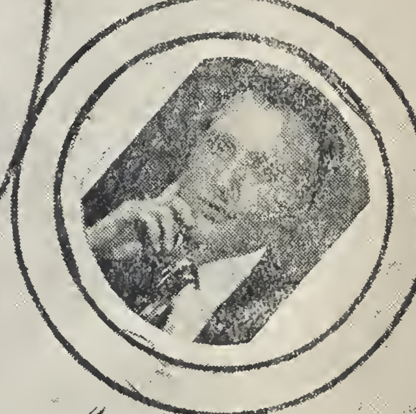
آقای احمد شاد رئیس شعبه آگهی



آقای سیف‌الله شگریز رئیس حسابداری و معاون امور داخلی



آقای امینی صندوقدار



آقای حسن شفقی رئیس شعبه نمایندگیها



آقای نورالدین نوری عضو شعبه آگهی



آقای محمود پناه عضو شعبه آگهی



آقای حسن خرونی متصدی ارسال مراسلات

عده ای از کارمندان اداری



آقای حسین صادقی

آقای حسین اشتری رئیس شعبه انبار

آقای محمد تقی جهاندیده

آقای مجیری

آقای اسمعیلی

آقای توحیدی

آقای گودرزی

آقای ضیائی

آقای پاینده

آقای خسروی

آقای م صمدا

آقای احسنی

آقای قاسم سرید

آقای حبیبی

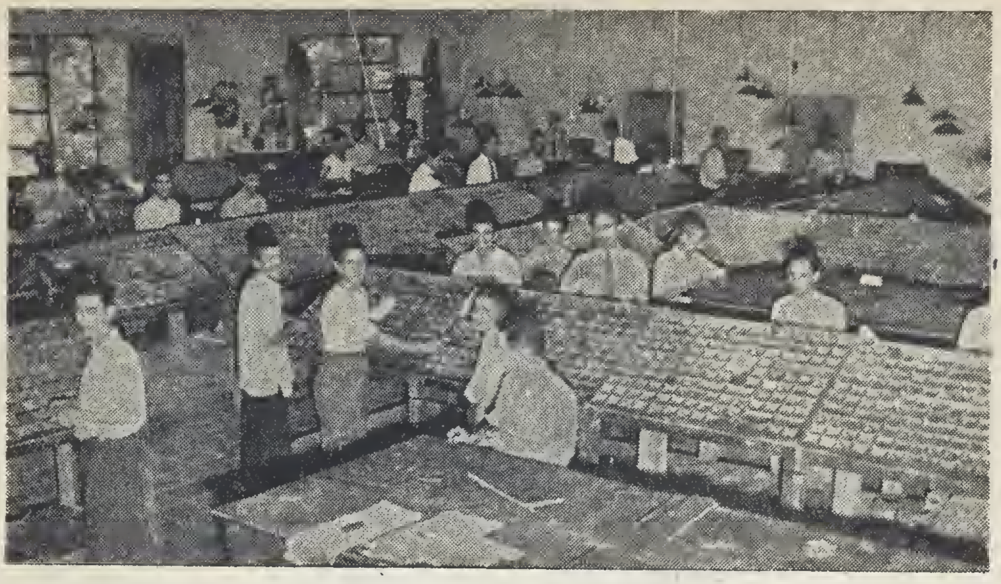
آقای مرادی

آقای حیدری

آقای رضازاده

آقای جلالی

آقای عسکری



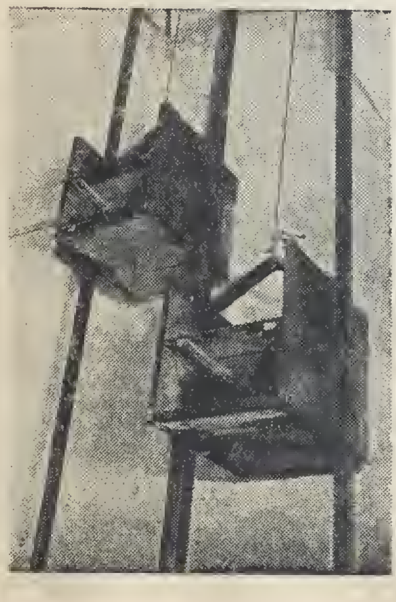
شعبه حروفچینی و منظره عمومی از سالن آن



فیروزج مشغول بستن صفحه است



دراینجاروزنامه بوسیله آقای آذرمی مصحح وآقای عبدالله مرامی کمک مصحح غلط گیری میشود وبرای طبع آماده میگردد



در اینجا غلط گیری ستونها رامیکنند

<——

صفحات بسته شده بوسیله این آسانسور بسالن ماشینخانه پائین فرستاده میشود

<——





آقای بنی زاده صفحه بند

آقای راد طاهری رئیس شعبه

آقای خیروج صفحه بند

آقای شفیعی

آقای زمانی

آقای احمد بیگی

آقای باران ریز

آقای سلاحش

آقای سالاری

آقای علی ابوطالب

آقای تبریزی

آقای صادقی

آقای صامت

آقای حاجی عباسی

آقای خسروی

آقای باران ریز

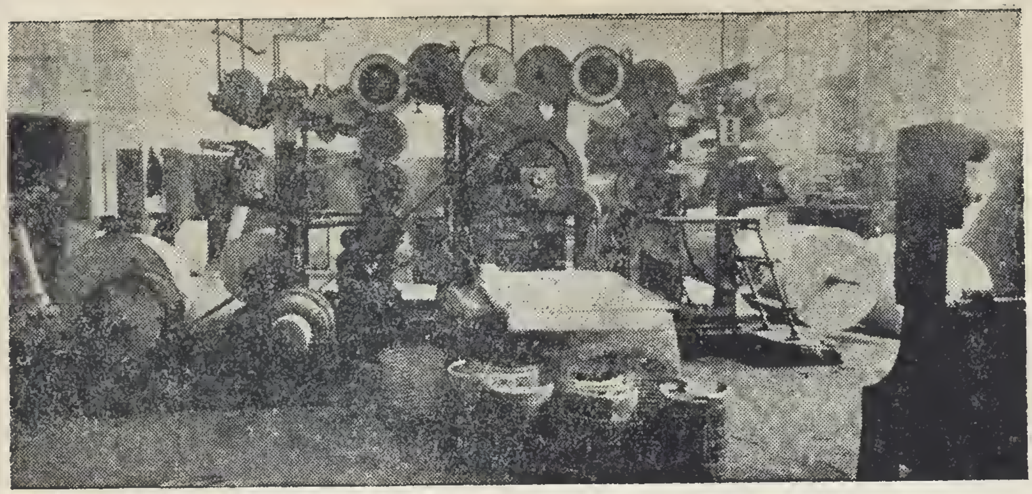
آقای عبادت

آقای کنی

شعبه حروفچینی

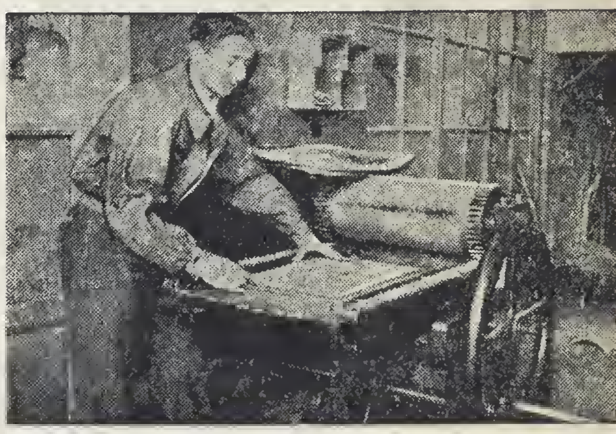

متصدیان توزیع تهران
آقای سیف‌الله سجادی
آقای عباس جلالی
آقای حسین صالحی
آقای محمد هاشمی
آقای سهی کیش رئیس شعبه
آقای یحیی معینی
آقای علی بازگشا
آقای محمد پایوری
آقای سردار صمدی
آقای علی اکبر صادقی
آقای حسین جعفریان
آقای عبدالله ذوالقدر
آقای عزیزالله فارسی
آقای خاطرتقی
آقای اصغر تارانی
آقای ابوالفتح ذوالقدر

شعبه روتاتیو



این ماشین که مخصوص چاپ اطلاعات و در ساعت حد متوسط ده و حداکثر بیست هزار نسخه روزنامه را چاپ میکند در سال ۱۳۱۴ بتهران وارد و در محل فعلی نصب و شروع بکار نمود . در آن موقع مؤسسه اطلاعات استعداد خرید این ماشین را نداشت و برای همین منظور بتأسیس شرکتهای چاپ وساختمان عمارت جدید اقدام نمود ولی این ماشین قبل از تاسیس شرکت بسعای و سرمایه شخصی آقای جواد مسعودی که در اروپا بامور بازرگانی بخصوص صادرات فرش ایران مشغول بودند خریداری ووارد تهران شد وایشان بعدها قیمت ماشین را باقساط دریافت داشته ومقداری سهم شرکت را نیز برداشتند که اقدام ایشان قابل قدیر است.

قبل از شروع بچاپ مقدمات ریختن صفحه وعکس برداری وتراش و اره وحکاکی در این ماشین ها انجام میشود





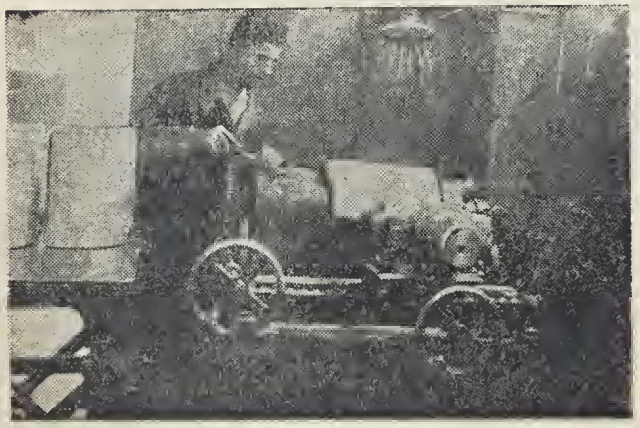
در اینجا آقای فتاج مشغول برداشتن عکس از صفحه روزنامه میباشند

در اینجا آقای حسن جلیلوند متصدی شعبه روتاتیو مشغول ریختن پلاك و صفحه روزنامه می باشند

در اینجا صفحه را زیر ماشین اره میکنند آقای مطلب مشغول است

در اینجا صفحه را حکاکی میکنند و برآمدگی سرب را میگیرند آقای رفعتی مشغول اینکار میباشد





آقای اسمعیلی معاون شعبه



آقای جلیلوند متصدی شعبه روتاتیو



آقای رفیعی کارمند



آقای پاینده متخصص برق بنگاه





با این ماشین صفحات روزنامه کف تراشی میشود

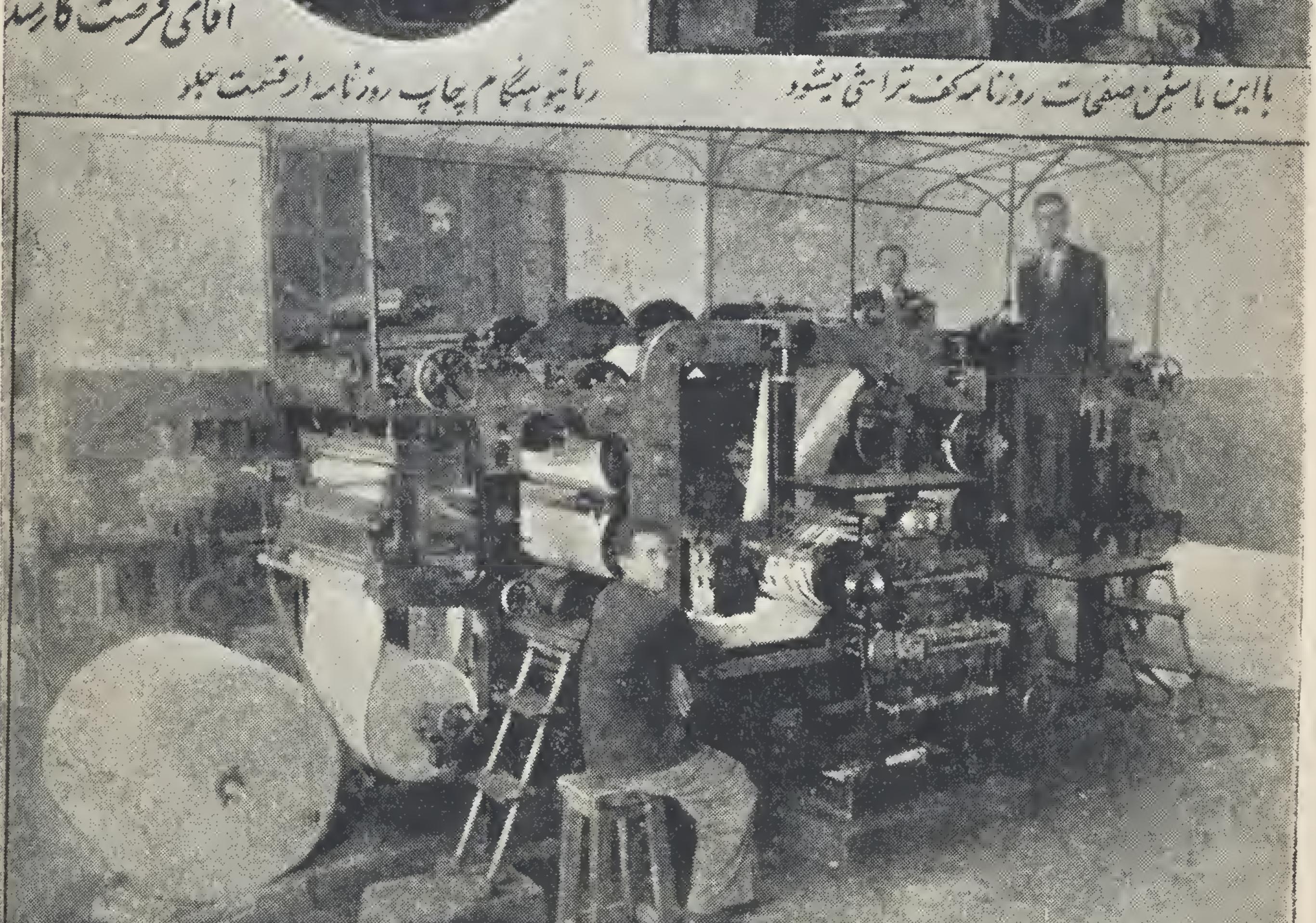
دستگاه شمارش روزنامه



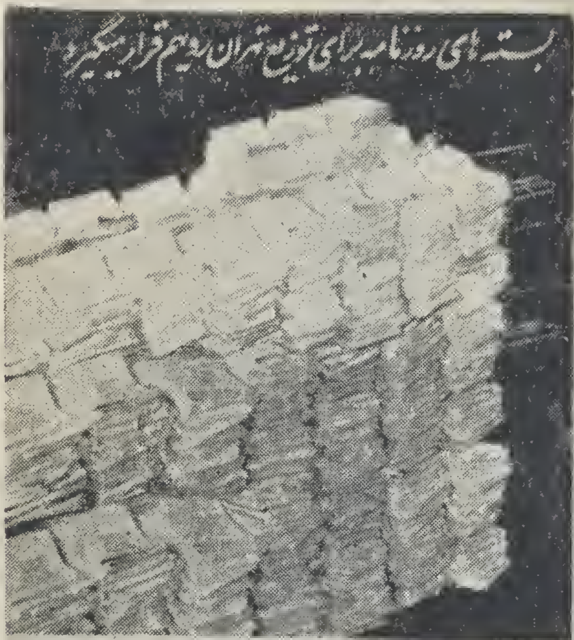


آقای فرصت کارمند

روتاتیو هنگام چاپ روزنامه از قسمت جلو



پس از طبع و قبل از انتشار روزنامه

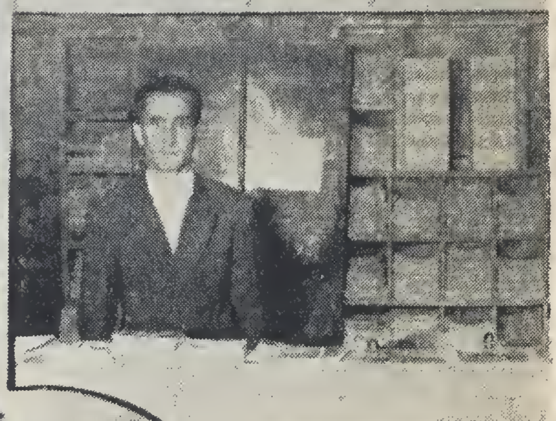


بسته های روزنامه برای توزیع تهران روبهم قرار میگیرد



هنگام بسته بندی برای شهرستانها





این کامیون هر روز عصر بخش شهرستانهارا براه‌آهن ومراکز حمل و نقل میرساند و هر روز صبح کاغذ مصرف اطلاعات را بسالون رتاتیو نقل میکند.

آقای محمد اسمیلی متصدی‌این قسمت است.



لوله‌های کاغذ

قبل از سرسرای اداره این دفتر کوچك بتصدی آقای غفاری روزنامه‌ها ومجلات و کلیه نشریات گذشته‌اداره‌را دراختیار داوطلبان میگذارد


آقای مژده بخش رئیس شعبه حروفچینی
اطلاعات هفتگی - اطلاعات ماهانه
آقایان مظفری و معنوی که تصحیح
اطلاعات هفتگی را بعهده دارند
حروفچینی اطلاعات هفتگی
آقای چهره سا
آقای عادل
آقای سلیقه
آقای نصرت بخت
آقای حاج ابراهیمی
آقای اسدالله
آقای تراب


آقای واحدی
آقای ابراهیمی
شعبه حروفچینی اطلاعات ماهانه
آقای صدری
آقای فرهومند
آقای آذری
آقای بوالحسن
آقای حفظی
آقای سعادت
آقای استادولی





در شعبه حروفچینی لاتین و شعبه صحافی عکس چند نفر ازمبتدیان که برای فراگرفتن فن صحافی و حروفچینی بکارآموزی مشغول میباشند نیزدیده‌میشود.

نمایندگان وخبرنگاران اطلاعات درشهرستانها

نمایندگان و خبرنگاران ما در شهرستانها از روی کمال علاقه و صمیمیت با ما همکاری میکنند مردمان شریف ومحترم و فرهنگ دوست و میهن پرست در همه جا نمایندگی اطلاعات را قبول فرموده وبا طیب خاطر در پیشرفت روزنامه باماکمك ومساعدت میفرمایند . تاریخچه تأسیس نمایندگی های ما مفصل است دربسیاری ازشهرها تشکیلات وسیعی داریم بیشتر ازنمایندگیهای ما دارای عضو وموزعین چرخ سوارو روزنامه فروش هستند و بمحض اینکه روزنامه به آنها میرسد ساعتی بعد بدست مشترکین میرسد ودرتمام شهر برای فروش دردسترس مردم قرارمیگیرد .

نمایندگان ما درهمه جا دارای موقعیت ومقام شایستهٔ احترامی هستند وما ازاین حیث کمال خوشوقتی را داریم واحساسات پاك میهن پرستانه ومعارف پرورانهٔ همهٔ آقایان نمایندگان وخبرنگاران خودرا قدردانی وستایش میکنیم

دردوصفحه بعد با نمایندگان‌ما آشنامیشوید ودراینجا نام نمایندگان وخبرنگاران شهرستان ها بترتیب حروف تهجی از روی نام شهرطبع میگردد وروی عکسها شماره گزاری شده است :

۱ - اصفهان : آقای جلال ناصری -۲ اهواز : آقای سیدمحمد رضا منصوری ۳- الدیمشك : آقای عبدالله جهدی ۴ - اراك : آقای ابوالحسن آخولدزاده ۵- ابهر . آقای علیمحمد مقیمی ۶- آمل : آقای یوسف یرزاد ۷- اردبیل : آقای عزاز صابر ۸- اشترلیان : آقای روح الله شمالی ۹- اهر : آقای یوسف خدادادی ۱۰ - الیگودرز : آقای محمود حجتی ۱۱- آغاجاری. آقای رسول زکی‌زاده ۱۲- بندر پهلوی. آقای حیدرسعیدی‌اقبال ۱۳- بروجرد آقای ابوالمجدرازالی ۱۴- بوشهر . آقای یوسف سامی ۱۵ - بیرجند آقای علی‌اکبر زردست ۱۶- بهبهان: آقای حاج بابالدنی ۱۷ - بیجار . آقای رحمت‌الله فریدونی ۱۸ - بندرعباس :آقای غلامرضا فیوض ۱۹ - بندر شاهپور . آقای احمد ایل بیکی ۲۰ - بوکان : آقای ابراهیم مرادی ۲۱ - بم . آقای کاظم ایران نژاد ۲۲ - برازجان : آقای اکبر آتش فراز ۲۳- بهشهر: آقای قدرلی ۲۴- بندرشاه. آقای مصطفی محمدیان ۲۵- بندرمعشور. آقای علی لرکپور ۲۶- بندرگز: آقای صادق صداقت کیش ۲۷- تربت جام: آقای هاشم اباذری ۲۸- تبریز: آقای اسمعیل واعظ پور ۲۹- تویسرکان: آقای علی‌اصغرسلیم‌زاده ۳۰- جهرم : آقای محمدحسن صراف پور ۳۱- چالوس آقای میرعظیم عظیمی ۳۲- خاش: آقای مظفر لوکلی ۳۳- خرم آباد. آقای محمد یوسف توسلی ۳۴ - خوی : آقای تقی زاده ۳۵ - دامغان . آقای شریف آل داود ۳۶- دزفول. آقای محمد رضا ناجی ۳۷ دماوند : آقای جلال مدنی ۳۸ - دورود :آقای محمدعلی علی‌اکبری ۳۹- درگز . آقای محمودشجاع ۴۰- رشت : آقای تقی مژده ۴۱ - رفسنجان . آقای عباس خالدالی ۴۲ - رضائیه . آقای جبار فاخری ۴۳ - زنجان : آقای شیشه‌جیان ۴۴ - زابل. آقای سیدمرتضی علوی ۴۵ سبزوار : آقای یحیی مهدوی ۴۶ - سنقر آقای محمدحسین اورالی ۴۷ - سراب. آقای محمودقضائی ۴۸- سقز: آقای مصطفی تیموزاده ۴۹ شیراز: آقای سیدعلی میرزاده ۵۰ - شاهی. آقای احمد جمشیدی ۵۱ - شاهرود آقای مهدی داودی ۵۲ - شاهپور. آقای بهنیا ۵۳ شهسوار. آقای محمد رضا رلوئی ۵۴ شبستر: آقای محمدرضامؤدب ۵۵ - صحنه . آقای ابوالحسن آذری ۵۶ علمدار. آقای محمدتقی پویان ۵۷ فومن . آقای محمد حسین بهجت ۵۸ -قم . آقای علینقی جواهری ۵۹ قزوین . آقای ابراهیم قالمی ۶۰ قوچان ، آقای محمود وزیری ۶۱ کاشان : آقای عباس فرهومند ۶۲ کاشمر . آقای غلامعلی گنابادی نژاد ۶۳ گرمی . آقای سیدمحسن حسینی ۶۴ کرج . آقای محمدتقی دانش‌پژوه ۶۵ کرمان . آقای مهربان کیوان آذر ۶۶ کرمانشاه. آقای باقر شاکری ۶۷ کردکوی . آقای بزرك کیانپور ۶۸ گرگان : آقای باقری ۶۹ گرمسار . آقای محمد اسدی ۷۰ لاهیجان . آقای حمزه سعادتمند ۷۱ لنگرود . آقای سیدمحمد رضا میرفطرس ۷۲ لطف آباد آقای مرتضی کاظمیان ۷۳ لار : آقای مروج ۷۴ مشهد . آقای شاقی ۷۵ مسجد سلیمان . آقای احمد ادیب پور ۷۶ میانه :آقای محمدشریعتمدار ۷۷ - مراغه آقای ابوالقاسم مهدی‌زاده رحیمی ۷۸ -مهاباد آقای محمدحبیبی ۷۹ میاندوآب. آقای عبدالله عبدی ۸۰ ماکو. آقای علی عباسقلی زاده ۸۱ محلات . آقای عرب ۸۲ مرند . آقای ارقانی ۸۳ ملایر - آقای حسن سپهر ۸۴ نیشابور . آقای قاسم توسلی ۸۵ نهاوند . آقای محمد علی منصوریان ۸۶ نکاء . آقای عماد وزیری ۸۷ اودهر . آقای محمد قاسمی ۸۸ همدان . آقای محمد علی ملك ۸۹ هفتگل . آقای مصطفی مصطفوی ۹۰ یزد . آقای مهدی فرزانه

✿✿✿

متأسفانه از ۳۷ نقطه از نقاط کشور عکس نمایندگان محترم اداره درموقع تنظیم صفحات سازمان دردست نبود که بترتیب عبارتند ازآباده ،آبادان ، اصطهبانات ، ازنا ، بابلسر ، بانه ، بابل ، بحرین،بندرلنگه،تربت حیدریه ،تکاب ، خرمشهر،خوانسار، خلخال ، رامسر، زاهدان ، سمنان، سنندج ، سیرجان ، ساری ،سردشت ، شاه آباد غرب ، شادگان ، شوشتر ، صومعه‌سرا ، فریمان ، فیروزکوه ، قصرشیرین ، قیدار ، کازرون ،گناباد ،گلپایگان ، کامیاران ، مشکین شهر ، مریوان ، ورامین ، نقده که بعدها عکس نمایندگان مزبور دریکی ازنشریات بنظرخوانندگان گرامی خواهد رسید .



با نمایندگان و خبرنگاران ما در شهرستانها آشنا شوید





بقیه نمایندگان و خبرنگاران ما
در شهرستانها



خبرنگاران ما در کشورهای خارجه



آلمان
آقای دکتر داود منشی‌زاده

اداره اطلاعات بواسطه وجود دستگاههای گیرنده اخبار تلگرافی و رادیو از لحاظ اخبار جهان نمیتواند از وجود خبرنگاران خود در خارجه استفاده کند ولی بلحاظ فرستادن تفسیرات سیاسی وجزئیات مسائل مهم جاری و اظهار نظر های رجال عالم آقایان خبرنگاران ما در خارجه کمک شایانی بما میکنند و ما امیدواریم در آینده بتوانیم سازمان خبرنگاری خود را در خارجه بیش از پیش توسعه داده مورد استفاده بیشتری قرار دهیم و از وجود آقایان محترمی که با کمال مهر و لطف نمایندگی مارا قبول فرموده اند بهره‌مند شویم.



پاریس
آقای دکتر علی اصغر عزیزی



لندن
آقای عبدالحسین چوبین



بالتیمور
آقای دکتر ایزد



کراچی
آقای ممتاز احمدخان



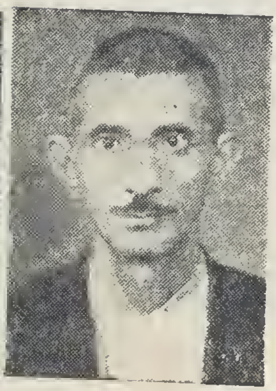
انگلستان
آقای احمد مینائی‌پور



هولیوود
آقای احمد ابریشمی



سوئیس
آقای خیرالله آجری



بمبئی
آقای اردشیر خدارحم



بغداد
آقای عباس دشتبان

بخش سوم - سازمان فنی

شرکت سهامی چاپ

در تاریخ پنجم شهریور ۱۳۱۴ بتقاضا ودعوت آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات یکعده از بازرگانان و محترمین بتشویق آقای نیك پور رئیس اطاق بازرگانی و آقایان علی وکیلی - یمین اسفندیاری - احمداخوان - خسروشاهی - کورس - حسین چاپچی - میراسدالله غفاری و مرحوم علی قیصریه و جمعی دیگر جلسه ای در منزل آقای احمد اخوان تشکیل دادند ودر آن جلسه پایه شرکت سهامی چاپ باسرمایه یکصدهزار تومان ریخته شد و موافقت گردید که مطبعه کوچك اطلاعات تقویم شده و بجای سهام آقای مسعودی بشرکت واگذار شود بلافاصله شرکت بخرید زمین در اراضی سنگلج و ساختمان مبادرت ورزید ودرسال دوم چون سرمایه کافی نبود یکصد هزار تومان دیگر بسرمایه شرکت افزوده شد که دانشگاه تهران سهم قابلی از آن بر داشت که اکنون از شرکای بزرك شرکت سهامی چاپ میباشد در سال ۱۳۲۴ بمناسبت نیازمندی به ماشین آلات جدید ودستگاه های تازه سرمایه شرکت اضافه و بالغ بر پانصد هزار تومان گردید.

اولین رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت شادروان مرحوم عبدالله یاسائی بود که در گذاردن بنای شرکت وساختمان عمارت بزرك فعلی کوشش و اهتمام شایان نمود و در اینجا بروح پرفتوح آن فقید سعیددرود میفرستیم.

سایر آقایان هیئت مدیره‌ای که بتدریج انتخاب گردیده وهریك سالها قبول زحمت شرکت را نمودند از اینقرار میباشند:

آقای احمداخوان، آقای دکتر عبدالحمید زنگنه، آقای حاج حسن بنکدار، آقای ناصر عطائی، آقای کاشانیان، آقای جواد مسعودی، مرحوم قیصریه، آقای عبدالله قاسمیان، آقای حاج یوسفعلی شهمیرزادی، آقای محمود امینیان.

یکعده عناصر شریف و معارف دوست روز اول تاسیس شرکت باعلو طبع و همت بلند خود بمنظور کمك بیك روزنامه ملی حاضرشدند سرمایه های خود را در شرکت چاپ بریزند بدون اینکه توقع سودی داشته باشند چه بسیار از این آقایان در آنروز که سهم برمیداشتند تصور زیان وخسارت و از بین رفتن سرمایه را مینمودند و با وجود این توهم حاضر بهمکاری با اطلاعات شدند.

ما برای تقدیم عرض تشکروقدردانی اسامی آقایان شرکای اولیه خودرا درزیر چاپ مینمائیم:

۱-مرحوم عبدالله قیصریه ۲-آقای احمد اخوان ۳- آقای علی وکیلی ۴- آقای بوداغیانس ۵- آقای حسن کاشانیان ۶- آقای خسروشاهی ۷-آقای کورس ۸-آقای حسن چاپچیان ۹-آقای رحیم زاده بلور فروشان ۱۰ - آقای عباس مسعودی ۱۱-آقای حسن مسعودی ۱۲ - آقای هاشم ضیافت ۱۳-آقای حاج محمداسمعیل فرشچی ۱۴-آقای یمین اسفندیاری ۱۵-آقای میر اسدالله غفاری ۱۶-آقای حاج محسن ایلکچی ۱۷ - آقای حاج میرزا عبدالله فتوره‌چی ۱۸-آقای یوسف علی شهمیرزادی ۱۹-آقای حاج محمدتقی معتمدی ۲۰-آقای محمدعلی نصرتیان ۲۱-آقای حاج میرزا حسین کوشانپور ۲۲ - آقای علیزاده کاغذ چی ۲۳ آقای حاج علینقی کاشانچی ۲۴-آقای حسن صیرفی ۲۵ - آقای حاج محمدرضا ضاد قمی ۲۶- آقای حاج آقا جلال ۲۷-آقای کاشف ۲۸- آقای محمد پنبه چی ۲۹- برادران مارتین ۳۰- مهدی ارباب ۳۱-آقای کاشنی ۳۲-آقای خداداد سیروس ۳۳-آقای حاج میرزا حسن بنکدار ۳۴- آقای عبدالله یاسائی ۳۵-آقای باقر نیك انجام ۳۶-آقای خلیل شیرازی ۳۷-آقای سیدمحمود لاجوردی ۳۸- آقای غلامرضا مهاجر اسکوئی ۳۹- آقای حسین تراب نیا ۴۰- آقای بهبهانی ۴۱- آقای خامنه‌ای ۴۲- آقای جعفر دوامی ۴۳- آقای طاهباز ۴۴ - آقای حاج محمدحسین یزدی ۴۵- آقای یحیی محسن پور ۴۶- آقای حاج محمدحسین نیك زاد ۴۷- آقای زین العابدین دولو ۴۸ - آقای علی اکبر محلوجی ۴۹ -آقای نیکپور

۵۰- آقای جعفر قزوینی ۵۱ - آقای عبدالله قاسمیان ۵۲- آقای حاج میرزا علینقی کاشانی ۵۳- آقای محمدعلی مسعودی ۵٤- آقای جواد مسعودی

خیلی از آقایان نامبرده بالا تاامروز نیز ازشرکای وفادار شرکت سهامی چاپ میباشند که علاقه خود را با ما قطع نکردند و البته بعضی از آقایان سهام خودرا بعد فروختند که بدست اشخاص دیگری منتقل گردید و چون سهام بی نام است دردست عده زیادی از بازرگانان ومحترمین واشخاص متفرقه سهام شرکت دیده میشود.

خوشبختانه شرکت سهامی چاپ با مساعدت های مخصوص مؤسسه اطلاعات توانست تدریجا بتوسعه وترقی شعب فنی خود بپردازد واکنون مفتخر است بعرض عموم برساند که شرکت سهامی چاپ روی علاقه و کوشش های آقای عباس مسعودی وروح صداقت ودرستی ایشان یکی ازمحکمترین شرکت هائی است که در سالهای اخیر تشکیل گردیده و اصول صحیحی را نسبت برفاه حال کارگران پیش گرفته است که شمهٔ از آنرا ذکر مینماید:

۱- کلیه کارگران شرکت درنزد شرکت بیمه ایران بیمه شده‌اند و بمحض اینکه احساس درد و یا خستگی و یا مرضی که ناشی ازکار باشد بنمایند فوری برای معالجه واخذ دستور وداروی مجانی بشرکت بیمه ایران معرفی میشوند.

۲- شرکت دارای طبیب موظفی است که امراض غیر ناشی ازکار کارگران و زن وفرزندان ایشان را معالجه مینماید.

۳- داروی مجانی ازطرف شرکت بکارگرانیکه مریض شده ومرض آنها ناشی ازکار نباشد داده میشود.

٤- در هرسال کلیه کارگران موظفند از ده روز مرخصی بااستفاده ازحقوق استفاده نمایند.

۵- کمکهائی ازحیث خرید ارزاق از قبیل برنج و روغن وتقسیم آن بقدر احتیاج هر کارگر بین ایشان و اخذ قیمت آن باقساط ازطرف شرکت درهرسال بعمل می آید.

٦- هزینه‌های غیر مترقبه ازقبیل عروسی یا فوت یکی از اقربای درجه اول کارگر که کفیل خرج آن شخص می باشد وهزینه اولادکارگررا شرکت علاوه برحقوق کارگرمیپردازد.

۷- برای حفظ صحت وسلامتی وتندرستی کارگران اقدامات لازم ازقبیل درنظر گرفتن اطاقهای روبه آفتاب وتهیه وسایل تهویه هوا درسالنهائی که کارگران کارمی کنند، شده‌است و درساعت ده صبح بهر کارگر یك گیلاس شیر داده میشود.

۸- ده درصد ازسود ویژه شرکت در هرسال بین کارگران تقدیم میشود بااین حال سهام شرکت سهامی چاپ از قیمت اسمی خود در بازار اضافه تر خرید وفروش میشود زیرا ارزش دارائی شرکت بیش ازاصل سرمایه آن بوده مضافا براینکه سود بالنسبه قابلی‌هم بشرکای خود میرساند.

☆☆☆

موضوع دیگری را که باید در اینجا یادآوری نمود اینست که برای توسعه و پیشرفت چاپ کارهای رنگین شرکت سهامی چاپ دست باقدامات وسیعی زده و برای نیل باین مقصود ماشینهای مدرنی را سفارش داده است که بتواند بمراتب بهتر از ماشین های فعلی کارهای رنگین را انجام دهد قسمتی از این ماشین ها بتهران وارد وبقیه در راه است که امید میرود شرکت باسازمان چاپ رنگین خود در آینده نزدیکی بتواند کمك شایانی از لحاظ تهیه مجلات مصور رنگین وآتکیت های بازرگانی که مورد لزوم ومعرف کالاهای ایرانی است بنماید

☆☆☆

درصفحه بعد عکس چند نفر از آقایان اعضای هیئت های مدیره شرکت سهامی چاپ را ملاحظه میفرمائید وازاینکه موفق بچاپ عکس سایر آقایان نشدیم پوزش میطلبیم زیرا در موقع تنظیم صفحات عکس آنان دردسترس ما قرارنگرفت.

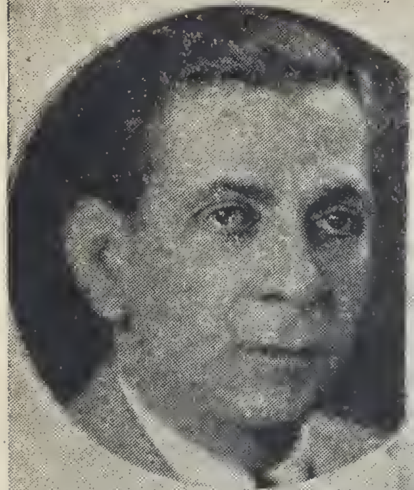
چند نفر از اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی چاپ



آقای دکتر زنگنه



شادروان آقای یاسائی اولین رئیس هیئت مدیره شرکت سهامی چاپ



آقای جواد مسعودی



آقای شمشیرزادی



آقای نصرتیان



آقای اخوان



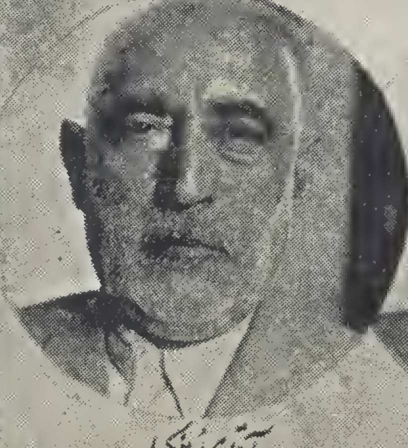
آقای قاسمیان



مرحوم قیصریه



آقای عطائی



آقای بنکدار



آقای امینیان

آقای مصطفی فرزانه مدیر عامل

و کارمندان دفتری شرکت سهامی چاپ





آقای زرهی صندوقدار



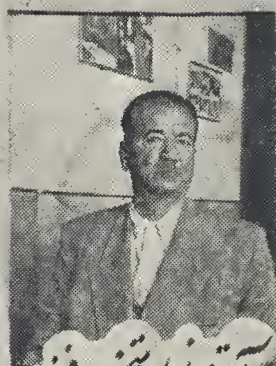
آقای پرویز رئیس حسابداری



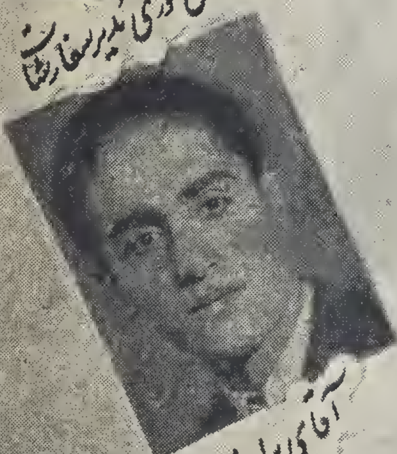
آقای نوری مدیر سفارشات



آقای نوروززاد



آقای نوابی متخصص فنی



آقای بیات



آقای ابری



آقای بخاقی



آقای فولادی



آقای محبوبی

علاوه بر سیف چندان دیگر نگاهداری عمارت و سرایداری و نظافت بنگاه اشتغال دارند که این ها هر کدام عائله‌ای در این اداره تشکیل داده و منزل و مسکن دارند .

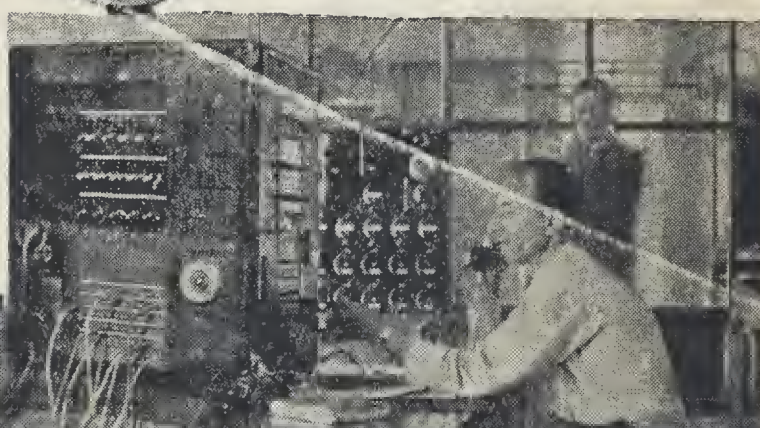






وقتی از در بزرگ شرکت وارد میشوید این شخص آقای سیف صادقی که از روز تاسیس بنا تاکنون به نگاهبانی عمارت اشتغال دارد جلب توجه می نماید .

اداره اطلاعات دارای یکدستگاه مرکزی تلفن میبا
که از این دستگاه سی رشته تلفن باطاق ها و شعب مخت
کشیده شده است و سه رشته سیم خارجی دارد که شما
های آن از اینقرار است : ۴۶۷۷-۴۶۳۴-۵۵۷۹ تمام ادا
وشعب مختلف روزنامه و شرکت بوسیله این دستگاه مر
با هم ارتباط دارند و می‌توانند باخارج نیز صحبت ک
متصدی و مسئول این دستگاه آقای ابراهیم میرشکار
آقای کنعانی میباشند .

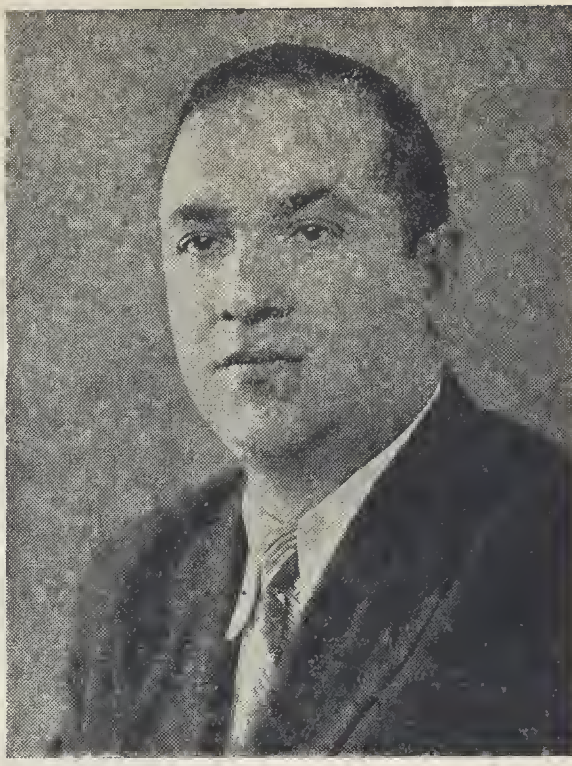




در طرف راست آقای حسین علی تاجیک و در طرف چپ آقای باقر صادقی با اطفالش و در وسط صفحه آقای حسن گندمی سرایداران اداره دیده میشوند



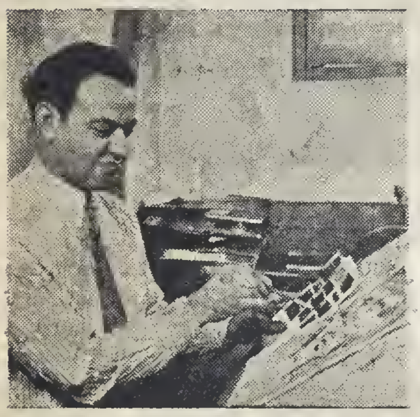
شعبهٔ گراور سازی



شعبه گراور سازی این اداره تحت ریاست وسرپرستی استاد هنرمند آقای حبیب الله زانیچ خواه اداره میشود ، ایشان توانسته اند ترقیات بزرگی در این صنعت بوجود آورند ، بطوریکه اکنون گراور سازی شرکت سهامی چاپ درتهران از حیث ظرافت و زیبائی و سرعت و هنرمندی نظیر ندارد بخصوص کارهای رنگی این شعبه مورد توجه عموم قرار گرفته است پشت جلدهای اطلاعات ماهانه نمونه هنر این شعبه است که تا چندی قبل بسیاری تصور مینمودند که در خارج از ایران بچاپ میرسد . سازمان این شعبه را از روی عکس میتوانید ملاحظه کنید.



خوانندگان گرامی با آثار گرانبهای آقای اکبر تجویدی در اطلاعات ماهانه بخوبی آشنائی دارند در بالا عکس ایشان هنگام نقاشی دیده میشود.



آقای جواد هاتف نقاش دیگر شرکت سهامی چاپ هنگام کار مشاهده میشوند .



آقای جواد بهرامی یکی دیگر از نقاشان شرکت سهامی چاپ میباشند که اداره دفتری گراور سازی را هم اداره مینمایند.



آقای تیمور رشدی از هنرمندان باذوق میباشند که همواره صمیمانه با مؤسسه اطلاعات همکاری کرده و میکنند



میزان کردن عکس

درحال گرفتن عکس





درحال کپی



ماشین زنگ بری



درحال ظاهر کردن شیشه

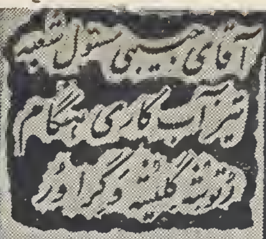








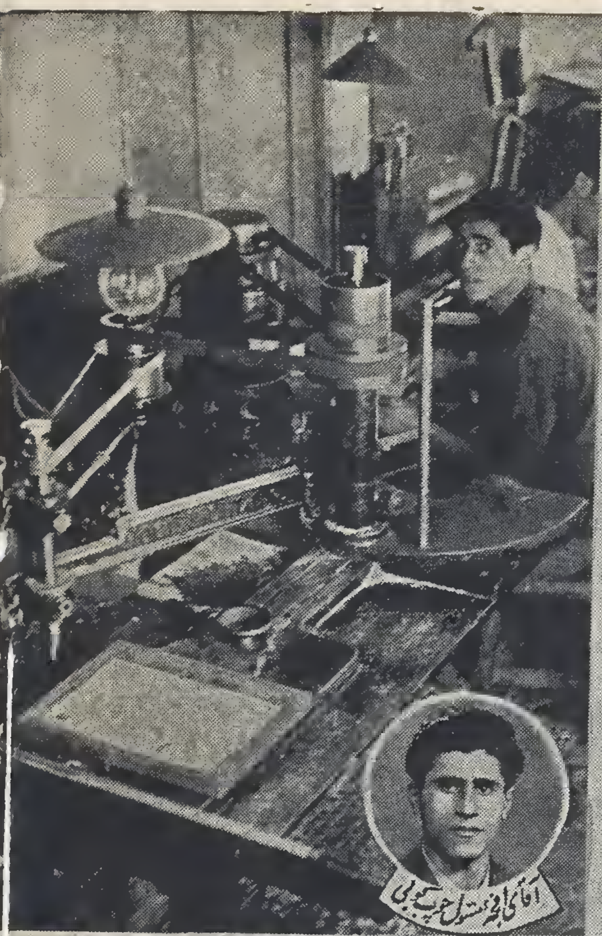
مناظری از دستگاههای مختلف گراورسازی و کارمندان آن



آقای حبیبی مسئول شعبه تیزآب کاری هنگام زدن کلیشه و گراور



در زیر مناظری از دستگاههای اره برنده و پخ زنی گراور دیده میشود



آقای [illegible] مسئول چاپ [illegible]

آقای افجای در کنار دستگاه حکاکی



آقای تیرباز مشغول پخ زدن

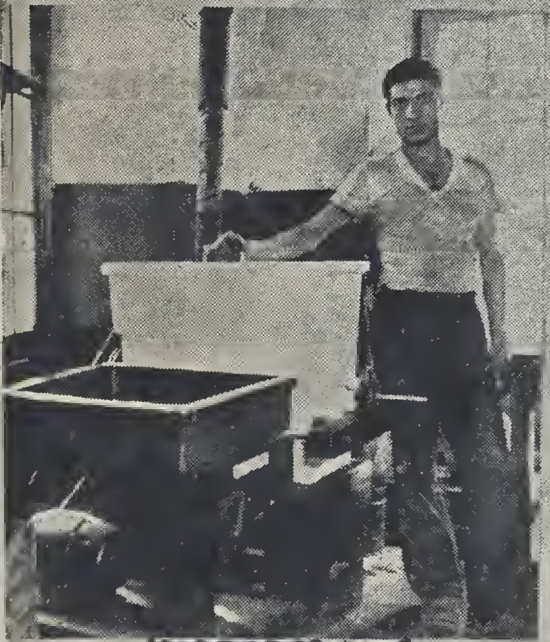


آقای زیبا مشغول بریدن کلیشه





آقای امیری مشغول بریدن چوب



دستگاه تیزآب گراور
آقای لاری مشغول اسید زدن کلیشه

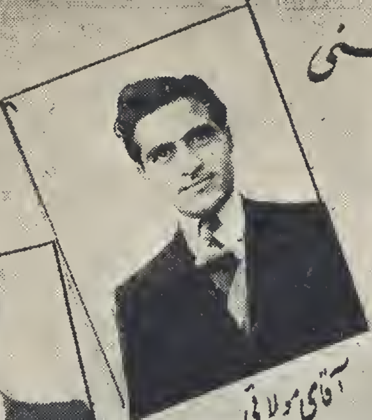


آقای جواهری | آقای سروری | آقای فرهودی

شعبه فرم‌بندی و کتاب‌چینی


آقای شیرازی


آقای ناهید مسئول شعب


آقای مولائی

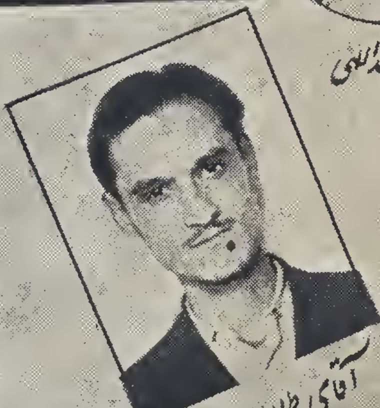

آقای عبداللهی

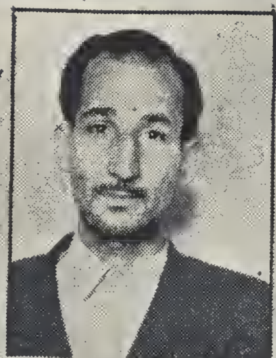



آقای شهسواری


آقای عبداللهی


آقای محمدی

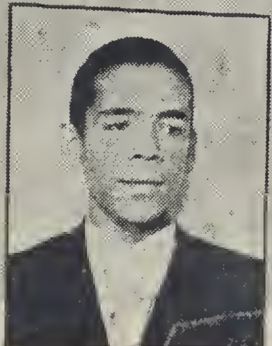

آقای طاهری


آقای شقاقی


آقای امیری


آقای شجاعی

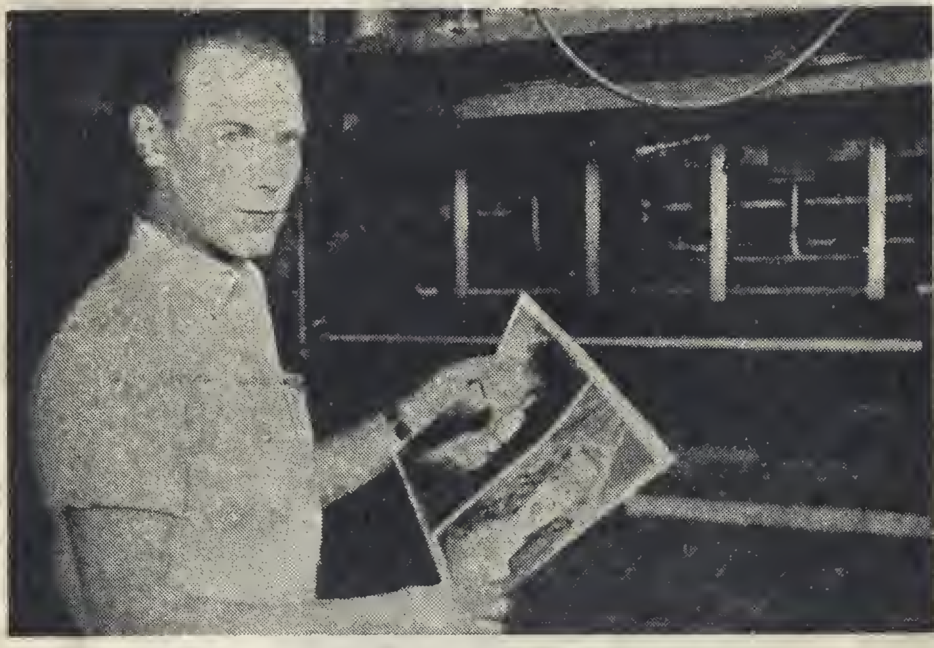

آقای فرهمندی


آقای سید جعفری

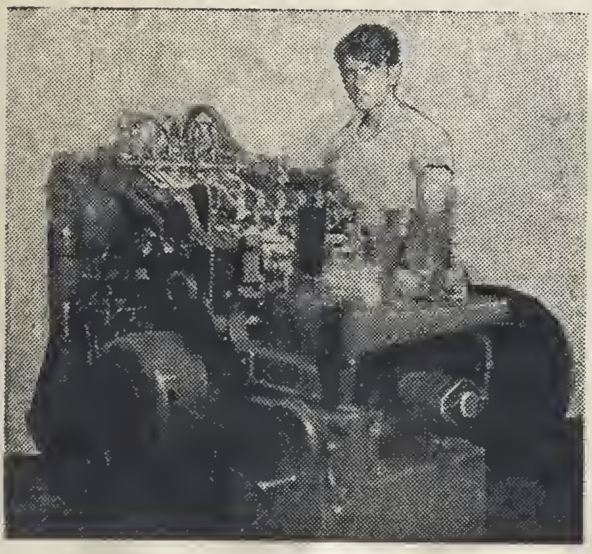

آقای رضائی

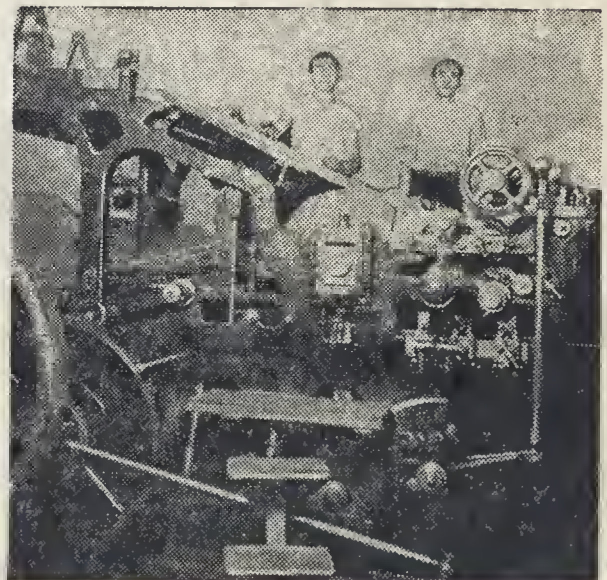
شعبه ماشینخانه
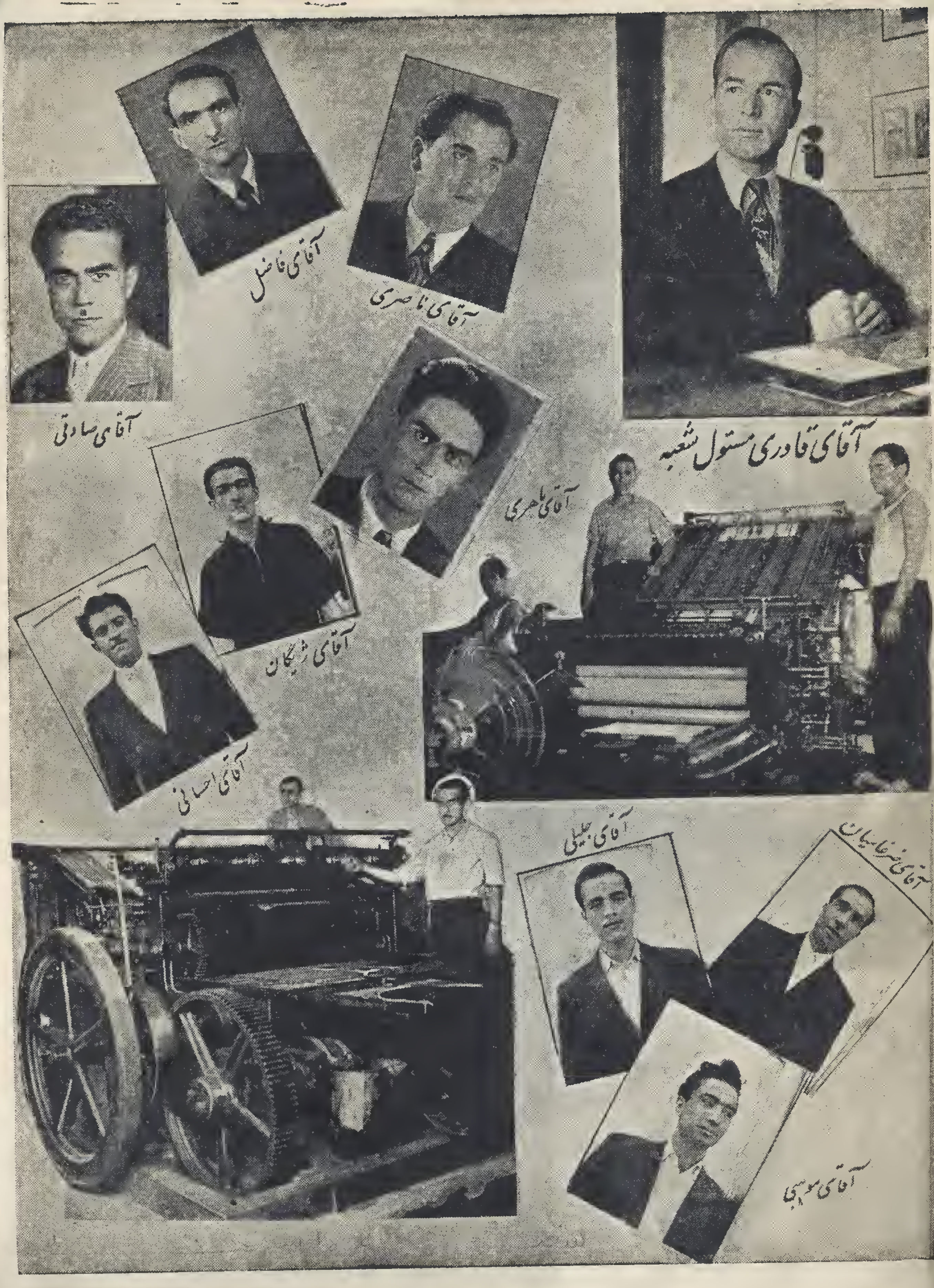
شرکت سهامی چاپ مجهز باقسام مختلف ماشین های جدید طبع میباشد .
در این مؤسسه ماشین های طبع خودکار ، نیمه خود کار ، وجود دارد .
کارهای رنگی مؤسسه‌شرکت‌سهامی‌چاپ‌بسیار زیبا ومورد پسند وتوجه‌قرارمیگیرد.
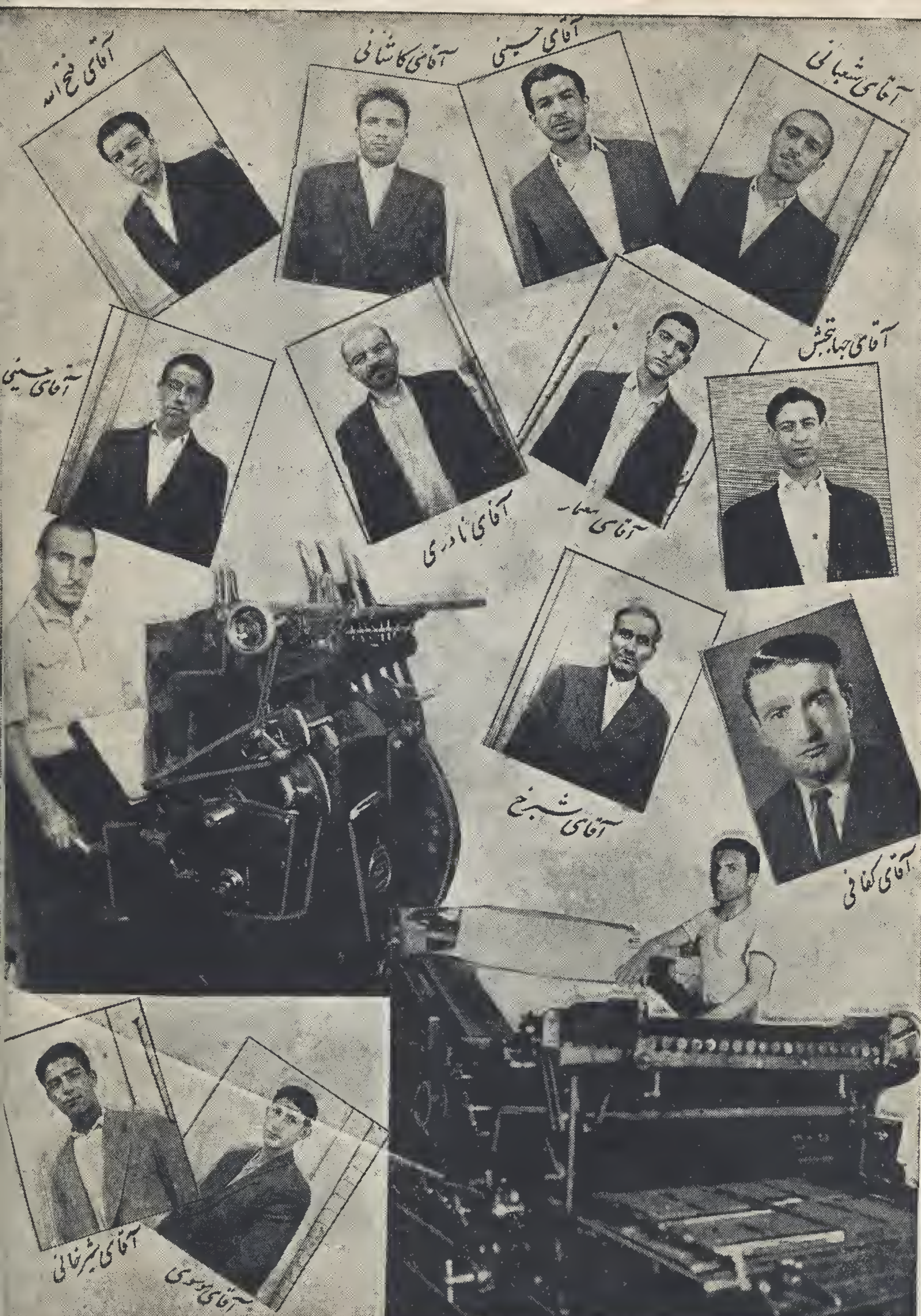


آقای آروید کریستانس نروژی متخصص کارهای رنگی چاپخانه میب‍اشند که
از سال ۱۳۲۷ در استخدام این اداره قرار گرفته اند . در اینجا عکس بعضی از
ماشین‌ها وکارکنان فنی ماشینخانه‌را ملاحظه‌میکنید





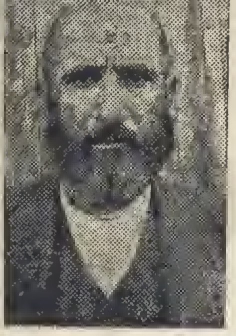


آقای فاضل
آقای ناصری
آقای صادقی
آقای قادری مستول شعبه
آقای ماهری
آقای ژیگان
آقای احسانی
آقای جلیلی
آقای فرمانیان
آقای سوهبا



آقای فتح‌الله
آقای کاشانی
آقای حسینی
آقای شعبانی
آقای جهانبخش
آقای حسینی
آقای نادری
آقای کنعانی
آقای شیرخانی


آقای محمد علی بازرگانی
آقای اصغر بازرگانی مسئول شعبه
آقای کاظم شهیدی پور
شعبه صحافی
آقای حسین عابدینی
آقای حسن رمضانی
هنگام صحافی مجلات
آقای عبدالله جلالی
آقای رضا جوادپور
آقای عبدالحسین فنائی نژاد





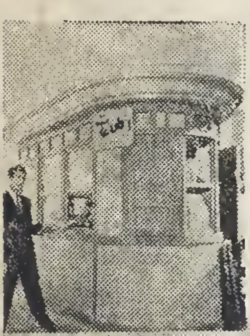
پخش روزنامه و مجله در تهران

در طرف راست آقای حاج محمد سقازاده مدیر توزیع جراید دیده میشوند که سالهاست با کمال علاقمندی این خدمت مطبوعاتی را انجام میدهند - در طرف چپ آقای حسن خلج رئیس قسمت پخش اطلاعات در محل کار خود دیده میشود ایشان وظیفه بس مشکلی را انجام میدهد زیرا درفاصله چند دقیقه چندین هزار نسخه روزنامه شماره کرده را طبق تقاضا واحتیاجات هریک از روزنامه فروش ها با سرعت هرچه تمامتر توزیع مینماید بدون اینکه اختلاف حسابی باهیچ یک از روزنامه فروشها پیدا کند





در این صفحه عکسهائی از روزنامه فروشان هنگام دریافت روزنامه‌وخروج‌ازاداره ودو منظره ازجایگاه های فروش که درتمام‌مراکزعمده شهر لنظیم آنها برای فروش نشریات اطلاعات تاسیس‌شده دیده‌میشود همچنین عکس‌جمعی از روزنامه فروشان قدیمی که‌سالهاست بمطبوعات‌خدمت میکنند درزیرودر صفحه مقابل‌چاپ شده است‌و‌ازاینکه‌عکس بقیه روزنامه فروشان‌هنگام تنظیم‌این صفحات‌دردسترس ما نبودمتاسف بوده وخود راموظف میدانیم‌که اززحمات کلیه آقایان روزنامه فروشان در اینجا تقدیر نمائیم.









روزنامه فروشان هنگام خروج ازاداره

یک عده از قدیمی‌ترین روزنامه فروشان



بیست و پنج سال تاریخ

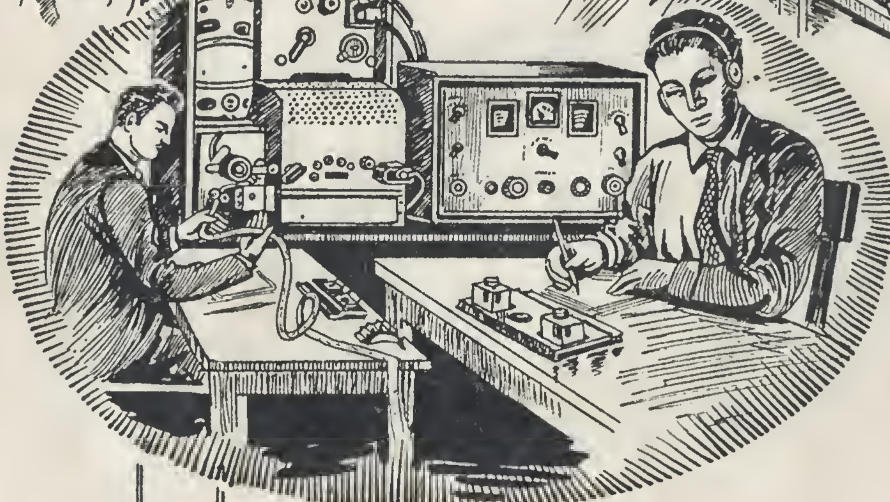
در یك جلد کتاب

این مجموعه بهترین یادگاری است که از مؤسسهٔ اطلاعات تقدیم خوانندگان عزیز میشود وقایع مهم کشور ایران درمدت بیست‌وپنج سال که شانزده سال آن مقارن با سلطنت اعلیحضرت رضا شاه فقید بوده در این مجموعه جای داده شده است بعلاوه مطالب جالب و مهم بمناسبت وقایع ، بخصوص در زمان شاه فقیدکه در جراید ایران منعکس نگردیده درخلال سطور این کتاب جلب توجه خوانندگان محترم را مینماید.

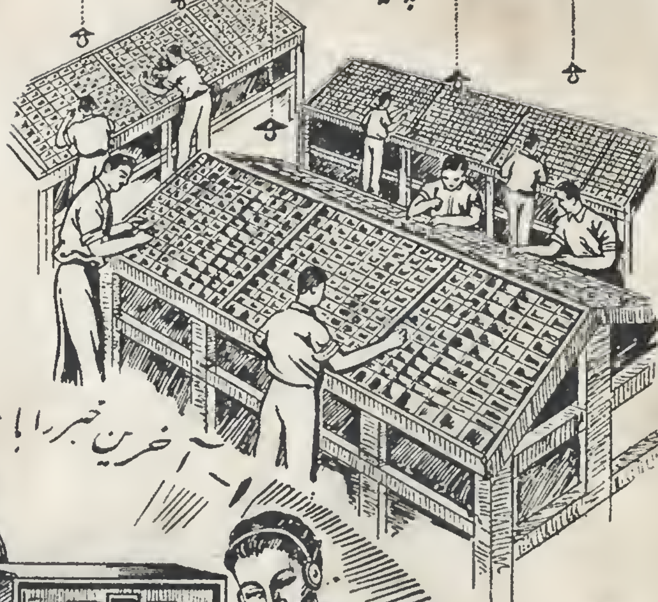
کارمندان اطلاعات با مسرت کامل این مجموعهٔ نفیس را بخوانندگان گرامی اطلاعات تقدیم میدارند .

این مجموعه برای مؤسسهٔ اطلاعات بقیمت گزافی تهیه شده لکن بقیمت ده ریال که از نصف بهای کاغذ کتاب هم کمتر است در دسترس علاقمندان باطلاعات گذارده شده است .

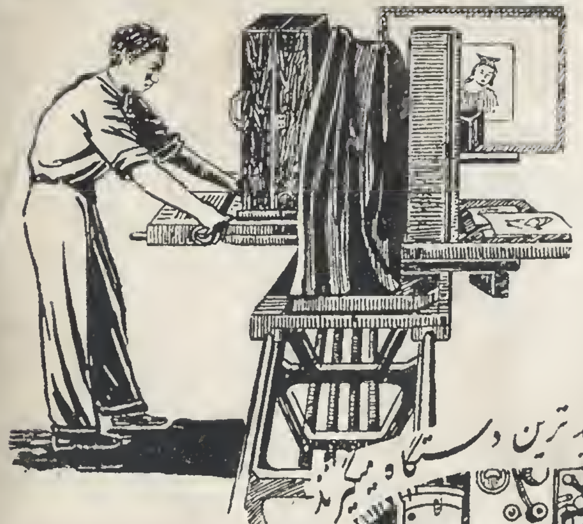
خوانندگان شهرستانها برای بدست آوردن کتاب مستقیماً بنمایندگی های ما مراجعه فرمایند و بدیهی است حق تقدم خرید بامشترکین و خریداران دائم روزنامه اطلاعات یا یکی ازنشریات این مؤسسه خواهد بود .



۱ - آخرین خبر را با جدید ترین دستگاه میگیرند



۲ - بلا فاصله حروفچینی میشود



۳ - در کمترین مدت گراور ها حاضر میگردد



۴ - با رتاتیو بسرعت چاپ میکنند



۵ - روزنامه بسته بندی و آماده توزیع میشود